

# فہرست موضوعی آیات قرآن

گردآوری و ترتیب:

دکتر محمد مصطفی محمد

مقدمہ، ترجمہ و توضیح:

فیض محمد بلوچ

عنوان کتاب:	فهرست موضوعی آیات قرآن
عنوان اصلی:	الفهرس الموضوعي لآيات القرآن الكريم
گردآوری و ترتیب:	دکتر محمد مصطفی محمد
مقدمه، ترجمه و توضیح:	فیض محمد بلوچ
موضوع:	کشف الآيات (فهرست موضوعی آیات قرآن کریم)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	اردیبهشت (ثور) ۱۳۹۵ هـ ش - شعبان ۱۴۳۷ هـ ق
منبع:	انتشارات خواجه عبدالله انصاری - سال ۸۹



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaiislam.com](http://www.sadaiislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت عقیده نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه (ادارة القرآن و العلوم الاسلامیة، کراچی، پاکستان).....	۱
مقدمه به قلم استاد: دکتر احمد عبدالستار الجواری.....	۷
مقدمه‌ی مؤلف.....	۱۱
پیشگفتار مترجم.....	۱۵
مہجوری قرآن در عصر حاضر.....	۲۶
توجه مسلمانان و غیرمسلمانان به قرآن.....	۳۴
اما کتاب حاضر.....	۴۰
«عقاید - ایمان».....	۴۳
شناخت ذات «الله» سبحانه و تعالی، و اینکه او تعالی، خالق و آفریدگار و مدبّر و سرپرست و نقشه‌کش و سازنده‌ی هر چیز است.....	۴۳
توحید و یگانگی خداوند.....	۵۸
تنزیه (پاک و بی‌آلایش دانستن) خدا از شریک و انباز، زن و فرزند و پدر و مادر.....	۶۶
صفات ذاتی و صفات افعالی خداوند.....	۷۱
۱- نفسیّه، سلبیّه، و ثبوتیّه.....	۸۵
۲- صفات معانی و معنوی.....	۸۵
۳- صفات ذات و صفات افعال.....	۸۵
«صفات نسبتی خداوند متعال».....	۸۷
الف) صفات ثبوتی و سلبی.....	۹۰
ب) صفات ذاتی و فعلی.....	۹۱

- «صفات انفرادی خداوند متعال»..... ۹۱
- «امر» و «قدرت» خداوند متعال؛ و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها بدو می‌گوید: باش! پس می‌شود [گُن، فیکون]..... ۹۴
- مشیت خداوند متعال..... ۹۷
- «اسماء الحسنی» (زیباترین نام‌های خداوند که بر بهترین معانی و کاملترین صفات دلالت می‌نمایند)..... ۱۰۷
- عرش خداوند متعال..... ۱۱۰
- کُرسی خداوند متعال..... ۱۱۴
- الف) «علم»..... ۱۱۵
- ب) «حکومت و قدرت و فرمانروایی»..... ۱۱۵
- ج) «تخت‌های کوتاه»..... ۱۱۵
- «الله» عَلَّاهُ آفریدگار آسمان‌ها و زمین است..... ۱۱۶
- «الله» عَلَّاهُ آفریدگار خورشید و ماه و ستارگان است..... ۱۲۱
- «الله» عَلَّاهُ آفریدگار «کواکب» [ستارگان] و «شهب» [شهاب‌ها و آذرخش‌ها] است..... ۱۲۴
- «الله» عَلَّاهُ آفریدگار شب و روز است..... ۱۲۵
- «الله» عَلَّاهُ آفریدگار باد است..... ۱۲۸
- «الله» عَلَّاهُ بادها را برای به حرکت درآوردن کشتی‌ها در دریاها، رام و مقهور کرده است..... ۱۲۹
- «الله» عَلَّاهُ بادها را برای تلقیح و باروری درختان و گیاهان، رام و مقهور کرده است..... ۱۳۰
- «الله» عَلَّاهُ باد را فرمانبردار حضرت سلیمان عَلَّاهُ کرد..... ۱۳۱
- «الله» عَلَّاهُ باد را برای شکست کفار در غزوه‌ی «احزاب» مأمور ساخت..... ۱۳۲
- هلاکت برخی از اقوام به وسیله‌ی باد، به خاطر اینکه به خدا کفر ورزیدند و از اوامر و فرامین او نافرمانی و مخالفت کردند..... ۱۳۴
- «الله» عَلَّاهُ از آسمان آب باران را می‌باراند (و با آن محصولات گوناگون و میوه‌های رنگارنگ و ... را به وجود می‌آورد)..... ۱۳۵

- «الله» ﷻ آفریدگار دریاها است ..... ۱۳۸
- «الله» ﷻ آفریدگار ابرها است ..... ۱۴۰
- «الله» ﷻ آفریدگار باران است ..... ۱۴۲
- «الله» ﷻ آفریدگار باران‌های عذاب (بر کفار و زنادقه و مشرکان و چنگانه پرستان و ستمکاران و سرکشان) است ..... ۱۴۲
- «الله» ﷻ آفریدگار «صاعقه‌ها» است ..... ۱۴۳
- «الله» ﷻ آفریدگار نبات (گل و گیاه و درخت) است ..... ۱۴۴
- «الله» ﷻ آفریدگار پرندگان است ..... ۱۴۸
- «الله» ﷻ آفریدگار حیوان است ..... ۱۴۹
- «الله» ﷻ آفریدگار انعام و چهارپایان است ..... ۱۴۹
- «الله» ﷻ آفریدگار اسب، قاطر و الاغ است ..... ۱۵۱
- «الله» ﷻ آفریدگار زنبور عسل است ..... ۱۵۱
- «الله» ﷻ آفریدگار انسان است ..... ۱۵۱
- باور و ایمان به خداوند و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران الهی و روز رستاخیز و باور به اینکه قضا و قدر [چه نیک و چه بد و چه شیرین و چه تلخ] همه از سوی خداست ..... ۱۵۴
- علم غیب ..... ۱۵۸
- حروف تهجی که در اول سوره‌های قرآن آمده است (حروف مقطعه‌ی قرآن) ... ۱۶۲
- «کلمات الله» ..... ۱۶۵
- «اجل» (وقت و مدت معین مرگ) در نزد خداوند متعال، مکتوب و مقدر است ..... ۱۶۶
- رزق و روزی (هر کس) در نزد خداوند ..... ۱۶۸
- «الله» ..... ۱۷۱
- هدایت و ضلالت (گمراهی) ..... ۱۷۱
- شفاعت ..... ۱۷۵
- اطاعت و فرمانبرداری از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیامبر خدا (حضرت محمد ..... ۱۷۸
- آنچه از پاداش و نعمت که آماده و مهیا شده برای کسانی که از خدا و پیامبر او

- اطاعت و فرمانبرداری کرده‌اند..... ۱۸۰
- اجابت و اطاعت کردن از اوامر و فرامین تابناک الهی و تعالیم و آموزه‌های  
روح‌بخش و سعادت‌آفرین نبوی ..... ۱۸۱
- توبه و استغفار ..... ۱۸۲
- نهی از استغفار برای مشرکین و چندگانه‌پرستان..... ۱۸۷
- توبه‌ی فرعون ..... ۱۸۸
- «فرعون» ..... ۱۸۸
- «توبه‌ی فرعون» ..... ۱۸۹
- مأیوس و ناامید نشدن از رحمت بی‌کران خداوند..... ۱۹۰
- «فرشتگان»** ..... ۱۹۱
- صفات و ویژگی‌های فرشتگان، و عبادت و پرستش آن‌ها، و اطاعت و فرمانبرداری  
آن‌ها از اوامر و فرامین و تعالیم دستورات یزدان ..... ۱۹۱
- وظایف فرشتگان ..... ۱۹۴
- عروج و نزول فرشتگان (بالا رفتن به آسمان و پائین آمدن از آن) و نازل کردن  
کتاب‌های آسمانی از جانب خداوند بر پیامبران الهی..... ۱۹۵
- برخی از فرشتگان رسول و پیام‌آور (و رابط بین خدا و پیامبران الهی) است .... ۱۹۶
- فرشتگان و نگارش و ثبت و ضبط بسیار دقیق گفتار و کردار انسان‌ها..... ۱۹۷
- فرشتگان و محافظت از انسان در برابر حوادث و سوانحی که حکم تحقق آن‌ها از  
جانب پروردگار صادر نگشته است..... ۱۹۸
- آفرینش آدم ..... ۱۹۸
- فرشتگان و گرفتن جان انسان‌ها (اعم از کافر و مؤمن و پرهیزکار و بزهکار) .... ۲۰۰
- فرشتگان و امدادهای غیبی برای مسلمانان در برخی از غزوات و جنگ‌ها (مانند  
جنگ «بدر» و «أحد»)..... ۲۰۱
- ایمان به فرشتگان..... ۲۰۱
- نهی از دشمنی کردن با فرشتگان، و نهی از اینکه کسی بگوید که فرشتگان ماده (یا  
نر) هستند، و یا فرشتگان دختران خدا و یا فرزندان حق تعالی هستند ..... ۲۰۲
- «نهی از دشمنی کردن با فرشتگان» ..... ۲۰۳
- «فرشتگان نر و ماده ندارند» ..... ۲۰۳

- «فرشتگان دختران یا فرزندان خدا نیستند»..... ۲۰۴
- نهی از عبادت و پرستش فرشتگان، و اینکه کسی آن‌ها را به عنوان پروردگاری و خدایی خود گیرد (منظور مشرکان عربی جاهلی است که فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند و نوعی ربوبیت و پروردگاری برای آن‌ها قائل بودند و با این حال خود را پیرو آئین ابراهیمی معرفی می‌کردند)..... ۲۰۴
- فرشتگانی که محافظ و نگهبان دوزخ‌اند..... ۲۰۵
- «جَنّ»..... ۲۰۷
- آفرینش جنیان از آتش..... ۲۰۷
- «جن»..... ۲۰۷
- سایر آیاتی که در شأن جنّ وارد شده است..... ۲۰۹
- جنیان در خدمت سلیمان پیامبر ﷺ..... ۲۱۱
- «شیطان»..... ۲۱۳
- واجب است که از شرّ شیطان به خدا پناه برده شود..... ۲۱۳
- «شیطان»..... ۲۱۳
- «پناه بردن به خدا از شرّ شیطان»..... ۲۱۵
- نافرمانی شیطان به خاطر سجده نکردن حضرت آدم..... ۲۱۶
- سائر آیاتی که در شأن ابلیس (و ابلیسیان و اهریمنان) وارد شده است..... ۲۲۰
- «وَحی»..... ۲۲۴
- وحی به فرستادگان و پیامبران الهی..... ۲۲۴
- ۱- وحی قلبی..... ۲۲۶
- ۲- کلام الهی..... ۲۲۶
- ۳- وحی مَلَکی..... ۲۲۶
- «فرق رسول با نبی»..... ۲۲۶
- وحی به سوی نوح ﷺ..... ۲۲۷
- وحی به سوی یوسف..... ۲۲۷
- وحی به سوی موسی و هارون علیهما السلام..... ۲۲۷
- وحی به سوی پیامبر ما، حضرت محمد ﷺ..... ۲۲۸

۲۳۲	وحی به سوی فرشتگان.....
۲۳۲	وحی به سوی مادر حضرت موسی.....
۲۳۳	وحی به سوی «حواریون».....
۲۳۴	وحی به زنبور عسل (الهام غریزی).....
۲۳۴	وحی به زمین.....
۲۳۴	وحی شیاطین (وسوسه‌ی شیطان و آرایش اندیشه‌های بد در ذهن انسان).....
۲۳۵	وحی حضرت زکریا.....
۲۳۶	۱- «وحی تشریحی».....
۲۳۶	۲- «وحی تکوینی».....
۲۳۶	ترسیم برخی از شیوه‌های مختلف وحی.....
۲۳۷	صحیفه‌ها و کتاب‌هایی که بر پیامبران و فرستادگان الهی فرو فرستاده شد.....
۲۳۹	نزول قرآن بر پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد.....
۲۳۹	واسطه و کارگزار نزول قرآن (که حضرت جبرئیل امین.....)
۲۴۰	آغاز نزول قرآن.....
۲۴۰	نزول تدریجی و مرحله‌ای آیه‌های قرآن.....
۲۴۲	حفظ و حراست آیه‌های قرآن.....
۲۴۳	ناسخ و منسوخ قرآن.....
۲۴۴	محکم و متشابه قرآن.....
۲۴۶	تفصیل قرآن.....
۲۴۷	تفصیل آیات قرآن.....
۲۴۸	تأویل.....
	قرآن همان کلام اعجاز آور و فصیح و بلیغ، و شگرف و شگفت‌انگیز خداوند است که
۲۴۹	آن را بر پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد.....
۲۵۲	(یکی از نام‌های قرآن) «کتاب» است.....
۲۵۶	(یکی دیگر از نام‌های قرآن) «فرقان» است.....
۲۵۶	(یکی دیگر از نام‌های قرآن) «ذکر» است.....
۲۵۷	(یکی دیگر از نام‌های قرآن) «تنزیل» است.....
۲۵۷	پاره‌ای دیگر از اوصاف قرآن.....



- (یکی دیگر از اوصاف قرآن) «نبأ» است ..... ۲۵۹
- قرآن به زبان عربی است ..... ۲۵۹
- قرآن تمام کسانی را که در مورد آسمانی بودن آن تردید دارند، و یا آسمانی بودن آن را تکذیب می‌کنند، به مبارزه فراخوانده است..... ۲۶۱
- «رسالات\*» ..... ۲۶۳**
- جوهره‌ی رسالتِ فرستادگان و پیام‌آوران الهی (رُسل و انبیاء)، و نصرت شدن آن‌ها از جانب خدا ..... ۲۶۳
- برتری بعضی از فرستادگان و پیام‌آوران الهی بر بعضی دیگر ..... ۲۶۷
- گرفتن پیمان از پیامبران ..... ۲۶۸
- خداوند از میان بندگان خویش، هر کس را که بخواهد به عنوان پیامبر برمی‌گزیند و به سوی مردم می‌فرستد ..... ۲۶۹
- پیامبران، و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۰
- حضرت آدم علیه السلام و فرا گرفتن علوم از جانب خدا ..... ۲۷۰
- حضرت نوح علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۲
- حضرت هود علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۲
- حضرت صالح علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۲
- حضرت ابراهیم علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۲
- حضرت لوط علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۲
- حضرت یعقوب علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۳
- حضرت یوسف علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۳
- حضرت موسی علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۳
- حضرت داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۳
- حضرت شعیب علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۳
- حضرت یحیی علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۳
- حضرت عیسی علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۳
- حضرت محمد صلی الله علیه و آله و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا ..... ۲۷۴
- دادن معجزات و نشانه‌های روشن به فرستادگان و پیام‌آوران الهی ..... ۲۷۴
- معجزه‌ی زنده کردن مردگان ..... ۲۷۴

- اعطای معجزات و نشانه‌های روشن به حضرت موسی علیه السلام ..... ۲۷۷
- معجزه‌ی شتر ثمود (قوم حضرت صالح علیه السلام) که از دل کوه بیرون آمد و دارای ویژگی‌ها و عجایب آفرینش خاص بود که یک ناقه‌ی عادی و معمولی نبود و از جهت و یا جهاتی خارق‌العاده بود) ..... ۲۷۹
- معجزه‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام، آن هنگام که خداوند تعالی او را از آتش نمرود و نمرودیان نجات بخشید ..... ۲۷۹
- معجزه‌ی حضرت یونس علیه السلام (آن هنگام که خداوند تعالی او را از شکم نهنگ رهایی بخشید) ..... ۲۷۹
- معجزه‌ی حضرت ایوب علیه السلام (آن هنگام که خداوند تعالی او را از بیماری نجات و خانواده‌اش را دوباره بدو بخشید و وی را مورد لطف و عنایت خویش قرار داد) ... ۲۸۰
- حضرت مریم علیها السلام و ولادت شگفت‌انگیز حضرت عیسی علیه السلام ..... ۲۸۰
- معجزات حضرت محمد صلی الله علیه و آله ..... ۲۸۰
- رسالت خاتم انبیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله ..... ۲۸۲
- آنچه خداوند تعالی بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است (مراد قرآن است)، و آنچه از کتاب و حکمت به مردمان آموزش و تعلیم داده است ..... ۲۸۲
- دعوت و تبلیغ حضرت محمد صلی الله علیه و آله (محور دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اثبات توحید و یگانگی خدا و تنزیه او از هر گونه شرک و شریک و همتا و همبر و انباز و مانند است) ..... ۲۸۳
- وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله تنها ابلاغ رسالت است ..... ۲۸۴
- خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان «شاهد» (گواه) و «مُبَشِّر» (مژده‌رسان) و «نذیر» (بیم‌دهنده) فرستاد ..... ۲۸۵
- ذکر اخلاق، صفات و ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، و تجلیل و تکریم، و تعظیم و بزرگداشت ایشان از ناحیه‌ی خدا ..... ۲۸۸
- ذکر پیامبر اسلام (حضرت محمد صلی الله علیه و آله) و اصحاب و یارانش در تورات و انجیل ..... ۲۹۱
- اهل کتاب (یهود و نصاری) پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن را می‌شناسند و از آن دو آگاهی دارند، از این رو برخی بدان‌ها ایمان می‌آورند و برخی به انکار آن‌ها می‌پردازند ..... ۲۹۲
- تکذیب شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از ناحیه‌ی مشرکین، و ردّ قرآن بر آن‌ها ..... ۲۹۵
- تکذیب شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از ناحیه‌ی مشرکین و اهل کتاب، از روی لجاجت و تعصب و عناد و یکدنگی بود ..... ۲۹۸
- اثبات اینکه پیامبر گرامی اسلام، «اُمّی» بود ..... ۲۹۹

- امکان نسیان و فراموشی در پیامبر ﷺ ..... ۳۰۰
- پناه بردن پیامبر ﷺ به خدا از شرّ شیطان ..... ۳۰۱
- گاهی پیامبر ﷺ دچار حزن و اندوه و نگرانی و ناراحتی می‌شد ..... ۳۰۱
- پیام‌های عتاب آمیز قرآن به پیامبر ﷺ ..... ۳۰۳
- منع شدن پیامبر از اطاعت کافران و منافقان و پیروی نمودن از هوا و هوس‌های آنان ..... ۳۰۵
- منع شدن پیامبر ﷺ از تمایل و گرایش به اهل کتاب به ذریعه‌ی پیروی نمودن از هوا و هوس‌های آنان و هشدار خداوند در این زمینه ..... ۳۰۶
- منع شدن پیامبر ﷺ از اینکه مدافع و جانبدار خائنان باشد ..... ۳۰۷
- خط بطلان کشیدن بر تهمت‌ها و بهتان‌های کسانی که می‌گویند: محمد ﷺ خودش قرآن را از پیش خود ساخته است و آن را فراهم آورده است ..... ۳۰۷
- آنچه از خبرهای غیبی گذشتگان و پیشینیان و آیندگان و پسینیان به پیامبر ﷺ وحی شده است ..... ۳۰۸
- داستان اصحاب کهف، و منع شدن پیامبر ﷺ از ستیزه و جدال در مورد آن‌ها، جز مجادله‌ی سطحی و مباحثه‌ی بدون طول و تفصیل و گفتگوی منطقی و مستدل ..... ۳۰۸
- آگاهی دادن خداوند به پیامبر ﷺ از حوادث و وقایعی که در آینده‌ی نزدیک به وقوع خواهد پیوست ..... ۳۱۱
- آگاهی دادن خداوند به پیامبر ﷺ از نشانه‌های قیامت ..... ۳۱۱
- پیامبر ﷺ مالک سود و زیانی برای خود نیست (مگر آن مقداری که خدا بخواهد و از راه لطف و کرم بر جلب نفع یا دفع شرّ، مالک و مقتدرش گرداند) ..... ۳۱۲
- پیامبر ﷺ نمی‌تواند کسی را که می‌خواهد هدایت ارمغان دارد، و این تنها خدا است که هر که را بخواهد هدایت عطا می‌نماید ..... ۳۱۳
- تشویق شدن پیامبر ﷺ بر همدم بودن با تهی‌دستانی که تنها رضای ذات خدا را می‌طلبند، و تشویق شدن پیامبر ﷺ بر تواضع و فروتنی و عطوفت و مهربانی با مؤمنان ..... ۳۱۴
- اسلام، دین فطرت است ..... ۳۱۴
- اسلام، آیین حضرت نوح ..... ۳۱۸
- اسلام، آیین حضرت ابراهیم ..... ۳۱۸
- اسلام، آیین قوم حضرت لوط ..... ۳۱۹
- اسلام، آیین حضرت یعقوب ..... ۳۱۹

اسلام، آیین حضرت یوسف ..... ۳۱۹

اسلام، آیین حضرت موسی ..... ۳۱۹

اسلام، آیین حضرت سلیمان ..... ۳۱۹

اسلام، آیین ملکه‌ی سبأ (بلقیس) بود ..... ۳۲۰

اسلام، آیین جنیان بود ..... ۳۲۰

اسلام، آیین حضرت محمد ..... ۳۲۰

اجبار و اکراهی در قبول دین نیست ..... ۳۲۰

«مؤمنان» (به محمد) ..... ۳۲۳

آیین و شریعت فرستادگان و پیامبران پیشین ..... ۳۲۴

**روز قیامت ..... ۳۲۷**

تشویق و ترغیب بر آمادگی کردن برای روز رستاخیز، و حال و وضع کسانی که  
برای روز قیامت اهمیتی قائل نیستند و بدان نمی‌اندیشند ..... ۳۲۷

حال و وضع کسانی که ایمان آورده‌اند و کردار نیکو انجام داده‌اند، و ابتلاء و  
آزمایش آن‌ها ..... ۳۳۰

امتحان کردن درجه‌ی صدق و ایمان مؤمنان و حق‌گرایان ..... ۳۴۶

منافقان ..... ۳۴۹

مشرکان و چندگانه‌پرستان ..... ۳۶۱

کفر؛ صفات و ویژگی‌های کافران، و تهدید و هشدارهایی که برای آن‌ها آمده است  
..... ۳۶۸

«برزخ» ..... ۳۹۷

علائم و نشانه‌های قیامت ..... ۳۹۸

نزول حضرت عیسی علیه السلام ..... ۳۹۸

یاجوج و ماجوج ..... ۴۰۰

ظهور «دابة الارض» و سخن گفتنش با مردم ..... ۴۰۲

دخان (دودی که در آستانه‌ی قیامت پیدا می‌شود) ..... ۴۰۲

غمام (شکافته شدن آسمان با ابرها) ..... ۴۰۳

حشر حیوانات وحشی و جنبنندگان و پرندگان ..... ۴۰۴

شکافته شدن ماه (در آستانه‌ی قیامت) ..... ۴۰۴

۴۰۴	..... رستاخیز و زنده شدن پس از مرگ
۴۰۵	..... نام‌های آخرت (روز قیامت)
۴۰۵	..... «یوم الدین»
۴۰۶	..... «الآخرة»
۴۰۶	..... «یوم القيامة»
۴۰۶	..... «الدار الآخرة» [سرای دیگر]
۴۰۶	..... «الیوم الآخر» [روز واپسین]
۴۰۶	..... «الساعة»
۴۰۷	..... «یوم الحسرة» [روز حسرت]
۴۰۷	..... «یوم البعث» [روز رستاخیز و زنده شدن پس از مرگ]
۴۰۷	..... «یوم الفصل» [روز داوری و حسابرسی، و جدایی میان حق و باطل]
۴۰۷	..... «یوم التلاق»
۴۰۸	..... «یوم الأذفة» [روز نزدیک، به علت نزدیک بودن قیامت، چنین نامیده شده است]
۴۰۸	..... «یوم الحساب» [روز حساب و کتاب]
۴۰۸	..... «یوم التناد» [روز صدا زدن]
۴۰۸	..... «یوم الجمع»
۴۰۹	..... «یوم الوعيد»
۴۰۹	..... «یوم الخلود»
۴۰۹	..... «یوم الخروج»
۴۰۹	..... «الواقعة»
۴۰۹	..... «یوم تغابن»
۴۱۰	..... «الحاقاة»
۴۱۱	..... «الطامة الكبرى»
۴۱۱	..... «الصاخة»
۴۱۱	..... «الغاشية»
	مقدّمات و حوادث نزدیک شدن قیامت، و اتفاقات و رخدادهای پایان یافتن این
۴۱۲	..... جهان
۴۱۴	..... «نفسه‌ی صور» (در صور دمیدن)
۴۱۶	..... «حشر» (دوره‌ی دوم زندگی انسان).
۴۱۸	..... اوضاع و احوال مردم در روز محشر

- انسان‌ها در روز قیامت به سه گروه تقسیم می‌شوند..... ۴۲۲
- محاسبه و بازخواست انسان در روز رستاخیز..... ۴۲۳
- بهشت..... ۴۳۱
- «نام‌های بهشت» مطابق آنچه در قرآن کریم وارد شده است..... ۴۳۸
- «جَنّات النعیم»..... ۴۳۸
- «دار السلام»..... ۴۳۸
- «جَنّات عدن»..... ۴۳۸
- «دار المتّقین»..... ۴۳۸
- «جَنّات الفردوس» [بهشت برین]..... ۴۳۹
- «جَنّة الخُلد»..... ۴۳۹
- «جَنّات المأوی»..... ۴۳۹
- «دار المقامة»..... ۴۴۰
- «المقام الامین»..... ۴۴۰
- اعراف..... ۴۴۰
- دوزخ..... ۴۴۲
- «نام‌های دوزخ (جهنّم)» مطابق آنچه در قرآن کریم وارد شده است..... ۴۴۹
- «النّار»..... ۴۴۹
- «الجحیم»..... ۴۴۹
- «جهنّم» [دوزخ]..... ۴۴۹
- «السعیر»..... ۴۴۹
- «لُظی»..... ۴۵۰
- «سَقَر» [ذوب کننده]..... ۴۵۰
- «الهاویة»..... ۴۵۰
- «الخُطمة»..... ۴۵۱
- «علم و دانش، و دانشمندان و فرهیختگان»..... ۴۵۳
- «علم و دانش، و دانشمندان و فرهیختگان»..... ۴۵۳
- «علم ربّانی»..... ۴۵۸
- برتری دادن آدم..... ۴۵۹
- پسندیده بودن سفر برای تحصیل علم..... ۴۶۰

۴۶۲	والایی مقام علماء و دانشمندان.....
۴۶۲	وجوب مراجعه به علماء و دانشمندان در زمینه‌ی مسائل دینی.....
۴۶۲	مشروعیت استنباط.....
۴۶۴	وعظ و ارشاد.....
۴۶۵	فراست مؤمن.....
۴۶۶	کیفر و پادافره‌ی کسانی که کتمان علم می‌کنند.....
۴۶۷	تشویق و ترغیب بر تعلیم و تعلّم.....
۴۶۷	مناظره در علم.....
۴۶۹	نهی از مجادله و مناظره‌ی بدون علم و آگاهی.....
۴۶۹	نهی از پیروی نمودن چیزهایی که نسبت به آن‌ها آگاهی و علم ندارد.....
۴۶۹	کسی که عهده‌دار پست و مسئولیتی می‌شود باید نسبت بدان آگاه و کاردان باشد.....
۴۶۹	آموزش دادن حیوانات و پرندگان.....
۴۷۰	مجادله‌ی باطل، مستوجب عذاب و عقاب خداوندی است.....
۴۷۰	مذمّت جدل و مراء و ستیزه‌جویی.....
۴۷۲	تشویق و ترغیب بر یادگیری شمارش سال‌ها (و ماه‌ها و روزها = تقویم) و فراگیری آمار و حساب.....
۴۷۵	<b>ارکان اسلام.....</b>
۴۷۵	رکن اول: گفتن شهادتین.....
۴۷۵	رکن دوم: نماز؛ طهارت از احداث (حدث اکبر «غسل» و حدث اصغر «وضو»):.....
۴۷۵	تشویق بر طهارت از نجاست.....
۴۷۸	استنجاء با آب و سنگ.....
۴۷۸	آیاتی که درباره‌ی ناپاکی‌ها وارد شده است؛ از قبیل: مردار.....
۴۷۹	شراب.....
۴۷۹	جنابت.....
۴۷۹	حیض.....
۴۷۹	بول و غائط (ادرار و مدفوع).....
۴۷۹	سنت‌های فطری از جمله «ختنه کردن».....

- ۴۸۱..... وضو (دست نماز گرفتن).....
- ۴۸۱..... نواقض (شکننده‌های) وضو.....
- ۴۸۱..... غسل.....
- ۴۸۲..... تیمم.....
- جواز تیمم با وجود در دسترس بودن آب، وقتی که استعمال نمودن آب، برای
- ۴۸۳..... شخص مضرّ و زیان‌آور باشد.....
- ۴۸۴..... اذان؛ و دعوت کردن انسان‌ها به سوی نماز.....
- ۴۸۴..... تشویق بر رفتن به سوی مساجد برای ذکر و یاد خدا.....
- ۴۸۴..... قبله.....
- کسی که سعی و تلاش خود را در یافتن جهت قبله کرد ولی موفق نشد که آن را
- ۴۸۴..... بیابد، لذا اجباراً به غیر جهت قبله نماز گزارد، نمازش جایز است.....
- ۴۸۴..... فرضیّت نمازهای پنج‌گانه و ادای آن‌ها در اوقات معیّن.....
- ۴۸۵..... نماز قصر.....
- ۴۸۶..... مسافتی که می‌توان در آن نماز را کوتاه کرد.....
- ۴۸۶..... آغاز و انتهای قصر.....
- نماز خوف، که در آن اشاره به سوی خواندن نماز با جماعت (حتی در شرایط
- ۴۸۷..... سخت و طاقت‌فرسا) است.....
- ۴۸۸..... نماز جمعه، و دعوت مردم به سوی نماز جمعه (به وسیله‌ی اذان).....
- ۴۸۸..... آیاتی که بیانگر نمازهای پنج‌گانه می‌باشند.....
- ۴۸۹..... محافظت و ورزیدن بر خواندن نمازها در اوقات معیّن آن‌ها.....
- ۴۸۹..... تشویق بر مبادرت و شتاب کردن در خواندن نماز در اول وقت آن.....
- فضیلت و برتری کسانی که در صف اول نماز و صف نخست جنگ و پیکار با
- ۴۸۹..... دشمنان، پیشقدم و پیشگام، و طلایه‌دار و پیشقراول هستند.....
- ۴۸۹..... قیام (برپا ایستادن) در نماز؛ و نهی از سخن گفتن در نماز.....
- ۴۹۰..... توجه و عنایت جسمی و قلبی به نماز.....
- «تکبیرة الاحرام»، و سائر تکبیرات نماز (از قبیل تکبیرات انتقال از رکنی به رکن
- ۴۹۱..... دیگر).....
- ۴۹۱..... دعای استفتاح (ثناء).....



۴۹۲	قرائت در نماز.....
۴۹۲	رکوع و سجود.....
۴۹۲	اشاره به اعضای هفت گانه‌ای که انسان در نماز بر آن‌ها سجده می‌کند.....
۴۹۳	تشهّد، درود بر پیامبر.....
۴۹۳	گریه کردن در نماز از ترس خدا، جایز است (ولی اگر گریه‌ی نمازگزار، بر اثر درد و مصیبت بود، جایز نیست و نماز باطل می‌گردد).....
۴۹۳	عمل قلیل در نماز (به خاطر ضرورت) نماز را باطل نمی‌کند.....
۴۹۴	نماز کسی که از نمازش در خواب ماند، یا آن را فراموش کند.....
۴۹۵	فرد بیمار به میزان قدرت و توانایی‌اش نماز را بخواند.....
۴۹۵	نماز خواندن در خانه.....
۴۹۷	نماز جماعت.....
۴۹۷	عبادات، نمازهای نفل.....
۴۹۷	دو رکعت قبل از نماز صبح (به قولی مراد از آیه‌ی ۴۹ سوره‌ی طور، دو رکعت بامداد است).....
۴۹۷	دو رکعت پس از نماز مغرب.....
۴۹۷	خواندن دو رکعت نماز بین هر اذان و اقامه، یکی از اعمال نیک و شایسته است..
۴۹۸	نماز عید قربان.....
۴۹۸	نماز عید فطر.....
۴۹۸	نماز شب (صلاة اللیل = نماز تهجد).....
۴۹۸	نفل شب از نفل روز بهتر و برتر است.....
۴۹۸	نماز جنازه، و نهی از خواندن نماز جنازه بر کافران و منافقان.....
۴۹۹	اولیای میّت به نماز خواندن بر میّت از دیگران مستحق تراند.....
۴۹۹	نماز توبه [صلاة توبه].....
۴۹۹	استحباب نماز، در وقت وارد شدن مصیبت [صلاة الحاجة].....
۴۹۹	نماز کسوف (خورشید گرفتگی) و خسوف (ماه گرفتگی).....
۵۰۰	نماز استسقاء (طلب باران).....
۵۰۱	آیات کلی درباره‌ی نماز.....

آیاتی چند در مورد کسانی که نسبت به نماز، سست و بی‌حال و تنبل و کسل هستند (و جز با ناراحتی و بی‌حالی و سستی و سنگینی به نماز نمی‌ایستند و جز از

- ۵۰۴..... روی ناچاری و ناخشنودی نماز نمی گزارند).
- آیاتی چند در مورد مشرکان و چندگانه پرستانی که توبه کردند و از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن اسلام خویش، نماز خواندند..... ۵۰۴
- فرمان خداوند متعال به بنی اسرائیل برای بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات... ۵۰۴
- «صلاة» از ناحیه‌ی خداوند متعال به معنای «رحمت» و از ناحیه‌ی مخلوقات و بندگان به معنی «دعا و استغفار» است..... ۵۰۵
- دعای حضرت ابراهیم در نماز..... ۵۰۵
- سفارش لقمان حکیم به پسرش برای بر پا داشتن نماز..... ۵۰۵
- عبادات - سجود..... ۵۰۵
- مواضع سجده‌ی تلاوت در قرآن..... ۵۰۵
- سجده‌ی فرشتگان بر آدم عليه السلام..... ۵۰۶
- سجده‌ی جادوگران فرعون برای خداوند متعال..... ۵۰۷
- سجده‌ی برادران یوسف عليه السلام..... ۵۰۷
- عبادات - ادعیّه..... ۵۰۸
- تشویق و ترغیب بر دعا..... ۵۰۸
- دعاهای قرآنی..... ۵۰۹
- ذکر و یاد خداوند متعال (ذکر الله)..... ۵۱۲
- خداوند متعال را به عظمت و کبریایی یاد کردن (التکبیر)..... ۵۱۳
- شکر و سپاسگذاری از خداوند متعال با گفتار و کردار شایسته..... ۵۱۳
- ستایش خداوند جهانیان (حمد الله تعالی)..... ۵۱۴
- تسبیح و تقدیس خداوند از ناتوانی‌ها و ناشایست‌ها، و تعظیم و تکریم و تجلیل و بزرگداشت حق تعالی در همه‌ی حالات..... ۵۱۵
- رکن سوم: زکات..... ۵۱۷**
- فرمان خدا مبنی بر پرداخت زکات و حقوق واجب مالی..... ۵۱۷
- تشویق بر عدم تأخیر و عدم سستی و گُندی در پرداخت زکات..... ۵۱۷
- زکات شتر، گاو، گوسفند و امثال آن‌ها..... ۵۱۷
- زکات حبوبات و ثمر درختان..... ۵۱۷
- زکات فطر..... ۵۱۸

بیان موارد مصرف زکات، و فرضیت زکات	۵۱۸
واجب است تا در پرداخت زکات، پاکیزه‌ترین، بهترین، برگزیده‌ترین و حلال‌ترین اموال، گزینش شود	۵۲۰
آنچه از عذاب و خشم خدا به مانعان زکات می‌رسد (مانعان زکات در تیررس عذاب و خشم خداوند متعال هستند)	۵۲۰
آیات کلی درباره‌ی زکات	۵۲۰
پیمان گرفتن خداوند متعال از بنی اسرائیل مبنی بر پرداخت زکات و برپاداری نماز	۵۲۱
آیاتی چند در مورد مشرکان و چندگانه پرستانی که توبه کردند و از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن اسلام خویش، زکات دادند	۵۲۲
انفاق و بخشش در راه خدا	۵۲۲
فرمان الهی به انفاق و بخشش و صدقه کردن	۵۲۲
وجوب انفاق از پاکیزه‌ترین، برگزیده‌ترین، حلال‌ترین و بهترین اموال	۵۲۲
ثواب انفاق در راه خدا، قابلیت رشد و نمو تا هفتصد برابر و یا بیشتر را دارد	۵۲۳
انفاق باید مازاد بر نیازمندی خود فرد، و اضافه بر نفقه‌ی خانواده‌اش باشد	۵۲۳
اعتدال و میانه‌روی در انفاق	۵۲۳
انفاق کننده و احسانگر برای این انفاق نکند تا بیشتر بگیرد و افزون طلبی کند	۵۲۳
آیات کلی درباره‌ی انفاق و صدقه	۵۲۳
حیوان قربانی	۵۲۶
آیاتی چند پیرامون انفاق مشرکان و چندگانه پرستان و منافقان و دوچهرگان	۵۲۷

## رکن چهارم: روزه

فرضیت روزه	۵۲۹
ماه روزه (رمضان المبارک)	۵۲۹
چگونگی اثبات آغاز و انتهای ماه رمضان	۵۲۹
وقت امساک، و وقت افطار در روزه	۵۳۰
رخصت افطار برای بیماران و مسافران	۵۳۰
رخصت افطار برای کسانی که توانایی انجام روزه را ندارند و یا با رنج و مشقت می‌توانند آن را بگیرند	۵۳۱

- روزه‌ی نفلی..... ۵۳۱
- عموم آیات درباره‌ی روزه..... ۵۳۱
- شب قدر..... ۵۳۲
- صدقه‌ی فطر..... ۵۳۲
- رکن پنجم: حجّ**..... ۵۳۳
- فرضیّت حجّ..... ۵۳۳
- عدم تأخیر و تراخی، و عدم سستی و تنبلی در ادای فریضه‌ی حج (برای کسی که توانایی مالی و بدنی برای رفتن به حجّ خانه‌ی خدا را دارد)..... ۵۳۳
- وقت حجّ..... ۵۳۴
- هلال‌های ماه، شناسه‌های زمانی و تقویم طبیعی برای نظام زندگی مردم و تعیین وقت حجّ هستند..... ۵۳۴
- نیّت و تلبیه..... ۵۳۴
- منهیّات و محظورات حجّ..... ۵۳۵
- مستحب است تا حاجی در سفر حج، زاد و توشه‌ی مناسبی را برای خویش تهیه کند (در سفر حج، زاد و توشه لازم است)..... ۵۳۵
- طواف پیرامون کعبه و عبادت کردن در آن..... ۵۳۵
- سرزمین حرم (خانه‌ی کعبه)، مأوای امن و امان است..... ۵۳۶
- خواندن دو رکعت نماز در پشت «مقام ابراهیم» پس از پایان طواف..... ۵۳۶
- در سعی بین صفا و مروه، باید نخست از «صفا» شروع کرد..... ۵۳۶
- سعی بین صفا و مروه، در حجّ و عمره..... ۵۳۶
- مباح بودن تجارت و سائر انواع کسب معاش در حجّ..... ۵۳۶
- وجوب وقوف به عرفه، و بعد از آن رهسپار شدن به مزدلفه..... ۵۳۶
- ذکر و یاد خدا در «مشعر الحرام» [کوهی است در مزدلفه میان عرفات و منی]..... ۵۳۶
- رهسپار شدن از «مزدلفه» به سوی «منی»..... ۵۳۷
- تکبیرات ایّام تشریق..... ۵۳۷
- کسی که حجّ تمتع می‌کند..... ۵۳۸
- اگر کسی از برگزاری بعضی از مناسک حج، به وسیله‌ی دشمن یا بیماری و غیره، بازداشته شد و خواست از احرام بدر آید (محصر)، بر اوست که هر آنچه از قربانی

فراهم شود (همچون شتر و گاو و گوسفند) ذبح کند و آن گاه از احرام بدر آید	۵۳۸
نحر قربانیانی که حجّاج برای حج می آورند	۵۳۸
اگر کسی از حجّاج، بیمار شد یا ناراحتی در سر داشت (به سبب زخمی بودن، یا سردرد و یا بیماری‌های دیگر، و ناچار شد سر خود را قبل از موقع آن بتراشد) باید فدیّه (کفّاره‌ای) از قبیل: روزه یا صدقه و یا گوسفندی بدهد	۵۳۹
تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر، پس از فراغت از ذبح حیوان قربانی برای حاجیان	۵۳۹
کفاره‌ی کشتن نخجیر در حالت احرام، و یا در سرزمین حرم برای کسی که جهت انجام حجّ یا عمره یا هر دو، احرام بسته است	۵۳۹
رمی جمرات، ذبح حیوان قربانی، و تراشیدن موی سر پس از فراغت از انجام مناسک حجّ	۵۴۰
وفا کردن به نذرها که در مناسک حج، حجّاج به گردن می‌گیرند	۵۴۰
طواف «افاضه»	۵۴۰
عموم آیاتی که درباره‌ی فریضه‌ی حج، وارد شده است	۵۴۱
<b>«جهاد»</b>	<b>۵۴۴</b>
فرضیّت جهاد	۵۴۴
۱- جهاد ابتدایی آزادی‌بخش	۵۴۵
۲- جهاد دفاعی	۵۴۵
۳- جهاد برای نابود ساختن شرک و بت‌پرستی	۵۴۵
جهاد، فرض کفایه است	۵۴۷
فرض عین	۵۴۸
فرض کفایی	۵۴۸
کسانی که به تحصیل علم و دانش مشغولند، از رهسپار شدن به سوی جهاد و پیکار معاف‌اند	۵۴۹
در برابر فرمان بسیج عمومی برای جهاد (نفیر عام)، همه‌ی مسلمانان باید به سوی جهاد حرکت کنند	۵۴۹
آنان که از جهاد معذور و معاف‌اند	۵۴۹
لشکرهای آسمان‌ها و زمین، از آن خدا است	۵۵۰

- یاری دادن پیامبر اکرم ..... ۵۵۰
- امداد مؤمنان و حق گرایان به وسیله‌ی فرشتگان (در جنگ و پیکار با دشمنان و بدخواهان اسلام و مسلمین) ..... ۵۵۱
- در هنگام نبرد، فرار از جنگ حرام است ..... ۵۵۱
- جنگجویان به چه تعدادی باشند که نمی‌توانند از صحنه‌ی جنگ فرار کنند ..... ۵۵۲
- و جوب آمادگی برای جهاد ..... ۵۵۲
- فراهم نمودن تدارکات و امکانات لازم ..... ۵۵۲
- ساخت زره (و ادوات جنگی) ..... ۵۵۳
- جواز عملیات شهادت طلبانه (حملات فدایی) ..... ۵۵۳
- کسانی که در راه خدا شهید می‌شوند، (مرده نیستند، بلکه آنان) در نزد پروردگارش زنده‌اند و روزی می‌خورند ..... ۵۵۴
- مشرکان و چندگانه‌پرستان، طرف جنگ با مسلمانان هستند (و جهاد نیز برای نابود ساختن آثار شرک و بت‌پرستی، تشریح شده است) ..... ۵۵۴
- رساندن دعوت اسلام به دشمنان و بدخواهان، یکی از شرایط جنگ و پیکار است ..... ۵۵۴
- اگر در کشتی کفار، اسیرانی از مسلمانان وجود داشت، نباید جنگجویان مسلمان، آن کشتی را به آتش بکشند. و همچنین اگر در دژ کفار، اُسرائی از مسلمانان بودند، باز هم جنگجویان مسلمان حق ندارند تا آن دژ را آماج حملات و تیراندازی‌های خویش قرار بدهند و مسلمانان را لگدمال و نابود بکنند ..... ۵۵۶
- جهاد در راه خدا، برترین و بهترین اعمال است و دارای مرتبه‌ای بس عالی و بلند است ..... ۵۵۶
- برای فرد مجاهد واجب است هنگامی که برای جهاد در راه خدا بیرون می‌شود، تحقیق و تفحص کند که با چه کسانی می‌جنگد. آیا مسلمانند یا کافر؛ ..... ۵۵۷
- صلح ..... ۵۵۷
- اُسرای جنگی، و اینکه آیا بر آنان مَنّت گذارند و بدون عوض و تاوان و غرامت جنگی آزادشان کنند و یا در برابر آزادی، از آنان فدیة گیرند. (خواه با معاوضه‌ی اسراء و خواه با دریافت اموال) ..... ۵۵۸
- اسرای جنگ بدر ..... ۵۵۸

۵۵۸.....	نفا.....
۵۵۹.....	خوراک دادن به اُسرای کفّار و مشرکین.....
۵۵۹.....	گرفتن جزیه از اهل کتاب.....
۵۵۹.....	نهی از نشر و پخش اخبار، پیش از تحقیق و بررسی در مورد صحّت و درستی آن.....
۵۶۰.....	عالمگیر شدن اسلام (آینده در قلمرو اسلام).....
۵۶۰.....	اجازه‌ی جهاد و پیکار با دشمنان و بدخواهان اسلام و مسلمین (نخستین فرمان جهاد در سال دوم هجری).....
۵۶۰.....	جنگ و پیکار با مشرکان و کفّار.....
۵۶۳.....	تشویق و ترغیب بر جهاد در راه خدا.....
۵۶۵.....	جهاد با کفّار با دلیل و حجّت (نه با شمشیر)؛ و جهاد با نفس.....
۵۶۵.....	جهاد با کفّار به وسیله‌ی شمشیر، و جهاد با منافقان با زبان (و دلیل و حجّت).....
۵۶۶.....	- جهاد با زبان.....
۵۶۶.....	- جهاد با قلم.....
۵۶۶.....	- جهاد با قلب.....
۵۶۷.....	- جهاد با مال.....
۵۶۷.....	- جهاد با شمشیر.....
۵۶۷.....	مرزداری و نگاهبانی.....
۵۶۷.....	آیاتی چند در مورد اسب (ابزار جهاد) که به سوی میدان جهاد، نفس زنان پیش می‌روند. و در این آیات، اشاره به این مطلب رفته که بهترین وقت برای پیکار، وقت صبح و هنگام غفلت دشمن است.....
۵۶۷.....	پناه گرفتن در دژها و قلعه‌های محکم و استوار.....
۵۶۸.....	پنهان شدن در مخفیگاه‌ها و پناهگاه‌ها و غارها و گریزگاه‌ها.....
۵۶۸.....	به کار گماشتن پرنندگان در حمل و نقل نامه‌ها (پرنندگان و جابه‌جایی اخبار و نامه‌ها).....
۵۶۸.....	جنگ و پیکار در ماه‌های حرام، و جنگ در مسجدالحرام.....
۵۷۰.....	«جنگ در مسجدالحرام»؛ حرم.....
۵۷۰.....	معاهدات و پیمان‌ها میان طرفین جنگ.....
۵۷۳.....	در مذمّت کسانی که پیمان‌شکنی و نقض عهد می‌کنند.....

- پایبندی به معاهدات، تا زمانی است که بیم توطئه نباشد، و همانگونه که دشمنان در فکر توطئه و پیمان شکنی اند، برای مسلمانان نیز مباح است که پیمان را لغو کنند و برای پیشگیری از حملات احتمالی دشمن، در لغو پیمان، پیشدستی نمایند
- ۵۷۴.....
- پیمان و عقد ذمه ..... ۵۷۴.....
- غنائم ..... ۵۷۵.....
- گرفتن چیزی از غنائم قبل از تقسیم آن، حرام است ..... ۵۷۶.....
- «فیء» ..... ۵۷۶.....
- هجرت و غزوات پیامبر ..... ۵۷۷.....
- توطئه پست و زبوانه‌ی طوایف قریش به قتل پیامبر ﷺ در مکه ..... ۵۷۷.....
- هجرت پیامبر ﷺ به مدینه‌ی منوره ..... ۵۷۸.....
- سریه‌ی عبدالله بن جحش ..... ۵۷۸.....
- غزوه‌ی بدر کُبری ..... ۵۸۰.....
- غزوه‌ی بنی قینقاع ..... ۵۸۳.....
- غزوه احد ..... ۵۸۴.....
- غزوه‌ی «حمرء الاسد» ..... ۵۸۸.....
- غزوه‌ی بنی نضیر ..... ۵۸۹.....
- غزوه‌ی بدر ثانی ..... ۵۹۱.....
- غزوه‌ی خندق ..... ۵۹۲.....
- غزوه‌ی بنی قریظه ..... ۵۹۴.....
- صلح حدیبیه و بیعت رضوان ..... ۵۹۵.....
- غزوه‌ی خیبر ..... ۵۹۸.....
- غزوه‌ی تبوک ..... ۶۰۰.....
- فتح مکه ..... ۶۰۴.....
- غزوه‌ی حنین و طائف ..... ۶۰۵.....
- «جنایات» ..... ۶۰۹.....
- جرم قتل نفس، و عقوبت و مجازات آن در اسلام ..... ۶۰۹.....
- مجازات «قتل عمد» ..... ۶۰۹.....
- مجازات «قتل خطا» ..... ۶۱۰.....



- کشتن به ناحق انسان‌ها، حرام است ..... ۶۱۲
- خودکشی حرام است ..... ۶۱۳
- کشتن فرزندان از ترس فقر و تنگدستی حرام است ..... ۶۱۵
- جنايات - حدود (مجازات‌های تعیین شده) ..... ۶۱۶
- شرابخواری و تحریم تدریجی آن ..... ۶۱۶
- حد زنا و مجازات آن ..... ۶۱۸
- مجازات زن بدکار اگر کنیز باشد، و مجازات مرد بدکار اگر غلام باشد (به خاطر کنیز و برده بودن و محرومیت‌های آن‌ها) به نصف (یعنی پنجاه تازیانه) کاهش می‌یابد ..... ۶۱۹
- حد عمل «لواط» (همجنس‌گرایی مردان) و حد عمل «مُساحقه» (همجنس‌گرایی زنان) و مجازات آن‌ها ..... ۶۱۹
- مجازات تهمت زدن به زنان پاکدامن (حد قذف: تهمت زنا) ..... ۶۲۱
- حد سرقت و مجازات آن ..... ۶۲۲
- حد ردّت و مجازات مرتدین ..... ۶۲۴
- حد و مجازات راهزنی ..... ۶۲۵
- حد و مجازات بَغی (قیام و سرکشی بر ضدّ نظام اسلامی) ..... ۶۲۷
- «طاعات» (عبادات و ارزش‌های انسانی و الهی) ..... ۶۲۹**
- نیکی و احترام به پدر و مادر ..... ۶۲۹
- صله‌ی رحم (رفتار نیک با خویشاوندان) و نهی از قطع صله‌ی رحم ..... ۶۲۹
- توصیه به نیکی با همسایگان ..... ۶۳۰
- مشروعیت سلام و واجب بودن ردّ آن ..... ۶۳۰
- ورود به خانه‌ی مردم نیاز به اذان و اجازه دارد (و وارد شدن به خانه‌ی دیگران به صورت سرزده، حرام است) ..... ۶۳۰
- جا دادن و جا باز کردن به دیگران در مجلس (تفَسّح در مجلس) ..... ۶۳۰
- «کلمه‌ی طیبه» (سخن خوب و نیک) ..... ۶۳۱
- سخن زیبا و پسندیده با مردم گفتن (قول الحسن)؛ و حُسن اخلاق و برخورد شایسته با مردم (دفع بدی‌های مردم با برخوردهای خوب) ..... ۶۳۱
- اعراض و رویگردانی از لغو (کردار بیهوده و گفتار یاوه و اعمال و اقوالی که در آن خیر و سودی نباشد) ..... ۶۳۲
- سفارش و تشویق به ترحم و مهربانی ..... ۶۳۲

- استقامت و پایداری در راه حق..... ۶۳۳
- صبر و برداری..... ۶۳۳
- آیاتی درباره‌ی صداقت و راستی، و راستان و راستگویان در کردار و گفتار و پندار  
۶۳۵.....
- عفو و بخشش و گذشت و چشم‌پوشی..... ۶۳۵
- امر به معروف و نهی از منکر..... ۶۳۷
- سفارش لقمان حکیم به فرزندش..... ۶۳۷
- چنگ زدن به «حبل الله» (رشته‌ی ناگسستنی الهی)..... ۶۳۸
- «منهیات و محرّمات قرآن»..... ۶۴۱**
- تحریم قماربازی، بتان سنگی و غیره، و تیرها و سنگ‌ها و اوراقی که برای  
بخت‌آزمایی و فال‌بینی و غیب‌گویی به کار می‌روند..... ۶۴۱
- سحر و جادو، کفر است..... ۶۴۲
- نهی از باور داشتن به «جبت»، «طاغوت» و «کهانت»..... ۶۴۳
- نهی از دگرگون ساختن آفرینش خدا (تغییر خلق الله)..... ۶۴۴
- تحریم تمسخر و استهزای دیگران، سوء ظن و بدگمانی به مردم، و تجسّس و غیبت  
۶۴۵.....
- تحریم سخن‌چینی، عیبجویی و بدگویی از دیگران، و طعنه زدن به مردم..... ۶۴۵
- تحریم خوردن مال حرام..... ۶۴۵
- نهی از نجوا و درگوشی و نهانی صحبت کردن که موجب بدی و گناه باشد..... ۶۴۶
- در مذمّت بدعت و بدعت‌گرایان..... ۶۴۶
- نهی از اختلاف و تفرقه..... ۶۴۷
- آزار و اذیت رساندن به مؤمنان، حرام است..... ۶۴۷
- تحریم تکبر و غرور و خودبزرگ‌بینی و خودمحوری..... ۶۴۷
- تحریم فواحش (کارهای ناپه‌نجان و زشت همچون زنا) و تحریم بغی (ظلم و ستم و  
تجاوز به حقوق دیگران)..... ۶۴۸
- فرد مسخره‌کننده از زمره‌ی جاهلان و بی‌خردان است (ریشه‌ی تمسخر از جهالت  
۶۴۸..... است)
- مجازات انسان‌های منافق و دورو..... ۶۴۸

- ۶۴۹..... نهی از باور کردن اخبار دروغین و غیرموثق
- ۶۵۰..... نهی از بخل و تنگ چشمی
- ۶۵۱..... نهی از دشنام دادن بت‌ها و معبودهای مشرکان
- ۶۵۱..... افشای عیوب مردم، به هر نحو باشد حرام است (با شعر، طنز، تصریح، تلویح، حکایت و...) (۶۵۱)
- ۶۵۲..... نهی از تهمت و بهتان
- ۶۵۲..... نهی از حمایت و پشتیبانی کفار؛ نهی از پذیرفتن ولایت کفار (۶۵۲)
- ۶۵۶..... نهی از پیروی هوا و هوس‌های نفسانی
- ۶۵۷..... «روابط اجتماعی» (۶۵۷)
- ۶۵۷..... مشروعیت ازدواج (۶۵۷)
- ۶۵۷..... ترغیب و تشویق مردم به ازدواج (۶۵۷)
- ۶۵۸..... ۱- بقای نوع انسان (۶۵۸)
- ۶۵۸..... ۲- حفظ رابطه‌ی نسبی (۶۵۸)
- ۶۵۸..... ۳- جلوگیری از هرج و مرج و بی‌بند و باری اخلاقی در جامعه (۶۵۸)
- ۶۵۹..... ۴- جلوگیری از انتشار امراض گوناگون (۶۵۹)
- ۶۵۹..... ۵- آرامش روحی و نفسانی (۶۵۹)
- ۶۵۹..... ۶- همکاری زوجین در ساختن نظام خانواده و تربیت فرزندان (۶۵۹)
- ۶۵۹..... ۷- برانگیختن عاطفه‌ی والدین نسبت به فرزند (۶۵۹)
- ۶۵۹..... نهی از «رهبانیت» و ترک ازدواج برای کسی که توانایی ازدواج را داشته باشد (۶۵۹)
- ۶۶۰..... راهکار برای کسانی که امکانات ازدواج را ندارند و قادر به پرداخت مهریه و نفقه نمی‌باشند (۶۶۰)
- ۶۶۱..... زنانی که به خاطر «نسب»، «خویشاوندی ناشی از ازدواج» (مصاهره)، و «رضاع» (شیرخوارگی)، ازدواج با آن‌ها حرام ابدی است (۶۶۱)
- ۶۶۳..... زنانی که به طور موقت ازدواج با آن‌ها حرام است (۶۶۳)
- ۶۶۳..... جمع بین دو خواهر (دو خواهر را در یک زمان به ازدواج خود درآوردن) حرام است (۶۶۳)
- ۶۶۳..... ازدواج با بیشتر از چهار زن حرام است (۶۶۳)
- ۶۶۵..... ازدواج با زن شوهردار (قبل از طلاق یا مردن شوهر و سپری شدن عده) حرام است (۶۶۵)

- خواستگاری و ازدواج با زنی که به خاطر گرفتن طلاق یا فوت شوهر در حال گذرانیدن عده است، حرام می‌باشد (اما خواستگاری غیررسمی با گوشه و کنایه جایز است).... ۶۶۶
- نکاح مرد مسلمان با زن مشرک، و زن مسلمان با مرد مشرک حرام است ..... ۶۶۶
- نکاح با زنان کافر، حرام است، و همسر کافر شده را باید رها کرد (چرا که مرتد شدن، عقد نکاح را باطل، و پیوند زناشویی را می‌گسلد)..... ۶۶۷
- ازدواج با مردان و زنان زناکار قبل از توبه و اصلاح وضع خود، و قبل از سپری شدن عده‌ی زن، حرام است..... ۶۶۷
- برقراری دوستی‌ها و روابط نامشروع و پنهانی زن و مرد، حرام است ..... ۶۶۷
- زنی که هر سه طلاق او جاری شده است، پیش از ازدواج با مرد دیگری و طلاق گرفتن طبیعی یا مرگ شوهر دوّم او، برای شوهر اولش حرام می‌باشد..... ۶۶۸
- خواستگاری..... ۶۶۸
- اجازه خواستن از زن، قبل از ازدواج (باید از زن اجازه گرفته شود و نباید مجبور به ازدواج گردد)..... ۶۶۹
- یکی از شرایط صحّت عقد ازدواج، «ولّی و سرپرست» است ..... ۶۷۰
- غیرمسلمانان، هیچ‌گونه ولایتی بر ازدواج دادن زنان مسلمان ندارند..... ۶۷۲
- مهریه ..... ۶۷۲
- عقد ازدواج..... ۶۷۵
- ازدواج با زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن اهل کتاب..... ۶۷۵
- ازدواج با کنیزان مؤمن (ایمان، شرط اساسی در هر ازدواجی است)..... ۶۷۸
- ازدواج با همسران فرزند خواندگان بعد از طلاق آن‌ها جایز و حلال است ..... ۶۷۸
- مردان بر زنان سرپرستند و در جامعه‌ی کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده‌ی ایشان است ..... ۶۷۹
- تأمین مخارج زن و فرزند..... ۶۸۱
- حُسن معاشرت میان زن و شوهر..... ۶۸۲
- حقوق شوهر بر زن ..... ۶۸۳
- حقوق زن بر مرد..... ۶۸۵
- هم بستری و روابط زناشویی..... ۶۸۶
- مرد و همسر هنگام معاشرت جنسی، از گفتار لغو و یاوه بپرهیزند..... ۶۸۷
- سقط کردن جنین..... ۶۸۸
- تأدیب زن به هنگام نشوز و تمرد و عدم اطاعت از شوهرش ..... ۶۸۹

- اصلاح و ایجاد آشتی میان زن و شوهر (شورای خانوادگی) ..... ۶۹۰
- نگهداشتن زن به نیکی، یا طلاق دادنش به صورت خدایسندانه ..... ۶۹۱
- تخیر زن (ادامه‌ی زندگی مشترک یا مفارقت را به میل و اختیار زن گذاشتن)، طلاق نیست ..... ۶۹۳
- طلاق قبل از دخول (و عمل زناشویی) ..... ۶۹۴
- طلاق رجعی ..... ۶۹۵
- طلاق بائن ..... ۶۹۶
- در موقع طلاق یا رجعت، دو نفر عادل و مورد اعتماد و متدین را شاهد بگیرند ... ۶۹۷
- «ایلاء» ..... ۶۹۸
- خُلَع ..... ۶۹۹
- «ظهار» و کفّاره‌ی آن ..... ۷۰۰
- «لعان» موجب تفریق و جدایی میان زن و مرد است ..... ۷۰۱
- عده‌ی زنان ..... ۷۰۳
- عده‌ی زن طلاق داده شده‌ای که دچار عادت ماهیانه می‌شود (سه بار عادت ماهیانه و پاک شدن است) ..... ۷۰۳
- عده‌ی زن طلاق داده شده‌ای که به خاطر خردسالی یا سالمندی، عادت ماهیانه ندارند (سه ماه کامل است) ..... ۷۰۵
- عده‌ی زنی که شوهرش فوت نموده است ..... ۷۰۵
- عده‌ی زنان باردار (وضع حمل است) ..... ۷۰۵
- خانمی که پس از عقد و قبل از عروسی و ایجاد روابط زناشویی طلاق داده شود، عده ندارد و بلافاصله می‌تواند شوهر کند ..... ۷۰۵
- بر زنی که در عده‌ی طلاق رجعی یا طلاق بائن (بینونه‌ی صغری) به سر می‌برد، واجب است که تا پایان عده‌اش در خانه‌ی شوهر بماند ..... ۷۰۵
- مدّت حمل و مدّت رضاعت (شیرخوارگی) ..... ۷۰۶
- اجرت رضاعت (مزد گرفتن در برابر شیر دادن بچّه) ..... ۷۰۶
- اجرت حضانّت و سرپرستی (هزینه‌ی کودک و مخارج نگهداری از او) ..... ۷۰۷
- روابط اجتماعی ..... ۷۰۸
- پوشاندن عورت ..... ۷۰۸
- زینت ..... ۷۰۹
- نهی از تبرّج و خودنمایی، و خودآرایی و نمایش وسایل آرایش در برابر مردم (برای زنان

آرایش و نشان دادن اندام و وسایل زینت در معرض تماشای دیگران ممنوع است) . ۷۱۰  
عموم آیاتی که درباره‌ی «ازدواج»، «طلاق»، «عده» و «شیرخوارگی» وارد شده است  
۷۱۰ .....

### «احکام مربوط به مرگ و میّت»..... ۷۱۹

جنائز - وصیّت - فرائض (میراث)..... ۷۱۹

سکرات مرگ..... ۷۲۰

گفتن «اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» به هنگام ناگواری‌ها و مشکلات..... ۷۲۰

غسل میّت..... ۷۲۱

آیاتی که اشاره به کفن کردن میّت دارد..... ۷۲۲

حمل کردن میّت بر تابوت..... ۷۲۲

دفن میّت، واجب است..... ۷۲۲

وصیّت مرده، و پرداخت وامی که بر عهده دارد..... ۷۲۳

پرداخت بدهکاری‌های میّت..... ۷۲۶

هر وصیّتی که هدف از آن زیان رساندن به دیگران باشد، حرام و مردود است.. ۷۲۷

شتاب کردن در پرداخت بدهکاری‌های میّت..... ۷۲۷

وصیّت برای خویشاوندانی که از دارایی میّت ارث نمی‌برند..... ۷۲۸

فرائض (میراث)..... ۷۲۸

بچه‌ای که از زن لعان کننده متولد شود، به او داده می‌شود و از مادر ارث برده و

مادر نیز از او ارث می‌برد، ولی از پدر (شوهر زن) ارث نبرده و پدر نیز از او ارث

نمی‌برد..... ۷۳۱

اموال یتیمان..... ۷۳۲

ممانعت از تصرف در اموال («حجر»)..... ۷۳۴

### «معاملات»..... ۷۳۷

تجارت - خرید و فروش - سلف یا سلم - کار و تلاش..... ۷۳۷

«کار و تلاش»..... ۷۴۰

«رهن» (گرو)..... ۷۴۲

مهلت دادن به بدهکار..... ۷۴۳

خرید و فروش اشیای حرام، غصبی، دزدی، یا چیزی که برای بهره‌برداری حرام باشد، مانند: فروش انگور به کسی که از آن شراب می‌سازد، یا فروش اسلحه در زمان جنگ، حرام و نامشروع است.....	۷۴۴
صلح (یا مصالحه).....	۷۴۴
۱- مصالحه‌ی براساس اقرار.....	۷۴۶
۲- مصالحه‌ی براساس انکار.....	۷۴۶
۳- مصالحه‌ی براساس سکوت.....	۷۴۶
ربا.....	۷۴۶
«ربا الفضل».....	۷۴۷
«ربا النسيئة».....	۷۴۷
کیل و میزان.....	۷۵۰
کم فروشی نکردن و حق پیمانہ و وزن را به تمام و کمال و دادگرانه مراعات کردن (که نه کم و زیاد بدهند و نه کم و زیاد دریافت کنند).....	۷۵۱
اجاره.....	۷۵۲
رضایت دو طرفِ معامله در بیع.....	۷۵۳
وکالت.....	۷۵۴
عاریه.....	۷۵۵
امانت.....	۷۵۶
غصب.....	۷۵۷
غصب کننده باید چیزی را که غصب نموده بازگرداند.....	۷۵۸
کفالت و ضمانت.....	۷۵۹
«جعالة».....	۷۶۱
شرکت (یا مشارکت).....	۷۶۲
۱- «شرکت عنان».....	۷۶۳
۲- «شركة الابدان».....	۷۶۳
۳- «شركة الوجوه».....	۷۶۳
۴- «شركة المفاوضة».....	۷۶۳
هبه و بخشش.....	۷۶۴
لقطه (اشیای گمشده).....	۷۶۵

- ۷۶۶ ..... قرعه کشی
- ۷۶۶ ..... اقرار و ادای شهادت
- ۷۶۸ ..... کتمان حق و خیانت در شهادت، حرام است
- ۷۶۹ ..... شهادت دروغ، مقارن و هم ردیف شرک به خدا است
- ۷۷۰ ..... شاهد گرفتن به هنگام وصیت
- ۷۷۱ ..... سوگندها
- ۷۷۲ ..... الف) «سوگند لغو» [سوگند بیهوده]
- ۷۷۳ ..... ب) «سوگند غموس»
- ۷۷۳ ..... ج) «سوگند منعده»
- ۷۷۵ ..... «خوراکی‌ها و مواد غذایی»**
- ۷۷۵ ..... خوراکی‌های حلال
- ۷۷۷ ..... گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» هنگام ذبح حیوان، واجب است
- ۷۷۸ ..... طعام دادن به مشرکان، جایز است
- ۷۷۸ ..... خوراکی‌های حرام
- ۷۸۰ ..... خوردنی‌های حرام در مواقع ضروری و اضطراری، مباح می‌گردند
- ۷۸۰ ..... خوردن مواد سمی و مسموم کننده و کشنده و زیان آور، حرام است
- ۷۸۱ ..... شکار
- ۷۸۲ ..... الف) شرایط مربوط به شکارچی
- ۷۸۲ ..... ب) شرایط مربوط به حیواناتی که شکار می‌شوند
- ۷۸۲ ..... ج) شرایط مربوط به آلت و وسیله‌ی شکار
- ۷۸۵ ..... «کار و تلاش - کارگران و صنعتگران - کارخانه‌ها و کارگاه‌ها»**
- ۷۸۵ ..... مشارکت فرستادگان و پیامبران الهی در کار و فعالیت و تولید و صنعت
- ۷۸۵ ..... حضرت آدم علیه السلام و همسرش (حواء)، لباسشان را وصله می‌کنند و پینه می‌زنند
- ۷۸۵ ..... حضرت نوح علیه السلام و ساختن کشتی
- ۷۸۵ ..... حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام و ساختن پایه‌های خانه‌ی کعبه
- ۷۸۵ ..... حضرت موسی علیه السلام و بنده‌ی نیک خدا (خضر علیه السلام)، و تعمیر و بازسازی دیوار
- ۷۸۶ ..... حضرت موسی علیه السلام و اجیری و کارگری
- ۷۸۶ ..... حضرت داود علیه السلام و ساختن زره و ادوات جنگی



- حضرت سلیمان و به کار گرفتن و بهره‌برداری کردن از جئیان (و معادن) ..... ۷۸۶
- حضرت عیسی علیه السلام و ساختن پرنده از گِل (به فرمان خدا) ..... ۷۸۷
- ذوالقرنین و ساختن سدّ بزرگ و محکم ..... ۷۸۷
- تشویق به کار و تلاش و سازندگی و آبادسازی زمین ..... ۷۸۷
- آیاتی که درباره‌ی حرفه و صنعت، پیشه و کار، کاسبی و شغل، و تخصص و هنر وارد شده است ..... ۷۹۲
- نجاری و کشتی‌سازی ..... ۷۹۲
- سنگ تراشی و ساختمان سازی ..... ۷۹۲
- آهنگری و ساخت زره و ادوات جنگی ..... ۷۹۳
- سدسازی ..... ۷۹۳
- خیاطی ..... ۷۹۳
- بنائی ..... ۷۹۴
- دریانوردی و کشتیرانی ..... ۷۹۴
- ساخت کوره‌های آجرپزی (تبدیل کردن خِشت گلین به آجر پخته) ..... ۷۹۴
- ساخت قطعات صاف شیشه (بلور) ..... ۷۹۴
- قصابی و گوشت فروشی ..... ۷۹۴
- لباشویی، پارچه سفید کنی و رنگبری ..... ۷۹۴
- میرایی و آب دادن (پیشه‌ی کسی که به دیگران آب می‌دهد) ..... ۷۹۵
- صنعت صیّادی و شکار ماهی (و سایر حیوانات دریایی) ..... ۷۹۵
- صنعت غوّاصی در دریاها به منظور استخراج زیورآلات و اشیای نفیس دریایی (از قبیل: لؤلؤ و مرجان و درّ و گوهر) ..... ۷۹۵
- صنعت مسگری و فلزکاری ..... ۷۹۶
- صنعت نسّاجی ..... ۷۹۶
- ریسندگی و بافندگی (الغزل) ..... ۷۹۶
- صنعت زرگری و ریخته‌گری (حرفه‌ی زرگری و طلاسازی) ..... ۷۹۶
- آشپزی و طبّاحی ..... ۷۹۶
- پیشه‌ی نانواپی ..... ۷۹۶

«تجلیل و تکریم، و تعظیم و بزرگداشت انسان از ناحیه‌ی خدا» ..... ۷۹۷

خداوند متعال انسان را (با اعطای عقل، اراده، اختیار، نیروی پندار و گفتار و

نوشتار، قامت راست و غیره) گرمی داشت، و آنچه که در آسمان‌ها و آنچه که در زمین است، همه را از ناحیه‌ی خود، مسخّر او ساخته است. ۷۹۷.....  
 بیان اوضاع و احوال، و اوصاف و ویژگی‌های بیشتر آدمیزادگان در پرتو آیات قرآن ۷۹۷.....

### «زن در اندیشه‌ی اسلامی» ..... ۸۰۳

۸۰۳..... مساوات میان زن و مرد در ادای تکلیف و دینداری و عبادت  
 ۸۰۵..... تشویق به تعلیم و آموزش زنان  
 ۸۰۶..... تشکیل خانواده  
 ۸۰۸..... وجوب اجازه خواستن از زن قبل از ازدواج  
 ۸۱۰..... مهریه‌ی زنان  
 ۸۱۰..... تأمین مخارج زن و فرزندان  
 ۸۱۱..... حُسن معاشرت با زنان  
 ۸۱۱..... مردان بر زنان قوامت و سرپرستی دارند  
 مرد مکلف است که همسرش را به گونه‌ی شایسته و عادلانه نگاهدارد، یا به صورت خدایپسندانه و بدور از ظلم و جور رها کند و طلاقش دهد. ۸۱۲.....  
 ۸۱۲..... اذیت و آزار و زیان رسانیدن به زن، حرام است  
 ناهنجاری‌های خانوادگی (و اصلاح و ایجاد آشتی میان زن و مرد = شورای خانوادگی). ۸۱۳.....  
 نشوز و تمرد زن از شوهرش و اعراض و بدرفتاری مرد با زنش. ۸۱۴.....  
 ۸۱۴..... علاج نافرمانی مرد  
 ۸۱۵..... میراث (زنان)

### «اسلام و مسئله‌ی بردگی» ..... ۸۱۹

۸۱۹..... اسلام و بردگی  
 ۸۲۰..... تشویق بر آزاد کردن برده  
 ۸۲۴..... (آزاد کردن بردگان در) کفاره‌ی ظهار  
 ۸۲۴..... (آزاد کردن بردگان در) کفاره‌ی قتل خطأ  
 ۸۲۴..... (آزاد کردن بردگان در) کفاره‌ی قسم

ازدواج دادن غلامان و کنیزان (و تهیه‌ی نفقه و پرداخت مخارج و مهریه‌ی آنان)	۸۲۴
قصاص بردگان	۸۲۴
اربابان به هیچ یک از بردگان جز به اندازه‌ی توانایی شان تکلیف نکنند و هیچ‌گاه بالاتر از میزان قدرت آنان از ایشان وظایف و تکالیف نخواهند.	۸۲۶
<b>«مثال‌های قرآن»</b>	۸۲۷
مثال‌های قرآن	۸۲۷
مثال نور خداوند متعال	۸۳۰
نهی از قرار دادن امثال و شبیه و نظیر برای خداوند متعال	۸۳۱
مثال‌های قرآن با به تصویر کشیدن حیوانات	۸۳۱
مثال‌های قرآن با به تصویر کشیدن نباتات (گیاهان، درختان و گل‌ها)	۸۳۲
سائر مثال‌های قرآنی	۸۳۵
<b>«داستان‌های پیامبران و فرستادگان الهی با اقوامشان»</b>	۸۳۸
داستان‌های پیامبران و فرستادگان الهی با اقوامشان	۸۳۸
داستان حضرت آدم <small>علیه السلام</small>	۸۴۳
داستان حضرت ادریس <small>علیه السلام</small>	۸۴۵
داستان حضرت نوح <small>علیه السلام</small> با قومش	۸۴۶
داستان حضرت هود <small>علیه السلام</small> با قوم عاد	۸۵۰
داستان حضرت صالح <small>علیه السلام</small> با قوم ثمود	۸۵۳
داستان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> ، حضرت اسماعیل <small>علیه السلام</small> و حضرت اسحاق <small>علیه السلام</small>	۸۵۵
داستان حضرت لوط <small>علیه السلام</small>	۸۶۲
داستان حضرت یعقوب <small>علیه السلام</small> و حضرت یوسف <small>علیه السلام</small>	۸۶۴
داستان حضرت شعیب <small>علیه السلام</small> با قومش	۸۷۰
داستان حضرت «ذوالکفل» <small>علیه السلام</small>	۸۷۲
داستان حضرت ایوب <small>علیه السلام</small>	۸۷۲
داستان حضرت موسی <small>علیه السلام</small> و هارون <small>علیه السلام</small> با فرعون و فرعونیان	۸۷۳
داستان حضرت موسی <small>علیه السلام</small> و هارون <small>علیه السلام</small> با بنی اسرائیل	۸۸۴

- داستان حضرت موسیٰ عليه السلام با بنده‌ی صالح و نیک خدا (حضرت خضر عليه السلام) ..... ۸۹۵
- داستان حضرت الیاس عليه السلام ..... ۸۹۶
- داستان حضرت «الیسع» عليه السلام ..... ۸۹۷
- داستان حضرت داود عليه السلام و حضرت سلیمان عليه السلام ..... ۸۹۷
- داستان حضرت یونس عليه السلام ..... ۹۰۰
- داستان حضرت زکریا عليه السلام و حضرت یحیی عليه السلام ..... ۹۰۱
- داستان حضرت عیسی عليه السلام و مسیحیان ..... ۹۰۲
- اهل کتاب (یهود و نصاری که دارای کتاب مذهبی «تورات و انجیل» هستند). ۹۰۷
- «قصص و تاریخ»** ..... ۹۱۹
- قصص و تاریخ ..... ۹۱۹
- داستان دو پسر حضرت آدم ..... ۹۱۹
- داستان قارون ..... ۹۲۰
- داستان هامان (وزیر فرعون) ..... ۹۲۱
- همسر نوح ..... ۹۲۲
- همسر فرعون، نمونه‌ی برتر ایمان ..... ۹۲۲
- داستان طاعت و جالوت ..... ۹۲۲
- ملکه‌ی «سبأ» و قومش، و هلاکت و نابودی قوم «سبأ» به وسیله‌ی سیل خروشان و ویرانگر ..... ۹۲۴
- هاروت و ماروت (دو فرشته که به صورت انسان در شهر بابل در میان مردم قرار گرفتند تا روش ابطال و خنثی‌سازی سحر و جادو را به آنان بیاموزند) ..... ۹۲۵
- لقمان؛ حکمتی که خداوند به او عنایت کرد، و گوشه‌ای از نصایح لقمان به پسرش ..... ۹۲۵
- داستان اصحاب کهف ..... ۹۲۵
- ذوالقرنین ..... ۹۲۶
- یاجوج و ماجوج ..... ۹۲۷
- داستان حضرت عزیر ..... ۹۲۷
- «اصحاب الجنّة» (صاحبان باغ‌های سرسبز) ..... ۹۲۸
- داستان کسانی که از خانه‌های خویش، از ترس مرگ بیرون رفتند ..... ۹۲۹

۹۲۹.....	«قوم تُبَّع».....
۹۳۰.....	«اصحاب الاخدود» (صاحبان گودال شکنجه).....
۹۳۱.....	اصحاب فیل (فیلداران) و دسته‌های پرندگان.....
۹۳۲.....	«اصحاب القرية».....
۹۳۳.....	ابولهب (عموی پیامبر و سرسخت‌ترین دشمنان آن حضرت).....
۹۳۴.....	پیروزی رومیان پس از شکستشان از ایرانیان.....
۹۳۷.....	<b>منابع مترجم</b> .....



## مقدمه

### (اداره القرآن و العلوم الاسلامیه، کراچی، پاکستان)

الحمد لله الذي نزل الفرقان تفصيلاً لكل شيء والصلاة والسلام على خاتم النبيين محمد وعلى آله وصحبه اجمعين، وبعد؛

بدون تردید قرآن کریم در بین کتاب‌های آسمانی و زمینی، کتابی بی‌مانند و بی‌همتا، و بی‌نظیر و منحصر به فرد است. قرآن هم از لحاظ نظم و هم از جهت معنی، معجز و خارق‌العاده، و فوق‌العاده و شگفت‌انگیز است، در حالی که چنین چیزی در غیر این کتاب و حیانی (از دیگر کتاب‌ها) سراغ نداریم.

قرآن، کتابی و حیانی و آسمانی و منحصر به فرد است که دلایل و براهین زیادی بر قطعیت ثبوتش (از جانب خدا) دلالت دارند، و کتاب جامعی است که هیچ مسئله‌ی کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را برشمرده است و به ثبوت و ضبط آن مبادرت ورزیده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۵۲]

«بی‌گمان کتاب بزرگی (به نام قرآن) را برای ایشان فرستاده‌ایم که با آگاهی (کامل و شامل خدایانه‌ی خود از فطرت انسان و سرشت جهان، احکام و معانی) آن را توضیح داده و تبیین کرده‌ایم تا مایه‌ی هدایت (ایشان به سوی سعادت) و رحمت (خدا در هر دو سرا) برای کسانی باشد که مؤمنین (بدان) باشند».

و قرآن، کتابی است که هیچ‌گونه باطلی، از هیچ جهتی و نظری، متوجه‌ی آن نمی‌گردد. (نه غلطی و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است، و نه علوم راستین و اکتشافات درست پیشینیان و پسینیان مخالف با آن، و نه دست تحریف به دامان بلندش می‌رسد، چرا که) قرآن فرو فرستاده‌ی یزدان است که با حکمت و ستوده است (و افعالش از روی حکمت است و شایسته‌ی حمد و ستایش بسیار است). [فصلت: ۴۲]

در پرتو توجه و عنایت خداوند متعال، قرآن کریم از بدو نزول نخستین آیات تا فرود آمدن آخرین آیاتش (و تا روز رستاخیز) از دستبرد دشمنان و از هر گونه تغییر و تبدیل

زمان محفوظ و مصون است و این مصونیت و حفاظت بر مبنای این وعده و فرموده‌ی خداوند است که می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹]

«ما خود قرآن را فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم (و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هر گونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم)».

پیامبر ﷺ سخت در قید نزول قرآن و حفظ و ضبط کلمات و آیات آن بود، و هنگام نزول قرآن لب‌هایش را می‌جنباند و با شتاب به دنبال فرشته‌ی وحی جبرئیل امین، آیات قرآنی را تکرار می‌فرمود. آنگاه خداوند این آیه را نازل کرد:

﴿فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ

رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ [طه: ۱۱۴]

«و به هنگام نزول قرآن پیش از این که وحی آیات قرآن به پایان برسد در آن عجله مکن و تندتند آیه‌ها را به دنبال جبرئیل تکرار منما و بر زبان مران، چرا که هر چند قرآن مافوق توان و قدرت انسان است، اما خداوند حافظ و نگهدار آن است و آن را در مغز و سینه‌ات ثبت و ضبط می‌نماید».

و نیز فرمود:

﴿لَا تُحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾ [۱۶] ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ [۱۷] ﴿فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ

قُرْآنَهُ﴾ [۱۸] ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ [۱۹] [القیامة: ۱۶-۱۹]

«و به هنگام وحی قرآن، شتابگرانه زبان به خواندن آن مجنبن و آیات را عجولانه و آزمندانه تکرار مگردان. چرا که گرد آوردن قرآن در سینه‌ی تو و توانایی بخشیدن به زبان تو، برای خواندن آن، کار ما است. پس از ناحیه‌ی حفظ قرآن در میان دل و جان خود، و روان خواندن و درست تلاوت کردن آن با زبان خویش، نگران مباش. پس هرگاه ما قرآن را توسط جبرئیل بر تو خواندیم، تو خواندن آن را آرام و آهسته پیگیری و پیروی کن. و وظیفه‌ی تو پیروی از تلاوت پیک وحی و ابلاغ رسالت آسمانی است و بس. گذشته از این‌ها، در صورتی که بعد از نزول آیات قرآن، مشکلی پیدا کردی، بیان و توضیح آن بر ما است».

و این‌چنین بود که غم و اندوه حفظ قرآن از دوش پیامبر ﷺ برداشته شد، و به حفظ و جمع قرآن اطمینان قلب پیدا کرد. (چرا که خداوند وعده فرموده بود که تمام آیات را در سینه‌ی پیامبر ﷺ جمع و حفظ نماید، و سپس قرائت آن را بر زبانش جاری فرماید. به عبارت دیگر، همان‌گونه که حفظ قرآن در همه‌ی دوران در میان مردمان بر



عهده‌ی خدا است، نگهداری آن در سینه‌ی پیغمبر و جاری کردن آن بر زبان آن حضرت ﷺ نیز بر عهده‌ی خدا است.)

و یکی دیگر از مظاهر عنایت و توجه خداوند متعال به این کتاب، این است که خداوند متعال، سینه‌های صحابه را بعد از وفات رسول اکرم ﷺ برای جمع و حفظ قرآن گشاده و فراخ گرداند و تا آنجا به قرآن اهتمام ورزیده‌اند که آیات و کلمات و حتی حروف آن را شمارش کرده‌اند. و در نتیجه هیچ کس نمی‌تواند چیزی را در کتابی که کلمات و حروف آن به دقت شمرده شده‌اند، کم و زیاد نماید.

(و در جهان هیچ کتاب دینی یا دنیوی دست ناخورده‌ای وجود ندارد و هیچ کتابی همچون قرآن مورد محافظت قرار نگرفته است، چنان که هیچ کس نمی‌تواند حرفی را به آن اضافه یا از آن کم کند.)

از آغاز تا کنون، همانگونه که توسط جبرئیل امین برای حضرت محمد ﷺ فرود آمده است، آیاتش استماع و حفظ و تلاوت و تفسیر می‌شود. هیچ کتابی به جز قرآن در دنیا وجود ندارد که هزاران و ده‌ها هزار نفر آن را حفظ باشند. این تنها کلمات و معانی قرآن نیست که مورد فراگیری و حفظ قرار گرفته‌اند، بلکه شیوه‌ی اداء و مخارج حروف و اموری که مراعاتشان لازم است، مانند: مدّ و غنّه و اظهار و ادغام و اخفاء و اقلاب فراگیری شده است. حتی رسم الخط قرآن به همان صورت که در زمان حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه نگاشته شده باقی مانده است. و علی رغم تحوّل در قواعد رسم الخط و املاء تا به امروز به همان گونه نوشته و چاپ می‌شود. و هیچ مجمع علمی یا حکومتی تاکنون به خود این اجازه را نداده است که آن رسم الخط را تغییر بدهد.)

قرآن، کتاب هدایت بشر به سوی سعادت ابدی، منشور زندگی و عقیده و گرامی‌ترین آرمان و استوارترین راه برای بهتر زیستن جوامع بشری است. با این وجود، این کتاب گران قدر و شگفت‌انگیز در لابلای آیات رهنمون ساز و هدایت کننده‌ی خود به سوی توحید و یکتاپرستی که زیربنای سعادت بشری است، به مواردی اشاره نموده است که پس از گذشت بیش از هزار و چهار صد سال، اکنون مفهوم حقیقی آن برای بشر آشکار می‌شود.

(در قرن اخیر که قرن علم، صنعت، فضا، ارتباطات و پیشرفت علمی بوده است) اعجاز علمی این معجزه‌ی جاوید بیش از پیش برای پژوهشگران علوم مختلف طبیعی و انسانی نمایان گشته و ندای مبارزه‌طلبی آن، بیش از گذشته در گوش معاندان و

آنانی که دچار غرور علمی گشته‌اند، طنین‌انداز گشته است و حقایق والای علمی، و مفاهیم خیره‌کننده‌ی قرآنی در قرون اخیر جزو کشفیات جدید علمی برای محققان و پژوهشگران و دانشمندان و فرهیختگان، در مراحل مختلف علوم طبیعی و انسانی به حساب می‌آیند.

و همانگونه که علوم معاصر (علوم تجربی، انسانی و...) در راستای تخصصی شدن گام‌های مؤثر و ارزنده‌ای را برداشت‌هاند، همینطور از فجر اسلام تاکنون مسلمانان نسبت به این کتاب، عنایت تمام ورزیده و همه‌ی جوانب آن را مورد بحث و فحص و مطالعه و درس قرار داده‌اند. گروهی در میدان تشریح و قانون‌گذاری و معاملات آن وارد شده و به بیان آن پرداخته‌اند. و گروهی دیگر، جنبه‌های عبادی آن را مشخص کرده‌اند و کسانی به بیان حقایق خیره‌کننده‌ی علمی قرآن براساس کشفیات جدید علمی برای فهم اسرار قرآن پرداخته‌اند. (و گروهی انگیزه‌های نزول بسیاری از آیات آن را روشن ساخته‌اند. کسانی وجوه اعجاز آن را بیان کرده و کسانی دیگر ویژگی‌های فصاحت و بلاغت و صور بیان معجزه‌آسای آن را برشمرده‌اند و کسانی هم جنبه‌های نحوی و لغوی آن را مشخص کرده‌اند و...)

با وجود این نیاز مبرمی به وجود «فهرست موضوعی آیات قرآن کریم» احساس می‌شد تا کمک و راهنمایی ارزنده برای محققان و پژوهشگران - از طیف‌های مختلف که دارای سلیقه‌های گوناگون و تخصص‌های متفاوت هستند - باشد، و برایشان مراجعه به آیات مختلف قرآن را در موضوعات مختلف، سهل و آسان بگرداند.

و این فهرست موضوعی، آیینی تمام‌نمایی از گنج‌های قرآن و کلیدی باشد برای پژوهشگران، تا آن گنج‌ها را استخراج کنند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن از آن استفاده نمایند.

و منطقی است که این کار را شخصی یا افرادی به عهده بگیرند و به دوش بکشند که مرتبط با مدارس تخصصی پژوهشی قرآنی باشند (و مدت زمان زیادی را در میدان پژوهش‌های قرآنی به طور تخصصی و فنی به تلاش و تکاپو پرداخته باشند و در این زمینه آمادگی کافی را به دست آورده باشند) و در این میان، این فاضل وارسته «سیدمحمد مصطفی محمد» بود که در این میدان (تألیف فهرست موضوعی آیات قرآن)، پژوهشگران قرآنی را از این کار بی‌نیاز ساخت؛ و این «فهرست موضوعی» را (به شکلی که می‌نگرید) برای ما به ارمغان آورد و ساماندهی کرد که براستی هدیه‌ای

شکوه‌مند و پیشکشی شگفت‌آور و کاری ماندگار است که در خور تشکر و سپاس و قدردانی و ارج‌گذاری است.

و شایسته است که این تلاش ارزشمند و ارزنده، رهاوردی سودمند و مشارکتی نیکو در راستای تصحیح معرفت و سالم‌سازی رفتار با قرآن - این میراث جاودانی - در شروع قرن ۱۵ هجری، برای امت اسلامی تلقی کنیم که سهم به سزایی در کار نشر و توزیع و عمومیت بخشیدن استفاده از این میراث گرانقدر سهیم است.

و از خداوند متعال مسألت داریم که نویسنده را توفیق دهد تا همچون قرآن، اقدام به تألیف کتابی در عرصه‌ی احادیث گهربار رسول خدا ﷺ (فهرست موضوعی احادیث نبوی) نیز بنماید و در این زمینه نیز قلم‌فرسایی بکند. «و الله وليّ التوفيق».

[ادارة القرآن و المعارف الاسلامیة، کراچی، پاکستان]



## مقدمه

### به قلم استاد: دکتر احمد عبدالستار الجواری

قرآن کریم، کتابی است که هیچ‌گونه باطلی، از هیچ جهتی و نظری متوجه آن نمی‌گردد (نه غلط و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است، و نه علوم راستین و اکتشافات درست پیشینیان و پسینیان مخالف با آن، و نه دست تحریف به دامان بلندش می‌رسد. چرا که) قرآن فرو فرستاده‌ی یزدان است که با حکمت و ستوده است و افعالش از روی حکمت است و شایسته‌ی حمد و ستایش بسیار است. [فصلت: ۴۲]

قرآن، فانوس و راهنمای آیین پاک و بی‌آلایش (اسلام) و کلید هدایت بشر به سوی سعادت ابدی است که خداوند متعال این کتاب آسمانی را بر جوامع بشری فرو فرستاد که بیانگر همه چیز (امور دین مورد نیاز مردم) و وسیله‌ی هدایت و مایه‌ی رحمت و مژده‌رسان مسلمانان به نعمت جاویدان یزدان است.

براستی قرآن کریم، کتاب عقیده و شریعت، و پند و عبرت، و اندرز نیکو و زیبا و دلچسب و قانع‌کننده است. این کتاب آسمانی، شالوده و اساس هر شناخت و معرفت، و عنوان و سرفصل تمام فضائل و جملگی ارزش‌های اخلاقی است. قرآن، منشور منحصر به فرد آسمانی است که آخرین پیام خداوند را برای هدایت بشریت دربردارد و از هر گونه تغییر و تبدیل لفظی و معنوی مصون مانده است و خواهد ماند؛ زیرا خداوند خود متکفل حفاظت از آن شده و نگهداری آن را به هیچ یک از مخلوقات خویش نسپرده است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹]

«ما خود قرآن را فرو فرستاده‌ایم و خود نیز نگهبان و حافظ آن خواهیم بود.»

و براستی یکی از نعمت‌ها و احسان‌های خداوندی بر بندگانش این بود که تلاوت این کتاب را در ساعاتی از شب و بخش‌هایی از روز، برایشان مهیا و آسان کرد و به آن‌ها توفیق داد تا به میزان توان و قدرت بشری خویش، به تحقیق و پژوهش مفاهیم والای آن بپردازند و به اندازه‌ی توان، از معانی تعالی‌بخش و سعادت‌آفرین آن چیزی را فراچنگ آورند و به فهم و ادراک آن بپردازند.

خداوند متعال در قرن‌های نخستین - سلف این امت که بهترین و برترین دوران تاریخ اسلام است - مسلمانان را توفیق داد تا بهترین رفتار را با قرآن داشته باشند، و به خوبی آن را بفهمند و از مقاصدش مطلع شوند و به میزان مطلوبی در عرصه‌های مختلف زندگی به آن عمل کنند و دیگران را براساس بصیرت به آن دعوت کنند، و خداوند به آن‌ها توفیق خدمت به این کتاب گرانقدر را داد، به طوری که قرآن را مورد توجه و اهتمام و حفظ و نگهداری و بررسی و پژوهش و تفسیر و تبیین قرار دادند، بگونه‌ای که گروهی از سلف به بیان وجوه اعجاز و جنبه‌های لغوی و نحوی آن پرداختند و ویژگی‌های فصاحت و بلاغت و صور بیان معجزه‌آسای آن را برشمرده‌اند، و گروهی دیگر تمام تلاش و کوشش خویش را در راستای احکام و مسائل شرعی آن پرداخته‌اند، و کسانی دیگر هم جنبه‌های عقیدتی و فکری آن را مشخص کرده‌اند.

بدینگونه، مفسرانی که این کتاب آسمانی را مورد توجه و اهتمام و بررسی و پژوهش و تفسیر و تبیین خویش قرار داده‌اند، به نحوی از انحاء جنبه‌ای از جنبه‌های آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

و هر گروه از ایشان برحسب توانایی‌ها و برداشت‌ها و دیدگاه‌هایشان در زندگی و هدف‌هایی که دنبال کرده‌اند، از این دریای بی‌کران قرآن، به میزان قدرت و توان بشری خویش به نحو مطلوبی بهره‌ها برده‌اند و این کتاب الهی را به نحو ویژه‌ی خود، تعبیر و تفسیر کرده‌اند.

اما، پس از آنان نسلی آمدند که با قرآن بیگانه بودند که نه از اهل قرآن بودند و نه از دوستداران آن، آن‌ها دانسته بودند که قرآن کریم روح این امت و جوهره‌ی هستی آن است. لذا به تحقیق و بررسی اسرار و تجزیه و تحلیل حقایق آن پرداختند تا از این روزنه ماهیت و حقیقت این امت را بشناسند و از این رهگذر به اهداف و مقاصد خویش برسند.

اینان مستشرقان و خاورشناسانی بودند که در تحقیقات و پژوهش‌های قرآنی، اسلوب‌ها و روش‌های ابتکاری و جدیدی را اتخاذ کردند و متأسفانه با اشکال و مضامینی اغواء کننده و فریبنده، و با روش‌هایی ظاهرپسندانه و مذبحخانه، محققان و پژوهشگران قرآنی را اغواء کردند و گول زدند. (آری، با کمال تأسف نه تنها سیل تحریف‌های معنوی معارف قرآن و شبهات فراوان غربیان و شرق شناسان یهودی و مسیحی را شاهد بوده و پاسخ جدی را در جهان ارائه نکردیم بلکه از ناحیه‌ی دیگر

دیدیم که برخی ملل بیگانه در برخی میدان‌های علمی و پژوهشی قرآنی گوی سبقت را از عالمان دینی اسلام ربودند. «فلوگل» آلمانی با تألیف «معجم الفاظ القرآن» به نام «نجوم آیات القرآن» همه‌ی محققان دینی حوزه‌ها را مهمان سفره‌ی خویش ساخت، و «ژول لایوم» فرانسوی با تألیف معجم موضوعی آیات قرآن به نام «تفصیل آیات القرآن الکریم» مسئولیت تعلیم موضوعات قرآن کریم را برای طلاب و فضلاء مسلمان جهان به عهده گرفت، و «گلدزیهر» یهودی مجارستانی با تحقیق درباره‌ی روش‌های تفسیری مفسران قرآن کریم و تألیف کتاب «المذاهب التفسیریة للقران الکریم» بر گُرسی تدریس علوم قرآنی نشست و دانش جدیدی را در علوم قرآن پایه‌گذاری کرد.

مستشرقان غربی و کشیشان مسیحی و خاخام‌های یهودی به این‌ها اکتفا نکردند، بلکه اکنون که عطش جامعه‌ی بشری را برای لزوم دریافت اطلاعاتی جامع و منسجم درباره‌ی معارف قرآن - آخرین کتاب آسمانی خداوند - به صورت یک «دائرة المعارف قرآنی» احساس کردند قبل از علمای اسلام و مراکز پژوهش قرآنی به این امر مهم دست یازیدند، و طبیعی است که از سطور این‌گونه کتاب‌ها و اثر خامه مسیحیان و یهودیان و مستشرقان که با پشتیبانی مالی دولت‌های غربی نیز انجام می‌گیرد، چه انتظاری باید داشت.

حجم انبوه این آثار قرآن پژوهی قرآن شناسان غربی در سطح جهان و تأثیرگذاری منفی آن بر اذهان تشنه‌ی جامعه‌ی بشری و اسلامی، نقدی علمی را می‌طلبد تا سره را از ناسره تفکیک و پاسخ منطقی به اشکال‌های مستشرقان ارائه کند.

گر چه خداوند خود حفاظت متن قرآن کریم را از تحریف متکفل شده، اما مصونیت صیانت معارف ناب آن را از دست‌برد تحریف‌گران فرهنگی که به وارونه معرفی کردن مفاهیم قرآنی می‌پردازند به ما مسلمانان محول کرده است.

بر عالمان دینی و حوزه‌های علمیه و پرچم‌داران معارف اسلامی است که پرچم دفاع از کیان اسلام و قرآن و اصلاح اندیشه‌های قرآنی را در قبال تحریف‌گران به دوش گرفته و به نقد و بررسی و پاسخ آن‌ها بپردازند) چرا که حقیقت چنان روشن و درخشان است که هیچ حجابی آن را از دیدگان مردم نمی‌پوشاند و خداوند بر کارش چیره و غالب است.

و خداوند متعال مردی از رهروان راستین راه راست را به خدمت کتابش توفیق داد تا به تحقیق و بررسی و تجزیه و تحلیل موضوعات، اندیشه‌ها و احکام کتاب گرامی‌اش

(قرآن) بپردازد و با درک عمیق و فهم ژرف و تحقیقاتی کامل و پژوهشی جامع به ساماندهی و تنظیم «فهرستی گرانسنگ و وزین برای موضوعات قرآن» پرداخته که براستی این فهرست، بیانگر رغبت شدید و تلاش بی‌وقفه و حرص و علاقه‌ی فوق‌العاده‌ی وی برای خدمت کتاب خداست که تمام هم و غم و سعی و تلاش خویش را به ترتیب و ساماندهی این کتاب پرداخته است.

و این فرد کسی نیست جز برادرم «محمد مصطفی محمد»؛ کسی که خداوند متعال به برکت کلامش، قدرت و توان تکمیل این کار را بدو بخشید، تا سرچشمه‌ی خیر و منبع فایده و کمک برای هر پژوهشگر قرآنی قرار بگیرد. و از خداوند متعال مسألت داریم که آمال و آرزوهای نویسنده را در مورد کتابش (در استفاده‌ی از آن) محقق بگرداند و به منصفی ظهور برساند و در مقابل این کار بزرگ و گرانسنگ، بهترین پاداش را نثار وی بگرداند.

جمعه ۵ صفر ۱۳۹۶

مطابق با ۶ فوریه ۱۹۷۶ م

دکتر احمد عبدالستار الجواری



## مقدمه‌ی مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا محمد وعلى آله واصحابه ومن اهتدي

بهديه الى يوم الدين و بعد؛

قرآن، کلام خداوند متعال است که آن را بر پیامبر امانت‌دار خویش «محمد بن عبدالله ﷺ» وحی فرموده است که با تلاوت آن، تعبّد حاصل می‌شود.

و قرآن، معجزه‌ی جاوید و زنده‌ی پروردگار جهانیان است که خداوند متعال به وسیله‌ی آن، پیامبر خاتم - آنکه مایه‌ی رحمت جهانیان است - را حمایت و تأیید و پشتیبانی و طرفداری کرد.

در قرن‌های نخستین اسلام - که بهترین دوران تاریخ اسلام است - مسلمانان بهترین رفتار را با قرآن داشتند و تمام توجه و عنایت خویش را به آن مبذول داشته بودند. و سلف صالح ما چنان به قرآن اهمیت می‌دادند و از مقاصدش مطلع و آگاه بودند و در عرصه‌های مختلف زندگی به آن عمل می‌کردند و آن را نصب العین و آویزه‌ی گوش خویش قرار می‌دادند که به جرأت می‌توان گفت که هیچ کتابی همچون قرآن مورد محافظت و اهمیت و عنایت قرار نگرفته است.

و علماء و دانشمندان اسلامی نیز برحسب برداشت‌ها و دیدگاه‌هایشان در زندگی و هدف‌هایی که دنبال کرده‌اند، هر یک به نحو ویژه‌ی خود به شرح و بسط علوم، تشریح و قانون‌گذاری، و عقیده و منهج قرآن پرداخته‌اند و به نحوی از انحاء جنبه‌ای از جنبه‌های آن را مورد تحقیق و بررسی و تجزیه و تحلیل و پژوهش و موشکافی و کند و کاو قرار داده‌اند، و به میزان توان و قدرت بشری خویش به تحقیق و بررسی و استخراج گنج‌های قرآنی پرداخته‌اند. چرا که هیچ یک از مردمان این توانایی و قدرت را ندارد تا به تمام حقایق و مفاهیم والای قرآنی دست پیدا بکند و آن‌ها را فراچنگ آورد!

سلف صالح ما، نیازی به فهرست موضوعی آیات قرآن نداشتند. چرا که بیشتر آن‌ها حافظ [الفاظ و معانی و مفاهیم] قرآن بودند، و تمام سعی و تلاش خویش را در راستای فراگیری و حفظ علوم و معارف دینی و قرآنی صرف کرده بودند و چنان به آیات و

موضوعات مختلف و گوناگون قرآن اهتمام ورزیده بودند و در سینه‌های خود ذخیره و انباشته کرده بودند که نیازی به این امر نداشتند تا به گردآوری و ساماندهی آیاتی بپردازند که تعلق به یک موضوع دارند.

ولی اکنون حالات - نسبت به گذشته - تغییر کرده، و تحصیل و فراگیری علوم (در عصر کنونی ما) منحصر به آموزش علوم قرآنی و دینی نیست، بلکه یک دانشجو براساس مقتضیات زمان و نیازهای روز در عرصه‌های مختلف زندگی (فرهنگی، اقتصادی، علوم طبیعی، انسانی، پزشکی و...) به تحصیل علوم مختلف دیگر می‌پردازد، و پس از اینکه فارغ شد، در همان عرصه به فعالیت می‌پردازد و وقتی را برای حفظ قرآن کریم و تحصیل و فراگیری علوم دینی پیدا نمی‌کند؛ و همین امر، عاملی مهم در کم شدن حفاظ قرآن کریم است. و گذشته از این‌ها بسیاری از مستشرقان غربی و پژوهشگران مسیحی و یهودی (که عطش جامعه‌ی بشری را برای لزوم دریافت اطلاعاتی جامع و منسجم درباره‌ی معارف قرآن، احساس کرده‌اند قبل از علماء و صاحب‌نظران اسلامی و مراکز پژوهشی قرآنی به این امر مهم دست یازیدند) و با اهتمام به تحقیق و بررسی و تجزیه و تحلیل حقایق و مفاهیم قرآنی پرداخته‌اند.

لذا، تألیف و ساماندهی این‌چنین کتابی، نیازی بود مبرم، تا در دسترس پژوهشگران و محققانی قرار بگیرد که شناخت مواضع آیات در موضوعات مختلف و گوناگون - به خاطر عدم حفظ کلام خدا و یا عدم استحضار ذهنی - برایشان مشکل است.

و برخی از مستشرقان و دیگران نیز با تألیف معجم موضوعی آیات قرآن، مسئولیت تعلیم موضوعات قرآن کریم را برای طلاب و فضلاء مسلمان جهان به عهده گرفته‌اند و در این راستا زحمت‌ها کشیده‌اند؛ و وقتی این معجم‌های موضوعی آیات قرآن را مورد نقد و بررسی قرار دادیم و به تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها پرداختیم، نکات زیر برای ما مشخص و هویدا گشت:

۱. کسانی که به گردآوری و تدوین آیات برحسب موضوع، پرداخته بودند، آیات زیادی را به دست فراموشی سپرده بودند و آن‌ها را در جای مناسبشان قرار نداده بودند. از سوی دیگر، در ترتیب موضوعات نیز دچار سهل‌انگاری شده بودند به طوری که ترتیب موضوعات را براساس برنامه‌ی درسی کتب اسلامی (: عقاید - عبادات - احکام - اجتماعیات - معاملات - امثال - قصص و تاریخ و...) رعایت نکرده بودند.

۲. ترتیب فهرست موضوعی آیات قرآن، اگر براساس حروف الفباء - ا ب ت ث ... باشد، غرض و هدفِ مطلوبِ فهرست موضوعی را به طور کامل و وافی نمی‌رساند؛ از این رو بعد از توکل به خدا و استمداد از او، تصمیم گرفتیم تا به گردآوری و تدوین آیات مختلفِ سوره‌های قرآنی برحسب موضوعات آن‌ها بپردازیم. و هدف از ترتیب و ساماندهی این کتاب این بود که این کتاب نسبت به کتاب‌های گذشته، کاملتر و کارآمدتر و مفیدتر و وافی‌تر باشد، و هدفم از تدوین و ترتیب این کتاب، خدمت به کتاب‌گرانقدر و ماندگار خدا، و کمک به مسلمانان و پژوهشگران قرآنی است.

و از خداوند متعال خواهانم تا این تلاش را خاص برای خویش بگرداند، و آن را برای اسلام و مسلمانان مفید و سودمند بگرداند؛ و به تمام کسانی که به نوعی در ترتیب و ساماندهی این کتاب نقش داشته‌اند، بهترین و زیباترین پاداش را نثار بفرماید. و خدا مرا بس است و او بهترین حامی و سرپرست است.

**مؤلف**

جمعه ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۹۶ هـ. ق

مطابق با ۱۱ ژوئن ۱۹۷۶ م



## پیشگفتار مترجم

سپاس خداوند را سزااست که انسان را آفرید و به او بیان آموخت. قرآن را فرو فرستاد و برای پندگیری آسانش کرد و برای این هدف، خرد را به جولان درآورد و آن را محور و مبنای تکلیف و ابزار تأمل و اندیشیدن قرار داد. و درود خداوند بر حضرت محمد ﷺ خاتم پیامبران، همو که اصول کلیه‌ی پیام‌های آسمانی به او منتهی شده و تجربه‌ی نبوت، از آدم تا عیسی، برای رسالتِ وی فراهم آمده است. و درود و سلام خدا بر خاندان و یاران و پیروانِ او تا روز جزا باد.

درباره‌ی هیچ کس و هیچ چیزی به اندازه‌ی قرآن، سخن نگفته‌اند، کتاب نوشته‌اند، تحقیق و پژوهش نکرده‌اند و به تجزیه و تحلیل نپرداخته‌اند، چه اعراب و چه غیر آن‌ها، چه مسلمانان و چه غیرمسلمانان و چه سایر مردمان، علتش هم کاملاً واضح و روشن است. زیرا عظمت هیچ چیز نه تنها به عظمت او نمی‌رسد که بدان نزدیک هم نمی‌شود.

قرآن کریم، کتاب الهی و وحی آسمانی است که جبرئیل آن را بر قلب خاتم انبیاء و پیشوای پیامبران نازل نمود تا قلب‌های مرده به واسطه‌ی تمایلات و هواهای نفسانی را به وسیله‌ی آن زنده نماید، عقل‌های مسموم به شک و شبهه را نجات بخشد، فکریایی را که به زنجیر خرافات پایبند و در زندان گمراهی گرفتار بودند، رها سازد؛ حقوق سلب شده‌ی ملت به واسطه‌ی رهبران و پیشوایان ظالم و ستمگر را به مردم باز گرداند، در پرتو قرآن مدینه‌ی فاضله و بنای کرامت و شرافت را بر پا نماید، کاخ‌هایی را که ظالمان با خون ضعیفان برافراشته بودند، سرنگون سازد، پوزه‌ی کسانی را که در اثر جهل و نادانی و داشتن مال و نعمت به خود می‌بالیدند به خاک بمالد، انحراف حکماء و لغزش علماء را با میزان قرآن تعدیل کند، درهای بسته شده بر فهم و ادراک به وسیله‌ی کاهنان و پیشوایانِ گمراه را باز و آن‌ها را برای مردم کشف و روشن نماید.

آری تنها به وسیله‌ی قرآن می‌توان به حقایق علم و طرق عرفان دست یافت و روح را در مسیر سعادت و ایمان به حرکت انداخت.

قرآن دوابی است برای فرد و جامعه. اکسیری است نازل شده از آسمان تا همت‌ها را برانگیزاند و روحهای مرده را زنده کند.

به راستی قرآن تعدیل‌کننده‌ی فکر است در تحرکات و تکاپوهایش. بازدارنده‌ی عقل است از سرکشی‌ها و بلندپروازیهایش. پاک‌کننده‌ی علم است از غرور و خودخواهی‌هایش. معیاری است برای عالم در اجرای نقشه‌هایش. و نجات‌بخش است برای متفکر در سرگردانی و درماندگی‌هایش. پناهگاه فیلسوف است در بحران فکری و سرگستگی‌هایش. بهترین قانون است برای حکومت حاکمان. سازنده‌ترین نظام است برای اصلاح محکومان. و مایه‌ی سعادت و خوشبختی و حیات همگان است.

قرآن، پیشوا و راهنمای عاشقانِ قُرب و وصال بارگاه الهی است. چراغ دل‌هایی است که در گلستان آن قدم برمی‌دارند. بهار قلب‌هایی است که اندر گلزار آن گل می‌چینند. و شفا‌دهنده و آرام‌بخش درون‌هایی است که از حکمت آن شفا می‌جویند.

به راستی قرآن، کانون علم، معرفت، نور، هدایت و حکمت است. اقیانوسی است پر از لؤلؤ و مرجان که از همان صدر اسلام علماء و دانشمندان و مفسران فراوانی برای دستیابی به احکام و پیام‌های آن به تحقیق و بررسی پرداخته و دُرهای گرانبهایی را به دست آورده و به رشته‌ی تحریر کشیده و در این راستا، خدمات ارزنده‌ای به اسلام و مسلمانان کرده‌اند.

قرآن با گذشت زمان کهنه نمی‌شود و نقش هدایت و رهبری بشر را برای همیشه در دست دارد و روز به روز نور آن فروزان‌تر خواهد شد و دل‌های بیشتری را به خود جذب خواهد کرد و تحت عنایت و حفاظت خداوند از تغییر و تحریف محفوظ و مصون خواهد بود.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«کتاب الله فيه نبأ ما كان قبلكم، و خير ما بعدكم و حكم ما بينكم، و هو الفصل ليس بالهزل، من تركه من جبار قصمه الله، و من ابتغي الهدى في غيره اضله الله، و هو حبل الله المتين، و هو الذكر الحكيم و هو الصراط المستقيم، هو الذي لا تزيغ به الا هواء، و لا تلتبس به الألسنة، و لا يشبع منه العلماء، و لا يخلق عن كثرة الرد، و لا تنقضي عجائبه، هو الذي لم تنته الجن اذ سمعته حتى قالوا: «انا سمعنا قرانا عجباً، يهدي الي الرشد فامتنا به»، من قال به صدق، و من عمل به أُجر، و من حكم به عدل، و من دعا اليه هُدي الي صراط مستقيم». [ترمذی]

«کتاب خداوند دربردارنده‌ی اخبار پیش از شما (گذشتگان) و بعد از شماست (آیندگان). میان شما حکم می‌کند، سخنی قاطع و فیصله‌دهنده است، نه شوخی و مزاح. هر گردنکشی که آن را رها و متروک گذارد، خداوند او را در هم می‌شکند و کسی که هدایت را در غیر قرآن جستجو کند، خداوند او را گمراه می‌سازد قرآن ریسمان محکم خداوند بوده و مایه‌ی ذکر و یادآوری و حکمت و پند و اندرز است. به واسطه‌ی آن تمایلات و گرایش‌ها منحرف نمی‌شوند.

قرآن همان صراط مستقیم است و هر کس بدان متمسک شود، زنگار گناه بر دلش ننشیند و زبانش به اشتباه و انحراف نگراید. علماء و اندیشمندان از آن سیر نمی‌شوند، رنگ کهنگی بدان نمی‌نشیند و شگفتی‌هایش پایان نمی‌پذیرد. این همان قرآنی است که وقتی جنیان آن را شنیدند، پا واپس نکشیدند و گفتند: «ما قرآن زیبا و شگفتی را شنیده‌ایم، همگان را به سوی کمال رهنمون می‌کند و به راه راست رهنمود می‌سازد و ما بدان ایمان آورده‌ایم.»

کسی که با قرآن سخن گوید، راست می‌گوید و کسی که بدان عمل نماید، پاداش دریافت می‌کند و کسی که قرآن را داور و حاکم نماید به عدالت حکم می‌کند و کسی که به آن فراخواند به راه راست فرامی‌خواند.»

آری، قرآن کتابی است آسمانی، سخن خدا، آن خدایی که آفریننده‌ی همه‌ی جهانیان است. کتابی که بزرگترین معجزه‌ی جاودانه‌ی پیامبر اکرم ﷺ است. کتابی است که عصاره و چکیده و مکمل کتب و صُحف همه‌ی پیامبران در طول تاریخ است. کتابی همیشه زنده، همیشه نو و جاودانی است که کهنگی ندارد، و با گذشت زمان، فرسوده و مندرس نشود؛ و بادهای مخالف او را از پای درنیاورد و دستوراتش جامع و قابل اجرا تا قیام قیامت است.

امروز عالی‌ترین کتابی که ما مسلمانان می‌توانیم در تمام دنیا در مقابل همه‌ی مکتب‌های گوناگون عرضه کنیم. همین کتاب است که هیچ مکتبی و قانونی نمی‌تواند با او برابری کند. یگانه کتابی که بتواند خواسته‌های همه‌ی جوامع بشری را از همه‌ی ابعادش از نظر دنیایی، اخروی، توحیدی، سیاسی، عبادی، فرهنگی، قضایی، تربیتی، علمی، اخلاقی، مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی، خانوادگی و غیره، اِشباع نماید و بشرِ تشنه‌ی حقیقت را که از زندگی مادی و ماشینی خسته و درمانده

شده است، به سرمنزل مقصود و به ساحل نجات برساند و از سرچشمه‌ی حیات سیراب نماید و یک زندگی آرام و مطمئن و ایده‌آلی به او بدهد.

همین کتاب است که دنیایی از علم و حکمت و حقیقت و اعجاز و گنجینه‌هایی از فرهنگ و ادب در او نهفته شده است. کتابی است که خود می‌گوید: چنان‌چه متفکرین بزرگ عالم (از جنّ و انس) جمع شوند و کنگره‌ی بین‌المللی تشکیل دهند و پشت به پشت هم داده، افکار خود را روی هم بریزند تا بتوان حتی به اندازه‌ی یک سوره‌ی کوچک (شبیّه به آن، آن هم فقط از نظر الفاظ نه محتوا) بیاورند، نخواهند توانست تا مثل و همانند آن بیاورند و چنان‌چه نتوانستند، بدانند که تا ابد هم نخواهند توانست - و تا به حال کسی ادعا نکرده که توانسته باشد - همانند این قرآن آیتی بیاورد (جز عده‌ی معدودی که آن هم در طول تاریخ مفتضح شدند).

این خود دلیل معجزه بودن قرآن است و تا کسی وارد متن قرآن نشود و درباره‌ی معرفت و شناخت آن همّت نگمارد و آشنایی با قرآن پیدا نکند، نخواهد توانست به حقیقتی که در آن نهفته شده و سفارشی که پیامبر اکرم ﷺ درباره‌ی این وزنه‌ی گرانبگر نموده و آن را «ثقل اکبر» نامیده پی ببرند.

تا آن زمانی که مسلمانان این مجموعه‌ی پر بها را که سعادت دنیا و آخرت همه‌ی جوامع بشری را تضمین نموده است، نصب العین و آویزه‌ی گوش خویش قرار داده و درس زندگی خود ساخته بودند، سعادت و آقایی و عزت و شرف در دنیا کسب کردند و از زندگی مرفه و عالی برخوردار گردیدند، ولی از آن وقت که مسلمانان گول ظواهر غرب را خوردند و به سراغ مکتب‌های مختلف رفتند و این کتاب آسمانی را پشت سر قرار دادند، همه چیز خود را از دست دادند و از غرب هم چیزی به دست نیاوردند و در مقابل، جز ذلّت و خواری و بدبختی و استعمار و استثمار چیزی عایدشان نشد. و تا مسلمان‌ها به خود نیابند و به دامان این قرآن عزیز چنگ نزنند و او را درس زندگی خود قرار ندهند و دستورات حیات‌بخش و سعادت‌آفرین آن را حاکم بر جامعه‌ی خود قرار ندهند، عزت و شرف از دست داده‌ی خود را باز نخواهند یافت؛ آیا باید برنامه‌ی زندگی (قرآن) را فهمید و برابر آن زیست، یا آن را بوسید و در لای پارچه‌ها پیچید!!

به راستی قرآن، معجزه‌ی جاویدان و سند حَقَانِیَّتِ آیین اسلام است و پیوسته بسان خورشید تابان بر تارک زمان درخشان و همه‌ی مردمان را به تحدّی می‌خواند.



قرآن، نامه‌ی سرگشاده‌ای است که از جانب حاکم جهانیان برای مسلمانان فرستاده شده است، تا برابر دستور آن حرکت نمایند و عمل کنند و با لشکر جهل و کفر و ظلم و زور و هواها و هوس‌ها بجنگند.

خداوند مهربان و بزرگوار، قرآن را برای دسته‌ی خاصی نفرستاده است، و آن را به گونه‌ی لغز و چپستان درنیاورده است، بلکه قرآن را به زبان عربی روشن و آشکار نازل و آن را برای هدایت و رهنمود همگان ساده و آسان نموده است تا هر کسی که به ریزکاری‌های عربی آشنا باشد، معانی و مقاصد این کتاب مقدس را بفهمد و از این دریای بی‌کران به اندازه‌ی گنجایش کوزه‌ی علم و فکرش در خود جای دهد. آری، قرآن نسخه‌ی حیات‌بخشی است برای آن‌ها که می‌خواهند با جهل و کبر و غرور و حسد و نفاق به مبارزه برخیزند. قرآن، نسخه‌ی شفابخشی است برای برطرف ساختن ضعف‌ها و زبونی‌ها و ترس‌های بی‌دلیل و اختلاف‌ها و پراکندگی‌ها. قرآن، داروی شفابخشی است برای آن‌ها که از بیماری عشق به دنیا، وابستگی به مادیات، تسلیم بی‌قید و شرط در برابر شهوت‌ها رنج می‌برند.

قرآن، نسخه‌ی شفابخشی است برای دنیایی که آتش جنگ‌ها در هر سوی آن افروخته است و در زیر بار مسابقه‌ی تسلیحاتی کمرش خم شده و مهم‌ترین سرمایه‌های اقتصادی و انسانی خود را در پای غول جنگ و تسلیحات می‌ریزد. و سرانجام قرآن، نسخه‌ی شفابخشی است برای آن‌ها که پرده‌های ظلمانی شهوات، آن‌ها را از رسیدن به قرب پروردگار مانع شده است.

آری قرآن، نسخه‌ای است برای سامان بخشیدن به همه‌ی نابسامانی‌ها، بهبودی فرد و جامعه از انواع بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی.

بهترین دلیل برای اثبات این واقعیت، مقایسه‌ی وضع عرب جاهلی با تربیت شدگان مکتب پیامبر ﷺ در آغاز اسلام است.

دیدیم که چگونه آن قوم خونخوار و جاهل و نادان که انواع بیماری‌های اجتماعی و اخلاقی سر تا پای وجودشان را فراگرفته بود، با استفاده از این نسخه‌ی شفابخش نه تنها درمان یافتند، بلکه آن چنان قوی و نیرومند شدند که ابرقدرت‌های جبّار جهان را به زانو درآوردند.

و این درست همان حقیقتی است که مسلمانان امروز آن را از یاد برده‌اند و به این حال و روزگار که می‌دانیم و می‌دانید گرفتار گشته‌اند.

تفرقه در میانشان غوغا می‌کند، غارتگران بر منابعشان مسلط شده‌اند. سرنوشتشان به دست دیگران تعیین می‌شود، و انواع وابستگی‌ها آن‌ها را به ضعف و زبونی و ذلت کشانده است. و این است سرانجام کار کسانی که نسخه‌ی شفابخش در خانه‌هاشان باشد و برای شفای دردهای خود دست به سوی کسانی دراز کنند که از آن‌ها بیمارترند!

به راستی قرآن، کتاب اسلام و ستون پایدار و بنیاد استوار آن است. خدای تبارک و تعالی این کتاب را راهنمای پرهیزگاران قرار داده و در پرتو آن، جهان را از تاریکی به سوی روشنایی برده است. قرآن، نخستین پایه‌ی شریعت اسلامی و نظام حکیمانه‌ی آن در سیاست و حکومت و اداره‌ی مملکت است. نظامی که صلاح مسلمانان جهان و همه‌ی جهانیان در زندگی امروز و فردا و در هر مکان و زمان بدان بستگی دارد. قرآن، چشمه‌ای است زاینده و زلالی همیشه پاینده که پیوسته طالبان حقیقت را بر خوردار و عاشقان معرفت را در افسون خویش گرفتار ساخته است. جویباری است جاری در بستر زمان که تشنگان هدایت دم به دم زلال از آن برداشت‌هاند. اما همچنان از خروش و تلاطم چیزی از کف نداده است. یا دریایی است بی‌کران که گاه به گاه عالمانی متبخر، پشتگرم به جسارت خود، در اعماق آن فرو رفته‌اند و گوهری گرانبها بر کف، از گوشه‌ای از آن سر برآورده و غریو شادی در داده‌اند که گوهر اعجاز را یافته‌ایم. اما این دریا همچنان مرواریدهای درشت‌تر را برای گوهرشناسانی جسورتر در ژرفای خویش نهان باقی گذاشته است، یا اقیانوسی است از زلال وحی که نشان از «بالا» دارد و هر که دیده بدان خیره کند، جز به تحیر درماندن او را نصیبی حاصل نیست، یا آینه‌ای است از حقیقت علم که هر که در آن بنگرد، به رگم همه‌ی ادعاها، جز مقدار علمی خویش نبیند. ولی آن آبگینه همچنان بر جای ماند تا بتوان در آن صورتی دیگر دید. قرآن، اعجازی است که خیره‌سرتترین دشمنان و سخنورترین امیران بلاغت و بیان را در برابر خویش به خموشی کشاند، و در پهنه‌ی تصور هم‌آورد با خود شمشیر هر زبان‌آوری را گُندتر از گُند ساخته است. چندان که از وضوح این عجز و ناتوانی نه این که به هم‌آوردی آن برنخواست‌ه‌اند، بلکه چنین اندیشه‌ای نیز در سر نپرورانده‌اند.

بدین سان قرآن بر فراز تنها قلعه‌ی رفیع سخن ایستاده و هر سخن بلندی را در کنار این رفیع، کوتاه و هر تلاشی را برای رسیدن به این فراز ناتوان دیده است.

قرآن این معجزه‌ی جاودانه‌ی خاتم پیامبران، نخستین دگرگونی فرهنگی را در محیطی به وجود آورد که انحطاط فرهنگی در آن محیط به اوج خود رسیده بود. قرآن خود در ترسیم آن زمان می‌گوید:

﴿وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا﴾ [آل عمران: ۱۰۳]

«و شما با بت پرستی و شرکی که داشتید بر لبه‌ی گودالی از آتش دوزخ بودید و هر آن با فرا رسیدن مرگتان بیم فرو افتادنتان در آن می‌رفت، ولی شما را از آن رهانید و به ساحل ایمان رسانید».

تاریخ خود بهترین گواهی است که تعالیم برگرفته از قرآن در کوتاه‌ترین زمان از اعراب غرق در فساد و پلیدی، انسان‌هایی را تربیت کرد که بعد از گذشت قرن‌ها هنوز همتایی برای آنان متصور نیست و در مقابل هر زمانی که مسلمانان از گرد قرآن پراکنده گشتند، ذلت و خواری سراغشان آمد.

بنده بر این باورم جوامع اسلامی جز با بازگشت به فرهنگ قرآنی راه دیگر نمی‌توانند در پیش بگیرند، اگر چنین اتفاقی که لازمه‌ی آن فراهم ساختن زمینه‌های قرآنی شدن جوامع هست، رخ دهد؛ بی‌تردید قدرت آغازین اسلام قابل بازگشت است و می‌تواند موجبات سربلندی مسلمانان را به ارمغان بیاورد.

استاد «فرید وجدی» می‌گوید:

«بر کسی که دارای شعور و ایمان است پوشیده نیست که قرآن همان کلام و همان نوری است که برای هدایت بهترین امت‌های جهان که اسلام نام دارد از جانب خدای متعال بر خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ نازل شده است.

این امت پیش از نزول قرآن، به صورت قبائل پراکنده‌ای بودند که هیچ پیوند دینی و مصلحت اقتصادی و یا رابطه‌ی سیاسی آن‌ها را به دور هم جمع نمی‌کرد. شغلشان جنگ و غارت، و اخلاق و عاداتشان ایجاد دشمنی و عداوت بود، از جنبه‌ی اجتماعی پائین‌ترین و بی‌فرهنگ‌ترین جامعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دادند. قبائلی بودند بدوی که به دنبال چراگاه بهتر و آب شیرین، همیشه در حال نقل و انتقال از جایی به جای دیگر بودند.

به حدی از هم جدا و بیگانه بودند که کوچکترین امری مانند پیشی گرفتن یکی از دیگری در مسابقه‌ای و یا خیانت و دسیسه‌ای در آن، موجب شعله‌ور شدن جنگ‌های ده‌ها ساله می‌گردید. هر گاه وضع آنان را از لحاظ اقتصادی مورد توجه قرار دهیم،

متوجه خواهیم شد که در اوج ضعف اقتصادی و فقر مالی قرار داشتند، مهمترین ثروت آن‌ها شترها و گوسفندهایی بود که آن‌ها را از چراگاهی به چراگاه دیگری می‌بردند و از لبنیات و گوشت آن‌ها تغذیه می‌کردند و لباس خود را از پشم و موی آن‌ها بدست می‌آوردند. از تجارت تنها نام آن را می‌دانستند و از معامله و معاوضه به جز اشیایی که با آن سروکار داشتند و ضرورت زندگی آن‌ها را ایجاب می‌نمود، بی‌اطلاع بودند.

تنها عده‌ی کمی از مردانشان مقداری از کالاهای عربی را از مکه و طائف و مدینه به بعضی از نقاط شام و یمن می‌بردند و در مقابل، اشیاء و کالاهای مورد نیاز و متناسب با تمدن خود را خریداری می‌نمودند و با خود می‌آوردند. غیر از این عده‌ی کم، بقیه چه از لحاظ پوشاک و مسکن و چه از جنبه‌ی مالی و زندگی در بدترین و سخت‌ترین شرایط به سر می‌بردند.

از جنبه‌ی علمی نیز در نهایت جهل و نادانی قرار گرفته بودند، به خواندن و نوشتن اهمیت نمی‌دادند و به چیزهایی که آنان را از محسوساتی که با آن‌ها سروکار داشتند دور می‌ساخت توجه نمی‌کردند. روایت نشده که به علم و فنّی آشنایی داشته و یا در رشته‌ای از رشته‌های معارف انسانی پیشرفت و برتری به دست آورده باشند، مگر در فن شعر و شاعری که در این مسائل دارای طبع و استعداد عالی بودند...

از لحاظ سیاسی هم در انزوای کامل به سر می‌بردند و کوچکترین رابطه‌ای با دنیای خارج از لحاظ اتحاد، هم پیمانی، معاهده و قرارداد نداشتند و این امر صرفاً به خاطر این بود که از نظر سایر ملت‌ها بی‌اهمیت به شمار می‌آمدند و دارای شأن و مقامی نبودند تا در سیاست عمومی، و زن و اعتباری برای آنان در نظر گرفته شود... اوضاع سیاسی، صنعتی، علمی، اقتصادی و اجتماعی این ملت به همین نحو از ابتدای وجودش تا مبعوث شدن حضرت محمد ﷺ ادامه داشت و به شهادت تاریخ تا آن زمان و در هیچ قرن و نسلی تغییر و تحولی در آن‌ها به وجود نیامده بود.

وقتی قرآن به وسیله‌ی رسول خدا حضرت محمد بن عبدالله ﷺ برای هدایت این ملت آمد، پس از چند سالی طول نکشید که دیدیم ملت عرب به تحرک و جهش افتاد، خورشیدوار پرتوافشانی کرد. اخلاق و بینش صحیح از خود نمایان ساخت و سپس به عنوان یک نیروی قدرتمند و عادل در جهان به حرکت درآمد و تلاش خود را از موضع عقل و قدرت شروع نمود تا جایی که به صورت نمونه‌ی ملت‌ها، صاحب علم و دانش،

استاد شمشیر و صلح، نابود کننده‌ی ناراحتی‌ها و پریشانی‌ها، محو کننده‌ی ظلم و تاریکی و بلکه حیات‌بخش و زنده کننده‌ی جسم‌های بی جان درآمد.

چه چیزی باعث شد، این تحول ناگهانی که دنیا را متحیر و مبهوت کرده بود به وجود آید؟ باید بگوئیم عامل این تحوّل عظیم تنها وجود حضرت محمد ﷺ و قرآنی بود که از جانب خدا بر او نازل شد. قرآنی که آن را قانون خود و امتش قرار داد و به عنوان مرجع و امامی معرفی نمود که باید تمام کار و امور خود و پیروانش براساس آن انجام گیرد، این امر موجب چنان تغییرات و تحولاتی گردید که حتی اگر با جدّیت و تلاش فراوان قلم‌ها و استعداد‌های خود را به کار گیریم، نمی‌توانیم قسمتی از آن را توصیف کنیم، چه رسد به اینکه به فکر توصیف همه‌ی آن‌ها باشیم.

این ملت که به راز وجودی خود آشنا شده و به وظیفه‌ی خود (که خلافت خدا در زمین است) آگاهی یافته و تاریخش تا به امروز هنوز درخشنده‌ترین تاریخ‌ها و زینت‌بخش صفحات است و آثار آن در خاطره‌ها و قلب‌های واقعین، بزرگترین و مهمترین آثار است، به وسیله‌ی قرآن زنده گردید و به حرکت درآمد، به وسیله‌ی قرآن، آگاه و هوشیار شد و به تهذیب نفس و کسب فضائل اخلاقی راه یافت و امتی منسجم و جامعه‌ای متشکل را به وجود آورد. در سایه‌ی قرآن به همکاری و مساعدت پرداخت و در پرتو آن، نماز، روزه، خشوع، رکوع و حج و عمره را به جای آورد.

قیام و نهضت، جنگ و صلح و عقد پیمان و نقض آن را با قرآن شروع نمود، مبارزه و دشمنی‌اش، مباحثه و یادگیری‌اش، تألیف و تدوین و جمع‌آوری‌اش، تخریب و نوسازی‌اش را کلاً تحت رهبری و راهنمایی قرآن انجام می‌داد، اگر بخواهیم به اصطلاح امروزی آن را بیان کنیم، باید بگوئیم که ترقی و تمدن و کلیه‌ی دستاوردهایش در پرتو نور قرآن بود. وقتی چنین باشد، باید قرآن را روح و حیات این ملت و رمز وجودی و نگهدارنده‌ی آن به شمار آورد.<sup>۱</sup>

وی در ادامه می‌افزاید:

«اما امروز با وجود این قرآن، ما در چه موقعیتی قرار داریم؟ این فاصله‌ی زیادی که بین ما و قرآن واقع شده است از چیست؟

یکی فریاد می‌زند: «مسلمانان عقب افتاده، و یکتا پرستان مُرتجع‌اند، دین‌داران شکست خورده و نمازگزاران و روزه‌داران در اسارتند»، دیگری با زاری می‌گوید: «اخلاق پایمال شده، ملت‌ها به سستی گراییده، اراده‌ها ضعیف و ناتوان گشته، خرافات و اوهام شایع شده، و عقل و ادراک رو به ضعف نهاده، روابط از هم گسیخته و عاطفه و محبت از بین رفته است.»

سومی ناله‌کنان می‌گوید: «اسلام از بین رفت، پیشوایان خسته، و اطبای حاذق مایوس، و رهبرانِ مخلص ناامید گشته‌اند، دیگر دین به کلی نابود شده است.»  
توده‌ی مسلمانان هم در این بین در عذاب‌اند و چاره‌ی درد را نمی‌شناسند، می‌نالند ولی محل درد را تشخیص نمی‌دهند؛ به حرکت درمی‌آیند اما نظمی ندارند، احساس دارند ولی بی‌رویه است، حرف می‌زنند ولی به دور از صواب است، نگاه می‌کنند اما در تاریکی و بدون نورند، در تلاشند اما تلاششان با عقل همراه نیست، از درد خود می‌نالند ولی ناله‌شان پیش طیب نیست، می‌روند ولی نمی‌دانند به کجا!  
این بلای عظیم، این حادثه‌ی هولناک و این وضع عجیب، این ملت را به ذلت و خواری انداخته و آن را به سقوط و انحطاط کشانده تا جایی که از حیات و هستی خود به شک افتاده و از خود مایوس و دلسرد شده است در حالی که قبلاً چنان عظمتی داشت که اگر می‌خواستید آن را توصیف کنید، از قدرت خیال و ذوق شعری شما بیرون بود.

چرا این امت نگاه می‌کند ولی نمی‌بیند، لمس می‌کند ولی قدرت تشخیص ندارد، احساس می‌نماید اما قدرت درک ندارد، حرف می‌زند لیکن عمل نمی‌کند، به پا می‌خیزد با وجود این دوام ندارد؟ کدام یک از نعمت‌هایش ربوده شده، کدامیک از رگ‌هایش قطع گردیده، چه اختلالی در ترکیب و اجزایش حاصل شده، چه عنصری را از دست داده و چه رکنی را فراموش کرده که به این بدبختی گرفتار شده است؟

اگر شما تعجب کنید که چرا این امت به این بدبختی و انحطاط دچار شده است در حالی که بر تمام ملت‌ها برتری داشت و ملت‌های ضعیف را قدرت می‌بخشید، من از تعجب شما تعجب می‌کنم. چون در عقب‌ماندگی و عقب‌گرد ملت‌ها جای تعجب نیست، این امر از قانون و سنتی طبیعی پیروی می‌نماید و سنت خدا تغییرناپذیر است ﴿وَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾. این ملت چطور می‌تواند بدون «قرآش» دوام داشته باشد و بدون «روحش» زنده بماند؟...

چگونه می‌تواند بدون «قرآن» پیروز و رستگار باشد و با چیزهایی برخلاف قرآن سربلندشود؟

مایه‌ی حیات ملت اسلام، «قرآن» و روح آن، «اسلام» است و هرگز نمی‌تواند بدون این دو نیرو زنده بماند و یا با ملت‌های دیگر برابری نماید در حالی که می‌بینید خاص و عام این ملت، از قرآن و اسلام بدور شده‌اند...

قرآن در نزد مسلمانان صدر اسلام طوری بود که مسلمانان در تمام کارهای شخصی، آن را به عنوان قانون و برنامه‌ی اساسی خود قرار می‌دادند، نفس خود را به آداب آن می‌آراستند و روحشان را به آیات قرآنی زنده می‌کردند، احساسات و عواطفشان را با تشویقات آن بیدار می‌نمودند، سرکشی‌های نفس را با تهدیدهای قرآن مهار می‌ساختند، به واسطه‌ی قرآن به سوی پروردگار خود به پرواز درمی‌آمدند، و در برابر دستورات آن با مردم رفتار می‌کردند.

امت، جامعه و دولت اسلامی در برابر قرآن، چنین موقعیتی داشتند. دولت، قوانینش را از قرآن اخذ می‌کرد و رفتار خود را با مقیاس آن می‌سنجید، پایه‌های قدرتش را با نیروی آن تحکیم می‌بخشید و همراه با نسیم حیات‌بخش قرآن به پیشرفت خود ادامه می‌داد. خلاصه، قرآن زنده کننده‌ی قلب و مایه‌ی شعور فردی و روح جامعه به شمار می‌رفت، ولی ما کجا و آن روزها کجا!

ما خواندن قرآن را تنها به عنوان تبرک در منازل، و یا وسیله‌ای برای جلب ترحم دیگران در گورستان‌ها و یا اظهار همدردی در مراسم سوگواری قرار داده‌ایم، هیچ بهره‌ای از قرآن، جز گفتن کلمات و زیر و رو کردن صفحات آن و شنیدن صدای قاریان و تکان خوردن از نغمه‌های آنان نداریم. متأسفانه از تأمل و تعمق در معانی عالیه‌ی قرآن و کوشش برای دستیابی به اهداف گرانبهای آن و آگاه شدن از اسرار و حقایقی که پدران ما را خیلی پیش، زنده ساخت و بهترین ملت‌ها را از آنان به وجود آورده، بهره‌ای نداریم و خاص و عام در این بدبختی شریک و سهیم می‌باشیم مثل اینکه می‌خواهیم بدون روح زنده بمانیم و بدون ارتباط و همبستگی به پای سایر ملت‌ها برسیم.<sup>۱</sup>

آری، قرآن کلام الهی، معجزه‌ی جاوید پروردگار جهانیان و کتاب هدایت بشر به سوی سعادت ابدی است. فصاحت و بلاغت بیش از حد تصور قرآن و نوای موزون آن

همراه با معارف و معانی، خبر از ملت‌ها و امت‌های پیشین و پیشگویی از وقایع آینده و هماهنگی و هدف‌دار بودن تمام آیات آن، از جمله اعجاز قرآن است. قرآن فقط محدود به زمان و مکان خاصی نیست، بلکه کتاب هدایت بشر بر روی زمین است و تا زمانی که حیات انسان روی این کره‌ی خاکی ادامه دارد، به نقش هدایتگری خود ادامه می‌دهد و از این رو نباید غبار کهنگی بر روی آن بنشیند.

در قرون اخیر نیز که قرن علم، صنعت، فضا، ارتباطات و پیشرفت‌های پزشکی بوده است، اعجاز این معجزه‌ی جاوید بیش از پیش نمایان گشته و ندای مبارزه طلبی آن، بیش از گذشته در گوش معاندان و آنانی که دچار غرور علمی گشته‌اند، طنین‌انداز گشته است.

امروزه مسلمانان به علت دوری از قرآن و تعالیم آن، از قافله‌ی تمدن بشری عقب افتاده‌اند و با وجودی که دارای جمعیتی بیش از یک میلیارد می‌باشند، خود باخته‌اند و از تفرقه میان خود به شدت رنج می‌برند، دشمنانشان بر آنان مسلط شده‌اند و در عمل به جای پیروی از دستورات قرآن از اوامر ابرقدرت‌های بزرگ که دشمن دین و قرآن آن‌ها می‌باشند، پیروی می‌نمایند و این در حالی است که پیروی از دستورات قرآن، آنان را از این ذلت نجات خواهد داد و شکوه و عظمت گذشته را به آن‌ها باز خواهد گرداند.

### مهجوری قرآن در عصر حاضر

در روزگار استعمار بریتانیای کبیر، آقای «چرچیل» نخست وزیر آن کشور، قرآن کریم را در مجلس لردها بلند نموده و می‌گوید: «تا زمانی که این قرآن در میان مسلمانان باشد، استعمار کردنشان محال است، و ما باید بکوشیم قرآن را در جامعه‌های اسلامی از حیات و زندگی مردم کنار بزنیم.»

زمانی دغدغه‌ی پیامبر گرامی ما این بود که

﴿يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ [الفرقان: ۳۰]

«پروردگارا! مردم قرآن را ترک کردند و از خود راندند.»

و حال دغدغه‌ی بسیاری از مؤمنان راستین و پیروان واقعی آن حضرت ﷺ این است که چرا مسلمانان امروزی قرآن را رها کرده‌اند و به چیزهای دیگری مشغول شده‌اند، و چرا آن‌هایی که قرآن را می‌خوانند خیلی کم به آن عمل می‌کنند و خیلی



کم دارای اخلاق قرآنی هستند، و چرا آن‌هایی که آرامش را می‌خواهند به جای پناه آوردن به قرآن به چیزهایی از قبیل خلسه‌های روحانی و مدیتشن و هیپنوتیزم پناهی آورند!

قرآن این حق را بر گردن ما دارد که در زمینه‌ی حفظ و بیان و تلاوت و استماع آن و تدبر و تأمل در آن، با آن به درستی و شایستگی رفتار نمائیم. همچنین در راستای فهم و تفسیر، رفتار درستی با آن داشته باشیم. هیچ چیز بهتر از آن نیست که بدانیم خداوند از ما چه می‌خواهد. زیرا خداوند کتابش را تنها برای آنکه در آن بیندیشیم و از اسرارش آگاه شویم و هر یک از ما در حد توان و ظرفیت خویش به استخراج مرواریدهای این دریای بی‌کران بپردازیم. نازل فرموده است.

علماء و صاحب نظران اسلامی می‌گویند: اگر به خود قرآن مراجعه کنیم، می‌بینیم قرآن از هر مسلمانی پنج خواسته دارد:

۱- ایمان و تعظیم به قرآن: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ءَاَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَاَمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ﴾ [البقرة: ۲۸۵]، «فرستاده‌ی خدا - حضرت محمد ﷺ - معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است و شکی در رسالت آسمانی و کتاب و حیانی - قرآن - ندارد و مؤمنان نیز بدان باور و ایمان دارند».

۲- تلاوت قرآن: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾ [البقرة: ۱۲۱]، «کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم و آن را از روی دقت و چنان‌چه باید می‌خوانند، این چنین افرادی به قرآن ایمان می‌آورند».

۳- فهم و تدبر در قرآن: خداوند می‌فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا ءَايَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [ص: ۲۹]، «ای محمد! این قرآن کتاب پرخیر و برکتی است و آن را برای تو فرو فرستاده‌ایم تا درباره‌ی آیه‌هایش بیندیشید و تفکر و تأمل کنید و خردمندان پند و اندرز گیرند».

و نیز می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ [محمد: ۲۴]، «آیا درباره‌ی قرآن نمی‌اندیشید و مطالب و نکات آن را بررسی و واریسی و مورد تفکر و تدبر خویش نمی‌کنید؟ یا این که بر دل‌های شما قفل‌های ویژه‌ی آن‌ها زده‌اند؟».

۴- عمل به قرآن و اجرای دستورات آن در زندگی: قرآن کتاب عمل است و کسانی که بر دستورهای قرآن عمل ننموده و اوامر و فرامین و تعالیم و آموزه‌ها و احکام و دستورات و حقایق و مفاهیم والای آن را در زندگی خود پیاده نمی‌کنند، از دید قرآن فاسق و گناهکار محسوب می‌شوند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [المائدة: ۴۷]، «و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند، او و امثال او متمرد و سرکش از شریعت خدا هستند».

و پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «ما امن بالقران من استحل محارمه»، «کسی که حرام کرده‌های قرآن را حلال بداند، به آن ایمان نیاورده است.»

۵- نشر فرهنگ قرآن و دعوت به سوی تعالیم و آموزه‌های تعالی‌بخش و سعادت آفرین آن: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيَلْعَلُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [ابراهيم: ۵۲]، «این قرآن به عموم مردم ابلاغ می‌گردد تا ترسانده شوند و بدانند که خداوند معبود یگانه‌ای است، و خردمندان از خواندن قرآن، پند و اندرز گیرند و خویشان را در پرتو آن از آتش دوزخ دور کنند و به بهشت برسانند».

و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً» [بخاری و مسلم]، «از طرف من برسانید ولو یک آیه باشد.»

اگر مسلمانان در این پنج زمینه به قرآن توجه کنند و این پنج حق قرآن را ادا نمایند و در مراحل مختلف زندگی آن‌ها را نصب العین و آویزه‌ی گوش خویش قرار دهند، قطعاً تحول و انقلاب شگفت‌انگیزی در زندگی‌شان پدید خواهد آمد.

در قرن‌های نخستین - که بهترین دوران تاریخ اسلام است - مسلمانان بهترین رفتار و کردار را با قرآن داشتند. به خوبی آن را می‌فهمیدند و از مقاصدش مطلع و آگاه می‌شدند، و به میزان مطلوبی در عرصه‌های مختلف زندگی - مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی، سیاسی و نظامی، فرهنگی و اقتصادی، عبادی و خانوادگی، اخلاقی و تربیتی و... - به آن عمل می‌کردند و دیگران را براساس بصیرت و درایت به اوامر و فرامین تعالی‌بخش و تعالیم و آموزه‌های روح‌آفرین و احکام و دستورات تابناک و حقایق و مفاهیم والای آن دعوت می‌نمودند.

بهترین گواه بر این مدعا اصحاب رسول خدا ﷺ هستند. آن طلایه‌داران عرصه‌ی اخلاق و عمل، و پیشقراولان عرصه‌ی اعتقاد و صداقت، و پیشگامان پیشتاز عرصه‌ی جهاد و تلاش، و سرآمدان عرصه‌ی خداباوری و قرآن‌شناسی که قرآن کریم همه‌ی ابعاد زندگی ایشان را متحوّل و دگرگون نموده و آنان را از انحرافات جاهلیّت و در پرتو اصلاحات اسلام، نجات داد و از تاریکی‌ها رهایشان نمود و به سوی نور رهنمون گردید. تابعین و تابعان تابعین نیز در واقع به خوبی راه ایشان را در پیش گرفتند و نسل‌هایی قرآنی گردیدند که بندگان خدا به وسیله‌ی آنان هدایت یافتند و ممالکی را فتح کردند و قدرت و حاکمیتی گسترده پیدا کردند و در آن سرزمین‌ها روش عدالت و احسان را پیش گرفتند و تمدن علم و ایمان و اخلاق و اصلاح و صلح و آرامش و صفا و صمیمیت و عدالت و برابری و اخوت و برادری و فلاح و رستگاری را بنیان نهادند.

اما پس از آنان نسلی آمدند که با قرآن بیگانه بودند، حروفش را حفظ می‌کردند و حدودش را رعایت نمی‌کردند و در راستای رفتار با قرآن به بیراهه رفتند و برای شناخت درست آن کوشش و تلاش نکردند. آنچه را که قرآن اولویّت داده است، اولویّت ندادند و آنچه را که قرآن به آن اولویّت نداده است، اولویّت دادند. به اموری که مورد اهتمام قرآن بود، اهتمام نورزیدند و به اموری که از نظر قرآن اهمیت چندانی ندارد، توجه بیشتری نشان دادند.

برخی از ایشان - همچون بنی اسرائیل - تنها به بعضی از قرآن ایمان داشتند و به آن مقدار هم آنگونه که خداوند دوست می‌داشت و راضی بود به خوبی عمل نمی‌کردند. به عنوان تبرک قرآن را با خود حمل می‌کردند و به در و دیوار خانه و محل کار خود می‌آویختند.

به بند صوفی و ملاً اسیری حیات از حکمت قرآن نگیری  
به آیاتش تو را کاری جز این نیست که از یاسین او آسان بمیری

[اقبال لاهوری]

آن‌ها فراموش کرده بودند که خیر و برکت قرآن مشروط به عمل و اجرای احکام و دستورات آن است، چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۵]

(این قرآن، کتاب مبارکی است که ما آن را فرو فرستاده‌ایم. پس از احکام و دستورات آن

پیروی کنید و از مخالفت با آن بپرهیزید تا مورد رحم خدا قرار گیرید.)

تاریخ شاهد است که روزگاری مَجْد و عظمت، و شرف و مِکنت، و عزت و اقتدار، خاصه‌ی ملت مسلمان در سراسر جهان بود و به حق جامعه‌ی اسلامی آن روز در پرتو عمل به قرآن، دارای اخلاق حسنه و الگوی منحصر به فرد در بین دیگر ملل جهان بود. عزت و اقتدار مسلمان تا جایی گسترش یافت که در اقصی نقاط جهان، حتی اسپانیا (اندلس آن زمان) حدود هشت قرن حکومت و سیادت کردند. اما در چند سده‌ی اخیر این قدرت و عزت رو به انحطاط گرائید و ملل مسلمان در سراسر جهان زیر یوغ استعمار و استکبار، خوار و زبون گشته و به نمادی از ذلت و بردگی تبدیل شدند.

امروزه مسلمانان به علت دوری از قرآن و تعالیم و آموزه‌های تابناک و سعادت آفرین آن، از قافله‌ی تمدن بشری عقب افتاده‌اند و با وجودی که دارای جمعیتی بیش از یک میلیارد می‌باشند، خود باخت‌اند و از تفرقه میان خود به شدت رنج می‌برند. دشمنانشان بر آنان مسلط شده‌اند و در عمل به جای پیروی از دستورات قرآن، از اوامر و فرامین قدرت‌های بزرگ - که دشمن دین و قرآن آن‌ها می‌باشند - پیروی می‌نمایند و این در حالی است که پیروی از دستورات قرآن، آنان را از این ذلت و بردگی و بدبختی و نگون‌ساری و شقاوت و خواری نجات خواهد داد و شکوه و عظمت گذشته را به آن‌ها باز خواهد گرداند.

منم پیغام جاویدان	منم قرآن منم قرآن
منم برنامه‌ی انسان	منم سرچشمه‌ی ایمان
چرا قدرم نمی‌دانی	رهاورد شب قدرم
چرا آخر نمی‌خوانی	پیغام رحمت آوردم

پشت کردن به قرآن در این دنیا برای مسلمانان ذلت و خواری را به بار آورده است و در روز آخرت نیز شکایت پیامبر از آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. در آن روز که امت محمد ﷺ از زبان پیامبرشان این شکایت را می‌شنوند که:

﴿يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ [الفرقان: ۳۰]

«پروردگارا! مردم قرآن را ترک کردند و از خود راندند».

این سخن و این شکایت پیامبر ﷺ امروز نیز همچنان ادامه دارد که از گروه عظیمی از مسلمانان به پیشگاه خدا شکایت می‌برد که این قرآن را به دست فراموشی سپردند. قرآنی که رمز حیات است و وسیله‌ی نجات؛ قرآنی که عامل پیروزی و حرکت و ترقی

است؛ قرآنی که مملوّ از برنامه‌های ارزنده و سازنده‌ی زندگی می‌باشد؛ قرآنی که روح حیات و حیات روح است؛ این قرآن را رها ساختند و حتّی برای قوانین مدنی و جزائی‌شان دست‌گذاری به سوی دیگران (غریبها و اروپائیان) دراز کردند!

هم اکنون اگر به وضع بسیاری از کشورهای اسلامی، مخصوصاً آن‌ها که زیر سلطه‌ی فرهنگی شرق و غرب زندگی می‌کنند، نظر بیفکنیم، می‌بینیم که قرآن در میان آن‌ها به صورت یک کتاب تشریفاتی درآمده است که تنها الفاظش را با صدای جالب از دستگاه‌های فرستنده پخش می‌کنند و جای آن در کاشی‌کاری‌های مساجد به عنوان هنر معماری است، برای مجالس ترحیم، افتتاح خانه‌ی نو، و یا حفظ مسافر و شفای بیماران و زنان باردار و حداکثر برای تلاوت به عنوان ثواب و پاداش از آن استفاده می‌کنند.

براستی امروز قرآن از نظر مغز و محتوا، مهجور است؛ از نظر اندیشه و تفکر، متروک است؛ از نظر عمل به اوامر و فرامین روح‌بخش و تعالیم و آموزه‌های تابناک و احکام و دستورات حیات‌آفرین و حقایق و مفاهیم والا و گرامی‌اش، مهجور است؛ و از نظر برنامه‌های سازنده و ارزنده‌اش، مهجور و متروک است.

براستی امروز هم پیامبر ﷺ فریاد می‌زند:

﴿يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ [الفرقان: ۳۰]

خوار ز مهجوری قرآن شدیم شکوه سنج گردش دوران شدیم  
در حقیقت ما نسبت به درک اسرار قرآنی و دستیابی به ودیعه‌های آیات قرآنی و حقایق بزرگ و بی‌شمار معارف گرانبها و تابناکش، بی‌توجهیم و اهداف عالی‌هی قرآن را درک نمی‌کنیم.

بی‌توجهی و سستی به هنگام قرائت قرآن و عدم تعمق و تدبّر در معانی و اهداف گرانبهای قرآن، بلایی است که قرن‌ها مسلمانان به آن مبتلا شده‌اند، تا کار به جایی رسیده که شخصی تمام قرآن را از حفظ می‌خواند ولی متأسفانه معنی یک سطر آن را نمی‌داند و حتّی در طول زندگی خود به فکر آن نیست که خود را زحمت دهد و معنای قسمتی از آن را یاد بگیرد، در حالی که وضع حافظان قرآن به این صورت است باید اقرار کرد که وضع عامه‌ی مردم خیلی اسفناک‌تر است. عامّه به قرائت و تدبّر در قرآن توجهی ندارند و تنها سوره‌های کوچک را حفظ می‌کنند و در نماز آن‌ها را به غلط می‌خوانند ولی معنی آن‌ها را نمی‌فهمند، مثل اینکه نماز تنها گفتن کلمات و

انجام دادن حرکات است و فاقد معنی و روح معنوی می‌باشد. دکتر مصطفی خرمدل می‌گوید:

«آیا بهتر نیست به جای صرف کردن عمر عزیز در مطالعه و تدریس کتاب‌های متعدد و مکرر فلسفه و منطق یونانی و هیئت بطلمیوسی و قیل و قال بی‌سود حواشی، قرآن عربی و سهل و ساده را به جوانان خود بیاموزیم؟ مگر فراموش کرده‌ایم که پیامبر ﷺ و صحابه، زندگی نوین را با قرآن شروع کردند و در پرتو نور آن به همه چیز نگریستند؟ آیا نمی‌ترسیم از روزی که در آن پیامبر ﷺ در پیشگاه خدا به شکایت پردازد و بفرماید: پروردگارا! اینان به ترک قرآن گفته‌اند و آن را از کلاس درس و حجره‌ی بحث و صحنه‌ی زندگی بدور داشته‌اند؟ مسلمانان صدر اسلام، در زیر پرچم «لا اله الا الله» با دو اسلحه‌ی تیز و برّان به جنگ کافران و منافقان برخاستند و دو ابر قدرت کیاسره و قیاصره‌ی ایران و روم را برانداختند. این دو اسلحه یکی قرآن و دیگری سنت نبوی بود. هر دوی این‌ها در دسترس ما است. لیکن به جای این که آن‌ها را در دست بگیریم و به پیکار بنشینیم، آن‌ها را در پارچه‌های زیادی پیچیده‌ایم و بر طاقچه‌ها نهاده‌ایم، یا به گورستان‌ها برده‌ایم و بجای زندگان برای مردگان می‌خوانیم! دشمنان اسلام، خوب می‌دانند که مایه‌ی حیات مسلمانان قرآن است و باید آن را از دست ایشان گرفت. اما برچیدن قرآن از خانه و کاشانه و مساجد مؤمنان ناشدنی است. ولی برگرفتن آن از دل و جان و گستره‌ی زندگی آنان، با تلاش بی‌امان و نیرنگ‌های نهان انجام‌پذیر است.»

وی در ادامه می‌افزاید: «ما به جای استفاده از قرآن که منبع اصلی اسلام و سازگار با فطرت انسان است، از این کتاب و آن کتاب، مطالب مواعظ و سخنرانی‌های خود را تهیه می‌بینیم، و مؤمنان را نه با فرموده‌ی یزدان، بلکه با گفته‌ی مردمان ارشاد و راهنمایی می‌کنیم! مگر به ما دستور داده نشده است که قرآن را بر مردم بخوانیم؟ و با آن دیگران را به رحمت خدا امیدوار و از خشم او بترسانیم؟ و ایشان را به راستای خداشناسی رهنمود گردانیم؟»

پس ای مسلمانان برای نیل به سعادت در دو جهان، به سوی قرآن برگردید. قرآن را برنامه‌ی عملی زندگی خود سازید. دواهای نسخه‌ی ربّانی و حکیم صمدانی را به تمام و کمال و بجا و بموقع بکار بندید. فرمان خداوندگار عالم را اجراء نمائید. زبان قرآن را بیاموزید و خودتان شخصاً به نامه‌ی خدا بنگرید و آن را فهم کنید. با سلاح

آسمانی قرآن مجهز شوید و به پیکار برخیزید، و با قرآن خردها را رهنمود نمائید، و مواعظ آن را آویزه‌ی گوش جان‌ها سازید. تا با چشم سر توفیق و مدد خدا را ببینید و شاهد پیروزی را در بغل گیرید.»<sup>۱</sup>

حضرت عمر در جمله‌ای تاریخی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْقُرْآنِ أَقْوَامًا وَ يَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ»، «چه بسا اقوامی را که خداوند با قرآن آن‌ها را بلند می‌کند و به وسیله‌ی همین قرآن، اقوامی دیگر را پست و ذلیل می‌گرداند.»

به راستی که خواری و زبونی مسلمانان امروزی، نشأت گرفته از دوری و فاصله گرفتن از اوامر و فرامین و تعالیم و دستورات تابناک و گهربار قرآن کریم است. برآستی اگر قرآن کریم در جامعه‌ی اسلامی به عنوان برنامه‌ی زندگی آحاد ملت مسلمان قرار گرفته و از جایگاه لایق و مناسبش برخوردار شود، شاید باری دیگر امت اسلامی، مجد و عظمت و شکوه و بزرگی از دست رفته‌ی خویش را دریابد؛ ولی متأسفانه آن نوای دلنواز قرآن که صبحگاهان و سحرگاهان از منزل هر مسلمان گوش هر شنونده را نوازش می‌داد، جایش را موسیقی، تفریحات مخرب و خواب و تنبلی گرفته است، و قرآن زینت مجالس عزاء شده و با افتخار قرائت و اسلوبی را به نام «قرائت مجلسی» نام نهاده‌اند. آیا به راستی هدف از نزول قرآن همین بوده است؟!

در بسیاری از آیات روح بخش قرآن مجید، هدف از نزول قرآن غیر از این بیان شده است؛ در بعضی آیات هدف قرآن «انذار»، و در بعضی آیات «تذکر و پند گرفتن»، و در آیاتی دیگر «هدایت» و «بشارت» ذکر گردیده که مقصود از همه، اجرای قرآن در تمام شعب زندگی و یافتن حیات معنوی از آن سرچشمه‌ی زلال الهی است.

ای مسلمانان! آیا تا به حال از خود پرسیده‌اید که خواندن قرآن در مراسم عزاء به شکلی که مردم ما به آن خو گرفته‌اند، شرعی نیست. چرا که حکمت نزول قرآن را تغییر داده و آن را زیر سؤال برده است. خداوند آن را برای عمل به احکام آن و عبادت با خواندن و شنیدن آن نازل کرده است، در حالی که در مجالس عزاء، قرآن را وسیله‌ای برای باخبر کردن مردم قرار داده‌اند، همانطور که آن را به عنوان شعار عزاء و ماتم قرار داده و گویی که خداوند آن را نازل کرده است تا فقط در این مجالس برای مرده‌ها خوانده شود.

۱- مقدمه‌ی تفسیر نور، مصطفی خرمدل، احسان ۱۳۸۴، با اندکی تصرف.

آیا این درست است که بجای این که قرآن را در دست بگیریم و در مراحل مختلف زندگی، اوامر و فرامین و تعالیم و آموزه‌های آن را نصب العین و آویزه‌ی گوش خویش قرار دهیم، آن را در پارچه‌های زیادی ببیچیم و بر طاقچه‌ها بگذاریم یا به گورستان‌ها برده و به جای زندگان برای مردگان بخوانیم! آیا باید برنامه‌ی زندگی (قرآن) را فهمید و برابر آن زیست، یا آن را بوسید و در لای پارچه‌ها پیچید؟ آیا دواهای نسخه را باید خورد و بکار برد، یا از دواهای خوب و خطّ خوانای آن فقط به‌به گفت؟

و اگر این مهجوری و بی‌تفاتی همچنان نسبت به قرآن عظیم الشان ادامه داشته باشد، تک تک افراد مسلمان در قبال این کوتاهی و تقصیر باید در بارگاه عدل الهی در مقابل شکایت رسول اکرم ﷺ پاسخگو باشند.

و خوشا به حال کسی که خداوند ﷻ بر او منت نهاده، قدرت حفظ قرآن را به او بخشیده و عالم به احکام قرآن است؛ حلال و حرام و آداب و اخلاقش را می‌داند؛ شیرینی تلاوتش را چشیده و مکان و جایگاهش را شناخته است. همراز، همنشین و مونس قرآن است؛ شبانه‌روزی قرآن را می‌خواند؛ زبانش به خواندن قرآن مشغول و دلش به یاد قرآن زنده و عقلش در رشد و ارتقاء و جاننش شیفته‌ی نسیم‌های فرح‌بخش قرآن است. در مشکلات و گرفتاری‌ها و چالش‌ها و دغدغه‌ها به قرآن پناه می‌آورد، منازعات و کشمکش‌ها و جدال و ستیزه‌ها را به قرآن فیصله می‌بخشد، غبار شبهات را به وسیله‌ی قرآن زائل می‌سازد، به قرآن فتوا می‌دهد، و مردم را به فراگیری الفاظ و کلمات و تعالیم و دستورات قرآن می‌خواند و جاهلان را به قرآن ارشاد می‌نماید، بیماران را به قرآن شفا می‌بخشد و افراد را به آن اندرز می‌دهد.

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [البقرة: ۲۶۹]

هر که خداوند قرآن را در سینه‌اش نهاده باشد، خیر زیادی به او داده شده است. تندرستی، صفای دل، کمال عقلی، رشد فکری، ثروتمندی و بی‌نیازی، فروتنی، بزرگی، مهربانی، دانشمندی، فرهیختگی، صداقت و حکمت به او بخشیده شده است.

### توجه مسلمانان و غیرمسلمانان به قرآن

قرآن کریم، تنها کتاب تحریف نشده‌ی آسمانی و مهم‌ترین و اساسی‌ترین متن و منبع معارف نزد مسلمانان است و به همین دلیل سنگ بنیادین کاخ تمدن و فرهنگ اسلامی و سرچشمه‌ی اصلی اندیشه‌ی یک چهارم جمعیت جهان است.



براستی قرآن کریم پیوسته دریای لبریز و سرشار از علوم و معارف است، هر کس خواهان به دست آوردن مرواریدهای گرانبهایش باشد، باید در اعماق آن غوطه‌ور شود. با وجود تألیفات فراوان دانشمندان اسلامی و علی‌رغم ذخایر نفیس و ارزشمندی که در کتابخانه‌های اسلامی موجود می‌باشد که تمامی این تألیفات و تلاش‌ها در راستای ترویج فرهنگ قرآنی و خدمت به این میراث گرانبها صورت پذیرفته است، قرآن هنوز به صورت دریایی لبریز از عجائب و شگفتی‌ها باقی مانده است و دریای بی‌کرانش مملو از مرواریدها و جواهر می‌باشد و هر از چند گاهی گوشه‌ای از آن برای ما نمایان می‌گردد، به طوری که پرتوهای الهی و تراوش‌های قدسی و رایحه‌های نورانی‌اش، عقل را خیره و خرد را مات و متحیر می‌سازد؛ زیرا محتوی اکسیری است که ضامن رستگاری انسانیت از شقاوت و دوزخ زیانه کشیده‌ی حیات است.

و همواره این قرآن، دریای خروشان است که برای بیرون آوردن گنج‌های گرانبها و شناساندن اسرار و رموز آن به عوآصانی نیازمند است که به اعماقش غوطه‌ور شوند، و هنوز دانشمندان در ساحل این دریای بیکران ایستاده و از آب گوارا و زلال و صافش مستی برمی‌گیرند، اما رفع عطش نمی‌کنند. آن کیست که می‌تواند از کلام پروردگار قادر و متعال آگاهی کامل و فراگیر پیدا کند و اسرار و دقایق و اعجاز آن را دریابد و گمان برد که حق را ادا کرده یا به درجه‌ی کمال رسیده است؟!

قرآن کتابی است اعجازگر که برای همیشه علوم و معارف و حکمت‌های والایش را به انسان هدیه می‌کند، تا ایمان آنان را افزایش دهد و یقین حاصل کنند که «معجزه‌ی ابدی» پیامبر «امّی» حضرت محمد بن عبدالله ﷺ می‌باشد.

قرآن، کتاب آسمانی بزرگترین دین الهی است که ما مسلمانان به داشتن چنین کتاب عظیمی مباهات می‌کنیم. این کلام خدا از همان ابتدای نزولش بر پیامبر اسلام و ابلاغ آیات آن از جانب آن حضرت ﷺ بر پیروان خود باعث برانگیختن اعجاب همه، حتی آنانی که به دین مبین اسلام، ایمان نیآورده بودند شد. چرا که عرب‌ها به فصاحت و بلاغت زبانشان می‌نازیدند و بزرگانشان دارای طبعی روان بودند، اما با آمدن قرآن دریافتند که هیچ شعر و مطلبی چه در زبان عرب و چه در زبانهای دیگر به پای این کتاب آسمانی نمی‌رسد.

اما اعجاز و عظمت قرآن تنها در فصاحت و بلاغش نبود، بلکه با تکیه بر آیات مُتقن و استوار، تمام ادیان اجداد آن‌ها را مردود، و آن‌ها را به یگانه‌پرستی دعوت می‌کرد.

قرآن نه تنها در بین مسلمانان کتابی عظیم و مقدس است، بلکه دانشمندان پیرو ادیان الهی دیگر نیز به عظمت آن پی برده و سال‌ها در مطالب آن به تحقیق و تفحص مشغولند و هر زمان به معجزه‌هایی تازه از این کتاب آسمانی دست می‌یابند که باعث شگفتی بیش از پیش آنان است.

و در حقیقت درباره‌ی هیچ کس و هیچ چیزی به اندازه‌ی قرآن، سخن نگفته‌اند، کتاب نوشته‌اند، تحقیق و پژوهش نکرده‌اند و به تجزیه و تحلیل نپرداخته‌اند، چه اعراب و چه غیر آن‌ها، چه مسلمانان و چه غیرمسلمانان و چه سایر مردمان. علتش هم کاملاً واضح و روشن است، زیرا عظمت هیچ چیز نه تنها به عظمت و بزرگی او نمی‌رسد که بدان نزدیک هم نمی‌شود.

قرآن کریم - این معجزه‌ی جاودانه‌ی اسلامی و کتاب حیاتبخش آسمانی - از آغاز نزول تاکنون در میان مسلمانان از اهمیت و توجه خاص و فوق‌العاده‌ی برخوردار بوده است و وجود کتاب‌های فراوان تفسیر، لغات قرآن، معاجم، قاموس‌ها، علوم قرآنی، ادبیات قرآن و... شاهد راستی این مدعا است.

با این همه، نمی‌توان ادعا کرد که مسلمانان حق این کتاب مقدس آسمانی و برنامه‌ساز زندگی را ادا کرده باشند و تحقیقاً یکی از مهمترین عوامل داخلی انحطاط مسلمانان در این عصر، عدم توجه صحیح و استفاده‌ی کامل و همه‌جانبه از قرآن می‌باشد. بنابراین برای اعاده‌ی حیثیت و به دست آوردن عظمت و حیات مجدد اسلام و مسلمانان، باید به قرآن روی آورد و از حقایق بی‌انتهایش هر چه بیشتر بهره گرفت و این گنجینه‌ی الهی را دستور العمل زندگی فرد و جامعه قرار داد.

در حقیقت «قرآن» کتاب خدا و کتاب مردم است تا پایان جهان، و کلیه‌ی نیازهای عقیدتی، اخلاقی، و عملی بشر و همه‌ی معارف الهی را در بردارد و به گفته‌ی خود قرآن ﴿تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ [النحل: ۸۹] است.

چنین کتابی به طور حتم دارای ابعاد وسیع و نامحدود است و هر قدر راجع به آن کاوش و تحقیق و پژوهش به عمل آید، مطلب به پایان نمی‌رسد و باز هم جای بحث در آن باقی است و به همین خاطر از صدر اسلام به خصوص از قرن دوم به بعد درباره‌ی لفظ و معنی و تفسیر و تأویل و قرائت و تجوید و جمع و کتابت و رسم الخط و اعراب و مفردات و آیات و سوره‌ها و سایر ابعاد این کتاب عظیم، محققان اسلامی و صاحب‌نظران دینی و پژوهشگران قرآنی، مطلب نوشته‌اند و هنوز هم می‌نویسند و جا

دارد که این کار ادامه یابد که قطعاً ادامه خواهد داشت. مسلمانان از همان آغاز طلوع اسلام و گسترش نور هدایت الهی به همه جای دنیا، به وسیله قرآن کریم که سرچشمه‌ی هدایت و منبع تابش نور است، عنایت زیادی به آن داشته‌اند. عنایتی که شامل همه‌ی جنبه‌های قرآن و مشتمل بر تمام مسائل مربوط به آن بوده است و همین توجه به قرآن، آثار مبارک و میمونی در زندگی همه‌ی انسان‌ها به ویژه مسلمان‌ها داشته است، از جمله دانش و خرد، دین و هنر، قانون و قانون‌گذاری، فلسفه و اخلاق، سیاست و حکومت، اقتصاد و ثروت و همه‌ی مظاهر پیشرفت فکری و عملی که مردم در زندگی مادی و معنوی خود می‌شناسند، از قرآن بهره‌مند شده‌اند.

کتابخانه‌های اسلامی از آثار این پیشرفت عظیم، افتخار زیادی کسب کرد، حتی کتابخانه‌های سایر ملت‌ها نیز به گنجینه‌های ارزشمندی دست یافتند که در برابر آن‌ها عقل درمانده، سرگردان و حیرت‌زده می‌شود و در کنار آن حیرت‌زدگی، نوعی شگفتی و عظمتی را می‌بیند که در برابر آن عمیق‌ترین تواضع و تسلیم را در خود احساس می‌کند به طوری که جز اعتراف به ناتوانی و سر فرود آوردن چاره‌ای ندارد.

به راستی از فجر اسلام تاکنون مسلمانان نسبت به این کتاب عنایت تمام ورزیده و همه‌ی جوانب و جنبه‌های آن را مورد بحث و فحص و مطالعه و درس قرار داده‌اند. گروهی به ضبط لغات قرآن و نگارش کلمات آن، و در پی شناخت مخارج حروفش و شمارش تعداد آن‌ها اهتمام ورزیده‌اند، و درصد شمارش تعداد کلمات قرآن و آیه‌ها و سوره‌ها و حزب‌ها و نصف‌ها و ربع‌ها، و تعداد سجده‌ها، و آموزش آن به صورت ده آیه ده آیه، درآمده‌اند، و به امور بسیار دیگر از قبیل برشمردن تعداد کلمات متشابه و آیات متمائل و هم مانند توجه کرده‌اند، بدون اینکه به معانی قرآن و تدبّر و تفکر درباره‌ی آنچه در آن به امانت گذاشته شده است روی آورند و متعرض شوند، این عده را «قرّاء» نامیده‌اند.

علماء و صاحب نظران نحوی، به معرب و مبنی بودن اسم‌ها و فعل‌های قرآن، و به حروف عامل و غیرعامل آن اهمیت داده‌اند، و درباره‌ی اسم‌ها و توابع آن‌ها، و همچنین درباره‌ی اقسام فعل‌ها، و فعل‌های لازم و متعدی، و رسم الخط کلمات و تمام آنچه به آن مربوط است سخن را به درازا کشانده‌اند، و حتی بعضی از آنان دقایق و حقایق معانی کلمات مشکل قرآن را روشن و واضح نموده‌اند، و بعضی دیگر تمام معانی کلمات قرآن را روشن و بیان کرده‌اند.

«مفسران» به الفاظ و کلمات قرآن توجه کرده‌اند، به این صورت که از قرآن کلمه‌ای را یافته‌اند که بر یک معنی دلالت دارد، و کلمه‌ای دیگر بر دو معنی، و لفظ دیگری یافته‌اند که بر بیشتر از دو معنی دلالت دارد.

بنابراین معنی اول را بر حکم و دستورش باقی گذاشته‌اند و معنی پوشیده و نامفهوم را واضح و روشن نموده‌اند، و درباره‌ی کلماتی که احتمال دو معنی و یا بیشتر از دو معنی را دارد، در ترجیح دادن یکی از آن‌ها، بسیار دقت و تفکر کرده‌اند و هر کدام از ایشان مطابق فکر و اندیشه‌ی خود عمل نموده و آنچه را که فکر و نظرش مقتضی دانسته، رأی داده و بیان کرده است.

«علماء و صاحب‌نظران اصول» به ادله‌ی عقلی و شواهد اصلی و نظری قرآن اهتمام ورزیده‌اند و از آن دلائلی استنباط و دریافت کرده‌اند و علمی را به وجود آورده‌اند که آن را «اصول دین» نامیده‌اند.

و گروهی دیگر در معانی کلمات خطابی قرآن، تأمل و تفکر کرده‌اند، و دریافت‌اند بعضی از آن‌ها عمومیت و بعضی دیگر خصوصیت را می‌رسانند (یعنی بعضی مقتضی خطاب عموم، و برخی دیگر مقتضی خطاب خصوص‌اند) و همچنین مسائل دیگر. بنابراین از قرآن، احکام لغت حقیقی و مجازی را استنباط و استخراج نموده‌اند، و درباره‌ی تخصیص، و اخبار و نص، و ظاهر و مجمل، و محکم و متشابه، و امر و نهی، و نسخ، سخن گفته‌اند، و مسائل دیگر و انواع قیاس‌ها از قبیل: استصحاب حال و استقراء را نیز بررسی کرده و فتی به نام «اصول فقه» را به وجود آورده‌اند.

جمعی دیگر با استوار نمودن نظر صحیح و فکر درست و راستین، در حلال و حرام، و سایر احکامی که در قرآن هست، دقت و مطالعه کرده‌اند، در نتیجه اصول آن را پایه‌گذاری نموده و فروعش را تقسیم کرده و به خوبی شرح و تفصیل داده‌اند و در این مورد سخن را گسترانیده‌اند و آن را «علم فروع» و «علم فقه» نامیده‌اند.

و گروهی دیگر در قرآن به قصه‌ها و داستان‌های قرون گذشته و ملت‌های پیشین نظر انداخته‌اند و اخبار آن‌ها را نقل نموده و آثار و وقایع ایشان را جمع‌آوری و تدوین کرده‌اند تا آنجایی که آغاز دنیا و پیدایش اشیاء را ذکر و بیان نموده و آن را «تاریخ و قصص» نامیده‌اند.

عده‌ای دیگر به نام «خطباء» و «وعاظ» به احکام و امثال، و پند و اندرزهایی که در قرآن هست و دل اشخاص را به حرکت و هیجان درمی‌آورند، نظر انداخته و آن‌ها را

مورد بررسی و تفحص قرار داده‌اند و به وسیله‌ی «وعد» (نوید دادن)، «وعید» (بیم دادن)، «تحدیر» (ترسانیدن)، «بشیر» (مژده دادن) و بیان «موت و میعاد» و «حشر و حساب»، و «عقاب و ثواب» و «بهشت و دوزخ» مردم را بیدار نموده، و چند فصلی از پند و اندرزها، و چند اصلی از منع و بازداشت‌ها را استنباط و استخراج نموده و بدین وسیله به نام «خطباء» و «وعاظ» مشهور شده‌اند.

بعضی دیگر نیز از آیاتی که درباره‌ی مواریث و بیان سهام و صاحبان سهام ارث که در قرآن هست، و چیزهای دیگری از «علم فرائض» را فرا گرفته و از آن مسائل حساب فرائض را از قبیل: نصف، رُبُع، سُدس، و ثُمَن را استنباط و استخراج نموده‌اند و از آن «علم فرائض» را به وجود آورده‌اند.

عده‌ای دیگر در آیات قرآنی که دلالت بر حکم روشن گردش شب و روز، و حکم خورشید و ماه و ستارگان و برج‌ها و منازل آن‌ها، و همچنین چیزهای دیگر غیر از آن‌ها، نظر انداخته و از آن علم وقت‌شناسی «تقویم» را استخراج نموده‌اند.

نویسندگان و شعراء در قرآن به فصاحت و روانی کلمات، و بدیع بودن نظم و زیبایی سیاق عبارات، و ابتدا و انتهای موزون آن‌ها، و مخالص و گوناگونی در خطاب، و اطناب و ایجاز سخن، و همچنین چیزهای دیگر، توجه و نظر انداخته‌اند، و از آن علم «معانی» بیان و بدیع» را استنباط و استخراج و دریافت کرده‌اند. به هر حال این مطالب و نکات، بیانگر این است که قرآن کریم، معجزه‌ی زنده و جاودانه‌ی اسلام و کتاب حیات‌بخش آسمانی است که از آغاز نزول تاکنون در میان مسلمانان از اهمیت و توجه خاص و فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است و وجود کتاب‌های فراوان تفسیر، لغات قرآن، معاجم، قاموس‌ها، علوم قرآنی، ادبیات قرآن و... شاهد و گواهی راستین بر این ادعا است.

و هر علمی نقطه‌ی پایانی دارد به جز «علم قرآن» که همواره دریای خروشان است و برای بیرون آوردن گنج‌های گرانبها و شناساندن اسرار و رموز آن به غواصانی نیازمند است که به اعماقش غوطه‌ور شوند و از آب گوارا و زلال و صافش و از دُر‌ها و مرواریدهای گرانبهایش، مستی بگیرند.

به هر حال، قرآن کلام الهی است که تا پایان جهان، پاسخگوی تمام نیازهای جهانیان [نیازهای مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی، سیاسی و نظامی، فرهنگی و اقتصادی، عبادی و خانوادگی، اخلاقی و تربیتی و...] خواهد بود. و چنین کتابی به طور حتم دارای ابعاد وسیع و گسترده و نامحدود و نامتناهی است و

هر قدر راجع به آن کاوش و تحقیق، پژوهش و بررسی، مطالعه و تدریس، واریسی و موشکافی و کند و کاو به عمل آید، مطلب به پایان نمی‌رسد و باز هم جای بحث در آن باقی است. و به همین خاطر از صدر اسلام [به خصوص از قرن دوم به بعد] درباره‌ی ابعاد و زوایای مختلف این کتاب عظیم [لفظ و معنا، تفسیر و تأویل، قرائت و تجوید، جمع و کتابت، رسم الخط و اعراب، مفردات و کلمات، آیات و سُور و سایر ابعاد این کتاب] محققان اسلامی، و دانشمندان دینی و پژوهشگران قرآنی و صاحب‌نظران شرعی و فرهیختگان جامعه‌ی بشری، مطلب نوشته‌اند و هنوز هم می‌نویسند و جا دارد که این کار ادامه یابد که قطعاً ادامه خواهد داشت.

### اما کتاب حاضر

از آنجا که فرد مسلمان ناچار است اوقاتش را در کسب ضروریات حیات و معاش صرف کند و فرصت آن را ندارد که به تفسیرهای بزرگ و مفصل با موضوعات پراکنده و مختلف در قرآن مراجعه کند، لذا برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از این مائده‌ی آسمانی، استاد گرامی، دکتر «محمد مصطفی محمد»، اقدام به تهیه‌ی فهرستی موضوعی از آیات قرآن نموده است. و هدف از تألیف و ساماندهی این چنین کتابی این بود تا به گردآوری و تدوین آیات مختلفِ سوره‌های قرآنی برحسب موضوعات آن پردازد تا در دسترس پژوهشگران و محققانی قرار بگیرد که شناخت مواضع آیات در موضوعات مختلف و گوناگون - به خاطر عدم حفظ کلام خدا و یا استحضار ذهنی - برایشان مشکل است.

و خداوند این سعادت را نصیب این بنده‌ی خود نمود تا لحظاتی هر چند کوتاه در خدمت کلام خداوندی بوده و اوراق این کتاب مقدس و مبارک را جستجو نمایم. بدین منظور، براساس کار استاد «محمد مصطفی محمد»، پس از برگردان جملات عربی به فارسی، به تصحیح متن عربی کتاب نیز پرداختم، و توضیحات و تشریحات مفید و ارزنده‌ای را نیز در ذیل بیشتر موضوعات قرآنی، گنجاندم و به صورتی که می‌نگرید، آماده‌ی تقدیم به دوستداران و پژوهشگران قرآنی شده است.

این فهرست، فهرستی تحلیلی - موضوعی است و برای خوانندگان و پژوهشگران از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. و ما این فهرست‌ها را از موضوعات قرآن تهیه

کرده‌ایم تا آیین‌های تمام‌نمایی از گنج‌های قرآن، و کلیدی باشد برای خواننده، تا آن گنج‌ها را استخراج کند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن از آن استفاده نماید.

و در این کتاب، فهرست بزرگ و بسیار مفیدی تهیه شده که آیه‌های مربوط به هر موضوعی را به دقت مشخص کند تا اگر خواننده بخواهد آیات راجع به یک موضوع را بررسی نماید، شماره‌ی هر سوره و آیه‌ی آن معلوم و مشخص باشد.

و چون قرآن مجید سرچشمه‌ی سیراب‌کننده‌ی روح انسان است، و چون هیچ کتابی چون قرآن چنین مورد توجه و اهتمام، حفظ و نگهداری، تطبیق و تحقیق، بررسی و پژوهش و تفسیر و تبیین قرار نگرفته است، بگونه‌ای که علومش متنوع گشته و هر عالم و اندیشمندی در یکی از آن رشته‌ها دارای تخصص شده است، از این رو ما برای استفاده‌ی بیشتر از این کتاب الهی، احساس نیاز به ترتیب و ساماندهی یک فهرست موضوعی برای آیات قرآن نمودیم تا در اختیار علاقمندان و پژوهندگان قرآنی و علوم و معارف الهی قرار بگیرد. [و در آینده فهرست دیگری را نیز در اختیار قرآن پژوهان قرار خواهیم داد]

به هر حال ترتیب و گردآوری موضوعات این کتاب که کلاً برگرفته شده از مأخذ عربی و ناظر بر ارائه فهرستی موضوعی از آیات مختلف قرآن کریم می‌باشد، هرگز دسپخت فکر و اندیشه، یا دستاورد تحقیق و پژوهش علمی و موضوعی این بی‌بضاعت نیست. چون این کار، فراتر از ظروف فکری، حوصله‌ی علمی، و دنیای طلبگی این حقیر می‌باشد. پس در صورت مشاهده‌ی هر نوع نارسائی موضوعی یا نگارشی در این کتاب آن را رأساً به حساب عجز و قصور مُرتَّب این سطور گذاشته و نگاه خطاسنج خویش را از ساحت صاحبان اصلی آن که دقت و مهارتی در خور را در طرح این مباحث داشته‌اند، اغماض فرمائید.

از خداوند متعال مسألت دارم که نویسنده و خواننده و همه‌ی کسانی را که در کار نشر و توزیع و عمومیت بخشیدن به استفاده از آن سهیم‌اند، بهره‌مند فرماید و از پیشگاه خداوند خاشعانه می‌خواهیم که قرآن را بهار دل‌ها و نور اندیشه‌هایمان گرداند و به گونه‌ای پسندیده، امت ما را به قرآن بازگرداند، تا آن را برنامه‌ی زندگی و قانون حکومت خود قرار دهند، و ما را در زمره‌ی آن دسته از اهل قرآن که «اهل الله» و «برگزیدگان خداوند» هستند، قرار دهد.

پروردگارا! این کتاب را وسیله‌ی تقویت ایمان مؤمنان و هدایت منکران گردانیده، و آن را برای رضای خویش از ترتیب دهندگان آن بپذیر، و رحمت و مغفرت بی‌پایان خویش را شامل حال آنان و جمله‌ی پیروان قرآن بگردان. «آمین»

فیض محمد بلوچ

۳ تیر ماه ۱۳۸۸ خورشیدی

کتابخانه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی صدیقیه - تربت جام



## «عقايد - ايمان»

شناخت ذات «الله» سبحانه و تعالى، و اينکه او تعالى، خالق و آفريدگار و مدبر و سرپرست و نقشه کش و سازنده‌ی هر چيز است

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٢﴾﴾ [البقرة: ٢١-٢٢]

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٣﴾﴾ [البقرة: ٢٩]

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾﴾ [البقرة: ١٦٤]

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿١٧﴾ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾﴾ [آل عمران: ٥-٦]

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١٩﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [الأنعام: ١-٢]

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أَمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٢١﴾﴾ [الأنعام: ٣٨]

﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ﴿٢٢﴾﴾ فالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٦٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ التُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٦٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَاتِرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٩﴾

[الأنعام: ٩٥-٩٩]

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ٥٧]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [يونس: ٦-٥]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾ [يونس: ٦٧]

﴿قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْطَى الْآيَاتِ وَالتُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [يونس: ١٠١]

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾ [يونس: ٦]

﴿هُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رَوْحَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [يونس: ٦]

﴿وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِصِلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الرعد: ٢-٤]

﴿أَو لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعْتَبَ لِحُكْمِهِ  
وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤١﴾﴾ [الرعد: ٤١]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ  
رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾  
وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾ وَعَاذَكُمْ مِنْ كُلِّ مَا  
سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾﴾ [إبراهيم: ٣٢-٣٤]

﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ  
رَّجِيمٍ ﴿١٧﴾ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ فَشِهَابٌ مُبِينٌ ﴿١٨﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا  
رَوَاسِيَ وَأَثْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ ﴿١٩﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعْيِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ  
بِرَازِقِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُوهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ﴿٢١﴾ وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ  
لَوَاقِحَ فَنَأْتِنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾﴾ [الحجر: ١٦-٢٢]

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا  
هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٤﴾ وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾  
وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ  
تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٧﴾ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ  
لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾﴾ [النحل: ٣-٨]

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾  
يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً  
لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالشُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ  
بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ إِنَّ  
فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا  
وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ  
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾ وَالْقَفَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ

تَهْتَدُونَ ﴿١٧﴾ وَعَلَّمَتْ وَيَالْتَجْمُ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿١٨﴾ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٩﴾ ﴿النحل: ١٠-١٧﴾

﴿وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿١٥﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّرِيبِينَ ﴿١٦﴾ وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾ وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿١٨﴾ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٩﴾﴾ ﴿النحل: ٦٥-٦٩﴾

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧٢﴾﴾ ﴿النحل: ٧٢﴾

﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٧٦﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمَتَعْنَا إِلَى حِينٍ ﴿٨١﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾﴾ ﴿النحل: ٧٩-٨١﴾

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾﴾ ﴿الإسراء: ١٢﴾

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلًا ﴿٧٠﴾﴾ ﴿الإسراء: ٧٠﴾

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَمَكُمُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ﴿٥٤﴾ مِنهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿٥٥﴾﴾ [طه: ٥٣-٥٥]

﴿أَو لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفًّا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾﴾ [الأنبياء: ٣٠-٣٣]

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٥٠﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦١﴾﴾ [الحج: ٥-٦]

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾﴾ [الحج: ٦١]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾﴾ [الحج: ٦٣]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٥﴾﴾ [الحج: ٦٥]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٧﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاحِشٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾﴾ [المؤمنون: ١٧-١٩]

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّتُسْقِيَهُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٦١﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٦٢﴾﴾ [المؤمنون: ٢١-٢٢]

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٨٠﴾﴾ [المؤمنون: ٧٨-٨٠]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزِيحُ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلْقِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَرِ ﴿٤٦﴾ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَرِ ﴿٤٧﴾ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٨﴾﴾ [النور: ٤٣-٤٥]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٩﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٥٠﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ لَبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٥١﴾ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٥٢﴾ لِّنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا ﴿٥٣﴾﴾ [الفرقان: ٤٥-٤٩]

﴿وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿٥٤﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٥﴾﴾ [الفرقان: ٥٣-٥٤]

﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَن أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ سُكُورًا ﴿٦٢﴾﴾ [الفرقان: ٦١-٦٢]

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿٧﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾﴾ [الشعراء: ٧-٨]

﴿أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ  
ذَاتِ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُثْبِتُوا شَجَرَهَا أَءَلَيْتُمْ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ ﴿٦٠﴾ أَمَّنْ  
جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَواسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا  
أَعَلَيْتُمْ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ  
وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَءَلَيْتُمْ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي  
ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَءَلَيْتُمْ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ  
عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَءَلَيْتُمْ  
مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾ [النمل: ٦٠-٦٤]

﴿أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ  
يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ [النمل: ٨٦]

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ  
يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى  
يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِاللَّيْلِ تَسْكُونُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾ وَمَنْ  
رَحْمَتِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ [الفصص: ٧١-٧٣]

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ  
اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ [العنكبوت: ٢٠]

﴿يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ  
تُخْرَجُونَ ﴿١٩﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ  
آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافَ  
الْسِّنِّيَّتِمْ وَالْوَالِدِيَّتِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ  
وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ

يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٥﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٢٦﴾ [الروم: ١٩-٢٥]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْأَنْهَارُ بِأَمْرِهِ وَلِتَتَّبِعُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾﴾ [الروم: ٤٦]

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٨﴾﴾ [الروم: ٤٨]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ﴿٥٤﴾﴾ [الروم: ٥٤]

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضَ رَواسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿١٠﴾﴾ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١١﴾﴾ [لقمان: ١٠-١١]

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ وَظَهَرَ وَبَاطِنَهُ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ﴿٢٠﴾﴾ [لقمان: ٢٠]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾﴾ [لقمان: ٢٩]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْأَنْهَارَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ يَنْعَمَتِ اللَّهُ لِيُرِيَكُمْ مِّنَ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾﴾ وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ كَالظَّلِيلِ دَعَاؤُ اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الَّذِينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٢﴾﴾ [لقمان: ٣١-٣٢]

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾﴾ [السجدة: ٢٧]



﴿أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَشْأَ تُخَسِفُ بِهِمُ  
الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ﴿٩﴾﴾ [سبا: ٩]  
﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسْقِنُهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ  
بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ﴿١٠﴾﴾ [فاطر: ٩]

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا  
تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى  
اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شْرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ  
وَمَنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَآخِرَ  
لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ  
وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ  
تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾﴾ [فاطر: ١١-١٣]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ  
الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَايِبُ سُودٌ ﴿٢٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَوَابِّ وَالْأَنْعَامِ  
مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ ﴿٢٨﴾﴾ [فاطر: ٢٧-٢٨]

﴿إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ  
بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤١﴾﴾ [فاطر: ٤١]

﴿وَعَايَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا  
فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَجِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا  
عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ  
وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَعَايَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾  
وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ  
عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ  
وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾ وَعَايَةُ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكَ الْمَسْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا  
لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾﴾ [يس: ٣٣-٤٢]

﴿أَو لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾﴾  
[يس: ٧١-٧٣]

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾ أَو لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾﴾ [يس: ٨٠-٨١]  
﴿إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَدِّفُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنِ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّن طِينٍ لَّازِبٍ ﴿١١﴾﴾ [الصفات: ٦-١١]

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٥﴾ خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً أَرْوَجَ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلْمَتٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾﴾ [الزمر: ٥-٦]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطْلًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾﴾ [الزمر: ٢١]

﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُم آيَاتِهِ وَيُنزِلُ لَكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾﴾ [غافر: ١٣]

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَكْبَرَ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾﴾ [غافر: ٥٧]

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٦٢﴾﴾ [غافر: ٦١-٦٢]

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾﴾ [غافر: ٦٤]

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نُّرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُم طِفْلًا ثُمَّ لِيَتَّبِعُوا أَسْدَٰكُمُ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبْلٍ وَلِيَتَّبِعُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾﴾ [غافر: ٦٧]

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَكُم فِيهَا مَنَافِعُ وَلِيَتَّبِعُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾﴾ [غافر: ٧٩-٨٠]

﴿قُلْ أَبْنَيْكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٠﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِّن فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ﴿١٠١﴾ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ اأُنْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١٠﴾ فَفَضَّلَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١١٢﴾﴾ [فصلت: ٩-١٢]

﴿وَمِنَ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾﴾ [فصلت: ٣٧-٣٨]

﴿فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١١٠﴾﴾ [الشورى: ١١]

﴿وَمِنَ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾﴾ [الشورى: ٢٩]

﴿وَمِنَ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ ﴿٣٣﴾ إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٤﴾﴾ [الشورى: ٣٢-٣٣]

﴿وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَّن خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٩٢﴾ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ

السَّمَاءِ مَاءً يَقْدَرِ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ ﴿١١﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا  
وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِيَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ  
رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾  
وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾ [الزخرف: ٩-١٤]

﴿إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ  
آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ وَأَخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا  
بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَضَرِّيفِ الرِّيْحِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٥﴾﴾ [الجنابة: ٣-٥]  
﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ  
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٣﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي  
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٣﴾﴾ [الجنابة: ١٢-١٣]

﴿أَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ﴿٦﴾ وَالْأَرْضَ  
مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٧﴾ تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ  
عَبْدٍ مُّنبِئٍ ﴿٨﴾ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ﴿٩﴾  
وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ ﴿١٠﴾ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ  
الْخُرُوجُ ﴿١١﴾﴾ [ق: ٦-١١]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ  
الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾﴾ [ق: ١٦]

﴿نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ  
الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾﴾ [الواقعة: ٥٧-٥٩]

﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٣٦﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾﴾ [الواقعة: ٦٣-٦٤]  
﴿أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ﴿٧٢﴾﴾ [الواقعة: ٧١-٧٢]  
﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾﴾

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ [الطلاق: ١٢]

﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوُّتٍ فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَل تَرَىٰ مِن فُطُورٍ﴾ ٣ ﴿ثُمَّ أَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِدًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ ٤ ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ﴾ ٥ ﴿[الملك: ٣-٥]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ [الملك: ١٥]

﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ ١٣ ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الملك: ٢٣-٢٤]

﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا﴾ ١٥ ﴿وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا﴾ ١٦ ﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾ ١٧ ﴿ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا﴾ ١٨ ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا﴾ ١٩ ﴿لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا﴾ [نوح: ١٥-٢٠]

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ [الإنسان: ٢]

﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِن مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾ ٢١ ﴿فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾ ٢٢ ﴿إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾ ٢٣ ﴿فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَدِيرُونَ﴾ ٢٤ ﴿وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ ٢٥ ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا﴾ ٢٦ ﴿أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا﴾ ٢٧ ﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَكُم مَّاءً فُرَاتًا﴾ [المرسلات: ٢٠-٢٧]

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا﴾ ٦ ﴿وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا﴾ ٧ ﴿وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا﴾ ٨ ﴿وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا﴾ ٩ ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ ١٠ ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾ ١١ ﴿وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا﴾ ١٢ ﴿وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا﴾ ١٣ ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا﴾ ١٤ ﴿لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا﴾ ١٥ ﴿وَجَنَّدْنَا أَفْئِدًا﴾ [النبا: ٦-١٦]

﴿ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بِنْدِهَا ﴿۷﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَاهَا ﴿۸﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا  
وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿۹﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿۱۰﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرَعَهَا ﴿۱۱﴾ وَالْجِبَالَ  
أَرْسَلْنَا ﴿۱۲﴾ مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمِ عَلَيْكُمْ ﴿۱۳﴾﴾ [النازعات: ۲۷-۳۳]

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿۱۴﴾ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴿۱۵﴾ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ﴿۱۶﴾  
فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿۱۷﴾ وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿۱۸﴾ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿۱۹﴾ وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴿۲۰﴾ وَفَكِهَةً وَأَبًّا ﴿۲۱﴾  
مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمِ عَلَيْكُمْ ﴿۲۲﴾﴾ [عيس: ۲۴-۳۲]

﴿يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿۱﴾ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ﴿۷﴾ فِي أَيِّ  
صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿۸﴾﴾ [الانفطار: ۶-۸]

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿۱﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿۲﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ  
وَالْتَرَائِبِ ﴿۷﴾﴾ [الطارق: ۵-۷]

﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿۲﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴿۳﴾ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿۴﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً  
أُحْوَى ﴿۵﴾﴾ [الأعلى: ۲-۵]

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿۷﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿۸﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ  
كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿۹﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿۱۰﴾﴾ [الغاشية: ۱۷-۲۰]

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿۱﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿۲﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ  
مَالًا لُبَدًا ﴿۳﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿۷﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿۸﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿۹﴾  
وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿۱۰﴾﴾ [البلد: ۴-۱۰]

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿۱﴾﴾ [التين: ۴]

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿۲﴾﴾ [العلق: ۲]



توضیح موضوع: «الله»: معبود بر حق؛ نام مقدس ذات خداوند است که به غیر وی  
اطلاق نمی‌گردد. و از آنجا که جز خدای تبارک و تعالی کسی دیگر به نام «الله» نامیده  
نشده است. رأی اکثر اصولیان و فقهاء بر این است که واژه‌ی «الله» در سخن عرب  
اشتقاقی ندارد، بنابراین اسم «الله» جامد است نه مشتق.

ولی عده‌ای معتقدند که لفظ «الله» عربی الاصل نیست و اصل آن «الاه» لفظ سریانی است که به معنی خدا است، یا اینکه از لفظ عبری «الوهیم» مشتق است. و مفسرین و اهل لغت واژه‌ی «الله» را عربی الاصل می‌دانند ولی در تعیین ریشه‌ی آن با هم موافقت ندارند؛ بیشتر مفسرین معتقدند که «الله» در اصل «الاله» بوده و همزه‌ی آن به تخفیف حذف شده و به عقیده‌ی ایشان الف و لام در «الاله» الف و لام عهد است، بنابراین لفظ «الله» علم بالغلبة می‌باشد.

و عده‌ای دیگر «الله» را از ریشه‌ی «اله» به معنی «عبد» مأخوذ دانسته و بعضی از ریشه‌ی «اله» [به کسر لام] به معنای «تضرع» و «تحیر» و دسته‌ای هم آن را از «وله» به معنای «تحیر» مشتق گرفته‌اند. و به زعم عده‌ای لفظ «الله» از «لاه» مصدر لاه به معنای «ارتفاع و احتجاب» ریشه گرفته است، و اعراب قدیم، لفظ «لاه» را بر خورشید نیز اطلاق می‌کرده‌اند.

به هر حال «الله» جامع‌ترین نام‌های خدا است و همه‌ی صفات او را یکجا بازگو می‌کند، زیرا بررسی نام‌های خدا که در قرآن مجید و یا سایر منابع اسلامی آمده، نشان می‌دهد که هر کدام از آن یک بخش خاص از صفات خدا را منعکس می‌سازد و تنها نامی که اشاره به تمامی صفات و کمالات الهی و جامع صفات جلال و جمال است، همان «الله» است.

به همین دلیل، اسم‌های دیگر خداوند، غالباً به عنوان صفت برای واژه‌ی «الله» قرار می‌گیرند. خداوند می‌فرماید:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾﴾ [الحشر: ۲۳-۲۴]

و نیز می‌فرماید:

﴿فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾﴾ [البقرة: ۲۲۶]. ﴿فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾﴾ [البقرة: ۲۲۷].  
﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾﴾ [الذاریات: ۵۸]

آری تنها «الله» است که جامع‌ترین و کاملترین نام خدا می‌باشد، لذا ملاحظه می‌کنیم که در آیات قرآن، بسیاری از این اسماء و نام‌ها، وصف «الله» قرار گرفته‌اند، چرا که «الله» جامع‌ترین نام‌های خدا است و همه‌ی صفات او را یکجا بازگو می‌کند، امّا

نام‌های دیگر اشاره به بخشی از کمالات او است، مانند: «خالقیت»، «رحمت»، «آمزش»، «روزی دادن» و ...

و یکی از شواهد روشن و آشکار جامعیت این نام آن است که ابراز ایمان و توحید تنها با جمله‌ی «لا اله الا الله» می‌توان کرد، و جمله‌ی «لا اله الا العلیم» یا «الا الخالق» یا «الرازق» و ... به تنهایی دلیل بر توحید و اسلام نیست، و نیز به همین جهت است که در مذاهب دیگر، هنگامی که می‌خواهند به معبود مسلمانان اشاره کنند «الله» را ذکر می‌کنند، زیرا توصیف خداوند به «الله» مخصوص مسلمانان است.

به هر حال «الله» اسم خاص ذات مقدس حق تعالی است که غیر از ذات مبارکش هیچ کس در آن شریک نیست، و اسم موجود حقیقی است که جامع کلیه‌ی صفات الوهیت می‌باشد و دارای تمام اوصاف ربوبیت و پروردگاری است، و همو در وجود حقیقی، تک و منفرد است و جز او معبودی به حق نیست.

و فرق «الله» و «اله» در این است که «الله» اسمی است مخصوص ذات خداوند متعال و پروردگار مقدس، و به معنای «معبود حقیقی» است، و «اله» به معنای «معبود مطلق» است، اعم از اینکه حقیقی باشد یا باطل. بنابراین اسمی است که بر ذات خدای متعال و غیر خدا اطلاق می‌شود.

البته شک نیست که اعراب پیش از ظهور دین مبین اسلام با لفظ «الله» آشنا بوده‌اند، زیرا لفظ «الله» در اشعار شعرای جاهلیت موجود است، و اگر هم اشعاری که به دوران جاهلیت نسبت می‌دهند مربوط به آن زمان نباشد، بی‌گمان نماینده‌ی الفاظ و افکار آن زمان است.

به علاوه در قرآن مجید هیچ آیه‌ای که دلالت بر عدم آشنایی مردم با لفظ «الله» باشد، وجود ندارد، و حتی آیاتی در قرآن موجود است به این مضمون: «هرگاه از ایشان بپرسی آسمان و زمین را که آفریده است، می‌گویند: «الله». از این رو باید گفت که آشنایی مردم زمان جاهلیت با لفظ «الله» مسلم و محرز است.

### توحید و یگانگی خداوند ﷻ (لا اله الا الله)

﴿وَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۱۶۳]

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا



يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ [البقرة: ٢٥٥]

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿٢﴾﴾ [آل عمران: ٢]

﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ٦]  
 ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾﴾ [آل عمران: ١٨]

﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾﴾ [آل عمران: ٦٢]

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾﴾ [النساء: ٨٧]

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَعَامِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ ثَلَاثَةٌ قَالُوا إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٧١﴾﴾ [النساء: ١٧١]

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾﴾ [المائدة: ٧٣]  
 ﴿قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرَ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَيْتُكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾﴾ [الأنعام: ١٩]

﴿ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٣﴾﴾ [الأنعام: ١٠٢]

﴿اتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦﴾﴾ [الأنعام: ١٠٦]

﴿قُلْ يَنَاءِيهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَتِهِ ۗ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [الأعراف: ١٥٨]

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَنَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [التوبة: ٣١]

﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [التوبة: ١٢٩]

﴿فَالَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [هود: ١٤]

﴿كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ﴾ [الرعد: ٣٠]

﴿هَذَا بَلَّغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ ۗ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [ابراهيم: ٥٢]

﴿يُنزِلُ الْمَلَكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ﴾ [النحل: ٢]

﴿إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ ۗ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾ [النحل: ٢٢]

﴿وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ ۗ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِيتَىٰ فَارُهَبُونِ﴾ [النحل: ٥١]

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ ۗ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ ۗ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ ۗ أَحَدًا﴾ [الكهف: ١١٠]

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾ [طه: ٨]

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [طه: ١٤]

﴿إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ [طه: ٩٨]

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ ﴿٢٥﴾

[الأنبياء: ٢٥]

﴿قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ ﴿١٧٨﴾ [الأنبياء: ١٠٨]

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ﴿٣٤﴾ فَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ ﴿٣٤﴾ [الحج: ٣٤]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ ﴿٢٣﴾ [المؤمنون: ٢٣]

﴿مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾ ﴿١٦١﴾ [المؤمنون: ٩١]

﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾ ﴿٣٣﴾ [المؤمنون: ١١٦]

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ ﴿٣١﴾ [النمل: ٢٦]

﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ﴿٧٠﴾ [القصص: ٧٠]

﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ﴿٨٨﴾ [القصص: ٨٨]

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾ ﴿٥٠﴾ [فاطر: ٣]

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ ﴿١٥﴾ [ص: ٦٥]

﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً ﴿٦٠﴾ أَرْوَجَ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلْمَتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾ ﴿٦٠﴾ [الزمر: ٦]

﴿غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّولِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ ﴿٣﴾ [غافر: ٣]

﴿ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا إِلَهًا إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾ ﴿٢٢﴾ [غافر: ٦٢]

﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>(۱۵)</sup>

[غافر: ۶۵]

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا ۗ وَإِلَٰهَ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾<sup>(۷)</sup>

[فصلت: ۶-۷]

﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ﴾<sup>(۸۴)</sup> [الزخرف: ۸۴]

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ﴾<sup>(۸)</sup> [الدخان: ۸]

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

مُتَقَلِّبَكُمُ وَمَثْوَىٰ كُفُومٍ﴾<sup>(۱۹)</sup> [محمد: ۱۹]

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾<sup>(۲۱)</sup> هُوَ اللَّهُ

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾<sup>(۲۳)</sup> [الحشر: ۲۲-۲۳]

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾<sup>(۱۳)</sup> [التغابن: ۱۳]

﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا﴾<sup>(۹)</sup> [المزمل: ۹]

﴿إِلَهُ النَّاسِ﴾<sup>(۳)</sup> [الناس: ۳]



توضیح موضوع: تاریخ انبیاء نشان می دهد که همه ی آن ها دعوت خود را از توحید و یگانگی خدا، و نفی شرک و چندگانه پرستی و هرگونه بت پرستی آغاز کردند و در واقع هیچ اصلاحی در جوامع انسانی بدون این دعوت میسر نیست، چرا که وحدت جامعه و همکاری و تعاون و ایثار و فداکاری، همه اموری هستند که از ریشه ی «توحید معبود» سیراب می شوند.

اما شرک و چندگانه پرستی، سرچشمه ی هرگونه پراکندگی و تضاد و تعارض و خودکامگی و خودمحوری و انحصارطلبی است و پیوند این مفاهیم با شرک و بت پرستی به مفهوم وسیعش چندان مخفی نیست.

به همین دلیل پیامبران برای اصلاحات وسیع خویش، همه از توحید و یگانگی شروع کرده‌اند؛ توحید معبود (الله) و سپس «توحید کلمه» و «توحید عمل» و «توحید جامعه».

و خداوند ﷻ که به وجود آورنده و آفریدگار عالم است، هم در «ذات» و هم در «صفات» و هم در «افعال» و هم در «عبادت» یکتا و یگانه و بی‌همتا و منفرد است و شریک و انبازی ندارد:

۱- **توحید و یگانگی ذات:** یعنی خداوند ﷻ دارای اجزاء و اعضاء نیست، چون اجزاء از ویژگی پدیده‌هاست و خدا یکی است و دوّمی برای او تصور نمی‌شود و شبیه و نظیر، و همتا و همسنگ، و همبر و شریک، و انباز و مانند ندارد، نه چیزی به او شبیه است و نه او به چیزی، چرا که یک وجود بی‌نهایت کامل، دارای چنین صفاتی می‌باشد.

۲- **توحید و یگانگی صفات:** یعنی خداوند ﷻ، دارای چند قدرت یا چند اراده و علم نیست، و هیچ احدی صفتی چون صفت او، یا قدرتی چون قدرت او، یا اراده‌ای چون اراده‌ی او را ندارد و همان‌گونه که ذات خداوند ﷻ ازلی و ابدی است؛ صفات او همچون علم و قدرت و مانند این‌ها، ازلی و ابدی می‌باشد، و این صفات زائد بر ذات او نیست و جنبه‌ی عارض و معروض ندارد، بلکه عین ذات او است و صفات او از یکدیگر جدا هم نمی‌باشد، یعنی علم و قدرت او یکی است و هر دو عین ذات او است.

۳- **توحید افعال:** یعنی در ایجاد عالم خدای دیگری با او مشارکت نکرده است و فرزند و همسری ندارد که کمک حال او باشد، بلکه هر وجودی، هر حرکتی، و هر فعلی که در عالم است به ذات پاک او برمی‌گردد و مسبب الاسباب، و علّة العلل فقط ذات پاک او می‌باشد.

البته «توحید افعالی» خود شاخه‌های زیادی دارد که ما به بهترین آن‌ها اشاره می‌کنیم که عبارتند از:

**الف) توحید خالقیت:** خالق و آفریدگار همه‌ی موجودات یکی است ﴿قُلِ اللَّهُ خَلِيقُ

كُلِّ شَيْءٍ﴾ [الرعد: ۱۶].

ب) توحید ربوبیت: یعنی آفریدگار، مدبّر، مدیر، سرپرست، متصرّف در امور، مربّی، و معبود تمام عالم هستی، از عرش تا فرش، و از ذرّه تا اتم، تنها و تنها خای یکتا و یگانه است. ﴿قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أُنْبَغَىٰ رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾ [الأنعام: ۱۶۴].

ج) توحید در تشریح و قانون‌گذاری: یعنی تشریح و قانون‌گذاری فقط مخصوص خداوند ﷻ است و غیر او صلاحیت و لیاقت قانون‌گذاری نخواهد داشت، چون غیر او در تدبیر جهان سهمی ندارد تا قوانینی هماهنگ با نظام تکوین وضع کند. چرا که وضع قوانین صد درصد عادلانه از توان تمام علوم تجربی و اختراعات و اکتشافات و تفکرات ادبی و فلسفی بشری خارج است و تنها خداوند ﷻ است که به نیازها و خواسته‌های موجودات و مخلوقات آگاه است، و قوانین و ضوابطی صد درصد عادلانه وضع کند. ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴].

د) توحید در مالکیت: یعنی مالکیت حقیقی و سلطه‌ی تکوینی، و مالکیت حقوقی و سلطه‌ی قانونی بر چیزی، همه از جانب خداوند ﷻ است و هر مالکیت و سلطه‌ی جزئی و مجازی، از مالکیت و سلطه‌ی حقیقی او سرچشمه می‌گیرد. ﴿وَلِلَّهِ الْمُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [آل عمران: ۱۸۹].

ه) توحید حاکمیت: یعنی مالک اصلی و صاحب حقیقی تمام حکومت‌ها، مسئولیت‌ها، تنظیم برنامه‌ها، اجرای مدیریت‌ها، و جلوگیری از تعدیّات و تجاوزها، فقط خداوند ﷻ است و تمام حکومت‌ها به حکومت الهی منتهی می‌شود. ﴿إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ [یوسف: ۶۷].

و) توحید اطاعت: یعنی تنها مقام «واجب‌الاطاعة» در جهان هستی، ذات پاک خداوند ﷻ است، و مشروعیت اطاعت از هر مقام دیگری، باید از همینجا سرچشمه گیرد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ [النساء: ۵۹] و اوامر زمامداران اسلامی در صورتی محترم و قابل اجرا است که با تعلیمات الهی و اصول شریعت اسلام سازگار باشد و مصداق ﴿لَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ [المتحنة: ۱۲] گردد.

و چه دورند کسانی که اوامر و فرامین زمامداران را واجب‌الاطاعة می‌دانند، هر چه باشد و از هر کس که باشد، چیزی که نه با عقل سازگار است و نه با حکم و شرع و قرآن!

خداوند برای پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿لَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ [الممتحنة: ۱۲]؛ از نکته‌هایی که از این آیه استفاده می‌شود این است که اطاعت از پیامبر ﷺ را مقید به «معروف» کرده است با اینکه پیامبر ﷺ معصوم است و هرگز امر به «منکر» نمی‌کند، ولی این تعبیر به عنوان الگویی برای تمام او امری است که از زمامداران اسلامی صادر می‌شود که اوامر آن‌ها در صورتی محترم و قابل اجراء است که با تعلیمات الهی سازگار و هماهنگ باشد.

۴- توحید در عبادت: یعنی تنها باید او را پرستش و عبادت و کرنش و سجده کرد و غیر او شایسته و سزاوار پرستش و عبودیت نیست، چرا که عبادت باید برای کسی باشد که کمال مطلق و مطلق کمال است؛ کسی که از همگان بی‌نیاز است و بخشنده‌ی همه‌ی نعمت‌ها و آفریننده‌ی همه‌ی موجودات و روزی‌دهنده‌ی همه‌ی مخلوقات، و مدیر همه‌ی نظام گیتی، و سرپرست همه‌ی عالم است، و این صفات جز در ذات پاک خداوند متعال جمع نمی‌گردد.

و دلایل و براهین زیادی از قرآن و سنت [دلایل نقلی] بر یگانگی و وحدانیت خداوند ﷻ دلالت می‌کند که در اینجا ما فقط به یک دلیل از دلایل عقلی اشاره می‌کنیم که به «برهان تمناع» مشهور است. و آن دلیل این است که به وجودآورنده‌ی عالم، خدایی است یگانه، زیرا اگر به وجودآورنده‌ی عالم دو خدا باشد، چیزی از ممکنات [به خاطر تعارض آن دو] به وجود نمی‌آید.

توضیح آن که: اگر دو خدا وجود داشته باشد، چیزی به وجود نمی‌آید، برای اینکه یا بر انجام فعلی ممکن، متحد می‌شوند، و یا دچار اختلاف می‌گردند، مثلاً در ایجاد زید: اگر بر ایجاد او متحد شوند، یا او را با هم به وجود می‌آورند، و این مستلزم وجود دو مؤثر در ایجاد یک چیز است، و اشتراک و همیاری آن دو، دلیل بر عدم امکان اقدام یکی از آن دو به تنهایی است، پس در این صورت هر دو عاجزند، و عاجز لایق خدایی نیست. و یا اینکه او را به نوبت خلق می‌کنند که در این صورت لازم می‌آید یکی از آن دو بعضی از او را، و دیگری بقیه‌ی او را بسازد، باز این مستلزم عجز آن‌هاست چون وقتی که قدرت یکی از آن دو بر ایجاد بعضی از زید تعلق گرفت، مانع تعلق قدرت دیگری می‌شود، در حالی که دومی نمی‌تواند مخالفت کند؛ و این نیز عجز است، و این

فرض بر هر یک از آن‌ها قابل تصور است و لازمه‌ی آن عاجز بودن هر دوی آن‌هاست، و اگر در ایجاد یا عدم ایجاد او اختلاف داشته باشند:

به اینگونه که یکی از آن دو بخواهد او را ایجاد کند و دیگری نخواهد، پس یا اراده‌ی هر دو تحقق می‌یابد - و این محال است - زیرا مستلزم جمع دو ضد است (بود و نبود یک چیز در آن واحد و از جهت واحد قابل جمع نیست). و یا اینکه یکی از آن دو اراده‌ی خود را اجراء می‌کند، و لازمه‌ی آن، ناتوانی دیگری است که نتوانسته اراده‌ی خود را به اجراء درآورد، و هم‌چنین نشانه‌ی عجز آن یکی است که اراده‌اش را اجرا کرده است برای اینکه او هم مثل و شبیه اوّلی است، و شبیه عاجز، عاجز است؛ گذشته از این باید که این کائنات متعدد، فقط به واحدی ختم شود، چون اصل در معدودات یک است نه متعدد، زیرا هر مجموعه‌ای از یک شروع می‌شود. [ر.ک: شرح عقاید اهل سنت ص ۵۵]

**تنزیه (پاک و بی‌آلایش دانستن) خدا از شریک و انباز، زن و فرزند و پدر و مادر**

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُۥٓ بَل لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلُّ لَّهُ قٰنُوْنٌ ﴿۱۱۶﴾﴾

[البقرة: ۱۱۶]

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا اِنْ اَرَادَ اَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيْحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهُۥٓ وَوَمَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا وَّلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَاۗ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَاَللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۱۷﴾﴾ [المائدة: ۱۷]

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ يَمْلِكُ مَا يَشَآءُ وَاَللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۷۲﴾﴾ [المائدة: ۷۲-۷۳]

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ يَمْلِكُ مَا يَشَآءُ وَاَللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۷۳﴾﴾ [المائدة: ۷۳-۷۲]

﴿بَدِيْعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَتٰى يَكُوْنُ لَّهُ وِلْدٌ وَّلَمْ تَكُنْ لَّهُۥ صٰلِحَةٌ وَّخَلَقَ كُلَّ

شَيْءٍ وَّهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۱۱۰﴾﴾ [الأنعام: ۱۰۱]



﴿قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ ۗ هُوَ الْغَنِيُّ ۗ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۗ اِنْ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ بِهٰذَا اَتَقُولُوْنَ عَلٰى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٦٨﴾﴾ [يونس: ٦٨]

﴿وَيَجْعَلُوْنَ لِلّٰهِ الْبَنٰتِ سُبْحٰنَهُ ۗ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُوْنَ ﴿٥٧﴾﴾ [النحل: ٥٧]

﴿اَفَاَصْفٰكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِيْنَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ اِنْتًا ۗ اِنَّكُمْ لَتَقُولُوْنَ قَوْلًا عَظِيْمًا ﴿٤٠﴾﴾ [الاسراء: ٤٠]

﴿قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ وَاٰلِهَةٌ كَمَا يَقُولُوْنَ اِذَا لَا بُتْعُوْا اِلٰى ذِي الْعَرْشِ سَبِيْلًا ﴿٤٢﴾ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰى عَمَّا يَقُولُوْنَ عُلُوًّا كَبِيْرًا ﴿٤٣﴾﴾ [الاسراء: ٤٢-٤٣]

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَاٰلِهَةٌ اِلَّا هُوَ ۗ شَرِيْكٌ فِى الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِلٰٓئٌ مِّنَ الدَّلٰلِ وَكَبِيْرَةٌ تَكْبِيْرًا ﴿١١١﴾﴾ [الاسراء: ١١١]

﴿وَيُنذِرَ الَّذِيْنَ قَالُوْا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ﴿٤﴾﴾ [الكهف: ٤]

﴿مَا كَانَ لِلّٰهِ اَنْ يَّتَّخِذَ مِنْ وَّلَدٍ سُبْحٰنَهُ ۗ اِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهُ ۗ كُنْ فَيَكُوْنُ ﴿٣٥﴾﴾ [مریم: ٣٥]

﴿وَقَالُوْا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا اِذَاآ ﴿٨٩﴾ تَكٰدُ السَّمٰوٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْاَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًا ﴿٩٠﴾ اَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمٰنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ وَمَا يَنْبَغِيْ لِلرَّحْمٰنِ اَنْ يَّتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾﴾ [مریم: ٨٨-٩٢]

﴿لَوْ كَانَ فِيْهِمَا ءَاِلِهَةٌ اِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا ۗ فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿٢٢﴾﴾ [الانبيا: ٢٢]

﴿وَقَالُوْا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُوْنَ ﴿٣٦﴾﴾ [الانبيا: ٢٦]

﴿مَا اتَّخَذَ اللّٰهُ مِنْ وَّلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ اِلٰهٍ اِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ اِلٰهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿٩١﴾﴾ [المؤمنون: ٩١]

﴿الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَاٰلِهَةٌ اِلَّا هُوَ ۗ شَرِيْكٌ فِى الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ وَّقَدِيْرًا ﴿٢﴾﴾ [الفرقان: ٢]

﴿اِلَّا اِنَّهُمْ مِّنْ اِفْكِهِمْ لَيَقُولُوْنَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ اللّٰهِ وَاِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿١٥٢﴾ اَصْطَفٰى الْبَنٰتِ عَلٰى الْبَنِيْنَ ﴿١٥٣﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ ﴿١٥٤﴾﴾ [الصافات: ١٥١-١٥٤]

﴿لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ

الْقَهَّارُ ﴿٤﴾ [الزمر: ۴]

﴿وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾﴾ [الزخرف: ۱۵]

﴿قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَبِيدِ ﴿٨١﴾﴾ [الزخرف: ۸۱]

﴿وَأَنَّهُ تَعَلَّىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾﴾ [الجن: ۳]

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾

[الإخلاص: ۱-۴]



توضیح موضوع: در کتاب‌های کلامی، در فصل مربوط به صفات باری تعالی، علماء و اندیشمندان کلامی گفته‌اند: «باری تعالی، عَرَض نیست، جوهر نیست، دارای شکل و صورت نیست، محدود به حدود و نهایت‌ها نیست، مرگب نیست، قابل تجزیه نیست، با هیچ چیزی هم جنس و هم نوع نیست، دارای هیچ کمیّت و کیفیّتی نیست که به یکی از حواس پنج‌گانه درک شود، در هیچ مکانی نیست، زمان در او تغییری به وجود نمی‌آورد، هیچ چیزی به او شبیه نیست، از علم و قدرت او هیچ چیزی خارج نیست و...»

خداوند ﷻ در ایجاد عالم و تدبیر نظام هستی، خدای دیگری با او مشارکت نکرده است و فرزند و همسر، پدر و مادر، و شریک و انبازی هم ندارد که کمک حال او باشد؛ برخلاف «ثنویّه» که اعتقاد به دو خدا دارند: یکی خدای خیر (یزدان) و دیگری خدای شر (أهرمن) یعنی ابلیس. و گفته شده که خدای اوّل «نور» است، و خدای دوّم «ظلمت» است.

و برخلاف بعضی از مسیحیان که می‌گویند: به وجود آورنده‌ی عالم، یکی از سه اُقنوم (اصل و ذات) است که عبارتند از: ذات و علم و حیات. و برخی هم می‌گویند: عبارتند از: آب (خدا)، ابن (عیسی) و أم (مریم).

و برخلاف طبیعیّون که معتقدند به وجود آورنده‌ی عالم، زُحل، مشتری، مریخ، خورشید، زُهره، عطارد و ماه هستند و برخلاف جمعی از مشرکان عرب که به خاطر انحطاط فکری و نداشتن هیچ‌گونه علم و دانش، خدا را با خود قیاس می‌کردند و برای او فرزند و گاهی همسر قائل بودند.

از جمله قبائل «جهینه» و «سلیم» و «خزاعه» و «بنی ملیح» که معتقدند بودند: فرشتگان، دختران خدا هستند و بسیاری از مشرکان عرب «جن» را نیز فرزندان او می‌پنداشتند، و یا بعضاً همسری از جن برای پروردگار قائل بودند.

این پندارهای بی‌اساس و خرافی، آن‌ها را به کلی از راه حق منحرف ساخته بود، به گونه‌ای که آثار توحید و یگانگی خدا از بین آن‌ها برچیده شده بود.

مطالعه‌ی تاریخ ادیان و مذاهب نیز نشان می‌دهد که منحرفان از خط توحید و یگانگی راستین، همواره برای این جهان «ربّ النوع‌هایی» قائل بودند که سرچشمه‌ی این تفکر غلط، این بود که گمان می‌کردند هر یک از انواع موجودات نیاز به «ربّ النوع» مستقلی دارد که آن نوع را تربیت و رهبری کند؛ گویا خدا را کافی برای تربیت این انواع نمی‌دانستند. حتی برای اموری همانند: عشق، عقل، تجارت، جنگ و شکار، ربّ النوعی قائل بودند؛ از جمله یونانیان که دوازده خدای بزرگ (ربّ النوع) را پرستش می‌کردند که به پندار آن‌ها بر فراز قلّه‌ی «المپ» بزم خدایی دائر ساخته و هر یک مظهر یکی از صفات آدمی بودند.

در «کلده» (پایتخت کشور «آشور»)، ربّ النوع آب، ربّ النوع ماه، ربّ النوع خورشید، و ربّ النوع زهره قائل بودند و هر کدام را به نامی می‌نامیدند، و مافوق همه‌ی این‌ها «ماردوک» را «ربّ الارباب» می‌شمردند.

در «روم» نیز خدایان متعدد رواج داشت و بازار شرک و تعدد خدایان و ارباب انواع شاید از همه جا داغ‌تر بود. آن‌ها مجموع خدایان را به دو دسته تقسیم می‌کردند: خدایان خانوادگی، و خدایان حکومت که مردم زیاد به آن‌ها علاقه نشان نمی‌دادند چرا که دل‌خوشی از حکومتشان نداشتند.

عده‌ی این خدایان فوق‌العاده زیاد بود، زیرا هر یک از این خدایان، یک پُست مخصوص داشت و در امور محدودی مداخله می‌کرد، تا آنجا که درب خانه دارای خدایی مخصوص بود، بلکه پاشنه و آستانه‌ی خانه نیز هر یک ربّ النوعی داشتند.

به گفته‌ی یکی از مورخان، جای تعجب نیست که رومیها ۳۰ هزار خدا داشته باشند، آن‌چنان که یکی از بزرگان آن‌ها به شوخی گفته بود: «تعداد خدایان کشور ما به حدّی است که در معابر و محافل فراوانتر از افراد ملت می‌باشند».

از این خدایان می‌توان «ربّ النوع کشاورزی»، «ربّ النوع آشپزخانه»، «ربّ النوع انبار غذا»، «ربّ النوع خانه»، «ربّ النوع شعله‌ی گاز»، «رب النوع آتش»، «رب النوع

میوه‌ها»، «رب النوع درخت تاک»، «رب النوع جنگل»، «رب النوع حریق»، «رب النوع دروازه‌ی بزرگ روم» و «رب النوع آتشکده‌ی مَلّی» را نام برد.

در عصر نزول قرآن نیز بت‌های متعدد مورد پرستش و ستایش قرار داشته است؛ کوتاه سخن اینکه بشر در گذشته با انواع خرافات دست به گریبان بوده است همانطور که الان هم خرافات بسیاری از آن عصر به یادگار مانده است.

در عصر ما نیز اطاعت بی‌قید و شرط انسانی، مساوی است با پرستش، و شکلی است از بت‌پرستی و عبودیت، از این رو هیچ مسلمانی حق ندارد اطاعت بی‌قید و شرط انسانی را بپذیرد، زیرا این کار مساوی است با پرستش او. همه‌ی اطاعت‌ها باید در چهارچوب اطاعت خدا درآید و پیروی از دستور انسانی تا آنجا مجاز است که با قوانین و اوامر و فرامین خدا مخالفت نداشته باشد.

متأسفانه مسلمانان با فاصله گرفتن از این دستور مهم اسلامی و برپا ساختن بت‌های انسانی، گرفتار تفرقه‌ها و پراکندگی‌ها و استعمار و استثمار شده‌اند و اصولاً این‌گونه بت‌پرستی از بت‌پرستی‌های زمان جاهلیت که در برابر سنگ و چوب سجده می‌کردند، خطرناک‌تر است؛ زیرا آن بت‌های بی‌روح، پرستش‌کنندگان خویش را هیچ‌گاه استعمار نمی‌کردند، اما انسان‌هایی که به شکل بت در می‌آیند، بر اثر خودکامگی، پیروان خود را به زنجیر اسارت می‌کشند و گرفتار همه‌گونه انحطاط و بدبختی می‌گردانند.

پس بر هر مسلمان لازم و ضروری است تا خداوند عز و جل را از هر گونه شریک و انباز، زن و فرزند، همتا و همبَر، و شبیه و مانند، پاک و منزّه بداند و از تمام مظاهر شرک و چندگانه‌پرستی فاصله بگیرد. و مسلمان خوب می‌داند که اگر برای این جهان چند خدا فرض کند، این چندگانگی بر مخلوقات جهان و نظام حاکم بر آن‌ها اثر می‌گذارد و نتیجه‌ی آن، از هم پاشیدن نظام هستی است، در حالی که ما می‌بینیم که نظام واحدی بر پهنه‌ی هستی حکومت می‌کند، قوانین حاکم بر این جهان در زمین و آسمان، همه یکسان و برابر است، و نوامیسی که بر یک ذره‌ی فوق‌العاده‌ی کوچک «اتم» حکمفرما است، بر منظومه‌ی شمسی و منظومه‌های عظیم و بزرگ دیگر نیز حاکم است، و به گفته‌ی دانشمندان: اگر یک اتم را بزرگ کنیم، شکل منظومه‌ی شمسی را به خود می‌گیرد، و اگر به عکس، منظومه‌ی شمسی را کوچک کنیم، به صورت یک اتم در می‌آید؛ و اگر ما برای این جهان خدایان متعددی را فرض کنیم،

نتیجه‌ی آن عدم وحدت نظام آفرینش و از هم پاشیدن نظام هستی خواهد بود و هر یک از این خدایان، مخلوقات خاص خود را در پنجه‌ی قدرت و تدبیر و اراده‌ی خویش قرار می‌داد، و این با وحدت نظامی که بر آن حاکم می‌بینیم، سازگار نیست! علاوه از این‌ها، انسان به دلایل مختلفی نیاز به وجود فرزند دارد. از یکسو عمرش محدود و کوتاه است و برای ادامه‌ی نسل، تولد فرزند لازم است، و از سوی دیگر قدرت او محدود است، و مخصوصاً به هنگام پیری و ناتوانی نیاز به معاونی دارد که به او در کارهایش کمک کند.

و از سوی سوّم جنبه‌های عاطفی و روحیه‌ی انس‌طلبی، ایجاب می‌کند که انسان مونس‌ی در محیط زندگی خود داشته باشد که آن هم به وسیله‌ی فرزندان تأمین می‌گردد؛ بدیهی است هیچ یک از این امور در مورد خداوندی که آفریننده‌ی عالم هستی و قادر بر همه چیز و ازلی و ابدی است، مفهوم ندارد. به علاوه داشتن فرزند و همسر، لازمه‌اش جسم بودن است که خدا از آن نیز منزّه می‌باشد. و این سخن که خداوند متعال زن و فرزندی دارد، بدون شک زائیده‌ی افکار ناتوان انسان‌هایی است که خدا را در همه چیز با وجود محدود خودشان مقایسه می‌کنند!

### صفات ذاتی و صفات افعالی خداوند ﷻ

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١﴾ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢﴾﴾ [الفاتحة: ۲-۳]

﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾﴾ [البقرة: ۱۵]

﴿أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾﴾ [البقرة: ۷۷]

﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ

لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾﴾ [البقرة: ۹۸]

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا

نَصِيرٍ ﴿١٧﴾﴾ [البقرة: ۱۷۰]

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٣﴾﴾ [البقرة: ۱۴۳]

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَثُوبٌ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿١٦٦﴾

[البقرة: ١٦٠]

﴿وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿١٦٣﴾ [البقرة: ١٦٣]

﴿فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوسٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ

رَحِيمٌ﴾ ﴿١٨٣﴾ [البقرة: ١٨٢]

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتَلُونَكُمُ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ ﴿١٩٠﴾

[البقرة: ١٩٠]

﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿١٩٩﴾ [البقرة: ١٩٩]

﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الْفُسَادَ﴾ ﴿٢٠٥﴾ [البقرة: ٢٠٥]

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ ﴿٢٠٧﴾ [البقرة: ٢٠٧]

﴿سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا

جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ ﴿٢١٣﴾ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ ﴿٢١٦﴾

[البقرة: ٢١١-٢١٢]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ

وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿٢١٨﴾ [البقرة: ٢١٨]

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ

وَاللَّهُ عَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ ﴿٢٢٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَابِهِمْ تَرْبُصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ

عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿٢٢٦﴾ [البقرة: ٢٢٥-٢٢٦]

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتَمْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ

عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا

وَلَا تَعْرِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي

أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ ﴿٢٣٥﴾ [البقرة: ٢٣٥]

﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَعَاتَهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [البقرة: ٢٥١]

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ٢٥٥]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ [البقرة: ٢٦٧]

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرَّبُّوًّا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾ [البقرة: ٢٧٦]

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ [آل عمران: ٨-٩]

﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: ٣٠-٣٢]

﴿وَالرَّسُولُ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ﴾ [آل عمران: ٣٠-٣٢]

﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمٰكِرِينَ﴾ [آل عمران: ٥٤]

﴿كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمٰنِهِمْ وَشٰهَدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّٰلِمِينَ﴾ [آل عمران: ٨٦]

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [آل عمران: ٨٩]

﴿تِلْكَ ءَايٰتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعٰلَمِينَ﴾ [آل عمران: ١٠٨]

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [آل عمران: ١٢٩]

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: ١٣٤]

﴿إِن يَمَسُّكُمْ فَرَحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرَحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ [آل عمران: ١٤٠]

﴿وَكَايِن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ [آل عمران: ١٤٦]

﴿فَقَاتِلْهُمْ اللَّهُ ثَوَابِ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: ١٤٨]

﴿بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ﴾ [آل عمران: ١٥٠]

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ١٥٥]

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ [آل عمران: ١٥٩]

﴿فَأَنقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ [آل عمران: ١٧٤]

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَتَأْمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ١٧٩]

﴿...وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [آل عمران: ١٧٩]

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْلِفِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ



فَكَأْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَاضِيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢١﴾ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢﴾ [النساء: ٢٣-٢٥]

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ ﴿٢٨﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٢٩﴾ [النساء: ٢٨-٢٩]

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْصَّالِحَاتُ قَنِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ ﴿٣١﴾ [النساء: ٣٤]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ ﴿٤٣﴾ [النساء: ٤٣]

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنْتُمْ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ ﴿٦٥﴾ [النساء: ٦٤]

﴿ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا﴾ ﴿٧٠﴾ [النساء: ٧٠]

﴿فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتْرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا﴾ ﴿٨٨﴾ [النساء: ٨٨]



﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اٰحَدٍ مِّنْهُمْ اَوْ لَتِيكَ سَوَفَ يُؤْتِيهِمْ اُجْرَهُمْ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا﴾ [النساء: ١٥٢]

﴿...يَوْمَن يُرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهُۥ فَلَن تَمْلِكَ لَهُۥ مِنْ اللّٰهِ شَيْئًا اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ اَنْ يُطَهِّرْ قُلُوْبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ﴾ [المائدة: ٤١]

﴿...عَفَا اللّٰهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللّٰهُ مِنْهُ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ [المائدة: ٩٥]

﴿... كَتَبَ عَلٰى نَفْسِهِ الرِّحْمَةَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ...﴾ [الأنعام: ١٢]

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِۦ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ اَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتّٰى اِذَا فَرِحُوْا بِمَا اُوْتُوْا اَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَاِذَا هُمْ مُبْلِسُوْنَ﴾ [الأنعام: ٤٤-٤٥]

﴿وَنَقَلْنَا اَفْعِدْتَهُمْ وَاَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوْا بِهِۦٓ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَدْرَهُمْ فِي طُعَيْنِهِمْ يَعْمَهُوْنَ﴾ [الأنعام: ١١٠]

﴿...وَلَا تَقْتُلُوْا اَوْلَادَكُمْ مِّنْ اِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَاِيَّاهُمْ... لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا وِاِلَّا وُسْعَهَا...﴾ [الأنعام: ١٥١-١٥٢]

﴿وَكَمْ مِّنْ قَرْيَةٍ اَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا اَوْ هُمْ قٰٓئِلُوْنَ﴾ [الأعراف: ٤]

﴿اَفَاْمِنُوْا مَكْرَ اللّٰهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْخٰسِرُوْنَ﴾ [الأعراف: ٩٩]

﴿وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾ [الأعراف: ١٨٢-١٨٣]

﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِيُثْبِتُوْكَ اَوْ يَقْتُلُوْكَ اَوْ يُخْرِجُوْكَ وَيَمْكُرُوْنَ وَيَمْكُرُ اللّٰهُ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمٰكِرِيْنَ﴾ [الأنفال: ٣٠]

﴿لَقَدْ تَابَ اللّٰهُ عَلٰى النَّبِيِّۦ وَالمُهٰجِرِيْنَ وَاْلانصٰرِ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْۢ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيْغُ قُلُوْبَ فَرِيْقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ اِنَّهٗ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ﴾ [التوبة: ١١٧-١١٨]

﴿وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقَضَىٰ إِلَيْهِمْ أَجَلَهُمْ فَفَدَّرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾﴾ [يونس: ١١]

﴿...قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿٢١﴾﴾ [يونس: ٢١]

﴿...إِنَّ اللَّهَ لَدُوٌّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾﴾ [يونس: ٦٠]

﴿فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٦٢﴾ ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢-١٠٣﴾﴾ [يونس: ١٠٢-١٠٣]

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾﴾ [هود: ٦]

﴿وَكَذَلِكَ أَخَذَ رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَلِيمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾﴾ [هود: ١٠٢]

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلَئِنَّكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٨-١١٩﴾﴾ [هود: ١١٨-١١٩]

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَدُوٌّ مَغْفِرَةٌ لِلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٦﴾﴾ [الرعد: ٦]

﴿كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِيَتْلُوا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿٣٠﴾... بَلِ اللَّهُ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِ الْبَشَرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا نُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةً أَوْ نَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٣٠-٣١﴾﴾ [الرعد: ٣٠-٣١]

﴿...بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾﴾ [الرعد: ٣٣]

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٥١﴾ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِئِنَّ الْمَكْرَ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَنْ عُقِبِيَ الدَّارِ ﴿٤٢﴾﴾ [الرعد: ٤١-٤٢]

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ وَقَالَ

مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾ [إبراهيم: ٧-٨]

﴿يُتَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ

الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ ﴿٢٧﴾ [إبراهيم: ٢٧]

﴿فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعَدِيهِ رُسُلَهُ وَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ ﴿٤٧﴾ [إبراهيم: ٤٧]

﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ ﴿٥١﴾ [إبراهيم: ٥١]

﴿وَإِن كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لظَّالِمِينَ﴾ ﴿٧٨﴾ فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لِيَآمَامٍ مَّبِينٍ ﴿٧٩﴾

[الحجر: ٧٨-٧٩]

﴿إِن تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ﴾ ﴿٣١﴾

[النحل: ٣٧]

﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَن يَحْسَفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ

حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾ ﴿٤٥﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٤٦﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ

تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ ﴿٤٧﴾ [النحل: ٤٥-٤٧]

﴿وَلَوْ يَأْخُذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَابَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ

مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَعْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ ﴿٦١﴾ [النحل: ٦١]

﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ

غَفُورًا﴾ ﴿٢٥﴾ [الإسراء: ٢٥]

﴿تَسْبِحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ

وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُوَ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ ﴿٤٤﴾ [الإسراء: ٤٤]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكٰفِرِينَ تَوْرَهُمْ آزًا﴾ ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا

نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا﴾ ﴿٨٤﴾ [مريم: ٨٣-٨٤]

﴿إِنَّهُوَ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ﴾ ﴿١١٠﴾ [الأنبياء: ١١٠]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ

السَّمَاءَ أَن تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ ﴿٦٥﴾ [الحج: ٦٥]

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [الحج: ٧٠]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَفَّتِ كُلُّ قَدِّ عِلْمٍ صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ [النور: ٢١]

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا﴾ [الفرقان: ٥٨]

﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَّجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا﴾ [الفرقان: ٦١]

﴿وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [النمل: ٥٠]

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [النمل: ٧٣]

﴿وَكَايِنٍ مِّنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رَزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [العنكبوت: ٦٠]

﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿٧﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ [الروم: ١٧-١٨]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الروم: ٤٧]

﴿نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾ [لقمان: ٢٢]

﴿ذَلِكَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ [السجدة: ٦]

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ [السجدة: ٢٢]

﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ٢٤]

﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيَ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ٤٣]

﴿إِنْ تُبَدُّوا شَيْئًا أَوْ تُخَفُّوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [الأحزاب: ٥٤]

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ  
الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا  
يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾﴾ [سبأ: ١-٢]

﴿قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٣١﴾﴾ [سبأ: ٢٦]  
﴿مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ  
بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾﴾ [فاطر: ٢]

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٥٥﴾﴾ [فاطر: ١٥]  
﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٣٦﴾﴾ [فاطر: ٣٨]  
﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ  
بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٥١﴾﴾ [فاطر: ٤١]

﴿وَلَوْ يَؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ  
إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى...﴾ [فاطر: ٤٥]

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٦﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿٧٧﴾ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ  
الْعَلْبُونَ ﴿٧٨﴾﴾ [الصافات: ١٧١-١٧٣]

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ  
رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن  
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٣٣﴾﴾ [الزمر: ٢٣]

﴿... أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾﴾ [الزمر: ٣٧]  
﴿قُلْ يَٰعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ  
الدُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٢﴾﴾ [الزمر: ٥٣]

﴿غَافِرِ الدُّنُوبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّولِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ  
الْمَصِيرُ ﴿٣﴾﴾ [غافر: ٣]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى  
الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ﴾ [غافر: ١٠]

﴿وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ  
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [غافر: ٢٠]

﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۖ وَمَا رَبُّكَ بِظَلِيمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [فصلت: ٤٦]  
﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۗ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ  
عَلَيْهِ أَجْرًا ۗ إِنَّا الْمُؤَدَّوْنَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ  
شَكُورٌ﴾ [الشورى: ٢٣]

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾  
﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِّن فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ  
عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾ [الشورى: ٢٥-٢٦]

﴿وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۗ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾  
[الشورى: ٢٨]

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [٣٠] ﴿وَمَا أَنْتُمْ  
بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ [٣١] ﴿وَمِنْ ءَايَاتِهِ الْجَوَارِ فِي  
الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ [٣٢] ﴿إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ  
لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [٣٣] ﴿أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشورى: ٣٠-٣٤]

﴿وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِّنْ بَعْدِهِ ۗ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ  
يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ﴾ [الشورى: ٤٤]

﴿وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ  
سَبِيلٍ﴾ [الشورى: ٤٦]

﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا  
فَيُوحِيَ بآذُنِهِ ۗ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ﴾ [الشورى: ٥١]



﴿أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّمَا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوْ نُرِيَّتِكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾﴾ [الزخرف: ٤٠-٤٢]

﴿أَمْ أَبْرَمُوا أَمْ آتَانَا مَبْرُمُونَ ﴿٧٦﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْفُتُونَ ﴿٨٠﴾﴾ [الزخرف: ٧٩-٨٠]

﴿يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ﴿١٦﴾﴾ [الدخان: ١٦]

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عِثَابَ غَشْوَةٍ فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾﴾ [الجاثية: ٢٣]

﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾﴾ [الفتح: ٢٣]

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥١﴾﴾ [الذاريات: ٥٦]

﴿إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٣٨﴾﴾ [الطور: ٢٨]

﴿الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَحِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ ﴿٣٢﴾﴾ [النجم: ٣٢]

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾﴾ [الحديد: ١]

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ وَاجِرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾﴾ [الحديد: ١١]

﴿... وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ﴿٢﴾﴾ [المجادلة: ٢]

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾﴾ [الممتحنة: ٦]

﴿... فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾﴾ [الصف: ٥]

﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَلِكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾﴾ [الصف: ١٢-١٣]

﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوُّتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ

هَل تَرَىٰ مِن فُطُورٍ ﴿٣﴾ [الملك: ٣]

﴿وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَقَتٍ وَيَقْبِضْنَ مَّا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُم مِّن دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَل لَّجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَن يَمشي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّن يَمشي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا أَعْلَمُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيَّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ﴿٢٧﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ ءَامَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَّعِينٍ ﴿٣٠﴾ [الملك: ١٨-٣٠]

﴿فَذَرْنِي وَمَن يُكَدِّبُ بِهِذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّن حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾ وَأُمْلِي

لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ [الفلم: ٢٤-٢٥]

﴿...هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾ [المدثر: ٥٦]

﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ [البروج: ١٢]

﴿وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٥﴾ [البروج: ١٤]

﴿فَعَالٌ لِّمَآ يُرِيدُ ﴿١٦﴾ [البروج: ١٦]

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِكِ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُم رُويْدًا ﴿١٧﴾

[الطارق: ١٥-١٧]

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَأَمَّا إِذَا

مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ﴿١٦﴾ [الفجر: ١٥-١٦]

﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَنَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ [العلق: ٤-٥]

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ [النصر: ۳]



توضیح موضوع: کلیه‌ی اوصافی که جایز است به خدا نسبت داده شوند «صفات الله» نامیده می‌شوند؛ که به طور کلی به چند بخش تقسیم می‌گردند:

### ۱- نفسیه، سلبیه، و ثبوتیه

صفت نفسی خداوند: همان وجود خود خداوند عز وجل است؛ و بدون وجود، ذات خداوند قابل تصور نیست. پس وجود او عین ذات او است، نه زائد بر ذات.

و صفات سلبیه: صفاتی است که شایسته‌ی ذات خداوند نیست، و از او سلب می‌شود که سلب آن‌ها موجب کمال و نشانه‌ی تنزیه و تقدیس خداست. مانند: مرکب بودن خدا، تغییر، خواب، جهل، حادث بودن، شریک و انباز داشتن، شبیه بودن به چیزی، جوهر و عرض و جسم بودن و ...

و صفات ثبوتیه: صفاتی است که لایق ذات احدیت است و برای او عقلاً اثبات می‌شود که اثبات آن‌ها موجب کمال و نشانه‌ی خدایی بودن «الله» است. مانند: علم، قدرت، حیات، ایجاد و ...

### ۲- صفات معانی و معنوی

صفات معانی: صفاتی است وجودی که موجب تعیین حکم برای موصوف خود می‌شود، مانند: قدرت که موجب توصیف خداوند به قادر است، و ...

و صفات معنوی: عبارت از صفاتی است که ملازم و قرین صفات معانی‌اند، به خاطر اینکه صفات معنوی از آن‌ها مشتق می‌شوند، مانند: قادر، مرید و عالم که از صفات معانی قدرت، اراده و علم برگرفته شده‌اند.

### ۳- صفات ذات و صفات افعال

در حقیقت صفات ثبوتیه خداوند به دو بخش تقسیم می‌شوند: یکی صفات ذاتی و دیگری صفات افعال:

صفات ذاتی: صفاتی هستند که خداوند به آن‌ها متصف می‌شود ولی به ضدشان متصف نمی‌شود. مانند: قدرت، اراده، علم، حیات، کلام، سمع و بصر، که ضدشان، عجز، اجبار، جهل، مردن، لالی، کری و کوری است.

و صفات افعال: صفاتی هستند که خداوند عز وجل هم به آنها و هم به ضدشان متصف می‌شود، مانند: «اغناء» و «افقار» یعنی: غنی و فقیر گرداندن. و «احیاء» و «اماتة» یعنی: زنده کردن و میراندن، و «اعزاز» و «اذلال» یعنی: عزت دادن و خوار کردن و ... خاطر نشان می‌شود: از آنجا که علم و دانش ما (بلکه تمام هستی ما) محدود ناچیز است، هرگز نمی‌توانیم به گُنه و حقیقت ذات خداوند که نامحدود و بزرگ است برسیم، چرا که آگاهی از گُنه چیزی به معنای احاطه بر او است، و چگونه موجود محدود می‌تواند احاطه بر ذات نامحدودی پیدا کند! همچنین شناخت گُنه «صفات خدا» که عین ذات او است، نیز برای موجود محدودی همچون ما امکان پذیر نیست، بنابراین آنچه ما از ذات و صفات خدا می‌دانیم یک علم اجمالی است، و بیشتر بر محور آثار و مخلوقاتش دور می‌زند.

استاد حسن البنا تحت عنوان «مقایسه‌ی صفات خدا با صفات آفریده‌ها» می‌گوید: «چیزی که مؤمن باید بداند این است که معنی و مفهومی که واژه‌های صفات خداوند بزرگوار دارند، کاملاً جدا از معنی و مفهومی است که خود این واژگان بیانگر آن از صفات آفریدگارند. مثلاً خواهی گفت: خدا عالم است و علم صفت خداوند متعال است، و خواهی گفت: فلانی عالم است و علم صفت فلان کس از مردمان است. آیا مراد از واژه‌ی علم در هر دو بخش یکسان است؟ هرگز هرگز! چنین نیست، چرا که علم یزدان علمی است که کمال آن نامتناهی و بی‌پایان است، و علم آفریدگان در مقابل آن چیزی به شمار نمی‌آید. همچنین «حیات»، «شنوایی»، «دیدن»، «گفتن»، «قدرت» و «اراده‌ی آفریدگار»، جدای از همین صفات در آفریدگان است، و معانی این صفات نسبت به خدا و معانی آنها نسبت به بندگان، از لحاظ کمال و کیفیت، بسیار متفاوت و کاملاً مختلف است، چرا که یزدان به کسی از بندگانش نمی‌ماند... از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است: جماعتی درباره‌ی خدا به اندیشه پرداختند، پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود: «تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ و لَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ، فَإِنَّكُمْ لَنْ تَقْدِرُوا قَدْرَهُ»؛ یعنی درباره‌ی آفریده‌های خداوند بیاندیشید و درباره‌ی چگونگی ذات او نیاندیشید، چرا که شما توان شناخت چگونگی ذات او را ندارید.» [کتاب «الله» صص ۲۲۱-۲۲۲]

و در حقیقت الفاظ و واژه‌ها نیز نمی‌تواند صفات خداوند عز وجل را به طور واقعی به تصویر بکشد، چرا که الفاظ ما برای رفع نیازمندیهای زندگی روزمره‌ی ما وضع شده‌اند، و هرگز نمی‌توانند بیانگر ذات و صفات نامحدود حق تعالی باشند، لذا الفاظ علم و قدرت

و حیات و اراده و سایر الفاظی که بیانگر صفات ثبوتیه و سلبیه، و ذاتی و افعالی او است، رنگ دیگری به خود می‌گیرند و اینجاست که گاه به تعبیراتی برخورد می‌کنیم که در یک نظر سطحی، متناقض و متضاد است، اما با دقت روشن می‌شود که همه بیانگر یک واقعیت‌اند.

مثلاً می‌گوئیم: خداوند هم «اَوَّل» است و هم «آخِر»، هم «ظاهر» است و هم «باطن»، «با همه چیز است، اما همراه آن‌ها نیست»، و «جدا از همه چیز است، اما بیگانه از آن‌ها نیست».

البته اگر با معیار مفاهیم این الفاظ در موجودات محدود و ممکن سخن بگوئیم، چیزی که «اول» است، نمی‌تواند «آخر» باشد، و چیزی که «ظاهر» است، نمی‌تواند «باطن» باشد، ولی هنگامی که این الفاظ را در افق ذات بی‌نهایت خداوند عَلَمٌ می‌اندیشیم، می‌بینیم که همه با هم جمع است، چرا که موجود نامتناهی در عین اوّل بودن، آخر و در عین ظاهر بودن، باطن است. و صفات او تعالی است که از افق فکر ما به دور است، و ما به حکم محدود بودن در زندان زمان و مکان و ماده و معده، و نارسایی افکار، و بلند بودن افق آن معانی والا، هرگز قادر به درک عمق آن‌ها نیستیم، و فقط می‌توان همین را بگوئیم که مهم در شناخت اوصاف جمال و جلال، و اوصاف ذاتی و فعلی، و اوصاف سلبی و ثبوتی خداوند متعال این است که به این حقیقت توجه داشته باشیم که «هیچ چیز مثل او نیست، و او نیز شبیه به هیچ چیز نیست».

### «صفات نسبتی خداوند متعال»

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الفاتحة: ۲]

﴿مَلِكٍ يَوْمَ الدِّينِ﴾ [الفاتحة: ۴]

﴿...وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [البقرة: ۱۰۵]

﴿بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُن فَيَكُونُ﴾ [البقرة: ۱۱۷]

﴿...وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعَذَابِ﴾ [البقرة: ۱۶۵]

﴿...وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۶]

- ﴿أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [البقرة: ٢٠٢]
- ﴿مِن قَبْلِ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ [آل عمران: ٤]
- ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُوتِي الْمَلِكَ مَن تَشَاءُ وَتَنزِعُ الْمَلِكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ...﴾ [آل عمران: ٢٦]
- ﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينِ﴾ [آل عمران: ٥٤]
- ﴿بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ﴾ [آل عمران: ١٥٠]
- ﴿... قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ﴾ [المائدة: ١٠٩]
- ﴿... وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [المائدة: ١١٤]
- ﴿قُلِ أَغَيْرَ اللَّهِ أَخَذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ...﴾ [الأنعام: ١٤]
- ﴿... إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُضِ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾ [الأنعام: ٥٧]
- ﴿... أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ﴾ [الأنعام: ٦٢]
- ﴿... قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ...﴾ [الأنعام: ٧٣]
- ﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى...﴾ [الأنعام: ٩٥]
- ﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا...﴾ [الأنعام: ٩٦]
- ﴿وَرَبُّكَ الْعَنِّي ذُو الرَّحْمَةِ...﴾ [الأنعام: ١٣٣]
- ﴿... إِنْ رَبِّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [الأنعام: ١٦٥]
- ﴿... فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾ [الأعراف: ٨٧]
- ﴿... رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾ [الأعراف: ٨٩]
- ﴿... أَنْتَ وَلِيِّنَا فَأَعِزِّ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ﴾ [الأعراف: ١٥٥]
- ﴿وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾ [الرعد: ١٣]
- ﴿وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابُ...﴾ [الكهف: ٥٨]

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۸۶﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۸۷﴾﴾ [المؤمنون: ۸۶-۸۷]

﴿فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۱۶﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۶]

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ [النور: ۳۵]

﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۱۸۰﴾﴾ [الصفات: ۱۸۰]

﴿غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿۳﴾﴾ [غافر: ۳]

﴿رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...﴾ [غافر: ۱۵]

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ﴾ [فصلت: ۴۳]

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۵۸﴾﴾ [الذاريات: ۵۸]

﴿... إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ...﴾ [النجم: ۳۲]

﴿وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿۲۷﴾﴾ [الرحمن: ۲۷]

﴿مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿۳﴾﴾ [المعارج: ۳]

﴿وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿۵۶﴾﴾ [المدثر: ۵۶]

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿۸﴾﴾ [التين: ۸]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۱﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿۳﴾﴾ [الناس: ۱-۳]

تذکر: در این کتاب من فقط به ذکر یک موضع از صفات نسبتی خداوند متعال در قرآن پرداخته‌ام، و هر کس اطلاعات بیشتری در این باره می‌خواهد، باید به کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» اثر: سیّد محمد فؤاد عبدالباقی، مراجعه کند.

[مؤلف]



توضیح موضوع: واژه‌ی «صفت» بر معنای لازم دلالت می‌کند و در لغت به خصوصیات و ویژگی‌های یک چیز گفته می‌شود و کلمه‌ی «وصف» معنای متعددی دارد و عبارت است از ذکر چیزی همراه با صفات و ویژگی‌های آن که گاهی حق و

گاهی باطل است، از این رو، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ﴾ [النحل: ۱۱۶] و نیز می‌فرماید: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾ [الصافات: ۱۵۹] یعنی صفات خداوند آن چیزی نیست که بسیاری از مردم بدان معتقدند.

حکمای اسلامی مبادی مشتقات را صفت، و مشتقات را اسم می‌نامند. از نظر آنان، علم و قدرت صفات‌اند، و عالم و قادر (یا علیم و قدیر) اسم می‌باشند. اما متکلمان، مشتقات را صفت، و مبادی مشتقات را معنی می‌گویند. بنابراین، علم و قدرت معنا، و عالم و قادر (یا علیم و قدیر) صفات‌اند. به عبارت دیگر، هر گاه ذات و ماهیت را از این جهت که موصوف به وصف یا معنای ویژه‌ای است در نظر آوریم، واژه‌ی صفت به کار می‌رود.

و در میان اسمای الهی، اسم «الله» ﷻ به منزله‌ی عَلم است در غیر واجب، لفظ الله وضع شده است برای ذات واجب‌الوجود که مستجمع جمیع صفات کمال است و عَلمت این که اسم الله را به منزله‌ی عَلم دانستیم و نه عَلم، این است که عَلم اسمی است که برای ذات بدون اعتبار صفتی از صفات وضع می‌شود، ولی اسم الله برای ذات معینی که دارای صفات کمال است وضع شده است.

بنابراین، فرق میان اسم الله و سایر اعلام، اعتبار و عدم اعتبار صفت است. و فرق میان اسم الله با سایر اسماء الله، اعتبار جمیع صفات است در الله، و اعتبار بعضی از صفات در اسمای دیگر، پس، در حقیقت سایر اسماء الله تفصیل اسم الله‌اند، و اسم الله، اسم اعظم است.

علما و صاحب نظران اسلامی صفات خداوند را از جهات گوناگون تقسیم کرده‌اند. مهم‌ترین آن‌ها دو تقسیم ذیل است:

### الف) صفات ثبوتی و سلبی

صفتی که بر کمال وجودی دلالت می‌کند، صفات ثبوتی‌اند، مانند: علم و عالم، قدرت و قادر، حیات و حی، خلق و خالق، رزق و رازق و غیره. این صفات را صفات جمال نیز می‌گویند. صفتی که بر سلب نقصی از ذات یا فعل خداوند دلالت می‌کند، صفات سلبی‌اند. مانند قدّوس و مقدّس، حمید و محمود، غنی، واحد و غیره. گاهی نیز صفات نقص که از خداوند سلب می‌شوند را صفات سلبیه گویند، مانند ترکیب، جسمانیّت، مکان، جهت، ظلم، عبث و غیره. در این صورت، این‌گونه صفات با حرف نفی به کار می‌روند و گفته می‌شود: لیس بجسم، لیس بظالم. صفات سلبی را صفات جلال نیز می‌نامند.



## ب) صفات ذاتی و فعلی

اصطلاح مشهور در ملاک تقسیم صفات به ذاتی و فعلی این است که هر گاه برای انتزاع صفتی از ذات و وصف کردن ذات به آن صفت، تصوّر ذات کافی باشد، و تصوّر فاعلیّت خداوند لازم نباشد، آن را صفت ذاتی گویند؛ مانند: صفت حیات و حیّ، اراده و مرید، علم و عالم، قدرت و قادر؛ و هر گاه تصوّر فاعلیّت ذات برای انتزاع صفت و وصف کردن خداوند به آن لازم باشد آن را صفت فعلی گویند؛ مانند: خلق و خالق، رزق و رازق، امّته و ممیت، احیاء و محیی، مغفرت و غافر، انتقام و منتقم و مانند آن.

اصطلاح دیگر در تقسیم صفات خداوند به ذاتی و فعلی این است که هر صفتی که وصف کردن خداوند به مقابل آن محال باشد، صفت ذاتی است، و هر صفتی که وصف کردن خداوند به مقابل آن محال نباشد، صفت فعلی است.

بنابراین، قدرت، علم و حیات از صفات ذاتی خداوند می‌باشد، و اراده از صفات فعلی است، زیرا وصف کردن خداوند به مقابل علم و قدرت و حیات جایز نیست، ولی وصف کردن خداوند به مقابل اراده و به عبارت دیگر نفی اراده از خداوند در مواردی جایز است، مثلاً گفته می‌شود: خداوند، ظلم به بندگان را اراده نکرده است. ﴿وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ﴾ [غافر: ۳۱].

در این جا لازم است این مطلب را یادآور شویم که: تقسیم صفات الهی به صفات ذاتی و صفات فعلی در آغاز مرسوم نبوده است، و این که دقیقاً از چه تاریخی، توسط چه کسی و چگونه این تقسیم پدید آمده است، روشن نیست.

شهرستانی در این باره گفته است: بسیاری از سلف، صفات ازلیّه چون علم، قدرت، حیات، اراده، سمع، بصر، کلام، جلال، اکرام، جود، انعام را برای خداوند اثبات می‌کردند، و میان صفات ذات و فعل فرق نمی‌گذاشتند، بلکه همه‌ی صفات را یک جا ذکر می‌کردند. [الملل و النحل: ۹۲/۱]

## «صفات انفرادی خداوند متعال»

﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ [الفاتحة: ۳]

﴿... إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۰]

﴿... وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۹]

- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ [البقرة: ٣٢]
- ﴿... إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ٣٧]
- ﴿... وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ٩٦]
- ﴿إِنَّ اللَّهَ وَسِعَ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ١١٥]
- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ١٢٧]
- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [البقرة: ١٢٩]
- ﴿... فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ١٥٨]
- ﴿... إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [البقرة: ١٨٢]
- ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: ١٨٦]
- ﴿... وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [البقرة: ٢٠٧]
- ﴿... وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [البقرة: ٢٢٥]
- ﴿... وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [البقرة: ٢٧١]
- ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ...﴾ [البقرة: ٢٥٥]
- ﴿... وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ٢٥٥]
- ﴿... وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ [البقرة: ٢٦٧]
- ﴿... وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ [آل عمران: ٨]
- ﴿... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ١]
- ﴿... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ [النساء: ٣٤]
- ﴿... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا﴾ [النساء: ٤٣]
- ﴿... وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾ [النساء: ٨٥]
- ﴿... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ [النساء: ٨٦]
- ﴿... وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ [النساء: ١٧١]
- ﴿... وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ [المائدة: ١١٧]

- ﴿وَهُوَ أَتْقَاهُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: ١٨]
- ﴿... قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأنعام: ٣٧]
- ﴿... وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: ١٠٣]
- ﴿إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ وَبَدَّوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُمْ...﴾ [يونس: ٤]
- ﴿... إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ﴾ [هود: ٥٧]
- ﴿... رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ﴾ [هود: ٧٣]
- ﴿... إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾ [هود: ٩٠]
- ﴿عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ﴾ [الرعد: ٩]
- ﴿... وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ﴾ [الرعد: ١١]
- ﴿... قُلِ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ [الرعد: ١٦]
- ﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ﴾ [الحجر: ٢٣]
- ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ [الحجر: ٨٦]
- ﴿فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ﴾ [طه: ١١٤]
- ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحج: ٤٠]
- ﴿... إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ [السجدة: ٢٢]
- ﴿قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ﴾ [سبأ: ٢٦]
- ﴿لِيُؤْفِقَهُمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [فاطر: ٣٠]
- ﴿رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ﴾ [ص: ٤٦]
- ﴿... وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [الشورى: ٢٨]
- ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ [الذاريات: ٥٨]
- ﴿... إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ﴾ [الطور: ٢٨]
- ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ﴾ [القمر: ٥٥]
- ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ...﴾ [الحديد: ٣]

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ  
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ...﴾ [الحشر: ۲۳]

﴿هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ...﴾ [الحشر: ۲۴]

﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ [العلق: ۳]

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ [الإخلاص: ۱-۲]

تذکر: در این کتاب من فقط به ذکر یک موضع از صفات انفرادی خداوند متعال در قرآن پرداخته‌ام، و هر کس اطلاعات بیشتری در این باره می‌خواهد، باید به کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» اثر: سید محمد فؤاد عبدالباقی، مراجعه کند.  
[مؤلف]

«امر» و «قدرت» خداوند متعال؛ و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها بدو می‌گوید: باش! پس می‌شود [کن، فیکون]

﴿بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ﴾ [البقرة: ۱۱۷]  
﴿قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ﴾ [آل عمران: ۴۷]

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ﴾ [آل عمران: ۵۹]

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْحَبِيرُ﴾ [الأنعام: ۷۳]

﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ﴾ [النحل: ۴۰]  
﴿مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ﴾ [مریم: ۳۵]

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ﴾ [یس: ۸۲]

﴿هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ﴾ [غافر: ۶۸]

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ۝ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْجٍ بِالْبَصْرِ﴾ [القمر: ۴۹-۵۰]



توضیح موضوع: «امر خدا»: مراد از «امر خدا» تمام اوامر و فرامین، تعالیم و آموزه‌ها، و دستورات و قوانین الهی است که به فرمان پروردگار در عالم هستی حکومت می‌کنند و آن‌ها را در مسیر خود رهبری می‌نمایند، خواه این اوامر و فرامین و دستورات و قوانین، در جهان ماده باشد، یا در جهان ماورای ماده.

«قدرت خدا»: خداوند عز و جل قادر است، یعنی متصف به صفت قدرت است و از ضد آن که «عجز و ناتوانی» است، منزّه و بی‌آلایش است. و «قدرت» صفت ازلی است که قائم به ذات حق تعالی است که با آن پدیده‌ها را می‌آفریند و یا معدوم می‌سازد.

و دلیل عقلی صفت قدرت این است که آفرینش این جهان و انواع موجودات و مخلوقات باشکوه و عیب و غریب آن، از حیوان و نبات و انواع معادن که عقل‌ها را ناتوان و افکار را غرق شگفتی و حیرت می‌کند، دلیل بر وجود خدایی است که از هر نقص و عیب، منزّه و پاک است، پس محال است که آفریننده‌ی آن‌ها فاقد قدرت و توان باشد، زیرا ناتوان نمی‌تواند عهده‌دار خود باشد، تا چه رسد به دیگران، و قابل تصور نیست که مخلوقاتی که دارای توان و قدرند را خالق آفریده باشد که خود فاقد قدرت است.

[کُنْ، فیکون]: خداوند عز و جل در آنچه که آفریده و می‌آفریند و در آنچه که از شئون و کارهای جهان تدبیر و اراده نموده و اراده خواهد کرد، همه‌ی آن‌ها را به گونه‌ای طرح‌ریزی و قالب‌ریزی می‌کند که خود می‌خواهد و اراده می‌کند و اوصاف و حالاتی بر آن‌ها می‌افزاید که خود می‌خواهد و در اوقاتی آن‌ها را آشکار می‌کند که خود بر می‌گزیند و هیچ موجودی و هیچ چیزی بر هیچ یک از این کارها او را مجبور نمی‌سازد و اراده و اختیار او مطلق می‌باشد.

تمام آنچه که در آسمان و زمین از تنوع وجود و ممتاز بودن علائم و نشانه‌های آن‌ها از یکدیگر که می‌بینی و مشاهده می‌کنی، مظهر اراده و اختیار مطلق در تعلقات همه‌ی آن‌ها می‌باشد، پس هر چیزی که خداوند در این عصر آفریده و پدید آورده است، از حقّ کامل او است که آن را در روزگاران گذشته نیز پدید آورده باشد، و چیزهایی را که به صورت کواکب و ستاره‌ی درخشان آفریده است می‌توانست آن را به صورت یک سنگ سرد بیافریند. پس توزیع و پخش صفات و حجمها و احوال مختلف در جوانب مختلف این جهان گسترده‌ی هستی و بخشیدن هر مشخصاتی به هر چیزی و گرفتن آن‌ها از آن‌ها، تنها و تنها ناشی از خواست و اراده‌ی برتر خداوند عز و جل می‌باشد.

البته باید دانست که اراده به مفهومی که در انسان وجود دارد در خداوند بزرگ راه ندارد، زیرا انسان قبلاً چیزی را تصور می‌کند (مثلاً نوشیدن آب) و بعد فوائد آن را در نظر می‌گیرد، و پس از تصدیق به فایده، شوق و اشتیاقی به انجام این کار در او پدید می‌آید و هنگامی که شوق به مرحله‌ی نهایی رسید، فرمان به عضلات صادر می‌شود و انسان به سوی انجام کار حرکت می‌کند.

ولی می‌دانیم که هیچ یک از این مفاهیم (تصور، تصدیق، شوق، نفس و حرکت عضلات) در مورد خداوند معنی و مفهومی ندارد، زیرا این‌ها همه اموری حادث هستند، از این رو دانشمندان علم عقاید و فلاسفه‌ی اسلامی به سراغ مفهومی رفته‌اند که با وجود بسیط و خالی از هر گونه تغییر و تبدیل الهی سازگار باشد، بنابراین دانشمندان اسلامی گفته‌اند: اراده‌ی خداوند بر دو گونه است:

۱- اراده‌ی ذاتی ۲- اراده‌ی فعلی. و «اراده‌ی ذاتی خداوند»: همان علم به نظام اصلح در جهان آفرینش و خیر و صلاح بندگان در احکام و قوانین شرع است؛ و او تعالی می‌داند که بهترین نظام برای عالم هستی چیست، و هر موجودی در چه مقطعی باید حادث گردد. و این «علم» سرچشمه‌ی تحقق موجودات و حدوث پدیده‌ها در زمان‌های مختلف است، و او می‌داند که مصلحت بندگان از نظر قوانین و احکام در چیست. و روح قوانین و احکام همین علم باری تعالی به مصالح و مفاسد است.

و «اراده‌ی فعلی خداوند»: عین ایجاد است، و جزء صفات فعل شمرده می‌شود، بنابراین اراده‌ی او بر خلقت آسمان و زمین، عین ایجاد آن‌ها است و اراده‌ی او بر وجوب نماز و تحریم دروغ، عین واجب و حرام نمودن این دو است.

کوتاه سخن اینکه اراده‌ی ذاتی خداوند عین «علم» و عین «ذات او» است، و اراده‌ی فعلی خداوند، عین ایجاد است [پیام قرآن / ۴ / ۱۵۳]

از این رو، آنچه از معنای «اراده» معروف است، یعنی صفتی که کننده‌ی کار، به وسیله‌ی آن می‌تواند قصد و نیت خود را عملی نماید، یا از آن منصرف گردد، چنین امری نسبت به واجب‌الوجود، محال است زیرا این معنی از قصدهای موجودات جهان هستی است و از تصمیمات نسخ‌پذیر می‌باشد، و این نوع قصد و تصمیمات، اثر نقص علم و آگاهی هستند که بر حسب تغییر قضاوت، تغییر می‌یابند و کننده‌ی کاری را در بین انگیزه‌های انجام دادن و انجام ندادن آن دچار شک و تردید می‌کند.

و مراد از جمله‌ی «کُنْ فیکون» این نیست که خداوند یک فرمان لفظی با معنای «موجود باش» صادر می‌کند، بلکه منظور: بیان اراده‌ی قطعی خداوند است، وگرنه نیازی به سخن نیست، یعنی به مجرد اینکه اراده‌ی خدا بر چیزی تعلق گرفت (خواه آن چیز بزرگ باشد یا کوچک، پیچیده باشد یا ساده، و به اندازه‌ی یک اتم باشد یا به اندازه‌ی مجموع آسمان‌ها و زمین) و فرمان آفرینش صادر شد، فوراً لباس هستی بر آن پوشانده می‌شود، و اصولاً تقسیم کارها به مشکل و آسان، و پیچیده و ساده، و کوچک و بزرگ برای خداوند متعال مفهومی ندارد و برای او آفریدن یک برگ با آفرینش یک جنگل در هزاران کیلومتر یکسان است و آفرینش یک ذره‌ی خاک با منظومه‌ی شمسی مساوی است.

خاطر نشان می‌شود که منظور این نیست که هر چه خدا اراده کند در همان لحظه موجود می‌شود، بلکه منظور این است که هر طور خدا اراده کند، همانطور موجود می‌شود. به عنوان مثال اگر خدا اراده کند که آسمان‌ها و زمین را در شش دوران به وجود آیند، مسلماً بی‌کم و کاست در همین مدت موجود خواهند شد، و اگر اراده کند در یک لحظه موجود شوند، همه در یک لحظه موجود خواهند شد، و این تابع آن است که او چگونه اراده کند و چگونه مصلحت بداند.

پس اراده‌ی خدا همان ایجاد و افعال است و لاغیر؛ خداوند می‌فرماید: «موجود باش، آن هم موجود می‌شود» بی‌آنکه حتی نیاز به لفظ و سخن گفتن به زبان و تصمیم گرفتن و تفکر داشته باشد، و این اراده‌ی خدا همچون ذاتش، غیر قابل توصیف است.

### مشیت خداوند متعال

﴿... وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۰]  
 ﴿بِتَسْمَا أَشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...﴾ [البقرة: ۹۰]

﴿... وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [البقرة: ۱۰۵]

﴿... قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [البقرة: ۱۴۲]

﴿... وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [البقرة: ۲۱۲]

﴿... وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [البقرة: ۲۱۳]

﴿...وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَنَتْكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [البقرة: ٢٢٠]  
 ﴿...وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ٢٤٧]  
 ﴿...وَقَتْلَ دَاوُدَ جَالُوتَ وَعَاتِنَهُ اللَّهُ الْمَلِكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ...﴾ [البقرة: ٢٥١]  
 ﴿...وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَّا لَوْا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ [البقرة: ٢٥٣]  
 ﴿...يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ...﴾ [البقرة: ٢٥٥]

﴿... وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ٢٦١]  
 ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...﴾ [البقرة: ٢٦٩]  
 ﴿لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ...﴾ [البقرة: ٢٧٢]  
 ﴿... وَإِن تَبَدَّوْا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ٢٨٤]

﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ٦]  
 ﴿... وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ [آل عمران: ١٣]  
 ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣١﴾ تُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾﴾ [آل عمران: ٢٦-٢٧]

﴿...قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [آل عمران: ٣٧]  
 ﴿قَالَ رَبِّ أُنَىٰ يَكُونُ لِي غُلْمٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَأُمْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿٤٠﴾﴾ [آل عمران: ٤٠]

﴿قَالَتْ رَبِّ أُنَىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾﴾ [آل عمران: ٤٧]

﴿...قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ٧٣]



﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [آل عمران: ١٢٩]

﴿... وَمَا كَانَ لِلَّهِ لِيُظْلِعَكُمُ عَلَى الْعَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَعَامِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ١٧٩]

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ٤٨-٤٩]

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ١١٦]

﴿إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ قَدِيرًا﴾ [النساء: ١٣٣]

﴿...وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [النساء: ١٧]

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبُّوهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ [المائدة: ١٧-١٨]

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [المائدة: ٤٠]

﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً...﴾ [المائدة: ٤٨]

﴿... ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [المائدة: ٥٤]

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَعْلُومَةٌ غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعْنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ...﴾ [المائدة: ٦٤]

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَاءِ اللَّهُ يَضِلُّهُ وَمَن يَشَاءِ يَجْعَلُهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [الأنعام: ٣٩]

﴿بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ٤١]

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾ ﴿١٠٧﴾

[الأنعام: ١٠٧]

﴿وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبَلًا مَا

كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ﴾ ﴿١١١﴾ [الأنعام: ١١١]

﴿وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا

أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَةِ قَوْمٍ آخَرِينَ﴾ ﴿١٣٣﴾ [الأنعام: ١٣٣]

﴿وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا

عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ ﴿١٣٧﴾ [الأنعام: ١٣٧]

﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْتُكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ ﴿١٤٩﴾ [الأنعام: ١٤٩]

﴿قَدْ أَفْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّيْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ

لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا ...﴾

[الأعراف: ٨٩]

﴿... إِنْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [الأعراف: ١٢٨]

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهَا بِهَا وَلَكِنَّهَا أَخْلَدَتْ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ...﴾ [الأعراف: ١٧٦]

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ

لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ...﴾ [الأعراف: ١٨٨]

﴿وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ ﴿١٥﴾ [التوبة: ١٥]

﴿ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿٢٧﴾ [التوبة: ٢٧]

﴿وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ ﴿٢٥﴾ [يونس: ٢٥]

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...﴾ [يونس: ٢٥]

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا

مُؤْمِنِينَ﴾ ﴿٩١﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا

يَعْقِلُونَ﴾ ﴿١٠٠﴾ [يونس: ٩٩-١٠٠]

﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [يونس: ١٠٧]

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿٧٨﴾ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ [هود: ١١٨-١١٩]

﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ...﴾ [الرعد: ٢٦]

﴿...قُلْ إِنْ أَلَّفَ اللَّهُ يَضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن أُنَابَ﴾ [الرعد: ٢٧]

﴿...أَفَلَمْ يَأْتِ عِيسَى الَّذِينَ ءَامَنُوا أَن لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا...﴾ [الرعد: ٣١]

﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتْ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ [الرعد: ٣٩]

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [إبراهيم: ٤]

﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...﴾ [إبراهيم: ١١]

﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ [إبراهيم: ٢٧]

﴿يُنزِلُ الْمَلَكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...﴾ [النحل: ٢]

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَلَتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ٩٣]

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ [الإسراء: ٣٠]

﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يُرْحَمَكُم أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبِكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا﴾ [الإسراء: ٥٤]

﴿وَلَئِنْ شِئْنَا لَنُدْهِبَنَّ بِالَّذِي أُوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكَيْلًا﴾ [الإسراء: ٨٦-٨٧]

﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِيْ سَأَيْءٌ إِنَّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ﴿٣٦﴾ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ...﴾ [الكهف: ٢٣-٢٤]

﴿...وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ [الحج: ١٨]  
 ﴿...وَأُولَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ  
 يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [النور: ٢١]  
 ﴿...يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ  
 عَلِيمٌ﴾ [النور: ٣٥]

﴿... وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [النور: ٣٨]  
 ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزِيحُ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ  
 مِنْ خَلِيلِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ  
 عَنِ مَنْ يَشَاءُ...﴾ [النور: ٤٣]

﴿...يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [النور: ٤٥]  
 ﴿... وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [النور: ٤٦]  
 ﴿تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِمَّنْ ذَلِكِ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
 وَيَجْعَلُ لَكَ فُصُورًا﴾ [الفرقان: ١٠]

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا﴾ [الفرقان: ٥١]  
 ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ [الشعراء: ٤]  
 ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [الفصص: ٥٦]

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا  
 يُشْرِكُونَ﴾ [الفصص: ٦٨]

﴿وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَفِّرُ اللَّهُ بِبَسْطِ الرِّزْقِ لِمَنْ يَشَاءُ  
 مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَفِّرُ لَوْلَا أَنْ يَفْلِحَ  
 الْكَافِرُونَ﴾ [الفصص: ٨٢]

﴿يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ﴾ [العنكبوت: ٢١]  
 ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ...﴾ [الروم: ٣٧]

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ وَاكِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ...﴾ [الروم: ٤٨]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾ [الروم: ٥٤]

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى وَنَحْنُ لَكِنَّا حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ [السجدة: ١٣]

﴿أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنْ نَشَأْ نُخَسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ﴾ [سبأ: ٩]

﴿قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [سبأ: ٣٤]

﴿قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ...﴾ [سبأ: ٣٩]

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِئِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنِي وَثُلَّةٍ وَرُبْعٍ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنْ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فاطر: ١]

﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنْ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَتٍ إِنْ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ [فاطر: ٨]

﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ﴾ [فاطر: ١٦-١٧]

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَالْأَمْوَاتُ إِنْ اللَّهُ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: ٢٢-٢٣]

﴿وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَدُونَ﴾ [فاطر: ١٣]

﴿إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ﴾ [يس: ٤٣-٤٤]

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ﴾ [يس: ٦٦]

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ﴾ [يس: ٦٧-٦٨]

﴿...ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾ [الزمر: ٢٣]

﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الزمر: ٥٢]

﴿رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ﴾ [غافر: ١٥]

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِن وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ [الشورى: ٨]

﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الشورى: ١٢]

﴿شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ﴾ [الشورى: ١٣]

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ﴾ [الشورى: ١٩]

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن يُنزِلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ [الشورى: ٢٧]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾ [الشورى: ٢٩]

﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ ۝ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾ [الشورى: ٤٩-٥٠]

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ﴾ [الزخرف: ٦٠]

﴿...وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّبَلَاؤِ بَعْضِكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي

سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ [محمد: ٤]

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعَرَّفْتَهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ﴾ [محمد: ٣٠]

﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِتَأْخُذُوا ذُرُوعًا نَّتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ نَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾﴾ [الفتح: ۱۴-۱۵]

﴿وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُعْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَن يُأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَى ﴿٢٦﴾﴾ [النجم: ۲۶]

﴿...ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾﴾ [الحديد: ۲۱]

﴿وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾﴾ [الحديد: ۲۹]

﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾﴾ [الحشر: ۶]

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٤﴾﴾ [الجمعة: ۴]

﴿...كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾﴾ [المدثر: ۳۱]

﴿وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ ﴿٦٦﴾﴾ [المدثر: ۵۶]

﴿تَخُنَّ خَلْقَنَّهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَلْنَا أَمْنَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿١٨﴾﴾ [الإنسان: ۲۸]

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٣٠﴾ يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣١﴾﴾ [الإنسان: ۳۰-۳۱]

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾﴾ [التكوير: ۲۹]

﴿سَنَقِرُّكَ فَلَا تَنْسَى ﴿٦﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ﴿٧﴾﴾ [الأعلى: ۶-۷]



توضیح موضوع: امام طحاوی می‌فرماید: «چیزی به وجود نمی‌آید مگر آنکه خداوند متعال بخواهد؛ آن چیز نیک باشد یا بد باشد؛ پس نیک و بد هر دو به خواست و مشیت خداوند است.»

خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [التكوير: ۲۹]

مراد این است که از خواست شما چیزی ساخته نیست تا وقتی که خدا نخواست باشد، یعنی اراده کردن و خواستن، وظیفه‌ی انسان است و در برابرش سزا و جزا می‌بیند، و توفیق دادن و نتیجه بخشیدن در دست خدا است و خدا قادر مطلق است. خلاصه، مشیت بندگان در گرو مشیت خدا است؛ یا به عبارت دیگر، حرکت کار بندگان و برکت کار یزدان است، مثلاً به هنگام گرسنگی، نان خوردن کار انسان، و سیر کردن کار خدا است؛ در وقت بیماری، دوا خوردن کار آفریدگان و شفا دادن کار خدای سبحان است؛ و رفتار و کردار بنده وقتی از قوه به فعل در می‌آید که بنده بخواهد و خدا هم بخواهد، و خواست بنده با خواست خدا هم‌نوا شود، یعنی اعمال آدمی فقط منحصر و موقوف به خواست خودش نمی‌باشد، بلکه زمانی خواست انسان به عمل تبدیل می‌گردد که خدا اجازه‌ی صدور آن را بدهد. به عبارت دیگر تصمیم کار انسان است و توفیق کار خدا؛ آخر اگر انسان در این جهان کاملاً آزاد باشد و چنان قدرتی را در دست داشته باشد که هر چه بخواهد بتواند انجام دهد، نظم و نظام دنیا به هم می‌خورد و جهان ویران و تباہ می‌شود.

و باید دانست که خواست و مشیت خداوند متعال پیوسته آمیخته با حکمت است، یعنی هر جا می‌خوانیم: «خدا به هر کس بخواهد...» مفهومش این است: «هرکس را شایسته بداند» و به معنی کسی است که شایستگی و لیاقت دارد، زیرا مشیت الهی همیشه از حکمت او سرچشمه می‌گیرد و حکیم بدون دلیل اراده‌ای نمی‌کند، و بی حساب کاری انجام نمی‌دهد.

و اگر منطقی و عاقلانه به مجموع آیات قرآن بنگریم، این نکته ظاهر و هویدا می‌گردد که از یکسو خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ [الإنسان: ۳] «ما راه را به انسان نشان دادیم، خواه پذیرا شود و شکر این نعمت را بجا آورد و یا اعراض و کفران کند».

و از سوی دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ [الإنسان: ۳۰] «شما چیزی را نمی‌خواهید مگر اینکه خدا بخواهد».



در حقیقت از مجموع این دو آیه ثابت می‌شود که انسان در اعمال خود نه مجبور است و نه صد درصد آزاد؛ نه طریقه‌ی جبر صحیح است و نه طریقه‌ی تفویض، بلکه هر چه انسان دارد (از عقل و هوش و توانایی جسم و قدرت تصمیم‌گیری) همه از ناحیه‌ی خدا است، و همین واقعیت است که او را از یکسو دائماً نیازمند به خداوند بزرگ می‌سازد و از سوی دیگر به مقتضای آزادی و اختیارش به او تعهد و مسئولیت می‌دهد. و این می‌رساند که انسان استقلال کامل ندارد، بلکه قدرت و توان و آزادی اراده‌ی او همه به خواست و مشیت خدا و از ناحیه‌ی او است و هر زمان که خدا اراده کند، می‌تواند این قدرت و آزادی را سلب کند.

به این ترتیب، نه «تفویض» و واگذاری کامل است، و نه «اجبار و سلب اختیار»، بلکه نوعی آزادی وابسته به خواست و مشیت الهی است که هر لحظه خداوند بخواهد می‌تواند آن را باز پس گیرد، تا هم بندگان بتوانند بار تکلیف و مسئولیت را که رمز تکامل آن‌هاست بر دوش گیرند و هم خود را بی‌نیاز از هدایت و حمایت و توفیق و تأیید خداوند ندانند و در عین تصمیم‌گیری در کارها، خود را به او بسپارند و تحت حمایت او قرار دهند.

**«اسماء الحسنی» (زیباترین نام‌های خداوند که بر بهترین معانی و کاملترین صفات دلالت می‌نمایند)**

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۰]

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ...﴾ [الإسراء: ۱۱۰]

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾ [طه: ۸]

﴿لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ﴿هُوَ الْأَوَّلُ

وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الحديد: ۲-۳]

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿هُوَ اللَّهُ

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ ﴿هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الحشر: ۲۲-۲۴]



**توضیح موضوع:** «اسماء الحسنی» در اصل به معنای زیباترین نام‌های خداوند است که بر بهترین و برترین معانی و کاملترین صفات الهی دلالت می‌کند، و بدیهی است که همه‌ی نام‌های خداوند عَلَيْهِ السَّلَام نیک و زیبا هستند، ولی از آنجا که در میان اسماء و صفات خدا بعضی دارای اهمیت بیشتری هستند، به عنوان «اسماء حسنی» نامیده شده‌اند.

در حدیث شریف به روایت حضرت ابوهریره رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ إِسْمًا - مِائَةً إِلَّا وَاحِدَةً - مِنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ...»،

«همانا خداوند عَلَيْهِ السَّلَام نود و نه نام دارد - صد تا به جز یکی - و هر کسی که آن‌ها را بشمارد و از روی صداقت و اخلاص و اعتقاد و عمل حفظ کند، به بهشت وارد می‌شود.»

و نیز می‌فرماید: «اسمای خداوند نود و نه است و هر کس خدا را با آن بخواند، دعای او مستجاب می‌شود، و هر کس آن‌ها را بشمارد، اهل بهشت خواهد بود.»

البته منظور از «احصاء و شمارش» این نام‌های خداوندی، همان «تخلُّق به این صفات است، نه تنها ذکر الفاظ آن‌ها، چرا که بدون شک، اگر کسی با صفت عالم و قادر، یا رحیم و غفور و ... تخلُّق پیدا کند، و اشعه‌ای از این صفات بزرگ الهی در وجود او بتابد، هم بهشتی خواهد بود و هم دعایش مستجاب می‌گردد، ولی اگر این ۹۹ اسم را بر زبان جاری کند و بدون اینکه به محتوا و مفاهیم آن‌ها توجه کند، و در وجود خود پرتوی از مفاهیم آن‌ها را پیاده نکرد، پیروز و موفق نخواهد بود.

درباره‌ی اسمای نود و نه گانه‌ی خدا، امام ترمذی روایت کرده که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداوند عَلَيْهِ السَّلَام نود و نه نام دارد، هر کسی که آن‌ها را بشمارد و از روی صداقت و اخلاص و اعتقاد و عمل حفظ کند، و یا معنای آن‌ها را بداند و ایمان بدان‌ها بیاورد و عمل به مقتضای آن‌ها کند، به بهشت وارد می‌شود و آن نود و نه نام عبارتند از:

«هوَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» [خدا ذاتی است که جز او پروردگار و معبودی به حق نیست]، «رَحْمَنٌ» [مُنْعَمٌ بِهِ نِعْمَتٌ بزرگ در دنیا و آخرت است]، «الرَّحِيمُ» [مهربان به مسلمانان در قیامت است]، «الْمَلِكُ» [پادشاه حقیقی]، «الْقُدُّوسُ» [منزه و پاک از عیب و نقص]، «السَّلَامُ» [بی عیب و نقص]، «الْمُؤْمِنُ» [امان‌دهنده و امنیّت‌بخشنده]،

«المهمین» [محافظ و مراقب]، «العزیز» [قدرتمند و چیره]، «الجبار» [بزرگوار و شکوهمند]، «المتکبر» [والامقام و فرازمند]، «الخالق» [طراح هستی و اندازه‌گیرنده‌ی اشیاء در کمیّت و کیفیّت لازم]، «الباری» [آفریدگار جهان از نیستی و شفاء‌دهنده‌ی بیماران]، «المصوّر» [صورتگر و شکل‌دهنده‌ی جهان بدین‌گونه که هست]، «الغفار» [آمرزنده‌ی گناهان توبه‌کاران]، «القهار» [انتقام‌گیرنده‌ی منکران و گردنکشان]، «الوهّاب» [بخشاینده‌ی بی‌پایان]، «الرزاق» [روزی‌دهنده‌ی بندگان]، «الفتاح» [گشاینده‌ی احسان]، «العلیم» [دانا به آشکارا و نهان]، «القابض» [گیرنده‌ی رزق از مردمان]، «الباسط» [گستراننده‌ی کرم و فضل بر مردمان]، «الخافض» [سرنگون‌کننده‌ی نافرمانان]، «الرافع» [بلندکننده‌ی رتبه‌ی فرمانبران]، «المعزّ» [گرامی‌کننده‌ی هر که خواهد]، «المذلّ» [خوارکننده‌ی سرکشان و نافرمانان]، «السمیع» [شنوا به همه‌ی شنیدنی‌ها]، «البصیر» [بینا به تمام دیدنی‌ها]، «الحکم» [دادرس بندگان]، «العدل» [داور بر حق]، «اللطف» [مهربان و دانای نهان]، «الخبیر» [آگاه بر رازها]، «الحلیم» [بردبار بر مخلوق]، «العظیم» [بزرگ در ذات و صفات]، «الغفور» [بخشاینده]، «الشکور» [پاداش‌دهنده‌ی ثواب زیاد به عمل‌اندک]، «العلی» [برتر از قیاس و گمان و خیال]، «الکبیر» [بزرگ معنوی که در وهم و خیال ننگند]، «الحفیظ» [نگاه‌دارنده‌ی مخلوق]، «المُقیمت» [قوت و روزی‌دهنده]، «الحسیب» [گیرنده‌ی حساب دقیق از خلق]، «الجلیل» [گرامی در ذات و صفات]، «الکریم» [دهنده‌ی بی‌پایان و بزرگوار بی‌منت]، «الرقیب» [آگاه بر آشکار و نهان]، «المُجیب» [پذیرنده‌ی پرسش‌ها و درخواست‌ها]، «الواسع» [فراهم‌آورنده‌ی نعمت بی‌کران]، «الحکیم» [دانا در ساختن عالم به اتفاق]، «الودود» [دوست‌دارنده‌ی مطیعان]، «المجید» [گرامی مرتبه]، «الباعث» [فرستنده‌ی پیامبران و زنده‌کننده‌ی مردمان]، «الشهید» [آگاه بر همه چیز و گواه بر یکتایی خود و صدق پیامبران]، «الحق» [ثابت است و درست است]، «الوکیل» [کارساز]، «القوی» [نیرومند]، «المتین» [زورمند و چیره]، «الولی» [دوست‌دارنده‌ی مطیعان و نیکان]، «الحمید» [ستوده شده و ستاینده‌ی خوبان]، «المُحصی» [شمارنده‌ی همه چیز و همه کس]، «المُبدی» [پیداکننده‌ی عالم]، «المُعید» [بازآورنده‌ی مردگان]، «المُحیی» [جان‌ده و زنده‌کننده]، «المُمیت» [جان‌ستان]، «الهی» [زنده‌ی دائمی]، «القیوم» [برپادارنده‌ی همه چیزها و ثابت بر ذات خود]، «الواجد» [دارنده‌ی هر چیز]، «الماجد» [گرامی و

کرامت‌دهنده، «الواحد» [یکتا و یگانه]، «الصمد» [آرزومند همه و بی‌نیاز از همه]، «القادر» [توانا به آنچه خواهد]، «المُتقدر» [بسیار توانا]، «المقدّم» [پیش‌گرداننده‌ی دوستان]، «المؤخّر» [پس‌افکننده‌ی دشمنان و نافرمانان]، «الاول» [نخست‌نخستیان]، «الآخر» [آخر بی‌پایان]، «الظاهر» [آشکارا وجودش]، «الباطن» [محبوب حقیقت ذاتش]، «الوالي» [سرپرست]، «المتعالی» [برتر از مخلوق]، «البرّ» [نیکی‌کننده به همه]، «التوّاب» [پذیرنده‌ی بازگشت‌کنندگان]، «المنتقم» [سخت‌گیرنده‌ی متمردان و سرکشان]، «العفو» [پوشنده‌ی بدیهای نادانان]، «الرعوف» [بسیار مهربان]، «مالک الملک» [فرمانروا و خداوند داوری]، «ذوالجلال والاکرام» [دارای بزرگی و کرامت]، «المقسط» [دادرس مردمان]، «الجامع» [دارنده‌ی کمالات]، «الغنی» [بی‌نیاز از هر چیز و هر کس]، «المُغنی» [بی‌نیازکننده‌ی مخلوقات]، «المانع» [بازدارنده]، «الضّار» [رساننده‌ی آسیب به هر که خواهد]، «النافع» [دهنده‌ی نیکی به خواست خود]، «النور» [روشن و روشن‌کننده‌ی جهان]، «الهادی» [راهنما]، «البدیع» [پیداکننده‌ی عالم از پرده‌ی عدم بدون مثال]، «الباقی» [جاوید و پاینده]، «الوارث» [بر دوام بعد از خلق و بازگشت همه به وی]، «الرشید» [نماینده‌ی راه راست برای بندگان]، «الصبور» [شکیبا بر گرفتاری بدن]

البته باید دانست که صفات و اسمای خداوند عَلَّیْهِ قابل احصاء و شمارش نیستند، زیرا کمالات خداوند متعال نامتناهی و نامحدود است و برای هر کمالی از کمالات او اسم و صفتی می‌توان انتخاب کرد. ولی چنان‌که از احادیث استفاده می‌شود، از میان صفات بیشمار او، این نود و نه تا، دارای اهمیت بیشتری می‌باشند که به «اسمای حُسنی» مشهورند.

### عرش خداوند متعال

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ

الْعَرْشِ﴾ [الأعراف: ۵۴]

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

الْعَظِيمِ﴾ [التوبة: ۱۲۹]

﴿إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾ [يونس: ٣]

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...﴾ [هود: ٧]

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِعَمِدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى...﴾ [الرعد: ٢]

﴿قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَأَبْتَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا﴾ [الاسراء: ٤٢]

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ﴾ [طه: ٥-٦]

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ [الأنبياء: ٢٢]

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [المؤمنون: ٨٦]

﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسُئِلَ بِهِ خَبِيرًا﴾ [الفرقان: ٥٩]

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [النمل: ٢٦]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...﴾ [السجدة: ٤]

﴿وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الزمر: ٧٥]

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا...﴾ [غافر: ٧]

﴿رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ﴾ [يوسف: ١٥]

﴿يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ [غافر: ١٥-١٦]

- ﴿سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ [الزخرف: ۸۲]
- ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...﴾ [الحديد: ۴]
- ﴿...وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةٌ﴾ [الحاقة: ۱۷]
- ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾﴾ [التكوير: ۱۹-۲۱]
- ﴿ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿٥﴾ فَعَالَ لِمَا يُرِيدُ ﴿٦﴾﴾ [البروج: ۱۵-۱۶]



توضیح موضوع: در قرآن کریم واژه‌ی «عرش» به چند معنی آمده است:

الف) چیزی که دارای سقف بوده باشد؛ و به خود سقف نیز «عرش» گفته می‌شود. مثل اینکه خداوند می‌فرماید: ﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا﴾ [البقرة: ۲۵۹]، [آیا آگاهی از همچون کسی که از کنار دهکده‌ای گذر کرد در حالی که سقف خانه‌ها فرو تپیده بود]

ب) داربست‌هایی که برای برپانگهداشتن بعضی از درختان می‌زنند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ﴾ [الأنعام: ۱۴۱]، «خدا است که آفریده است باغ‌هایی را که بر پایه و داربست استوار می‌گردند و روی داربست‌ها قرار می‌گیرند و باغ‌هایی را که چنین نیستند و نیازی به پایه و داربست و پیچیدن به اطراف ندارند و بر سر پای خود می‌ایستند و گردن می‌افرازند».

ج) تخت سلاطین و پادشاهان؛ خداوند به نقل از سلیمان می‌فرماید: ﴿أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشَهَا﴾ [النمل: ۳۸] «کدام یک از شما می‌تواند تخت بلقیس را پیش من حاضر آورد».

ولی واژه‌ی «عرش» بعدها به معنای «قدرت» نیز به کار رفته است، همانگونه که واژه‌ی «تخت» در فارسی نیز به همین معنی استعمال می‌شود. و «عرش خدا» کنایه از «قدرت، تسلط، تدبیر، هدایت و اداره‌ی کامل جهان» است. در زبان فارسی هم جمله‌ی «بر تخت نشاندن» یا «بر تخت نشستن» بر مسلط شدن بر اوضاع و قدرت و حکومت را به دست گرفتن، اطلاق می‌گردد.

به هر حال مفسران و محدثان و فلاسفه، درباره‌ی «عرش خدا» سخن بسیار گفته‌اند. گاهی «عرش» را به معنی «علم بی‌پایان پروردگار» تفسیر کرده‌اند، و گاه به معنای «مالکیت و حاکمیت خدا» و گاه به معنای هر یک از صفات کمالیه و جلالیه او، تعبیر کرده‌اند، چرا که هر یک از این اوصاف، بیانگر عظمت مقام او می‌باشد، همانگونه که تخت سلاطین نشانه‌ی عظمت آن‌ها است.

اما سلف صالح «عرش» را اینگونه تعریف کرده‌اند: «عرش یکی از آفریده‌های خدا است که دارای پایه‌هایی است و از کرسی و آسمان‌ها و زمین بزرگتر است و خداوند آن را در بالای آسمان‌ها بر روی آب نهاده و هشت فرشته، آن را بر دوش گرفته‌اند و چگونگی شیوه‌ی عرش را تنها خداوند می‌داند.»

توضیح اینکه: گاهی از آیات و احادیث نبوی ﷺ، قرار گرفتن خداوند در مکان، استنباط می‌شود، مانند آیه‌ی «استوی علی العرش» و ... و مانند آیاتی که بر وجود دست و چشم برای خدا دلالت می‌کنند و احادیثی که بر وجود مشیت و انگشت و صورت و سمت راست و نزول خدا در آسمان دنیا و یا بر نزدیکی و دوری او دلالت می‌کنند! حمل تمام این آیات و احادیث بر ظاهرشان غیر ممکن است [آنطور که مجسمه تفسیر کرده‌اند]، چون لازمه‌ی آن اثبات جسم برای خداوند است و حال آنکه ثابت شده که محال است که خداوند جسم باشد!

بر این اساس علمای اسلام در این موضوع دو دسته شده‌اند:

**گروه اول:** مذهب تفویض (واگذاری امری به خداوند)، که مذهب سلف و پیشینیان و صدر اسلام است (مانند: امام ابوحنیفه، مالک، احمد، شافعی، محمد بن حسن، سعد بن معاذ مروزی، عبدالله بن مبارک، ابومعاذ خالد بن سلیمان دوست سفیان ثوری، اسحاق بن راهویه، امام بخاری، امام ترمذی، و امام ابوداود)

این گروه بر این باورند که ما به این قبیل اوصاف که در قرآن و سنت آمده است ایمان داریم که کلام خدا و رسول اوست و در تفسیر آن‌ها تعمق و غور نمی‌کنیم. لذا از تأویل خودداری کردند و گفتند: خدا داناتر است به حقیقت آن‌ها، در حالی که تشبیه و جسمانی بودن او را رد کردند. به این خاطر وقتی که از امام مالک سؤال شد که معنی «استواء» [در «استوی علی العرش»] چیست؟ گفت: معنی «استواء» در لغت روشن است، ولی کیفیت و چگونگی آن بر ما مجهول است، سؤال کردن از آن بدعت است و ایمان به آن واجب است.

گروه دوم: مذهب تأویل و شرح و تفسیر می‌باشد، که مذهب خَلَف و آیندگان است. بعد از اینکه قلمرو اسلام توسعه یافت و بسیاری از ملت‌هایی که متأثر از آرای فلسفی و عقاید ایرانی که اعتقاد به حلول خداوند در اشیاء و جسمانی بودن او داشتند وارد اسلام شدند. و سبب برانگیختن این شبهات نسبت به خداوند متعال گردیدند و در عین حال به آنچه که در زبان عربی و ظواهر آیتی که عقایدشان را تأیید می‌کرد استناد کردند، به ناچار خَلَف [برخلاف سلف که معانی حقیقی اینگونه آیات و احادیث را به خدا واگذار و تفویض می‌کردند] به تأویل الفاظی که دال بر جسمانیّت و حلول‌اند پرداختند و آن‌ها را بر معانی مجازی حمل کردند به حسب تناسب آن معانی با مقام الهی، مادامی که زبان و لغت احتمال آن معانی را داشت، زیرا معانی مجازی که در قرآن و سنّت به کار رفته، بیشتر از معانی حقیقی است، لذا «اِسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» در آیهی «رَحْمَنٌ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» را به «استیلاء و اقتدار» تأویل کردند. [ر.ک: شرح عقاید اهل سنّت صص ۷۱-۷۲]

از این رو خَلَف «عرش» را بر مجموعه‌ی جهان هستی که در حقیقت تخت حکومت پروردگار محسوب می‌شوند، منظور کرده‌اند، و گفته‌اند: «عرش» کنایه از قدرت، تسلط، تدبیر، هدایت و اداره‌ی کامل جهان است.

### کُرْسِیَّ خَدَاوَنَد مَتَعَال

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵]



توضیح موضوع: «کُرْسِی» در مقابل «عرش» است، چرا که واژه‌ی کُرْسِی در لغت به معنای «اصل و اساس» و گاهی به معنای «هر چیزی که به هم پیوسته و ترکیب شده است» استعمال می‌شود، و به همین جهت به تخت‌های کوتاه «کُرْسِی» می‌گویند. ولی «عرش» به معنای «چیز مسقف» و یا «خود سقف» و یا «تخت پایه بلند» می‌آید. و کُرْسِی به این معانی استعمال می‌شود:



## الف) «علم»

چون استاد و معلّم به هنگام تدریس و تعلیم بر کرسی می‌نشینند، گاهی کلمه‌ی کرسی کنایه از علم می‌باشد، از این جهت به علماء «کراسی» گفته می‌شود زیرا آنان تکیه‌گاه‌های مردم و محل اعتماد ایشان هستند.

## ب) «حکومت و قدرت و فرمانروایی»

چون کرسی تحت اختیار، و زیر نفوذ و سیطره‌ی انسان است، گاهی به صورت کنایه از حکومت و قدرت و فرمانروایی بر منطقه‌ای به کار می‌رود.

## ج) «تخت‌های کوتاه»

که نقطه مقابل آن عرش است که به معنای «تخت پایه بلند» است. اما در اینکه مراد از «کرسی خداوند که همه‌ی آسمان‌ها و زمین را در بر می‌گیرد» علماء و دانشمندان اسلامی اظهار نظرهای مختلفی را کرده‌اند: گروهی گفته‌اند: مراد از کرسی خداوند، منطقه‌ی قلمرو حکومت الهی است، یعنی خداوند بر همه‌ی آسمان‌ها و زمین حکومت و فرمانروایی می‌کند و منطقه‌ی نفوذ او همه جا را در بر گرفته؛ و به این ترتیب کرسی خداوند، مجموعه‌ی عالم ماده اعم از زمین و ستارگان و کهکشان‌ها و سحابی‌ها است.

و گروهی گفته‌اند: که مراد از کرسی، منطقه‌ی نفوذ علم خداوند به جمیع آسمان‌ها و زمین است، یعنی علم خداوند به تمام آسمان‌ها و زمین احاطه دارد و چیزی از قلمرو نفوذ علم او بیرون نیست.

و گروهی گفته‌اند: که مراد از کرسی، موجودی وسیع‌تر از تمام آسمان‌ها و زمین است که از هر سو آن‌ها را احاطه کرده است. از دیدگاه این گروه از علماء «کرسی» نیز یکی از آفریده‌های خدا است که در زیر عرش قرار دارد و از همه‌ی آسمان‌ها و زمین، بزرگتر است. این گروه می‌گویند: ما بر آنیم که واجب است تا ما به «کرسی» همانگونه که در قرآن مجید آمده است ایمان داشته باشیم و حق تعالی خود به مراد خویش از آن‌ها دانانتر است.

و ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «کرسی حق تعالی، محل و موضع هر دو قدم اوست». و به قولی دیگر، مراد از کرسی، عظمت و بزرگی خداوند ﷻ است.

به هر حال، علماء و اندیشمندان خَلَف، «کرسی» را کنایه از قدرت و حکومت خدا می‌دانند که آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است و با آنکه جهان بس وسیع و گسترده است و زمین نسبت به آن همچون حلقه‌ی انگشتر در بیابان است ولی با همه‌ی این‌ها حفظ و نگهداری آن‌ها برای خداوند سنگین نیست.

به هر حال گروهی از علماء و اندیشمندان اسلامی، «مذهب تفویض و واگذاری امر به خداوند» را برگزیده‌اند و گفته‌اند: که ما به این قبیل اوصاف که در قرآن آمده ایمان داریم و در تفسیر آن‌ها تعمق و غور نمی‌کنیم، لذا از تأویل خودداری می‌کنیم و می‌گوئیم: خدا داناتر است به حقیقت آن، در حالی که تشبیه و جسمانی بودن خدا را رد می‌کنیم.

ولی گروهی از علماء به ناچار به تأویل الفاضلی که دال بر جسمانیت و حلول‌اند پرداختند و آن‌ها را بر معانی مجازی حمل کردند به حسب تناسب آن معانی با مقام الهی، مادامی که زبان و لغت احتمال آن معانی را داشت، زیرا معانی مجازی که در قرآن و سنت به کار رفته، بیشتر از معانی حقیقی است. از این رو راه سلف سالمتر، و راه خَلَف استوارتر است، چرا که در موضع دفاع از عدم حدوث خداوند و نفی جسمانیت از او، و زدودن شک و تردید از عقیده، یا در حالتی که شخص بدون تعمق و اندیشه در شناخت معانی آن‌ها به نصوص ایمان نمی‌آورد، رأی گروه دوم بهتر است، مادامی که زبان عربی احتمال چنین معنی و تأویل را داشته باشد و با سایر آیات قرآن موافق و سازگار باشد.

### «الله» آفریدگار آسمان‌ها و زمین است

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۲]

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۹]

﴿بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [البقرة: ۱۱۷]

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾

[آل عمران: ۱۹۰]

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [آل عمران: ١٩١]

﴿بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ  
شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الأنعام: ١٠١]

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ وَيَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ وَجَعَلَ صَدْرَهُ  
ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا  
يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ١٢٥]

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ  
يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسْحَرَاتٍ بَأْمَرِهِ أَلَّا لَهُ  
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ٥٤]

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ  
يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا  
تَذْكُرُونَ﴾ [يونس: ٣]

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ  
أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا  
إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ [هود: ٧]

﴿وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا  
رَوْحَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الرعد: ٣]

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ  
وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [الرعد: ٤١]

﴿وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ﴾ [الحجر: ١٩]

﴿إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا يُرْجَعُونَ﴾ [مريم: ٤٠]

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى﴾ [طه: ٥٣]

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعَيْنٍ﴾ [الأنبياء: ١٦] ﴿أَوْ لِمِ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا...﴾ [الأنبياء: ٣٠] ﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنِّي مُعْرِضُونَ﴾ [الأنبياء: ٣٢] ﴿بَلْ مَتَّعْنَا هَهُؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾ [الأنبياء: ٢٤]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَن تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحج: ٦٥] ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾ [المؤمنون: ١٧] ﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَأَلْ بِهِ خَبِيرًا﴾ [الفرقان: ٥٩]

﴿خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [العنكبوت: ٢٤] ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَاخْتَلَفَ الْأَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوْنَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الروم: ٢٢]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُم دَعْوَةَ مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ﴾ [الروم: ٢٥] ﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْقَلَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ...﴾ [لقمان: ١٠]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ...﴾ [ي: ١] ﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾ [السجدة: ٤-٥]

﴿يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ﴾ [سبا: ٢]

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِيَّةِ رَسُولًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّثْنَىٰ  
وَتَلْكَتَ وَرَبَعَ يَزِيدٌ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فاطر: ١]

﴿وَعَايَةُ لَهُمْ الْأَرْضُ الْمَمِيَّةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ﴾ [يس: ٣٣]  
﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ

كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾ [ص: ٢٧]

﴿لَخَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا  
يَعْلَمُونَ﴾ [غافر: ٥٧]

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً﴾ [غافر: ٦٤]

﴿قُلْ أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ  
الْعَالَمِينَ﴾ [جَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ  
سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ﴾ [ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ  
كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ [فَقَضَلَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا  
وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَفْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ [فصلت: ٩-١٢]

﴿فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...﴾ [الشورى: ١١]

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [الزخرف: ١٠]

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا  
عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ﴾ [الأحقاف: ٣]

﴿أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ﴾ [والأرض

مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَواسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾ [ق: ٦-٧]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ﴾ [ق: ٣٨]

[ق: ٣٨]

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُوكِ﴾ [الذاريات: ٧]

﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمُهَيَّدُونَ ﴿٤٨﴾﴾

[الذاريات: ٤٧-٤٨]

﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾﴾ [الطور: ٩-١٠]

﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿٧﴾﴾ [الرحمن: ٧]

﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿١٠﴾﴾ [الرحمن: ١٠]

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۗ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾﴾ [الحديد: ٤]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ

اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿١٣﴾﴾ [الطلاق: ١٢]

﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ۗ مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوُّتٍ ۗ فَارْجِعِ الْبَصَرَ

هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ ﴿٣﴾﴾ [الملك: ٣]

﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾﴾ [نوح: ١٥]

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٦﴾ لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿١٧﴾﴾ [نوح: ١٩-٢٠]

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ﴿٦﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾﴾ [النبا: ٦-٧]

﴿وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾﴾ [النبا: ١٢]

﴿ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا ﴿٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَاهَا ﴿٨﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا

وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿١٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿١١﴾ وَالْجِبَالَ

أَرْسَلْنَاهَا ﴿١٢﴾﴾ [النازعات: ٢٧-٣٢]

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾﴾ [البروج: ١]

﴿وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾﴾ [الطارق: ١-٣]

﴿وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ

سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾﴾ [الغاشية: ١٨-٢٠]

﴿وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَيْنَاهَا ﴿٥﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّيْنَاهَا ﴿٦﴾﴾ [الشمس: ٥-٦]



توضیح موضوع: خداوند عَلَّمَ آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش مرحله و دوران] آفرید که در آیات [اعراف / ۵۴]، [یونس / ۳]، [هود / ۷]، [فرقان / ۵۹]، [فصلت / ۴]، [ق / ۳۸] و [حدید/۴] بدان اشاره شده است.

و این شش روز به ترتیب ذیل بوده است:

- ۱- روزی که همگی جهان به صورت توده‌ی گازی شکل بود که با گردش به دور خود از هم جدا گردید و کرات و سیارات را تشکیل داد.
- ۲- این کرات تدریجاً به صورت توده‌ی مذاب و نورانی و یا سرد و قابل سکونت درآمدند.

۳- روز دیگر منظومه‌ی شمسی تشکیل یافت و زمین از خورشید جدا گردید.

۴- روز دیگر زمین سرد و آماده‌ی حیات گردید.

۵- سپس گیاهان و درختان در زمین آشکار شدند.

۶- سرانجام حیوانات و انسان‌ها در روی زمین ظاهر گشتند. و این مراحل شش‌گانه‌ی آفرینش آسمان‌ها و زمین با آیات ۹ تا ۱۲ سوره‌ی «فصلت» قابل تطبیق است.

علماء در بیان حکمت این آفرینش تدریجی آسمان‌ها و زمین در شش مرحله گفته‌اند: خداوند گرچه قدرت دارد که همگی هستی را در یک لحظه با کلمه‌ی «کن» [موجود باش] خلق کند، ولی تأنی و تدریج، سنّت اوست، و برای هر چیز نزد او میعاد مشخصی است و سنتش بر آن رفته که آفرینش، روند تدریجی داشته و مرحله به مرحله به تکامل برسد.

و خداوند با این کار خواسته است تا به ما تأنی در امور را بیاموزاند، چرا که عجله و شتاب بی‌دلیل، امری شیطانی است. و خداوند عَلَّمَ ترتیب و تدریج را حجت و دلیلی بر خلقش قرار داد، تا دلیل روشنتری برای شناسایی آفریدگار باشد.

«الله» عَلَّمَ آفریدگار خورشید و ماه و ستارگان است

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...﴾ [البقرة: ۱۸۹]

﴿...قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ٢٥٨]

﴿فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ [الأنعام: ٩٦]

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [الأنعام: ٩٧]

﴿...وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِ اللَّهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ٥٤]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [يونس: ٥]

﴿...وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾ [الرعد: ٢]

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَابِّينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾ [ابراهيم: ٣٣]

﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ﴾ [الحجر: ١٦]

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ

لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [النحل: ١٢]

﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا...﴾

[الكهف: ٨٦]

﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلِعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّن دُونِهَا

سِتْرًا﴾ [الكهف: ٩٠]

﴿كَلِمَاتٍ الْجُنتَيْنِ ءَاتَتْ أَكْطَافَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا﴾

[الكهف: ٣٣]

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ [الأنبياء: ٣٣]



﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾﴾ [الفرقان: ٤٥-٤٦]

﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾﴾ [الفرقان: ٦١]

﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٦١﴾﴾ [العنكبوت: ٦١]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾﴾ [القمان: ٢٩]

﴿يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ...﴾ [فاطر: ١٣]

﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْتَهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾﴾ [يس: ٣٨-٤٠]

﴿...وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٥﴾﴾ [الزمر: ٥]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾﴾ [فصلت: ٣٧]

﴿وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾﴾ [النجم: ١]

﴿أَقْرَبَتْ السَّاعَةَ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾﴾ [القمر: ١]

﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٥﴾﴾ [الرحمن: ٥]

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾﴾ [الواقعة: ٧٥-٧٦]

﴿وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿٦٦﴾﴾ [نوح: ١٦]

﴿كَلَّا وَالْقَمَرَ ﴿٢٢﴾ وَاللَّيْلَ إِذَا أَدْبَرَ ﴿٢٣﴾ وَالصُّبْحَ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٢٤﴾﴾ [المدثر: ٢٢-٢٤]

﴿فَإِذَا بَرَقَ البَصْرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾﴾ [القيامة: ٧-٩]

﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾﴾ [المرسلات: ٨]

- ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿۱﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿۲﴾﴾ [التكوير: ۱-۲]
- ﴿فَلَا أَقْسِمُ بِالْشَّفَقِ ﴿۱۱﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿۱۲﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿۱۳﴾﴾ [الانشقاق: ۱۶-۱۸]
- ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿۱﴾﴾ [البروج: ۱]
- ﴿وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿۲﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿۳﴾﴾ [الطارق: ۱-۳]
- ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿۱﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ﴿۲﴾﴾ [الشمس: ۱-۲]

«الله» ﷻ آفریدگار «کواکب» [ستارگان] و «شهب» [شهاب‌ها و آذرخش‌ها] است

- ﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿۱۱﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿۱۲﴾﴾ [الحجر: ۱۶-۱۸]
- ﴿إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿۱﴾ وَحَفِظْنَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿۲﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَدِّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿۳﴾ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿۴﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿۵﴾﴾ [الصفوات: ۶-۱۰]
- ﴿...وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۱۲﴾﴾ [فصلت: ۱۲]
- ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيْطَانِ... ﴿۱﴾﴾ [الملك: ۵]
- ﴿وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَثَّمَةً حَرْسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ﴿۸﴾ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا ﴿۹﴾﴾ [الجن: ۸-۹]
- ﴿وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَرَتْ ﴿۲﴾﴾ [الانفطار: ۲]



توضیح موضوع: «شهاب»: شعله‌ای مانند تیر که گاهی هنگام شب در آسمان دیده می‌شود که به سرعت از سمتی به سمت دیگر می‌رود؛ و آن جسم سماوی کوچکی است که از محیط مجاور زمین یا از ستارگان دیگر جدا می‌شود و به جو زمین می‌رسد، و بر اثر اصطکاک و حرارت شدید به رنگ سفید در می‌آید و نور خیره‌کننده‌ای از آن ساطع می‌شود، و غالباً به واسطه‌ی حرارت می‌سوزد و تبخیر می‌گردد، اما گاهی بعضی از آن‌ها به زمین می‌رسد. و آن‌ها را «سنگ‌های آسمانی» و «آسمان سنگ» هم می‌گویند.

«الله» ﷻ آفریدگار شب و روز است

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ ﴿١٦٤﴾

[البقرة: ۱۶۴]

﴿تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ

مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ نَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ ﴿٣٧﴾ [آل عمران: ۲۷]

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ ﴿١٦٤﴾

[آل عمران: ۱۹۰]

﴿فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

الْعَلِيمِ﴾ ﴿٦١﴾ [الأنعام: ۹۶]

﴿يُعْثِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا

لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۵۴]

﴿إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

يَتَّقُونَ﴾ ﴿٦١﴾ [يونس: ۶]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

يَسْمَعُونَ﴾ ﴿٣٧﴾ [يونس: ۶۷]

﴿...يُعْثِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الرعد: ۳]

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَابِّينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾ ﴿٣٣﴾ [ابراهيم: ۳۳]

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ

لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ ﴿١٢﴾ [النحل: ۱۲]

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا

فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلًا﴾ ﴿١٢﴾

[الإسراء: ۱۲]

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ ﴿٣٣﴾ [الأنبياء: ۳۳]

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ ﴿٣١﴾

[الحج: ٦١]

﴿وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ ﴿٨٠﴾ [المؤمنون: ٨٠]

﴿يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ ﴿٤٤﴾ [النور: ٤٤]

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ ذُكُورًا﴾ ﴿٤٧﴾ [الفرقان: ٤٧]

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَن أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾ ﴿٣٦﴾ [الفرقان: ٦٢]

﴿أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

يُؤْمِنُونَ﴾ ﴿٨١﴾ [النمل: ٨٦]

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ

يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ﴾ ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى

يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ ﴿٧٢﴾ وَمِنْ

رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

تَشْكُرُونَ﴾ ﴿٧٣﴾ [الفصص: ٧١-٧٣]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾ ﴿٣٣﴾ [الروم: ٢٣]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

كُلٌّ يَجْرِي إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ ﴿٣١﴾ [القمان: ٢٩]

﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ

مُّسَمًّى ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ...﴾ [فاطر: ١٣]

﴿وَعَايَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ﴾ ﴿٧٧﴾ [يس: ٣٧]

﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ

يَسْبَحُونَ﴾ ﴿٤٠﴾ [يس: ٤٠]

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ

وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾ ﴿٥﴾ [الزمر: ٥]

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَدُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [غافر: ۶۱]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ...﴾ [فصلت: ۳۷]

﴿وَأَخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفَ الرِّيحِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الجناب: ۵]

﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [الحديد: ۶]

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِنْ ثُلثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلْثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ...﴾ [المزمل: ۲۰]

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا ﴿۱﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿۱۱﴾﴾ [النبا: ۱۰-۱۱]

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ﴿۱۷﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿۱۸﴾﴾ [التكوير: ۱۷-۱۸]

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿۱۶﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿۱۷﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿۱۸﴾﴾ [الانشقاق: ۱۶-۱۸]

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ ﴿۴﴾﴾ [الفجر: ۴]

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَدَهَا ﴿۳﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿۴﴾﴾ [الشمس: ۳-۴]

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ﴿۱﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ﴿۲﴾﴾ [الليل: ۱-۲]

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿۲﴾﴾ [الضحى: ۲]



توضیح موضوع: دگرگونی و اختلاف شب و روز و آمد و رفت روشنایی و تاریکی با آن تنظیم خاص و تدریجی خود که دائماً از یکی کاسته و بر دیگری افزوده می‌شود و به کمک آن فصول چهارگانه به وجود می‌آید، و درختان و گیاهان و موجودات زنده مراحل تکامل خود را در پرتو این تغییرات تدریجی، گام به گام طی می‌کنند، این‌ها نشانه‌ای بزرگ از ذات و صفات خداوند متعال هستند، و اگر این تغییر تدریجی نبود، هرج و مرج جهان هستی را فرا می‌گرفت و حیات زندگی از صفحه‌ی روزگار و کره‌ی زمین به کلی برچیده می‌شد و دائماً دچار آشفته‌گی و نابسامانی بود.

نور روز همان نوری است که حیات و زندگی همه موجودات زنده بسته به آن است که اگر نور آفتاب نبود، نه درختی می‌روئید و نه گلی می‌خندید و نه مرغی پرواز

می‌کرد و نه انسان زنده‌ای وجود داشت و نه قطره‌ی بارانی می‌بارید، آری گستردگی دامنه‌ی رحمت خدا ایجاب می‌کند که تمام وسایل حیات انسان‌ها را تأمین کند، آن‌ها از یکسو نیاز به کار و کوشش و حرکت و فعالیت دارند که بدون روشنایی روز ممکن نیست و از سوی دیگر نیاز به استراحت و آرامش دارند که بدون تاریکی و آرامش شب کامل نمی‌شود.

«الله» ﴿آفریدگار باد است﴾

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۱۶۴]

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقِنْتُهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ۵۷]

﴿وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا﴾ [الفرقان: ۴۸]

﴿أَمْ نَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتٍ أَلْبَرٍ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَعَلَّهٗ مَعَ اللَّهِ تَعَالَىٰ اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [النمل: ۶۳]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الروم: ۴۶]

۱- حرکت شدید یا ضعیف هوا که در اثر به هم خوردن تساوی وزن مخصوص در نقاط مختلف کره‌ی زمین به وجود می‌آید و اغلب بادهای ضعیف یا شدید و پر دامنه ناشی از اختلاف فشار جو است و هوا از ناحیه‌ای که فشار جو در آن بیشتر است به طرف ناحیه‌ای که فشار جو در آن کمتر است حرکت می‌کند.

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فترى الودق يخرج من خلله فاذا اصاب به من يشاء من عباده إذا هم يستبشرون﴾ [الروم: ۴۸]

﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتَثِيرُ سَحَابًا فُسْفَنُهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيَّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ﴾ [فاطر: ۹]

﴿وَأَخْتَلَفَ الْأَيْلِ وَالتَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ ءآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الجاثية: ۵]

«الله» ﷻ بادها را برای به حرکت درآوردن کشتی‌ها در دریاها، رام و مقهور کرده است

﴿هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [يونس: ۲۲]

﴿رَبُّكُمْ الَّذِي يُزِيحُ لَكُمْ الْفُلُكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ ءِتَهُوَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [الاسراء: ۶۶-۶۷]

﴿أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا﴾ [الاسراء: ۶۹]

﴿وَمِنْ ءآيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ﴾ [۳۱] ﴿إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [۳۳] ﴿أَوْ يُوقِفَهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشورى: ۳۲-۳۴]



توضیح موضوع: بادها بر دریاها و اقیانوس‌ها می‌وزد و صحنه‌ی آن‌ها را در می‌نوردد و کشتی‌های بزرگ و کوچک را به حرکت در می‌آورند و به نقاط مختلف زمین برای انجام مقاصد انسان‌ها رهسپار می‌کند.

آری انسان‌ها به وسیله‌ی کشتی‌های بزرگ و کوچک، که باد آن‌ها را به حرکت در می‌آورد، صحنه‌ی دریاها و اقیانوس‌ها را می‌نوردند و به این وسیله به نقاط مختلف زمین، برای انجام مقاصد و منافع خود سفر می‌کنند، و این حرکت با کشتی‌های بادبانی، معلول بادهای منظمی است که در سطح اقیانوس‌ها [از قطب شمال و جنوب زمین به سوی خط استوا، و از خط استوا به سوی قطب شمال و جنوب] می‌وزند.

بادها علاوه بر اینکه بر دریاها و اقیانوس‌ها می‌وزند و کشتی‌های غول پیکر [که گاهی به اندازه‌ی یک شهر وسعت دارند و در آن میدان‌ها و مراکز تفریحی و زمین بازی و حتی بازار وجود دارد] را حرکت می‌دهند، سطح خشکی‌ها، کوه‌ها و دژها و جلگه‌ها را جولانگاه وزش خود قرار می‌دهند، و گاهی با حرکت دادن امواج اقیانوس‌ها، آن‌ها را به طور مداوم به هم می‌آمیزند تا محیط آماده‌ای برای زیست موجودات زنده‌ی دریا فراهم گردد، و زمانی با انتقال دادن گرمای مناطق گرمسیر به مناطق سردسیر، و انتقال سرمای مناطق سردسیر به مناطق گرمسیر، کمک به تعدیل هوای کره‌ی زمین می‌کنند.

و گاه با جابجا کردن هوای مسموم و فاقد اکسیژن شهرها به بیابان‌ها و جنگل‌ها، وسایل تصفیه و تهویه را برای بشر فراهم می‌سازند.

و گاهی گرده‌های نر را بر قسمت‌های ماده‌ی گیاهان می‌افشانند و به تلقیح و باروری آن‌ها کمک می‌کنند و میوه‌های رنگارنگ و مختلفی را به ما هدیه می‌کنند و بذره‌های گوناگون را بر گستره‌ی خاکی می‌گسترانند.

«الله» ﷻ بادها را برای تلقیح و باروری درختان و گیاهان، رام و مقهور کرده است

﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ

بِخَزْنِينَ ﴿٢٢﴾ [الحجر: ۲۲]



توضیح موضوع: «تلقیح»: یعنی گشَن دادن؛ مایه‌ی درخت خرما‌ی نر را به درخت خرما‌ی ماده داخل کردن تا بارور گردد.



علوم جدید تجربی، ثابت کرده است که بادها از مهمترین وسائل بارور ساختن گیاهان و نباتات هستند، بدین گونه که باد دانه‌های بارورکننده را از گیاه نر به سوی گیاه ماده حمل می‌کند، تا عملیه‌ی باروری و گرده‌افشانی انجام بگیرد، و این عملیه در بسیاری از گیاهان و درختان، یک عملیه‌ی ضروری بلکه حتمی می‌باشد، و قرآن کریم، هزار و چهارصد و اندی سال قبل در آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی حجر به این مسئله اشاره کرده است که بادها گرده‌های نر را بر قسمت‌های ماده‌ی گیاهان می‌افشاند و به تلقیح و باروری آن‌ها کمک می‌کنند و میوه‌های رنگارنگ و مختلفی را به ما هدیه می‌کنند و بذره‌های گوناگونی را بر گستره‌ی هستی می‌گسترانند.

«الله» ﷻ باد را فرمانبردار حضرت سلیمان علیه السلام کرد

﴿وَلَسُلَيْمَنَّ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ

شَيْءٍ عَلِيمِينَ ﴿۸۱﴾ [الأنبياء: ۸۱]

﴿وَلَسُلَيْمَنَّ الرِّيحَ عُدُوها شَهْرٌ...﴾ [سبأ: ۱۲]

﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَاب ﴿۳۶﴾﴾ [ص: ۳۶]



**توضیح موضوع:** حضرت سلیمان علیه السلام از خداوند عز و جل خواست تا حکومتی به او دهد که هیچ کس نتواند بعد از او بگوید که حکومت او از طریق غلبه و ظلم و اجبار بر مردم به دست آمده است، لذا خداوند متعال به او مواهبی را عنایت کرد:

۱- باد را مسخّر فرمان او ساخت که به نرمی هر کجا او مایل بود جریان می‌یافت، و صبحگاهان فاصله‌ی یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان فاصله یکماه را.

۲- خداوند متعال، شیاطین و جنیان را مسخر او ساخت که برای او ساختمان می‌ساختند، و غواصی می‌کردند و به این ترتیب خداوند نیروی آماده‌ای برای کارهای مثبت را در اختیار او گذاشت و شیاطین و جنیان که طبیعتشان تمرد و سرکشی است آن چنان مسخر او شدند که در مسیر سازندگی و استخراج منابع گرانبها قرار گرفتند.

۳- علم سخن گفتن با پرندگان را به او تعلیم و آموزش داد.

۴- حکومت او را در زمین پابرجا و استوار ساخت

۵- پرندگان و حیوانات در اختیار او بودند.

۶- حکومت بی نظیر داشت.

۷- و موهبت دیگر خداوند به حضرت سلیمان علیه السلام، مهار کردن گروهی از نیروهای مخرب بود، زیرا به هر حال در میان جنیان افرادی بودند که به عنوان یک نیروی مفید و سازنده قابل استفاده به حساب نمی آمدند، و چاره‌ای جز این نبود که آن‌ها در بند باشند تا جامعه از شر مزاحمت آن‌ها در امان بماند.

آری خداوند عز وجل قادر است تا بادی را که کشتی‌های عظیم و غول پیکر را بر سطح دریاها و اقیانوس‌ها به حرکت در می‌آورند، و سنگ‌های سنگین آسیاها را می‌چرخاند و بالن‌ها را بر فراز آسمان به شکل هواپیما به حرکت در می‌آورد، مسخر و فرمانبردار حضرت سلیمان علیه السلام کند، و این جسم لطیف را با این قدرت خیره کننده در اختیار او قرار دهد.

و اینکه چگونه باد به فرمان او بود؟ و با چه سرعتی حرکت می‌کرد؟ و سلیمان و یارانش به هنگام حرکت به وسیله‌ی باد، بر چه چیز سوار می‌شدند؟ و چه عواملی آن‌ها را از سقوط و کم و زیاد شدن فشار هوا و مشکلات دیگر حفظ می‌کرد؟ و ... این‌ها مسائلی هستند که جزئیات آن بر ما روشن نیست، و همین قدر می‌دانیم که این از جمله‌ی خوارق عاداتی بود که در اختیار پیامبران قرار می‌گرفت، و یک موهبت فوق‌العاده و یک اعجاز بود، و این امور در برابر قدرت عظیم پروردگار امر ساده‌ای است.

«الله» عز وجل باد را برای شکست کفار در غزوه‌ی «احزاب» مأمور ساخت

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا

عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ [الأحزاب: ٩]



توضیح موضوع: «غزوه»: مؤرخان جنگ‌هایی را که شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن‌ها حضور داشته‌اند، چه جنگیده باشند و چه نجنگیده باشند، «غزوه» (جمع: غزوات)، و جنگ‌هایی را که آنحضرت صلی الله علیه و آله یکی از فرماندهان سپاهشان را اعزام کرده‌اند، «سریه» (جمع: سرایا) نامیده‌اند.

«غزوه‌ی احزاب»: در ماه شوال سال پنجم هجری، «غزوه‌ی احزاب» یا «جنگ خندق» به وقوع پیوست. سبب این جنگ یهودیان بودند؛ و ماجرا از این قرار بود که هیأتی از یهود «بنی نضیر» و یهود «بنی وائل» نزد قریش مکه رفتند و آن‌ها را به جنگ علیه رسول خدا ﷺ برانگیختند، هیأت یهودی بعد از توافق با قریش، نزد قبیله‌ی «غطفان» رفتند و آن‌ها را نیز به جنگ علیه رسول خدا ﷺ و اهل مدینه فرا خواندند و آماده نمودند. و سپس نزد بقیه‌ی طوائف و قبائل دور و نزدیک رفتند و طرح جنگ علیه مدینه و موافقت قریش را عرضه کردند و حمایت و موافقت همه را بدست آوردند و بدین طریق یک اتحادیه‌ی نظامی تشکیل گردید که مهمترین اعضای آن قریش، یهود، و غطفان بودند، و بدین طریق ارتش ده هزار نفری آماده‌ی نبرد با مسلمانان مدینه گردید و «ابوسفیان» به فرماندهی کل قوا منصوب گشت.

وقتی رسول اکرم ﷺ و مسلمانان از لشکرکشی دشمنان اسلام به مدینه و تجمع احزاب برای جنگ با اسلام اطلاع یافتند، و همگی به فکر افتادند که در مقابل این لشکر بزرگ چه کار کنند؟ بالاخره خود را برای جنگ آماده کردند و قرار گذاشتند که داخل مدینه بمانند و از آن دفاع نمایند (ارتش مسلمانان در این جنگ بالغ بر سه هزار نفر رزمنده بودند).

اینجا بود که حضرت سلمان فارسی پیشنهاد کرد که دور مدینه را خندق حفر کنند. رسول اکرم ﷺ این پیشنهاد را پذیرفت و فوراً دستور داد در قسمت شمال غربی مدینه که زمین هموار است و بیم نفوذ دشمن از آن طرف می‌رود، خندق بکنند.

حضرت رسول اکرم ﷺ مسئولیت حفر خندق را میان اصحاب تقسیم کرد و هر ده نفر موظف بودند اندازه‌ی چهار ذراع حفر نمایند. طول خندق حدود پنج هزار ذراع، و عمق آن حدود هفت تا ده ذراع بود و عرض آن نه ذراع و اندی بود، و خود رسول خدا ﷺ شخصاً در حفر خندق شرکت کرد.

قریش با ارتش ده هزار نفری خود به سوی مدینه حرکت کردند و در جوار مدینه مستقر شدند. «غطفان» نیز با تمام متحدین خود شرکت داشت و حضرت رسول اکرم ﷺ هم به اتفاق سه هزار نفر از مسلمانان برای مقابله با کفار آماده شد. مشرکین، مسلمانان را در محاصره قرار دادند، گویی آن‌ها در قلعه محبوس بودند، و این محاصره تقریباً یک ماه طول کشید. و بالاخره خداوند امدادهای غیبی خود را برای پیامبرش

نازل فرمود و آن اینکه به باد شدیدی مأموریت داد که در آن شب‌های سرد زمستان بر دشمنان بوزد، و این باد تند چنان وزیدن گرفت که دیگ‌های غذای دشمنان را وارونه می‌کرد و خیمه‌هایشان را به هوا پرت می‌نمود؛ و کفار و دشمنان را مجبور کرد تا از اطراف مدینه کوچ کنند و به سوی مناطقی برگردند، و بدین ترتیب جنگ پایان یافت. و در این غزوه، حداکثر هفت نفر از مسلمانان شهید شدند و از مشرکین چهار نفر به هلاکت رسیدند.

**هلاکت برخی از اقوام به وسیله‌ی باد، به خاطر اینکه به خدا کفر ورزیدند و از او امر و فرامین او نافرمانی و مخالفت کردند**

﴿مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتَهَا وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۷]

﴿هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينِ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [يونس: ۲۲]

﴿أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا﴾ [الإسراء: ۶۹]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِم رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ [الأحزاب: ۹]

﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِم رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُنذِرَهُمْ عَذَابَ الْحَزَنِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَخْرَىٰ ۗ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ﴾ [فصلت: ۱۶]

﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ غَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا غَارِضٌ مُمَطِّرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ ۗ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [تدمر كل شيء بأمر ربها فأصبحوا لا يرى إلا مساكنهم كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۲۴-۲۵]

﴿وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَنتَ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتَهُ كَالرِّمِيمِ ﴿٤٢﴾﴾ [الذاريات: ۴۱-۴۲]

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾﴾ [القمر: ۱۹-۲۰]

﴿وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوهَا أَهْلُكُوهَا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾﴾ [الحاقة: ۶]



توضیح موضوع: خداوند ﷻ هر گروه ستمگر و نافرمان، و عاصی و گناهکار، و کافر و زندق، و مشرک و چندگانه پرست را به نوعی مجازات می کند؛ بر برخی از آن ها «طوفان و باد شدید و کوبنده توأم با سنگریزه» می فرستد، همچون «قوم عاد» که طوفان شدید و بسیار کوبنده ای در مدت هفت شب و هشت روز بر آن ها مسلط کرد و خانه هایشان را با آن در هم کوبید و جسدهایشان را همچون برگ های پائیزی به اطراف پراکنده ساخت.

و برخی دیگر را «صیحه ی آسمانی همراه با زمین لرزه» فرا گرفت، همچون «قوم ثمود»، و برخی دیگر از آن ها را در زمین فرو می برد، و این مجازاتی بود که در مورد «قارون» (آن ثروتمند مغرور و مستکبر بنی اسرائیل) تحقق یافت، و گروه دیگری از آن ها را هم غرق می کند، همچون «فرعون و هامان» و اتباع آن ها و «قوم نوح» و گروهی دیگر را بر آن ها «باران سنگ» می باراند، همچون «قوم لوط».

«الله» ﷻ از آسمان آب باران را می باراند (و با آن محصولات گوناگون و میوه های رنگارنگ و ... را به وجود می آورد)

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٦﴾﴾ [البقرة: ۱۶۴]

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ

وَالرَّيْثُونَ وَالرَّمَانَ مُشْتَبِهًا وَعَيْرَ مُتَشَبِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾ [الأنعام: ٩٩]

﴿هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقِنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾﴾ [الأعراف: ٥٧]

﴿إِذْ يُعْشِيكُمُ النَّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١١﴾﴾ [الأنفال: ١١]

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتْنَاهَا أَمْرًا لَّيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْن بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾﴾ [يونس: ٢٤]

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيُهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ﴿٧﴾﴾ [الرعد: ١٧]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾﴾ [إبراهيم: ٣٢]

﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾﴾ [الحجر: ٢٢]

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَّكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾﴾ [النحل: ١٠]

﴿وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾﴾ [النحل: ٦٥]

﴿وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾ ﴿٤٥﴾ [الكهف: ٤٥]

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ﴾ ﴿٥٣﴾ [طه: ٥٣]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُّرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَعَيْرٍ مُّخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾ ﴿٥٥﴾ [الحج: ٥٥]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ ﴿٦٣﴾ [الحج: ٦٣]

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ﴾ ﴿١٨﴾ [المؤمنون: ١٨]

﴿وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا﴾ ﴿٤٨﴾ [الفرقان: ٤٨]

﴿أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَن تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُلُونَ﴾ ﴿٦٠﴾ [النمل: ٦٠]

﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَّن نَّزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ...﴾ ﴿العنكبوت: ٦٣﴾

﴿وَمِنَ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...﴾ ﴿الروم: ٢٤﴾

﴿...وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾ [لقمان: ١٠]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا...﴾ [فاطر: ٢٧]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَدْيَعُ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرْتَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطْلًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾﴾ [الزمر: ٢١]

﴿وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ ﴿١١﴾﴾ [الزخرف: ١١]

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ﴿٩﴾﴾ [ق: ٩]

### «الله» آفریدگار دریاها است

(و اگر آب همه‌ی دریاها عموماً شیرین و اثری از شوری نداشته باشند و ترکیبی از کلروسدیم به نام نمک در دریاها ایجاد نمی‌گردید، پس از مدتی، عفونت به آن‌ها روی می‌آورد و شدت آن عفونت آب‌ها را - به جای اینکه اساس حیات و زندگی باشند - به عامل نابودی حیات و زندگی مبدل می‌نمود. جالبتر اینکه همان املاح و نمک‌هایی که برای جلوگیری از عفونت‌ها در دریاها ایجاد گردیده است در مواقع معینی به وسیله‌ی موتور خورشید هر سال به مقدار لازم، تصفیه می‌گردد و نمک و املاح موجود در آب از این راه جدا می‌شود که تابش خورشید بر روی دریاها و اقیانوس‌ها مقداری از آب آن‌ها را تبخیر و نمک‌ها را جدا نموده و به شکل ابرهایی آن را به طبقات سرد می‌برد و در آنجا وزن آن‌ها سنگین و به صورت برف و تگرگ و باران و آبهای شیرین و تصفیه شده بر تمام مناطق زمین فرود می‌آید.)

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٣٦﴾﴾ [البقرة: ١٦٤]

﴿أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَلَعَا لَكُمْ وَلِلسَّيْرَةِ...﴾ [المائدة: ٩٦]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ ﴿٢٣﴾﴾ [ابراهیم: ٣٢]



﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [النحل: ١١٤]

﴿رَبُّكُمْ الَّذِي يُزِيحُ لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [١١٦] وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَاهًا فَلَمَّا نَجَّيْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا﴾ [الإسراء: ٦٦-٦٧]

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ٧٠]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِالتَّائِسِ لرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحج: ٦٥]

﴿أَوْ كَظَلَمْتِ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظَلَمْتِ بَعْضَهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكَدْ يَرِنُهَا وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ﴾ [النور: ٤٠]

﴿وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا﴾ [الفرقان: ٥٣]

﴿أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ مَعَّ اللَّهُ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [النمل: ٦١]

﴿أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [النمل: ٦٣]

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: ٤١]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [القمان: ٣١]

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَازِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [فاطر: ۱۲]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ ﴿۳۲﴾ إِنَّ يَشَأُ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَالِي ظَهْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿۳۳﴾ أَوْ يُوقِفَهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿۳۴﴾﴾ [الشورى: ۳۲-۳۴]

﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ۗ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [العنكبوت: ۱۲]

﴿وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾ [الطور: ۶]

﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿۱۹﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿۲۰﴾﴾ [الرحمن: ۱۹-۲۰]

﴿وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ ﴿۲۱﴾﴾ [الرحمن: ۲۴]

﴿وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿۶﴾﴾ [التكوير: ۶]

﴿وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿۳﴾﴾ [الانفطار: ۳]

### «الله» آفریدگار ابرها است

(ابرهایی که در میان زمین و آسمان معلق‌اند و به صورت متراکم در بالای سر انسان‌ها در گردشند و میلیاردها تن آب را برخلاف قانون جاذبه در میان زمین و آسمان معلق نگاه داشته و آن‌ها را از هر نقطه به نقطه‌ی دیگر می‌برند، بی‌آنکه کمترین خطری ایجاد کنند، و اگر آبیاری و منصب‌آبدهی آن‌ها نبود، در سرتاسر خشکی‌های روی زمین نه قطره‌ی آبی برای نوشیدن وجود داشت و نه چشمه و جویباری برای روئیدن گیاه؛ و این ابرها خود نشانه‌ای بزرگ و سترگ از عظمت و شکوه و علم و قدرت خداوند عز و جل است، که خورشید را مأموریت می‌دهد تا آبهای شور و نمکین دریاها و اقیانوس‌ها را به مقدار معینی تبخیر نموده و در تصفیه‌خانه‌های طبقات بالای جو، (یعنی در کتله‌های وسیع ابرها) جابجا گرداند و باز در مواقع معین، آن را با کیفیتی شیرین و گوارا برای استفاده‌ی انسان‌ها، حیوانات، و نباتات، مجدداً به زمین برگرداند.)

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ١٦٤]

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ٥٧]

﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ﴾ [الرعد: ١٢]

﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٍ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ [النور: ٤٠]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلِيلِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَرِ﴾ [النور: ٤٣]

﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ [النمل: ٨٨]

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيْحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلِيلِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ [الروم: ٤٨]

﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيْحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسْقِنَهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ﴾ [فاطر: ٩]

﴿وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ﴾ [الطور: ٢٤]

## «الله» آفریدگار باران است

(و تنها او می‌داند که در چه موقع باران می‌بارد و کدام منطقه را زیر پوشش قرار می‌دهد و دقیقاً چه مقدار در دشت و بیابان و کوه و دژه می‌بارد. آری خداوند عَلَّمَ به وسیله‌ی باران، زمین‌های مرده را زنده می‌کند و با دانه‌های حیات بخش باران و قطرات پر طراوت و با برکت این آب تصفیه شده‌ی طبیعی به هر جا می‌ریزد و زندگی و حیات می‌پاشد و حرکت و برکت و آبادی و عمران و خیر و نعمت به همراه آن می‌آورد. و این آب که با این نظام خاص ریزش می‌کند و آن همه موجودات و جنبندگانی که از این مایع بی‌جان، جان می‌گیرند، همه پیام‌آور قدرت و عظمت و علم و دانش او تعالی هستند.)

﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: ۳۴]  
 ﴿وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [الشوری: ۲۸]

﴿أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ﴾ [الحديد: ۲۰]

«الله» آفریدگار باران‌های عذاب (بر کفار و زنادقه و مشرکان و چندگانه پرستان و ستمکاران و سرکشان) است

﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأعراف: ۸۴]  
 ﴿فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلِيَّهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مِّنْصُودٍ﴾ [۸۳] ﴿مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَعِيدٍ﴾ [هود: ۸۲-۸۳]  
 ﴿فَجَعَلْنَا عَلِيَّهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ﴾ [۷۶] ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ [الحجر: ۷۴-۷۵]

﴿وَلَقَدْ آتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوِيًّا أَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا﴾ [الفرقان: ۴۰]

﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذِرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۷۳]

﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذِرِينَ﴾ [النمل: ۵۸]

﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أُوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [تدمیر کُلِّ شَیْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَاصْبَحُوا لَا يَرَى إِلَّا مَسَكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۲۴-۲۵]



توضیح موضوع: خداوند برخی از اقوام و گروه‌های سرکش و ستمکار و کافر و زندق و مشرک و چنگدگانه پرست و عاصی و گنهکار و شقی و بدبخت را به مجازات‌های شدید و وحشتناکی گرفتار کرده است، و آن مجازات «باران‌های عذاب» بود. گرچه در آیات، نوع این باران بیان نشده است، اما از ذکر کلمه‌ی «مطراً» (بارانی) که در بسیاری از آیات آمده است، به طور سر بسته روشن می‌شود که آن باران، از باران‌های معمولی و عادی نبوده، بلکه بارانی از سنگ بوده که آن‌ها را در هم می‌کوبید و نابود می‌کرد، همچنان که هلاکت «قوم لوط» با بارش سنگ‌های آسمانی بر سرشان بوده است.

«الله» ﴿آفریدگار «صاعقه‌ها» است

﴿أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۹]

﴿يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِن ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ...﴾ [النساء: ۱۵۳]

﴿وَيَسْبِغُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَكُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾ [الرعد: ۱۳]

﴿فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثُمُودَ﴾ [فصلت: ۱۳]

﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهَوْنِ

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾ [فصلت: ۱۷]

﴿وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّلَاقَةُ

وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾ [الذاريات: ۴۳-۴۴]



**توضیح موضوع: «صاعقه»:** آذرخش آسمان که بر اثر برخورد دو توده‌ی ابر، بارهای الکتریکی متفاوت مثبت و منفی به وجود می‌آید، همانگونه که از برخورد سر دو سیم برق، جرقه تولید می‌شود و به اصطلاح تخلیه‌ی الکتریکی صورت می‌گیرد. و به عبارت دیگر، «صاعقه» جرقه‌ی عظیم الکتریسیته است که در میان قطعه‌ی ابری که بار مثبت دارد با زمین که بار منفی دارد ایجاد می‌شود و معمولاً به نوک کوه‌ها، درختان و هر شیء مرتفع، و در بیابان‌های مسطح به انسان‌ها و چهارپایان می‌خورد، و حرارت آن به قدری زیاد است که هر چیزی در میان آن قرار گیرد، تبدیل به خاکستر می‌شود و صدای مهیب و زمین لرزه‌ی شدیدی را در همان نقطه به همراه دارد (و به همین جهت است که گاهی صاعقه را به «مرگ» و گاه به «آتش» اطلاق می‌کنند، چرا که آتش یا مرگ و یا عذاب به همراه دارد)

و خداوند ﷻ گروهی از اقوام سرکش و ستمکار و کافر و چندگانه‌پرست را به وسیله‌ی همین صاعقه‌ها مجازات و عذاب کرد.

«الله» ﷻ آفریدگار نبات<sup>۱</sup> (گل و گیاه و درخت) است

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ

مِنَ الشَّجَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ [البقرة: ۲۲]

﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَاتَىٰ تَوْفَكُونَ ﴿٩٥﴾ [الأنعام: ۹۵]

۱ - «نبات»: گیاه، آنچه از زمین بروید اعم از گل و گیاه و درخت و بوته... و جمع آن «نباتات» است.

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾﴾ [الأنعام: ٩٩]

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَعَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٠١﴾﴾ [الأنعام: ١٤١]

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقِنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾﴾ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾﴾ [الأعراف: ٥٧-٥٨]

﴿وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رَوْحَيْنِ اثْنَيْنِ يُغِثِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣﴾﴾ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَلِّرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضَلُ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾﴾ [الرعد: ٣-٤]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ﴾ [إبراهيم: ٣٢]

﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَواسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْرُونَ ﴿١٩﴾﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعْيِشًا وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ﴿٢٠﴾﴾ وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢١﴾﴾ وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾﴾ [الحجر: ١٩-٢٢]

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾  
يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً  
لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾﴾ [النحل: ١٠-١١]

﴿وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾﴾  
[النحل: ١٣]

﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً  
لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾﴾ [النحل: ٦٧]

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي  
الْبَصِيرَةِ ﴿٥٤﴾﴾ [طه: ٥٣-٥٤]

﴿...وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ  
رَوْحٍ بَهيجٍ ﴿٥﴾﴾ [الحج: ٥]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ  
خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾﴾ [الحج: ٦٣]

﴿فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاحٍ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا  
تَأْكُلُونَ ﴿١١﴾ وَشَجَرَةٌ تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصِصِغٍ لِلَّالِكِينَ ﴿١٩﴾﴾ [المؤمنون: ١٩-٢٠]

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ رَوْحٍ كَرِيمٍ ﴿٧﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا  
كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾﴾ [الشعراء: ٧-٨]

﴿أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ  
ذَاتِ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَمْ يَعْزِزْ اللَّهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦٠﴾﴾  
[النمل: ٦٠]

﴿يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ  
تُخْرِجُونَ ﴿١٩﴾﴾ [الروم: ١٩]



﴿وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الروم: ٢٤]

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ [الروم: ٤٨]

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِعَظِيمٍ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا وَالْقِي فِي الْأَرْضِ رَواسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾ [القمان: ١٠]

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ﴾ [السجدة: ٢٧]

﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ﴾ [فاطر: ٩]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَايِبُ سُودٌ﴾ [فاطر: ٢٧]

﴿وَعَايَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ﴾ [٣٣]

﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَحِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ [٣٥]

﴿سُبْحٰنَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾ [يس: ٣٣-٣٦]

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ﴾ [يس: ٨٠]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطْلًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [الزمر: ٢١]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَدِشَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فصلت: ٣٩]

﴿إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أَنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَاءِي قَالُوا ءاذنَكَ مامِنًا مِنْ شَهِيدٍ﴾ [فصلت: ٤٧]

﴿وَالْأَرْضُ مَدَدْنَهَا وَالْقِيَامَةُ فِيهَا رَوسَى وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ رَوْحٍ بِهِيجٌ ﴿٧﴾ تَبَصَّرَةٌ وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ﴿٨﴾ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ﴿٩﴾ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ﴿١٠﴾ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ﴿١١﴾﴾ [ق: ٧-١١]

﴿وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿١٢﴾ فِيهَا فَكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿١٣﴾ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٤﴾﴾ [الرحمن: ١٠-١٢]

﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿١٥﴾ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ وَأَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿١٦﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَمًا فَظَلْتُمْ تَفَكُهُونَ ﴿١٧﴾﴾ [الواقعة: ٦٣-٦٥]

﴿أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿١٨﴾ ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿١٩﴾﴾ [الواقعة: ٧١-٧٢]

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً مُتَجَاوِا ﴿٢٠﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿٢١﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿٢٢﴾﴾ [النبا: ١٤-١٦]

﴿وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَلَتْ ﴿٢٣﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَهَا ﴿٢٤﴾﴾ [النازعات: ٣٠-٣١]

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿٢٥﴾ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴿٢٦﴾ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقَاقًا ﴿٢٧﴾ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٨﴾ وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٩﴾ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٣٠﴾ وَحَدَائِقَ غُلَبًا ﴿٣١﴾ وَفَكِهَةً وَأَبًّا ﴿٣٢﴾ مَتَّعًا لَكُمْ وَلَا نَعْمِي لَكُمْ ﴿٣٣﴾﴾ [عبس: ٢٤-٣٢]

﴿وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٣٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ﴿٣٥﴾﴾ [الأعلى: ٤-٥]

﴿وَالَّذِينَ وَالَّذِينَ وَالرَّيْتُونَ ﴿٣٦﴾﴾ [التين: ١]

«الله» ﴿الله﴾ آفریدگار پرندگان است

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أُمَّتَالِكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٧﴾﴾ [الأنعام: ٣٨]

﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [النحل: ۷۹]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَفَّاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ [النور: ۴۱]

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾ [الملك: ۱۹]

### «الله» آفریدگار حیوان است

﴿... وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الانبیاء: ۳۰]

﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [النور: ۴۵]

### «الله» آفریدگار انعام<sup>۲</sup> و چهارپایان است

﴿وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشَاتٌ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [۱۵۲] تَمَنِّيَةَ أَرْوَجٍ مِنَ الضَّأْنِ أَثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْرِ أَثْنَيْنِ قُلْ ءَالِدَكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأَنْثَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْثَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [۱۵۳] وَمِنَ الْإِبِلِ أَثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ أَثْنَيْنِ قُلْ ءَالِدَكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأَنْثَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْثَيْنِ أَم كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَلَكُمُ اللَّهُ بِهِذَا...﴾ [الأنعام: ۱۴۲-۱۴۴]

۱- موجود زنده، جاندار، جانور. هر موجودی که در او روح باشد، خواه ناطق باشد چون انسان و خواه غیر ناطق چون دیگر حیوانات.

۲- چهارپایان، هر حیوانی که چهار پا (دو دست و دو پا) دارد و غالباً به اسب و الاغ و قاطر و شتر و گوسفند و بز و میش اطلاق می‌شود.

﴿وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرُءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾﴾ [النحل: ٥-٧]

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَمِ لَعِبْرَةً لِّئْتَسِقَ لَكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِبًا لِلشَّرِيبِينَ ﴿٦٦﴾﴾ [النحل: ٦٦]

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّن بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّن جُلُودِ الْأَنْعَمِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمَتَعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٨٠﴾﴾ [النحل: ٨٠]

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَةٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَمِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾﴾ [الحج: ٢٨]

﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّن شَعْتِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾﴾ [الحج: ٣٦]

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَمِ لَعِبْرَةً لِّئْتَسِقَ لَكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَفَعٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٦١﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٦٢﴾﴾ [المؤمنون: ٢١-٢٢]

﴿أَو لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَفَعٌ وَمَشَارِبٌ أَفْلا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾﴾ [يس: ٧١-٧٣]

﴿خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّن الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً أَرْوَاجًا ... ﴿٦﴾﴾ [الزمر: ٦]

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَمَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٦﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَفَعٌ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾﴾ [غافر: ٧٩-٨٠]

﴿فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَرْوَاجًا وَمِن الْأَنْعَمِ أَرْوَاجًا يَذْرُوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١١﴾﴾ [الشورى: ١١]

﴿وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿۱۲﴾ لِيَتَسْتَوْأَ عَلَى ظَهْرِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿۱۳﴾﴾ [الزخرف: ۱۲-۱۳]

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿۱۷﴾﴾ [الغاشية: ۱۷]

«الله» ﷻ آفریدگار اسب، قاطر و الاغ است

﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَتَابِ ﴿۱۴﴾﴾ [آل عمران: ۱۴]

﴿وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرَ لَتَرَكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۸﴾﴾ [النحل: ۸]

﴿إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّفِيَنَتِ الْحَيَاةِ ﴿۳۱﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿۳۲﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿۳۳﴾﴾ [ص: ۳۱-۳۳]

﴿وَالْعَدِيدِ صُبْحًا ﴿۱﴾ فَأَلْمُورِيَتِ قَدْحًا ﴿۲﴾ فَأَلْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ﴿۳﴾ فَأَأْتِرْنَ بِهِ نَقْعًا ﴿۴﴾ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴿۵﴾﴾ [العاديات: ۱-۵]

«الله» ﷻ آفریدگار زنبور عسل است

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿۶۸﴾ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۶۹﴾﴾ [النحل: ۶۸-۶۹]

«الله» ﷻ آفریدگار انسان است

﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲﴾﴾ [آل عمران: ۲]

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ ﴿۲﴾﴾ [الأنعام: ۲]

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

يَفْقَهُونَ﴾ ﴿٩٨﴾ [الأنعام: ٩٨]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا

إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿١١﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ

خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ [الأعراف: ١١-١٢]

﴿... هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي

قَرِيبٌ مُجِيبٌ﴾ [هود: ٦١]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٦٦﴾ [الحجر: ٢٦]

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقُ بَشَرًا مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٨﴾ [الحجر: ٢٨]

﴿قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٣٣﴾ [الحجر: ٣٣]

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٤﴾ [النحل: ٤]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ

طِينًا ﴿٦٦﴾ [الإسراء: ٦١]

﴿قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ

سَوَّكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾ [الكهف: ٣٧]

﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾ [الأنبياء: ٣٧]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ

نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنَبِّينَ لَكُمْ وَنَقُرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا

نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى

وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْلًا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ... ﴿[الحج: ٥]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿١٣﴾ ثُمَّ

خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ

لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ [المؤمنون: ١٢-١٤]

﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾﴾  
[النور: ٤٥]

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾﴾ [الفرقان: ٥٤]  
﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ ﴿٧﴾ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿٨﴾ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٩﴾﴾ [السجدة: ٧-٩]

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا يَعْلَمُهُ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾﴾ [فاطر: ١١]

﴿أَوَلَمْ يَرِ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾﴾ [يس: ٧٧]  
﴿فَأَسْتَفْتِيهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَن خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّن طِينٍ لَّازِبٍ ﴿١١﴾﴾ [الصفات: ١١]  
﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾﴾ [ص: ٧١]  
﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿٧٦﴾﴾ [ص: ٧٦]  
﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُم بِأَحْسَنَ صُورِكُمْ ... ﴿٦٤﴾﴾ [غافر: ٦٤]

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيَكونُوا شِيوخًا وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٧﴾﴾ [غافر: ٦٧]

﴿... هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّن الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ ﴿٣٢﴾﴾ [النجم: ٣٢]

﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٤٥﴾ مِّن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ ﴿٤٦﴾﴾ [النجم: ٤٥-٤٦]

﴿خَلَقَ الْإِنسَانَ مِّن صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾﴾ [الرحمن: ١٤]

﴿هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ ... ﴿٢٤﴾﴾ [الحشر: ٢٤]

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيْرُ﴾ ﴿٣﴾

[التغابن: ٣]

﴿وَاللّٰهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾ ﴿١٧﴾ [نوح: ١٧]

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ ﴿٣٦﴾ أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ ﴿٣٧﴾ ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً

فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٣٩﴾ [القيامة: ٣٦-٣٩]

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ ﴿٢﴾ [الإنسان: ٢]

﴿قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ﴾ ﴿١٧﴾ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿١٨﴾ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ﴿١٩﴾

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ ﴿٢٠﴾ [عبس: ١٧-٢٠]

﴿الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ﴾ ﴿٧﴾ فِي أَيِّ صُوْرَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾ [الانفطار: ٧-٨]

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ ﴿١٠﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿١١﴾ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ

وَالْتَرَآبِ ﴿٧﴾ [الطارق: ٥-٧]

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ ﴿٤﴾ [التين: ٤]

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ ﴿٢﴾ [العلق: ٢]

باور و ایمان به خداوند و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران الهی و روز رستاخیز و باور به اینکه قضا و قدر [چه نیک و چه بد و چه شیرین و چه تلخ] همه از سوی خداست

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ ﴿٤﴾

[البقرة: ٤]

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ ...﴾ [البقرة: ١٧٧]

﴿... أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾

[البقرة: ١٨٦]

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ

فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ ﴿٢٥٦﴾ [البقرة: ٢٥٦]



﴿عَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفِرُّقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ ﴿٢٨٥﴾ [البقرة: ٢٨٥]

﴿قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفِرُّقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُو مُسْلِمُونَ﴾ ﴿٨٥﴾ [آل عمران: ٨٤]

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ ﴿[آل عمران: ١١٠]

﴿...فَقَامُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ ﴿[آل عمران: ١٧٩]

﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا...﴾ ﴿[آل عمران: ١٩٣]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ...﴾ ﴿[النساء: ١٣٦]

﴿لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ ﴿[النساء: ١٦٢]

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ... أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ...﴾ ﴿[التوبة: ١٨-١٩]

﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ ﴿[النمل: ٣]

﴿... وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُو مُسْلِمُونَ﴾ ﴿[العنكبوت: ٤٦]

﴿وَمَا كَانَ لَهُو عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ﴾ ﴿[سبا: ٢١]

﴿عَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ... وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الحديد: ۷-۸]

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [الحديد: ۲۲]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَعَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الحديد: ۲۸]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجْرَةٍ تُنجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ۗ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الصف: ۱۰-۱۱]

﴿فَعَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [التغابن: ۸]

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [التغابن: ۱۱]

﴿قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ عَامِنًا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الملك: ۲۹]

﴿وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾ [المعارج: ۲۶]

﴿وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ عَامِنًا بِهِ ۗ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ۗ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا﴾ [الجن: ۱۳]

﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾ [القيامة: ۳۱]



توضیح موضوع: «قضا و قدر»: قضا به معنی علم خداوند به وقوع شیء از ازل، و قدر به معنای ایجاد آن شیء مطابق با آنچه که از ازل خداوند به آن علم داشته است می باشد. و ایمان به قضا و قدر واجب است و باید یک مسلمان ایمان داشته باشد به اینکه خداوند متعال تمام آنچه را که انسان ها انجام می دهند و تمام آنچه را که وابسته

به مخلوقات است می‌داند و ایمان داشته باشد به اینکه ایجاد تمام این امور مطابق با علم ازلی خداوند است و هیچ رابطه‌ای بین قضا و قدر با جبر و اینکه خداوند انسان را بر انجام یا عدم انجام فعلی معین مجبور کند، وجود ندارد.

و اینکه سابقه‌ی علم ازلی خداوند بدانچه مردم در آینده می‌کنند، آنان را بر انجام مکتوب ازلی مجبور خواهد ساخت، این چیزی است باطل و چنین چیزی پوچ و بی‌معنی است، چون علم خداوند نوری است کاشف، نه قوه‌ای مجبورکننده و اجبارآور و به هیچ وجه این علم سابق خداوند بدانچه که ما در آینده انجام می‌دهیم جبری ایجاد نمی‌کند و انسان‌ها خودشان با اراده‌ی خودشان به چیزی روی می‌آورند که اهداف ارادی آنان است و خداوند مردشان را (هرچه باشد خوب یا بد) به اتمام می‌رساند و تحقق می‌بخشد. پس هر کس درخت سیب بکارد خداوند میوه‌ی لذت‌بخش به وی می‌دهد و هر کس درخت خار بکارد، ناچار خار می‌چیند.

پس علم خداوند محیط به ازل و ابد و تمام زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد و قبل از اینکه انسان به وجود بیاید خداوند می‌داند که این انسان خوب است یا بد؛ و این انسان است که به میل و اختیار خود راه سعادت را انتخاب می‌نماید یا راه بدبختی را، و نباید. برخی از آیات و احادیث را حمل بر سلب اختیار از انسان کرد چون علم خدا «صفت کاشفه» است به این معنی که اشیاء را چنانچه که هست روشن می‌نماید و در به وجود آوردن اشیاء مؤثر نیست، مثلاً دکتر، عالم است که فلان مریض سرطان دارد، ولی این علم و آگاهی او هیچ تأثیری در به وجود آمدن سرطان در مریض ندارد، تقریباً در اینجا نیز موضوع شبیه این است، خداوند می‌داند که فلان شخص به اراده‌ی خود در فلان روز و فلان ساعت، فلان عمل را انجام می‌دهد، ولی علم خدا شخص را مجبور به انجام آن عمل نمی‌نماید، و انسان مسلمان باید تفاوت دو صفت علم و اراده‌ی خداوند را درک کند که علم موجب کشف است و اراده است که باعث ایجاد اشیاء می‌باشد.

و انسان مسلمان باید بداند که علم و دانش فراگیر خداوند و حساب و کتاب دقیق و ثبت و ضبط کلی او نسبت به همه‌ی اشیاء و حوادث (قبل از وقوع آن‌ها)، با سعی و کوشش در کارها و به کارگیری اسباب و وسایل منافات ندارد و خداوند متعال همانطور که مسببات را مکتوب فرموده، اسباب را هم مکتوب و مقرّر داشته است و همانطور که نتایج امور را مقدر فرموده، مقدمات آن‌ها را نیز مقدر فرموده و ثبت نموده است.

به عنوان مثال: خداوند متعال برای یک دانشجو و طلبه، موفقیت تنها را اراده نفرموده است، تا به هر وسیله بدان نایل آید، بلکه پیروزی و موفقیت او را همراه با وسایل و اسباب آن، یعنی کوشش و پشتکار و زیرکی و هوشیاری و صبر و عوامل و اسباب دیگر در نظر گرفته است، یعنی همانطور که مسببات مکتوب و مقرر هستند، اسباب هم مکتوب و مقررند. و به کارگیری اسباب و وسایل با قدر منافات ندارد، بلکه اسباب و وسایل نیز از جمله‌ی مقررات به حساب می‌آیند؛ از این رو وقتی از پیامبر خدا ﷺ درباره‌ی داروها و اسباب و وسایل پیشگیری و بهداشت سؤال شد که آیا این‌ها روی قدر و اراده‌ی خداوند اثر می‌گذارند؟ جواب قاطع ایشان این بود: «هِيَ مِنْ قَدَرِ اللَّهِ»: آن داروها و اسباب و وسایل نیز خود از مصادیق قدر خداوند می‌باشند.

بنابراین ایمان به قضا و قدر، به هیچ وجه با کار و کوشش در جهت دستیابی به مصالح و رفع مفاسد، منافات ندارد و نباید اشخاص تنبل و بیکار، بار سنگین مشکلات و اشتباهات خود را بر دوش قضا و قدر بنهند که چنین کاری دلیل بر ناتوانی و فرار از مسئولیت است؛ در محضر رسول خدا ﷺ مردی بر دیگری غلبه یافت، شخص مغلوب گفت: «حَسْبِيَ اللَّهُ» (خدا مرا بس است)، پیامبر ﷺ هنگامی که دید ظاهر عبارت او بیانگر ایمان است، اما در حقیقت بیانگر عجز و ناتوانی اوست، خشمگین شد و فرمود: عجز و ناتوانی مورد سرزنش و ملامت پروردگار است، تو باید زیرک باشی و در کارها چاره اندیشی کنی، و آنگاه اگر در کاری شکست خوردی بگو: «حَسْبِيَ اللَّهُ» (ابوداود). بنابراین سزاوار نیست که انسان به قدر پناه ببرد، مگر هنگامی که نهایت سعی و کوشش خود را در جهت مطلوب خود، مبذول دارد، و بعد بگوید: این قضای پروردگار است.

### علم غیب

﴿...يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵]

﴿... وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۹]

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾﴾ [الأنعام: ٥٩]

﴿... قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْحَكِيمُ﴾ [الأنعام: ٧٣]

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً ۗ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾﴾ [الأعراف: ١٨٧]

﴿وَيَسْأَلُونَكَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾﴾ [يونس: ٢٠]

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾﴾ [هود: ١٢٣]

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمَجٍ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٧﴾﴾ [النحل: ٧٧]

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾﴾ [الإسراء: ٨٥]

﴿قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصَرَ بِهِ وَأَسْمِعَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾﴾ [الكهف: ٢٦]

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾﴾ [النمل: ٦٥]

﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَادَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣١﴾﴾ [لقمان: ٣٤]

﴿ذَلِكَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٦﴾﴾ [السجدة: ٦]

﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا﴾ [الأحزاب: ۶۳]

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَمَ الْغُيُوبِ﴾ [سبأ: ۴۸]  
 ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [فاطر: ۳۸]  
 ﴿قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [الزمر: ۴۶]

﴿إِلَيْهِ يَرْدُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ...﴾ [فصلت: ۴۷]  
 ﴿وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [الزخرف: ۸۵]

﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحجرات: ۱۸]  
 ﴿عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [التغابن: ۱۸]  
 ﴿عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ [آل عمران: ۶۶] إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾ [الجن: ۲۶-۲۷]

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا﴾ [فيم أنت من ذكورها] ﴿إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا﴾ [إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا] [النازعات: ۴۲-۴۵]



توضیح موضوع: هنگامی که رسول خدا ﷺ در شبه جزیره عربستان به نبوت و رهبری جامعه‌ی بشری مبعوث گردید، با عده‌ای از افراد فاسد و دجال صفت و شیاد و حيله‌گر که به «کاهن» و «غیبگو» معروف بودند و آنان را «عراف»، «کاهن» و «فال‌گیر» نیز می‌خواندند، رو به رو شد که ادعا می‌کردند غیب را می‌دانند و از گذشته و آینده با خبر هستند و از طریق ارتباط با جن و غیره علم غیب پیدا می‌کنند. پیامبر ﷺ با این فتنه و فساد عقیدتی و اجتماعی که پایه‌ای از علم و منطق و رهنمودهای آسمانی و دلایل وحیانی و براهین شرعی نداشت به مبارزه برخاست و آیاتی را که خداوند بر او نازل کرده بود، بر ایشان تلاوت نمود و فرمود:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [النمل: ۶۵]

«بگو: جز خدا هیچ یک از کسانی که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند، غیب را نمی‌دانند». پس نه فرشتگان، نه جن و نه بشر، هیچ کدام غیب را نمی‌دانند. حتی پیامبر ﷺ از خودش نیز دانستن غیب را نفی کرد و فرمود:

﴿وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْبَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۸]

و خداوند دانستن غیب را از جنیبات نیز نفی کرد و فرمود:

﴿أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾ [سبأ: ۱۴]

پس کسی که ادعای دانستن غیب حقیقی را می‌کند، بدون شک در برابر خدا، حقیقت و مردم دروغ می‌گوید و اسلام تنها به حمله به کاهنان و مبارزه با این دجال‌ها قناعت نکرده، بلکه کسانی را که نزد آنان می‌روند و از آن‌ها چیزهایی می‌پرسند و جواب‌های آنان را تأیید می‌کنند و موجبات تشویق و ترویج و فساد و گمراهی آنان را فراهم می‌سازند را شریک جرم این دروغگویان قرار داده است و آن‌ها را نیز مقصر و گنهکار می‌داند.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ آتَى عَرَاْفًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ فَصَدَّقَهُ بِمَا قَال، لَمْ يَقْبَلْ لَهُ صَلَوةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا» [مسلم]. «کسی که نزد فالگیری برود و چیزی از او بپرسد و جواب او را تصدیق و باور نماید، چهل روز نمازش قبول نمی‌شود.»

و نیز می‌فرماید: «مَنْ آتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا قَال، فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ» [بزار]. «کسی که پیش کاهنی برود و گفته‌ی او را تصدیق نماید، به آنچه بر محمد ﷺ نازل شده، کفر می‌ورزد.»

چرا که آنچه بر حضرت محمد ﷺ نازل شده است، اعلام می‌دارد که غیب و علم گذشته و آینده، خاص خدا است و محمد ﷺ عالم به غیب و آگاه به اخبار گذشته و آینده نیست، پس افراد غیر محمد ﷺ به طریق اولی به غیب آگاهی ندارند.

خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ﴾ [الأنعام: ۵۰]

«بگو: من نمی‌گویم گنجینه‌های ارزاق و اسرار جهان یزدان در تصرف من است و من نمی‌گویم که من غیب می‌دانم. چرا که کسی از غیب جهان با خبر است که در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها حاضر و ناظر باشد که خدا است.»

پس فالگیری، کاهنی، رمّالی، طلسم‌نویسی، کتاب باز کردن، طاس نهادن و کارهای دیگری از این قبیل که در جامعه‌ی ما انجام می‌پذیرند، به نصّ قرآن و حدیث، حرام و ناپسند می‌باشند.

پس هرگاه مسلمان این آیات صریح و روشن را در قرآن ببیند و معنای واضح آن‌ها را درک کند و با وجود این، عقیده داشته باشد که بعضی از مخلوقات می‌توانند به خودی خود و به طور مستقیم پرده از روی غیب بردارند و اسرار آن را کشف کنند، مسلماً به آیاتی که خداوند بر محمد ﷺ نازل نموده است، کفر می‌ورزد.

### حروف تهجی که در اول سوره‌های قرآن آمده است (حروف مقطعه‌ی قرآن)

﴿الْم﴾ [البقرة: ۱] ۳ آل عمران ۲۹ عنكبوت ۳۰ الروم ۳۱ لقمان ۳۲ سجده

﴿الْمَص﴾ [الأعراف: ۱]

﴿الر﴾ [یونس: ۱] ۱۱ هود ۱۲ یوسف ۱۴ ابراهیم ۱۵ حجر

﴿المر﴾ [الرعد: ۱]

﴿کَهِیَعَص﴾ [مریم: ۱]

﴿طه﴾ [طه: ۱]

﴿طسّم﴾ [القصاص: ۱]

﴿طسّ﴾ [النمل: ۱]

﴿یسّ﴾ [یس: ۱]

﴿صّ﴾ [ص: ۱]

﴿حم﴾ [غافر: ۱] ۴۱ فصلت ۴۳ زخرف ۴۴ دخان ۴۵ جاثیه ۴۶ احقاف

﴿حمّ عسق﴾ [الشوری: ۱-۲]

﴿قّ﴾ [ق: ۱]

﴿نّ﴾ [القلم: ۱]





**توضیح موضوع:** حروف مقطعه (حرف‌های بریده از هم) عبارتند از: نام چهارده حرف الفبای زبان عربی، یعنی «ا، ن، ه، س، ی، ص، ل، ح، ق، ط، ر، م، ع، ک» که در این جمله «اِنَّهٗ سِیَصْلِحُ قَطْرٌ مَعَكَ» جمع شده‌اند و نام‌های این چهارده حرف در آغاز بیست و نه سوره‌ی قرآن به پنج شکل نمایان گشته است:

**اوّل:** به شکل یک حرفی و در سه قالب و در سه سوره: (۱) «ن» در سوره‌ی «ن» (۲) «ق» در سوره‌ی «ق» (۳) «ص» در سوره‌ی «ص».

**دوّم:** به شکل دو حرفی و در چهار قالب و نه سوره: (۱) «طه» در سوره‌ی طه (۲) «طس» در سوره‌ی نمل (۳) «حم» در شش سوره‌ی مؤمن، فصلّت، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف (۴) «یس» در سوره‌ی یس.

**سوّم:** در شکل سه حرفی، و در سه قالب و در سیزده سوره: (۱) «الم» در شش سوره‌ی بقره، آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان و سجده... (۲) «الر» در پنج سوره‌ی یونس، هود، یوسف، ابراهیم و حجر (۳) در قالب «طسم» در دو سوره‌ی شعراء و قصص. **چهارم:** در شکل چهارحرفی و در دو قالب: (۱) در قالب «المص» در سوره‌ی اعراف (۲) در قالب «المر» در سوره‌ی رعد.

**پنجم:** در شکل پنج حرفی و در دو قالب: (۱) در قالب «کهیعص» در سوره‌ی مریم (۲) در قالب «حمعسق» در سوره‌ی شوری.

در کتاب‌های تفسیر و علوم قرآنی نزدیک به چهل نوع تفسیر و معنی برای حروف مقطعه مشاهده می‌شود که مشهورترین آن‌ها عبارتند از:

- ۱- قرآن معجزه‌ی الهی از همین حروفِ الفباء، تألیف یافته که در اختیار همه است، و اگر شما نیز می‌توانید از این حروف، کلام معجزه‌آمیز بیاورید.
- ۲- این حروف، نام همان سوره‌ای است که در ابتدایش آمده است.
- ۳- این حروف، اشاره به اسم اعظم الهی دارد.
- ۴- این حروف، نوعی سوگند و قسم الهی است.
- ۵- این حروف از اسرار بین خداوند و پیامبر اکرم ﷺ است.

علامه زمخشری، بیضاوی، ابن تیمیه و حافظ مزّی می‌گویند: فواتح سور در قرآن آمده‌اند، فقط برای اینکه دلالت کنند بر آنکه این کتاب کریم از همان حروف الفبای معروف، تألیف یافته است و بعضی از این حروف به صورت منفرد و مقطع (بریده از هم)

آمده‌اند (بدون آنکه کلمه‌ای بسازند)، و هم حروف الفباء به صورت مجتمع و تألیف یافته در کلمات قرآن به کار رفته‌اند، به این منظور که برای عرب‌زبانان روشن گردد که قرآن با همان حروفی نازل شده است که آنان یاد دارند و این سرزنش و توییخی باشد برای آنان و نشانه‌ای برای ناتوانی آنان از آوردن همانند قرآن به حساب بیاید.

و شاید بهترین نظر همین باشد، زیرا در میان صد و چهارده سوره‌ی قرآن که ۲۹ سوره‌ی آن با حروف مقطعه شروع می‌شود. در ۲۴ مورد بعد از این حروف، سخن از قرآن و معجزه بودن آن است، یعنی وحی و کلام خداوند نیز با استفاده از همین حروف است، حروفی که در دسترس همه‌ی افراد بشری است، البته خداوند با این حروف، کتابی نازل کرده که معجزه است، آیا انسان نیز می‌تواند چنین کتابی فراهم کند.

و جالب اینجاست که در هیچ یک از تواریخ ندیده‌ایم که عرب جاهلی و مشرکان مکه، وجود حروف مقطعه را در آغاز بسیاری از سوره‌های قرآن بر پیامبر اکرم ﷺ خرده و عیب بگیرند و آن را وسیله‌ای برای استهزاء و سخریه قرار دهند، و این خود می‌رساند که گویا آن‌ها نیز از اسرار وجود حروف مقطعه کاملاً بی‌خبر نبوده‌اند، چرا که قرآن آن‌ها را دعوت به مقابله به مثل کرد و همه از آوردن مانند آن اظهار عجز کردند و در برابر فصاحت و بلاغت آن زانو زدند.

و اگر معانی و مفاهیم حروف مقطعه پوشیده و مخفی بود، هرگز آن دشمنان قسم خورده و زخم خورده از قرآن و پیامبر ساکت نمی‌نشستند و بر پیامبر ﷺ خرده می‌گرفتند و آن را وسیله‌ای برای استهزاء و تمسخر قرار می‌دادند. و آن‌ها می‌دانستند که خداوند عرب‌ها را با این حروف مقطعه به مبارزه با قرآن فرا می‌خواند، بدین معنی که این حروف به حروف هجای زبان عربی اشاره دارد تا به اعراب اعلام کند که قرآن، مرگب و تألیف یافته از همان حروفی است که خودشان با آن سخن می‌گویند، پس اگر مدعی هستند که قرآن کلام خداوند نیست، نظیر وشبیه آن را بیاورند، و چون عجز و ناتوانی آنان در این مبارزه و هم‌آورد طلبی، آشکار است، بنابراین، حجت بر آنان بلیغ‌تر و رساتر می‌گردد، زیرا با وجود آن که قرآن از حروف مورد تکلمشان خارج نیست، نفس این واقعیت که نمی‌توانند همانند آن را ساخته و برای مبارزه با آن به میدان آورند، خود برهانی روشن بر حقانیت قرآن کریم و الهی بودن آن می‌باشد.

درست همانطور که خداوند بزرگ از خاک، موجوداتی همچون انسان، با آن ساختمان شگفت‌انگیز، و انواع پرندگان زیبا، و جانداران متنوع، و گیاهان و گل‌های رنگارنگ و میوه‌های خوشمزه می‌آفریند، و ما از آن کاسه و کوزه، و خشت و آجر می‌سازیم، همچنین خداوند از حروف الفبا و حروف مقطعه و کلمات معمولی، مطالب و معانی بلند را در قالب الفاظ زیبا و کلمات موزون ریخته و اسلوب خاصی در آن به کار برد که همه انگشت حیرت به دندان گرفته‌اند.

آری، همین حروف (به سان خاک) در اختیار انسان‌ها نیز هست، ولی توانایی ندارند که ترکیب‌ها و جمله‌بندی‌هایی به سان قرآن ابداع کنند.

### «کلمات الله»

﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾ [الکھف: ۱۰۹]

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [لقمان: ۲۷]



**توضیح موضوع: «کلمات»** جمع کلمه است و در اصل به معنای الفاظ و واژه‌هایی است که با آن سخن گفته می‌شود. ولی بعدها معنی و مفهوم این واژه را گسترده‌تر کردند و بر هر چیزی که بیانگر مطلبی باشد، اطلاق کردند، از این رو، «کلمات خدا» چند چیز می‌تواند باشد:

- ۱- وعده‌های خدا.
- ۲- حکمت و مفاهیم
- ۳- آفریده‌ها و مخلوقات خدا
- ۴- وحی خدا
- ۵- علم و دانش پروردگار
- ۶- هر چه نشانی از خدا دراد.

پس اگر «کلمات» را به معنای گسترده‌تری بگیریم، و از آنجا که مخلوقات گوناگون و موجودات شگرف و شگفت‌انگیز این جهان، هر کدام بیانگر ذات پاک خدا، و روشنگر

علم و قدرت او، و دال بر عظمت و بزرگی او، و نشانه‌ای از او دارند، به هر موجودی «کلمه‌الله» اطلاق می‌شود. و روشن‌گر علم و قدرت او، و دال بر عظمت و بزرگی او، و نشانه‌ای از او دارند، به هر موجودی «کلمه‌الله» اطلاق می‌شود. به عنوان مثال: «خداوند در مورد حضرت عیسی که یکی از موجودات عجیب و شگرف خدا بود که بدون پدر از مادر متولد شده بود می‌فرماید:

﴿ي... إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ ...﴾ [النساء: ۱۷۱]

پس هر یک از موجودات این جهان دلیل بر علم و قدرت پروردگار است و هر کدام «کلمه‌ی خدا» هستند که حکایت از صفات گوناگون پروردگار می‌کنند.

**«اجل» (وقت و مدت معین مرگ) در نزد خداوند متعال، مکتوب و مقدر است**

﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوجَّلاً وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۵]

﴿... قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [آل عمران: ۱۵۴]

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ﴾ [الأنعام: ۲]

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۴]

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَعْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ [يونس: ۴۹]

﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ﴿۱﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعْجِرُونَ﴾ [الحجر: ۴-۵]

﴿وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾ ﴿٥٨﴾ [الإسراء: ٥٨]

﴿ثُمَّ أَدْنَانَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ﴾ ﴿٤٢﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعْجِرُونَ ﴿٤٣﴾ [المؤمنون: ٤٢-٤٣]

﴿وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ ﴿٧٥﴾ [النمل: ٧٥]  
 ﴿... لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [سبا: ٣]

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَرْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا يَعْلَمُهُ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ ﴿١١﴾ [فاطر: ١١]

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ﴾ ﴿٥٢﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ﴿٥٣﴾ [القم: ٥٢-٥٣]  
 ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ ﴿٢٢﴾ [الحديد: ٢٢]

﴿وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ الْتَارِ﴾ ﴿٣﴾ [الحشر: ٣]

﴿... إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [الطلاق: ٣]  
 ﴿قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا﴾ ﴿٢٥﴾ [الجن: ٢٥]



**توضیح موضوع:** اجل هر انسانی محدود است و ما هر روز با چشم خود می بینیم انسان هایی که به انتظار مرگ نیستند، چگونه به کام مرگ می روند و راه گریزی از آن ندارند؛ مرگ های ناگهانی انسان هایی را می بینیم که قبلاً احساس ناراحتی نکرده اند. «اشاعره» بر این باورند که «اجل و مدت معین مرگ» یکی است که نه به تأخیر می افتد و نه پیشی می گیرد، و گوناگون بودن علل و عوامل مرگ، تأثیری در آن ندارد و مقتول هم به اجل معین و مشخص خود می میرد، و اگر قاتل هم نباشد، جایز و ممکن است که در همان وقت بمیرد، و مسلماً کسی که مرگ را می آفریند، خداوند است نه قاتل.

و اشاعره در مقابل نصوصی که دلالت می‌کنند بر اینکه بعضی از طاعات و عبادات، عمر انسان را زیاد می‌کنند. گفته‌اند: که زیاد شدن عمر چند احتمال دارد: یکی اینکه مراد از زیادی عمر، مجازی است، یعنی: عمرش برکت می‌یابد به طوری که اعمال و نتایجی برای او حاصل می‌شود که با اعمال کسی که عمر طولانی دارد برابری می‌کند. مثلاً: در عمری پنجاه ساله، اعمالی انجام می‌دهد که برابر با صد سال است.

و یا اینکه خداوند در لوح محفوظ ثبت کرده است که عمر او چهل است [به طور طبیعی و بنا به علل و قوانین حیاتی] و با علم ازلی خود می‌داند که صله‌ی رحم به جا خواهد آورد و یا صدقه خواهد داد، پس عمرش به سبب این حسناتِ اختیاری شصت سال می‌شود، همانطور که در لوح محفوظ و دیوان ثبت امور هستی، ثبت است، لذا اجلس را تا شصت سالگی به تأخیر می‌اندازد.

و قاتل هم مستحق کیفر و ضمان می‌شود نه به خاطر اینکه او مرگ را در مقتول خلق کرده و اجلس را قطع کرده است، بلکه به این خاطر است که او گناهی را که از آن نهی شده کسب کرده است، و با عمل اختیاری خود سبب انجام آن گناه شده است، و لذا انسان بنا به اکتسابش از خوب و بد، کاسب است نه خالق. و قاتل مستحق کیفر و ضمان می‌شود چون به طور اختیاری، سبب مرگ مقتول شده است. و خداوند با علم ازلی خویش به این سبب آگاه بود، و اجل مقتول را با توجه به این سبب ارادی، معین و مقدر کرده است. پس خداوند می‌دانسته است که فلان شخص پنجاه سال عمر می‌کند و بدست زید، یا به وسیله‌ی آتش یا زلزله و ... می‌میرد و اراده‌اش بر این تعلق گرفته است که همین مدت عمر او باشد. [ر.ک: شرح عقاید اهل سنت صص ۱۲۹-۱۳۰]

پس اجل یکی است که نه به تأخیر می‌افتد و نه پیشی می‌گیرد، و گوناگون بودن علل و عوامل مرگ، تأثیری در آن ندارد.

### رزق و روزی (هر کس) در نزد خداوند ﷻ، مکتوب و مقدر است

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي

كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾ [هود: ۶]

﴿وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ ﴿١٩﴾ وَجَعَلْنَا

لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرِزْقِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا

نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ﴿٢١﴾ [الحجر: ۱۹-۲۱]

﴿وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾ [النحل: ٧١]

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ [الإسراء: ٣٠]

﴿وَكَاثِبِينَ مِّن دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [العنكبوت: ٦٠]

﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [العنكبوت: ٦٢]

﴿قُلْ أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [١] ﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ﴾ [فصلت: ٩-١٠]

﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الشورى: ١٢]

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ﴾ [الشورى: ١٩]

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ [الشورى: ٢٧]

﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [الزخرف: ٣٢]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ [الملك: ١٥]

﴿أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَل لَّجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ﴾ [الملك: ٢١]



**توضیح موضوع:** کم و زیادی رزق و روزی هر کس به دست خدا است، و خدا روزی هر کس را بخواهد وسیع، و روزی هر کس را بخواهد محدود می‌سازد. اما این سخن به آن معنی نیست که بعضی از کوتاه‌فکران و جاهلان پنداشته‌اند که باید دست از فعالیت و کوشش کشید و در گوشه‌ای نشست تا آنچه مقدر و مکتوب خداوندی است برساند. این افراد از دو نکته غافل‌اند: یکی اینکه خواستن و مشیت الهی و اراده‌ی خداوندی که در آیات به آن اشاره شده است، یک مسئله‌ی دلبخواه و بی‌حساب و کتاب نیست، بلکه مشیت و خواست خداوند از حکمت او جدا نیست و همیشه روی حساب لیاقت‌ها و شایستگی‌ها است.

و علاوه از این، این مسئله به معنی نفی عالم اسباب نمی‌باشد، چرا که عالم اسباب نیز خواست خدا و مشیت تکوینی خدا است. از این رو اراده‌ی خدا در زمینه‌ی وسعت و تنگی روزی، مشروط به شرایطی است که بر زندگی انسان‌ها حکمفرما است، و تلاش‌ها و کوشش‌ها، و اخلاص‌ها و فداکاری‌ها، و به عکس سستی و تنبلی، و بخل و آلودگی نیت‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در آن دارد. به همین خاطر خداوند عز و جل انسان را در گرو سعی و کوشش و تلاش و فعالیت خود شمرده، و بهره‌ی او را از زندگی به میزان سعی و تلاشش می‌داند.

باید دانست که خداوند دو سنت دارد: یکی سنت رزق و روزی‌رسانی، و دیگری سنت اجرای امور از طریق اسباب و وسایل. بنابراین رسیدن به رزق و روزی، منافاتی با قانون تلاش انسان‌ها در بدست آوردن روزی ندارد؛ چرا که خداوند متعال همانطور که مسببات را مکتوب فرموده، اسباب را هم مکتوب و مقرّر داشته است، و همانطور که نتایج امور را مقدر فرموده، مقدمات آن‌ها را نیز مقدر فرموده و ثبت نموده است. و به کارگیری اسباب و وسایل با مکتوب ازلی خدا منافاتی ندارد. بلکه اسباب و وسایل نیز از جمله‌ی مقدرات به حساب می‌آیند، بنابراین ایمان به قضا و قدر الهی درباره‌ی رزق و روزی، به هیچ وجه با کار و تلاش و سعی و کوشش در جهت دستیابی به مصالح و رفع مفاسد، منافات ندارد و نباید اشخاص تنبل و بیکار، بار سنگین مشکلات و اشتباهات و فقری و تنگدستی خود را بر دوش مکتوب ازلی خدا پیرامون رزق و روزی بنهند که چنین کاری دلیل بر ناتوانی و فرار از مسئولیت است.

برخی از افراد سست و بی‌حال و تنبل و بیکار و عاطل و باطل، به اتکاء تعبیراتی همانند این آیه که «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خدا است»،



فکر می‌کنند لزومی ندارد که انسان برای تهیه‌ی معاش زیاد تلاش کند، چرا که روزی مقدر است و به هر حال به انسان می‌رسد و هیچ دهان بازی بدون روزی نمی‌ماند! ولی باید این افراد نادان و جاهل و بی‌خرد و تنبل بدانند که رزق و روزی هر کس مقدر و ثابت است، ولی در عین حال مشروط به تلاش و کوشش و کار و فعالیت می‌باشد و هرگاه این شرط حاصل نشود، مشروط نیز از میان خواهد رفت.

«الله» ﷻ از آسمان رزق و روزی (برای بندگان خود) می‌فرستد

﴿وَوَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلْوٰى كُلُّوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَمَا ظَلَمُوْنَا وَلٰكِن كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ﴾ [البقرة: ۵۷]

﴿اِذْ قَالَ الْاَحْوَارِيُّوْنَ لِيَعِيسٰى اَبْنِ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ اَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ قَالَ اَتَّقُوْا اللّٰهَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿۱۱۲﴾ قَالُوْا نُرِيْدُ اَنْ نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَضْمِيْنَ قُلُوْبُنَا وَنَعْلَمَ اَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُوْنُ عَلِيْهَا مِنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿۱۱۳﴾ قَالَ عِيسٰى اَبْنِ مَرْيَمَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ تَكُوْنُ لَنَا عِيْدًا لِاَوْلٰٓئِنَا وَعَاخِرًا وَعَايَةً مِّنْكَ وَاَرْزُقْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّزُقِيْنَ ﴿۱۱۴﴾ قَالَ اللّٰهُ اِنِّيْ مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَاِنِّيْ اَعْدِبُهٗ وَعَدَابًا لَّا اَعْدِبُهٗٓ اَحَدًا مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۱۵﴾﴾ [المائدة: ۱۱۲-۱۱۵]

﴿... وَوَلَلْنَا عَلَيْهُمُ الْغَمَمَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلْوٰى كُلُّوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَمَا ظَلَمُوْنَا وَلٰكِن كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ﴾ [الأعراف: ۱۶۰]

﴿هُوَ الَّذِيْ يُرِيْكُمُ ءَايٰتِهٖٓ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ اِلَّا مَن يٰنِيْبٌ ﴿۱۱۳﴾﴾ [غافر: ۱۱۳]

﴿وَآخْتَلَفِ الْاَيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ رِّزْقٍ فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَنَصْرِيْفِ الرِّيْحِ ءَايٰتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُوْنَ﴾ [البجانية: ۵]

هدایت و ضلالت (گمراهی)

﴿... وَاذْكُرُوْهُ كَمَا هَدٰكُمْ وَاِنْ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِهٖٓ لَمِنَ الضّٰلِّيْنَ﴾ [البقرة: ۱۹۸]

﴿قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَآ أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾﴾ [الأنعام: ٥٦]

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٧﴾﴾ [الأنعام: ١١٧]

﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَلَكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾﴾ [الأنعام: ١١٩]

﴿فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾﴾ [الأعراف: ٣٠]

﴿... وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تُلْكُمُ الْجَنَّةَ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾﴾ [الأعراف: ٤٣]

﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدَىٰ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٧٨﴾﴾ وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَصْلٌ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾﴾ [الأعراف: ١٧٨-١٧٩]

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾﴾ [التوبة: ١١٥]

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٧٨﴾﴾ [يونس: ١٠٨]

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ ﴿٢٧﴾﴾ [الرعد: ٢٧]

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤﴾﴾ [إبراهيم: ٤]

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطُّغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ... إِنْ تَحَرَّضَ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٣٧﴾﴾ [النحل: ٣٦-٣٧]

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ  
وَلِتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۳]

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ  
رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [النحل: ۱۲۵]

﴿مَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ  
أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ [الإسراء: ۱۵]

﴿قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ  
قَرِيبٌ﴾ [سبأ: ۵۰]

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا  
يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾ [الزمر: ۴۱]

﴿ذَلِكَ مَبْلُغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ  
اهْتَدَىٰ﴾ [النجم: ۳۰]

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [القلم: ۷]

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ۖ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ۖ﴾ [الضحى: ۶-۷]



توضیح موضوع: در آیات زیادی بیان شده است که هدایت و گمراهی در دست خدا است. بعضی از این امر سوء استفاده کرده و آن را دلیل بر این دانسته‌اند که انسان مجبور است و در انجام و انتخاب کار اختیاری ندارد و این خداست که هدایت و یا گمراه می‌کند.

ولی اگر در آیات قرآن به دقت بنگریم متوجه می‌شویم که قرآن علت هدایت و گمراهی که به خدا نسبت داده شده را استحقاق و شایستگی بندگان معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفٰسِقِينَ﴾ [البقرة: ۲۶]

در اینجا سرچشمه‌ی ضلالت و گمراهی، «فسق و خروج از اطاعت و فرمان الهی» برشمرده شده است.

و نیز می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۲۵۸] در اینجا تکیه روی مسئله‌ی «ظلم» شده و آن را زمینه‌ساز ضلالت معرفی کرده است.

و نیز می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۶۴] در اینجا «کفر» به عنوان زمینه‌ساز گمراهی ذکر شده است.

و در جایی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳]، در اینجا نیز «دروغگویی و کفران» را مقدمه‌ی ضلالت و گمراهی شمرده است.

و در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ﴾ [غافر: ۲۸] در اینجا «اسراف و دروغگویی» عامل گمراهی است.

خلاصه اینکه قرآن ضلالت الهی را مخصوص کسانی می‌شمارد که دارای این اوصافند: «کفر، ظلم، فسق، دروغ، اسراف، کفران و ...». آیا کسانی که دارای این اوصاف هستند، شایسته‌ی ضلالت و گمراهی نیستند؟ و این اعمال آن‌ها است که خواه ناخواه دامن آن‌ها را می‌گیرد و پرده بر چشم و گوش و عقل آن‌ها می‌افکند و آن‌ها را به ضلالت می‌کشاند و از آنجا که خاصیت همه‌ی اشیاء و تأثیر همه‌ی اسباب، به فرمان خداوند است، می‌توان «إضلال و گمراهی» را در تمام این موارد به خدا نسبت داد، اما این نسبت عین اختیار بندگان و آزادی اراده‌ی آن‌ها است.

و درباره‌ی «هدایت» نیز شرایط و اوصافی در قرآن بیان شده که نشان می‌دهد که آن هم بدون علّت، و برخلاف حکمت الهی نیست.

خداوند در مورد کسانی که دارای صفات پسندیده هستند و شایستگی و لیاقت هدایت الهی را کسب می‌کنند، می‌فرماید:

﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾ [المائدة: ۱۶]

در اینجا «پیروی فرمان خدا و جلب خشنودی او» زمینه‌ساز هدایت الهی شمرده شده است.

و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ﴾ [الرعد: ۲۷]، در اینجا «توبه و انابه» عامل استحقاق هدایت شمرده شده است.

و نیز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ [العنكبوت: ۶۹]، در اینجا «جهاد مخلصانه در راه خدا» به عنوان شرط اصلی هدایت ذکر شده است.

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ﴾ [التغابن: ۱۱]، در اینجا «ایمان و اعتقاد» شرط هدایت ذکر شده است.

و نیز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى﴾ [محمد: ۱۷]، در اینجا «پیمودن مقداری از راه هدایت» به عنوان شرطی برای ادامه‌ی این راه به لطف خداوند ذکر شده است.

پس تا از سوی بندگان توبه و انابه، اعتقاد و اخلاص، و عمل و علم، و فرمان اوامر و فرامین خدا، و جهاد و تلاش، و گام برداشتن در مسیر حق نباشد، لطف و هدایت الهی شامل حال آنان نمی‌شود و خداوند دست آنان را نمی‌گیرد.

پس مشیت الهی که در آیات «هدایت و ضلالت» روی آن تکیه شده هرگز به معنی مشیت بی دلیل و خالی از حکمت نیست، بلکه در هر مورد شرائط خاصی دارد که آن را هماهنگ با حکیم بودن خدا می‌کند و قرآن علت هدایت و گمراهی را استحقاق و شایستگی بندگان معرفی می‌کند، و هدایت و گمراهی از جانب خدا برابر سنت و اسباب و علت‌های آن‌ها است و جبری در بین نیست.

### شفاعت

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...﴾ [البقرة: ۲۵۵]

﴿مَنْ يَشْفَعُ شَفَعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا﴾ [النساء: ۸۵]

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [يونس: ۳]

﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ [مریم: ۸۷]

﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ [طه: ۱۰۹]

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ خَشِيَّتِهِ

مُشْفِقُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۸]

﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنِ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [سبا: ۲۳]

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [الزمر: ۴۴]  
 ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظِيمِينَ مَّا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾ [غافر: ۱۸]

﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [الزخرف: ۸۶]

﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ [النجم: ۲۶]

﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ [النبأ: ۳۸]



توضیح موضوع: «شفاعت» در لغت به معنای «معاونت» است و در اصطلاح این است که در روز قیامت برخی از بندگان مقرب خداوند در حق بعضی از بندگان گنهکار، وساطت و میانجیگری کنند.

در قرآن مجید شفاعت به سه صورت بیان شده است:

- ۱- آیاتی که شفاعت را به کلی نفی می کنند [بقره / ۴۸ و ۵۴ مدثر / ۴۸]
- ۲- آیاتی که شفاعت را منحصر به ذات خدا می نماید [زمر / ۴۴]
- ۳- آیاتی که به شفاعت مقربین الهی با کسب اجازه‌ی پروردگار دلالت دارد [بقره / ۲۵۵، طه / ۱۰۹، نجم / ۲۶]

اگر توجه شود آیات قسمت اول در خصوص کفار و مجرمین است که کاملاً مستحق عذابند و جای ایشان آتش است که می گوید: «هیچ گونه شفاعتی درباره‌ی آنان نخواهد شد.» در آیات قسمت دوم که می فرماید: «به غیر از خدا کسی شفاعت نخواهد کرد» با این بیان می خواهد شفاعتی را که کفار و مشرکین به آن عقیده داشتند و بتها را شفیع مطلق می پنداشتند، رد کند.

آیات قسمت سوم، شفیعی را در روز قیامت ثابت می‌کند؛ منتهی توضیح می‌دهد که این شفاعت‌کنندگان، بت‌ها و معبودان نیستند که کفار می‌پندارند بلکه فقط کسانی حق شفاعت خواهند داشت که خداوند به ایشان اجازه دهد و از مقربین درگاه الهی باشند، و این شفاعت درباره‌ی کسانی خواهد بود که خدا به بخشوده شدن آنان راضی باشد:

﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى﴾ [الأنبياء: ۲۸]

«بندگان مقرب الهی شفاعت نمی‌کنند، مگر در حق کسی که خداوند راضی باشد».  
[ر.ک: پاورقی شرح عقاید اهل سنت ص ۱۹۲]

و باید دانست که شفاعت، نه تشویق به گناه است، و نه چراغ سبز برای معاصی و گناهان، و نه عامل عقب‌افتادگی، و نه چیزی شبیه پارتی‌بازی در جامعه‌های دنیای امروز است. و چنین شفاعتی در روز قیامت باعث جری شدن گنهکاران نمی‌شود. متأسفانه توده‌ی عوام مسلمانان، پیرامون آیات و احادیث وارده درباره‌ی شفاعت حضرت محمد ﷺ برای برخی از گنهکاران هیاهویی راه انداخته‌اند و این هیاهو و دل‌بستگی شدید توده‌ی عوام به احادیث شفاعت، چنین پنداری به وجود آورده است که قوانین جزاء و پاداش اعمال، منسوخ و باطل گردیده و نزدیک است که آتش دوزخ بر مؤمنان گنهکار و عاصی، سرد و سالم شود و به آنان آسیبی نرساند فراوان پیش می‌آید که این جاهلان در فرضیه‌های خود افراط می‌کنند و بیش از حد به شفاعت اطمینان دارند و امیدوارند، لذا مرتکب وخیمترین گناهان می‌شوند و می‌گویند: «اُمّت محمد ﷺ در خیر است و اُمّت را چه غم که چون محمد ﷺ پشتیبان دارد.» هرگز حضرت محمد ﷺ پشتیبان گناهکاران نیست. و بی‌گمان این مسلک و این تفکر، غلط و از درجه‌ی اعتبار ساقط است، و حضرت محمد ﷺ نخستین کسی است که با آن مخالفت می‌کند و با این شیوه تفکر، می‌ستیزد. ما به هیچ وجه احادیث صحیحی را که درباره‌ی شفاعت آمده است رد نمی‌کنیم و منکر آن‌ها نیستیم بلکه آن‌ها را در جایگاه مخصوص و ویژه‌ی آن‌ها، اثبات می‌کنیم و از معانی خاص آن‌ها تجاوز نمی‌نمائیم تا دچار تحریف کلمات پیامبر ﷺ از مواضع آن‌ها نشویم. و باید هر مسلمان بداند که شفاعت حدود و شرایطی دارد و هر گناهکاری مشمول شفاعت و عفو الهی نتواند بود، و شفاعت به سه شرط انجام می‌گیرد:

(الف) خدا به شفاعت کننده، اجازه‌ی شفاعت بدهد. [بقره / ۲۵۵، یونس / ۳]  
 (ب) آنچه درخواست و شفاعت می‌شود پسندیده و درست و مورد رضای خدا باشد.  
 [طه / ۱۰۹، انبیاء / ۱۰۹، نساء / ۸۵]

(ج) خدا راضی شود از کسی که برای او شفاعت می‌گردد. [انبیاء / ۲۸، نجم / ۲۶]  
 بنابراین نباید شفاعت را با شفاعتِ نادرستی که عوام گمان می‌کنند که انبیاء و اولیاء در دستگاه الهی نفوذ دارند و مانع اجرای حکم خدا می‌شوند و به قول معروف، پارتی بازی می‌کنند، یکی دانست، چرا که این اجازه‌ی شفاعت درجه و رتبه‌ای است به مقربین درگاه الهی که برای تجلیل مقامشان به آن‌ها داده می‌شود و مسلماً شفاعت آن‌ها در حق کسانی خواهد بود که در عین ایمان و عمل صالح، لغزش‌هایی نیز داشته‌اند و احتیاج به وساطت دارند و این شفاعت در خصوص آنان، إرفاق و تخفیف عذاب است و این شفاعت به اذن خداوند و برای کسی است که صلاحیت آن را دارد، پس عامل شفاعت یکی رحمت و لطفِ بی‌کران الهی است و دیگر حکمت خدا و ایمان و عمل صالحِ فرد که او را شایسته‌ی این لطف می‌کند.

**اطاعت و فرمانبرداری از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیامبر خدا (حضرت محمد ﷺ) با تمسک به سنت او) و اطاعت و فرمانبرداری از کارداران و کارگزاران و امراء فرمانروایان مسلمان (اولی الامر)**

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ﴾ [آل عمران: ۳۲]  
 ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۲]  
 ﴿يٰۤأَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوْلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنٰزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹]

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ [النساء: ۸۰]

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ﴾ [المائدة: ۹۲]

﴿... وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُوْلَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ﴾ [الأنفال: ۱]



﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَأنْتُمْ تَسْمَعُونَ﴾

[الأنفال: ۲۰]

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ

الصَّابِرِينَ﴾ [الأنفال: ۴۶]

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ

وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ﴾ [النور: ۵۴]

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النور: ۵۶]

﴿... وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَءَاتِيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

عَنكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۳]

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ

أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: ۳۶]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ﴾

[محمد: ۳۳]

﴿... فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾

[المجادلة: ۱۳]

﴿... وَمَا ءَاتَكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَكُمُ عَنهُ فَأَنْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷]

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلْغُ الْمُبِينُ﴾

[التغابن: ۱۲]

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ...﴾ [التغابن: ۱۶]



توضیح موضوع: «اولی الامر»: معنای «اولی الامر» عام است، و نمایندگان عموم طبقات، و زمامداران و حکام، و زمامداران معنوی و فکری یعنی علماء و دانشمندان را شامل می‌شود؛ البته مشروط به آن که برخلاف احکام و دستورات الهی و اوامر و فرامین شرعی و تعالیم و آموزه‌های نبوی و حقایق و مفاهیم قرآنی نبوده باشد و

مشروط به آنکه علماء و زمامداران فکری و معنوی عادل باشند و به محتویات کتاب و سنّت آگاهی کامل داشته باشند.

البته باید دانست که اطاعت از نمایندگان طبقات مختلف جامعه‌ی اسلامی اعم از علماء، حکام و زمامداران به چند قید و شرط، اجرایی است:

- ۱- مسلمان باشد. چرا که حاکم غیر مسلمان نه بر مسلمان ولایتی دارد و نه طاعتی.
  - ۲- حکم آن‌ها برخلاف اوامر و فرامین الهی و تعالیم و آموزه‌های نبوی، و احکام و دستورات شرعی و حقایق و مفاهیم والای قرآنی نباشد.
  - ۳- از روی اختیار حکم کنند نه از روی اجبار و اکراه.
  - ۴- حکم آن‌ها موافق با مصالح و منافع مسلمانان و آحاد جامعه‌ی اسلامی باشد.
  - ۵- در مسئله‌ای که حکم می‌کنند، نصّ خاصی از شرع مقدس اسلام نرسیده باشد. و در قرآن نیز فرمان اطاعت از خدا و رسول بر فرمان اطاعت از حکام مسلمان مقدم شده است، چرا که اگر حاکم یا قاضی یا غیر آنان، حکمی مخالف با حکم خدا و رسول وی صادر نمایند، حکمشان مردود است.
- و اطاعت از پیامبر ﷺ و اولی الامر نیز شعاعی از اطاعت خدا و در طول آن است نه در عرض آن، و به فرمان خداوند اطاعت از این دو لازم است.

### **آنچه از پاداش و نعمت که آماده و مهیا شده برای کسانی که از خدا و پیامبر او اطاعت و فرمانبرداری کرده‌اند**

(از امکانات رفاهی و نعمت‌های بهشت، باغ‌ها و بوستان‌ها، رودها و سرچشمه‌ها، کاخ‌های برافراشته، و تالارهای سر به آسمان سائیده، وسایل رفاه کامل منازل اعم از زیراندازها، متکاه‌ها، تخت‌های راحتی، ظروف بسیار زیبا، قیمتی و میل‌انگیز، و لباس‌های فاخر و زینت‌آلات شگرف، و خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های لذیذ و خوش‌مزّه، و همسران پاک و پاکیزه و خوش‌سیما و خشکل، و هوای معتدل و مطلوب موجود در بهشت، و محیط سراسر آرامش و آسایش و دور از اضطراب و تشنج اعصاب و خستگی کار، و محیط سراسر صفا و صمیمیت، ملاقات با خدا، رضایت خدا، و جاودانه بودن زندگی در بهشت در میان آن همه تنعم و همراه احترام و گرمی داشتن بسیار و حتی بی نظیر):

﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا  
وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [النساء: ۱۳]

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ  
وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ [النساء: ۶۹]

﴿... وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ  
إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۷۱]

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [النور: ۵۲]

﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۷۱]

﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ  
يُعَذِّبُهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الفتح: ۱۷]

﴿... وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ  
رَحِيمٌ﴾ [الحجرات: ۱۴]

اجابت و اطاعت کردن از اوامر و فرامین تابناک الهی و تعالیم و آموزه‌های  
روح بخش و سعادت آفرین نبوی ﷺ و پذیرفتن احکام و دستورات نورانی آن‌ها

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي  
وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶]

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ  
وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۲]

﴿إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ [الأنعام: ۳۶]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلِمُوا أَنَّ  
اللَّهَ بِحَوْلِ بَيْنِ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الأنفال: ۲۴]

﴿لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْخَيْرَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ ﴿١٨﴾ [الرعد: ١٨]

﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعِيرٍ هُدَىٰ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ ﴿٥٠﴾ [القصاص: ٥٠]

﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾ ﴿٢٦﴾ [الشورى: ٢٦]

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ ﴿٣٨﴾ [الشورى: ٣٨]

﴿اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ﴾ ﴿٤٧﴾ [الشورى: ٤٧]

### توبه و استغفار

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَثُوبٌ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿١٣٦﴾ [البقرة: ١٦٠]

﴿... وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [البقرة: ١٩٩]

﴿... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: ٢٢٢]

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿٨٩﴾ [آل عمران: ٨٩]

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ ﴿١٣٥﴾ [آل عمران: ١٣٥]

﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ ﴿٧٧﴾ [آل عمران: ٧٧]

﴿وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ لَنْ يَعْتَدِنَا اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ ﴿١٧٨﴾ [النساء: ١٧-١٨]

﴿... وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ٦٤]

﴿وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ١٠٦]

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ١١٠]

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ١١٦]

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ١٤٦]

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [المائدة: ٣٤]

﴿فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [المائدة: ٣٩]

﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [المائدة: ٧٤]

﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأنعام: ٥٤]

﴿وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَعَاقَبُوا بِرَبِّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَنُوا﴾ [الأعراف: ١٥٣]

﴿... وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الأنفال: ٣٣]

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الأنفال: ٣٨]

﴿وَأَخْرَجُوا عَتَرُفُوهُمُ بِذُنُوبِهِمْ حَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَأَخْرَسَيْنَا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [التوبة: ١٠٢]

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ  
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [التوبة: ١٠٤]

﴿التَّائِبُونَ الْعَبِيدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّابِحُونَ الرَّكِعُونَ السَّجِدُونَ الْأَمْرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [التوبة: ١١٢]

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ  
بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾ وَعَلَى  
الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ وَضَاقتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ  
وَوَضُّوْا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ  
الرَّحِيمُ﴾ [التوبة: ١١٧-١١٨]

﴿وَأَن أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ  
كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ...﴾ [هود: ٣]

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ  
مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [النحل: ١١٩]

﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ  
عَفُورًا﴾ [الإسراء: ٢٥]

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ [مريم: ٦٠]

﴿وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ﴾ [طه: ٨٢]

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [النور: ٥]

﴿...وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ٣١]

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا  
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾﴾ [الفرقان: ٧٠-٧١]

﴿فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ﴾ [القصص: ٦٧]

﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾ ﴿٥٤﴾

[الزمر: ۵۴]

﴿غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ...﴾ [غافر: ۳]

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ ﴿٥٥﴾

[غافر: ۵۵]

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُهُ وَاحِدٌ فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ

وَاسْتَغْفِرُوهُ...﴾ [فصلت: ۶]

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ ﴿٥٦﴾

[الشوری: ۲۵]

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...﴾ [محمد: ۱۹]

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ ﴿١٧﴾ ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ ﴿١٨﴾ [الذاریات: ۱۷-۱۸]

﴿إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا...﴾ [التحریم: ۴]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم

سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...﴾ [التحریم: ۸]

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ ﴿١٠﴾ ﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا﴾ ﴿١١﴾

﴿وَيُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ أَنْهَارًا﴾ ﴿١٢﴾ [نوح: ۱۰-۱۲]

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ ﴿٣﴾ [النصر: ۳]



توضیح موضوع: گاهی اوقات اتفاق می افتد که انسان مسلمان و مؤمن، دچار خطا و لغزش و گناه و معصیت می شود و مرتکب کاری می گردد که نمی بایستی همچون کاری از او ظاهر گردد، اما فوراً به یاد خدا می افتد و به اشتباه و گناه خود پی می برد و از آن دوری می جوید و با حالت ندامت و پشیمانی و درخواست عفو و بخشش به سوی خدا برمی گردد.

آری انسان مؤمن هم دچار اشتباه می‌شود، ولی بر او لازم است که فوراً آگاه شود، و اگر لغزشی از او به وقوع پیوست، برخیزد و گرد گناه را که دامنش را لگه‌دار ساخته، با آب «توبه» بشوید و از این لغزشگاه‌ها دوری جوید و به راه راست باز گردد.

در دین اسلام برای بخشوده شدن گناهان و قبول توبه، نیازی نیست که انسان به نزد یک روحانی برود و اعتراف به گناهان خود کند تا این روحانی نزد خدا تقاضای توبه و مغفرت بنماید، همانگونه که در مسیحیت لازم است که فرد گناهکار بعد از پشیمانی به نزد کشیش برود و به گناهانش اعتراف نماید، زیرا تنها کشیش می‌تواند با خدا ارتباط داشته باشد و طلب آمرزش کند!

اما اسلام می‌گوید: دروازه‌ی عفو و بخشش خدا بر روی همه‌ی بندگانش باز است و نیازی به واسطه و وکیلی جز ایمان و عمل صالح و توبه و پشیمانی نیست، هر کس، هر وقت که بخواهد با نیت خالص از گناهان دوری جوید، می‌تواند به سوی خدا باز گردد و مستقیماً و بدون هیچ واسطه‌ای با او رابطه برقرار کند و به راز و نیاز و دعا و نیایش و گفتگو و درد دل بپردازد و با اقرار به عظمت و قدرت و رحم و عطف پروردگار، و ضعف و جهل و گناه و تقصیر خود از او تقاضای لطف و بخشش نماید، در این حالت خداوند او را مورد عنایت قرار می‌دهد و از گناهانش صرف نظر می‌فرماید.

آری توبه و استغفار، هر گاه با شرایط خود همراه باشد، وسیله‌ی قاطعی برای جدا شدن از گذشته و آغاز یک زندگی جدید، و حتی تولدی دوباره می‌باشد. و توبه یکی از مهمترین و محکمترین ارکان و پایه‌های اخلاق است و هر گونه تأخیر و کوتاهی در توبه و بازگشت به سوی خدا، موجب نابودی شخصیت و اخلاق می‌گردد، و برعکس روی آوردن به سوی توبه با سرعت و صداقت هر چه بیشتر، باعث اصلاح و تزکیه‌ی نفس و غلبه و پیروزی بر قوای شرّ و فساد می‌باشد.

البته گاهی بعضی از اشخاص، از مشاهده‌ی آیات مربوط به طلب بخشودگی و عفو گناهان دچار اشتباه می‌شوند و می‌پندارند که عفو و بخشودگی خدا به سادگی حاصل می‌شود و هر گناهکاری که چند بار با زبان «استغفرالله» بگوید، دیگر کار تمام است و خداوند گناهان او را بخشیده است، اما به هیچ وجه این طور نیست، چرا که تمام امور الهی دارای سنت و نظم مخصوص به خود می‌باشد، لذا بخشودگی و عفو گناه نیز از نظم خاص خود پیروی می‌نماید. پس کسی که از خداوند طلب بخشودگی و توبه می‌کند باید این شرایط را رعایت کند:



- ۱- محرک توبه، باید فرمان خدا و ترس از گناه و عذاب و کیفر الهی باشد، نه وحشت از آثار اجتماعی و دنیوی آن.
- ۲- ترک گناه، اینطور که باید برای همیشه از معصیت جدا شود و بازگشتی در آن رخ ندهد.
- ۳- ندامت و پشیمانی از گناه.
- ۴- تصمیم بر ترک گناه در آینده.
- ۵- جبران گذشته.
- ۶- استغفار زبانی و پشیمانی قلبی.
- ۷- مظالم را به صاحبانش باز گرداند، و از مظلومین، حلالیت بطلبد و بر اطاعت خدا اصرار ورزد.
- ۸- در انجام کارهای خیر و اطاعت، و فرمانبرداری از اوامر و فرامین خدا و تعالیم و آموزه‌های پیامبر ﷺ و احکام و دستورات شریعت، دوام و استقامت داشته باشد.

### نهی از استغفار برای مشرکین و چندگانه‌پرستان

﴿اَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ...﴾

[التوبة: ۸۰]

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۱۱۳﴾ وَمَا كَانَ أَسْتَغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُوَ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنْ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿۱۱۴﴾﴾ [التوبة: ۱۱۳-۱۱۴]

﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ...﴾ [المنافقون: ۶]



توضیح موضوع: شرک و چندگانه‌پرستی، گناهی نابخشودنی است، و حتی استغفار پیامبر و دیگر مسلمانان برای مشرکان و چندگانه‌پرستان بی‌اثر و بی‌فایده خواهد بود، از این رو نه نماز جنازه بر جنازه‌ی کافر و مشرک درست است، و نه آمرزش‌خواهی بر او، و نه نزدیکی و خویشاوندی انسان مؤمن با کافر و مشرک درست است.

پس آموزش خواهی برای مشرکان و چندگانه پرستان درست نیست و این کاری بیهوده و آرزویی است نابجا، چرا که شرک به هیچ وجه قابل آموزش نیست و آنان که راه شرک را پوئیدند، راه نجاتی برای آنها تصور نمی‌شود زیرا همه‌ی گناهان انسان ممکن است مورد عفو و بخشش واقع شوند، ولی شرک به هیچ وجه بخشوده نمی‌شود، مگر اینکه در دنیا از آن دست بردارند و توبه کنند و موحد شوند، زیرا مشرک ارتباط خود را از خداوند به کلی بریده است و مرتکب کاری شده است که برخلاف تمام اساس ادیان و نوامیس آفرینش است.

علاوه از این، خداوند در آیات بی‌شماری، اظهار محبت و پیوند و علاقه با مشرکان را ممنوع اعلام کرده است و استغفار و طلب آموزش برای آنها، یکنوع اظهار محبت و پیوند و علاقه با مشرکان است، و نیز باید هر فرد مسلمان بداند که پیوندهای مکتبی، مهمتر از پیوندهای عاطفی است، و نباید عواطف فامیلی بر مکتب او غالب شود.

### توبه‌ی فرعون

﴿...حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ قَالَ ءَأَمِنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَأَمَنْتُ بِهِ ءَبُنُوتًا  
إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۹۰﴾ ءَأَلْتَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۹۱﴾﴾  
[یونس: ۹۰-۹۱]



### توضیح موضوع:

#### «فرعون»

فرعون، علم جنس و لقب پادشاهان قدیم مصر است. پیش از فتح مصر به دست «کمبوجیه» پادشاه ایران، بیست و شش سلسله‌ی پادشاهان بر مصر حکومت کردند که هر یک از افراد آن سلسله‌ها را فرعون و مجموع آن را «فراعنه» می‌نامند.

راجع به اصل کلمه‌ی فرعون، چهار نظر اظهار شده است:

۱- فرعون مرکب از دو کلمه باشد، یکی «فاه» که به منزله‌ی حرف تعریف است، و دیگر «راء» که به معنی خورشید می‌باشد. بنابراین فرعون، نخست نام خورشید، بزرگترین معبود ملل شرق بوده، سپس پادشاهان که خود را مظهر او می‌پنداشتند این نام را به خود داده‌اند.

۲- فرعون از لفظ «ادرو» که در زبان قبلی به معنای پادشاه است، اشتقاق یافته است، ولی این نظر برحسب قواعد اشتقاق بعید می‌نماید.

۳- فرعون، مرکب از دو کلمه است: «فارا» به معنای «قصر» و «آوه» به معنای «عالی» است، و «قصر عالی» یا «دربار» مجازاً بر خود پادشاهان اطلاق شده و با تعریب به صورت فرعون درآمده و در زبان اروپایی به صورت «فاراوه» تلفظ می‌شود.

۴- فرعون، مرکب از دو لفظ است، «فارغ» و «اون». لفظ اول به معنای «حاکم» یا «کاهن» است، چنان‌که پدرزن یوسف که «کاهن اون» بوده «فوتی فارغ» نام داشته است. و لفظ دوم «اون» نام شهری از شهرهای مصر است.

صاحبان نظر چهارم می‌گویند: کاهن و حاکم شهر «اون» وقتی بر تمام مصر حکومت یافت به آن مناسبت او و فرزندانش را فرعون نامیدند و به تدریج عنوان «فرعون» بر تمام پادشاهان قدیم مصر اطلاق گردید.

در تاریخ مذاهب، دو تن از فراعنه معروفند: اول: فرعون زمان حضرت یوسف که در تواریخ و تفاسیر اسلامی «ریان بن ولید» نامیده شده است. دوم: فرعونی که در زمان ولادت حضرت موسی بر مصر حکومت می‌کرده و در تواریخ اسلامی «قابوس بن مصعب» نامیده شده و عبرانیان او را «فرعون تسخیر» می‌نامند. و برخی او را «ولید بن مصعب» می‌نامند. [ر.ک: اعلام قرآن صص ۴۸۱-۴۸۲]

### «توبه‌ی فرعون»

چون فرعون و لشکریانش برای سرکوب کردن بنی اسرائیل و ظلم و ستم بر آنان به تعقیب آن‌ها پرداختند. با دریای نیل مواجه شدند، اما بنی اسرائیل از دریا گذشتند، ولی فرعون و لشکریانش در امواج خروشان نیل گرفتار شدند و غرقاب دامن فرعون را فرو گرفت و او همچون پیر کاهی بر روی امواج عظیم و خورشان نیل می‌غلطید، در این هنگام پرده‌های غرور و بی‌خبری از مقابل چشمان او کنار رفت و فریاد زد: «من به معبودی ایمان آورده‌ام که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند.»

ولی بدیهی است که توبه کردن و ایمان آوردن هنگام مرگ، بی‌اثر و بی‌فایده است، چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي

تُبْتُ آلْعَنَ ﴿﴾ [النساء: ۱۸]

پس توبه‌ی خلافکارانی که در آستانه‌ی مرگ توبه و اظهار پشیمانی می‌کنند، پذیرفته نیست و ایمان آوردن در لحظه‌ی نزول عذاب الهی اثری ندارد. و چنین ایمانی که به هنگام نزول بلا و گرفتار شدن در چنگال مرگ اظهار می‌شود، در واقع یکنوع ایمان اضطراری است که هر جانی و مجرم و گنهکاری دم از آن می‌زند، بی‌آنکه ارزش و اعتباری داشته باشد و یا دلیل بر تکامل و حسن نیت و صدق گفتار او گردد. به همین جهت بسیار مشاهده شده که اگر امواج بلا فرونشینند و از چنگال مرگ رهایی یابند، باز به برنامه‌های خلاف و ناهنجار و بدسابق بر می‌گردند.

### مایوس و ناامید نشدن از رحمت بی‌کران خداوند ﷻ

(چرا که یأس و ناامیدی از رحمت خدا نشانه‌ی کفر است و کسانی که به علم و قدرت و رحمت و لطف بی‌کران و نامتناهی خداوند اطمینان دارند، هرگز مایوس نمی‌شوند و یأس و ناامیدی خویش را با یاد رحمت و لطف بی‌کران خداوندی و یاد ربوبیت و الوهیت او تعالی درمان می‌کنند.)

﴿وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ ۙ﴾ [هود: ۹]  
 ﴿يَبْنِي أَدْهَبُوا فَتَحَسَبُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْتِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْتِسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ۙ﴾ [یوسف: ۸۷]  
 ﴿قَالُوا بَشْرُكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ ۗ﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ۗ﴾ [الحجر: ۵۵-۵۶]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَكْفُرُونَ بِرَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۙ﴾ [العنکبوت: ۲۳]

﴿وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِيبْهُمْ سَيْئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ۙ﴾ [الروم: ۳۶]

﴿قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۙ﴾ [الزمر: ۵۳]

﴿لَا يَسْمُ الْإِنْسَانُ مِن دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَكْفُرُ بِمَا كَفَرَ قَنُوطٌ ۙ﴾ [فصلت: ۴۹].

## «فرشتگان»

صفات و ویژگی‌های فرشتگان، و عبادت و پرستش آن‌ها، و اطاعت و فرمانبرداری آن‌ها از اوامر و فرامین و تعالیم دستورات یزدان

﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ﴾<sup>(۳۱)</sup>  
[الأعراف: ۲۰۶]

﴿وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ﴾<sup>(۳۲)</sup> يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ﴾<sup>(۳۳)</sup> [الأنبياء: ۱۹-۲۰]

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبْعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>(۳۴)</sup> [فاطر: ۱]

﴿فَالزَّجْرَاتِ زَجْرًا﴾<sup>(۳۵)</sup> فَالتَّلْبِيتِ ذِكْرًا﴾<sup>(۳۶)</sup> [الصافات: ۲-۳]  
﴿وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ﴾<sup>(۳۷)</sup> وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ﴾<sup>(۳۸)</sup> وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ﴾<sup>(۳۹)</sup>  
[الصافات: ۱۶۴-۱۶۶]

﴿وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِيْنَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>(۴۰)</sup> [الزمر: ۷۵]

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾<sup>(۴۱)</sup> [غافر: ۷]

﴿فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ﴾<sup>(۴۲)</sup> [فصلت: ۳۸]

﴿تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾<sup>(۴۳)</sup> [الشورى: ۵]

﴿وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةٌ﴾ [الحاقة: ۱۷]  
 ﴿وَالنَّزِغَاتِ عَرَقًا﴾ [النزعات: ۱-۲]



**توضیح موضوع:** ایمان از شش رکن تشکیل می‌شود همانطور که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«الایمان ان تؤمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الاخر و تؤمن بالقدر خیره و شره»

[بخاری و مسلم]، «ایمان آن است که به پروردگار و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران الهی و به روز رستاخیز و قضا و قدر - چه نیک و چه بد - باور داشته باشی.»

و خداوند می‌فرماید:

﴿كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفِرُّ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ﴾ [البقرة: ۲۸۵]  
 «همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیامبران ایمان داشته و می‌گویند: میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم و سرچشمه‌ی رسالت ایشان را یکی می‌دانیم.»  
 پس انسان مسلمان به فرشتگان خداوند ایمان دارد که گروهی از گرامی‌ترین مخلوقات و بندگان فرمانبردار اویند که لحظه‌ای از اطاعت و فرمانبرداری او سر نمی‌کشند و نافرمانی او را نمی‌کنند.

و باید دانست که «ملائکه»: مفردش «مَلَك» است. مَلَك، مأخوذ از «أَلُوكة» به معنای «رسالت» است، زیرا که ملائکه واسطه‌ی بین خداوند و بشر هستند و آنان فرستادگان و رسولان خداوند به سوی مردم‌اند. همچنان که خداوند متعال جسم انسان را از گل پخته مانند گل کوزه آفریده، و جن را از شعله‌ی آتش به وجود آورده، ملائکه را هم از نور آفریده است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِن نُّورٍ وَ خُلِقَ الْجَانُّ مِن مَّارِجٍ مِن نَّارٍ وَ خُلِقَ آدَمُ مِمَّا وُصِفَ لَكُمْ» [مسلم]، «فرشتگان از نور آفریده شده‌اند، و جن‌ها از زبانه‌ی آتش، و آدم چنان که در قرآن آمده از خاک آفریده شده است.»

بنابراین بر مسلمانان واجب است که ایمان داشته باشند که خداوند فرشتگانی دارد که بیشترین مخلوقات او را تشکیل می‌دهند و زاد و ولد نمی‌کنند؛ از این رو توصیف

آن‌ها به مذکر و مؤنث که مشرکان قریش بدان معتقد بودند، و بعضی از آن‌ها، ملائکه را دختران خدا می‌دانستند، جایز نیست، بلکه ملائکه بندگان خداوند هستند و ولادت و زایش آن‌ها از خداوند، قطعاً با عبودیت و بندگی آن‌ها قابل جمع نیست... و بدون شک وجود فرشتگان از امور غیبیه‌ای است که برای اثبات آن با این صفات و ویژگی‌ها، راهی جز ادله‌ی نقلیه نیست و به حکم ایمان به غیب، آن‌ها را باید پذیرفت. و حداکثر آنچه که منکرین وجود ملائکه می‌گویند این است که ما آن‌ها را با حواس پنجگانه درک نمی‌کنیم، زیرا ما به چیزی جز مادّیات و محسوسات ایمان نداریم. ولی جواب آن‌ها این است که ایمان به وجود چیزی، مستلزم احساس آن نیست، زیرا هر محسوسی موجود است، ولی هر موجودی محسوس نیست، مثلاً: جاذبه‌ی زمین موجود است، و بدان معتقدیم. اما آن را احساس نمی‌کنیم، و به نیروی الکتریسیته که در سیم‌های برق جریان دارد، و به ویروس‌هایی که با میکروسکوپ دیده نمی‌شوند و علم طب از وجود آن‌ها خبر می‌دهد، اعتقاد داریم در حالی که هیچ کدام را حس نمی‌کنیم، و نیز به وجود عقل باور داریم و حال آنکه قابل حس نیست، پس نهایت امر این است که ما اثر جاذبه را در اشیاء به طور مستقیم، و اثر الکتریسیته را در لامپ و دیگر وسایل برقی، و اثر بیماری را در جسم و روان، و آثار عقل را در رفتار و گفتار می‌بینیم، پس مجالی برای انکار وجود ملائکه نیست، زیرا به اتفاق مسلمانان انکارشان کفر است.

قرآن مجید، ویژگی‌های آن‌ها را چنین می‌شمرد:

- ۱- تعداد آن‌ها به قدری زیاد است که به هیچ وجه قابل مقایسه با انسان نیست.
- ۲- فرشتگان موجوداتی عاقل و با شعور و شنوا و گویا، و بندگان گرامی و مقرب خدا هستند. [انبیاء / ۲۶]
- ۳- فرشتگان سر بر فرمان خدا دارند و هرگز معصیت و نافرمانی او نمی‌کنند. [انبیاء / ۲۷]
- ۴- آن‌ها وظایف مهم و بسیار متنوعی از سوی خداوند بر عهده دارند.
- ۵- آن‌ها پیوسته مشغول تسبیح و تقدیس و تعریف و تمجید و تنزیه و تحمید خداوند هستند. [شوری / ۵]
- ۶- آن‌ها مقامات مختلف و مراتب متفاوت دارند؛ بعضی همیشه در رکوعند و بعضی همیشه در سجود [صافات / ۱۶۴-۱۶۶]

- ۷- ملائکه اجسام هستند، به دلیل انتقال آنان از محلی به محل دیگر، و آن‌ها اجسامی هستند که در شرایط عادی قابل رؤیت نیستند و آفریده شدن ملائکه از نور موجب گردیده که اجسامی نورانی و نامرئی باشند و در شرایط عادی و برای مردمان عادی، قابل رؤیت نباشند، اما در شرایط غیر عادی (شبيه تبدیل انرژی به ماده) آن اجسام نورانی به اجسام مادی مبدل می‌شوند و قابل رؤیت می‌گردند، چنان‌که برای مریم، ابراهیم و پیامبر اکرم ﷺ این اتفاق افتاد.
- ۸- فرشتگان چون مانند انسان‌ها مرگ و فنا ندارند، پس لازم نبوده توالد و تناسل داشته باشند، و چون توالد و تناسل ندارند، پس نر و ماده هم ندارند، ولی در حال تجسم، به صورت مردان در آمده‌اند. مثلاً هنگامی که در منزل لوط تجسم یافته بودند، به صورت پسران جوان درآمده بودند.
- ۹- فرشتگان چون اجسام نورانی هستند، و مانند انسان و بقیه‌ی جانداران، اجسام مادی نیستند که بر اثر اصطکاک و فعل و انفعالات دیگر، کاستی و کمی در آن‌ها ایجاد گردد، پس نیاز به تغذیه ندارند و مانند جانداران راه رشد و تکامل را نمی‌پیمایند بلکه در آغاز امر به صورت کامل آفریده می‌شوند و به همین خاطر بود که در منزل ابراهیم گوشت گوساله‌ی بریان شده را میل نکردند.

### وظایف فرشتگان

- وظایفی که نصّ آیه‌های قرآن به ملائکه نسبت داده است، دو نوع هستند: یک نوع مربوط به انسان، و نوع دیگری مربوط به بقیه‌ی جهان هستی می‌باشند.
- نوع اول (وظایف فرشتگان مربوط به انسان) دارای چندین قسم است:
- ۱- محافظت از انسان در برابر حوادث و سوانحی که حکم تحقق آن‌ها از جانب پروردگار صادر نگشته است [رعد / ۱۱]
  - ۲- نگارش بسیار دقیق گفتار و کردار انسان‌ها [ق / ۱۸، انفطار / ۱۲]
  - ۳- رساندن امدادهای غیبی به بندگان خدا [انفال / ۹، آل عمران / ۱۲۳-۱۲۶]
  - ۴- درخواست مغفرت و آمرزش برای مؤمنان [احزاب / ۴۳]
  - ۵- درود فرستادن بر پیامبر اکرم ﷺ [احزاب / ۵۶]
  - ۶- گرفتن جان انسان‌ها اعم از کافر و مؤمن و پرهیزگار و بزهکار [سجده / ۱۱]



۷- دادن مزدهی ورود به بهشت و پایان یافتن غم و غصه به مؤمنان مقاوم و پایدار، در هنگام مرگ [فصلت / ۳۰-۳۳، نحل / ۳۲]

۸- عذاب دادن ستمگران در حال گرفتن جان آنان [انعام / ۹۳ - انفال / ۵۰-۵۱]

۹- سوق دادن کافران به سوی دوزخ و انداختن آن‌ها به دوزخ همراه با توبیخ و عتاب [زمر / ۷۱-۷۲]

۱۰- مأموریت عذاب دادن دوزخیان [تحریم / ۶]

۱۱- هدایت کردن پرهیزگاران و متقیان به صورت گروه گروه به سوی بهشت و وارد کردن آنان با درود و سلام به بهشت و دادن مزدهی جاودانه بودن آن زندگی [زمر / ۷۳، رعد / ۲۳-۲۴]

نوع دوم: (وظایف فرشتگان نسبت به بقیه‌ی جهان هستی نیز دارای چندین قسم است:

۱- حمل عرش (مقر حاکمیت مطلق آفریدگاری) [غافر / ۷، الحاقه / ۱۷]

۲- حلقه زدن به دور عرش خدا در حال تسبیح و ستایش خدا [زمر / ۷۵]

۳- اوج گیری حیرت انگیز فرشتگان [معارج / ۴]

**عروج و نزول فرشتگان (بالا رفتن به آسمان و پائین آمدن از آن) و نازل کردن کتاب‌های آسمانی از جانب خداوند بر پیامبران الهی**

﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۳﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۳۴﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ

الْمُنذِرِينَ ﴿۳۵﴾﴾ [الشعراء: ۱۹۲-۱۹۴]

﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ

مِمَّا تَعُدُّونَ ﴿۵﴾﴾ [السجدة: ۵]

﴿يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ

الرَّحِيمُ الْعَفُورُ ﴿۲﴾﴾ [سبا: ۲]

﴿...يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا

وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۴﴾﴾ [الحديد: ۴]

﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿۱۱﴾﴾ [المعارج: ۴]

﴿فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿۱۳﴾ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿۱۴﴾ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿۱۵﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿۱۶﴾﴾ [عبس: ۱۳-۱۶]

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾﴾

[التکویر: ۱۹-۲۱]

﴿تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّن كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾﴾ [القدر: ۴]

\*\*\*

**توضیح موضوع:** باید دانست که تکمیل ایمان به نبوت و آشنا کردن انسان‌ها، از مهم‌ترین و متداولترین شیوه‌ی ارتباط کلامی و ارتباط قولی آفریدگار منزّه و دارای کمال مطلق با پیامبرانش از راه ایمان به فرشتگان (آن موجودهای نامرئی و باشعور که رابط بین خدا و پیامبران بوده و پیام‌های خدا را برای پیامبرانش آورده‌اند) می‌باشد. وجه تسمیه و نامگذاری آن مأموران نامرئی پروردگار به «ملائکه» نیز مناسب است، زیرا ملائکه، جمع «ملئک» که از راه تخفیف همزه به «ملک» تبدیل می‌گردد، و «ملک» از ریشه‌ی «الک و الوکة» است، و «الوک» هم به معنای «نامه» و هم به معنای «فرستاده و پیام‌رسان» می‌باشد.

ایمان به ملائکه به عنوان اینکه رابط بین خدا و پیامبرانش بوده و پیام‌های خدا را برای پیامبرانش آورده‌اند، پایه و اساس ایمان به پیامبران و کتاب‌های خداست. و به همین جهت در آیه‌ی ۱۷۷ سوره‌ی بقره: ﴿وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾، و همچنین در آیه‌ی ۲۸۵ سوره‌ی بقره: ﴿وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ﴾، ملائکه را بر کتاب‌های آسمانی و پیامبران الهی مقدم نموده است. و در آیه‌ی ۷۵ سوره‌ی حج، فرشتگان فرستاده و پیام‌آور را طبقه‌ی برگزیده نشان داده است:

﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ﴾ [ار.ک: سیر تحلیلی کلام اهل

سنت ص ۵۷۶]

**برخی از فرشتگان رسول و پیام‌آور (و رابط بین خدا و پیامبران الهی) است**

﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ [الحج: ۷۵]

\*\*\*

**توضیح موضوع:** چنان‌که قبلاً نیز گفته شد، فرشتگان دارای مقامات مختلف و مراتب متفاوت هستند، و فرشتگان خداوند یکسان نیستند، هم مقام آنان تفاوت دارد و

هم مسئولیت آنان. مقام بعضی مانند: جبرئیل و میکائیل و عزرائیل از سایرین برتر است. و فرشتگانی که به عنوان رابط بین خدا و پیامبران هستند و پیام‌های خدا را برای پیامبران می‌آورند، از جایگاه برتری برخوردارند.

### فرشتگان و نگارش و ثبت و ضبط بسیار دقیق گفتار و کردار انسان‌ها

﴿...قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ﴾ [یونس: ۲۱]

﴿أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلَنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ﴾ [الزخرف: ۸۰]

﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الجنات: ۲۹]

﴿إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿۷﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ

رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿۱۸﴾﴾ [ق: ۱۷-۱۸]

﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ﴿۲۱﴾﴾ [ق: ۲۱]

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿۱۱﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾﴾ [الانفطار: ۱۰-۱۲]



توضیح موضوع: بدون شک خداوند متعال قبل از هر کس و بهتر از هر کس، شاهد و ناظر اعمال و کردار و گفتار و حرکات و سکنت آدمی است، ولی برای تأکید بیشتر و احساس مسئولیت فزونتتر، مراقبان زیادی بر انسان گمارده است، از قبیل: فرشتگانی که مأمور ثبت و ضبط بسیار دقیق گفتار و کردار انسان‌ها هستند، و پیامبران و اولیاء که در روز قیامت گواهی می‌دهند و اعضاء و جوارح انسان و دست و زبان و پای انسان و پوست تن انسان، و زمینی که انسان روی آن زندگی می‌کند و اطاعت و گناه از او سر می‌زند.

به هر حال خداوند متعال، مأمورانی مراقب هر انسان کرده که اعمال او را اعم از نیک و بد می‌نویسند، و نامه‌ی اعمال را برای روز جزاء آماده می‌کنند.

این مأموران مراقب و نگهبان، دو فرشته هستند که در طرف راست و چپ انسان، عمل و رفتار انسان را ثبت و ضبط می‌کنند، و وقتی که انسان ایمان داشته باشد که همیشه تحت مراقبت مأمورین آگاه و آماده و مسلط الهی است، و تمام حرکات و سکنت و گفتار و کردار او به وسیله‌ی آن‌ها نوشته می‌شود، بدون شک خود را کنترل می‌کند و از کارهای ناپسند و بد پرهیز می‌نماید و به سوی خدا و اوامر و فرامین تعالی

بخش او و تعالیم و آموزه‌های سعادت آفرین پیامبرش، و احکام و دستورات تابناک شریعتش، و حقایق و مفاهیم والای قرآنش، روی می‌آورد.

**فرشتگان و محافظت از انسان در برابر حوادث و سوانحی که حکم تحقق آن‌ها از جانب پروردگار صادر نگشته است**

﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً...﴾ [الأنعام: ۶۱]

﴿لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَكَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ...﴾ [الرعد: ۱۱]



**توضیح موضوع:** چنان‌چه قبلاً نیز گفتیم، قرآن کریم، وظایف و مسئولیت‌های بی‌شماری را به ملائکه نسبت داده است که یکی از آن وظایف، محافظت از انسان در برابر حوادث و سوانحی است که حکم تحقق آن‌ها از جانب پروردگار صادر نگشته است. و خداوند به گروهی از فرشتگان مأموریت داده که در شب و روز به طور متناوب به سراغ انسان‌ها بیایند و از پیش رو و پشت سر نگهبان و حافظ او باشند، چرا که انسان در زندگی خود در معرض آفات و بلاهای زیاد، و حوادثی از درون و برون، و انواع بیماری‌ها و میکروب‌ها، و انواع حادثه‌ها و خطرات زمینی و آسمانی مواجه می‌شود، مخصوصاً در هنگام کودکی؛ و این فرشتگان الهی هستند که مأمور حفظ جان انسان و ثبت کارهای او هستند، و از آنان در برابر خطراتی که مورد اراده‌ی حتمی خداوند نیست محافظت می‌نمایند، البته همینکه اراده‌ی قطعی خداوند رسید، فرشتگان محافظ، مأموریت حفاظت را رها و انسان را به دست اجل حتمی و قطعی الهی می‌سپارند، بنابراین امر و فرمان خداوند دو گونه است: حتمی و غیر حتمی (قضا و قدر) و فرشتگان فقط انسان را از حوادث غیر حتمی حفظ می‌کنند، بدیهی است که این حفاظت باعث سلب اختیار از انسان نمی‌شود، و سرنوشت انسان‌ها و امت‌ها همچنان در اختیار خود آن‌هاست.

**آفرینش آدم عليه السلام و سجده‌ی فرشتگان بر او**

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ

فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

[البقرة: ۳۰]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۳۴]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾ [الأعراف: ۱۱]

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّن صَلْصَلٍ مِّن حَمَإٍ مَّسْنُونٍ﴾ [۱۸] ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ [۱۹] ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾ [۳۰] ﴿إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾ [الحجر: ۲۸-۳۱]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا﴾ [الإسراء: ۶۱]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَن أَمْرِ رَبِّهِ...﴾ [الكهف: ۵۰]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ﴾ [طه: ۱۱۶]

﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّن طِينٍ﴾ [۷۱] ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ [۷۲] ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾ [۷۳] ﴿إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ [ص: ۷۱-۷۴]



توضیح موضوع: سجده در لغت به معنای: فروتنی و تذلل و تواضع و کرنش در برابر کسی است. و در اصطلاح شرع: نهادن پیشانی بر زمین برای عبادت یا اظهار فروتنی است.

به هر حال شک نیست که سجده به معنای «پرستش» برای خدا است، چرا که در جهان هیچ معبودی جز خدا نیست، و معنی «توحید عبادت» نیز همین است که غیر از خدا را پرستش و عبادت نکنیم.

بنابراین جای تردید نخواهد بود که فرشتگان برای آدم علیه السلام «سجده‌ی پرستش» نکردند، بلکه سجده برای خدا بود، ولی به خاطر آفرینش چنین موجود شگرفی (به نام آدم علیه السلام).

و سجده بر آدم، چون به فرمان خدا بود، در واقع بندگی و عبودیت خدا است، زیرا عبادت واقعی، عملی است که خداوند بخواهد، نه آنکه طبق میل ما باشد. البته علماء گفته‌اند: سجده کردن برای خداوند متعال به شیوه‌ی عبادت، و برای غیر وی به شیوه‌ی گرامی داشت و تحیت است، همچون سجده‌ی فرشتگان برای آدم و سجده‌ی برادران یوسف برای وی. خلاصه این که امت اسلام، اتفاق نظر دارند بر این که سجده‌ی فرشتگان برای آدم، نه سجده‌ی عبادت و تعظیم، بلکه سجده‌ی تحیت و گرامیداشت بود. و یا اینکه سجده برای آدم علیه السلام کردند، اما سجده به معنای «خضوع» بوده نه «پرستش».

### فرشتگان و گرفتن جان انسان‌ها (اعم از کافر و مؤمن و پرهیزکار و بزهکار)

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ...﴾ [النساء: ۹۷]  
 ﴿...حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْقِرُونَ﴾ [الأنعام: ۶۱]  
 ﴿...وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ [الأنعام: ۹۳]

﴿...حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾ [الأعراف: ۳۷]  
 ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ [الأنفال: ۵۰]

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّيْنَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْنَا مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءِ بِلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۲۸]

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّيْنَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۳۲]

﴿قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ [السجدة: ۱۱]  
 ﴿فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهُهُمْ وَأَدْبِرَهُمْ﴾ [محمد: ۲۷]

فرشتگان و امدادهای غیبی برای مسلمانان در برخی از غزوات و جنگ‌ها (مانند جنگ «بدر» و «أحد»)

﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آئِلَاتٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ﴾ [آل عمران: ۱۲۴-۱۲۵]  
 ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ﴾ [الأنفال: ۹]

﴿إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ [الأنفال: ۱۲]

### ایمان به فرشتگان

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهُكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالتَّبِيعِينَ...﴾ [البقرة: ۱۷۷]  
 ﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ...﴾ [البقرة: ۲۸۵]



توضیح موضوع: فلسفه‌ی ایمان به فرشتگان این است که ایمان به فرشتگان موجب اعتقاد به آخرت می‌شود، چون کسی که ایمان به فرشتگان داشته باشد، حتماً به این هم معتقد است که زندگی و حیات دیگری برای انسان وجود دارد، و لازم است با انجام کارهای خیر و به کارگیری استعدادهای خدادادی، خود را برای رو به رو شدن با آن آماده سازد. و هدف اصلی از لزوم ایمان به فرشتگان، ترقی و پیشرفت انسان به بالاترین کلماتی است که خداوند برای او میسر نموده است، به همین دلیل است که دین اسلام، ایمان به فرشتگان را یکی از اصول دین قرار داده است و منکر آن را کافر می‌داند.

عبدالله احمدیان رحمته می گوید: «سومین رکن از ارکان پنجگانه‌ی ایمان قرآنی، ایمان به ملائکه و فرشتگان است. همواره از بحث ایمان به ملائکه که از همان آغاز، در عقاید دینی به میان آمده و به عنوان رکنی از ارکان ایمان دینی اسلام قرار گرفته، همواره از آن دو امر منظور بوده است:

**اول:** تکمیل خدانشناسی و آگاهی از گروه بشمارای از مأمورین و کارگزاران نامرئی، توانا، دانا، شنوا و گویای دستگاه عظیم آفریدگاری که همراه تسبیح و تقدیس آفریدگار، چرخ حرکت و تحولات تمام اجزای جهان هستی را از جاندار و بی جان و از ریزترین اجزای اتم تا عظیم‌ترین اجزای منظومه‌ها و کهکشان‌ها و شهرهای نجومی، به گونه‌ی عالمانه، مدبرانه و محاسبه شده، می چرخانند.

**دوم:** آگاهی از شیوه‌ی ارتباط‌های قولی و کلامی آفریدگار با پیامبرانش به واسطه‌ی موجودهای شریفی که به عنوان رابط، پیام‌های خدا را برای پیامبرانش آورده‌اند». [ر.ک: سیر تحلیلی کلام اهل سنت ص ۵۶۷]

**نهی از دشمنی کردن با فرشتگان، و نهی از اینکه کسی بگوید که فرشتگان ماده (یا نر) هستند، و یا فرشتگان دختران خدا و یا فرزندان حق تعالی هستند**

﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۹۸]

﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ﴾ [النحل: ۵۷]

﴿أَفَأَصْفَقَكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا﴾ [الإسراء: ۴۰]

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۲۶﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾﴾ [الأنبياء: ۲۶-۲۷]

﴿فَأَسْتَفْتِيهِمَ أَلِربِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿۱۹﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿۲۰﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿۱۵﴾ وَلَدَ اللَّهِ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۵۲﴾﴾ [الصافات: ۱۴۹-۱۵۲]

﴿وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿۱۹﴾﴾ [الزخرف: ۱۹]



﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَى﴾ [النجم: ۲۷]



توضیح موضوع:

### «نهی از دشمنی کردن با فرشتگان»

مفسرین می‌گویند: هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه‌ی منوره آمد، روزی «ابن‌صوریا» (یکی از علمای یهود) با جمعی از یهودیان نزد پیامبر اسلام آمدند و سئوالات گوناگونی از حضرتش کردند، و نشانه‌هایی را که گواه نبوت و رسالت او بود، جستجو نمودند، از جمله گفتند: ای محمد! خواب تو چگونه است؟ زیرا به ما اطلاعاتی درباره‌ی خواب پیامبر موعود داده شده است. پیامبر ﷺ فرمود:

«تَنَامُ عَيْنَايَ وَقَلْبِي يَقْظَانُ»

یعنی: چشم من به خواب می‌رود، اما قلبم بیدار است.

گفتند: راست گفتی ای محمد. و پس از سئوالات متعدد دیگر، ابن‌صوریا گفت: یک سؤال باقی ماند، که اگر آن را صحیح جواب دهی به تو ایمان می‌آوریم، و از تو پیروی خواهیم کرد؛ نام آن فرشته‌ای که بر تو نازل می‌شود چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: جبرئیل است. ابن‌صوریا گفت: او دشمن ما است که دستوره‌ای مشکل درباره‌ی جهاد و جنگ می‌آورد، اما میکائیل همیشه دستوره‌ای ساده و راحت آورده، و اگر فرشته‌ی وحی تو، میکائیل بود، به تو ایمان می‌آوردیم.

ولی فرشتگان، دوستان و اولیای خدا هستند و هر کس با اولیای خدا و سپاهیان‌ش دشمنی کند، بی‌گمان با خدای سبحان دشمنی کرده و به او کفر ورزیده است. خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: «مَنْ عَادِي لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْحَرْبِ»، هر کس با دوستی از دوستان من دشمنی کند، قطعاً با من اعلام جنگ داده است.

### «فرشتگان نر و ماده ندارند»

چون فرشتگان مانند انسان‌ها مرگ و فنا ندارند، پس لازم نیست که توالد و تناسل داشته باشند، و چون توالد و تناسل ندارند، پس نر و ماده هم ندارند، ولی در حال تجسم، به صورت مردان درآمده‌اند، مثلاً هنگامی که در منزل حضرت لوط عليه السلام تجسم یافته بودند، به صورت پسران جوان درآمده بودند، و همچنین در حدیثی که حضرت

عمر فاروق روایت می‌کند، جبرئیل به صورت مردی سیاه مو، و سفید جامه در محضر پیامبر اسلام ظاهر گردیده است.

### «فرشتگان دختران یا فرزندان خدا نیستند»

این سخن که خداوند فرزندی از فرشتگان دارد، بدون شک زائیده‌ی افکار ناتوان انسان‌هایی است که خدا را در همه چیز با وجود محدود خودشان مقایسه می‌کردند. انسان به دلائل مختلفی نیاز به وجود فرزند دارد: از یکسو عمرش محدود است و برای ادامه‌ی نسل، تولد و فرزند لازم است، و از سوی دیگر، قدرت او محدود است و مخصوصاً به هنگام پیری و ناتوانی نیاز به معاونانی دارد که به او در کارهایش کمک کند، و از سوی سوم، جنبه‌های عاطفی و روحیه‌ی انسانی، ایجاب می‌کند که انسان مونس‌ی در محیط زندگی خود داشته باشد که آن هم به وسیله‌ی فرزندان تأمین می‌گردد، بدیهی است هیچ یک از این امور در مورد خداوندی که آفریننده‌ی عالم هستی و قادر بر همه چیز و ازلی و ابدی است، مفهوم ندارد؛ به علاوه داشتن فرزند و دختر از فرشتگان، لازمه‌اش جسم بودن است که خدا از آن نیز منزّه و پاک می‌باشد.

نهی از عبادت و پرستش فرشتگان، و اینکه کسی آن‌ها را به عنوان پروردگاری و خدایی خود گیرد (منظور مشرکان عربی جاهلی است که فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند و نوعی ربوبیت و پروردگاری برای آن‌ها قائل بودند و با این حال خود را پیرو آئین ابراهیمی معرفی می‌کردند)

﴿وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ

مُسْلِمُونَ ﴿۸۰﴾ [آل عمران: ۸۰]

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهُنَّوَلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿۴۰﴾ قَالُوا

سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿[سبأ: ۴۰-۴۱].﴾

## فرشتگانی که محافظ و نگهبان دوزخ اند

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾﴾ [الزمر: ۷۱]

﴿وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾﴾ [غافر: ۴۹]

﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا...﴾ [المدثر: ۳۰-۳۱]



**توضیح موضوع:** خداوند ﷻ بر دوزخ نوزده کس از فرشتگان گمارده است که نگهبانان و محافظان آن می‌باشند. به قولی از مفسرین: مراد، نوزده صنف از اصناف فرشتگان است. و برخی نیز می‌گویند: که این نوزده کس، رؤسا و سرگروه‌های فرشتگان برگمارده بر امر عذاب‌اند، اما شمار تمام آن‌ها را هیچ عبارت و لفظ بشری‌ای به تصویر نمی‌تواند بکشد، چرا که خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾ [المدثر: ۳۱]

«لشکرهای پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند».

امام فخر رازی در تفسیر «کبیر» می‌گوید: «عدد ۱۹ که تعداد مأموران دوزخ است از چند راه موجب یقین اهل کتاب و مسلمانان می‌شود:

الف) چون همین عدد در کتاب‌های آسمانی قبلی، یعنی تورات و انجیل آمده است. اهل کتاب گفتند: یک نفر درس نخوانده (چون محمد ﷺ) چگونه از آن آگاه شده است؟ پس حتماً به او وحی می‌شود.

ب) ایمان اهل کتاب به حقایق قرآن، سبب زیاد شدن ایمان مسلمانان می‌شود.

ج) این که تعداد مأموران دوزخ ۱۹ نفر باشد، برای بعضی سبب مسخره و تعجب می‌شود، و انسان به طور معمول چیزی نمی‌گوید که مردم به او بخندند، اکنون که قرآن این عدد را به عنوان تعداد مأموران دوزخ ذکر کرده است، معلوم می‌شود که این کلام از وحی سرچشمه می‌گیرد.»

---

در تاریخ آمده است: هنگامی که ابوجهل شنید که دوزخ نوزده مأمور دارد به یارانش گفت: هر ده نفر از شما یکی از آنها را مغلوب کند، یکی از زورمندان قریش گفت: من هفده نفر آنها را مغلوب می‌کنم، و شما دو نفر دیگر را مغلوب کنید!

## «جَنِّ»

### آفرینش جنیان از آتش

﴿وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ﴾ [الحجر: ۲۷]

﴿وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ﴾ [الرحمن: ۱۵]

\*\*\*

توضیح موضوع:

### «جن»

گروهی از آفریدگان عاقل و باشعور خداوند هستند که دیده نمی‌شوند و از آتش آفریده شده‌اند. خداوند می‌فرماید:

﴿وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ﴾ [الرحمن: ۱۵]

«و جن را از زبانه‌ی شعله‌ور آتش خلق نموده است.»

جن‌ها دارای نر و ماده بوده و زاد و ولد دارند و برخی کافر و برخی دیگر مسلمان‌اند. و جن‌ها می‌توانند خود را به هر شیوه‌ای که بخواهند درآورند.

و خود واژه‌ی «جن» اسم جنس است که در مفهوم «پوشیده و نادیدنی» به کار می‌رود و رابطه‌ی مستقیمی با «جنین» نطفه‌ی منعقد شده در رحم، و «جنان» در معنی «بهشت» که آن هم بیرون از مدار حس و غیردیدنی است، و «جنان» در معنی «قلب، دل، درون، تاریکی و شب» استعمال می‌شود که دیدنی نیستند.

برای جنیان، مشخصات و ویژگی‌های زیادی در قرآن ذکر شده است که مهمترین آن‌ها عبارتند از:

۱- جن موجودی است که از شعله‌ی آتش آفریده شده است، برخلاف انسانکه از

خاک، و برخلاف فرشتگان که از نور آفریده شده‌اند. [رحمن / ۱۵]

۲- جن دارای علم و ادراک و تشخیص حق از باطل، و قدرت منطق و استدلال

است [سوره‌ی جن]

- ۳- جن گروهی نامرئی و ماورائی‌اند که به عبادت و تکلیف، مکلف و مجبورند و در جهان خود و قیامت همانند انسان در برابر اعمالشان مسئولیت تام دارند [ذاریات / ۵۶، و سوره‌های جنّ و رحمن]
- ۴- گروهی از آن‌ها مؤمن صالح، و گروهی کافر و بزهکارند [جن / ۱۱]
- ۵- آن‌ها نیز دارای حشر و نشر و معادند [جن / ۱۵]
- ۶- جهان جنّ، بسیار وسیع و شگفت‌انگیز است، و جنیان مانند انسان‌ها از فرهنگ و تمدن ویژه‌ای برخوردارند و دوران‌هایی بس طولانی بر آن‌ها گذشته است، و اگر چه سیستم وجودشان چنان است که در حالات طبیعی برایمان قابل رؤیت نیستند، اما به گفته‌ی قرآن، آثار فرهنگ و اندیشه‌های ضد توحیدی و نادرست گروهی از آنان بر جوامع بشری سایه انداخته است و این حرکت منفی در خط حیات بشری همچنان ادامه و استمرار دارد.
- ۷- آن‌ها قدرت نفوذ در آسمان‌ها و خبرگیری و استراق سمع داشتند، ولی بعدها (پس از بعثت حضرت محمد ﷺ) ممنوع شدند. [جن / ۹]
- ۸- آن‌ها با بعضی انسان‌ها، ارتباط برقرار می‌کردند و با آگاهی محدودی که نسبت به بعضی از اسرار نهانی داشتند، به اغوای انسان‌ها می‌پرداختند. [جن / ۶]
- ۹- خلقت و آفرینش آن‌ها در روی زمین قبل از خلقت انسان‌ها بوده است [حجر / ۲۷]
- ۱۰- طبقات جن نیز از دو جنس زن و مرد و زوجین مختلفین ساخته شده‌اند و دارای مرد و زن، عشیره، قبائل، طوائف، امم و ملل می‌باشند، و در این میان برخی بر برخی دیگر ریاست دارند و در میان آنان اختلافات فراوان در جهات گوناگون یافت می‌شود [سوره‌ی جن / ۶-۷]
- ۱۱- جهان جنّ، دنیای احساس و شعور و ادراک و آگاهی است، زیرا داشتن مسئولیت و بازخواست، بدون قوه‌ی انتخاب و ادراک و احساس معنایی نخواهد داشت، و جنیان درباره‌ی اعمال و رفتارشان مورد سؤال قرار می‌گیرند، و بدیهی است مسئول بودن، بدون آزادی عمل و علم، امکان ندارد.
- ۱۲- دانش جنیان محدود است، و اگر چه جنیان از نظر انسان‌ها، ماورائی و غیبی‌اند ولی آن‌ها نیز از بسیاری از پدیده‌ها و معلومات جهان بی‌پایان خلقت، بی‌اطلاع‌اند و در کارها اشتباه و خیانت می‌کنند و از چگونگی عالم آخرت جز از راه وحی آگاهی ندارند [سبأ / ۱۴]

به هر حال مردم عوام و ناآگاه، خرافات زیادی درباره‌ی این موجود، ساخته‌اند که با عقل و منطق جور در نمی‌آید، و به همین جهت یک چهره‌ی خرافی و غیر منطقی به این موجود داده که وقتی کلمه‌ی «جَن» گفته می‌شود، مشت‌ی خرافات نیز با آن تداعی می‌شود، از جمله اینکه آن‌ها با اشکال غریب و عجیب و وحشتناک و موجوداتی دم دار و سم‌دار، موذی و پرآزار، کینه‌توز و بدرفتار که ممکن است از ریختن یک ظرف آب داغ در یک نقطه‌ی خالی، خانه‌هایی را به آتش کشند، و موهومات دیگری از این قبیل. ولی باید دانست که وجود جَن حتمی و قطعی است، ولی ما چیزی از نحوه‌ی زندگی و ماهیت ایشان - جز آنچه قرآن و حدیث فرموده‌اند - نمی‌دانیم، لیکن باید انسان مؤمن به دنبال خرافات و موهومات راه نرود و ناآگاهانه افسانه‌هایی را درباره‌ی ایشان از خود نبافد.

### سایر آیاتی که در شأن جَن وارد شده است

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ﴾ [الأنعام: ۱۰۰]

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا...﴾ [الأنعام: ۱۱۲]

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَمَعَشَرَ الْجِنَّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَلَكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [۱۳۸]

﴿بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [۱۳۹] يَمَعَشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾ [الأنعام: ۱۲۸-۱۳۰]

﴿قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا آدَارُكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَبْتُمْ وَأَنْتُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصَلُّونَا فَعَاتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۸]

﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ  
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ [هود: ١١٩]

﴿قُلْ لِّينِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ  
وَلَوْ كَانُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ [الإسراء: ٨٨]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ  
أَمْرِ رَبِّهِ...﴾ [الكهف: ٥٠]

﴿قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ  
مُؤْمِنُونَ﴾ [سبا: ٤١]

﴿وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ﴾ [سبحن  
الله عما يصفون] [الصفات: ١٥٩-١٥٨]

﴿وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي  
أَمْرِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ﴾ [فصلت: ٢٥]

﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا  
فُضِيَ وَلَوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ﴾ [قالوا يَقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى  
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ] [يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ  
وَعَامِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ الْعِيرِ] [وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ  
اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ] [الأحقاف: ٢٩-٣٢]

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاريات: ٥٦]

﴿يَلْمِزُوا الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
فَأَنْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ [الرحمن: ٣٣]

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ﴾ [الرحمن: ٣٩]

﴿قُلْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى  
الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا﴾ [وَأَنَّهُ تَعَلَّى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا



وَلَدَا ۝ وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ۝ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّن نَقُولَ الْإِنسَ وَالْجِنَّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ۝ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ۝ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَأَتًا حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ۝ وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِلسَّمْعِ فَمَن يَسْمِعْ آلَانَ يَجِدْ لَهُوْ شِهَابًا رَّصَدًا ۝ وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۝ وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا ۝ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّن نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُعْجِزَهُ هَرَبًا ۝ وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ ؕ فَمَن يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۝ وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَلِيسُطُونَ فَمَن أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ۝ وَأَمَّا الْقَلِيسُطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝ وَالْوَالِدُ يَسْتَقِيمُ عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَّاءً غَدَقًا ۝ لَفَتْنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۝ ﴿الجن: ١-١٩﴾

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝١ مَلِكِ النَّاسِ ۝٢ إِلَهِ النَّاسِ ۝٣ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝٤ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝٥ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝٦﴾ ﴿الناس: ١-٦﴾

### جَنِّيَانِ دَر خِدْمَتِ سَلِيمَانَ پِيَامِبِرِ ﷺ

﴿وَحِشْرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ۝٧﴾ ﴿النمل: ١٧﴾  
 ﴿قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ ۖ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ۝٣٩﴾ ﴿النمل: ٣٩﴾

﴿... وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ؕ وَمَن يَزِغْ مِنْهُم عَن أَمْرِنَا نُدْفِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ۝١٧ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْحِجَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَتٍ أَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ ۝١٨ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ ؕ إِلَّا دَابَّةٌ مِنَ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِن سَائِغَتِهِ ؕ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ۝١٩﴾ ﴿سبا: ١٢-١٤﴾

﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ﴾ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ  
وَعَوَّاصٍ ﴿٣٧﴾ وَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾ [ص: ۳۶-۳۸]



توضیح موضوع: تسلط و قدرت بر جنیان که فراحسی و فرازمینی و فراسوی و ماورایی هستند، فقط از طریق معجزه برای حضرت سلیمان امکان پذیر بود، و طبقات جن در شرایط خاصی به حکم خداوند متعال برای سلیمان علیه السلام، قابل رؤیت و در خدمت او بودند.

قرآن کریم با آیاتی فصیح و بلیغ به این نکات اشاره می کند:

- ۱- سلیمان علیه السلام لشکریانی از جن و انس و پرنده در اختیار داشت و آن ها را به خدمت خویش می گرفت. [نمل / ۱۷]
  - ۲- گروهی از جنیان برای سلیمان علیه السلام کار می کردند و به عنوان عمله، اوامر و فرامین او را انجام می دادند. [سبأ / ۱۲]
  - ۳- جنیان باهنر خاص خود و قدرت تفکر، و توانائی های فراوان بدنی خویش، در امور ساختمانی و کارهای تزئینی و موارد دیگر در خدمت حضرت سلیمان علیه السلام بودند و برای او انجام وظیفه می کردند [سبأ / ۱۳]
  - ۴- جنیان در دریاها و اقیانوس ها غواصی می کردند و برای سلیمان مرواریدها بیرون می آوردند [ص / ۳۷]
  - ۵- جنیان در اسارت سلیمان بودند و مدتها از فوت آن بزرگ مرد آگاهی نداشتند تا خود را از این وضع آزاد کنند [سبأ / ۱۴، ص / ۳۸]
- و در مرگ سلیمان علیه السلام دو نکته ی مهم نهفته شده است: یکی اینکه: جنیان به فرمان خدا در اسارت سلیمان بودند، و از روی اجبار و اکراه برای او کار می کردند، دیگر اینکه: جنیان نیز مانند بشر به بسیاری از اتفاقات و جریان ها آگاهی و اطلاع نداشته اند.

## «شیطان»

واجب است که از شر شیطان به خدا پناه برده شود

﴿وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَافٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٣١﴾﴾ [الأعراف: ۲۰۰-۲۰۱]

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٨٨﴾ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩١﴾ إِنَّمَا سُلْطَنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿٩٣﴾﴾ [النحل: ۹۸-۱۰۰]

﴿وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونَ ﴿٩٨﴾﴾ [المؤمنون: ۹۷-۹۸]

﴿وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾﴾ [فصلت: ۳۶]



توضیح موضوع:

### «شیطان»

این کلمه از ماده‌ی «شطن» گرفته شده و «شاطن» به معنای: «خبیث و پست» آمده است. و شیطان به موجود سرکش و متمرد اطلاق می‌شود اعم از انسان و یا جن و یا جنبنندگان دیگر. و به معنای «روح شرور و دور از حق» نیز آمده است که در حقیقت همه‌ی این‌ها به یک قدر مشترک بازگشت می‌کنند.

باید دانست که «شیطان» اسم عام (اسم جنس) است در حالی که «ابلیس» اسم خاص (علم) می‌باشد و به عبارت دیگر: «شیطان» به هر موجود موذی و منحرف‌کننده و طاغی و سرکش، خواه انسانی یا غیر انسانی می‌گویند، و «ابلیس» نام آن شیطان است که آدم را فریب داد و اکنون هم با لشکر و جنود خود در کمین آدمیان است.

پس شیطان معانی مختلفی دارد که یکی از مصادیق روشن آن «ابلیس» و لشکریان و اعوان او است، و مصداق دیگر آن، انسان‌های مفسد و منحرف‌کننده و احیاناً در پاره‌ای از موارد به معنای میکروب‌های موذی آمده است.

پس دانسته شد که نام دیگر «ابلیس»، شیطان است، و برای ابلیس کنیه‌هایی هم علماء ذکر کرده‌اند، از قبیل: «ابومرّة» [به ضم میم] و «ابوخلاف» و «ابودجانه» و «ابولبيني» [به ضم لام و فتح باء]

و واژه‌ی «ابلیس» نیز از لغت یونانی "Diabolos" مأخوذ است و کلمه‌ی "Diable" در زبان فرانسه و "Devil" در زبان انگلیسی از همین لفظ ریشه گرفته‌اند. و "Diabolos"، در زبان یونانی به معنای «نمّام و مفتری» است.

فیروزآبادی در کتاب قاموس چنین می‌نویسد: «بلس بالتحريك» کسی است که خیر و نیکی نزد او نباشد، یا کسی است که از او شرّ و بدی به مردم برسد. و «ابلاس» به معنای یأس است. و «ابلیس» نیز از این کلمه مشتق است؛ و شاید ابلیس کلمه‌ی عجمی باشد.

«جوالبقي» در کتاب «المعرب» می‌نویسد: «ابلیس عربی نیست، هر چند برخی آن را عربی و از اصل «ابلاس» پنداشته‌اند، زیرا اگر عربی بود، ممنوع‌الصرف نمی‌شد.» زمخشری و صاحب «لسان العرب» به اعجمی بودن «ابلیس» تصریح کرده‌اند و جمع ابلیس مانند اسم‌های اعجمی دیگر بر وزن «فَعَالِلَه» به کار می‌رود و «ابالسه» هموزن فراغنه و قیاصره و اکاسره است.

در متون یونانی انجیل، غالباً ابلیس به صیغه‌ی جمع استعمال شده، و در رساله‌ی «پولس» به «تیمو تاوس» و «تیطس» کلمه‌ی ابلیس با معانی گوناگون ولی نزدیک به هم استعمال گردیده است. در انجیل باب ۱۶ آیه‌ی ۲۳، «پطرس» ابلیس نامیده شده، و همچنین در انجیل یوحنا، باب ۶ آیه‌ی ۷۰ به «یهودا» خطاب ابلیس شده است و در این دو مورد، ابلیس تقریباً جنبه‌ی علمیت دارد و به اعتبار شرارت دائم یا موقت، مجازاً نام ابلیس بر آن‌ها اطلاق گردیده است. [اعلام قرآن، ص ۷۷]

و «ابلیس» در زبان معمولی، «عزازیل» هم نامیده شده، ولی در قرآن این نام مذکور نیست. عزازیل لفظ عبری است و به معنای «عزیز خدا» است. در تورات، این لفظ با معنی مبهمی مسطور است.

مفسرین تورات درباره‌ی آن معنی، اختلاف کرده‌اند: به عقیده‌ی بعضی، «عزازیل» نام بزی است که کفاره‌ی گناهان قوم را بر آن می‌گذارند و در وادی بایر رها می‌کنند تا کفاره‌ی گناهان قوم را به موضع نامعلومی ببرد.

عده‌ای معتقدند که عزازیل نام همان نقطه‌ی نامعلوم است که منتهی الیه گناهان فرض شده است.

بعضی هم عزازیل را نام ابلیس می‌دانند که همه‌ی گناهان به او منتهی می‌گردد. به هر حال در ادبیات ما عقیده‌ی سوم مورد قبول واقع شده و ادبای ما عزازیل را بر ابلیس اطلاق کرده‌اند، لیکن از دقت در موارد استعمال معلوم می‌شود که عزازیل آنگاه نام ابلیس بوده که در درگاه حق، تقریبی داشته است. [ر.ک: اعلام قرآن ص ۸۲]

### «پناه بردن به خدا از شرّ شیطان»

خداوند متعال به همه‌ی افراد بشر و فرزندان آدم هشدار می‌دهد که مراقب فریبکاری شیطان باشند، زیرا سابقه‌ی دشمنی خود را با پدر آن‌ها نشان داده، همانطور که لباس بهشتی را بر اثر وسوسه‌ها از اندام او بیرون کرد، ممکن است لباس تقوا را از اندام فرزندان او نیز بیرون نماید.

عداوت و دشمنی او از نخستین روز آفرینش آدم علیه السلام شروع شد و هنگامی که بر اثر عدم تسلیم در برابر فرمان خدا در مورد سجده بر آدم مطرود از درگاه پروردگار گردید، سوگند یاد کرد که برای همیشه کمر دشمنی نسبت به آدم و فرزندان او خواهم بست و حتی برای این کار تقاضای مهلت و طول عمر از خدا نمود.

او بر سر گفته‌ی خود ایستاده و کوچکترین فرصت را برای اعمال عداوت و وارد کردن ضربه بر انسان‌ها و فرزندان آدم غنیمت می‌شمارد، آیا عقل اجازه می‌دهد که فرزندان آدم او را به دشمنی نپذیرند و یک لحظه از او غافل بمانند؟ تا چه رسد به اینکه بخواهند خطوات شیطان و گام‌های او را پیروی کنند، یا اینکه او را به عنوان رفیق شفیق و دوست ناصح بپذیرند؟

پس چرا دشمنی را که امتحان عداوت خود را بارها و بارها داده است، جدّی نگیرند! و باز با او طرح دوستی بریزند و حتی او را رهبر و ولی و راهنمای خویش انتخاب کنند.

از این رو انسان در مسیر دور و درازی که به سوی سعادت و فلاح و رستگاری و خوشبختی و جلب رضای خدا دارد، گردنه‌های صعب العبوری وجود دارد که شیاطین

در آنجا کمین کرده‌اند و اگر انسان تنها بماند، هرگز توانایی پیمودن این راه را ندارد، و باید دست به دامان لطف الهی زند و با تکیه و توکل بر او این راه پرخطر را طی کند و هرگاه طوفان‌های وسوسه‌ی شیطان، شدید و شدیدتر می‌شود، او بیشتر به سایه‌ی لطف خدا پناه برد.

البته منظور از پناه بردن به خدا این نیست که انسان تنها با زبان به خدا پناه ببرد، بلکه باید با فکر و عقیده و عمل نیز خود را در پناه خدا قرار دهد و از راه‌های شیطانی، برنامه‌های شیطانی، افکار و تبلیغات شیطانی و مجالس و محافل شیطانی، خود را کنار کشد، و در مسیر افکار و تبلیغات رحمانی جای دهد، وگرنه انسانی که خود را در معرض طوفان وسوسه‌های ویرانگر شیطان، عملاً قرار داده، تنها با خواندن اوراد و ادعیه، و گفتن «پناه می‌برم به خدا از شر شیطان» به جایی نمی‌رسد، بلکه باید با صداقت و اخلاص و اعتقاد و عمل و فکر و عقیده، خویشتن را از شر شیطان در پناه خدا قرار دهد.

#### نافرمانی شیطان به خاطر سجده نکردن حضرت آدم علیه السلام

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكِيَّةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۴﴾ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۳۵﴾ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۳۶﴾ فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۳۷﴾ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۳۸﴾﴾ [البقرة: ۳۴-۳۸]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَكِيَّةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿۳۴﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿۳۵﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَّكِبَ فِيهَا فَأَخْرَجَ إِيَّاكَ مِنَ الصَّغِيرِينَ ﴿۳۶﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿۳۷﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿۳۸﴾ قَالَ فِيمَا أُعْوِطْتَنِي لِأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۳۹﴾ ثُمَّ لَا تَيَبْنَهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمَنْ

خَلَفِيهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْءُومًا مَذْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَعَادِمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةَ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِيَّيَّيَّ لَكُمْ لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَدَلَّهُمَا بِعُرْوَةٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٢﴾ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ أَهبطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يَبْنَئِي عَادَمٌ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ يَبْنَئِي عَادَمٌ لَا يَفْتَنَنَّكُمْ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ ﴿الأعراف: ١١-٢٧﴾

﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٣٣﴾ قَالَ فَأَخْرَجَ مِنْهَا فَاثَكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ ﴿الحجر: ٣٠-٤٢﴾

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَأَسْتَفْرِرُ مِنْ أَسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصُوتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ مَّا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾﴾ [الإسراء: ٦١-٦٥]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥١﴾ مَّا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ﴿٥٢﴾﴾ [الكهف: ٥٠-٥١]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿١٦٦﴾ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١٦٧﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿١٦٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى ﴿١٦٩﴾ فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْئَلُ ﴿١٧٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿١٧١﴾ ثُمَّ أَجْتَبَهُ رَبُّهُ وَقَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿١٧٢﴾ قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿١٧٣﴾﴾ [طه: ١١٦-١٢٣]

﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٦﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٧﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٨﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِمَّنْ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿٧٩﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٨٠﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لعَنْتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٨١﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٨٢﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٨٣﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨٤﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿٨٦﴾ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿٨٧﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٨﴾﴾ [ص: ٧٣-٨٥]





**توضیح موضوع:** ابلیس یازده بار در قرآن کریم ذکر گردیده و جز در یک مورد، همه جا از ابلیس ضمن داستان حضرت آدم علیه السلام یاد شده است. همه‌ی فرشتگان جز ابلیس به آدم سجده کردند، اما ابلیس (که از جن‌ها بود) خودداری نمود و تکبر ورزید و گفت: آفرینش من از آتش، و آفرینش آدم از خاک است، من بر او فضیلت و برتری دارم و نباید به او سجده کنم. خداوند او را از درگاهش راند و فرمود: تا روز قیامت، لعنت من بر تو باد. ابلیس گفت: اینک که مرا از درگاه راندی و خوار و زبون ساختی، من در مقام گمراه کردن و اغوای بنی آدم برخوادم و از پیش و پس و چپ و راست، بر ایشان حمله خواهم کرد و جز بندگان مخلص تو، هیچ کس از وسوسه‌ی من سالم نخواهد ماند.

و ابلیس به وسوسه‌ی آدم و حوّا پرداخت و وسیله‌ی بیرون راندن ایشان را از بهشت فراهم کرد. این قصه در سوره‌ی بقره و اعراف و حجر و بنی اسرائیل و کهف و شعراء و ص، مسطور است.

**یک سؤال مهم:** در تفسیر نمونه در این باره که چرا خداوند شیطان را آفرید؟ سؤالی بدین مضمون طرح گردیده است: بسیاری سؤال می‌کنند که اگر انسان برای تکامل و نائل شدن به سعادت از طریق بندگی خدا آفریده شده است، وجود شیطان که یک موجود ویرانگر و ضد تکاملی است چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟ آن هم موجودی هشیار، کینه‌توز، مکار، پرفریب و مصمم؟!

در جواب باید گفت: اگر اندکی بیاندیشیم خواهیم دانست که وجود این دشمن کمکی است به پیشرفت تکامل انسان‌ها. راه دور نرویم، همیشه نیروهای مقاوم در برابر دشمنان سرسخت جان می‌گیرند و سیر تکاملی خود را می‌پیمایند.

فرماندهان و سربازان ورزیده و نیرومند کسانی هستند که در جنگ‌های بزرگ با دشمنان سرسخت درگیر بوده‌اند؛ سیاستمداران باتجربه و پر قدرت آن‌ها هستند که در کوره‌های سخت بحران‌های سیاسی با دشمنان نیرومندی دست و پنجه نرم کرده‌اند. قهرمانان بزرگ کشتی آن‌ها هستند که با حریف‌های پر قدرت و سرسخت زورآزمایی کرده‌اند.

بنابراین چه جای تعجب که بندگان بزرگ خدا با مبارزه‌ی مستمر و پی‌گیر در برابر «شیطان» روز به روز قوی‌تر و نیرومندتر شوند!

دانشمندانِ امروز در مورد فلسفه‌ی وجود میکروب‌های مزاحم می‌گویند: اگر آن‌ها نبودند، سلول‌های بدن انسان در یک حالت سستی و کرخی فرو می‌رفتند و احتمالاً نموّ بدن انسان‌ها از ۸۰ سانتی‌متر تجاوز نمی‌کرد، همگی به صورت آدمهای کوتوله بودند، و به این ترتیب انسان‌های کنونی با مبارزه‌ی جسمانی با میکروب‌های مزاحم، نیرو و نموّ بیشتری کسب کرده‌اند و چنین است روح انسان در مبارزه با شیطان و هوای نفس.

اما این بدان معنا نیست که شیطان وظیفه دارد بندگان خدا را اغواء کند؛ شیطان از روز اول، خلقتی پاک داشت مانند همه‌ی موجودات دیگر، انحراف و انحطاط و بدبختی و شیطنت با اراده و خواستِ خودش به سراغش آمد، بنابراین خداوند ابلیس را از روز اول، شیطان نیافرید، او خودش خواست شیطان باشد، ولی در عین حال شیطنت او نه تنها زیانی به بندگان حق طلب نمی‌رساند، بلکه نردبان ترقّی آن‌ها است. [ر.ک: تفسیر نمونه ۳۴۵/۱۹]

پس وجود شیطان، هوای نفس و وسوسه‌های نفسانی، انسان را در بوته‌ی آزمایش قرار می‌دهد و آن‌ها هستند که تنور آزمایش را داغ می‌کنند، و مؤمنان حقیقی را به همه معرفی می‌کنند، و سره را از ناسره، و منافقان و دو چهره‌ها را از صادقین و مخلصین جدا می‌سازد.

### سائر آیاتی که در شأن ابلیس (و ابلیسیان و اهریمنان) وارد شده است

﴿...وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۱۶۸﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۶۹﴾﴾ [البقرة: ۱۶۸-۱۶۹]

﴿...وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۲۰۸﴾﴾ [البقرة: ۲۰۸]

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ﴿۲۶۸﴾﴾ [البقرة: ۲۶۸]

﴿...وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ وَ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿۳۸﴾﴾ [النساء: ۳۸]

﴿...وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿۶۰﴾﴾ [النساء: ۶۰]

﴿...فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿۷۶﴾﴾ [النساء: ۷۶]

﴿إِن يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا ﴿۱۱۷﴾ لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ﴿۱۱۸﴾ وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِيَّتْهُمْ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلِيَّتِكُنَّ ءَادَانَ الْأَنْعَمِ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿۱۱۹﴾ يَعُدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعُدُّهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿۱۲۰﴾﴾ [النساء: ۱۱۷-۱۲۰]

﴿...إِنَّمَا الْحُمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَأَجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۹۰﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحُمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُصَدِّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿۹۱﴾﴾ [المائدة: ۹۰-۹۱]

﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۴۳﴾﴾ [الأنعام: ۴۳]

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينِ الْإِنْسِ وَالْحِيْنَ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا...﴾ [الأنعام: ۱۱۲]

﴿...وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِىَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَدِّلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۱]

﴿...كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [الأنعام: ۱۴۲]

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَآئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿۲۱﴾﴾ [الأعراف: ۲۰۱]

﴿وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَآءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۴۸﴾﴾ [الأنفال: ۴۸]

﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلُومُونِي وَلُومُوا أَنفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۲﴾﴾ [إبراهيم: ۲۲]

﴿تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النحل: ٦٣]

﴿وَأَسْتَفْزِرُ مَن أَسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [٦٤] إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا﴾ [الإسراء: ٦٤-٦٥]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيْطَانِينَ عَلَىٰ الْكٰفِرِينَ تَوَضُّعُهُمْ أَزًّا﴾ [مريم: ٨٣]  
 ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ ءَايَتَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [٦٥] لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمُ...﴾ [الحج: ٥٢-٥٣]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [النور: ٢١]

﴿...وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنسَانِ خَذُولًا﴾ [الفرقان: ٢٩]  
 ﴿وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيْطَانُ﴾ [٢٢] وَمَا يَتَّبِعِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ [٢٣] إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعُزُولُونَ﴾ [الشعراء: ٢١٠-٢١٢]

﴿هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيْطَانُ﴾ [٢٤] تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ﴾ [٢٥] يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كٰذِبُونَ﴾ [٢٦]﴾ [الشعراء: ٢٢١-٢٢٣]

﴿..فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ﴾ [القصص: ١٥]

﴿...وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾ [العنكبوت: ٣٨]

﴿وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [٣٩] وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ﴾ [سبا: ٢٠-٢١]

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ

السَّعِيرِ﴾ [فاطر: ۶]

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۱۰﴾ وَإِنْ

أَعْبَدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿۱۱﴾ وَلَقَدْ أَصَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا

تَعْقِلُونَ ﴿۱۲﴾﴾ [يس: ۶۰-۶۲]

﴿وَمَنْ يَعْمُرْ عَنِ الذِّكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُوَ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُو قَرِينٌ ﴿۳۶﴾﴾ [الزخرف: ۳۶]

﴿وَلَا يَصُدَّنَّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۱۲﴾﴾ [الزخرف: ۶۲]

﴿إِنَّ الَّذِينَ أُرْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ

لَهُمْ ﴿۲۵﴾﴾ [محمد: ۲۵]

﴿إِنَّمَا التَّجَوَّىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ

اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلَئِنَّ كَلَّ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾﴾ [المجادلة: ۱۰]

﴿أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ

الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۱۹﴾﴾ [المجادلة: ۱۹]

﴿كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ

اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۱﴾ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاؤُ

الظَّالِمِينَ ﴿۱۷﴾﴾ [الحشر: ۱۶-۱۷]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۱﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿۳﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ

الْخَنَّاسِ ﴿۴﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿۵﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿۶﴾﴾ [الناس: ۱-۶].

## «وحی»

### وحی به فرستادگان و پیامبران الهی

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالْتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَعَائِشَةَ دَاوُدَ زُبُورًا﴾ [النساء: ۱۶۳]

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الأنبياء: ۷]

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۲۵]

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۳]

﴿وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۵]

﴿كَذَلِكَ يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الشورى: ۳]

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...﴾ [الشورى: ۱۳]

﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ عَسِيمٍ﴾ [الشورى: ۵۱]



توضیح موضوع: خداوند انسان را آفرید و با اعطای نیروی گفتار، پندار، نوشتار، اراده و اختیار، و عقل و خرد، او را بر دیگر مخلوقات گرامی و عزیز داشت. و در مقابل عقلی

که خداوند به انسان ارزانی داشته است، تکلیف و امتحان را در این دنیا بر عهده‌ی او نهاده است، و لازم است که این انسان مکلف، برای تنظیم زندگی دنیوی خود، و برای اجرای آنچه که وسیله‌ی موفقیت او در آخرت است - اموری را که بدان مکلف شده است - بشناسد، و این وسیله بر دو نوع تقسیم می‌شود:

**نوع اول:** آن است که عقل و حواس پنج‌گانه، به تنهایی قادر به شناخت آن است. مانند: ایمان به وجود آفریننده و یکتایی و قدرت و علم او. و شناخت مفید بودن صدق و راستگویی، و مضرّ بودن دروغ، و ایمان به وجود قیامت برای دادن پاداش نیکوکار به سبب نیکی‌اش، و کیفر بدکار به سبب بدی‌اش.

**و نوع دوم:** آن است که عقل و حواس پنج‌گانه به تنهایی قادر به شناخت آن نیست، مانند: اوقات و تعداد رکعات نماز، و وجود و ویژگی‌های بهشت و دوزخ، و تنظیم برخی از معاملات دنیوی و روابط صحیح خانوادگی، اجتماعی، فردی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، عبادی، مادی، معنوی، دنیوی و اخروی، بگونه‌ای که مبتنی بر هوا و هوس نباشد، به این خاطر حکمت الهی اقتضاء کرده است که در هر بُرهه از زمان پیامبرانی را بفرستد تا آنچه را از احکام و قوانین نیاز دارند، به وسیله‌ی وحی، برای آنان بیان کنند.

از این رو، وحی وسیله‌ای است که خداوند ﷻ کلام و پیام خود را با آن به رسول و بنده‌ی برگزیده‌ی خود و توسط او به تمام انسان‌ها، ابلاغ می‌کند. و واژه‌ی «وحی» کلمه‌ای عربی است که در لغت به معنای «اشاره کردن با تندی و سرعت» می‌باشد.

این کلمه در لغت، بر هر اشاره‌ای، خواه استعمال رمز و کنایه باشد، و خواه درآوردن صدایی نامفهوم باشد، و چه با حرکت درآوردن عضوی، و چه با استعمال تحریر و نقوش باشد، صادق می‌آید، و شامل الهام فطری، الهام غریزی، حرکات رمزی با چشم و ابرو، و تغییر دادن خطوط چهره، و اشاره‌ی رمزی با دست و دیگر اعضای بدن به کار می‌رود؛ و همه‌ی این‌ها در مفهوم لغوی این کلمه، داخل هستند.

و تعریف «وحی» در اصطلاح شرعی این است: «کلام الله المنزّل علی نبیّ من انبیائه»، کلام خدا که بر پیامبری از پیامبران الهی نازل شود.

و لازم به یادآوری است که بنا بر مشهور شدن «وحی» در معنای اصطلاحی خود، استعمال آن برای کسی غیر از پیامبر، درست نیست، به همین دلیل قرآن کریم نیز

واژه‌ی «ایحاء» را برای نبی و غیر نبی، به کار برده است، ولی لفظ «وحی» را برای کسی غیر از انبیاء به کار نبرده است.  
و «وحی» را می‌توان در تقسیم اولیّه‌ی آن به سه قسم تقسیم کرد:

### ۱- وحی قلبی

که خداوند به طور مستقیم، قلب پیامبر را تحت فرمان خود درآورد و مطلبی را در آن القاء کند. در این قسم، نه فرشته واسطه است و نه حواس پیامبر. این کیفیت ممکن است هم در بیداری و هم در خواب صورت پذیرد. بنابراین، خواب انبیاء در حکم «وحی» است، مانند خواب حضرت ابراهیم درباره‌ی ذبح فرزندش.

### ۲- کلام الهی

که خداوند به طور مستقیم، با پیامبر سخن می‌گوید. در این قسم فرشته‌ی وحی واسطه نمی‌باشد، بلکه پیامبر آوازی را که متفاوت از آواز مخلوقات، و دارای کیفیتی بسیار عجیب و غریب است، می‌شنود.

### ۳- وحی مَلکی

که خداوند پیام خود را به وسیله‌ی فرشته به پیامبر می‌فرستد، و فرشته پیام را می‌رساند. و فرشته گاهی دیده نمی‌شود و فقط آوازش شنیده می‌شود، و گاهی در هیأت انسانی پیام می‌آورد، و بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد که در شکل اصلی خود به نبی دیده شود.

### «فرق رسول با نبی»

برخی از علماء گفته‌اند: «رسول»: مردی است که خداوند فرمان و حکم را به او وحی کرده است و او را به سوی مردم فرستاده تا احکام را به آنها ابلاغ کند؛ و «نبی»: مردی است که خداوند فرمان و حکمی را به او وحی کرده است که یا او را مأمور به تبلیغ آن کرده و یا نکرده است. پس با این تعریف، «نبی» اعم از «رسول» است، زیرا هر رسول، نبی است، مانند: حضرت محمد، موسی، عیسی و غیر آنها، اما هر «نبی» رسول نیست، به دلیل آیه‌ی ۵۲ سوره‌ی حج ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ﴾، چون عطف «نبی» بر «رسول» اقتضای مغایرت آن دو را دارد،



بنابراین بین آن‌ها عموم و خصوص مطلق است؛ از این رو هر رسولی نبی است، اما هر نبی، رسول نیست.

و برخی گفته‌اند: «رسول»: پیغمبری است که شرع جدید و برنامه‌ی ویژه‌ی را با خود بیاورد. و «نبی»: پیغمبری است که شرع جدید و برنامه‌ی ویژه‌ی را با خود نیاورد، بلکه تنها عهده‌دار تبلیغ و تقریر شرع و برنامه‌ی پیامبران پیشین باشد، مانند: انبیای بنی اسرائیل که در فاصله‌ی بین موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام زیسته‌اند. و برخی نیز در فرق این دو گفته‌اند: «رسول»: کسی است که با ارسال جبرئیل به سوی او به طور آشکار، و گفت و گوی شفاهی، و رویارویی جبرئیل با او، به سوی خلق فرستاده شده است، اما «نبی»: کسی است که فرستادی وحی به سوی وی، یا از طریق الهام است، و یا در هنگام خواب و رؤیایش. «والله اعلم بالصواب».

#### وحی به سوی نوح علیه السلام

﴿وَأوحى إِلَى نوح أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ ﴿۳۶﴾ وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۳۷﴾ [هود: ۳۶-۳۷]

#### وحی به سوی یوسف علیه السلام

﴿...وَأوحِينَا إِلَيْهِ لَنَنْبِتَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ ﴿۱۵﴾ [یوسف: ۱۵]

#### وحی به سوی موسی و هارون علیهما السلام

﴿وَأوحِينَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ﴾ ﴿۱۷﴾ [الأعراف: ۱۱۷]

﴿...وَأوحِينَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ أَضْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ أَثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْتًا...﴾ ﴿[الأعراف: ۱۶۰]

﴿وَأوحِينَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكَمَا بِمِصْرَ بِيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿[یونس: ۸۷]

﴿وَأَنَا أَحْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ﴾ ﴿[طه: ۱۳-۱۴]

لِذِكْرِي ﴿[طه: ۱۳-۱۴]

﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخَشَىٰ﴾ ﴿٧٧﴾ [طه: ٧٧]

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ﴾ ﴿٥٢﴾ [الشعراء: ٥٢]

﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَصْرِبْ بَعْصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فَرَقٍ كَالظُّوْدِ الْعَظِيمِ﴾ ﴿٦٣﴾ [الشعراء: ٦٣]

وحي به سوی پیامبر ما، حضرت محمد ﷺ

﴿ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقُونَ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْتُبُ مَرِيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾ ﴿٤٤﴾ [آل عمران: ٤٤]

﴿...وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِءِ وَمَنْ بَلَغَ...﴾ [الأنعام: ١٩]

﴿...إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾ [الأنعام: ٥٠]

﴿اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ ﴿١٦﴾ [الأنعام: ١٠٦]

﴿...قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَٰذَا بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ٢٠٣]

﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ...﴾ [يونس: ٢]

﴿...إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَيَّ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [يونس: ١٥]

﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾ ﴿١٣﴾ [يونس: ١٠٩]

﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِءِ صَدْرِكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ ﴿١٢﴾ [هود: ١٢]

﴿تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَٰذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾ ﴿٤٩﴾ [هود: ٤٩]

﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ ﴿٣﴾﴾ [يوسف: ٣]

﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾﴾ [يوسف: ١٠٢]

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ...﴾ [يوسف: ١٠٩]

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٤٣﴾﴾ [النحل: ٤٣]

﴿وَلَيْنَ شِئْنَا لَنَنْزِلَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عِلْمًا وَكَيْلًا ﴿٦٦﴾﴾ [الإسراء: ٨٦]

﴿وَأْتَلُ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٧٧﴾﴾ [الكهف: ٢٧]

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنْتُمَا إِلَهُكُمْ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾﴾ [الكهف: ١١٠]

﴿...وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾﴾ [طه: ١١٤]

﴿قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾﴾ [الأنبياء: ٤٥]

﴿أَتَلُ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾ [العنكبوت: ٤٥]

﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٢﴾﴾ [الأحزاب: ٢]

﴿...وَإِنْ أَهْتَدَيْتَ فِيمَا يُوحَىٰ إِلَيْ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾﴾ [سبا: ٥٠]

﴿وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣١﴾﴾ [فاطر: ٣١]

﴿مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾﴾ [ص: ٦٩-٧٠]

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ  
وَأَسْتَغْفِرُوا...﴾ [فصلت: ۶]

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ  
لَا رَيْبَ فِيهِ...﴾ [الشورى: ۷]

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ  
وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا...﴾ [الشورى: ۵۲]

﴿فَأَسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [الزخرف: ۴۳]  
﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ  
إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الأحقاف: ۹]

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۖ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ﴾ [النجم: ۴-۵]  
﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۚ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ﴾ [النجم: ۱۰-۱۱]  
﴿قُلْ أُوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْحِجْرِ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا﴾ [الجن: ۱]



**توضیح موضوع:** در احادیث ثابت است که به روش‌های مختلف بر حضرت محمد ﷺ وحی نازل می‌شود. از این رو چگونگی نزول وحی بر پیامبر اکرم ﷺ را می‌توان به روش‌های ذیل ترسیم کرد:

۱- «صلصلة الرجس» [زنگ کاروان]: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «گاهی صدای فرشته‌ی وحی همانند آهنگ جرس (زنگ کاروان) به گوشم می‌رسد، که این نوع وحی برای من دشوارترین انواع آن است. و بعد صدا قطع می‌شد و من هر آنچه که آن صدا گفته است، به یاد دارم.» [بخاری].

۲- «مجسم شدن فرشته»: در این روش، فرشته‌ی وحی به صورت انسان نزد پیامبر ﷺ می‌آمد و پیام خدا را به ایشان می‌رساند. و در اغلب اوقات در چنین مواقعی، حضرت جبرئیل (فرشته‌ی وحی) به شکل صحابی مشهور «دحیه‌ی کلبی» تشریف می‌آورد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «و گاهی فرشته‌ی وحی به

صورت مردی در برابرم مجسم می‌گردد و با من سخن می‌گوید و من سخن او را می‌فهمم (وعی).» [بخاری].

این نوع از وحی، سبکتر و لطیفتر بود، در این حالت فرشته‌ی وحی و پیامبر اکرم ﷺ که گوینده و شنونده‌ی این محاوره بودند، هر دو هم قیافه‌ی یکدیگر بودند و در نتیجه، هم کار وحی‌رسانی از جانب جبرئیل - فرشته‌ی امین وحی - ساده‌تر می‌شد، و هم پذیرش وحی از جانب پیامبر اکرم ﷺ آسانتر می‌گردید؛ از این رو پیامبر ﷺ می‌فرماید: «و هو أهونه علي»، آسانترین روش برای من همین است.

۳- آمدن فرشته در شکل اصلی خود: که این قضیه سه بار اتفاق افتاده است: یکبار زمانی که پیامبر ﷺ آرزو کردند که جبرئیل را در شکل اصلی خودش ببیند. بار دوم: در معراض. و بار سوم: در ابتدای نبوت در مکانی به نام «اجیاد» از مناطق مکه‌ی مکرمه.

۴- «رؤیای صادقانه»: پیامبر ﷺ پیش از نزول قرآن، خواب‌های راست و درستی را می‌دید، و هر آنچه در خواب مشاهده می‌کرد، در بیداری عین آن اتفاق می‌افتد. حضرت عاشیه رضی الله عنها می‌فرماید: «أول ما بدی به رسول الله ﷺ من الوحي الرؤيا الصالحة في النوم، فكان لا يرى رؤياً إلا جاءت مثل فلق الصبح» [بخاری]، وحی بر رسول خدا ﷺ با خواب‌های راست شروع شد، و هر خوابی که می‌دید، مثل روشنایی صبح، آشکار و هویدا می‌گشت.

۵- «کلام الهی»: پیامبر ﷺ مانند حضرت موسی، مستقیماً با خداوند متعال، گفتگو کرده‌اند، مانند شب معراج.

۶- «نفث فی الروح»: در این نوع حضرت جبرئیل بدون آنکه ظاهر شود، سخنی را در قلب مبارک پیامبر ﷺ القاء می‌کرد. پیامبر ﷺ در روایتی می‌فرماید: «إنّ روح القدس نفث في روعي» و نیز می‌فرماید: «إنّ جبرئیل القی فی روعي أنّ احداً منکم لن یخرج من الدنیا حتّی یتکمل رزقه» [حاکم].

خاطر نشان می‌شود که آنچه از وحی بر پیامبر ﷺ نازل شده است به دو نوع تقسیم

می‌شود:

یکی «وحی متلو»: که مراد از آن آیات قرآن می‌باشد که لفظ و معنای آن، هر دو از طرف خداوند می‌باشد. به این وحی در اصطلاح علماء «وحی متلو» گفته می‌شود. و نوع دوم «وحی غیر متلو» است که بسیاری از احکام و جزئیات تعالیم و آموزه‌های شرعی و الهی از طریق وحی به پیامبر ﷺ رسانیده شده است. «وحی غیر متلو» به شکل احادیث صحیح، محفوظ است که معانی آن‌ها از طرف خدا، و الفاظ آن‌ها از طرف رسول خدا ﷺ می‌باشد. پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «اتیتُ القرآن و مثله معه» به من هم قرآن و هم تعلیماتی دیگر مثل آن داده شده است، [که مراد احادیث است].

### وحی به سوی فرشتگان

﴿إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْ مَعَكُمْ فَتَبَتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا...﴾ [الأنفال: ۱۲]

### وحی به سوی مادر حضرت موسی ﷺ

﴿وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ﴿٣٧﴾ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي الْكَلْبِوتِ فَأَقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ...﴾ [طه: ۳۷-۳۹]

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾﴾ [القصص: ۷]



توضیح موضوع: مراد از «وحی» به سوی مادر حضرت موسی ﷺ، «الهام و القاء بر قلب» است، نه آن وحی اصطلاحی که مخصوص پیامبران است، زیرا رسالت مخصوص مردان است، چنان که در سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۰۹ می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ﴾، «و ما پیش از تو پیغمبرانی نفرستاده‌ایم، مگر این که مردانی بوده‌اند و بدیشان وحی کرده‌ایم».

و قبلاً نیز گفتیم که وحی فقط به پیامبر الهی اختصاص دارد و به کسی غیر از «نبی» اگر چه به بلندترین قلّه‌ی تقدس و ولایت رسیده باشد، وحی نمی‌گردد؛ و برخی اوقات خداوند ﷻ، مطالبی را به برخی از بندگان خاص خود واضح می‌کند که به آن «کشف» یا «الهام» گفته می‌شود.

و کشف و شهود، هیچ‌گاه با دلالت یقینی و باور روشن و مشخص همراه نیست، زیرا غالباً در اثر کوشش و تلاش به انسان دست می‌دهد و نتیجه‌ی ریاضت‌های روحانی، یا تفکرات طولانی است؛ در نتیجه نمی‌تواند در ژرفای جان انسان جای گیرد و یقین یا شبه یقین به وجود آورد، بلکه همواره در حد یک دریافت درونی و باطنی می‌ماند، و هرگز نمودی از اینکه حقایق را از یک مرجع بالاتر و والاتر گرفته است، به همراه ندارد. و کشف و شهود عارفان، و الهام و اصلا، نوعی دریافت درونی و باطنی است که به درجه‌ی یقین نمی‌رسد و ذهن انسان را به طرف خودش می‌کشاند، بدون آنکه انسان بفهمد که مصدر حقیقی این دریافت کجاست؟

### وحی به سوی «حواریون»

﴿وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا ءَأَمَّنَّا وَآشْهَدُ بِأَنَّنَا

مُسْلِمُونَ ﴿۱۱۱﴾ [المائدة: ۱۱۱]



توضیح موضوع: «حواریون»: جمع «حواری» از ماده‌ی «حَوَرَ» به معنای شستن و سفید کردن است. و گاهی به هر چیز سفید نیز اطلاق می‌گردد، و لذا غذاهای سفید را عرب «حواری» می‌گویند. و «حوران بهشتی» را نیز به این جهت «حوری» می‌گویند که سفید پوست‌اند، و یا سفیدی چشمانشان درخشنده و سیاهی آن کاملاً سیاه است. و برخی گفته‌اند: «حواری» به معنای تغییردهنده‌ی مسیر است، و حواریون کسانی بودند که مسیر انحرافی مردم را رها و به راه حق پیوستند.

و برخی می‌گویند: حواری در لغت به معنای «یار و یاور» است. چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «برای هر پیامبری، حواری‌ای است، و حواری من «زبیر» ﷺ است.»

و برخی می‌گویند: حواریون (یاران باوفای حضرت عیسی علیه السلام) علاوه بر اینکه قلبی پاک و روحی باصفا داشتند، در پاکیزه ساختن و روشن نمودن افکار دیگران و شستشوی مردم از آلودگی و گناه، کوشش فراوان داشتند. و حواریون حضرت عیسی، دوازده نفر بودند و اسامی آنان در انجیل «متی» و «لوقا» این‌گونه آمده است: پطرس، اندریاس، یعقوب، یوحنا، فیلوپس، برتولولما، توما، متی، یعقوب بن حلفا، شمعون ملقب به غیور، یهوذا برادر یعقوب، یهوذا‌ی اسخریوطی که به مسیح خیانت کرد.

و برخی می‌گویند: آن‌ها را به این خاطر حواری می‌گویند چرا که لباسها را می‌شستند و از آن طریق امرار معاش می‌کردند.

و مراد از وحی به «حواریون» ممکن است الهام به قلب خود آن‌ها باشد، چرا که «وحی» در لغت معنای وسیعی دارد، و منحصر به وحی‌هایی که بر پیامبران نازل می‌شود، نیست بلکه الهاماتی که به قلب افراد می‌شود نیز از مصداق‌های آن است، و لذا درباره‌ی مادر حضرت موسی نیز تعبیر به وحی شده است.

و این احتمال نیز وجود دارد که منظور از وحی به حواریون، وحی باشد که به واسطه‌ی حضرت عیسی و با پشتوانه‌ی معجزات برای آن‌ها فرستاده می‌شد.

### وحی به زنبور عسل (الهام غریزی)

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا

يَعْرُشُونَ ﴿٦٨﴾ [النحل: ٦٨]



توضیح موضوع: مراد از وحی به زنبور عسل، «الهام غریزی» است. و چنان‌چه قبلاً نیز گفتیم، وحی در لغت گاهی به معنای الهام است، خواه «الهام خودآگاه» باشد (در مورد انسان‌ها) مانند: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ...﴾ و خواه به صورت «ناآگاه و الهام غریزی» باشد، مانند وحی به زنبور عسل، زیرا وحی در مورد زنبور عسل و دیگر جانداران، همان فرمان غریزه و انگیزه‌های ناخودآگاهی است که خداوند در زنبور عسل و دیگر جانداران آفریده است.

### وحی به زمین

﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾﴾ [الزلزلة: ٤-٥]

### وحی شیاطین (وسوسه‌ی شیطان و آرایش اندیشه‌های بد در ذهن انسان)

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ

زُحْرَفِ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرُهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾﴾ [الأنعام: ١١٢]

﴿... وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجِدُوا لَكُمْ...﴾ [الأنعام: ١٢١]





**توضیح موضوع:** کلمه‌ی وحی در اصل به معنای اشاره‌ی سریع است، سپس به معنای القاء کردنِ مخفیانه‌ی سخنی آمده است. ولی در قرآن مجید، «وحی» در معانی مختلفی به کار رفته است که همه بازگشت به همان معنای اصلی می‌کند؛ از آن جمله «وحی نبوت» است، مانند آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی شوری. و نیز وحی به معنای «الهام» (الهام خودآگاه در مورد انسان‌ها) است، مانند آیه‌ی ۷ سوره‌ی قصص در مورد مادر حضرت موسی.

و نیز به معنای «الهام ناآگاه و الهام غریزی» است، مانند آیه ۶۸ سوره‌ی نحل. و نیز وحی به معنای اشاره با دست و اعضای بدن است، چنان‌که در داستان حضرت زکریا آمده است [مریم / ۱۱] و نیز به معنای رساندن مخفیانه‌ی پیام و خبر و وسوسه‌های شیطانی آمده است، مانند آیه ۱۲۱ سوره‌ی انعام.

### وحی حضرت زکریا علیه السلام به قومش (به طریق اشاره)

﴿فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾ [مریم: ۱۱]



**توضیح موضوع:** چنان‌چه قبلاً نیز گفتیم، وحی گاهی به معنای اشاره‌ی سریع، یا حرکات رمزی با چشم و ابرو، و تغییر دادن خطوط چهره آمده است، چنان‌چه خداوند در داستان حضرت زکریا، آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی مریم می‌فرماید: ﴿فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ﴾. آنچه در تفسیر این آیه مشهور است، این است که حضرت زکریا در این مورد، فقط یک اشاره‌ی رمزی کرده است و سخنی را بر زبان جاری نگردانیده است. شاعر نیز در این شعر، وحی را به معنای «اشاره‌ی رمزی با دست و دیگر اعضای بدن» به کار برده است:

نظرتُ اليها نظرةٌ فتحيـرتُ      دقائق فكري في بديع صفاتها

فاوحي اليها الطرف اتي احبها      فاثـر ذاك الوحي في وجناتها

ترجمه: «نگاهی به سراپای اندامش افکندم، تار و پود اندیشه‌ام در گیر و دار نگریستن به زیبایی و ظرافت او در هم ریخت. آنگاه مژگان چشمانم به او وحی فرستاد که دوستش دارم، و شگفت این‌که آثار این وحی را بی‌درنگ در آینه‌ی چهره‌اش نگریستم.» پس نتیجه می‌گیریم که وحی به هفت قسم تقسیم می‌شود:

- ۱- وحی رسالت و نبوت.
  - ۲- وحی به معنای الهام [نحل / ۶۸]
  - ۳- وحی به معنای اشاره [مریم / ۱۱]
  - ۴- وحی به معنای تقدیر [فصلت / ۱۲]
  - ۵- وحی به معنای امر و فرمان [مائده / ۱۱۱]
  - ۶- وحی به معنای دروغپردازی و وسوسه [انعام / ۱۱۲]
  - ۷- وحی به معنای خبر و رساندن پیام [انبیاء / ۷۳]
- به هر حال وحی از سوی پروردگار را می‌توان دوگونه تصور کرد:

#### ۱- «وحی تشریحی»

که بر پیامبران فرستاده می‌شود و رابطه‌ی خاصی میان آن‌ها و خدا است که فرمان‌های الهی و حقایق را از این طریق دریافت می‌داشتند.

#### ۲- «وحی تکوینی»

که در حقیقت همان غرائز و استعدادها و شرایط و قوانین تکوینی خاصی است که خداوند در درون موجودات مختلف جهان قرار داده است.

#### ترسیم برخی از شیوه‌های مختلف وحی

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِّئٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَآئِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا  
فَيُوحِي بِلَاذِنِهِ ۗ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ مُّبِينٍ﴾ [الشوری: ۵۱]



توضیح موضوع: راه ارتباط پیامبران با خدا منحصر به سه طریق است:

- ۱- القای به قلب
  - ۲- از پشت حجاب (که شامل رؤیای صادقه نیز می‌شود).
  - ۳- از طریق ارسال رسول (فرشته‌ی وحی).
- و نزول وحی از طریق فرستادن فرشته‌ی وحی، خود به چهار طریق صورت می‌گیرد:

- ۱- آنجا که فرشته بی آنکه بر پیامبر ظاهر شود، در روح و قلب او القاء می کرده است. «نفث فی الروع».
- ۲- گاه فرشته به صورت انسانی در می آید و پیامبر را مخاطب می سازد (مثل اینکه جبرئیل به صورت دحیهی کلبی درآمد)
- ۳- گاه به صورتی بود که همچون زنگ در گوشش صدا می کرد (صلصلة الجرس)
- ۴- گاه جبرئیل به صورت اصلی خود که خدا او را بر آن صورت آفریده بود، بر پیامبر ظاهر می گشت.

### صحیفه‌ها و کتاب‌هایی که بر پیامبران و فرستادگان الهی فرو فرستاده شد

﴿نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾ [آل عمران: ۳]

﴿مِنْ قَبْلِ هُدَىٰ لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ...﴾ [آل عمران: ۴]

﴿وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾ [آل عمران: ۴۸]

﴿وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ...﴾ [آل عمران: ۵۰]

﴿...وَعَاتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾ [النساء: ۱۶۳]

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا

وَالرَّبَّنِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً...﴾ [المائدة: ۴۴]

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِثِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَعَاتَيْنَاهُ

الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [۶۱]

﴿وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْفٰسِقُونَ﴾ [المائدة: ۴۶-۴۷]

﴿... وَإِذْ عَلَّمْنَاكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...﴾ [المائدة: ۱۱۰]

﴿ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى

وَرَحْمَةً لِّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۴]

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَآخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ

بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾ [هود: ۱۱۰]

﴿وَعَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي

وَكَيْلًا﴾ [الإسراء: ۲]

﴿وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوْ لَمْ تأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ [طه: ۱۳۳]

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [الأنبياء: ۴۸]

﴿وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۶]

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي

إِسْرَائِيلَ﴾ [السجدة: ۲۳]

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْهُدًى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ﴾ [غافر: ۵۳]

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِيَ

بَيْنَهُمْ...﴾ [فصلت: ۴۵]

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ...﴾ [الجاثية: ۱۶]

﴿وَعَاتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ

...﴾ [الجاثية: ۱۷]

﴿أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾ [النجم: ۳۶-۳۷]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ...﴾ [الحديد: ۲۶]

﴿ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ ءَأَنرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ...﴾

[الحديد: ۲۷]

﴿إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ [ص: ۱۸] ﴿صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى﴾ [الأعلى: ۱۸-۱۹]



توضیح موضوع: «ابو ادريس خولانی» از «ابوذر غفاری» روایت کرده که به پیامبر ﷺ

عرض کردم که خدا چند کتاب را بر پیامبرانش نازل فرموده است؟ پیامبر ﷺ فرمود:

یکصد صحیفه و چهار کتاب. و ده صحیفه از آن صحیفه‌ها بر حضرت آدم علیه السلام، و پنجاه

صحیفه بر حضرت شیث علیه السلام، و سی صحیفه بر ادريس علیه السلام و ده صحیفه بر

ابراهيم علیه السلام، و تورات و انجیل و زبور و فرقان را هم نازل فرموده است.

از این حدیث دانسته می‌شود که خدا چهار کتاب را بر پیامبران خویش نازل کرده که عبارتند از:

۱- تورات [لفظی عبری به معنی تعلیم یا شریعت] که بر حضرت موسی علیه السلام نازل شده است.

۲- زبور [در لغت به معنای مکتوب و نوشته شده است که جمعش «زُبور» مانند رسول که جمعش رُسل است] بر حضرت داود نازل شد.

۳- انجیل [لفظی یونانی است به معنای بشارت و مژده] و بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده است.

۴- قرآن کریم [قرآن مصدر است و معنی خواندن و قرائت] و برترین و آخرین کتاب آسمانی است که بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله که برترین پیامبران است، نازل شده است.

و صد صحیفه که جمع آن «صُحُف» است عبارتند از: پنجاه صحیفه بر حضرت شیث، ده صحیفه بر حضرت آدم، سی صحیفه بر حضرت ادريس و ده صحیفه بر حضرت ابراهیم علیه السلام نازل شده است.

### نزول قرآن بر پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله

﴿لَٰكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ ۗ وَالْمَلٰٓئِكَةُ يَشْهَدُونَ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ

شَهِيدًا ﴿١٦٦﴾ [النساء: ۱۶۶]

### واسطه و کارگزار نزول قرآن (که حضرت جبرئیل امین علیه السلام است)

﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ

لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٧٢﴾ [النحل: ۱۰۲]

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٧٣﴾ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٧٤﴾﴾ [الشعراء: ۱۹۳-۱۹۴]

﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ﴿٥﴾ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ﴿٦﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ﴿٧﴾ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ﴿٨﴾

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٩﴾﴾ [النجم: ۵-۹]

﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾﴾ [عبس: ۱۵-۱۶]

## آغاز نزول قرآن

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ  
وَالْفُرْقَانِ...﴾ [البقرة: ۱۸۵]

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَّكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾ [الدخان: ۳-۵]

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ [القدر: ۱-۳]



**توضیح موضوع:** آغاز نزول وحی در هفدهم ماه رمضان، سال ۶۱۰ میلادی، که به حساب سال قمری، چهل سال و شش ماه و هشت روز، و به حساب سال شمسی، سی و نه سال و سه ماه و هشت روز از عمر حضرت محمد ﷺ گذشته بود، در غار «حراء» (کوه نور واقع در شمال شرقی مکه‌ی مکرمه و به فاصله‌ی شش کیلومتر از شهر) آیات نخستین سوره‌ی «اقرأ» بر پیامبر ﷺ نازل گردید و نقطه‌ی عطفی در زندگی او و دیگر جوامع بشری و انسانی به وجود آورد.

## نزول تدریجی و مرحله‌ای آیه‌های قرآن

﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا﴾ [الإسراء: ۱۰۶]

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ  
وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾ [الفرقان: ۳۲]



**توضیح موضوع:** قرآن نه به صورت مجموعه‌ی یکدست و یکجا، بلکه به صورت گه گاه و تدریجی و پراکنده و در مدت بیست و سه سال بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گردیده است. و مشیّت حکیمانه‌ی خداوندی بر آن رفته بود که فرشته‌ی وحی پیوسته با رسول خدا ﷺ همراه و همراز باشد و روز به روز آنحضرت ﷺ از طریق وحی، معارف نوینی را فرا گیرد و دیدگاه‌ها و رهنمودهای جدیدی دریافت دارد، تا لحظه به لحظه،

آن حضرت ﷺ را در راه رسالتش ثابت قدم گرداند و بر اعتماد به نفس و آرامش قلب مبارکش بیفزاید و وحی الهی همگام با زندگانی مسلمان پیش رود، و بتواند پاسخگوی نیاز آنان باشد و به تعلیم و تربیت و اصلاح عادات آنان و جایگزین گردانیدن عادات و اخلاق اسلامی به جای آداب و رسوم جاهلی در جامعه‌ی نوپای اسلامی بپردازد. و لازمه‌ی این خصوصیات که خداوند سبحان برای وحی محمدی مقرر داشته بود، آن بود که قرآن به صورت تدریجی، برحسب نیاز مسلمانان، پنج آیه پنج آیه، یا ده آیه ده آیه، یا بیشتر و کمتر نازل گردد.

و حکمت‌های نزول تدریجی قرآن را می‌توان در چند امر خلاصه کرد:

۱- دلداری و تقویت روحیه‌ی پیامبر اکرم ﷺ با نزول پیاپی قرآن در پی هر حادثه و یا مطرح شدن هر نیازی در جامعه‌ی اسلامی.

۲- نزول تدریجی قرآن بر پیامبر اسلام، حفظ آیات قرآن را برای آنحضرت آسانتر می‌گردانیده است چرا که پیامبر گرامی اسلام، اُمی و ناخوان بود و خواندن و نوشتن نمی‌دانست، از این رو خداوند قرآن را برای او بخش بخش نازل فرمود تا حفظ آیات قرآن برایش آسان گردد؛ به خلاف پیامبران دیگر، که خواندن و نوشتن می‌دانستند و می‌توانستند کتاب آسمانی خود را یکجا دریافت کنند و همه‌ی مطالب آن را حفظ کنند.

۳- همگامی و هماهنگی نزول قرآن با زندگی مسلمانان. در قرآن نمونه‌های گوناگون و تابلوهای رنگارنگی از همگامی و هماهنگی آیات قرآن با زندگی مسلمانان نخستین مشاهده می‌شود که وجه مشترک همه‌ی این نمونه‌ها، همان هدف اصلی از نزول تدریجی قرآن است که عبارت است از رعایت حال مخاطبان و پاسخگویی به نیازهای جامعه‌ی نوشکفته و نوبنیاد اسلامی، به این معنا که خداوند نخواست است، تازه مسلمانان و جامعه‌ی نوپای اسلامی را ناگهان با یک سلسله قوانین و آداب و رسوم و اخلاق نوین که برای آنان بی‌سابقه بوده است، دست به گریبان سازد.

۴- قرآن به تدریج سه آیه و چهار آیه و پنج آیه نازل شد تا از یکطرف حفظ و ضبط آیه‌های قرآن برای مسلمانان - که اکثراً جز حافظه، وسیله‌ی دیگری برای ضبط آنها نداشتند - امکان‌پذیر باشد.

- ۵- و از طرف دیگر با نزول تدریجی آیه‌های قرآن، تدریجاً صورهای خرافی و رفتارهای زشت و کارهای بد و مخرب ترک گردید و عقاید و اخلاق و اعمال اسلامی، جایگزین آن‌ها گردند.
- ۶- در نزول تدریجی قرآن، فرشته‌ی وحی همواره با پیامبر بزرگوار اسلام همراز و همراه بود، و وحی خداوندی تربیت و تعلیم و هدایت آن حضرت ﷺ را بر عهده داشت.
- ۷- نزول تدریجی قرآن، علاوه بر اینکه حفظ آیات قرآن را توسط مسلمانان میسر می‌گردانید، به هنگام سختی و مصیبت و جنگ نیز به آنان قوت قلب می‌داد و اراده‌ی آنان را استواری می‌بخشید.
- ۸- اگر تمام قرآن یکدفعه نازل می‌شد، پایبندی به تمام احکام بلادرنگ شروع می‌شد و این با تدریج حکیمانه‌ای که در شریعت لحاظ شده‌است، مخالف می‌شد.

### حفظ و حراست آیه‌های قرآن

(و ضبط و ثبت آن‌ها در سینه‌ها و در نوشت افزارها تا قیامت. و خداوند جهت حفظ و حراست کتاب دین جاودانه‌ی خویش دو وسیله را به کار انداخت: اول ضبط قرآن در حافظه‌ها؛ و پیامبر ﷺ علاوه بر اینکه در این راه پیشقدم و پیشوای همه‌ی حافظان به شمار می‌آمد، همیشه با اقوال و فرموده‌های تأثیر بخش خود، تمام مسلمانان و پیروان خویش را به تعلیم و تعلم و ضبط آیه‌ها در حافظه‌ها ملزم می‌فرمود.

و دوم: ثبت آیه‌های قرآن در اوراق و برگ‌ها که در جای خود ثابت و بدون تغییر باقی می‌ماند و تغییری شبیه نسیان و فراموشی بدان روی نمی‌آورد و با بیماری‌ها و مرگ و میر افراد فناپذیر نخواهد شد.)

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹]

﴿... وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ ۗ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾

[طه: ۱۱۴]

﴿لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ۗ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ ۗ وَقُرْآنَهُ ۗ فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ

قُرْآنَهُ ۗ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ [القیامة: ۱۶-۱۹]

﴿سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَىٰ﴾ [الأعلى: ۶]



## ناسخ و منسوخ قرآن

﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾ [البقرة: ١٠٦]

﴿... قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَائِي نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي

أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١١٥﴾ [يونس: ١١٥]

﴿وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ

لَا يَعْلَمُونَ ﴿١١١﴾ [النحل: ١١١]



**توضیح موضوع:** «نسخ» در زبان عربی، گاهی به معنای زایل نمودن چیزی و نشانیدن دیگری در جای آن است. مانند «نسخت الشمس الظل»، آفتاب، سایه را نسخ کرد که سایه زایل گشته و روشنایی جای آن را گرفته است. و گاهی «نسخ» به معنای «جابه جا کردن» نیز آمده است. مانند: جابه‌جایی میراث در مقررات تقسیم ارث. و گاهی به معنای «تبدیل و تعویض» نیز آمده است.

و «نسخ» در عرف اهل اصول عبارت است از: «برداشتن یک حکم شرعی، به وسیله‌ی یک حکم و یک فرمان شرعی». گاهی خداوند یک حکم شرعی را مناسب با زمان، نافذ و جاری می‌فرماید، و در زمانی دیگر با حکمت بالغه‌ی خود این حکم را از میان برمی‌دارد، و حکم جدیدی صادر می‌کند، و به این عمل «نسخ» گفته می‌شود، که به حکم ختم کرده شده‌ی قدیمی «منسوخ» و به حکم جدید «ناسخ» می‌گویند.

و اهداف و آثار تربیتی، اجتماعی و سیاسی احکام در «نسخ» این است که همانگونه که پزشک برای بیمار در یک مرحله، دارویی تجویز می‌کند، ولی وقتی حال مریض کمی بهبود یافت، برنامه‌ی دارویی و درمان او را تغییر می‌دهد، یا معلّم با پیشرفت درس دانش‌آموز، برنامه‌ی درسی او را تغییر می‌دهد، خداوند نیز در زمان‌ها و شرایط مختلف و متفاوت، برنامه‌های تکاملی بشر را تغییر می‌دهد، و تغییر احکام، دلیل بر شکست طرح قبلی نیست، بلکه نشانه‌ی توجه به مسائل جدید و تغییری حکیمانه است، همانند تغییر کتاب و معلم و دارو.

و یادآوری می‌شود که نسخ بر سه قسم است:

۱- منسوخ التلاوة و منسوخ الحكم باشد، مانند: «عشر رضعاتٍ معلوماتٍ يُجرِّمن» یعنی: ده بار شیر خوردن که معلوم باشد، موجب تحریم ازدواج می‌گردد، که هم تلاوتش منسوخ و در ضمن آیه‌های قرآن وجود ندارد، و هم حکمش منسوخ است.

۲- منسوخ التلاوة باشد، اما حکمش باقی و منسوخ نشده باشد، مانند: «الشَّيْخُ وَ الشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُوهَا الْبَتَةَ» یعنی: پیرمرد و پیرزن، هرگاه مرتکب زنا شدند، آنان را قطعاً رجم کنید... که تلاوت آن منسوخ و در ضمن آیه‌های قرآن وجود ندارد و تلاوت نمی‌شود، ولی حکمش باقی است، زیرا پیرمرد و پیرزن هرگاه مرتکب زنا گشتند - و هر دو محصن بودند - رجم می‌شوند.

۳- منسوخ الحكم باشد، ولی منسوخ التلاوة نباشد، مانند سوره‌ی «کافرون». و باید گفت که نسخ - خواه نسخ احکام یا نسخ ادیان - جزء قدرهای خدا و مطابق قضا و برنامه‌ریزی‌های قبلی و مقتضای حکمت عام و تام الهی در شیوه‌ی پرورش گیاهان و جانداران، و تربیت افراد و جامعه‌های کوچک و بزرگ بشری و جامعه‌ی کل انسانی است.

### محکم و متشابه قرآن

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾﴾ [آل عمران: ٧]

﴿الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾﴾ [هود: ١]

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ﴿٢٣﴾﴾ [الزمر: ٢٣]



توضیح موضوع: به موجب آیه‌ی یکم سوره‌ی هود ﴿كَيْتَبُ أَحْكَمْتُ عَائِيْتُهُ﴾ همه‌ی آیه‌های قرآن، محکم - یعنی ثابت و استوار و آسیب‌ناپذیر - هستند، و قرآن از آن‌چنان استحکام و زیبایی در نظم بیان برخوردار است که هیچ‌گونه سستی و ضعفی به الفاظ و معانی آن راه ندارد.

و به موجب آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی زمر ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا﴾ همه‌ی آیه‌های قرآن، متشابه - یعنی هماهنگ و هم‌رنگ، و هم‌ردیف - هستند، و آیات آن در بلاغت و اعجاز، و از این جهت که مقایسه و تشخیص برتری بین اجزای قرآن با یکدیگر دشوار است، با هم متشابه و همانند هستند. بنابراین «محکم و متشابه» بودن آیات قرآن، آن‌چنان که در هر یک از این دو آیه‌ی قبلی مطرح شده است، جولانگاه بحث علماء و مفسرین درباره‌ی «محکم و متشابه» قرآن نیست.

و علماء درباره‌ی آیه‌ی هفت سوره‌ی آل عمران که خداوند می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرَى مُتَشَابِهَاتٌ﴾

در تبیین معنای «محکم و متشابه» و تعیین ویژگی‌های آن‌ها، و نوع عملکرد مسلمانان نسبت به آن‌ها دو مذهب متفاوت را ارائه داده‌اند. آشکار است که در این آیه، «محکم» در برابر «متشابه» قرار گرفته، چنان‌که «راسخون فی العلم» در برابر «الذین فی قلوبهم زیغ» قرار گرفته‌اند.

و مراد از آیات محکم: آیه‌های متقن و واضحی است که همگان می‌توانند به معنای و تفسیر آن‌ها پی ببرند؛ و در فهم آن‌ها دچار اشتباه و التباس نشوند، و این آیات، اصل و اساس قرآن، و مرجع احکام حلال و حرام، و کلید مشکلات و مجملات هستند. و منظور از «متشابهات قرآن»: آیاتی مشکل و قابل تأویل بوده که معنای کاملاً واضح و روشنی ندارند؛ و چون محتمل مفاهیم واوجه زیادی هستند، قاطعانه نمی‌توان آن‌ها را تفسیر و تبیین کرده از قبیل: حروف مقطعه، هنگامه‌ی رستاخیز، چگونگی روح، مجملات قرآن، صفات یزدان - یدالله، استوی علی العرش - و ... اکثر علمای اسلامی (دانشمندان متقدم اسلامی و موسوم به سلف) بر این باورند که «متشابه» را جز خداوند تأویلش را نمی‌داند ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ و به همین جهت در آیه، وقف

بر اسم جلاله «الله» را واجب می‌دانند، اما «راسخون فی العلم»، علمشان در زمینه‌ی تأویل قرآن به آنجا منتهی شده است که گفته‌اند: ﴿ءَامَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾. ولی دانشمندان متأخرین اسلامی و موسوم به «خلف» بر مبنای عدم وقف بر لفظ جلاله «الله» و عطف «الراسخون» به لفظ «الله»، آن آیه را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که علماء و دانشمندان راسخ را قادر بر درک معانی آیه‌های متشابه از راه تأویل می‌دانند.

توضیح این دو دیدگاه اینکه: بعضی از آیات قرآنی که درباره‌ی صفات متشابه وارد شده‌اند، عبارتند از: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: ۵]، ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ [الفجر: ۲۲]، ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ﴾ [الأنعام: ۶۱]، ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ [الفتح: ۱۰] و سایر آیات.

علمای سلف، خداوند را از این پدیده‌ها (از قبیل: تکیه زدن، آمدن، بالا بودن، چهره، چشم، دست، جان و ...) که برای خداوند محال است، منزّه و پاک دانسته‌اند، و همچنان که خداوند آن‌ها را ذکر کرده است، به آن‌ها ایمان به غیب داشته‌اند، و علم به حقایق آن‌ها را به خداوند واگذار کرده‌اند.

اما علمای خلف، «استوا» را «بالا بودن معنوی از حیث تدبیر و بدون تحمل رنج و مشقت» تعبیر می‌کنند. و «آمدن خداوند» را «آمدن امر و فرمان او»، معنا می‌کنند. و «بالا بودن» خداوند را «بالایی و والایی بدون در نظر گرفتن سمت و جهت» توجیه می‌کنند. و «فی جنب الله» [در پهلوئی خدا] را به معنای «در حق خداوند» می‌دانند. و «چهره‌ی خدا» را کنایه از «ذات او» و «چشم» خداوند را کنایه از «عنایت او»، و «دست خداوند» را کنایه از «قدرت او» و ... می‌دانند، و به همین ترتیب علمای خلف بر همین منوال تأویل می‌کنند و آن‌ها را بر نزدیکترین معنای مجازی حمل می‌کنند.

### تفصیل قرآن

(یعنی قرآن آن‌چنان شاخه‌ها و شعب فراوان دارد که تمام نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی، سیاسی و نظامی، فرهنگی و اقتصادی، عبادی و خانوادگی و ... انسان‌ها را در زیر پوشش خود قرار می‌دهد، و جامع تمام ابعاد و زوایای مختلف زندگی می‌باشد، و تمام نیازها را تفصیل داده است، از این رو قرآن، کتابی است هم محکم و هم مفصل، نه تناقض دارد و نه

تهافت؛ هم فصیح است و هم بلیغ، و محتویاتش در فصل‌ها و سوره‌های مختلف، جدای از یکدیگر اما به دنبال هم آمده است):

﴿أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغَى حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا...﴾ [الأنعام: ۱۱۴]  
 ﴿وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۵۲]  
 ﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ  
 وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [یونس: ۳۷]

﴿الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلْتُ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ [هود: ۱]  
 ﴿... مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ  
 وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [یوسف: ۱۱۱]

﴿كِتَابٌ فَصَّلْتُ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [فصلت: ۳]  
 ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَءَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ...﴾  
 [فصلت: ۴۴]

### تفصیل آیات قرآن

(یعنی خداوند برای اینکه انسان را در آفاق و جهان‌های دوردست سیر دهد، و گاهی او را به سیر در درون وجود خویش دعوت نماید، آیات و نشانه‌های پروردگار را برای او شرح می‌دهد، تا خدا را در همه جا و در همه چیز ببیند):

﴿وَكَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأنعام: ۵۵]  
 ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا  
 الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [۹۷] وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ  
 فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ﴾ [الأنعام: ۹۷-۹۸]

﴿وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۶]

﴿... كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۲]

﴿وَكَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۴]

﴿... وَنَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [التوبة: ۱۱]

- ﴿... مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [يونس: ۵]
- ﴿... كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [يونس: ۲۴]
- ﴿... يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾ [الرعد: ۲]
- ﴿... كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الروم: ۲۸]

## تأویل

- ﴿... وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ...﴾ [آل عمران: ۷]
- ﴿... فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹]
- ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ...﴾ [الأعراف: ۵۳]
- ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ ؕ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ [يونس: ۳۹]
- ﴿رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِمَّا تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ...﴾ [يوسف: ۱۰۱]
- ﴿قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾ [الكهف: ۷۸]



**توضیح موضوع:** «تأویل» در لغت به معنای «بازگشت دادن چیزی» است. بنابراین هر کار و یا سخنی را که به هدف نهایی برسانیم، تأویل نامیده می‌شود. در زمان قدیم کلمه‌ی «تأویل» نیز به کثرت به معنی «تفسیر» استعمال کرده می‌شد. خود قرآن نیز این کلمه را برای «تفسیر» خود به کار برده است: ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ﴾. از این رو امام ابو عبید و غیره می‌فرمایند که «تفسیر» و «تأویل» مترادف هستند؛ و دیگران بر این باورند که این دو واژه با هم متفاوت‌اند، و کوشیده‌اند فرق آن دو را ظاهر کنند، که مهمترین فرق‌های این دو را اینگونه بیان کرده‌اند:

- ۱- تفسیر عبارت است از: تشریح انفرادی کلمات؛ و تأویل عبارت است از: تشریح جمله من حیث المجموع.
  - ۲- به بیان معنای ظاهری کلمات «تفسیر» می‌گویند، و «تأویل» به توضیح مقصود اصلی.
  - ۳- آیه‌ای تفسیر کرده می‌شود که احتمال بیش از یک معنی نداشته باشد، و منظور از تأویل این است که یکی از تشریحات آیه با دلیل برگزیده می‌شود.
  - ۴- تفسیر به شرح یقینی، و تأویل به شرح غیر یقینی گفته می‌شود.
  - ۵- تفسیر عبارت است از: بیان مفاهیم کلمات؛ و تأویل عبارت است از: توضیح درس‌ها و نتایج برآمده از مفاهیم.
- اما حقیقت این است که فرق اساسی بین واژه‌ی تأویل و تفسیر وجود ندارد، و هر دو مترادف هستند.

قرآن همان کلام اعجاز آور و فصیح و بلیغ، و شگرف و شگفت‌انگیز خداوند است که آن را بر پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد ﷺ فرو فرستاد

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾

... ﴿البقرة: ۱۸۵﴾

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَا كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللَّهِ لَوْجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

[النساء: ۸۲]

﴿قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۗ قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ﴾

لَا نُذِرْكُمْ بِهِ ۚ وَمَنْ بَلَغَ ... ﴿[الأنعام: ۱۹]

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الأعراف: ۲۰۴]

﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ﴾

وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿[یونس: ۳۷]

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [یوسف: ۲]

﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ﴾

جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِيسِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا ... ﴿[الرعد: ۳۱]

- ﴿الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْءَانَ مُبِينٍ﴾ [الحجر: ١]
- ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ﴾ [الحجر: ٨٧]
- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْءَانَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ٩]
- ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْءَانَ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا﴾ [الإسراء: ٤١]
- ﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا﴾ [١٥] وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْءَانِ وَحْدَهُ وَرَأَوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾ [الإسراء: ٤٥-٤٦]
- ﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ [الإسراء: ٨٢]
- ﴿قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْءَانِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ [٨٨] وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرَ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا﴾ [الإسراء: ٨٨-٨٩]
- ﴿وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا﴾ [الإسراء: ١٠٦]
- ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا﴾ [الكهف: ٥٤]
- ﴿مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ لِتَشْقَىٰ﴾ [طه: ٢]
- ﴿وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا﴾ [طه: ١١٣]
- ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْءَانُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾ [الفرقان: ٣٢]
- ﴿طَسَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ [النمل: ١]
- ﴿وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ﴾ [النمل: ٦]



﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [النمل: ٧٦]  
 ﴿وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾ [النمل: ٩٢]

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [القصص: ٨٥]

﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ﴾ [الروم: ٥٨]  
 ﴿صَّ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ﴾ [ص: ١]

﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [قرءاناً عربياً غير ذى عوجٍ لعلهم يتتقون] ﴿[الزمر: ٢٧-٢٨]

﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ وَقُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [فصلت: ٣]  
 ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَءَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ...﴾ [فصلت: ٤٤]

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...﴾ [الشورى: ٧]  
 ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [وإنه في أم الكتاب لدينا لعلي حكيم] ﴿[الزخرف: ٣-٤]

﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ...﴾ [الأحقاف: ٢٩]  
 ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ [محمد: ٢٤]  
 ﴿نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرَ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ﴾ [ق: ٤٥]

﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ [القمر: ١٧]  
 ﴿الرَّحْمَنِ﴾ ١ ﴿عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾ ٢ ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾ ٣ ﴿عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ ٤ ﴿[الرحمن: ١-٤]  
 ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾ ٧٧ ﴿[الواقعة: ٧٧]

- ﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَلْشَعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ...﴾  
[الحشر: ۲۱]
- ﴿قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْهِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا﴾ [الجن: ۱]
- ﴿... وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ [المزمل: ۴]
- ﴿... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ...﴾ [المزمل: ۲۰]
- ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿۷﴾ فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿۱۸﴾﴾ [القيامة: ۱۷-۱۸]
- ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ﴿۱۱﴾ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ﴿۱۲﴾﴾ [البروج: ۲۱-۲۲]
- ﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿۱﴾﴾ [العلق: ۱]

### (یکی از نام‌های قرآن) «کتاب» است

- ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾﴾ [البقرة: ۲]
- ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ...﴾ [البقرة: ۱۷۶]
- ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...﴾ [البقرة: ۲۱۳]
- ﴿نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ...﴾ [آل عمران: ۳]
- ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ...﴾ [آل عمران: ۷]
- ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرْنَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِبِينَ خَصِيمًا ﴿۱۵﴾﴾ [النساء: ۱۰۵]
- ﴿... وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۳]
- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ
- وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ ...﴾ [النساء: ۱۳۶]
- ﴿... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ [المائدة: ۱۵]

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ

﴿...﴾ [المائدة: ٤٨]

﴿... مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: ٣٨]

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا

﴿...﴾ [الأنعام: ٩٢]

﴿أَفَعَبِّرَ اللَّهُ أَبْعَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا...﴾ [الأنعام: ١١٤]

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الأنعام: ١٥٥]

﴿كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ

لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ٢]

﴿وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ٥٢]

﴿وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾ [الأعراف: ١٧٠]

﴿الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾ [يونس: ١]

﴿الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمْتُ ءَايَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلْتُ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ [هود: ١]

﴿الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ [يوسف: ١]

﴿الْمَرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الرعد: ١]

﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ

صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ [إبراهيم: ١]

﴿الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْءَانٍ مُّبِينٍ﴾ [الحجر: ١]

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ

يُؤْمِنُونَ﴾ [النحل: ٦٤]

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ [النحل: ٨٩]

- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ [الكهف: ١]
- ﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [الأنبياء: ١٠]
- ﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ [الشعراء: ٢]
- ﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ...﴾ [العنكبوت: ٤٧]
- ﴿أَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [العنكبوت: ٥١]
- ﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾ [لقمان: ٢]
- ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [السجدة: ٢]
- ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [ص: ٢٩]
- ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [الزمر: ١]
- ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ [الزمر: ٢]
- ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ...﴾ [الزمر: ٢٣]
- ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ...﴾ [الزمر: ٤١]
- ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ [غافر: ٢]
- ﴿كِتَابٌ فَصَّلَتْ آيَاتُهُ وَفَرَّءْنَا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [فصلت: ٣]
- ﴿... وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾ [فصلت: ٤١]
- ﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ﴾ [الشورى: ١٧]
- ﴿وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ [الدخان: ٢]
- ﴿وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ [الزخرف: ٢]
- ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [الجاثية: ٢]
- ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [الأحقاف: ٢]

﴿وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ  
الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ﴾ [الأحاف: ۱۲]  
﴿فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿۷۸﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿۷۹﴾﴾ [الواقعة: ۷۸-۷۹]



**توضیح موضوع:** خداوند برای مجموعه‌ی وحی خویش، نام‌های نوینی برگزیده است که پیش از ظهور اسلام در زبان عرب سابقه نداشته است. در این نامگذاری‌ها و وضع این عناوین و القاب، اسرار و رموزی نهفته است، و هر یک از این نام و نشان‌ها برحسب اصل و ریشه‌ای که از آن مشتق گردیده‌اند، نکته‌های دقیق و دلالت‌های ظریفی به همراه دارند، از میان این نام و نشان‌ها، دو نام «کتاب» و «قرآن» شهرت بسیار یافته‌اند.

نامگذاری مجموعه‌ی وحی خداوند به پیامبر اسلام، به نام «کتاب» به این نکته اشاره دارد که این وحی خداوندی باید در سطرهای نبشته شده فراهم آید، زیرا «کتابت» به معنای اصل کلمه، عبارت است از گردآوری حروف و ترسیم الفاظ؛ همچنین نامگذاری این کتاب به «قرآن» اشاره‌ی ظریفی دارد به اینکه این کتاب باید در سینه‌ها حفظ بشود، زیرا «قرآن» مصدر است، مانند «قرائت» (خواندن)، و خواندن همواره به خاطر سپردن را به همراه دارد.

در نتیجه، این دو نام و نشان برای قرآن - بر روی هم - این معنی را می‌رساند که این وحی عربی مبین از عنایت خاص خداوندی برخوردار است، و خداوند زمینه را برای محفوظ ماندن این آخرین پیام خویش در یک حصار محکم و یک قلعه‌ی مستحکم فراهم آورده است، و بدین وسیله راه را برای دستیابی بازیگران، و تاخت و تاز تحریف‌کنندگان این کتاب بسته است.

این کتاب، نه مانند بعضی کتاب‌ها فقط با نوشتن دست به دست می‌گردد، و نه مانند بعضی کتاب‌های دیگر فقط از طریق حفظ، دهان به دهان نقل می‌شود، بلکه نسخه‌های نبشته‌ی قرآن همواره پشتیبان سند متواتر آن، و سلسله‌ی سند متواتر و ناگسسته‌ی آن، پشتوانه‌ی دقت و امانت نسخه‌های نبشته‌ی قرآن است.

این دو نام ریشه‌ی آرامی دارند. در زبان آرامی، کتابت به معنای ترسیم حروف، و قرائت به معنای تلاوت آمده است؛ با وجود این، نامگذاری وحی محمدی ﷺ با نام‌های

«کتاب» و «قرآن» بسیار طبیعی جلوه کرد، زیرا این وحی خداوندی در تمام مراحل که تاکنون طی کرده است، از این مراقبت و مواظبت دو جانبه از جانب پیامبر اسلام و مسلمانان برخوردار بوده است، و از یک سو نصوص و تعالیم قرآن با دقت فراوان در سطور «کتاب» ثبت گردیده است، و از سوی دیگر، همان نوشته‌ها در سینه‌ها حفظ شده است. [ر.ک: مباحثی در علوم قرآن صص ۱۷-۱۸]

### (یکی دیگر از نام‌های قرآن) «فرقان» است

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...﴾ [البقرة: ۱۸۵]

﴿...وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿۳﴾ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ...﴾ [آل عمران: ۳-۴]  
 ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿۱﴾﴾ [الفرقان: ۱]



توضیح موضوع: یکی دیگر از نام‌های قرآن، «فرقان» است. و ریشه‌ی این کلمه مفهوم «تفرقه» (جدا کردن) را در بر دارد، و گویا وجه تسمیه‌ی قرآن به «فرقان» این است که خداوند خواسته است به این نکته اشاره کند که این کتاب حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌کند.

و می‌توان چنین نیز گفت که خداوند قرآن را به لحاظ اینکه قطعه قطعه و در طول بیست و سه سال نازل کرده است ﴿نَزَّلَ الْفُرْقَانَ﴾ «فرقان» نامیده است، تا با این اشاره همراه باشد که هر آیه از قرآن، یک معجزه‌ی جاویدان از پیامبر اسلام ﷺ است که برای اثبات حقانیت آن حضرت به عنوان آورنده‌ی اسلام و قرآن، کافی است.

### (یکی دیگر از نام‌های قرآن) «ذکر» است

﴿ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿۵۸﴾﴾ [آل عمران: ۵۸]  
 ﴿وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۴﴾﴾ [یوسف: ۱۰۴]  
 ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾﴾ [الحجر: ۹]  
 ﴿... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴]

﴿كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا﴾ [طه: ۹۹]  
 ﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾ [الأنبياء: ۵۰]  
 ﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ﴾ [يس: ۶۹]  
 ﴿صَّ وَالْفُرْعَانَ ذِي الْأَذْكَرِ﴾ [ص: ۱]  
 ﴿أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوفُوا عَذَابِ﴾ [ص: ۸]  
 ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ [ص: ۸۶-۸۷]  
 ﴿لِلْعَالَمِينَ﴾ [ص: ۸۶-۸۷]  
 ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾ [فصلت: ۴۱]  
 ﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ [الطلاق: ۱۰]  
 ﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ [القلم: ۵۲]  
 ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ [التكوير: ۲۷]

### (یکی دیگر از نام‌های قرآن) «تنزیل» است

(و این نکته را می‌رساند که قرآن وحی خداوند است که به پیامبر اسلام ﷺ می‌رسد و از مقام نزد خدایی‌اش تنزل پیدا می‌کند و بر قلب مبارک پیامبر فرود می‌آید):

﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۲]  
 ﴿تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ [فصلت: ۲]  
 ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ [فصلت: ۴۲]  
 ﴿تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الحاقة: ۴۳]

### بارهای دیگر از اوصاف قرآن

﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۸]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾ ﴿٧٤﴾

[النساء: ۱۷۴]

﴿وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾ ﴿٦٦﴾ [الأنعام: ۶۶]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى

وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿٥٧﴾ [يونس: ۵۷]

﴿هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيَلْعَلُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو

الْأَلْبَابِ﴾ ﴿٥٢﴾ [إبراهيم: ۵۲]

﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ﴾ ﴿١﴾ [الزخرف: ۴]

﴿فَقَامُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ ﴿٨﴾ [التغابن: ۸]

﴿وَإِنَّهُ لَتَذَكُّرٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ ﴿٤٨﴾ [الحاقة: ۴۸]

﴿وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ﴾ ﴿٥١﴾ [الحاقة: ۵۱]



توضیح موضوع: برخی از دانشمندان پنجاه و پنج نام برای قرآن برشمرده‌اند که عبارتند از: کتاب، مبین، قرآن، کریم، کلام، نور، هدایت، رحمت، فرقان، شفاء، موعظه، ذکر، مبارک، علی، حکمت، حکیم، مصدق، مهیمن، حبل، صراط مستقیم، قیّم، قول، فصل، نبأ عظیم، احسن الحدیث، متشابه، مثانی، تنزیل، روح، وحی، عربی، بصایر، بیان، علم، حق، هدی، عجب، تذکر، عروة الوثقی، صدق، عدل، امر، منادی، بُشری، مجید، زبور، بشیر، نذیر، عزیز، بلاغ، قصص، صحف، مکرمه، مرفوعة، مطهرة.

و برخی از آن‌ها، تا جایی مبالغه کرده‌اند که آمار نام‌های قرآن را از مرز نود هم بالاتر برده‌اند، البته ناگفته پیداست که آن‌ها نامگذاری را با «توصیف»، و «اسم» را با «صفت» در آمیخته‌اند؛ بنابراین مجموع پنجاه و پنج، و یا نود و چند کلمه‌ای که به عنوان اسماء و اسامی و نام‌ها، برای قرآن ذکر کرده‌اند، عموماً وصف قرآن هستند، و علم شخصی نیستند، به جز کلمه‌ی «قرآن» و «کتاب»، و نام‌های این آخرین کلام خدا منحصر می‌شود در قرآن و کتاب؛ و «ذکر» و «تنزیل» و ... همه از اوصاف قرآنند نه نام آن.



به هر حال، قرآن به هر نامی که نامیده شود، عبارت است از سخن اعجاز‌آمیز پروردگار جهان که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده و در مصحف‌ها نوشته شده و با سلسله سند متواتر از پیامبر ﷺ نقل شده و به دست ما رسیده است و تلاوتش عبادت است.

### (یکی دیگر از اوصاف قرآن) «نبا» است

﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾﴾ [ص: ۶۷-۶۸]

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١﴾ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ ﴿٢﴾﴾ [النبا: ۱-۲]



توضیح موضوع: «نبا» به معنای «خبر مهم و حتمی» است که دارای فایده باشد. و قرآن خبر بزرگی است درباره‌ی سرنوشت مؤمنان و کافران و سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی ایشان. و قرآن است که از توحید و یگانگی خدا و تصدیق پیامبر، وقوع رستاخیز و اوامر و فرامین تابناک الهی و تعالیم و آموزه‌های تعالی بخش شرعی، خبر می‌دهد.

### قرآن به زبان عربی است

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾﴾ [یوسف: ۲]

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ...﴾ [الرعد: ۳۷]

﴿وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنْهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَبِيٌّ

وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾﴾ [النحل: ۱۰۳]

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ﴿٩٧﴾﴾ [الکهف: ۱]

﴿فَاتِمَّا يَسِرَّنْهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَدَّا ﴿٩٧﴾﴾ [مریم: ۹۷]

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ

ذِكْرًا ﴿١١٣﴾﴾ [طه: ۱۱۳]

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ

مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾﴾ [الشعراء: ۱۹۳-۱۹۵]

﴿وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿۱۹۸﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۹۹﴾﴾

[الشعراء: ۱۹۸-۱۹۹]

﴿قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۲۸﴾﴾ [الزمر: ۲۸]

﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۳﴾﴾ [فصلت: ۳]

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ؕ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿۴۴﴾﴾ [فصلت: ۴۴]

﴿وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ... ﴿۷﴾﴾ [الشورى: ۷]

﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۳﴾﴾ [الزخرف: ۳]

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۵۸﴾﴾ [الدخان: ۵۸]

﴿... وَهَٰذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ﴿۱۴﴾﴾

[الأحقاف: ۱۲]



**توضیح موضوع:** نزول قرآن به زبان عربی دارای مزایا و ویژگی‌هایی است که این زبان را از دیگر زبان‌ها ممتاز و سرآمد نموده است:

۱- زبان عربی دارای چنان گستردگی لغات و استواری قواعد دستوری است که در زبان‌های دیگر یافت نمی‌شود؛ و آن‌ها که اهل تحقیق و مطالعه در زبان‌ها و لهجه‌ها و گویش‌های مختلف جهان‌اند به این امر معترفند که زبان عربی آن‌چنان زبان وسیع و فصیح و بلیغ و رسا است که می‌تواند ترجمان لسان وحی باشد و مفاهیم و ریزه کاری‌های سخنان خدا را بازگو کند.

۲- مردم منطقه‌ای که قرآن در میان آن‌ها نازل شد، عرب زبان بودند و امکان نداشت که کتاب آسمانی آن‌ها به زبان دیگری باشد، چرا که اسلام در شبه جزیره‌ی عربستان (کانون تاریکی و ظلمت و توحش و بربریت) طلوع کرد و در درجه‌ی اول می‌بایست مردم بی‌سواد و دور از علم و دانش آن منطقه را گرد خود جمع کند و آن‌ها را تعلیم دهد و در پرتو تعالیم و آموزه‌های گویا و حقایق و مفاهیم روشن خویش آن‌ها را دگرگون سازد و یک هسته‌ی اصلی برای نفوذ این آیین در سایر مناطق جهان بوجود آورد.

۳- زبان عربی فصیح‌ترین، واضح‌ترین، روشن‌ترین و فراگیرترین زبان‌ها از نظر ظرفیت‌های لغوی و ریزه‌کاری‌های قواعد دستوری و غنی‌ترین آن‌ها در دادن معانی است که به راحتی بر دل‌ها می‌نشیند و بر ذهن‌ها و اندیشه‌ها جای می‌گیرد.

۴- خداوند شریف‌ترین کتاب را با شریف‌ترین زبان‌ها بر شریف‌ترین پیامبران با سفارت شریف‌ترین فرشتگان و در شریف‌ترین اماکن زمین (مکه و مدینه) نازل کرد، و آغاز نزول آن را در شریف‌ترین ماه‌های سال که ماه مبارک رمضان است قرار داد، بنابراین، آن را از همه‌ی وجوه، به کمال و جمال و شکوه و جلال آراست.

۵- طبق روایات، زبان اهل بهشت نیز عربی است.

۶- چون زبان عربی، زبان وحی و کلید فهم حقایق اسلام است، از این رو همه‌ی مسلمانان باید بکوشند و زبان عربی را به عنوان زبان دوم خود به صورت همگانی بیاموزند، چرا که نزول قرآن به زبان عربی از یک سو، و فرمان تدبیر و تفکر در آن از سوی دیگر، نشانه‌ی آن است که مسلمانان باید با زبان عربی آشنا شوند.

**قرآن تمام کسانی را که در مورد آسمانی بودن آن تردید دارند، و یا آسمانی بودن آن را تکذیب می‌کنند، به مبارزه فراخوانده است**

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۲۳]

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [یونس: ۳۸]

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [هود: ۱۳]

﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ [الإسراء: ۸۸]

﴿قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [القصص: ۴۹]

﴿أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿۳۴﴾﴾

[الطور: ۳۳-۳۴]



توضیح موضوع: بیش از هزار و چهارصد سال است که خود قرآن تمام کسانی را که در مورد آسمانی و وحیانی بودن آن تردید دارند، به مبارزه فراخوانده است که اگر می‌توانند کتابی همانند آن [اسراء / ۸۸]، و یا ده سوره همانند آن [هود / ۱۳] و در نهایت، یک سوره مانند آن را بیاورند [یونس / ۳۸، و بقره / ۲۴-۲۳]

و عجیب‌تر از این مبارزه طلبی، آن است که در آیه‌ی اخیر، خود قرآن با تأکید بیان نموده است که آن‌ها هرگز نخواهند توانست یک سوره‌ی کوچک (سه آیه‌ای) نیز مانند آن بیاورند، و تاکنون نیز کسی و یا گروهی نتوانسته است در مقابل این مبارزه‌طلبی قد علم کند و این صدا تا قیامت، تمام معاندان را به مبارزه می‌طلبد.

و با توجه به عداوت و دشمنی زیاد دشمنان اسلام و فروگذار نکردن آنان از هر گونه دسیسه و توطئه‌ای برای نابودی اسلام، عاجز بودن آنان در جواب به این مبارزه طلبی، امری مسلم و غیر قابل انکار است، زیرا اگر می‌توانستند، قطعاً اولین عمل آنان برای بی‌اعتبار ساختن قرآن و اسلام، آوردن حداقل سوره‌ای مانند آن می‌بود.

در طول تاریخ در این مورد کوشش‌های زیادی انجام گرفته است، اما همگی آن‌ها با شکست مواجه شده‌اند که هر کس ذره‌ای از انصاف داشته باشد، ناخودآگاه به خدایی بودن آن اعتراف می‌کند.

قرآن، کلام الهی، معجزه‌ی جاوید پروردگار جهانیان و کتاب هدایت بشر به سوی سعادت ابدی است و تا زمانی که حیات انسان روی این کره‌ی خاکی ادامه دارد، به نقش هدایتگری خود ادامه می‌دهد و غبار کهنگی بر روی آن نمی‌نشیند.

و در قرن اخیر نیز که قرن علم، صنعت، فضا، تکنولوژی، ارتباطات، فناوری و پیشرفت‌های پزشکی، اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و دنیوی بوده است، اعجاز همه‌گونه‌ی این معجزه‌ی جاوید، بیش از پیش نمایان گشته، و ندای مبارزه طلبی آن، بیش از گذشته در گوش معاندان و آنانی که دچار غرور علمی گشته‌اند، طنین‌انداز گشته است.

## «رسالات»\*

\* «رسالات» جمع «رسالة»: دعوت کردن مردم از جانب پیامبران به آنچه از سوی خداوند به آن‌ها وحی می‌شود.

و در حقیقت، «رسالات» همان گفتار، اوامر و فرامین، تعالیم و آموزه‌ها، توصیه‌ها و سفارش‌ها، احکام و دستورات و پیام‌های خداوندی است که به پیامبران وحی می‌شود تا مردم را بدان‌ها فراخوانند. از این رو «مقام رسالت»، یعنی: مقام ابلاغ وحی و پیام‌های خدایی، و تبلیغ و نشر احکام خداوند، و تربیت نفوس از طریق تعلیم و آگاهی بخشیدن است.

بنابراین رسول و فرستاده‌ی خدا کسی است که مؤظف است در حوزه‌ی مأموریت خود به تلاش و کوشش برخیزد و از هر وسیله‌ای برای دعوت مردم به سوی خدا، و ابلاغ فرمان او استفاده کند، و برای ایجاد یک انقلاب فرهنگی و فکری و عقیدتی تلاش نماید.

ناگفته پیداست که فرستادگان و پیام‌آوران الهی هم دریافت وحی کردند و هم تبلیغ فرمان‌های الهی و هم در تشکیل حکومت و اجرای احکام، تلاش می‌کردند و هم از طریق باطنی به تربیت نفوس می‌پرداختند.

**جوهره‌ی رسالت فرستادگان و پیام‌آوران الهی (زسل و انبیاء)، و نصرت شدن آن‌ها از جانب خدا**

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [البقرة: ۲۱۳].

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...﴾ [النساء: ۶۴].

﴿وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ ﴿٣٤﴾ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ ﴿٣٥﴾ [النساء: ١٦٤-١٦٥].

﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۖ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ﴿٤٨﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ ﴿٤٩﴾ [الأنعام: ٤٨-٤٩].

﴿يَلْمِزُكَ الْخَنِينَ وَالْأَنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَعَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾ ﴿٣٠﴾ ذَلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ﴾ ﴿٣١﴾ [الأنعام: ١٣٠-١٣١].

﴿يَبْنَیْ ءَادَمَ إِمَامًا يَأْتِيَنَّكَ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿٣٦﴾ [الأعراف: ٣٥-٣٦].

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ﴾ ﴿٩٤﴾ [الأعراف: ٩٤].

﴿حَقَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّیْ مِّن نَّشَأٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾ ﴿١١٠﴾ [يوسف: ١١٠].

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ﴾ ﴿٣٨﴾ [الرعد: ٣٨].

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ ۖ لِيُبَيِّنَ لَهُم فَيُضِلَّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ ﴿٤١﴾ [إبراهيم: ٤١].

﴿يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ﴾ ﴿٢١﴾ [النحل: ٢١].

﴿...فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾ [النحل: ٣٥-٣٦].

﴿...وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ [الإسراء: ١٥].

﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ...﴾ [الكهف: ٥٤].

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ ۗ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ﴿٢٠﴾﴾ [الفرقان: ٢٠].

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥١﴾﴾ [الفرقان: ٥١].

﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ ﴿٢٨﴾ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ [الشعراء: ٢٠٨-٢٠٩].

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا ۗ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾﴾ [الروم: ٤٧].

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٦﴾﴾ [الأحزاب: ٣٩].

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾﴾ [فاطر: ٢٤].

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾﴾ [الصفات: ٧٢-٧٤].

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٧٣﴾﴾ [الصفات: ١٧١-١٧٣].

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾﴾ [الزمر: ٧١].

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾﴾ [غافر: ٧٨].

﴿وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ﴿۷﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۸﴾﴾  
[الزخرف: ۶-۷].

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾ [الحديد: ۲۵].

﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبِينَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۲۱﴾﴾ [المجادلة: ۲۱].  
﴿لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَكَ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿۲۸﴾﴾  
[الجن: ۲۸].



**توضیح موضوع:** حکمت آمدن پیامبران و فرستادگان الهی، تبلیغ آن اموری است که عقل به تنهایی قادر به شناخت آنها نیست، تا اینکه مردم در روز قیامت که خداوند آنها را بازخواست می‌کند دلیل و حجتی به خداوند نداشته باشند و نگویند: اگر پیامبری را می‌فرستادی و ما را هدایت می‌کرد، از او اطاعت و فرمانبرداری می‌کردیم. چون انسان به آنچه که شناختی از آن ندارد، مکلف نمی‌شود و بر عدم انجام آن مؤاخذه نمی‌گردد به دلیل: [اسراء / ۱۵، قصص / ۵۹، و نساء / ۱۶۵]

توضیح اینکه: خداوند انسان را آفرید و او را بر سایر مخلوقات و موجودات گرامی و عزیز داشته و او را با دادن عقل و نیروی پندار، گفتار و نوشتار برتری بخشیده است، و دو سرای دنیا و آخرت را آفرید و دنیا را سرای آماده کردن و عمل قرار داد و پایانی برای آن مقرر کرد، و آخرت را سرای پاداش و جزای آنچه که در دنیا فراهم و مهیا می‌گردد، قرار داد و پایانی برای آن مقرر نکرد، زیرا مکانی است که برای این بشر آماده شده است. و در مقابل عقلی که خداوند به انسان ارزانی داشته است، تکلیف و امتحان را در این دنیا بر عهده‌ی او نهاده است و لازم است که این انسان مکلف، برای تنظیم زندگی دنیوی خود و برای اجرای آنچه که وسیله‌ی موفقیت او در آخرت است - اموری را که بدان مکلف شده است - بشناسد و این وسیله‌ی شناخت بر دو نوع است: نوع اول: آن است که عقل به تنهایی قادر به شناخت آن است، مانند: ایمان به وجود آفریننده، و یکتایی و قدرت و علم او، و شناخت مفید بودن صدق و مضر بودن دروغ، و ایمان به وجود قیامت برای دادن پاداش نیکوکار به سبب نیکی‌اش، و کیفر بدکار به سبب بدی‌اش.



و نوع دوم: آن است که عقل به تنهایی قادر به شناخت آن نیست، مانند: اوقات و تعداد رکعات نماز، و وجود ویژگی‌های بهشت و دوزخ، و تنظیم بعضی از معاملات دنیوی و روابط صحیح خانوادگی و اجتماعی ... بگونه‌ای که مبتنی بر هوا و هوس نباشد.

به این خاطر حکمت الهی اقتضاء کرده است که در هر بُرهه از زمان، پیامبرانی را بفرستد تا آنچه از احکام و قوانین نیاز دارند برای آنان بیان کنند. و آنچه را که عقل از خیر و صلاح تشخیص می‌دهد، تأیید کنند. [ر.ک: شرح عقاید اهل سنت، صص ۲۱۴ - ۲۱۵]

بنابراین مأموریت پیامبران این است که پیام‌های خداوند را به وسیله‌ی وحی دریافت کنند و مردمان را به سوی اوامر و فرامین تابناک، و تعالیم و آموزه‌های دقیق و ژرف، و احکام و دستورات تعالی‌بخش و سعادت‌آفرین و توصیه‌ها و سفارش‌های روشنگر، و حقایق و مفاهیم والای الهی و معارف گرانبهای خداوندی فراخوانند و به تربیت نفوس آن‌ها بپردازند.

### برتری بعضی از فرستادگان و پیام‌آوران الهی بر بعضی دیگر

﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّن كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۚ وَءَاتَيْنَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ...﴾ [البقرة: ۲۵۳].

﴿...وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ ۖ وَءَاتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾ [الإسراء: ۵۵].



**توضیح موضوع:** همه‌ی پیامبران الهی با اینکه از نظر نبوت و رسالت همانند بودند، ولی از جهت مقام یکسان نبودند، زیرا هم شعاع مأموریت آنان متفاوت بوده و هم میزان فداکاری‌های آنان با هم تفاوت داشته است.

بنابراین بر مبنای آیات قرآن و احادیث گهربار نبوی ﷺ، چند نکته را می‌توان در این زمینه برداشت کرد:

- ۱- در میان پیامبران نیز سلسله مراتب و برتری وجود دارد.
- ۲- مقام و درجات انبیاء یکسان نیست، و هر کدام جایگاه و امتیازاتی دارند.
- ۳- خداوند پیامبران خود را از میان توده‌های مختلف و گوناگون مردم برگزیده و برخی را بر برخی فضیلت و برتری داده است، و یکی را به عنوان «خلیل الله»

مفتخر ساخت، دیگری را «کلیم الله»، و دیگری را «روح الله» قرار داد، و پیامبر گرامی اسلام را به عنوان ختم کننده‌ی پیامبران و ادیان الهی برگزیده. و خلاصه برخی را بر برخی فضیلت بخشید.

۴- برخی از پیامبران مبعوث به همه‌ی مردم و دارای کتاب آسمانی بودند، و برخی نیز در منطقه یا بر قوم خاصی مأمور بودند و تحت فرمان پیامبر بزرگتری انجام وظیفه می‌کردند؛ از این رو هم شعاع مأموریت آنان متفاوت بود و هم میزان فداکاری‌های آنان با هم تفاوت داشت؛ و این خود سبب برتری بعضی از آنان بر بعضی دیگر بود.

۵- به اجماع علماء، برترین پیامبران، حضرت محمد ﷺ است؛ که آیینش کامل‌ترین و آخرین آیین‌ها بود، و او کسی است که رسالتش، آوردن کامل‌ترین ادیان و جامع‌ترین کتاب بود، از این رو خود او نیز از همه برتر می‌باشد، به خصوص اینکه در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی نساء، پیامبر اسلام را در قیامت به عنوان گواه همه‌ی پیامبران برشمرده در حالی که هر پیامبر گواه امت خویش است. و خود پیامبر ﷺ می‌فرماید: «انا سید اولاد آدم و لا فخر» [ترمذی]، «من بزرگ و آقای فرزندان آدم هستم و بدان فخر و مباهات نمی‌کنم.» و مراد از فرزندان آدم، جنس بشر است پس شامل حضرت آدم نیز می‌شود.

۶- باید دانست که تفاوت و برتری دادن‌های الهی، براساس علم همه جانبه‌ی خدا بر همه چیز و همه کس است، و خداوند ﷻ طبق موازینی که خودش می‌داند و حکمتش اقتضا می‌کند، بعضی از پیامبران را بر بعضی فضیلت و برتری می‌بخشد.

### گرفتن پیمان از پیامبران

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِءَ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿۸۱﴾ [آل عمران: ۸۱].

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا عَلِيمًا ﴿۷﴾ لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ

عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۸﴾ [الأحزاب: ۷-۸]



توضیح موضوع: خداوند ﷻ از تمام پیامبران پیمان مؤکد گرفت که همه‌ی انسان‌ها را قبل از هر چیز به سوی توحید دعوت کنند، و نبوت و رسالت یکدیگر را تأیید و تصدیق نمایند و پیامبران پیشین، امت‌های خود را برای پذیرش پیامبران بعد، آماده سازند، همانگونه که پیامبران بعدی، دعوت پیامبران پیشین را تصدیق و تأکید نمایند و نیز از آن‌ها پیمان گرفت تا آیات الهی را برای مردم تبیین کنند و هرگز آن‌ها را کتمان نکنند و دعوت همه‌ی آن‌ها به یک سو باشد و همگی یک حقیقت را تبلیغ کنند و امت‌ها را زیر پرچم واحدی گرد آورند و مردم را به توحید و یگانگی الله، و توحید آئین حق و ادیان آسمانی فرا خوانند، و در برابر پیامبرانی که بعد از آن‌ها می‌آیند، سر تعظیم و تسلیم فرود آورند، و آیین آن‌ها را احترام بگذارند و اصول آن‌ها را محترم بشمارند. و خداوند از انبیای پیشین پیمان گرفت که مردم را به بعثت پیامبر گرامی اسلام (حضرت محمد ﷺ) و صفات او خبر و بشارت دهند و به آنان فرمان تصدیق آن حضرت ﷺ را بدهند.

پس انبیاء دارای هدفی مشترک هستند، لذا پیامبران قبلی، آمدن پیامبران بعدی را بشارت می‌دادند و نسبت به آنان، پیمانِ ایمان و نصرت دارند. و پیامبران بعد، انبیای قبلی را تصدیق می‌کردند.

**خداوند از میان بندگان خویش، هر کس را که بخواهد به عنوان پیامبر برمی‌گزیند و به سوی مردم می‌فرستد**

﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ ﴿۱۳۰﴾ [البقرة: ۱۳۰].

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَعَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ ﴿۳۳﴾ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾ [آل عمران: ۳۳-۳۴].

﴿قَالَ يَمُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَالِي فخذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ﴾ ﴿۱۴۴﴾ [الأعراف: ۱۴۴].

﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ ﴿۷۵﴾ [الحج: ۷۵].

﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ...﴾ [النمل: ۵۹].  
 ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...﴾ [فاطر: ۳۲].  
 ﴿وَأَذْكَرَ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿۴۵﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿۴۶﴾ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿۴۷﴾﴾ [ص: ۴۵-۴۷].



**توضیح موضوع:** انتخاب پیامبر به دست خدا است؛ و نبوت و رسالت همانند مناصب دنیوی نیست که بتوان آن را به سعی و کوشش و مال و منال و جاه و مقام و پست و موقعیت اجتماعی به دست آورد، بلکه فضلی از جانب خدا و مقام و منصبی دینی است که ضوابط و شرایط مخصوص به خود را دارد، لذا حق تعالی آن را به هر که بخواهد می‌بخشد.

پر واضح است که رسالت و نبوت، نه ارتباطی به سن و سال دارد و نه به مال و منال و نه به جاه و مقام و نه به موقعیت قبائل؛ بلکه شرط آن قبل از هر چیز آمادگی روحی، پاکی ضمیر، سجایای اصیل انسانی، فکر بلند، اندیشه‌ی قوی، و بالاخره تقوا و پرهیزگاری فوق‌العاده‌ای در مرحله‌ی عصمت است، و وجود این صفات مخصوصاً آمادگی برای مقام عصمت چیزی است که جز خدا نمی‌داند. و به همین دلیل، انتخاب پیامبر به دست خدا است، نه از طریق انتخاب مردم و شوری. و خدا خود می‌داند این مقام را در چه جایی قرار دهد و به چه کسی تحویل بدهد، و این از توان خلق خدا بیرون است!

**پیامبران، و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا**

**حضرت آدم علیه السلام و فرا گرفتن علوم از جانب خدا**

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ...﴾ [البقرة: ۳۱].



**توضیح موضوع:** خداوند تعالی برای رسانیدن پیام‌های خود به انسان‌ها، کسانی را برگزید که از حیث نوعی، صنفی، روحی، جسمی و اخلاقی نسبت به انجام دادن وظیفه‌ی پیام‌رسانی کاملاً قادر و توانا باشند، و علاوه بر این، مهر و نشانی هم بر

کارهای آنان مشاهده گردد که هر کس آن مهر و نشان را ببیند، یقین حاصل کند که آنان پیام‌آوران از جانب خدا هستند و آنچه تبلیغ می‌کنند، کلاً پیام‌های خدا می‌باشد؛ بنابراین پیامبران خدا باید دارای ویژگی‌هایی باشند که در ذیل به چند ویژگی آن‌ها اشاره می‌شود:

- از نوع انسان باشند، زیرا نخستین شرط امکان پیام‌رسانی، ممنوع بودن و حتی همرنگ و هم‌لباس، و هم‌زبان بودن است.
- باید از صنف مردان (رجال) باشند، زیرا مردان صنفاً برای تحمل مشقت‌ها و سختی‌های تبلیغ رسالت‌های آسمانی، بیشتر نستوه و دارای صلابت و مقاومت بیشتری می‌باشند.
- باید زبان بیان، و چشم و گوش، و بقیه‌ی حواسشان کاملاً سالم باشند، و معایب و زشتی‌ها و نقص‌هایی در اندام آنان وجود نداشته باشد، زیرا در غیر این صورت افراد معیوب و ناقص‌الخلقه به شمار می‌آیند و از چشم مردم می‌افتند و کار تبلیغ آنان غیرممکن و یا ناقص و معیوب خواهد بود.
- باید از تمام بیماری‌های مزمن و نفرت‌انگیز مانند: برص و جذامی و غیره، مصون باشند، زیرا اگر چنان بیماری‌هایی را داشته باشند، مردم حق خواهند داشت از آنان بگریزند و حرف‌های آنان را نشنوند و امکان ندارد خدا کسانی را برای پیام‌رسانی خود برگزیند که مردم آن‌ها را معیوب و ناقص‌الخلقه و از چشم افتاده بدانند، یا حق داشته باشند که حرف آنان را نشنوند، زیرا چنین امری با حکمت والای باری تعالی، در تضاد است.
- باید همانگونه که از بیماری‌های مزمن و نفرت‌انگیز مصون هستند، از همه‌ی بیماری‌های روحی و اختلالات روانی، محفوظ، و کلاً دارای عقل سالم و هوش و درک و فراست کاملی باشند و همواره از اشتغال به کارها و رفتارهایی پرهیز کنند که سبب پایین آمدن ارزش اجتماعی آنان می‌گردد.
- باید علاوه بر کمال صداقت، صراحت و شجاعت در پیام‌رسانی، دارای چنان روحیه‌ی آزاد و مقاومی باشند که جز سلطه‌ی خدا و وحی او هیچ سلطه‌ی خارج وجود خود را نپذیرند و در برابر تهدید و ارباب، و تشویق و تطمیع قدرتمندان روزگار، ذره‌ای از خط پیام‌رسانی کنار نیایند و سلطه‌ی نفس خود را

نیز نپذیرند و هرگز خود را با گناهان کبیره یا صغیره‌ی خفت‌آور، لکه‌دار نکنند و برای همیشه معصوم باقی بمانند.

- پیامبران باید در اجرای احکام و تبلیغ آن‌ها، امانت‌دار باشند، زیرا اگر با انجام کاری حرام یا مکروه، خیانت در حکم خدا کنند، حرام و مکروه در نظر مردم، واجب یا مستحب می‌شوند، و گویی که این دو جمله اموری هستند که خداوند به آن‌ها امر کرده است، در حالی که خداوند به انجام حرام یا مکروه امر نمی‌کند.
- پیامبران علوم و معارف دینی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فردی، اجتماعی، عبادی، خانوادگی، مادی، معنوی، دنیوی، اخروی و غیره را از خدا می‌آموزند، علوم و معارفی که عقل به تنهایی قادر به شناخت آن‌ها نیست، بلکه این خدا است که آن‌ها را از حقایق و اسرار و علوم و معارفی که عقل قادر به شناخت آن‌ها نیست می‌آگاهاند و تعلیم می‌دهد.

#### حضرت نوح علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿أُبَلِّغُكُمْ رِيسَلَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۶۲]

#### حضرت هود علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿أُبَلِّغُكُمْ رِيسَلَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾ [الأعراف: ۶۸].

#### حضرت صالح علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِيسَالَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ﴾ [الأعراف: ۷۹].

#### حضرت ابراهیم علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَاتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۵۴].  
﴿يَا بَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا﴾ [مریم: ۴۳]

#### حضرت لوط علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا...﴾ [الأنبياء: ۷۴].

حضرت یعقوب علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحْزَنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [يوسف: ۸۶].

حضرت یوسف علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [يوسف: ۲۲]  
 ﴿رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 أَنْتَ وَرَبِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تُؤَفِّقُنِي مُسْلِمًا وَالْحَقْفَنِي بِالصَّلَاحِينَ﴾ [يوسف: ۱۰۱].

حضرت موسی علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخَذَهَا بِقُوَّةٍ وَأَمَرَ  
 قَوْمَكَ بِأَخْذِهَا بِحُسْنِهَا سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَلْسِيقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۵].  
 ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَءَسْتَوَى ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [الفصص: ۱۴].

حضرت داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا...﴾ [الأنبياء: ۷۹].  
 ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا...﴾ [النمل: ۱۵].

حضرت شعیب علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ...﴾ [الأعراف: ۹۳].

حضرت یحیی علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿يَتِيحِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ ءَاتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾ [مریم: ۱۲].

حضرت عیسی علیه السلام و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿...وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ...﴾ [المائدة: ۱۱۰].

حضرت محمد ﷺ و فرا گرفتن علوم و معارف از جانب خدا

﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ...﴾ [النساء: ۱۱۳].  
 ﴿تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا  
 فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [هود: ۴۹].

دادن معجزات و نشانه‌های روشن به فرستادگان و پیام‌آوران الهی

معجزه‌ی زنده کردن مردگان

﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَرَأْتُمُ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ [البقرة: ۷۲-۷۳].  
 ﴿بَعْضُهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۷۳-۷۴].  
 ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ  
 أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۲۴۳].  
 ﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ  
 مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ  
 بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ  
 آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ  
 أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۵۹].

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيُظْمِنَ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ  
 جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَأَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۰].  
 ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ  
 الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ  
 وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي  
 وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي...﴾ [المائدة: ۱۱۰].



﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾ ٩ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾ فَضَرْبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾ [الكهف: ٩-١٢].



**توضیح موضوع:** فرستادگان و پیام آوران الهی، باید نشان و مهر تأیید فرستنده‌ی پیام‌های آسمانی را با خود داشته باشند، تا هر فرد و گروهی آن نشان و مهر تأیید را دیده و یقین حاصل کند که آن پیام رسان از جانب خدا مأموریت یافته که آن پیام‌ها را به مردم برساند.

و اگر پیامبران چنان نشان و مهر تأییدی نداشته باشند، مردم به خود حق می‌دهند تا گفته‌های آنان را مشکوک و باطل بدانند و مأموریت آنان را ساختگی دانسته و به حرف آنان گوش ندهند.

معجزه از مرز تمام توانایی‌های جوامع بشری خارج و نسبت آن جز به آفریدگار جهان که دارای قدرت مطلق و علم محیط می‌باشد به هیچ موجود دیگری امکان ندارد، و هر گاه کسی برای اثبات ادعای پیامبری‌اش، ظهور معجزه را به شهادت طلبید و گواه صدق ادعای خویش قرار داد و درست در همان لحظه‌ای که او قول داده بود، و با همان اوصاف و شرایطی که قبلاً گفته بود، آن معجزه تحقق یافت، تحقق آن معجزه به طور قطع گواهی دادن عملی و تصدیق آن کس از طرف خدا به شمار می‌آید.

پس هنگامی که کسی ادعا می‌کند از جانب خداوند به سوی مردم فرستاده شده است، مردم نمی‌توانند واقعاً حقیقت را تشخیص دهند و او را تصدیق کنند، مگر اینکه کاری انجام دهد که گواه صدق و تأیید او باشد. و نشان و مهر نیز، معجزه‌هایی است که پیامبران به فرمان خدا و برای اثبات مأموریت خود از جانب خدا، آن‌ها را ارائه می‌دهند.

پس معجزه: امری است خارق العاده که به دست کسی که ادعای نبوت می کند، به هنگام تحدی انجام می گیرد. و برای تحقق یک معجزه لازم است یک عمل خارق العاده به شرایط زیر تحقق یابد:<sup>۱</sup>

۱- آن عمل خارق عادت از راه آموزش و تجارب عملی حاصل نگشته باشد، خواه آموزش‌ها و تجارب فیزیکی و شیمیایی که محصول آن در قدیم «سحر و شعبده» و در زمان ما «صنایع محیّر العقول» می باشد، و خواه آموزش‌های روانی و تمرین‌های روحی و سلطه‌پذیری بدن از روح که نتایج آن در قدیم اعمال شگفت‌انگیز مرتاضان هندی، و امروز خواب مغناطیسی و احضار ارواح و... است.

۲- مقارن دعوی نبوت و پیامبری و برای اثبات آن، ارائه شده باشد. و اگر قبل از ادعای نبوت یکی از پیامبران و در جهت پایه‌گذاری آن نبوت ظاهر شده باشد، «ارهاص» نامیده می شود، مانند سخن گفتن حضرت عیسی علیه السلام در گهواره، و سلام سنگ و کلوخ بر رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از پیامبری. و اگر اعمال خارق عادت از کسانی ظاهر شوند که ادعای پیامبری نداشته باشند، در این صورت اگر از صالحان و مردان خدا ظاهر شوند، آن‌ها را «کرامت» می نامند، و اگر از افراد فاسد و فاسق ظاهر شوند، آن را «استدراج» می نامند.

۳- علاوه بر مقارن بودن دعوی نبوت، باید همراه «تحدی» و درخواست همتا آوری باشد، و با وجود اینکه آوردن همتای آن عمل خارق عادت برای تمام مردم به غایت مهم و یک امر کاملاً حیاتی باشد، هیچ فرد و هیچ گروه و جماعتی چه به طور انفرادی و چه به طور دسته جمعی، نتوانند همتای آن را بیاورند.

پس ظهور معجزه با شرایط مذکور به وسیله‌ی کسی که ادعای پیامبری کرده است، برهان عقلی و قطعی صحت ادعای پیام‌آوری او از جانب خدا است.

خاطر نشان می شود که فرق معجزه با کارهای خارق عادت ساحران و مرتاضان را می توان در چند امر خلاصه کرد:

۱- ر.ک: سیر تحلیلی کلام اهل سنت، ص ۶۳۱، شرح مواقف ج ۸، ص ۲۲۴، مطالع الانظار، ص ۵۴۲.

معجزات، متکی به نیروی الهی است در حالی که سحر و خارق عادت ساحران و مرتاضان از نیروی بشری سرچشمه می‌گیرد، لذا معجزات، بسیار بزرگ و نامحدود است در حالی که سحر و خارق عادت مرتاضان محدود می‌باشد. به تعبیر دیگر: آن‌ها فقط کارهایی را انجام می‌دهند که تمرین کرده‌اند و برای انجام آن آمادگی دارند، و هرگز هر کاری به آن‌ها پیشنهاد شود انجام نمی‌دهند، و تاکنون دیده نشده است که مرتاضان یا ساحران بگویند: ما آماده‌ایم هر چه بخواهید انجام دهیم، چرا که هر کدام در رشته‌ای تمرین و آگاهی دارند.

معجزات چون از سوی خدا است، نیازی به تعلیم و تربیت خاص ندارد، در حالی که سحر و ریاضت‌های ساحران و مرتاضان، همیشه مسبوق به یک رشته تعلیم و تمرین‌های مستمر است؛ از این رو معجزات در هر لحظه‌ای بدون هیچ سابقه‌ای ممکن است انجام گیرد در حالی که خارق عادات اموری هستند که به طور تدریجی و با مرور زمان، آشنایی و مهارت نسبت به آن حاصل می‌شود و هیچ‌گاه به طور دفعی و ناگهانی انجام‌پذیر نیست.

وضع آوردندگان معجزه، گواه صدق آن‌ها است، اینطور که آوردندگان معجزه از سوی خدا مأموریت هدایت مردم را دارند لذا اوصافی متناسب آن دارند در حالی که ساحران و کاهنان و مرتاضان، نه مأمور هدایتند و نه چنین اهدافی را دنبال می‌کنند، و هدف آن‌ها یا اغفال مردم ساده‌لوح است، و یا کسب شهرت در میان توده‌ی عوام، و یا کسب درآمد مادی از طریق سرگرم ساختن مردم. و کار ساحر خدعه و نیرنگ است، و طبعاً روحیاتی هماهنگ با آن دارد؛ و آن‌ها افرادی متقلب و خدعه‌گر هستند و از خلال صفات و اعمالشان به زودی می‌توان آن‌ها را شناخت، در حالی که اخلاص و پاکی و صداقت انبیاء، سندی است که با اعجاز آن‌ها آمیخته و روشنایی بیشتری به آن‌ها می‌دهد.

اعطای معجزات و نشانه‌های روشن به حضرت موسی علیه السلام

﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا...﴾ [البقرة: ۶۰].

﴿فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿۱۷﴾ وَنَزَعُ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظَرِ ﴿۱۸﴾﴾

[الأعراف: ۱۰۷-۱۰۸].

﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ ﴿۱۳۰﴾

[الأعراف: ۱۳۰]

﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالِدَّمَ ءَايَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ...﴾

[الأعراف: ۱۳۳]

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ...﴾ [الإسراء: ۱۰۱]

﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا

تَخْلِفُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿۷۷﴾﴾ [طه: ۷۷].

﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ

الْعَظِيمِ ﴿۶۳﴾﴾ [الشعراء: ۶۳].

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۷۷﴾﴾ [الشعراء: ۶۷].

﴿وَأَدْخَلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ فِي تِسْعَ ءَايَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ

وَقَوْمِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿۱۲﴾﴾ [النمل: ۱۲].



**توضیح موضوع:** قرآن کریم، معجزات و نشانه‌های زیادی را برای حضرت موسی علیه السلام

ذکر کرده است. در آیه‌ی ۱۰۱ سوره‌ی اسراء ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾

«ما به موسی علیه السلام نه معجزه‌ی روشن دادیم» و آن معجزات عبارتند از: «ید بیضاء» [اعراف

/ ۱۰۸]، «اژدها شدن عصا» [اعراف / ۱۰۷]، «طوفان»، «ملخ فراوان که مزارع را از بین

می‌بردند»، «کنه و شپش که حیوانات و انسان را ضعیف می‌کردند»، «قورباغه‌ی فراوان» و

«خون شدن آب آشامیدنی فرعونیان» [اعراف / ۱۲۳]، «خشک‌سالی و کمبود ثمرات»

[اعراف / ۱۳۰] و «از بین بردن اموال فرعونیان و محو شدن آن‌ها» [یونس / ۸۸].

این نه معجزه در رابطه با فرعون و فرعونیان بوده است.

اما معجزات دیگر موسی علیه السلام در رابطه با او و بنی‌اسرائیل بوده است، عبارتند از:

رفع لکنت زبان موسی علیه السلام [طه/۲۷]، بلند شدن کوه طور بر فراز سر بنی‌اسرائیل

[اعراف/۱۷۱]، شکافته شدن دریا و عبور از آن [شعراء/۶۳]، سایه‌بان کردن ابر برای

بنی‌اسرائیل، و نزول ترنجبین و پرنده‌ی بلدرچین برای آن‌ها بعد از اینکه از مصر بیرون

آمدند [بقره/۵۷] و...

معجزه‌ی شتر نمود (قوم حضرت صالح علیه السلام) که از دل کوه بیرون آمد و دارای ویژگی‌ها و عجایب آفرینش خاص بود که یک ناقه‌ی عادی و معمولی نبود و از جهت و یا جهاتی خارق‌العاده بود)

﴿...وَأَتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا﴾ [الإسراء: ۵۹]  
 ﴿قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿۱۵۵﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۵۶﴾ فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَدِيمِينَ ﴿۱۵۷﴾ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ...﴾  
 [الشعراء: ۱۵۵-۱۵۸]

﴿إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَبْنَهُمْ وَأَصْطَبِرُ ﴿۲۷﴾ وَبَيَّضُوهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ ﴿۲۸﴾ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ﴿۲۹﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ﴾ [القمر: ۲۷-۳۰]  
 ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَنِهَا ﴿۱۱﴾ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿۱۲﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿۱۳﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدمدمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿۱۴﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿۱۵﴾﴾ [الشمس: ۱۱-۱۵].

معجزه‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام، آن هنگام که خداوند تعالی او را از آتش نمرود و نمرودیان نجات بخشید

﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلَهِتَكُمْ إِن كُنْتُمْ فَعَلِينَ ﴿۱۸﴾ فُلْنَا يِنَارًا كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ  
 إِبْرَاهِيمَ ﴿۱۹﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿۲۰﴾﴾ [الأنبياء: ۶۸-۷۰].  
 ﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ﴾  
 [العنكبوت: ۲۴]

معجزه‌ی حضرت یونس علیه السلام (آن هنگام که خداوند تعالی او را از شکم نهنگ رهایی بخشید)

﴿وَذَا التُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۷﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ...﴾  
 [الأنبياء: ۸۷-۸۸]

﴿وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۳۹﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّكَ الْمَشْحُونِ ﴿۱۴۰﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿۱۴۱﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿۱۴۲﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿۱۴۳﴾ لَلَبِثَ فِي

بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ فَنبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَّقُوتٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ ﴿١٤٨﴾  
[الصافات: ١٣٩-١٤٨].

﴿فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكُوهُ نِعْمَةٌ مِّنْ رَبِّهِ لَئِنِذَّ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾ فَأَجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَفَجَعَلَهُ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٥٠﴾﴾ [القلم: ٤٨-٥٠].

معجزه‌ی حضرت ایوب علیه السلام (آن هنگام که خداوند تعالی او را از بیماری نجات و خانواده‌اش را دوباره بدو بخشید و وی را مورد لطف و عنایت خویش قرار داد)

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَلَمْ يَكُن مِّنَ الرَّاغِبِينَ ﴿٨٣﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِّنْ ضُرٍّ وَعَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ ﴿٨٤﴾﴾ [الأنبياء: ٨٣-٨٤].

﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَلَمْ يَكُن مِّنَ الشَّيْطَانِ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ أَرْكُضَ بِرَجُلِكَ هَذَا مُغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولَى الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾﴾ [ص: ٤١-٤٤].

حضرت مریم علیها السلام و ولادت شگفت‌انگیز حضرت عیسی علیه السلام

﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾﴾ [الأنبياء: ٩١].

﴿وَمَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُّوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوْلَاتِ الْحَسَنَاتِ ﴿١٢﴾﴾ [التحریم: ١٢].

معجزات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾﴾ [الحجر: ٨٧]

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَمِنَ عَايَاتِنَا﴾ [الإسراء: ۱]

﴿إِن هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۖ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۝ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۖ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۖ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۖ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۖ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۖ﴾ [النجم: ۴-۱۰].

﴿لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ عَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ﴾ [النجم: ۱۸].



**توضیح موضوع:** معجزات پیامبر گرامی اسلام ﷺ زیاد و بی‌شمار است. برخی از آن‌ها را قرآن کریم بیان کرده است: مانند: اسراء و معراج، شق القمر، و پاشیدن مشتی خاک و شن بر چشم مشرکان در جنگ بدر.

بخش دیگری از معجزات رسول خدا ﷺ در سنت پاک نبوی آمده است، به طوری که به حد تواتر می‌رسند، مانند: جاری شدن آب از بین انگشتان حضرت ﷺ در غزه‌ی «حدیبیه» و «تبوک» و غیر آن، به طوری که تمام اصحاب از آن وضو گرفتند. و شنیدن سخن و تسبیح سنگ ریزه در دست ابوجهل وقتی که به خدمت حضرت رسید و گفت: اگر پیامبری بگو: که در دست چه دارم.

و سخن گفتن با وی گوسفند بریان شده‌ی مسموم که زنی یهودی آن را به زهر آلوده کرده بود و بنام پیشکشی به پیامبر ﷺ تقدیم نمود. و مانند ناله‌ی تنه‌ی درخت خرما، و دیگر معجزاتی که مجال برشمردن آن‌ها در اینجا نیست.

و در رأس معجزات آن حضرت ﷺ قرآن کریم قرار دارد، چرا که قرآن از دو جنبه دارای اعجاز است، یک جنبه‌ی آن عام است و همه‌ی مردم بدان اعتراف می‌کنند و جنبه‌ی دوم آن خاص است که فصحاء و سخنوران و ادیبان عرب آن را ثابت می‌کنند.

خلاصه، قرآن کریم نشانه‌ی بزرگ و معجزه‌ی سترگ و زنده و جاوید پیامبر ما حضرت محمد ﷺ است که به وسیله‌ی آن، امت عرب را به خصوص، و بشریت را به طور عموم به تحدی و مبارزه طلبیده است و به واسطه‌ی آن، نبوت حضرت محمد ﷺ از دیگر انبیای الهی، متمایز گردیده است.

و این کتاب از نظر هدایت بشر و جامعیت علمی و از لحاظ اعجاز لفظی و معنوی و پرداختن به مسائل غیبی در گذشته و حال و آینده، معجزه می‌باشد.

### رسالت خاتم انبیا حضرت محمد ﷺ

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾﴾  
[آل عمران: ۱۴۴].

﴿...وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۷۹]

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾﴾ [الأحزاب: ۴۰]

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَعَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾﴾ [محمد: ۲]

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾﴾ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا... ﴿﴾ [الفتح: ۲۸-۲۹]

آنچه خداوند ﷻ بر حضرت محمد ﷺ نازل کرده است (مراد قرآن است)، و آنچه از کتاب<sup>۱</sup> و حکمت<sup>۲</sup> به مردمان آموزش و تعلیم داده است

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾﴾ [البقرة: ۱۵۱].

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [آل عمران: ۱۶۴].

۱- «کتاب»: اشاره به آیات قرآن و وحی الهی است که به صورت اعجاز بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است.

۲- «حکمت»: سنت‌های پاک نبوی و تعالیم و آموزه‌های تعالی بخش و سعادت‌آفرین پیامبر ﷺ است.



﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا...﴾ [النساء: ۱۱۳].

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [التوبة: ۳۳].

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴].  
﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [النحل: ۶۴].

﴿...وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ [النحل: ۸۹].

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ [الفتح: ۲۸].

﴿هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحديد: ۹].

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [الصف: ۹].

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الجمعة: ۲].

﴿...قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ [رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...﴾ [الطلاق: ۱۰-۱۱].

دعوت و تبلیغ حضرت محمد ﷺ (محور دعوت پیامبر اکرم ﷺ، اثبات توحید و یگانگی خدا و تنزیه او از هر گونه شرک و شریک و همتا و همبر و انباز و مانند است)

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [يوسف: ۱۰۸].

- ﴿...قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَعَابٍ﴾ [الرعد: ۳۶]
- ﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ [الحجر: ۹۴].
- ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ [النحل: ۱۲۵]
- ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَأَدْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ﴾ [الحج: ۶۷]
- ﴿وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [المؤمنون: ۷۳]
- ﴿وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [القصص: ۸۷]
- ﴿وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾ [الأحزاب: ۴۶]
- ﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ...﴾ [الشورى: ۱۵].
- ﴿وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾ [الجن: ۱۹-۲۰].

### وظیفه‌ی پیامبر ﷺ تنها ابلاغ رسالت است

(نه اجبار و تحمیل؛ و وظیفه‌ی پیامبر ﷺ ابلاغ رسالت آمیخته با دلایل و حیانی و براهین شرعی و قرائن عقلی و شواهد نقلی است که اگر روح حق جویی در مردمان باشد، پذیرا می‌شوند، و اگر نشوند، پیامبر ﷺ وظیفه‌ی خود را انجام داده است):

- ﴿...وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: ۲۰]
- ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...﴾ [المائدة: ۶۷]

- ﴿...فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ [المائدة: ۹۲]
- ﴿مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ [المائدة: ۹۹].
- ﴿...وَأَوْحَىٰ إِلَيْ هَذَا الْقُرْءَانَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ...﴾ [الأنعام: ۱۹]

﴿وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَّغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ﴾ [الرعد: ٤٠].

﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَّغُ الْمُبِينُ﴾ [النحل: ٨٢].

﴿...وَإِن تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَّغُ الْمُبِينُ﴾ [النور: ٥٤].

﴿وَإِن تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَّغُ الْمُبِينُ﴾ [العنكبوت: ١٨].

﴿فَإِن أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَّغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنسَانَ كَفُورٌ﴾ [الشورى: ٤٨].

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَّغُ الْمُبِينُ﴾ [التغابن: ١٢].

خداوند پیامبر ﷺ را به عنوان «شاهد» (گواه) و «مُبَشِّر» (مژده رسان) و «نذیر» (بیم دهنده) فرستاد

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾ [البقرة: ١١٩].  
﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...﴾ [البقرة: ١٤٣].

﴿فَكَيفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ٤١].  
﴿يَتَأْهَلُ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [المائدة: ١٩].

﴿وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وِلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ [الأنعام: ٥١].

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَن حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾ [الأنعام: ٩٢].

- ﴿...إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ١٨٨]
- ﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ مُّبِينٌ﴾ [يونس: ٢]
- ﴿...إِنَّمَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ﴾ [هود: ٢]
- ﴿...إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ [هود: ١٢]
- ﴿...إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ [الرعد: ٧]
- ﴿وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ﴾ [الحجر: ٨٩]
- ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ...﴾ [النحل: ٨٩]
- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ [الإسراء: ١٠٥]
- ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا﴾ [مريم: ٩٧]
- ﴿قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ﴾ [الأنبياء: ٤٥]
- ﴿قُلْ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الحج: ٤٩]
- ﴿...مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِي هٰذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...﴾ [الحج: ٧٨]
- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعٰلَمِينَ نَذِيرًا﴾ [الفرقان: ١]
- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ [الفرقان: ٥٦]
- ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾ [الشعراء: ١٩٣-١٩٤].
- ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ [الشعراء: ٢١٤]
- ﴿...فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾ [النمل: ٩٢]
- ﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلٰكِن رَّحِمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتٰلَهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [الفصص: ٤٦]
- ﴿يٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ [الأحزاب: ٤٥]

﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا﴾ ﴿٤٧﴾ [الأحزاب: ٤٧]  
 ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...﴾ [سبا: ٢٨]  
 ﴿...إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾ [سبا: ٤٦].  
 ﴿إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ﴾ ﴿٢٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا  
 نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾ [فاطر: ٢٣-٢٤]

﴿لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ ءَابَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ ﴿٦﴾ [يس: ٦]  
 ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ...﴾ [يس: ١١]  
 ﴿لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَبِيًّا وَيُحَقِّقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ ﴿٧٠﴾ [يس: ٧٠]  
 ﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ...﴾ [ص: ٤]  
 ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ ﴿١٥﴾ [ص: ٦٥]  
 ﴿إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾ ﴿٧٠﴾ [ص: ٧٠]  
 ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ  
 لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾ ﴿٧﴾ [الشورى: ٧]  
 ﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرَىٰ مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَيْتُمْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ  
 إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾ ﴿٩﴾ [الأحقاف: ٩]

﴿لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ ﴿٩﴾ [الفتح: ٩]  
 ﴿بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ ﴿٢﴾ [ق: ٢].  
 ﴿فَفِرُوا إِلَى اللَّهِ إِنْ لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾ ﴿٥٠﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ إِنِّي  
 لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥١﴾ [الذاريات: ٥٠-٥١]

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْلَمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾ ﴿٦١﴾ [الملك: ٢٦]  
 ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا﴾ ﴿١٥﴾ [المزمل: ١٥]

﴿يَتَأْتِيهَا الْمُدَّثِّرُ﴾ ﴿١﴾ فَمُ قَانذِرُ ﴿٢﴾ [المدثر: ١-٢]  
 ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنْ يُخَشِّئُهَا﴾ ﴿٤٥﴾ [النازعات: ٤٥]



توضیح موضوع: «شاهد» پیامبر ﷺ بر این امور گواه و شاهد است:

(الف) گواهی دهنده به حق و حقیقت

(ب) گواه بر توحید و یگانگی خدا و تنزیه او از هر گونه شرک و شریک.

(ج) وجود مبارک پیامبر ﷺ با اوصاف و اخلاق زیبایش، و ارائه‌ی برنامه‌های سازنده‌ی قرآنش، و اوامر و فرامین تعالی بخشش، و تعالیم و آموزه‌های روح آفرینش، و احکام و دستورات تابناکش، و توصیه‌ها و سفارش‌های روشنگرش، گواه بر حقانیت مکتب آسمانی اسلام است.

(د) پیامبر ﷺ بر امت خویش گواه است، لذا به سود کسانی که تصدیقش کرده‌اند و به او ایمان آورده‌اند، و علیه کسانی که تکذیبش کرده و به او کفر ورزیده‌اند، گواهی می‌دهد.

(ه) پیامبر ﷺ شاهد و گواه بر انبیای پیشین است که آن‌ها خود گواه امت خویش بودند. [نساء/۴۱] پس پیامبر ﷺ به عنوان گواه بر امت خود و جمیع ملت‌ها مبعوث شد تا گواه باشد که پیامبران‌شان پیام خدا را به آن‌ها ابلاغ کرده‌اند.

«مبشّر»: پیامبر ﷺ مژده دهنده‌ی مؤمنان به بهشت و سعادت سرمدی، و پیروزی و موفقیت پرافتخار است.

«نذیر»: پیامبر ﷺ بیم‌دهنده‌ی کافران به دوزخ و عذاب سرمدی و فلاکت و بدبختی در دنیا و آخرت است.

ذکر اخلاق، صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ، و تجلیل و تکریم، و تعظیم و بزرگداشت ایشان از ناحیه‌ی خدا

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ  
وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ  
الْحَبَائِثَ...﴾ [الأعراف: ۱۵۷]

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...﴾ [الأنفال: ۳۳]

﴿...قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ...﴾ [التوبة: ٤١]

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ١٢٨]

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ١٠٧]

﴿وَأَدْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ﴾ [الحج: ٤٧]

﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا...﴾ [النور: ٦٣]

﴿فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ﴾ [النمل: ٧٩]

﴿الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أُنفُسِهِمْ وَأَرْوَاجُهُمْ أَمْهَتْهُمْ...﴾ [الأحزاب: ٦]

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ

اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ٢١]

﴿مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ...﴾ [الأحزاب: ٣٨]

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ٥٦]

﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [يس: ٣-٤]

﴿...وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [الشورى: ٥٢]

﴿فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [الزخرف: ٤٣]

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ [يوسف: ١٠١]

﴿وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا﴾ [الفتح: ١-٣]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ

كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ [الحجرات: ٢]

﴿وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا...﴾ [الطور: ٤٨]

﴿وَمَا ءَاتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ٧]

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [الفلم: ۴]

﴿وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۗ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ﴾ [الضحى: ۴-۵]

﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ [الشرح: ۴]

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ [الکوثر: ۱]



**توضیح موضوع:** درباره‌ی هیچ کس به اندازه‌ی پیامبر بزرگوار اسلام، حضرت محمد ﷺ سخن نگفته‌اند، کتاب نوشته‌اند، قلم‌فرسایی نکرده‌اند، تحقیق و تفحص و بررسی و موشکافی و کند و کاو نکرده‌اند و به تجزیه و تحلیل نپرداخته‌اند (چه اعراب و چه غیر آن‌ها، چه مسلمانان و چه غیرمسلمانان و چه سائر مردمان).

علتش هم کاملاً واضح و روشن است، زیرا عظمت و بزرگی هیچ کس نه تنها به عظمت او نمی‌رسد که بدان نزدیک هم نمی‌شود! براستی او سرور کائنات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان است. او پیامبری است که حجت‌های قاطع و دلایل مبرهن بی‌شماری در اثبات عظمت و حقانیت و بی‌نظیر بودن وی، از خامه‌ی دانشمندان و سیره‌نویسان و مورخان و دیگر متخصصان فن، جاری شده است، تنها سلام‌های پاک و مخلصانه و بی‌حد و حصری که اتباع و پیروان او هر لحظه بر روان پاکش می‌فرستند، یکی از هزاران دلیل گویا بر عظمت و محبت وی در قلب پیروانش است.

پیرامون اخلاق و صفات پیامبر ﷺ گفته‌اند: «ذات وی مُستجمع جمله‌ی اوصاف حمیده بود، و نفس وی مُستتبع جمله‌ی خصال حمیده‌ی شریفه، در محضر از همه خوب‌تر بود، در منبر از همه نیکوتر بود، در کرم و سخا از همه پیش‌تر بود، در مروت و وفا از همه تمام‌تر بود، در حلم و تواضع کاملتر بود، در مبرّت و احسان شامل‌تر بود، در شجاعت و قوت، کس با وی برنیامدی، در سماحت و فتوت چون وی کس نبودی، در کرامت خاص و عام را بر وی اعتماد بودی، در صدق و راستی همه را بر قول وی وثوق و اعتبار بودی، در حسب آزکی بود، در نسب اعلی بود، در اخلاق ارضی بود، در میثاق آوفی بود، در صیانت اظهر بود، در امانت آشهر بود، در سیرت اصلح بود، در سخن أفصح بود، در صورت املح بود، در همه کاری أرجح بود، در همه شغلی آنجح بود، قوم او را امین خواندندی، و رأی او در جمله‌ی کارها متین شمردندی، صلوات الله علیه



وعلی آله واصحابه» [سیرت رسول الله، ترجمه‌ی رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، صص ۱۶۴-۱۶۵ به نقل از قهرمان قهرمانان ص ۷]

ذکر پیامبر اسلام (حضرت محمد ﷺ) و اصحاب و یارانش در تورات و انجیل

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ  
وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ  
الْحَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾ [الأعراف: ۱۵۷]

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا  
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي  
التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْهَهُ فَكَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى  
سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹]

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِيَّ إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ  
يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ  
قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ [الصف: ۶]



توضیح موضوع: گر چه به دلایلی، مسلمانان تورات و انجیل را تحریف شده می‌دانند، ولی با این وجود، در همین تورات و انجیل موجود نیز اشارات و بشاراتی نسبت به پیامبر اسلام ﷺ به چشم می‌خورد و سبب می‌شود که اهل کتاب (یهود و نصاری) پیامبر ﷺ را بشناسند.

از این رو جمعی از دانشمندان و صاحب نظران اسلامی نیز این اشارات و بشارت را در مورد ظهور حضرت محمد ﷺ در کتاب‌های تحریف شده‌ی یهود و نصاری نگاشته‌اند و جمع‌آوری نموده‌اند، و ما نیز در اینجا به چند قسمت از آن‌ها به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم:

«و ابراهیم به خدا گفت که‌ای کاش اسماعیل در حضور تو زندگی نماید... و در حق اسماعیل دعای تو را شنیدم، اینک به او برکت دادم و او را بارور گردانیده به غایت زیاد

خواهم نمود و دوازده سرور تولید خواهد نمود و او را امت عظیمی خواهم نمود.»  
[تورات، سفر تکوین، فصل ۱۷، شماره‌ی ۱۷ تا ۲۰]

«اگر شما مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر خواهم خواست و او تسلی دهنده‌ی دیگر (فارقلیط) به شما خواهد بود که تا به ابد با شما خواهد ماند.»  
[انجیل یوحنا، باب ۱۴، شماره‌ی ۱۵ و ۱۶]

«لیکن به شما راست می‌گویم که شما را مفید است که من بروم، که اگر من بروم آن تسلی دهنده (فارقلیط) به نزد شما نخواهد آمد، اگر بروم او را به نزد شما خواهم فرستاد... اما چون او، یعنی روح راستی بیاید، او شما را به تمامی راستی ارشاد خواهد نمود، زیرا که او از پیش خود سخن نخواهد گفت، بلکه هر آنچه می‌شنود خواهد گفت و شما را به آینده خبر خواهد داد.» [انجیل یوحنا، باب ۱۶، شماره‌ی ۷]

تمام این پیشگویی‌ها بر شخص پیامبر اسلام صدق می‌کند و در سه مورد از انجیل یوحنا روی کلمه‌ی «فارقلیط» تکیه شده است که مفهومی معادل «احمد» دارد.

و در مورد اصحاب و یاران پیامبر ﷺ آمده است: «بار دیگر مثلی برای ایشان زده گفت: ملکوت آسمان مثل دانه‌ی خردلی است که شخصی گرفته و در مزرعه‌ی خویش کاشت، و هر چند از سایر دانه‌ها کوچکتر است، ولی چون نمو کند، بزرگترین بقول (سبزیجات) است و درختی می‌شود چنان‌که مرغان هوا در شاخه‌هایش آشیانه می‌گیرند.» [انجیل متی، باب ۱۳، شماره ۳۱ و ۳۲].

اهل کتاب (یهود و نصاری) پیامبر ﷺ و قرآن را می‌شناسند و از آن دو آگاهی دارند، از این رو برخی بدان‌ها ایمان می‌آورند و برخی به انکار آن‌ها می‌پردازند

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ...﴾ [البقرة: ۸۹]

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ...﴾ [البقرة: ۹۱]

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۰۱]

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ﴾ [البقرة: ١٢١]

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَآءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ١٤٦]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ نَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [البقرة: ١٧٤]

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ﴾ [آل عمران: ٦١]

﴿يَأْهَلِ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ﴾ [آل عمران: ٧٠-٧١]

﴿قُلْ يَأْهَلِ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن ءَامَنَ تَبَعُونَهَا عَوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَآءٌ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [آل عمران: ٩٩]

﴿وَإِنَّ مِن أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَلْشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ نَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...﴾ [آل عمران: ١٩٩]

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِن الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَآكُتُبْنَا مَعَ الشَّٰهِدِينَ﴾ [المائدة: ٨٣]

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَآءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ٢٠]

﴿...وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ [الأنعام: ١١٤]

﴿وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكِّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٩٤﴾﴾ [يونس: ٩٣-٩٤]

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالْتَأَرْ مُوعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾﴾ [هود: ١٧]

﴿وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ﴾ [الرعد: ٣٦]

﴿وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٦﴾ أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَتُوا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٦٧﴾﴾ [الشعراء: ١٩٦-١٩٧]

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمَّاآ بِهِ ءَ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾﴾ [القصص: ٥٢-٥٣]

﴿...فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ﴾ [العنكبوت: ٤٧]

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿٤٩﴾﴾ [العنكبوت: ٤٩].

﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾﴾ [سبا: ٦]

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكِّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿١٤﴾﴾ [الشورى: ١٤]

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَقَامَنَ وَأَسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأحqاف: ۱۰].

﴿وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾ [البينة: ۴].



**توضیح موضوع:** بیان صفات جسمی و روحی و ویژگی‌های پیامبر اسلام در کتب تورات و انجیل به قدری زنده، روشن، گویا، صریح و بدور از شک و تردید بود که «عبدالله بن سلام» (که از علمای طراز اول یهود بود) با مشاهده‌ی این نشانه‌های روشن، اسلام و محمد ﷺ را پذیرا گشت و گفت: «انا اعلم به مني بابني»: من پیامبر گرامی اسلام را بهتر از فرزندم می‌شناسم.

هر چند که لجاجت و تعصب گروهی از آنان مانع تفکر، استدلال و حق‌بینی شد، و با وجود اینکه نام و نشان و مشخصات پیامبر را در کتب مذهبی خویش خوانده بودند، سعی داشتند تا آگاهانه حق را کتمان کنند. آن‌ها خوب می‌دانستند که نام و نشان پیامبر اسلام در کتب آن‌ها موجود است، و چطور ممکن است که در کتب آن‌ها هیچ نامی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نباشد و با وجود این پیامبر اسلام با صراحت در مقابل چشمان آن‌ها بگوید که تمام صفات من در کتب شما موجود است؟

آیا اگر نام و نشان و مشخصات پیامبر ﷺ در کتب آن‌ها نمی‌بود، همه‌ی دانشمندان و صاحب نظران اهل کتاب به مبارزه‌ی شدید و صریح بر ضدّ ایشان بر نمی‌خاستند؟ و به او نمی‌گفتند: این تو و این کتاب‌های ما، در کجای آن، نام و نشان و مشخصات و صفات تو ثبت است؟ و این خود دلیل بر صدق و حَقانیت پیامبر گرامی اسلام است.

**تکذیب شدن پیامبر ﷺ از ناحیه‌ی مشرکین، و ردّ قرآن بر آن‌ها**

﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ حِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾ [الأعراف: ۱۸۴]

﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالِ الْكٰفِرُونَ إِنْ هٰذَا إِلَّا سَلْجَرٌ مِّنْهُنَّ﴾ [یونس: ۲]

﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ ۚ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾﴾ [يونس: ٣٧-٣٨]

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ ۚ مُفْتَرِيَتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾﴾ [هود: ١٣]

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ ۖ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ ﴿٣٥﴾﴾ [هود: ٣٥]

﴿... مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [يوسف: ١١١]

﴿وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾ لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾ مَا نُزِّلَ الْمَلَكَةُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ ﴿٨﴾﴾ [الحجر: ٦-٨]

﴿وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾﴾ [النحل: ١٠١]

﴿وَلَقَدْ نَعَلْنَا أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَبِي ۖ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾﴾ [النحل: ١٠٣]

﴿بَلْ قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَمٌ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ ﴿٥﴾ مَا ءَامَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرِيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾﴾ [الأنبياء: ٥-٦]

﴿أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ ۚ مُنْكَرُونَ ﴿١٦﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧﴾ وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ...﴾ [المؤمنون: ٦٩-٧١]

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ قَوْمٌ ءَاخِرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا ﴿٤﴾ وَقَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٥﴾ قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٦﴾﴾ [الفرقان: ٤-٦]

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِيُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ  
وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٣٣﴾ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾ [الفرقان: ٣٢-٣٣]  
﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِثُنْدِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ  
لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣٤﴾﴾ [السجدة: ٣]

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُوكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يَبْتِئُكُمْ إِذَا مُزِقْتُمْ كُلَّ مَزْقٍ إِنْكُمْ  
لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي  
الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾﴾ [سبا: ٧-٨]

﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ﴿٦٦﴾ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ  
حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾﴾ [يس: ٦٦-٦٧]

﴿وَيَقُولُونَ آيْنَا لِنَارِكُوا عَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ ﴿٣٦﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ  
الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾﴾ [الصفات: ٣٦-٣٧]

﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا سِحْرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ  
إِلَٰهًا وَاحِدًا إِنْ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ ﴿٥﴾﴾ [ص: ٤-٥]

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْنِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَطِلَ  
وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ وَعَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢١﴾﴾ [الشورى: ٢٤]

﴿أَلَمْ يَأْتِ لَهُمُ الذِّكْرُ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ﴿١٤﴾﴾  
[الدخان: ١٣-١٤]

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا  
تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٨﴾﴾ [الأحقاف: ٨]

﴿كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ ﴿٥١﴾ أَتَوَاصَوْا بِهِ  
بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٥٢﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ﴿٥٣﴾ وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ  
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٤﴾﴾ [الذاريات: ٥٢-٥٥]

﴿فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ  
رَيْبَ الْمُنُونِ ﴿٣٠﴾ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾ أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا أَمْ

هُم قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿۳۳﴾ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۴﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿۳۵﴾ [الطور: ۲۹-۳۴]

﴿۳۶﴾ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿۱﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿۲﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿۳﴾ [القلم: ۱-۳]

﴿۳۷﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ ﴿۱﴾ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَدَّكَّرُونَ ﴿۲﴾ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳﴾ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ﴿۴﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿۵﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿۶﴾ فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَلِيزِينَ ﴿۷﴾ [الحاقة: ۴۱-۴۷]

﴿۳۸﴾ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿۱﴾ [التكوير: ۲۲]

تکذیب شدن پیامبر ﷺ از ناحیه‌ی مشرکین و اهل کتاب، از روی لجاجت و تعصب و عناد و یکدنگی بود

﴿۳۹﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بَيَّاتٍ اللَّهُ يَجْحَدُونَ ﴿۳۳﴾ [الأنعام: ۳۳].



توضیح موضوع: تمام این آیات، لجاجت‌ها و هواپرستی‌های یهود و مشرکین را مطرح می‌کند که یهودیان براساس بشارت‌های تورات، و نصاری براساس بشارت‌های انجیل، منتظر ظهور پیامبر موعود بودند، و حتی به همدیگر نوید پیروزی می‌دادند، و با عشق و علاقه‌ی مخصوص برای ایمان به رسول خدا ﷺ زندگی می‌کردند و در برابر «اوس» و «خزرج» (انصار مدینه) افتخارشان این بود که پیامبری مبعوث خواهد شد و آن‌ها یاران جان نثار و خاص وی خواهند بود، و با بی‌صبری در انتظار ظهورش بودند، ولی بعد از ظهور پیامبر گرامی اسلام ﷺ، با آنکه نشانه‌های وی را موافق با آنچه در کتاب‌هایشان بود یافتند، کفر ورزیدند، و بر اثر تعصب و لجاجت و دنیاپرستی در صف دشمنان او قرار گرفتند، چرا که آن‌ها تنها به خاطر اینکه او از بنی‌اسرائیل نیست، و یا منافع شخصی‌شان را به خطر می‌دیدند، به او کافر شدند.



اثبات اینکه پیامبر گرامی اسلام، «أمی» بود

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ  
وَالْإِنْجِيلِ... ﴿١٥٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ  
وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾﴾ [الأعراف: ١٥٧-١٥٨].

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ  
وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٣٢﴾﴾ [الفرقان: ٣٢]

﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَأْرْتَابَ  
الْمُبْطِلُونَ ﴿٤٨﴾﴾ [العنكبوت: ٤٨].

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ  
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ... ﴿٢﴾﴾ [الجمعة: ٢].

﴿سَنُقَرِّطُكَ فَلَا تَنْسَى ﴿٦﴾﴾ [الأعلى: ٦].

﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾﴾ [العلق: ١]



توضیح موضوع: «أمی» منسوب به «أم» یعنی مادر است. مراد کسی است که نتواند  
بخواند و بنویسد. و از این جهت به کسی که نتواند بخواند و بنویسد، «أمی» می گویند  
چرا که به همان حالتی که از مادر متولد شده باقی مانده و مکتب استادی را برای  
آموختن و خواندن و نوشتن ندیده است.

و در اینکه پیامبر گرامی اسلام به مکتب نرفت و خط ننوشت، در میان مورخان و  
علماء و صاحب نظران اسلامی بحثی نیست و قرآن نیز صریحاً در آیه ی ٤٨ سوره ی  
عنکبوت به این امر اشاره کرده است.

و در هر حال وجود این صفت در پیامبر ﷺ تأکیدی در زمینه ی نبوت او بود تا هر  
گونه احتمالی جز ارتباط به خداوند و جهان ماوراء طبیعت در زمینه ی دعوت او  
منتفی گردد.

## امکان نسیان و فراموشی در پیامبر ﷺ

﴿... وَإِن يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنعام: ۶۸]  
 ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لَشَأْنِي إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ عَدَاً﴾ [۲۳] ﴿إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادُّر رَبَّكَ إِذَا نَسِيْتَ  
 وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا﴾ [الكهف: ۲۳-۲۴]  
 ﴿سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَىٰ﴾ [۶] ﴿إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ﴾ [الأعلى: ۶-۷].



توضیح موضوع: پیامبر اسلام ﷺ و دیگر پیامبران در برابر نسیان و فراموشی معصومند، اما نسیان‌هایی که به نوعی با دعوت آن‌ها ارتباط داشته باشد، ولی نسیان در یک کار عادی روزانه که هیچ ارتباطی با مسأله‌ی وحی و نبوت و تعلیم و تربیت و تبلیغ ندارد، بلکه عدم ارتباط آن را همه می‌دانند، لطمه‌ای به مقام عصمت انبیاء نمی‌زند، و حتی گاهی اوقات، نسیان پیامبر ﷺ جنبه‌ی شرعی دارد چرا که اگر ایشان در نماز دچار سهو و فراموشی نمی‌شد، ما از کجا مسائل سهو را یاد می‌گرفتیم.

و علاوه از پیامبر اسلام ﷺ، سایر پیامبران نیز دچار فراموشی و نسیان می‌شوند، و خداوند برخی از آن‌ها را برای ما بیان فرموده است، از جمله حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ که خداوند او را از نزدیک شدن و خوردن میوه‌ی درخت ممنوعه در بهشت بر حذر داشته بود ولی او فرمان خدا را فراموش نمود و از آن خورد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾ [طه: ۱۱۵]

«در آغاز کار ما به آدم فرمان دادیم که از میوه‌ی درخت ممنوع نخورد، اما او دچار نسیان شد و ترک فرمان کرد و از آن خورد، و از او تصمیم درستی و اراده‌ی استواری نیافتیم.»

موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ با خضر عَلَيْهِ السَّلَامُ پیمان می‌بندد که بر هیچ یک از عملکردهایش اعتراض نکند، اما همین که خضر کشتی را سوراخ نمود، موسی بر او اعتراض کرد و خضر به او یادآور شد که نبایستی اعتراض می‌کرد، و موسی از این فراموشکاری خود عذرخواهی کرد و گفت:

﴿لَا تُؤَاخِذُنِي بِمَا نَسِيْتُ﴾ [الكهف: ۷۳]

«مرا به خاطر فراموش کردن توصیه‌ات بازخواست مکن»

و دیگر پیامبران که دچار فراموشی شده‌اند و احادیث پیامبر ﷺ آن‌ها را بیان نموده‌اند (چون حضرت سلیمان که به فراموشی «ان شاء الله» نگفت).

و تمام این‌ها ثابت می‌کند که فراموشی پیامبر ﷺ دلیل بشر بودن ایشان است و خود پیامبر ﷺ در حدیثی بیان می‌فرماید که فراموشکار مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد.

البته باید دانست که این نوع فراموشی نشان از این دارد که پیامبر ﷺ نیز انسان است و ممکن است بر حسب صفات بشری‌اش دچار سهو و اشتباه شده باشد و اصحاب و یارانش آن را به یادش آورده باشند، اما از جانب نبوت و رسالت، معصوم از هر نوع خطا و نسیان و فراموشی است و خداوند کاملاً او را پاک و مبرا از هر گونه عیبی نگه داشته است تا دین و برنامه، کتاب و آیین الهی را بین مردم تبلیغ نماید، به طور مطلق پیامبر اسلام در این بخش از دعوت و رسالتش، معصوم بوده و هیچ‌گاه دچار فراموشی و خطا نشده است، خداوند به این حقیقت گواهی می‌دهد و در سوره‌ی اعلی می‌فرماید:

﴿سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَىٰ ۗ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ ۗ﴾ [الأعلى: ۶-۷]

«ما قرآن را بر تو خواهیم خواند و به تو خواهیم آموخت، و تو دیگر آن را فراموش نخواهی کرد. مگر چیزی را که خدا بخواهد، قطعاً او آشکار و نهان را می‌داند».

### پناه بردن پیامبر ﷺ به خدا از شر شیطان

﴿وَإِنَّمَا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأعراف: ۲۰۰]

﴿وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ۗ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ﴾ [۱۸]

[المؤمنون: ۹۷-۹۸]

﴿وَإِنَّمَا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [فصلت: ۳۶]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۙ ۱ مَلِكِ النَّاسِ ۙ ۲ إِلَهِ النَّاسِ ۙ ۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ

الْحَنَائِسِ ۙ ۴ الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۙ ۵ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۙ ۶﴾ [الناس: ۱-۶]

### گاهی پیامبر ﷺ دچار حزن و اندوه و نگرانی و ناراحتی می‌شد

(نگرانی از ناحیه‌ی بار سنگین رسالتی که بر دوش داشت و نگرانی از جانب عکس العمل‌هایی که دشمنان و بدخواهان سرسخت در برابر آن نشان می‌دهند و نگرانی از سوی نتیجه و برداشتی که از تبلیغ این رسالت انتظار می‌رود و نگرانی از اذیت و

آزارهای جسمانی و بهانه‌گیری مختلف کفار و مشرکین) و دور کردن غم و اندوه ایشان از ناحیه‌ی خدا:

﴿وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۶]

﴿يَأْتِيهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا...﴾ [المائدة: ۴۱]

﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بَيَّاتٍ اللَّهُ يَجْحَدُونَ﴾ [الأنعام: ۳۳]

﴿كَتَبْنَا أَنْزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِشَنِذِرٍ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ۲]

﴿وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [يونس: ۶۵]

﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكًا بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقًا بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ [هود: ۱۱۲]

﴿...وَلَا تَحْزَنُ عَلَيْهِمْ وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الحجر: ۸۸]

﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ [فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾ [وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۷-۹۹]

﴿وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنُ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ﴾ [النحل: ۱۲۷]

﴿وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزَنُكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [لقمان: ۲۳]

﴿فَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ [يس: ۷۶]

پیام‌های عتاب آمیز قرآن به پیامبر ﷺ

﴿مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا  
وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٧﴾ لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا  
أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٦٨﴾﴾ [الأنفال: ٦٧-٦٨]

﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكٰذِبِينَ ﴿١٦﴾﴾  
[التوبة: ٤٣]

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ  
مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٣﴾﴾ [التوبة: ١١٣]

﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ  
وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ...﴾ [الأحزاب: ٣٧]

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّعِيَ مَرْصَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ  
رَّحِيمٌ ﴿١﴾﴾ [التحریم: ١]

﴿عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١﴾ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّىٰ ﴿٣﴾ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ  
الذِّكْرَىٰ ﴿٤﴾ أَمَّا مَنْ أَسْتَعْتَىٰ ﴿٥﴾ فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّىٰ ﴿٦﴾ وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزَّكَّىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ  
جَاءَكَ يَسْعَىٰ ﴿٨﴾ وَهُوَ يَخْشَىٰ ﴿٩﴾ فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ﴿١٠﴾ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾﴾ [عبس: ١-١١]



توضیح موضوع: قرآن کریم برای معرفی شخصیت پیامبر ﷺ قانون کلی و دقیق ارائه می‌دهد که غفلت از آن ممکن است نتایجی زیان‌بار به همراه آورد. خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾ [الکهف: ١١٠]

«ای پیامبر! بگو: من فقط انسانی همچون شما هستم، و امتیاز من این است که من پیامبر خدایم و به من وحی می‌شود که معبود شما یکی است و بس.»

در این آیه‌ی قرآن کریم برای پیامبر اسلام دو بُعد شخصیتی و منحصر به فرد قائل است:

یکی: بُعد نبوت و رسالت اوست که کلام و پیام آسمانی را از فرشتگان وحی دریافت می‌کند و سپس آموزه‌های دینی و الهی خود را برای همه‌ی مردم دنیا تبلیغ می‌نماید و در این باره، حق هیچ‌گونه اظهار نظر یا دخل و تصرفی از خود ندارد و باید همه‌ی آن‌ها را بدون کم و زیاد، آن‌طور که خدا می‌خواهد به گوش مردم برساند و چنان‌چه از وظیفه‌ی خود عدول نماید یا خودسرانه چیزی بدان افزوده یا کم کند، با قاطعیت و کوبندگی تمام با او برخورد می‌شود:

﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾﴾ [الحاقة: ۴۴-۴۶]

«اگر پیغمبر پاره‌ای سخنان را به دروغ بر ما می‌بست، ما دست راست او را می‌گرفتیم، سپس رگ دلش را پاره می‌کردیم.»

**دوم:** بُعد انسانی و ویژگی بشری ایشان می‌باشد. عدم شناخت درست و واقعی این بخش از شخصیت پیامبر ﷺ برای مسلمانان بسیار مصیبت‌بار خواهد بود و ممکن است انسان دچار افراط و تفریط خطرناک گردد و خدای ناخواسته، صفات و ویژگی‌هایی ناهمگون و غلوآمیزی برای او قائل شود که با مقام شامخ و شخصیت والایش در تضاد باشد و موجب شود انسان با درک نادرست خود به پیامبر ﷺ ویژگی‌هایی اهورایی و الهی دهد و خواسته یا ناخواسته در وادی شرک و گمراهی گام نهد.

و در حقیقت قرآن کریم، بسیاری از دیدگاه‌ها، موضع‌گیری‌ها، راه و برنامه‌ی زندگی پیامبر و یارانش را بیان می‌کند و فرازهایی از زندگی پیامبر را به صورت خصوصی یا عمومی به معرض نمایش می‌گذارد.

گاهی نیز به اصلاح برخی از اعمال، رفتار، سخنان و موضع‌گیری‌های پیامبر ﷺ می‌پردازد، و به خاطر برخی از این اعمال، به گونه‌ای ملایمت او را مورد سرزنش قرار می‌دهد. این نوع آیاتِ عتاب‌آمیز، در قرآن مشهود است و تا قیامت همچنان ورد زبان مؤمنان خواهد بود.

و مفهوم آیاتِ عتاب‌آمیز قرآنی این نیست که پیامبر ﷺ مرتکب خلاف و نافرمانی گشته است، بلکه بیانگر این مطلب است که گاهی با اجتهاد خود به جای امری نیکوتر، امر نیکو را انتخاب فرموده، و در اصطلاح ترک اولی نموده است و خداوند با این بیانات عتاب‌آمیز می‌خواهد او را ارشاد و راهنمایی فرماید. علی‌رغم اینکه برخی‌ها در فهم و

تجزیه و تحلیل درست و منطقی این آیات عتاب‌آمیز دچار لغزش و انحراف شده‌اند و به همین خاطر نسبت‌های ناروا و نادرستی برای پیامبر ﷺ آورده‌اند که با مقام عصمت و نبوت او همخوانی ندارد.

و چون پیامبر ﷺ از هر گونه آلودگی، انحراف، ارتکاب گناهان کبیره و صغیره، و سوسه‌های اهریمنی و سایر خطاها و اشتباهات کاملاً پاک و مبرا و معصوم و مصون است، درباره‌ی آیات عتاب‌آمیز باید گفت که پیامبر ﷺ عملکردی صحیح داشته و بر صواب بوده است و نمی‌توان این آیات را دلیل خطای او دانست زیرا همه برای ارشاد و راهنمایی او آمده‌اند تا بهتر و نیکوتر را انتخاب فرماید، چون خداوند می‌خواهد که پیامبرش، همیشه خوب‌ترین و کامل‌ترین اعمال را انجام دهد.

منع شدن پیامبر از اطاعت کافران و منافقان و پیروی نمودن از هوا و هوس‌های آنان

﴿...لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿۹۴﴾ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۹۵﴾﴾ [یونس: ۹۴-۹۵]

﴿وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۰۵﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۶﴾﴾ [یونس: ۱۰۵-۱۰۶]

﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿۵۲﴾﴾ [الفرقان: ۵۲]

﴿فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿۱۳﴾﴾ [الشعراء: ۲۱۳]

﴿وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿۸۱﴾ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا

تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۸۷﴾﴾ [القصص: ۸۶-۸۷]

﴿فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿۶۰﴾﴾ [الروم: ۶۰]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّجِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا

حَكِيمًا ﴿۱﴾﴾ [الأحزاب: ۱]

﴿وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذْنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿۴۸﴾﴾

[الأحزاب: ۴۸]

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (۱۸)

[الجمانية: ۱۸]

﴿فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ﴾ (۸) وَدُّوْا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ﴿۹﴾ [القم: ۸-۹]

﴿فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَائِمًا أَوْ كَفُورًا﴾ (۱۴) [الإنسان: ۲۴]

﴿كَلَّا لَا تُطِيعُهُ...﴾ [العلق: ۱۹]



**توضیح موضوع:** مراد از اطاعت کافران و منافقان: پذیرش سخنان آنها و قبول پیشنهادهای سازشکارانه‌ای است که از طرف ایشان مطرح می‌گردد، چرا که مشرکان و چندگانه پرستان مکه و منافقان و دوچهرگان مدینه بارها کوشیدند که با طرح پیشنهادهای سازشکارانه، پیامبر گرامی اسلام را از خط توحید منحرف سازند، چنانچه نقل شده که عده‌ای از سران کفر و شرک مکه بعد از جنگ احد از پیامبر ﷺ امان گرفتند و وارد مدینه شدند و به اتفاق «عبدالله بن اُبی» (سرکرده‌ی منافقان) و بعضی دیگر از دوستانشان خدمت رسول خدا ﷺ آمدند و گفتند: ای محمد! بیا و از بدگویی به خدایان ما \_بت‌های لات و عزّی و منات\_ صرف نظر کن و بگو آن‌ها برای پرستش‌کنندگان خویش شفاعت می‌کنند، تا ما هم از تو دست برداریم و هر چه می‌خواهی درباره‌ی خدایت، توصیف کن آزاد هستی. ولی پیامبر ﷺ از قبول پیشنهاد سازشکارانه‌ی آن‌ها صرف نظر کرد. و گر چه مخاطب تمام این آیات، شخص پیامبر ﷺ است، ولی پیداست که دستوری برای همه‌ی مؤمنان و همه‌ی سردمداران جهان اسلام، و نسخه‌ای است نجات‌بخش و معجونی است حیات‌آفرین برای هر عصر و زمان.

منع شدن پیامبر ﷺ از تمایل و گرایش به اهل کتاب به ذریعه‌ی پیروی نمودن از هوا و هوس‌های آنان و هشدار خداوند در این زمینه

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ

الْهُدَىٰ ۗ وَلَئِن آتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا

نَصِيرٍ ﴿۱۳۰﴾ [البقرة: ۱۲۰]



﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۳]

﴿...عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ [۴۸] وَأَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرُهُمْ أَنْ يَقْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ﴾ [۴۹-۴۸]. [المائدة: ۴۸-۴۹].

﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَٰنَا إِلَيْكَ لَيَفْتِنَنَّ عَلَيْنَا غَيْرُهُ وَإِذَا لَا يَأْتِيكَ خَلِيلًا﴾ [۷۳] ﴿وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾ [۷۴] ﴿إِذَا لَا أَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا﴾ [۷۵] ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [۷۶] ﴿سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا﴾ [۷۷] [الإسراء: ۷۳-۷۷].

منع شدن پیامبر ﷺ از اینکه مدافع و جانبدار خائن باشد

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرْنَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾ [۱۰] ﴿وَأَسْتَعْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [۱۱] ﴿وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا﴾ [۱۲] [النساء: ۱۰۵-۱۰۷].

خط بطلان کشیدن بر تهمت‌ها و بهتان‌های کسانی که می‌گویند: محمد ﷺ خودش قرآن را از پیش خود ساخته است و آن را فراهم آورده است

﴿أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [۳۳] ﴿فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ [۳۴] [الطور: ۳۳-۳۴].

﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤١﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٢﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٣﴾ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿٤٤﴾﴾ [الحاقة: ۴۴-۴۷]

آنچه از خبرهای غیبی گذشتگان و پیشینیان و آیندگان و پسینیان به پیامبر ﷺ وحی شده است

﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْتُفُلُ مَرِيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾﴾ [آل عمران: ۴۴]

﴿قِيلَ يٰنُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾﴾ [تلك من أنباء الغيب نوحها إليك ما كنت تعلمها أنت ولا قومك من قبل هذا فاصبر إن العقبه للمتقين ﴿٤٩﴾﴾ [هود: ۴۸-۴۹]

﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾﴾ [يوسف: ۱۰۲]

﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥١﴾﴾ [وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءآيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٥٤﴾﴾ [وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَٰكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَلَهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٦﴾﴾ [القصص: ۴۴-۴۶]

داستان اصحاب كهف، و منع شدن پیامبر ﷺ از ستیزه و جدال در مورد آنها، جز مجادله‌ی سطحی و مباحثه‌ی بدون طول و تفصیل و گفتگوی منطقی و مستدل (یعنی پیامبر ﷺ مأموریت یافت تا درباره‌ی اصحاب كهف جز مجادله‌ی روشن و آرام و گفتگوی ساده و مختصر، نه عمیق و طویل داشته، و راجع بدیشان مباحثه‌ی روشن و مستدلی داشته باشد):

﴿سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءَ ظَهْرٍ وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾﴾ [الكهف: ۲۲]

﴿وَلَيْثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَيْثُوا لَهُ  
 غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي  
 حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ [الكهف: ٢٥-٢٦]



**توضیح موضوع:** ماجرای اصحاب کهف، بعد از زمان حضرت عیسیٰ علیه السلام و قبل از بعثت پیامبر اسلام و در سرزمین روم و شهر افسوس بوده و طاغوتشان «دقیانوس» نام داشته است، که گروهی از جوانان باهوش و باایمان که در یک زندگی پرزرق و برق در میان انواع ناز و نعمت به سر می بردند، برای حفظ عقیده و آرمان خود و مبارزه با طاغوت عصر خویش به همه‌ی این‌ها پشت پا زدند و به غاری از کوه که از همه چیز تهی بود پناه بردند و از این راه استقامت و پایداری خود را در راه ایمان نشان دادند. و درسی را که می‌توان از داستان اصحاب کهف گفت، درس هجرت و پایداری و امدادهای الهی است و نباید کاری به زمان و مکان و تعداد و... داشت.

لازم می‌بینم در اینجا قول ابن کثیر را بیاورم، چرا که ایشان در ذیل آیات ۲۲ سوره‌ی کهف، «روایات اسرائیلی» که در میان یهودیان و مسیحیان مشهوراند، به سه دسته تقسیم کرده و گفته است:

۱. روایات اسرائیلی که دلائل خارجی دیگر آن‌ها را تصدیق کرده‌اند، مثل: غرق شدن فرعون، مبارزه‌ی موسی علیه السلام با جادوگران و... چون قرآن کریم و احادیث صحیح این روایات را تصدیق کرده‌اند، معتبر به شمار می‌آید.
۲. روایات اسرائیلی که دروغ بودنشان با دلائل خارجی به اثبات رسیده است، مثل: قصه‌ی بت پرست شدن سلیمان علیه السلام در آخر عمر، و قصه‌ی من در آوردی فریفته شدن داود علیه السلام به زن سپهسالار خود «اوریا» که قرآن به صراحت آن‌ها را رد کرده است.
۳. روایات اسرائیلی که صدق و کذب آن‌ها از دلایل خارجی ثابت نمی‌گردد، مثل: احکام تورات و غیره. در این مورد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لا تصدقوها و لا تکذبوها»: آن‌ها را نه تصدیق کنید و نه تکذیب.

حافظ ابن کثیر می‌فرماید: خود قرآن در سوره‌ی کهف تعلیم داده است که چه طرز عملی در برابر این قبیل از روایات اختیار باید کرد و می‌فرماید:

﴿سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۗ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۲۲]

«معاصران پیامبر درباره‌ی تعداد نفرات اصحاب کهف به مجادله می‌پردازند و گروهی خواهند گفت: آنان سه نفرند که چهارمین ایشان سگشان بود، و گروهی خواهند گفت: آنان پنج نفرند که ششمین ایشان سگشان بود؛ همه‌ی این‌ها سخنان بدون دلیل است و گروهی خواهند گفت: آنان هفت نفرند که هشتمین ایشان سگشان بود. و اینان از روی علم و آگاهی برگرفته از وحی، سخن نخواهند گفت، بگو: پروردگار من از تعدادشان آگاه‌تر از هر کسی است. جز گروه کمی تعدادشان را نمی‌داند. بنابراین درباره‌ی اصحاب کهف جز مجادله‌ی روشن و آرام با دیگران پیش مگیر، چرا که مسأله‌ی چندان مهمی نیست و ارزش دردسر را ندارد، و پیرامون آنان دیگر از هیچ کس می‌پرس زیرا وحی الهی تو را بس است».

خداوند در این آیه روایات اسرائیلی مختلف اهل کتاب را درباره‌ی تعداد نفرات اصحاب کهف بیان فرموده است، و نیز به موارد ذیل اشاره کرده است:

۱. بیان کردن روایات اسرائیلی و اختلاف آن‌ها جایز است، چنان‌چه خداوند بیان فرمود.
۲. غلط بودن روایاتی از آن‌ها را که به ثبوت رسیده باشد، آشکار باید ساخت، چنان‌که خداوند دو قول اول را با گفتن «رجماً بالغیب» رد فرموده است.
۳. درباره‌ی روایتی که دلایلی بر غلط بودنش وجود نداشته باشد، سکوت اختیار باید کرد، چنان‌که بر روایت سوم، سکوت اختیار فرمود.
۴. درباره‌ی راست و دروغ بودن این روایات ایمان باید داشت که علم حقیقی آن‌ها نزد خداوند متعال است.
۵. از بحث و جدل بی‌مورد و غیرمنطقی درباره‌ی این روایات پرهیز باید کرد.
۶. پرداختن زیاد به تحقیق و تفحص اینگونه روایات درست هم نیست، چرا که فایده‌ی قابل توجه دنیوی و اخروی وابسته به آن‌ها نیست.

آگاهی دادن خداوند به پیامبر ﷺ از حوادث و وقایعی که در آینده نزدیک به وقوع خواهد پیوست

﴿الْم ۱﴾ غَلَبَتِ الرُّومُ ﴿۱﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيِّغْلِبُونَ ﴿۳﴾ فِي بَضْعِ سِينٍ... ﴿[الروم: ۱-۴]﴾

﴿...لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُخَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ [الفتح: ۲۷]

﴿سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ﴾ ﴿[القمر: ۴۵]﴾

آگاهی دادن خداوند به پیامبر ﷺ از نشانه‌های قیامت

﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ﴾ ﴿[الأنبياء: ۹۶]﴾

﴿وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّمْ وَتُنزَلُ الْمَلَكِيَّةُ تَنْزِيلًا﴾ ﴿[الفرقان: ۲۵]﴾

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ ﴿[النمل: ۸۲]﴾

﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونَ﴾ ﴿[الزخرف: ۵۷]﴾

﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونَّ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ﴾ ﴿[الزخرف: ۶۱]﴾

﴿فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ ﴿۱۷﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿[الدخان: ۱۰-۱۱]﴾

﴿أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَدْنَى الْقَمَرِ﴾ ﴿[القمر: ۱]﴾

﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ ﴿[التكوير: ۵]﴾

\*\*\*

توضیح موضوع: مراد از «نشانه‌های قیامت» علائم نزدیک شدن قیامت و خاتمه‌ی این جهان است. وقت و زمان آن را فقط خداوند می‌داند، و قرآن و پیامبر ﷺ هم فقط نشانه‌های آن را بیان کرده‌اند. و پیامبر ﷺ نیز از وقایع قبل از روز رستاخیز در آینده براساس اطلاعاتی که خداوند به او رسانده، خبر داده است. و در این زمینه احادیث فراوانی وجود دارند که حتی به حد تواتر معنوی نیز رسیده‌اند.

و براساس آیات قرآن و احادیث نبوی، علم به روز قیامت از غیبات است و جز خداوند کسی به آن اطلاع ندارد، خداوند این علم را به خود اختصاص داده و حتی فرشتگانِ مقرب و انبیای الهی را نیز از آن مطلع نساخته است و کسی جز او نمی‌داند روز قیامت کی بر پا می‌شود.

نشانه‌های قیامت دو نوع‌اند:

۱- نشانه‌های کوچک: نشانه‌هایی که با فاصله‌ی زمانی زیاد قبل از قیامت اتفاق می‌افتند و به نوعی از امور عادی به حساب می‌آیند، مانند: قبض علم، ظهور جهل، شراب خواری، ساختن ساختمان‌های بلند و امثال آن‌ها. البته ممکن است این نشانه‌ها همراه نشانه‌های بزرگ یا بعد از آن‌ها بیایند.

۲- نشانه‌های بزرگ: امور بزرگی هستند که نزدیک روز قیامت رخ می‌دهند و غیر عادی جلوه می‌نمایند، مانند: ظهور دجال، نزول عیسی علیه السلام، خروج یاجوج و ماجوج و طلوع خورشید از مغرب.

پیامبر صلی الله علیه و آله مالک سود و زیانی برای خود نیست (مگر آن مقداری که خدا بخواهد و از راه لطف و کرم بر جلب نفع یا دفع شرّ، مالک و مقتدرش گرداند)

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۸۸﴾﴾  
[الأعراف: ۱۸۸]

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...﴾ [یونس: ۴۹]  
﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۹﴾﴾ [الأحقاف: ۹]

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿۲۸﴾﴾ [الملك: ۲۸]

﴿قُلْ إِيَّيْ لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿۲۱﴾﴾ قُلْ إِيَّيْ لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿۲۲﴾ إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ...﴾ [الجن: ۲۱-۲۳]

پیامبر ﷺ نمی‌تواند کسی را که می‌خواهد هدایت ارمغان دارد، و این تنها خدا است که هر که را بخواهد هدایت عطا می‌نماید

﴿لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ﴾ [البقرة: ۲۷۲]

﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۲۸]

﴿وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [المائدة: ۴۱]

﴿قَدْ نَعَلِمَ إِنَّهُ لِيَحْزُنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾ [۲۳]

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَأِ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳۵﴾ وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿۳۶﴾ [الأنعام: ۳۳-۳۵]

﴿إِن تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ [النحل: ۳۷]

﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعْ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [النمل: ۸۱]

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَن أَحَبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [القصص: ۵۶]

﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعْ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [الروم: ۵۳]



توضیح موضوع: وظیفه‌ی انبیاء فقط ابلاغ پیام‌های الهی و آسمانی و ارائه راه است، پذیرفتن یا عدم پذیرش مردم، ربطی به آن بزرگواران ندارد.

بنابراین منظور از هدایت در اینجا، «ارائه طریق» (نشان دادن راه) نیست، چرا که ارائه طریق کار اصلی پیامبر است، و بدون استثناء راه را به همه نشان می‌دهد، بلکه منظور از هدایت در اینجا «ایصال به مطلوب» و رسانیدن به سر منزل مقصود است و این تنها کار خدا است که بذریعۀ ایمان را در دل‌ها پیاشد و کار خدا هم بی‌حساب نیست بلکه او به دل‌های آماده نظر می‌افکند و این نور آسمانی را بر آن‌ها می‌پاشد.

خداوند خوب می‌داند که چه افرادی لایق پذیرش ایمان و چه قلب‌هایی به دنبال حق و چه سرهایی، سودای عشق خدا را دارند، و اوست که این افراد شایسته و لایق را خوب می‌شناسد و به آن‌ها توفیق می‌دهد و لطفش را رفیق راه آن‌ها می‌سازد تا به سوی ایمان و سرمنزل مقصود رهنمون شوند.

تشویق شدن پیامبر ﷺ بر همدم بودن با تهی‌دستانی که تنها رضای ذات خدا را می‌طلبند، و تشویق شدن پیامبر ﷺ بر تواضع و فروتنی و عطوفت و مهربانی با مؤمنان ﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَمَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنعام: ۵۲]

﴿...وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الحجر: ۸۸]

﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطَانًا﴾ [الكهف: ۲۸]

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۵]

اسلام، دین فطرت است

﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا

هُمُ يُحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۱۱۲]



﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا مِن رَّبِّهِمْ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
وَأَلْسَابِطَ وَمَا أَوْتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أَوْتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ  
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ١٣٦]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ  
لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [البقرة: ٢٠٨]

﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ أَلْسَلَمُوا وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا  
جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ وَمَن يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [١٦] فَإِن  
حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ  
ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِن أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ [٢٠-١٩  
آل عمران: ٢٠-١٩]

﴿قُلْ يَٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا  
نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا  
بِآثَانِ مُسْلِمُونَ﴾ [١٦] يَٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلَ إِلَّا  
مِن بَعْدِي ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [آل عمران: ٦٤-٦٥]

﴿وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَن تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ  
مُسْلِمُونَ﴾ [٨٠] وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا ءَاتَيْنَاكُمْ مِّن كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ  
رَسُولٌ مَّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ ۖ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۚ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ  
إِصْرِي ۗ قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا ۖ وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾ [٨١] فَمَن تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ  
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَٰسِقُونَ﴾ [٨٢] أَفَعَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ ۚ وَلَهُ ۖ أَسْلَمَ مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ  
طَوْعًا وَكَرْهًا ۗ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ [آل عمران: ٨٠-٨٣]

﴿وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِينَ﴾ [آل عمران: ٨٥]

﴿قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [آل عمران: ٩٥]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ١٠٢]

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا  
وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ [النساء: ١٢٥]

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ  
دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [المائدة: ٣]

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾ [الأنعام: ١٢٥]

﴿...فَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ...﴾ [الحج: ٣٢]

﴿...مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ  
شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...﴾ [الحج: ٧٨]

﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ  
مُسْلِمُونَ﴾ [النمل: ٨١]

﴿وَلَا تَجْدِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا  
بِالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَاللَّهُنَّ وَاللَّهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [العنكبوت: ٢٦].

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ  
ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الروم: ٣٠]

﴿وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ  
عَلَقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ٢٢]

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَلْبِ السَّيِّئَةِ قُلُوبُهُم مِّن  
ذِكْرِ اللَّهِ أَوْلَتْكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الزمر: ٢٢]

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِضْلُهُ  
ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ  
الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ  
إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأحقاف: ١٥]



توضیح موضوع: «فطرت» در لغت به معنای: خلقت و شکافتن پرده‌ی عدم، و آفرینش یک موجود است، گویا خداوند، انسان را به گونه‌ای آفریده که به حق تمایل دارد و از باطل بیزار است.

خداوند مردم را بر فطرت و سرشت خداباوری و خداشناسی آفریده است و اگر عوارضی در آنان پدید نیاید که به سبب آن به کفر و زندقه و شرک و چندگانه پرستی و الحاد و انحراف گریند، آن‌ها بر این سرشت خود پایدارند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هیچ نوزادی نیست، مگر اینکه بر فطرت متولد می‌شود، ولی پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می‌گردانند.»

و نیز در حدیث قدسی به روایت عیاض آمده است که رسول خدا ﷺ روزی خطبه می‌خواندند و در خطبه‌ی خویش به نقل از خداوند سبحان فرمودند: «من همیشه بندگان خویش را حنیف و حق‌گرا آفریده‌ام ولی شیاطین به سوی آن‌ها آمده و آنان را از دینشان گمراه ساختند و آنچه را که من حلال کرده بودم، بر آنان حرام گردانیدند.» به هر حال از نخستین روزی که انسان قدم به عالم هستی می‌گذارد، این نور الهی در درون جان او شعله‌ور است، و نه تنها خداشناسی، بلکه دین و آیین به طور کلی و در تمام ابعاد، یک امری فطری است و دین به صورت خالص و پاک از هر گونه آلودگی در درون جان آدمی وجود دارد و انحرافات یک امر عارضی است، بنابراین وظیفه‌ی تمام پیامبران این است که این امور عارضی را زایل کنند و به فطرت اصلی انسان امکان شکوفایی دهند.

و فطری بودن دین، تصور گروهی را ردّ می‌کند که می‌گویند: انسان مثل ظرفی خالی است که با آداب و رسوم و افکار حق یا باطل پر می‌شود و نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به او رنگ می‌دهند، و برخلاف تصور این گروه، این خداوند است که شناخت حق و حق‌گرایی را به ودیعت نهاده است و فطرت خداشناسی و خداباوری را در اعماق دل‌های انسان‌ها نهفته است و به هنگام بلاهای سخت، بیشتر از هر وقت دیگری، این فطرت خداشناسی بروز می‌کند.

اسلام، آیین حضرت نوح علیه السلام بود

﴿فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [یونس: ۷۲]

\*\*\*

توضیح موضوع: مراد از اسلام، همان تسلیم شدن، منقاد شدن، گردن نهادن به اوامر و فرامین تابناک الهی، و تعالیم و آموزه‌های خداوندی، و احکام و دستورات تعالی بخش آسمانی، و توصیه‌ها و سفارش‌های یزدانی و حقایق و معارف وحیانی است.

اسلام، آیین حضرت ابراهیم علیه السلام بود

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۷-۱۲۸]

﴿عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۷-۱۲۸]

﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [البقرة: ۱۳۰-۱۳۲]

﴿بِهَذَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَبْنِي إِنْ أَلَّهِ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۰-۱۳۲]

﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [آل عمران: ۶۷-۶۸]

﴿الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۶۷-۶۸]

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَبْنَئِي إِيَّيْ أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَتَابَتِ أَعْقَابُ مَا تَأْمُرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۲-۱۰۳]

﴿لِلْحَبِيبِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۲-۱۰۳]

اسلام، آيين قوم حضرت لوط عليه السلام بود

﴿فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾﴾ [الذاريات: ٣٥-٣٦]

اسلام، آيين حضرت يعقوب عليه السلام بود

﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُو مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾﴾ [البقرة: ١٣٣]

اسلام، آيين حضرت يوسف عليه السلام بود

﴿رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾﴾ [يوسف: ١٠١]

اسلام، آيين حضرت موسى عليه السلام بود

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ...﴾ [المائدة: ٤٤]

﴿وَقَالَ مُوسَى يَقَوْمِ إِن كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾﴾ [يونس: ٨٤]

اسلام، آيين حضرت سليمان عليه السلام بود

﴿إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾﴾ [النمل: ٣٠-٣١]

﴿فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾﴾ [النمل: ٤٢]

اسلام، آیین ملکه‌ی سبا (بلقیس) بود

﴿...قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [النمل: ۴۴]

اسلام، آیین جتیان بود

﴿وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَدِيسِيُّونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا﴾ [الجن: ۱۴]

اسلام، آیین حضرت محمد ﷺ بود

﴿قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَيَّ إِلَّا بِإِذْنِهِمْ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ

مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۸۴]

﴿قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴]

﴿...قُلْ إِنِّي هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَأَمِرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۷۱]

﴿قُلْ إِنِّي صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [البقرة: ۱۷۷]

﴿أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳]

﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ [البقرة: ۱۷۷]

﴿الْمُسْلِمِينَ﴾ [الزمر: ۱۱-۱۲]

﴿قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِن رَّبِّي

﴿وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [غافر: ۶۶]

اجبار و اکراهی در قبول دین نیست

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ

﴿فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۵۶]

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَن فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ [يونس: ۹۹-۱۰۰]

﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ﴿۲۲﴾ [الغاشية: ۲۱-۲۲]



**توضیح موضوع:** دین و مذهب با روح و فکر مردم سروکار دارد و اساس و شالوده‌اش بر ایمان و یقین استوار است، و خواه ناخواه راهی جز منطق و استدلال نمی‌تواند داشته باشد؛ و تأثیر زور و اجبار فقط در اعمال و حرکات است نه در افکار و عقاید، و ایمان قلبی با اجبار حاصل نمی‌شود، بلکه با برهان، دلیل، منطق، اخلاق، استدلال، حجت و موعظه می‌توان در دل‌ها نفوذ کرد.

و دین اسلام که دین برهان و منطق است، نیازی به اکراه و اجبار ندارد، و منطق نیرومند اسلام و محتوای غنی و پر بار آن ایجاب می‌کند که سرانجام، ادیان شرک‌آلود را جاروب کند و ادیان آسمانی تحریف یافته را در برابر خود به خضوع وادارد و با جاذبه‌ی عمیق خود دل‌ها را به سوی این آیین خالص جذب و جلب کند.

و دین اسلام که به کفار می‌گوید:

﴿هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۱۱۱]

«اگر راست می‌گویید دلیل و برهان خویش را بیاورید»،

چگونه ممکن است مردم را در پذیرش اسلام، اجبار نماید.

ولی این مسئله به آن معنی نیست که هر کس در عمل بتواند هر منکری را انجام دهد و بگوید: من آزادم و کسی حق ندارد مرا از راهی که انتخاب کرده‌ام باز دارد. قوانین جزائی اسلام همچون تعزیرات، حدود، دیات و قصاص، و واجباتی همچون نهی از منکر و جهاد، نشانه‌ی آن است که حتی اگر کسی قلباً اعتقادی ندارد، ولی حق ندارد برای جامعه، یک فرد مودی باشد.

و این مسئله (اجبار و اکراهی در قبول دین نیست) آشکارترین و مؤثرترین دلیل است بر بطلان پندار کسانی که می‌پندارند، اسلام به زور شمشیر قد برافراشته است، و اصولاً اسلام در چند مورد به قدرت نظامی توسل می‌جسته است:

۱. محو آثار شرک و بت‌پرستی.

۲. طرد و دفع تجاوز دشمن، و امنیت جان، مال و عقیده‌ی مردمان را تضمین و تأمین نمودن، و دفع آزار و اذیت و فتنه‌ای که از سوی قطب‌های معادی درگیر با مسلمانان ایجاد می‌شود.
۳. نهادینه ساختن آزادی تدبیر، و ایجاد زمینه و فضای باز انتخاب برای هر کس که بخواهد به این دیانت گردن نهد، و برای کسب آزادی در تبلیغ، زیرا هر آیینی حق دارد به طور آزاد به صورت منطقی خود را معرفی کند، و اگر کسانی مانع از این کار شوند، می‌توانند با توسل به زور این حق را به دست آورد.
۴. در برابر کسانی که نقشه‌ی نابودی و حمله به مسلمانان را می‌کشند، دستور جهاد دفاعی و توسل به قدرت نظامی داده شده است و بیشتر جنگ‌های اسلامی در زمان پیامبر ﷺ از همین قبیل بود، مثل جنگ احد، احزاب، حنین، موته و تبوک.
۵. بازداشتن و مهار نمودن نظام‌های سلطه‌گر و ستمگر حاکم.
- و از بررسی جنگ‌های اسلامی، به خوبی آشکار می‌شود که قسمتی از جنگ‌های اسلامی، جنبه‌ی دفاعی داشته، و قسمت دیگری که جنبه‌ی ابتدایی داشته است برای کشورگشایی و اجبار افراد به آیین اسلام نبوده، بلکه برای واژگون کردن نظام‌های غلط و ظالمانه و اجازه یافتن مردم برای مطالعه آزاد درباره‌ی مذهب و شیوه‌های زندگی اجتماعی بوده است.
- و قبول عهدها و پیمان‌ها و پذیرش عقد صلح، و مخیر گذاشتن دشمن میان جنگ و پرداخت جزیه نیز دلیل بر این حقیقت است که اسلام، دین اجبار و فشار نیست، و خواسته‌ی مسلمانان جنگ و خونریزی و کشورگشایی نمی‌باشد، و اگر مالیات مختصری به نام «جزیه» از آنان دریافت می‌شد، به خاطر تأمین امنیت و هزینه‌ی نیروهای حافظ امنیت بود، زیرا که جان و مال و ناموس آن‌ها در پناه اسلام محفوظ بود و حتی مراسم عبادی خویش را آزادانه انجام می‌دادند، و این مسئله‌ای است که خاورشناسان و مورخان اروپایی و غیرمسلمانان نیز بدان معترفند.
- و برآستی که مذهب نمی‌تواند تحمیلی باشد، چرا که تأثیر زور و اجبار فقط در اعمال و حرکات است نه در افکار و عقاید. و دینی که برهان و منطق دارد، نیازی به اکراه و اجبار ندارد، و ایمان قلبی انسان‌ها با اجبار و اکراه و فشار و تحمیل، حاصل



نمی‌شود، بلکه با برهان، منطق، دلیل، اخلاق و موعظه‌ی نیکو، می‌توان در دل‌ها نفوذ کرد (همچون اسلام عزیز).

«مؤمنان» (به محمد ﷺ)، «یهودیان» (پیروان موسی علیهما السلام)، «مسیحیان» (پیروان عیسی) و «صابئین»

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰعِرِیْنَ وَالصَّٰعِرِیْنَ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۶۲]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰعِرِیْنَ وَالصَّٰعِرِیْنَ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [المائدة: ۶۹]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰعِرِیْنَ وَالصَّٰعِرِیْنَ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ [الحج: ۱۷]



توضیح موضوع: «صابئین»: به عقیده‌ی برخی از علماء، لفظ «صابئه» اسم فاعل از مصدر «صبا» به معنای «میل» است، و کسی که از دینی به دینی دیگر میل کند، «صابی» نامیده می‌شود. به همین مناسبت، مسیحیانی که به ستاره‌پرستی میل کرده‌اند، و بت‌پرستانی که به مظاهر مجرد قائل شده‌اند، «صابئین» نامیده می‌شود. بعضی دیگر «صابئین» را از مصدر «سباح» به معنای «شناوری» مشتق می‌دانند و معتقدند که صابئین، نخست بر ملتی از یهودیان اطلاق می‌شده که به کیش «یحیی بن زکریا» گزاشیده بودند. و در حقیقت کیش ایشان، برزخ میان یهودیان و نصرانیت بوده است، چون افراد این امت، پس از ولادت غسل «تعمید» می‌یافتند آن‌ها را «سابحین» یا «شناوران» نامیده‌اند، سپس با مرور زمان، حرف سین به صاد، و حرف حاء به همزه مبدل شده است.

گروه سوم بر این عقیده‌اند که این کیش، نخست دین مردم «سبأ» بوده و کلمه‌ی «صابئین» از «سبأ» مشتق است. در مقاله‌ی سبأ گفته شده که به احتمال قوی سبأ نخست لفظی دینی بوده و طبق نص قرآن مردم سبأ خورشید را می‌پرستیده‌اند، بنابراین دور نیست که صابئین و ملت سبأ هر دو آیین مهرپرستی داشته باشند. به هر حال ارباب ملل و نحل، «صابئین» را به دو ملت متمایز از یکدیگر تقسیم

کرده‌اند: یکی صابئین موحد که از یهودیت یا مسیحیت به پرستش کواکب و ستارگان میل کرده‌اند، دیگر صابئین مشرک که اصولاً آیینشان ستاره‌پرستی بوده است. [اعلام قرآن، صص ۴۱۱-۴۱۲- دائرة المعارف اسلامی، ملل و نحل شهرستانی].

و علت اختلاف و گفتگو درباره‌ی این گروه این است که در اثر کمی جمعیت آن‌ها و اصرار آن‌ها به نهان داشتن آیینشان و منع از دعوت و تبلیغ و اعتقاد بر اینکه آیین آن‌ها، آیین اختصاصی است نه عمومی و پیامبرشان فقط برای نجات آن‌ها مبعوث شده است و بس، وضع آن‌ها به صورت اسرارآمیزی درآمده و جمعیت آن‌ها به سوی انقراض می‌رود.

به هر حال نام این گروه در سوره‌های بقره، مائده و حج در کنار یهود، نصاری، مجوس و مشرکین آمده است، و معلوم می‌شود که «صابئین» غیر از چهار دسته‌ی مذکورند، و پیروان این آیین نیز همانند سایر اهل کتاب به اسلام دعوت شده‌اند.

### آیین و شریعت فرستادگان و پیامبران پیشین

﴿يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ

عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [النساء: ۲۶]

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...﴾ [المائدة: ۴۸]

﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [۸۳] ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [۸۵] ﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِيلَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [۸۶] ﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [۸۷] ﴿وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [۸۷] ﴿ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [۸۸] ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنَّ

يَكْفُرُ بِهَا هَوًّا فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٨٣﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ  
فِيهِدْنَهُمْ أَقْتَدَةٌ... ﴿[الأنعام: ۸۳-۹۰].

﴿ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾﴾ [النحل: ۱۲۳]

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعةٍ مِّنَ الْأُمْرِ فَأَتَّبِعَهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾﴾

[الجاثية: ۱۸]



**توضیح موضوع:** اصول همه‌ی ادیان و حیانی و پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی یکی است، ولی شرایع آن‌ها متعدد و گوناگون است، مثل دریایی که نهرها و رودی به آن متعدد است؛ دین و شریعت راهی است که ما را به حیات واقعی و انسانی می‌رساند، ولی در هر زمان تنها یک شریعت پذیرفته است.

ابوحیان گفته است: یهود و همچینین نصاری، شریعت و منهاج و احکام خاص خود را دارند و گرنه در اعتقاد یکی هستند، و همه به یکتاپرستی و ایمان به پیامبران و کتاب‌های آسمانی و محتویات آن‌ها از قبیل: معاد و جزا ایمان و باور دارند.

البته باید این را دانست که تمام احکام شریعت‌های پیشین به وسیله‌ی قرآن منسوخ شد و بعد از آن دیگر جز آنچه حضرت محمد ﷺ با خود آورده است، هیچ شریعت و راه حقی در میان نیست. و این قرآن است که بر تمام کتاب‌ها و شرایع پیشین حاکم و غالب است، و تنها مرجع شناخت محکم و منسوخ آن‌ها می‌باشد و نگهبان اصول قوانین و برنامه‌های دینی آن‌ها است، و بیان‌کننده‌ی بسیاری از امور و احکامی است که علمای یهود و نصاری آن‌ها را تحریف کرده و در آن‌ها دست برده‌اند.



## روز قیامت

تشویق و ترغیب بر آمادگی کردن برای روز رستاخیز، و حال و وضع کسانی که برای روز قیامت اهمیتی قائل نیستند و بدان نمی‌اندیشند

﴿وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ [البقرة: ۴۸]

﴿وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ [البقرة: ۱۲۳]

﴿...وَأَتَقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوُهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۳]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِي يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۴].

﴿...لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ۱۱۲]

﴿قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الأنعام: ۱۵-۱۶].

﴿إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ [الأنعام: ۱۳۴].

﴿إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْفُسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ [يونس: ۴]

﴿وَإِنِ اسْتَعْفَرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ﴾ [هود: ۳]

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَن خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ﴾ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿١٣٣﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ ﴿١٣٤﴾ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٣٥﴾ [هود: ١٠٣-١٠٥]

﴿قُلْ لِّعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَٰلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ﴿٣١﴾﴾ [ابراهيم: ٣١]

﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يَشَأُ يَرْحَمَكُم أَوْ إِن يَشَأُ يُعَذِّبِكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلاً ﴿٥٤﴾﴾ [الإسراء: ٥٤]

﴿فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُوتَنَّا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحُسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾﴾ [مريم: ٣٧-٣٩]

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ آتِفُوا رَبُّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ مَرْصِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾﴾ [الحج: ١-٢]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰلِحِينَ وَالنَّصْرَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾﴾ [الحج: ١٧]

﴿وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾﴾ [الحج: ٥٥]

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾ لِيَجْزِيََهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ...﴾ [النور: ٣٧-٣٨]

﴿إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾﴾ [الشعراء: ١٣٥].

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ آتِقُوا رَبَّكُمْ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ [لقمان: ۳۳]

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [السجدة: ۲۵]  
 ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا﴾ [فاطر: ۴۵]  
 ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظِيمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾ [غافر: ۱۸]

﴿أَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنْ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَدَجًا يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ﴾ [الشورى: ۴۷]  
 ﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ﴾ [الجن: ۲۷]

﴿تَخُنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرَ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ﴾ [ق: ۴۵]

﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ﴾ [الواقعة: ۴۹-۵۰]  
 ﴿قُلْ إِنَّ الْأَمْوَاتَ الَّذِينَ تَفَرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلْقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الجمعة: ۸].

﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا﴾ [الجن: ۲۴]  
 ﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ [المزمل: ۱۷-۱۸]

﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ [المدثر: ۸-۱۰]

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَبْعَثَ عِظَامَهُ﴾ [القيامة: ۳-۴]

﴿يُوفُونَ بِاللَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ [الإنسان: ۷].

﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطِيرًا﴾ [الإنسان: ۱۰].

﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا﴾ [الإنسان: ۲۷].

﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَكُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ

صَوَابًا﴾ [النبأ: ۳۸].

﴿ذَلِكَ الرُّومُ الْحَقِّطُ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا﴾ [النبأ: ۳۹].

﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿۱﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۲﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ

الْعَالَمِينَ ﴿۳﴾﴾ [المطففين: ۴-۶].

﴿إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿۸﴾ يَوْمَ تُبَلَى السَّرَائِرُ ﴿۹﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿۱۰﴾﴾

[الطارق: ۸-۱۰].

## حال و وضع کسانی که ایمان آورده‌اند و کردار نیکو انجام داده‌اند، و ابتلاء و آزمایش آن‌ها

(به انواع سختی‌ها و مصائب و مشکلات و شدائد و چالش‌ها و دغدغه‌ها) در دنیا، و آنچه برای آن‌ها در آخرت از امکانات رفاهی و نعمت‌های بهشت و باغ‌ها و بوستان‌ها، رودها و سرچشمه‌ها، کاخ‌های برافراشته و تالارهای سر به آسمان سائیده، و وسایل رفاه کامل منازل اعم از زیراندازها، متکاها، تخت‌های راحتی، ظروف بسیار زیبا و میل‌انگیز، و لباس فاخر و زینت‌آلات، و خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های لذیذ و مطبوع، و همسران و حوران پاکیزه، و هوای معتدل و مطلوب، و محیط سراسر آرامش و آسایش و دور از هر گونه اضطراب و تشنج اعصاب و خستگی کار، و محیط سراسر صفا و صمیمیت، و رضای خداوندی و وسعت بهشت، برای آن‌ها آماده گشته است:

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا

رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا

أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۵﴾﴾ [البقرة: ۲۵].

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَىٰ وَالصَّبِيْنَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۶۲﴾﴾ [البقرة: ۶۲].



﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿٨٢﴾

[البقرة: ٨٢]

﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا

هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ﴿١١٢﴾ [البقرة: ١١٢]

﴿...وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...﴾ [البقرة: ١٦٥]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ ﴿٢١٨﴾ [البقرة: ٢١٨]

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ [البقرة: ٢٥٧]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ

رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ﴿٢٧٧﴾ [البقرة: ٢٧٧]

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمُ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ﴾ ﴿٥٧﴾ [آل عمران: ٥٧]

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَبِئْسَ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [آل عمران: ١٠٧]

﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي

الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِّنكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ

الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُم عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ

الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿١٥٢﴾ [آل عمران: ١٥٢]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ﴿٢٠٠﴾

[آل عمران: ٢٠٠]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا﴾ ﴿٥٧﴾ [النساء: ٥٧]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾ ﴿١٢٢﴾ [النساء: ١٢٢]

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾ ﴿١٢٤﴾ [النساء: ١٢٤]

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ ﴿١٤٦﴾ [النساء: ١٤٦]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۖ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ ﴿١٥٢﴾ [النساء: ١٥٢]

﴿لَٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ۗ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ ۗ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ ۗ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ ﴿١٦٣﴾ [النساء: ١٦٣]

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجْرَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ ﴿١٧٣﴾ [النساء: ١٧٣]

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ ۖ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا﴾ ﴿١٧٥﴾ [النساء: ١٧٥]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ۗ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۗ أَعِدُوا لَهُمْ أَقْرُبَ لِلتَّقْوَىٰ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ ﴿٨-٩﴾ [المائدة: ٨-٩]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۖ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ﴿١١﴾ [المائدة: ١١]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ۗ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ ۗ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ﴿٣٥﴾ [المائدة: ٣٥]

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ ﴿٥٦﴾ [المائدة: ٥٥-٥٦]

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [المائدة: ۹۳]

﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأنعام: ۵۴]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولَ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكُمْ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۴۲-۴۳]

﴿وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَءَامَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأعراف: ۱۵۳]

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۶]

﴿إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابُ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹۶]

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۲-۴]

﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ [الأنفال: ۴۰]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ...﴾ [الأنفال: ۷۴-۷۵]

﴿قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا أَحَدَى الْحُسَيْنِينَ...﴾ [التوبة: ۵۲]

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾﴾ [التوبة: ٧١-٧٢]

﴿لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾﴾ [التوبة: ٨٨-٨٩]

﴿وَالسَّادِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾﴾ [التوبة: ١٠٠]

﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ... ﴿٢﴾﴾ [يونس: ٢]

﴿إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ... ﴿٤﴾﴾ [يونس: ٤]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ التَّعِيمِ ﴿٩١﴾ دَعَوْنُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَعَآخِرُ دَعْوَانَهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٩٢﴾﴾ [يونس: ٩-١٠]

﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾﴾ [يونس: ٢٦]

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾﴾ [يونس: ١٠٣]

﴿إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾﴾ [هود: ١١]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ

فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾ [هود: ٢٣]

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا ففِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ

رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ ﴿١٧٨﴾ [هود: ١٠٨]

﴿لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ أَحْسَنَىٰ...﴾ [الرعد: ١٨]

﴿الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ ۚ أَنْ

يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ

لَهُمْ عُقَبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

وَأَلْمَلَتِكُمْ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى

الدَّارِ ﴿٢٤﴾ [الرعد: ٢٠-٢٤]

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾ الَّذِينَ

ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُ ﴿٢٩﴾ [الرعد: ٢٨-٢٩]

﴿وَأُدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٣٣﴾ [إبراهيم: ٢٣]

﴿يُتَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ﴿٢٧﴾ [إبراهيم: ٢٧]

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ

قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ﴿٣١﴾ [إبراهيم: ٣١]

﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

حَسَنَةٌ وَلَدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٢﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ

طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أُدْخِلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾ [النحل: ٣٠-٣٢]

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ٩]

﴿...وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا﴾ [مكثين: ٤]  
﴿أَبَدًا﴾ [الكهف: ٢-٣]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ [أولئك: ١٣]  
لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَكْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا﴾ [الكهف: ٣٠-٣١]

﴿وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءٌ الْحَسَنَى...﴾ [الكهف: ٨٨]  
﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا﴾ [خلدین: ١٧]  
فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا﴾ [الكهف: ١٠٧-١٠٨]

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ [جنات: ٢٠]  
جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا﴾ [آل عمران: ١٦]  
لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾ [الجنات: ١٦]  
تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا﴾ [مريم: ٦٠-٦٣]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ [مريم: ٩٦]  
﴿وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى﴾ [جنات: ٧٥]  
جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى﴾ [طه: ٧٥-٧٦]

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا﴾ [طه: ١١٢]  
﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ وَكِيلُونَ﴾ [الأنبياء: ٩٤]

﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾ [الأنبياء: ١١]  
لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾ [الأنبياء: ١٢]  
لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [الأنبياء: ١٠١-١٠٣]

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ [الحج: ۱۴]

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجَلِّونَ فِيهَا مِنْ أَسْوَارٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾ [الحج: ۲۳-۲۴]

﴿فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الحج: ۵۰]

﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ التَّعِيمِ﴾ [الحج: ۵۶]

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ] [وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ] [وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ] [وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ] [إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ] [فَمَنْ أَتَّبَعَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ] [وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ] [وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ] [أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ] [الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ] [المؤمنون: ۱-۱۱]

﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ﴾ [وَالَّذِينَ هُمْ بِإِيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ] [وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ] [وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا ءَاتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ] [أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ] [وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ] [المؤمنون: ۵۷-۶۲]

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يُحَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ [لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ] [وَاللَّهُ يَرِزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ] [النور: ۳۷-۳۸]

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۵۱]

﴿قُلْ أَذَلِكِ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ﴿١٥﴾ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا ﴿١٦﴾﴾ [الفرقان: ١٥-١٦]

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْسُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُونَ وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿٢٣﴾ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٢٤﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٢٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٢٧﴾ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٢٨﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٢٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٣٠﴾ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٣١﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٣٢﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُؤْا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٣٣﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٣٤﴾ أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٣٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٣٦﴾﴾ [الفرقان: ٦٣-٧٦]

﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ...﴾ [الشعراء: ٢٢٧]

﴿هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾﴾ [النمل: ٢-٣]

﴿فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿٧٧﴾﴾ [القصاص: ٦٧]

﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿٣﴾﴾ [العنكبوت: ٢-٣]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧﴾﴾ [العنكبوت: ٧]



﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ﴾ [العنكبوت: ۹]  
 ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرَ الْعَمِلِينَ﴾ [العنكبوت: ۵۸]

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ﴾ [الروم: ۱۵]  
 ﴿...وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ﴾ [الروم: ۴۴-۴۵]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ﴾ [الروم: ۸-۹]  
 ﴿حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [القمان: ۸-۹]

﴿إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا  
 يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [الروم: ۱۵] ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا  
 رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ [الروم: ۱۶] ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا  
 يَعْمَلُونَ﴾ [الروم: ۱۷] ﴿أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ﴾ [الروم: ۱۸] ﴿أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا  
 الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۵-۱۹]

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّن  
 يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ [الاحزاب: ۲۳-۲۴]

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنِينَ وَالْقَنِينَ وَالصَّادِقِينَ  
 وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَلِيعِينَ وَالْخَلِيعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ  
 وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا  
 وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الاحزاب: ۳۵]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ [الاحزاب: ۴۱-۴۲] ﴿وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الاحزاب: ۴۱-۴۲]  
 ﴿الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ  
 رَحِيمًا﴾ [الاحزاب: ۴۱-۴۲]

﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا﴾ [الاحزاب: ۴۷]

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ اُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [سبأ: ٤]  
 ﴿وَمَا اَمْوَالُكُمْ وَّلَا اَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ اِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ  
 صَالِحًا فَاُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الصَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْعُرْفَتِ ءَامِنُونَ﴾ [سبأ: ٣٧]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَّاجْرٌ كَبِيرٌ...﴾ [فاطر: ٧]

﴿ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ  
 وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُاذِنُ اللّٰهُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ [٣٢] جَنَّتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا  
 يُجْلُونَ فِيهَا مِنْ اَسْوَارٍ مِنْ ذَهَبٍ وَّلُؤْلُؤًا وَّلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾ [٣٣] وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي  
 اٰذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرٌ﴾ [٣٤] الَّذِي اَحَلَّنَا دَارَ الْمَقٰمَةِ مِنْ فَضْلِهٖ لَا  
 يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَّلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوْبٌ﴾ [٣٥] [فاطر: ٣٢-٣٥]

﴿اِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَّاجْرٍ  
 كَرِيْمٍ﴾ [يس: ١١]

﴿اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلِصِيْنَ﴾ [٤٠] اُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُوْمٌ﴾ [٤١] فَوَاكِهَ وَّهُمْ مُّكْرَمُوْنَ﴾ [٤٢] فِي  
 جَنَّاتٍ النَّعِيْمِ﴾ [٤٣] عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِيْنَ﴾ [٤٤] يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَاْسٍ مِّنْ مَّعِيْنٍ﴾ [٤٥] بَيضَاءَ لَدَّةٍ  
 لِّلشَّرِبِيْنَ﴾ [٤٦] لَا فِيهَا عَوْلٌ وَّلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُوْنَ﴾ [٤٧] وَعِنْدَهُمْ قَلْصِرَاتُ الطَّرْفِ عِيْنَ﴾ [٤٨]  
 كَاَنَّهُنَّ بَيضٌ مَّكْنُوْنٌ﴾ [٤٩] [الصافات: ٤٠-٤٩]

﴿وَالَّذِيْنَ اٰجْتَنَبُوا الظُّلُمٰتِ اَنْ يَّعْبُدُوْهَا وَاَنَابُوْا اِلَى اللّٰهِ لَهُمُ الْبُشْرٰى فَبَشِّرْ عِبَادِ﴾ [١٧]  
 الَّذِيْنَ يَسْتَمْعُوْنَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُوْنَ اَحْسَنَهٗٗٓ اُولَئِكَ الَّذِيْنَ هَدٰىهُمُ اللّٰهُ وَاُولَئِكَ هُمُ الْاَوْلٰٓءُ  
 الْاَلْبٰبِ﴾ [الزمر: ١٧-١٨]

﴿الَّذِيْنَ يَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلُهٗٓ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُوْمِنُوْنَ بِهٖٓ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ  
 لِّلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَّعِلْمًا فَاغْفِرْ لِّلَّذِيْنَ تَابُوْا وَاَتَّبَعُوْا سَبِيْلَكَ وَقِهِمْ  
 عَذَابَ الْجَحِيْمِ﴾ [٧] رَبَّنَا وَاَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ اٰبَائِهِمْ  
 وَاَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ﴾ [٨] وَقِهِمُ السَّيِّئٰتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئٰتِ  
 يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهٗٓ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ﴾ [٩] [غافر: ٧-٩]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ [فصلت: ۸]

﴿وَنَحْنُ بِالَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ [فصلت: ۱۸]

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا  
وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ  
وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿۳۱﴾ نَزَّلْنَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿۳۲﴾  
[فصلت: ۳۰-۳۲]

﴿...وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ  
رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ... ﴿[الشورى: ۲۲-۲۳]

﴿يَعْبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا  
مُسْلِمِينَ ﴿[الزخرف: ۶۸-۶۹]

﴿أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ  
وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۷۱﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ  
الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۷۲﴾ لَكُمْ فِيهَا فَلَكَهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۷۳﴾  
[الزخرف: ۷۰-۷۳]

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ  
الْمُبِينُ﴾ ﴿[الجنات: ۳۰]

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ أُولَئِكَ  
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿[الأحقاف: ۱۳-۱۴]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَعَآمَنُوا بِمَا نَزَّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ  
كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾ ﴿[محمد: ۲]

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ...﴾ ﴿[محمد: ۱۲]

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرُدَّادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ...﴾ [٤] لِيُدْخَلَ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ  
 سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾ [الفتح: ٤-٥]

﴿...وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ٢٩]  
 ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ نَمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ  
 وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحجرات: ١٥]  
 ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٥﴾ ءَاخِذِينَ مِمَّا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ  
 مُحْسِنِينَ ﴿١٦﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٨﴾ وَفِي  
 أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿١٩﴾﴾ [الذاريات: ١٥-١٩]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ  
 مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ ﴿١١﴾ وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفِكَهَةٍ وَحَمِيمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿١٢﴾  
 يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَعُوْفٍ فِيهَا وَلَا تَأْتِيْمٌ ﴿١٣﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ  
 مَّكَوْنُونَ ﴿١٤﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿١٦﴾  
 فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَدْنَا عَدَابَ السُّمُومِ ﴿١٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ  
 الرَّحِيمُ ﴿١٨﴾﴾ [الطور: ٢١-٢٨]

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾ [١١] الَّذِينَ  
 يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ  
 أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ  
 بِمَنِ اتَّقَى ﴿٣٢﴾﴾ [النجم: ٣١-٣٢]

﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٦١﴾ فَيَأْتِي ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَدِّبَانِ ﴿٦٧﴾ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿٦٨﴾  
 فَيَأْتِي ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَدِّبَانِ ﴿٦٩﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾ فَيَأْتِي ءَالَآءِ رَبِّكُمَا  
 تُكَدِّبَانِ ﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فِكْهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾ فَيَأْتِي ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَدِّبَانِ ﴿٥٣﴾ مُتَكَبِّرِينَ  
 عَلَى فُرْشٍ بَطَانِئُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٤﴾ فَيَأْتِي ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَدِّبَانِ ﴿٥٥﴾﴾

فِيهِنَّ قَصِرَتْ الظُّرُفُ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ كَأْتِهِنَّ الْيَأْقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَامَتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَى رُفُوفٍ خُضْرٍ وَعَبَقَرٍ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ آءِ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾ ﴿الرحمن: ٤٦-٧٧﴾

﴿وَالسَّلْبِقُونَ السَّلْبِقُونَ ﴿١٠﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾ عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ﴿١٦﴾ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ﴿١٨﴾ لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهِنَّ أَهْبَاتٌ ﴿٢٥﴾ إِلَّا قِيلاً سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٦﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مِمَّا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ ﴿٢٩﴾ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ ﴿٣٠﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ وَفُورٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً ﴿٣٥﴾ فَجَعَلْنَهُنَّ أَكْبَارًا ﴿٣٦﴾ عُرْبًا أَثَرَابًا ﴿٣٧﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾ وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾ ﴿الواقعة: ١٠-٤٠﴾

﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ ﴿الواقعة: ٨٨-٩١﴾

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾﴾ ﴿الحديد: ١٢﴾

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ...﴾ [الحديد: ١٩]

﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [الحديد: ٢١]

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [المجادلة: ٢٢]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [تؤمنون] ﴿بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [يغفر لكم ذنوبكم ويدخلكم جنات تجري من تحتها الأنهار ومسكن طيبة في جنات عدن ذلك الفوز العظيم] ﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الصف: ١٠-١٣]

﴿...وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التغابن: ٩]

﴿...الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ [رسولاً يتلوا عليكم آيات الله مبینة ليخرج الذين آمنوا وعملوا الصالحات من الظلمات إلى النور] ﴿وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ وَرِزْقًا﴾ [الطلاق: ١٠-١١]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [التحریم: ٨]

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَآؤُمُ أَقْرَعُوا كِتَابِيَةَ﴾ ﴿١٦﴾ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلْقٍ حِسَابِيَةَ ﴿١٧﴾ فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿١٨﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٩﴾ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٠﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٢١﴾ ﴿الحاقة: ١٩-٢٤﴾

﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾ ﴿٢٢﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿٢٤﴾ لِلسَّالِئِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿٢٥﴾ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٢٧﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿٢٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٢٩﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٣٠﴾ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٣١﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٣٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ ﴿٣٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٣٤﴾ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ﴿٣٥﴾ ﴿المعارج: ٢٢-٣٥﴾

﴿إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾ ﴿٣٦﴾ فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٣٧﴾ ﴿المدثر: ٣٩-٤٠﴾

﴿وَجُوهٌ يُّومِئِدٍ تَاوِصَةٌ﴾ ﴿٣٨﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٣٩﴾ ﴿القيامة: ٢٢-٢٣﴾

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا﴾ ﴿٤٠﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ

يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٤١﴾ ﴿الإنسان: ٥-٦﴾

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعُيُونٍ﴾ ﴿٤٢﴾ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٣﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٤﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٥﴾ ﴿المرسلات: ٤١-٤٤﴾

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾ ﴿٤٦﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٤٧﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٤٨﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٤٩﴾ لَا

يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا ﴿٥٠﴾ جَزَاءً مِّنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿٥١﴾ ﴿النبأ: ٣١-٣٦﴾

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ ﴿٥٢﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٥٣﴾ ﴿النازعات: ٤٠-٤١﴾

﴿وَجُوهٌ يُّومِئِدٍ مُّسْفِرَةٌ﴾ ﴿٥٤﴾ صَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿٥٥﴾ ﴿عبس: ٣٨-٣٩﴾

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ﴾ ﴿٥٦﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٥٧﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٥٨﴾

يُسْقَوْنَ مِنْ رَّحِيقٍ مُّخْتَوٍ ﴿٥٩﴾ خِتْمُهُ مِسْكَ ﴿٦٠﴾ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٦١﴾ وَمِزَاجُهُ

مِن تَسْنِيمٍ ﴿٦٢﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٦٣﴾ ﴿المطففين: ٢٢-٢٨﴾

﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ﴾ ﴿٦٤﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٦٥﴾ ﴿المطففين: ٣٤-٣٥﴾

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَيَمِينِهِ ﴿۷﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿۸﴾ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿۹﴾﴾ [الانشقاق: ۷-۹]

﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۱۵﴾﴾ [الانشقاق: ۲۵]  
 ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿۱۱﴾﴾ [البروج: ۱۱]

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ ﴿۱۶﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ ﴿۱۵﴾﴾ [الأعلى: ۱۴-۱۵]  
 ﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ﴿۸﴾ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿۹﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿۱۰﴾ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً ﴿۱۱﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿۱۲﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ ﴿۱۳﴾ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ﴿۱۴﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿۱۵﴾ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ﴿۱۶﴾﴾ [الغاشية: ۸-۱۶]

﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿۱۷﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿۱۸﴾﴾ [البلد: ۱۷-۱۸]

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿۹﴾﴾ [الشمس: ۹]  
 ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ﴿۵﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿۶﴾ فَسَنِيسِرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴿۷﴾﴾ [الليل: ۵-۷]  
 ﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۶﴾﴾ [التين: ۶]  
 ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿۷﴾ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ ﴿۸﴾﴾ [البينة: ۷-۸]

﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿۶﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿۷﴾﴾ [الفارعة: ۶-۷]  
 ﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿۳﴾﴾ [العصر: ۳]

### امتحان کردن درجهی صدق و ایمان مؤمنان و حقگرایان

﴿وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۵﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۱۵۶﴾﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷]  
 ﴿عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّنَ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿۱۵۷﴾﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷]



﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ  
الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ  
نَصَرَ اللَّهُ قَرِيبٌ﴾ [البقرة: ۲۱۴]

﴿...وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ  
الصُّدُورِ﴾ [آل عمران: ۱۵۴]

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ...﴾  
[آل عمران: ۱۷۹]

﴿لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ  
وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [آل  
عمران: ۱۸۶]

﴿وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنفال: ۱۷]

﴿هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا﴾ [الأحزاب: ۱۱]

﴿وَلَتُبْلَوُنَّكُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُؤْا أَخْبَارَكُمْ﴾ [محمد: ۳۱]



**توضیح موضوع:** ایمان تنها با زبان و شعار نیست، بلکه همراه با آزمایش و امتحان است، و فقط ادعا کافی نیست، باید عملکرد را دید و قضاوت کرد.  
سعدیا گر چه سخندان و نصیحت‌گویی ز عمل کار برآید به سخندانی نیست  
از این رو عامل اصلی ورود به بهشت تنها اظهار ایمان به خدا نیست و نباید اینطور  
پنداشت که عامل اصلی ورود به بهشت و کسب رضای خدا، تنها اظهار ایمان به  
خداست و به دنبال آن نباید ناراحتی و رنجی را متحمل شوند و بی‌آنکه تلاش و  
کوشش به خرج دهند، خداوند همه‌ی کارها را روبه‌راه خواهد کرد و دشمنان را نابود  
خواهد ساخت.

و این یکی از سنن الهی است که برای پیروزی و موفقیت و نائل شدن به مواهب  
بهشتی، باید به استقبال مشکلات بروند و فداکاری کنند. و این مشکلات آزمونی است  
که مؤمنان را پرورش می‌دهد و صاحبان ایمان راستین را از متظاهران به ایمان آشکار

می‌سازد. و رمز تکامل و ترقی انسان‌ها نیز همین است. افراد و ملت‌ها باید در کوره‌های سختِ حوادث قرار بگیرند و همچون فولاد آبدیده شوند، استعدادهای درونی آن‌ها شکوفا گردد و ایمانشان به خدا قوی‌تر شود، و افراد لایق و مقاوم و با ایمان از افراد نالایق و منافق شناخته شوند و صفوفشان از هم جدا گردد.

پس حوادث سختِ زندگی، آزمایش الهی است و مشکلاتی همچون حوادث تلخ مالی و جانی همه برای ساخته شدن انسان‌ها است.

هر بلایی را عطایی با وی است      هر کدورت را صفایی در پی است  
 زیر هر رنجی، گنجی معتبر      خار دیدی، چشم بگشا گل نگر  
 نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود      مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد  
 پس انتظار بهشت رفتن تنها به خاطر ایمان داشتن و بدون سختی کشیدن، انتظار نادرستی است. و همه‌ی ملت‌ها و امت‌ها و افراد باید از کوران آزمایش بگذرند. و هر گروه و جمیعتی از مؤمنان به نوعی در این سنت الهی شریک و سهیم‌اند و امتحانات و آزمایش‌های خداوند در چهره‌های گوناگون به سراغ آن‌ها می‌آید.

خاطر نشان می‌شود که خداوند برای اینکه عملکرد ما انسان‌های مؤمن را بداند، نیاز به آزمایش ندارد، و او خوب و بد، و کافر و مؤمن، و مشرک و موحد، و منافق و یک رنگ را می‌شناسد، بنابراین آزمایش الهی برای آن است که مردم کاری انجام دهند و براساس آن استحقاق پاداش یا کیفر را پیدا نمایند، همانگونه که ما شغل افراد را می‌دانیم ولی براساس دانستن شغل، به آنان مزد نمی‌دهیم، بلکه باید از آنان کاری انجام پذیرد تا استحقاق دریافت مزد را داشته باشند.

بنابراین خداوند، مؤمنان را در کوره‌های سخت امتحان می‌افکند و در فشار دشمنان بی‌رحم و جاهل و بی‌خبر و متعصب و لجوج قرار می‌دهد، و مشکلات و مصائب و چالش‌ها و دغدغه‌های گوناگونی را بر سر آن‌ها فرو می‌ریزد تا بدانند چه کسانی در ایمان و باورشان راست می‌گویند و چه کسانی دروغ می‌گویند، و چه کسانی مستحق بهشت و نعمت‌های خداوندی‌اند و چه کسانی لایق امکانات رفاهی و نعمت‌های بهشت نیستند.

## منافقان

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ ۸ ﴿يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَالدِّينَ ءَامَنُوا وَمَا يُخَدِّعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ ۹ ﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ ۱۰ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ ۱۱ ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ﴾ ۱۲ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ﴾ ۱۳ ﴿وَإِذَا لُقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ﴾ ۱۴ ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ ۱۵ ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ ۱۶ ﴿مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ وَّ دَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ﴾ ۱۷ ﴿صُمٌّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ ۱۸ ﴿أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْبِعَهُمْ فِي ءَاذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ ۱۹ ﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّا لِلَّهِ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ۲۰ ﴿

[البقرة: ۸-۲۰]

﴿وَإِذَا لُقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ ۲۱ ﴿[البقرة: ۷۶]

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾ ۲۲ ﴿وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ ۲۳ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ ۲۴ ﴿[البقرة: ۲۰۴-۲۰۶]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ ط  
 إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ ۲۵ ﴿[آل عمران: ۱۱۸]

﴿هَاتِنْتُمْ أَوْلَاءَ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا  
 عَامِنًا وَإِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَىٰكُمْ أَلْتَامِلَ مِنَ الْعَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ  
 بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ [آل عمران: ١١٩]

﴿إِن تَمَسَّسْتُمْ حَسَنَةً تَسَوْهُمْ وَإِن تُصَبِّكُم سَيِّئَةً يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا  
 لَا يَضُرَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢٠﴾ [آل عمران: ١٢٠]  
 ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ  
 أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّلَعِوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ  
 ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٢١﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتِ الْمُنَافِقِينَ  
 يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿١٢٢﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ  
 بِالْحِلْفِونَ بِاللَّهِ إِنَّ أَرْدْنَا إِلَّا إِحْسَنًا وَتَوْفِيقًا ﴿١٢٣﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ  
 فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿١٢٤﴾ [النساء: ٦٠-٦٣]

﴿وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لِيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ  
 مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿١٢٥﴾ وَلَئِن أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ  
 مَوَدَّةٌ يَلَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿١٢٦﴾ [النساء: ٧٢-٧٣]

﴿وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ  
 يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾ [النساء: ٨١]

﴿فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أُرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ  
 أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿٨٨﴾ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا  
 فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ  
 وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٨٩﴾ [النساء: ٨٨-٨٩]

﴿سَتَجِدُونَ ءَاخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ  
 أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْزِلُوا فَتَكُونُوا أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَإِن يَتَوَلَّوْا فَمَا يَكْفُرُوا أَوْلِيَاءَ  
 حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَٰئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿٩١﴾ [النساء: ٩١]

﴿بَشِّرِ الْمُتَنَفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ ﴿۱۳۸﴾ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿۱۳۹﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُتَنَفِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿۱۴۰﴾ الَّذِينَ يَرْتَبِصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿۱۴۱﴾ إِنَّ الْمُتَنَفِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۴۲﴾ مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿۱۴۳﴾ [النساء: ۱۳۸-۱۴۳]

﴿إِنَّ الْمُتَنَفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾ ﴿۱۴۵﴾ [النساء: ۱۴۵]

﴿فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَحْنُ فِي أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ ۚ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَدِيمِينَ﴾ ﴿۵۴﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَهْؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ﴾ ﴿۵۳﴾ [المائدة: ۵۲-۵۳]

﴿وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ﴾ ﴿۱۱﴾ وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْأَيْثِمِ وَالْعُدُونِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتُ ۗ لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲﴾ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنِ قَوْلِهِمُ الْأَيْثِمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتُ ۗ لَيْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ ﴿۱۳﴾ [المائدة: ۶۱-۶۳]

﴿إِذْ يَقُولُ الْمُتَنَفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ...﴾ ﴿[الأنفال: ۴۹]

﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشَّقَّةُ ۗ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوْ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ ﴿۴۹﴾ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ

الْكَذِبِينَ ﴿٤٣﴾ لَا يَسْتَعِذُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا يَسْتَعِذُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَرْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ أَفَعَدُّوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٤٦﴾ لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا وُضِعُوا خِلَالَكُمْ بِيُعُونَكُمْ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾ لَقَدْ ابْتَعُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلِ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَئِذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٤٩﴾ إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ فَسُؤُهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنِيَّةِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾ قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٥٤﴾ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ ﴿٥٦﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأًا أَوْ مَعْرَاجًا أَوْ مَدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضًا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾ [التوبة: ٤٢-٥٨]

﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزَؤُوا

إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَخَدَّرُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَحُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ  
وَعَائِيَتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعُفَ  
عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٦٦﴾ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ  
مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ  
إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٦٧﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنْفِقَاتُ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ  
خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَاللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٦٨﴾ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا  
أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا  
اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَاطَتْ أَعْمَلُهُمْ  
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٩﴾ [التوبة: ٦١-٦٩]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَهْدِ الْكُفَّارِ وَالْمُنْفِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وِبَسَّ  
الْمَصِيرِ﴾ ﴿٧٢﴾ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ  
بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَعْمُوا إِلَّا أَنْ أَعْنَلَهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكْ خَيْرًا  
لَّهُمْ وَإِنْ يَتُوبُوا يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ  
وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ  
الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا آتَيْنَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا  
فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا  
أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّمَهُ الْغَيْبِ ﴿٧٨﴾ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنْ  
الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ  
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ  
يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨٠﴾  
فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدَّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾  
فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى

طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَعِذْنُوا لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا  
 إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخُلَفَاءِ ﴿٨٣﴾ وَلَا تَصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ  
 مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَمَاتُوا وَهُمْ فَسِقُونَ ﴿٨٤﴾ وَلَا  
 تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ ۗ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ  
 كَافِرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةَ أَنْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَعِذْنَاكَ أُولُو  
 الطُّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٨٦﴾ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ  
 عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾ [التوبة: ٧٣-٨٧]

﴿وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ  
 سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾﴾ [التوبة: ٩٠]

﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَعِذُّونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ  
 وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾﴾ يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا  
 تَعْتَذِرُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهَ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ  
 تُرْدُونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْعَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾﴾ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ  
 لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِشِعْرِيضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۗ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ  
 جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾﴾ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضُوا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا  
 يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٩٦﴾﴾ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا  
 أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾﴾ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا  
 وَيَتَرَبَّصُ بِكُمْ الدَّوَابِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾﴾ [التوبة: ٩٣-٩٨]

﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنْفِقُونَ ۖ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَىٰ النَّفَاقِ لَا  
 تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرْدُونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾﴾ [التوبة: ١٠١]

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ  
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ ۗ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٠٧﴾﴾

[التوبة: ١٠٧]



﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ آيَاتُهَا هَذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٢٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿١٢٧﴾ أَوْ لَا يَرْوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ ﴿١٢٨﴾ وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرِيكُمْ مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٢٩﴾﴾ [التوبة: ١٢٤-١٢٧]

﴿أَلَا إِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينٌ يَسْتَعْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾﴾ [هود: ٥]

﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿١٨﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعَبِينَ ﴿١٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [النور: ٤٧-٥٠]

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن أُمِرْتُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُفْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾﴾ [النور: ٥٣]

﴿...قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُم لِوَإِذَا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ٤٣]

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿١١﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ﴿١٢﴾﴾ [العنكبوت: ١٠-١١]

﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٣﴾ وَإِذْ قَالَتْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَعِذُّنَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٤﴾ وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوَّهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُولُونَ الدَّابِرَّ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٦﴾ قُلْ لَن يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُمْ

مَنْ أَمُوتِ أَوْ أُلْقِمْ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٧﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ  
 إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾  
 قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا  
 قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشْحَهَّ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي  
 يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالنِّسَةِ حِدَادٍ أَشْحَهَّ عَلَى الْخَيْرِ  
 أَوْلَيْكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاحْبِطْ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾ يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ  
 لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ  
 وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾ [الأحزاب: ١٢-٢٠]

﴿لَيْنَ لَمْ يَنْتَهِ الْمُتْلِفُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَعُغْرِيَّتِكَ  
 بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢١﴾ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقْتَلُوا تَقْتِيلًا ﴿٢٢﴾﴾  
 [الأحزاب: ٦٠-٦١]

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا  
 قَالَ ءَأِنْفًا أَوْلَيْكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿٢٣﴾﴾ [محمد: ١٦]  
 ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ  
 ذِكْرُهُمْ ﴿٢٤﴾﴾ [محمد: ١٨]

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ  
 رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى  
 لَهُمْ ﴿٢٥﴾ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ﴿٢٦﴾ فَهَلْ  
 عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٧﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ  
 اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ﴿٢٨﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ  
 الَّذِينَ أَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ ﴿٣٠﴾  
 ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
 إِسْرَارَهُمْ ﴿٣١﴾ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرََهُمْ ﴿٣٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ  
 اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَاحْبِطْ أَعْمَلَهُمْ ﴿٣٣﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ

مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُجْرِحَ اللَّهُ أَضْغَنْهُمْ ﴿۱۶﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتُم بِسِيمَاهُمْ  
وَلَعَرَفْتَهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿۱۷﴾ [محمد: ۲۰-۳۰]

﴿وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ  
عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ السَّوْءِ وَعَصِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿۱۶﴾﴾  
[الفتح: ۶]

﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ  
ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ  
وَوَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿۱۳﴾ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكَيْتُمْ فَتَنْتُمْ  
أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ  
الْعُرُورُ ﴿۱۴﴾ فَالْيَوْمَ لَا يُؤَخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَىٰكُمْ النَّارُ هِيَ  
مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱۵﴾﴾ [الحديد: ۱۳-۱۵].

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ  
عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۴﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۵﴾  
اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿۱۶﴾ لَنْ تُعْنِي عَنْهُمْ  
أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۱۷﴾ يَوْمَ  
يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ءَلَا إِنَّهُمْ  
هُمُ الْكَذِبُونَ ﴿۱۸﴾ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ  
ءَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۱۹﴾﴾ [المجادلة: ۱۴-۱۹]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ  
أَخْرَجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ  
يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۱﴾ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ  
نَصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ ﴿۱۲﴾ لِأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهَبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ  
بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۱۳﴾﴾ [الحشر: ۱۱-۱۳]

﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُتَنَفِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُتَنَفِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٣﴾ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَهُمْ الْيَوْمَ بِآيَاتٍ فَكُونَ ﴿٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٥﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٦﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَاللَّهُ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُتَنَفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٧﴾ يَقُولُونَ لِنِ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُتَنَفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨﴾﴾ [المنافقون: ١-٨]

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ

الْمَصِيرُ ﴿٩﴾﴾ [التحریم: ٩]

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ...﴾ [المدثر: ٣١]

\*\*\*

توضیح موضوع: از نظر اسلام، نفاق بدترین نوع کفر، و منافقان دورترین مردم از خدا هستند، زیرا خطراتی که از ناحیه‌ی منافقان به جوامع اسلامی و انسانی می‌رسد با هیچ خطری قابل مقایسه نیست. آن‌ها با استفاده از مصونیتی که در پناه اظهار ایمان پیدا می‌کنند، ناجوانمردانه و آزادانه به افراد بی‌دفاع حمله‌ور شده و از پشت به آن‌ها خنجر می‌زنند. مسلماً حال چنین دشمنان ناجوانمرد و خطرناک که در قیافه‌ی دوست آشکار می‌شوند، از حال دشمنانی که با صراحت اعلان عداوت کرده و وضع خود را مشخص ساخته‌اند، به مراتب بدتر است.

به هر حال نفاق و دورویی عبارت است از اینکه شخص ظاهر و باطن، یا قول و عملش یکی نباشد، و آن بر دو نوع است: یکی اینکه شخص در عقایدش نفاق و اختلاف وجود داشته باشد، و این نوع شدیدترین و خطرناک‌ترین نوع نفاق است. دوم: نفاق و اختلاف در اقوال و اعمال است که این یکی از نظر گناه از نوع اول پایین‌تر است و انسان را از اسلام خارج نمی‌کند.

قرآن کریم درباره‌ی نفاق در عقیده، یعنی ظاهرسازی ایمان و مخفی داشتن کفر، زیاد بحث کرده است، و خداوند منافقان را وصف نموده است به اینکه در روی زمین فساد و تباهی ایجاد می‌کنند و شرارت‌ها و مصیبت‌ها به بار می‌آورند و بدترین و خطرناک‌ترین عنصری هستند برای ملت‌ها و جماعات، به این علت که آن‌ها برحسب ظاهر چنان وانمود می‌کنند که ملت‌ها را بر نقطه ضعف‌های دشمنانشان راهنمایی می‌کنند، اما در باطن، خواست آنان در وهله‌ی اول منافع شخصی خودشان می‌باشد.

نفاق و دورویی، موجب مرتکب شدن به اخلاق ذمیمه و نکوهیده می‌شود از قبیل: ریا، مکر، چاپلوسی، غدر و خیانت، دروغ، پستی و خواری و... همه‌ی این‌ها آفت‌هایی هستند که بر پیکر ملت یورش می‌آورند و آن را به صورت پیکری متروک، و موجودی خوار و بی‌خاصیت درمی‌آورند که در زندگی قادر به انجام رسالت خویش نباشد.

پاره‌ای از پدیده‌ها و علامت‌های ریاکارانه‌ی افراد منافق که به وسیله‌ی آن‌ها شناسایی می‌شوند - در پرتو آیات قرآن و احادیث نبوی - عبارتند از:

۱. با سستی و بی‌میلی و با حالت دیر کرد، نماز را انجام می‌دهند. و در واقع نماز ایشان ریاکارانه و بدون حقیقت است.
۲. خدا را کمتر یاد می‌کنند.
۳. در بین کفر و ایمان متردد می‌باشند.
۴. همدیگر را به کارهای زشت فرا می‌خوانند و از کارهای خوب نهی می‌کنند.
۵. از بخشش در راه خدا و خیر دست نگه می‌دارند.
۶. خدا را فراموش کرده اند.
۷. گمان می‌برند که به وسیله‌ی نفاق خویش، دارند خدا را فریب می‌دهند و حقیقت خود را از او پنهان می‌دارند.
۸. هیاهوی بسیار و ادعاهای بزرگ دارند و گفتارشان زیاد است و عملشان کم و ناهماهنگ می‌باشد.

۹. در هر محیطی رنگ آن محیط را می‌گیرند و با هر جمعیتی مطابق مذاق آنان حرف می‌زنند، و با مؤمنان «اَمَّنًا» می‌گویند، و با مخالفان «اَنَا مَعَكُمْ»
۱۰. حساب خود را از مردم جدا می‌کنند و به تشکیل انجمن‌های سرّی و مرموز با نقشه‌های حساب شده می‌پردازند.
۱۱. خدعه و نیرنگ، و فریب و دروغ، و تملّق و چاپلوسی، و پیمان شکنی و خیانت در تار و پودشان عجین شده است.
۱۲. آن‌ها افراد سرگردان و بی‌هدف، و فاقد برنامه و مسیر مشخص‌اند، نه جزء مؤمنان‌اند و نه در صف کافران، بلکه آن‌ها همچون جسم معلق و آویزان فاقد جهت حرکتند و این بادها هستند که آن‌ها را به هر سو حرکت می‌دهد و به هر سمت بوزد با خود می‌برد.
- خلاصه، دوگانگی شخصیت و تضادّ برون و درون که صفت بارز منافقان است، پدیده‌های گوناگونی در عمل و گفتار و پندار و رفتار فردی و اجتماعی آن‌ها دارد که به خوبی می‌توان آن را شناخت.
- و چون نفاق و منافق در هر جامعه‌ای وجود دارد، باید براساس معیارهای حساب شده‌ای که قرآن برای آن‌ها بدست می‌دهد، شناسایی شوند، تا نتوانند زیان و یا خطری برای جامعه‌ی اسلامی ایجاد کنند. و در آیات بی‌شمار قرآنی و همچنین سوره‌ی «منافقون» و احادیث نبوی، نشانه‌های مختلفی برای آن‌ها ذکر شده است که لازم است مسلمانان آن‌ها را مورد مطالعه و بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند، تا از شر این دشمنان ناجوانمرد و خطرناک رهایی یابند.
- این است نظر قرآن و اسلام درباره‌ی منافقان، و تردیدی نیست که موضعگیری اسلام در برابر آنان بسیار سخت می‌باشد، زیرا آنان به منزله‌ی میکروب‌های مضرّی هستند در پیکر ملتّ که آن را با بیماری‌های مختلف و متعدد مبتلا می‌سازند.
- و در واقع، یگانه راه علاج و چاره‌جویی نفاق و دورویی در سطح جامعه، این است که افراد منافق و دو چهره در جامعه‌ی اسلامی ترک و منزوی گردند و با آنان از هر نوع داد و ستد، و رابطه‌ی دوستی و اعتماد پرهیز شود و به طور کلی از اجابت و پذیرش خواسته‌ی آنان پیوسته خودداری به عمل آید، تا اینکه بدین وسیله اصلاح شوند و در رفتار و کردار خود تجدید نظر کنند، و در نتیجه به راه راست و مستقیم برگردند.

## مشرکان و چندگانه پرستان

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ

سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْجِحِجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ [البقرة: ٩٦]

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِزْقِهِمْ وَهَذَا

لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ

مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣١﴾ وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرْدُوهُمْ

وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾ وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ

وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءَ بِرِزْقِهِمْ وَأَنْعَمٌ حَرَمَتْ طُحُورُهَا وَأَنْعَمٌ لَا

يَذْكُرُونَ أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٨﴾ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ

هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِدُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ

سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٣٩﴾ فَذُ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤٠﴾ [الأنعام: ١٣٦-١٤٠]

﴿ثُمَّ لَمِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَنْ أَتَيْنَاهُ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنَ الْمُعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ أَعْلَمُ الَّذِينَ حَرَّمَ أَمْ الْأَنْبِيَاءِ أَمْ

أَسْتَمَلْتُ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْبِيَاءِ نَبِيٌّ بَعَلِمِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٤٢﴾ وَمِنَ الْأَيْلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ

الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ أَعْلَمُ الَّذِينَ حَرَّمَ أَمْ الْأَنْبِيَاءِ أَمْ أَسْتَمَلْتُ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْبِيَاءِ أَمْ كُنْتُمْ

شُهَدَاءَ إِذْ وَصَلَكُمُ اللَّهُ بِهِدًا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ

عِلْمٍ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٤﴾ [الأنعام: ١٤٣-١٤٤]

﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ

كَذَلِكَ كَذَبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ

لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٦﴾ [الأنعام: ١٤٨]

﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾ [الأنفال: ٣٥]

﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ ١ فسيحوا في الأرض  
 أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ٢ وَأَذَانٌ مِنَ  
 اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ  
 تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ  
 كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ  
 يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ٤ فَإِذَا  
 أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ  
 وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ  
 غَفُورٌ رَحِيمٌ ٥ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَةَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ  
 مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ٦ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ  
 رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقْتُمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ  
 اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ٧ كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً  
 يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ٨ اسْتَرَوْا بِتَائِبَاتِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا  
 فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٩ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً  
 وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ١٠ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ  
 وَنَفَصِلُ الْأَيْتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ١١ وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي  
 دِينِكُمْ فَقَتَلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ١٢ أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا  
 نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ  
 تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ١٣ قَتَلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ  
 عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ ١٤ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ  
 وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٥ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ  
 يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ١٦ مَا  
 كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ



أَعْمَلُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧١﴾ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَجْشِ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ  
الْمُهْتَدِينَ ﴿١٧٢﴾ [التوبة: ١-١٨]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ  
هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ  
حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾﴾ [التوبة: ٢٨]

﴿وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَآفَّةً وَءَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾  
[التوبة: ٣٦]

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ  
مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١٣﴾﴾ [التوبة: ١١٣]

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُنَا عِنْدَ  
اللَّهِ فَلْ أَتْبِعُنَّ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا  
يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾﴾ [يونس: ١٨]

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَزَيَّلْنَا  
بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ﴿٢٨﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ  
كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفِيلِينَ ﴿٢٩﴾﴾ [يونس: ٢٨-٢٩]

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا ءَابَاؤُنَا وَلَا  
حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلٰغُ  
الْمُبِينُ ﴿٣٥﴾﴾ [النحل: ٣٥]

﴿وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَسَعَلَنَّا عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ ﴿٦١﴾  
وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحٰنَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿٧٧﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ  
وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٨٨﴾ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ  
أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾﴾ [النحل: ٥٦-٥٩]

﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ﴾ [النحل: ٦٢]

﴿أَفَأَصْفِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينِ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْتِنًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا﴾ [الإسراء: ٤٠]

﴿وَاتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ عَالِهَةً لَّيَكُونُوا لَهُمُ عِزًّا ﴿٨١﴾ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْرَهُمْ أَرَأَيْتُمْ ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعَجَّلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا ﴿٨٤﴾﴾ [مريم: ٨١-٨٤]

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾ أَن دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾﴾ [مريم: ٨٨-٩٥]

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾﴾ [سبا: ٤٣-٤٥]

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ آيَاتُنَا لَنَرِكُنَّ آيَاتِنَا لِشَاعِرٍ مُّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُحْزِنُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾﴾ [الصفات: ٣٥-٣٩]

﴿فَأَسْتَفْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنْتِنَا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إَفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾ فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾﴾ [الصفات: ١٤٩-١٥٩]

﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا سِحْرٌ كَذٰبٌ ﴿۷﴾ أَجْعَلِ الْاٰلِهَةَ  
 اِلٰهًا وَحِدًا اِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ ﴿۸﴾ وَانْطَلَقَ الْمَلَا مِنْهُمْ اَنْ اَمْشُوا وَاَصْبِرُوا عَلٰى  
 اِلٰهَتِكُمْ اِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿۹﴾ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْاٰخِرَةِ اِنْ هَذَا اِلَّا اٰخْتِلَافٌ ﴿۱۰﴾  
 اَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِيْ بَلْ لَمَّا يَدُوْفُوْا عَذَابِ ﴿۱۱﴾ اَمْ  
 عِنْدَهُمْ خَزَايِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيْزِ الْوَهَّابِ ﴿۱۲﴾ اَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَاَلْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا  
 فَلْيَنْزِقُوْا فِي الْاَسْبَابِ ﴿۱۳﴾ جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُوْمٌ مِّنَ الْاَحْزَابِ ﴿۱۴﴾﴾ [ص: ۴-۱۱]

﴿وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا فِيْ اَكْتٰتٍ مِّمَّا تَدْعُوْنَ اِلَيْهِ وَفِيْءَاذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ  
 فَاَعْمَلْ اِنَّا عٰمِلُوْنَ ﴿۱۵﴾ قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحٰى اِلَيَّ اَنْمَآ اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ  
 فَاسْتَقِيْمُوْا اِلَيْهِ وَاَسْتَغْفِرُوْهُ وَاُوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِيْنَ ﴿۱۶﴾ الَّذِيْنَ لَا يُؤْتُوْنَ الزَّكٰوَةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ  
 كٰفِرُوْنَ ﴿۱۷﴾﴾ [فصلت: ۵-۷]

﴿وَجَعَلُوْا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُوْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۱۸﴾ اَمْ اَتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ  
 وَاَصْفٰكُمْ بِالْبَنِيْنَ ﴿۱۹﴾ وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ  
 كٰظِيْمٌ ﴿۲۰﴾ اَوْ مَنْ يُّنْشِئُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِيْنٍ ﴿۲۱﴾ وَجَعَلُوْا الْمَلٰٓئِكَةَ الَّذِيْنَ  
 هُمْ عِبَدُ الرَّحْمٰنِ اِنْتًا اَشْهَدُوْا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهٰدَتُهُمْ وَيُسْئَلُوْنَ ﴿۲۲﴾ وَقَالُوْا لَوْ شَاءَ  
 الرَّحْمٰنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ اِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُوْنَ ﴿۲۳﴾ اَمْ اَتَيْنَاهُمْ كِتٰبًا  
 مِّنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُوْنَ ﴿۲۴﴾ بَلْ قَالُوْا اِنَّا وَجَدْنَا اٰبَآءَنَا عَلٰى اُمَّةٍ وَاِنَّا عَلٰى اٰثَرِهِمْ  
 مُهْتَدُوْنَ ﴿۲۵﴾﴾ [الزخرف: ۱۵-۲۲]

﴿اَمْ لَهُ الْبَنٰتُ وَاَلْكُمُ الْبَنُوْنَ ﴿۲۶﴾﴾ [الطور: ۳۹]  
 ﴿اَفَرَأَيْتُمْ اَلَّذٰتِ وَالْعُرٰى ﴿۲۷﴾ وَمَنْوَةَ الثَّالِثَةِ الْاُخْرٰى ﴿۲۸﴾ اَلْكُمُ الذِّكْرُ وَلَهُ الْاُنثٰى ﴿۲۹﴾  
 تِلْكَ اِذَا قِسْمَةٌ ضِيزٰى ﴿۳۰﴾﴾ [النجم: ۱۹-۲۲]

﴿اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ لَيُسَمُّوْنَ الْمَلٰٓئِكَةَ تَسْمِيَةً الْاُنثٰى ﴿۳۱﴾ وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ  
 عِلْمٍ اِنْ يَتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِيْ مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ﴿۳۲﴾﴾ [النجم: ۲۷-۲۸]

﴿وَقَالُوا لَا تَدْرُنَّ ءَالِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا﴾<sup>(۲۳)</sup>  
 وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿۲۴﴾ مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا  
 فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿۲۵﴾ [نوح: ۲۳-۲۵]



**توضیح موضوع:** «شرك» این ماده از سه حرف «ش - ر - ک» تشکیل شده و به معنای: شریک دانستن و سهم داشتن در کاری می‌باشد، و مشتقات آن ۱۶۸ مرتبه در ۴۴ سوره و ۱۴۳ آیه از قرآن آمده است. «شرك» آن است که عبادت و پرستش خدا همراه با عبادت و پرستش غیر خدا انجام گیرد، فرق نمی‌کند غیری که پرستش می‌شود بت، درخت، حیوان، قبر و گور افراد صالح و یا حتی موجودات آسمانی مانند: فرشته‌ها و ستاره‌ها و یا هر مظهر و نیرویی از نیروهای طبیعت باشد، و یا اینکه انسانی به عنوان خدا، مورد پرستش قرار گیرد و یا پنداشته شود که خداوند دارای اولاد پسر یا دختر، و یا زن و همسر است.

قرآن کریم تمام اشکال و انواع شرک را باطل نموده و می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ﴾ [النساء: ۱۱۶]

«بی‌گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را از کسی نمی‌آمرزد...»

چون شرک، زاده‌ی جهل و اوهام و نادانی و بی‌خردی است، لذا پیامدهای ناگواری برای جامعه‌ی بشری به همراه دارد طوری که هیچ عقیده‌ی دیگری چنین پیامدهایی را ندارد. شرک چون مخالف با عقل و منطق است، انسان را به قبول هر گونه اوهام و خرافات و اراجیف و اکاذیب و افسانه‌ها و اسطوره‌هایی که جامعه‌ی انسانی را به نابودی تهدید می‌کنند و آن را تضعیف می‌نمایند و مانع ترقی و پیشرفت آن می‌شوند، وامی‌دارد.

اسلام به منظور نجات انسان از هر ذلتی در برابر هر موجودی به جز ذات «الله» به مبارزه با شریک و انباز قرار دادن برای خدا برخاسته است و هدف بزرگتری را برای انسان در نظر گرفته است و می‌خواهد که عبادت و پرستش و طاعت و خشوع انسان تنها برای کسی باشد که دائمی است و تغییر و دگرگونی در او راه ندارد، چرا که پرستش و عبادت برای اشیا فانی و متغیّر، باعث تغییر نحوه‌ی عبادت و پرستش و خشوع و کرنش می‌گردد و در نتیجه اضطراب و ناهماهنگی را در درون انسان به وجود می‌آورد که باعث سرگشتگی و ضعف تصمیم و انگیزه‌ها می‌گردد.

بنابراین مبارزه‌ی اسلام با شرک و چندگانه‌پرستی به خاطر این است که انسان را از مرحله‌ی پست پرستش موجودات فانی، ضعیف، ناتوان و متغیّر، به مرتبه‌ی والای پرستش ذاتی که دائمی و ابدی و لایتغیّر است برساند، چون ذاتی که همیشه بوده و هست و تغییرناپذیر است، حتماً باید در اوج کمال و جلال باشد، و از طرفی تنها کسی که در اوج کمال دائمی باشد، شایستگی آن را دارد که انسان در برابرش خشوع و خضوع نشان دهد و چون جز ذات پروردگار کسی دارای کمال مطلق نیست، انسان توجه خود را از او نمی‌گیرد و به عبادت و پرستش خود در یک جهت مشخص، ادامه می‌دهد، و ثابت و پابرجا و محکم و استوار باقی می‌ماند و اضطراب و ضعف بر قلب او چیره نخواهد شد.

و در حقیقت هیچ دین و آیینی را نمی‌یابیم که به مانند آیین اسلام، صفات کمال و توحید و یگانگی را به طور شایسته بر خدا اطلاق نموده باشد، و برآستی که پایه و اساس جامعه‌ی اسلامی بر ایمان و عقیده‌ی صحیح استوار است و یکتاپرستی، خلاصه و چکیده‌ی این عقیده و جوهر و روح اصلی اسلام است و حفظ و حراست از این عقیده‌ی توحیدی خالص، اولین هدفی است که اسلام برای تحقق آن سعی وافر نموده است و در تمام دستورات و قوانین و راهنمایی‌های خود آن را مد نظر قرار داده است. از طرف دیگر، مبارزه با عقاید باطل جاهلیّت که بت‌پرستی و شرک عامل اشاعه‌ی آن‌ها بوده است، امری است واجب و ضروری، و بر هر مسلمانی لازم است تا علیه عقایدی که خلاف دستور قرآن است، قیام و مبارزه نماید تا جامعه‌ی اسلامی از شائبه‌ی شرک و بت‌پرستی و گمراهی‌های باقی مانده پاک شود، و به همین خاطر است که اسلام، توحید را نخستین رکن از ارکان اسلام دانسته، همانطوری که شریک قرار دادن برای خدا را مهم‌ترین گناهان نابخشودنی دانسته است؛ چرا که در طول تاریخ بشریت ثابت شده است که شریک قائل شدن برای خدا، سرچشمه‌ی بدی‌ها، و اساس بدبختی‌های جامعه‌ی انسانی بوده است به گونه‌ای که در گذشته عقل و اندیشه‌ی مردم را اسیر خرافات و سخنان بیهوده گردانیده بود و از هر لحاظ مانع ترقی و پیشرفت آنان شده و نزاع و دشمنی و جنگ و خونریزی را برایشان بار آورده بود؛ و این وضع موجب رشد طبقاتی و باعث خودبرتر نمودن عده‌ای از مردان نامدار دین شده بود و در نتیجه، ملت را در راه افزایش دارایی خود و ایجاد زندگی مرفّه به حساب آنان به استثمار خود درآورده بودند.

و اسلام هر گونه شرک و چندگانه‌پرستی و پرستش و عبادت درخت، بت، حیوان، قبر، گور صالحان و نیکان، فرشته‌ها، ستاره‌ها، انسان‌ها، شخصیت‌ها، اجسام و اوئان، هوا و هوس، مرده‌پرستی، خورشید، ماه و... را نفی کرد و برخلاف سایر ادیان، پدر بودن، و پسر داشتن را از خدا نفی نمود.

و این سخن که خداوند فرزندی دارد، بدون شک زائیده‌ی افکار ناتوان انسان‌هایی است که خدا را در همه چیز با وجود محدود خودشان مقایسه می‌کردند. انسان به دلایل مختلفی نیاز به وجود فرزند دارد: از یکسو عمرش کوتاه و محدود است و برای ادامه‌ی نسل، تولد و فرزند لازم است. از سوی دیگر، قدرت او محدود است، مخصوصاً به هنگام پیری و ناتوانی نیاز به معاونی دارد که به او در کارهایش کمک کند. از سوی سوم، جنبه‌های عاطفی و روحیه‌ی انس‌طلبی، ایجاب می‌کند که انسان، مونس‌ی در محیط زندگی خود داشته باشد که آن هم به وسیله‌ی فرزندان تأمین می‌گردد.

بدیهی است هیچ یک از این امور در مورد خداوندی که آفریننده‌ی عالم هستی و قادر بر همه چیز و ازلی و ابدی است، مفهومی ندارد. به علاوه داشتن فرزند لازمه‌اش جسم بودن انسان است که خدا از آن نیز منزّه می‌باشد. علاوه از این، اگر در آسمان‌ها و زمین غیر از ذات «الله»، معبودها و خدایانی می‌بودند و امور جهان را می‌چرخاندند، قطعاً آسمان‌ها و زمین تباه می‌گردید و نظام گیتی به هم می‌خورد، چرا که بودن دو شاه در کشوری، و دو رئیس در اداره‌ای، نظم و ترتیب را به هم می‌زند؛ لذا خداوند عَلَّمَ صاحب سلطنت جهان، بسی برتر از آن چیزهایی است که مشرکان بدو نسبت می‌دهند و بر زبان می‌آورند.

بنابراین شریک قائل شدن برای خدا، توهم باطلی است که هیچ عقل و منطقی آن را نمی‌پذیرد، و یک تصور بی‌جایی است که اسلام به شدت آن را رد نموده و جزء گناهان کبیره و نابخشودنی قرار داده است.

**کفر؛ صفات و ویژگی‌های کافران، و تهدید و هشدارهایی که برای آن‌ها آمده است**

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ

عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشْوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ [البقرة: ۶-۷]

﴿صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ [البقرة: ۱۸]

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ؕ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفٰلسِقِينَ ﴿٣٦﴾﴾ [البقرة: ٢٦]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ؕ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿٣٦﴾﴾ [البقرة: ٣٩]

﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَٰفِرِينَ ﴿٩٨﴾﴾ [البقرة: ٩٨]

﴿يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠١﴾ مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ ؕ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ؕ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾﴾ [البقرة: ١٠٤-١٠٥]

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ ؕ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ؕ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ ؕ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿١٢١﴾﴾ [البقرة: ١٢١]

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرٰهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنْ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٢٦﴾﴾ [البقرة: ١٢٦]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفٰرًا ؕ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٣١﴾ خٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٣٢﴾﴾ [البقرة: ١٦١-١٦٢]

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاً وَنِدَاً ؕ صُمُّ بَصْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾﴾ [البقرة: ١٧١]

﴿زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ وَاللَّهُ يَرِزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾﴾ [البقرة: ٢١٢]

﴿...وَالَّذِينَ كَفَرُوا ؕ أُولَٰئِكَ هُمُ الظَّٰلِمُونَ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمٰتِ ؕ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿٢٥٧﴾﴾ [البقرة: ٢٥٧]

﴿مِن قَبْلِ هُدَىٰ لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ [آل عمران: ٤]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُعْطِيَهُمْ أَموالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ﴾ كَذَابِ ءَالِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١١﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتُّعَلْبُونَ وَتَحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾ [آل عمران: ١٠-١٢]

﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَمُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [آل عمران: ١٩]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٣﴾ [آل عمران: ٢١-٢٢]

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ٣٢]

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ [آل عمران: ٥٦]

﴿كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَنْ نُقَبِّلَ تَوْبَتَهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقَبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ أَفْتَدَىٰ بِهِ ؕ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾ [آل عمران: ٨٦-٩١]



﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَمَرَّقُوا وَآخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰۵﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ

بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۱۰۶﴾﴾ [آل عمران: ۱۰۵-۱۰۶]

﴿لَنْ يَصْرُوكُمْ إِلَّا آذَىٰ وَإِنْ يَقْتُلُوكُمْ يُؤَلُّوْكُمْ أَلَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ ﴿۱۰۷﴾ ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ أَيْنَ مَا تُفُوقُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِعَصَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۱۰۸﴾﴾ [آل عمران: ۱۱۱-۱۱۲]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۱۰۹﴾﴾ [آل عمران: ۱۱۶]

﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۱۰﴾﴾ [آل عمران: ۱۱۵]

﴿وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يَسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَصْرُوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۱۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَصْرُوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۱۲﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُضِلُّ لَهُمْ خَيْرٌ لَأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُضِلُّ لَهُمْ لِيَزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿۱۱۳﴾﴾ [آل عمران: ۱۷۶-۱۷۸]

﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۱۱۴﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿۱۱۵﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۶﴾﴾ [آل عمران: ۱۸۱-۱۸۳]

﴿لَا يَغْرَبْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَدِ ﴿۱۱۷﴾ مَتَلَعُ قَلِيلٌ لَكُمْ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿۱۱۸﴾﴾ [آل عمران: ۱۹۶-۱۹۷]

﴿...إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿۱۱۹﴾﴾ [النساء: ۳۶]

﴿...وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ [النساء: ٣٧]

﴿يَوْمَئِذٍ يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ

حَدِيثًا﴾ [النساء: ٤٢]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا تَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ

جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ٥٦]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّلَعِ فَقَتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ

الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ٧٦]

﴿...إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ [النساء: ١٠٢]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَزَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ

اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا﴾ [النساء: ١٣٧]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ

نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ١٥٠]

﴿الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ [النساء: ١٥١-١٥٠]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ١٦٧]

﴿كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا﴾ [النساء: ١٦٨]

﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ [النساء: ١٦٧-١٦٩]

﴿...وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ

اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [النساء: ١٧٣]

﴿...وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾

[المائدة: ٥]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [المائدة: ١٠]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ

عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [المائدة: ٣٦]

﴿هُم بِخُرْجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾ [المائدة: ٣٦-٣٧]

﴿يَأْتِيهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَقْوَاهِمُمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمَنْ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوْتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾﴾ [المائدة: ٤١]

﴿...وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ٤٤]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوعًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾﴾ [المائدة: ٥٧-٥٨]

﴿...إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ [المائدة: ٤٦]

﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿٨٠﴾﴾ [المائدة: ٧٨-٨٠]

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١﴾﴾ [الأنعام: ١]

﴿وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾﴾ [الأنعام: ٤]

﴿وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قُرْطَابٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَفُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ﴿٨﴾﴾ [الأنعام: ٧-٨]

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آدَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ

هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْتَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾ بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُحْضُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٠﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَعْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٣١﴾

[الأنعام: ٢٥-٣١]

﴿إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ ﴿٣٦﴾ [الأنعام: ٣٦]

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَاءِ اللَّهُ يُضِلِّهِ وَمَنْ يَشَاءِ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ ﴿٣٩﴾ [الأنعام: ٣٩]

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ ﴿٤٩﴾ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنَّا تَتَّبِعُونَ ﴿٥٠﴾ [الأنعام: ٤٩-٥٠]

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾ ﴿١٠٤﴾ [الأنعام: ١٠٤]

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّارِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ ﴿١٢٢﴾ [الأنعام: ١٢٢]

﴿وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ ﴿١٢٦﴾ يَمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٣٠﴾ [الأنعام: ١٢٩-١٣٠]

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿٣١﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَتَالَفُتُ بِهِمْ نَصِيبُهُمْ مِّن

الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَقَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾ [الأعراف: ٣٦-٣٧]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾ لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤٢﴾﴾ [الأعراف: ٤٠-٤١]

﴿وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٥﴾﴾ [الأعراف: ٤٤-٤٥]

﴿وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾﴾ [الأعراف: ٥٠]

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَصَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ ﴿٧٩﴾﴾ [الأعراف: ٧٩]

﴿إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أْتِي مَعَكُمْ فَتَيِّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَالِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿١٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾ ذَلِكَمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾﴾ [الأنفال: ١٢-١٤]

﴿ذَلِكَمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾﴾ [الأنفال: ١٨]

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾﴾ [الأنفال: ٢٢]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٣﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُمْ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٤﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنتُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾﴾ [الأنفال: ٣٦-٣٨]

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبُرَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾ كَذَّابٍ عَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥٢﴾﴾ [الأنفال: ٥٠-٥٢]

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٥﴾ الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْفُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾﴾ [الأنفال: ٥٥-٥٦]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾﴾ [الأنفال: ٧٣]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُم جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٧٤﴾ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ أُوَّابُوا لِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِن فَضْلِهِ فَإِن يَتُوبُوا يَك خَيْرًا لَهُمْ وَإِن يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُم فِي الْأَرْضِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٦﴾﴾ [التوبة: ٧٣-٧٤]

﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسَجْرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٠﴾﴾ [يونس: ٢٠]

﴿إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوهُمُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٤٠﴾﴾ [يونس: ٤٠]

﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرَهُم مُّسْتَضَلِّينَ ذَلَّةً مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنَّ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾﴾ [يونس: ٢٧]

﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾ وَمِنْهُمْ مَّن يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ ﴿٤٣﴾﴾ [يونس: ٤٢-٤٣]

﴿ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْرُونَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾﴾

[یونس: ۵۲]

﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا

الْعَذَابَ ۗ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٣﴾﴾ [یونس: ۵۴]

﴿مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۗ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۗ أَفَلَا

تَذَكَّرُونَ ﴿٥٤﴾﴾ [هود: ۲۴]

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٦﴾ خَلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ

السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٧﴾﴾ [هود: ۱۰۶-۱۰۷]

﴿لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْخَيْرُ ۗ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ ۗ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ

جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ

الْمِهَادِ ﴿١٨﴾ ۗ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو

الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾﴾ [الرعد: ۱۸-۱۹]

﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةٌ بِهِ الْمَوْتَىٰ ۗ بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ

جَمِيعًا ۗ أَلَمْ يَأْتِ الْبَشَرِ الْأَذَىٰ ۗ أَمْ يَأْتِ الْبَشَرِ الْأَذَىٰ ۗ أَلَمْ يَأْتِ الْبَشَرِ الْأَذَىٰ ۗ أَلَمْ يَأْتِ الْبَشَرِ الْأَذَىٰ ۗ

كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ

لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٣١﴾﴾ [الرعد: ۳۱]

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ ۗ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ

عُقْبَىٰ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَىٰ الْكٰفِرِينَ النَّارُ ﴿٣٥﴾﴾ [الرعد: ۳۵]

﴿وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا ۗ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ ۗ وَسَيَعْلَمُ

الْكٰفِرُ لِمَنْ عُقْبَىٰ الدَّارِ ﴿٤٢﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۗ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾﴾ [الرعد: ۴۲-۴۳]

﴿اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢١﴾

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا

أُولَٰئِكَ فِي ضَلٰلٍ بَعِيدٍ ﴿٢٢﴾﴾ [إبراهيم: ۲-۳]

﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ ﴿٢٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصَلَوْنَهَا وَيَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾ [إبراهيم: ٢٧-٣٠]

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾ ﴿٤٢﴾ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْعَدْتُهُمْ هَوَاءً ﴿٤٣﴾ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُنِجِبُ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ ۗ أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ ﴿٤٤﴾ وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ ﴿٤٥﴾ [إبراهيم: ٤٢-٤٥]

﴿رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ ﴿٢﴾ ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُهُمُ الْأَمْلَ ۗ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ [الحجر: ٢-٣]

﴿كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ﴾ ﴿٩٠﴾ الَّذِينَ جَعَلُوا الْفُرْعَانَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَسَعَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ [الحجر: ٩٠-٩٣]

﴿ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشْتَقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ تَتَوَفَّوهُمْ الْمَلَكُ كَظَالِمِي أَنفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾ [النحل: ٢٧-٢٩]

﴿يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ﴾ ﴿٨٣﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ۗ ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٨٤﴾ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٥﴾ [النحل: ٨٣-٨٥]

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ﴾ ﴿٨٨﴾ [النحل: ٨٨]



﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿١٠٤﴾ إِنَّمَا يَفْتَرِي  
الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَذِبُونَ ﴿١٠٥﴾ مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ  
بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَٰكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا  
فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى  
الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿١٠٧﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ  
وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٠٨﴾ لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ  
الْخٰسِرُونَ ﴿١٠٩﴾ [النحل: ١٠٤-١٠٩]

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقًا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ  
فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ ﴿١١٣﴾  
جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١١٤﴾ [النحل: ١١٢-١١٣]

﴿وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ ﴿١١٥﴾ [الإسراء: ١٠]

﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا  
مَسْتُورًا﴾ ﴿١١٥﴾ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَادَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي  
الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ نُفُورًا ﴿١١٦﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ  
إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿١١٧﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ  
ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿١١٨﴾ [الإسراء: ٤٥-٤٨]

﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾ ﴿١١٩﴾ [الإسراء: ٧٢]

﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيًَّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ  
سَعِيرًا﴾ ﴿١٢٠﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا وَرَفْتًا أَءَاتَانَا  
لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا﴾ ﴿١٢١﴾ [الإسراء: ٩٧-٩٨]

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ۗ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ [الكهف: ٢٩]

﴿وَمَن أَظْلَم مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِم أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَن يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا﴾ [الكهف: ٥٧]

﴿وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ۚ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ۚ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ ۗ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِّلْكَافِرِينَ نُزُلًا ۚ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۚ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ ۖ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ۚ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا﴾ [الكهف: ١٠٠-١٠٦]

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۚ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۚ وَأَنذَرُهُمْ يَوْمَ الْحُسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [مريم: ٣٧-٣٩]

﴿ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًا ۖ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ۚ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنَا وَرِعْيَا ۖ قُلْ مَن كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَن هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا﴾ [مريم: ٧٢-٧٥]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوْرُهُمْ أَرْأَ ۚ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا ۚ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًا ۚ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًّا ۚ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَن اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ [مريم: ٨٣-٨٧]

﴿إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ﴾ [طه: ۷۴]  
 ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ﴾ [طه: ۷۵] قَالَ  
 رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿۱۲۵﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ  
 الْيَوْمَ تُنسى ﴿۱۲۶﴾ وَكَذَلِكَ نُجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ  
 وَأَبْغَىٰ ﴿۱۲۷﴾ [طه: ۱۲۴-۱۲۷]

﴿قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ﴾ [۴۵] وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ  
 نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۴۶﴾ [الأنبياء: ۴۵-۴۶]  
 ﴿وَأَقْرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَوَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي  
 غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ [۴۸] إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصْبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ  
 لَهَا وَارِدُونَ ﴿۴۸﴾ لَوْ كَانَ هَتُولَاءِ ءَالِهَةً مَا وَرَدُوهَا وَلَا فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۴۹﴾ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ  
 فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿۵۰﴾ [الأنبياء: ۹۷-۱۰۰]

﴿هَذَانِ حَصَّانٍ اٰخْتَصَمُوْا فِي رَبِّهٖمۡۙ فَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا قُطِعَتۡ لَهُمْ نِيَابٌ مِّنۡ نَّارٍ  
 يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿۱۹﴾ يُصْهَرُ بِهِۦ مَا فِيۡ بُطُوْنِهِمْۙ وَالْجُلُوْدُ ﴿۲۰﴾ وَلَهُمْ مَقْلِعٌ مِّنۡ  
 حَدِيْدٍ ﴿۲۱﴾ كُلَّمَا أَرَادُوْا أَنْ يَخْرُجُوْا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيْدُوْا فِيْهَا وَذُوقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ﴿۲۲﴾﴾  
 [الحج: ۱۹-۲۲]

﴿...إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُوْرٍ﴾ [الحج: ۳۸]  
 ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوْبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ ءَادَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا  
 لَا تَعْمَى الْأَبْصَرُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوْبُ الَّتِي فِي الصُّدُوْرِ﴾ [الحج: ۴۶]  
 ﴿وَالَّذِيْنَ سَعَوْا فِيۡ ءَايَاتِنَا مُعْجِزِيْنَ أُوْلَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيْمِ ﴿۵۱﴾﴾ [الحج: ۵۱]  
 ﴿لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطٰنُ فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ فِي قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةَ قُلُوْبُهُمْۙ وَإِنَّ  
 الظَّالِمِيْنَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيْدٍ﴾ [الحج: ۵۳]

﴿وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ  
 يَوْمٍ عَقِيْمٍ﴾ [الحج: ۵۵]

﴿وَالَّذِيْنَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا فَاُوْلَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [الحج: ۵۷]

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ تَصِيرٍ﴾ (٧١) وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْتُمْ كُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ ذَلِكُمْ النَّارُ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبَشِّرِ الْمَصِيرُ﴾ (الحج: ٧١-٧٢)

﴿فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ (٥٣) فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾ أَيْحَسِبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ ﴿٥٥﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾﴾ (المؤمنون: ٥٣-٥٦)

﴿بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمَرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَلٌ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَمَلُونَ﴾ (٣٦) حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْعَرُونَ ﴿٣٧﴾ لَا تَجْعَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تَنْصَرُونَ ﴿٣٨﴾ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِبُونَ ﴿٣٩﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَمِرًا تَهْجُرُونَ ﴿٤٠﴾ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٤١﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٤﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزِقِينَ ﴿٤٥﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيِّبُونَ ﴿٤٧﴾ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرِّ لَلْجُودِ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٤٨﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٥٠﴾﴾ (المؤمنون: ٤٣-٥٠)

﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (٥٧)

[النور: ٥٧]

﴿الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ سَرُّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (٣٤)

[الفرقان: ٣٤]

﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا﴾ ﴿٤٣﴾ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ  
يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ [الفرقان: ٤٣-٤٤]  
﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا﴾ ﴿٥٥﴾  
[الفرقان: ٥٥]

﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا  
ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ ﴿٢٢٧﴾ [الشعراء: ٢٢٧]  
﴿إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ ﴿٨٠﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي  
الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَّاتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ﴾ ﴿٨١﴾ [النمل: ٨٠-٨١]  
﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ  
أَلِيمٌ﴾ ﴿٢٣﴾ [العنكبوت: ٢٣]

﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيِّنًا وَبَيْنَكُمُ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا  
بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ ﴿٥٢﴾ [العنكبوت: ٥٢]  
﴿وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ  
مُخْضَرُونَ﴾ ﴿١٦﴾ [الروم: ١٦]

﴿بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ  
نَاصِرِينَ﴾ ﴿٢٩﴾ [الروم: ٢٩]

﴿مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسِهِمْ يَمْهُدُونَ﴾ ﴿٤٤﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ  
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ ﴿٤٥﴾ [الروم: ٤٤-٤٥]  
﴿فَاتَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ ﴿٥٢﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ  
الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَّاتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ﴾ ﴿٥٣﴾ [الروم: ٥٢-٥٣]  
﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ  
بِعَذَابِ الْيَوْمِ﴾ ﴿٧﴾ [القمان: ٧]

﴿وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزِنَكَ كُفْرُهُ إِنَّآ مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ  
بِدَاتِ الصُّدُورِ﴾ ﴿٢٣﴾ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ﴾ ﴿٢٤﴾ [القمان: ٢٣-٢٤]

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمْ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَنذِيقَنَّهِنَّ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْيِ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾﴾ [السجدة: ٢٠-٢١]

﴿لَيْسَ لَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٨﴾﴾ [الأحزاب: ٨]

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿١٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٦﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ﴿١٦﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا السَّبِيلَ ﴿١٧﴾ رَبَّنَا ءَاتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿١٨﴾﴾ [الأحزاب: ٦٤-٦٨]

﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِرِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزِ أَلِيمٍ ﴿٥﴾﴾ [سبا: ٥]

﴿وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِرِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾﴾ [سبا: ٣٨]

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾﴾ [فاطر: ٧]

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورٌ ﴿١٠﴾﴾ [فاطر: ١٠]

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ﴿٢٠﴾ وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ﴿٢٢﴾﴾ [فاطر: ١٩-٢٢]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ ﴿٣٦﴾ وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٣٧﴾﴾ [فاطر: ٣٦-٣٧]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾﴾ [فاطر: ٣٩]

﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ ﴿٦١﴾

[یس: ۹]

﴿وَأَمْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ﴾ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىءَ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ ﴿٦٠﴾ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ﴾ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ ﴿٦٣﴾ أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ ﴿٦٤﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ ﴿٦٥﴾ [یس: ۵۹-۶۵]

﴿أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ ﴿٦٦﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْجَحِيمِ﴾ ﴿٦٧﴾ وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ ﴿٦٨﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ﴾ ﴿٦٩﴾ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ﴾ ﴿٧٠﴾ [الصفات: ۲۲-۲۶]

﴿أَذَلَّكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الرَّقْمِ﴾ ﴿٦٦﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ﴾ ﴿٦٧﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ﴾ ﴿٦٨﴾ طَلْعَهَا كَأَنَّه رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ﴾ ﴿٦٩﴾ فَإِنَّهُمْ لَأَكَلُونَ مِنْهَا فَمَا لَيْسَ مِنْهَا الْبُطُونَ﴾ ﴿٧٠﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ﴾ ﴿٧١﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لِإِلَى الْجَحِيمِ﴾ ﴿٧٢﴾ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ﴾ ﴿٧٣﴾ فَهُمْ عَلَىٰ آثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ﴾ ﴿٧٤﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرَ الْأَوَّلِينَ﴾ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ﴾ ﴿٧٦﴾ فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ﴾ ﴿٧٧﴾ [الصفات: ۶۲-۷۳]

﴿هَذَا وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَعَابٍ﴾ ﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ ﴿٥٦﴾ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ﴾ ﴿٥٧﴾ وَعَاخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَرْوَجٌ﴾ ﴿٥٨﴾ [ص: ۵۵-۵۸]

﴿وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾ ﴿٤٧﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ﴾ ﴿٤٨﴾ [الزمر: ۴۷-۴۸]

﴿لَهُمْ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ ﴿٦٣﴾ [الزمر: ۶۳]

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾﴾ [الزمر: ٧١-٧٢]

﴿مَا يُجَدِّدُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرَكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْأَلْبَدِ ﴿٤﴾﴾ [غافر: ٤]

﴿وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٦﴾﴾ [غافر: ٦]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِن مَّقْتِكُمْ أَنفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١١﴾ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ ﴿١٢﴾ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُمْ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تَوَمَّنُوا ﴿١٣﴾﴾ [غافر: ١٠-١٢]

﴿وَأَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْأَرْزَاقِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظِيمِينَ ﴿١٨﴾﴾ [غافر: ١٨]

﴿وَأَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْأَرْزَاقِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظِيمِينَ ﴿١٨﴾﴾ [غافر: ١٨]

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾﴾ [غافر: ٥٢]

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا ﴿٥٨﴾﴾ [غافر: ٥٨]

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا ﴿٥٨﴾﴾ [غافر: ٥٨]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ﴿٦٩﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَمِمَّا أُرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ الْأَعْلَىٰ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلْسَلِ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَدْعُوا مِن قَبْلُ شَيْئًا كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾﴾ [غافر: ٦٩-٧٦]

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [افصلت: ١٩-٢٠]

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [افصلت: ١٩-٢٠]



﴿فَإِنْ يَصِيرُوا فَالنَّارُ مَثْوَىٰ لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتَبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾ وَقِيضْنَا لَهُمْ قُرْنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمْرٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْحَيْنِ وَالْأَيْنِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾﴾ [فصلت: ٢٤-٢٨]

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ...﴾ [الشورى: ٢١-٢٢]

﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ؕ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾﴾ [الشورى: ٢٦]

﴿وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ ؕ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلِ ﴿٤٤﴾ وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفِ حَفِيفٍ ؕ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؕ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾﴾ [الشورى: ٤٤-٤٦]

﴿أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٥٠﴾﴾ [الزخرف: ٤٠]

﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٥﴾ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَمَلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِينُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾﴾ [الزخرف: ٧٤-٧٨]

﴿بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾ فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ﴿١٠﴾ يَعْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ أُنزِلَتْ لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ﴿١٤﴾ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا  
إِن كُمْ عَابِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ﴿١٦﴾ [الدخان: ٩-١٦]

﴿إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقُومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلِيِّ الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾  
خُدُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ  
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [الدخان: ٤٣-٥٠]

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا  
مُجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ  
إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ﴿٣٢﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا  
بِهِ يَسْتَهْرِعُونَ ﴿٣٣﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِلُكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَنُكُمْ النَّارُ  
وَمَا لَكُمْ مِّن تَلْوِينٍ ﴿٣٤﴾ ذَالِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَعَرَّثْتُمْ الْحَيَاةَ  
الدُّنْيَا قَالِيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾﴾ [الجنات: ٣١-٣٥]

﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا  
وَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا قَالِيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ  
وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [الأحقاف: ٢٠]

﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا  
الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣١﴾ فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ  
لَهُمْ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَّغَ فَبَلَّغَ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ  
الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾﴾ [الأحقاف: ٣٤-٣٥]

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ أَصَلَّ أَعْمَلَهُمْ ﴿١﴾﴾ [محمد: ١]  
﴿ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ  
كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ ﴿٣﴾﴾ [محمد: ٣]

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ ﴿٩﴾﴾ [محمد: ٩]

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكٰفِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾ [۱۲-۱۱] [محمد: ۱۱-۱۲]

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعٰمُ وَالنَّارُ مَثْوٰى لَهُمْ﴾ [محمد: ۱۱-۱۲]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى لَن يَصُرُوا۟ لَآ إِلٰهَ سِوَا اللَّهِ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ بِأَعْمَالِهِمْ﴾ [محمد: ۳۲]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كٰفِرًاۗ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾ [محمد: ۳۴]

﴿وَمَن لَّمْ يُؤْمِنۢ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِۦ فَاِنَّا اَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ سَعِيرًا﴾ [الفتح: ۱۳]

﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كٰفٰرٍ عَنِيدٍ ﴿۱۲﴾ مَتَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مَّۤرِيبٍ ﴿۱۳﴾ الَّذِى جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلٰهًا ءٰخَرَ فَالْقِيَا فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿۱۴﴾﴾ [ق: ۲۴-۲۶]

﴿إِنكُم لَنۢى قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ﴿۸﴾ يُؤفكُ عَنْهُ مَنَ اِفكٍ ﴿۹﴾ قُتِلَ الْخَرَّصُونَ ﴿۱۰﴾ الَّذِينَ هُمۢ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ ﴿۱۱﴾ يَسْأَلُونَ اَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۱۲﴾ يَوْمَ هُمۢ عَلَى النَّارِ يُقْتَنُونَ ﴿۱۳﴾ ذُوْقُوا فِتْنَتِكُمۢ هٰذَا الَّذِى كُنْتُمۢ بِهِۦ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿۱۴﴾﴾ [الذاريات: ۸-۱۴]

﴿كَذٰلِكَ مَا اَتٰى الدِّينَ مِنۢ قَبْلِهِمۢ مِّن رَّسُوْلٍ اِلَّا قَالُوْا سَاحِرٌ وَّ اَوْجُنُوْدٌ ﴿۵۲﴾ اَتَوٰصَوْا۟ بِهِۦۗ بَلۡ هُمۢ قَوْمٌ طٰغُوْنَ ﴿۵۳﴾﴾ [الذاريات: ۵۲-۵۳]

﴿فَاِنَّ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ذُنُوْبًا مِّثْلَ ذُنُوْبِ اَصْحٰبِهِمۢ فَلَا يَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿۵۴﴾ فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنۢ يَّوْمِهِمۢ الَّذِى يُوعَدُوْنَ ﴿۵۵﴾﴾ [الذاريات: ۵۴-۵۵]

﴿فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا يَوْمَ يَمۡسُرُوْنَ اِلَى النَّارِ جَهَنَّمَ دَعَا ﴿۱۳﴾ هٰذِهِ النَّارُ الَّتِى كُنْتُمۢ بِهَا تُكٰذِبُوْنَ ﴿۱۴﴾ اَفَسِحْرٌ هٰذَا اَمْ اَنْتُمۢ لَا تَبْصُرُوْنَ ﴿۱۵﴾ اَصْلُوْهَا فَاَصْبِرُوْا۟ اَوْ لَا تَصْبِرُوْا۟ سَوَآءٌ عَلَيكُمۢ اِنۡمَآ تُجْرَوْنَ مَا كُنْتُمۢ تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۶﴾﴾ [الطور: ۱۱-۱۶]

﴿فَدَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوْا يَوْمَهُمۢ الَّذِى فِيهِ يُصْعَقُوْنَ ﴿۱۵﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِى عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمۢ يُنصَرُونَ ﴿۱۶﴾ وَاِنَّ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا عَذَابًا دُوْنَ ذٰلِكَ وَلٰكِنۡ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۷﴾﴾ [الطور: ۴۵-۴۷]

﴿يَعْلَمُونَ﴾ [الطور: ۴۷-۴۵]

﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ ﴿٤١﴾ خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٤٢﴾ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكٰفِرُونَ هٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٤٣﴾﴾ [القمر: ٤١-٤٣]

﴿أَكْفَارِكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلِيٰبِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ بِجَمِيعٍ مُنْتَصِرُونَ ﴿٤٥﴾ سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿٤٦﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٧﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٨﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٩﴾﴾ [القمر: ٤٣-٤٨]

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٥٠﴾﴾ [الرحمن: ٤١]

﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَدِّبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٥١﴾ فَنُزِّلْ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٥٢﴾ وَتَصْلِيَةً جَحِيمٍ ﴿٥٣﴾﴾ [الواقعة: ٩٢-٩٤]

﴿...وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٥٤﴾﴾ [الحديد: ١٩]

﴿كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٥﴾ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خٰلِدِينَ فِيهَا وَذٰلِكَ جَزَاؤُ الظَّٰلِمِينَ ﴿٥٦﴾﴾ [الحشر: ١٦-١٧]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خٰلِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾﴾ [التغابن: ١٠]

﴿يَأْتِيهَا النَّارُ جَهْدٍ الْكُفَّارِ وَالْمُتَلَفِّقِينَ وَأَغْلَطُ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٨﴾﴾ [التحریم: ٩]

﴿وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابٌ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٩﴾ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورٌ ﴿٦٠﴾ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْتِمِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٦١﴾﴾ [الملك: ٦-٨]

﴿أَمَّنْ هٰذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْ دُونِ الرَّحْمٰنِ إِنْ الْكٰفِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٦٢﴾ أَمَّنْ هٰذَا الَّذِي يَزْرُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَل لَّجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٦٣﴾ أَمَّنْ يَمْشِي مَكْبًا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٦٤﴾﴾ [الملك: ٢٠-٢٢]

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا أَعْلَمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ ﴿٢٧﴾﴾ [الملك: ٢٥-٢٧]

﴿خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهْقُهُمْ ذُلَّةٌ وَقَد كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ ﴿٣٢﴾ فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهِذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَعْرَمٍ مَثْقُلُونَ ﴿٤٦﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿٤٧﴾﴾ [القلم: ٢٣-٤٧]

﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾﴾ [القلم: ٥١]

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَلِيَّتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ ﴿٥٥﴾ وَلَمْ أَدرِ مَا حِسَابِيهِ ﴿٥٦﴾ يَلِيَّتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ ﴿٥٧﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَةَ ﴿٥٨﴾ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ ﴿٥٩﴾ خُدُوهُ فَعُلُوهُ ﴿٦٠﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلْوَهُ ﴿٦١﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٦٢﴾ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ ﴿٦٤﴾ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنَا حَمِيمٌ ﴿٦٥﴾ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٦٦﴾ لَا يَأْكُلُهُوَ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٦٧﴾﴾ [الحاقة: ٢٥-٣٧]

﴿فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ ﴿٦٢﴾ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ﴿٦٧﴾ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِثْلَهُمْ أَنْ يَدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿٦٨﴾ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ﴿٦٩﴾﴾ [المعارج: ٣٦-٣٩]

﴿فَذَرَهُمْ يَبْخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٤٢﴾ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصْبٍ يُوفُضُونَ ﴿٤٣﴾ خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهْقُهُمْ ذُلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾﴾ [المعارج: ٤٢-٤٤]

﴿وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾ وَالْوَالِدَاتُ يُرْجَوْنَ عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُنَّ مَاءً عَذَقًا ﴿١٦﴾ لَتَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾﴾ [الجن: ١٥-١٧]

﴿إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَإِنْ نَارُ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَأَقْلٌ عَدَدًا ﴿٢٤﴾﴾ [الجن: ٢٣-٢٤]

﴿وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾﴾ [المزمل: ١١-١٣]

﴿فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾ ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾ وَبَنِينَ شُهُودًا ﴿١٣﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾ ثُمَّ يَظْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عِينِدًا ﴿١٦﴾ سَأَرْهُقُهُ صُعُودًا ﴿١٧﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾ فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٤﴾ إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾ سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾﴾ [المدثر: ٨-٢٦]

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾﴾ [المدثر: ٣١]

﴿فِي جَنَّةٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَحْوُضُ مَعَ الْخَاطِبِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَعَةُ الشَّفِيعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾ كَانَتْهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ أَمْرٍ مِنْهُمْ أَنْ يُوْتَى صُحُفًا مُنْتَشِرَةً ﴿٥٢﴾ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾﴾ [المدثر: ٤٠-٥٣]

﴿وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿٤٦﴾ تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿٤٥﴾ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٤٣﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٤٧﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٤٨﴾ وَالتَّقَاتِ السَّاقِ بِالْسَّاقِ ﴿٤٩﴾ إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٥٠﴾ فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى ﴿٥١﴾ وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿٥٢﴾ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى ﴿٥٣﴾ أُولَى لَكَ فَأُولَى ﴿٥٤﴾ ثُمَّ أُولَى لَكَ فَأُولَى ﴿٥٥﴾﴾ [القيامة: ٢٤-٣٥]

﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾﴾ [الإنسان: ٤]

﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا﴾ [الإنسان: ۲۷]

﴿يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الإنسان: ۳۱]

﴿أَنْظِلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِء تَكْذِبُونَ﴾ [المرسلات: ۲۹]

﴿كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ تُجْرِمُونَ﴾ [۴۶] وَيُلْ يَوْمِذٍ لِّلْمُكْذِبِينَ ﴿۴۷﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ

أَرْكِعُوا لَا يَرْكِعُونَ ﴿۴۸﴾ وَيُلْ يَوْمِذٍ لِّلْمُكْذِبِينَ ﴿۴۹﴾ [المرسلات: ۴۶-۴۹]

﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿۴۱﴾ لِلظَّالِمِينَ مَعَابًا ﴿۴۲﴾ لَتَبِثْنَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿۴۳﴾ لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا

بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿۴۴﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا ﴿۴۵﴾ جَزَاءً وَفَاقًا ﴿۴۶﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿۴۷﴾

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿۴۸﴾ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿۴۹﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا

عَذَابًا ﴿۵۰﴾﴾ [النبا: ۲۱-۳۰]

﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ﴿۳۷﴾ وَعَآثِرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿۳۸﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿۳۹﴾﴾ [النازعات: ۳۷-۳۹]

﴿وَإِنَّ الْفَجَارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿۱۴﴾ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿۱۵﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿۱۶﴾﴾ [الانفطار: ۱۴-۱۶]

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿۷﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ ﴿۸﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿۹﴾ وَيُلْ

يَوْمِذٍ لِّلْمُكْذِبِينَ ﴿۱۰﴾ الَّذِينَ يُكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۱۱﴾ وَمَا يُكْذِبُ بِهِء إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ

أَثِيمٍ ﴿۱۲﴾ إِذَا تَتَلَّىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأُولِينَ ﴿۱۳﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا

يَكْسِبُونَ ﴿۱۴﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِذٍ لَمَّحُوبُونَ ﴿۱۵﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿۱۶﴾ ثُمَّ

يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِء تَكْذِبُونَ ﴿۱۷﴾﴾ [المطففين: ۷-۱۷]

﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿۲۹﴾ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿۳۰﴾

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿۳۱﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُونَ ﴿۳۲﴾ وَمَا

أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَفِظِينَ ﴿۳۳﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿۳۴﴾ عَلَىٰ الْأَرَارِكِ

يَنْظُرُونَ ﴿۳۵﴾ هَلْ نُؤِيبُ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۳۶﴾﴾ [المطففين: ۲۹-۳۶]

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَأَىٰ ظَهْرَهُ ﴿۱۰﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿۱۱﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿۱۲﴾ إِنَّهُ وَ

كَانَ فِي أَهْلِهِء مَسْرُورًا ﴿۱۳﴾ إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ يَحُورَ ﴿۱۴﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِء بَصِيرًا ﴿۱۵﴾ فَلَا

أُفْسِسُ بِالشَّفَقِ ﴿۱۶﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿۱۷﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿۱۸﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿۱۹﴾ فَمَا

لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٢﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٣١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا  
يُكَذِّبُونَ ﴿٣٣﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٣٤﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٥﴾ [الانشقاق: ١٠-٢٤]

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ  
الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾﴾ [البروج: ١٠]

﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾﴾ [البروج: ١٩-٢٠]  
﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُويْدًا ﴿١٧﴾﴾  
[الطارق: ١٥-١٧]

﴿وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿١٣﴾﴾  
[الأعلى: ١١-١٣]

﴿وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَشِيعَةٌ ﴿٢١﴾ غَامِلَةٌ تَأْسِبَةٌ ﴿٢٢﴾ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿٢٣﴾ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ  
عَائِنَةٍ ﴿٢٤﴾ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ ﴿٢٥﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٢٦﴾﴾ [الغاشية: ٢-٧]  
﴿إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾﴾ [الغاشية: ٢٣-٢٤]  
﴿يَقُولُ بَلَيْتَنِي قَدَمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وِثْقَهُ  
أَحَدٌ ﴿٢٦﴾﴾ [الفجر: ٢٤-٢٦]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾﴾ [البلد: ١٩-٢٠]  
﴿وَقَدْ حَابَ مَنْ دَسَلَهَا ﴿١٠﴾﴾ [الشمس: ١٠]

﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿٩﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى ﴿١٠﴾﴾ [الليل: ٨-١٠]  
﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾﴾ [الليل: ١٤-١٦]  
﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ  
الْبَيْتَةُ ﴿٦﴾﴾ [البينة: ١]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ  
هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾﴾ [البينة: ٦]

﴿وَأَمَّا مَنْ حَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾ وَمَا آدْرَاكَ مَا هِيَ ﴿١٠﴾ نَارٌ حَامِيَةٌ ﴿١١﴾﴾  
[الفارعة: ٨-١١].





توضیح موضوع: «کفر»: این ماده از سه حرف «ک - ف - ر» تشکیل شده، و به معنای «پوشاندن و انکار نمودن» است، و مشتقات آن ۵۲۴ مرتبه در ۷۷ سوره و ۴۶۴ آیه از قرآن آمده است.

از موارد کاربرد این ماده در قرآن به دست می‌آید که ماده‌ی «کفر» دو معنی دارد: الف) معنای لغوی که همان پوشاندن است. همانطوری که راغب اصفهانی می‌گوید: به کشاورز «کافر» می‌گویند، چون دانه را در زمین مخفی می‌کند. و به شب هم «کافر» می‌گویند، چون با تاریکی خود، همه را می‌پوشاند.

ب) معنای اصطلاحی آن، «نپذیرفتن حق و رد نمودن آن» است. وجه ارتباط معنای اصطلاحی و لغوی هم آن است که شخصی که حق را نمی‌پذیرد، مثل آن است که حق را پوشانده است.

ماده‌ی کفر و مشتقات آن، در قرآن در هر دو معنی به کار رفته است؛ هم در معنای لغوی، مانند آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَا مِنَّا لِيُوسُ كُفُورًا﴾ [هود: ۹] «و اگر از سوی خود به انسان نعمتی بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم و بستانیم، بسیار ناامید و ناسپاس و ناشکر می‌شود».

و هم در معنای اصطلاحی، مانند این آیات که درباره‌ی کافران می‌گوید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [البقرة: ۶] «بی‌گمان کفرپیشگان برایشان یکسان است چه آنان را بیم دهی و چه بیم ندهی، ایمان نمی‌آورند». و از آنجا که ماده‌ی کفر، دو معنای لغوی و اصطلاحی دارد، نقطه‌ی مقابل و در برابر آن نیز دو واژه است: در برابر معنای لغوی کفر (پوشاندن)، واژه‌ی «شکر» قرار دارد، و در برابر معنای اصطلاحی کفر (پوشاندن حق و نپذیرفتن آن)، واژه‌ی «ایمان» قرار می‌گیرد.

و از موارد کاربرد ماده‌ی «کفر» در قرآن به دست می‌آید که هر جا این ماده و مشتقات آن در آیه‌ای همراه با ماده‌ی شکر و مشتقات آن ذکر شود، منظور معنای لغوی کفر (پوشاندن) می‌باشد، مانند آیه‌ی ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ [الکهف: ۲۹].

و در بعضی از آیات، واژه‌ی «کفر» به معنای انکار به کار رفته است، علت آن است که انکار کردن، خود نوعی پوشش گذاشتن بر روی حق و نپذیرفتن آن است. و کلمه‌ی کفر، در قرآن غالباً در مقابل «ایمان» و به معنای انکار وجود خالق، به کار می‌رود. چنانچه خدا می‌فرماید: ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ [الکھف: ۲۹]. به وسیله‌ی توضیح و تفسیر معنی ایمان، معنی کفر آشکار و متجلی می‌شود. [وبضدھا تتین الاشیاء].

بنابراین ایمان عبارت است از: «اقرار به وجود خدا، و تصدیق به تمام آنچه پیامبر اکرم ﷺ از جانب پروردگارش آورده است». پس در این صورت برای شخص مؤمن خوش‌آیند نیست که به بعضی از آنچه خداوند امر فرموده است، ایمان بیاورد و به برخی دیگر کفر ورزد. و هر کس چنین کند، مسلماً کافر می‌باشد، زیرا در میان ایمان و کفر، حد وسطی وجود ندارد.

و اما کفر، عبارت است از: «نشناختن و انکار نمودن وجود «الله» و تصدیق نمودن به تمام یا بعضی از آنچه پیامبر ﷺ از طرف پروردگارش آورده است». برای کفر، پدیده‌ها و نشانه‌های متعددی وجود دارد که قرآن به آن‌ها تصریح نموده است که پاره‌ای از آن‌ها اموری است که در رابطه با انکار خدای پاک و منزّه می‌باشند، و بعضی دیگر از نشانه‌های کفر در رابطه با توصیف خدا به چیزهایی می‌باشد که خداوند از آن‌ها پاک و منزّه و دور و مبرّأ می‌باشد، و یا در رابطه با اعتقاد به الوهیت بعضی از انسان‌ها و رسولان می‌باشد، و یا اینکه شخص معتقد باشد که خداوند جسم است، و یا وارد اجسام می‌شود، یا اینکه او قادر بر آفرینش نمی‌باشد و یا در احکامش عدالت نورزیده است و...

و برخی از انواع کفر در رابطه با پیامبران است، مانند انکار انبیاء، و یا تکذیب آنچه از طریق تواتر ثابت شده است که آن را از طرف خدا آورنده‌اند و به ما رسیده است، و یا در رابطه با فرق گذاشتن در میان پیامبران و کتاب‌های آسمانی می‌باشد، به این معنی که به بعضی از آنان ایمان داشته باشند و نسبت به بعضی دیگر کفر ورزند و ایمان نداشته باشد.

و در عصر کنونی ما عده‌ای از طبقات و ملت‌های مختلف از زمره‌ی کافران محسوب می‌شوند:

۱. پیروان ادیان عصر کنونی از زمره‌ی کافران به حساب می‌آیند به خاطر اینکه آنان منکر نبوت و رسالت و خاتمیت حضرت محمد ﷺ هستند.
  ۲. کسانی که منکر این هستند که قرآن از طرف خدا بوده باشد.
  ۳. کسانی که به لقای خداوند در روز قیامت باور نداشته باشند، و معتقد نباشند که در دنیای آخرت، زندگی دیگری وجود دارد که هر کس در آن نتیجه‌ی عمل خوب یا بد خود را می‌بیند.
  ۴. کسانی که توانایی آن را دارند تا شریعت اسلام را به عنوان شریعتی پیروی شده، در احکام خود قرار دهند، اما چنین کاری را نمی‌کنند و از زمره‌ی کافران هستند. ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴] «و هر کس برابر آن چیزی حکم نکند که خداوند نازل کرده است و قصد توهین به احکام الهی را داشته باشد، او و امثال او بی‌گمان کافرند».
- بنابراین کسانی که وجود خدا و شریعت او را انکار می‌ورزند و پیامبران خدا و زندگی دنیای آخرت را قبول ندارند، و اوامر و فرامین الهی و تعالیم و آموزه‌های نبوی و احکام و دستورات شرعی و حقایق و مفاهیم قرآنی را نادیده می‌انگارند و بدان‌ها اعتقادی ندارند، و از لوازم و ضروریات دینی سرپیچی می‌کنند و بدان‌ها تمسخر و استهزاء می‌کنند، از زمره‌ی کافرانند که در آخرت در دوزخ پرت خواهند شد و عذاب ابدی و سرمدی شامل حالشان خواهد گردید.

### «برزخ»

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿۹۹﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۰۰﴾﴾ [المؤمنون: ۹۹-۱۰۰]



**توضیح موضوع:** در لغت برای واژه‌ی «برزخ» این معانی ذکر شده است: حائل و حاجز بین دو چیز. عالم بین دنیا و آخرت، از هنگام مرگ تا روز قیامت. و آنچه که میان دو چیز مخالف حائل باشد، مثل اعراف که برزخ میان دوزخ و بهشت است. و در اصطلاح جغرافیا: برزخ، قطعه زمین باریکی است میان دو دریا که دو قطعه خشکی وسیع را به یکدیگر اتصال بدهد.

پس دانسته شد که واژه‌ی «برزخ» در اصل به معنای چیزی است که در میان دو شیء حائل می‌شود، و سپس به هر چیزی که میان دو امر قرار گیرد «برزخ» گفته شده است، و روی همین جهت به عالمی که میان دنیا و عالم آخرت قرار گرفته «برزخ» گفته می‌شود. و به عالم برزخ، «عالم قبر» و «عالم ارواح» نیز گفته می‌شود که هم مؤمنان و هم کافران مدت نامعلومی در بین دوره‌ی زندگی دنیا و دوره‌ی زندگی آخرت به سر می‌برند که برای هر انسانی (چه مؤمن و چه کافر) از نخستین لحظه فرا رسیدن مرگ و جدا شدن روح از بدن آغاز می‌گردد و تا «نفخ صور» در مرتبه‌ی اول، امتداد می‌یابد، و از نخستین لحظه‌ی پیدایش برزخ، خوشحالی مؤمنان و ناراحتی کافران آغاز می‌شود.

### علائم و نشانه‌های قیامت

(مراد علائم نزدیک شدن قیامت و خاتمه‌ی این جهان است. وقت و زمان آن را فقط خداوند می‌داند و قرآن و پیامبر ﷺ هم فقط نشانه‌های آن را بیان کرده‌اند):

﴿... فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾ [محمد: ۱۸]

### نزول حضرت عیسیٰ علیہ السلام

﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۱۵۹]

﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونَ﴾ [الزخرف: ۵۷]

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِمْ أَنْتُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمْ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۵۴]



توضیح موضوع: بعد از خروج دجال و فساد در زمین، خداوند حضرت عیسیٰ علیہ السلام را به زمین نازل می‌کند، و نزول او در شرق دمشق کنار «منارة البيضاء» است که بر آن دو پارچه‌ی مزین و ملون به ورس و زعفران، وجود دارد.

عیسی علیه السلام دو کف دستش را روی بال‌های دو فرشته گذاشته است و وقتی سرش را فرود می‌آورد از آن قطره‌های آب می‌ریزد و هنگامی که سرش را بالا می‌برد، قطرات آبی مانند مروارید و لؤلؤ از او پایین می‌افتد و هیچ کافری نمی‌تواند هوای نفس او را درک کند مگر اینکه می‌میرد.

نزول او در میان افرادی صورت می‌گیرد که در راه حق، قتال و پیکار می‌کنند و همه جمع شده‌اند تا به جنگ دجال بروند، پس ناگهان عیسی علیه السلام در هنگام اقامه‌ی نماز نازل می‌شود و امیر آنان [مهدی] را امام قرار می‌دهد و خود همراه دیگران به او اقتدا می‌کند، سپس به تعقیب دجال می‌پردازد تا اینکه در کنار دروازه‌ی «لد» او را می‌یابد و به قتل می‌رساند. و به عنوان حاکمی عادل و امامی دادگر در میان مردم زندگی به سر می‌کند. صلیب را می‌شکند، خوک را می‌کشد، و جزیه را برمی‌دارد، و با شریعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله حکم می‌کند، و هنگام نزول، دین و آیین جدیدی را همراه خود نمی‌آورد، چون دین اسلام خاتم ادیان دیگر است و تا روز قیامت باقی می‌ماند و نسخ نمی‌گردد، و حضرت عیسی علیه السلام حاکمی از حاکمان این امت، و مجدد دین اسلام است، چرا که پیامبری بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله وجود ندارد.

و زمان عیسی علیه السلام، زمان امنیّت، خیر، برکت، سلامت و خوشی است. خداوند در آن زمان باران فراوان نازل می‌کند و زمین حاصلخیز و پربرکت می‌شود و آب فوران می‌کند و حقد و کینه و بغض و حسد باقی نمی‌ماند.

و حضرت عیسی علیه السلام بعد از نزول، هفت سال و براساس برخی روایات، چهار سال در زمین باقی می‌ماند. و علماء درباره‌ی حکمت نزول عیسی علیه السلام در آخر الزمان (جدا از سایر پیامبران) اینگونه نتیجه‌گیری کرده‌اند:

۱. رد بر یهود که می‌گویند: عیسی را کشته‌اند. خداوند به این طریق کذب آن‌ها را آشکار می‌کند، و حضرت عیسی علیه السلام رئیس آنان دجال و یهودیان تابعش را به قتل می‌رساند.

۲. اختصاص نزول در آخر الزمان به عیسی بن مریم علیه السلام به خاطر این است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من از همه‌ی مردم به عیسی علیه السلام نزدیکترم و بین من و او هیچ پیامبری وجود ندارد.» [بخاری]. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خصوصی‌ترین و نزدیکترین فرد به اوست، و عیسی علیه السلام مژده داده است که پیامبری بعد از او خواهد آمد، لذا مردم را به تصدیق و ایمان به او دعوت کرد.

۳. یکی از اهداف فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان، استیصال فتنه‌ی دجال و قتل دجال است، زیرا دجال مدعی الوهیت می‌باشد، و حضرت عیسی علیه السلام جهت اقامه‌ی توحید خداوندی او را به جرم دعوت به سوی الوهیت غیر الله، به قتل می‌رساند که بر اثر آن، گمراهی امت خود او (مسیحیان) که او را «الله» می‌دانند از قتل کردنش دجال را باطل قرار می‌گیرد و برای مسیحیان خاطرنشان می‌شود که جز خدا، دیگری را اله و معبود قرار دادن، چنان عقیده‌ای است که مستوجب قتل است.

۴. بانی و مؤسس فتنه‌های جهان قوم یهود و نصاری هستند، و اساس معاشرت تهذیب جدید و رفتار فاسقانه‌ی حکومت‌های ستمگر و انسان‌کش را نیروهای مسیحی در دنیا طرح‌ریزی کرده‌اند، از این رو تدبیری بهتر از نزول عیسی علیه السلام برای اصلاح جامعه‌ای که اقوام مسیحی و یهودی در آن حکمرانی می‌کنند، امکان‌پذیر نیست.

### یأجوج و ماجوج

﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿۹۶﴾ وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقِّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يُؤْيَلْنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۹۷﴾﴾ [الأنبياء: ۹۶-۹۷]



**توضیح موضوع:** «یأجوج و ماجوج»: یا دو اسمی عجمی‌اند که در این صورت این دو اسم اشتقاق ندارند، چون الفاظ عجمی از عربی مشتق نمی‌شوند. و یا عربی هستند. در این صورت برخی گفته‌اند: از «اجت النار اجيجاً» مشتق شده‌اند، یعنی: شعله‌ی آتش ملتهب شد. یا از «اجاج» یعنی: آب بسیار شور که از شدت شوری سوزنده باشد. و برخی گفته‌اند: یأجوج از «آج» یعنی: به سرعت دویدن، و «ماجوج» از «ماج» یعنی: اضطراب است. علماء و صاحب نظران اسلامی گفته‌اند: در اصل یأجوج و ماجوج از نوادگان «یافت»، و یافت از اولاد حضرت نوح علیه السلام است.

توضیح اینکه: حضرت نوح، چهار پسر داشت: یکی «کنعان» بود که کافر شد و غرق گشت. دوم: «یافث» بود که پدر یاجوج و ماجوج و قوم ترک است. و سوم: «صام» بود که پدر سیاه پوستان است. و چهارم: «سام» که پدر سفیدپوستان و عرب و عجم و روم است.

برخی از علماء گفته‌اند: یاجوج و ماجوج (یاگوگ و ماگوگ) را اصطلاحی می‌دانند که در تورات برای تعیین مردمی که در شمال شرقی آسیای صغیر می‌زیستند، به کار رفته و به طوری مجاز، دشمن بندگان خدایند و در افسانه‌ها و حجابیهای قرون وسطی نماینده‌ی نادرستی و ناراستی و بیدادگری است.

از دیدگاه برخی دیگر، یاجوج و ماجوج، قبائلی از مغول بوده‌اند که در آن طرف دیوار چین سکنی داشته‌اند و چینیان آنان را «همیونخ‌نو» یعنی رعیت متمرّد می‌نامیدند و پادشاهان چین با ایشان پیوسته در حال دفاع یا هجوم بوده‌اند. و برخی گفته‌اند: تطبیق یاجوج و ماجوج بر «سیت‌ها» کاملاً معتبر است، و در زمان‌های اخیر مورد قبول نیز واقع شده است. در هر صورت مقصود از «یاجوج و ماجوج» در تورات همان «سکاها» هستند که از اعقاب «یافث بن نوح» شمرده شده‌اند.

و برخی بر این باورند که یاجوج و ماجوج دو قبیله از اولاد «یافث بن نوح» هستند، یاجوج از قوم تاتار و ماجوج از قوم مغول است، و اصلشان از پدر واحدی است که «ترک» نامیده می‌شد.

بعضی بر آنند که این دو قبیله، در بخش شمالی آسیا ساکن بودند و قلمروشان از «تبت» و «چین» تا «اقیانوس منجمد شمالی» امتداد داشته، و از ناحیه‌ی غربی به سرزمین ترکستان منتهی می‌شود، و «چنگیزخان» منسوب به آنان است.

به هر حال «یاجوج و ماجوج» قومی ستمگر، خشن، وحشی، فسادافکن، ظالم و بیدادگر هستند که خروج آن‌ها یکی از نشانه‌های بزرگ قیامت در آخر الزمان است و تاکنون این واقعه رخ نداده است، زیرا احادیث صحیح، دال بر آن هستند که خروج آن‌ها بعد از نزول عیسی علیه السلام اتفاق خواهد افتاد، و اوست که علیه آنان دست به دعا می‌شود و خداوند دعای او را استجابت کرده و آنان را به دریا می‌ریزد و تمام بندگان خدا از شرشان راحت می‌شوند.

ظهور «دابة الارض» و سخن گفتنش با مردم

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا

بَيَّاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ [النمل: ۸۲]



**توضیح موضوع:** احادیث فراوانی درباره‌ی نوع و شکل و محل خروج و کارهای «دابة الارض» به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند که علماء و فقهاء و محدثین و مفسرین اغلب آن‌ها را مردود و نامعقول دانسته‌اند. و ما مسلمانان معتقد به خروج آن هستیم، و همانطور که قرآن بدان اشاره کرده است معتقدیم که با مردم سخن می‌گوید و مکلف به شناخت نوع و اوصاف آن نیستیم.

و همین اندازه می‌گوئیم که «دابة الارض» موجود متحرک و جنبنده‌ای است که خدا او را از زمین در آستانه‌ی رستاخیز ظاهر می‌سازد. او با مردم سخن می‌گوید و سخنش این است که مردم به آیات خدا ایمان نمی‌آورند، و کار او این است که صفوف را از هم جدا می‌کند و منکران و منافقان را از مؤمنان مشخص می‌سازد، و بدیهی است که منکران با دیدن این صحنه به خود می‌آیند و از گذشته‌ی تاریک خویش، پشیمان می‌شوند، ولی چه سود که راه بازگشت بسته است.

به هر حال «دابة الارض»، حیوانی است که دارای مشخصات و صفات خاص خود بوده و ظهور آن یکی از علائم فرا رسیدن قیامت و بسته شدن درگاه توبه است. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«سه چیزاند که چون بیرون آیند برای هیچ کسی که از قبل ایمان نیاورده باشد، یا در ایمان خویش اعمال و دستاورد خیری نداشته باشد، ایمان آوردنش سودی نمی‌بخشد: طلوع خورشید از غروبگاه آن، خروج دجال، و خروج دابة الارض» [مسلم].

دخان (دودی که در آستانه‌ی قیامت پیدا می‌شود)

﴿فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ ﴿۱۰﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۱﴾﴾

[الدخان: ۱۰-۱۱]





توضیح موضوع: منظور از «دخان»، همان دود غلیظی است که در پایان جهان و در آستانه‌ی قیامت، صفحه‌ی آسمان را می‌پوشاند و نشانه‌ی فرا رسیدن لحظات آخر دنیا و سرآغاز عذاب دردناک الهی برای ظالمان و مفسدان و بزهکاران و ستمگران است. علماء می‌گویند: این دود از نشانه‌های قیامت است که چهل روز در زمین باقی ماند. علمای عصر کنونی ما نیز تأکید کرده‌اند که در پایان کار جهان، انرژی خورشید ضعیف شده و غبار اتمی یا غیر آن، مانند دودی در فضا ظاهر می‌شود که فضا را تاریک می‌کند. حذیفة ابن اسید غفاری می‌گوید: رسول خدا ﷺ در عرفه به نزد ما آمدند و در حالی که ما مشغول گفتگو درباره‌ی قیامت بودیم، فرمودند: «قیامت بر پا نمی‌شود تا آن‌گاه که شما ده نشانه را نبینید: طلوع خورشید را از مغرب آن، ظهور دخان، ظهور دابة الارض، ظهور یاجوج و ماجوج، نزول عیسی بن مریم، خروج دجال، وقوع سه خسف: خسفی در مشرق، خسفی در مغرب و خسفی در جزیره‌ی العرب، و آتشی که از قعر سرزمین «عدن» بیرون می‌آید و همه‌ی مردم را می‌راند و هر جا که شب بگذرانند، با آنان شب می‌گذراند و هر جا که در ظهر بخوابند، همراهشان می‌باشد.» و در حدیثی دیگر پیرامون آن دود، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مؤمن از آن دود دچار عارضه‌ای شبیه زکام می‌شود، اما کافر را چنان فرو می‌گیرد که در اثر آن، بدن وی باد کرده و متورم می‌شود...».

غمام (شکافته شدن آسمان با ابرها)

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ [البقرة: ۲۱۰]

﴿وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَمِ وَنُزِلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ﴿۲۵﴾ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ ﴿۲۶﴾ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿۲۷﴾﴾ [الفرقان: ۲۵-۲۶]



توضیح موضوع: در آستانه‌ی قیامت، انقلابات و انفجارات شگرفی سراسر عالم هستی را فرا می‌گیرد و ابر غلیظی از گرد و غبار کرات متلاشی شده، صفحه‌ی آسمان را می‌پوشاند که در لابلای این ابر شکافی وجود دارد؛ بنابراین آسمانی که در حال عادی با چشم دیده می‌شود به وسیله‌ی این ابرهای عظیم انفجاری، از هم جدا می‌شود.

از این رو در آستانه‌ی قیامت دگرگونی‌های عظیم و انقلاب و تحوّل عجیب و شگرفی سرتاسر عالم هستی را فرا می‌گیرد، کوه‌ها متلاشی شده و همچون غبار در فضا پخش می‌گردد، خورشید بی‌نور و ستارگان بی‌فروغ می‌شود و فاصله‌ی ماه و خورشید از بین می‌رود و لرزه و زلزله‌ی عجیبی سراسر زمین را فرا می‌گیرد و در چنین روزی است که آسمان و کرات آسمانی متلاشی می‌شود و صفحه‌ی آسمان از یک ابر غلیظی پوشیده می‌شود و شدت این دگرگونی‌ها و انفجارات کواکب و سیارات سبب می‌شود که آسمان از ابری غلیظ پوشیده شود و آن روز، روز پایان این جهان و آغاز رستاخیز است، روز بسیار دردناکی است برای مجرمان بی‌ایمان و ستمکاران لجوج.

### حشر حیوانات وحشی و جنبندگان و پرندگان

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ مَا فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: ۳۸]

﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ [التكوير: ۵]



**توضیح موضوع:** شدت وحشت حوادث هولناک آستانه‌ی قیامت چنان زیاد و وخیم است که حیوانات وحشی و دیگر جنبندگان و پرندگان و خزندگان و چرندگان را که در حال عادی از هم دوراند و از یکدیگر می‌ترسند و فرار می‌کنند، را گرد هم جمع می‌کند و از ترس حوادث و وقایع هولناک آستانه‌ی قیامت همه چیز را فراموش می‌کنند و از لانه‌ها و بیشه‌های خود خارج و در کنار یکدیگر جمع می‌شوند، گویی که می‌خواهند با این اجتماعشان از شدت ترس و وحشت خود بکاهند.

### شکافته شدن ماه (در آستانه‌ی قیامت)

﴿أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَادْشَقَّ الْقَمَرُ﴾ [القمر: ۱]

### رستاخیز و زنده شدن پس از مرگ

و «الله» ﷻ است که از آغاز، موجودات را می‌آفریند و جامه‌ی هستی به تن همه‌ی کائنات، از جمله انسان‌ها می‌کند و هم اوست که آن‌ها را دیگر بار پس از تخریب جهان، هستی می‌بخشد و به سوی خود برمی‌گرداند:

﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ  
الَّذِينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ﴾ [الأعراف: ۲۹]

﴿إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ  
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ  
بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ [يونس: ۴]

﴿يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضَ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ وَتَبَرُّوْا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ [ابراهيم: ۴۸]  
﴿إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا يُرْجِعُونَ﴾ [مریم: ۴۰]  
﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا  
إِنَّا كُنَّا فَعَالِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۴]

﴿أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَعَلَّهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ  
هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [النمل: ۶۴]  
﴿أَو لَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [العنكبوت: ۱۹]

﴿اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [الروم: ۱۱]  
﴿وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الروم: ۲۷]  
﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ [الرحمن: ۲۶-۲۷]  
﴿إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ﴾ [البروج: ۱۳]

### نام‌های آخرت (روز قیامت)

#### «یوم‌الدين»

[روز سزا و جزا، روزی که پرده از روی کارها کنار می‌رود و اعمال همه دقیقاً مورد  
محاسبه قرار می‌گیرد و هر کس جزای اعمال خویش را اعم از خوب و بد می‌بیند]:

﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ [الفاتحة: ۴]

## «الآخرة»

[سرای باز پسین، جهان دیگر، آن جهان]:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾

[البقرة: ۴]

## «يوم القيامة»

روزی که تمام مردمان، فرشتگان، جنیان، پیامبران و فرستادگان در پیشگاه خداوند متعال به پا خیزند و قیام همه‌ی آن‌ها به طور کلی فقط برای پروردگار مقتدر سبحان باشد]:

﴿...وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۸۵]

## «الدار الآخرة» [سرای دیگر]

﴿قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۹۴]

## «اليوم الآخر» [روز واپسین]

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ [البقرة: ۱۷۷]

## «الساعة»

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتُنَا

عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا...﴾ [الأنعام: ۳۱]



توضیح موضوع: به دو علت به قیامت «ساعة» می‌گویند:

۱- چون در ساعتی و لحظه‌ای برق آسا ایجاد می‌شود، خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أَمْرُ

السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ﴾ [النحل: ۷۷] «برپایی قیامت مانند چشم به

هم زدن یا نزدیکتر از آن است».

۲- و یا علت انتخاب این نام (الساعة) برای روز قیامت، به خاطر آن است که با سرعت حساب و کتاب مردم در آن ساعت انجام می‌گیرد.

### «یوم الحسرة» [روز حسرت]

﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [مریم: ۳۹]



توضیح موضوع: یکی از نام‌های قیامت «یوم الحسرة» است. حسرت بر فرصت‌های از دست داده و سرمایه‌های تلف شده، آری روز قیامت است که هنگام پشیمان شدن و فسوسا و دریغا گفتن است و آه کشیدن و تأسف خوردن که نکردیم کاری که امروز ما را به کار آید، اما چه سود که همه چیز پایان گرفته و راه جبران و بازگشتی نیست.

### «یوم البعث» [روز رستاخیز و زنده شدن پس از مرگ]

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الروم: ۵۶]

### «یوم الفصل» [روز داوری و حسابرسی، و جدایی میان حق و باطل]

﴿هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِءُ تُكَذِّبُونَ﴾ [الصفات: ۲۱]

### «یوم التلاق»

[روز رویارویی، روزی که در آن پیشینیان و پسینیان و زمینیان و آسمانیان به همدیگر می‌رسند و یکدیگر را ملاقات می‌کنند، و هر کسی با اعمالی که کرده است رو به رو می‌شود و سزا و جزای آن را می‌بیند.

روز قیامت، روزی است که بندگان با پروردگارش ملاقات می‌کنند و گذشتگان و آیندگان و پیشوایان حق و باطل با پیروانشان ملاقات می‌نمایند. و روز قیامت، روز ملاقات مستضعفین با مستکبرین و ملاقات ظالم و مظلوم و انسان‌ها و فرشتگان و بالاخره روز تلاقی انسان با اعمال و گفتار و کردارش و با دادگاه عدل خداوند است.]:

﴿رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ

يَوْمَ التَّلَاقِ﴾ [غافر: ۱۵]

«یوم الأذفة» [روز نزدیک، به علت نزدیک بودن قیامت، چنین نامیده شده است] ﴿وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْأَذْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظِيمِينَ مَّا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾ [غافر: ۱۸]

«یوم الحساب» [روز حساب و کتاب]

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾ [غافر: ۲۷]

«یوم التناد» [روز صدا زدن]

﴿وَيَقَوْمٌ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ﴾ [غافر: ۳۲]

\*\*\*

توضیح موضوع: «تناد»: به معنای یکدیگر را صدا زدن است. روز قیامت ناله‌ها و فریادها بلند است؛ مؤمن فریاد می‌زند: بیایید نامه‌ی مرا بخوانید ﴿هَأْوُمُ أَقْرَعُوا كِتَابِيَّةٍ﴾ [الحاقة: ۱۹]، کافر فریادکنان، حسرت خود را با کلمات «یا لیتنی» و «یا ویلتی» اظهار می‌کند. بهشتیان، اهل دوزخ را صدا می‌کنند که چرا به دوزخ رفتید؟ ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ [المدثر: ۴۲]، و دوزخیان از بهشتیان استمداد می‌کنند که از آنچه خداوند رزق و روزی شما کرده به ما نیز برسانید. و در آن روز هر ملتی را به نام پیغمبرش فریاد می‌دارند. مردمان همدیگر را صدا می‌زنند و به کمک می‌طلبند. مردمان را برای گردهمایی در محشر صدا می‌زنند. و منادیان محشر ندا می‌دهند ﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [هود: ۱۸] «هان! لعنت خدا بر ستمگران» و فرشتگان مردمان را برای حساب و کتاب صدا می‌زنند و آن‌ها نیز از فرشتگان استمداد می‌کنند. به هر حال نداها و فریادها در روز قیامت از هر سو بلند است و مردمان کافر واویلا سر می‌دهند و نابودی را فریاد می‌دارند و...

«یوم الجمع»

[روز گردهمایی؛ روزی که همه‌ی مردم یکجا جمع می‌شوند. روزی که جسم با روح، عمل با انسان، ظالم با مظلوم، و کیفر و پاداش با عامل آن جمع می‌شود]:

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَنُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ...﴾ [الشورى: ۷]

### «یوم الوعید»

اروز تحقق و پیاده شدن بیم دادن‌های الهی به کافران:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ﴾ [ق: ۲۰]

### «یوم الخلود»

اروز جاودانگی؛ جاودانگی بهشت با تمام مواهب و نعمت‌هایش، و روز بقاء و ماندگاری همیشگی دوزخ برای دوزخیان با تمام سختی‌ها و عذاب‌هایش:

﴿أَدْخُلُوهَا بِسَلْمٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ﴾ [ق: ۳۴]

### «یوم الخروج»

اروز بیرون آمدن مردگان از میان قبورشان:

﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ [ق: ۴۲]

### «الواقعة»

ارخ دهنده‌ای که هیچ شک و تردیدی در وقوع آن نیست، بلکه حقیقتی واقعی است:

﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ [الواقعة: ۱]

### «یوم تغابن»

اروز زیانمندی کافران و سودمندی مؤمنان:

﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجُمُعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التغابن: ۹]



توضیح موضوع: علماء و مفسرین واژه‌ی «تغابن» را چندین معنی کرده‌اند:

الف) زیانمند گشتن گروهی و سودمند شدن گروهی. اینطور که دسته‌ای دنیا را به آخرت می‌فروشند و در آخرت سود می‌برند، و رضای خدا و بهشت را از آن خود می‌کنند، و دسته‌ای آخرت را به دنیا می‌فروشند و در آخرت زیانخورده و متضرر می‌گردند.

ب) فراموش کردن همدیگر، چرا که در قیامت بر اثر هول و هراس آخرت، کسی به فکر کسی نیست و هر کسی خود را می‌کوشد.

ج) جلوه کردن غبن‌ها. یعنی روز قیامت، کافران به خاطر ایمان نیاوردن، و فاسقان به خاطر نداشتن عمل صالح، و مؤمنین به خاطر آنکه می‌توانستند عمل بیشتری انجام دهند، همه به نوعی احساس خسارت، حسرت و غبن دارند.

د) در آن روز، هر کس به فکر آن است که چگونه بار خود را به دوش دیگر اندازد، و مجرم دوست دارد که به جای خود فرزند و تمام بستگان، بلکه تمام مردم به جای او به دوزخ رفته و او نجات یابد.

ه) و شاید «تغابن» به این معنا باشد که رهبران فاسد، پیروان خود را مغبون کرده، و پیروان نیز به خاطر اطاعت کورکورانه به رهبران فاسد فرصت فساد بیشتری داده و آنان را مغبون کردند که اگر اطاعت آنان نمی‌شد، فساد آن‌ها این همه توسعه نمی‌یافت.

و) روزی که غابن (برنده) و مغبون (بازنده) شناخته می‌شوند. روزی که جهنمیان جایگاه خالی خود را در بهشت می‌بینند و تأسف می‌خورند، و بهشتیان جای خالی خود را در دوزخ می‌بینند و خوشحال می‌شوند. به هر حال روز قیامت، روز ظهور غبن‌ها است و تعارض گروه مؤمنان و کافران، نتیجه‌اش در قیامت ظاهر می‌شود.

### «الحاقه»

[ارخداد راستین و حقیقی]:

﴿الْحَاقَّةُ ۱﴾ مَا الْحَاقَّةُ ۲ ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ۳﴾ [الحاقه: ۱-۳]



توضیح موضوع: «الحاقه»: از «حق» به معنای امر ثابت و محقق است. این کلمه یکی از نام‌های قیامت است، زیرا قیامت واقعه‌ای حتمی، حقیقی، قطعی و ثابت است و از آنجا که قیامت حتماً و قطعاً فرا می‌رسد و حقیقت و واقعیت دارد، بدین نام خوانده شده است.



«القارعة» [در هم کوبنده و بلای بزرگ. قیامت جهان را در هم می کوبد و هول و هراس آن، دل‌ها را به تپش می اندازد و حوادث و احوال آن مردمان را فرا می گیرد، البته چنین خوف و وحشت و هراسی، کافران و منافقان و مشرکان و فاجران را دربرمی گیرد و مؤمنان در شادی و شادخواری بوده و دور از شدائد و مصائب می باشند]:

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ﴾ [الحاقة: ۴].

### «الطامة الكبرى»

[حادثه‌ی عظیم و مصیبت طاقت فرسا و بلای سخت و فراگیر]:

﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى﴾ [النازعات: ۳۴].

### «الصّاحّة»

[صدای گوش خراش و هراس انگیز نفخه‌ی صور دوم قیامت]:

﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصّاحّةُ﴾ [عبس: ۳۳].



توضیح موضوع: مراد از «صاحّة» چند چیز می تواند باشد:

الف) صدای کر کننده و گوش خراس و هراس انگیز نفخه‌ی صور دوم است که به دنبال برخورد اجرام و کرات آسمانی بر اثر تخریب جهان طنین انداز می گردد و انسان را از همه چیز جز خود و اعمالش و سرنوشتش غافل می کند.  
ب) و یا مراد ناله و فریاد گوش خراس مردم در آن روز سخت و طاقت فرسا و عظیم و فراگیر است.

### «الغاشية»

[حادثه‌ی فراگیر که مردمان کافر و فاجر و فاسق را زیر مصائب و شدائد خود

می گیرد]:

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾ [الغاشية: ۱]

تذکر: در این کتاب من فقط به ذکر یک موضع از این نام‌ها در قرآن پرداخته‌ام، و هر کس اطلاعات بیشتری از مواضع تکرار نام‌های قیامت می خواهد، باید به کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» اثر: سیّد محمد فؤاد عبدالباقی، مراجعه کند.

[مؤلف]

## مقدمات و حوادث نزدیک شدن قیامت، و اتفاقات و رخدادهای پایان یافتن این جهان

- ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ ﴿١٨﴾ [ابراهيم: ٤٨]
- ﴿إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا يُرْجَعُونَ﴾ ﴿٤٠﴾ [مریم: ٤٠]
- ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿١٦﴾ لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿١٧﴾﴾ [طه: ١٠٥-١٠٧]
- ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ ﴿١٤﴾ [الانبیاء: ١٠٤]
- ﴿وَيَوْمَ تَشْقَى السَّمَاءُ بِالْغَمِّ وَنُزِلَ الْمَلَكُ تَنْزِيلًا ﴿٥﴾ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٦﴾﴾ [الفرقان: ٢٥-٢٦]
- ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ ﴿٧﴾ [الزمر: ٦٧]
- ﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾﴾ [الطور: ٩-١٠]
- ﴿فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾﴾ [الرحمن: ٣٧]
- ﴿إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا ﴿٦﴾﴾ [الواقعة: ٤-٦]
- ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾ وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ﴿١٦﴾﴾ [الحاقة: ١٣-١٦]
- ﴿يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾﴾ [المعارج: ٨-٩]
- ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَهِيلًا ﴿١١﴾﴾ [المزمل: ١٤]
- ﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا﴾ ﴿١٨﴾ [المزمل: ١٧-١٨]
- ﴿يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُوءُ ﴿١٠﴾﴾ [القيامة: ٦-١٠]
- ﴿فَإِذَا التُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿١٠﴾﴾ [المرسلات: ٨-١٠]

﴿يَوْمَ يُفْخُ فِي الصُّورِ فَمَأْثُورٌ أَفْوَاجًا﴾ ﴿۱۸﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿۱۹﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿۲۰﴾ [النبا: ۱۸-۲۰]

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ ﴿۱﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿۳﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿۴﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿۵﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿۶﴾ [التكوير: ۱-۶]

﴿وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ﴾ ﴿۷﴾ [التكوير: ۱۱]

﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ﴾ ﴿۱﴾ وَإِذَا الْكُوكُوبُ أُنْتَزَّتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿۳﴾ [الانفطار: ۱-۳]

﴿إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ﴾ ﴿۱﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿۳﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿۴﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿۵﴾ [الانشقاق: ۱-۵]

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ﴾ ﴿۱﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿۲﴾ [الطارق: ۱۱-۱۲]

﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا﴾ ﴿۱﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ [الفجر: ۲۱-۲۲]

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ ﴿۱﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿۲﴾ [الزلزلة: ۱-۲]



توضیح موضوع: پیکره‌ی عظیم دستگاه عظیم آفرینش، و رشد و تکامل انسان‌ها و منظومه‌ی شمسی و سیارات و کرات آسمانی و... بعد از انجام دادن آنچه به آن‌ها سپرده شده است و بعد از سپری شدن دوران اول از زندگی نوع انسان، ناگاه بر اثر به صدا درآمدن «صور» در رعب و هراس عجیبی فرو می‌رود و زلزله‌ی بی‌نظیر و تحولات حیرت‌انگیزی در زمین و در دریاها و در کوه‌ها، و همچنین در آسمان‌ها و ماه و خورشید و ستارگان به وجود می‌آید و ترس و بیم و هراس بی‌نظیر را در همه‌ی جانداران و بویژه در انسان‌ها ایجاد می‌نماید و مدت زمان اندکی صدای رعب‌آور آن صور (شبهه سوت خاموش کردن کارخانه‌ها) دستگاه عظیم آفرینش را از کار انداخته و همه‌ی فرآورده‌هایش را نیز نابود می‌نماید و دوره‌ی اول زندگی نوع انسان و خدمتگزارانش پایان می‌یابد و خورشید در هم پیچیده می‌شود و نظام جهان در هم می‌ریزد، و ستارگان تیره و تار می‌گردند و فرو می‌افتند، و کوه‌ها از جای خود برکنده می‌شوند و به این سو و آن سو رانده می‌شوند، و دریاها سراسر برافروخته می‌گردند و گدازه‌ها و گازهای درون زمین طوفان‌های آتشین و انفجارهای هولناکی پدید می‌آورند،

و آسمان شکافته می‌شود و کوه‌ها و تپه‌ها و ارتفاعات سواحل دریاها برداشته می‌شود و آب دریاها به هم آمیخته می‌گردد و اتمهای دو عنصر اساسی آب: اکسیژن و نئیدروژن بر اثر یک جرقه و واکنش، آزاد و منفجر می‌گردند و زمین و کوه‌ها سخت به لرزش و جنبش درمی‌آید و چنان کوه‌ها در هم کوبیده می‌شود که کوه‌ها به توده‌های پراکنده و تپه‌های ریگ روان تبدیل می‌گردد، و چشمها از شدت هول و هراس سراسیمه و آشفته و حیران و ویلان می‌شود، و ماه بی‌نور و روشنایی می‌گردد، و خورشید و ماه گردآوری می‌گردد و انسان در آن روز خواهد گفت: راه گریز کجاست؟ و چگونه می‌توان از این هول و هراس نجات یافت؟

### «نفخه‌ی صور» (در صور دمیدن)

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: ۷۳]

﴿وَتَرْكُنَا بِعَضْفِهِمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا﴾ [الكهف: ۹۹]

﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾ [طه: ۱۰۲]

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۱]

﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ﴾ [النمل: ۸۷]

﴿إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ﴾ [يس: ۲۹]

﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ﴾ [يس: ۲۹]

﴿وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ﴾ [يس: ۲۹]

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ [يس: ۵۱]

[يس: ۴۹-۵۱]

﴿إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾ [يس: ۵۳]

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: ۶۸]

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ﴾ [ق: ۲۰]

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۳]

﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ [۸] فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿۱﴾ [المدثر: ۸-۹]

﴿يَوْمٌ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ [النبا: ۱۸]

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ﴾ [۶] تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿۷﴾ [النازعات: ۶-۷]



**توضیح موضوع:** از مجموعه آیات قرآن استفاده می‌شود که دو بار «نفخ صور» می‌شود: یکبار در پایان دنیا و آستانه‌ی رستاخیز که وحشت همه را فرا می‌گیرد و همگی با شنیدن آن قالب تهی می‌کنند و می‌میرند. و بار دوم به هنگام بعث و نشور و قیام قیامت است که با نفخ صور همه‌ی مردگان به حیات باز می‌گردند و زندگی نوینی را آغاز می‌کنند.

و در قرآن نیز به صور اول «راجفة» (همان صیحه‌ی نخستین یا نفخ صور اول است که شیپور فَنای جهان و زلزله‌ی نابودی دنیا است) گفته می‌شود، و به صور دوم «رادفة» (همان صیحه‌ی دوم که نفخه‌ی حیات و رستاخیز و بازگشت به زندگی جدید است) گفته می‌شود.

و از مجموعه آیات قرآن استفاده می‌شود که در پایان جهان، صیحه‌ی عظیمی اهل آسمان‌ها و زمین را می‌میراند و این «صیحه‌ی مرگ» است و در آغاز رستاخیز با صیحه و فریاد عظیمی همه زنده می‌شوند و به پا می‌خیزند و این «فریاد حیات و زندگی» است.

اما این دو فریاد دقیقاً چگونه است؟ و چه اثری در صیحه‌ی اول، و چه تأثیری در صیحه‌ی دوم است؟ جز خدا کسی نمی‌داند و از کیفیت و چگونگی آن باخبر نیست.

به هر حال، هر دو نفخه به صورت ناگهانی تحقق می‌یابد؛ اما نفخه‌ی اول چنان غافلگیرانه است که گروه زیادی از مردم مشغول کسب و کار و مخاصمه و جدال بر سر اموال و خرید و فروش‌اند که صیحه‌ی نخستین واقع می‌شود. چنان‌که در روایات اسلامی آمده است که این صیحه‌ی آسمانی آن‌چنان غافلگیرانه است که دو نفر در حالی که پارچه‌ای را گشوده‌اند و مشغول معامله‌اند، پیش از آنکه آن را برچینند و بپیچینند، جهان پایان می‌یابد، و کسانی هستند که در آن لحظه، لقمه‌ی غذا از ظرف برداشته، اما پیش از آنکه به دهان آن‌ها برسد، صیحه‌ی آسمانی فرا می‌رسد و جهان

پایان می‌یابد، و کسانی هستند که مشغول تعمیر و گل‌مالی حوض‌اند تا چهار پایان را سیراب کنند، پیش از آنکه چهارپایان سیراب شوند، قیامت بر پا می‌شود.

و در مورد صیحه‌ی دوم، تعبیرات آیات قرآن از جمله آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی زمر ﴿فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ نشان می‌دهد که صیحه‌ی دوم برای حیات و زندگی، ناگهانی صورت می‌گیرد، و این مسئله درس تربیتی عمیقی به انسان‌ها می‌دهد، و این حقیقت را برایشان روشن می‌سازد که در هر لحظه و هر حال باید آماده برای استقبال از چنین حادثه‌ی هولناک و عظیمی بود، چرا که هیچ تاریخ معینی برای آن بیان نشده و وقوع آن در هر زمان محتمل است و بدون هیچ مقدمه‌ای آغاز می‌شود.

و در بعضی از روایات اسلامی، فاصله‌ی میان دو نفخه، چهل سال ذکر شده است که معلوم نیست معیار این سال‌ها چه اندازه است، سال‌های معمولی و یا سالیان و ایامی همچون سالیان و ایام قیامت؟!

### «حشر» (دوره‌ی دوم زندگی انسان)

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّحْشَرُونَ﴾ [البقرة: ۲۰۳]

﴿وَلَيْنَ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَلِ اللَّهِ مُّحْشَرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۵۸]

﴿وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ ۖ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا﴾ [النساء: ۱۷۲]

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاءُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ

تَزْعُمُونَ﴾ [الأنعام: ۲۲]

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ مَا فَزَّطْنَا فِي

الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: ۳۸]

﴿وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: ۷۲]

﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَلْمَعُشَرُ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ

الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَلِكُمْ

خَلْدَيْنَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنعام: ۱۲۸]

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الأنفال: ۲۴]  
 ﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ...﴾ [يونس: ۲۸]  
 ﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ  
 كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ [يونس: ۴۵]

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يُحْشَرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [الحجر: ۲۵]  
 ﴿...وَمَن يُضِلِّ فَلَن تَجِدَ لَهُم أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ وَنَحْشَرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ  
 عُمِّيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّا وَنُهِمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا﴾ [الإسراء: ۹۷]  
 ﴿وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۴۷]

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشَرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا﴾ [مريم: ۶۸]  
 ﴿يَوْمَ نُحْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًّا﴾ [مريم: ۸۵]  
 ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى﴾ [۱۲۴] قَالَ  
 رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿۱۲۵﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ  
 الْيَوْمَ تُنْسَىٰ ﴿۱۲۶﴾ [طه: ۱۲۴-۱۲۶]

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ  
 هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ﴾ [الفرقان: ۱۷]

﴿وَيَوْمَ نُحْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ [النمل: ۸۳]  
 ﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ [سبا: ۴۰]  
 ﴿أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ [۲۲] مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَىٰ  
 صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿۲۳﴾ وَفَوَّهُم بِمَا مَسَّوْلُونَ ﴿۲۴﴾ [الصافات: ۲۲-۲۴]  
 ﴿يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكِ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾ [ق: ۴۴]  
 ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الملك: ۲۴]



توضیح موضوع: بعد از آنکه به فرمان خدا، اختلالات و تحولات و تغییراتی در آسمان و زمین و ماه و خورشید و ستارگان و... به وجود آمد و با یک بار دمیدن در صور («نفخة واحدة») دستگاه آفرینش و بقای همه‌ی جانداران از کار افتاد، و همه‌ی جانداران فناپذیر شدند، ناگاه بار دیگر در صور دمیده می‌شود و دستگاه عظیم آفرینش الهی با طنین نوای آن صور، بار دیگر و با تبدیل آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمین دیگری، و یکجا زنده کردن تمام انسان‌ها که در دوره‌ی اول به وجود آمده‌اند، برای ابراز نتایج طبیعی همه‌ی اعمال انسان‌ها و تحقق عدالت تکوینی ﴿لِنُجِزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى﴾ [طه: ۱۵] کار خود را به شیوه‌ی متفاوت با شیوه‌ی دوره‌ی اول زندگی انسان، آغاز می‌کند.

### اوضاع و احوال مردم در روز محشر

(آنگاه که خداوند تمام خلائق را زنده کند و همه در زمینی واحد محشور شوند و ترازو میزان نهاده شود و نامه‌ی اعمال هر کس به دست او داده شود و به کار مردم طبق اعمالشان رسیدگی گردد، پس بعضی به بهشت و برخی به دوزخ روند، و کافر در آنجا جاودان ماند و گناهکار مؤمن به اندازه‌ی گناهایش عذاب ببیند):

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾ [۱۶۰] إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿۱۶۱﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرَّرْنَا فَتَنَّا بَرَّأ مِنَّهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿۱۶۲﴾ [البقرة: ۱۶۵-۱۶۷]

﴿يَوْمَئِذٍ يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ

حَدِيثًا﴾ [النساء: ۴۲]

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِن شَفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [الأعراف: ۵۳]



﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [يونس: ۵۴]

﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ﴾ [هود: ۱۰۵]

﴿وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءَ عَلَيْنَا أَجْرُنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ﴿۱۱﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِيَّيْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [ابراهيم: ۲۱-۲۲]

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿۴۲﴾ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ﴾ [ابراهيم: ۴۲-۴۳]

﴿وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿۴۹﴾ سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطْرَانٍ وَتَعْشَى جُوهُهُمْ النَّارُ ﴿۵۰﴾﴾ [ابراهيم: ۴۹-۵۰]

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤَدُّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿۸۴﴾ وَإِذَا رَأَوْا الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفُّ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿۸۵﴾ وَإِذَا رَأَوْا الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۸۶﴾﴾ [النحل: ۸۴-۸۶]

﴿لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ جُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿۳۹﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَةٌ فَيَقْبَهُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿۴۰﴾﴾ [الأنبياء: ۳۹-۴۰]

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ آتِفُوا رَبُّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿۱﴾ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿۲﴾﴾ [الحج: ۱-۲]

﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿١٧﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَعَابَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿١٨﴾ فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿١٩﴾﴾ [الفرقان: ١٧-١٩]

﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢١﴾ وَيَوْمَ يَعْضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾ يَوْمَئِذٍ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿٢٩﴾﴾ [الفرقان: ٢٦-٢٩]

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾﴾ [الشعراء: ٨٨-٨٩]

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٢﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عَلِمْنَا مَاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٨٥﴾﴾ [النمل: ٨٣-٨٥]

﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾ فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٧﴾﴾ [القصص: ٦٢-٦٧]

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّعُونَ ﴿٤٣﴾﴾ [الروم: ٤٣]

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٥٧﴾﴾ [الروم: ٥٧]

﴿فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾﴾ [سبا: ٤٢]

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ [غافر: ۵۲]  
 ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ [۲۶] ﴿يَعْبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ  
 وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ [الزخرف: ۶۷-۶۸]

﴿إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [۴] يَوْمَ لَا يُعْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ  
 يُنصَرُونَ [۱] إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الدخان: ۴۰-۴۲]  
 ﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا  
 الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ [۳۴] ... كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ  
 نَّهَارٍ بَلَّغَ فَبَلَّغَ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ﴾ [الأحزاب: ۳۴-۳۵]

﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوْفِعٌ﴾ [۷] مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ﴾ [۸]﴾ [الطور: ۷-۸]  
 ﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ﴾ [۶] خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِّنْ  
 الْأَجْدَاثِ كَانَتْهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرَةٌ﴾ [۷] مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَاْفِرُونَ هَذَا يَوْمَ  
 عَسِيرٌ﴾ [القمر: ۶-۸]

﴿لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا  
 تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الممتحنة: ۳]

﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ [۴۲] خَلْشَعًا أَبْصَرُهُمْ  
 تَرَهَقُهُمْ ذُلٌّ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ﴾ [القلم: ۴۲-۴۳]

﴿وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا﴾ [۱۱] يُبْصَرُونَ وَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمَ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ  
 بِنَبِيِّهِ﴾ [۱۱] وَصَحْبَتِهِ وَأَخِيهِ﴾ [۱۲] وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُسْوِيهِ﴾ [۱۳] وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ  
 يُنْجِيهِ﴾ [المعارج: ۱۰-۱۴]

﴿يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَتْهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفُضُونَ﴾ [۳۲] خَلْشَعًا أَبْصَرُهُمْ  
 تَرَهَقُهُمْ ذُلٌّ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾ [المعارج: ۴۳-۴۴]

﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ [۸] فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمَ عَسِيرٍ﴾ [۹] عَلَى الْكَاْفِرِينَ عَسِيرٌ﴾ [۱۰]  
 [المدثر: ۸-۱۰]

﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُوجُ ۝ كَلَّا لَا وَزَرَ ۝ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ۝ يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ۝﴾ [القيامة: ۱۰-۱۳]

﴿هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ۝ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ۝﴾ [المرسلات: ۳۵-۳۶]

﴿قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ۝ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ ۝﴾ [النازعات: ۸-۹]

﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ۝ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۝﴾ [النازعات: ۱۳-۱۴]

﴿يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ۝ وَبُرَزَتْ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ ۝﴾ [النازعات: ۳۵-۳۶]

﴿يَوْمَ يَقْرَأُ الْمُرءُ مِنْ أَخِيهِ ۝ وَأُمِّهِ ۝ وَأَبِيهِ ۝ وَصَلْحَتِيهِ ۝ وَبَنِيهِ ۝ لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ

يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۝﴾ [عبس: ۳۴-۳۷]

﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمْ حَاجِبُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۝ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْدِبُونَ ۝﴾ [المطففين: ۱۵-۱۷]

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۝ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ

التَّعِيمِ ۝ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْتومٍ ۝ خَتْمُهُمْ مِسْكٌ ۝ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ

الْمُتَنَافِسُونَ ۝﴾ [المطففين: ۲۲-۲۶]

﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۝ هَلْ تُؤْتَوْنَ

الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝﴾ [المطففين: ۳۴-۳۶]

### انسان‌ها در روز قیامت به سه گروه تقسیم می‌شوند

﴿وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ۝ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝ وَالسَّالِبُونَ السَّالِبُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۝ فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ ۝

ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ۝ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ۝ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ۝ مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا

مُتَقَابِلِينَ ۝ يُطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ۝ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ۝ لَا

يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ ۝ وَفَلَكَهٖ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ۝ وَلَحْمٌ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ۝ وَحُورٌ

عِينٌ ۝ كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ ۝ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا

تَأْتِيْمًا ۝ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ۝ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ۝ فِي سِدْرٍ

فَخُضِّدِ ۳۸ وَطَلِّحْ مَنضُودِ ۳۹ وَظَلِّ مَمْدُودِ ۴۰ وَمَاءِ مَسْكُوبِ ۴۱ وَفَكَهَةِ كَثِيرَةٍ ۴۲ لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ ۴۳ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ۴۴ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ۴۵ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ۴۶ عُرْبًا أَتْرَابًا ۴۷ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ۴۸ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأُولَىٰ ۴۹ وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ۵۰ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مآ أَصْحَابُ الشِّمَالِ ۵۱ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ۵۲ وَظَلِّ مِّنَ يَحْمُومِ ۵۳ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ۵۴ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ۵۵ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحَنِثِ الْعَظِيمِ ۵۶ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَيُّدَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۵۷ أَوْ ءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۵۸ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ۵۹ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ۶۰ ﴿[الواقعة: ۷-۵۰]



- توضیح موضوع: خداوند در روز قیامت مردمان را به سه گروه تقسیم می‌کند:
- ۱- «اصحاب الیمینة» [ایران دست راست]: کسانی که نامه‌ی اعمالشان را به دست راستشان می‌دهند. و این امر در قیامت رمز و نشانه‌ای برای مؤمنان نیکوکار و اهل نجات و سعادت است.
  - ۲- «اصحاب المشأمة» [دست چپی‌ها]: گروهی بدبخت و تیره روز و بیچاره و بینوا که نامه‌های اعمالشان را به دست چپشان می‌دهند که خود نشانه و رمزی است برای تیره‌بختی و جرم و جنایت آن‌ها.
  - ۳- «السابقون الاولون» [پیشتازان پیشگام]: آن‌ها پیشقدمان در خیرات، و پیشاهنگان در حسنات، و پیشوایان و رهبران مردم در اخلاق و صفات انسانی و انجام اعمال و افعال خداپسندانه هستند. و مراد از آن‌ها تمام پیشگامان و پیشتازان همه‌ی ملت‌ها از آغاز جهان تا پایان آن، در انجام اوامر، و دوری از نواهی الهی است. ناگفته پیداست که این گروه برخوردار از مقام والاتری از سمت راستی‌ها می‌باشند، و پیغمبران و پیشقراولان ادیان آسمانی و بزرگان دین و مبارزان راه حق، تشکیل دهندگان این گروهند.

### محاسبه و بازخواست انسان در روز رستاخیز

﴿...فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [البقرة: ۱۱۳]

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ٢٨١]

﴿فَكَيْفَ إِذَا جُمِعْتَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ٢٥]

﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: ٣٠]

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [آل عمران: ١٠٦-١٠٧]

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ...﴾ [آل عمران: ١٨٥]

﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ٦٠]

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَفِيلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ١٣٢]

﴿فَمَا كَانَ دَعْوَانَهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنَاءٌ إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦﴾ فَلَنَقْضِيَنَّهُمْ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ﴿٧﴾ وَالْوَزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾ [الأعراف: ٥-٩]

﴿ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ﴾ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لِحَقٌّ بِمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥٢﴾ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ، وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾ [يونس: ٥٢-٥٤]

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾﴾ [هود: ١٨]

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ ۚ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَٰلَانِيَةً وَيَدْرَعُونَ بِالْحَسَنَةِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾﴾ [الرعد: ٢١-٢٢]

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسَسَلْتَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾﴾ [الحجر: ٩٢-٩٣]

﴿لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كٰذِبِينَ ﴿٣٩﴾﴾ [النحل: ٣٩]

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾﴾ [النحل: ٨٨]

﴿يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَن نَّفْسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهِيَ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١١١﴾﴾ [النحل: ١١١]

﴿وَكُلٌّ فِيهِمُ النَّارُ سَٰبِقَةٌ وَفِي عُقُوبِهِمُ عَنُقُبَةٌ ۗ وَأُخْرِجُوا لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأُ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾﴾ [الإسراء: ١٣-١٤]

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَابِسٍ بِإِمْلِهِمْ ۗ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۗ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ ۗ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ ۗ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾﴾ [الإسراء: ٧١-٧٢]

﴿... وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَٰ وَبُكْمًا وَصُمًّا ۖ مَا أَوْنُهُمْ جَهَنَّمَ ۗ كُلَّمَا حَبَتِ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا ۗ أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا وَرَفْتًا ۗ آءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾﴾ [الإسراء: ٩٧-٩٨]

﴿وَعَرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۗ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوَضِعَ الْكِتَابِ فَتَرَىٰ الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً ۗ إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَٰضِرًا ۗ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾﴾ [الكهف: ٤٨-٤٩]

﴿وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا﴾ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿١١٠﴾ [الكهف: ١٠٠-١٠١]

﴿وَكُلُّهُمْ عَاتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾ [مريم: ٩٥-٩٦]

﴿وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٣﴾ [طه: ١١١-١١٢]

﴿أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾ ﴿١﴾ [الأنبياء: ١]

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾ ﴿٤٧﴾ [الأنبياء: ٤٧]

﴿...لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ ﴿٩﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿١٠﴾ [الحج: ٩-١٠]

﴿فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ ﴿٥٠﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾ [الحج: ٥٠-٥١]

﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ﴾ ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٥٧﴾ [الحج: ٥٦-٥٧]

﴿وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ ﴿٦٢﴾ [المؤمنون: ٦٢]

﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكِبُونَ﴾ ﴿٧٤﴾ [المؤمنون: ٧٤]

﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ﴿١٣﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٣﴾ [المؤمنون: ١٠٢-١٠٣]

﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا

يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾ ﴿١١٧﴾ [المؤمنون: ١١٧]

﴿يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَسِنَّتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ ﴿٤٤﴾ يَوْمَئِذٍ يُوقِفُهُمُ

اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقُّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٤٥﴾ [النور: ٢٤-٢٥]



﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُوهُم كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَقَّعَهُ حِسَابُهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٣٩﴾﴾ [النور: ۳۹]

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَأَمِنُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٧﴾﴾ [النمل: ۸۹-۹۰]

﴿وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَنْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ ۖ وَلِيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣﴾﴾ [العنكبوت: ۱۳]

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ﴿١٥﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿١٦﴾﴾ [الروم: ۱۵-۱۶]

﴿مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسِهِمْ يَمْهَدُونَ ﴿١٤﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿١٥﴾﴾ [الروم: ۴۴-۴۵]

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٣﴾ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَكُمْ ۖ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾﴾ [السجدة: ۱۳-۱۴]

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ ۖ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزِ الْإِيمِ ﴿٥﴾﴾ [سبأ: ۴-۵]

﴿فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٥﴾﴾ [يس: ۵۴]

﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٦﴾﴾ [يس: ۶۵]

﴿وَقَفُّوهُمْ ۖ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿١٤﴾﴾ [الصفات: ۲۴]

﴿إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٦﴾﴾ [الصفات: ۳۸-۳۹]

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَتْ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَوَقَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾﴾ [الزمر: ۶۹-۷۰]

﴿لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾ يَوْمَ هُمْ بَرْزُورٌ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمُ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٦﴾ الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾﴾ [غافر: ١٥-١٧]

﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا جُلُودُهُمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُصَبِّحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾﴾ [افصلت: ٢٠-٢٣]

﴿تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٤﴾﴾ [الشورى: ٢٢]

﴿وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾﴾ [الجاثية: ٢٨-٢٩]

﴿أَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣١﴾﴾ [الطور: ١٦]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ ﴿٣١﴾﴾ [الطور: ٢١]

﴿فَدَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾﴾ [الطور: ٤٥-٤٧]

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ ﴿٣١﴾﴾ [النجم: ٣١]

﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ ﴿٤٠﴾ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ ﴿٤١﴾﴾ [النجم: ٣٩-٤١]

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٦﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ ﴿٥٧﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ ﴿٥٨﴾ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٩﴾﴾ [القمر: ٥٢-٥٥]

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ ﴿٥١﴾ لَا كَلِمَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُوقِمٍ ﴿٥٢﴾ فَمَا لِيُونَ مِنْهَا الضُّطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَرِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ ﴿٥٥﴾ هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾﴾ [الواقعة: ٥١-٥٦]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾﴾ [الحديد: ١٩]

﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٢٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢١﴾﴾ [المجادلة: ٦-٧]

﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ ۗ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ إِلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكٰذِبُونَ ﴿١٨﴾﴾ [المجادلة: ١٨]

﴿لَنْ نَنْفَعَكُمْ أَرْحَامَكُمْ وَلَا أَوْلَادَكُمْ ۗ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٢﴾﴾ [المتحنة: ٣]

﴿قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مَلَقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾﴾ [الجمعة: ٨]

﴿رَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧﴾﴾ [التغابن: ٧]

﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ۗ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ ۗ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾﴾ [التغابن: ٩]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ ۗ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧﴾﴾ [التحریم: ٧]

- ﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۸]
- ﴿يَتَّبِعُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ يَمَّا قَدَّمَ وَأَخَّرَ﴾ [القيامة: ۱۳]
- ﴿يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الإنسان: ۳۱]
- ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ۖ صَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۖ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۖ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجِرَةُ﴾ [عبس: ۳۸-۴۲]
- ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ۖ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۙ وَإِذَا الْصُّحُفُ نُشِرَتْ ۙ﴾ [التكوير: ۸-۱۰]
- ﴿عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرْتَ ۙ﴾ [التكوير: ۱۴]
- ﴿عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ۙ﴾ [الانفطار: ۵]
- ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ۖ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۙ﴾ [الغاشية: ۲۵-۲۶]
- ﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۗ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ۙ﴾ [البلد: ۱۷-۲۰]
- ﴿يَوْمَئِذٍ يُصْدِرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لَّيْرًا أَعْمَلَهُمْ ۖ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۗ ۙ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۗ﴾ [الزلزلة: ۶-۸]
- ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَءَسُهُ فِي الْقُبُورِ ۙ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ۙ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ۙ﴾ [العاديات: ۹-۱۱]
- ﴿ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۙ﴾ [النكاثر: ۸]



**توضیح موضوع:** محاسبه و بازخواست انسان در محشر، و کتاب و نامه‌ی اعمال که فرشتگان اعمال خوب و بد انسان را در آن ثبت و ضبط می‌کنند، و وزن اعمال در روز رستاخیز، همه با دلائل قطعی از قرآن و سنت و با اجماع علماء به ثبوت رسیده است. مسلماً محاسبه‌ی انسان‌ها و وزن و سنجش اعمال آن‌ها با وجود علم خداوند به آن‌ها، بیهوده نیست، زیرا به اقتضای حکمت است، و عدم اطلاع ما انسان‌ها از حکمت آن موجب بیهوده بودن آن نمی‌شود، و شاید از جمله‌ی حکمت آن این باشد که مردم مقدار اعمالشان را بدانند، چون اگر قبل از محاسبه و وزن اعمال، وارد بهشت یا دوزخ

شوند، چه بسا صالحان و نیکان گمان کنند که اعمالشان مستحق مرتبه‌ای بالاتر بوده، و گناهکاران و بزهکاران تصور کنند که عذابشان بیشتر از گناهانشان است؛ و یا اینکه تا انسان اعمال پذیرفته شده و رد شده‌ی خود را بداند و...

### بهشت

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنُؤُوا بِهِءَ مُتَشَبِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَرْوَاحٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾﴾ [البقرة: ۲۵]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾﴾ [البقرة: ۸۲]

﴿قُلْ أُوتِيتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَرْوَاحٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾﴾ [آل عمران: ۱۵]

﴿وَسَارِعُونَ إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾﴾ [آل عمران: ۱۳۳]

﴿أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾﴾ [آل عمران: ۱۳۶]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَرْوَاحٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾﴾ [النساء: ۵۷]

﴿فَأَثَبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٥﴾﴾ [المائدة: ۸۵]

﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١٩﴾﴾ [المائدة: ۱۱۹]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾﴾ [الأعراف: ۴۲]

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا...﴾ [الرعد: ٣٥]

﴿وَأُدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ﴾ [إبراهيم: ٢٣]

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعَيْونَ ﴿٤٥﴾ أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾﴾ [الحجر: ٤٥-٤٨]

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّوهُمْ الْمَلَكُكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ٣٢]

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ [الحج: ١٤]

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٣﴾ وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطٍ الْحَمِيدِ﴾ [الحج: ٢٣-٢٤]

﴿إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكُهُونٍ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾﴾ [يس: ٥٥-٥٨]

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾﴾ [الزمر: ٧٣]

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٦﴾ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾﴾ [الزخرف: ٦٩-٧٣]

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾ كَذَلِكَ وَرَزَوْنَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ ءَامِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّهَهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾﴾ [الدخان: ٥١-٥٦]

﴿سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِالْهَمِّ ﴿٥٧﴾ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ ﴿٥٨﴾﴾ [محمد: ٥-٦]

﴿إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...﴾ [محمد: ١٢]

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَّاءٍ غَيْرِ ءَاسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ، وَأَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ...﴾ [محمد: ١٥]

﴿وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ﴿٣٢﴾ مَن خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ﴿٣٣﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾﴾ [ق: ٣١-٣٥]

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾ فَلَكَهِنَّ بِمَا ءَاتَهُنَّ رُبُّهُنَّ وَوَقَّهَهُنَّ رُبُّهُنَّ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾ كُلُوا وَأَشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَرَزَوْنَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَّهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ﴿٢١﴾ وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَعْوُ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكُونٌ ﴿٢٤﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّعْنَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾﴾ [الطور: ١٧-٢٧]

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥١﴾ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٢﴾﴾ [القم: ٥٤-٥٥]

﴿وَلِمَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ

بَطَّأْنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ فِيهِنَّ قَلَصِرَاتُ الْظَّرْفِ لَمْ يَطْمِئْتُنَّ إِِنَّسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَامَتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾ فِيهِمَا فَلَكِهِةٌ وَنَخْلٌ وَرَمَّانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِئْتُنَّ إِِنَّسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَى رُفْرِفٍ خُضْرٍ وَعَبَقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾ تَبَرَّكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾ [الرحمن: ٤٦-٧٨]

﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٢٩﴾ وَظِلِّ مَمْدُودٍ ﴿٣٠﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَفَلَكِهِةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً ﴿٣٥﴾ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾ عُرْبًا أَتْرَابًا ﴿٣٧﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَى ﴿٣٩﴾ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾﴾ [الواقعة: ٢٧-٤٠]

﴿سَابِقُوا إِلَى مَعْفَرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا عَرْضُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٦١﴾﴾ [الحديد: ٢١]

﴿فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿٦١﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٦٢﴾ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٦٣﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٦٤﴾﴾ [الحاقة: ٢١-٢٤]

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِّنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥٠﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٥١﴾﴾ [الإنسان: ٥-٦]

﴿وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾ مُتَّكِعِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْبَابِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا ﴿١٣﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿١٤﴾ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِبَانِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ﴿١٥﴾ قَوَارِيرًا مِّن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾ وَيُسْقَوْنَ



فِيهَا كَأَسَا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا ﴿١٩﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوعًا أَسَاوِرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقْلَهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا ﴿٢٢﴾ [الإنسان: ۱۲-۲۲]

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٢١﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٢٢﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٢٣﴾ وَكَأَسَا دِهَاقًا ﴿٢٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿٢٦﴾﴾ [النبا: ۳۱-۳۶]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾﴾ [البروج: ۱۱]

﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ﴿١١﴾ لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿١٢﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٣﴾ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً ﴿١٤﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٥﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿١٦﴾ وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ﴿١٧﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٨﴾ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ﴿١٩﴾﴾ [الغاشية: ۸-۱۶]

﴿وَأَدْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾﴾ [الفجر: ۳۰]



**توضیح موضوع:** «جنت» [بهشت]: تمام لغت‌شناسان اتفاق دارند بر اینکه معنای اصلی ماده‌ی «جنن» [که «جنت» = بهشت، از آن گرفته شده]، پوشاندن است و موارد کاربرد آن در قرآن و کلام عرب، مؤید این معنا می‌باشد.

از این ماده، واژه‌های مختلفی اشتقاق پیدا کرده که به آن‌ها اشاره و علت وجه اشتقاق نیز بیان می‌شود:

**الف) «جن»:** این واژه در مقابل واژه‌ی «انسان» قرار دارد و وجه تسمیه‌ی این موجود به «جن» این است که از دید انسان‌ها پوشیده و پنهان است.

**ب) «جنین»:** به طفلی که در شکم مادر می‌باشد، «جنین» می‌گویند، چون در شکم مادر مستور و نهان است.

**ج) «جنان» [قلب]:** به علت آنکه در محفظه‌ای پنهان است.

د) «جَنَّتْ»: اگر جنت دنیوی مراد باشد، علت نامگذاری آن این است که زمین آن به واسطه‌ی برگ و شاخه‌ها و علفزار پوشیده شده است، از این رو به آن جَنَّتْ (بوستان و باغ) می‌گویند.

و اگر جَنَّتْ اخروی مراد باشد، منظور بهشت اعمال است که ثواب اعمال انسان‌ها برای آن‌ها پوشیده است.

ه) «مجنون»: علت نامگذاری شخص به مجنون آن است که عقل او پوشیده است و نمی‌تواند از آن استفاده کند.

به هر حال بهشت سرای نعمت و خوشی است که مؤمنان وارد آن می‌شوند و برای همیشه در آن به سر می‌برند، در آن نه گرما و سرما، نه بیماری و نه مرگ وجود دارد و نه آن و نه ساکنانش از بین نمی‌روند. [بقره/۸۲، کهف ۱۰۷ و ۱۰۸، حجر/۴۸] و اهل سنّت و جماعت معتقدند که بهشت و دوزخ هم اینک آفریده شده و موجوداند و دلائل آن‌ها عبارتند از:

۱- قصه‌ی آدم و حوّا: از آنجا که خداوند آن‌ها را در بهشت جای داد و بعد آنان را از آن بیرون کرد؛ این دلیل بر آن است که بهشت هم اکنون موجود است.

۲- ظاهر آیات بر آماده کردن و مهیا نمودن بهشت و دوزخ دلالت دارند، زیرا در آن‌ها فعل به صورت ماضی آمده است، مانند: ﴿وَأَتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۱]، ﴿وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۳] و...

۳- عبدالله بن مسعود<sup>رضی الله عنه</sup> به طور مرفوع حدیثی از پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> روایت کرده است که دلالت می‌کند بر اینکه ارواح شهداء در درون پرندگانی سبز در بهشت می‌گردند.

۴- تمام انبیاء مردم را به بهشت مژده داده و از دوزخ ترسانیده‌اند و تأثیر اصلاحی تبشیر و انذار در صورتی قوی است که به هنگام تبشیر و انذار، جَنَّتْ و دوزخ موجود باشند.

پیرامون مکان بهشت و دوزخ بیشتر مفسرین گفته‌اند که بهشت بالای آسمان‌های هفتگانه و زیر عرش است. پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> می‌فرماید: «بهشت صد درجه است و ما بین هر دو درجه‌ی آن، درست به اندازه‌ی بین آسمان‌ها و زمین است و بالاترین درجه‌ی آن «فردوس» است که نهرهای چهارگانه‌ی بهشت از آن منشعب می‌شود، و بالای آن

عرش است، پس هر گاه از خداوند درخواست کردید، فردوس را از او طلب نمایید.» [ترمذی و بخاری] و گفته‌اند که دوزخ در زیر زمین‌های هفتگانه است. اما بهتر این است که گفته شود جای آن‌ها در مکانی است که غیر از خداوند کسی بدان آگاه نیست.

به هر حال ما از گنه و ماهیت و کیفیت جزا و پاداش گور و بهشت و دوزخ و حدود و مرز آنچه که به جسم و جان می‌رسد، و مکان بهشت و دوزخ و کیفیت و چگونگی آن‌ها نمی‌دانیم و همه‌ی آن‌ها مربوط به عالم غیب است. آری چیزی از گنه و ماهیت و کیفیت آن‌ها نمی‌دانیم، لیکن به تمام این‌ها یقین و ایمان داریم و سخن از تفصیل و کیفیات آن‌ها چیزهایی است که ما نمی‌توانیم از آن سخن بگوئیم، و ما آنچه در وحی آمده و وحی بدان خبر داده است می‌پذیریم و دقایق و حقایق و تفصیل و جزئیات و چگونگی آن را به آینده واگذار می‌نمائیم، و دوست نداریم که ندانسته و رجماً بالغیب از آن‌ها چیزی بگوئیم.

و همین اندازه می‌توان گفت که بعد از زنده کردن همه‌ی انسان‌های مرده و گردهمایی تمام آن‌ها و ارائه کارنامه و اسناد جرمها و طاعت‌های آن‌ها و گواهی شهود عینی بر حقایق مندرجات کارنامه‌ها، و تعیین نتایج موازین عمل سنج و محاسبه‌ی دقیق آفریدگار، به دو بخش تقسیم می‌شوند: بخشی به پاداش ایمان و اعمال و اخلاق مقبول در رسالت پیامبران خدا به بهشت روانه می‌گردند، و بخش دیگر به کیفر کفرپیشگی و ارتکاب جرم و جنایت‌ها و اعمال و عقاید و اخلاق ممنوع در رسالت پیامبران خدا، به دوزخ روانه و گسیل داده می‌شوند. و در پرتو آیه‌های قرآن می‌توان اوضاع و احوال این دو دسته در بهشت و در دوزخ را اینگونه ارائه کرد که: دسته‌ی اول که قرآن آنان را مؤمنان پرهیزگار، مؤمنان نیکوکار، مؤمنان صادق، مؤمنان مطیع خدا و پیامبر، مؤمنان دارای استقامت، مؤمنان دارندگان ایمان و عمل صالح، مؤمنان از خداترس، مؤمنان وفاکننده به عهد و پیمان، مؤمنان مجاهد در راه خدا با جان و مال، مؤمنان اهل توبه و عبادتها و امر به معروف و نهی از منکر، معرفی کرده است که به بهشتی روانه می‌گردند که قرآن آن را به نام‌های «دارالسلام»، «دارالخلود»، «دارالاقامة»، «جنة المأوی»، «جنات عدن»، «الفردوس»، «الحيوان» و... نامیده است. و در آن‌ها از این امور بحث شده است: وسعت بهشت، دروازه‌های بهشت، امکانات رفاهی و نعمت‌های بهشت، باغ‌ها و بوستان‌های بهشت، رودها و

سرچشمه‌های بهشت، کاخ‌های برافراشته و تالارهای سر به آسمان ساییده‌ی بهشت، وسایل رفاه کامل منازل بهشت اعم از زیراندازها، متکاها، تخت‌های راحتی، ظروف بسیار زیبا، قیمتی و میل برانگیز، لباس‌های فاخر و زینت‌آلات بهشتیان، خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های لذیذ و مطبوع بهشت، غذا و نوشیدنی‌های بهشتیان، گردانندگان نوشیدنی‌های بهشت، همسران و حوران بهشتیان، هوای معتدل و مطلوب موجود در بهشت، محیط سراسر آرامش و آسایش و دور از اضطراب و تشنج اعصاب و خستگی کار، محیط سراسر صفا و صمیمیت بهشت، ورود برخی از بهشتیان به صورت خانواده به بهشت، جاودانه بودن زندگی بهشتیان در میان آن همه تنعم و همراه احترام و گرمی داشتن بسیار و حتی بی‌نظیر و...

### «نام‌های بهشت» مطابق آنچه در قرآن کریم وارد شده است

#### «جَنَاتِ النَّعِيمِ»

[باغ‌های پر نعمت بهشت]:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَأْمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ

النَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ [المائدة: ٦٥]

#### «دار السلام»

[خانه‌ی امن و امان، و سرزمین سلام و درود. که جای شادی است و غم و اندوه و بلا و مصیبتی در آن نیست]:

﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾ [الأنعام: ١٢٧]

#### «جَنَاتِ عَدْنِ»

[بهشت جاویدان که سرای اقامت و ماندگاری و زیستن واقعی و همیشگی است]:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

وَمَسَلِكِمْ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

[التوبة: ٧٢]

#### «دار المتقين»

[سرای جاویدان پرهیزکاران]:

﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ﴾ [النحل: ۳۰]

### «جَنَاتِ الْفِرْدَوْسِ» [بهشت برین]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا﴾ [الکہف: ۱۰۷]



**توضیح موضوع:** «فردوس»: برخی گفته‌اند که واژه‌ی «فردوس» یک لغت رومی است. و بعضی آن را عربی و بعضی اصل آن را فارسی می‌دانند، و به معنای «باغ و بوستان» است. به هر حال «فردوس» همان بهشت برین (بهترین و برترین باغ‌های بهشت) است که تمام نعمت‌ها و مواهب الهی در آن جمع است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اذا سألتُم الله الجنة فاسئلوهُ الفردوسَ، فاتهُ اعلى الجنة و اوسط الجنة و منه تُفجَّر انهار الجنة و فوقه عرش رحمن» [بخاری و مسلم]، «چون از خدا بهشت را درخواست می‌کنید، «فردوس» را از او بخواهید، زیرا فردوس بلندترین و بهترین جای بهشت و میانه‌ی آن است که همه‌ی نهرهای بهشت از فردوس جاری می‌شود و عرش خدای رحمان بر فراز آن قرار دارد.»

### «جَنَّةُ الْخُلْدِ»

[بهشت جاویدان و ماندگار]:

﴿قُلْ أَذَلِكِ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا﴾

[الفرقان: ۱۵]

### «جَنَاتِ الْمَأْوَى»

[باغ‌های محل زندگی. یعنی دنیا جایگاه سفر است، ولی بهشت جایگاه ماندن و زندگی کردن است آن هم برای همیشه]:

﴿أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۹]

## «دار المقامة»

[سرای اقامت و ماندگاری]:

﴿الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا

لُغُوبٌ﴾ [فاطر: ۳۵]

## «المقام الأمين»

[جایگاه امن و امان و بدون ترس و خوف]:

﴿إِنَّ الْأُمْتَقِينَ فِي مَقَامٍ آمِنٍ﴾ [۵۱] فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ﴾ [الدخان: ۵۱-۵۲]

تذکر: در این کتاب، من فقط به ذکر یک موضع از این نام‌ها در قرآن کریم پرداخته‌ام، و هر کس اطلاعات بیشتری از مواضع تکرار نام‌های بهشت می‌خواهد، باید به کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم»، اثر: سیدمحمد فؤاد عبدالباقی، مراجعه فرماید.

## اعراف

﴿... وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلِّمُوا عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ﴾ [۶۱] وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [۶۷] وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ [۶۸] أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا حَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ [الأعراف: ۴۶-۴۹]



توضیح موضوع: «اعراف» جمع «عُرف» به معنای مکان مرتفع و بلند است. و چنان‌که در آیات و احادیث آمده، روشن می‌شود که «اعراف» منطقه‌ای است حد فاصل میان بهشت و دوزخ با ویژگی‌های خاصی که دارد. و به تعبیر دیگر، «اعراف»، مکان خاصی است میان دو قطب سعادت و خوشبختی و فلاکت و بدبختی، یعنی بهشت و دوزخ که همچون حجابی میان این دو کشیده شده است.

و شاید «اعراف» همچون زمین مرتفعی در میان این دو فاصله گردیده است به طوری که آن‌ها روی آن قرار دارند، مشرف بر بهشت و دوزخند و هر دو گروه را مشاهده می‌کنند و از چهره‌های تاریک و روشن آن‌ها می‌توانند آن‌ها را بشناسند.

نظرات مختلفی درباره‌ی اهل اعراف به چشم می‌خورد که مهمترین آن‌ها عبارتند از:

۱. برخی از علماء و اندیشمندان اسلامی برآنند که اهل اعراف، شهداء هستند.
۲. برخی آنان را اولیای خدا دانسته‌اند که بر بلندی میان بهشت و دوزخ قرار می‌گیرند و از سیمای مردم، همه‌ی آن‌ها را می‌شناسند، بهشتیان را سلام و تبریک می‌گویند و از سرنوشت دوزخیان نگرانند (حال شهداء نیز همانند اولیای خدا است).
۳. برخی برآنند که اهل اعراف، فرشتگانی هستند که بر بلندی میان بهشت و دوزخ گماشته شده‌اند و مؤمنان و کافران را قبل از ورودشان به بهشت و دوزخ از هم جدا می‌کنند.
۴. برخی نیز می‌گویند: آنان مردمانی‌اند که ثواب‌ها و گناهانشان برابر است و اعمال نیکشان کمتر از آن است که بتوانند به وسیله‌ی آن وارد بهشت گردند، پس به فضل و رحمت الهی وارد بهشت می‌شوند، و آخرین کسانی که به بهشت وارد می‌شوند، آن‌ها هستند. و این قول را بیشتر علماء و مفسرین، قوی‌تر و بهتر از اقوال دیگر دانسته‌اند.
۵. برخی می‌گویند: صاحب و محور اصلی اعراف، اولیای خدایند و افراد ضعیف که گناهان و عباداتی دارند، در حاشیه قرار دارند. نیکوکاران به بهشت می‌روند و مجرمان به دوزخ؛ افراد متوسط و ضعیف در اعراف گرفتار و منتظر سرنوشت می‌مانند، ولی اولیای خدا که بر اعراف و بر بلندی میان بهشت و دوزخ قرار دارند، به اجازه‌ی خدا به کمک آنان برخاسته و به اجازه‌ی خدا شفاعت و میانجیگری آن‌ها را می‌کنند.

به هر حال ما به اعراف آن‌چنان که در آیات قرآن و احادیث نبوی ﷺ آمده، ایمان داریم و بحث از جزئیات و خصوصیات و تفاسیل و حقایق آن را به خدا واگذار می‌کنیم و دوست نداریم که ندانسته و رجماً بالغیب در این باره چیزی از خود بگوئیم.

## دوزخ

﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۗ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾﴾ [البقرة: ٢٤]

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۗ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾﴾ [آل عمران: ١٢]

﴿وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣﴾﴾ [آل عمران: ١٣]

﴿فَمِنْهُمْ مَنْ ءَامَنَ بِهِءٍ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾﴾ [النساء: ٥٥-٥٦]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٠﴾﴾ [المائدة: ١٠]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٨٦﴾﴾ [المائدة: ٨٦]

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾﴾ [الأعراف: ٣٦]

﴿قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ ۗ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا آدَارُكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَبْتُمْ وَأَوْلَيْتُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَءَاتَيْتُمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ ۗ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَٰكِن لَّا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾﴾ [الأعراف: ٣٨]

﴿لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ ۗ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾﴾ [الأعراف: ٤١]

﴿...وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٦﴾﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٧﴾﴾ [الأنفال: ٣٦-٣٧]

﴿يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْزِبُونَ ﴿٣٥﴾﴾ [التوبة: ٣٥]

﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ ۗ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ ۗ وَتَمَّتْ لَكُمْ رَبَّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾﴾ [هود: ١١٩]



﴿...وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ عَ  
أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ [الرعد: ۱۸]

﴿مِن وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ﴿۱۶﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِغُهُ وَيَأْتِيهِ  
الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿۱۷﴾﴾ [ابراهيم: ۱۶-۱۷]

﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۴۳﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿۴۴﴾﴾  
[الحجر: ۴۳-۴۴]

﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصُمًّا وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ  
سَعِيرًا ﴿۹۷﴾﴾ [الإسراء: ۹۷]

﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿۷۱﴾ ثُمَّ نُحْيِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَدْرُ  
الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثْيًا ﴿۷۲﴾﴾ [مريم: ۷۱-۷۲]

﴿إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصْبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَرِدُونَ ﴿۹۸﴾ لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ  
ءَالِهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۹۹﴾ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ﴾ [الأنبياء: ۹۸-۱۰۰]

﴿هَذَانِ حَصْمَانِ اٰخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ  
يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿۱۹﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿۲۰﴾ وَلَهُمْ مَقْلِعٌ مِّنْ  
حَدِيدٍ ﴿۲۱﴾ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۲۲﴾﴾  
[الحج: ۱۹-۲۲]

﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۵۱﴾﴾ [الحج: ۵۱]

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿۱۱﴾ إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ  
بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ﴿۱۲﴾ وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرِنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ  
ثُبُورًا ﴿۱۳﴾﴾ [الفرقان: ۱۱-۱۳]

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿۶۵﴾ إِنَّهَا  
سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿۶۶﴾﴾ [الفرقان: ۶۵-۶۶]

﴿وَبَرَزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿۹۱﴾﴾ [الشعراء: ۹۱]

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٢١﴾﴾ [الفرقان: ٢١]

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [السجدة: ٢٠]

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿١٥﴾ خٰلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٦﴾﴾ [الأحزاب: ٦٤-٦٥]

﴿إِنَّ الشَّيْطٰنَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾﴾ [فاطر: ٦]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كٰفٍ ﴿٣١﴾ وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صٰلِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٣٧﴾﴾ [فاطر: ٣٦-٣٧]

﴿أَذٰلِكَ خَيْرٌ تُزَلُّ أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿١٦﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّٰلِمِينَ ﴿١٧﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رِئُوسُ الشَّيْطٰنِينَ ﴿١٩﴾ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُونَ مِنْهَا فَمَا لَوْ شِئْنَا لَمَخَّرْنَا عَنْ آلِ فِرْعٰوْنَ وَآلِ لٰوِيِّنَ أَشْجَارًا تَأْكُلُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [الصافات: ٦٢-٦٧]

﴿هٰذَا وَإِنَّ لِلظَّٰلِمِينَ لَشَرًّا مَّآبٍ ﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادِ ﴿٥٦﴾﴾ [ص: ٥٥-٥٦]

﴿لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ لِيُعٰبَدَ فَاذْقُوا ﴿١٦﴾﴾ [الزمر: ١٦]

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيٰتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خٰلِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوٰى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾﴾ [الزمر: ٧١-٧٢]

﴿وَإِذْ يَتَحَاوَرُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخِزْنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾ قَالُوا أَوْ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلِكُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٥٠﴾﴾ [غافر: ٤٧-٥٠]

﴿الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلْسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾﴾ [غافر: ٧٠-٧٦]

﴿...وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلِ ﴿٤٤﴾ وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفِ حَفِيٍّ ﴿٤٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْآخِصِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿٤٥﴾﴾ [الشورى: ٤٤-٤٥]

﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٥﴾ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَمَلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾﴾ [الزخرف: ٧٤-٧٨]

﴿إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ﴿٤٢﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلِيِّ الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُدُّهُ فَاعْتَلَوْهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [الدخان: ٤٣-٥٠]

﴿مِن وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ ﴿١٠﴾ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠﴾﴾ [الجاثية: ١٠]

﴿...كَمَنْ هُوَ خَلِيلٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾ [محمد: ١٥]

- ﴿وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا﴾ [الفتح: ١٣]
- ﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ﴾ [اق: ٣٠]
- ﴿يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً﴾ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ ﴿١٤﴾ أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾ أَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَنُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ [الطور: ١٣-١٦]
- ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿٤٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾﴾ [القمر: ٤٧-٤٨]
- ﴿هَذِهِ جَهَنَّمَ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٣٢﴾ يُطوفُونَ بَيْنَهَا وَيَبْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ ﴿٤١﴾﴾ [الرحمن: ٤٣-٤٤]
- ﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَأَكُونَنَّ مِنْ شَجَرٍ مِّن رَّقُومٍ ﴿٥٢﴾ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَرِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ ﴿٥٥﴾ هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾﴾ [الواقعة: ٥١-٥٦]
- ﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكذِّبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنُزِّلْ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾ وَتَصْلِيَةً جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾﴾ [الواقعة: ٩٢-٩٤]
- ﴿يَأْتِيهَا الدِّينَ ءَأَمِنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾﴾ [التحریم: ٦]
- ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيْطَانِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿٥﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَيَبْسُ الْمَصِيرُ ﴿٦﴾ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾﴾ [المك: ٥-١٠]
- ﴿خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿٣١﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾ فَلَيْسَ

لَهُ الْيَوْمَ هَلْهَنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلِينَ ﴿٣٦﴾ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾  
[الحاقة: ۳۰-۳۷]

﴿كَلَّا إِنَّهَا لَظَنَىٰ ﴿١٥﴾ نَزَاعَةً لِلشَّوَىٰ ﴿١٦﴾ تَدْعُوا مِنْ أَدْبَرٍ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٧﴾ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ﴿١٨﴾﴾  
[المعارج: ۱۵-۱۸]

﴿إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾﴾ [المزمل: ۱۲-۱۳]  
﴿سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾ لَا تُبْقَىٰ وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوَاحٍ لِّبَشَرٍ ﴿٢٩﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْبَشَرِ ﴿٣١﴾﴾ [المدثر: ۲۶-۳۱]

﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِّلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾﴾ [الإنسان: ۴]  
﴿أَنْظِلُّوهُ إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِءُ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾ أَنْظِلُّوهُ إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثُلُثِ شُجْعٍ ﴿٣٠﴾ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُعْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣١﴾ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾ كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ ﴿٣٣﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾﴾ [المرسلات: ۲۹-۳۴]

﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ لِّلظَّالِمِينَ مَعَابًا ﴿٢٢﴾ لِّبِئْسَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَا يَدْخُلُوهَا فِيهَا بَرَدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً وَفَاقًا ﴿٢٦﴾﴾ [النبأ: ۲۱-۲۶]  
﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ﴿٣٥﴾ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَن ظَعْنَىٰ ﴿٣٧﴾ وَعَاثَرِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٣٩﴾﴾ [النازعات: ۳۴-۳۹]

﴿وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ﴿١٢﴾﴾ [التكوير: ۱۲]  
﴿وَإِنَّ الْفَجَارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾﴾ [الانفطار: ۱۴-۱۶]

﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿۱۷﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿۱۸﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿۱۷﴾﴾ [المطففين: ۱۵-۱۷]

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَأَى ظَهْرَهُ ﴿۱۷﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿۱۸﴾ وَيَصَلِّي سَعِيرًا ﴿۱۹﴾﴾ [الانشقاق: ۱۰-۱۲]

﴿الَّذِي يَصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَى ﴿۱۲﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿۱۳﴾﴾ [الأعلى: ۱۲-۱۳]

﴿تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿۱۴﴾ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ عَائِنِيَّةٍ ﴿۱۵﴾ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ ﴿۱۶﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿۱۷﴾﴾ [الغاشية: ۴-۷]

﴿وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿۲۳﴾﴾ [الفجر: ۲۳]

﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿۱۴﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿۱۵﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿۱۶﴾﴾ [الليل: ۱۴-۱۶]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿۶﴾﴾ [البينة: ۶]

﴿فَأْمُرْ هَاوِيَةً ﴿۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ﴿۲﴾ نَارُ حَامِيَةٍ ﴿۱۱﴾﴾ [القارعة: ۹-۱۱]

﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿۵﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿۶﴾﴾ [التكاثر: ۵-۶]

﴿كَلَّا لَئِن لَّبَدُنَّ فِي الْخُطْمَةِ ﴿۴﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْخُطْمَةُ ﴿۵﴾ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ ﴿۶﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿۷﴾﴾ [الهمزة: ۴-۷]

﴿سَيَصَلَّى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿۳﴾﴾ [المسد: ۳]



توضیح موضوع: قبلاً گفتیم که انسان‌ها بعد از ارائه کارنامه و اسناد جرم‌ها و طاعت‌های آن‌ها، و گواهی شهود عینی بر حقانیت مندرجات کارنامه‌ها و تعیین نتایج موازین عمل سنج و محاسبه‌ی دقیق آفریدگار به دو بخش، تقسیم می‌شوند: دسته‌ی اول مؤمنان هستند که به بهشت و نعمت‌های آن روانه می‌گردند. و دسته‌ی دوم: انسان‌های منحرف از راه پیامبران خدا است که قرآن کریم آنان را کافران، تکذیب‌کنندگان، منافقان، مجرمان، غاویان، ظالمان و ستمگران، طاغیان، فاجران، فاسقان، دشمنان خدا، ترجیح‌دهندگان دنیا بر آخرت، و سبک کفه‌های ترازوی اعمال نیک، معرفی کرده است، که در قیامت آن‌ها را به سوی عذابخانه‌ی

هراسناکی سوق می دهند که قرآن کریم آن عذابخانه را به نام‌های: «هاویه»، «سعیر»، «لظی»، «سقر»، «حطمه»، «جحیم»، «جهنم»، «نار» و... نامیده است، و در آیات زیادی از کم و کیف مجازات‌ها و چگونگی وسایل عذاب، و شیوهی مجازات آن‌ها بحث شده است، از جمله اینکه: دوزخیان گروه گروه به سوی دروازه‌های دوزخ به خواری و ذلت رانده می‌شوند، پرت کردن دوزخیان به دوزخ، و به غلّ و زنجیر بستن آنان، راندن دوزخیان به نقاطی که عذاب شدیدتری را ببینند، مأموران عذاب دوزخیان و مواد سوخت آتش دوزخ، لباس ویژه‌ی دوزخیان، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های دوزخیان، شیوه‌های گوناگون عذاب دوزخیان و...

«نام‌های دوزخ (جهنم)» مطابق آنچه در قرآن کریم وارد شده است

«النار»

[آتش سوزان]:

﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۴]

«الجحیم»

[آتش برافروخته و فروزان]:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾ [البقرة: ۱۱۹]

«جهنم» [دوزخ]

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ [البقرة: ۲۰۶]

«السعیر»

[آتش برافروخته و شعله‌ور و سوزان]:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ

سَعِيرًا﴾ [النساء: ۱۰]

## «لَطَى»

[آتش سوزان و سراپا شعله که پیوسته زبانه می کشد و هر چیز را در کنار و مسیر خود بیاید، می سوزاند، و اعضاء و اندامهای بدن را جدا می کند و با خود می برد]:

﴿كَلَّا إِنَّهَا لَلَطَىٰ ﴿١٥﴾ نَزَاعَةٌ لِّلشَّوٰی ﴿١٦﴾﴾ [المعارج: ۱۵-۱۶]

## «سَقَر» [ذوب کننده]

﴿سَأْصَلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَذْرٰكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾ لَا تُبْقٰی وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوَاحَةٌ لِّلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيَّهَا

تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾﴾ [المدثر: ۲۶-۳۰]



**توضیح موضوع:** «سقر» در اصل به معنای دگرگون شدن و ذوب شدن بر اثر تابش و حرارت خورشید است، سپس به عنوان یکی از نام‌های دوزخ انتخاب شده است، و انتخاب این نام، اشاره به عذاب‌های هولناک و وحشتناک دوزخ است که دامان کافران و فاسقان و ملحدان و مشرکان و چندگانه‌پرستان و بزهکاران را می‌گیرد، و چهره‌ها و اعضاء و اندام آن‌ها را دگرگون و ذوب می‌نماید.

برخی از علماء و صاحب‌نظران اسلامی، «سقر» را نام یکی از طبقات و درکات هول‌انگیز دوزخ دانسته‌اند.

## «الهاویة»

[پرتگاه ژرف و محل سقوط]:

﴿وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾ وَمَا أَذْرٰكَ مَا هِيَةٌ ﴿١٠﴾ نَارٌ حَامِيَةٌ ﴿١١﴾﴾

[الفارعة: ۸-۱۱]



**توضیح موضوع:** «هاویة» از ماده‌ی «هوی» به معنای افتادن و سقوط کردن است. و دوزخ محل سقوط گناهکاران و بزهکاران و کافران و مشرکان و فاسقان و فاسدان و مجرمان و ملحدان است که در آن پرت می‌شوند و سقوط می‌کنند.

و «هاویة» اشاره به عمق آتش دوزخ نیز دارد که دوزخ پرتگاهی ژرف و عمیق و محل سقوط خطرناک و هول‌انگیزی است.



## «الْحَطْمَةُ»

[بسیار درهم شکننده و خُرد کننده]:

﴿كَلَّا لِيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطْمَةِ ﴿٤﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ ﴿٥﴾ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿٦﴾﴾ [الهمزة: ۴-۶]



توضیح موضوع: «حُطْمَةُ» صیغه‌ی مبالغه از ماده‌ی «حطم» به معنای در هم شکستن چیزی است. و این نشان می‌دهد که آتش سوزان دوزخ به شدت اعضای دوزخیان را در هم می‌شکند و خُرد می‌کند. و این نام برای دوزخ، بیانگر این واقعیت است که تأثیر آتش سوزان دوزخ همسان تأثیر آذرخشهای آسمانی و امواج انفجاری مهیب است که نه تنها ساختمان‌های عظیم را تخریب می‌کنند بلکه شاخه‌های آهن و ستون‌های عظیم را هم خم می‌نمایند و در هم می‌شکنند.

تذکر: در این کتاب، من فقط به ذکر یک موضع از نام‌های دوزخ در قرآن پرداخته‌ام، و هر کس اطلاعات بیشتری از مواضع تکرار نام‌های دوزخ می‌خواهد، باید به کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم»، اثر: سیدمحمد فؤاد عبدالباقی مراجعه فرماید. [مؤلف]



## «علم و دانش، و دانشمندان و فرهیختگان»

«علم و دانش، و دانشمندان و فرهیختگان»

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ  
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ١٥١]

﴿...وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ  
رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ٧]

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [١٨] إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ  
بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ...﴾ [آل عمران: ١٨-١٩]

﴿...وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ  
عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ [النساء: ١١٣]

﴿لَكِنِ الرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ  
قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ...﴾ [النساء: ١٦٢]

﴿...مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَن أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا  
وَهَدَى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ  
وَلَا ءَابَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ تَمَّ ذَرْهُمْ فِي حَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ﴾ [الأنعام: ٩١]

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ...﴾ [يونس: ٣٩]

﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى

صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ [إبراهيم: ١]

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [٨٥]

[الإسراء: ٨٥]

﴿وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾﴾ [الحج: ٥٤]

﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ﴿٤٣﴾﴾ [العنكبوت: ٤٣]

﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾﴾ [سبا: ٦]

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ﴿٢٠﴾ وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ ﴿٢١﴾﴾ [فاطر: ١٩-٢١]

﴿...إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾﴾ [فاطر: ٢٨]

﴿...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾﴾ [الزمر: ٩]

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ ﴿١٤﴾﴾ [الشورى: ١٤]

﴿وَعَاتَيْنَهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ... ﴿١٧﴾﴾ [الجاثية: ١٧]

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾﴾ [الجاثية: ١٨]

﴿الرَّحْمَنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٥﴾ بِحُسْبَانٍ ﴿٦﴾﴾ [الرحمن: ١-٥]

﴿أَفَرَأَى بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ أَفَرَأَى أَقْرَبًا وَأَلَكْرَمًا ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾﴾ [العلق: ١-٥]



توضیح موضوع: علم و دانش یکی از ارزش‌های بلند و برتر رسالت اسلام و قرآن است؛ و قرآن کریم زندگی مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی، سیاسی و نظامی، فرهنگی و اقتصادی، عبادی و خانوادگی و... انسان را براساس آن قرار داده است و آن را راه ایمان و فراخوان به عمل و اولین نامزد و جانشین خداوند

در زمین قرار داده است، و وسیله‌ی فضل و برتری حضرت آدم علیه السلام بر فرشتگان که در تکاپوی احراز مقام خلافت خداوند بودند، قرار داد.

اسلام، دین دانش و قرآن، کتابی است که به دانش و دانش‌آموزی مردم را فرامی‌خواند؛ و اولین آیه‌ای که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید، از علم و دانش و دانش‌آموزی بحث می‌کند و می‌فرماید: ﴿أَقْرَأْ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝۱﴾ [العلق: ۱].

قرآن، بزرگترین کتابی است که در راستای دور ریختن خرافات و دوری از تقلید کورکورانه‌ی آباء و اجداد و شخصیت‌ها و بزرگان، و عوام‌زدگی و شخصیت‌پرستی، «اندیشه‌ی علمی» و تحقیق و بررسی را ملاک قرار داده است؛ اندیشه‌ای که در عرصه‌ی بحث و بررسی حقایق و باورهای یقینی، ارزشی برای حدس و گمان و هواپرستی قائل نمی‌شود، و در زمینه‌ی مشاهدات قطعی ملموس، ادعای بدون دلیل قاطع را نمی‌پذیرد، و در عقلیات تنها منطق سلیم، و در نقلیات تنها روایات مطمئن را می‌پذیرد.

قرآن، بحث و بررسی را واجب و اندیشیدن را عبادت، و جستجوی حقیقت را راهی برای نزدیکی به خداوند، و به کارگیری ابزار شناخت را شکر نعمت، و عدم استفاده از آن‌ها را مایه‌ی نکبت و نقت به شمار می‌آورد.

قرآن در بسیاری از آیاتش از «اولی الالباب» و «اولوالنهی» و «اولوالابصار» نام می‌برد و در اینجا مقصود از «صاحبان بصر»، صاحبان اندیشه است نه کسانی که چشم حسی دارند.

و در بسیاری از جاها «لقوم یتفکرون» و «لقوم یعلمون» و «لقوم یعقلون» می‌گوید و در لابلای بسیاری از آیات به دل‌های غافل تذکر می‌دهد که «افلا تعقلون» و «افلا تتفکرون».

در تمدن اسلامی - برخلاف بسیاری از تمدن‌های دیگر - چیزی از جدال میان «دین و دانش» یا میان «حکمت و شریعت» یا بین «عقل و نقل» وجود ندارد؛ اضافه بر آن بسیاری از افتخارات تاریخ تمدن بشری در زمینه‌های علوم پزشکی، ریاضی، شیمی و ستاره‌شناسی و... مانند ابن‌رشد، فخر رازی، خوارزمی، ابن‌الفیس، ابن‌خلدون، ابن‌سینا، فارابی و... را در آغوش خویش پرورش داده است؛ از این رو همه‌ی اصول اسلام به تمام معنی با علم و دانش و تمدن سازگاری و هماهنگی دارد.

و دانشمندان اسلامی و فرهیختگان دینی و پژوهشگران قرآنی و محققان احادیث تابناک نبوی در مورد وجوب کسب علم و دانش بر همه‌ی زنان و مردان مسلمان،

اتفاق نظر دارند؛ برخی از علوم را «فرض عین» و برخی دیگر را جزو «فرض کفایه» به شمار می‌آورند.

علمی واجب عینی و فردی هستند و بر هر فرد مسلمان فراگیری آن واجب و فرض می‌باشند که در جهت فهم عقاید و اندیشه‌ها و عبادات و اخلاق و کارهای دنیوی برای تأمین زندگی خود و خانواده و انجام مسئولیت مشارکت اجتماعی، به آن نیازمند باشد. و علمی فرض کفایی هستند که در تحقق امور و مصالح دنیا و دین جامعه‌ی اسلامی، اعم از علوم دینی یا دنیوی نقشی را برعهده داشته باشند. به همین خاطر علمای مسلمان معتقدند که علمی مانند: پزشکی و مهندسی و فنی و صنعتی که مبنای زندگی اقتصادی و اجتماعی هستند، واجب کفایی می‌باشند. بدین معنی که چنان‌چه به اندازه‌ی کافی و مورد نیاز پزشک و مهندس و صنعتکار خبره و کارشناس در همه‌ی عرصه‌های مختلف وجود داشته باشند و خلاء موجود را پر کنند و نیازها را برآورده نمایند، در مجموع جامعه‌ی اسلامی به وظیفه‌ی خود عمل کرده است و مسئولیت و گناه ترک آن ساقط می‌گردد؛ اما چنان‌چه در یکی از زمینه‌های علمی و فنی مورد نیاز کوتاهی شود و به صورت محدود یا گسترده به دیگران وابسته شوند، گناه و مسئولیت آن متوجه همه‌ی ملت مسلمان به ویژه مسئولین امور می‌گردد. و در پرتو همین مفاهیم و ارزش‌ها است که ارکان تمدن اسلامی براساس «علم و ایمان» پایه‌ریزی گردیده است. و براستی کمال و تمامیت انسان، براساس دانش و بینش او استوار است، زیرا در سایه‌ی این بینش می‌تواند خود را در رده‌ی فرشتگان آسمانی قرار داده و برای وصول به مقامات رفیع اخروی، کسب آمادگی کند.

خامه‌ای که دانشمند در طریق ارشاد جامعه بر روی کاغذ و نوشت افزار به جریان می‌اندازد، از خون شهداء و جانبازان راه حق، گرانقدرتر و ارجمندتر است. آن‌گاه که عالم و دانشمند در مسیری گام برمی‌دارد فرشتگان الهی، بال و پر خویش را زیر پای او می‌گسترانند، پرندگان هوا، ماهیان دریا و همه‌ی جانداران و جانوران او را می‌پایند و از پروردگار، آمرزش و رحمت او را درخواست می‌کنند.

دانشمندی که شبانگاه و یا لحظه‌ای در بستر خواب قرار می‌گیرد و یا بر چیزی تکیه می‌زند تا بدان وسیله برای نشر علم و ارشاد مردم تجدید قوا کند، خواب و استراحت او بر عبادت و نیایش هفتاد ساله‌ی عاری از بینش پارسایان و زاهدان و عابدان برتری دارد.

به هر حال، باید انسان مسلمان توجه داشته باشد که خداوند عَلَمٌ، علم و دانش را علت اساسی آفرینش همه‌ی پدیده‌های هستی - اعم از آسمان و زمین - معرفی کرده است. و همین نکته برای نشان دادن عظمت و ارزش علم، بهترین دلیل گویا و قاطع‌ترین گواه می‌باشد.

وقتی خداوند می‌خواهد چشم بصیرت انسان را در برابر این نکته و حقیقت باز کند و دل‌های خردمندان را در مقابل این واقعیت، آگاه و بیدار سازد، در نبشتار استوار بنیاد و کتاب آسمانی خود می‌گوید:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ [الطلاق: ۱۱۲]

برای روشن شدن مسئله فضیلت علم - به ویژه علم به توحید و یگانگی خدا - همین آیه کفایت می‌کند، علم توحید یعنی اطلاع از یگانگی و یکتایی پروردگار جهان، اساس و بنیاد هر دانش، و محور هر گونه شناخت و معرفت است؛ یعنی همه‌ی دانش‌ها و معارف، سرانجام انسان را به خدا رهنمون می‌گردد، به همین جهت پروردگار عالم، دانش و معرفت را از لحاظ شرافت و ارزش در اوج همه‌ی مراتب و مقامات قرار داده است.

و براستی که علماء و دانشمندان و فرهیختگان و دانشوران، چراغ هدایتند، پیامبران ارشادند، و امانتداران خدا در میان مردمند که گمراهان را هدایت و دست طالبان ارشاد را می‌گیرند و به مقصد می‌رسانند. خداوند فهم وسیع، عقل سرشار، و بصیرت نافذ را به آنان بخشیده است که از اشتباه و خطا در رأی، و فساد فکری مصون باشند و آنان را در کشف حقایق و غوامض علوم یاری دهد. سینه‌هایشان ظرف معارف و دل‌هایشان گنجینه‌ی حکمت‌ها است که بسان چشمه‌های جوشانی هستند که مردم را سیراب می‌سازند بدون اینکه خشک شوند. هر چند که در میان ملت‌ی بیشتر باشند، آن ملت پیشرفته‌تر و مترقی‌تر است، و کمی و دور بودنشان از ملت، موجب انحطاط و عقب‌ماندگی آن ملت است.

با مرگ یک عالم حقیقی، چراغی که تاریکی‌های زندگی را می‌زدود خاموش می‌شود، و شمشیر برنده‌ای که مدافع حق بود گند می‌شود و رکنی از ارکان عظمت امت اسلامی، منهدم و ویران می‌گردد. و هر گاه چنین عالمی، جانشینی شایسته نداشته باشد، تاریکی همچنان بر دوام، و کاخ عظمت همچنان بی‌رکن و منهدم است و

خرافات و اوهام بر عقل‌ها مستولی می‌شود، و حشرات فتنه و گمراهی در فضای اسلامی ظاهر می‌گردند و کسانی صدرنشین مجالس می‌شوند که شایستگی و لیاقت آن را ندارند، و افرادی بر کرسی افتاء و قضاوت می‌نشینند که هیچ نسبتی با علم و دانش و حکمت و فرزاندگی ندارند و اساطیر و خرافات و بدعت‌ها حاکم شده و علم حقیقی رخت برمی‌بندد و در نتیجه گمراهی همه جا را فرامی‌گیرد.

پس بر علماء لازم است امانتی را که خداوند ﷻ از مسائل علوم و فنون مختلف برعهده‌ی آن‌ها گذاشته، در بین مردم انتشار دهند و نور هدایت را بر مردم بیفشانند، و بر عامه‌ی مردم لازم است که بر فهم آنچه که در زندگی به آن نیازمندند بکوشند تا در وادی جهل و گمراهی قرار نگیرند.

### «علم ربّانی»

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا ءَاتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَّدُنَّا عِلْمًا﴾

[الکھف: ۶۵]

﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ...﴾

[النمل: ۴۰]



**توضیح موضوع:** «عالم ربّانی» به کسی گفته می‌شود که ارتباط او با «ربّ» (پروردگار) قوی و مستحکم باشد و جز به سوی علم و دانش و حکمت و فرزاندگی دعوت نکند؛ و قصد و نیتش آراستن و خوب گردانیدن باطن خود باشد به فضیلت‌هایی که او را به قرب حق تعالی و به جوار ملأ اعلی می‌رساند و جزو مقربین آستانه‌ی او می‌گرداند، و قصدش از تحصیل علم رسیدن به مقام ریاست و سیادت و کسب مال و ثروت و جاه و موقعیت نیست.

و علمای ربّانی، رستگاران هستند که مقرب آستانه‌ی حق تعالی می‌باشند و آنان علاماتی دارند: یکی اینکه علم را وسیله‌ی طلبیدن دنیا قرار نمی‌دهند و دنیا را به وسیله‌ی دین نمی‌چاپند و آخرت را به دنیا نمی‌فروشند چرا که آنان بزرگی و ماندگاری نعمت آخرت و ذلت و حقارت و خست و ناپایداری دنیا را خوب می‌شناسند.

و «علم ربّانی»: علمی است که خداوند ﷻ براساس حکمت بی‌انتهایش به یکی از بندگان عنایت کند، مانند اینکه اسمای اعظم [و رمزهای گشایشگر و نمایانگر حقایق]



را به آدم ابوالبشر تعلیم داد، و فراست و هوشمندی ژرف بینانه‌ای به خضر علیه السلام اعطا کرد، و تعبیر و خواب‌گزاری را به یوسف علیه السلام تعلیم داد، و فن و هنر زره‌سازی را به داود علیه السلام آموخت، و زبان مرغان و پرندگان را به سلیمان علیه السلام تعلیم داد، و عیسی مسیح علیه السلام را به تورات و انجیل آشنا و آگاه ساخت ﴿وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾ [آل عمران: ۴۸].

و به خاتم پیامبران حضرت محمد صلی الله علیه و آله، شریعت و قوانین الهی و آیین یکتاپرستی را آموخت.

### برتری دادن آدم علیه السلام بر فرشتگان به ذریعه‌ی علم و دانش

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۳۱-۳۲]



**توضیح موضوع:** خداوند متعال با نخستین نعمت خویش - یعنی علم و دانش - بر آدم ابوالبشر، منت نهاد، آن‌گاه که پروردگار جهان، آدم علیه السلام را آفرید و او را از بوته‌ی عدم رهایی بخشید و لباس هستی بر قامت وی انداخت، بر او از آن جهت منت می‌گذارد که وجود او را با زیور علم بیاراست. و برآستی که معیار برتری او بر فرشتگان در علم و بینش خلاصه می‌شود، همانگونه که علم و آگاهی آدم علیه السلام به اسماء و حقایق الهی، سبب گشت که فرشتگان در پیشگاه او به سجده افتند و رفعت مقام و منزلت انسان بر همه‌ی موجودات مُحَرَز گردید، و هوشمندی و فراست و ژرف‌بینی خضر علیه السلام موجب شد که موسی علیه السلام و یوشع علیه السلام همچون شاگرد مکتب او گردند و موسی علیه السلام را ناگزیر کند که در برابر او سخت فروتنی نماید، چنان‌که این حقیقت از لابلای آیات مربوط به داستان موسی علیه السلام و خضر علیه السلام استفاده می‌شود.

و علم به تعبیر خواب و خواب‌گزاری یوسف علیه السلام زمین‌های برای او فراهم ساخت که خاندانی آبرومند تشکیل دهد و ریاست مملکت و کشوری را بدست گرفته و به گونه‌ای تمکن و قدرت یابد که به عنوان فرد شاخص و برگزیده‌ای در میان خاندان یعقوب علیه السلام و

تمام خاندان بشری بدرخشد.

و مهارت و کارآیی فتنی داود علیه السلام در فن زره‌سازی، موجب ریاست و والایی مقام او گشت، و سلیمان علیه السلام از رهگذر درک زبان مرغان و پرندگان، توانست به بلقیس دست یافته و بر حکومت ابرقدرت‌ها چیره شود. و اطلاع عیسی علیه السلام بر حقایق تورات و انجیل، موجب گشت که لگه‌های تهمت از دامنِ مادر پاکدامن خویش بزداید، و بصیرت و آگاهی حضرت خاتم انبیا محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله به راه و رسم زندگانی انسانی و قوانین الهی و آیین یکتاپرستی، این افتخار را نصیب او ساخت تا از امت خود در روز قیامت شفاعت کند.

براستی که علم و دانش، رمز تفوق و برتری نوع انسانی بر سایر مخلوقات و موجودات زمینی و فراز زمینی است. در سوره‌ی نمل آیه ۱۵ می‌خوانیم:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ

عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۵﴾ [النمل: ۱۵]

«ما به داود و سلیمان دانش قابل ملاحظه‌ای عطا کردیم و آنان سپاس خدا را به جای آوردند و گفتند: حمد و سپاس خداوند را سزا است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود به سبب علم و دانش برتری بخشید.»

آن‌ها معیار برتری خود را بر دیگران در علم و دانش خلاصه کردند نه در قدرت و حکومت، و شکر و سپاس را نیز در برابر علم و دانش شمردند نه بر مواهب دیگر، چرا که هر ارزشی است برای علم و دانش است، و هر قدرتی است از علم و دانش سرچشمه می‌گیرد.

### پسندیده بودن سفر برای تحصیل علم

﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا

إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿۱۲۲﴾ [التوبة: ۱۲۲]

﴿قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُشْدًا ﴿۶۶﴾ [الكهف: ۶۶]



توضیح موضوع: یکی از وظایف دانش پژوه، آن است که علایق و دلبستگی خود را نسبت به دنیا و متاع دنیوی کم کند و به خاطر تحصیل علم از اهل و وطن و زادگاه خود دور شود تا اینکه برای کسب علم و دانش یک جهت و آسوده خاطر گردد زیرا که:

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾ [الأحزاب: ۴]

«خداوند دو دل را در درون یک فرد قرار نداده است».

و پرواضح است که هر گاه فکر انسان متفرق و پراکنده گردد، کمتر حقایق را دریافت می کند و به همین خاطر است که گفته اند: «العلم لا يعطيك بعضه حتى تُعطيه كُلك»: علم بعضی از خود را به تو نخواهد داد تا تو تمام تلاش خود را برای آن به کار نگیری.

از این رو، شاگرد پویای علم و دانش، باید به قدر امکان و توانایی خود، ریشه‌ی هر گونه موانعی که او را از کسب علم و دانش منحرف و به خود مشغول می سازد، قطع کند، و پیوند و علاقه و دلبستگی‌های مادی که میان او و حسّ دانشجویی و کمال طلبی و کوشش‌هایش در تحصیل علم، سدّی ایجاد می کند، از هم بگسلد.

چرا که اگر انسان در برابر تنگناهای زندگی و تنگدستی‌ها، صبر و خویشتن‌داری را در پیش گیرد، در او ظرفیت و آمادگی کافی برای پذیرش و دریافت علم به وجود می آید، دل او از پریشانی‌ها و اضطراب‌هایی که آمال و آرزوهای دور و دراز، آن را به بار آورده است، رهایی می یابد، در چنین دلی رهیده از تشویش و اضطراب‌های مادی و دنیوی است که آبخورهای حکمت و کمال روحی انسان به جوشش و فیضان می افتند.

یکی از پیشینیان می گوید: «آنکه علم و دانش حقیقی را در سایه‌ی فرازمنندی در معیشت و رفاه و آسایش زندگی، جویا گردد، سرانجام ناکام شد، ولی آنکه در عین خواری معیشت و تنگدستی، خدمت به علماء و مجالست با آنان را برگزید، توانست شاهد موفقیت و کامیابی را در آغوش گیرد و پیروزمندانه در عرصه‌ی علم، چهره گشاید. و هیچ کس نمی تواند به این علم و دانش نائل گردد، مگر آنکه دگه‌ی تجارت و مرکز و کانون انتفاعی خود را تعطیل نموده، و باغ و بوستانش را به ویرانی کشاند و از دوستانش فاصله گیرد و اگر یکی از نزدیکترین خاندان خود را از دست بدهد در کنار جنازه‌ی او حضور نیابد.» البته منظور این است که طالب علم باید از هر گونه علایق و پیوندهای مادی ببرد تا به مطلوب و وصال معشوق علمی خویش نائل گردد، و مسلماً افرادی که دل‌های آنان در گرو آمال گوناگون، دستخوش پریشانی و تشویش و

اضطراب است و فکر آنان به خاطر تراکم مشاغل انتفاعی و مادی، فاقد تمرکز در مسائل علمی است، نمی‌توانند به هدف مطلوب خود از لحاظ بینش و دانش نائل شوند.

### والایی مقام علماء و دانشمندان

﴿...ذَرَفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنعام: ۸۳]  
 ﴿...ذَرَفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ﴾ [یوسف: ۷۶]  
 ﴿...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [المجادلة: ۱۱]

### وجوب مراجعه به علماء و دانشمندان در زمینه‌ی مسائل دینی

و مسلمانان باید هر آنچه را نمی‌دانند از آگاهان و اهل خبره‌ی آن، سؤال کنند، چرا که جهل عذر نیست و پرسیدن و دانستن وظیفه‌ی هر مسلمان است، از این رو مسائل دین را باید از کارشناس دین پرسید، و همانطور که پرسش از علماء و دانشمندان اسلامی لازم است، پذیرفتن و قبول کردن پاسخ آن‌ها نیز لازم است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳]  
 ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الأنبياء: ۷]

### مشروعیت استنباط

﴿وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۸۳]



توضیح موضوع: دانشمندان اسلامی براساس آیات قرآن و احادیث نبوی، به وجوب اجتهاد و ضرورت مجتهدان در هر عصر و زمانی تأکید فروان داشته‌اند و به خوبی درمی‌یابیم که در مواجهه با مشکلات جز با احیای اجتهاد نمی‌توان به نیرومند کردن شریعت دل بست. البته باید دانست که شریعت الهی محتاج بازسازی نیست، زیرا آن از

جانب خداوند علیم است، بلکه فهم و درک ما از شریعت است که مدام نیاز به احیاء و بازسازی دارد. چون پرسش‌های هر عصری، فرزند و زاییده‌ی آن عصرند، و قبل از بلوغ علمی زمانه، ممکن نیست که پاسخ آن پرسش‌ها بر خاطر کسی جز معصوم عبور کند. لذا چون دانش‌ها نوشونده‌اند بنابراین پرسش‌ها و به تبع آن پاسخ‌های شریعت به آن هم نو می‌شوند و درد جدید را با داروی جدید مداوا می‌نماید.

و براستی که اجتهاد و استنباط، به شریعت اسلام باروری و حاصلخیزی عطا می‌کند و به آن برای رهبری زمام امور زندگی در جهت اهداف و مقاصد شارع، قدرت سرشاری می‌بخشد بدون اینکه از حدود حریم الهی تجاوز کند و یا حقوق انسانی را پایمال نماید.

و کسانی که در ارتباط با استنباط و استخراج احکام شریعت سروکار دارند باید دارای شرایطی باشند که جز با وجود آن شرایط، توانایی احراز مقام اجتهاد را نخواهند داشت و این شرایط عبارتند از:

آشنایی با قرآن کریم، آشنایی با اسباب نزول قرآن، آگاهی از آیات ناسخ و منسوخ، آشنایی با سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آشنایی با زبان و ادبیات عرب، آشنایی با موارد اجماع، آشنایی با علم اصول فقه، آگاهی از اهداف و مقاصد شریعت، آگاهی از وضعیت زندگی مردم (جامعه‌شناسی)، عدالت و تقوا، آشنایی با فروع فقهی و اصول دین.

به هر حال شریعت اسلام، خاتم و نگین شریعت‌هایی است که حامل هدایت الهی برای بشریت بوده‌اند و خداوند متعال آن را با ویژگی‌های فراگیر، جاویدان، و جهان‌شمول، آراسته گردانید، لذا آن شریعت برای همه‌ی جهانیان از هر نژاد و رنگی، از هر قوم و محیطی و در تمام زمینه‌ها و حالات مختلف زندگی، تا روز رستاخیز رحمت و برکتی از سوی خداوند می‌باشد.

خداوند متعال اصول و احکامی را در آن شریعت مقدس به ودیعت نهاده که بدان وسیله قوانین و ارشادات آن، در هر زمان و مکان و در تمام عرصه‌های تکامل و پیشرفت جهان، جوابگوی مقتضیات و خواسته‌های بشریت است، و آن به این دلیل است که خداوند علیم و حکیم از یک طرف صفت کشش و انعطاف‌پذیری را در آن شریعت قرار داده و از طرف دیگر در پیوند با احکام اجرایی، مسائل و احکامی که فاقد دلیل قطعی هستند، منبع اجتهاد و استنباط و استخراج را برای دانشمندان اسلامی تشریح فرموده است. بنابراین شریعت حلال و بیانگر حکم هر قضیه‌ی جدید و نوینی

[مستحده] است و همراه با پیشرفت زمان و تکامل بشریت همراه با ارائه برنامه‌های عالی و معالجه‌ی هر درد جدیدی با داروی جدید از داروخانه‌ی خود نه با داروهای وارداتی از داروخانه‌های شرق و غرب، جامعه را به عالی‌ترین درجه‌ی کمال انسانیت و تعالی قوانین گسیل می‌دارد.

### وعظ و ارشاد

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

﴿...وَذَكِّرْهُمْ بِأَيِّمِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [ابراهیم: ۵]

﴿بِالْمَيْمِنَةِ وَالْزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴]

﴿وَأذْكُرَنَّ مَا يَتَّبَعُ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۴]



**توضیح موضوع:** بهترین و مفیدترین و مؤثرترین پند و وعظ آن است که واعظ و مبلغ، اوضاع و شرایط و احوال مردم را در نظر بگیرد و مناسب‌ترین وقت را انتخاب کند تا سخنانش در دل‌های مردم بهتر نفوذ کند و بتواند آنان را جذب نماید و بهترین واعظ کسی است که مسائل علمی را برگزیده و آنچه را که به نفع دنیا و آخرت آنان است بیان نماید، جملات و سخنان زیبا را با شیوایی و رسایی خاصی ایراد کند، جدی را با شوخی، نثر را با نظم و سخنان حکیمانه را با فکاهیات درمی‌آمیزد، شوق و رغبت آنان را به سوی بیانات خود فراخواند، آنان را از مشغلت‌های دنیوی به سوی تفقه و تعلّم ترغیب نماید که در این وقت، وعظ و علمش مفیدتر و مؤثرتر است.

و پیامبر اسلام که اسوه و الگوی مؤمنان و تمام جهانیان است، در وقت وعظ و ارشاد اوقات مناسبی را برای پند و اندرز یارانش انتخاب می‌نمود و آنان را اندرز و تعلیم می‌داد و حوادث و احوالات آنان را به عنوان موعظه‌ی بلیغ قرار می‌داد، ولی به خاطر عدم خستگی و ناتوان نشدن و نپذیرفتن آنان در وعظ و پند، مداومت نمی‌بود، بلکه مانند پزشک حاذقی، جان بیمار را در نظر می‌گیرد و به اندازه‌ی نیاز دارو را برای

او تجویز می‌کند و در مداوای او پا به پای مریض راه می‌رود تا اینکه بیمار دلتنگ نشود و از مصرف دارو بیزار نگردد که معالجه‌اش دشوار و شفایش غیرممکن گردد. در حقیقت برای انسان‌ها اوقاتی است که دل‌ها بیشتر به فراگیری علم و دانش راغب و آماده پذیرفتن و گوش دادن به موعظه‌اند و این زمانی است که از رنج و اندوه خالی و صاف‌تراند.

و در این لحظه باید اندازه و مقدار را رعایت کرد و گاهی دل‌ها و روانها خسته و افسرده‌اند و سختی و دشواری زندگی بر آن‌ها سنگینی می‌کند، در این حال آماده‌ی پذیرش وعظ و اندرز نیستند، پس در این حال نباید واعظ خود را مشغول به وعظ و اندرز نماید، چون آب در هاون کوفتن است.

باید در سخنرانی و اندرز دادن، به پیامبر ﷺ تأسی جست و واعظ و مرشد، مانند جمع‌کننده‌ی هیزم در شب نباشد که نمی‌داند چه چیزی را به مردم می‌گوید، و متعظیش را هم نمی‌شناسد.

و چه بسا به سبب جهل و نادانی بسیاری از واعظین از راه و روش وعظ و ارشاد و القاء درس و علم، بهره و فایده‌ای از وعظ گرفته نمی‌شود و مردم از نشستن و گوش دادن در مجالس وعظ ابا می‌ورزند و رفتن به مجالس لهو و لعب را بر مجالس وعظ و ارشاد ترجیح می‌دهند. [ر.ک: چراغ مصطفوی، ص ۱۷۶]

### فراست مؤمن

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ [الحجر: ۷۵]



توضیح موضوع: «فراست» در لغت به معنای دریافتن و ادراک باطن چیزی از نظر کردن به ظاهر آن است، و به معنای هوشیاری، تیزهوشی و زیرکی نیز می‌آید. و «علم فراست»: علمی است که با داشتن آن از نظر کردن به شکل و قیافه‌ی اشخاص به اخلاق و سیرت و باطن آنان پی ببرند.

و در حقیقت مؤمنان، با فراست و هوشیاری و بینش مخصوص خود، از هر علامتی، جریان‌ی را کشف می‌کنند، و از هر اشاره‌ای، حقیقتی و از هر نکته‌ای، مطلب مهم و آموزنده‌ای را استنباط می‌کنند، و مؤمنان راستین «متوسّم» هستند که با فراست،

سریع الانتقال و کاملاً هوشیار و زیرک هستند. پیامبر ﷺ می فرماید: «از فراست مؤمن بپرهیزید چرا که او به نور خدا می بیند.»

### کیفر و پادافرهی کسانی که کتمان علم می کنند

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ﴿۱۵۹﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاُولَٰئِكَ أَثُوبٌ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶۰﴾﴾ [البقرة: ۱۵۹-۱۶۰]



توضیح موضوع: در آیات و احادیث بی شماری خدا و رسول به تمام دانشمندان و علمای اسلامی اخطار می دهند که آن ها موظفند در تبیین و روشن ساختن اوامر و فرامین الهی و تعالیم و آموزه های نبوی و احکام و دستورات شرعی و حقایق و مفاهیم والای قرآنی بکوشند و در این راستا از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزند و حقایق آسمانی و شرعی را عریان و آشکار در اختیار مردم بگذارند تا به روشنی همه ی توده ها از آن آگاه گردند و به روح و جان آن ها برسند و آن ها که در تبیین و توضیح و تفسیر و روشن ساختن مسلمانان کوتاهی کنند، مشمول لعن و نفرین خدا و مردم و فرشتگان قرار خواهند گرفت، چرا که ظلم فرهنگی، بدترین ظلم ها است که لعنت خالق و مخلوق را به دنبال دارد، و مانع هدایت مردم و باقی ماندن نسل ها در گمراهی است.

و کتمان حق می تواند صورت های گوناگونی داشته باشد، گاهی با سکوت و عدم اظهار حق، گاهی با توجیه و گاهی با سرگرم کردن مردم به امور جزئی و غافل ساختن آن ها از مسائل اصلی است. در هر صورت پیامبر ﷺ در مورد کتمان کنندگان علم می فرماید: «هر کس که علم و دانش را از آن ها که اهل آن هستند و نیاز به آن دارند کتمان کند، خداوند در روز رستاخیز، دهنه ای از آتش به دهان او می زند.»

تهدید و مذمتی که در حدیث نسبت به کتمان کنندگان علم و دانش آمده به خاطر آن است که این عمل زشت می تواند امت ها و نسل ها را در گمراهی و جهالت و شقاوت و بدبختی نگهدارد، همانگونه که اظهار حق می تواند مایه ی نجات امت ها بشود.



## تشویق و ترغیب بر تعلیم و تعلم

﴿...وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾ [آل عمران: ۷۹]

## مناظره در علم

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّىَ  
الَّذِى يُحِىءُ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحِىءُ وَأُمِيتُ قَالَ إِبرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِ بِالشَّمْسِ مِنَ  
الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِى كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾  
[البقرة: ۲۵۸]

﴿... أَتَوْنِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّن عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الأحقاف: ۴]



**توضیح موضوع:** مناظره و تبادل فکر و رأی و نظر در احکام دینی به عنوان بخش و عضوی از پیکره‌ی دین تلقی می‌شود، ولی مناظره و تبادل نظر دارای شرایط و آداب و موقعیت و فرصت مناسبی می‌باشد و باید در مناظره شرایط و آدابی رعایت شوند که عبارتند از:

۱. باید مناظره به منظور اثبات حق انجام گیرد، نه به خاطر تظاهر و ریا. هدف و مقصود مناظره‌کننده باید عبارت از رسیدن به حق و پویا شدن ظهور و پیدا گشتن آن باشد ولو آنکه به هر کیفیتی این حق ثابت شود و نباید منظور اهل بحث و مناظره چنین باشد که گفتار و نظریه‌ی خود را به کرسی نشاندند و سرمایه‌های فراوان علمی و صحت رأی خود را اثبات کنند، زیرا اینگونه هدف‌گیری در بحث و مناظره به عنوان جدال و ستیز و ریاکاری تلقی می‌شود.
۲. باید مرزهای بحث و مناظره به وقایع مهم دینی و یا مسئله قریب الوقوعی محدود باشد و نباید در هر مسئله کم‌ارزش و یا مسائلی که در آینده بسیار دوردستی اتفاق می‌افتد، وقت و فرصت را تلف کرد.
۳. شایسته است مناظره از تیررس دید مردم بدور باشد، از این رو مکان خلوت و دور از چشم مردم برای امر مناظره، محبوب‌تر از مناظره در مجالس و محافل می‌باشد، زیرا اگر مناظره در محلی به اصطلاح دنج و خلوت انجام گیرد، این امر به تمرکز فکر و صفای اندیشه برای درک حقیقت کمک بیشتری می‌کند.

مناظره در حضور توده‌ی مردم، انگیزه‌های ریا و تظاهر و حرص در غلبه و اسکاتِ خصم را (ولو به هر دلیل باطلی هم باشد) تحریک می‌نماید.

۴. باید مناظره کننده، پویای حق باشد.

۵. مناظره کننده باید در مناظره انصاف را به کار گیرد.

۶. مناظره باید با افراد برجسته‌ی علمی صورت گیرد و باید با افرادی مناظره کرد که دارای استقلال علمی و صاحب نظر می‌باشند، تا در صورتی که مناظره کننده طالب حق باشد، بتواند از بیاناتشان سودمند گردد. خاطر نشان می‌شود که مناظره کننده باید از آفات مناظره و نتایج سوئی که از رهگذر مناظره‌ی نادرست عائد انسان می‌گردد، پرهیز کند، و باید متوجه باشد که مناظره کننده‌ای که به منظور غلبه بر دیگران و اسکات طرف و تمایل عصبی به اظهار فضل صورت می‌گیرد، منبع و سرچشمه‌ی همه‌ی مهلکات و رذایل اخلاقی و رفتاری‌ای است که از نظر خداوند متعال ناستوده، ولی از دیدگاه ابلیس ستوده است.

و این آفات و نتایج سوء که از رهگذر مناظره‌ی نادرست عائد انسان می‌گردد

عبارتند از:

۱. عدم پذیرش حق از رهگذر مناظره‌ی توأم با جدال و ستیزه‌جویی.

۲. تظاهر و ریاکاری.

۳. خشم و غضب.

۴. حقد و کینه‌توزی.

۵. رشک و حسد.

۶. بریدن از افراد و کناره‌جویی از مردم.

۷. سخنان ناروا و گفتارهای حرام.

۸. تکبر و خودبزرگ‌بینی و برتری‌جویی نسبت به دیگران.

۹. کنجکاوای از عیوب مردم و خرده‌گیری از آن‌ها.

۱۰. بدخواهی و احساس شادی در اندوه و بدبختی دیگران.

۱۱. تزکیه‌ی نفس و خودستایی.

۱۲. نفاق و دورویی و...

### نهی از مجادله و مناظره‌ی بدون علم و آگاهی

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ...﴾ [الحج: ۳]  
 ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ﴾ [الحج: ۸]  
 ﴿...وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ﴾ [لقمان: ۲۰]

### نهی از پیروی نمودن چیزهایی که نسبت به آن‌ها آگاهی و علم ندارد

(انسان باید گفتار و کردارش از روی علم و یقین باشد، نه از روی ظن و گمان و حدس و تخمین):

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۶]

﴿...فَلَا تَمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَهَرَ وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِمَّهُمْ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۲۲]

### کسی که عهده‌دار پست و مسئولیتی می‌شود باید نسبت بدان آگاه و کاردان باشد

﴿...قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ...﴾ [البقرة: ۲۴۷]  
 ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمُحْسِنِينَ﴾ [يوسف: ۲۲]  
 ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ [يوسف: ۵۵]  
 ﴿وَلَوْطًا ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا...﴾ [الأنبياء: ۷۴]  
 ﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا...﴾ [الأنبياء: ۷۹]  
 ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَأَسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمُحْسِنِينَ﴾ [القصاص: ۱۴]

### آموزش دادن حیوانات و پرندگان

﴿...قُلْ أَجَلٌ لَّكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ...﴾ [المائدة: ۴]  
 ﴿...سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ [النمل: ۲۷-۲۸]

## مجادله‌ی باطل، مستوجب عذاب و عقاب خداوندی است

﴿...وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾ [غافر: ۵]

## مذمتِ جدل و مراء و ستیزه‌جویی

﴿...مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ﴾ [الزخرف: ۵۸]



توضیح موضوع: پرسش‌هایی که معلم و دانش پژوه مطرح می‌سازند نباید به منظور وانمود ساختن عجز و ناتوانی و یا طعنه زدن به جنبه‌های علمی طرف باشد، بلکه باید پرسش دانش پژوه از استاد و معلم به منظور فراگیری و کسب اطلاع، و پرسش استاد از شاگرد به منظور ارشاد شاگرد به حقیقت و واقعیت باشد، یعنی طرفین باید از سؤالهای خود، ارشاد و راهنمایی و یا استرشاد و راهیابی را در نظر گیرند. با چنین شرایطی، هدف عالی تعلیم و تربیت، رشد خود را آغاز نموده و نهال علم و دانش بارور می‌گردد. اما اگر هدف پرسش‌کننده، عبارت از خودنمایی و ستیزه‌جویی باشد و بخواهد از راه سؤال پیچ کردن، غلبه و پیروزی خویش را به رخ دیگران بکشد، این رویه و چنین هدف‌گیری‌ها در جان و دل انسان نیروهای پست و فرومایه و عادات پلیدی را به ثمر می‌رساند، عاداتی که خشم خدا را برمی‌انگیزد.

علاوه بر اینکه «مراء و جدال» موجب فرومایگی روح و جلب خشم الهی می‌گردد، مفاسد و معاصی دیگری را برای انسان به ارمغان می‌آورد که این مفاسد عبارتند از: آزار رساندن به طرف، بی‌سواد قلمداد کردن او، تعریض و کنایه به او، خودستایی، تزکیه‌ی نفس و امثال آن‌ها که از گناهان گرانبار و از عیوبی به شمار می‌آیند که در سنت و راه و رسم دین مقدس اسلام به سختی از آن‌ها نهی شده است.

و غائله‌ی سوء و نتایج شوم پرسش‌های عاری از هدف علمی، به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه از رهگذر آن، زندگانی انسان دستخوش پریشانی و اضطراب می‌گردد، زیرا اگر انسان با فرد سفیه و نابخرد به منظور خودنمایی به جدال و ستیزه‌جویی برخیزد، رفتار سفیهانه‌ی او، وی را می‌آزارد، و اگر با فرد صبور و دوراندیش بستیزد، او را حقیر و کوچک می‌سازد.

خداوند متعال از زبان پیامبر اکرم ﷺ شدت حرمت و ممنوعیت ستیز و درگیری‌هایی که هدف آن عبارت از خودنمایی می‌باشد، به مردم اعلام فرموده است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اگر کسی از ستیز و جدال خودداری کند و با وجود اینکه خود را ذی‌حق می‌داند از درگیری در سخن صرف نظر کند، خانه و سرای آرام‌بخشی در قله‌های رفیع بهشت برای او مهیا می‌گردد؛ و اگر کسی از جدال خودداری نماید در حالی که حق با او نیست، برای او سرایی در وسط بهشت بنا می‌شود.»

به هر حال «جدال و مراء» با مردم که ریشه‌ی آن، حس خودنمایی و خویشتن‌آرایی است، از چهار صورت بیرون نیست:

۱. ممکن است جدال و درگیری، مربوط به مسئله‌ای باشد که طرفین نزاع کاملاً از آن وقوف و آگاهی داشته و در اساس و بنیاد آن مسئله، هیچ‌گونه اختلافی با هم نداشته باشند. بنابراین نزاع و درگیری طرفین در آن مسئله، موجب از دست رفتن نصیحت و اندرزهای دینی گشته، و در نتیجه آن دو پویای فضیحت و رسوایی خود خواهند بود، و در آخر علم و دانش را از این رهگذر تباه و بی‌مقدار می‌سازند.

۲. و یا آنکه طرفین، گرفتار جهل و بی‌اطلاعی نسبت به آن مسئله می‌باشند، در این صورت، نزاع آن‌ها جز اظهار جهل و نادانی و ستیزه‌جویی و اصرار در ابراز بی‌اطلاعی، نتیجه و ثمره‌ی دیگری نخواهد داشت.

۳. و یا آنکه یکی از طرفین، فردی آگاه و عالم به مسئله، و دیگری فردی فاقد علم و بصیرت در آن مسئله می‌باشد؛ اگر آن فرد آگاه و عالم بخواهد از راه جدال، و دیگری عجز و ناتوانی و نارسایی علمی طرف را به رخ او و دیگران بکشد، در حقیقت ظلم و ستم را بر او روا داشته است، زیرا برای ارشاد دیگران، جدال و ستیزه‌جویی، راه منحصر به فرد نیست، و انسان می‌تواند مردم را با آمیزه‌ی مهر و رأفت، و رحمت و شفقت، راهنمایی و ارشاد کند.

۴. و یا اینکه طرف، فاقد علم و آگاهی است، ولی طرف نزاع آن، فردی عالم و آگاه است، اگر در چنین شرایطی با او به ستیزه‌جویی بپردازد احترام و آبروی او را از میان برده و مقام و منزلت عالم و دانشمند را ارج نهاده است؛ از این رو تو که در برابر حق تسلیم نمی‌گرددی از راه جدال و ستیز با عالم و دانشمند - نه

تنها بهره‌ای عائد خود نمی‌سازی - بلکه گناه اهانت به دانشمند را بر بار گناه ستیزه‌جویی خویش، اضافه می‌کنی.

ملاحظه می‌شود که جدال و ستیزه‌جویی به هر صورت و در هر شرایطی، زشتی و زیانبار بودن آن، غیرقابل تردید می‌باشد.

و اگر کسی انصاف را نصب العین خود قرار دهد و در برابر حق و واقعیت، انعطاف‌پذیر باشد و از جدال و درگیری‌های خصمانه دست بردارد، به استحکام ایمان خویش توفیق یافته و به کیفیت معاشرت و طرز برخورد‌های دینی خود سروسامانی داده و روابط خود را بهبود بخشیده، و عقل و خرد خویش را از گزند لغزش‌ها و انحرافات، مصون داشته است.

**تشویق و ترغیب بر یادگیری شمارش سال‌ها (و ماه‌ها و روزها = تقویم) و فراگیری آمار و حساب**

﴿قَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا...﴾ [الأنعام: ۹۶]

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ...﴾ [التوبة: ۳۶]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ...﴾ [يونس: ۵]

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ ۖ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ...﴾ [الإسراء: ۱۲]

﴿وَلْيَتْلُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةِ سِنِينَ وَأَرْزَادُوا تِسْعًا﴾ [الكهف: ۲۵]

﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانٍ﴾ [الرحمن: ۵]



**توضیح موضوع:** زندگی فردی و اجتماعی، هیچ کدام بدون یک نظام صحیح به سامان نمی‌رسد، نظم و نظام و قانون و ضابطه در برنامه‌ریزی، و نظم در مدیریت و اجراء، و یک نگاه به عالم آفرینش از منظومه‌های جهان بالا گرفته تا ساختمان بدن انسان و اعضای مختلف آن برای پی بردن به این اصل عمومی که حاکم بر کل آفرینش است، کافی به نظر می‌رسد.

بر همین اساس، خداوند متعال، اسباب این نظم را در اختیار انسان قرار داد و حرکات منظم کره‌ی زمین به دور خود و به دور خورشید، و همچنین گردش منظم ماه را وسیله‌ای برای نظام زمان بندی قرار داده تا برنامه‌های زندگی اعم از مادی و معنوی تحت نظام درآید.

انسان اگر فکر کند که اگر نظم معین روز و شب و خورشید و ماه نبود، و مقیاسی برای سنجش زمان در دست نداشتیم چه آشفتگی در سراسر زندگی ما پیدا می‌شد. و لذا خداوند انسان‌ها را به یادگیری شمارش سال‌ها، ماه‌ها، روزها و تقویم و فراگیری آمار و حساب تشویق و ترغیب نموده است تا برنامه‌های زندگی ما تحت نظام درآید. از این رو حرکت کرات و ماه، دارای برنامه و زمان بندی دقیقی است که می‌تواند در برنامه‌ی عبادت و نظم امور زندگی مردم مؤثر و مفید باشد و لذا خداوند از این معنی به صورت یکی از مواهب مهم خویش در آیه‌ی ۵ سوره‌ی یونس یاد کرده است.





## ارکان اسلام

### رکن اول: گفتن شهادتین

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» از روی صداقت و اخلاص و اعتقاد و عمل. (این شهادت کلید ورود انسان به اسلام است و پس از آن مشمول احکام دینی قرار می‌گیرد):

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...﴾ [آل عمران: ۱۸]

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...﴾ [محمد: ۱۹]

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ [فتح: ۲۸-۲۹]

### رکن دوم: نماز؛ طهارت از احداث (حدث اکبر «غسل» و حدث اصغر «وضو»):

و طهارت از نجاسات؛ آب هم پاک است و هم پاک کننده (که جسم آدمی و اشیای دیگر را پاک می‌کند و در وضو و غسل نیز مایه‌ی پاک‌ی روح انسان و پاک‌کننده‌ی محیط و چرک و کثافت است):

﴿وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ...﴾ [الأنفال: ۱۱]

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا﴾ [الفرقان: ۴۸]

﴿فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا...﴾ [المائدة: ۶]

### تشویق بر طهارت از نجاست

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۲]

﴿وَيَا بَنِي إِسْرَائِيلَ فَطَهِّرُوا﴾ [المدثر: ۴]



**توضیح موضوع:** طهارت و پاکی دو گونه است: باطنی و ظاهری. طهارت و پاکی باطنی عبارت است از: پاک گردانیدن نفس از آثار گناه و نافرمانی به وسیله توبه‌ی صادقانه از همه‌ی گناهان و نافرمانی‌ها. و پاک گردانیدن قلب از پلیدی‌های شرک و چندگانه پرستی، کفر و زندقه، الحاد و بی‌بند و باری، نفاق و دورنگی، شک و تردید، حسد و پلیدی، خیانت و تکبر، غرور و نخوت و ریا و خودنمایی، و جایگزین نمودن آن‌ها به توحید و اخلاص، و یقین و خیرخواهی، و بردباری و صداقت، و فروتنی و در همه‌ی کارها و مقاصد و گفتار و کردار، اساس را بر رضایت خداوند قرار دادن. اما طهارت ظاهری عبارت است از: طهارت از نجاست و طهارت از حدث اکبر «غسل» و حدث اصغر «وضو».

و زمانی طهارت از ناپاکی‌ها تحقیق پیدا می‌کند که به وسیله‌ی آبی پاک و پاک کننده، لباس و بدن و مکان نمازگزار از نجاست پاک گردیده باشد. پس دانسته شد که طهارت در اسلام، همانگونه که شامل طهارت حسّی یعنی نظافت بدنی می‌گردد، شامل طهارت و پاکیزگی معنوی از قبیل اجتناب از کفر و گناهان و رذائل دیگر خواهد شد. طهارت ظاهری، شرط صحّت نماز است، خواه طهارت از بی‌وضویی باشد یا از جنابت و یا از رفع نجاست با نظافت که همان پاکی لباس، بدن و مکان است مناسب دارد.

به همین دلیل «باب طهارت» نخستین موضوعی است که در فقه اسلامی به تعلیم و تعلّم آن پرداخته می‌شود و از ضروریات نماز به شمار می‌آید، و این بدان معنا است که همانطور که نماز کلید بهشت است، طهارت و پاکی هم کلید عبادت روزانه، یعنی نماز می‌باشد، بنابراین نماز هیچ مسلمانی صحیح نیست مگر اینکه خود را از حَدَث اصغر (وضو) و از حدث اکبر (غسل) پاک گرداند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خداوند نماز بدون طهارت را نمی‌پذیرد.» [مسلم] و قرآن کریم، اهل قباء را به خاطر نظافتشان و اینکه نسبت به طهارت اظهار علاقه می‌کردند می‌ستاید و می‌فرماید:

﴿فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ [التوبة: ۱۰۸]

«در مسجد قباء کسانی هستند که می‌خواهند جسم و روح خود را با ادای عبادت درست پاکیزه دارند و خداوند هم پاکیزگان را دوست می‌دارد.»  
و خداوند در سیاق پاک شدن از قاعدگی می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۲]

«بی‌گمان خداوند توبه‌کاران و پاکان را دوست می‌دارد».

و هر کسی سنت پاک نبوی ﷺ را مورد تحقیق و بررسی قرار دهد، شمار زیادی از احادیث صحیح را می‌یابد که در هر مورد و در هر سطحی مردمان را به نظافت و پاکیزگی تشویق می‌نماید، خواه در ارتباط با نظافت انسان باشد، یا نظافت منزل و یا نظافت راه و معابر.

در رابطه با نظافت انسان و غسل روز جمعه با لفظ «واجب» می‌فرماید: «غسل روز جمعه بر هر مسلمان مکلفی واجب است.» [احمد، ابوداود و نسایی]  
و نیز می‌فرماید: «حق خدا بر هر مسلمانی این است که هر هفت روز یک بار غسل کند و سروتن خود را بشوید.» و سنت پیامبر ﷺ تأکید زیادی بر شستن و نظافت اجزای بخصوصی از بدن مانند: دهان و دندان‌ها دارد، به همین خاطر است که بر استحباب مسواک زدن تأکید فراوان شده است و پیامبر ﷺ درباره‌ی آن می‌فرماید: «اگر نه مایه‌ی رنج و مشقت امت خود می‌شدم به آنان دستور می‌دادم که هنگام هر نمازی مسواک کنند.» [بخاری و مسلم]

و در جایی می‌فرماید:

«مسواک زدن باعث پاکیزگی دهان و خوشنودی پروردگار است.»

و در مورد نظافت و تمییزی موها می‌فرماید:

«هر کسی موی سر و ریش دارد، باید بدان برسد.» [ابوداود]

و در مورد از بین بردن موهای زیر بغل، کندن موهای زهار، سبیل زدن، ناخن گرفتن و دیگر سنت‌های فطری نیز دستورهایی از پیامبر ﷺ به ما رسیده است.

و در مورد توجه به نظافت منزل و حیات و جلوخانه، پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، خوشبو است و بوی خوش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد، پس جلو خانه‌های خویش را پاکیزه دارید و مانند یهودیان نباشید.» [مسلم]

و در مورد توجه به نظافت و تمیزی راه، شریعت اسلام با هر کسی که راه و معبر مسلمانان را آلوده به کثافات کند و مردم را از آن متنفر و رویگردان گرداند، مورد تهدید و مذمت قرار داده است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«از دو چیز که سبب می‌شود مردم شما را لعنت و نفرین کنند پرهیز نمایید: کسی که در راه عبور مردم و در سایه‌ی آنان (جایی که سایه دارد و مربوط به آنان است) قضای حاجت کند.» [مسلم]

و نیز می‌فرماید:

«از سه چیز که سبب می‌شود مردم شما را لعنت و نفرین کنند، پرهیز نمایید: قضای حاجت در مکان اجتماع مردم، گذرگاه مردم و سایبان مردم.»  
و در مورد حفظ و نگهداری محیط می‌فرماید:

«کسی از شما در آب جاری که سپس در آن غسل می‌کند، ادرار نکند» [بخاری و مسلم].  
به هر حال این‌ها اصول و قواعدی ماندگار، حیات بخش و تعالی آفرین است که بر مبنای آن‌ها اسلام پی‌ریزی شده است و پیامبر ﷺ به تحکیم و تثبیت آن‌ها اهتمام می‌ورزید، و اگر همین قواعد و اصول مراعات شوند و در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان به اجرا دربیایند، نسل‌هایی از نیرومندان و تندرستان پرورش می‌یابند که دین و دنیای امت بدان‌ها پیروز می‌گردد.

### استنجاء با آب و سنگ

﴿فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ [التوبة: ۱۰۸]



**توضیح موضوع:** ابن عباس رضی الله عنهما در بیان سبب نزول آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی توبه می‌گوید: این آیه درباره‌ی نمازگزاران مسد قباء نازل شد. رسول خدا ﷺ از ایشان سؤال کردند که شما چگونه خود را پاک می‌سازید؟ گفتند: بعد از استنجاء با کلوخ، به آب نیز استنجاء می‌کنیم و خویشتن را خوب پاک می‌نمائیم.

### آیاتی که درباره‌ی ناپاکی‌ها وارد شده است؛ از قبیل: مردار

(همچون حیوان خفه شده، پرت گشته، شاخ زده، درنده خورنده، ذبح شرعی نشده)، و خون روان (نه بسته همچون جگر و سپرز و خون مانده در عروق که مباح است) و گوشت خوک (که همه‌ی این‌ها ناپاک و مضرّ برای بدن هستند):

﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ...﴾ [الأنعام: ۱۴۵]

### شراب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۹۰]

### جنابت

(جنب شدن. حالت انسان پس از مقاربت یا انزال منی که غسل بر او واجب می شود):

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا...﴾ [المائدة: ۶]

### حیض

(خونی است که بر اثر قاعدگی از رحم زن بالغ که آبستن و حامله نباشد، بیرون آید. مدت آن از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نیست. حداقل سن برای حیض ۹ سال و حداکثر ۵۵ سال است):

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ...﴾ [البقرة: ۲۲۲]

### بول و غائط (ادرار و مدفوع)

﴿أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ...﴾ [النساء: ۴۳]

### سنت های فطری از جمله «ختنه کردن»

﴿ثُمَّ أُوحِيَٰنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [النحل: ۱۲۳]



توضیح موضوع: «ختان»: در لغت به مفهوم بریدن پوست موجود بر سر عضو تناسلی نوزاد است.

و در اصطلاح شرعی، کناره‌ی حلقوی قسمت پایین حشفه است، یعنی جایی که عضو تناسلی دچار فرورفتگی می‌شود. این قسمت از عضو تناسلی، همان بخشی است که احکام شرعی به آن تعلق می‌گیرد، از قبیل اینکه پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«هر گاه ختان زن و مرد به هم برسند (کنایه از رسیدن در هنگام نزدیکی است) غسل بر هر دو واجب می‌شود.» [احمد و ترمذی]

و نیز می‌فرماید:

«اگر دو ختان به هم برسند و حشفه به طور کامل وارد شود (اصطلاحاً غائب شود)

انزال صورت بگیرد یا نگیرد، غسل بر هر دو واجب می‌شود.» [طبرانی]

و در مورد اینکه ختنه از زمره‌ی سنت‌های فطری است، پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«مضمضه (گرداندن آب در دهان)، استنشاق (رساندن آب به بینی)، کوتاه کردن سبیل، مسواک، گرفتن ناخن، برداشتن موی زیر بغل و ناحیه‌ی شرمگاه و ختنه، فطرت است.» [احمد]

و نیز می‌فرماید:

«فطرت پنج چیز است: ختنه، برداشتن موی شرمگاه، کوتاه کردن سبیل، گرفتن ناخن، و برداشتن موی زیر بغل.» [بخاری و مسلم]

و بر مشروعیت «ختنه» احادیث زیادی دلالت می‌کند، و یکی از آن دلایل، این فرموده‌ی خداوند است که می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ [النحل: ۱۲۳]

«سپس به تو وحی می‌کردیم که از آیین ابراهیم پیروی کن که حقگرا و دور از انحراف بود.» بنا براین پیامبر اکرم ﷺ و تمامی ائمت او به پیروی از دین حضرت ابراهیم عليه السلام و شیوه‌ی زندگی آن حضرت مأمور شده‌اند و ختنه هم جزو قواعد و دستوراتی است که حضرت ابراهیم عليه السلام بیان فرمود.

آنچه بر صحت این ادعا دلالت دارد حدیثی است که امام بخاری و مسلم از حضرت ابوهیره رضی الله عنه روایت می‌کنند که حضرت ابراهیم در هشتاد سالگی ختنه شد. و در روایت دیگری آمده است که حضرت ابراهیم عليه السلام اولین بنیانگذار پذیرایی از مهمان است، نخستین کسی است که شلوار پوشید و اولین کسی بود که ختنه شد و این رسم بعد از او در میان پیامبران و پیروان آنها تداوم پیدا کرد تا زمانی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله مبعوث شد.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

«چهار چیز جزو سنت‌های پیامبران خدا است: ختنه، استفاده از بوی خوش، مسواک و ازدواج.»

### وضو (دست نماز گرفتن)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...﴾ [المائدة: ۶]

### نواقض (شکننده‌های) وضو

﴿... إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ ... أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ...﴾ [المائدة: ۶]



**توضیح موضوع:** شکننده‌های وضو عبارتند از: هر چیزی که از پس و پیش انسان خارج بشود مانند: ادرار و مدفوع و باد. استفراغ به حدی که دهان را پر کند، خارج شدن خون و چرک و امثال آن از بدن و به صورتی که از محل خود به اطراف جاری شود. خوابیدن به صورتی که گوش نشنود و چشم نبیند. از دست دادن عقل به علت بیهوشی، مستی و دیوانگی.

### غسل

﴿... فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ...﴾ [البقرة: ۲۲۲]

﴿... وَلَا جُنْبًا إِلَّا غَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا...﴾ [النساء: ۴۳]

﴿... وَإِنْ كُنْتُمْ جُنْبًا فَأَطْهَرُوا...﴾ [المائدة: ۶]



**توضیح موضوع:** چیزهایی که غسل را بر مرد و زن واجب می‌کنند عبارتند از:

- خروج منی در خواب یا بیداری بگونه‌ی جهیدن و احساس شهوت که با خوشی و لذت همراه باشد.

- داخل شدن سر آلت تناسلی مرد در آلت تناسلی زن (التقای ختائین) اگر چه انزال صورت نگیرد.
- تمام شدن مدت حیض در زنان (عادت ماهانه)
- پایان یافتن مدت نفاس در زنان (خون پس از تولد فرزند)
- هر گاه انسان مسلمانی فوت نماید، غسل او بر دیگران واجب می‌گردد.

### تیمم

﴿...وَإِنْ كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا﴾ [النساء: ۴۳]

﴿... وَإِنْ كُنْتُمْ جُنْبًا فَأَطَهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ...﴾ [المائدة: ۶]



**توضیح موضوع:** در تیمم، روح بندگی و تواضع و عبودیت و کرنش نهفته است، چون دست به خاک زدن و مالیدن آن به پیشانی که بلندترین عضو بدن است همراه با قصد قربت، نوعی تواضع و خاکساری در برابر خداست.

و همانطور که آب، آلودگی را برطرف می‌کند، خاک پاک هم خاصیت میکرب‌کشی دارد، چون در معرض تابش آفتاب و ریزش باران است.

و تیمم برای کسی جایز است که پس از جستجوی زیاد، آب را پیدا ننموده باشد، یا کسی که از آب به اندازه‌ی یک مایل فاصله دارد، یا کسی که به خاطر بیماری یا نگرانی از بیشتر شدن یا طولانی گردیدن بیماری از استعمال آن معذور باشد، یا سالمندان و بیمارانی که توانایی حرکت و استفاده از آب را ندارند و کسی هم که به آنان کمک نماید، در دسترس نباشند.



و در تیمم چند چیز فرض است:

۱. نیت: زیرا مبنای هر عملی قصد و نیت است. و قصد می‌نماید که به وسیله‌ی تیمم ممنوعیت موجود به خاطر «جنابت یا نداشتن وضو» را برطرف نماید.
  ۲. خاک یا ماسه‌ی پاک.
  ۳. مسح نمودن دست بر روی خاک و مالیدن آن بر چهره.
  ۴. مسح نمودن دست بر روی خاک و مالیدن آن بر دست‌ها تا آرنج.
- و آنچه تیمم را باطل می‌نماید عبارتند از:

۱. همه‌ی آن چیزهایی که وضو را باطل می‌نمایند، تیمم را هم باطل می‌کنند.
  ۲. فراهم شدن آب قبل از شروع یا در اثنای نماز. اما چنانچه پس از پایان نماز آب پیدا شد، نمازش صحیح است و نیازی به اعاده‌ی آن نیست.
  ۳. برطرف شدن عذری که تیمم به خاطر آن مباح شده بود.
- و همه‌ی آن چیزهایی که پیش از تیمم ممنوع بودند، برای او مباح می‌شوند، مانند: نماز، طواف کعبه، لمس و قرائت قرآن، ماندن در مسجد و...
- و کیفیت و چگونگی تیمم اینطور است که: ابتدا بسم الله الرحمن الرحیم را می‌گوید، و همراه با آن قصد و نیت می‌کند که به وسیله‌ی تیمم آنچه را برای او ممنوع بود، مباح نماید. سپس با کف هر دو دست بر روی خاک یا ریگ یا سنگ و ماسه می‌زند، و مانعی ندارد که با فوت کردن بر کف دست‌ها مقداری از گرد آن را کم کند، سپس یک بار صورت خود را به طور کامل با آن مسح می‌کند، سپس بار دیگر دست‌ها را بر روی خاک می‌زند تا دست‌هایش را تا آرنج با آن مسح نماید. و با یک تیمم می‌تواند چند نماز را با هم بخواند.

**جواز تیمم با وجود در دسترس بودن آب، وقتی که استعمال نمودن آب، برای شخص مضرّ و زیان‌آور باشد**

(اینطور که کسی به خاطر بیماری یا نگرانی از بیشتر شدن یا طولانی گردیدن بیماری از استعمال آن معذور باشد، یا سالمندان و بیمارانی که توانایی حرکت و استفاده از آب را ندارند و کسی هم که به آنان کمک نماید در دسترس نباشد):

﴿... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۹]

اذان؛ و دعوت کردن انسان‌ها به سوی نماز

﴿وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا...﴾ [المائدة: ۵۸]

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ...﴾ [فصلت: ۳۳]

تشویق بر رفتن به سوی مساجد برای ذکر و یاد خدا

﴿...وَنَكُتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاتَاهُمْ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ [یس: ۱۲]

قبله

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...﴾ [البقرة: ۱۴۴]

کسی که سعی و تلاش خود را در یافتن جهت قبله کرد ولی موفق نشد که آن را بیابد، لذا اجباراً به غیر جهت قبله نماز گزارد، نمازش جایز است

﴿وَاللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۱۵]

\*\*\*

توضیح موضوع: آیه‌ی ۱۱۵ سوره‌ی بقره، ناظر بر وقتی است که جهت قبله بر نمازگزار پوشیده بماند، یا زمانی که انسان نماز نافله را سوار بر مرکب ادا می‌کند. چنان‌که رسول خدا ﷺ سوار بر مرکبشان به هر سویی که می‌رفت، نماز می‌گذارد. از این رو اگر کسی سعی و تلاش خویش را در یافتن جهت قبله کرد ولی موفق نشد که آن را بیابد، لذا اجباراً به غیر جهت قبله نماز گزارد، نمازش در نزد جمهور فقهاء (امام ابوحنیفه، امام مالک و امام احمد) جایز است، ولی در رأی امام مالک، اعاده‌ی نماز در وقت آن برایش مستحب می‌باشد. اما امام شافعی می‌گوید: نماز وی درست نیست زیرا قبله شرطی از شروط نماز می‌باشد، لیکن در صحت ادای نماز نافله سوار بر مرکب - به هر سویی که روی آورد - در میان فقهاء، اختلافی نیست.

فرضیت نمازهای پنج‌گانه و ادای آن‌ها در اوقات معین

﴿... فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾

[النساء: ۱۰۳]



توضیح موضوع: اوقات نمازهای پنج گانه عبارتند از:

۱. وقت نماز صبح: از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب است.
۲. وقت نماز ظهر: از لحظه‌ای که خورشید از میان آسمان به سمت غرب مایل شود (زوال خورشید) تا وقتی که سایه‌ی هر چیز دو برابر آن شود.
۳. وقت نماز عصر: پس از گذشتن وقت ظهر تا غروب آفتاب است.
۴. وقت نماز مغرب (شام): از غروب آفتاب تا ناپدید شدن شفق (سرخ‌ی آفتاب) است.

۵. وقت نماز عشاء (خفتن): از غروب شفق تا طلوع صبح صادق است.

۶. وقت نماز وتر: بعد از نماز عشاء تا طلوع صبح صادق است.

البته نماز خواندن در اوقات ذیل ناجایز است:

۱. وقتی که تازه خورشید طلوع می‌کند تا آن که بلند شود.
  ۲. وقتی که خورشید در وسط آسمان قرار می‌گیرد تا وقتی که مایل شود.
  ۳. زمانی که خورشید در آستانه‌ی غروب باشد تا وقتی که غروب کند.
- و در این اوقات نماز خواندن مکروه است:
۱. نماز نفل مستحب بعد از ادای نماز صبح تا وقت طلوع آفتاب، و همچنین پس از ادای نماز عصر، تا غروب خورشید، مکروه است.
  ۲. خواندن بیش از دو رکعت نماز سنت در صبح پیش از ادای فرض، مکروه است.
  ۳. ادای نماز نفل و سنت در صفی که نمازگزاران مشغول ادای نماز فرض هستند، مکروه است.
  ۴. همچنین در هنگام خواندن خطبه نماز جمعه و عیدین، ادای نماز مکروه است.

### نماز قصر

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَاتًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا

تَعْلَمُونَ ﴿۳۹﴾ [البقرة: ۲۳۹]

﴿وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ

أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿۱۰۱﴾ [النساء: ۱۰۱]



توضیح موضوع: «قصر» به معنای کوتاه نمودن نمازهای چهار رکعتی است که به جای چهار رکعت، دو رکعت خوانده می‌شود. بر همین اساس نمازهای صبح و مغرب کوتاه نمی‌شوند.

قصر یا کوتاه نمودن نماز براساس آیات قرآن [از جمله آیه‌ی ۱۰۱ سوره‌ی نساء] و سنت عملی رسول خدا ﷺ است که مدام در مسافرت، نمازهایشان را با اصحاب کوتاه می‌خواندند.

### مسافتی که می‌توان در آن نماز را کوتاه کرد

رسول خدا ﷺ برای کوتاه کردن نماز در مسافرت، حدود و میزان معینی را بیان فرموده‌اند، اما اکثریت اصحاب و تابعین و ائمه‌ی مذاهب با توجه به مسافت‌هایی که رسول خدا ﷺ در آن‌ها نماز را کوتاه فرموده است، حداقل آن را در حدود چهل و هشت مایل یا هشتاد و چهار کیلومتر و یا نود کیلومتر تعیین نموده‌اند که چنان‌چه کسی به مسافرتی برود، باید نمازهای چهار رکعتی را کوتاه نماید و دو رکعت بخواند.

### آغاز و انتهای قصر

پس از خارج شدن از محدوده‌ی محل سکونت تا بازگشت به آن - مدت مسافرت به هر مقدار که به طول بیانجامد - مسافر می‌تواند نمازهایش را کوتاه بخواند مگر آنکه قصد نماید که ۱۵ روز و یا بیشتر را در مکانی که به آن مسافرت نموده، اقامت نماید؛ در این صورت نمازهایش را کامل می‌خواند، زیرا به خاطر اقامت حداقل ۱۵ روز و یا بیشتر، آرامش خاطر و فرصت بیشتری برای نماز پیدا می‌کند و دلیل شرعی برای کوتاه خواندن آن‌ها از میان می‌رود.

پس تمام مسافرانی که پیاده یا سوار بر چهارپا یا اتومبیل و قطار و کشتی و هواپیما مسافرت می‌نمایند، می‌توانند نمازهایشان را کوتاه کنند.

نماز خوف، که در آن اشاره به سوی خواندن نماز با جماعت (حتی در شرایط سخت و طاقت فرسا) است

﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۗ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلِتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۗ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْنِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَىٰ مِّن مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ ۗ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٠٢﴾﴾ [النساء: ۱۰۲]



**توضیح موضوع:** با توجه به شدت و ضعف نبرد و نگرانی از دشمن صورت‌های مختلف و اشکال و اوصاف متعددی از نماز خوف در سنت پاک نبوی ﷺ آمده است که همه‌ی آن‌ها درست است و هر کس به یکی از آن صورت‌ها نماز بگذارد، بی‌گمان دستور شریعت را انجام داده است و آنچه در آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی نساء ذکر شده، جامع همه‌ی آن صور می‌باشد.

و احناف به استناد احادیث وارده در این باب، کیفیت نماز خوف را چنین بیان نموده‌اند: امام مردم را به دو گروه تقسیم نماید، گروهی با وی بایستند و گروهی در برابر دشمن قرار گیرند، آن‌گاه امام با گروه اول یک رکعت و دو سجده بگذارد، بعد از آن، این گروه در برابر دشمن بروند و گروه دوم از برابر دشمن بیاید و امام با ایشان یک رکعت دیگر با دو سجده گزارده و سلام دهد. اما مقتدیانش که مسبوق هستند، سلام ندهند، بلکه باید پیاده برای حراست به مقابل دشمن بشتابند، سپس گروه اول به جای اولی بازآیند، یا برای کم ساختن از تحرک، نماز خود را در همان جایگاه و سنگرشان منفرداً و بدون قرائت به اتمام رسانند زیرا آنان حکم «لاحق» را دارند، سپس تشهد خوانده، سلام دهند و برای حراست در مقابل دشمن بازگردند، آن‌گاه گروه دوم بیایند و نمازشان را با قرائت سوره‌ای همراه با سوره‌ی فاتحه به اتمام برسانند، چرا که ایشان در ابتدا همراه امام در نماز داخل نشده‌اند، پس در حکم «مسبوق» به شمار می‌روند.

و احناف درباره‌ی نماز خوف در وقت مغرب می‌گویند: امام با گروه اول دو رکعت و با گروه دوم، یک رکعت نماز بگزارد.

خاطر نشان می‌شود که هر گاه به خاطر شدت درگیری، تقسیم کردن افراد نظامی درگیر، و اقامه‌ی نماز جماعت ممکن نبود، هر یک از آن‌ها در هر حال و شرایطی که هستند - سوار یا پیاده، رو به قبله یا پشت به آن - می‌توانند به تنهایی و با ایماء و اشاره نمازشان را بخوانند، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَاتًا﴾ [البقرة: ۲۳۹]

«و اگر به خاطر جنگ یا خطر دیگری ترسیدید و نتوانستید با خشوع و خضوع لازم به نماز بایستید، نماز را ترک نکنید، بلکه آن را در حال پیاده یا سواره انجام دهید.»

**نماز جمعه، و دعوت مردم به سوی نماز جمعه (به وسیله‌ی اذان)**

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۹﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰﴾﴾ [الجمعة: ۹-۱۰]

**آیاتی که بیانگر نمازهای پنج‌گانه می‌باشند**

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفُلًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ ﴿۱۱۴﴾﴾ [هود: ۱۱۴]

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿۷۸﴾﴾ [الإسراء: ۷۸]

﴿... وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ ءَانَائِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ﴿۱۳۰﴾﴾ [طه: ۱۳۰]

﴿فَسَبِّحْنِ اللَّهَ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿۱۷﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿۱۸﴾﴾ [الروم: ۱۷-۱۸]

﴿... وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ...﴾ [النور: ۵۸]

﴿وَأذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً ﴿۲۵﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً ﴿۲۶﴾﴾

[الإنسان: ۲۵-۲۶]

### محافظت و ورزیدن بر خواندن نمازها در اوقات معین آن‌ها

﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿۲۳۸﴾﴾ [البقرة: ۲۳۸]

﴿...وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۹۲﴾﴾ [الأنعام: ۹۲]

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۹۱﴾﴾ [المؤمنون: ۹]

﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿۲۲﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾﴾ [المعارج: ۲۲-۲۳]

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۳۴﴾﴾ [المعارج: ۳۴]

### تشویق بر مبادرت و شتاب کردن در خواندن نماز در اول وقت آن

﴿... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۴۸﴾﴾ [البقرة: ۱۴۸]

﴿... وَيَسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّٰلِحِينَ ﴿۱۱۴﴾﴾ [آل عمران: ۱۱۴]

﴿... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ

تَخْتَلِفُونَ ﴿۴۸﴾﴾ [المائدة: ۴۸]

فضیلت و برتری کسانی که در صف اول نماز و صف نخست جنگ و پیکار با

دشمنان، پیشقدم و پیشگام، و طلایه‌دار و پیشقراول هستند

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ

لِلْمُتَّقِينَ ﴿۱۳۳﴾﴾ [آل عمران: ۱۳۳]

﴿وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمُ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَخْرِينَ ﴿۲۴﴾﴾ [الحجر: ۲۴]

قیام (برپا ایستادن) در نماز؛ و نهی از سخن گفتن در نماز

﴿... وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿۲۳۸﴾﴾ [البقرة: ۲۳۸]

## توجه و عنایت جسمی و قلبی به نماز

﴿... وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ

تَعُودُونَ﴾ [الأعراف: ۲۹]



توضیح موضوع: توجه و عنایت به نماز همان خشوع و خضوع جسمی و قلبی در نماز است، و خشوع بر دو نوع است:

۱- خشوع قلب

۲- خشوع جسم و جوارح

خشوع قلب به این معناست که نمازگزار مراقبت و عظمت خداوند متعال را در قلب خود احضار و احساس نماید، و نسبت به آیات قرآن که خود می‌خواند یا می‌شنود، فهم و تدبر خود را به کار بندد و به معنی اذکار از قبیل تسبیحات و تکبیرات رکوع و سجده و... آگاهی و توجه داشته باشد و نسبت به معانی این اذکار و هنگام تلاوت و شنیدن آیات قرآنی، تدبر داشته باشد، در این موقع است که نمازگزار عملاً احساس می‌کند در پیشگاه خداوند ﷻ ایستاده است و باید نمازش را از بازی و افعال بیهوده پیراسته گرداند.

از یکی از بزرگان سلف به نام «حاتم اصم» سؤال شد که چگونه نمازش را می‌خواند، وی در جواب گفت: «تکبیر را به صورت واقعی بر زبان می‌آورم، و قرائت را بر ترتیل می‌خوانم، و خاشعانه به رکوع می‌روم و ذلیلانه به سجده می‌روم، بهشت را سمت راست، دوزخ را سمت چپ، پل صراط را زیر پا، کعبه را میان ابروان، ملک الموت را بالای سر، گناهان را محیط به خود، و چشمان خدا را ناظر و مراقب خود می‌بینم، و هر نماز را آخرین نماز در عمر خود می‌پندارم و به اندازه‌ی توان در آن اخلاص را به کار می‌گیرم، سلام می‌دهم در حالی که شک و تردید دارم که آیا خداوند متعال این نماز را از من می‌پذیرد و یا می‌فرماید: آن را بر پیشانی صاحبش بکوبید.»

و خشوع جسمانی عبارت است از اینکه اندام‌های بدن از حرکت باز ایستند، و انسان به وسیله‌ی بازی با اندام از نماز خویش غافل نماند و روباه‌آسا به این طرف و آن طرف نگاه نکند و همچون خروس نوک نزند، و خیلی تند و سریع به رکوع و سجده نپردازد، بلکه همانگونه که خداوند ﷻ تشریح فرموده است، نماز را با تمامی ارکان و حد و حدودش ادا نماید.



بنابراین لازم است، مسلمان نمازگزار توجه داشته باشد که در نماز با خداوند متعال به گفتگو می‌پردازد و باید در هر حرکتی از حرکات نماز، و در هر وقتی از اوقات آن، و در هر رکنی از ارکان آن، حضور قلب داشته باشد.

از این رو، نمازگزارانی که تمامی هم و قصد آنان این باشد که از نماز فارغ شوند و از آن رهایی یابند و آن را بار سنگینی بر دوش خود احساس کنند، اینگونه نماز خواندن مورد قبول درگاه خداوند متعال نخواهد بود. بسیاری از مردم در اوقات مختلف نمازهای پنج‌گانه، فقط در فاصله‌ی دو یا سه دقیقه، چند رکعت نماز می‌خوانند و تمامی هم و غم آنان این است که نمازها را به سرعت به پایان برسانند بدون اینکه رکوع و سجود را به طور کامل و با خشوع و طمأنینه ادا نمایند، در کمترین وقت ممکن نماز را تمام می‌کنند. نماز با این کیفیت چنان که در حدیث آمده است: سیاه و تاریک به سوی آسمان بالا می‌رود و به نمازگزار گفته می‌شود: «ضیّعك الله كما ضیعتني» [خداوند تو را تباہ گرداند، همانگونه که تو مرا تباہ گردانیدی]

ولی نماز دارای خشوع و ارکان کامل که آهسته ادا شده باشد، سفید و نورانی به آسمان عروج می‌نماید و به صاحبش می‌گوید: «حفظك الله كما حفظتني» [خداوند تو را محفوظ دارد، همانگونه که مرا محفوظ داشتی]

«تکبيرة الاحرام»، و سائر تکبیرات نماز (از قبیل تکبیرات انتقال از رکنی به رکن دیگر)

﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾ [المدثر: ۳]

دعای استفتاح (ثناء)

﴿قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِثْلَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ﴿لَا شَرِيكَ لَهُ ۗ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۱-۱۶۳]

\*\*\*

توضیح موضوع: دعای استفتاح، دعایی است که بعد از تکبيرة الاحرام و قبل از خواندن فاتحه، خوانده می‌شود. در حدیث شریف به روایت حضرت علی رضی الله عنه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نماز را شروع می‌کرد، چنین می‌فرمود: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي

فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي  
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ.»

و شافعی‌ها با استدلال به همین روایت، بعد از تکبیر افتتاح، این آیه را می‌خوانند، و  
حنفی‌ها: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» را  
می‌خوانند، ولی مالکی‌ها بعد از تکبیر هیچ چیز دیگر نخوانده و رأساً به قرائت فاتحه  
آغاز می‌کنند. به هر حال می‌توان بعد از تکبیر افتتاح این آیات را نیز خواند.

### قرائت در نماز

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ① الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ② الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③ مَلِكِ يَوْمِ  
الْدِينِ ④ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑤ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ  
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦﴾ [الفاتحة: ۱-۷]

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ ⑧﴾ [الأعراف: ۲۰۴]

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ ⑨﴾ [النحل: ۹۸]

﴿... وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۱۱۰]

﴿... وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ ⑩﴾ [المزمل: ۴].

﴿... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ...﴾ [المزمل: ۲۰]

### رکوع و سجود

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ﴾ ⑪﴾ [الحج: ۷۷]

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ ⑫﴾ [الواقعة: ۹۶]

﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ ⑬﴾ [الأعلى: ۱]

اشاره به اعضای هفت گانه‌ای که انسان در نماز بر آن‌ها سجده می‌کند

﴿وَعَنْتِ الْأُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾ ⑭﴾ [طه: ۱۱۱]

﴿وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ ⑮﴾ [الجن: ۱۸]



توضیح موضوع: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:  
 «أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظَمَ: عَلَى الْجَبْهَةِ وَ إِشَارِ بِيَدِي عَلَى أَنْفِي وَالْيَدَيْنِ وَالرِّكَبَتَيْنِ  
 وَ اطْرَافِ الْقَدَمَيْنِ» [بخاری و مسلم]  
 «به من امر شده است تا بر هفت عضو سجده برم: بر پیشانی و با دستش به بینی اش  
 اشاره کرد، دو دست، دو زانو و سرپنجه‌ی پاها».  
 و آیات ۱۱۱ سوره‌ی طه و ۱۸ سوره‌ی جن، اشاره به اعضای هفت گانه‌ای دارد که  
 انسان در نماز بر آنها سجده می‌برد.

### تشهد، درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلام نماز

﴿... فَسَلِّمُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةً طَيِّبَةً...﴾ [النور: ۶۱]  
 ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا  
 تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶]  
 ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...﴾ [محمد: ۱۹]  
 ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ...﴾ [الفتح: ۲۹]

گریه کردن در نماز از ترس خدا، جایز است (ولی اگر گریه‌ی نمازگزار، بر اثر درد و  
 مصیبت بود، جایز نیست و نماز باطل می‌گردد)

﴿... إِذَا تَنَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ [مریم: ۵۸]

عمل قلیل در نماز (به خاطر ضرورت) نماز را باطل نمی‌کند

﴿... وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾ [المائدة: ۵۵]



توضیح موضوع: اگر عدم خشوع و حرکات و کردار نمازگزار به نحوی باشد که  
 نمازگزار در اثنای نماز تا آن اندازه حرکات زیادی را انجام بدهد که انگار در حال نماز  
 نیست، مانند اینکه بدنش را بخاراند، یا به ساعتش نگاه کند و آن را کوک کند، و به این

طرف و آن طرف نگاه کند و عمامه یا شال گردنش را مرتّب کند، و... همانطور که نزد بعضی از مردم چنان حالتی را می‌بینیم، این نوع از عدم خشوع، به خاطر حرکات بسیار زیاد، نماز را باطل می‌کند، زیرا چنین اعمالی عبث و بیهوده محسوب می‌شوند و از مسلمانی که با قلب و اندیشه به خدا روی آورده و برای نماز احترام قائل باشد و ارزش و بهای آن را بشناسد، چنین اعمالی انتظار نمی‌رود.

اما اگر عدم خشوع به این معنا باشد که نمازگزار احياناً حرکات اندکی را انجام دهد، یا فکر او به جای دیگری برود، یا در نماز حضور قلبی نداشته باشد، هر چند نماز را باطل نمی‌کند، ولی روح نماز را از میان می‌برد، زیرا که روح نماز در حقیقت، همان خشوع است.

ناگفته نماند که آیه‌ای را که مؤلف به عنوان استدلال برای موضوع مربوطه آورده، هیچ ربطی به آن ندارد، چرا که ترجمه‌ی آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مائده چنین است: «کسانی که خاشعانه و خاضعانه و فروتنانه و از صمیم قلب نماز را به جای می‌آورند و زکات مال به در می‌کنند.» و جمله‌ی «و هم راکعون» حال فاعل فعل‌های «یقیمون» و «یؤتون» در آیه هستند و معنی اینطور می‌شود که «و حال آنکه آنان عبادات و تکالیف خود را فروتنانه و از صمیم قلب و با خشوع و خضوع انجام می‌دهند.»

### نماز کسی که از نمازش در خواب ماند، یا آن را فراموش کند

﴿... وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [طه: ۱۴]



توضیح موضوع: معنای آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی طه این است که «هر گاه به یاد آوردی که نمازی بر ذمه‌ات است که آن را نخوانده‌ای و یا فراموش کرده‌ای و یا در خواب مانده‌ای و آن را نخوانده‌ای، پس هر گاه به یاد آمد، آن را بر پا دار.»

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«هر کس از نمازی در خواب ماند، یا آن را فراموش کرد، پس کفاره‌ی آن، این است که وقتی آن را به خاطر آورد، آن را به جای آورد و جز این هیچ کفاره‌ی دیگری بر او نیست.»

## فرد بیمار به میزان قدرت و توانایی اش نماز را بخواند

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ [آل عمران: ۱۹۱]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [الأعراف: ۴۲]

﴿وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۲]



**توضیح موضوع:** هر گاه انسان بیمار، حتی با تکیه نمودن بر چیزی نمی‌توانست ایستاده نمازش را بخواند، می‌تواند نشسته آن را اداء کند. و چنانچه در حالت نشستن هم نمی‌توانست نمازش را بخواند، آن را خوابیده بر پهلو بخواند، و در صورتی که آنگونه هم نمی‌توانست، در حالی که بر روی پشت خوابیده و پاهایش رو به قبله است، نمازش را بخواند؛ و حتی الامکان سعی کند که برای سجده بیشتر از رکوع سرش را پایین بیاورد و چنانچه برای رکوع و سجود نمی‌توانست از خود حرکتی نشان دهد، با ایماء و اشاره آن‌ها را انجام دهد، و در هیچ شرایطی نباید نمازش را ترک کند.

## نماز خواندن در خانه

﴿... وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَيِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۸۷]



**توضیح موضوع:** آیه‌ی ۸۷ سوره‌ی یونس، بیانگر این قضیه است که بنی‌اسرائیل در زمان حضرت موسی و فرعون، به صورت گروهی پراکنده، شکست خورده، وابسته و طفیلی، و آلوده و ترسان بودند که نه خانه‌ای از خود داشتند و نه اجتماع و تمرکز، و نه برنامه‌ی سازنده‌ی معنوی داشتند و نه شهامت و شجاعت لازم برای یک انقلاب کوبنده؛ از این رو به آن‌ها دستور رسید تا قدرت فرعون و فرعونیان باقی است و تصمیم بر نابودی شما دارد، شما مراسم عبادی را در خانه‌هایتان برقرار سازید، مثل سه سال اول بعثت پیامبر گرامی است.

از این رو از این آیه نباید چنین برداشت کرد که نماز خواندن در مساجد مردود است و لازم است تا مردم از مساجد کناره‌گیری کنند و به خواندن نماز در خانه‌های خود اکتفا کنند.

چرا که علماء و فقهاء و صاحب‌نظران اصولی در باب اعتماد به شریعت‌های قبل اسلام (مانند شریعت حضرت موسی علیه السلام) به عنوان مأخذ و دلیل شرعی برای ما مسلمانان اختلاف نظر دارند؛ بعضی آن را به طور مطلق رد نموده‌اند، و بعضی آن را به شرط اینکه در شریعت مقدس اسلام مردود یا منسوخ نشده باشد، می‌پذیرند.

در این رابطه نتیجه می‌گیریم که فقهای دین، مسلمانان را به ادای نماز جماعت در مسجدها دعوت نموده‌اند، و اقامه‌ی نماز در مساجد را (براساس روایات و احادیث صحیح و مشهور) به ۲۵ یا ۲۷ درجه نسبت به ادای نماز در منازل برتر می‌شمارند تا آنجا که بعضی از پیشوایان مذاهب از جمله امام احمد بن حنبل، نماز جماعت را بر هر مردی به استثنای کسی که عذر شرعی داشته باشد، واجب عینی دانسته و دلایل زیادی برای آن ارائه نموده است.

و بعضی از ائمه‌ی مذاهب نیز که نماز جماعت را واجب عینی ندانسته‌اند، آن را به عنوان واجب کفایی یا حداقل سنت مؤکده دانسته‌اند. بنابراین آیا رواست که ما بیائیم به خاطر آن تأویلات و احتمالات که در شریعت موسی علیه السلام اعمال گردیده، اینگونه احادیث و آثار صحیح که بیانگر شریعت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشند، را ترک کنیم و به فراموشی بسپاریم.

خاطر نشان می‌شود که در شریعت مقدس اسلام مستحب است که نمازهای نفل و سنت در خانه خوانده شوند. جابر رضی الله عنه گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر گاه کسی از شما نماز فرض را در مسجد خواند، قسمتی از نمازها را برای خانه بگذارد؛ چون خداوند به واسطه‌ی نماز، نوری را در خانه‌اش قرار می‌دهد» [مسلم].  
و نیز می‌فرماید:

«در خانه‌هایتان نماز بخوانید، چون بهترین نماز شخص، نماز در خانه‌اش است غیر از نمازهای فرض که باید در مسجد، خوانده شوند.» [بخاری و مسلم]

## نماز جماعت

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

[آل عمران: ۲۰۰]

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾  
رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا  
تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ [النور: ۳۶-۳۷]

## عبادات، نمازهای نفل

دو رکعت قبل از نماز صبح (به قولی مراد از آیهی ۴۹ سورهی طور، دو رکعت بامداد است)

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ﴾ [الطور: ۴۹]

## دو رکعت پس از نماز مغرب

(ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: مراد از «ادبار السجود» در آیهی ۴۰ سورهی ق، نمازهای نافلهی بعد از فرائض، به ویژه دو رکعت پس از نماز مغرب است):

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ﴾ [ق: ۴۰]

خواندن دو رکعت نماز بین هر اذان و اقامه، یکی از اعمال نیک و شایسته است

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾

[فصلت: ۳۳]



توضیح موضوع: از آیهی ۳۳ سورهی فصلت، دانسته می شود که دعوتگران راه خداوند ﷻ و مؤمنان راستین، ناگزیر باید عمل صالح - یعنی ادای فرائض، بسیار انجام دادن نوافل و مستحبات، اجتناب از محرّمات، اعلام اعتقاد صریح خود در همهی امور عقیدتی، و اخلاص عمل برای خداوند - را با هم جمع کنند.

از عبدالله بن مغفل رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم ﷺ در مورد خواندن دو رکعت نماز بین هر اذان و اقامه فرمودند: «بین کلّ اذانین صلوة، بین کلّ اذانین صلوة، ثم قال في الثالثة لمن شاء» [بخاری و مسلم] «بین هر اذان و اقامه نماز است، بین هر اذان و

اقامه نماز است، و در سومین بار فرمودند: برای کسی که بخواهد (و خواندن این نماز، فرض یا واجب نیست، بلکه امر مستحب است)».

### نماز عید قربان

(قتاده، عطاء و عکرمة می‌گویند: مراد از جمله «وَ اَنْحَرْ» در آیه ۲ سوره ی کوثر، ادای نماز عید قربان و ذبح قربانی در آن است.):

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ﴾ [الکوثر: ۲]

### نماز عید فطر

(به قولی مراد از جمله‌ی «تَزَكَّى» در آیه ۱۴ سوره ی اعلیٰ، پرداخت زکات فطر، و مراد از جمله‌ی «فَصَلَّى» در آیه ۱۵ سوره ی اعلیٰ، ادای نماز عید فطر است):

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿۱۵﴾ [الأعلى: ۱۴-۱۵]

### نماز شب (صلاة اللیل = نماز تهجد)

﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا﴾ [الفرقان: ۶۴]

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ ﴿۱۶﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۷﴾ [السجدة: ۱۶-۱۷]

﴿أَمَّنْ هُوَ قَنِيتٌ ءَأَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ...﴾ [الزمر: ۹]

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ ﴿۱۷﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿۱۸﴾ [الذاریات: ۱۷-۱۸]

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ ﴿۳۱﴾ [الإنسان: ۲۶]

### نفل شب از نفل روز بهتر و برتر است

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيَالًا﴾ [المزمل: ۶]

### نماز جنازه، و نهی از خواندن نماز جنازه بر کافران و منافقان

(چرا که نماز میّت و زیارت قبور، نشانه‌ی حرمت و احترام مؤمن پس از مرگ و کاری پسندیده است و چون منافق و کافر، حرمتی ندارند، لذا خواندن نماز جنازه و حضور در مراسم مردگان کافر و منافق، جواز ندارد و از آن نهی شده است):



﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ...﴾ [التوبة: ۸۴]

اولیای میت به نماز خواندن بر میت از دیگران مستحق تراند

﴿... وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

[الأنفال: ۷۵]

نماز توبه [صلوة توبه]

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۵]

استحباب نماز، در وقت وارد شدن مصیبت [صلوة الحاجة]

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ

مَلَاقُوا رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: ۴۵-۴۶]

نماز کسوف (خورشید گرفتگی) و خسوف (ماه گرفتگی)

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَلِيلٌ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ

وَأَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [فصلت: ۳۷]

\*\*\*

توضیح موضوع: نماز خورشید گرفتگی برای مردان و زنان، سنتی است مؤکد و

رسول خدا ﷺ در مورد ادای آن، سفارش فرموده است که:

«أفتاب و ماه دو نشانه از نشانه‌های (دانش و قدرت) خداوند هستند، برای مرگ و

زندگی کسی گرفته نمی‌شوند، هر گاه گرفته شدند، نماز بخوانید.» [بخاری]

نماز کسوف (خورشید گرفتگی) همچون نماز عیدین انجام می‌گیرد و زمان آن از

زمان ماه و خورشید گرفتگی آغاز و تا پایان آن ادامه دارد. اما چنانچه خورشید

گرفتگی در اواخر روز بود - که نماز مستحب در آن شدیداً کراهت دارد - به جای

نماز کسوف، اذکار و اوارد و دعا و تضرع انجام می‌گیرد.

و ذکر و تکبیر و استغفار و دعا و صدقه و کار نیک و صلح و آشتی به هنگام کسوف

و خسوف، مستحب است. کیفیت و چگونگی نماز کسوف (خورشید گرفتگی) بدین

صورت است که مردم در مسجد اجتماع می‌کنند و بدون اذان و اقامه، دو رکعت نماز را با جماعت برگزار می‌نمایند. و چنانچه در اثنای نماز، کسوف به پایان رسید می‌توانند همچون نماز مستحب عادی آن را به پایان ببرند.

در نماز کسوف خطبه‌ی مستحبی وجود ندارد، اما امام می‌تواند مردم را به تقوا و پاکی و پرهیزگاری یادآور شود. و نماز ماه گرفتگی (خسوف) با نماز خورشید گرفتگی (کسوف) تفاوتی ندارد، به جز اینکه برخی از علماء معتقدند که نماز خسوف را مانند دیگر نمازهای مستحب می‌توان به تنهایی در منازل و مساجد ادا کرد و نیاز به برگزاری آن به صورت جماعت ندارد، زیرا ثابت نشده که رسول خدا ﷺ و اصحاب، مانند نماز کسوف برای خسوف هم در مسجد جمع شده باشند.

به هر صورت در این مورد مجال گسترده است و هر کس خواست آن را به جماعت و در مسجد بخواند و هر کس هم که نخواست می‌تواند آن را به تنهایی انجام بدهد، زیرا مهم آن است که مسلمانان با ذکر و نماز و دعا به این پدیده‌ی خداوندی توجه کنند.

#### نماز استسقاء (طلب باران)

﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا...﴾ [البقرة: ۶۰]

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿۱۰﴾ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿۱۱﴾﴾ [نوح: ۱۰-۱۱]



**توضیح موضوع:** نماز استسقاء به معنی طلب و درخواست باریدن باران برای ایجاد آبادانی و رفاه و وفور نعمت از خداوند، به وسیله‌ی نماز و ذکر و دعا و استغفار در خشکسالی است.

و نماز طلب باران، سنت مؤکدی است زیرا رسول خدا ﷺ عملاً آن را می‌خوانده و مردم را به بیرون رفتن از شهر و حضور در مصلی برای اقامه‌ی آن، دعوت می‌فرموده است.

و مستحب است که خبر برگزاری نماز طلب باران، چند روز زودتر به وسیله‌ی امام و پیشنماز در میان مردم اعلام شود، و مردم را به توبه و طلب بخشش از خداوند و برگرداندن حق به صاحب حق، و روزه و نیکوکاری، و ترک دشمنی‌ها و صلح و آشتی دعوت کند، زیرا گناه و ستم و ترک عبادات، زمینه‌ساز پیش آمدن خشکسالی و کم شدن نعمت و برکت خداوند می‌گردند.

و چگونگی نماز استسقاء بدین ترتیب است که: امام و پیشنماز همراه با مردم به محل نماز و مصلاّی خارج شهر می‌روند، امام همراه نمازگزاران دو رکعت نماز را برگزار می‌نماید، سپس از جای خود برخاسته و رو به سوی مردم خطابه‌ای را ایراد می‌نماید و در آن مردم را به استغفار و توبه و ردّ مظالم فرامی‌خواند و بعد از آن رو به قبله نموده و طرف راست ردایش به طرف چپ آن می‌چرخاند، و مردم هم به پیروی از او این کار را انجام می‌دهند، و سپس ساعاتی را به دعا می‌پردازند و بعد از آن به شهر باز می‌گردند، و می‌توانند این کار را تا سه روز انجام دهند.

### آیات کلی درباره‌ی نماز

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [البقرة: ۳]  
 ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ نَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [البقرة: ۱۱۰]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۵۳]  
 ﴿... وَالسَّالِفِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتَى الزَّكَاةَ...﴾ [البقرة: ۱۷۷]  
 ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۷]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...﴾ [النساء: ۴۳]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ...﴾ [النساء: ۷۷]  
 ﴿... وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۲]

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ [المائدة: ٥٥]

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحُمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ [المائدة: ٩١]

﴿وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: ٧٢]

﴿وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾ [الأعراف: ١٧٠]

﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [الأنفال: ٣]

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَعَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ [التوبة: ١٨]

﴿... وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ٧١]

﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِعَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ﴾ [الرعد: ٢٢]

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ﴾ [إبراهيم: ٣١]

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾ [طه: ١٣٢]

﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُتَّقِينَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [الحج: ٣٥]

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَنْتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ [الحج: ٤١]

﴿... فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ [الحج: ٧٨]

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾﴾ [المؤمنون: ١-٢]  
 ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ  
 يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾﴾ [النور: ٣٧]

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاثُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾﴾ [النور: ٥٦]  
 ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾﴾ [النمل: ٣]  
 ﴿أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ  
 وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾﴾ [العنكبوت: ٤٥]

﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾﴾ [الروم: ٣١]  
 ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾﴾ [القمان: ٤]  
 ﴿... وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ  
 عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ٣٣]

﴿... تَمَّا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى  
 لِنَفْسِهِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ [فاطر: ١٨]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً  
 يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ﴿٢٩﴾﴾ [فاطر: ٢٩]

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ  
 يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾﴾ [الشورى: ٣٨]

﴿... فَأَقْرَعُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاثُوا الزَّكَاةَ...﴾ [المزمل: ٢٠]  
 ﴿وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ  
 وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾﴾ [البينة: ٥].

آیاتی چند در مورد کسانی که نسبت به نماز، سست و بی حال و تنبل و کسل هستند (و جز با ناراحتی و بی حالی و سستی و سنگینی به نماز نمی ایستند و جز از روی ناچاری و ناخشنودی نماز نمی گزارند)

﴿... وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا

قَلِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۲]

﴿... وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كَسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَرِهُونَ﴾ [التوبة: ۵۴]

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ

عَذَابًا عَظِيمًا﴾ [مریم: ۵۹]

﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ [المدثر: ۴۳]

﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾ [القيامة: ۳۱]

﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ [الماعون: ۴-۵]

آیاتی چند در مورد مشرکان و چندگانه پرستانی که توبه کردند و از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن اسلام خویش، نماز خواندند

﴿... فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ...﴾ [التوبة: ۵]

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَاجْزَأْكُمْ فِي الدِّينِ...﴾ [التوبة: ۱۱]

فرمان خداوند متعال به بنی اسرائیل برای برپا داشتن نماز و پرداختن زکات

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳]

﴿... وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ...﴾ [البقرة: ۸۳]

﴿...وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ

سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۲]

﴿... وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي...﴾

[المائدة: ۱۲]

﴿... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ

بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۶]

«صلاة» از ناحیهی خداوند متعال به معنای «رحمت» و از ناحیهی مخلوقات و بندگان به معنی «دعا و استغفار» است

﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۷]  
 ﴿... وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ...﴾ [التوبة: ۱۰۳]  
 ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶]

### دعای حضرت ابراهیم در نماز

﴿... رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْعِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوَىٰ إِلَيْهِمْ...﴾ [ابراهیم: ۳۷]  
 ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِي﴾ [ابراهیم: ۴۰]

### سفارش لقمان حکیم به پسرش برای بر پا داشتن نماز

﴿يَبْنَئُ أَقِيمَ الصَّلَاةِ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ [لقمان: ۱۷]

### عبادات - سجود

#### مواضع سجدهی تلاوت در قرآن

﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ﴾ [الأعراف: ۲۰۶]

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظَلَّلُ لَهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ [الرعد: ۱۵]

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِن دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [النحل: ۴۹]

﴿قُلْ ءَامِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا﴾ [الإسراء: ۱۰۷]

﴿... إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ [مریم: ۵۸]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ  
وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ...﴾  
[الحج: ١٨]

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ  
نُفُورًا﴾ [الفرقان: ٦٠]

﴿أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا  
تُعْلِنُونَ﴾ [النمل: ٢٥]

﴿إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا  
يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [السجدة: ١٥]

﴿...وَوَظَنَ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ، وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾ [ص: ٢٤]  
﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ  
وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [فصلت: ٣٧]

﴿فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَأَعْبُدُوا﴾ [النجم: ٦٢]  
﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ﴾ [الانشقاق: ٢١]  
﴿كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾ [العلق: ١٩]

سجدهی فرشتگان بر آدم علیه السلام

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ  
الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ٣٤]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا  
إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾ [الأعراف: ١١]

﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾ [إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾ [الحجر: ٣٠-٣١]



﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيسَ قَالَ ءَاَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيْنًا ﴿٦١﴾﴾ [الإسراء: ٦١]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهٖ...﴾ [الكهف: ٥٠]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيسَ اَبٰى ﴿١١٦﴾﴾ [طه: ١١٦]

﴿فَسَجَدَ الْمَلٰئِكَةُ كُلُّهُمْ اٰجْمَعُوْنَ ﴿٧٣﴾ اِلَّا اِبْلِيسَ اَسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧٤﴾﴾ [ص: ٧٣-٧٤]

### سجدهی جادوگران فرعون برای خداوند متعال

﴿وَالْقِيَّ السَّحْرَةُ سٰجِدِيْنَ ﴿١٤﴾ قَالُوْا ءَاَمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦﴾ رَبِّ مُوسٰى وَهٰرُوْنَ ﴿١٢٢﴾﴾ [الأعراف: ١٢٠-١٢٢]

﴿فَالْقِيَّ السَّحْرَةُ سَجَدًا قَالُوْا ءَاَمَنَّا بِرَبِّ هٰرُوْنَ وَمُوسٰى ﴿٧٠﴾﴾ [طه: ٧٠]

﴿فَالْقِيَّ السَّحْرَةُ سٰجِدِيْنَ ﴿٤٦﴾ قَالُوْا ءَاَمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٧﴾ رَبِّ مُوسٰى وَهٰرُوْنَ ﴿٤٨﴾﴾ [الشعراء: ٤٦-٤٨]

### سجدهی برادران یوسف علیه السلام

﴿وَرَفَعَ اَبُوْهٖ عَلٰى الْعَرْشِ وَخَرُّوْا لَهٗ سُجَّدًا...﴾ [یوسف: ١٠٠]



توضیح موضوع: بعضی از مفسران سجدهی برادران یوسف را اینگونه تفسیر کرده‌اند که برادران یوسف در برابرش به سجده افتادند و کرنش بردند. و مراد از سجده کردن، خم شدن و کرنش بردن جهت ادای تعظیم و توقیر بود، نه به منظور عبادت و طاعت، و این سجده بردن از قبیل سلام شاهان و بزرگان است چرا که در آن روزگاران، سر خم کردن به سوی زمین بوده است، همان‌گونه که امروز مثلاً مصافحه، معانقه، دست‌بوسی، روبوسی، برخاستن و غیره، عادت انسان‌ها در مکان‌های مختلف است، و کرنش پدر و مادر و برادران برای تکریم و بزرگداشت یوسف علیه السلام به الهام خدا بوده همانطوری که سجدهی فرشتگان برای آدم علیه السلام و ذبح اسماعیل به وسیله‌ی ابراهیم علیه السلام به فرمان وحی بوده است. و برخی از مفسران گفته‌اند که: جملگی به خاطر او برای خدا سجده بردند و شکرش را گفتند.

## عبادات - ادعيه

## تشويق و ترغيب بر دعا

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...﴾ [البقرة: ١٨٦]

﴿... وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ...﴾ [النساء: ٣٢]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ

تُقْلِحُونَ﴾ [المائدة: ٣٥]

﴿قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ

كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [٥] بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا

تُشْرِكُونَ﴾ [٦] وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ آلِ إِمْرٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ

يَتَضَرَّعُونَ﴾ [الأنعام: ٤٠-٤٢]

﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ...﴾ [الأنعام: ٥٢]

﴿قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ، تَضَرَّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَجَبْنَا مِنْ

هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [٣] قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ

تُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ٦٣-٦٤]

﴿... وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...﴾ [الأعراف: ٢٩]

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرَّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [٥٥]... وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنْ

رَحِمَتِ اللَّهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الأعراف: ٥٥-٥٦]

﴿وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا

كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ١٨٠]

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُ

بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ١١٠]

﴿قُلْ مَا يَعْبُونَ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ...﴾ [الفرقان: ٧٧]

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ...﴾

[النمل: ٦٢]

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا...﴾ [السجدة: ١٦]  
 ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ  
 يَرْفَعُهُ...﴾ [فاطر: ١٠]

﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [غافر: ١٤]  
 ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...﴾ [غافر: ٦٠]  
 ﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [غافر: ٦٥]  
 ﴿إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ﴾ [الطور: ٢٨]

## دعاهای قرآنی

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۗ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ  
 عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ [الفاتحة: ٥-٧]  
 ﴿... رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝... وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ  
 الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ١٢٧-١٢٨]

﴿... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ٢٠١]  
 ﴿... رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَدْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ٢٥٠]  
 ﴿... سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝... رَبَّنَا لَا تُوَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ  
 أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا  
 لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ  
 الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ٢٨٥-٢٨٦]

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ [آل عمران: ٨-٩]  
 ﴿... رَبَّنَا إِنَّا أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [آل عمران: ١٦]  
 ﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ [آل عمران: ٥٣]

﴿... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ١٤٧]

﴿... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ ﴿١٩٤﴾ [آل عمران: ١٩١-١٩٤]

﴿... رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾ [النساء: ٧٥]

﴿... رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ ﴿٢٣﴾ [الأعراف: ٢٣]

﴿... رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [الأعراف: ٤٧]

﴿... رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ﴾ [الأعراف: ١٢٦]

﴿... رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ [الأعراف: ١٥١]

﴿... أَنْتَ وَلِيِّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَأَرْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ﴾ ﴿١٥٥﴾ وَأَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ...﴾ [الأعراف: ١٥٥-١٥٦]

﴿... رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ ﴿٨٦﴾ [يونس: ٨٥-٨٦]

﴿رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ ﴿١٠١﴾ [يوسف: ١٠١]

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ ﴿٤١﴾ [ابراهيم: ٤٠-٤١]

﴿... رَبِّ ارْحَمهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [الإسراء: ٢٤]

﴿... رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

سُلْطَنًا نَّصِيرًا﴾ [الإسراء: ٨٠]

﴿... رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ [الكهف: ١٠]

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٥٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٥٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي﴾ [طه: ٢٥-٢٧]

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَآتَى مَسْنَى الضَّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٨٣﴾﴾ [الأنبياء: ٨٣]

﴿... لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ٨٧]

﴿... رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [الأنبياء: ٨٩]

﴿... رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ﴾ [المؤمنون: ٢٩]

﴿... رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾﴾

[المؤمنون: ٩٧-٩٨]

﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ [المؤمنون: ١٠٩]

﴿... رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ [المؤمنون: ١١٨]

﴿... رَبَّنَا أَصْرَفَ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾ [الفرقان: ٦٥]

﴿... رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ٧٤]

﴿فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾﴾

[النمل: ١٩]

﴿... رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي...﴾ [القصاص: ١٦]

﴿رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾﴾ [الدخان: ١٢]

﴿... رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا

تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأحقاف: ١٥]

﴿... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ

ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحشر: ١٠]

﴿... رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَآغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٥﴾﴾ [المتحنة: ٤-٥]

﴿... رَبَّنَا أَتَمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَآغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [التحریم: ٨]

﴿رَبِّ آغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...﴾ [نوح: ٢٨]

### ذکر و یاد خداوند متعال (ذکر الله)

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ...﴾ [البقرة: ١٥٢]

﴿... وَأَذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ [آل عمران: ٤١]

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ...﴾ [آل عمران: ١٩١]

﴿فَإِذَا قُضِيَتْهُمُ الصَّلَاةُ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ...﴾ [النساء: ١٠٣]

﴿وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾﴾ [الأعراف: ٢٠٥]

﴿... وَأَذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَن يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا﴾ [الكهف: ٢٤]

﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾﴾ [الشعراء: ٢٢٧]

﴿... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ [العنكبوت: ٤٥]

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾﴾ [الأحزاب: ٢١]

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ... وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ٣٥]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾﴾ [الأحزاب: ٤١]

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الجمعة: ۱۰]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [المنافقون: ۹]

﴿وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا﴾ [المزمل: ۸]

﴿وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الإنسان: ۲۵]

خداوند متعال را به عظمت و کبریایی یاد کردن (التکبیر)

﴿... وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْتُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۵]

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وِئٌ مِّنَ الدَّالِّ وَكَبِيرَةٌ كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۱۱]

﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾ [المدثر: ۳]

شکر و سپاسگذاری از خداوند متعال با گفتار و کردار شایسته

﴿... أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۲]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۲]

﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۵]

﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَعَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا﴾ [النساء: ۱۴۷]

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ [ابراهيم: ۷]

﴿... وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾ [النمل: ۴۰]

﴿وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الفصص: ۷۳]

- ﴿... إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۗ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [العنكبوت: ۱۷]
- ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الروم: ۴۶]
- ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ [لقمان: ۱۲]
- ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصْلُهَا فِي غَامٍ إِنَّ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ﴾ [لقمان: ۱۴]
- ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [لقمان: ۳۱]
- ﴿وَتَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَاجِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [فاطر: ۱۲]
- ﴿... وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ...﴾ [الزمر: ۷]
- ﴿بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۶]
- ﴿... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [الشورى: ۳۳]
- ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مِمَّا تَشْكُرُونَ﴾ [الملك: ۲۳]

ستایش خداوند جهانیان (حمد الله تعالى)

- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الفاتحة: ۲]
- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ...﴾ [الأنعام: ۱]
- ﴿فَقَطِّعْ دَائِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۴۵]
- ﴿... وَعَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [يونس: ۱۰]
- ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ ...﴾ [الإسراء: ۱۱۱]
- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ [الكهف: ۱]



﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ...﴾ [النمل: ۵۹]  
 ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سِيرِيكُمْ ءَايَتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا...﴾ [النمل: ۹۳]  
 ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۗ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [التقصص: ۷۰]

﴿... قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۳]  
 ﴿وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ [الروم: ۱۸]  
 ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ...﴾ [سبا: ۱]  
 ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مِّثْلَىٰ  
 وَثَلَاثَ وَرُبْعًا...﴾ [فاطر: ۱]

﴿وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الصافات: ۱۸۲]  
 ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُكَ مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ...  
 ... وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الزمر: ۷۴-۷۵]  
 ﴿... فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [غافر: ۶۵]  
 ﴿فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الجاثية: ۳۶]

تسبیح و تقدیس خداوند از ناتوانی‌ها و ناشایست‌ها، و تعظیم و تکریم و تجلیل و بزرگداشت حق تعالی در همه‌ی حالات

﴿... وَأَذْكُرُ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ [آل عمران: ۴۱]  
 ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّجِدِينَ﴾ [الحجر: ۹۸]  
 ﴿تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَوَاتِ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ ۗ  
 وَلَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ [الإسراء: ۴۴]  
 ﴿فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ  
 ءَأَنَآئِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ﴾ [طه: ۱۳۰]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالظَّيْرُ صَفَّتِ كُلُّ قَدِّ عِلْمٍ صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ...﴾ [النور: ٤١]

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ...﴾ [الفرقان: ٥٨]

﴿فَسُبِّحْنَ اللَّهَ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ [الروم: ١٧]

﴿وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الأحزاب: ٤٢]

﴿فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾

[غافر: ٥٥]

﴿لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الفتح: ٩]

﴿فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ﴾

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ﴾ [ق: ٣٩-٤٠]

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ الشُّجُومِ﴾ [الطور: ٤٩]

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ [الواقعة: ٧٤]

﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الحديد: ١]

﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الحشر: ١]

﴿... يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الحشر: ٢٤]

﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الصف: ١]

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

[الجمعة: ١]

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ﴾ [التغابن: ١]

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ [الحاقة: ٥٢]

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ [الإنسان: ٢٦]

﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ [الأعلى: ١].

## رکن سوم:

### زکات

فرمان خدا مبنی بر پرداخت زکات و حقوق واجب مالی

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ...﴾

﴿البقرة: ۱۱۰﴾

﴿... فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ

التَّصِيرُ﴾ [الحج: ۷۸]

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النور: ۵۶]

﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ﴿۴۱﴾ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ [المعارج: ۲۴-۲۵]

﴿... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...﴾ [المزمل: ۲۰]

تشویق بر عدم تأخیر و عدم سستی و کندی در پرداخت زکات

﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا

أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [المنافقون: ۱۰]

زکات شتر، گاو، گوسفند و امثال آنها

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ

لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۰۳]

زکات حبوبات و ثمر درختان

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ

وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ وَیَوْمَ

حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۱]



**توضیح موضوع:** حبوبات به محصولات کشاورزی، از قبیل: گندم، جو، نخود، برنج، لوبیا، عدس، ذرت و امثال آنها گفته می‌شود که معمولاً به عنوان قوت از آنها استفاده می‌شود و ذخیره می‌گردند.

و ثمر درختان شامل: خرما، زیتون، کشمش، گردو، انجیر، پسته و امثال آنها، مشمول واجب بودن زکات می‌شوند، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنِّي حَمِيدٌ ﴿۳۷﴾﴾ [البقرة: ۲۶۷]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه‌ی اموالی که از طریق تجارت بدست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده‌ایم از قبیل حبوبات و ثمر درختان و منابع طبیعی ببخشید و به سراغ چیزهای ناپاک نروید تا از آن ببخشید؛ در حالی که خود شما حاضر نیستید آن چیزهای پلید را دریافت کنید مگر با اغماض و چشم‌پوشی در آن، و بدانید که خداوند بی‌نیاز و شایسته‌ی ستایش است.»

و پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«آنچه به وسیله‌ی آب باران و چشمه آبیاری می‌شود، و چیزهایی که احتیاج به آب ندارند، زکات آن یک دهم (عشر)، و از آنچه به وسیله‌ی صاحب آن با تلاش و زحمت آبیاری می‌شود، یک بیستم (نصف عشر) زکات تعلق می‌گیرد.» [بخاری]

## زکات فطر

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿۱۴﴾﴾ [الأعلى: ۱۴]

## بیان موارد مصرف زکات، و فرضیت زکات

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَاةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغُرْمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۶۰﴾﴾ [التوبة: ۶۰]



**توضیح موضوع:** براساس آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی توبه، مستحقین زکات عبارتند از:

۱. **فقیر:** به کسی گفته می‌شود که به اندازه‌ی برآورده شدن نیازهای ضروری لباس و غذا و مسکن، دارای مال و ثروت نباشد، هر چند دارایی اندکی را هم دارا باشد.
۲. **مسکین:** به کسی مسکین گفته می‌شود که وضع او اندکی از فقیر بهتر یا دارای مقداری درآمد باشد. و برخی از علماء می‌گویند: آدم فقیر: کسی است که هیچ دارایی و درآمدی ندارد، و انسان مسکین: کسی است که مخارج مشروع و معمول او از درآمدش بیشتر باشد.
۳. **عاملین و کارگزاران:** عاملین زکات کسانی هستند که به نحوی در جمع‌آوری و تقسیم زکات کار و مسئولیتی را انجام می‌دهند. به آنان هر چند دارا و بی‌نیاز باشند، مقداری از زکات به عنوان حقوق، در حد هزینه‌ی خانواده پرداخت می‌شود.
۴. **مؤلفه القلوب:** کسانی که ایمانشان چندان استوار نگردیده، یا در میان مردم و طایفه و گروهی مورد احترام می‌باشند و به سخنان او توجه می‌کنند، به خاطر به دست آوردن دل آن‌ها و گرایش بیشتر به اسلام و رسانیدن نفع بیشتر یا جلوگیری از زیان او به اسلام و مسلمانان، زکات داده می‌شود، زیرا ممکن است انسان نامسلمانی هم که فقیر و نیازمند است به وسیله‌ی زکات، به ایمان و اسلام علاقمند شود و مسلمان بگردد.
۵. **بدهکاران:** بدهکارانی که در کار و تجارتي مشروع زیر بار بدهکاری گرفتار آمده‌اند و خود نمی‌توانند آن را حل و فصل نمایند؛ به اندازه‌ی مقدار بدهکاریشان به آنان زکات داده می‌شود.
۶. **در راه خدا:** منظور از راه خدا، همه کارهایی است که خداوند از آن خوشنود می‌شود، مانند جهاد در راه گسترش و تقویت دین، مانند جهاد نظامی، فکری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و...
۷. **مسافران و امانده:** مسافر و امانده به کسی گفته می‌شود که توشه و هزینه‌ی مسافرتش را به هر صورت از دست داده و به شهر یا روستای محل سکونت خود دسترسی ندارد، به اینگونه افراد - هر چند در محل خود دارا باشند - به اندازه‌ی کافی از درآمد زکات کمک می‌شود. این در صورتی است که برای قرض گرفتن یکی را نشناسد، و اگر دوست و آشنایی داشته باشد و حاضر به دادن قرض به او بشوند، زکات به او تعلق نمی‌گیرد.
۸. **آزادی بردگان.**

واجب است تا در پرداخت زکات، پاکیزه‌ترین، بهترین، برگزیده‌ترین و حلال‌ترین اموال، گزینش شود

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ ۗ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٣٧﴾﴾ [البقرة: ۲۶۷]

آنچه از عذاب و خشم خدا به مانعان زکات می‌رسد (مانعان زکات در تیررس عذاب و خشم خداوند متعال هستند)

﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يُجْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿٣٥﴾﴾ [التوبة: ۳۴-۳۵]

### آیات کلی درباره‌ی زکات

﴿... وَءَاتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنَ السَّبِيلِ وَالسَّالِفِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ ...﴾ [البقرة: ۱۷۷]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾﴾ [البقرة: ۲۷۷]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ ...﴾ [النساء: ۷۷]

﴿... وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۲]

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾﴾ [المائدة: ۵۵]

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾﴾ [التوبة: ۱۸]

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۷۱]

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَاتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَقِيبُهُ الْأُمُورِ﴾ [الحج: ۴۱]

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾ [المؤمنون: ۴]  
 ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ [يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ... ] [النور: ۳۷-۳۸]

﴿... وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ [النمل: ۳]

﴿... وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ [لقمان: ۴]

﴿... وَأَقَمْنَ الصَّلَاةَ وَعَاتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾ [الأحزاب: ۳۳]  
 ﴿وَمَا أَمُرُوا إِلَّا لِيعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ [البينة: ۵]

**پیمان گرفتن خداوند متعال از بنی اسرائیل مبنی بر پرداخت زکات و برپاداری نماز**

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳]  
 ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ...﴾ [البقرة: ۸۳]  
 ﴿... وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۲]

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي...﴾ [المائدة: ۱۲]

﴿... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ

بِقَائِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۶]

آیاتی چند در مورد مشرکان و چندانگانه پرستانی که توبه کردند و از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن اسلام خویش، زکات دادند

﴿... فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

[التوبة: ۵]

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ فِي الدِّينِ ...﴾ [التوبة: ۱۱]

﴿... وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ۗ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۗ﴾

[فصلت: ۶-۷]

### انفاق و بخشش در راه خدا

فرمان الهی به انفاق و بخشش و صدقه کردن

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِي يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا

خُلَّةٌ وَلَا شَفِيعَةٌ ...﴾ [البقرة: ۲۵۴]

﴿... وَعَآتُوهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي ءَاتَاكُمْ ...﴾ [النور: ۳۳]

﴿وَفِي ءَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ [الذاریات: ۱۹]

﴿ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ءَ وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ ...﴾ [الحديد: ۷]

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنفِقُوا خَيْرًا لِّأَنفُسِكُمْ وَمَن يُوقِ شَحًّا

نَفْسِيهِ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [التغابن: ۱۶]

وجوب انفاق از پاکیزه‌ترین، برگزیده‌ترین، حلال‌ترین و بهترین اموال

﴿لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾

[آل عمران: ۹۲]



ثواب انفاق در راه خدا، قابلیت رشد و نمو تا هفتصد برابر و یا بیشتر را دارد

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ [البقرة: ۲۶۱]

انفاق باید مازاد بر نیازمندی خود فرد، و اضافه بر نفقه‌ی خانواده‌اش باشد (یعنی اگر کسی خواست انفاق کند، هم مراعات اعتدال را نموده، و همه‌ی اموال خویش را یکجا انفاق نکند تا خود نیازمند و محتاج نشود، و هم در موقع انفاق، از بهترین اموال خود بدهد):

﴿... وَدَسَّوْنَاكَ مَآذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ...﴾ [البقرة: ۲۱۹]

### اعتدال و میانه‌روی در انفاق

(که نه به هنگام انفاق زیاده‌روی می‌کنند و نه سختگیری، و بلکه در میان این دو - اسراف و بخل - حد میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کنند):

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...﴾ [البقرة: ۱۹۵]  
 ﴿وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾ [الإسراء: ۲۶]  
 ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ [الإسراء: ۲۹]

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ [الفرقان: ۶۷]

انفاق‌کننده و احسانگر برای این انفاق نکند تا بیشتر بگیرد و افزون‌طلبی کند (یعنی چیزی به دیگران عطا نکند که انتظار بازگشت بیشتری را داشته باشد):

﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لَّيْرَبُوبًا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوبُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾ [الروم: ۳۹]  
 ﴿وَلَا تَمُنُّنَّ تَسْتَكْبِرُوا﴾ [المدثر: ۶]

### آیات کلی درباره‌ی انفاق و صدقه

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [البقرة: ۳]

﴿... وَعَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ  
وَالسَّالِفِينَ وَفِي الرِّقَابِ ...﴾ [البقرة: ١٧٧]

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ  
وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا ...﴾ [البقرة: ٢١٥]

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَأُصْعَافًا كَثِيرَةً ...﴾ [البقرة: ٢٤٥]  
﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ  
أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٥﴾ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنَ  
صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَىٰ ۗ وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ ﴿٢٦٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ  
وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ  
صَفْوَانٍ عَلَيْهِ ثُرَابٌ فَأَصَابُهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۗ لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ  
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٦﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ آتِبْعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا  
مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ  
فَطَلَّ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾﴾ [البقرة: ٢٦٢-٢٦٥]

﴿إِن تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَبِعَمَّا هِيَ ۗ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ  
وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ ... وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا  
آتِبْعَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٢﴾ ... وَمَا تُنْفِقُوا  
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ  
أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾﴾ [البقرة: ٢٧١-٢٧٤]

﴿يَمَحُوقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾﴾ [البقرة: ٢٧٦]  
﴿الصَّالِحِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾﴾ [آل عمران: ١٧]  
﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينِ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ...﴾  
[آل عمران: ١٣٤]

﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٤﴾﴾ [الأنفال: ٤]  
﴿... وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ [الأنفال: ٦٠]

﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ...﴾

[التوبة: ۹۹]

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ...﴾ [التوبة: ۱۰۴]

﴿وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۱]

﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِعَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ﴾ [الرعد: ۲۲]

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن

قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ﴾ [إبراهيم: ۳۱]

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ

يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ...﴾ [النحل: ۷۵]

﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [الحج: ۳۵]

﴿وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ

وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾ [النور: ۲۲]

﴿أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [القصص: ۵۴]

﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

يُنْفِقُونَ﴾ [السجدة: ۱۶]

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنفَقْتُمْ مِّن شَيْءٍ

فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [سبا: ۳۹]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

يَرْجُونَ تَجْرَةً لَّن تَبُورَ﴾ [فاطر: ۲۹]

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ [الشورى: ٣٨]

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيَّتِكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مَنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى...﴾ [١٠-١١] ﴿١٠﴾ مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَهُوَ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ [الحديد: ١٠-١١]

﴿إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضْعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ [الحديد: ١٨]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرُّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ جُحُودِكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرٌ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [المجادلة: ١٢]

﴿إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضْعِفُهُ لَكُمْ وَيَعْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾ [التغابن: ١٧]

﴿وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾ [الحاقة: ٣٤]

﴿وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينِ﴾ [المدثر: ٤٤]

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ [الإنسان: ٨]

﴿وَلَا تَحْضُضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾ [الفرج: ١٨]

﴿فَكَ رَقَبَةٍ﴾ [١٣-١٤] ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ﴾ [البلد: ١٣-١٤]

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى﴾ [٥] ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى﴾ [٦] ﴿٦﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ وَلِيُسِّرَى﴾ [٧] ﴿٧﴾ [الليل: ٥-٧]

﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ [١٠] ﴿١٠﴾ [الضحى: ١٠]

﴿وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾ [الماعون: ٣]

### حيوان قربانى

﴿... لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ...﴾ [الحج: ٣٤]

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَحْرَسْ﴾ [الكوثر: ٢]



توضیح موضوع: گوسفند یا شتر و یا گاو را که در چاشتگاه روز عید اضحی به قصد عبادت و تقرب به خداوند ذبح می‌شود، «اضحیه» یا «قربانی» می‌گویند. قربانی یکی از شعایری است که بسیار مورد تأکید قرار گرفته که بر همه‌ی خانواده‌هایی که توانایی آن را دارند، واجب است. خداوند در مورد قربانی می‌فرماید:

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَحْزِرْ﴾ [الکوثر: ۲]

«برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن».

و در مورد ارزش و جایگاه قربانی این فرموده‌ی رسول خدا ﷺ کافی است که می‌فرماید:

«در روز عید هیچ کاری نیست که نزد خداوند به اندازه‌ی ذبح حیوانی مورد پسند خداوند باشد» [ابن ماجه و ترمذی].

و مستحب است که گوشت قربانی به سه قسمت تقسیم شود: یک قسمت آن را میان فقراء و نیازمندان تقسیم کنند، یک قسمت را خانواده مورد استفاده قرار دهند، و قسمت سوم را میان اقوام و دوستان توزیع نمایند. و می‌توانند همه‌ی گوشت قربانی را میان مستمندان و فقراء و نیازمندان و مساکین توزیع کنند.

**آیاتی چند پیرامون انفاقِ مشرکان و چندگانه پرستان و منافقان و دوچهرگان**

﴿مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتَهُ...﴾ [آل عمران: ۱۱۷]

﴿وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿۳۸﴾ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿۳۹﴾﴾ [النساء: ۳۸-۳۹]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ...﴾ [الأنفال: ۳۶]

﴿قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِتَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ ﴿٥٣﴾ وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ﴾ ﴿٥٤﴾ [التوبة: ٥٣-٥٤]

﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا ...﴾ [التوبة: ٩٨]

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ...﴾ [يس: ٤٧]

﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا...﴾ [المنافقون: ٧].

## رکن چهارم:

### روزه

#### فرضیت روزه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ... ﴿البقرة: ۱۸۳-۱۸۴﴾

#### ماه روزه (رمضان المبارک)

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ... ﴿البقرة: ۱۸۵﴾

#### چگونگی اثبات آغاز و انتهای ماه رمضان

﴿... فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ... وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدٰنَكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿البقرة: ۱۸۵﴾



توضیح موضوع: از دو طریق فرا رسیدن ماه مبارک رمضان به اثبات می‌رسد:  
طریق اول: سی روز کامل شدن ماه شعبان که ماه پیش از رمضان است. و چنانچه ماه شعبان سی روز کامل گردید، روز بعد از آن اولین روز ماه رمضان خواهد بود.  
طریق دوم: دیده شدن هلال ماه رمضان است. بدین معنی که اگر هلال ماه در شب سیام ماه شعبان مشاهده گردید، فردای آن روز، روزه‌ی ماه رمضان واجب می‌شود.  
زیرا رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«هر گاه هلال ماه را دیدید روزه بگیرید و هر گاه دوباره آن را دیدید، روزه را به پایان ببرید، اگر هوا ابری بود سی روز را کامل کنید.» [مسلم]

برای اثبات و رؤیت ماه گواهی یک یا دو نفر انسان عادل کافی است، اما برای رؤیت هلال ماه شوال و پایان یافتن ماه رمضان باید دو نفر انسان عادل پرهیزگار شهادت بدهند، زیرا رسول خدا ﷺ برای پایان ماه رمضان شهادت یک نفر را جایز ندانسته‌اند.»  
[طبرانی و دارقطنی]

اما هر کس که خود هلال ماه رمضان را دید و اطمینان خاطر پیدا نمود - هر چند شهادتش پذیرفته نشود - بر خود او روزه گرفتن فردای آن شب واجب می‌شود.

### وقت امساک، و وقت افطار در روزه

(از طلوع صبح صادق تا غروب آفتاب. یعنی روزه عبارت است از ترک خوردن، آشامیدن و عمل جنسی از طلوع صبح صادق تا غروب خورشید):

﴿... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۗ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ۗ﴾ [البقرة: ۱۸۷]

### رخصت افطار برای بیماران و مسافران

﴿... فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۴]



**توضیح موضوع:** روزهی مسافران: هر گاه کسی به مسافرتی برود که در آن بتوان نماز را کوتاه نمود، (یعنی حدود ۴۸ مایل یا ۸۴ یا ۹۰ کیلومتر)، شریعت اسلام به او اجازه داده که روزه نگیرد، اما پس از بازگشت از سفر و پایان ماه رمضان، بایستی آن را قضاء نماید. اما اگر در سفر به او سخت نمی‌گذشت و خود خواست روزه بگیرد و روزه‌اش را گرفت، بهتر است. اما چنانچه مسافرت او همراه با مشقت و سختی بود، روزه نگرفتنش بهتر می‌باشد.

**روزه‌ی بیماران:** چنانچه کسی در ماه رمضان دچار بیماری بشود، دقت کند که اگر بدون سختی و مشقت می‌تواند روزه باشد، روزه‌اش را بگیرد، اما اگر نمی‌توانست و برایش سخت بود، می‌تواند روزه نگیرد، و چنانچه انتظار داشت که بیماری‌اش بهبودی پیدا کند، تا زمان بهبودی منتظر می‌ماند، و پس از بهبودی، روزه‌های باقی



مانده‌ی ماه مبارک رمضان را روزه می‌گیرد، و روزهایی را که روزه نگرفته، پس از پایان ماه رمضان قضاء می‌کند.

اما در صورتی که بیماری او معالجه‌پذیر نبود، و همچنان ادامه داشت و نمی‌توانست روزه بگیرد، برای هر روز آن به مقدار یک وعده غذای انسانی مستمند، کفاره و فدیة می‌دهد.

**رخصت افطار برای کسانی که توانایی انجام روزه را ندارند و یا با رنج و مشقت می‌توانند آن را بگیرند**

(از قبیل: پیران ضعیف و بیمارانِ همیشگی)، و بر آن‌ها دادن فدیة (دادن یک وعده‌ی غذا از خوراک متوسط خانواده‌ی خود به فقراء در مقابل هر روز روزه) واجب است. (و باید از خوراک متوسطی که به خانواده‌ی خود می‌خوراند و در برابر هر روزی یک خوراک متوسطه که بتواند به طور معتدل مسکینی را سیر کند، بپردازد):

﴿... وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ...﴾ [البقرة: ۱۸۴]

### روزه‌ی نفلی

﴿... فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ...﴾ [البقرة: ۱۸۴]

### عموم آیات درباره‌ی روزه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۴﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۸۵﴾﴾ [البقرة: ۱۸۳-۱۸۵]

﴿أَحِلَّ لَكُم لَيْلَةُ الصِّيَامِ الَّرَفْتِ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ فَالآنَ

بَشِّرُوهُمْ وَأَبْتغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ  
مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُمْ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ  
فِي الْمَسْجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ  
يَتَّقُونَ ﴿١٨٧﴾ [البقرة: ١٨٧]

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ... وَالصَّالِحِينَ وَالصَّالِحَاتِ ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً  
وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ٣٥]

### شب قدر

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيْرٌ مِّنْ  
أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى  
مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾﴾ [القدر: ١-٥]

### صدقهی فطر

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾﴾ [الأعلى: ١٤-١٥].

## رکن پنجم:

### حج

#### فرضیت حج

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾ [البقرة: ۱۹۶]

﴿... وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾ [آل عمران: ۹۷]

عدم تأخیر و تراخی، و عدم سستی و تنبلی در ادای فریضه حج (برای کسی که توانایی مالی و بدنی برای رفتن به حج خانه خدا را دارد)

﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ [۱۱-۱۰] [المنافقون: ۱۱-۱۰]



توضیح موضوع: در صورت تحقق شرائط ذیل، حج خانه خدا بر انسان مسلمان واجب می شود و نباید در ادای آن تأخیر و سستی ورزد. و این شرایط عبارتند از:

۱. اسلام: بدین معنی که حج و عمره، و دیگر عبادات بر غیرمسلمانان واجب نیستند، زیرا آنان پیش از هر چیز مکلف به ایمان هستند و مبنای پذیرش و عدم پذیرش همه‌ی آن عبادات ایمان است.
۲. عاقل بودن: زیرا تکلیفی متوجه دیوانگان نیست.
۳. بلوغ (رسیدن به سن رشد): به خاطر اینکه کودکان تا زمانی که به حد بلوغ نرسیده‌اند، مکلف نیستند.
۴. سلامتی و تندرستی بدن.
۵. استطاعت و توانایی مالی.

۶. داشتن توشه و هزینه‌ی سفر و ذخیره برای افراد تحت تکفل از آغاز سفر تا هنگام مراجعت.

۷. امنیّت راه‌ها.

کسی که شرایط فوق را دارا نباشد، حج بر او فرض نیست. و در مورد زنان علاوه بر شرایط مذکور، وجود محرم در سفر حج نیز ضروری است؛ و کسی که این شرایط را دارا باشد، نباید در ادای فریضه‌ی حج تأخیر ورزد و امروز و فردا کند، چرا که از فردا نَهی آگه.

### وقت حجّ

(حج در ماه‌های معینی انجام می‌پذیرد که عبارتند از: شوّال، ذوالقعدة و ذوالحجة):

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ...﴾ [البقرة: ۱۹۷]

هلال‌های ماه، شناسه‌های زمانی و تقویم طبیعی برای نظام زندگی مردم و تعیین وقت حجّ هستند

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ لَقُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...﴾ [البقرة: ۱۸۹]

### نیت و تلبیه

﴿... فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ...﴾ [البقرة: ۱۹۷]



توضیح موضوع: حج دارای چهار پایه است که عبارتند از: «احرام، طواف، سعی، وقوف در عرفات».

رکن اول از ارکان حج، احرام است که به معنی: نیت و قصد وارد شدن به ادای مناسک حج همراه با بیرون آوردن لباس عادی و پوشیدن لباس احرام و گفتن ذکر «لبیک اللهم لبیک» است.

تلبیه: کسی که احرام را آغاز می‌کند، پیش از عبور از میقات و هنگام حضور در آن، این ذکر را با صدای بلند لازم است بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالتَّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

و تکرار آن با صدای بلند به هنگام آغاز نماز، سواره و پیاده شدن، دیدن دوستان و... مستحب می باشد.

### منهیات و محظورات حج

﴿... فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ...﴾ [البقرة: ۱۹۷]



توضیح موضوع: محظورات حج اعمالی هستند که در حال احرام نباید انجام بگیرند، و چنانچه شخص در حال احرام یکی از آنها را انجام بدهد، فدیة، یا گرفتن روزه (سه روز روزه) یا دادن طعام به مستمندان (دادن غذا به شش نفر مستمند یا قربانی نمودن یک گوسفند) و... بر او واجب می گردد، که عبارتند از:

۱. پوشاندن سر به وسیله‌ی هر نوع پوششی که باشد.
۲. تراشیدن یا کوتاه کردن موی بدن.
۳. گرفتن ناخن‌های دست و پا.
۴. به کارگیری بوی خوش.
۵. پوشیدن لباس دوخته شده.
۶. شکار حیوانات.
۷. مقدمات عمل زناشویی مانند: بوسیدن و در بغل گرفتن.
۸. عمل زناشویی.
۹. گناه و معصیت و سرکشی و نافرمانی و جدال و مناظره‌ی بی جا و مشاجره و ستیزه کردن.

مستحب است تا حاجی در سفر حج، زاد و توشه‌ی مناسبی را برای خویش تهیه کند  
(در سفر حج، زاد و توشه لازم است)

﴿... وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ...﴾ [البقرة: ۱۹۷]

### طواف پیرامون کعبه و عبادت کردن در آن

﴿... وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ

السُّجُودِ﴾ [البقرة: ۱۲۵]

﴿... وَظَهَرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [الحج: ۲۶]

سرزمین حرم (خانه‌ی کعبه)، مأوای امن و امان است

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا...﴾ [البقرة: ۱۲۵]

خواندن دو رکعت نماز در پشت «مقام ابراهیم» پس از پایان طواف

﴿... وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ...﴾ [البقرة: ۱۲۵]

در سعی بین صفا و مروه، باید نخست از «صفا» شروع کرد

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ...﴾ [البقرة: ۱۵۸]

سعی بین صفا و مروه، در حج و عمره

﴿... فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ [البقرة: ۱۵۸]

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾ [البقرة: ۱۹۶]

مباح بودن تجارت و سایر انواع کسب معاش در حج

(و این یکی از نشانه‌های جامعیت اسلام است که در کنار اعمال عبادی حج، به زندگی مادی و کسب معاش نیز توجه دارد.):

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ...﴾ [البقرة: ۱۹۸]

وجوب وقوف به عرفه، و بعد از آن رهسپار شدن به مزدلفه

﴿... فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ...﴾ [البقرة: ۱۹۸]

ذکر و یاد خدا در «مشعر الحرام» [کوهی است در مزدلفه میان عرفات و منی]

﴿... فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ...﴾ [البقرة: ۱۹۸]

۱- مقام ابراهیم: جایگاهی است با فاصله‌ی تقریبی ۱۳ متر از کعبه، که بر حاجیان لازم است بعد از طواف خانه‌ی خدا، پشت آن، دو رکعت نماز بگزارند.

رهسپار شدن از «مزدلفه» به سوی «مِنی»

﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ ...﴾ [البقرة: ۱۹۹]



توضیح موضوع: یکی از آثار و فلسفه‌های تربیتی حج، کنار زدن امتیازات پوشالی است، و اسلام امتیازطلبی را تحت هر نام و عنوانی ممنوع اعلام کرده است. از این رو چون قبیله‌ی «قریش» قبل از ظهور اسلام، در «مزدلفه» وقوف می‌کردند و سایر مردم در «عرفات» و این کارشان را این‌گونه توجیه می‌کردند: ما مانند سائر مردم نیستیم! ما اهل الله و حرم نشینان او هستیم! پس باید بین ما و مردم امتیازاتی باشد. اما خداوند این تبعیض را از میان برداشت و اصل مساوات و برابری را بر پا و استوار گردانید و فرمود:

«از همانجا که انبوه مردم روانه می‌شوند، شما نیزای قریش! روانه شوید. یعنی در صبح گاه روز عید برای «رمی جمرات» از مزدلفه به سوی مِنی رهسپار شوید و خیال نکنید که چون اهل حرم یا از قبیله‌ی قریش و امثال آن هستید، باید حرکات عبادی شما نیز با دیگران فرق داشته باشد؛ از این رو این خودبزرگ‌بینی‌ها را کنار گذاشته و همچون عموم مردم باشید، چرا که امتیازطلبی، تحت هر نام و عنوانی ممنوع است».

### تکبیرات ایام تشریق

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا

إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى ...﴾ [البقرة: ۲۰۳]



توضیح موضوع: تکبیرات تشریق که از جانب رسول خدا ﷺ به ما رسیده است، عبارتند از:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَحْمَدُ».

این تکبیرات به دنبال ادای نمازهای فرض پنج‌گانه، از پایان نماز صبح روز عرفه (نهم ذوالحجّة) شروع می‌شود و تا بیست و سه نماز، یعنی تا پایان نماز عصر روز چهارم عید ادامه می‌یابد.

## کسی که حج تمتع می کند

(حجّی که با عمره شروع می شود و بعد از اتمام مراسم عمره، از احرام بیرون می آید و مجدداً برای حج احرام می بندند و مراسم حج را بجا می آورند) باید حیوانی را قربانی کند:

﴿... فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٦٦﴾﴾ [البقرة: ۱۹۶]

اگر کسی از برگزاری بعضی از مناسک حج، به وسیله دشمن یا بیماری و غیره، بازداشته شد و خواست از احرام بدر آید (محصر)، بر اوست که هر آنچه از قربانی فراهم شود (همچون شتر و گاو و گوسفند) ذبح کند و آن گاه از احرام بدر آید

﴿... فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ...﴾ [البقرة: ۱۹۶]

## نحر قربانیانی که حجاج برای حج می آورند

(اعم از اینکه بی نشان باشند - هدی - و یا نشان داشته باشند - قلائد -):

﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحْلُهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٣﴾﴾ [الحج: ۳۳]  
 ﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾﴾ [الحج: ۳۶-۳۷]



توضیح موضوع: «هدی»: جمع «هدیة» به معنای چهارپایانی است که به عنوان قربانی به خانه خدا اهداء می شوند و «قلائد»: جمع «قلادة» به معنای چیزی است که به گردن انسان یا حیوانی می اندازند. و در اینجا منظور چهارپایان و حیواناتی هستند که پیش از مراسم حج، با آویختن چیزی به گردن آن ها یا داغ زدن، علامت دار می شوند تا در مناسک حج، قربانی شوند.



اگر کسی از حجاج، بیمار شد یا ناراحتی در سر داشت (به سبب زخمی بودن، یا سردرد و یا بیماری‌های دیگر، و ناچار شد سر خود را قبل از موقع آن بتراشد) باید فدیة (کفاره‌ای) از قبیل: روزه یا صدقه و یا گوسفندی بدهد

﴿... فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ...﴾ [البقرة: ۱۹۶]



توضیح موضوع: شریعت مقدس اسلام از حجاج چنین می‌خواهد که تا وقتی که قربانی خود را ذبح نمی‌کنند - اگر با خود قربانی‌ای دارند - نباید خود را با تراشیدن سر، حلال سازند و از احرام بدر آیند، و هر کس از حجاج بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، چون شپش‌زدگی، یا سردرد و ناچار شد که در حال احرام سر خود را بتراشد، باید فدیة (کفاره‌ای) از قبیل: روزه، یا صدقه و یا گوسفندی بدهد. یعنی باید یکی از سه کار ذیل را انجام دهد:

سه صاع (هر صاع ۲۹۰۰ گرم نزد اصناف و ۲۷۵۱ گرم نزد جمهور) از خوراک غالب آن سرزمین، به شش نفر مسکین خوراک بدهد، یا گوسفندی را قربانی کند، و یا سه روز، روزه بگیرد.

تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر، پس از فراغت از ذبح حیوان قربانی برای حاجیان (یعنی حجاج نباید سرهای خود را بتراشند و خویشتن را از احرام بدر کنند تا قربانی به محل قربانی‌اش برسد و در قربانگاه ذبح شود.):

﴿... وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ۗ...﴾ [البقرة: ۱۹۶]

﴿... لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ...﴾ [الفتح: ۲۷]

کفاره‌ی کشتن نخجیر در حالت احرام، و یا در سرزمین حرم برای کسی که جهت انجام حج یا عمره یا هر دو، احرام بسته است

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ

طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ... ﴿[المائدة: ۹۵]



توضیح موضوع: اگر کسی در حالت احرام و یا در سرزمین حرم، نخجیری را کشت، باید نظیر آنچه کشته است، کفاره‌ای بدهد، و کفاره‌ی کشتن نخجیر، یکی از سه مورد ذیل می‌تواند باشد:

۱. همانند نخجیر را در حرم ذبح کند. و این همانندی در نزد شوافع: به خلقت و هیأت، و در نزد احناف: به قیمت است؛ و باید قیمت آن را بسنجند.
۲. به قیمت صید، خوراک و طعامی خریده و آن را به مستمندان و تهی‌دستان بدهد. در نزد شوافع: باید به هر مسکین مدی از طعام، و در نزد احناف: به هر مسکین نیم صاع از گندم، یا یک صاع از جو بدهد (یک صاع ۲۹۰۰ گرم است و مُدّ: یک چهارم صاع است).
۳. به جای اطعام هر نفر مسکین، به تعداد مستمندان دریافت کننده‌ی کفاره، روزهایی روزه بدارد. به هر حال شخص جانی در میان این سه نوع کفاره مخیر است.

رمی جمرات، ذبح حیوان قربانی، و تراشیدن موی سر پس از فراغت از انجام مناسک حج

﴿ثُمَّ لَيَقْضُوا تَفَثَهُمْ...﴾ [الحج: ۲۹]

وفا کردن به نذرها که در مناسک حج، حجّاج به گردن می‌گیرند

(یعنی اگر حجّاج در مناسک حجّ، در مورد انجام دادن کارهای نیکو و حلال نذری می‌کنند از قبیل: قربانی‌های اضافی و صدقات و خیرات، باید به نذرهای خویش وفا کنند.):

﴿... وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ...﴾ [الحج: ۲۹]

طواف «افاضه»

﴿... وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۲۹]



**توضیح موضوع:** طواف افاضه بعد از عرفه و پس از احرام به در آمدن انجام می پذیرد. و این طواف فرض است و رکنی از ارکان حج به شمار می آید. اگر این طواف در روز دهم انجام نشود، می توان در روز یازدهم یا دوازدهم، آن را به جای آورد. و بعد از انجام این طواف است که رابطه‌ی زناشویی بر حاجی حلال می شود.

**عموم آیاتی که درباره‌ی فریضه‌ی حج، وارد شده است**

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَاً وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [البقرة: ۱۲۵]

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۵۸]

﴿وَاتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَعِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٌ أَوْ نُسُكٌ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَن تَمَتَّع بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷]

﴿لَيْسَ عَلَيْكُم جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِن كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِن الضَّالِّينَ﴾ [البقرة: ۱۹۸]

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلْقٍ﴾ [البقرة: ۱۹۹]

﴿مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱]

نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٣﴾ وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ [البقرة: ١٩٦-٢٠٣]

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا قَامَ إِبْرَاهِيمُ ۖ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾﴾ [آل عمران: ٩٦-٩٧]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَبْلُغُوَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ ۚ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ ۖ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ ۗ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ ۚ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ... ﴿٦٥﴾ أَجَلٌ لَّكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ۗ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا... ﴿٦٦﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَمًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهُدًى وَالْقَلْبَيْدَ...﴾ [المائدة: ٩٤-٩٧]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۖ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنْ شَاءَ...﴾ [التوبة: ٢٨]

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٥﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنَ بَيْهَمَةٍ أَن نَّعَمَّ فَاكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ ۖ وَمَنْ يُعْظَمِ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ ۗ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ...﴾ [الحج: ٢٦-٣٠]

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعْبًا اللَّهُ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٣﴾﴾ [الحج: ٣٢-٣٣]

﴿وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعْبِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۗ فَأذْكُرُوا أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ ۗ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۗ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَا كِنَ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ۗ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْنَاكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾﴾ [الحج: ٣٦-٣٧]

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُخْلِقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ۗ ...﴾ [الفتح: ٢٧]

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ﴿٢﴾﴾ [الكوثر: ٢].

## «جهاد»

### فرضیت جهاد

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۱۶]



توضیح موضوع: اسلام، دین صلح است، نه جنگ و خونریزی؛ و در اسلام اصل بر صلح و آشتی و عدالت و مهرورزی است نه بر جنگ و پیکار و ترور و خشونت. پس اصل صلح است و جنگ و نبرد عارضی است که به خاطر اضطرار از آن کار گرفته می‌شود.

امروزه برخی از غربی‌ها و مستشرقان به اصطلاح روشنفکر، از رسول خدا ﷺ انتقاد می‌کنند که ایشان با زور و شمشیر، اسلام را به جهان رسانده و اینگونه ایشان و دیگر مسلمانان را جنگ طلب و خشونت طلب معرفی می‌کنند، در حالی که اگر در جنگ‌های پیامبر ﷺ نگاهی کوتاه بیاندازیم صد در صد این سخن را پوچ و یاوه می‌یابیم. مولانا ابوالحسن ندوی رحمته می‌فرماید: «تعداد غزوات رسول اکرم ﷺ بیست و هفت غزوه است و تعداد سرایا (عملیات و دسته‌های جنگی که خود آن حضرت ﷺ در آن‌ها شرکت نداشته‌اند) به شصت می‌رسد که در برخی از آن‌ها جنگی صورت نگرفته است.

شایان ذکر است مقدار خونی که در طول این جنگ‌ها ریخته شده، کمترین مقداری است که در تاریخ جنگ‌ها سراغ داریم، به طوری که تعداد کشته‌شدگان از طرفین بالاتر از ۱۰۱۸ نفر نبوده است. اما ثمرات بی‌شماری را دربرداشته است. همین تعداد سبب شد که خون بقیه‌ی انسان‌ها محترم شده و جلوی آبروریزی و هتک حرمت گرفته شود، و امنیت سرتاسر جزیره‌ی العرب را فرا گیرد، به طوری که یک زن مسلمان از «حیره» حرکت می‌کند و به خانه‌ی کعبه می‌رسد، در حالی که از هیچ کس ترس و بیمی ندارد.» [آیین زندگی، صص ۱۵۸-۱۵۹]

از این رو می‌توان گفت که جهاد به معنای تهاجم و خشونت نیست؛ و می‌توان جهادهای اسلامی را در سه بخش خلاصه و تقسیم‌بندی کرد:

### ۱- جهاد ابتدایی آزادی‌بخش

خداوند دستورها و برنامه‌هایی برای سعادت و آزادی و تکامل و خوشبختی و آسایش انسان‌ها طرح کرده است و پیامبران خود را مؤظف ساخته که این دستورها را به مردم ابلاغ کنند؛ حال اگر فرد یا جمعیتی ابلاغ این فرمانها را مزاحم منافع پست و مذبحانه‌ی خویش ببینند، و بر سر راه دعوت انبیاء موانعی ایجاد نمایند، آن‌ها حق دارند نخست از طریق مسالمت‌آمیز، و اگر ممکن نشد، با توسل به زور، این موانع را از سر راه دعوت خود بردارند و آزادی تبلیغ را برای خود کسب کنند.

به عبارت دیگر، مردم در همه‌ی اجتماعات این حق را دارند که ندای منادیانِ راه حق را بشنوند و در قبول دعوت آن‌ها آزاد باشند، حال اگر کسانی بخواهند آن‌ها را از حق مشروعشان محروم سازند و اجازه ندهند. صدای منادیانِ راه خدا به گوش جان آن‌ها برسد و از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد گردند، طرفداران این برنامه‌ها حق دارند برای فراهم ساختن این آزادی از هر وسیله‌ای استفاده کنند؛ و از اینجا ضرورت «جهادهای ابتدایی» در اسلام و سایر ادیان آسمانی روشن می‌گردد.

### ۲- جهاد دفاعی

گاهی جنگ بر فرد و یا جمعیتی تحمیل می‌شود به این معنی که مورد هجوم و تجاوز حساب شده و یا غافلگیرانه‌ی دشمن قرار می‌گیرد، در اینجا تمام قوانین آسمانی و بشری به شخص یا جمعیتی که مورد هجوم واقع شده، حق می‌دهد که برای دفاع از خویش به پا خیزد و آنچه در قدرت دارد به کار برد و از هر گونه اقدامی برای حفظ موجودیت خود فروگذار نکند. این نوع جهاد را «جهاد دفاعی» گویند. جنگ‌هایی مانند: جنگ احزاب، اُحد، موته، تبوک و حنین و بعضی دیگر از جنگ‌های اسلامی، جزء این بخش از جهاد است و جنبه‌ی دفاعی داشته است.

### ۳- جهاد برای نابود ساختن شرک و بت‌پرستی

اسلام در عین اینکه مردم جهان را به انتخاب این آیین - که آخرین و بالاترین آیینها است - دعوت می‌کند، آزادی عقیده را محترم می‌شمارد؛ و به همین دلیل به اقوامی که دارای کتاب آسمانی هستند، فرصت کافی می‌دهد که با مطالعه و تفکر، آیین اسلام

را بپذیرند. و اگر نپذیرفتند، با آن‌ها به طور یک «اقلیت هم پیمان» معامله می‌کند و با شرایط خاصی که نه پیچیده است و نه مشکل، با آن‌ها همزیستی مسالمت‌آمیز خواهد داشت.

ولی شرک و بت‌پرستی، نه دین است و نه آیین؛ و نه محترم شمرده می‌شود، بلکه یک نوع خرافه و انحراف و حماقت و در واقع یک نوع بیماری فکری و اخلاقی است که باید به هر قیمت ممکن، آن را ریشه‌کن ساخت.

کلمه‌ی آزادی و احترام به فکر دیگران در مواردی به کار برده می‌شود که فکر و عقیده لاقفل یک ریشه‌ی صحیح داشته باشد، اما انحراف و خرافه و گمراهی و بیماری چیزی نیست که محترم شمرده شود و به همین دلیل اسلام دستور می‌دهد که بت‌پرستی - به هر قیمتی که شده است، حتی به قیمت جنگ - از جامعه‌ی بشریت ریشه‌کن گردد، بتخانه‌ها و آثار شوم بت‌پرستی اگر از طرق مسالمت‌آمیز ممکن نشد، با زور ویران و منهدم گردند. [نمونه ۱۵/۲]

پس اسلام تا زمانی که مورد تعرض قرار نگیرد و در راه دعوت و اندیشه و رسالت خویش از طریق جنگ و فتنه‌گری و اذیت و آزار از او ممانعت به عمل نیاید، هیچ‌گاه از وضع و حالت طبیعی صلح و آشتی با دیگران خارج نمی‌شود، بلکه تنها در شرایطی از این وضع - صلح - خارج می‌شود که در جهت تقویت صلح و گسترش عدالت و ایجاد امنیت با جنگ و دشمنی به مقابله با او برخیزند. بر این اساس در همان آغاز، اسلام جنگ و تجاوزگری و حق‌کشی و استثمار و در تنگنا قرار دادن انسان‌ها را بر اهل ایمان حرام گردانیده است.

همچنین اسلام در ارتباط با جنگ دارای مقررات خاصی است که در اصول و ارزش‌های زیر تجلی پیدا می‌نماید:

**اول:** در ارتباط با روابط میان انسان‌ها، صلح و همکاری اساس و محور است.

**دوم:** جنگ را زمانی تنها راه پیش‌رو برای رویارویی با تجاوزگری می‌پذیرد که حل آن از راه گفتگو و برخورد حکیمانه میسر نبوده باشد.

**سوم:** هر گاه از روی اجبار و ناچاری، جنگی پیش بیاید، همچون حالت‌های ضروری به همان مقدار که لازم است، اکتفاء می‌نماید و از تجاوزگری و گسترش کینه و دشمنی، اهل ایمان را برحذر می‌دارد.



چهارم: کسانی که در جنگ شرکت نداشته و برای آن برنامه‌ریزی ننموده و تدارکات لازم را فراهم نکرده‌اند، به هیچ وجه مورد تعرض قرار نمی‌گیرند.

پنجم: هر گاه یکی از دو طرف جنگ، خواهان صلح و آشتی شد، طرف مقابل، در اسرع وقت باید به آن پاسخ مثبت بدهد و جنگ را متوقف نماید.

ششم: با اسیران جنگی برخورد پسندیده می‌شود و به هیچ وجه مورد اذیت و آزار قرار نمی‌گیرند و تا زمانی که با اسیران مسلمان مبادله می‌شوند، یا در مقابل پرداخت پول از طرف مملکت خود آزاد می‌شوند، به عنوان مهمان با ایشان برخورد می‌شود.

هفتم: همچنین اسلام اجازه‌ی شروع به جنگ با دشمنی که خود را برای حمله به مسلمانان آغاز نموده را تنها زمانی می‌دهد که وقت کافی برای رسیدن خبر به ایشان موجود باشد، تا شاید در تصمیم به شروع جنگ، تجدید نظر نمایند.

شاهد گویای این ادعاها، این است که در تاریخ درخشان اسلام، کراراً دیده می‌شود که مسلمانان هنگامی که شهرهایی را فتح می‌کردند، پیروان مذاهب دیگر را همانند مسلمانان آزادی می‌دانند، و اگر مالیات مختصری به نام «جزیه» از آنان دریافت می‌شد، به خاطر تأمین امنیت و هزینه‌ی نیروهای حافظ امنیت بود، زیرا که جان و مال و ناموس آن‌ها در پناه اسلام محفوظ بود و حتی مراسم عبادی خویش را آزادانه انجام می‌دادند. تمام کسانی که با تاریخ اسلام سروکار دارند، این حقیقت را می‌دانند و حتی مسیحیانی که درباره‌ی اسلام کتاب نوشته‌اند و به تحقیق و بررسی و تجزیه و تحلیل پرداخته‌اند، به این موضوع اعتراف کرده‌اند؛ به عنوان مثال در کتاب «تمدن اسلام و عرب» می‌خوانیم: «رفتار مسلمانان با جمعیت‌های دیگر بقدری ملایم بود که رؤسای مذهبی آنان اجازه داشتند برای خود مجالس مذهبی تشکیل دهند و...»

پس دانستیم که جهاد به معنای تهاجم و خشونت و یا ترور و تجاوزگری نیست، بلکه اسلام، دین صلح و آزادی است، نه جنگ و پیکار و خشونت و خونریزی و ترور و تجاوزگری!

### جهاد، فرض کفایه است

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۹۵]



توضیح موضوع: فرض بر دو نوع است:

### فرض عین

آنچه شارع، انجام آن را از تک تک افراد مکلف طلب کرده باشد؛ آن را فرض عین به این دلیل می‌گویند که خطاب شارع متوجه تمامی افراد مکلف می‌باشد، پس ضروری است که تمامی افراد مکلف آن را ادا نمایند، همچون نماز، زکات، حج، وفا به عهد، دوری از شراب و قمار و...

### فرض کفایی

آنچه شارع، انجام آن را از مجموع مکلفین طلب کرده است، نه از تک تک افراد مکلف. پس هر گاه عده‌ای از این مجموعه، دستور مورد نظر را اجرا کنند، گناه از گردن بقیه‌ی مکلفین ساقط می‌شود. و این را فرض کفایی گفته‌اند به این دلیل که عمل کردن بعضی از مکلفین به آن دستور کافی است برای رسیدن به هدف و مقصد شارع مقدس. همانند: امر به معروف و نهی از منکر، جواب سلام، جهاد، کسب علوم مختلف، انواع فنون، نماز جنازه و...

پس جهاد در مقابله با دشمنان دین و نظام اسلامی و آن‌هایی که جنگ را علیه مسلمانان آغاز می‌کنند، فرض کفایی است. بدین معنی که هر گاه به اندازه‌ی کافی برای رویارویی با آن‌ها افراد و امکانات فراهم شد، مسئولیت آن از دوش بقیه‌ی مردم ساقط می‌شود.

و این در صورتی است که مسلمانان ابتدا به جنگ کنند، آن هم برای دعوت کفار به سوی اسلام و یا برای اجرای دستورات اسلامی، و گرنه در صورتی که آنان هجوم بیاورند، و یا اگر پیشوا و یا فرماندهان نظامی مسلمانان افراد به خصوصی را برای جهاد فرا بخواند، بر آنان واجب است که اطاعت نمایند. همچنین در صورتی که سرزمین مسلمانان مورد تهاجم دشمنان قرار گیرد، مقابله‌ی همه جانبه با آن‌ها، بر همه حتی بر زنان هم واجب و فرض عین می‌شود.

پس می‌توان گفت که در حالت‌های ذیل جهاد فرض عین می‌باشد:

۱. هنگامی که دشمن، شهری از شهرهای ممالک اسلامی را اشغال کرده و یا لشکریانش را برای این کار به حرکت درآورده باشد و یا برای هجوم و حمله به

ممالک اسلامی قیام کرده باشد و یا قصد یک گروه خاص و یا طایفه‌ای از مسلمانان را داشته باشد.

۲. هنگامی که خلیفه یا امیرالمؤمنین و یا رهبر اسلامی به گروه و طایفه‌ای دستور خروج جهت قتال و جهاد را صادر نماید، بر آن گروه فرض عین می‌باشد و تخلف از حکم حاکم، حرام است. پس در چنین صورتی نیز جهاد کردن برای این گروه فرض عین می‌باشد.

۳. هنگامی که مجاهدان داوطلب، در معرکه‌ای رو در روی دشمن قرار گرفته باشند، در اینجا دیگر جهاد بر آنان فرض عین می‌باشد و ترک کردن و فرار از میدان نبرد، درست نیست.

**کسانی که به تحصیل علم و دانش مشغولند، از رهسپار شدن به سوی جهاد و پیکار معافاند**

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۲]

**در برابر فرمان بسیج عمومی برای جهاد (نفیر عام)، همه‌ی مسلمانان باید به سوی جهاد حرکت کنند**

(سبکبار یا سنگین بار، جوان یا پیر، مجرد یا متأهل، کم عائله یا پرعائله، غنی یا فقیر، فارغ البال یا گرفتار، مسلح به اسلحه‌ی سبک یا سنگین، پیاده یا سواره و... در هر صورت و در هر حال):

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [التوبة: ۴۱]

﴿مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ﴾ [التوبة: ۱۲۰]

**آنان که از جهاد معذور و معافاند**

﴿لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۹۱]

﴿وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا  
 وَأَعْيِبُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ﴾ [التوبة: ۹۲]  
 ﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ...﴾ [الفتح: ۱۷]

### لشکرهای آسمان‌ها و زمین، از آن خدا است

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ  
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [الفتح: ۴]  
 ﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [الفتح: ۷]  
 ﴿... وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ﴾ [المدثر: ۳۱]

### یاری دادن پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان به وسیلهی لشکرهای نامرئی

(از فرشتگان که خداوند ﷻ برای تقویت قلب پیامبر ﷺ و مسلمانان در جنگ‌ها فرو  
 می‌فرستاد، و آن‌ها را به ذریعه‌ی این نیروهای نامرئی امداد و کمک می‌نمود):

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ  
 عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ﴾ [تَمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ  
 سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَدَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
 وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ [التوبة: ۲۵-۲۶]

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ  
 يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ  
 تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۴۰]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا  
 عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ [۱] إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ  
 وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا  
 هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا﴾ [الأحزاب: ۹-۱۱]

امداد مؤمنان و حق گرایان به وسیله‌ی فرشتگان (در جنگ و پیکار با دشمنان و بدخواهان اسلام و مسلمین)

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [۱۳۳] إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ ﴿۱۳۴﴾ بَلَىٰ إِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿۱۳۵﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱۳۶﴾ [آل عمران: ۱۲۳-۱۲۶]

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِآلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ﴾ [۹] وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۱۰﴾ إِذْ يُغَشِّيكُمُ اللَّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿۱۱﴾ إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿۱۲﴾ [الأنفال: ۹-۱۲]

در هنگام نبرد، فرار از جنگ حرام است

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأَدْبَارَ﴾ وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرَهُ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا وَنُهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱۶﴾ [الأنفال: ۱۵-۱۶]



توضیح موضوع: البته مسئله فرار از جنگ دو استثناء نیز دارد که در ظاهر شکل فرار دارد، اما در باطن شکل مبارزه و جهاد. و این دو صورت عبارتند از:

۱. جنگ جویان به عنوان یک تاکتیک و مانور جنگی از برابر دشمن بگریزند و به کناری بروند که او را به دنبال خود بکشانند و ناگهان ضربه‌ی غافلگیرانه را بر پیکر او وارد سازند. و یا به صورت جنگ و گریز، دشمن را خسته و عصبی کنند.

۲. جنگجو خود را در میدان تنها ببیند و برای پیوستن به گروه جنگجویان عقب‌نشینی کند و پس از پیوستن به آن‌ها، حمله را آغاز نماید. و در حقیقت همین مانورها و تاکتیک‌های جنگی، سرچشمه‌ی بسیاری از پیروزی‌ها است.

### جنگجویان به چه تعدادی باشند که نمی‌توانند از صحنه‌ی جنگ فرار کنند

(یک تن از مسلمانان باید در برابر دو تن از کفار پایداری کرده و بر آن دو تن غلبه نماید و نباید از مقابل دو تن از کفار فرار کند):

﴿الَّذِينَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾  
[الأنفال: ۶۶]

### وجوب آمادگی برای جهاد

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...﴾ [الأنفال: ۶۰]



**توضیح موضوع:** فراهم نمودن تدارکات و امکانات لازم برای رویارویی با دشمنان و دفاع از مظلومان و محرومان همچون خود جهاد، واجب است. بر این اساس بر همه‌ی حکومت‌های اسلامی واجب است که برای رویارویی با دشمنان دین و غاصبان سرزمین‌های اسلامی و گسترش خیر و عدالت و رسالت اسلام، همه توانائی‌های اقتصادی، و علمی و آموزشی خود را برای تهیه و ساختن اسلحه‌های پیشرفته و امروزی، و آموزش نیروهای متخصص و کارآموده و آموزش‌های نظامی همه جانبه به کار گیرند.

و بر همه‌ی جوانان و کسانی که توانایی حمل اسلحه را دارند، آموزش‌های علمی و نظامی و آمادگی جسمی و معنوی، واجبی حیاتی و سرنوشت‌ساز است.

### فراهم نمودن تدارکات و امکانات لازم

(از قبیل: اسلحه، افراد، امکانات حمل و نقل، نیروی مادی، نیروی انسانی و...) برای رویارویی با دشمنان و دفاع از مظلومان و محرومان:

﴿... وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحديد: ۲۵]

### ساخت زره (و ادوات جنگی)

﴿... وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ﴾ [النحل: ۸۱]

﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ [الأنبياء: ۸۰]

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَجِبَالٌ أَوْبِي مَعَهُ وَالظَّيْرُ وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدُ ﴿۱۰﴾ أَنْ أَعْمَلَ سَبْعَتِ وَقَدِيرٍ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَاحِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱﴾﴾ [سبأ: ۱۰-۱۱]

### جواز عملیات شهادت طلبانه (حملات فدایی)

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أُتْبَعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [البقرة: ۲۰۷]



توضیح موضوع: همانطور که از اسم این عملیات و حملات واضح است، مفهوم عام و وسیعی را دربردارد. یعنی هر عمل نظامی و تهاجمی که انسان برای بدست آوردن درجه‌ی شهادت انجام می‌دهد. و طلب شهادت و تلاش برای رسیدن به آن مقام بلند، کاری جایز و از نظر شریعت قابل تعریف و تمجید است و آیات و احادیث زیادی در این مورد ذکر شده است.

دکتر یوسف قرضاوی در مورد این حملات می‌گوید: «این حملات از بزرگترین انواع جهاد در راه خدا است. نامگذاری این حملات به «حملات انتحاری» اشتباه و گمراه‌کننده است، بلکه حمله‌ی فدایی، دلیرانه و شهادت‌طلبانه است و هیچ ربطی به «انتحار» (خودکشی) ندارد. خودکشی این است که فردی برای رهایی از مصیبت‌های دنیا، خودش را به قتل می‌رساند، و مجاهد برای دین و برادران دینی خود، دست به چنین اقداماتی می‌زند. خودکشی کننده ناامید از خودش و از رحمت خداست، و مجاهد سرشار از امید به رحمت خداوند است، و با این اسلحه‌ی جدید با دشمنان خدا می‌جنگد. این شهامتی است که خدا در دل مجاهد پیدا کرده تا به صورت «بمب»

انسانی» در میان دشمنان خدا و ملت منفجر شود، دشمنانی که در مقابل این جوان سر به کف عاجز شده‌اند. این جوانان از سرزمین اسلامی و دین و آبروی خود پاسداری می‌کنند و این عمل آن‌ها هیچ ربطی با خودکشی ندارد بلکه آن‌ها مجبورند و راهی برای مبارزه با دشمنان مغرور و لجوج جز این نمی‌بینند. پس مادامی که نیت آن‌ها خالص باشد، شهید گفته می‌شوند.» [فتاویٰ معاصرة، ج ۳، صص ۵۰۳-۵۰۴]

کسانی که در راه خدا شهید می‌شوند، (مرده نیستند، بلکه آنان) در نزد پروردگارشان زنده‌اند و روزی می‌خورند

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۴]

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ﴾  
فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۷۰﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۷۱﴾ [آل عمران: ۱۶۹-۱۷۱]

مشرکان و چندگانه پرستان، طرف جنگ با مسلمانان هستند (و جهاد نیز برای نابود ساختن آثار شرک و بت پرستی، تشریح شده است)

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۳]

رساندن دعوت اسلام به دشمنان و بدخواهان، یکی از شرایط جنگ و پیکار است

﴿... وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ [الإسراء: ۱۵]

\*\*\*

توضیح موضوع: در جهاد این آداب و شرایط باید رعایت شود:

۱. برای رویارویی با دشمن، زمان و مکان آن به طور همه جانبه مورد بررسی قرار گیرد و روی آن‌ها کار علمی و کارشناسانه انجام گیرد.



۲. پیش از وارد شدن به جنگ و رویارویی، کفار و دشمنانی که مسلمانان و سرزمین آن‌ها را مورد تهاجم قرار داده‌اند به عقب‌نشینی یا مسلمان شدن، یا تسلیم گردیدن و دادن جزیه و مالیات فراخوانده شوند، و چنان‌چه حاضر به هیچ یک از آن‌ها نشدند، در زمان و مکان مناسب، مورد هجوم قرار گیرند.
۳. از خیانت در غنائم، کشتن زنان، و کودکان و سالمندان و رهبران دینی که در جنگ مشارکت نداشته‌اند، پرهیز شود.
۴. از غدر و خیانت و کشتن کسانی که خود را تسلیم کرده‌اند، پرهیز شود.
۵. از سوزاندن دشمن و از مُثله نمودن کشته شدگان خودداری شود.
۶. عدم افشای اسرار جنگی و میزان امکانات و نیروی انسانی و اسلحه‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های نظامی.
۷. به کارگیری رمزهای مختلف و علائم و نشانه‌های گوناگون در مکالمات و حرکات برای شناسایی افراد خودی از غیرخودی، بسیار ضروری است.
۸. با اسیران جنگی برخورد مناسب و پسندیده شود و به هیچ وجه اسیران مورد اذیت و آزار قرار نگیرند، و تا زمانی که با اسیران مسلمان مبادله می‌شوند یا در مقابل پرداخت پول از طرف مملکت خود آزاد می‌شوند، به عنوان مهمان با ایشان برخورد شود.
۹. هر گاه یکی از دو طرف جنگ، خواهان صلح و آشتی شد، طرف مقابل در اسرع وقت باید به آن پاسخ مثبت بدهد و جنگ را متوقف نماید.
۱۰. در ارتباط با روابط میان انسان‌ها، صلح و همکاری اساس و محور است.
۱۱. جنگ را زمانی تنها راه پیش‌رو، برای رویارویی با تجاوزگران می‌پذیرد که حل آن از راه گفتگو و برخورد حکیمانه میسر نبوده باشد.

اگر در کشتی کفار، اسیرانی از مسلمانان وجود داشت، نباید جنگجویان مسلمان، آن کشتی را به آتش بکشند. و همچنین اگر در دژ کفار، اسرائی از مسلمانان بودند، باز هم جنگجویان مسلمان حق ندارند تا آن دژ را آماج حملات و تیراندازی‌های خویش قرار بدهند و مسلمانان را لگدمال و نابود بکنند

﴿... وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ لَّمَّ تَعَلَّمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيْبَكُمْ مِّنْهُمْ مَّعْرَةٌ بَعِيْرٌ عِلْمٌ لِّيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيْمًا﴾ [الفتح: ۲۵]



**توضیح موضوع:** اگر کفار برای حفاظت از حمله‌ی مسلمانان، چند تن از اسرای مسلمان را جلوی لشکر قرار دهند، به نحوی که کشتن دشمن بدون هدف قرار دادن مسلمانان امکان‌پذیر نباشد، در این مورد که آیا شرعاً مجاهدان و جنگجویان مسلمان می‌توانند آن اسرای مسلمان را هدف قرار دهند تا بتوانند بر دشمن حمله کنند یا خیر، میان علماء و صاحب نظران فقهی اندکی اختلاف است:

امام مالک، امام شافعی، و امام احمد بن حنبل می‌فرمایند: هدف قرار دادن مسلمانان در این صورت جایز نیست مگر اینکه نیاز شدید احساس شود، مثل اینکه دشمن با این حربه خساراتی بر مسلمانان وارد کند یا آنان را با شکست مواجه کند. و در صورت نیاز، مجاهدان باید به قصد کشتن دشمن، تیراندازی کنند، و اگر در نتیجه‌ی تیراندازی آنان، مسلمانی به قتل رسید، شرعاً گناهکار نخواهد بود.

احناف در مورد این مسئله می‌گویند که بدون نیاز شدید نیز هدف گرفتن مسلمانان جایز خواهد بود، تا دشمن این راحیله‌ای برای متوقف کردن جنگ یا مجبور کردن مسلمانان به عقب‌نشینی نسازد.

**جهاد در راه خدا، برترین و بهترین اعمال است و دارای مرتبه‌ای بس عالی و بلند است**

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۱۱]

برای فرد مجاهد واجب است هنگامی که برای جهاد در راه خدا بیرون می‌شود، تحقیق و تفحص کند که با چه کسانی می‌جنگد. آیا مسلمانند یا کافر؛

(و جهاد باید براساس اطلاعات و آگاهی از وضعیت، هویت و اهداف دشمن باشد، و نباید مجاهد بی تحقیق و بی پروا گام بردارد و برچسب بی دینی به دیگران بزند و در نسبت دادن کفر به افراد مشکوک عجله ورزد و آن‌ها را از دم تیغ بگذراند):

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ ءَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا...﴾ [النساء: ۹۴]

### صلح

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْتَحِ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [الأنفال: ۶۱]



توضیح موضوع: صلح و آشتی با دشمنان و بدخواهان سه صورت دارد:

۱. آتش بس: پیمان آتش بس با طرف مقابل در جنگ، چنانچه مصلحت مسلمانان را ایجاد نماید، جایز است، زیرا رسول خدا ﷺ در بسیاری از جنگ‌ها پیمان متارکه و آتش بس را پذیرفته است که برای مثال می‌توان با پیمان متارکه با یهودیان ساکن در مدینه اشاره کرد که پس از مدتی آنان پیمان شکنی نموده و رسول خدا ﷺ دستور اخراجشان را از مدینه صادر فرمود.
۲. معاهده: عقد معاهدات حسن همجواری و عدم تعرض به مرزها و پرهیز از دخالت در امور داخلی کشورهای غیرمسلمان و حتی دشمن چنانچه مصلحتی آن را ایجاد نماید، جایز است. و پایبندی به موارد پیمان واجب می‌باشد و تعرض به مال و جان افراد آن‌ها ممنوع است.
۳. صلح: مسلمانان می‌توانند با دشمنان خود از هر مذهب و اندیشه‌ای که باشند و چاره‌ای به غیر از آن نداشته باشند و مصلحتی را برای آن‌ها دربر نداشته باشد، پیمان صلح و آشتی را امضاء کنند. زیرا رسول خدا ﷺ در «حدیبیه» با سران مکه و با اهل نجران و بحرین در مقابل اموالی که پرداخت نمایند و جزیه‌ای که بپردازند، پیمان آشتی و صلح را امضاء نمود.

اسرای جنگی، و اینکه آیا بر آنان منت گذارند و بدون عوض و تاوان و غرامت جنگی آزادشان کنند و یا در برابر آزادی، از آنان فدیة گیرند. (خواه با معاوضه‌ی اسراء و خواه با دریافت اموال)

﴿فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْنَتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِنَّا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا...﴾ [محمد: ۴]



توضیح موضوع: حاکم مسلمانان در مورد اسرای جنگی کفار، میان چهار امر مخیر است:

۱. کشتن.
۲. برده ساختن.
۳. احسان نمودن بر آنان و بدون عوض و تاوان و غرامت جنگی، آنان را آزاد کردن.
۴. فدیة گرفتن.

گفتنی است که در هر چهار مورد نیز احادیثی وجود دارد که نشان می‌دهد رسول خدا ﷺ بر حسب اقتضای حال و ایجاب مصلحت به یکی از این چهار امر عمل کرده‌اند. به عنوان مثال: از نمونه‌های کشتن اسرای جنگی، کشتن «عقبه بن ابی معیط» و «نضر بن حارث» از سوی پیامبر گرامی اسلام بعد از اسارت آن‌ها در روز جنگ بدر بود. و از نمونه‌های برده ساختن بعد از اسارت این بود که آن حضرت ﷺ بعضی از قبائل عرب، مانند قبیله‌ی هوازن و بنی مصطلق را برده گرفتند.

به هر حال با توجه به این موارد، رهبران و مسئولان رسمی به ویژه پیشوای پرهیزگار مسلمانان بر اساس حکمت و عزت و مصلحت اسلام و مسلمین، می‌تواند در مورد آن‌ها تصمیم بگیرد.

### اسرای جنگ بدر

#### نفا

﴿مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [الأنفال: ۶۷]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لِّمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۰]

### خوراک دادن به اسرای کفار و مشرکین

﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ مَسْكِينًا وَبَيْتِيًّا وَأَسِيرًا﴾ [الإنسان: ۸]

### گرفتن جزیه از اهل کتاب

﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ [التوبة: ۲۹]



توضیح موضوع: «جزیه»: مالیاتی است که از طرف حکومت اسلامی تعیین، و از مردان بالغ و سالم و عاقل ثروتمند اهل کتاب که سرزمین آن‌ها از طریق جنگ تصرف شده باشد، به اندازه‌ی توانایی دریافت می‌شود، و این مالیات از افراد فلج و کور و بنده و فقیر و حقیر و زنان و کودکان و سالمندان و بیمارانی که توانایی کار را ندارند و راهبان گوشه‌گیر آن‌ها، گرفته نمی‌شود.

و حکومت اسلامی از اهل کتاب جزیه می‌گیرد و از مسلمانان خمس غنائم، زکات مال، فطریه، عشر، وجوه کفارات مختلفه و غیره. در ضمن اهل کتاب را از جهاد معاف می‌کند و امنیت مالی و جانی آنان را تأمین می‌نماید و از امکانات کشور برخوردارشان می‌سازد، لذا «جزیه» یک نوع کمک مالی برای دفاع از موجودیت و استقلال و امنیت کشور اسلامی است.

### نهی از نشر و پخش اخبار، پیش از تحقیق و بررسی در مورد صحت و درستی آن

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ ۖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ۗ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۸۳]



توضیح موضوع: در شریعت مقدس اسلام، الگوی شناخت در همه چیز، علم و یقین است و غیر آن خواه ظن و گمان باشد یا حدس و تخمین یا شک و احتمال، هیچ کدام قابل اعتماد نیست؛ و نه شایعات می‌تواند مقیاس قضاوت و شهادت و عمل گردد و نه قرائن ظنی و نه اخبار غیرقطعی که از منابع غیرمؤثق به ما می‌رسد. و قرآن از کسانی که هر خبری را می‌شنوند و نسنجیده آن را نشر می‌دهند، به شدت انتقاد کرده و می‌فرماید: «خبر را به اهل استنباط عرضه کنید و اگر حقیقت آن ثابت شد، آنگاه آن را پخش نمایید.»

### عالمگیر شدن اسلام (آینده در قلمرو اسلام)

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا...﴾ [الرعد: ۴۱]  
 ﴿...أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾ [الأنبياء: ۴۴]

اجازه‌ی جهاد و پیکار با دشمنان و بدخواهان اسلام و مسلمین (نخستین فرمان جهاد در سال دوم هجری)

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾ ﴿۳۸﴾ اُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿۳۹﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادِمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۴۰﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿۴۱﴾ [الحج: ۳۸-۴۱]

### جنگ و پیکار با مشرکان و کفار

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتَلُونَكُمُ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ ﴿۹۰﴾  
 وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمُ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ

الْكَافِرِينَ ﴿١١٦﴾ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾ وَقَتَلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الَّذِينَ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١١٨﴾ [البقرة: ١٩٠-١٩٣]

﴿وَقَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ ﴿١١٦﴾ [البقرة: ٢٢٤]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُدُوءًا حَذْرُكُمْ فَأَنْفَرُوا ثُبَاتٍ أَوْ أَنْفَرُوا جَمِيعًا﴾ ﴿٧١﴾ [النساء: ٧١]

﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقَاتِلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ ﴿٧٤﴾ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾ ﴿٧٥﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَكُفُّوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ ﴿٧٦﴾ [النساء: ٧٤-٧٦]

﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَن يَكْفَ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا﴾ ﴿٨٤﴾ [النساء: ٨٤]

﴿سَتَجِدُونَ ءَاخِرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رَدُّوا إِلَى الفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيَدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقَفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا﴾ ﴿٩١﴾ [النساء: ٩١]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ﴾ ﴿٩٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٩١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٩٣﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَٰهٌ مُّحْتَشَرُونَ ﴿٩٤﴾ وَأَنْفُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٩٥﴾ وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ ﴿٩٦﴾ [الأنفال: ٢٠-٢٦]

﴿وَقَتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (٣٨) وَإِن تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعَمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعَمَ النَّصِيرِ ﴿٤٠﴾  
[الأنفال: ٣٩-٤٠]

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (٤١) وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِم بَطْرًا وَرِثَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٧﴾ [الأنفال: ٤٦-٤٧]

﴿فَإِذَا أَسْلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَاتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (التوبة: ٥)

﴿كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَسِيقُونَ﴾ (٨) أَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ - إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَاتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُقِصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ [التوبة: ٨-١١]

﴿أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (١٣) فَتِلْوَهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾ وَيُذْهِبَ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ [التوبة: ١٣-١٦]

﴿...وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقْتَلُونَكُمْ كَافَّةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ٣٦]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (التوبة: ١٢٣)



﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْضُوصٌ﴾ [الصف: ٤]

### تشويق و ترغيب بر جهاد در راه خدا

﴿...وَالصَّادِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُتَّقُونَ﴾ [البقرة: ١٧٧]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [البقرة: ٢١٨]

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْقِطَ بِعَعْضِكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَاذْهَبُوا وَهَارُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ

اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ﴾ [آل عمران: ١٩٥]

﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَعْمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ

غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ١٠٠]

﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِعَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ

مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ١٠٤]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ

تُقْلِحُونَ﴾ [المائدة: ٣٥]

﴿...يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ

وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [المائدة: ٥٤]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنَ وَلِيَّتِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ

بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الأنفال: ٧٢]

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُ وَنَصَرُوا أَوْلِيَّكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾﴾ [الأنفال: ٧٤-٧٥]

﴿أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [التوبة: ١٩-٢٠]

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٠﴾﴾ [النحل: ١١٠]

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ ﴿٥٨﴾﴾ [الحج: ٥٨]

﴿... ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٤﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَنصَرُوا لِلَّهِ يَنْصِرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾﴾ [محمد: ٤-٧]

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾﴾ ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَلَكُمْ ﴿٣٥﴾﴾ [محمد: ٣٥]

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿١٥﴾﴾ [الحجرات: ١٥]

﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ...﴾ [الصف: ١١-١٣]

جهاد با کفار با دلیل و حجت (نه با شمشیر)؛ و جهاد با نفس

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ

حَرَجٍ...﴾ [الحج: ۷۸]

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا﴾ ﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا

كَبِيرًا﴾ [الفرقان: ۵۱-۵۲]

﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [العنكبوت: ۶]

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [العنكبوت: ۶۹]



توضیح موضوع: جهاد در قرآن برای معانی مختلفی آمده است که این خود دلالت بر معانی عمومی لفظ «جهاد» دارد که نه تنها برای «قتال و نبرد» بلکه برای هر امری که تلاشی در آن برای دستیابی به مقصود انجام گیرد، به کار می‌رود. از این رو جهاد در قرآن به این معانی به کار می‌رود:

۱. جهاد با کفار (البته نه با شمشیر بلکه) با دلیل و محبت و دعوت و تبلیغ.

[توبه/۷۳، فرقان/۵۲]

۲. جهاد با گمراهان کفار به وسیله شمشیر. [نساء/۹۵، بقره/۲۱۸]

۳. جهاد با نفس. [عنکبوت/۶]

۴. جهاد با شیطان به وسیله مخالفت او که در هدایت انسان طمع کرده است.

[عنکبوت/۶۹]

۵. جهاد با قلب برای رسیدن به وصل و قرب الهی. [حج/۷۸]

جهاد با کفار به وسیله شمشیر، و جهاد با منافقان با زبان (و دلیل و حجت)

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ

الْمَصِيرُ﴾ ﴿يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا

بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَعْمُوا إِلَّا أَنْ أَعْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكْ خَيْرًا

لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يَعْذَبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ

وَلَا نَصِيرٍ﴾ [التوبة: ۷۳-۷۴]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ جِهَادِ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَغْلَظُ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ [التحریم: ۹]



توضیح موضوع: علماء و صاحب نظران اسلامی، جهاد را به چهار قسم مشهور تقسیم کرده اند که عبارتند از:

۱. جهاد با نفس.
  ۲. جهاد با شیطان.
  ۳. جهاد با کفار و مشرکین.
  ۴. جهاد با منافقان و اهل ظلم و منکرات.
- و جهاد با کفار و مشرکان و جهاد با منافقان و اهل ظلم، خود مراتبی بدین شرح دارد:

#### - جهاد با زبان

جهاد به وسیله‌ی زبان در مقابل این دو گروه، از راه‌های زیر حاصل می‌شود: موعظه و بیان در مساجد، سخنرانی‌ها و کنفرانس‌ها، سخنرانی‌های دینی، اجتماعی، سیاسی، سرودن اشعار حماسی، برگزاری نشست‌های عمومی و خصوصی برای بیداری مردم در این مورد و هر آنچه که به صحبت کردن در مورد احیای امت اسلام و متوجه نمودن آنان به سوی نقشه‌های دشمنان گردد جهاد با زبان به شمار می‌آید.

#### - جهاد با قلم

این مرحله نیز به وسیله‌ی نوشتن کتاب، رساله، مقاله، بروشور، وبلاگ و غیره انجام می‌گیرد. پس به هر طریق ممکن امت را بیدار کردن و در مقابل دشمنان ایستادن، این نیز مرحله‌ی دیگری از جهاد است.

#### - جهاد با قلب

پس از زبان و قلم، باید به وسیله‌ی قلب نیز با دشمنان جهاد نمود، بدین شکل که از درون قلب تنفر و انزجار نسبت به اعمال و افکار آنان داشته باشیم و این نوع جهاد، پائین‌ترین درجه‌ی ایمان است که اگر فردی این را نیز انجام ندهد، باید در مورد ایمانش بترسد.

## - جهاد با مال

خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ [التوبة: ۴۱] «و با مال و جان در راه خدا جهاد و پیکار کنید.» پس به وسیله‌ی مال و دارایی، مجاهدان را تقویت نمودن، یکی از مراحل جهاد است.

## - جهاد با شمشیر

پیکار و نبردی که با اسلحه و دست و بازو انجام می‌گیرد، به چند نوع تقسیم می‌شوند که عبارتند از: پیکار با مرتدین، پیکار با شورشیان و بغاوت‌کنندگان، پیکار با جنگ‌طلبان همچون راهزنان و... پیکار برای دفاع از حریم خصوصی، پیکار برای دفاع از حریم عمومی، پیکار برای اصلاح انحراف حاکم و پادشاه، پیکار با کافران ذمی و...

## مرزداری و نگاهبانی

(محافظت نمودن لشکریان مسلمان از مرزهای سرزمین اسلامی در مقابل دشمنانی که ممکن است آن را مورد تهاجم قرار دهند):

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

[آل عمران: ۲۰۰]

آیاتی چند در مورد اسب (ابزار جهاد) که به سوی میدان جهاد، نفس زنان پیش می‌روند. و در این آیات، اشاره به این مطلب رفته که بهترین وقت برای پیکار، وقت صبح و هنگام غفلت دشمن است

﴿وَالْعَدِيدِ صَبْحًا ۝ فَاَلْمُورِيَّتِ قَدْحًا ۝ فَاَلْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ۝ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ۝

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا﴾ [العاديات: ۱-۵]

## پناه گرفتن در دژها و قلعه‌های محکم و استوار

﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا

ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ...﴾ [الحشر: ۲]

﴿لَا يُقْتَلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ...﴾ [الحشر: ۱۴]

### پنهان شدن در مخفیگاهها و پناهگاهها و غارها و گریزگاهها

﴿لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأًا أَوْ مَغْرَبًا أَوْ مَدَّخَلًا لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ﴾ [التوبة: ۵۷]

### به کار گماشتن پرندگان در حمل و نقل نامهها (پرندگان و جابه جایی اخبار و نامهها)

﴿أَذْهَبَ بِكَيْبِيِّ هَذَا فَاَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ﴾ [النمل: ۲۸]

### جنگ و پیکار در ماههای حرام، و جنگ در مسجد الحرام

﴿... وَلَا تُقْتَلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقْتَلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۱]

﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنْ أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ...﴾ [البقرة: ۱۹۴]

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقْتَلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنْ أَسْتَطَعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۱۷]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعْبِيرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آعَابِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَنْتَعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا...﴾ [المائدة: ۲]

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۹۷]

﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ ۱) فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَلِّمُوا أَنْكُمْ غَيْرَ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ﴿۲﴾ وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنْكُمْ غَيْرَ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ آلِيمٍ ﴿۳﴾ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿۴﴾ فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۵﴾ [التوبة: ۱-۵]

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَتِّلُوا الْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا يُقْتَلُونَكُمْ كَآفَّةً وَعَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ ۳۶) إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلُونَهُ وَمَا يَحْرَمُونَهُ وَمَا لِيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحْلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۷﴾ [التوبة: ۳۶-۳۷]

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبَالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾ ۳۷)



توضیح موضوع: ماه‌هایی که جنگیدن در آن‌ها حرام است عبارتند از: ذی القعدة، ذی الحجة، محرم و رجب. به قولی تحریم جنگ در ماه‌های حرام به دلیل آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی توبه، ثابت و محکم است و منسوخ نگردیده است. اما به قول مشهورتر، این حکم منسوخ است و جنگ در راه خدا در همه‌ی ماه‌ها بدون هیچ مانعی بر مسلمانان فرض است. و برخی از علماء گفته‌اند: ماه‌های چهارگانه‌ی ذی القعدة، ذی الحجة، محرم و رجب، واجب الاحترام‌اند و محترم بودن آن‌ها به دو اعتبار است: یکی از این جهت که

قتل و قتل و خون‌ریزی در آن‌ها حرام است. دوم از این جهت که این‌ها متبرک و واجب الاحترام‌اند.

در این‌ها ثواب عبادات بیشتر حاصل می‌آید. از آن‌ها نخستین حکم در شریعت اسلام منسوخ گردیده، اما حکم دوم، احترام و ادب و اهتمام عبادت در آن‌ها، هنوز هم در اسلام باقی است.

### «جنگ در مسجدالحرام»؛ حرم

شامل شهر مکه و پیرامون آن تا اماکن نشانه‌گذاری شده در عرفات و تنعیم و غیر آن که محدوده‌ی سرزمین حرم را مشخص می‌کند، می‌باشد. از این رو خداوند از مسلمانان می‌خواهد تا احترام ماه‌های حرام و مسجدالحرام را نگه دارند و در چنین ماه‌ها، و در مسجدالحرام با مشرکان وارد جنگ و پیکار نشوند و حرمت‌شکنی نکنند. مسلمانان این سنت و فرمان الهی را پذیرفتند و در هر سال، چهار ماه را آتش‌بس اعلام نمودند و در مسجدالحرام از جنگ و پیکار باز ایستادند. ولی دشمن همیشه در کمین است تا از فرصت‌ها، سوء استفاده کند و چه بسا با خود فکر کند که چون مسلمانان در این ماه‌ها، و در مسجدالحرام مؤظف به رعایت آتش‌بس هستند، پس به آن‌ها حمله کنیم. ولی خداوند به مسلمانان تعلیم داد که اگر مخالفان شما در این چهار ماه و در مسجدالحرام به شما هجوم آوردند، شما نیز در برابرشان بایستید و در همان ماه‌ها و در همان مسجدالحرام با آنان بجنگید، و ماه حرام را در برابر ماه حرام قرار دهید، زیرا حرمت خون مسلمانان و حفظ نظام اسلامی از حرمت این ماه‌ها و از حرمت خانه‌ی کعبه، بیشتر است، و هر کس حرمت‌ها را شکست باید مورد قصاص قرار گیرد.

و وقتی آن‌ها حرمت این حرم امن را بشکنند، دیگر سکوت در برابر آنان جایز نیست و باید پاسخ محکم به آنان داده شود تا از قداست و احترام حرم امن خدا، هرگز سوء استفاده نکنند.

### معاهدات و پیمان‌ها میان طرفین جنگ

﴿إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقْتُلُوكُمْ أَوْ يُقْتَلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنْ اَعْتَرَلُوكُمْ فَلَمْ يُقْتَلُوا وَالْقَوْمَ إِلَيْكُمْ أَلْسَلَّمْ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۹۰]



﴿...وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أَوْلِيَّكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلِيَّتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الأنفال: ۷۲]

﴿بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [التوبة: ۱]

﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْفُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَاهِدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۴]

﴿كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقْتُمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۷]

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [النحل: ۹۱]

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ [المؤمنون: ۸]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ۚ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ [الصف: ۲-۳]



**توضیح موضوع:** با توجه به اینکه اسلام قضیه‌ی روابط میان مردم را بر مبنای اصل صلح و تفاهم قرار داده و جنگ را تنها راه باقیمانده و پیش رو برای رویارویی با پدیده‌ای شاذ و نادر که از طریق گفتگو و منطق و موعظه حل و فصل نگردیده به شمار می‌آورد.

هر گاه جنگی روی داد و یکی از طرفین، خواهان پایان جنگ و مصالحه شدند، بر طرف دیگر واجب است که به خاطر جلوگیری از خون‌ریزی و ویرانی بیشتر به آن پاسخ مثبت بدهد، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [۶۱-۶۲] «اگر آنان به صلح گرایش نشان دادند، تو آیدک بنصره و بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۶۱-۶۲] «اگر آنان به صلح گرایش نشان دادند، تو نیز بدان بگرای و در پذیرش پیشنهاد صلح تردید و دودلی مکن و شرایط منطقی و عاقلانه و عادلانه را بپذیر و بر خدای توکل نمای که او شنوای آگاه است. و اگر بخواهند تو را فریب

دهند و منظورشان از گرایش به صلح، مکر و کید باشد، باکی نداشته باش، چرا که خدا برای تو کافی است. او همان کس است که تو را با یاری خود و توسط مؤمنان تقویت و پشتیبانی کرد.»

و از آنجا که اسلام مسلمانان را به مراعات به این امور توصیه می‌نماید، این حق را هم به ایشان می‌دهد که در راستای حفظ و دوام صلح و امنیت و جلوگیری از جنگ و ویرانی، هر گونه که صلاح می‌دانند با طرف مقابل وارد مذاکرات صلح شوند و اقدام به عقد قرارداد بنمایند. همچنین به آنها این حق را می‌دهد که در جهت عقد قراردادهای نظامی و دفاع مشترک در برابر دشمنان مشترک و در جهت تأمین مصالح، به هر کیفیتی که باشد، با آنان وارد گفتگو شوند.

رسول خدا ﷺ در آغاز استقرار در مدینه، با اهل کتاب وارد گفتگو شد و با آنان قراردادهای سیاسی و نظامی را برای رویارویی با دشمنان مشترک براساس آزادی انتخاب دین و عقیده و عبادت و محافظت از صلح و امنیت مورد تأیید قرار داد. این قراردادها اولین سنگ بنای تشکیل حکومت اسلامی در مدینه‌ی منوره به حساب می‌آمدند.

در مورد پیمان نظامی مشترک، رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «شما با مردم روم پیمانی را برای رویارویی با دشمن مشترک خواهید بست»

و در جهت جلوگیری از جنگ در مدتی معین، رسول خدا ﷺ معاهده‌ی حدیبیه را در سال ششم هجری با نمایندگان مشرکین مکه مقرر فرمود، و براساس آن بدون آنکه وارد مکه شوند به مدینه بازگشتند و...

به هر حال در معاهدات و پیمان‌ها، شروطی نیز است که بایستی مراعات شوند، چرا زمانی که اسلام برای عقد معاهداتی که در جهت تأمین مصالح و امنیت جامعه‌ی اسلامی قرار دارد، به مسلمانان اختیار می‌دهد و دستشان را باز می‌گذارد، اما در عین حال برای صحت و مشروعیت قراردادها، مراعات شروط زیر را لازم می‌شمارد:

۱. مواد توافق در عقد معاهدات نباید به احکام ثابت و نصوص قطعی الثبوت و قطعی الدلالة که قوام شخصیت و هویت اسلامی هستند، تضاد داشته باشند. در این مورد رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هر شرطی که با کتاب خداوند در تضاد باشد، مردود است.»

براین اساس شریعت اسلامی به مشروعیت معاهده‌ای که هویت و ارزش‌های اسلامی را در معرض تهدید قرار دهد و زمینه‌های مناسب را برای تهاجم دشمنان اسلام بر علیه باورها و احکام ثابت و ارزش‌های ایمانی فراهم نماید، و از طریق ایجاد تفرقه در میان مسلمانان، زمینه‌ی ضعفشان را به وجود بیاورد، اعتراف نمی‌کند.

۲. مواد مندرج در معاهده، بایستی مورد رضایت طرفین باشد. بر همین اساس هر گونه عقد و پیمانی که براساس زور و اکراه و زیر حملات سنگین تانک‌ها و هوایماها و موشک‌های جنگی باشد، از هیچ‌گونه ارزشی برخوردار نیست.

۳. مطالب اساسی و اهداف معاهدات، کاملاً روشن و شفاف باشد و التزامات و تعهدات طرفین را به وضوح مشخص کند و هیچ نوع زمین‌های را برای تأویل و تفسیر و بازی با الفاظ و کلمات را برای هیچ کس باقی نگذارند. و بسیاری از معاهدات کشورهای متمدن که به گمان خود در جهت احقاق حقوق بشر تلاش می‌نمایند، به همین علت دچار شکست گردیده و اثرات چندانی را بر روی زندگی بشر بر جای ننهاده‌اند و به خاطر گنگی و نارسایی اصطلاحات و عبارات و چندپهلویی آن‌ها زمینه‌های لازم را برای سوء استفاده‌های بسیار زشت و مشکلات بسیاری که به هیچ وجه با احقاق حقوق بشر و امنیت و عدالت جهانی ارتباطی ندارد به وجود آورده است. [ر.ک: اسلام آیین زندگی، صص ۶۳۰-۶۳۲]

#### در مذمت کسانی که پیمان شکنی و نقض عهد می‌کنند

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۵۵﴾ الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْفُضُونَ عَاهِدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿۵۶﴾ فَمَا تَتَّقَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ ﴿۵۷﴾﴾ [الأنفال: ۵۵-۵۷]

پایبندی به معاهدات، تا زمانی است که بیم توطئه نباشد، و همانگونه که دشمنان در فکر توطئه و پیمان شکنی اند، برای مسلمانان نیز مباح است که پیمان را لغو کنند و برای پیشگیری از حملات احتمالی دشمن، در لغو پیمان، پیشدستی نمایند

﴿وَأَمَّا خِفَافٌ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَانْزِلْ عَلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ﴿۵۸﴾ وَلَا يُحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ﴿۵۹﴾﴾ [الأنفال: ۵۸-۵۹]

﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴿۱۲﴾﴾ [التوبة: ۱۲]

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَصَتْ غَزَاهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا... ﴿۹۲﴾﴾ [النحل: ۹۲]

﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۹۵﴾﴾ [النحل: ۹۵]

### پیمان و عقد ذمه

﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ وَذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۶﴾﴾ [التوبة: ۶]



توضیح موضوع: «عقد ذمه»: امان دادن به کافری است که تسلیم مسلمانان گردیده و دادن جزیه را پذیرفته و متعهد گردیده که به احکام و قوانین عمومی اسلام مانند: حدود قتل و دزدی و زنا را گردن بنهد.

و مسئولیت گفتگو در مورد امان دادن به طرف مقابل مسلمانان و پذیرش تعهدات آن‌ها بر عهده‌ی امام یا فرماندهان ارتش و نمایندگان رسمی نظام اسلامی است.

و مسلمانان باید از تعرض به جان و مال و ناموس و حیثیت اهل ذمه و اذیت و آزارشان خودداری کنند و چنانچه آنان پیمان و تعهد خود را نقض نمودند، باید مسئولین نظام اسلامی در موردشان تصمیم‌گیری نمایند، زیرا رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«هر کس غیرمسلمانی را که با مسلمانان دارای تعهد متقابل است، آزار دهد، روز قیامت من خود دشمن او خواهم بود».

و چنانچه مسئولین نظام اسلامی مصلحت بینند، بهتر آن است که کفار اهل ذمه دارای لباس مخصوص یا کارت شناسایی ویژه‌ی خود باشند و در قبرستان مسلمانان دفن نشوند. اما لازم است با آنان با اخلاق و رفتار درست برخورد صورت بگیرد و به مشکلات و مسائل آن‌ها رسیدگی بشود و مستمندان آن‌ها مورد حمایت قرار گیرند و جان و اموالشان به هیچ وجه مورد تعرض قرار نگیرند.

و آنچه معاهده‌ی ذمه را باطل می‌کند، عبارتند از:

۱. خودداری از دادن جزیه یا مالیات.
  ۲. عدم التزام به احکام و قوانین عمومی مسلمانان.
  ۳. تعرض به جان و مال و راهزنی و جاسوسی، و پناه دادن به دشمنان اسلام، و تعرض به نوامیس مسلمانان.
  ۴. فحش و بدگویی به خداوند، پیامبر و قرآن.
- و آنچه اهل ذمه از آن منع می‌شوند، عبارتند از:
- ساختن کلیسا و کنیسه و مراکز فرهنگی و مذهبی که مرکز جاسوسی و فعالیت بر علیه مسلمانان بشود، منع می‌شوند.
  - در اماکن عمومی از شرابخواری و خوردن گوشت خوک و خوردن و آشامیدن در روزهای ماه مبارک رمضان در ملاء عام، باید خودداری کنند.

### غنائم

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ...﴾ [الأنفال: ۱]

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ...﴾ [الأنفال: ۴۱]

﴿فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأنفال: ۶۹]

﴿سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَائِمٍ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ...﴾ [الفتح: ۱۵]

﴿وَمَغَائِمٍ كَثِيرَةٌ يَأْخُذُوهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [الفتح: ۱۶]

﴿تَأْخُذُوهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَدْيَهُ ۚ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ...﴾ [الفتح: ۱۹-۲۰]



توضیح موضوع: غنیمت به اموالی گفته می‌شود که در «دارال حرب» بدست مسلمانان می‌افتد. و براساس موازین شرعی، پیشوا و حکومت اسلامی، یک پنجم آن را در اختیار می‌گیرند و در طرح‌ها و پروژه‌های عمومی هزینه می‌نمایند، و چهار پنجم باقیمانده میان لشکریانی که در آن جنگ حضور داشته‌اند تقسیم می‌شود، هر چند مستقیماً در جنگ شرکت نداشته باشند.

و چنانچه گروه‌های عملیاتی ضمن حمله‌ای غنائمی را بدست بیاورند، بقیه‌ی دوستان و همکاران آنان در پشتیبانی و تدارکات و نگاهبانی، با آن‌ها شریک خواهند بود.

### گرفتن چیزی از غنائم قبل از تقسیم آن، حرام است

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۱]

«فیء»

﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كِنَّ اللَّهُ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ، عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ مَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾ [الحشر: ۶-۸]



توضیح موضوع: «فیء»: به معنای بازگشت و رجوع است؛ و مقصود اموال و غنائمی است که بدون جنگ و خونریزی، در اختیار رهبر مسلمانان قرار می‌گیرد و اینکه بر این دسته از غنائم «فیء» اطلاق شده، شاید به خاطر این باشد که اموال به صاحب اصلی خود که اولیای الهی هستند، برمی‌گردد، زیرا خداوند تمام مواهب جهان را برای مؤمنان و پیش از آنان برای پیامبران آفریده است و دیگران گر چه به صورت شرعی یا

عرفی مالک‌اند، ولی مالک اصلی، آن بزرگواران هستند. و هنگامی که این اموال به صاحبان حقیقی باز می‌گردد، شایسته‌ی عنوان «فیء» است.

### هجرت و غزوات پیامبر ﷺ

توطئه پست و زبوانه‌ی طوایف قریش به قتل پیامبر ﷺ در مکه

﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُجْرِبُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ ﴿۳۰﴾﴾ [الأنفال: ۳۰]



توضیح موضوع: آیات ۳۰ سوره‌ی انفال، اشاره به «لیلة المبيت» و توطئه پست و زبوانه‌ی طوایف قریش برای قتل رسول خدا ﷺ دارد که پارلمان مکه موسوم به «دارالندوة» حساسترین و سرنوشت‌سازترین جلسه‌ی خود را مبنی بر قتل و ترور پیامبر ﷺ تشکیل داد.

چهره‌های برجسته‌ی شرکت کننده در این جلسه‌ی حساس و تاریخی که از نمایندگان طوایف قریش تشکیل گردیده بود، عبارت بودند از:

(۱) ابوجهل بن هشام از طائفه بنی مخزوم.

(۲ و ۳ و ۴) جبیر بن مطعم، طعیمة بن عدی، حارث بن عامر از طائفه بنی نوفل بن عبدمناف.

(۵) نصر بن حارث از طائفه بنی عبدالدار.

(۶ و ۷ و ۸) شیبه و عتبه پسران ربیعہ، و ابوسفیان بن حرب، از طائفه بنی عبد شمس بن عبد مناف.

(۹ و ۱۰ و ۱۱) ابوالبختری بن هشام، زمعة بن اسود، و حکیم بن حزام، از طائفه بنی اسد بن عبدالعزی.

(۱۲ و ۱۳) نبیه و منبّه، پسران حجاج از طائفه بنی سهم.

(۱۴) امیة بن خلف، از طائفه بنی جمح.

پارلمان مکه به پیشنهاد ابوجهل تصمیم گرفتند تا از هر طایفه‌ای مرد جوان و چابکی را که شریف و با اصل و نسب باشد بگیرند و آنگاه برای هر یک از این مردان جوان یک شمشیر بران بدهند، آنگاه همه با هم به سوی محمد ﷺ بروند و همزمان

شمشیرها را بر پیکر او فرود آرند و او را با همان یک ضربه به قتل برسانند تا خون وی در میان همه‌ی طوایف قریش توزیع گردد و «بنی‌عبدمناف» هرگز نتواند با تمامی طوایف قوم و قبیله‌ی خودشان بجنگند و در نتیجه به گرفتن دیه و خون‌بهاء رضایت می‌دهند و آن‌ها نیز دیه‌ی قتل او را می‌پردازند.

ولی خداوند ﷺ جبرئیل وحی را بر نبی اکرم ﷺ فرود آورد و آن حضرت ﷺ را از توطئه قریش باخبر ساخت و به ایشان بازگفت که خداوند به ایشان اذن خروج از مکه را داده و زمان هجرت را نیز برای آن حضرت ﷺ مشخص گردانیده و طرح پانک زدن به قریش را نیز برای آن حضرت ﷺ تبیین فرموده است. از این رو پیامبر ﷺ حضرت علی ﷺ را به جای خود در بستر خواباند و همراه با حضرت ابوبکر صدیق ﷺ شبانه از خانه خارج شد و به غار ثور رفت و از آنجا به مدینه هجرت نمود.

#### هجرت پیامبر ﷺ به مدینه‌ی منوره

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۴۰]

#### سربیه‌ی عبدالله بن جحش

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقْتَلُونَكَ حَتَّىٰ يَرْضُوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۱۷]



توضیح موضوع: مورخان و صاحب نظران اسلامی، جنگ‌هایی را که شخص پیامبر اکرم ﷺ در آن‌ها حضور داشته‌اند (چه جنگیده باشند و چه جنگیده باشند) «غزوه»



(جمع: غزوات)، و جنگ‌هایی را که آن حضرت ﷺ یکی از فرماندهان سپاهشان را اعزام کرده‌اند و خود شرکت نکرده‌اند، «سریّه» (جمع: سرایا) نامیده‌اند.

«سریّه‌ی عبدالله بن جحش»: در ماه رجب، سال دوم هجرت، مطابق با ژانویه‌ی ۶۲۴ میلادی، رسول خدا ﷺ، حضرت عبدالله بن جحش اسدی را به اتفاق دوازده تن از مهاجرین به این سریّه (سریّه نخلة) اعزام فرمودند، که هر دو تن از آنان به نوبت بر یک شترسوار می‌شدند.

رسول خدا ﷺ برای او فرمانی نوشتند و به او دستور دادند که در آن ننگرد تا دو روز از مدینه دور شود، آنگاه در آن نظر کند. عبدالله به راه افتاد و پس از دو روز راه، آن را خواند، در آن نامه نوشته شده بود:

«اذا نظرت في كتابي هذا، فامض حتى تنزل نخلة بين مكة والطائف، فترصد بها عير قريش وتعلم لنا من اخبارهم».

«وقتی در این نامه‌ی من نگریستی، همچنان پیش برو تا به «نخلة» فیما بین مکه و طائف برسی. در آنجا منتظر شو تا کاروان قریش از راه برسد، و درباره‌ی آنان و کاروانشان برای ما کسب خبر کن!»

عبدالله بن جحش ﷺ براساس فرمان رسول خدا ﷺ به راه خود ادامه داد تا به «نخلة» رسید. کاروانی متعلق به قریش از آنجا می‌گذشت که کالاهای تجارتنی با خود داشت، و «عمر بن حزمی» و «عثمان» و «نوفل» پسران عبدالله بن مغیره، و «حکم بن کیسان مولى بنی مغیره» با آن کاروان بودند.

مسلمانان با یکدیگر مشورت کردند و گفتند: ما در آخرین روز از ماه رجب هستیم که ماه حرام است؛ اگر با اینان به نبرد پردازیم، حرمت ماه حرام را شکسته‌ایم؛ و اگر امشب دست از آنان بداریم، وارد حرم خواهند شد. بالاخره، یک سخن شدند بر اینکه با کاروانیان برخورد کنند. یکی از مسلمانان، «عمر بن حزمی» را با تیر زد و کشت، عثمان و حکم را نیز اسیر کردند؛ اما نوفل گریخت.

کاروان را با آن دو اسیر به سمت مدینه حرکت دادند و خمس آن را جدا کردند. (این اولین خمسی بود که از غنیمت جدا می‌شد، و اولین کشته در راه خدا و جهاد اسلامی بود، و آن دو نخستین اسیران اسلام بودند.)

رسول خدا ﷺ از کار آنان ابراز ناخشنودی کردند و فرمودند: «من شما را به کارزار در ماه حرام دستور نداده بودم.» و آن حضرت ﷺ به آن کاروان و کالاهای تجارتي و آن دو اسير دست زدند.

این رویداد، فرصت خوبی را به دست مشرکان داد تا بتوانند مسلمانان را متهم کنند به اینکه حرام خدا را حلال کرده‌اند! و در این باره قیل و قال فراوان به پا شد؛ تا آنکه وحی الهی نازل شد و به آن یاهوسرایي‌ها خاتمه داد و عنوان کرد که جنایتهای مشرکان بزرگتر و سهمگین‌تر از گناهی است که مسلمانان مرتکب شده‌اند، و آیات ۲۱۷ سوره ی بقره نازل شد.

و این آیات خاطر نشان ساخت که این غوغایی که مشرکان به راه انداخته‌اند تا رفتار و کردار رزمندگان مسلمان را زیر سؤال ببرند، هیچ پایه و بنیادی ندارد، زیرا حرمت تمامی مقدسات در اثنای محاربه‌ی مشرکان با اسلام و فشار و شکنجه‌ای که بر مسلمانان روا داشتند، شکسته شده است! مگر مسلمانان ساکن شهر حرام نبودند که مشرکان به مصادره‌ی اموال آنان و کشتن پیامبرشان دست زدند؟! حال چه چیز موجب شده است که ناگهان قداست پیشین به این مقدسات بازگردد؟ و بار دیگر هتک حرمت آنان ننگ و عار شده است! بنابراین تبلیغاتی که مشرکان دامن زده‌اند، تبلیغاتی مبتنی بر وقاحت و بی‌شرمی و گستاخی است!

بعد از آن رسول خدا ﷺ آن دو اسير را آزاد فرمودند و خونبهای مقتول را به وارثانش پرداختند.

### غزوه‌ی بدر کُبری

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ [آل عمران: ۱۳]

﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْنِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَرِهُونَ ﴿٥﴾ يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٦﴾ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ

كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ ﴿٥٩﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾ إِذْ يُغَشِّيكُمُ اللَّعَاسُ أَمَةً مِنْهُ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُنَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿٦١﴾ إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَيَّنُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأَلَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿٦٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٦٣﴾ ذَلِكَم فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿٦٤﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْاَدْبَارَ ﴿٦٥﴾ وَمَنْ يُؤَلِّمُ يَوْمَئِذٍ ذُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبئس الْمَصِيرُ ﴿٦٦﴾ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٦٧﴾ ذَلِكَم وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِتْنَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٩﴾ [الأنفال: ٥-١٩]

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّلَاقِ الْجُمُعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٩﴾ إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدُوَّةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدُوَّةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاٰخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنَّ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَن هَلَكَ عَن بَيْتِهِ وَيَحْيَىٰ مَن حَيَّ عَن بَيْتِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٦٠﴾ إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَتَلَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَالِمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦١﴾ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَقُّتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٦٢﴾﴾

﴿وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَآتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي مَأْمُورٌ بِمَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾﴾ إِذْ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَوَاهُ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٩﴾﴾ ﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَرَضٌ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِّنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِّنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾﴾ أَلَسَنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِّنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِّنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٦٦﴾﴾ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧٧﴾﴾ [الأنفال: ٤٨-٤٩-٦٥-٦٧]

﴿سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبْرَ ﴿٤٥﴾﴾ [القمر: ٤٥]



توضیح موضوع: جنگ بدر، نخستین جنگ سرنوشت‌ساز در تاریخ اسلام است، و این جنگ در رمضان سال دوم هجرت به وقوع پیوست.

وجه تسمیه‌ی این جنگ به غزوه‌ی بدر کبری آن است که «غزوه سفوان» - در ناحیه‌ی بدر در ماه ربیع الاول سال دوم هجرت - تاریخ سرایا و غزوات، «غزوه‌ی بدر اولی» نامیده شده است. از این رو به این غزوه، «غزوه‌ی بدر کبری» گفته می‌شود.

و خود «بدر» در ۱۴۵ کیلومتری مدینه‌ی منوره در جنوب غرب واقع است. در جنگ بدر کبری، تعداد مسلمانان ۳۱۳ تن، یا ۳۱۴ تن، یا ۳۱۷ تن بود، ۸۲ تن یا ۸۳، یا ۸۶ تن از مهاجرین و ۶۱ تن از اوس و ۱۷۰ تن از خزرج، آن حضرت را در این جنگ همراهی می‌کردند.

پرچمدار مهاجرین، حضرت علی علیه السلام، و پرچمدار انصار، حضرت سعد بن عبادة رضی الله عنه بود، مسلمانان هفتاد شتر، دو اسب، شش زره و هشت شمشیر داشتند، ولی لشکر کفر بیش از هزار رزمنده و صد اسب سوار داشت. مسلمانان در آن جنگ با دادن بیست و دو شهید - ۱۴ نفر از مهاجرین و ۸ نفر از انصار - بر دشمن کافر با ۷۰ کشته و ۷۰ اسیر پیروز شدند.

## غزوه ی بنی قینقاع

﴿قُلْ لِلذِّينِ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُخْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ [آل عمران: ۱۲]



توضیح موضوع: «بنو قینقاع» در داخل مدینه، در محله‌ای به نام خودشان سکونت داشتند، و غالباً زرگر و آهنگر و سازنده‌ی ظروف بزرگ و کوچک بودند؛ و به خاطر همین حرفه‌هایی که آشنا بودند، یکایک آنان مقادیر زیادی اسلحه و ابزارهای جنگی داشتند. شمار جنگجویان ایشان به ۷۰۰ تن می‌رسید، و همگی آنان از شجاع‌ترین یهودیان مدینه بودند.

این طایفه‌ی بنی قینقاع، نخستین یهودیانی بودند که عهد و پیمانشان را با رسول خدا ﷺ نقض کردند.

زمانی که خداوند متعال، مسلمانان را در جنگ بدر پیروز گردانید، بر سرکشی آنان افزود و تحریکات و کارشکنی‌های آنان بالا گرفت. آنان پیوسته در میان مسلمانان دو دستی ایجاد می‌کردند، آنان را مسخره می‌کردند و با هر مسلمانی که به بازارشان می‌آمد از در آزار و اذیت درمی‌آمدند، تا آنجا که زنان مسلمان را مورد تعرض قرار دادند.

و طولی نکشید که مدینه را به هم ریختند و نابسامانی و پریشانی به بار آوردند و با دست‌های خودشان گور خودشان را کردند و راه‌های زندگی را فرا روی خویش بستند. به همین خاطر پیامبر اکرم ﷺ لشکریان خویش را به سوی بنی قینقاع حرکت داد، و چون یهودیان این موضعگیری پیامبر گرامی اسلام را دیدند، در قلعه‌هایشان متحصن شدند و پیامبر اکرم ﷺ نیز آنان را به شدت در محاصره گرفت. آغاز محاصره‌ی آنها، روز شنبه، نیمه‌ی ماه شوال، سال دوم هجرت بود و این محاصره به مدت ۱۵ شبانه روز تا آغاز ماه ذوالقعدة ادامه یافت، تا اینکه آنها حکم و فرمان پیامبر را درباره‌ی خود پذیرفتند و تسلیم شدند و جان و مال و ناموس و فرزندانشان را در اختیار آن حضرت ﷺ نهادند.

عبدالله بن اُبی که سرکرده‌ی منافقان بود، برای آنها شفاعت کرد، پیامبر ﷺ نیز به خاطر وی آنها را رها ساخت و یهودیان بنی قینقاع را به عبدالله بن اُبی بخشید، اما

فرمان دادند که از مدینه خارج شوند، و در شهر پیامبر نمانند، آنان نیز به سوی «اذرعات شام» کوچ کردند، در آنجا نیز دیری نپایید که بیشترشان به هلاکت رسیدند.

### غزوه احد

﴿وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعَدًا لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۲۱﴾ إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱۲۲﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۲۳﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آئِلَاتٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ ﴿۱۲۴﴾ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آئِلَاتٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿۱۲۵﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱۲۶﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبْتُهُمْ فَيُنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿۱۲۷﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿۱۲۸﴾﴾ [آل عمران: ۱۲۱-۱۲۸]

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۲۹﴾ إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ ۗ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۱۳۰﴾ وَلِيَمَجِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ ﴿۱۳۱﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿۱۳۲﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْفُوهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۱۳۳﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ۗ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿۱۳۴﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوجَلًّا ۗ وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿۱۳۵﴾﴾ [آل عمران: ۱۲۹-۱۳۹]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خٰسِرِينَ ﴿۱۳۶﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿۱۳۷﴾ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطٰنًا ۖ وَمَأْوِنُهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَىٰ

الظَّالِمِينَ ﴿١٥٦﴾ وَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّنْ بَعْدَ مَا أَرْكَبُ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٧﴾ إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ عَمَّا بَعِمَ لِكَيْلًا تَحْزِنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٨﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِنْكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٦٠﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٦١﴾ وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٦٢﴾ وَلَئِن مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٦٣﴾ فِيمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٦٤﴾ إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٥﴾ [آل عمران: ١٤٩-١٦٠]

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ لَيْ ضَلَّالٍ مُّبِينٍ﴾ ﴿١٦٦﴾ أَوْلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۳۵﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَيَاذَنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۶﴾  
 وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا  
 لَا تَبْعَنَّاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ  
 وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿۱۳۷﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَأُوا  
 عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۳۸﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا  
 بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿۱۳۹﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ  
 لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۴۰﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مَنِ  
 اللَّهُ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۴۱﴾ [آل عمران: ۱۶۴-۱۷۱]



توضیح موضوع: سال دوم هجری، کفار قریش، با دادن هفتاد کشته از سران و اشراف، و هفتاد اسیر در جنگ بدر، شکست خورده و به مکه بازگشتند.

سال بعد، کفار مکه با سه هزار سوار و دو هزار پیاده و تجهیزات کامل به قصد جنگ با مسلمانان و گرفتن انتقام به سوی مدینه حرکت کردند.

پیامبر ﷺ چون از لشکرکشی قریش باخبر شدند، جلسه‌ای تشکیل دادند و با مسلمانان در این مورد مشورت و رایزنی نمودند. در این جلسه دو نظریه مطرح شد:

- در مدینه بمانیم و در کوچه‌ها و خیابان‌ها سنگر بگیریم تا همه بتوانند به ما کمک کنند.

- از مدینه خارج شده و در بیرون شهر بجنگیم.

اگر چه رأی خود پیامبر ﷺ ماندن در شهر بود، ولی به احترام احساسات جوانان سلحشور و مبارز و شجاع و دلیر مسلمان، از رأی خود صرف نظر کرد و در نتیجه رأی بر آن شد که از شهر خارج شوند.

فرماندهی این جنگ شخص پیامبر ﷺ بود. آن حضرت ﷺ چند پرچم را برافراشتند که بعضی بدست مهاجرین و بعضی بدست انصار سپرده شد.

پیامبر ﷺ نماز صبح را با ۷۰۰ نفر در أحد (أحد کوهی است که در فاصله‌ی ۳ کیلومتری مدینه قرار دارد) اقامه کردند و «عبدالله بن جبیر» را با پنجاه نفر از



تیراندازان ماهر، مأمور حفظ دهانه‌ی حساس کوه احد قرار داده و سفارش فرمودند که هرگز این منطقه را خالی نکنید.

سرانجام دو لشکر در برابر یکدیگر صف‌آرایی کردند. کفار به نام بت‌ها و زنان زیبا، و رسول خدا ﷺ به نام خداوند متعال، سپاه خود را تشویق می‌کردند. جنگ که شروع شد، مسلمانان با یک حمله‌ی سریع لشکر قریش را درهم شکستند و سپاه کفر پا به فرار گذاشته و مسلمانان آن‌ها را تعقیب نمودند. بعضی از مسلمانان به خیال شکست قطعی کفار، سرگرم جمع‌آوری غنائم شدند و نگهبانان دهانه‌ی کوه نیز برخلاف سفارش اکید رسول خدا ﷺ به طمع جمع‌آوری غنائم، منطقه‌ی تحت حفاظت خود را رها کردند، در این هنگام «خالد بن ولید» با دویست نفر سپاه خود که در کمین بودند، از فرصت استفاده نموده و از پشت به سپاه اسلام حمله کردند.

ناگهان مسلمانان خود را در محاصره‌ی کفار دیدند. حمزه عموی گرامی پیامبر ﷺ شهید شد و جز افراد معدودی که پروانه‌وار گرد وجود مبارک رسول خدا ﷺ بودند، بقیه‌ی مسلمانان پا به فرار گذاشتند.

یکی از کفار مکه، سرباز فداکار اسلام «مصعب بن عمیر» را که پیشاپیش رسول اکرم ﷺ قرار داشت، به خیال اینکه او پیامبر است، شهید کرد و فریاد زد: به لات و عزّی سوگند! که محمد کشته شد.

با شنیدن این صدا، مسلمانان عقب‌نشینی کردند، اینجا بود که مشرکین فرصت را مغتنم شمردند و دست به حمله‌ی تازه‌ای زدند.

لحظات بسیار سخت و طاقت‌فرسایی بود، وقت آزمایش و امتحان بود. دشمن خود را به رسول اکرم ﷺ رسانید، سنگی به آن حضرت ﷺ اصابت کرد که بر اثر آن بر زمین افتاد و دندان رباعی‌اش شهید شد. سر مبارک زخمی گردیده و لب مبارکش جراحت برداشت و خون بر چهره‌اش جاری گشت.

مسلمانان متوجه نشدند که رسول اکرم ﷺ در چه جایی است. حضرت علی بن ابی‌طالب، دست آن حضرت ﷺ را گرفت. طلحة بن عبیدالله رضی الله عنه آن حضرت ﷺ را بلند کرد تا اینکه حضرت ایستادند. در همین وقت «مالک بن سنان» خون‌ها را از چهره‌ی رسول اکرم ﷺ مکید و بلعید.

مسلمانان در واقع در جنگ احد فرار نکردند، بلکه آنچه پیش آمد، یک وضعیت اضطراری بود که معمولاً لشکر با آن دچار می‌گردد و دوباره عملیات را از سر می‌گیرد. وقتی مسلمانان از حال رسول اکرم ﷺ باخبر شدند و او را یافتند، به اتفاق آن حضرت ﷺ به سوی وادی حرکت کردند. ولی کفار قریش راه مکه را در پیش گرفته و جنگ را رها کردند و عملاً این کار به نفع مسلمانان تمام شد. در این جنگ هفتاد تن از مسلمانان شهید و عده‌ی زیادی نیز مجروح شدند.

### غزوه‌ی «حمراء الاسد»

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۲]



**توضیح موضوع:** کفار قریش، پس از پیروزی در احد به سوی مکه بازگشتند، در بین راه به این فکر افتادند که چه بهتر است به مدینه بازگردیم و باقیمانده‌ی مسلمانان را نیز از بین ببریم، تا کار اسلام یکسره شود.

این خبر به پیامبر ﷺ رسید؛ اینجا بود که رسول اکرم ﷺ به فکر تعقیب دشمن افتاد با وجودی که مسلمانان به شدت خسته و درمانده و زخمی و مجروح شده بودند. اما روز دوم نبرد «احد» (شوال سال سوم هجرت) رسول خدا ﷺ به یکی از اصحاب مأموریت داد تا اعلام کند که فردا برای تعقیب دشمن آماده باشند و نیز اعلام کند که فقط همان کسانی که دیروز در جنگ شرکت داشته‌اند، حرکت کنند. مسلمانان با آنکه به شدت دچار زخم و خستگی شده بودند، اما همگی همراه با رسول خدا ﷺ آماده‌ی حرکت و تعقیب دشمن شدند، به طوری که هیچ کس باقی نماند.

لشکر اسلام به فرماندهی رسول اکرم ﷺ تا نقطه‌ی «حمراء الاسد» (که به فاصله‌ی هشت میل از مدینه قرار دارد) پیش رفتند. و پیامبر ﷺ همراه مسلمانان، روزهای دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه ماه شوال، سال سوم هجرت را در آن نقطه اقامت گزیدند و سپس به مدینه بازگشتند.

و کفار قریش وقتی از بسیج عمومی مسلمانان آگاه شدند، گمان کردند که لشکر تازه نفسی مهیا شده است، تا شیرینی پیروزی احد را بر کام آنان تلخ کند، لذا از حمله‌ی مجدد منصرف شدند و به سرعت به طرف مکه حرکت نمودند.

و بدون تردید، غزوه‌ی حمراء الاسد، یک غزوه‌ی مستقل نبوده است؛ این غزوه، در واقع بخشی از جنگ احد است و تتمه آن، و صحنه‌ای از صحنه‌های آن به حساب می‌آید.

### غزوه‌ی بنی نضیر

﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ﴿٢﴾ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿٣﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤﴾ مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾﴾ [الحشر: ٢-٥]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أَخْرَجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ شَهِدٌ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿١١﴾ لَئِنْ أَخْرَجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ ﴿١٢﴾ لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٣﴾ لَا يَقْتُلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٤﴾﴾ [الحشر: ١١-١٤]



توضیح موضوع: قبیله‌ی بزرگی از یهود به نام «بنو نضیر»، هم پیمان مسلمانان بودند. این گروه و دیگر گروه‌های یهودی، در آتش عداوت و دشمنی با اسلام و مسلمانان سخت می‌سوختند و پیوسته به فکر توطئه و نیرنگ بودند و آشکار کینه‌توزی می‌کردند و عداوت خود را ابراز می‌داشتند و حيله‌های گوناگون ساز

می کردند تا به نحوی به مسلمانان آزار برسانند و پنهانی با منافقان و مشرکانِ اهل مکه، رابطه برقرار می کردند و به نفع آنان، بر ضد مسلمانان وارد عمل می شدند.

رسول خدا ﷺ به اتفاق چند تن از یارانشان به منظور کمک گرفتن درباره‌ی خون بهای دو نفر مقتول از «بنی عامر» نزد آن‌ها رفت. زیرا «بنونضیر» و «بنوعامر» هم پیمان بودند. بنونضیر از یک طرف به نرمی سخن گفتند و قول مساعدت دادند، ولی از طرف دیگر نقشه‌ی ترور و خیانت به رسول اکرم ﷺ را طراحی نمودند و در دل خود پنهان داشتند.

یهودیان با یکدیگر خلوت کردند و دست به دست هم دادند تا پیامبر گرامی اسلام را به قتل برسانند. رسول خدا ﷺ در کنار دیواری از خانه‌هایشان نشسته بودند، در همین حال بعضی مخفیانه با هم گفتند: در آینده چنین فرصتی با این مرد نخواهید یافت. آیا کسی است که بالای خانه برود و سنگ بزرگی بر سر وی بیفکند و ما را از دست وی رهایی دهد.

جبرئیل امین از سوی پروردگار بر رسول خدا ﷺ نازل شد و ایشان را از قصد شوم آن‌ها آگاه گردانید، آن حضرت ﷺ شتابان از جای برخاستند و به مدینه روی آوردند و مسلمانان را برای جنگ و حرکت به سوی «بنونضیر» آماده ساختند. سپس به سوی بنونضیر حرکت کردند و منطقه‌ی آن‌ها را در ماه ربیع الاول، سال چهارم هجرت، محاصره نمودند. این محاصره شش شب (و بنا به روایتی ۱۵ شبانه‌روز) به طول انجامید. خداوند متعال در دل‌های آن‌ها رعب و وحشت افکند به طوری که خودشان از رسول اکرم ﷺ درخواست کردند که آن‌ها را جلای وطن نماید و از ریختن خونشان خودداری فرماید، و به آن‌ها اجازه داده شود که به جز اسلحه از بقیه‌ی اموال و کالاهای خود (هر چه بتوانند) با شترهای خود حمل نمایند. پیامبر ﷺ نیز این درخواست آن‌ها را پذیرفت.

بنونضیر به اندازه‌ی بار شتر، وسایل و کالای خانه برداشتند. وضعیت طوری بود که خانه‌های خود را با دست‌های خود منهدم و ویران می کردند و وسایل را بر روی شترها می گذاشتند و حرکت می کردند.

عده‌ای از آن‌ها به سوی «خیبر»، و عده‌ای دیگر به سوی «شام» مهاجرت و کوچ کردند و بدین طریق، مسلمانان برای همیشه از لانه‌ی فساد و مکر و توطئه، و نفاق و خیانت آن‌ها رهایی یافتند.

### غزوه‌ی بدر ثانی

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَآخَسَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلِ لَّمْ يَمَسَّسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾﴾ [آل عمران: ۱۷۳-۱۷۵]



**توضیح موضوع:** وقتی ابوسفیان از جنگ اُحد (سال سوم هجری) برگشت، با صدای بلند فریاد زد: میعادگاه ما و شما سال آینده در «بدر» است. رسول اکرم ﷺ به یکی از اصحابش دستور داد تا به او بگوید: بله وعده‌گاه ما و شما همانجا است.

پیامبر ﷺ نیز در ماه شعبان، سال چهارم هجری، حسب میعاد ابوسفیان با یکهزار و پانصد رزمنده‌ی مسلمان، عازم بدر شدند تا بر سر قرار حاضر شوند. ده اسب در اختیار داشتند و حامل لوای اسلام علی بن ابی طالب ﷺ بود، و رسول خدا ﷺ عبدالله بن رواحه ﷺ را در مدینه جانشین خود گردانیدند و رفتند تا به وادی بدر رسیدند و در انتظار مشرکان در آنجا اقامت کردند.

ابوسفیان نیز، به اتفاق دو هزار تن از مشرکان مکه در حالی که پنجاه اسب در اختیار داشتند، از مکه خارج شد و در مسیر بدر، پیش رفت تا به «مَرَّ الظَّهْرَانِ» یک منزلی مکه، رسید و در وادی «مَجَنَّة» [برکه‌ی آبی در آن ناحیه] فرود آمد.

ابوسفیان در همان اوان که از مکه بیرون آمد، خسته و درمانده بود، و به عاقبت کارزار با مسلمانان می‌اندیشید. ترس سراسر وجودش را فرا گرفته بود، و هیبت مسلمانان بر تمامی مشاعرش مستولی گردیده بود. وقتی در «مَرَّ الظَّهْرَانِ» بار انداخت، عزمش به سستی گرایید، و برای بازگشت به مکه به چاره‌اندیشی مشغول شد. از این رو به همراهانش گفت: ای جماعت قریش! برای جنگاوری شما سالی مناسب است که سال فراوانی باشد. چراگاه‌های شما پُر از علف باشد و شیر بسیار بتوانید بنوشید؛ اما امسال خشکسالی است؛ من که باز می‌گرم، شما نیز بازگردید!

ظاهراً، بیم و هراس بر مشاعر لشکریان ابوسفیان نیز مستولی شده بود؛ زیرا همگی بازگشتند و هیچ‌گونه مخالفتی با این رأی و پیشنهاد ابوسفیان ابراز نداشتند، و به هیچ روی اصرار و ابرامی در جهت ادامه دادن مسیر در رویاروی شدن با مسلمانان از خود نشان ندادند.

مسلمانان، مدت هشت روز در وادی بدر اقامت کردند و در انتظار سر رسیدن دشمن به سر بردند. کالاهای تجارتي را که همراه داشتند با سود دویست درصد فروختند و به مدینه بازگشتند، و سر رشته‌ی غافلگیری را در صحنه‌ی رزم و کارزار به دست گرفتند، و هیبت ایشان در جان و روح دشمنانشان جای گرفت و کاملاً بر اوضاع مسلط گردیدند.

این غزوه را «بدر الموعد»، «بدر الاخرة» و «بدر الصغرى» نیز نامیده‌اند.

### غزوه‌ی خندق

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ إِذْ جَاءَكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا ﴿١٠﴾ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾ وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوَّهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ إِلَّا ذُبَرَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾ قُلْ لَن يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِن أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِالنِّسَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ

اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۲۱﴾ يَجْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿۲۲﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْأَخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿۲۳﴾ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿۲۴﴾ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿۲۵﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غُفُورًا رَّحِيمًا ﴿۲۶﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْثِهِمْ لَمْ يَأْتُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا ﴿۲۷﴾ [الأحزاب: ۹-۲۵]



توضیح موضوع: «غزوهی خندق» یا «جنگ احزاب» در ماه شوال، سال پنجم هجری به وقوع پیوست. یهودیان مدینه، مشرکان مکه و منافقان پنهان در میان مسلمانان، در این سال قصد کودتا و تصرف مدینه و قلع و قمع کردن مسلمانان را داشتند. مسلمانان با پیشنهاد «سلمان فارسی» و موافقت پیامبر اکرم ﷺ، اطراف مدینه را خندق حفر کردند و در برابر دشمن استقامت کردند.

در حفر خندق، نیز اولین کلنگ را خود رسول خدا ﷺ به زمین زد؛ و هر بار که بر اثر اصابت کلنگ به سنگ برقی می جهید، پیامبر ﷺ پیروزی اسلام بر منطقه‌ای از جهان را بشارت می داد. خداوند در این نبرد به وسیله‌ی وزش شدید باد و نزول فرشتگان، مسلمانان را یاری کرد.

این جنگ از آن جهت که توسط گروه‌های مختلف (یهود بنی نضیر، یهود بنی وائل، قبیله‌ی غطفان و کفار قریش) برنامه‌ریزی شده، «جنگ احزاب» و از آن جهت که مسلمانان برای دفاع از خود، خندق حفر کردند، به جنگ «خندق» معروف شد. و این آخرین جنگ قریش با مسلمانان بود و در این غزوه حداکثر هفت نفر از مسلمانان شهید شدند و از مشرکین چهار نفر به هلاکت رسیدند.

## غزوه ی بنی قریظه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾﴾

[الأنفال: ٢٧]

﴿الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾﴾ فَمَا تَتَّقِفْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدَ بِهَم مِّنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٥٧﴾﴾ وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ﴿٥٨﴾﴾ [الأنفال: ٥٦-٥٨]

﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٦٦﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوּهُا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٦٧﴾﴾ [الأحزاب: ٢٦-٢٧]

﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٦٦﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوּهُا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٦٧﴾﴾ [الأحزاب: ٢٦-٢٧]



**توضیح موضوع:** در مدینه ی منوره، سه طایفه ی یهودی به نام های «بنی قینقاع»، «بنو نضیر» و «بنی قریظه» بودند که هر سه با مسلمانان پیمان داشتند.

یهودیان پیوسته در آتش عداوت و دشمنی با اسلام و مسلمانان می سوختند، اما اهل پیکار و کارزار نبودند بلکه اهل توطئه و نیرنگ بودند، آشکارا کینه توزی می کردند و عداوت خود را ابراز می داشتند، و حیل های گوناگون ساز می کردند تا به نحوی به مسلمانان آزار برسانند، و همواره پنهانی با منافقان و مشرکان اهل مکه رابطه برقرار می کردند و به نفع آنان، برضد مسلمانان وارد عمل می شدند.

از این رو در سال دوم هجری، یهود بنی قینقاع پیمان شکنی کرده، با مسلمانان جنگ نمودند و شکست خوردند و از مدینه خارج شده، به سوی شام کوچک کردند. در سال چهارم هجری، یهود بنی نضیر جنگیدند و شکست خوردند و به سوی شام رفتند، و خیبر و مدینه را خالی کردند و از آنجا کوچ نمودند. در سال پنجم هجری، یهود بنی قریظه پیمان خود را شکستند و با مشرکان و کفار قریش همکاری نمودند که با شکست آن ها، دلهره ای بر آنان حاکم شد.



مسلمانان بعد از پیروزی بر احزاب (در جنگ خندق که یهود بنی قریظه با مشرکان و منافقان همکاری نمودند) قلعه‌های آنان را محاصره کردند و پس از ۲۵ روز آن‌ها را از مدینه بیرون راندند و برای همیشه مدینه را از طوایف پلید و بیمان‌شکن یهود، پاک شد.

### صلح حدیبیه و بیعت رضوان

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَتِمَّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢﴾ وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا ﴿٣﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ ۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾ لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۗ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيمًا حَكِيمًا ﴿٧﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ ۗ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۗ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ ۗ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَرَبِّينَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٤﴾ [الفتح: ۱-۱۴]

﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٧﴾ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ

السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبْتُهُمْ فَتَحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَعَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾ وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَوْ قَتَلْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأُدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٢﴾ سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾ وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرْتُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدَىٰ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ حِلَّةً، وَلَوْلَا رِجَالُ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَّعْرَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ لِّيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٢٦﴾ [الفتح: ١٧-٢٦]



**توضیح موضوع:** پیامبر اکرم ﷺ در مدینه، در عالم خواب دیدند که خود و اصحابشان وارد مسجد الحرام شده‌اند، و ایشان کلید کعبه را به دست گرفته‌اند و همگی طواف کردند و عمره به جای آوردند و بعضی سرها را تراشیدند و بعضی به جای سر تراشیدن، تقصیر کردند. آن حضرت ﷺ این رؤیای صادقه را برای یارانشان بازگفتند، همه شادمان شدند، و چنان پنداشتند که در همان سال وارد مکه خواهند شد. پیامبر اکرم ﷺ نیز به اصحاب فرمودند قصد عمره دارند و اصحاب نیز آماده سفر شدند.

همچنین پیامبر بزرگ اسلام، قوم عرب و بادیه‌نشینان همگی را فراخواندند تا با ایشان برای عمره عزیمت کنند. بسیاری از اعراب تن به این سفر در دادند.

پیامبر اکرم ﷺ شخصاً جامه‌هایشان را شستند، و شتر خویش را (به نام قصواء) سوار شدند و «ابن أم مکتوم» یا «نمیله‌ی لیثی» را در مدینه جانشین خود ساختند و در روز

دوشنبه، یکم ذوالقعدة، سال ششم هجری، از مدینه خارج شدند. ام سلمه، همسر آن حضرت ﷺ نیز با یکهزار و چهار صد تن دیگر از مسلمانان - و به قولی: یکهزار و پانصد تن - همراه آن حضرت ﷺ بودند. در این سفر، هیچ کس مسلح نبود، مگر به اندازه‌ای که در آن زمان برای مسافر معمول بود، یعنی یک شمشیر و آن هم در غلاف. پیامبر گرامی اسلام، به سوی مکه عزیمت کردند، وقتی به «ذوالحلیفه» رسیدند، حیوانات قربانی را قلاده زدند و نشانه‌گذاری کردند و احرام عمره بستند، تا مردمان همگی ایمن شوند از اینکه ایشان قصد جنگ ندارند.

خبر به مشرکان مکه رسید و در نزدیکی مکه (روستای حدیبیه) راه را بر مسلمانان بستند و مانع ورود آنان به مکه شدند.

در این ماجرا، نمایندگان از دو طرف برای گفتگو رفت و آمد کردند، نماینده‌ی مشرکان هنگامی که دید مسلمانان چنان شیفته‌ی پیامبرند که قطرات آب وضوی پیامبر ﷺ را برای تبرک برمی‌دارند به مشرکان گفت: با این عشق و علاقه‌ای که مردم به محمد ﷺ دارند، نمی‌توانید آن‌ها را از او جدا کنید.

در این گیرودار، حضرت عثمان به عنوان سفیر مسلمانان برای مذاکره به مکه رفت، اما شایع شد که ایشان را در مکه به قتل رسانده‌اند. پیامبر ﷺ برای آماده باش مسلمانان، در زیردرختی با یارانش تجدید بیعت کرد که این بیعت، «بیعت رضوان» نام گرفت.

پس از چند روز حضرت عثمان به سلامت برگشت و با حضور نمایندگان دو طرف، صلح‌نامه‌ای در چند ماده تهیه و توسط حضرت علی ؑ نوشته شد و به امضای طرفین رسید. از جمله اینکه دو گروه متعهد شدند: تا ده سال، جنگی میان آنان صورت نگیرد. مسلمانان از همانجا برگردند و سال آینده به مدت سه روز برای عمره به مکه بیایند. به دستور پیامبر ﷺ شترانی را که برای حج آورده بودند، در همانجا قربانی کردند و سرهای خود را تراشیده و از احرام خارج شدند و به مدینه بازگشتند.

گرچه مسلمانان در این سفر به حج نرفتند، ولی صلح‌نامه‌ی حدیبیه و مفاد آن که تعطیل شدن جنگ به مدت ده سال و آزاد شدن مراسم عمره بود، برای مسلمانان پیروزی آشکار به حساب می‌آمد، زیرا پایانی بر خصومت‌ورزی آشکار مشرکان و گشودن راهی برای تبلیغ دین و تجدید قوای مسلمانان بود و زمینه‌ساز فتح مکه گشت.

## غزوه‌ی خیبر

﴿سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَعَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمِ أُولَىٰ بِأْسِ شَدِيدٍ تَقْلُتُلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾﴾ [الفتح: ١٥-١٦]



**توضیح موضوع:** غزوه‌ی خیبر در محرم سال هفتم هجری روی داد. «خیبر»: شهری بزرگ، دارای قلعه‌ها و کشتزارهای فراوان، بود که در فاصله‌ی هشتاد میل در سمت شمال مدینه واقع شده بود. هم اکنون نیز دهکده‌ای است که آب و هوای آن چندان مطلوب نیست.

خیبر، پایگاه دشمنان و لانه‌ی جاسوسی مخالفان اسلام بود. و اهل خیبر آنان بودند که احزاب را بر علیه مسلمانان متشکل گردانیدند و بنی قریظه را تحریک کردند و به نیرنگ و خیانت وادار ساختند. آن‌گاه ارتباط خودشان را با منافقان و همچنین با قبیله‌ی غطفان و اعراب بادیه‌نشین گسترده گردانیدند.

یهودیان خیبر، خودشان نیز دست اندرکار آماده شدن برای کارزار بودند، و به این ترتیب، مسلمانان را دچار رنج‌ها و محنت‌های پیوسته و پیگیر کردند، حتی برای سر به نیست کردن پیامبر ﷺ نیز نقشه کشیدند.

در برابر این تحریکات و کارشکنی‌های یهود خیبر، رسول خدا ﷺ تصمیم گرفت تا برای همیشه از شر و فساد آن‌ها راحت شده و از ناحیه‌ی آن‌ها ایمن بماند.

رسول اکرم ﷺ بعد از بازگشت از حدیبیه، ماه ذوالحجّه، و قسمتی از محرّم را در مدینه اقامت نمود و در بقیه‌ی ماه محرم که سال هفتم هجرت بود، از مدینه عازم خیبر شد.

در این سفر، رسول اکرم ﷺ با ارتشی که تعداد نفرات آن، بالغ بر هزار و چهار صد نفر و دویست سوار نظام بود، روی به سوی خیبر نهاد و به کسانی که در حدیبیه تخلف کرده بودند، اجازه‌ی شرکت در این غزوه را نداد.

حدود ۲۰ زن از زنان صحابه نیز جهت مداوای بیماران و خدمت به مجروحان و کمک به مجاهدان و تدارک و تهیه آب و غذا در دوران جنگ، شرکت کرده بودند.

رسول اکرم ﷺ به دژهای مستحکم و سر به فلک کشیده‌ی خیبر، تهاجم آورد و آن‌ها را یکی بعد از دیگری، فتح می‌کرد. نخستین دژی که فتح شد، دژ «ناعم» بود، بعد به سوی دژ «قموص» متوجه شد، اما فتح دژ «قموص» بر مسلمانان سخت و دشوار معلوم شد. رسول اکرم ﷺ فرمود: «فردا پرچم جنگ را مردی به دست خواهد گرفت که خدا و رسولش را دوست دارد و خداوند به دست وی فتح خواهد کرد.»

بزرگان صحابه با شنیدن این جمله، آرزومند شدند؛ هر کسی امیدوار بود که این سعادت و افتخار نصیب او گردد، تا اینکه رسول خدا ﷺ حضرت علیؑ را طلب نمودند. او از ناحیه‌ی چشم شکایت داشت. وقتی به محضر رسول خدا ﷺ شرفیاب شد، حضرت از آب دهان مبارک بر چشمان وی گذاشت و برایش دعا کرد. و حضرت علیؑ فوراً شفا یافت گویا که اصلاً دردی نداشته بود. حضرت ﷺ پرچم را به او تحویل داد. حضرت علیؑ به فرمان رسول خدا ﷺ به سوی قلعه‌ی «قموص» متوجه شد و پیروزانه و فاتحانه از آنجا برگشت.

بعد از جنگ و محاصره که چند روز طول کشیده و دژهای خیبر، یکی پس از دیگری فتح گردید، رسول اکرم ﷺ خواست یهود را از آنجا بیرون کند، اما آن‌ها گفتند: یا محمد! ما را در همین سرزمین باقی بگذار تا به آبادانی این زمین‌ها پردازیم و از آن محصول بگیریم، زیرا در این زمینه، تجربه‌ی ما از شما بیشتر است.

چون رسول خدا ﷺ و اصحابش، افرادی برای رسیدگی به زمین‌های کشاورزی نداشتند و مشغول دعوت و جهاد بودند، بنابراین پیشنهاد یهود را پذیرفتند و یهود را بر این شرط در خیبر، ابقاء کردند که نصف محصولات را برای خود بردارند و نصف آن را به مسلمانان تحویل دهند و مدت این ابقاء بستگی به تشخیص خود رسول اکرم ﷺ دارد، تا هر زمان که مصلحت بداند.

مجموع رزمندگان مسلمان که در جنگ خیبر به شهادت رسیدند، شانزده تن بودند: چهار تن از قریش، یک تن از اشجع، یک تن از اسلم، یک تن از اهل خیبر، و مابقی از انصار. بعضی نیز گفته‌اند که مجموع شهیدان اسلام در این نبرد، هیجده تن بودند، و آمار کشتگان یهود در این نبرد، نود و سه تن بود.

## غزوهی تبوک

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (٤١) لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشَّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوْ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ (٤٢) عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّى يَتَّبِعَنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ﴾ (٤٣) لَا يَسْتَعِدُّنَا الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾ (٤٤) إِنَّمَا يَسْتَعِدُّنَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ﴾ (٤٥) وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾ (٤٦) لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعِفُوا خِلَالَكُمْ يَبْعُونَكُمْ أَلْفِتْنَةً وَفِيكُمْ سَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ (٤٧) لَقَدْ ابْتَعُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلِ وَقَلْبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَاذِبُونَ﴾ (٤٨) وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ اضْحَن لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ (٤٩) إِنْ نُصِبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ نُصِبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلٍ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ﴾ (٥٠) قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (٥١) قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنِيَّ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾ (٥٢) قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِتْكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (٥٣) وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَاذِبُونَ﴾ (٥٤) فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ (٥٥) وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ﴾ (٥٦) لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأًا أَوْ مَعْرَتًا أَوْ مُدْخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ﴾ (٥٧) وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ﴾ (٥٨) وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ﴾ (٥٩)

سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ﴾ (التوبة: ٤١-٥٩)

﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ  
لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾  
يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ  
يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِيدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ  
الْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِءُوا  
إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مِمَّا تَحْذَرُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ  
وَعَائِلِيهِهٖ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعُفَ  
عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبِ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٦٦﴾ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ  
مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ  
إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفٰلسِقُونَ ﴿٦٧﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ  
خٰلِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَاللَّهُمَّ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٦٨﴾ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا  
أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَآكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا  
اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَٰئِكَ حَٰطَتِ أَعْمَالُهُمْ  
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ  
وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرٰهِيمَ وَأَصْحٰبِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا  
كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ  
أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ  
وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ وَعَدَّ اللَّهُ  
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِي  
جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾ يٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ جٰهِدِ  
الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُمُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٧٣﴾ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا  
قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلِمِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ  
أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكْ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ

عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٦﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ  
اللَّهَ لَئِنْ آتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ  
فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِقَافًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا  
أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ  
وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ ﴿٧٨﴾ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ  
لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ اسْتَغْفِرُ  
لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ  
كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨٠﴾ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ  
خَلَفَ رَسُولَ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا  
فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا  
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَعَذُّوكَ لِلخُرُوجِ  
فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْفُجُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ  
فَأَقْعُدُوا مَعَ الْخَلِيفِينَ ﴿٨٣﴾ وَلَا تَصِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ ۗ إِنَّهُمْ  
كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨٤﴾ وَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ  
اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ  
ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَعْذَنَكَ أُولُوا الصَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ  
الْقَاعِدِينَ ﴿٨٦﴾ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾  
لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا  
ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾ وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ  
وَرَسُولَهُ ۗ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾ لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ وَلَا عَلَى  
الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى  
الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩١﴾ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا



أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ﴿٩٧﴾  
 إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَعِذُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رِضْوَانًا يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ  
 اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٨﴾ يَعْتَدِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَدِرُوا  
 لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ  
 إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا  
 انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجَسٌ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا  
 كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٠٠﴾ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضُوا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ  
 عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠١﴾ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ  
 اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٢﴾ [التوبة: ٩٧-٩٦]

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ  
 بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ رءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾ وَعَلَى  
 الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا صَافَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَصَافَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ  
 وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ  
 الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾﴾ [التوبة: ١١٧-١١٨]



**توضیح موضوع:** غزوه ی تبوک در رجب سال نهم هجرت، زمانی به وقوع پیوست که  
 هوا بسیار گرم، میوه‌ها رسیده، و درختان سایه‌دار بودند. مسلمانان در این سفر، با  
 مسافتی طولانی و بیابانی بی آب و گیاه و دشمنانی مستعد و نیرومند روبه‌رو می‌شدند؛  
 به همین دلیل حضرت رسول اکرم ﷺ قبل از حرکت، به مسلمانان اطلاع داد که به چه  
 منظور و کدام سو حرکت می‌کند، تا این که از هر نظر آمادگی نمایند.  
 زمان، زمان تنگدستی و خشکسالی بود. منافقان به بهانه‌های زیادی تعلل ورزیدند  
 و از ترس دشمنان نیرومند و زورآور، و فرار از گرمای شدید و مسافت طولانی و  
 بی‌توجهی به جهاد و شک و تردید در حق، خارج شدن همراه رسول خدا ﷺ را ناپسند  
 نمودند و سر باز زدند.

سبب و انگیزه‌ی این غزوه، همانا القای رعب و وحشت به دولت مجاور و ترساندن آن بود، تا مبدا به مرکز اسلام و مسلمین، تهاجم آورده و برای دعوت اسلامی و نیروی نوپای آن که در حال پیشرفت است، ایجاد خطر نماید. آری هدف این غزوه همین بود که رومی‌ها متوجه شوند که مسلمانان، مال بی‌حساب و لقمه‌ی گوارایی نیستند که رومی‌ها بتوانند آن‌ها را طعمه‌ی خود قرار دهند، زیرا اگر مسلمانان ضعیف می‌بودند، هرگز با ارتش خود به سوی امپراطوری بزرگ و ابرقدرت و نیرومند «روم» حرکت نمی‌کردند، و متهورانه و جسورانه، داخل مرزهای آن نمی‌شدند.

آن حضرت ﷺ به اتفاق سی هزار تن از مجاهدان اسلام، مدینه را به قصد «تبوک» ترک گفتند. وقتی رسول خدا ﷺ به تبوک رسیدند، «یوحنا بن رؤبة» به حضور آن حضرت ﷺ رسید و با رسول خدا مصالحه نمود و جزیه پرداخت. اهالی «جرباء» و «أذرح» نیز به حضور رسیدند، حضرت ﷺ برای آن‌ها امان‌نامه مرقوم فرمود.

در تبوک به حضرت رسول اکرم ﷺ خبر رسید که رومی‌ها عقب‌نشینی کرده و از تصمیم تهاجم و تجاوز به مسلمانان منصرف شده‌اند. آن حضرت ﷺ مناسب ندانست که در داخل کشورشان آن‌ها را تعقیب نماید زیرا هدف (القای رعب و وحشت) تحقق یافته بود. پیامبر ﷺ بعد از اینکه بیش از ده شب در تبوک اقامت فرمود، دوباره به مدینه بازگشت.

### فتح مکه

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّعْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ...﴾ [الفتح: ۲۷]



**توضیح موضوع:** در سال ششم هجری، پیامبر اکرم ﷺ در خواب دیدند که مسلمانان، آسوده خاطر وارد مسجد الحرام شده در حالی که سرهای خود را تراشیده و کوتاه کرده‌اند، مراسم عمره انجام داده‌اند. بعد از این خواب بود که پیامبر ﷺ همراه مسلمانان به قصد انجام مراسم حرکت کرده و تا پشت دروازه‌های مکه در حدیبیه رفتند. کفار از ماجرا آگاه شدند و راه را بر آنان بستند و تصمیم بر کشتار مسلمانان گرفتند. پیامبر ﷺ نیز از مسلمانان پیمان وفاداری گرفت. خداوند برای مسلمانان، صلح پیش آورد، و هر دو گروه با همدیگر صلح‌نامه‌ای را امضاء کردند.

برخی از مسلمانان نگران بودند که چرا خواب پیامبر اکرم ﷺ متحقق نشد؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «لازم نیست این خواب در این سال، تعبیر و متحقق شود». به هر حال مسلمانان به مدینه بازگشتند و طبق قرارداد صلحنامه، در سال بعد، سه روز مکه را خالی کردند و مسلمانان با آسودگی خاطر، اعمال عمره را باشکوه فراوان انجام دادند. البته کفار نقض پیمان کردند و مفاد صلحنامه را مراعات نکردند، از این رو مسلمانان در سال هشتم هجری، مکه را بدون خونریزی فتح کردند.

### غزوه‌ی حنین و طائف

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٧﴾﴾ [التوبة: ٢٥-٢٧]



**توضیح موضوع:** قبیله‌ی «هوازن» بعد از قریش، بزرگ‌ترین نیرو و قدرت در «جزیره العرب» به شمار می‌آمدند که میان آن‌ها و قریش پیوسته رقابت وجود داشت، و آن‌ها نمی‌خواستند به آنچه قریش در مقابل آن تسلیم شده‌اند، تسلیم گردند. از این رو تصمیم گرفتند تا اسلام و مسلمانان را ریشه کن سازند و این افتخار را به خود اختصاص دهند. بنابراین «مالک بن عوف نصری» که سردار هوازن بود، آمادگی جنگ نمود و قبائل «نصر»، «جشم»، «سعدبن بکر»، «هوازن» و «ثقیف» همگی به ندای او لبیک گفته و گرد او جمع شدند.

پیامبر ﷺ نیز به اتفاق دو هزار نفر از اهالی مکه که عده‌ای تازه مسلمان وعده‌ای هنوز مسلمان هم نشده بودند، و با ده هزار نفر از اصحابش که از مدینه هم‌رکاب آن حضرت ﷺ بودند، برای جنگ و دفاع، اعلام آمادگی نمودند. برخی از مسلمانان با توجه به تعداد زیاد رزمندگان مسلمان، دچار عجب و غرور شده و چنین گفتند: «امروز از کمی نفرات هرگز شکست نخواهیم خورد!».

مسلمانان در دهم شوال سال هشتم هجری، در تاریکی بامداد به سوی «حنین» شتافتند، اما هوازن قبلاً خود را به داخل وادی رسانده و در میان دژه‌ها و پیچ و خم‌ها و شکاف‌ها، سنگر گرفته و در کمین مسلمانان نشسته بودند. اینجا بود که مسلمانان غافلگیر شده و به طور ناگهانی با تیرها و شمشیرهای برهنه‌ی دشمن، روبرو گردیدند. و از آنجا که هوازن گروهی تیرانداز و رزمنده بودند، یکباره بر مسلمانان هجوم آوردند. مسلمانان شتابزده به عقب برگشتند و متفرق شدند. آن‌گاه خداوند متعال مسلمانان را مجدداً بر دشمنان، فتح و پیروزی عنایت فرمود و بر رسول خدا و مؤمنان، آرامش و سکینه فرود آورد.

آن حضرت ﷺ وقتی دید که مردم به حال خود مشغول‌اند، به عباس دستور داد تا با صدای بلند اعلام کند: «یا معشر الانصار» (ای گروه انصار)، «یا معشر اصحاب السمر» (ای گروه بیعت رضوان) و...

صدای عباس بسیار بلند و رسا بود، همگی با شنیدن صدایش، لبیک گویان بازگشتند؛ هر شخصی به سوی صدا حرکت می‌کرد و از مرکبش پیاده شده، شمشیر و سپر را به دست می‌گرفت و خود را به رسول خدا ﷺ می‌رساند. همینکه گروه قابل ملاحظه‌ای گرد آمدند، به دستور پیامبر ﷺ بر دشمن حمله‌آور شدند و مجدداً نبرد آغاز گشت. دیری نپایید که اسلحه‌ی دشمن گُند شد و همه‌ی آن‌ها پا به فرار گذاشتند، و خداوند فرشتگان خود را جهت فتح و پیروزی نازل فرمود، به طوری که سراسر دژه را اشغال کرده بودند، و هوازن شکست خوردند.

تعداد اسیران جنگی در این غزوه، ۶ هزار نفر بود، و تعداد شتران ۲۴ هزار نفر، و تعداد گوسفندان بیش از ۴۰ هزار رأس، و مقدار نقدینگی ۴ هزار اوقیه نقره بود. این مقدار غنیمت، بزرگترین مقدار غنیمتی بود که تا حال مسلمانان بدست آورده بودند.

«غزوه‌ی طائف»: این غزوه در واقع دنباله‌ی جنگ حنین بود. توضیح مطلب اینکه: فراریان هوازن و ثقیف با فرمانده کل سپاهشان «مالک بن عوف نصری»، وارد طائف شدند و به دژهای طائف پناهنده شدند. رسول اکرم ﷺ پس از فراغت یافتن از جنگ حنین و گردآوری غنائم جنگی در «جعرانة» در همان ماه شوال، سال هشتم هجرت، آهنگ جنگ آنان فرمودند.

ابتدا پیشقراولان سپاه حضرت رسول اکرم ﷺ که بالغ بر یکهزار رزمنده بودند به فرماندهی خالد بن ولید وارد طائف شدند، آن‌گاه رسول خدا ﷺ به سوی طائف عزیمت فرمودند. در بین راه، از «نخله یمانی»، و «قرن المنازل» و آنگاه «لِیة» گذر کردند و در آنجا قلعه‌ای متعلق به «مالک بن عوف» بود که آن حضرت ﷺ دستور دادند سپاهیان آن را ویران سازند.

آنگاه به مسیر خویش ادامه دادند تا به طائف رسیدند و در نزدیکی قلعه‌ای که مالک بن عوف در آن پناه گرفته بود، فرود آمدند و در آنجا اردو زدند، و ساکنان قلعه را در حلقه‌ی محاصره‌ی خویش (به مدت چهل روز یا بیست روز، یا ده تا بیست روز، یا هجده روز و یا پانزده روز) قرار دادند.

در اثنای مدت محاصره، تیراندازی و پرتاب سنگ، مکرر روی می‌داد. مسلمانان در همان آغاز محاصره‌ی قلعه‌ی مالک بن عوف، آماج تیراندازی سنگین ساکنان قلعه قرار گرفتند. در این درگیری‌ها عده‌ای از مسلمانان مجروح شدند و دوازده تن از رزمندگان اسلام شهید شدند. و سپاهیان اسلام ناگزیر شدند، اردوگاهشان را به مکانی بالاتر از آن منتقل گردانند و در آنجا اردو بزنند.

پیامبر اکرم ﷺ در جنگ با مردم طائف، منجنیق‌ها را به کار گرفتند و پرتاب سنگ به استحکامات آنان را ادامه دادند تا آنکه شکافی در دیوار قلعه‌ی مالک بن عوف پدید آوردند و از آن شکاف، عده‌ای از مسلمانان توانستند به واسطه‌ی دبابه وارد قلعه شوند. رسول خدا ﷺ به عنوان یک سیاست مبارزاتی، به منظور وادار کردن دشمن به تسلیم، امر فرمودند که رزمندگان اسلام به ریشه کن کردن درختان انگور و سوزاندن تاکستان‌ها بپردازند.

مسلمانان نیز بی‌محابا به سوزاندن و بریدن درختان انگور پرداختند تا آنکه قبیله‌ی ثقیف از رسول خدا ﷺ درخواست کردند که به خاطر خویشاوندی دست از این کار بردارند. پیامبر ﷺ نیز به خاطر خدا و به خاطر خویشاوندی دست از آن کار کشیدند. محاصره به طول انجامید، و قلعه مقاومت کرد و مسلمانان از تیرباران و میله‌های در آهن سُرخ شده آسیب بسیار دیدند. ساکنان قلعه نیز به قدر کفایت یک سال تمام در محاصره به سر بردن، قوت و غذا و امکانات برای خودشان فراهم کرده بودند.

رسول خدا ﷺ با «نوفل بن معاویه دیلی» مشورت کردند. وی گفت: اینان روباهی در سوراخ خزیده‌اند! اگر ایستادگی کنید می‌توانید این روباه را بگیرید، اگر هم آن را رها کنید، زبانی به شما نمی‌رساند! با این ترتیب، پیامبر اکرم ﷺ عزم جزم فرمودند بر اینکه محاصره را پایان دهند و از طائف کوچ کنند.

به هر حال، «ثقیف» بالاخره با مشورت همدیگر به این نتیجه رسیدند که یارای جنگ با عرب‌ها را ندارند در صورتی که عرب‌ها با رسول خدا ﷺ بیعت کرده و مسلمان شده‌اند. از این جهت آن‌ها هیأتی خدمت رسول خدا ﷺ اعزام نمودند. آن هیأت وقتی که از محضر رسول اکرم ﷺ فارغ شده، به منطقه‌ی خود بازگشتند، و پیامبر ﷺ «ابوسفیان بن حرب» و «مغیره بن شعبه» را همراه آنان فرستادند. مغیره، بت‌لات را نابود کرد، و سرانجام اسلام در میان ثقیف انتشار یافت و همگی اهالی طائف، مشرف به اسلام شدند.

## «جنايات»

جرم قتل نفس، و عقوبت و مجازات آن در اسلام

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ ۗ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ  
وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ ۖ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ۗ  
ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي  
الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾﴾ [البقرة: ١٧٨-١٧٩]

﴿مِن أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي  
الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ  
رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾﴾ [المائدة: ٣٢]

﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ  
بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ  
بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٥﴾﴾ [المائدة: ٤٥]

﴿وَإِن عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿٣٣﴾﴾  
[النحل: ١٢٦]

﴿وَجَزَاؤُهُ سِيبَةٌ سِيبَةٌ مِّثْلُهَا فَمَن عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ  
الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾﴾ [الشورى: ٤٠]

مجازات «قتل عمد»

﴿وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ  
وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿٩٣﴾﴾ [النساء: ٩٣]

## مجازات «قتل خطا»

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾﴾ [النساء: ٩٢]

﴿...وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَقَ نَحْنُ نَرُزِقُكُمْ وَإِيَاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَلَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٥١﴾﴾ [الأنعام: ١٥١]

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿٢٣﴾﴾ [الإسراء: ٢٣]



توضیح موضوع: جنایت نفس، یا تعرض به جسم و جان دیگران سه گونه است که عبارتند از:

۱- عمدی: هر گونه تعرض عمدی برای کشتن و ضرب و شتم یک انسان به وسیله‌ی ابزار و آلات کشنده، مانند: آهن و سنگ و چوب، یا پرت نمودن او از بلندی و انداختنش در آب و آتش و خفه کردن و خوراندن مواد سمی که باعث مرگ یا فلج گردیدن و از دست دادن اعضا و زخمی شدن او بشود، جنایت عمدی محسوب می‌گردد.

از نظر احکام شرعی، مجازات اینگونه تعرض‌ها به جان و جسم انسان، دارای قصاص و مجازات است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٥﴾﴾ [المائدة: ٤٥]



«و در آن کتاب آسمانی بر آنان مقرّر داشتیم که انسان در برابر انسان کشته می‌شود و چشم در برابر چشم کور می‌شود، و بینی در برابر بینی قطع می‌شود، و گوش در برابر گوش بریده می‌شود، و دندان در مقابل دندان کشیده می‌شود، و جراحتهای قصاص دارد، و انسان جانی بدان اندازه و به همان منوال زخمی می‌گردد که جراحت وارد کرده است اگر مثل آن جراحات ممکن گردد و خوف جان در میان نباشد. و اگر کسی آن را ببخشد و از قصاص صرف نظر کند، این کار باعث بخشش برخی از گناهان او می‌گردد. و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند، اعم از قصاص و غیره، او و امثال او ستمگر بشمار می‌روند».

و رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«کسی که کشته شود، یا زخمی بگردد، اولیای او در میان سه چیز حق انتخاب دارند: جانی را قصاص کنند، دیه دریافت نمایند، یا او را ببخشند، چنانچه کار دیگری را می‌خواستند انجام بدهند، دست آن‌ها را بگیرید».[احمد و ابوداود]

۲- شبهه عمد: شبهه عمد آن است که جانی و ضارب قصد ضرب و شتم طرف را دارد، اما نمی‌خواهد او را بکشد، مانند اینکه: با چوبی سبک یا سیلی عادی او را بزند، در آبی اندکش بیاندازد، بر سرش فریاد بکشد و یا او را تهدید به قتل نماید، و در نتیجه فوت کند.

حکم شرعی این نوع جنایت آن است که جنایت کننده باید دیه‌ی مقتول را بپردازد و خود نیز کفاره‌اش را بدهد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۹۲]

«هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمن دیگری را بکشد مگر از روی خطا. کسی که مؤمنی را به خطا کشت باید که برده‌ی مومنی را آزاد کند و خونبهای هم به کسان کشته شده بپردازد مگر این که آنان درگذرند و از دریافت خونبها که صد شتر است، چشم‌پوشی کنند. اگر هم کشته، مؤمن و متعلق به کافرانی بود که میان شما و ایشان جنگ و دشمنی بود، آزاد کردن برده‌ی مؤمنی دیه‌ی او است و دیگر خونبهای به ورثه‌ی کشته شده داده نمی‌شود. و اگر

کشته، از زمره‌ی قومی بود که کافر بودند و میان شما و ایشان پیمانی برقرار بود، همچون اهل ذمه و همپیمانان مسلمان، پرداخت خونبها به کسان مقتول و آزاد کردن بنده‌ی مؤمنی دیه‌ی او است. اگر هم دسترسی به آزاد کردن برده نداشت، باید دو ماه، قاتل پیاپی و بدون فاصله روزه بگیرد. خداوند این را برای توبه‌ی شما مقرر فرموده است. و خداوند آگاه از بندگان خود و کار بجا است.»

۳- خطأ: هر گاه مسلمانی کاری مباح و مشروع مانند: تیراندازی و شکار و رانندگی همراه با احتیاط و مراعات قوانین راهنمایی و رانندگی را انجام بدهد و بدون قصد عمد و بدون سابقه‌ی کینه و دشمنی، کسی را زخمی کند یا بکشد، قتل خطأ محسوب می‌گردد.

حکم شرعی اینگونه حوادث و قتل و زخمی شدن، مانند حکم قتل شبه عمد است، با این تفاوت که در اینجا قاتل خطأ گنهکار به حساب نمی‌آید، برخلاف شبه عمد که قاتل گنهکار بوده و دیه‌ی کامل از خود او گرفته می‌شود.

کشتن به ناحق انسان‌ها، حرام است

﴿...وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۹]

\*\*\*

توضیح موضوع: قتل نفس و آدم کشی از گناهان کبیره است و هر کس در غیر مورد قصاص یا فساد، کسی را به ناحق بکشد، گویا همه‌ی مردم را کشته است.

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ [المائدة: ۳۲]

«هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی انسان‌ها را کشته است، و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است؛ زیرا فرد نماینده‌ی جمع و عضوی از اعضای جامعه است.»

و کیفر چنین قتلی دوزخ ابدی است:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۹۳]

«و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد و از ایمان او باخبر بوده و تجاوزکارانه او را به قتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند، کافر بشمار می‌آید و کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می‌ماند و خداوند بر او خشم می‌گیرد و او را از رحمت خود محروم می‌سازد و برای او عذاب بزرگی آماده می‌کند».

و حتی در اسلام برای کسانی که اسلحه به روی مردم بکشند، مجازات سنگینی به عنوان «مُحارب» تعیین شده است و نه تنها قتل نفس، بلکه کمترین و کوچکترین آزار یک انسان از نظر اسلام مجازات دارد. و حتی احترام به خون انسان‌ها در اسلام مخصوص مسلمانان نیست بلکه غیرمسلمانانی که با مسلمین سر جنگ ندارند و در یک زندگی مسالمت‌آمیز با آن‌ها به سر می‌برند، جان و مال و ناموسشان محفوظ است و تجاوز به آن حرام و ممنوع می‌باشد.

و می‌توان با اطمینان گفت: این همه احترام که اسلام برای خون و جان و حیثیت انسان قائل شده است در هیچ آیین و مکتبی وجود ندارد. با این وجود، از نظر اسلام کشتن افراد در موارد حق (همچون قصاص، دفاع، ارتداد، لواط یا زناى مُحْصَنَه) جایز است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«خون هیچ مسلمان که شهادت به وحدانیت و یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام می‌دهد حلال نیست، مگر سه گروه: قاتل (که تکلیفش روشن است و در قصاص او حیات جامعه و تأمین امنیت نفوس است، و اگر حق قصاص به اولیای مقتول داده نشود، قاتلان جسور و جری می‌شوند و امنیت جامعه مختل می‌گردد.) و زانی محصن (که قتل او در برابر یکی از زشت‌ترین گناهان است که با خون برابری می‌کند.) و آن کس که دین خود را رها کند و از جماعت مسلمانان بیرون رود (و قتل چنین فردی جلو هرج و مرج را در جامعه‌ی اسلامی می‌گیرد، و این حکم یک حکم سیاسی برای حفظ نظام اجتماعی در مقابل اموری است که نه تنها امنیت اجتماعی بلکه اصل نظام اسلام را تهدید می‌کند.)» [بخاری و مسلم]

خودکشی حرام است

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ [الأَنْعَامُ: ۱۴۰]

﴿... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَلَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۱]

﴿... وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاءًا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۳۱]

﴿... وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ...﴾ [الممتحنة: ۱۲]



**توضیح موضوع:** خودکشی علل و اسباب مختلفی دارد از آن جمله می‌توان مسائل اقتصادی، مرض مُزمن و لاعلاج، خسارت در تجارت، مردودی در امتحان، ناکامی در عشق را نام برد. به طور خلاصه باید گفت که تمام علماء و فقهاء و دانشوران اسلامی بر این اتفاق دارند که خودکشی برای کسب دنیا یا رهایی از مشکلات حرام است و اگر شخص مذکور این عملش را حرام دانسته مرتکب شود، گناه کبیره‌ای را مرتکب شده اما از دین اسلام خارج نمی‌شود و به همین علت بر او نماز جنازه خوانده می‌شود، البته اگر این کار را حلال بداند، کافر می‌شود و از اسلام خارج می‌گردد. انتحار و خودکشی نیز نوعی قتل به شمار می‌رود که خداوند آن را حرام و نامشروع گردانیده و از نظر عقلی هم یکی از بدترین انواع قتل و جنایت به شمار می‌آید، زیرا عشق به زندگی و محافظت از جان خویش، موضوعی فطری و طبیعی است و همچون اقدام به قتل دیگران نیست که انگیزه‌هایی مانند خشم و انتقام‌جویی و دشمنی زمینه‌ی آن را فراهم نماید.

آیات و احادیث صریحی در این باره وارد شده است. در سوره‌ی نساء می‌فرماید:

﴿... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ [النساء: ۲۹]

«و خودکشی نکنید و خون همدیگر را نریزید».

همچنین در سوره‌ی بقره می‌فرماید:

﴿... وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [البقرة: ۱۹۵]

«خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید».

و پیامبر اکرم ﷺ نیز در احادیث متعددی حرمت خودکشی را بیان فرموده‌اند. برای

نمونه ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرموده است:

«هر کس به وسیله‌ی پاره آهنی (چاقو، شمشیر و غیره) خود را به قتل برساند، در آتش دوزخ برای همیشه به وسیله‌ی آن شکم خود را پاره می‌کند، و هر کس به وسیله‌ی سم خودکشی کند، در میان آتش دوزخ برای همیشه آن سم در دست او قرار دارد، و هر کس خود را از کوهی به قصد خودکشی پائین اندازد، برای همیشه در میان دوزخ فرو می‌افتد.» [بخاری]

و از جندب بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «یک نفر از امت‌های پیشین زخمی برداشته بود، و در اثر آن درد بسیاری می‌کشید، او روزی چاقویی را برداشت و رگ دست خود را برید، و در اثر خون‌ریزی جان سپرد. خداوند متعال فرمود: او بناحق برای مرگ شتاب کرد و من نیز بهشت را بر او حرام نمودم.» [بخاری و مسلم]

### کشتن فرزندان از ترس فقر و تنگدستی حرام است

(متأسفانه این عمل جاهلی در عصر و زمان ما در شکل دیگری تکرار می‌شود و به عنوان کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین، کودکان بی‌گناه را در عالم جنین از طریق «کورتاژ» به قتل می‌رسانند):

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۚ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾﴾  
[النحل: ۵۸-۵۹]

﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾﴾ [التكوير: ۸-۹]



**توضیح موضوع:** زنده به گور کردن دختران، یکی از دردناکترین و وحشیانه‌ترین پدیده‌های عصر جاهلیت عرب بود که وحشتناک‌ترین جنایت، زیر پوشش دروغین دفاع از ناموس و حفظ شرافت و حیثیت خانواده انجام می‌گرفت. عامل پیدایش این جنایت و وحشتناک و این پدیده‌ی دردناک را می‌توان در چند چیز خلاصه کرد:

۱. عدم ارزش زن به عنوان یک انسان در جامعه‌ی جاهلی.
۲. تولید کننده بودن پسران، و مصرف کننده بودن دختران، در آن جوامع نیز به این جنایت کمک کرده بود؛ زیرا پسران برای آن‌ها سرمایه‌ی بزرگی محسوب

می‌شد که در غارتگری‌ها و نگهداری شتران و مانند آن از وجودش استفاده می‌کردند، در حالی که دختران چنین نبودند.

۳. فقر شدید که بر آن جامعه حاکم بوده، مخصوصاً با توجه به اینکه دختران همانند پسران قادر بر تولید اقتصادی نبودند و در غارتگری‌ها شرکت نداشتند.

۴. همچنین این فکر که در جنگ‌های فراوان قبیله‌ای آن روز، ممکن بود دختران به اسارت درآیند و به اصطلاح نوامیس آن‌ها به دست بیگانگان بیافتد و از این راه لگه‌ی ننگی بر دامانشان بنشیند، دست به این کار زدند.

۵. از سوی دیگر وجود جنگ‌ها و نزاع‌های دائمی قبیلگی میان آن‌ها، سبب فقدان سریع مردان و پسران جنگجو می‌شد و طبعاً تناسب و تعادل میان تعداد دختران و پسران به هم می‌خورد، و تا آنجا وجود پسران عزیز شده بود که تولد یک پسر مایه‌ی مباهات بود، و تولد یک دختر، مایه‌ی ناراحتی و رنج یک خانواده!

به هر حال، این عوامل چندگانه دست به دست هم دادند و پدیده‌ی وحشتناک «زنده به گور کردن دختران» را به وجود آوردند.

و امروز نیز که دنیا به خاطر نگرانی از افزایش جمعیت و کمبودهای اقتصادی، سقط جنین را مجاز می‌داند، گرفتار نوعی جاهلیت شده است.

### جنایات - حدود (مجازات‌های تعیین شده)

#### شرابخواری و تحریم تدریجی آن

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا آكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...﴾ [البقرة: ۲۱۹]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...﴾ [النساء: ۴۳]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَأَجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۹۰﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿۹۱﴾﴾ [المائدة: ۹۰-۹۱]

توضیح موضوع: در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام، شراب خواری و میگساری فوق‌العاده رواج داشت و به صورت یک بلای عمومی درآمده بود به طوری که عشق عرب جاهلی در سه چیز خلاصه می‌شد: شعر و شراب و جنگ.

از این رو اسلام برای آماده ساختن افکار و اذهان عمومی برای ریشه کن کردن میگساری، از روش «تحریم تدریجی» و مرحله به مرحله استفاده کرد، به این ترتیب که نخست در بعضی از سوره‌های مکی، اشاراتی به زشتی این کار نمود چنان که در آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی نحل می‌خوانیم:

﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ اللَّخِيلِ وَالْأَعْنَبِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا﴾

در اینجا «سکر» یعنی مسکر و شرابی را که از انگور و خرما می‌گرفتند درست در مقابل «رزق حسن» قرار داده است، و آن را یک نوشیدنی ناپاک و آلوده شمرده است. ولی عادت زشت شرابخواری از آن ریشه‌دارتر بود که با این اشاره‌ها ریشه کن شود، به علاوه شراب، بخشی از درآمدهای اقتصادی آن‌ها را نیز تأمین می‌کرد، لذا هنگامی که مسلمانان به مدینه منتقل شدند و نخستین حکومت اسلامی تشکیل شد، دومین دستور در زمینه‌ی منع شرابخواری به صورت قاطع‌تری نازل گشت تا افکار را برای تحریم نهایی آماده‌تر سازد. در این زمان بود که آیه‌ی ۲۱۹ سوره‌ی بقره نازل گردید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا لَكَبِيرٌ

مِنْ تَفْعِهِمَا﴾ [البقرة: ۲۱۹]

در این آیه، ضمن اشاره به منافع اقتصادی مشروبات الکلی برای بعضی از جوامع همانند جامعه‌ی جاهلیت، اهمیت خطرات و زیان‌های بزرگ آن را که به درجات از منافع اقتصادی آن بیشتر است، یادآور می‌شود. به دنبال آن در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾

[النساء: ۴۳]

به مسلمانان صریحاً دستور داده شد که در حال مستی هرگز نماز نخوانند تا بدانند با خدای خود چه می‌گویند.

البته مفهوم این آیه آن نبود که در غیر حال نماز، نوشیدن شراب مجاز است، بلکه برنامه‌ی الهی، همان برنامه‌ی «تحریم تدریجی و مرحله به مرحله» بود. و به عبارت دیگر، این آیه نسبت به غیر حال نماز، سکوت داشت و صریحاً چیزی نمی‌گفت.

آشنایی مسلمانان به احکام اسلام و آمادگی فکری آن‌ها برای ریشه کن ساختن این مفسده‌ی بزرگ اجتماعی که در اعماق وجود آن‌ها نفوذ کرده بود، سبب شد که دستور نهایی با صراحت کامل و بیان قاطع که حتی بهانه‌جویان نیز نتوانند به آن ایراد گیرند، نازل گردید:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۹۰]

به هر حال نوشیدن کم یا زیاد شراب حرام است و حکمت تحریم شرب آن، محافظت از دین، جسم، روان و مال و ثروت و عقل انسان مسلمان است. و حد کسی که خود به شرابخواری اعتراف نموده یا دو نفر شاهد عادل و پرهیزگار به شرابخواری او شهادت داده‌اند، هشتاد ضربه‌ی تازیانه بر پشت او است. و بهتر است که آدم شرابخوار را در ملأ عام بر روی زمین بنشانند، و با شلاقی متوسط هشتاد ضربه بر پشت او زده شود.

### حد زنا و مجازات آن

﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الاسراء: ۳۲]

﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [النور: ۲]

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿۱۸﴾ يُضْعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِءَ مُهَانًا ﴿۱۹﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ﴿۲۰﴾﴾ [الفرقان: ۶۸-۷۰]

﴿... وَمَا ءَاتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...﴾ [الحشر: ۷]





توضیح موضوع: حد زنا با توجه به وضع زناکار متفاوت است، چنانچه زناکار بدون همسر باشد، حد او صد ضربه‌ی شلاق است، اما اگر آدم زناکار زن یا مرد دارای همسر باشد، در حضور مردم تا مردن، هدف رجم و سنگ‌اندازی قرار می‌گیرد.

و برای آنکه حد زنا به اجرا دربیاید وجود شرایط زیر ضروری است:

۱. انسان زناکار: مسلمان، عاقل و بالغ بوده و از روی میل و اختیار مرتکب زنا شده باشد.

۲. عمل زنا به صورت قطعی و یقینی به وسیله‌ی اقرار خود او در حالت طبیعی، یا شهادت چهار نفر شاهد پرهیزگار و عادل اثبات شده باشد. و شاهدان بگویند که عمل زنا را مانند وارد شدن طناب در چاه مشاهده نموده‌اند.

همچنین زن بدون همسری که باردار گردیده باشد، چنانچه نتواند خود را تبرئه کند و ثابت ننماید که به صورت اشتباه یا اجبار مورد تجاوز قرار گرفته، یا به حرام بودن آن آگاهی نداشته، تنها مورد مجازات حد شلاق قرار می‌گیرد.

مجازات زن بدکار اگر کنیز باشد، و مجازات مرد بدکار اگر غلام باشد (به خاطر کنیز برده بودن و محرومیت‌های آن‌ها) به نصف (یعنی پنجاه تازیانه) کاهش می‌یابد

﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فِتْيَتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَأَنْكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسْلِفَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ...﴾ [النساء: ۲۵]

حد عمل «لواط» (همجنس‌گرایی مردان) و حد عمل «مُساخقه» (همجنس‌گرایی زنان) و مجازات آن‌ها

﴿وَأَلَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّهِنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿١٥﴾ وَالَّذَانِ يَأْتِيَنَّهَا مِنْكُمْ فَآذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿١٦﴾﴾

[النساء: ۱۵-۱۶]

﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَلْحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿۸۲﴾  
 إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿۸۱﴾ وَمَا كَانَ جَوَابَ  
 قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿۸۲﴾ [الأعراف: ۸۰-۸۲]  
 ﴿قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا  
 يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أُمَّرَاتِكُ إِنَّهُ مٌصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ  
 الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿۸۱﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ  
 سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ ﴿۸۲﴾ مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَعِيدٍ ﴿۸۳﴾ [هود: ۸۱-۸۳]



توضیح موضوع: بیشتر علماء و فقهاء گفته‌اند که حدّ عمل لوط، رجم و سنگسار تا مرگ است و برای متأهل و مجرد فرق نمی‌کند. زیرا از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرموده است:

«هر کس را دیدید که عمل قوم لوط را انجام می‌دهد، فاعل و مفعول را بکشید».

[ابوداود و ترمذی]

و کسی را که به حیوانات تجاوز می‌کند، بایستی به وسیله‌ی شلاق و زندان، به خوبی تنبیه و مجازات کرد، زیرا عملی را انجام داده که به اتفاق علماء، حرام و نارواست.

و جمعی از مفسران احتمال داده‌اند که آیه‌ی ۱۶ سوره‌ی نساء:

﴿وَالَّذَانِ يَأْتِيَنَّهَا مِنْكُمْ فَكَادُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ  
 تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿۱۶﴾

درباره‌ی عمل زشت لوط بوده باشد، و آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی نساء:

﴿وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَلْحِشَةَ مِنْ دَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا  
 فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿۱۵﴾

را مربوط به «مساحقه» (هم جنس گرایی زنان) دانسته‌اند. و الله اعلم.

مجازات تهمت زدن به زنان پاکدامن (حد قذف: تهمت زنا)

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَنِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۵﴾﴾ [النور: ۴-۵]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...﴾ [النور: ۱۹]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۲۵﴾ يَوْمَ نَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۶﴾ يَوْمَئِذٍ يُوقِفُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿۲۷﴾﴾ [النور: ۲۳-۲۵]



**توضیح موضوع:** متهم کردن دیگران به زناکاری، یکی از بدترین و بزرگترین گناهان است و خداوند کسانی را که این تهمت‌ها را به دیگران می‌بندند، فاسق شمرده و عدالت آنان را ساقط گردانیده و اجرای حد و مجازات را بر آن‌ها واجب نموده است. و خداوند متعال در جهت پاسداری از حرمت و حیثیت انسان مسلمان و پاکی و قداست جامعه‌ی اسلامی و جلوگیری از گسترش فساد و بی‌بند و باری، این حدود و مجازات‌ها را معین فرموده است.

و حد تهمت‌گر، هشتاد ضربه‌ی شلاق است. و رسول خدا ﷺ نیز دستور فرمود تا به تهمت‌گران حادثه‌ی مشهور «افک» هر یک هشتاد ضربه شلاق بزنند.

و برای اجرای حد بر انسان تهمت‌گر، تحقق شرایط زیر ضروری است:

۱. آدم تهمت‌گر مسلمان و عاقل و بالغ باشد.
۲. کسی که مورد تهمت قرار گرفته، انسانی پاک و پرهیزگار بوده و در میان مردم به فساد و فحشاء معروف نباشد.
۳. کسی که مورد تهمت قرار گرفته، خواستار مجازات او باشد، زیرا حیثیت او مورد تعرض قرار گرفته و می‌تواند خواهان اجرای حد بر او شود یا مورد عفو قرار بدهد.

۴. اگر انسان تهمت‌گر نتواند چهار نفر شاهد عادل و پرهیزگار را برای اثبات آنچه ادعا نموده، بیاورد چنان‌چه هر یک از این شرایط محقق نشود، حد قذف بر او اجرا می‌شود.

### حد سرقت و مجازات آن

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ

حَكِيمٌ ﴿۳۸﴾ [المائدة: ۳۸]



**توضیح موضوع:** «سرفت» به معنای در اختیار گرفتن اموال حفاظت شده‌ی مردم به قصد خیانت و مخفی کردن است. و سرقت یکی از گناهان بسیار بزرگ و زشت است که خداوند متعال آن را حرام گردانیده و بر سارق مجازاتی سخت (یعنی بریدن دست دزد) تعیین فرموده است.

و تنها زمانی بریدن دست دزد واجب می‌شود که شرایط زیر فراهم شده باشد:

۱. سارق مکلف و عاقل و بالغ باشد.
۲. در مورد مالکیت یا عدم مالکیت سارق بر مال دزدیده شده، شک و شبهه‌هایی وجود نداشته باشد. به عنوان مثال: رهن‌گذاری که رهن خود را از طلبکار دزدیده، یا مالکی که مال الاجاره‌ی خود را از مستأجر دزدیده باشد، نباشد. زیرا حدود به شبهات دفع می‌شوند، چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِدْرَ أَوْالْحُدُودِ بِالشَّبهَاتِ»، «چنان‌چه شک و شبهه‌ای وجود داشت، تا جایی که ممکن است، حدود را اجرا نکنید». [مسلم]
۳. مال دزدیده شده، مالی مباح و روا باشد و از نظر شرعی، مالیت و ملکیت داشته و فروش آن جایز باشد. بدین معنی که دزدیدن شراب و ابزار قمار و مواد مخدر، مجازات ندارد، بلکه باید به مالک آن‌ها برگردانیده بشود.
۴. مال دزدیده شده، باید به مقدار نصاب شرعی برسد. لازم به ذکر است که نصاب سرقت در نزد احناف: یک دینار یا ده درهم شرعی است و در کمتر از ده درهم حدی جاری نمی‌شود. اما نصاب سرقت در نزد جمهور فقهاء، ربع دینار یا سه درهم است.

۵. مال دزدیده شده در جایی حفاظت شده مانند: منزل، دکان، چادر، صندوق و... قرار داشته باشد.
۶. سارق، پدر یا اولاد و یا همسر (زن یا شوهر) صاحب مال دزدیده شده نباشد، زیرا آن‌ها حقوق و مسئولیت‌هایی در مقابل یکدیگر دارند. و به تعبیر دیگر: عدم ولایت وی بر کسی که مالی را از او می‌دزدد.
۷. مالی که از دست رفته، از طریق ربوده شدن جلو چشم مالک، غصب و گرفتن اجباری از او و غنیمت نبوده باشد، زیرا در این موارد پس از اثبات جرم، سارق تنها مکلف به بازگرداندن مالی است که ربوده یا غصب نموده به صاحب مال است. به هر حال سرقت از دو طریق ثابت می‌شود: اعتراف صریح خود سارق در حالت طبیعی و عادی و بدون آنکه مورد تهدید و آزار قرار گیرد. یا گواهی دو نفر انسان پرهیزگار و عادل مبنی بر اینکه او را در حال دزدی دیده‌اند. و پس از اثبات جرم، بر سارق دو چیز واجب می‌گردد:
۱. برگرداندن عین اموال به سرقت رفته یا مشابه یا قیمت آن به مالک.
  ۲. قطع شدن دستش به خاطر مجازات او و عبرت پذیری دیگران به عنوان حکمی از جانب خداوند.
- اما اگر به خاطر عدم تحقق یکی از شروط، دست دزد قطع نگردید، او ضامن مالی است که دزدیده و آن را بایستی به مالکش برگرداند.
- و پس از اثبات مجرم بودن سارق از طریق اعتراف خود یا گواهی دو نفر انسان عادل و پرهیزگار و تحقق شروطی که بیان گردید، دست راست او از مچ قطع می‌شود و سپس برای جلوگیری از خون‌ریزی، پانسمان می‌شود.
- و در صورتی که مال باخته دزد را مورد عفو قرار دهد و از او شکایت ننماید، دست او قطع نمی‌شود، اما چنان‌چه از او شکایت کند و دادگاه و محکمه‌ی شرعی به قطع دست او حکم صادر کند، شفاعت و پادرمیانی از هیچ شخصیت و مقامی پذیرفته نمی‌شود، و واجب است دست او قطع بشود، زیرا رسول خدا ﷺ در پاسخ شفاعت مال باخته از سارقی که حکم قطع دست او صادر شده بود فرمود: «چرا زودتر نبخشیدی؟»

## حد ردّت و مجازات مرتدین

﴿...وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَمَا كَانَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَسُجِّدْ لَهُ سُجُودَ الْمُشْرِكِينَ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۱۷]

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (۸۵) كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۶﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ هُمْ أَنْ عَلَيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ ﴿۸۷﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿۸۸﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۸۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿۹۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ ؕ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿۹۱﴾﴾ [آل عمران: ۸۵-۹۱]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ كَفَرُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۳۷]

﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ ؕ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَٰكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [النحل: ۱۰۶]

## \*\*\*

توضیح موضوع: «مرتد» به کسی گفته می‌شود که عاقل و بالغ بوده و از روی اختیار، آیین اسلام را ترک کند و به آیینی دیگر مانند: مسیحیت، یهودیت، کمونیسیم و... بگردد، و یا به خداوند و پیامبران و فرشتگان دشنام و بدگویی کند، و یا رسالت یکی از پیامبران را انکار نماید، و یا آگاهانه یکی از ضروریات و واجبات دینی، مانند: نماز، روزه، زکات، حج و... و یا یک سوره و یا یک آیه از قرآن را انکار کند، و یا اعتقادی به اسماء و صفات خداوند نداشته باشد.

با چنین فردی که از اسلام برمی‌گردد، باید بحث و گفتگو و مناقشه بشود، و چنان‌چه به خاطر شبهات و عواملی، اسلام را ترک کرده، حقایق آن برایش روشن شود و در مورد زیان‌های دنیوی و اخروی ارتداد برای او توضیح کافی داده شود. و چنان‌چه

حاضر به پذیرش هیچ‌گونه حقی نبود و گوش شنوا برای شنیدن بحث‌های علمی و مستدل نداشت، پس از سه شبانه‌روز براساس حکم و فتوای گروهی از مجتهدین جامع شرایط و رأی و نظر محکمه و دادگاه شرعی به مجازات اعدام، محکوم می‌گردد؛ زیرا از رسول خدا ﷺ روایت شده است که:

«ریخته شدن خون هیچ مسلمانی جایز نیست مگر آنکه آدم زناکار دارای همسر، یا مرتکب قتل عمد، و یا کسی باشد که دین خود و جماعت مسلمانان را ترک نموده باشد.» [بخاری و مسلم]

و نیز می‌فرماید: «مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ»، هر کس دینش را تغییر داد، او را به قتل برسانید».

و پس از آنکه انسان مرتد اعدام گردید، غسل میّت داده نمی‌شود، نماز بر او برگزار نمی‌گردد، و در قبرستان مسلمانان دفن نمی‌شود و اموال او به عنوان ارث به کسی تعلق نمی‌گیرد، و آنچه از او بر جای مانده، جزو بیت المال به حساب آمده و در طرح‌های عام المنفعة و خدمات عمومی هزینه می‌شود.

#### حد و مجازات راهزنی

﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا... ﴿۳۶﴾ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۳۷﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۳۸﴾﴾ [المائدة: ۳۲-۳۴]



توضیح موضوع: منظور از راهزنی آن است که جمعی با استفاده از زور و اسلحه بر سر راه عبور و مرور و تجارت مردم کمین کنند و اقدام به غصب اموال و دارایی آنان نموده و به جان و حیثیتشان تعرض بنمایند.

حکم مربوط به این‌گونه افراد در شریعت اینگونه است که در صورت امکان، افراد پرهیزگار و خبیره و مورد اعتماد به میان آنان فرستاده شود و به اندرز دلسوزانه‌ی آنها

اقدام کنند و از عواقب ناگوار دنیوی و اخروی کار راهزنی برحذرشان دارند. چنانچه توبه نموده و کار راهزنی را ترک کردند، توبه‌ی آن‌ها پذیرفته می‌شود؛ و چنانچه حاضر به توبه و دست‌برداری از آن نگردیدند، جنگ و رویارویی با آن‌ها - به خاطر امنیت جانی و مالی مردم - واجب بوده و در حد جهاد در راه خداوند دارای اجر و پاداش خواهد بود، و هر یک از آن‌ها که کشته شود، خونش به هدر می‌رود، و هر مسلمانی که در جنگ با آن‌ها کشته شود، دارای اجر شهید است.

و براساس آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده، هر یک از راهزنان که پیش از توبه دستگیر شوند، با توجه به نوع جرمی که مرتکب شده‌اند، یا کشته می‌شوند، یا به دار آویخته می‌گردند، یا یک دست و یک پای چپ و راستشان قطع می‌گردد، یا از آن منطقه تبعید می‌گردند.

به هر صورت قاضی محکمه‌ی شرعی در اجرای هر یک از آن حدود در مورد آن‌ها حق انتخاب دارد. و برخی از علماء و صاحب‌نظران اسلامی می‌گویند: اگر مرتکب قتل شده باشند، اعدام می‌شوند و چنانچه اموال مردم را به غارت برده باشند، بار اول یک دست و یک پای آن‌ها قطع می‌شود، و چنانچه کسی را نکشته و اموال کسی را نبرده باشند و تنها موجب هراس و دلهره‌ی مردم گردیده باشند، تبعید یا زندانی می‌شوند.

و چنانچه قبل از دستگیری توبه کنند و دست از مقاومت بردارند و خود را تسلیم مسئولین امنیتی بنمایند، حق اجرای حدود خداوند (اعدام و قطع دست و پا و تبعید) از آن‌ها برطرف می‌شود، اما چنانچه کسی را کشته باشند، یا اموال کسی را غصب و غارت کرده باشند، بایستی پاسخگوی شکایات آن‌ها باشند، و اگر دیه‌ی مقتول از آن‌ها پذیرفته نشود، اعدام می‌گردند، و چنانچه مورد عفو قرار گیرند، دیه‌ی مقتول یا مقتولین را بایستی بپردازند و اموال مردم یا مشابه یا قیمت آن‌ها را به مالکین برگردانند.

و چنانچه برای پرداخت دیه یا اموال به غارت رفته‌ی مردم چیزی نداشته باشند، مردم و مسئولین امور خیریه می‌توانند به آنان برای بازپرداخت حقوق مردم کمک نمایند.



حد و مجازات بَغی (قیام و سرکشی بر ضد نظام اسلامی)

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقْتُلُوا الَّتِي تَبَغَى حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الحجرات: ۹]



توضیح موضوع: برای بَغی و اهل بَغی می‌توان دو تفسیر کرد:

۱. هر گاه دو گروه مسلمان به خاطر تعصبات ملی، مذهبی و مسایل مادی و مقام و اختلافات سیاسی برای رویارویی با هم دست به اسلحه ببرند، هر دو گروه ستمکارند و در مقابل ریخته شدن خون‌ها و نابودی اموال و سرمایه‌ی یکدیگر باید جوابگو باشند.

۲. و برخی از علماء، اهل بَغی را اینگونه تعریف کرده‌اند: اهل بَغی به گروه و جماعت مسلح و سازمان یافته‌ای گفته می‌شود که بنابر تأویل‌ها و برداشت‌های خود از دین، معتقد به کفر، ستمکاری، یا حیف و میل اموال مردم و بیت المال توسط مسئولین نظام اسلامی باشند، و بدون اقدام از طریق راه‌حلی مشروع و قانونی، از فرمان و اطاعت حکومت سرپیچی نموده و برای سرنگونی نظام و مسئولین آن اقدام به جنگ مسلحانه نمایند.

احکام این گروه از اهل بَغی به این شرح است:

الف) لازم است پیشوای مسلمانان و مسئولین صاحب صلاحیت با آن‌ها در تماس باشند، و از علل و عوامل اقدام آن‌ها سؤال کنند. چنان‌چه در مورد ستمکاری و حیف و میل بیت المال، دارای دلیل و مدرک و گواهانی بودند، پیشوای مسلمانان مکلف است آن‌ها را حل و فصل نماید، و چنان‌چه مسائلی را مطرح می‌کردند که اساس آن بر حدس و گمان خودشان بود و واقعیت نداشت، لازم است موضوع برای آن‌ها صادقانه توضیح داده شود و پیشوای مسلمان و مسئولین امور دلایل خود را به آنان ارائه دهند.

پس از آن، چنان‌چه از قیام مسلحانه‌ی خود دست برداشتند، بایستی جان و مال آن‌ها در امان قرار گیرد و به میان مردم بازگردند، و در صورتی که حاضر به بازگشت نشدند، و اقدام به جنگ مسلحانه نمودند، رویارویی با آنان بر همه‌ی مسلمانان واجب

است. [حجرات/۹]

ب) برخورد سخت و نابود کننده به وسیله‌ی بمباران هوایی و موشک و توپخانه برای قتل و عام آن‌ها جایز نیست، بلکه حتّی الامکان بایستی با محاصره نمودن و تلاش برای مشغول کردن آن‌ها تا پایان یافتن مهمات و آب و غذایشان آن‌ها را در تنگنا قرار دهند تا مجبور به تسلیم شوند.

ج) کشتن و اذیت و آزار خانواده و خویشاوندان آن‌ها و مصادره‌ی اموالشان حرام و نامشروع است.

د) کشتن زخمی و اسیر و فراری آن‌ها جایز نیست.

ه) پس از پایان یافتن جنگ و شکست آنان، قصاص نمی‌شوند و به جز توبه و بازگشت به حق چیزی از آنان خواسته نمی‌شود.<sup>۱</sup>

## « طاعات »

### (عبادات و ارزش‌های انسانی و الهی)

#### نیکی و احترام به پدر و مادر

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾ [البقرة: ۸۳]  
﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾ [النساء: ۳۶]  
﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾ [الأنعام: ۱۵۱]

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَقِ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿۲۳﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿۲۴﴾﴾ [الإسراء: ۲۳-۲۴]  
﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...﴾ [العنكبوت: ۸]

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصْلُهَا فِي غَامٍ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَبِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ ﴿۱۲﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا...﴾ [لقمان: ۱۴-۱۵]  
﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا...﴾ [الأحقاف: ۱۵]

#### صله‌ی رحم (رفتار نیک با خویشاوندان) و نهی از قطع صله‌ی رحم

﴿...وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱]  
﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ...﴾ [النحل: ۹۰]  
﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿۲۲﴾﴾ [محمد: ۲۲]

## توصیه به نیکی با همسایگان

﴿...وَبِذَى الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ...﴾ [النساء: ۳۶]

## مشروعیت سلام و واجب بودن رد آن

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِحَيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ [النساء: ۸۶]

﴿...فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَرَكَاةً طَيِّبَةً...﴾ [النور: ۶۱]

ورود به خانه‌ی مردم نیاز به اذان و اجازه دارد (و وارد شدن به خانه‌ی دیگران به صورت سرزده، حرام است)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [۷۷] فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ [۲۸] لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ [النور: ۲۷-۲۹]

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [النور: ۵۹]

## جا دادن و جا باز کردن به دیگران در مجلس (تفَسِّح در مجلس)



توضیح موضوع: تفَسِّح در مجلس به این معنی است که وقتی تازه واردی داخل مسجد می‌شود، حاضران جمع و جورتر بنشینند و برای او جا باز کنند، مبادا سرگردان و احیاناً خسته و شرمنده شود. و این موضوع یکی از آداب مجلس و یکی از وسایل تحکیم پیوندهای محبت و دوستی در میان مسلمانان و حاضران در مجلس است.

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَأَفْسَحُوا يَفْسَحَ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ ائْتَرُوا فَأَنْشُرُوا يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾ ﴿١١﴾ [المجادلة: ١١]

«کلمه‌ی طیبه» (سخن خوب و نیک)

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾﴾ [ابراهيم: ٢٤-٢٥]



توضیح موضوع: در روایات و تفاسیر، تعبیرهای مختلفی از «کلمه‌ی طیبه» شده است که مهمترین آن‌ها عبارتند از:

۱. کلمه‌ی توحید و جمله‌ی لا اله الا الله.
  ۲. ایمان، که محتوا و مفهوم لا اله الا الله است.
  ۳. عقاید صحیح و برنامه‌های سازنده و مفید.
  ۴. اوامر و فرامین و تعالیم و آموزه‌های تابناک و تعالی‌بخش و سعادت‌آفرین الهی.
  ۵. و بعضی دیگر آن را به شخص مؤمن تفسیر کرده‌اند.
- به هر حال با توجه به وسعت مفهوم و محتوای کلمه‌ی طیبه می‌توان گفت که همه‌ی این‌ها را شامل می‌شود، و می‌توان همه‌ی آن‌ها را در توحید و ایمان و عقاید صحیح داخل کرد و چنین گفت که توحید، اصل ثابتی است که در فطرت و عمق جان مردم جای دارد و در تمام اعمال و گفتار و کردار و افکار انسان اثر می‌گذارد و در همه وقت و در هر فراز و نشیبی می‌توان از میوه‌های ایمان بهره‌مند شد.

سخن زیبا و پسندیده با مردم گفتن (قول الحسن)؛ و حسن اخلاق و برخورد شایسته با مردم (دفع بدی‌های مردم با برخوردهای خوب)

﴿...وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاءْتُوا الزَّكَاةَ...﴾ [البقرة: ٨٣]

﴿...وَأَلْكَظِمِينَ الْعِيظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: ١٣٤]

﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾

[النحل: ۱۲۵]

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ

لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ [الإسراء: ۵۳]

﴿أَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ﴾ [المؤمنون: ۹۶]

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا

سَلَامًا﴾ [الفرقان: ۶۳]

﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا

بِالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾

[العنكبوت: ۴۶]

﴿يَتَّيَّبُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ [الأحزاب: ۷۰]

﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ أَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ

عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۴-۳۵]

﴿عَظِيمٍ﴾ [فصلت: ۳۴-۳۵]

اعراض و رویگردانی از لغو (کردار بیهوده و گفتار باوه و اعمال و اقوالی که در آن خیر و سودی نباشد)

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ [المؤمنون: ۳]

﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ [الفرقان: ۷۲]

﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾ [القصص: ۵۵]

سفارش و تشویق به ترخم و مهربانی

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...﴾ [الفتح: ۲۹]

﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾ [البلد: ۱۷]

### استقامت و پایداری در راه حق

﴿فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [هود: ۱۱۲]  
 ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ  
 وَاسْتَغْفِرُوا...﴾ [فصلت: ۶]

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا  
 تَحْزَنُوا...﴾ ﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ...﴾ [الشورى: ۱۵]  
 ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الأحقاف: ۱۳]

### صبر و برداری

(در برابر حوادث گوناگون زندگی، و صبر در برابر خواهشات نفسانی و تمایلات  
 حیوانی و وسوسه‌های نامطلوب شیطانی، و صبر در انجام اوامر و فرامین الهی و تعالیم  
 و آموزه‌های نبوی و احکام و دستورات تعالی بخش و سعادت‌آفرین شرعی و حقایق و  
 مفاهیم والای قرآنی):

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵]  
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۵۳]  
 ﴿وَلَتَبْلُوتُنَّكُمْ فِي شَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ  
 وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۵۵]

﴿... وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ  
 هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۷]

﴿... قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلِقُوا اللَّهَ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ  
 اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۴۹]

﴿الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَنِتَّةِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾ [آل عمران: ۱۷]  
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۲۰۰]

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ ﴿٦٦﴾ [الأنفال: ٤٦]

﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ ﴿١٦٦﴾  
 وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿١٧٧﴾  
 [النحل: ١٢٦-١٢٧]

﴿فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا...﴾  
 [طه: ١٣٠]

﴿وَاسْمِعِ لَوْلَا وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ ﴿٨٥﴾ [الأنبياء: ٨٥]  
 ﴿...وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ ﴿٣٦﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا  
 أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٥﴾ [الحج: ٣٤-٣٥]  
 ﴿أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا...﴾ [الفصص: ٥٤]  
 ﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا  
 يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ﴾ ﴿٨٠﴾ [القصص: ٨٠]

﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ ﴿٥٩﴾ [العنكبوت: ٥٩]  
 ﴿يَبْنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ  
 مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ ﴿١٧﴾ [القمان: ١٧]

﴿...إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: ١٠]  
 ﴿فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ ﴿٥٥﴾  
 [غافر: ٥٥]

﴿وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ ﴿٣٥﴾ [فصلت: ٣٥]  
 ﴿فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَائِمًا أَوْ كَفُورًا﴾ ﴿١٤﴾ [الإنسان: ٢٤]  
 ﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾ ﴿٧﴾ [البلد: ١٧]  
 ﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ ﴿٤﴾ [العصر: ٣]



آیاتی درباره‌ی صداقت و راستی، و راستان و راستگویان در کردار و گفتار و پندار

﴿...وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۷]

﴿الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَنِتَّةِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾ [آل عمران: ۱۷]

﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا...﴾ [المائدة: ۱۱۹]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹]

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ﴾ [العنكبوت: ۳]

﴿لَيَسْئَلَنَّ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۸]

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...﴾ [الأحزاب: ۲۳]

﴿لَيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ...﴾ [الأحزاب: ۲۴]

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ... وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۳۵]

﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۖ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [الزمر: ۳۳-۳۴]

﴿طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾ [محمد: ۲۱]

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ

وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحجرات: ۱۵]

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ

وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸]

عفو و بخشش و گذشت و چشم پوشی

﴿...فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۱۰۹]

﴿...وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ

بَصِيرٌ﴾ [البقرة: ٢٣٧]

﴿...وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: ١٣٤]

﴿...فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ

اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ [آل عمران: ١٥٩]

﴿إِنْ تُبَدُّوْا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوْهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا﴾ [النساء: ١٤٩]

﴿...وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ

يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [المائدة: ١١٣]

﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ

بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ

بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [المائدة: ٤٥]

﴿...وَأِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ [الحجر: ٨٥]

﴿...وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النور: ٢٢]

﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ [الشورى: ٣٧]

﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ﴾ [الشورى: ٤٠]

﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [الشورى: ٤٣]

﴿قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ﴾ [الجاثية: ١٤]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عُدْوًا لَكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ وَإِنْ

تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [التغابن: ١٤]

امر به معروف و نهی از منکر

﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ [آل عمران: ۱۱۰]

﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [آل عمران: ۱۱۴]

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ...﴾ [النساء: ۱۱۴]

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَإِلَّا نَجِيلٍ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ [الأعراف: ۱۵۷]

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ [التوبة: ۷۱]

﴿...وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاَسَرْتُمْ فَسِئْرٌ لَّهُ وَأُخْرَى﴾ [الطلاق: ۶]

سفارش لقمان حکیم به فرزندش

﴿يَبْنَئُ أَقِيمَ الصَّلَاةِ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۱۷]

﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ [لقمان: ۱۸]

﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ [لقمان: ۱۷-۱۹]



توضیح موضوع: نام لقمان در سوره‌ی ۳۱ قرآن، دو بار مذکور است و به همین مناسبت سوره‌ی سی و یکم قرآن به نام سوره‌ی لقمان موسوم است. در قرآن دلیل صریحی بر اینکه او پیامبر بوده است، یا تنها یک فرد حکیم، وجود ندارد، ولی لحن

قرآن در مورد لقمان نشان می‌دهد که او پیامبر نبوده و قول صحیح نیز همین است. و در مورد این که لقمان که بوده است، میان مفسران اختلاف است:

برخی گفته‌اند: لقمان غلامی سیاه از مردم سودان مصر بود و با وجود چهره‌ی نازیبا، دلی روشن و روحی مصفا داشت. او از همان آغاز به راستی سخن می‌گفت و امانت را به خیانت نمی‌آلود و در اموری که مربوط به او نبود دخالت نمی‌کرد.

برخی نیز گفته‌اند: لقمان فرزند باعورا: خواهرزاده‌ی ایوب علیه السلام، یا پسر خاله‌ی وی، از سیاهان نوبه‌ی مصر بود که مدتی طولانی زندگی کرد تا بدانجا که داود را دریافت و از وی علم آموخت.

و برخی نیز گفته‌اند: لقمان فرزند «باعور بن ناهور بن تارح» یعنی عمو زاده‌ی حضرت ابراهیم بوده است. و برخی نیز لقمان را معاصر حضرت داود می‌دانند که میان حکیم شدن یا حاکم شدن مخیر شد و حکمت را انتخاب کرد.

بیشتر مفسران به نبوت لقمان قائل نیستند و فقط عکرمه و پیروانش او را پیامبر می‌دانند و در قرآن نیز به نبوت او تصریح نشده است.

و حکمتی که خداوند متعال به او بخشیده بود، عبارت بود از: دانش، خرد، درست‌گویی، سخنان صواب، معرفت و شناخت عمیق، رسیدن به حق به واسطه‌ی عقل و علم، و بینشی که در سایه‌ی معرفت الهی پدید آید و براساس فکر در اسرار هستی و رسیدن به حق، نور و تقوا می‌توان به آن دست یافت.

به هر حال در عظمت لقمان همین بس که خدا و رسول او، پندهای او را برای دیگران نقل کرده‌اند.

### چنگ زدن به «حبل الله» (رشته‌ی ناگسستنی الهی)

﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٧١﴾﴾ [آل عمران: ۱۰۱]

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...﴾ [آل عمران: ۱۰۳]

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٦﴾﴾ [النساء: ۱۴۶]

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ  
إِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿١٧٥﴾﴾ [النساء: ۱۷۵]

﴿يَأْتِيهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ  
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...﴾ [المائدة: ۶۷]

﴿...فَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ  
الْمُنصِرُ﴾ [الحج: ۷۸]

﴿قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا  
يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾﴾ [الأحزاب: ۱۷]



توضیح موضوع: مفسران درباره‌ی اینکه منظور از «حبل الله» چیست، با همدیگر اختلاف نظر دارند: بعضی می‌گویند: منظور از آن قرآن است. و بعضی می‌گویند: اسلام و بعضی دیگر گفته‌اند: منظور عهد و پیمان خدا، و بعضی گفته‌اند: منظور دین خدا، و بعضی گفته‌اند: منظور شخص خود پیامبر ﷺ است.

و در حقیقت هیچ کدام از این موارد با یکدیگر اختلاف ندارند و همه‌ی این‌ها در معنی با هم مترادف‌اند، زیرا منظور از «ریسمان الهی» (حبل الله) هر گونه وسیله‌ی ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این رشته و ریسمان ناگسستی اسلام باشد یا قرآن و یا پیامبر ﷺ. و در واقع آنچه که گفته شد در مفهوم وسیع «ارتباط با خدا» که از معنی «حبل الله» استفاده می‌شود، جمع است.



## «منهيات و محرمات قرآن»

تحریم قماربازی، بتان سنگی و غیره، و تیرها و سنگها و اوراقی که برای بخت آزمایی و فال بینی و غیبگویی به کار می‌روند

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...﴾ [البقرة: ۲۱۹]

﴿...وَمَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكَمْ فِسْقٌ...﴾ [المائدة: ۳]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَأَجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۹۰)</sup> إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾<sup>(۹۱)</sup> [المائدة: ۹۰-۹۱]



توضیح موضوع: «بخت آزمایی»: اسلام بهره جستن از تیرها و بخت آزمایی به وسیلهی «ازلام» را حرام نموده است.

«ازلام» که اقداح نیز نامیده می‌شود، سه عدد تیر بودند که اعراب جاهلی روی تیر اولی نوشته بودند: «خدای من به من امر کرده»، و بر دومی نوشته بودند: «خدای من مرا منع نموده»، و بر سومی چیزی نوشته بودند. هر گاه می‌خواستند سفری و یا ازدواجی و یا هر امر دیگری از این قبیل را انجام دهند به بتخانه می‌رفتند و یکی از این تیرها را که در آنجا بودند برمی‌داشتند و از آن‌ها بهره می‌جستند و بخت خود را آزمایش می‌کردند؛ اگر تیر اول بیرون می‌آمد، با خیال راحت کار را انجام می‌دادند و اگر تیر دومی خارج می‌شد، از انجام آن کار خودداری می‌کردند و اگر تیر سومی که چیزی در آن نوشته نشده بود بیرون می‌آمد، مجدداً آن را با دو تیر دیگر درمی‌آمیختند و تا زمانی که یکی از دو تیر اولی یا دومی بیرون می‌آمد، این کار را تکرار می‌نمودند، آن‌گاه با خیال راحت براساس آن نسبت به انجام یا ترک کار مورد نظر اقدام می‌کردند.

رمالی، فال‌گیری، طلسم‌نویسی، کتاب بازکردن، طاس نهادن و کارهای دیگری از این قبیل که در جامعه‌ی ما انجام می‌پذیرد، شباهت کامل به بخت‌آزمایی دوران جاهلیت دارند و از نظر اسلام حرام و ناپسند می‌باشند.

### سحر و جادو، کفر است

﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمٍ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمٌ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هُرُوتَ وَمُرُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ ۖ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾﴾ [البقرة: ۱۰۲]



توضیح موضوع: اسلام با سحر و ساحران به مبارزه برخاسته و قرآن درباره‌ی کسانی که سحر می‌آموزند، می‌فرماید: ﴿وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ﴾ [البقرة: ۱۰۲]. «یاد می‌گیرند چیزی را که به ایشان زیان می‌رساند و نفعی برای آنان دربر ندارد». و پیامبر گرامی اسلام نیز سحر را از گناهان کبیره‌ای به حساب آورده که نابود کننده می‌باشند و ملت‌ها را قبل از افراد نابود می‌سازند و مرتکبین آن‌ها قبل از آمدن قیامت، در دنیا بدبخت و نگون‌بخت می‌شوند. و می‌فرماید:

«از هفت چیزی که باعث نابودی می‌باشند پرهیز نمایید. اصحاب پرسیدند: این هفت چیز کدام‌اند؟ پیامبر ﷺ فرمود: شریک قرار دادن برای خدا، سحر کردن، کشتن کسی به ناحق، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، فرار کردن در میدان جهاد و تهمت بستن به زنان پاکدامن و مؤمن و بی‌خبر از گناه». [بخاری و مسلم]

بعضی از فقهای اسلام، سحر را کفر و یا موجب کفر می‌دانند. و بعضی دیگر گفته‌اند که ساحر باید کشته شود تا جامعه از لوٹ و شر وجودش پاک گردد.

به هر حال امام ابوحنیفه و مالک و احمد و دیگر فقهاء و صاحب نظران اسلامی می‌گویند: کسی که سحر را آموخته و آن را به کار می‌گیرد، چنین شخصی با این کار کافر می‌شود. و برخی از فقهاء نیز می‌گویند: آموختن سحر برای پرهیز از آن، موجب



کفر نیست، اما کسی که به عقیده‌ی جایز بودن یا منفعت سحر، آن را می‌آموزد، کافر می‌شود. همچنین اگر کسی بر این باور بود که شیاطین هر آنچه را بخواهد برای او انجام می‌دهند، کافر می‌شود. پس آموزش علم سحر ممنوع نیست، بلکه آنچه ممنوع است، عمل به آن می‌باشد. جمهور علماء (امام ابوحنیفه، مالک و احمد) درباره‌ی مجازات ساحر می‌گویند که ساحر باید کشته شود، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: «حَدُّ السَّاحِرِ صَرْبُهُ بِالسَّيْفِ» «حد ساحر، زدن وی به شمشیر است». بنابراین، اگر مسلمانی عمل سحر را انجام داد، مرتد می‌شود و باید کشته شود.

ولی امام شافعی بر این باور است که سحر گناهی از گناهان کبیره است، پس اگر ساحر با سحر خود سبب کشتن کسی شد، به سبب آن کشته می‌شود، و اگر موجب زیان شد، به همان مقدار، مورد تأدیب قرار می‌گیرد. اما رأی جمهور علماء صحیح‌تر و منطقی‌تر است.

### نهی از باور داشتن به «جبت»، «طاغوت» و «کهانت»

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا ﴿٥١﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿٥٢﴾﴾ [النساء: ۵۱-۵۲]

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَاكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٣﴾﴾ [المائدة: ۱۰۳]

﴿قُتِلَ الْخَرَّصُونَ ﴿١١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ ﴿١٢﴾﴾ [الذاریات: ۱۰-۱۱]



توضیح موضوع: «جبت»: واژه‌ی «جبت» به معنای «سحر» یا «ساحر» و یا «شیطان» به کار می‌رود. و در حقیقت این واژه شامل هر چیزی که جز خدا پرستیده شود، اعم از شیطان یا جادوگر یا غیبگو و... می‌شود.

«طاغوت»: این واژه، صیغه‌ی مبالغه از ماده‌ی «طغیان»، به معنای تعدّی و تجاوز از حد و مرز است. و به هر کس و هر چیزی که اطاعت از آن، مایه‌ی طغیان و سرکشی و دوری از راه حق شود، چه آفریده‌ای که پرستیده شود و چه فرماندهی که در شر و

بدی از او فرمانبرداری گردد و چه اهریمنی باشد که انسان را از راه بدر برد، و سبب تجاوز از حد گردد، گفته می‌شود. از این رو شیاطین، بت‌ها، حکام جبار و مستکبر و دیکتاتور و خودکامه، و هر معبودی غیر از پروردگار، و هر مسیری که به غیر حق منتهی می‌شود، همه «طاغوت» است.

«کهنات»: هنگامی که رسول خدا ﷺ به رسالت و نبوت و تبلیغ مردم به راه حق مبعوث گردید، با عده‌ای از افراد فاسد و دجال صفت که به «کاهن» معروف بودند و آنان را «عراف» نیز می‌خواندند رو به رو شد که ادعا می‌کردند، غیب می‌دانند و از گذشته و آینده باخبر هستند و از طریق ارتباط با جن و غیره علم غیب پیدا می‌کنند. حضرت پیامبر ﷺ با این فتنه و فساد اجتماعی که پایه‌ای از علم و منطق و رهنمودهای آسمانی نداشت به مبارزه برخاست و تنها به حمله‌ی به کاهنان و مبارزه با این دجال‌ها قناعت نکرد، بلکه کسانی را که نزد آنان می‌روند و از آن‌ها چیزهایی می‌پرسند و جواب‌های آنان را تأیید می‌نمایند و موجبات تشویق و ترویج فساد و گمراهی آنان را فراهم می‌سازند، شریک جرم این دروغگویان قرار دارد و فرمود:

«کسی که نزد فالگیر و کاهنی برود و چیزی از او بپرسد و جواب او را تصدیق و باور نماید، چهل روز نمازش قبول نمی‌شود». [مسلم]

و نیز می‌فرماید:

«کسی که پیش کاهنی برود و گفته‌ی او را تصدیق نماید، به آنچه بر محمد ﷺ نازل شده، کفر می‌ورزد.»

### نهی از دگرگون ساختن آفرینش خدا (تغییر خلق الله)

﴿وَلَا ضَلَّانَهُمْ وَلَا مَنِينَئِهِمْ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلَيَبْتَئُنَّ ءَاذَانَ الْأَنْعَمِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلَيَعْيَرْنَ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿١١٩﴾ يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢٠﴾ أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿١٢١﴾﴾ [النساء: ۱۱۹-۱۲۱]



توضیح موضوع: مراد از تغییر آفرینش خدا، همان تغییر دادن فطرت و سرشتی است که خداوند ﷻ مردم را بر آن سرشته است، یعنی فطرت توحید و خدانشناسی و

خدا باوری که وسوسه‌های شیطانی و هوا و هوس‌های، انسان را از این مسیر صحیح منحرف می‌سازد و به بیراهه‌ها می‌کشاند.

و برخی از علماء و صاحب نظران اسلامی، خال کوبی بدن و شبیه‌سازی مردان به زنان و زنان به مردان را نیز جزو تغییر آفرینش خدا می‌دانند.  
و برخی نیز می‌گویند: منظور از تغییر آفرینش خدا، تغییر فطرت توحید و فرمان خدا است.

**تحریم تمسخر و استهزای دیگران، سوء ظن و بدگمانی به مردم، و تجسس و غیبت**  
﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُونَ قَوْمٍ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَبِّ بِنِسِ الْأَسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾﴾ [الحجرات: ١١-١٢]

**تحریم سخن چینی، عیبجویی و بدگویی از دیگران، و طعنه زدن به مردم**

﴿وَلَا تُطْع كُلَّ حَلَاْفٍ مَّهِينٍ ﴿١٠﴾ هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بِنَمِيمٍ ﴿١١﴾﴾ [القلم: ١٠-١١]  
﴿وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾﴾ [المطففين: ٣٠]  
﴿وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾﴾ [الهمزة: ١]

**تحریم خوردن مال حرام**

﴿سَمْعُونَ لِكُلِّ لُكْذِبٍ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ...﴾ [المائدة: ٤٢]  
﴿وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْأَثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكَلِهِمُ السُّحْتُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٢﴾﴾ [المائدة: ٦٢]

نهی از نجوا و درگوشی و نهانی صحبت کردن که موجب بدی و گناه باشد

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ التَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْآثِمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ...﴾ [المجادلة: ۸]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّوْا بِالْآثِمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ...﴾ [المجادلة: ۹]

﴿إِنَّمَا التَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...﴾ [المجادلة: ۱۰]



توضیح موضوع: پیامبر ﷺ می فرماید:

«هر گاه شما سه تن بودید، پس نباید دو تن جدا از نفر سوم راز گویند زیرا این کار او را اندوهگین می سازد.» [بخاری و مسلم]

پس هر گاه سه تن در جایی بودند، نباید دو تن از آنان با هم رازگویی کنند تا آن گاه که نفر چهارمی پیدا شود که با آن نفر سوم سخن بگوید. خاطر نشان می شود که همه‌ی اعداد در این حکم یکسان هستند، یعنی چهار نفر با هم در حضور شخص پنجمی، یا صد نفر و بیشتر [مثلاً] در حضور یک تن با هم رازگویی نکنند چرا که این اندوه و نگرانی در مورد آن یک تن تحقق پیدا می کند، بلکه حزن و اندوه او در حضور جمع بسیاری که با هم مشغول رازگویی اند، و فقط او را از این جمع تنها می گذارند، بسیار بیشتر است. و برخی از علماء نیز گفته اند: نجوا و درگوشی و نهانی صحبت کردن، می تواند احکام متفاوتی داشته باشد از جمله: آنجا که فاش شدن اسرار، به ضرر اسلام و مسلمانان باشد، نجوا واجب است. و آنجا که سبب ترس و دلپره‌ی دیگران شود، حرام است. و آنجا که برای کمک به دیگران و سفارش به تقوا باشد، مستحب است.

در مذمت بدعت و بدعت گرایان

﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۗ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ﴾ [الأنعام: ۶۵]

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۹]

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ [الشورى: ۱۳]

### نهی از اختلاف و تفرقه

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۰۵]

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّيْنَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۳]

### آزار و اذیت رساندن به مؤمنان، حرام است

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾ [الأحزاب: ۵۸]

### تحریم تکبر و غرور و خودبزرگ بینی و خودمحوری

﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا﴾ [الإسراء: ۳۷]

﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ [لقمان: ۱۸]

﴿...وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ [الحديد: ۲۳]

﴿ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى﴾ [القيامة: ۳۳]

تحریم فواحش (کارهای ناپه‌نجان و زشت همچون زنا) و تحریم بغي (ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران)

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَالْإِنْتِمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ...﴾  
[الأعراف: ۳۳]

﴿...وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۹۰]  
﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾ [الشورى: ۳۹]  
﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُوتِيَكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [الشورى: ۴۲]

فرد مسخره کننده از زمره‌ی جاهلان و بی‌خردان است (ریشه‌ی تمسخر از جهالت است)

﴿...قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ [البقرة: ۶۷]

مجازات انسان‌های منافق و دورو

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۖ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾ [البقرة: ۲۰۴]  
﴿وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ  
الْفَاسِقِينَ﴾ [البقرة: ۲۰۵]  
﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ [البقرة: ۲۰۶]

\*\*\*

توضیح موضوع: کسانی در هر زمان و مکانی هستند که اگر انسان را ببینند خود را چنان وانمود می‌کنند که دوست مخلصی هستند که در خیر و مصلحت تو می‌کوشند و با دشمنت دشمن‌اند، ولی آنان با ظاهری آراسته و حق به جانب تو را فریب می‌دهند تا رازهایت را افشاء کنی و اسرار نهانی را به آنان بگویی، ولی هنگامی که از تو جدا شدند، همه‌ی سخنان را برای کسی که با تو دشمن است نقل می‌کنند و سخنان او را نیز برای تو بازگو می‌کنند که در نتیجه آتش کینه و دشمنی را شعله‌ور ساخته همانگونه که در بین دو حزب و گروه عداوت و دودستگی را ایجاد می‌کنند.

کار منافقِ دروغگو و فریبکار و دو چهره و دو رو همین است و شکی نیست کسی که دو رنگ و دورو است در نزد خدا از بدکاران است، زیرا با پوشاندن چهره‌ی حقیقی خود، دو طرف را به جان هم انداخته و بدی‌های طرفین را آشکار می‌کند.

### نهی از باور کردن اخبار دروغین و غیرموثق

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ تَلْمِيزًا﴾ [الحجرات: ۶]



توضیح موضوع: در شرع مقدس اسلام، الگوی شناخت در همه چیز، علم و یقین است و غیر آن خواه «ظن و گمان» باشد یا «حدس و تخمین» یا «شک و احتمال» هیچ کدام قابل اعتماد نیست. از این رو، تقلید کورکورانه از نیاکان، پیروی از عادات و خیالات و آداب و رسوم خرافی، باور کردن پیشگویی‌ها؛ خواب‌ها، حدس‌ها و گمان‌ها، قضاوت بدون علم، گواهی دادن بدون علم، موضعگیری، ستایش یا انتقاد بدون علم، تفسیر و تحلیل و نوشتن و فتوا دادن بدون علم، نقل شنیده‌های بی‌اساس و شایعات، نسبت دادن چیزی به خدا و دین بدون علم، تصمیم در شرایط هیجانی و بحرانی بدون دلیل و برهان، تکیه بر سوگندها و اشک‌های دروغین و تمساح گونه‌ی دیگران بدون علم، همه‌ی این‌ها مصداق «باور کردن اخبار دروغین و غیرموثق» است.

داروی شفابخش برای همه‌ی این موارد، تحقیق و بررسی و علم و یقین است که اگر جامعه‌ی اسلامی، اهل دقّت و تحقیق و بررسی باشد، همه‌ی این آفات و بلاهای اجتماعی، یکسره درمان خواهد شد، و شریعت از مسلمانان می‌خواهد تا اهل تحقیق و بررسی باشند، نه افرادی زودباور و سطحی‌نگر. و آن‌ها که براساس ظن و گمان، یا حدس و تخمین، و یا شک و احتمال، اعتقادی پیدا می‌کنند، یا به قضاوت و داوری می‌نشینند، یا شهادت می‌دهند، و یا حتی در عمل شخصی خود طبق آن رفتار می‌کنند، برخلاف این دستور صریح اسلامی گام برداشت‌هاند.

و از نظر شرع مقدس اسلام، نه شایعات می‌تواند مقیاس قضاوت و شهادت و عمل قرار گیرد و نه قرائن ظنی و نه اخبار غیرقطعی که از منابع غیرموثق به ما می‌رسد؛ و فقط الگوی شناخت در همه چیز، علم و یقین همراه با تحقیق و بررسی است و بس.

و براستی اگر این برنامه در سرتاسر جامعه‌ی اسلامی و همه‌ی جوامع بشری به طور دقیق اجرا شود، بسیاری از نابسامانی‌ها که از شایعه‌سازی و جوسازی و قضاوت‌های عجولانه و گمان‌های بی‌اساس و اخبار مشکوک و دروغ سرچشمه می‌گیرد، برچیده خواهد شد.

### نهی از بخل و تنگ چشمی

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [آل عمران: ۱۸۰]

﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ [النساء: ۳۷]

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ نَعْتَدَنَّ مِنْ فَضْلِهِ لِنَصَّدَّقَنَّ وَلِنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [التوبة: ۷۵]

﴿فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ [التوبة: ۷۶]

﴿فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ [التوبة: ۷۷]

﴿إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ﴾ [۳۱] **﴿إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجْ أَضْعَانَكُمْ﴾** [۳۷] هَاتَمْتُمْ هَتُولَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ...﴾ [محمد: ۳۶-۳۸]

﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [الحديد: ۲۴]

﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿۸﴾ وَكَذَّبَ بِالْحَسَنَى ﴿۹﴾ فَسَيُسِّرُهُو لِلْعَسْرَى ﴿۱۰﴾﴾ [الليل: ۸-۱۰]



## نهی از دشنام دادن بت‌ها و معبودهای مشرکان

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ [الأنعام: ۱۰۸]



**توضیح موضوع:** دشنام دادن بت‌ها و معبودهای مشرکان سبب می‌شود تا آن‌ها روی دنده‌ی لجاجت و عناد افتاده و در آیین باطل خود راسخ‌تر شوند. از این رو مسلمانان باید احساسات خود را نسبت به مخالفان کنترل کنند و از هر گونه بددهنی و ناسزا بپرهیزند، چرا که با فحش و دشنام و ناسزا، نمی‌توان مردم را از مسیر غلط بازداشت و همچنین ناسزاگویی، عامل بروز دشمنی و کینه و ناسزا شنیدن خواهد شد، زیرا هر گروه و ملتی نسبت به عقاید و اعمال خود، تعصب دارد و هر کاری که سبب توهین به مقدسات آن‌ها شود، در برابر آن موضعگیری متعصبانه و عنودانه خواهند کرد.

**افشای عیوب مردم، به هر نحو باشد حرام است (با شعر، طنز، تصریح، تلویح، حکایت و...)**

﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْحَجَرَ بِالْسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا﴾

[النساء: ۱۴۸]



**توضیح موضوع:** آنچه حرام است، افشای عیوب مردم در برابر دیگران است، نه بازگویی عیوب افراد به خود آنان؛ چون پیامبر ﷺ فرموده است: «مؤمن، آئینه‌ی مؤمن است.»

علاوه از آن، قانون کلی و اصلی در اسلام، حرمت افشاگری و بیان عیوب مردم است، مگر در موارد خاص. و یکی از آن موارد شخص مظلوم است که چنین فردی برای دفاع از خویشتن در برابر ظلم و جور ظالم، حق دارد اقدام به شکایت کند و یا از مظالم و ستمگری‌های ظالم، آشکارا و بدون پرده، مذمت و انتقاد و غیبت نماید، و تا حق خود را نگیرد و دفع ستم ننماید از پای ننشیند. و روشن است در این‌گونه موارد نیز تنها به آن قسمت که مربوط به ظلم ظالم و دفاع از مظلوم است باید قناعت کرد؛ و قانون کلی نیز همان حرمت افشاگری و بیان عیوب مردم به هر نحو باشد از قبیل: شعر، طنز، تصریح، تلویح، حکایت و... می‌باشد.

## نهی از تهمت و بهتان

(بهتان به دروغی گفته می‌شود که انسان از شنیدن آن بُهت زده می‌شود):

﴿وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَنَا وَإِثْمَنَا﴾

مُبَيَّنَاتُ ﴿۱۱۳﴾ [النساء: ۱۱۲]

﴿وَبِكْفُرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرِيَمَ بُهْتَنًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۵۶]

﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَنٌ

عَظِيمٌ ﴿۱۶﴾ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۷﴾ [النور: ۱۶-۱۷]

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَنَا وَإِثْمَنَا

مُبَيَّنَاتُ ﴿۵۸﴾ [الأحزاب: ۵۸]

## نهی از حمایت و پشتیبانی کفار؛ نهی از پذیرفتن ولایت کفار

(سلطه‌پذیری یا پیوند قلبی با کفار)؛ و نهی از هر گونه تمایل و اعتماد به کفار اگر

چه این کفار خویشاوند باشند:

﴿وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا

لِلْكَافِرِينَ ﴿۸۱﴾ [القصص: ۸۶]

﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ

مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَنَّةً وَيَحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿۸۸﴾

[آل عمران: ۲۸]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنِتُّمْ

قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ

تَعْقِلُونَ ﴿۱۱۸﴾ هَآئِنْتُمْ أَوْلَآءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لُفُوكُمْ قَالُوا

ءَامِنًا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعَيْظِ فُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ

الصُّدُورِ ﴿۱۱۹﴾ إِنْ تَمَسَّسْتُمْ حَسَنَةً تَسَوْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا

وَتَتَّقُوا لَا يَضُرَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿۱۲۰﴾ [آل عمران: ۱۱۸-۱۲۰]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿١٥٠﴾﴾ [آل عمران: ١٤٩-١٥٠]

﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣٨﴾ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...﴾ [النساء: ١٣٨-١٣٩]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ أَن تُرِيدُوا أَن تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿١٤٤﴾﴾ [النساء: ١٤٤]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَإِنَّهُ مِنَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٣٦﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ ۚ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ ۖ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنفُسِهِمْ نَدِيمِينَ ﴿١٣٧﴾﴾ [المائدة: ٥١-٥٢]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾﴾ [المائدة: ٥٧]

﴿تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا هُمُ أَوْلِيَاءَ ۚ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿٨١﴾﴾ [المائدة: ٨٠-٨١]

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾﴾ [التوبة: ١٦]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَىٰ الْإِيمَانِ ۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٠﴾﴾ [التوبة: ٢٣]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُم مِنكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٦﴾ لَّن نُّغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ يَوْمَ

يَبْعُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٨﴾ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَلَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ۗ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿١٩﴾ [المجادلة: ١٤-١٩]

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۗ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ ۗ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾﴾ [المجادلة: ٢٢]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ ۖ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ ۖ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿٢٣﴾﴾ إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوٓءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٢٤﴾ لَنْ تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٥﴾ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ ۖ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ ۖ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ رَبَّنَا عَلَّمَكُنَا تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٦﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٩﴾ لَا يَنْهٰكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٣٠﴾ إِنَّمَا يَنْهٰكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ وَظَهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٣١﴾﴾ [المتحنة: ١-٩]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾ [الممتحنة: ۱۳]



توضیح موضوع: کافران دو دسته‌اند: گروهی که در مقابل مسلمانان ایستاده‌اند و شمشیر به روی آن‌ها کشیده‌اند و آن‌ها را از خانه و کاشانه‌شان به اجبار بیرون کرده‌اند؛ و خلاصه عداوت و دشمنی خود را با اسلام و مسلمانان در گفتار و کردار و پندار و نوشتار آشکارا نشان داده‌اند؛ تکلیف مسلمانان در قبال این دسته از کفار این است که هر گونه مرادده با این گروه را قطع کنند و از هر گونه پیوند محبت و دوستی خودداری نمایند.

اما دسته‌ی دیگری بودند که در عین کفر و شرک، کاری به مسلمانان نداشتند، نه عداوت می‌ورزیدند، نه با آن‌ها پیکار می‌کردند، و نه اقدام به بیرون راندنشان از شهر و دیارشان نمودند؛ نیکی کردن با این دسته از کفار، بی‌مانع است، و اگر معاهده‌ای با آن‌ها بسته بودند، باید به آن وفا کنند و در اجرای عدالت بکوشند.

بر این اساس، کفار غیرحربی که بنای جنگ و دشمنی با مسلمانان را ندارند و در حکومت اسلامی نیز زندگی می‌کنند، از حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند.

به هر حال در شریعت مقدس اسلام در چگونگی رابطه‌ی مسلمانان با غیرمسلمانان اصول و قوانینی است و آن اینکه مسلمانان موظفند در برابر هر گروه و جمعیت و هر کشوری که موضع خصمانه با آن‌ها داشته باشند و بر ضد اسلام و مسلمانان قیام کنند، یا دشمنان اسلام را یاری دهند، سرسختانه بایستند و هر گونه پیوند محبت و دوستی را با آن‌ها قطع کنند. اما اگر آن‌ها در عین کافر بودن، نسبت به اسلام و مسلمانان بی‌طرف بمانند و یا تمایل و گرایش به مسلمانان داشته باشند، مسلمانان می‌توانند با آن‌ها رابطه‌ی دوستانه و مسالمت‌آمیز برقرار سازند، البته نه در آن حد که با برادران مسلمان خود دارند، و نه در آن حد که موجب نفوذ آن‌ها در میان مسلمانان گردد.

به هر حال حساب کفّار بی‌آزار از کفار آزاررسان جدا است، و این اسلام است که دین نیکی و عدالت است حتی نسبت به کفّار.

## نهی از پیروی هوا و هوس های نفسانی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۱۳۵]

﴿فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الفصص: ۵۰]

﴿بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ﴾ [الروم: ۲۹]

﴿يٰۤاٰدٰمُ اِنَّا جَعَلْنٰكَ خَلِيْفَةً فِى الْاَرْضِ فَاٰحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيْلِ اللّٰهِ...﴾ [ص: ۲۶]

## «روابط اجتماعي»

### مشروعيت ازدواج

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثَلِي  
وَتِلْكَ وَرُبِعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ...﴾ [النساء: ٣]  
﴿... وَأَحَلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ فَمَا  
اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ  
مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ٢٤]

﴿وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي  
يَتَمَىٰ النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ...﴾ [النساء: ١٢٧]  
﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ  
يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [النور: ٣٢]

### ترغيب و تشويق مردم به ازدواج

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا  
وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...﴾ [النساء: ١]  
﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...﴾  
[الأعراف: ١٨٩]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً...﴾ [العد: ٣٨]  
﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً  
وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ...﴾ [النحل: ٧٢]  
﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ  
مَوَدَّةَ وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الروم: ٢١]



**توضیح موضوع:** نکاح یا ازدواج: عقد و پیمانی است که براساس آن زندگی مشترک و روابط زناشویی میان مرد و زن مباح می‌گردد.

ازدواج و تشکیل خانواده برای کسانی که توانایی تأمین مخارج آن را دارند، و نگران مبتلا شدن به گناه می‌باشند، واجب است، و بر کسانی که امکانات لازم را برای ازدواج دارند، اما نگرانی گرفتار شدن به گناه را ندارند، مستحب می‌باشد. زیرا رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«ای جوانان! هر یک از شما که می‌تواند ازدواج نماید، به آن اقدام کند، زیرا ازدواج سبب فروهستن چشمان و محافظت از ناموس و حیثیت می‌گردد.» [بخاری و مسلم]

ازدواج از لحاظ فردی و اجتماعی فوائد مهمی دربردارد که برجسته‌ترین آن عبارتند از:

### ۱- بقای نوع انسان

چرا که ادامه‌ی نسل بشری و بقای نوع انسانی به واسطه‌ی ازدواج است، و این سلسله‌ی مداوم تا زمانی که خالق آسمان‌ها و زمین، ساکنانش را بازپس می‌گیرد، ادامه خواهد داشت.

### ۲- حفظ رابطه‌ی نسبی

در نظام جامعه‌ی امروز، هویت یک فرد را فقط با نام او تشخیص نمی‌دهیم، بلکه اسم پدر هم در کنار آن مطرح است، و این حقیقتی است که احترام و اعتبار وجودی و آرامش درونی یک فرد به عنوان عضوی از یک نظام اجتماعی با انتساب به والدین یا به طور کلی با داشتن اصل و ریشه‌ی خانوادگی حاصل می‌گردد. چنانچه ازدواجی در کار نبود، جامعه پر از فرزندان نامشروعی می‌شد که اصل و نسب و ریشه‌ای نداشتند، و بدیهی است که با وجود این چنین اعضایی در جامعه، ارزش‌های اخلاقی لطمه‌ی اساسی می‌خورد و فساد و بی‌بند و باری در جامعه گسترش می‌یابد.

### ۳- جلوگیری از هرج و مرج و بی‌بند و باری اخلاقی در جامعه

بر هر انسان اندیشمند و بادرکی پوشیده نیست که غریزه و تمایل جنسی با ازدواج برآورده می‌شود و فرد از جهت این نیاز طبیعی ارضاء می‌گردد. و اگر این احساس



طبیعی و نیاز غریزی در چهارچوب ضوابط و قواعد مشخص که همان ازدواج است، مهار نگردد و بدون محدودیت رها شود، باعث هرج و مرج و فساد اخلاقی و از هم گسیختگی و انحطاط نظام اجتماعی خواهد شد.

#### ۴- جلوگیری از انتشار امراض گوناگون

روابط نامشروع و به اصطلاح آزادی جنسی، عواقب بسیار خطرناکی از لحاظ ایجاد و شیوع امراض و بیماری‌های مُسری به همراه دارد، بیماری‌هایی مانند: سفلیس و سوزاک و بیماری‌های مهم دیگری که باعث نابودی نسل و ضعف و ناتوانی جنسی و صدمه‌ی اساسی به سلامت فرزندان می‌باشد.

#### ۵- آرامش روحی و نفسانی

ازدواج کانونی است که در آن عشق و عطوفت و محبت، نمو و تکامل می‌یابد و نیاز روحی زوجین برآورده می‌گردد.

#### ۶- همکاری زوجین در ساختن نظام خانواده و تربیت فرزندان

ازدواج پیوندی است که بر اساس آن با همکاری زن و شوهر بنای خانواده گذاشته می‌شود و هر کدام به تناسب نقش خود، پذیرای مسئولیت شده و هر یک عمل دیگری را کامل می‌کند.

#### ۷- برانگیختن عاطفه‌ی والدین نسبت به فرزند

ازدواج باعث می‌شود چشمه‌های جوشان محبت و احساسات عمیق و ارزشمند نسبت به فرزند از قلب والدین فوران کند. پرواضح است که اینگونه احساس‌ها اثر بسیار سودمندی در مواظبت از فرزند دارند و باعث می‌شوند که والدین نسبت به مصلحت زندگی آنان هوشیار بوده و برای ایجاد آینده‌ای برتر و والاتر و زندگی دلپذیرتر آنان بکوشند. [ر.ک: چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، ج ۱، صص ۳۱-۳۴ با اندکی تصرف]

نهی از «رهبانیت» و ترک ازدواج برای کسی که توانایی ازدواج را داشته باشد

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَّا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا

يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾ [المائدة: ٨٧]



**توضیح موضوع:** اسلام همانگونه که در مقابل بی‌بند و باری و آزاد ساختن غریزه‌ی جنسی به مبارزه برخاسته و زنا و کلیه‌ی چیزهایی را که موجب نزدیک شدن به آن می‌گردد، حرام کرده است، با سرکوب و خنثی کردن غریزه‌ی جنسی نیز مخالف است. لذا مردم را به ازدواج دعوت نموده و از کناره‌گیری از زنان و خصی نمودن مردان نهی کرده است.

برای مسلمان حلال نیست به بهانه‌ی اینکه می‌خواهد تنها عبادت خدا را انجام دهد از ازدواج دوری کند، در حالی که توانایی ازدواج را هم داشته باشد. مبارزه با گوشه‌نشینی و عزلت (و در یک کلام رهبانیت)، از اصول بدیهی شریعت اسلامی است، زیرا رهبانیت با طبیعت انسان ناسازگار است و با غرایز و امیال او برخورد دارد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اَبْدَلْنَا بِالرَّهْبَانِيَّةِ الْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ»، «خداوند به جای رهبانیت، دین حنیف و با سماحت اسلام را به ما ارزانی کرد».

و نیز می‌فرماید: «مَنْ كَانَ مُوسِرًا لَانَ يَنْكِحْ ثَمَّ لَمْ يَنْكِحْ فَلَيسَ مِنِّي» [بیهقی و طبرانی]، «کسی که امکان و توانایی ازدواج دارد، اما از انجام آن خودداری کند، از من نیست».

از این رو خودداری از ازدواج به منظور زهد و گوشه‌گیری و فراغت برای عبادت و نزدیکی به خدا در اسلام حرام است، خصوصاً اگر فرد مسلمان امکان و توانایی ازدواج داشته باشد، چرا که خداوند متعال در انسان «غریزه‌ی جنسی» برای حفظ نسل آفریده و هر چیزی که آن را به طور مطلق نفی کند، مسلماً باطل است.

«زهد اسلامی» که به معنای سادگی زندگی و حذف تجملات و عدم اسارت در چنگال مال و مقام است، هیچ ارتباطی به مسئله رهبانیت ندارد، زیرا رهبانیت به معنای جدایی و بیگانگی از اجتماع است، و زهد به معنای آزادگی و وارستگی به خاطر اجتماعی‌تر زیستن است.

**راهکار برای کسانی که امکانات ازدواج را ندارند و قادر به پرداخت مهریه و نفقه نمی‌باشند**

﴿وَلَيْسَتَعَفِيفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾ [النور: ۳۳]



توضیح موضوع: کسانی که امکانات و مخارج ازدواج را ندارند، و قادر به پرداخت مهریه و نفقه نمی‌باشند، باید در راه عفت و پاکدامنی خویش سعی و تلاش کنند، و مثلاً با روزه گرفتن، سرگرم مطالعه و ورزش شدن، پرداختن به اعمال مفید طاقت‌فرسا، دوری گزیدن از اماکن پررفت و آمد زنان، دیدن فیلم‌های مبتذل و خواندن کتاب‌های مستهجن و شهوات‌انگیز، مشروبات الکلی، و راه‌های حلال دیگر، خویشان را از بند شهوت موقتاً برهانند و منتظر لطف خدا بمانند تا خداوند از فضل و لطف خود ایشان را توانمند و دارا کند و وسیله‌ی رفع نیازشان را فراهم سازد.

زنانی که به خاطر «نسب»، «خویشاوندی ناشی از ازدواج» (مصاهره)، و «رضاع» (شیرخوارگی)، ازدواج با آنها حرام ابدی است

﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿۲۳﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضْعَةِ وَأُمَّهُتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَّائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ...﴾ [النساء: ۲۲-۲۳]



توضیح موضوع: تحریم ازدواج بر دو نوع است:

۱. تحریم ابدی، که در آن ازدواج مرد با زن برای همیشه ممنوع است.
۲. تحریم موقت، که در آن تا زمانی که زن در وضعیتی خاصی قرار دارد، ازدواج با او ممنوع است، ولی به محض اینکه این وضعیت تغییر کرد، تحریم از بین می‌رود و ازدواج با او حلال می‌شود.

اسباب تحریم ابدی عبارتند از: «نسب»، «خویشاوندی ناشی از ازدواج» (مصاهره)، و «شیرخوارگی».

زنانی که به سبب «نسب» حرام شده‌اند عبارتند از: مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر و دختران خواهر.

زنانی که به سبب «مصاره» حرام شده‌اند عبارتند از:

۱. مادر همسر، و در تحریم او آمیزش با دخترش شرط نیست بلکه به محض عقد دخترش حرام می‌شود.

۲. دختر زنی که با او آمیزش کرده است. پس اگر مردی مادر را عقد کرد بدون اینکه با او آمیزش کند، دخترش برای او حلال است.

۳. همسر پسر که به محض عقد حرام می‌شود.

۴. همسر پدر؛ بر پسر حرام است که با همسر پدرش ازدواج کند، و این تحریم به محض اینکه پدرش او را عقد کرد حاصل می‌شود.

در مورد تحریم به سبب «شیرخوارگی» خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ﴾ [النساء: ۲۳] «خداوند بر شما حرام نموده است ازدواج با مادرانی که به شما شیر داده‌اند، و خواهران رضاعیتان را...».

و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الرَّضَاعَةُ تُحَرِّمُ مَا تُحَرِّمُ الْوِلَادَةَ» [بخاری و مسلم]، «شیرخوارگی حرام می‌کند آنچه را که نسب حرام می‌کند».

بنابراین شیر دهنده، مادر (رضاعی) است، در نتیجه تمام کسانی که از جانب مادر نسبی بر پسر حرام شده‌اند، از طرف مادر رضاعی بر شیرخوار نیز حرام می‌شوند. پس شیرخوار نمی‌تواند با افراد زیر ازدواج کند:

۱- زن شیر دهنده (مادر رضاعی)

۲- مادر زن شیردهنده

۳- مادرشوهر شیردهنده

۴- خواهرزن شیردهنده

۵- خواهرشوهر شیردهنده

۶- دختران پسر و دختر شیردهنده

۷- خواهر شیری

و شوهر زن شیرده نیز پدر کودک شیرخوار به حساب می‌آید.

زنانی که به طور موقت ازدواج با آن‌ها حرام است

جمع بین دو خواهر (دو خواهر را در یک زمان به ازدواج خود درآوردن) حرام است

﴿...وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۳]

[۲۳]

\*\*\*

توضیح موضوع: ازدواج با خواهر همسر تنها زمانی جایز است که خواهر او طلاق داده شود و عده‌ی او سپری گردد، یا فوت کند.

ازدواج با بیشتر از چهار زن حرام است

﴿وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثَلِي

وَتِلْكَ وَرُبِعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ...﴾ [النساء: ۳]

\*\*\*

توضیح موضوع: اسلام دینی است که با فطرت انسان سازگار و همگام است و به نحوی با واقعیت برخورد می‌نماید که از افراط و تفریط به دور باشد، و این موضوع را به خوبی در تعدد زوجات هم می‌بینیم. اسلام به خاطر رعایت خصوصیات مهم فردی و اجتماعی انسان، به مسلمانان اجازه‌ی داشتن بیش از یک زن را داده است. البته اکثر اقوام و ملت‌های قبل از اسلام، ازدواج با تعداد بسیار زیادی از زنان را جایز می‌دانستند طوری که فردی همزمان ده‌ها زن را در نکاح داشت که گاهی به صد و صدها هم می‌رسید و هیچ شرط و قید و بندی برای محدود ساختن آن در بین نبود، اما اسلام که آمد برای تعدد زوجات قید و شرطی وضع نمود.

قیدش این است که نباید از چهار زن تجاوز نمود. اما ازدواج پیامبر ﷺ با نه زن از خواص آن حضرت ﷺ بوده، چون در زمان حیات مبارک گسترش دعوت او نیاز به توسعه رابطه‌ی خویشاوندی از طریق مصاهره داشت و بعد از وفات پیامبر ﷺ، مسلمانان به منظور تکمیل دستورات دینی و رفع اشکالات، نیاز به «امّهات المؤمنین» داشتند.

و شرطی که اسلام برای تعدد زوجات در نظر گرفته است، «عدالت» است، یعنی مرد مسلمان به خود این اطمینان و اعتماد را داشته باشد که در صورتی که بیش از

یک زن در زمان واحدی بگیرد، می‌تواند در خوراک، پوشاک، مسکن، خوابیدن نزد ایشان و نفقه در بین آنان، عدالت را رعایت کند، اما کسی که در خود چنین اطمینانی را احساس نمی‌کند و به خودش اعتماد ندارد که بتواند حقوق مزبور را به طور یکسان در بین زنان خود تقسیم نماید، بر او حرام است که بیشتر از یک زن را نکاح نماید.

اسلام آخرین پیام خداوند برای بشریت است که به وسیله‌ی آن، رسالت پیامبران خاتمه یافته است، به همین خاطر قوانین و راه و رسمی فراگیر و ماندگار و سازگار با همه‌ی سرزمین‌ها و ملت‌ها و زمان‌ها را فرا راه بشریت قرار داده است.

اسلام قوانینش را تنها برای شهرنشینان نفرستاده و روستایی و بادیه‌نشین را بدست فراموشی نسپرده است و مناطق سردوگرم و همه‌ی عصر و زمان‌ها و مردمان از نظر قوانین و شریعت اسلام یکسان هستند و اساس را بر خیر و ضرورت‌های فردی و اجتماعی قرار داده است.

برخی از مردان بسیار علاقمند به داشتن فرزند می‌باشند، اما همسرشان به خاطر بیماری یا نازایی نمی‌تواند فرزندی را به دنیا بیاورد. آیا برای آن زن و شوهر بهتر و محترمانه‌تر نیست که همراه با رعایت حقوق و اکرام و احترام و ماندن زن اول، مرد با زن دیگری ازدواج کند، تا با آوردن فرزندی آرامش و محبتی بیشتر فضای خانواده را عطرآگین نماید؟

برخی از مردان هم توانایی و تمایل بیش از حد معمولی به میل زناشویی دارند، اما بر عکس همسر ایشان سرد مزاج و کم عشق و علاقه است، یا از بیماری خاصی رنج می‌برد، و یا دوران عادت ماهیانه‌اش زمان زیادی ادامه می‌یابد، و از طرف دیگر مرد تاب و توان تحمل خودداری بیش از حد را ندارد، آیا بهتر آن نیست که به جای طلاق دادن زن اول، با زنی دیگر ازدواج نماید و دچار ذلت و گناه و معصیت روابط پنهانی به ناموس و حیثیت دیگران نشود؟

گاهی هم تعداد زنان بیش از تعداد مردان می‌شود به ویژه زمانی که بسیاری از مردان و جوانان در آتش جنگ‌ها قربانی شوند. در این شرایط خیر و مصلحت جامعه در آن است که زنان به شیوع زناکاری و هتک حرمت مردان و زنان دیگر راضی نشوند و با ازدواج مردان خود به شرط توانایی مادی و جسمی موافقت نمایند. بدین صورت داشتن «هوو» برای آنان بسیار بهتر است از محروم بودن از کانون روابط پر از صفا و صمیمیت خانوادگی و نعمت مادری و...

علاوه از این، فرا روی زنانی که بیش از تعداد مردان هستند و امکان و شرایط و رغبت به ازدواج را دارند، تنها سه راه وجود دارد:

۱. اینکه همهی عمر خود را در حسرت محرومیت از نعمت زندگی خانوادگی و مادی بسازند و بسوزند.

۲. یا اینکه نقاب حرمت و کرامت و حیثیت خود و خانواده و اقوام را از چهره بردارند و آلت دست مردان پست و پوچ و ناپاک قرار گیرند، و ذلت دنیا و عذاب آخرت را به جان بخرند، و فرزندان نامشروع و بچه‌های سر راهی زیادی را تحویل اجتماع بدهند و بدین صورت فساد و تباهی را در میان جامعه گسترش ببخشند.

۳. یا اینکه ازدواج با مردی که دارای همسر دیگری است برای آنان مباح و روا باشد، مردی که از شخصیت و کرامت او با عدالت و برابری پاسداری نماید و مخارج زندگی‌اش را فراهم کند.

تردید نیست که این راه حل سوم، راه حلی حکیمانه، عادلانه و سازگار با فطرت انسانی است و تنها داروی شفابخش ناهنجاری و وضعیت خاصی است که ممکن است اجتماعی به آن دچار گردیده باشد.

این است تعدد زوجاتی که غرب آن را بر اسلام ایراد می‌گیرد و به عنوان یک عمل شنیع به حساب می‌آورد، در حالی که این غرب است که به مردانش اجازه می‌دهد که هر اندازه از زنان که دلشان می‌خواهد معشوقه و دوست داشته باشند و هیچ حق قانونی و اخلاقی برای آن‌ها در نظر ندارند و مسئولیتی در برابر بچه‌های نامشروعی که در اثر این هوس بازی‌های به دور از دین و اخلاق پدید می‌آید احساس نمی‌کنند؛ کدام یک از این دو راه صحیح‌تر و دارای دلیل محکم‌تری است؟

ازدواج با زن شوهردار (قبل از طلاق یا مردن شوهر و سپری شدن عده) حرام است

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ

لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ...﴾ [النساء: ۲۴]



توضیح موضوع: زن شوهردار مادام که در نکاح شوهرش باقی باشد، حق ندارد با شخص دیگری ازدواج نماید و حلال شدن او برای شخص دیگر مشروط به دو شرط است:

۱. با مرگ یا طلاق از عقد شوهرش خارج شده باشد.
۲. عده‌ای را که خدا برای او قرار داده است، به اتمام برساند. چون این عده نشانه‌ی وفا به شوهر قبلی است و حریمی برای حفظ شخصیت زن محسوب می‌شود.

خواستگاری و ازدواج با زنی که به خاطر گرفتن طلاق یا فوت شوهر در حال گذراندن عده است، حرام می‌باشد (اما خواستگاری غیررسمی با گوشه و کنایه جایز است)

﴿...وَلَا تَعْرِضُوا عُقْدَةَ الْبَيْتِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۳۵]

نکاح مرد مسلمان با زن مشرک، و زن مسلمان با مرد مشرک حرام است

﴿وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ ۚ وَلَا مَؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا ۚ وَالْعَبْدُ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أُعْجَبُكُمْ ۚ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ ۗ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [البقرة: ۲۲۱]



توضیح موضوع: مسلمان حق ندارد با زن مشرک ازدواج نماید همانطوری که زن مسلمان حق ندارد با مرد مشرک ازدواج کند، چون در عقیده و دین آنان اختلاف بسیار وجود دارد. دعوت مشرکان به گمراهی و دوزخ است، و دعوت مسلمانان به سوی خدا و بهشت است و مسلمانان به خدا و نبوت و قیامت ایمان دارند ولی مشرکان برای خدا شریک و انباز و همتا و همبر قرار می‌دهند و منکر نبوت و قیامت هستند؛ از این گذشته ازدواج مظهر آرامش و آسایش و محبت و مودت است، و چگونه ممکن است بین دو طرف مخالف آرامش و علاقه به وجود آید و یا اگر به وجود آید پایدار بماند؟!



علاوه از این، ازدواج با همسران غیرمؤمن، می‌تواند تأثیر منفی بر تربیت فرزندان و نسل آینده‌ی انسان بگذارد، از این رو در انتخاب همسر، ایمان اصالت دارد و ازدواج با کفار و مشرکان ممنوع است، و نباید در ازدواج، فریب جمال، ثروت و موقعیت دیگران را خورد و مقام و مال و جمال، جای ایمان را پر کند، چرا که دفع خطر مهمتر از کسب منفعت است.

نکاح با زنان کافر، حرام است، و همسر کافر شده را باید رها کرد (چرا که مرتد شدن، عقد نکاح را باطل، و پیوند زناشویی را می‌گسلد)

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاثُوهُمْ مَّا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ وَسْئَلُوا مَّا أَنفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَكْتُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَرْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَتَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَرْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَّا أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِء مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾﴾ [الممتحنة: ۱۰-۱۱]

ازدواج با مردان و زنان زناکار قبل از توبه و اصلاح وضع خود، و قبل از سپری شدن عده‌ی زن، حرام است

﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾﴾ [النور: ۳]

﴿الْحَبِيبَتُ لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيبَتِ وَالطَّيِّبَتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَتِ...﴾ [النور: ۲۶]

برقراری دوستی‌ها و روابط نامشروع و پنهانی زن و مرد، حرام است

﴿...فَأَنكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاثُوهُنَّ أَجُورُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْلِفَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَحْدَانٍ...﴾ [النساء: ۲۵]

﴿...مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَفِّحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [المائدة: ۵]

زنی که هر سه طلاق او جاری شده است، پیش از ازدواج با مرد دیگری و طلاق گرفتن طبیعی یا مرگ شوهر دوّم او، برای شوهر اولش حرام می‌باشد

﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۳۰]

### خواستگاری

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهِ أَنَّكُمْ سَتَذَكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ [البقرة: ۲۳۵]



**توضیح موضوع:** خواستگاری، یعنی درخواست ازدواج از زن به روشی که در میان مردم مرسوم است. پس اگر توافق حاصل شد، این توافق تنها و عده‌ای برای ازدواج است و بس، و با آن هیچ چیزی از زن برای مرد حلال نمی‌شود، بلکه تا زمان عقد به صورت نامحرم باقی می‌ماند.

مرد مسلمان می‌تواند وقتی تصمیم به ازدواج با زنی می‌گیرد، قبل از خواندن صیغه‌ی عقد (در چهارچوب شریعت) او را نگاه کند تا از روی علم و آگاهی اقدام به ازدواج نماید و چشم بسته در این راه مهم قدم بردارد تا از لغزش و اشتباه و پشیمانی و ندامت به دور باشد، و از طرفی چشم، پیام‌رسان قلب است و بعضی اوقات برخورد دو چشم با هم باعث ایجاد الفت بین دو قلب می‌شود.

مغیره بن شعبه رضی الله عنه گوید: زنی را خواستگاری کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را نگاه کن. دیدن او موجب دوام روابط شما می‌گردد. مغیره می‌گوید: پیش پدر و مادر آن زن رفتم و فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را به ایشان خبر دادم. پدر و مادرش از موضوع خوشحال نشدند ولی زن مزبور که خود را با چادر پوشیده بود از موضوع آگاه شد و گفت: اگر

پیامبر ﷺ چنین دستوری به شما داده است، بیا نگاه کن. مغیره گوید: به او نگاه کردم و بعد او را نکاح نمودم. [احمد، ابن ماجه، ترمذی، ابن حبان و دارمی]

و پیامبر ﷺ در حدیثی می‌فرماید:

«هر گاه زنی را خواستگاری نمودید و توانستید جاهایی را که موجب تشویق بر ازدواج می‌شود ببینید، تماشا کنید.»

و برای یک مسلمان حلال نیست که زن طلاق داده شده و یا زنی را که شوهرش فوت نموده است تا هنگامی که مدت عدّه‌اش منقضی نشده است، خواستگاری نماید، چون مدت عدّه، حریم و جزو متعلقات ازدواج قبلی است و جایز نیست که به این حریم تجاوز شود، ولی مرد می‌تواند به طریق کنایه و اشاره و تعریض و تلویح، به زنی که شوهرش فوت نموده و هنوز در حال عدّه می‌باشد، بفهماند که مایل است بعد از انقضای عدّه با او ازدواج کند، اما حق ندارد که آشکارا و به صراحت، به او چنین پیشنهادی بنماید. و برای مسلمان حلال نیست زنی را خواستگاری نماید که قبلاً از طرف مسلمان دیگری خواستگاری شده است، و جواب مثبت به او داده است، چون برای فرد اول یک حق شرعی به وجود آمده است که به منظور حفظ محبت و علاقه‌ی اسلامی بین مردم، باید رعایت گردد تا مسلمان از کاری که خلاف مروّت و مردانگی است و به دزدی شباهت دارد، به دور باشد. اما وقتی که خواستگار اول از ازدواج منصرف شود و یا اجازه دهد، فرد دومی خواستگاری نماید، جایز و بلاشکال می‌باشد. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«کسی نباید بر خواستگاری دیگری، خواستگاری کند، مگر نفر اول از خواستگاری منصرف شود و یا به نفر دومی اجازه‌ی این کار را دهد.» [بخاری]

و بهتر آن است که در مراسم خواستگاری، انسان‌های متدین و پرهیزگار شرکت کنند و مراسم خواستگاری را با نام خداوند و حمد و سپاس او آغاز کنند و از قاطی شدن مردان و زنان نامحرم و از خلوت کردن دختر و پسر جلوگیری نمایند.

اجازه خواستن از زن، قبل از ازدواج (باید از زن اجازه گرفته شود و نباید مجبور به ازدواج گردد)

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاصُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ [البقرة: ۲۳۲]

﴿...فَإِذَا بَلَغْنَ أَجْلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ

بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرٌ﴾ [البقرة: ۲۳۴]



**توضیح موضوع:** همانطوری که ازدواج بدون «ولی و سرپرست» جایز نیست، بر ولی نیز واجب است که از زنان تحت تکفل خویش قبل از ازدواج اجازه بخواهد، و اگر زن راضی به ازدواج نباشد، ولی نمی‌تواند او را مجبور کند، پس اگر بدون رضایت، ولی او را به عقد کسی درآورد، می‌تواند آن را فسخ کند. در زمان جاهلیت زنان در زنجیر اسارت مردان بودند و بی‌آنکه به اراده و تمایل آنان توجه شود، مجبور بودند زندگی خود را طبق تمایلات مردان خودکامه و دیکتاتور، تنظیم کنند.

از جمله در موارد انتخاب همسر، به خواسته و میل زن هیچ‌گونه اهمیتی داده نمی‌شد، از این رو اسلام با صراحت و روشنی کامل این روش را محکوم کرد و اعلام نمود: دختران در ازدواج، طرف اصلی و ذی‌حق واقعی می‌باشند، و پدر یا ولی او نباید نظر و رضایت او را نادیده بگیرند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«الَّتِي أَحَقَّ مِنْ وَلِيَّهَا، وَ الْبِكْرُ تُسْتَأْذَنُ فِي نَفْسِهَا، وَ اذْنُهَا صِمَاتُهَا» [بخاری و مسلم]  
 «بیون زن نسبت به خودش از ولی و سرپرستش اولی و مقدم‌تر است و دختر باید در مورد ازدواجش، از او اجازه گرفته شود، و سکوتش، نشانه‌ی اجازه‌اش می‌باشد».

و دختری نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد که پدرش او را به ازدواج پسرعمویش درآورده، ولی او راضی به این ازدواج نیست. پیامبر ﷺ اختیار موضوع را به دختر واگذار کرد. آنگاه دختر گفت: من کار پدرم را تنفیذ و اجرا می‌کنم ولی خواستم زنان بفهمند که پدرانشان در این امر مهم هیچ حقی به اجبار و اکراه آنان به ازدواج ندارند. [ابن‌ماجه، مسلم و ترمذی]

یکی از شرایط صحت عقد ازدواج، «ولی و سرپرست» است

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ<sup>ج</sup> وَلَا مَمَّةً<sup>ج</sup> مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا

أَعَجَبَتْكُمْ<sup>ط</sup> وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا<sup>ج</sup> وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا

أَعَجَبَكُمْ<sup>ط</sup>﴾ [البقرة: ۲۲۱]

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۳۲]



توضیح موضوع: برای صحت نکاح وجود ارکان و شرایط زیر ضروری است:  
الف) «ولیی و سرپرست»: ولیّ زن، پدر او یا وصی و یا نزدیکترین خویشاوندان پدری او، یا قاضی است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بدون ولیّ، نکاح منعقد نمی‌شود» [ترمذی و ابوداود] و حضرت عایشه رضی الله عنها می‌گوید که پیامبر ﷺ فرمود: «هر زنی که ولیّ او را ازدواج ندهد، ازدواجش باطل است، ازدواجش باطل است، ازدواجش باطل است» [ابن ماجه] و حضرت عمر رضی الله عنه می‌فرماید: «هیچ زنی بدون اجازه‌ی ولیّ او، یا صاحب رأی و جا افتاده‌ای از خانواده‌ی او، و یا قاضی و حاکم، نکاح نمی‌شود» [رواه مالک فی موطأ] و ولیّ نیز باید اهلیت ولایت را دارا باشد، بدین معنی که مردی عاقل و بالغ و رشید و آزاد باشد و همانطوری که ازدواج بدون ولیّ جایز نیست، بر ولیّ نیز واجب است که از زنان تحت تکفل خویش قبل از ازدواج، اجازه بخواهد، و اگر زن راضی به ازدواج نباشد، ولیّ نمی‌تواند او را مجبور کند.

ب) دو نفر شاهد: در مراسم عقد، حضور دو نفر مرد شاهد عادل و مسلمان ضروری است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «بدون حضور ولیّ و دو نفر شاهد، نکاح منعقد نمی‌شود». [بیهقی و دارقطنی]

ج) صیغه‌ی عقد: رکن سوم از ارکان ازدواج و نکاح، صیغه‌ی عقد است. صیغه‌ی عقد به معنای آن است که پس از خواستگاری زن توسط مرد یا وکیلش و موافقت زن و یا ولیّ او، ولیّ می‌گوید: دخترم را به نکاح تو درآوردم یا او را همسر تو قرار دادم. و مرد یا وکیل او هم می‌گوید: نکاح و ازدواج با او را قبول می‌کنم. (ایجاب و قبول)

د) مهریه: یکی دیگر از ارکان نکاح، «مهریه» است. «مهریه» یا «صداق»: مقدار مالی است که واجب است شوهر در ارتباط با روابط همسری تقبّل نماید.

غیرمسلمانان، هیچ‌گونه ولایتی بر ازدواج دادن زنان مسلمان ندارند

﴿...فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۱]

\*\*\*

توضیح موضوع: سلطه و حکومت کافر بر مسلمان از هر جهت، ممنوع است، خواه سیاسی و اجتماعی باشد و خواه خانوادگی باشد که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۱]

«خداوند هرگز برای کافران به زیان مؤمنان راهی نمی‌گشاید».

و در سوره‌ی ممتحنه می‌فرماید که زن مسلمان نباید تحت امر شوهر کافر باشد:

﴿فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾ [الممتحنة: ۱۰].

از این رو نقش ایمان در مسایل خانوادگی و زناشویی بسیار مهم و اساسی و محوری و بنیادین است به طوری که غیرمسلمان هیچ‌گونه ولایتی بر ازدواج دادن زنان مسلمان ندارد.

مهریه

﴿وَعَاتُوا النِّسَاءَ صَدُقَتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا

مَرِيئًا﴾ [النساء: ۴]

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَعَآتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَنًا وَإِنَّمَا مُبِينًا﴾ [النساء: ۲۰-۲۱]

﴿وَأَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ [النساء: ۲۰-۲۱]

﴿...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا

تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۲۴]

﴿...فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ [النساء: ۲۵]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَ كُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مَهْجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاتُوهُنَّ مَّا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ

أُجُورَهُنَّ...﴾ [الممتحنة: ۱۰]



**توضیح موضوع:** خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ مِثْلَ مَا كَانَ عَلَيْكُمْ فِي النِّسَاءِ الَّتِي كُنْتُمْ تُرْثُونَ مِمَّا تَرَكَتُ الْوَالِدَاتُ وَالْأَخَوَاتُ مِمَّا قَدْ تَرَكتُ عَلَيْكُمْ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ نَصِيبًا مَكْرُومًا﴾ [النساء: ۴] «و مهریه‌ی زنان را به عنوان هدیه‌ای خالصانه و فریضه‌ای خدایانه بپردازید، پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه‌ی خود را به شما بخشیدند، آن را دریافت دارید و حلال و گوارا مصرف کنید».

پس مهریه حقی است که زن بر مرد دارد، و زن مالک آن است و برای هیچ کسی حلال نیست - چه پدر باشد یا غیرپدر - که چیزی از آن را برای خود بردارد مگر اینکه زن بر این کار راضی باشد.

مهریه چند فلسفه و حکمت دارد:

۱. **احترام و تکریم زن:** به این ترتیب که او مطلوب است نه طالب؛ کسی است که مرد به دنبالش می‌رود، نه او به دنبال مرد. پس مرد در طلب اوست و به او عطا می‌کند. بر عکس ملت‌هایی که زن در آن مکلف است از ثروت خود یا خانواده‌اش به مرد مبلغی بدهد تا ازدواج او را بپذیرد. این رسم و قاعده در بین هندوها و برخی دیگر از طوایف رایج است. هنوز میان مسلمانان هند و پاکستان این آثار جاهلی هندویی دوام دارد؛ بر دوش زن و خانواده‌ی او تکلیف سنگینی گذاشته می‌شود و آنان را به سختی و مشقت می‌اندازد؛ تا آنجا که بعضی خانواده‌ها به خاطر ازدواج دخترانشان تمام دارایی خود را به فروش می‌رسانند.
۲. **اظهار رغبت و موَدّت شوهر، نسبت به زن:** مرد این مال را به عنوان «نحله» یعنی عطاء، هدیه و هبه به زن پرداخت می‌کند نه به عنوان قیمت و بهای زن. همانطور که قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ مِثْلَ مَا كَانَ عَلَيْكُمْ فِي النِّسَاءِ الَّتِي كُنْتُمْ تُرْثُونَ مِمَّا تَرَكَتُ الْوَالِدَاتُ وَالْأَخَوَاتُ مِمَّا قَدْ تَرَكتُ عَلَيْكُمْ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ نَصِيبًا مَكْرُومًا﴾ [النساء: ۴].
۳. **احساس و باور به جدیت موضوع:** ازدواج ابزار خوشگذرانی و سهل‌انگاری نیست که مردان به وسیله‌ی آن لذت‌جویی کنند؛ و با گفتن «با تو ازدواج کردم» خود را به زن پیوند دهد تا هر زمان که خواست به راحتی او را ترک کند و در پی زنی دیگر باشد و هر چه به زن اول گفته، عیناً به زن دومی، سومی و... بگوید. عطای مال، دلیلی بر این است که مرد در خواستن و طلب این زن، جدی و قصد او دائمی است. وقتی که پرداخت مبلغی مال از جانب مردم در مسایل

غیر ازدواج و زندگی خانوادگی رسم است و سبب اطمینان و خاطر جمعی می‌شود؛ همچنین به عنوان وثیقه دلیل بر جدیت موضوع تلقی می‌گردد، پرداخت همان مبلغ در مورد تشکیل خانواده به مراتب شایسته‌تر و سزاوارتر است. به همین خاطر است که در اسلام مردانی که ازدواج کرده‌اند، اما قبل از عروسی و معاشرت جنسی با همسر، او را طلاق داده‌اند، با تعهدی سنگین مواجه می‌شوند؛ پرداخت نصف مهریه بر مرد واجب است، این خود دلیل روشنی است که اصل و مبنای ازدواج بر استمتاع و لذت‌یابی نیست، هیچ‌گونه استتماعی روی نداده، اما مرد مکلف به پرداخت نصف مهریه است.

۴. در شریعت اسلام قوام و پایداری خانواده به دست مرد است؛ به دلیل اینکه توان فطری مرد، در کسب و کار به طور طبیعی بیشتر از زن است و در زندگی مشترک مرد با قدرت بیشتری آن را اداره می‌کند. بنابراین عادلانه است که مرد در مقابل این حق که به او عطا شده، غرامت بپردازد تا هر کس با کوچکترین دلیلی پیوند خانواده و همسراری را به ملعبه و بازیچه نگیرد؛ وقتی که مرد در ساختار خانواده وسیله‌ی پرداخت غرامت می‌شود، در صورتی که عقد ازدواج را متلاشی کند، به ضرر خودش است.

و مهریه احکامی را نیز دارد که باید رعایت گردند:

(الف) مستحب است که مقدار مهریه کم باشد، و در این زمینه افراط و زیاده‌روی نشود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اکثرهنّ برکة، اقلهنّ صداقا»، «با برکت‌ترین زنان، زنانی هستند که مهریه‌ی آنان سبک و کمتر باشد.»

(ب) تعیین و نام بردن مهریه در وقت عقد نکاح.

(ج) تعیین مهریه از همه‌ی آنچه به عنوان مال و دارایی مطرح است به شرطی که از ده درهم کمتر نباشد، صحیح است.

(د) پرداخت مهریه به صورت نقد یا موقوف نمودن همه یا مقداری از آن به آینده، صحیح است.

(ه) مرد پس از اجرای عقد، مقدار مهریه را بدهکار زن می‌شود، و پس از ایجاد روابط زناشویی بر او واجب می‌گردد.

(و) چنانچه پس از عقد نکاح و پیش از ارتباط زناشویی، مرد فوت کند، زن از او میراث می‌برد و می‌تواند همه‌ی مهریه‌اش را مطالبه کند. اگر مهریه تعیین شده باشد،



همان مقدار و اگر تعیین نشده باشد، «مهرالمثل» یعنی مهریه‌ی زنی هم شأن او، به زن داده می‌شود. و بر زن لازم است «عده‌ی وفات» مرد را رعایت نماید.

به هر حال شریعت مقدس اسلام در جهت محافظت از حرمت و کرامت و منزلت زن، اعطای هدیه‌ای (به عنوان مهریه) را بر مرد که بیانگر رغبت او به ازدواج با آن خانم است، واجب گردانیده است.

و شریعت اسلام در مورد آسانگیری و سبک نمودن آن توصیه‌های بسیاری دارد و مسلمانان را به آن ترغیب نموده است به طوری که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«ازدواج به موقع و سبک بودن مهریه، مایه‌ی خیر و برکت برای زنان است.»

و نیز می‌فرماید:

«بهترین زنان، پاک سیرت‌ترین و زیباترین و کم‌مهریه‌ترین آن‌ها است.»

حقیقت آن است که مهریه‌های سنگین که در میان بسیاری از خانواده‌ها رواج پیدا کرده به هیچ وجه به مصلحت دختران نیست و هیچ‌گاه مایه‌ی آسایش و آرامش زندگی زناشویی ایشان نمی‌شود، زیرا مردی که به خاطر هزینه‌های بالای ازدواج و سنگینی مهریه زیر بار بدهکاری بماند، غالباً دچار افسردگی و اضطراب می‌گردد و خواسته یا ناخواسته در مورد کسی که سبب بدهکاری او شده، دچار نگرانی و گله‌مندی خواهد گردید. در همین رابطه از جمله توصیه‌هایی که با شناخت متقابل و آزمون و رضایت طرفین و همگون بودن آن‌ها رابطه دارد، سبک بودن مهریه است که سبب تقویت الفت و صفای زندگی می‌گردد.

### عقد ازدواج

﴿...وَلَا تَعْرِضُوا عُقْدَةَ الْبَيْتِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۳۵]

ازدواج با زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن اهل کتاب

﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَفِّحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ...﴾ [المائدة: ۵]

توضیح موضوع: اصل در ازدواج با زنان اهل کتاب، از نظر جمهور علماء و صاحب نظران اسلامی، جواز و اباحه است، و خداوند متعال به خاطر تشویق ایشان به اسلام و نزدیک گردانیدن مسلمانان با اهل کتاب و توسعه و گسترش الفت و حُسن معاشرت میان آنان، خوردن غذای اهل کتاب و ازدواج و وصلت با آنان را در آیه ۵ سوره‌ی مائده حلال نموده است.

البته نباید از این امر غافل بود که بنیاد و اعتبار این اصل بر مبنای چند قید است که لازم است از آنان غافل نماییم:

۱. اِحراز یقینی «اهل کتاب» بودن آنان است؛ به این معنی که معتقد به یک دین اصیل آسمانی مانند: یهودیت و نصرانیت باشد که در این صورت فی الجمله معتقد به خدا و رسالات خدا و قیامت می‌باشد و در این صورت به عنوان مُرتد و مُلحد و یا معتقد به غیرادیان آسمانی به شمار نمی‌آید. بر ما معلوم است که امروزه در غرب هر دختری که برای مثال از پدر و مادر مسیحی متولد شده باشد، مسیحی نیست، و اینطور نیست که هر کس در یک محیط مسیحی پرورش یافته باشد، قطعاً مسیحی باشد، چه بسا کمونیست و مادی‌گرا، یا معتقد به یک مکتب مخالف اسلام مانند: بهایی و امثال آن باشد.

۲. شرط دوم ازدواج با زنان کتابی این است که عقیفه و پاکدامن باشد. زیرا خداوند نکاح هر زن کتابی را به طور مطلق برای مسلمانان مباح ننموده است مگر اینکه آن زن متصف به پارسایی و پاکدامنی باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ﴾ [المائدة: ۵]، «و زنان پاکدامن اهل کتاب» و بدون تردید، چنین زنان عقیفه و پاکدامن در عصر کنونی جامعه‌ی غربی به ندرت یافت می‌شوند، همانگونه که نویسندگان غربی در گزارش‌ها و آمار خود چنین مطالبی را بیان داشته‌اند، و آنچه را ما امروزه به نام «بکارت»، «عفت»، «شرف» و «ناموس» نام می‌بریم، در جامعه‌ی غربی هیچ‌گونه ارزش و اعتباری برای آن قائل نیستند؛ و در فرهنگ غربی دختر فاقد دوست پسر نه فقط در میان رفیقان خود بلکه نزد خانواده و نزدیکانش مورد سرزنش قرار می‌گیرد و عیب و عار تلقی می‌گردد.

۳. شرط سوم از شرایط ازدواج با زن کتابی این است که آن زن از گروهی که دشمنی و عداوت و سرِ جنگ با اسلام و مسلمانان را دارند نباشد؛ یعنی از

کتابیون مُحارب با اسلام نباشد. بنابراین برای مسلمانان عصر حاضر، جایز نیست تا زمانی که جنگ میان ما و اسرائیل برقرار است، با دختران یهودی ازدواج نمایند.

۴. یکی دیگر از قیود و شرایط ازدواج با زن کتابی این است که در راستای چنان ازدواجی فتنه و زیان قطعی و یا ظنی روی ندهد.

بنابراین هر گاه مرد مسلمان، ترس این را داشته باشد که زن کتابی اش موجب تغییر دین بچه‌هایش و یا انحراف آنان گردد، بر او واجب است به خاطر حفظ دین بچه‌های خود، از این امر خطرناک پرهیز نماید. از این گذشته، هر گاه تعداد مسلمانان در منطقه‌ای کم باشد، مثلاً یک عده‌ی مهاجر مسلمان در مملکت یا شهر کافر نشین باشند، قول راجح این است که بر مردان مسلمان آن منطقه حرام است با زن غیرمسلمان ازدواج نمایند، چون ازدواج با زن غیرمسلمان، جنایتی است بر زن مسلمان و یا عده‌ای از آنان، و ضرری است حتمی بر جامعه‌ی اسلامی، و لازم است به منظور جلوگیری از این خسارت، به طور موقت از ازدواج با غیرمسلمان خودداری شود تا وقتی که احتمال چنین اشکالی از بین برود.

و در قبال همین زیان و ضرر بود که امیرالمؤمنین حضرت عمر فاروق رضی الله عنه ما را هشدار داد در روایتی که امام محمد بن حسن در کتاب خود به نام «الانار» روایت می‌کند: هنگامی که به حضرت عمر رضی الله عنه خبر دادند که در «مدائن» صحابی جلیل، حضرت حذیفه بن یمان رضی الله عنه با یک زن یهودی ازدواج کرده است حضرت عمر رضی الله عنه طی نام‌های به ایشان نوشت:

«با تأکید و سوگند به تو می‌گویم که این نامه‌ی مرا بر زمین نگذاری تا از آن زن جدا شوی، زیرا من بیم دارم که مسلمانان از تو پیروی نمایند و زنان ذمی (اهل کتاب) را به خاطر جمال و زیبایی‌شان بر زنان مسلمان ترجیح دهند، و این خود یک فتنه‌ی عظیمی برای زنان مسلمان به شمار می‌آید».

به هر حال نباید فراموش کرد که هر اندازه نسبت به ازدواج با زن غیرمسلمان رخصت داده شود، باز هم آنچه در آن اختلاف نیست، این است که ازدواج با زن مسلمان از جهات فراوانی اولی‌تر و شایسته‌تر است و شکی نیست که توافق زن و شوهر از جهت دینی کمک زیادی به زندگی خوشبختانه و سعادت‌مندان‌هی خانواده خواهد کرد، بلکه هر گاه زن و مرد هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ مذهبی با یکدیگر توافق داشته باشند، به مراتب بهتر است.

ازدواج با کنیزان مؤمن (ایمان، شرط اساسی در هر ازدواجی است)

﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن فِتْيَتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ...﴾ [النساء: ۲۵]

ازدواج با همسران فرزند خواندگان بعد از طلاق آن‌ها جایز و حلال است

﴿...فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ [الأحزاب: ۳۷]



توضیح موضوع: اعراب بر این باور بودند که زنان پسر خواندگانشان همچون زنان پسران حقیقی شان بر آنان حرام هستند و نمی‌توانند با آنان (بعد از طلاق آن‌ها) ازدواج بکنند. از این رو خداوند متعال در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب به آنان خبر داد که ازدواج با زنان پسر خواندگانشان بر آنان حلال و روا است، و نباید در این زمینه احساس گناه و حرج نمایند.

به گفته‌ی اکثر مفسران و مورخان، آیات ۳۶ و ۳۷ سوره‌ی احزاب، مربوط به «زید بن حارثه» است. او برده‌ای بود که حضرت خدیجه به پیامبر گرامی اسلام بخشید و حضرت ﷺ نیز او را آزاد نمود و فرزند خوانده‌ی خود قرار داد. بعد از ظهور اسلام، زید به آیین محمد ﷺ گروید و از مسلمانان ممتاز و فرماندهی لشکر در جنگ موته شد و در همان جنگ به شهادت رسید.

پیامبر ﷺ از دختر عمه‌اش «زینب» که زنی سرشناس و از نوه‌های عبدالمطلب بود برای زید، خواستگاری کرد. در آغاز، زینب خیال کرد آن حضرت ﷺ او را برای خودش خواستگاری می‌کند، اما بعد که فهمید برای زید است، ناراحت شد. زیرا تا آن زمان هیچ زن آزادی (تا چه رسد به زنان سرشناس) همسر برده نمی‌شد (گر چه برده‌ای آزاد و پسر خوانده‌ی پیامبر ﷺ و از مسلمانان پیشتاز باشد).

پس از ازدواج، ناسازگاری بین زید و زینب آغاز شد و زید تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. بارها نزد پیامبر ﷺ رفت ولی آن حضرت ﷺ به او می‌فرمود: همسرت را نگاه دار و طلاق نده. به هر حال زید او را طلاق داد و دو ضربه‌ی روحی و اجتماعی بر زینب وارد شد: یکی همسر زید شدن که جامعه‌ی آن روز، این کار را نمی‌پسندید. دوم: طلاق گرفتن.

پیامبر اکرم ﷺ به امر خداوند مأمور شد تا دو سنت جاهلی را بشکند:  
الف) گرفتن همسر پسر خوانده که در جاهلیت مانند گرفتن همسر فرزند حقیقی  
ناروا بود.

ب) گرفتن همسر برده‌ی خود که این هم در آن زمان، زشت و ناروا بود.  
بنابراین ازدواج با همسر فرزند خوانده بعد از طلاق و سپری شدن عده‌ی او، جایز و  
روا است.

**مردان بر زنان سرپرستند و در جامعه‌ی کوچک خانواده، حق رهبری دارند و  
صیانت و رعایت زنان بر عهده‌ی ایشان است**

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ  
أَمْوَالِهِمْ...﴾ [النساء: ۳۴]



**توضیح موضوع:** خانواده، یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع  
بزرگ باید رهبر و سرپرست واحدی داشته باشد. زیرا رهبری و سرپرستی دسته جمعی  
که زن و مرد مشترکاً آن را به عهده بگیرند مفهومی ندارد، در نتیجه مرد یا زن یکی  
باید «رئیس» خانواده و دیگری «معاون» و تحت نظارت او باشد. دیدگاه اسلام بر این  
است که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود. البته مقصود از این امر، استبداد و  
اجحاف و تعدی نیست، بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیت‌ها و  
مشورت‌های لازم است.

اسلام، مسئولیت نظارت و سرپرستی را بر عهده‌ی مرد مقرر نموده و قیام به جلب  
منافع و دفع مضار از زن و زندگی را بر دوش او نهاده است و این درجه و منزلت به  
معنای ریاست و زورگویی و اجبار نیست، بلکه در ارتباط با سرپرستی خانواده، نشأت  
گرفته از پیمان زناشویی است و ضرورت اجتماعی ایجاد می‌کند که مرد دارای  
مرتبه‌ی قیومیت باشد که در واقع بر مقدار مسئولیت‌های او می‌افزاید و کار او را در  
ارتباط با امور خانه و فرزندان چندین برابر می‌گرداند. به عنوان نمونه؛ زن هزینه و  
مخارج زندگی و انجام کارهایی را که در توان او نیست و راهی برای قیام آن ندارد، از  
شوهرش می‌طلبد. اساس این مسئولیت بر تحمل این همه‌ی سختی‌ها و مشکلات زن  
و زندگی توسط مرد قرار دارد. این همان چیزی است که قرآن در مورد آن می‌فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾ [النساء: ۳۴]

«مردان بر زنان سرپرستند و در جامعه‌ی کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده‌ی ایشان است؛ بدان خاطر که خداوند برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتری‌هایی بخشیده است و بعضی را بر بعضی فضیلت داده است. و نیز بدان خاطر که معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و از اموال خود برای خانواده خرج می‌کنند».

مردان با توجه به طبیعت خود بار دو مسئولیت اساسی را بایستی بر دوش بگیرند: اول: انجام دادن کارهای سخت و طاقت‌فرسا. زیرا خداوند آن‌ها را از قدرت جسمی و عزم و اراده‌ی بیشتری بهره‌مند ساخته است.

دوم: تأمین نیازهای زندگی مانند: خوراک و پوشاک و چیزهایی که موجب شادمانی زن و فرزندان می‌شود. در این جمله‌ی قرآنی که فرموده است: «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» و فرموده: «بِمَا فَضَّلَهُمْ عَلَيْهِنَّ» اشاره‌ی واضحی به این قضیه است که فضل و درجه‌ی مردان در این رابطه چیزی است همانند برتری برخی از اعضای جسم بر دیگر اعضا، و هیچ کس برتری دست راست را بر دست چپ، و برتری عقل را بر بینایی براساس آفرینش الهی، غیرقابل قبول به شمار نمی‌آورد.

در حقیقت، درجه‌ی قیومیت و سرپرستی، منزلتی طبیعی و لازمه‌ی همه‌ی جامعه‌های کوچک و بزرگ بشری است. از دیدگاه عقل و منطق و علم و شریعت، رها کردن یک جامعه بدون مدیر و سرپرست که در تدبیر امور تلاش کند و در مسایل مهم به او مراجعه شود، درست نیست.

هر گاه تصور شود که جامعه‌ای بدون سرپرست و رهبریّت باشد، و بر گرد محوری در گردش نباشد و مردم به آن تمسک ننمایند، چنان جامعه‌ای سر در صحرای سرگردان و نابودی می‌نهد، و جامعه‌ای می‌گردد که بی‌نظمی و آشوب و اختلاف و تفاوت انگیزه‌ها و اهداف آن را دچار رکود و فروپاشی می‌گرداند. چنین جامعه‌ای به جای پیشرفت و تمدن، دچار ارتجاع و عقب ماندگی می‌گردد، شیرازه‌ی آن از هم می‌پاشد، ارکان آن از هم گسسته می‌شود، همه‌ی امیدها و اهدافی که در بنیان گذاری آن مورد اهتمام بوده است، نقش بر آب می‌شوند.

و راست گفت خداوند متعال آنجا که فرمود: «مردان بر زنان سرپرستند و در جامعه‌ی کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده‌ی ایشان است، بدان خاطر که خداوند برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات، برتری‌هایی بخشیده است و بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول بدست می‌آورند و از اموال خود برای خانواده و در راه مصالح آنان خرج می‌کنند».

### تأمین مخارج زن و فرزند

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ [البقرة: ۲۳۳]

﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِضَيْقِ أَعْيُنِكُمْ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَرِّضُوا لَهُنَّ أُخْرَىٰ ۗ لِيُنْفِقُوا ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۗ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَّا آتَاهَا سَيِّجَعُلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ [الطلاق: ۶-۷]



**توضیح موضوع:** تأمین مخارج زن و فرزندان بر مرد واجب است و این وجوب براساس کلام مقدس خداوند متعال در آیات ۲۳۳ سوره‌ی بقره و آیات ۶ و ۷ سوره‌ی طلاق و براساس گفته‌ی رسول خدا ﷺ است آنجا که می‌فرماید:

«دينار انفقته في سبيل الله، و دينار انفقته في رقبة، و دينار تصدقت به علي مسكين، و دينارا نفقته علي اهلك... اعظمها اجرا الذي انفقته علي اهلك» [مسلم]

«دیناری در راه خدا می‌بخشی و یا در آزاد کردن برده‌ای می‌دهی، یا به مسکینی صدقه می‌دهی، و یا برای تأمین معاش و زندگی خانواده‌ات خرج می‌کنی، در نزد خداوند بزرگوار، بیشترین پاداش مربوط به آن است که در تأمین معاش و زندگی خانواده‌ات خرج کرده‌ای».

همانطور که تأمین معاش و زندگی افراد خانواده، نزد خداوند متعال پاداش دارد، همان اندازه قصور و کوتاهی در این امر و سخت‌گیری بر زن و فرزند در حالی که مرد

توانایی مالی دارد، موجب گناه خواهد بود. و رسول گرامی اسلام خطاب به کسانی که بر زن و فرزند خود سخت گرفته و زندگی را با خودداری از پرداخت وجوه مورد نیاز بر آنان تنگ می‌کنند و حیاتشان را آکنده از رنج و مشقت می‌نمایند، می‌فرماید:

«کفی بالمرء اثماً ان یضیع من یقوت» [ابوداود]،

«برای مرد همین گناه کافی است که نسبت به زن و فرزند و افراد تحت تکفل خویش، خسیس و دست تنگ باشد».

و در روایتی دیگر آمده است

«کفی بالمرء اثماً ان یحبس عمّن یملک قوته» [مسلم]

«برای مرد همین گناه کافی است که از دادن مایحتاج افراد تحت تکفلش خودداری کند».

و منظور از ضروریات مایحتاج خانواده: غذا، پوشاک و مسکن مناسب است.

### حُسن معاشرت میان زن و شوهر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَلْحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۱۹]



توضیح موضوع: اسلام از زن و شوهر می‌خواهد که با یکدیگر حسن معاشرت داشته باشند. در این مورد توصیه‌ها و سفارش‌های فراوانی از جانب رسول خدا ﷺ در تأکید آنچه در قرآن آمده روایت شده است. حسن معاشرت و احسان و نیک رفتاری با همسر، در تهیه خوراک و لباس و وسایل زینتی برای او خلاصه نمی‌شود. همچنین حسن رفتار زن در برابر شوهر، به پاسخگویی به نیاز او و تهیه شام و ناهار مطلوب محدود نمی‌گردد، بلکه نیک رفتاری مفهومی است که از قلب هر کدام نسبت به دیگری سرچشمه می‌گیرد و سبب عشق و صمیمیت بیشتر می‌گردد و روح ایمان به مسئولیت مشترک است که آن‌ها را در مسیر زندگی و تربیت فرزندان و اداره‌ی امور منزل در جهت عطراگین شدن فضای زندگی و بهره‌مند گردیدن از مظاهر مادی و معنوی قرار می‌دهد.



به هر حال بر مرد لازم است در برابر همسر خود به آداب و مسئولیت‌ها پایبند باشد و به بهترین روش با او رفتار نماید، و از هیچ تلاش و کوششی برای اکرام و احترام هر چه بیشتر او کوتاهی ننماید. و بر مرد لازم است که غذا و لباس مناسب را برای همسرش تهیه کند، و با همسرش رفیق و نرم‌خو و مهربان و شفیق باشد و چنان‌چه اخلاق و روش ناپسندی را در او مشاهده نمود، به روشی که خداوند مقرر فرموده است، با او رفتار نماید، و پس از اندرز و نصیحت محترمانه و بدون فحش و ناسزا، اگر کار خود را اصلاح ننمود، بسترش را با او جدا نماید، و چنان‌چه آن کار هم بی‌فایده بود، و راه دیگری برای تنبیه او وجود نداشت، به شیوه‌ای حکیمانه و در فرصتی مناسب او را تنبیه بدنی بنماید و از زخمی نمودن و زدن بر سر و صورت او خودداری کند. و پیامبر اسلام ﷺ در جواب این پرسش که زنان بر مردان دارای چه حقوقی هستند، فرمود:

«هر گاه به غذا و لباس احتیاج داشت، آن را برایش فراهم کند، بر سر و صورت او نزند و به جز در منزل خود با او به درستی رفتار نکند و با او قهر ننماید». [ابوداود]

#### حقوق شوهر بر زن

﴿...فَالصَّالِحَاتُ قَنِيَتٌ حَفِظَتْ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...﴾ [النساء: ۳۴]



**توضیح موضوع:** بر زن لازم است که در برابر شوهر خود به آداب و مسئولیت‌های زیر پایبند باشد:

**الف)** بر زن لازم است در غیر اموری که گناه و نافرمانی خداوند است، و یا کارهایی که توانایی‌اش را ندارد، یا انجام آن برایش دارای مشقت است، از شوهر خود اطاعت کند. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«هر گاه مردی همسرش را به همبستری فراخواند و او خودداری کند، و شوهر شب را تا روز از او دلخور باشد، فرشتگان تا صبح زن را مورد نفرین قرار می‌دهند». [بخاری و مسلم]

**ب)** زن در جهت پاسداری از حیثیت و شرف مرد و محافظت از اموال و اولاد و دیگر امور او از هیچ تلاشی کوتاهی ننماید.

- ج) بدون اجازه و اطلاع همسر از منزل خارج نشود و هنگامی که از منزل خارج گردید، سر به زیر و باوقار راه برود و از کلام و کردار بد و ناروا پرهیز نماید.
- د) پاسخ مثبت دادن به خواسته‌های فطری و مشروع شوهر یکی دیگر از وظایف زنان است.
- ه) هنگامی که شوهرش در محل سکونت حضور دارد و مسافر نیست، برای روزی مستحب از او اجازه بگیرد.
- و) حق دیگر شوهر بر همسرش این است که زن خود را برای شوهرش بیاراید و همیشه در رویش بخندد و عبوس نباشد و خودش را طوری نشان ندهد که شوهرش از او بدش بیاید.
- ز) یکی دیگر از حقوق مرد بر زن این است که بدون اجازه‌ی شوهرش کسی را به خانه راه ندهد.
- ح) حق دیگر مرد بر زن آن است که تا وقتی زن از مال خود برای خانه و یا فرزندان‌ش مصرف می‌کند بر شوهرش منت نگذارد، چون منت نهادن اجر و پاداش را از بین می‌برد.
- ط) حق دیگر مرد بر زن آن است که به کم راضی شود و به آنچه موجود است قناعت کند و چیزی را که خارج از توان شوهرش است، از او نخواهد.
- ی) حق دیگر مرد بر زن آن است که فرزندان‌ش را به خوبی تربیت کند و در حضور شوهرش از فرزندان‌ش ناراحت نشود و بر آن‌ها دعای بد و شر نکند و آن‌ها را دشنام ندهد، چون این کار باعث ناخرسندی شوهرش می‌شود.
- ک) حق دیگر مرد بر زن آن است که با پدر و مادر شوهر و نزدیکان او خوش برخورد باشد، زیرا زنی که با پدر و مادر و نزدیکان شوهرش بدی کند در واقع به شوهرش بدی کرده است.
- ل) حق دیگر مرد بر زن آن است که از افشای اسرار خانوادگی خودداری کند. از مهمترین اسراری که زنان در پوشیده نگه داشتن آن سهل‌انگاری می‌کنند و آن را فاش می‌نمایند، اسرار بستر و کارهایی است که زن و مرد در بستر انجام می‌دهند.
- م) حق دیگر مرد بر زن آن است که بر تداوم و گذراندن زندگی با او حریص باشد و بی‌مورد از او تقاضای طلاق نکند.

## حقوق زن بر مرد

﴿...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ

حَكِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۸]



توضیح موضوع: زن حقوق زیادی بر شوهر خویش دارد که اساس همه‌ی آن‌ها بر

این آیه قرار دارد که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾

[البقرة: ۲۲۸]

پاره‌ای از حقوقی که زنان بر شوهران خود دارند، عبارتند از:

الف) به بهترین روش با او رفتار نماید و از هیچ تلاشی برای اکرام و احترام هر چه بیشتر او کوتاهی ننماید. و با همسرش رفیق و نرم‌خو و مهربان باشد و به خوبی با او معاشرت کند. برای مثال: بر مرد لازم است غذا و لباس مناسب را برای همسرش تهیه کند و چنانچه اخلاق و روش ناپسندی را در او مشاهده نمود، به روشی که خداوند مقرر فرموده است، با او رفتار نماید، و پس از اندرز و نصیحت محترمانه و بدون فحش و ناسزا، اگر کار خود را اصلاح ننمود، بسترش را با او جدا نماید، و چنانچه آن کار هم بی‌فایده بود، و راه دیگری برای تنبیه او وجود نداشت، به شیوه‌ای حکیمانه و در فرصتی مناسب او را تنبیه نماید و از زخمی کردن و زدن بر سر و صورت او خودداری کند.

ب) چنانچه زن از عقاید و احکام و ارزش‌های دینی، ناآگاه باشد، مرد برای تعلیم و آگاه نمودن او از هیچ تلاشی فروگذار ننماید، و اگر خود نمی‌توانست به او اجازه بدهد که در مجالس و کلاس‌های آموزش علم و دانش (در چهارچوب شریعت) حضور پیدا کند. زیرا نیاز او به آگاهی و معرفت دینی و اخلاقی دست کمی از احتیاج او به خوراک و پوشاک ندارد.

و برای مصون داشتن او از انحراف و گمراهی و گرفتاری دنیا و شقاوت آخرت، زنان نیز همچون مردان به ایمان و عمل صالح احتیاج دارند و بدون علم و دانش کافی، نمی‌توانند به مسئولیت‌های خود عمل کنند و آنگونه که شایسته است نمی‌توانند فرزندان‌شان را تربیت دینی و اجتماعی بنمایند.

(ج) او را به پایبندی به ارزش‌ها و مسئولیت‌های اسلامی مانند: حجاب، پرهیزگاری، نماز، روزه و... تشویق و وادار نماید و او را از امور حرام و ناروا مانند: بی‌حجابی و در هم آمیختن با افراد نامحرم و... باز دارد. و همه‌ی زمینه‌های لازم را برای محافظت از شخصیت و حیثیت و کرامت او فراهم نماید.

(د) در برابر اذیت و آزار او صبر کرده و از اشتباهاتش درگذرد.

(ه) حق دیگر زن بر مرد آن است که به پیروی از پیامبر ﷺ در کارها با او مشورت کند، به ویژه در مواردی که مربوط به او و فرزندانشان می‌شود.

(و) چنان‌چه مرد دارای همسر دیگری می‌باشد، در غذا و لباس و مسکن و هم بستری و شب ماندن نزد آنان، میانشان عدالت و برابری را رعایت نماید، و در این موارد حق هیچ یک از آنها را ضایع ننماید و مرتکب جور و ستم نگردد.

(ز) اسرار و پنهانی‌های او را برای هیچ کس فاش ننماید و عیب‌های او را پوشیده نگاه دارد. زیرا مرد امانت‌دار اسرار و عیوب همسر خویش است، و بایستی از حرمت او محافظت نماید.

(ح) حق دیگر زن بر مرد این است که هنگام ضرورت و نیاز به او اجازه دهد که از خانه‌اش خارج شود، مثلاً اگر بخواهد به دیدن خانواده و نزدیکان یا همسایگانش برود به شرطی که او را به پوشیدن چادر و حجاب کامل توصیه کند و او را از آرایش و بی‌حجابی و استفاده از عطر و بوی خوش (هنگام خارج شدن از خانه) منع کند، و از اختلاط با مردان و دست دادن با آنان و... منع کند.

(ط) یکی دیگر از حقوق زن بر مرد آن است که بعد از عشاء فوراً نزد او برگردد و تا ساعات آخر شب به شب‌نشینی خارج از منزل مشغول نشود، چون این امر اگر موجب وسوسه و شک و تردید در دل زن نگردد، حداقل موجب تشویش و اضطراب او برای شوهرش می‌گردد.

(ی) همچنین از جمله حقوق زن بر مرد یکی این است که در خانه دور از همسرش، شب را سپری نکند تا حق او را ادا کرده باشد.

### هم بستری و روابط زناشویی

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَظْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ

الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿۳۱﴾ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَثُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ  
وَأَتَّقُوا اللَّهَ... ﴿البقرة: ۲۲۲-۲۲۳﴾



توضیح موضوع: هم بستری و روابط زناشویی دارای آداب و شرایطی است که مراعات آن‌ها برای زن و شوهر ضروری است:

۱. بهتر آن است که زن و شوهر عورت یکدیگر را نگاه نکنند.
۲. پیش از اقدام به عمل زناشویی و آمادگی لازم برای انجام طبیعی آن، دقایقی را با هم به شوخی و در آغوش کشیدن و بوسیدن و غیره بپردازند.
۳. گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» و خواندن این دعا را حتی الامکان مراعات کنند که «پروردگارا! شیطان را از ما دور بدار و فرزندان ما را از شر شیطان مصون بدار».
۴. در حالت حیض و نفاس و پیش از غسل بعد از پاکی به روابط جنسی اقدام نمایند.
۵. به جز از راه مشروع و طبیعی روابط زناشویی اکیداً حرام و ناروا است. زیرا رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «کسی که از راه غیرطبیعی با همسر خود همبستر شود، خداوند در روز قیامت با نگاه رحمت به او نمی‌نگرد».
۶. پیش از ارضای کامل زنان، مردان خود را کنار نکنند، زیرا چنین کاری زمینه‌ی ناراحتی جسمی و روانی را برای آنان فراهم می‌نماید.
۷. بدون اجازه‌ی او برای جلوگیری از بارداری خود را کنار نکشد، و بدون ضرورت شرعی از چنین کاری خودداری نماید.
۸. چنانچه خواستند عمل زناشویی را تکرار کنند، بهتر آن است که قبل از آن وضو بگیرند، همچنین پیش از خوابیدن یا غذا خوردن و قبل از غسل، گرفتن وضو مستحب است.
۹. مباشرت و ملامسه‌ی زنان به هنگام حیض و نفاس به غیر از ناف تا زانو جایز است.

مرد و همسر هنگام معاشرت جنسی، از گفتار لغو و یاوه بپرهیزند

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ ﴿المؤمنون: ۳﴾

## سقط کردن جنین

﴿...وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَلَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ

تَعْقِلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۱]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿۱۳﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿۱۴﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿۱۵﴾﴾ [المؤمنون: ۱۲-۱۴]

﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿۸﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿۹﴾﴾ [التكوير: ۸-۹]



**توضیح موضوع:** تمام فقهای اسلام، اتفاق نظر دارند که نابود ساختن جنینی که جان دارد، حرام و گناه بزرگ، و جنایتی است بر ذی روح تکامل یافته و به مرحله‌ی انسانیت رسیده. پس هیچ مسلمانی حق ارتکاب چنین گناهی را ندارد و شریعت اسلام نیز به هیچ وجه اجازه نداده است نطفه‌ای که به صورت حمل و جنین درآمده است، از بین برده شود.

با نهایت تأسف این عمل جاهلی در عصر و زمان ما در شکل‌های مختلفی تکرار می‌شود و به عنوان کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین و... کودکان بی‌گناه در عالم جنین را از طریق «کورتاژ» به قتل می‌رسانند.

این‌ها و مسائل دیگر شبیه به آن، نشان می‌دهد که عصر جاهلیت در زمان ما به شکل دیگری تکرار می‌شود و «جاهلیت قرن بیست و یکم» حتی در جهاتی وحشتناک‌تر و گسترده‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است.

علماء گفته‌اند: اگر جنین در حالت سقط زنده باشد و بمیرد، بر شخص واجب است که دیه‌ی یک انسان کامل را بپردازد، اما در حالت مرده، مبلغی کمتر از دیه باید پرداخت کند.

اما علماء فتوا داده‌اند: اگر از یک طریق مورد اعتماد و موثق، ثابت شود که بقای جنین زنده موجب مرگ مادرش می‌گردد؛ شریعت اسلام با توجه به قانون کلی خود که دستور می‌دهد هر گاه انسان ناچار به انجام یکی از دو امر باشد، لازم است آنچه را که ضررش کمتر است، انتخاب کند، اجازه می‌دهد در چنین شرایطی (که بقای جنین موجب مرگ مادرش می‌گردد و هیچ چاره‌ی دیگری نیست جز اینکه جنین سقط

شود)، جنین فدای مادر شود، چون مادر اصل است و حیاتش محقق و بدون تردید؛ پس حیات او مقدم بر حیات جنین است.

از طرف دیگر، مادر پایه و اساس خانواده است و معقول و منطقی نیست که فدای جنینی شود که هنوز دارای حیات مستقل نشده، و حیات او به حیات مادرش وابسته است و حقوق و واجباتی برای آن مُحَرَز نشده است.

به هر حال، علماء و دانشمندان و صاحب نظران اسلامی در این مورد اتفاق نظر دارند که اقدام به «سقط جنین و کورتاژ پس از دمیدن روح» حرام است. زیرا تعرض به جان انسانی زنده به شمار می‌آید، به همین خاطر اگر زنده به دنیا بیاید و بمیرد، دیه‌ی کامل و اگر مرده به دنیا بیاید، یک بیستم دیه‌ی انسان کامل است.

### تأدیب زن به هنگام نشوز و تمرد و عدم اطاعت از شوهرش

﴿...وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ [النساء: ۳۴]



**توضیح موضوع:** چون ریاست و مسئولیت خانواده به عهده‌ی شوهر است و شوهر به حکم فطرت قوی‌تر از زن می‌باشد و استعدادش از او بیشتر و ملزم به پرداخت مهریه و نفقه‌ی خانواده است، پس بر زن جایز نیست که از اطاعت شوهر خود خارج شود و از اجرای دستورات او تمرد نماید و زندگی مشترک را دچار اختلال کند و آرامش حاصله را از بین ببرد و محیطی را که باید مظهر مهر و محبت باشد به بی‌نظمی بکشد.

در حقیقت در میان زنان، انسان‌های صالح و پرهیزگاری وجود دارند که با همه‌ی وجود فرمانبردار فرامین خداوند می‌باشند و به همه‌ی مسئولیت‌های همسری عمل می‌کنند و به ارشادها و نظرات همسر خویش به درستی عمل می‌نمایند و از اسرار همسررداری و خانوادگی محافظت می‌کنند.

این دسته از زنان که «صالحات، قانتات، حافظات للغیب بما حفظ الله» (زنان صالحه و فرمانبردار فرامین خدا، و حافظ اسراری هستند که خداوند به حفظ آنها دستور فرموده)، شوهرانشان حق ندارند که با خشم و خشونت با ایشان رفتار نمایند.

اما دیگر زنان که به مسئولیت‌های همسررداری پشت می‌کنند و بر علیه مدیریت و سرپرستی شوهران بر امور خانواده می‌شورند و حتی به ندای فطرت هم پاسخ منفی

می‌دهند و زندگی خانوادگی را در معرض نابودی و فروپاشی قرار می‌دهند. قرآن به منظور تربیت و اصلاح آن‌ها و برگرداندن آن‌ها به جایگاه و مکانت طبیعی خود، دو راه واضح و روشن را ارائه می‌دهد که در زمینه‌ی تربیتی راه‌های مؤثری هستند. مرد براساس اینکه اِشْرَاف و ریاست خانواده بر عهده‌ی اوست، مؤظف به اجرای این روش‌ها است و با این هدف که اسرار خانوادگی فاش نشود، این راه‌ها را درمانی داخلی قرار داده که شاید بدون آگاهی دیگران به اختلافشان، مشکل حل شود.

این راه‌ها عبارتند از: اندرز و ارشاد به روش حکیمانه و موعظه‌ی پسندیده و شیرین زبانی. چنان‌چه نصیحت و موعظه نتیجه‌بخش نبود، از طریق ترک هم بستری، و چنان‌چه آن هم مؤثر واقع نگردید و عناد و نافرمانی‌اش بیشتر گردید، مقدار کمی تنبیه بدنی شود.

بدین ترتیب، خانمی که اندرز و نصیحت کلامی در او مؤثر واقع می‌شود، از روش دیگری برای برخورد با او استفاده نمی‌شود و خانمی که تحت تأثیر جدا نمودن بستر از طرف شوهرش از عناد و سرکشی خود دست برمی‌دارد، تنبیه او ادامه پیدا نمی‌کند. اما در برخی از جامعه‌ها، زنانی وجود دارند که گوششان برای هیچ‌گونه اندرزی شنوا نیست و هیچ اهمیتی هم به جدا نمودن بستر و قهر شوهر نمی‌دهند. به منظور تربیت اینگونه خانم‌ها که تعدادشان کم است، مرد اجازه دارد که از روش تنبیه بدنی ساده استفاده کند نه نحوی که موجب شکستگی و ایجاد عیب و نقص بدن نشود. قرآن آن را آخرین وسیله‌ی اصلاحی که مرد در اختیار دارد، قرار داده است و در واقع مانند عمل جراحی یک بیماری است که در صورت ضرورت از آن استفاده می‌شود.

#### اصلاح و ایجاد آشتی میان زن و شوهر (شورای خانوادگی)

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِۦ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا...﴾ [النساء: ۳۵]

﴿وَإِنْ أَمْرُهُۥ خَافَتْ مِّنْ بَعْلِهَا ذُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ...﴾ [النساء: ۱۲۸]





توضیح موضوع: هر گاه اختلاف زن و مرد چنان شدتی پیدا کرد که هیچ یک از چاره‌جویی‌ها قبلی (اندرز و ارشاد حکیمانه و موعظه و نصیحت پسندیده، ترک هم بستری، تنبیه ساده‌ی بدنی) مؤثر واقع نگردید، و اختلاف میان زن و شوهر شدت گرفت و هیچ کدام از آن‌ها هیچ راهی را برای اصلاح و آشتی پیش پای خود نمی‌دیدند، در این مرحله که بیم از هم پاشیدگی کانون گرم خانواده می‌رود، لازم است که افراد نیکوکار و خیراندیش و دلسوز و مهربان، مداخله نمایند و صلح و صفا را به محیط زندگی ایشان برگردانند.

از این رو لازم است دو نفر درست کار و خیراندیش، و مهربان و دلسوز، یکی از نزدیکان مرد و دیگری از نزدیکان زن را به عنوان حَکَم و مُصلِح انتخاب نمایند تا در کار آنان مداخله کنند، شاید آن‌ها را به راه راست و اصلاح برگردانند و مشکلات آنان را برطرف سازند و در بین زن و شوهر توافق و صلح ایجاد کنند.

شایان ذکر است که قرآن از اهل و خانواده‌ی طرفین (زن و شوهر) نام می‌برد، زیرا ایشان بیش از دیگران به وجود صفا و صمیمیت در میان وابستگان خود اهمیت می‌دهند و همچنین بیش از دیگران تلاش می‌کنند که از اسرار اختلاف و مسایل پشت پرده‌ی میان آن خانواده حفاظت کنند و از بروز آن در میان مردم که گاهی حرمت و کرامت همه را در معرض آسیب قرار می‌دهد، بیشتر حفاظت می‌نمایند.

**نگهداشتن زن به نیکی، یا طلاق دادنش به صورت خداپسندانه**

﴿الطَّلُقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ...﴾ [البقرة: ۲۲۹]  
 ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا عَآيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا...﴾ [البقرة: ۲۳۱]

﴿فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ [الطلاق: ۲]



**توضیح موضوع:** هر گاه هیچ یک از راه حل‌هایی که قبلاً به آن‌ها اشاره شد (مانند موعظه و نصیحت، ترک همبستری، تنبیه ساده‌ی بدنی و شورای خانوادگی) فایده‌ای نداشت و تجارب مردان مُصلح، بی‌نتیجه ماند و سازش میان زن و شوهر حاصل نشد، آخرین چاره‌ی اجباری و اضطراری که به منظور حل این مشکل، اسلام آن را تشریح نموده است، جدایی و طلاق است. در حقیقت طلاق وسیله‌ای است که وقتی هیچ راه حل و امکان سازشی باقی نماند و تلاش و کوشش صلح‌جویانه با شکست روبه‌رو شد از آن استفاده می‌شود.

اسلام با وجود نفرتی که از طلاق دارد، اجازه داده است که به آن توسل شود، و در حقیقت طلاق وسیله‌ای اضطراری است. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«مبغوض‌ترین حلال‌ها پیش خداوند ﷻ، طلاق است، هیچ چیز حلالی نزد خدا مبغوض‌تر از طلاق نیست». [ابوداود]

طلاق که از نظر اسلام جایز و مشروع است، در واقع همچون عمل جراحی است که انسان بیمار، درد و سختی و مشکلاتی را در جهت محافظت از سلامت بقیه‌ی اعضای جسم و مقابله با ضرری بزرگتر، تحمل می‌نماید. زمانی که میان زن و شوهر کدورت و نفرت، عمیق و ریشه‌دار گردد و همه‌ی تلاش‌های خانواده‌ی طرفین و دوستان آنان بدون نتیجه بماند و امکان آشتی وجود نداشته باشد، تنها راه حل و تنها داروی دردناک موجود «طلاق و جدایی» است.

در حقیقت طلاق رخصتی است که به خاطر ضرورت و اجبار، حلال گردیده است. چون زمانی که زندگی زن و شوهر تلخ گردید و نفرت و عداوت، و کینه و عدم سازش جای محبت و علاقه را گرفت و برای زن و شوهر اجرای احکام الهی متعذر و سخت گردید، و نتوانستند حقوق همدیگر را رعایت کنند و هماهنگی و اتفاق میسر نبود، چاره‌ای جز جدایی و طلاق نیست. چرا که ادامه‌ی زندگی به وسیله‌ی زور و اجبار و نظامی‌گری، مجازاتی سخت و غیرقابل تحمل و زندانی ابدی و جهنمی غیرقابل تحمل است. به هر حال، هر گاه مرد زنش را یک طلاق داد و مدت عده‌اش نزدیک به انقضای و پایان شد، بر مرد لازم است در این حالت یکی از این دو امر را انتخاب نماید:

۱. یا زن را در حالت زوجیت باقی نگه دارد و با نیکی و اخلاق اسلامی با او رفتار کند و هدفش از رجعت دادن او، ادامه‌ی زندگی با نیت خیر و اصلاح باشد نه اینکه قصد سوء و حالت انتقام‌جویی داشته باشد.

۲. وقتی عده‌ی زن تمام شد، به نحو احسن از او جدا شود و اذیت و آزار، و ضرر و توهین و بهتان و تضییع حقوق در بین نباشد و به هنگام جدایی، یکدیگر را حلال نمایند و ببخشند.

و مرد حق ندارد و برایش حلال نیست به منظور اذیت و آزار همسرش، قبل از انقضای عده، او را رجعت دهد و قصدش طولانی ساختن عده‌ی او باشد و با این کار او را از شوهر کردن باز دارد، همانطور که در زمان جاهلیت این کار را انجام می‌دادند.

تخیر زن (ادامه‌ی زندگی مشترک یا مفارقت را به میل و اختیار زن گذاشتن)، طلاق نیست

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلًّا لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرَدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَأُسْرِحَنَّ سَرَاً جَمِيلاً ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنْتُمْ تُرَدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارُ الْأَخْرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾﴾ [الأحزاب: ۲۸-۲۹]



توضیح موضوع: «تخیر» آن است که مرد ادامه‌ی زندگی مشترک یا مفارقت را به میل و اختیار زن بسپارد و چنانچه زن جدایی را انتخاب کند، مرد اقدام به اجرای صیغه‌ی طلاق می‌کند وگرنه به حال خود باقی می‌ماند. چنانچه مفسران نقل می‌کنند که چون رسول خدا ﷺ سرزمین «بنی قریظه» را فتح کرد و از آنان اموال نفیسی را به غنیمت گرفت، زنان آن حضرت ﷺ پیرامون ایشان نشستند و گفتند: ای رسول خدا ﷺ! دختران کسری و قیصر، غرق زر و زیور هستند و کنیزان و خدم و حشم دارند، و ما در این وضعیّت تنگ و دشوار از فقر و فاقه که می‌بینید به سر می‌بریم! و از پیامبر ﷺ خواستند تا بر هزینه‌ی زندگی‌شان بیفزاید و با این توقعات خویش، موجبات آزار و اذیت رسول خدا ﷺ را فراهم آوردند. بدین جهت رسول خدا ﷺ یک ماه تمام از آن‌ها کناره‌گیری نمود تا اینکه خداوند متعال آیات ۲۸ و ۲۹ سوره‌ی احزاب را که به نام «آیات تخیر» نامیده می‌شود، نازل کرد.

بعد از نزول این دو آیه، رسول خدا ﷺ زنان خویش را فراخواند و این دو آیه را به یکایک آن‌ها خواند. ولی زنان‌شان همه به اتفاق، ماندن در زندگی پیامبر ﷺ را بر طلاق ترجیح دادند.

حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را در میان طلاق و ماندن در نکاح خود مخیر ساختند و ما ایشان را اختیار کردیم، پس این رخداد را طلاق نشمردند».

### طلاق قبل از دخول (و عمل زناشویی)

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>(۳۳)</sup>  
 وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بَيْنَهُمَا عَقْدُهُ التِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾<sup>(۳۴)</sup> [البقرة: ۲۳۶-۲۳۷]



توضیح موضوع: زنان مطلقه، عموماً دارای چهار حالت اند:

۱. زنان مطلقه‌ای که با شوهرانشان آمیزش داشته‌اند و قبلاً مهری هم برایشان مقرر شده است که این گروه از زنان، مستحق کل مهریه‌ی خود هستند و عدّه‌ی آنان هم سه حیض است.
۲. زنان مطلقه‌ای که نه مورد آمیزش قرار گرفته‌اند و نه هم برایشان مهری تعیین شده است؛ که برای این دسته از زنان، برحسب توان شوهرانشان، متعه (هدیه) واجب است و مستحق مهری نمی‌شوند.
۳. زنان مطلقه‌ای که برایشان مهر مقرر شده، ولی مورد آمیزش قرار نگرفته‌اند که این دسته از زنان، مستحق نصف مهر تعیین شده‌ی خود می‌باشند.
۴. زنان مطلقه‌ای که مورد آمیزش قرار گرفته‌اند، اما مهری برایشان مقرر نگردیده، که این دسته از زنان، بدون هیچ‌گونه خلافی مستحق مهر مثل خود می‌باشند. یعنی باید دیده شود که مهر امثالشان از زنان و دختران خانواده و اقرباء و خویشاوندانشان چه مقدار بوده، پس آنان نیز همان مقدار را دریافت می‌کنند.

## طلاق رجعی

﴿وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۲۳۱﴾ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ [البقرة: ۲۳۱-۲۳۲]

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿۱﴾ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾﴾ [الطلاق: ۱-۲]



توضیح موضوع: طلاق، یا رجعی است یا بائن. و طلاق رجعی اینگونه است: هر گاه زنی که همسرش با وی همبستر شده برای بار اول یا دوم طلاق داده شود، و این طلاق در مقابل دریافت مالی نباشد، آن را طلاق رجعی گویند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ﴾ [البقرة: ۲۲۹] «طلاق دو بار است، نگهداری به گونه‌ی شایسته یا رها کردن با نیکی».

زنی که در طلاق رجعی به سر می‌برد تا زمانی که در عده‌اش است، همسر شوهرش به حساب می‌آید و در این مدت هر گاه مرد بخواهد می‌تواند او را برگرداند بدون اینکه نیازی به رضایت زن یا اجازه‌ی ولی او باشد.

خداوند می فرماید:

﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنْنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا﴾ [البقرة: ۲۲۸]

«و زنان مطلقه باید بعد از طلاق به مدت سه بار عادت ماهانه انتظار بکشند و عده نگه دارند تا روشن شود که حامله نیستند. و اگر به خداوند و روز رستاخیز باور دارند، برای آنان حلال نیست که خدا آنچه را در رحم ایشان آفریده است پنهان کنند و شوهران آنان برای برگرداندن آنان به زندگی زناشویی و از سر گرفتن آن در این مدت عده از دیگران سزاوارترند».

در حقیقت زنی که به صورت رجعی طلاق داده شده، حکم او همان حکم همسر بودن است و لباس و غذا و مسکن او را تا پایان یافتن عده، همچنان باید به وسیله‌ی شوهرش تأمین شود.

اما چنانچه تا پایان عده، او را بازنگردانند، طلاقشان «بائنه» می‌شود و قبل از سپری شدن عده برای بازگشت او به حالت عادی همسری، کافی است مرد به او بگوید: از این لحظه شما را باز می‌گردانم. و مستحب است به هنگام بازگردانیدن زن، دو نفر شاهد عادل حضور داشته باشند.

### طلاق بائن

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۲۳۰﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۲۲۹﴾﴾ [البقرة: ۲۲۹-۲۳۰]



توضیح موضوع: طلاق بائن آن است که طلاق دهنده حق رجعت و بازگردانیدن همسرش را ندارد و به مجرد وقوع آن، شوهر با او بیگانه به حساب می‌آید و چنانچه

بخواهد زندگی مشترک را با او دوباره شروع نماید، تنها پس از خواستگاری و موافقت زن با مهریه و عقد جدید، ممکن و مشروع است. و در پنج مورد است که طلاق به صورت «طلاق بائن» در می‌آید که عبارتند از:

۱. مردی زنش را به صورت رجعی طلاق داده و در مدت زمان «عده» او را باز نگردانیده، در این صورت پس از پایان عده، طلاق او «بائنه» می‌شود.
۲. مرد در مقابل مقداری مال که زن به او بدهد، او را طلاق بدهد که در اصطلاح آن را «خُلْع» می‌نامند.
۳. در شرایطی که دو حکم خانوادگی به این نتیجه برسند که جدا شدن آنان بهتر از ادامه‌ی زندگی مشترک است و آن‌ها را از هم جدا کنند.
۴. زنی که پس از عقد و قبل از همبستری شوهرش او را طلاق دهد، طلاقش «بائنه» گردیده و رعایت عده هم بر او لازم نیست.
۵. هر گاه مرد هر سه طلاق او را در یک جمله یا چند جمله در یک مجلس جاری کند، یا قبلاً دو طلاق او واقع گردیده و این طلاق، طلاق سوم او باشد، در این صورت طلاق به صورت «بینونه‌ی کبری» در می‌آید، و پیش از شوهر کردن و طلاق داده شدن طبیعی توسط شوهر دوم، شوهر اول حق ازدواج مجدد با او را ندارد.

در موقع طلاق یا رجعت، دو نفر عادل و مورد اعتماد و متدین را شاهد بگیرند

﴿فَإِذَا بَلَغَ الْأَجَلُ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾﴾ [الطلاق: ۲]



توضیح موضوع: در نزد امام ابوحنیفه گواه گرفتن دو نفر عادل و مورد اعتماد در موقع طلاق یا رجعت، مندوب است و در نزد امام شافعی در مورد رجعت واجب و در مورد جدایی و طلاق، مندوب است. به هر حال، گواه گرفتن دو نفر عادل به عنوان شاهد بر طلاق، منافی دارد از جمله: اگر مردی در ایام عده از دنیا برود، همسر مطلقه‌ی او نمی‌تواند ادعایی بر ارث داشته باشد. زن پس از پایان عده می‌تواند ازدواج کند و مهم‌تر آن که دو شاهد عادل، به خاطر عدالت و محبوبیتی که دارند به طور طبیعی با موعظه و نصیحت، سعی می‌کنند به جای طلاق، طرفین را به آشتی ترغیب کنند.

به هر حال، مستحب است که هنگام طلاق و جدایی یا رجعت، دو مرد عادل و مورد اعتماد و متدین را شاهد بگیرند، تا اگر در آینده اختلافی روی دهد، هیچ یک از طرفین نتوانند واقعیت‌ها را انکار کنند.

«ایلاء»

﴿لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَابِهِمْ تَرَبُّصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِن فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾  
 وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۲۶﴾ [البقرة: ۲۲۶-۲۲۷]



**توضیح موضوع:** «ایلاء»: آن است که شوهر سوگند یاد کند که مدّت زمانی بیش از چهار ماه را با همسرش هم‌بستر نشود. و اگر برای تنبیه و ملزم نمودن زن به پایبندی به مسئولیت‌های دینی و عرفی خود چنانچه مدت زمان ایلاء کمتر از چهار ماه باشد، جایز است، اما چنانچه صرفاً برای اذیت و آزار زن باشد، و قصد تنبیهی در کار نباشد، حرام و نامشروع است.

در حقیقت یکی از توجهات خاصّ اسلام در رعایت حق زن این است که شوهرش حق ندارد با او قهر کند و رختخوابش را از او جدا نماید و مدّتی که معمولاً برای زنان قابل تحمل نیست با او نزدیکی و مجامعه نکند، و این رفتار بر شوهر حرام است. هر گاه شوهر قسم بخورد که از مجامعه با همسرش خودداری خواهد کرد، چهار ماه به او مهلت داده می‌شود تا شاید در این مدّت آرام شود و عصبانیتش برطرف گردد و به حالت عادی برگردد، اگر در این مدّت پشیمان شد و قبل از انقضای این چهار ماه از تصمیم خود منصرف گردید، خداوند ارحم الراحمین است و امید است که گناهش را ببخشد و دروازه‌ی توبه باز و وسیع است و با پرداخت کفاره‌ی سوگندش، کار خاتمه می‌پذیرد، ولی اگر چهار ماه مهلت سپری شد و باز بر تصمیم خود مصرّ بود و کفاره‌ی قسم را پرداخت نکرد، به دستور شرع، به خاطر ظلمی که در حق همسرش انجام داده است، زنش بر او حرام می‌شود و طلاقش واقع می‌گردد.

بعضی از فقهای اسلام عقیده دارند که به مجرّد گذشت مدّت چهار ماه، طلاق خود به خود واقع می‌شود و نیاز ندارد که موضوع به قاضی ارجاع شود، و قاضی حکم به طلاق کند، ولی بعضی دیگر از علماء (همانند امام ابوحنیفه) بر این باورند که لازم است بعد از انقضای مدّت چهار ماه، موضوع به قاضی شرع واگذار شود تا شوهر را بین



برگشت از قسم و سازش با همسرش یا طلاق دادن او، مخیر نماید، و یکی از دو امر را به او تحمیل کند.

پس هر گاه چهار ماه سپری شود و مرد با زن خود همبستر نشود و زن نزد حاکم و دادگاه شکایت نماید، مرد دو راه بیشتر پیش رو ندارد، یا باید به وظیفه‌ی خود در مقابل همسرش عمل کند، یا او را طلاق بدهد.

### خُلْع

﴿...فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۲۹]



**توضیح موضوع:** خُلْع آن است که زن به خاطر جلب رضایت شوهرش برای طلاق دادن او، مقداری پول نقد یا اموالی را به او بدهد. در حقیقت هر گاه اختلاف بین زن و مرد شدت گرفت و امکان ادامه‌ی زندگی بین آنان وجود نداشت، و زن مایل به جدایی از شوهرش شد، در این صورت باید مالی را به منظور جبران ضرر ناشی از جدایی، به شوهرش بدهد، و از او درخواست جدایی‌کند. و شرایط خُلْع عبارتند از:

۱. زن، شوهر خود را دوست نداشته باشد و خواستار جدایی از او بشود. اما اگر مرد هم از او دل خوشی نداشته و تمایل به جدایی با او داشته باشد، درست نیست که در مقابل طلاق دادن زن، چیزی را از او بگیرد، بلکه مرد یا باید صبر کند و بسازد، یا چنانچه زندگی آنان با هم سخت و تلخ است، او را طلاق بدهد.

۲. تا جایی که امکان دارد، زن لازم است راه صبر و بردباری را در پیش گیرد و با شوهرش بسازد، اما چنانچه نگران آن بود که دچار زیان دینی و عاطفی بشود، پس از مشورت با پدر و مادر و خویشاوندان و انسان‌های آگاه و باتجربه از میان مردان و زنان، تقاضای خلع بنماید. زیرا پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «هر زنی که بدون دلیل از شوهرش تقاضای طلاق کند، بوی بهشت بر او حرام است». [ابن ماجه، ابوداود و ترمذی]

۳. مرد نباید به وسیله‌ی اذیت و آزار زن، زمینه را برای تقاضای طلاق از طرف او فراهم کند، چنانچه مرد عرصه را بر زن تنگ کند و کاری کند که زن متقاضی خلع بشود، هر چیزی را که از زن بگیرد، حرام و نامشروع است. و مستحب است که شوهر برای طلاق دادن همسر متقاضی طلاقش، چیزی بیش از مهریه‌اش را از او تقاضا نکند. و شوهر در ایام عدّه نمی‌تواند زن خود را بازگرداند. زیرا خُلْع طلاق را «بائن» می‌نماید و خُلْع به صورت «طلاق بائنه» درمی‌آید. یعنی اگر پس از آن خواستند زندگی مشترک را از سر بگیرند، باید دوباره عقد جدیدی انجام بشود.

### «ظهار» و کفّاری آن

﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِمَّنِيسَايِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ﴿۲﴾﴾ وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۳﴾ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۴﴾﴾ [المجادلة: ۲-۴]



توضیح موضوع: «ظهار»: آن است که مرد به همسرش بگوید: تو برای من حکم مادرم را داری. وظهار حرام است، زیرا خداوند متعال آن را زشت و ناروا نامیده است: ﴿لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا﴾ [المجادلة: ۲].

اکثر علماء و صاحب‌نظران اسلامی بر این باورند کهظهار نمودن تنها به مادر اختصاص ندارد و هر گونه تشبیه نمودن همسر به محارمی مانند: خواهر، دختر، مادر بزرگ، عمّه و خاله سبب تحققظهار می‌شود. زیرا آنان هم مانند مادر برای همیشه بر مرد مسلمان حرام‌اند.

و هر گاه مردی کهظهار نموده یا زنش را به یکی از زنان محرم خود تشبیه نموده، بخواهد زندگی مشترکی را با او از سر بگیرد، باید کفّاری آن را بپردازد.

و هر گاه مرد پیش از پرداخت کفاره، با زنش نزدیکی کند، مرتکب گناه گردیده و باید توبه و استغفار بنماید و کفاره را بپردازد، اما چیز دیگری بر او واجب نمی‌شود. و کفاره‌یظهار یکی از سه مورد زیر است، و در صورتی که توانایی اولی را نداشته باشد به دوّم و سوّم منتقل می‌شود و این سه مورد عبارتند از:

۱. آزاد نمودن یک برده‌ی مسلمان.

۲. دو ماه پشت سر هم روزه گرفتن.

۳. تهیه‌ی یک وعده غذا برای شصت نفر مسکین و مستمند.

البته روزه گرفتن دو ماه، باید پشت سر هم باشد و هیچ روزی از آن دو ماه قمری یا شصت روز را بدون روزه نباشد. و چنانچه روزی از آن شصت روز را روزه نگیرد، روزهایی را که روزه گرفته، باطل تلقی می‌شود و لازم است روزه را دوباره از اول شروع کند.

و در مورد تهیه‌ی غذا برای شصت نفر مستمند، لازم است از غذای متوسط و مورد مصرف بیشتر مردم باشد. و چنانچه به کمتر از شصت مستمند غذا بدهد، کفایت نمی‌کند.

#### «لعان» موجب تفریق و جدایی میان زن و مرد است

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٦﴾ وَالْخَمِيسَةُ أَنَّ لَعَنَتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٧﴾ وَيَدْرُؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٨﴾ وَالْخَمِيسَةُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٩﴾﴾ [النور: ۶-۹]



**توضیح موضوع:** لعان: آن است که شوهر زنش را به زناکاری متهم نماید. بدین صورت که ادعا کند او را در حال زنا دیده، یا مرد نقش خود را در حامله شدن زن انکار نماید.

براساس آیه‌ی ششم سوره‌ی نور، قضیه‌ی لعان مشروع است، و رسول خدا ﷺ میان «عُویمر عجلانی» و همسرش و «هلال بن امیّه» و همسرش، مراسم ملاعنه را انجام داد و فرمود: «پس از ملاعنه، مرد و زن برای همیشه نمی‌توانند با هم زندگی کنند.»

بنابراین چنانچه شوهری در مورد همسرش چنان ادّعی را بنماید که او را در حال زنا دیده، یا نقش خود را در حامله شدن زن انکار نماید، در این صورت موضوع برای رسیدگی به محاکم شرعی و دادگاه ارجاع می‌شود و قاضی از شوهر می‌خواهد که برای اثبات ادعای خود چهار نفر شاهد عادل را بیاورد که زناکاری زن او را دیده باشند.

چنانچه مرد نتواند با آوردن چهار شاهد ادّعی خود را اثبات کند، قاضی موضوع «لعان» را برای حل و فصل مشکل آنها مطرح می‌نماید. بدین صورت که از شوهر می‌خواهد چهار بار بگوید: «خداوند خود شاهد است که همسر من را در حال زنا دیده‌ام»، یا چهار بار بگوید: «خداوند را به شهادت می‌گیرم که حامله شدن زخم هیچ ربطی به من ندارد». و بار پنجم می‌گوید: «اگر دروغ بگوید، خداوند او را مشمول لعن و نفرین خود قرار دهد».

پس از آن اگر زن به زناکاری خود اعتراف نمود، حدّ شرعی بر او جاری می‌شود و چنانچه آن را انکار کرد و تکذیب نمود، چهار بار باید بگوید: «خداوند شاهد است که شوهرم دروغ می‌گوید و مرا در حال زنا ندیده است»، «یا این بچه متعلق به او است». و بار پنجم می‌گوید: «اگر شوهرم راست بگوید، مورد خشم خداوند قرار بگیرم». پس از آن، قاضی آنها را از هم جدا نموده و هیچ‌گاه نمی‌توانند دوباره زندگی مشترک را با هم داشته باشند.

و «لعان» دارای حکمت‌های زیادی است از جمله:

- محافظت از حیثیت زن و شوهر و پاسداری از کرامت انسان مسلمان.
- دفع اجرای حدّ قذف و تهمت در مورد شوهر و پیشگیری از اجرای حدّ زنا در مورد زن در صورت عدم اعتراف او و نبودن چهار شاهد.
- فراهم آوردن این فرصت که مرد بتواند کودکی را که متعلق به او نیست، نفی کند.

و باید در لعان احکام زیر مراعات شود:

۱. زن و شوهر هر دو بالغ و عاقل باشند. زیرا بر کودک و دیوانه، تکلیفی نیست.
۲. در مورد موضوع زنا، مرد مدّعی باشد که خود همسرش را در حال زنا دیده است، و در مورد نفی نسبت حاملگی زن، مرد مدّعی باشد که اصلاً با همسرش روابط زناشویی نداشته، یا در مدتی که امکان حامله شدن او وجود داشته باشد،

- با او هم بستر نگردیده است، و اگر اینگونه نباشد، تنها به خاطر تهمت براساس حدس و گمان، ملاعنه صورت نمی‌گیرد.
۳. حاکم و قاضی موضوع لعان میان زن و شوهر را با حضور عده‌ای انسان مسلمان و با همان روشی که قرآن می‌فرماید انجام بدهد.
۴. قبل از اجرای مراسم ملاعنه، مستحب است قاضی مرد را در مورد زشتی و بدعاقبتی و مجازات تهمت، نصیحت نماید و همچنین زن را در ارتباط با پلیدی و زشتی زنا و خیانت به همسر نصیحت کند.
۵. قاضی پس از ملاعنه، آن‌ها را از هم جدا کند و به آن‌ها بگوید که برای همیشه آنان بر همدیگر حرام می‌شوند.
۶. پس از لعان مربوط به نفی نسبت بچه به شوهر، آن کودک بر شوهر قبلی مادرش هیچ‌گونه حق ارث و نفقه‌ای ندارد و اینگونه فرزندان به مادرانشان داده می‌شوند و از مادر ارث برده و مادر نیز از او ارث می‌برد.
۷. اگر پس از مدتی شوهر به دروغ‌گویی و تهمت زدن ناروا به همسر خود اعتراف کند، فرزند متعلق به او خواهد بود.

### عده‌ی زنان

عده‌ی زن طلاق داده شده‌ای که دچار عادت ماهیانه می‌شود (سه بار عادت ماهیانه و پاک شدن است)

﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ [البقرة: ۲۲۸]



توضیح موضوع: عده از «عدد و شمردن» گرفته شده است. یعنی روزها و حیض‌هایی که زن حساب می‌کند. «عده»: نام مدت زمانی است که زن بعد از وفات شوهرش، یا جدایی از او برای ازدواج منتظر می‌ماند و از ازدواج با مردی دیگر خودداری می‌نماید.

و این انتظار با زایمان یا گذراندن حیض‌ها یا سپری کردن ماه‌ها تحقق می‌یابد.

و رعایت عده از طرفی خانمی که طلاق داده شده یا شوهرش فوت کرده، واجب است، اما خانمی که پس از عقد و قبل از عروسی و ایجاد روابط زناشویی طلاق داده شود، عده ندارد و بلافاصله می‌تواند شوهر کند.

و عده مشروع شد تا فرصتی برای شوهر فراهم شود که بتواند در آن مدت همه‌ی فکرهای خود را بنماید و بدون مخارج و هزینه در طلاق رجعی بتواند برای ادامه‌ی زندگی مشترک، همسرش را بازگرداند.

و چنانچه شوهر فوت نموده باشد، زن به عنوان وفاداری نسبت به شوهر خود و اظهار همدردی با خانواده‌ی او، آن مدت را از ازدواج امتناع نماید؛ و نیز عده مشروع گردید تا وضعیّت حامله یا حامله نبودن زن مشخص گردد تا از قاطی شدن نسل‌ها با یکدیگر جلوگیری بشود.

و زنان از لحاظ نگاه داشتن عده به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. زنانی که شوهرانشان بمیرند. این گروه به دو دسته تقسیم می‌گردد:

الف) زنانی که حامله‌اند. اینان تا وضع حمل عده نگاه می‌دارند.

ب) زنانی که حامله نیستند. اینان چه با ایشان همبستری شده باشد و چه با آنان همبستری نشده باشد، چهار ماه و ده روز عده نگاه می‌دارند.

۲. زنانی که شوهرانشان ایشان را طلاق داده باشند، اینان نیز به دو گروه تقسیم

می‌شوند:

الف) زنانی که حامله‌اند. چنین زنانی تا وضع حمل عده نگاه می‌دارند.

ب) زنانی که حامله نیستند. اینان هم دو دسته هستند:

۱- زنانی که با آنان همبستری شده است، اینان عده‌ای ندارند.

۲- زنانی که با ایشان همبستری نشده است. اینان اگر کسانی بوده که دارای

عادت ماهیانه باشند، تنها سه عادت ماهیانه عده نگاه می‌دارند. و اگر کسانی

بوده که دارای عادت ماهیانه نباشند، یعنی «یائسه» و یا «صغیره و کوچک»

باشند، سه ماه تمام عده نگاه می‌دارند.

عده زن طلاق داده شده‌ای که به خاطر خردسالی یا سالمندی، عادت ماهیانه ندارند (سه ماه کامل است)

﴿وَالَّتِي يَسِّنُ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحِضْنَ...﴾ [الطلاق: ۴]

عده‌ی زنی که شوهرش فوت نموده است

﴿وَالَّذِينَ يَتُوفَوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا...﴾ [البقرة: ۲۳۴]



توضیح موضوع: زانی که شوهرانشان فوت نموده به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. زانی که حامله‌اند. این گروه تا وضع حمل عده نگاه می‌دارند.
۲. زانی که حامله نیستند. اینان چه با ایشان همبستری شده باشد و چه با آنان همبستری نشده باشد، چهار ماه و ده روز عده نگاه می‌دارند.

عده‌ی زنان باردار (وضع حمل است)

﴿...وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ [الطلاق: ۴]

خانمی که پس از عقد و قبل از عروسی و ایجاد روابط زناشویی طلاق داده شود، عده ندارد و بلافاصله می‌تواند شوهر کند

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا...﴾ [الأحزاب: ۴۹]

بر زنی که در عده‌ی طلاق رجعی یا طلاق بائن (بینونه‌ی صغری) به سر می‌برد، واجب است که تا پایان عده‌اش در خانه‌ی شوهر بماند

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ، لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ [الطلاق: ۱]



توضیح موضوع: امام ابوحنیفه بر این باور است که برای زن مطلقه جواز ندارد که از خانه‌ای که در آن عده می‌شمارد، در شب یا روز بیرون شود چه طلاق وی رجعی باشد و چه بائن. اما برای کسی که شوهرش وفات کرده و او در حال گذراندن عده‌ی وفات است، بیرون شدن در روز برای انجام امور ضروری جواز دارد، اما از طرف شب نباید بیرون رود، چرا که به آن نیازی وجود ندارد.

#### مدّت حمل و مدّت رضاعت (شیرخوارگی)

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ [البقرة: ۲۳۳]

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفِصْلُهَا فِي غَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ [لقمان: ۱۴]

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...﴾ [الأحقاف: ۱۵]



توضیح موضوع: از آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی احقاف معلوم می‌شود که کوتاه‌ترین مدّت حاملگی، شش ماه است، چون دو سال شیردهی اگر از سی ماه که در آیه آمده است کم شود، حداقل مدّت حمل «شش ماه» می‌شود. از این رو علماء از دو آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره و ۱۵ سوره‌ی احقاف چنین استنباط کرده‌اند که حداقل مدت بارداری، شش ماه است.

رای امام ابوحنیفه این است که مدت شیرخوارگی حرام کننده (حرمت رضاعی) سی ماه می‌باشد، اما سایر فقهاء از جمله امام ابویوسف و امام محمد، مدت شیرخوارگی حرام کننده را دو سال می‌دانند.

#### اجرت رضاعت (مزد گرفتن در برابر شیر دادن بچه)

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَالِدِهَا وَلَا



مَوْلُودٌ لَهُ يُولَدُ لَهُ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٢٣﴾ [البقرة: ٢٢٣]



**توضیح موضوع:** هزینه‌ی زندگی مادر از نظر غذا و لباس در دوران شیر دادن بچه، بر عهده‌ی پدر نوزاد است تا مادر با خاطر آسوده بتواند فرزند خود را شیر دهد. و باید دانست که مزد گرفتن مادر در برابر شیر دادن به طفلش تا آنگاه که در قید نکاح یا عده باشد، جایز نیست، مگر در نزد امام شافعی که این کار مطلقاً جایز است.

و گاهی اتفاق می‌افتد که مادر از حق خود در مورد شیر دادن و حضانت و نگهداری فرزند، خودداری می‌کند یا مانعی برای او پیش می‌آید، در این صورت باید راه چاره‌ای اندیشید و دایه‌ای برای فرزند خود بگیرید. و در حقیقت جواز اجیر کردن زن شیرده دیگری غیر از مادر، مشروط به عدم زیان رساندن به مادر می‌باشد، چرا که مادر در امر نگهداری فرزندش حق اولویت دارد. یعنی انتخاب دایه به جای مادر پس از رضایت طرفین، بی‌مانع است مشروط به اینکه حقوق آنان را به طور شایسته بپردازند و این امر سبب از بین رفتن حقوق مادر نسبت به گذشته نشود بلکه حق او نسبت به مدتی که شیر می‌دهد طبق عادت پرداخت شود.

**اجرت حَضَانَت و سرپرستی (هزینه‌ی کودک و مخارج نگهداری از او)**

﴿...وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمِّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ...﴾ [الطلاق: ٦]



**توضیح موضوع:** حضانت به معنی نگهداری و سرپرستی کودکان خردسال تا رسیدن به سن بلوغ است. و حضانت و نگهداری کودکان برای محافظت از جان و عقل و آیین آن‌ها واجب می‌باشد.

نگهداری و سرپرستی کودکان قبل از هر کس بر پدر و مادر آنان واجب است. و چنانچه پدر و مادر فوت کنند، نگهداری و سرپرستی کودک بر نزدیکترین فامیل او، واجب می‌گردد، و چنانچه خویشاوندی نداشت، حکومت باید از آنان سرپرستی نماید،

و چنانچه حکومت در این مورد احساس مسئولیت نمی‌کرد، بر جماعت و گروه‌های اسلامی واجب است که از کودکان بی‌سرپرست نگهداری نمایند.

و هر گاه پدر و مادر کودک از هم جدا شوند، یا یکی از آنان فوت نماید، اگر مادر، شوهر نکرده باشد، برای نگهداری کودک در اولویت قرار دارد، و چنانچه مادر فوت کرده باشد، مادرِ مادر (جدّه) و در صورتی که او هم نباشد، یا نتواند از کودک نگهداری کند، این مسئولیت برعهده‌ی خاله‌ی او قرار می‌گیرد، و اگر خاله نداشته باشد یا نتواند از او نگهداری کند، مادر پدر (جدّه) باید این مسئولیت را قبول کند، و اگر او هم نباشد، خواهر پدر و پس از او دختر برادر کار نگهداری از کودک را برعهده می‌گیرند.

اما در صورتی که هیچ یک از افراد فوق وجود نداشته باشند، پدر مسئول سرپرستی از کودک است، و پس از او پدر بزرگ یا پدر پدر بزرگ و بعد از او عمو و پسرعمو و عموی پدر کودک و سپس هر یک از خویشاوندان پدری که بیشتر به کودک نزدیک باشند. و در این رابطه خویشاوند پدر و مادری بر خویشاوند مادری او، و همه‌ی خویشاوندان مادری کودک مقدم بر خویشاوندان پدری او هستند.

و تهیه‌ی مخارج زندگی کودک و حق العمل نگهداری کننده، بر پدر کودک واجب است که در حد توان آن را تأمین نماید. زیرا سرپرست مانند زنی طلاق داده شده است که برای شیردادن بر کودکش می‌تواند درخواست اجرت نماید.

## روابط اجتماعی

### پوشاندن عورت

﴿يَبْنَىٰ ءَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُم لِبَاسًا يُورِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ ﴿٣١﴾ يَبْنَىٰ ءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ هُوَ وَفَيْلُهُ مِّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٢﴾ [الأعراف: ٢٦-٢٧]

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَرْكَانُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ ﴿٣٠﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ... ﴿٣١﴾ [النور: ٣٠-٣١]

﴿يَتَأْتِيهَا اللَّيْطِيُّ قُلَّ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيهِنَّ ذَلِكُ أَذَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۹]



توضیح موضوع: لازم به یادآوری است که حدود عورت مرد عبارت است از ناف تا زانوها، و عورت زن همه‌ی بدن او به استثنای صورت و مچ دستان به پائین می‌باشد.

### زینت

﴿يَبْنِي عَادَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...﴾ [الأعراف: ۳۱]  
 ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ ۖ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...﴾ [الأعراف: ۳۲]  
 ﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا...﴾ [النحل: ۱۴]

﴿... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّبِيعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يُضْرَبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱]



توضیح موضوع: زینت چیزی است که انسان خود را به آن می‌آراید، اعم از لباس یا غیر آن از اشیای مباح، همچون زیورآلات، جواهر و غیره.

و در حقیقت «زینت» می‌تواند هم اشاره به «زینت‌های جسمانی» باشد که شامل پوشیدن لباس‌های مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها و به کار بردن عطر و مانند آن می‌شود و هم شامل «زینت‌های معنوی» یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص.

پس آراستگی ظاهر، عطر زدن و لباس زیبا و پاکیزه پوشیدن به هنگام نماز، مال حلال و فرزند صالح ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾، از جمله‌ی مصادیق «زینت» شمرده می‌شوند.

و زینت زنان دو قسمت است:

۱. خلقتی و سرشتی که اندام او است.

۲. زیورات و وسایل آرایش.

از اندام‌های بدن زن جز پنجه‌ی دست‌ها و صورت، همه باید پوشیده شود. از زیورات و وسایل آرایش، آنچه متعلق به پنجه‌ی دست‌ها و صورت است می‌تواند پیدا باشد، و جز زینت‌آلات و وسایل آرایش این دو عضو، بقیه نباید نمایان گردد.

نهی از تبرج و خودنمایی، و خودآرایی و نمایش وسایل آرایش در برابر مردم (برای زنان آرایش و نشان دادن اندام و وسایل زینت در معرض تماشای دیگران ممنوع است)

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۰]  
 ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ...﴾ [الأحزاب: ۳۳]

عموم آیاتی که درباره‌ی «ازدواج»، «طلاق»، «عده» و «شیرخوارگی» وارد شده است

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ تُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةً مُّؤْمِنَةً حَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أَعَجَبْتَكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبُدُوا مُؤْمِنٌ حَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أُعَجَبْتُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ ﴿نِسَاءُكُمْ حَرَّتُمْ لَكُمْ فَأْتُوا حَرَّتَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلَفُّوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْصَةً لِّإِيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ

قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا  
 فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾ وَالْمُطَلَّقاتُ  
 يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ  
 كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَعُولَتْهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ  
 مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ الطَّلَاقُ  
 مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ  
 شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ  
 عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ  
 هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا نَحْلُ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا  
 فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا  
 لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ  
 بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا  
 آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ  
 وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٣١﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ  
 النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ  
 ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَظْهَرٌ  
 وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ  
 يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا  
 وَسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا  
 فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا أَوْلَادَكُمْ  
 فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا  
 تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ  
 أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٧﴾ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْتُمْ سَتَدْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٨﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمَقْتِرِ قَدْرَهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٩﴾ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٤٠﴾ [البقرة: ٢٢١-٢٣٧]

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَّعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤١﴾ وَالْمُطَلَّقَاتُ مَتَّعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤٢﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٣﴾﴾ [البقرة: ٢٤٠-٢٤٢]

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿٢٤٤﴾﴾ [النساء: ١]

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثَلِيٍّ وَثَلَاثَ وَرُبْعٍ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ﴿٢٤٥﴾ وَعَاثُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا ﴿٢٤٦﴾﴾ [النساء: ٣-٤]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿٢٤٧﴾﴾ [النساء: ١٩]

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتِبدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَعَاتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بِهْتِنَا وَإِنَّمَا مِيبِنَا ﴿۲۰﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿۲۱﴾ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿۲۲﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبَاتُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿۲۳﴾ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۲۴﴾ وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَن يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن فِتْيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَلْحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَن خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۲۵﴾﴾ [النساء: ۲۰-۲۵]

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۲۶﴾ وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوْلَىٰ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿۲۷﴾ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالَّذِينَ حَفِظْتُمْ حَفِظْتُ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ

وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعَكُمْ فَلَا تَبْعُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ﴿٣٦﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿٣٥﴾ [النساء: ٣٢-٣٥]

﴿وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمِّي النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْعَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَالِيمًا ﴿٢٧﴾ وَإِنْ أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٨﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُواهَا كَالْمِغْلَقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٩﴾ وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿٢٠﴾﴾ [النساء: ١٢٧-١٣٠]

﴿...فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ١٤١]

﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾﴾ [المائدة: ٥]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٧﴾﴾ [المائدة: ٨٧]

﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾﴾ [النور: ٣]

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٦﴾ وَالْخَمْسَةُ أَنْ لَعْنَتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ



الْكَذِبِينَ ﴿۸﴾ وَيَدْرُؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَذِبِينَ ﴿۹﴾  
وَالْخَلِيسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۱۰﴾ [النور: ۶-۹]

﴿الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ  
أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۲۶﴾﴾ [النور: ۲۶]

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ  
بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۳۰﴾﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضَصْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ  
زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا  
لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي  
إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّبِيعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ  
مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يُضْرَبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ  
مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۳۱﴾  
وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ  
يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ ﴿۳۲﴾ وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ  
يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ  
عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۖ وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَىٰ  
الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ  
إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۳﴾﴾ [النور: ۳۰-۳۳]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ  
مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱﴾﴾ [الروم: ۲۱]

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصْلَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي

وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ ﴿۱۴﴾﴾ [لقمان: ۱۴]

﴿يَتَأْتِيهَا اللَّيْلُ قُلٌّ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنْتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ سَرَاخًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنْتُمْ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْدَارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾﴾ [الأحزاب: ٢٨-٢٩]

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...﴾ [الأحزاب: ٣٣]

﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٣٧﴾﴾ [الأحزاب: ٣٧]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا... ﴿٤٩﴾ يَتَأْتِيهَا اللَّيْلُ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِيَّاتِ عَاتَيْتِ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكِ وَبَنَاتِ خَالَتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٥٠﴾﴾ [الأحزاب: ٤٩-٥٠]

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِضْلُهُ وَتَلْكَؤُنَ شَهْرًا...﴾ [الأحقاف: ١٥]

﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَابِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ﴿٦﴾ وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَابِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٧﴾ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ۗ فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامَ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٨﴾﴾ [المجادلة: ٢-٤]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ  
بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ  
يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاثُوهُمْ مَآ أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ  
أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفِرِ وَسْئَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ أَنْفِقُوا ذَلِكُمْ  
حُكْمَ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١﴾ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى  
الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا وَآتَقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ  
مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾﴾ [الممتحنة: ١٠-١١]

﴿يَأْتِيهَا الَّتِي إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
رَبَّكُمْ ۗ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِّنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ  
اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۗ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾  
فَإِذَا بَلَغَ أَجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ  
مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ ۗ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ  
يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۗ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ  
حَسْبُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ ۗ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿٣﴾ وَالَّتِي يَبْسُتُ مِنَ الْمَحِيضِ  
مِنْ نِّسَائِكُمْ إِنْ أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَٰئِكَ الْأَحْمَالُ أَجْلُهُنَّ  
أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾ ذَٰلِكُمْ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ  
إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ ۗ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿٥﴾ أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ  
سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَىٰ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا  
عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَءَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَنْمِرُوا بَيْنَكُمْ  
بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَرِّضْهُنَّ لَهُنَّ أُخْرَىٰ ﴿٦﴾ لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ ۗ وَمَنْ قَدِرَ  
عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا ءَاتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا ءَاتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ

بَعْدَ عُسْرِ يُسْرًا ﴿٧﴾﴾ [الطلاق: ١-٧]



## «احكام مربوط به مرگ و ميّت»

جنائز - وصيّت - فرائض (ميراث)

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ [البقرة: ٢٨]

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ أُنْقَلَبْتُمْ عَلَى

أَعْقَابِكُمْ... ﴿٢٩﴾ ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كَتَبْنَا مُوَجَلًّا...﴾ [آل عمران: ١٤٤-١٤٥]

﴿قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ ﴿١٥٤﴾

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ...﴾ [آل عمران: ١٨٥]

﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ...﴾ [النساء: ٧٨]

﴿وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿٣١﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ

الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾ [الأنبياء: ٢٤-٢٥]

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾﴾ [المؤمنون: ١٥]

﴿...كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾﴾ [القصاص: ٨٨]

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾﴾ [العنكبوت: ٥٧]

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ فَتَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾﴾

[الزمر: ٣٠-٣١]

﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَلَهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾﴾ [الدخان: ٥٦]

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٣٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٣٧﴾﴾ [الرحمن: ٢٦-٢٧]

﴿نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾﴾ [الواقعة: ٦٠]

﴿قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مَلَقِيكُمْ...﴾ [الجمعة: ٨]

﴿وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾﴾ [المنافقون: ١١]

## سکرات مرگ

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾ [ق: ۱۹]



**توضیح موضوع:** سکرات جمع «سکرة» به معنای «مستی و منگی مرگ» است. و مراد از آن بیهوشی‌ها و سختی‌هایی است که به هنگام وداع با این جهان به انسان دست می‌دهد. چرا که در این لحظه بی‌ثباتی و ناچیزی جهان را با چشم خود می‌بیند و جهان بقاء را دورادور می‌نگرد و وحشتی عظیم سر تا پای او را فرا می‌گیرد و حالتی شبیه به مستی پیدا می‌کند. و او را در اضطراب و ناآرامی شدیدی فرو می‌برد. در حقیقت وحشت و اضطراب انسان در هنگام مرگ به قدری است که قرآن از آن به «سکرة الموت» تعبیر نموده است، چنان‌که در قیامت نیز هول دادگاه الهی، انسان را دچار چنان حالتی می‌سازد که به تعبیر قرآن ﴿تَرَى النَّاسَ سُكَرَى﴾ [الحج: ۲] مردم را همچون افراد مست، عقل پریده و بی‌اراده می‌بینی، در حالی که مست نیستند، بلکه حالتی شبیه به مستی پیدا می‌کنند.

به هر حال، سکرات مرگ برای همه حتمی است، و لحظه‌ی مرگ، انسان حالت عادی خود را از دست می‌دهد و مستی و منگی مرگ او را در خود فرو می‌برد.

## گفتن «اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» به هنگام ناگواری‌ها و مشکلات

﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۶-۱۵۷]



**توضیح موضوع:** «استرجاع» این است که شخص در وقت ناگواری‌ها و مشکلات و از دست دادن یکی از عزیزان خویش بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و بعد از آن بگوید: «اللَّهُمَّ اجْرِنِي فِي مُصِيبَتِي وَ اخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا»، «خداوندا! مرا در این مصیبت ماجور بگردان و بهتر از آن را برایم جایگزین بفرما».

أم سلمه رضی اللہ عنہا روایت می‌کند: از پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود:

«هر مسلمانی هنگام گرفتار شدن به مصیبتی چیزی را بگوید که خدا به آن امر کرده است: «انا لله و انا اليه راجعون، اللَّهُمَّ اجْرني في مصيبتي و اخلف لي خيراً منها» خداوند چیزی بهتر از آن را برای او جایگزین می‌کند.»

ام سلمه رضی الله عنها گفت: هنگامی که ابوسلمه رضی الله عنه فوت کرد، گفتم: کدام یک از مسلمانان از ابوسلمه بهتر هستند. خانواده‌ی او اولین خانواده‌ای بود که به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله هجرت کرد؟ سپس گفتم: «اللَّهُمَّ اجْرني في مصيبتي و اخلف لي خيراً منها»؛ و خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را به جای ابوسلمه به من داد. [مسلم و ابن ماجه]

### غسل میت

﴿...وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ...﴾ [الأنفال: ۱۱]



**توضیح موضوع:** هر گاه کودک یا بزرگسال مسلمانی فوت نماید، شستن و غسل دادن آن واجب است. تنها جنازه‌ی کسانی نیاز به غسل ندارد که در میدان مبارزه با دشمنان دین و جهاد در راه خداوند به شهادت رسیده باشند. زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«آن‌ها را شستشو ندهید! زیرا در روز قیامت هر یک از زخم‌های آنان بوی مشک و

عبیر می‌دهند» [احمد]

و مستحب است که مرده بدین‌گونه غسل داده شود: «بدن میت بر روی سگّو یا چیزی بلند قرار داده شود، و انسانی پرهیزگار و امانتدار عهده‌دار غسل او بشود. به آرامی شکم او را فشار دهند که شاید اضافاتی از بدن او خارج گردد، سپس کسی یا کسانی او را غسل می‌دهند، دست‌کش یا پارچه‌ای را در دست کنند. و نیت غسل میت نمایند، سپس محل ادرار و مدفوع او را به خوبی شستشو دهند. بعد از آن دستکش را از دست بیرون آورده و او را وضو دهند. - البته بدون مضمضه و استنشاق - بعد آن را بر پهلو چپ خوابانیده و پهلو راست را سه مرتبه بشوید و چنان آب بریزند که آب از زیرش جاری گردد، بعد بر پهلو راست خوابانیده و پهلو چپ را مثل پهلو راست بشوید.

و برای پاکیزگی بیشتر از «اشنان»، «سدر»، «کافور» و «صابون» استفاده کنند.

و چنانچه مرده، خانمی باشد، موهای بافته‌اش را باز کنند و آن را شستشو دهند و سپس دوباره آن را بیافند. زیرا رسول خدا ﷺ در مورد دختر خویش اینگونه دستور فرمودند، و پس از آن بر روی بدن و کفن او عطر و مواد خوشبو کننده بپاشند. و چنانچه برای غسل میت آبی وجود نداشته باشد و یا اینکه فوت شده زنی باشد که زنی دیگر برای غسل او در دسترس نباشد، یا مردی که مردی دیگر برای غسل او پیدا نشود، برای او تیمم انجام می‌گیرد. و سپس کفن شده و بر او نماز خوانده می‌شود و سپس دفن می‌گردد.

### آیاتی که اشاره به کفن کردن میت دارد

﴿وَأَلْتَفَتِ السَّاقِ بِالسَّاقِ ﴿۳۰﴾ إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقِ ﴿۳۱﴾﴾ [القیامة: ۲۹-۳۰]



**توضیح موضوع:** پس از غسل، واجب است که مسلمان فوت شده، به وسیله‌ی پارچه‌ای که همه‌ی بدن او را بپوشاند، کفن شود.

مستحب است که پارچه‌ی کفن پاک و نو و سفید رنگ باشد. زیرا رسول خدا ﷺ فرموده است: «لباس سفید بپوشید! زیرا بهترین لباس است و مرده‌هایتان را با آن کفن کنید». [ترمذی]

همچنین مستحب است که عطر و مواد خوشبو کننده بر روی کفن پاشیده شود. و کفن مرد سه لایه [لَفَافَه، ازار و قمیص]، و کفن زن پنج لایه [لَفَافَه، ازار، قمیص، سربند، و سینه‌بند] باشد. زیرا رسول خدا ﷺ را در سه پوشش پارچه سفید جدید - بدون پیراهن دوخته شده و عمامه - کفن نمودند.

### حمل کردن میت بر تابوت

﴿وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿۱۴﴾﴾ [الزخرف: ۱۴]

### دفن میت، واجب است

﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ، كَيْفَ يُؤَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَوَيْلَئِي أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُورِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿۳۱﴾﴾

[المائدة: ۳۱]



﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾ أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾﴾ [المرسلات: ۲۵-۲۶]  
 ﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ﴿٢١﴾﴾ [عبس: ۲۱]



توضیح موضوع: دفن میّت - به معنی او را در درون خاک قرار دادن - فرض کفایی است. زیرا خداوند متعال می فرماید:

﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ﴿٢١﴾﴾ [عبس: ۲۱]

«سپس او را می راند و در قبر دفن نمود».

و قبر میّت به اندازه ای کنده شود که درندگان و پرندگان نتوانند خود را به جنازه برسانند و بوی جنازه هم از آن خارج نشود. یعنی به اندازه ی نصف قد آدمی حفر شود، و از اندازه ی قد بیشتر نشود.

و لحد کردن از صندوق گذاشتن و یا شق کردن بهتر است، مگر اینکه زمین ریزش داشته باشد که در این صورت گذاشتن میّت در صندوق جایز است.

برای کسانی که هنگام دفن حضور دارند، مستحب است که سه بار مقداری خاک را روی قبر و به طرف قسمت بالای آن بریزند. زیرا ابن ماجه نقل می کند که رسول خدا ﷺ این کار را انجام می داده است و در صورت امکان، جنازه را از طرف پائین وارد قبر کنند و در حالت خوابیده و بر پهلوئی راست او را رو به قبله قرار دهند، و نوار پارچه ای روی کفن را باز کنند، و کسی که جنازه را درون قبر قرار می دهد، بگوید: «بسم الله و علی ملّة رسول الله». و به هنگام داخل نمودن جنازه ی خانمها، بر روی قبرشان پارچه و پوششی قرار داده شود.

**وصیّت مرده، و پرداخت وامی که بر عهده دارد**

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ  
 وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى  
 الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾ فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ  
 بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨٢﴾﴾ [البقرة: ۱۸۰-۱۸۲]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهَدَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخِرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَبْتَكُمْ مَّصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحِبُّسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَدَةَ اللَّهِ إِنَّآ إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ ﴿١٠٦﴾ فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَءَاخِرَانِ يُقِيمَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَدْتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَدَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّآ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٧﴾ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَدَةِ عَلَىٰ وَجْهَهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَنٌ بَعْدَ أَيْمَنِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠٨﴾﴾ [المائدة: ١٠٦-١٠٨]

## \*\*\*

توضیح موضوع: وصیت: سفارش به انجام گرفتن چیزی یا بخشیدن مقداری از دارایی، به دیگری بعد از مرگ است. بر این اساس وصیت به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. وصیت و سفارش به کسی است برای اقدام به پرداخت بدهکاری‌ها، تحویل دادن حقی که به کسی تعلق دارد، یا توجه و نظارت بر امور فرزندان خردسال وصیت‌کننده تا رسیدن به بلوغ می‌باشد.

۲. وصیت برای پرداخت بخشی از اموال خود به کسی است که برای او وصیت نموده است.

کسی که بدهکار است یا امانتی نزد او وجود دارد، یا حقی که متعلق به دیگری است، نزد اوست، واجب است که برای جلوگیری از ضایع شدن حق مردم و مورد بازخواست قرار نگرفتن در روز قیامت، وصیت نماید.

همچنین کسی که دارای ثروت و اموال فراوانی است و وارثان او هم از وضع مالی خوبی برخوردارند، مستحب است به مقدار کمتر از یک سوم برای خویشاوندانی که ندارند و از نظر شرعی وارث او به حساب نمی‌آیند، یا کارهای خیر و عام المنفعة وصیت و سفارش نماید.

و اسلام نیز وصیت و سفارش را تأیید می‌کند، چرا که از قانون «ارث» تنها یک عده از بستگان، آن هم روی حساب معینی بهره‌مند می‌شوند در حالی که شاید عده‌ی دیگری از فامیل، و احیاناً بعضی از دوستان و آشنایان نزدیک، نیاز مبرمی به کمکهای

مالی داشته باشند. لذا در کنار قانون «ارث»، قانون «وصیّت» را قرار داده و به مسلمانان اجازه می‌دهد نسبت به یک سوّم از اموال خود (برای بعد از مرگ) خویش تصمیم بگیرند.

از این‌ها گذشته گاه انسان مایل است کارهای خیری انجام دهد، اما در زمان حیاتش به خاطر نیازهای مالی خودش، موفق به این امر نیست، منطق و عقل ایجاب می‌کند که او از اموالی که زحمت تحصیل آن را کشیده برای انجام این کارهای خیر لااقل برای بعد از مرگش محروم نماند.

مجموع این امور موجب شده است که قانون وصیّت در اسلام تشریح گردد.

البته وصیّت دارای شرایطی است که باید رعایت گردد، و این شرایط عبارتند از:

۱. کسی که وصی می‌شود تا کاری را برای وصیّت کننده بعد از مرگ او انجام دهد، باید مسلمان و عاقل و باتجربه باشد، زیرا غیرمسلمان و نادان و ندانم کار ممکن است نتواند آنگونه که شایسته است به وصیّت و وصیّت کننده عمل کند.
۲. وصیّت کننده باید عاقل و اهل تمیز بوده و آنچه که در مورد آن وصیّت می‌نماید، متعلق به خود او باشد.

۳. کاری یا کالا و ثروتی که در مورد آن وصیّت صورت می‌گیرد باید مباح و حلال باشند. برای مثال وصیّت نمودن برای آنکه پس از مرگ بر او گنبد و بارگاه بسازند، یا اموالش را برای ساختن کلیسا و کنیسه یا هر کار حرامی دیگر خرج کنند، حرام است.

۴. کسی که برای او وصیّت می‌شود، باید آن را قبول کند، چنانچه آن را نپذیرد، وصیّت باطل بوده و پس از آن حق ادعایش را ندارد.

و کسی که برای انجام گرفتن کاری یا بخشیدن مقداری از دارایی‌اش به دیگری وصیّت می‌نماید می‌تواند در آن تجدیدنظر نماید و هر گونه که خواست آن را تغییر بدهد. و کسی که دارای وارث است، جایز نیست بیش از یک سوم اموالش را برای دادن به دیگران وصیّت کند. زیرا رسول خدا ﷺ در پاسخ به سؤال حضرت سعد رضی الله عنه که پرسید: «آیا می‌توانم دو سوّم مالم را به دیگری ببخشم؟ در جواب فرمود: «نه». سعد پرسید: می‌توانم نصف آن را صدقه بدهم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «نه». سعد گفت: یک سوّم آن چی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «هر چند یک سوم هم زیاد است اما می‌توانی آن را صدقه بدهی. زیرا اگر تو وارثانت را ثروتمند بر جای بگذاری بهتر از آن است که محتاج دیگران باشند.» [بخاری و مسلم]

و وصیت کردن - هر چند اندک هم باشد - برای کسی که خود وارث است، جایز نیست، مگر آنکه وارثان دیگر پس از مرگ متوفی به آن وصیت راضی باشند. زیرا رسول خدا ﷺ فرموده است:

«خداوند حق هر صاحب حقی را معین فرموده است، وصیتی برای وارث وجود ندارد، مگر آنکه دیگر وارثان به آن راضی باشد». [ترمذی]

و پیش از پرداخت همه‌ی بدهکاری‌های متوفی، به وصیت‌های او عمل نمی‌شود، زیرا حضرت علی رضی الله عنه فرموده است:

«رسول خدا ﷺ به پرداخت قرض قبل از اجرای وصیت قضاوت فرموده است.»

[ترمذی]

زیرا پرداخت قرض، واجب و وصیت نوعی تبرّع و بخشش است، و واجب بر مستحب مقدم می‌باشد.

### پرداخت بدهکاری‌های میت

چنانچه میت بدهکار باشد، پیش از هر چیز لازم است بدهکاری‌های وی پرداخت شوند. زیرا رسول خدا ﷺ از خواندن نماز بر روی جنازه‌ی انسان بدهکار پیش از پرداخت آن، خودداری می‌کرد و می‌فرمود:

«روح انسان مسلمان تا وقتی که بدهکاری‌هایش پرداخت نشود، در بند بدهکاری

او است». [بخاری]

و حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: مردی فوت کرد، او را غسل داده و کفن کردیم و بوی خوش به او زدیم و آن را برای پیامبر ﷺ در محل مخصوص جنازه نزد مقام جبرئیل قرار دادیم. پیامبر ﷺ را برای خواندن نماز خبر کردیم. چند قدمی با ما آمد، سپس فرمود: شاید دوست شما دینی بر گردن داشته باشد. گفتند: بله، دو دینار بدهکار است. پیامبر ﷺ برگشت. مردی از ما که به او «ابوقتاده» گفته می‌شد به او گفت: ای رسول خدا ﷺ! پرداخت آن دو دینار بر عهده‌ی من. پیامبر ﷺ چند مرتبه فرمود: آیا آن دو دینار بر عهده‌ی تو است و از مال تو پرداخت می‌شود و میت از آن بری است؟ گفت: بله. سپس برای او نماز خواند. بعد از آن پیامبر ﷺ هر وقت ابوقتاده را می‌دید، می‌فرمود: با آن دو دینار چه کردی؟ بعد از مدتی ابوقتاده گفت: ای رسول خدا ﷺ! آن‌ها را پرداخت کردم. پیامبر ﷺ فرمود: الان عذاب از او برداشته شد. [بیهقی]

هر وصیّتی که هدف از آن زیان رساندن به دیگران باشد، حرام و مردود است

﴿...عَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ...﴾ [النساء: ۱۲]



توضیح موضوع: اسلام نه فقط ضرر رسانی در زندگی، بلکه زیان رساندن پس از مرگ را نیز مردود می‌داند. و در وصیّت باید حال وارثان را مراعات کرد تا به آنان زیان نرسد.

و ضرر رسانی در وصیّت از گناهان کبیره است و از جمله‌ی مصادیق ضرر رسانی در وصیّت این امور می‌باشند که عبارتند از:

۱. برای کسی به چیزی اقرار کند که بر ذمه‌ی وی نبوده است. یا برای کسی چیزی را وصیّت کند و هدفش از این اقرار و وصیّت جز زیان رساندن به ورثه چیز دیگری نباشد.

۲. هر گاه وصیّت به مقداری بیش از یک سوم مجموع مال باشد، چرا که در روایات متعددی از پیامبر ﷺ نقل شده که وصیّت تا یک سوم مال مجاز است و زائد بر آن ممنوع می‌باشد. بنابراین آنچه در میان افراد ناآگاه معمول است که تمام اموال خود را از طریق وصیّت تقسیم می‌کنند، به هیچ وجه از نظر قوانین اسلامی صحیح نیست.

۳. در آنجا که وصیّت به ظلم و گناه و کار خلاف کرده باشد، مثل اینکه وصیّت کند قسمتی از اموالش را صرف توسعه‌ی مراکز فساد کنند و...

بنابراین هر اقراری به بدهکاری، یا هر وصیّتی که هدف از آن زیان رساندن به ورثه باشد، باطل و مردود است و هیچ چیز از آن اجرا نمی‌شود، نه ثلث و نه کمتر از آن.

شتاب کردن در پرداخت بدهکاری‌های میّت

﴿...مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ...﴾ [النساء: ۱۱]

﴿...مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ... مِّن بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ... مِّن بَعْدِ وَصِيَّةٍ

يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ...﴾ [النساء: ۱۲]

## وصیت برای خویشاوندانی که از دارایی میت ارث نمی‌برند

﴿...إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَآئِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾ [الأحزاب: ۶]



توضیح موضوع: کسانی که دارای ثروت و اموال فراوانی هستند و وارثان آن‌ها هم از وضع مالی خوبی برخوردارند، مستحب است که به مقدار کمتر از یک سوّم برای خویشاوندانی که نادر و فقیراند، و از نظر شرعی وارث آن‌ها به حساب نمی‌آیند، وصیت و سفارش نمایند.

## فرائض (میراث)

﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ [النساء: ۷-۸]

﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلَا بُوَّةَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ آبَاؤُهُ فَلِأُمَّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ الشُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَأَبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۱]

﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُن لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَلَلَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾ [النساء: ۱۱-۱۲]

﴿يَتَأْتِيهَا الدِّينَ ءَامِنُونَ لَا يَجُلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا...﴾ [النساء: ۱۹]

﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنَّ أَمْرُؤًا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا أُثْتَيْنِ فَلَهُمَا النِّصْفَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [النساء: ۱۷۶]



**توضیح موضوع:** در اسلام احکام و قوانین بسیاری وجود دارند که از طغیان مالی و اقتصادی سرمایه‌داران و همچنین از کسانی که در واقع طرفدار هرج و مرج اقتصادی هستند، جلوگیری می‌نماید، زیرا احکام اسلام در ارتباط با همه‌ی امور حد وسط را برمی‌گزیند و از افراط و تفریط پرهیز می‌نماید. در مورد تقسیم ارث هم از بین طغیان سرمایه‌داری و هرج و مرج مارکسیستی حد میانه را در پیش گرفته است.

و اینکه اسلام قضیه‌ی تقسیم ارث را بر مبنای اصول و موازینی خاص - در ارتباط با زندگی مرد و زن و خانواده و جامعه - دارای حکمت‌هایی است که بایستی مورد ملاحظه قرار گیرند.

در رابطه با زندگی زن و مرد، اسلام به مسئولیت مرد در زمینه‌ی تأمین مخارج زندگی زن و فرزندان نگاه نموده، به صورتی که همه‌ی لوازم و مخارج زندگی از دوش زن برداشته شده و بر عهده‌ی شوهر او نهاده شده است.

بر همین اساس عدالت ایجاب می‌نماید که به مرد سهمی بیشتر از سهم زن تعلق بگیرد تا بتواند به مسئولیت‌های سنگین در زمینه‌ی تأمین مخارج زندگی زن و فرزندان عمل نماید و سهمی هم که به زن داده می‌شود، تنها به خاطر احتیاط است که ممکن است به خاطر حوادث و مسائلی، شوهر یا پدر و مادر و... نتوانند مخارج زندگی او را تهیه نمایند.

اما حکمت تقسیم ارث در زندگی خانوادگی: اسلام از این دیدگاه به تقسیم ارث می‌نگرد که توزیع آن میان اقوام و خویشاوندان، سبب صفا و صمیمیت و ارتباط بیشتر میان آن‌ها می‌شود و هر یک تمام سعی خود را برای محافظت از مصالح طرف مقابل به کار می‌گیرد. اما هر گاه اموال شخص فوت شده تنها در میان تعدادی از آن‌ها تقسیم شود، و دیگران از آن محروم گردند، زمینه‌ی کینه و دشمنی و تفرقه را میان آنان فراهم می‌نماید.

در مورد حکمت تقسیم ارث در زندگی اجتماعی باید گفت که اسلام از طریق احکام تقسیم ارث، دو خطر بسیار بزرگ را از جامعه دور گردانیده است:

**اول:** گرد آمدن ثروت و اموال در دست تعدادی اندک که باعث غرور و طغیان اقتصادی و مالی و تحریک طبقات مستمند بر علیه ثروتمندان می‌گردد.

**دوم:** محروم نمودن همه‌ی افراد خانواده از ثمره‌ی تلاش‌های پدران و فرزندان و همسران و خویشاوندان؛ آن‌هایی که با هم ارتباط نسبی و سببی و قرابت و احساس مسئولیت متقابل دارند، که در این صورت زمینه‌ی ناهنجاریهای بسیاری را فراهم می‌نماید.

اما اسلام اموال بر جای مانده از شخص فوت شده را میان خویشاوندان او تقسیم می‌نماید و از دادن آن به یک نفر معین جلوگیری می‌نماید، و با این کار از طغیان مالی پیشگیری می‌کند - از طرف دیگر - اسلام آن اموال را به حکومت هم نمی‌دهد، که در نتیجه همه‌ی خویشاوندان از آن محروم گردند، زیرا چنین اقدامی پیامدهای ناگوار اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد. و حتی از طغیان و سرکشی و جمع شدن سرمایه در دست یک نفر برای جامعه زیانبارتر است. [ر.ک: اسلام آیین زندگی، صص ۳۶۵-۳۶۶]

در حقیقت شریعت اسلام، قانون ارث را وضع و رعایت آن را واجب نموده است تا از جمع شدن ثروت در نزد عده‌ی کمی که باعث اختلاف طبقاتی خواهد شد جلوگیری نماید. قانون ارث در اسلام کمک بزرگی است برای توزیع ثروت بر هر تعداد وارثی که موجود باشند، و باعث گسترش دایره‌ی استفاده از مایملک متوفی می‌باشد، چرا که اولاد اعم از دختر و پسر، همه از پدرشان ارث می‌برند. برخلاف قوانین برخی از کشورهای اروپایی که اگر پدر فوت کرد تمام ثروتش به پسر بزرگ منتقل می‌شود که این امر موجب تراکم ثروت در نزد یکی از افراد خانواده می‌شود و در نتیجه بقیه با چشم حسرت و حسد و کینه و عداوت به او نگاه می‌کنند. «گوستاو لوبون» در کتاب خود «تمدن عرب» می‌نویسد:

«قوانین ارث در اسلام که قرآن به صراحت آن‌ها را بیان نموده است، از عدالت و انصاف فراوان برخوردار است. شریعت اسلام در بحث ارث حقی برای همسر متوفی در نظر گرفته است که ما نظیر آن را در قوانین خود مشاهده نمی‌کنیم در حالی که گمان می‌برند که مردان مسلمان با همسرانشان معاشرت خوبی ندارند!» [حضارة العرب، ص ۴۱۶]



و اگر هر کس به دقت فلسفه‌ی تقسیم ارث را بررسی نماید، تصدیق خواهد کرد که قانون ارث در اسلام دربردارنده‌ی بزرگترین عامل و انگیزه برای تلاش و کوشش ثروتمندان در بدست آوردن مال، و علاقه‌ی ایشان به کار و تلاش می‌باشد که انسان را وادار می‌سازد با تحمّل فشارهای شبانه‌روزی و صرف نیروی فراوان بر ثروت و مال خود بیفزاید و در عین حال از اسراف و تبذیر و بدخرجی پرهیز کند، چون می‌داند تا خود زنده است از ثمرات آن بهره‌مند می‌باشد و می‌تواند به مستحقان کمک کند و آن را در راه خیر و صلاح خرج نماید، و بعد از مرگش به فرزندان و پدر و مادر و نزدیکانش خواهد رسید. اما وقتی که بداند ثروتی را که با خون جگر جمع نموده است و در راه آن عمر خود را صرف کرده است، بعد از مرگش به دولت خواهد رسید و بچه‌هایش از آن محروم می‌شوند، علاقه و انگیزه‌ای برای جمع‌آوری مال و نگهداری از آن نخواهد داشت.

آری رسیدن ارث به فرزندان و پدران و مادران و خویشاوندان نزدیک، انگیزه‌ی فعالیت و کار و تلاش بیشتر است و اگر انسان بداند که اموالش به فرزندان و پدران و مادران و... نمی‌رسد، چندان تحرک از خود نشان نمی‌دهد. در فرانسه هنگامی که قانون ارث لغو شد، فعالیت‌های اقتصادی نیز ضعیف شد!

**بچه‌ای که از زن لعان کننده متولد شود، به او داده می‌شود و از مادر ارث برده و مادر نیز از او ارث می‌برد، ولی از پدر (شوهر زن) ارث نبرده و پدر نیز از او ارث نمی‌برد**

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ أَحْدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٦﴾ وَالْخَمِيسَةُ أَنْ لَعَنَتِ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٧﴾ وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٨﴾ وَالْخَمِيسَةُ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٩﴾﴾ [النور: ۶-۹]



توضیح موضوع: هر گاه زن و شوهر ملاعنه کردند، با لعان کردنشان، احکام زیر اجرا

می‌شود:

الف) جدایی بین آن دو: ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله زن و مردی از انصار را ملاعنه داد و آن‌ها را از هم جدا کرد. [بخاری و مسلم]

ب) تحریم ابدی: حضرت سعد رضی الله عنه می گوید: سنت دربارہی زن و مردی که لعان کنند، این است که بین آن‌ها جدایی انداخته شود و هرگز نتوانند دوباره با هم ازدواج کنند.

ج) بچه‌ای که از زن لعان کننده متولد شود، به او داده می‌شود: ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بین زن و شوهری ملاعنه داد، مرد فرزندش را از خود نفی کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را از هم جدا و فرزند را به زن داد. [بخاری و مسلم]

د) ثبوت ارث بین زن ملاعنه و فرزندش: سهل بن سعد رضی الله عنه می گوید: بعد از لعان زن و شوهر، سنت بر این تثبیت گردید که زن و مرد متلاعن از هم جدا شوند و اگر آن زن حامله بود، فرزند به مادرش نسبت داده می‌شود. و سنت دربارہی میراث زن بر این شد که زن از فرزندش، و فرزند از او به اندازه‌ای که خداوند تعیین کرده است، ارث می‌برد. [بخاری و مسلم]

ه) کودک مورد لعان بر شوهر قبلی مادرش، هیچ‌گونه حق ارث و نفقه‌ای ندارد.

### اموال یتیمان

﴿وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْرَ بِالْظَلِيمِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾ [النساء: ۲]

﴿وَأَبْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ ءَأَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشَدًا فَأَدْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ [النساء: ۶]

﴿وَلِيَحْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ [النساء: ۹-۱۰]

﴿وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمَّى النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْثِقُنَّهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿٢٧﴾﴾ [النساء: ۱۲۷]

﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾﴾ [الإسراء: ۳۴]



**توضیح موضوع:** یتیمان در بسیاری از موارد دارای اموالی هستند که باید با دقت و امانت برای آینده‌ی آن‌ها حفظ شود و چه عمل زشتی بدتر از خوردن مال یتیمان است و لذا در قرآن، تعبیرات شدیدی پیرامون تصرف‌های ناروا در اموال یتیمان دیده می‌شود که صریحترین آن‌ها این آیه است که می‌گوید: «کسانی که اموال یتیمان را به ناحق تصرف می‌کنند، در حقیقت آتش خورده‌اند».

قرآن برای برانگیختن عواطف مردم در برابر وضع یتیمان اشاره به حقیقتی می‌کند که گاهی مردم از آن غافل می‌شوند، و آن اینکه: شما با یتیمان مردم همانگونه رفتار کنید که دوست می‌دارید با یتیمان شما در آینده رفتار نمایند؛ منظره کودکان بی‌پناه، و اطفال بی‌سرپرست خود را که تحت تکفل و سرپرستی انسانی سنگدل و خائن قرار گرفته که نه به احساسات آن‌ها پاسخ مثبت می‌دهد و نه در اموال آن‌ها رعایت عدالت می‌کند در نظر بگیرید، این منظره‌ی دردناک چه اندازه شما را ناراحت می‌کند؟ و چه قدر به آینده‌ی فرزندان خود علاقمندید؟ همان اندازه نسبت به فرزندان و یتیمان دیگران علاقمند باشید و از ناراحتی آن‌ها ناراحت شوید!

کسی که بمیرد و یتیمانی از خود بر جای بگذارد، بر مسلمانان لازم است یک نفر از افراد امین و درستکار را به عنوان سرپرست و قیم اموال یتیم یا یتیمان او قرار دهند تا به نحو احسن ثروت و دارایی آن‌ها را تا زمان رسیدن به سن بلوغ و رشد اداره کند و از ضایع شدن آن جلوگیری کند، اما وقتی که یتیم یا یتیمان به سن بلوغ و رشد رسیدند، قیم حق ندارد فوراً اموالشان را به ایشان تحویل دهد، بلکه باید آنان را آزمایش و امتحان کند تا معلوم شود که توانایی اداره‌ی آن را دارند، آنگاه مال را به ایشان

تحويل دهد، ولی هنگامی که دید هنوز رشد لازم برای اداره‌ی اموال را ندارند و آن را از بین می‌برند، نباید تا زمانی که رشد و تکامل پیدا می‌کنند، اموال را به آنان تحويل دهد. آیه‌ی ششم سوره‌ی نساء به سرپرستان یتیمان دستور می‌دهد تا آنان را قبل از رسیدن به سنّ بلوغ و رشد با در اختیار قرار دادن ثروت جزئی، آزمایش کنند و آنان را در اداره‌ی امور زندگی شرکت دهند تا با انجام تمرینات لازم استعداد و آمادگی آنها برای اداره‌ی مستقل ثروت خویش ظاهر شود تا اینکه به سنّ ازدواج می‌رسند، وقتی که به این سنّ رسیدند و استعداد و رشد و آگاهی برای اداره‌ی اموال در آنان مشاهده شد، باید ثروتشان را به خودشان باز پس دهند تا خودشان آن را اداره کنند.

سپس خداوند متعال سرپرست یتیمان را از خوردن مال آنان منع می‌کند و می‌فرماید: اموال یتیمان را با اسراف و تبذیر و با عجله و شتاب نخورید و به خود بگویید که پیش از آنکه بزرگ شوند و اموال را از دست ما باز پس بگیرند، آن را هر گونه که بخواهیم خرج می‌کنیم!

سپس به سرپرستان یتیمان دستور می‌دهد که هر کس که ثروتمند است از دریافت اجرت سرپرستی و دست زدن به مال ایشان خودداری کند و هر کس که نیازمند باشد به طرز شایسته و به اندازه‌ی حق الزحمه‌ی خود و نیاز عرفی از آن بخورد.

و در آخر خداوند ﷻ به سرپرستان امر می‌فرماید که به هنگام تحويل دادن اموال یتیمان به آنان، باید افرادی را بر آن شاهد قرار دهند تا مردم بدانند که سرپرست با نیت پاک، سرپرستی خود را انجام داده است و ضمناً اختلاف و دعوایی هم به وجود نیاید.

### ممانعت از تصرف در اموال («حجر»)

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا  
وَأَكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ [النساء: ۵]



توضیح موضوع: «حجر»: به معنای جلوگیری از دخل و تصرف انسانی سفیه، دیوانه، کودک یا مُفلس در اموال و دارایی خود است. بنا بر آیات قرآن و احادیث نبوی ﷺ، حجر و جلوگیری از دخل و تصرف انسانی در اموال و دارایی خود، از طریق مراجع ذی صلاح، جایز است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا  
وَأَكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ [النساء: ۵]

«اموال کم خردان را که در اصل اموال شما است به خود آنان تحویل ندهید. چرا که خداوند اموال را برایتان قوام زندگی گردانده است. از ثمرات آن خوراک و پوشاک ایشان را تهیه کنید و با سخنان شایسته با آنان گفتگو کنید و ایشان را نیاززاید و با ایشان بدرفتاری نکنید.»

و زمانی که حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه بیش از حد بدهکار گردید، رسول خدا صلی الله علیه و آله او را از دخل و تصرف در اموالش منع فرموده و دارایی او را به فروش رسانید و همه‌ی بدهکاری‌های او را پرداخت نمود. [دار قطنی و حاکم]

کسانی که از تصرف در اموالشان منع می‌شوند و قانون «حجر» با ممانعت از تصرف در اموال بر آن‌ها اعمال می‌شود، عبارتند از:

۱. **کودکان:** کودکانی که به حد بلوغ نرسیده‌اند، بدون اجازه‌ی پدر و مادر و وصی جایز نیست که در اموال خود دخل و تصرف بنمایند و معاملات مالی انجام بدهند تا رسیدن به حد بلوغ این ممانعت ادامه پیدا می‌کند، و پس از بلوغ هم اگر آثار نادانی و ندانم کاری در او مشاهده شود، تا زمان رسیدن به تجربه و پختگی ممنوعیت معامله‌ی او بدون مشورت ادامه پیدا می‌کند.

۲. **سفیه:** به کسی سفیه و نادان گفته می‌شود که اموال و دارایی خود را به خاطر آنکه خیر و مصلحت خود را به خوبی تشخیص نمی‌دهد، در کارهای بیهوده و معاملات ناشیانه به کار می‌گیرد، پس از درخواست خانواده و نزدیکان از بذل و بخشش و خرید و فروش او تا زمانی که سر راه نیاید و پختگی کافی را کسب نکند، جلوگیری می‌شود، و چنان‌چه پس از قرار «حجر» و ممنوعیت، معامله‌ای را انجام بدهد، معامله‌اش باطل است، اما معاملات پیش از حجر او صحیح است.

۳. **دیوانه:** دیوانه کسی است که نیروی اندیشه و تصمیم‌گیری او دچار اختلال گردیده است. هر گونه تصرفات مالی آدم دیوانه پیش از بهبودی، ارزش اجرایی ندارد.

۴. **بیمار:** چنان‌چه کسی دچار بیماری یا حادثه‌ی سختی بشود که احتمال فوت او زیاد باشد، ورثه‌ی او می‌توانند تقاضای حجر نموده و مانع تصرفات مالی‌اش

بشوند و تا زمانی که بهبودی پیدا می‌کند، تنها اجازه می‌یابد که در حد خوراک و پوشاک و مسکن و هزینه‌های پزشکی در اموال خود دخل و تصرف بنماید.

۵. مُفلس: شخص بدهکاری که بدهکاری‌اش به حدی زیاد شود که همه‌ی دارایی او را فرا گیرد و حتی همه‌ی ثورت او کفاف پرداخت قرض‌هایش را نکند. بنابراین هر گاه طلبکاران درخواست کنند، بدهکار از دخل و تصرف در اموال خود منع می‌گردد.

## «معاملات»

تجارت - خريد و فروش - سلف يا سلم - كار و تلاش

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ...﴾ [البقرة: ١٩٨]  
 ﴿...ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا...﴾ [البقرة: ٢٧٥]  
 ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِيَدَيْنِ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَآكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِّن رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْب الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَؤُا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَفْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ...﴾ [البقرة: ٢٨٢]  
 ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً

عَنْ تَرَاضٍ مِّنكُمْ...﴾ [النساء: ٢٩]

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا<sup>ط</sup>  
 وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ<sup>ج</sup> وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ...﴾ [النساء: ٣٢]  
 ﴿...وَلَا ءَامِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا...﴾ [المائدة: ٢]  
 ﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا<sup>ط</sup>  
 وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾﴾ [النحل: ١٤]

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ ۖ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ...﴾ [الإسراء: ١٢]

﴿رَبُّكُمُ الَّذِي يُزَيِّجُ لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾﴾ [الإسراء: ٦٦]

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ...﴾ [الحج: ٢٨]

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ...﴾ [النور: ٣٧]

﴿وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾﴾ [القصص: ٧٣]

﴿وَمِن آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّن فَضْلِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾﴾ [الروم: ٢٣]

﴿...وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ ۗ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الروم: ٤٦]

﴿...وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَآخِرَ لِّتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [فاطر: ١٢]

﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ۗ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ

وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾﴾ [الجناب: ١٢]

﴿... إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ...﴾ [١] فَإِذَا

فُضِّيتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...﴾ [٢] وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا

أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ

الرَّزَاقِينَ ﴿١١﴾﴾ [الجمعة: ٩-١١]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْسُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۗ وَإِلَيْهِ

النُّشُورُ ﴿١٥﴾﴾ [الملك: ١٥]

﴿...وَأَخْرُونَ يَصْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...﴾ [٣]﴾ [المنزل: ٢٠]

﴿لَا يَلْفُفُ قُرَيْشٌ ١١ إِهْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ١٢﴾ [قريش: ١-٢]





توضیح موضوع: «تجارت»: پیامبر ﷺ می فرماید:

«تاجر صادق و امین در روز قیامت، همراه پیامبران و صدیقین و شهداء است.»

[ترمذی و حاکم]

و این همان تاجری است که در خرید و فروش و سایر معاملات خود به امانتداری و راستگویی پایبند و متعهد می‌باشد، چنین تاجری در روز قیامت با پیامبران و راستگویان و شهیدان محشور می‌گردد. و در حدیثی دیگر از پیامبر خدا ﷺ آمده است که می‌فرماید:

«تاجران و کاسبان واقعی کسانی هستند که هر گاه به سخن آیند، دروغ نگویند و هر گاه وعده دهند، خلاف نکنند و هر گاه امانتی به آنان سپرده شود، در آن خیانت نکنند و هنگام فروش، به مدح و تعریف کالای خود نمی‌پردازند و هنگام خرید، کالای دیگران را نکوهش نمی‌کنند، در طلب خود بر دیگران سخت نمی‌گیرند و بدهی‌های خود را به مردم تأخیر نمی‌اندازند و به فراموشی نمی‌سپارند.» [بیهقی]

بنابراین هر تاجری که تجارتش او را از واجبات دینی‌اش باز ندارد، تاجری که زکات مال خود را پرداخت نماید، تاجری که نسبت به احکام و قوانین خداوند متعال متعهد و پایبند باشد، تاجری که حرص و طمع او را به احتکار کالا و بالا بردن قیمت‌ها برای مسلمانان وادار ننماید، تاجری که از غش و تقلب و سوگندهای دروغین و معاملات حرام به دور ماند و قوانین پروردگار جهان را به خوبی مراعات نماید و از آن سربچی نکند و خارج نگردد و پیوسته در تمام مراحل زندگی‌اش اوامر و فرامین تابناک الهی و تعالیم و آموزه‌های تعالی‌بخش و سعادت‌آفرین نبوی و احکام و دستورات دقیق و ژرف شرعی و حقایق و مفاهیم والای قرآنی را نصب‌العین و آویزه‌ی گوش خویش قرار دهد، و تاجری که نه تجارت و نه داد و ستد وی را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول ندارد، در روز قیامت همراه صدیقین و شهداء و پیامبران و صالحان خواهد بود.

«سلف» یا «سلم»: معامله‌ی کالایی تعریف شده و معین است که قرار است بعداً تحویل مشتری داده شود. بدین صورت که مشتری جنسی را با اوصاف دقیق و بیان کیفیت، مانند: برنج طارم درجه یک، یا خرما ی درجه یک بم ... از کشاورز یا

باغداری می‌خرد و بهای آن را پرداخت می‌کند و منتظر فرا رسیدن زمان تحویل می‌ماند، و پس از فرا رسیدن زمان تحویل جنس مورد معامله، فروشنده آن را با توجه به کیفیت مورد توافق، تحویل خریدار می‌دهد.

و در حقیقت سلم یکی از انواع معاملات مشروع است که رسول خدا ﷺ درباره‌ی آن می‌فرماید:

«هر کس که در چیزی سلم می‌نماید، آن را با پیمانۀ یا وزنی معین و برای مدتی مشخص معامله کند». [بخاری و مسلم]

خاطر نشان می‌شود که «سلم» دارای شرایطی است که با مراعات آنان، معاملۀ سلم صحیح می‌شود، و این شرایط عبارتند از:

۱. بهای آن نقد باشد، تا از معاملۀ جنسی ربوی با نوع خود پرهیز شده باشد.
۲. نوع و کیفیت و مقدار جنس مورد معامله به صورتی دقیق معلوم و مشخص شود تا زمینۀ ایجاد اختلاف و نگرانی طرفی از طرف دیگر برطرف شود و موجب عداوت و دشمنی و کینه نگردد.
۳. زمان و مکان تحویل جنس مورد معامله، مشخص و معین شود.
۴. فروشنده مبلغ و پول را در مجلس معامله از خریدار تحویل بگیرد تا به صورت عمد یا غیر عمد به معاملۀ حرام قرضی در مقابل قرض دچار نشوند.
۵. مدت زمانی که قرار است برای تحویل جنس مورد معامله در نظر گرفته شود به اندازه‌ای باشد که امکان تغییر وضعیت قیمت‌ها در بازار وجود داشته باشد، مانند یک ماه و دو ماه و... زیرا «سلم» برای مدتی بسیار کم، صورت بیع را پیدا می‌کند و در آن شرط است که جنس مورد معامله از طرف خریدار معاینه و مشاهده بشود.
۶. زمان تحویل جنس، زمانی باشد که آن جنس عادتاً وجود داشته باشد، برای مثال: معاملۀ خرما که در فصل بهار تحویل داده شود، یا انگور که در زمستان تحویل شود صحیح نیست، و زمینۀ اختلاف و ناراحتی را فراهم می‌نماید.

### «کار و تلاش»

کسب و کار و تلاش اقتصادی با توجه به همه‌ی بخش‌ها و زمینۀ‌های گوناگونش، چنان‌چه با نیت نیکو و با روشی علمی و درست انجام پذیرد و حدود خداوند در آن‌ها

مورد توجه قرار گیرد، از بهترین و زیباترین اسباب نزدیکی به خداوند به حساب می‌آید. به ویژه کارهای تولیدی مانند: کشاورزی و صنعت و معدن و...

رسول خدا ﷺ مردم را توجیه فرموده که هر گونه کار و حرفه‌ای هر چند کم و بی‌ارزش هم باشد، از دست دراز نمودن و درخواست کمک از دیگران بسیار بهتر و محترمانه‌تر است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«اگر کسی از شما طنابی بر دوش اندازد و به کوه برود و پشته‌ای چوب بیاورد و آن را بفروشد، خداوند او را روسفید و سربلند می‌گرداند و این کار او بسیار بهتر است از سؤال و گدایی از مردم، چه به او کمک بکنند یا نکنند!» [بخاری]

در مورد تشویق به فراگیری حرفه و شغل می‌فرماید:

«هیچ طعامی گواراتر از طعامی که با نتیجه‌ی کار و عمل خویش تهیه کرده باشید نیست، و حضرت داود (با اینکه پادشاه بود) از حاصل کار و دست رنج خویش، مخارج زندگی‌اش را تهیه می‌کرد». [بخاری]

در ارتباط با تشویق مسلمانان به کار کشاورزی و باغداری می‌فرماید:

«هر مسلمانی که درختی را در زمینی بکارد و دانه‌ای را در زمین بپاشد، و انسان و پرنده و حیوانات از آن بخورند، برای او صدقه و احسان خواهد بود». [بخاری]

یکی از زیباترین سخنان رسول خدا ﷺ در مورد ارزش کار آن است که می‌فرماید:

«هر گاه زمان قیامت فرا رسد و در آن لحظه نهالی را در دست داشتید و فرصت

می‌کردید آن را در زمین بکارید، این کار را انجام بدهید». [احمد]

این تعالیم و آموزه‌ها و فرامین و سفارش‌های تابناک رسول خدا ﷺ، نشانگر آن هستند که ذاتاً کار و تلاش امری مطلوب و مفید است و لازم است انسان تا آخرین ثانیه‌های زندگی بر روی زمین از کار و تلاش دست بردار نشود.

کار عبادت و مایه‌ی قرب خداوند است و چنانچه مسلمانان به اهمیت این رهنمودها آگاهی می‌یافتند و توجه کافی می‌نمودند، خیر و برکات آسمان‌ها و زمین بر آنان باریدن می‌گرفت و دور و برشان را نعمت و خیرات فرامی‌گرفت و از نظر تولید و ثروت در میان دیگر جامعه‌ها پیشقدم می‌شدند و سربار و وابسته به دیگران نمی‌گردیدند. در عین اینکه بیشتر زمین‌های آنان، زمین‌های زراعی و قابل کشت هستند، برای قوت و غذای روزانه‌ی خویش نیاز به واردات مواد غذایی از دیگر کشورها

دارند. برای پاسداری از حرمت و حیثیت خویش به اسلحه‌ی دیگران نیازمند می‌باشند، و چنانچه بیگانگان از فروش مواد غذایی و اسلحه به آن‌ها خودداری کنند، دچار گرسنگی و مرگ مادی و ذلت و مرگ معنوی و دنیوی و اخروی می‌شوند. و برآستی که کار و تلاش بهترین و زیباترین اسباب نزدیکی به خداوند به حساب می‌آید، به شرطی که با نیت نیکو و با روشی علمی و درست انجام پذیرد و حدود خداوند در آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.

### «رهن» (گرو)

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَنَّ مَقْبُوضَةً فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتَهُ وَلِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ...﴾ [البقرة: ۲۸۳]



**توضیح موضوع:** «رهن»: مال و کالایی را به عنوان پشتوانه‌ی قرض دادن که بتوان در صورت لزوم، طلب را از آن وصول نمود، «رهن» می‌نامند. بدین صورت که یک نفری از دیگری مبلغی را به عنوان قرض درخواست می‌کند. درخواست‌شونده هم برای اطمینان از بازگردانیدن مال خود از درخواست‌کننده‌ی قرض می‌خواهد زمین، ساختمان یا اتومبیل و... را برای اطمینان خاطر او در اختیارش قرار بدهد تا در صورت لزوم بتواند با فروش آن طلب خود را وصول نماید. در اصطلاح فقهی، قرض‌دهنده را «راهن»، قرض‌گیرنده را «مُرتهن» و چیزی را که برای وصول قرض از آن، گرو گذاشته می‌شود «رهن» می‌نامند.

بنا بر دلایلی از قرآن و سنت رسول خدا ﷺ رهن کاری است مشروع. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَنَّ مَقْبُوضَةً...﴾ [البقرة: ۲۸۳]

و پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«جلو استفاده مالک مال مرهون از آن گرفته نمی‌شود و فوایدش متعلق به اوست، اما در گرو بدهکاری اوست و در صورت لزوم بدهکاری‌اش را از آن باید بپردازد». [دار قطنی]

بنابراین مالی که در گرو بدهکاری گذاشته می‌شود، باید تحویل طلبکار بشود و مالک مال رهنی، حق ندارد آن را از طلبکار باز پس بگیرد، اما طلبکار با اختیار و میل خود می‌تواند آن را به بدهکار بازگرداند.

هر گاه سر رسید پرداخت قرض فرا برسد، طلبکار از بدهکار بازگردانیدن طلبش را درخواست می‌کند. چنانچه بدهکار طلب او را بپردازد، طلبکار هم مال گرو گذاشته را تحویل او می‌دهد و چنانچه بدهکار از پرداخت بدهکاری خود ناتوان باشد یا از دادن آن خودداری کند، طلبکار طلب خود را از حاصل و فایده‌ی رهن - اگر حاصل و فایده‌ای داشته باشد - یا از فروش عین آن وصول می‌نماید و چنانچه چیزی از طلب او اضافه داشت، آن را به بدهکار باز می‌گرداند، اما چنانچه مال گرو گذاشته شده کمتر از میزان قرض بود، باقیمانده‌ی آن را به عنوان قرض برعهده‌ی بدهکار باقی می‌ماند.

و مال رهنی در اختیار طلبکار، حالت امانت را دارد، چنانچه در اثر کوتاهی او در نگهداری تلف شود، ضامن و مسئول آن است، اما در صورتی که ثابت شود که کوتاهی نموده، طلب او همچنان برعهده‌ی بدهکار باقی می‌ماند.

### مهلت دادن به بدهکار

﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ...﴾ [البقرة: ۲۸۰]



**توضیح موضوع:** گذشت از تنگدستان و مشکل‌گشایی از گرفتاران و رنجدیدگان و بدهکاران و قشرهای ضعیف جامعه، از بزرگترین کارهایی است که در نزد خداوند ﷻ از پاداش زیادی برخوردار، و از سوی مردم نیز جای سپاس و ستایش را دارد.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«کسی که دوست دارد خداوند او را از رنج و سختی روز قیامت برهاند، دل کسی را تسکین دهد و یا رنجی را از دوش او بردارد».

گاهی انسان، چنان دچار معضلات و مشکلات می‌شود که زمین با این همه فراخی بر وی تنگ می‌شود و دوست دارد که زمین او را در خود فرو برد و از دست قرض‌هایش رهایی یابد. در چنین حالتی طلبکار وقتی قرض‌هایش را می‌بخشد و یا از بعضی از آن گذشت می‌نماید و یا موعد پرداخت را به تأخیر می‌اندازد، مانند این است

که زندگی را به او برگردانیده باشد، یا او را از چنگال مرگ نجات داده باشد. به ویژه تاجری که کارش خرید و فروش و داد و ستد کالا است و در پی بدست آوردن سود بیشتر و ازدیاد ثروت است. هر گاه بعضی از وامی را که بر عهده‌ی بدهکار دارد ببخشد. و یا موعد پرداخت را به تأخیر بیندازد، دلالت بر اخلاص و پاکدلی او از حرص و بخل و انجام نیکی و خیر و طلب اجر می‌کند. و شکی نیست که خداوند از گناهانش درگذرد و با رحمت خود خطاهایش را بیامرزد چون بخشنده و مهربان است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«بازرگانی به مردم وام می‌داد و هر گاه کسی را تنگدست می‌یافت به زیردستانش می‌گفت: از او درگذرید، امید است خداوند از ما درگذرد. به سبب آن خداوند از گناهانش درگذشت.» [بخاری]

به هر حال، گذشت از بدهکار نادار برای مسلمانان بهتر است. زیرا شاید فردا برای خود طلبکار نیز این صحنه پیش آید، و نیز مال فراموش می‌شود، ولی بخشیدن به نادار هرگز فراموش نمی‌شود و علاوه از این‌ها کسب رضایت دل محروم و رضای خالق، از کسب درآمد به مراتب بهتر و بالاتر است.

و نباید فراموش کرد که هر چند در اسلام سفارش شده که به بدهکار مهلت داده شود، ولی نباید بدهکار از این موضوع سوء استفاده کند. لذا اگر بدون عذر در پرداخت بدهی خود تأخیر کند، گناهکار است.

**خرید و فروش اشیای حرام، غصبی، دزدی، یا چیزی که برای بهره‌برداری حرام باشد، مانند: فروش انگور به کسی که از آن شراب می‌سازد، یا فروش اسلحه در زمان جنگ، حرام و نامشروع است**

﴿...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [المائدة: ۲]

**صلح (یا مصالحه)**

﴿وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ...﴾

[البقرة: ۲۲۴]

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ...﴾ [النساء: ۱۱۴]

﴿وَإِن أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...﴾ [النساء: ۱۲۸]

﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ۱۲۹]

﴿... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۱]

﴿وَإِنْ طَافَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقْتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الحجرات: ۹-۱۰]



**توضیح موضوع: «مصالحه»:** توافق نمودن بر قراردادی است که میان دو طرفی که با هم اختلاف داشته‌اند، انجام می‌پذیرد، برای مثال: کسی که ادعا می‌کند از دیگری مبلغ معینی را طلب دارد، شخص دومی هم بدهکاری خود را می‌پذیرد، اما آن مبلغ را نادرست می‌داند، در اینجا برای پرهیز از اختلاف و خصومت و سوگند خوردن شخص دوم، با هم بر سر بخشی از آن مبلغ مصالحه می‌نمایند و موضوع حل و فصل می‌شود. در حقیقت مصالحه عقدی جایز و مشروع است. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾ [النساء: ۱۲۸]

«بر هیچ یک از زن و مرد گناهی نیست که بکوشند به وسیله‌ی صرف نظر کردن زن از برخی از مخارج و همبستری با خود میان خویشتن صلح و صفا راه بیندازند و صلح، همیشه از جنگ و جدایی بهتر است.»

و پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

«مصالحه میان مسلمانان جایز است، مگر مصالحه‌ای که حلالی را حرام، یا حرامی

را حلال بنماید.» [ابوداود و ترمذی]

در مورد اموال به سه صورت مصالحه ممکن است انجام پذیرد:

### ۱- مصالحه‌ی براساس اقرار

مصالحه‌ی براساس اقرار آن است که شخصی ادعا کند که حقی یا طلبی از دیگری دارد، و او هم ادعای مدعی را می‌پذیرد و در مقابل پرداخت چیزی با هم مصالحه می‌کنند. زیرا به خاطر آنکه ادعای مدعی را دروغ ندانسته، او هم در مقابل مبلغی یا بخشی از مورد ادعای خود را به او می‌بخشد.

### ۲- مصالحه‌ی براساس انکار

مصالحه‌ی براساس انکار آن است که شخصی ادعا کند حقی یا طلبی از دیگری دارد، در اینجا «مدعی علیه» موضوع را اساساً انکار می‌کند، اما به خاطر آنکه کارشان به دادگاه و مرافعه کشیده نشود و از شرّ مدعی نجات پیدا کند، در مورد پرداخت مبلغی با هم توافق می‌نمایند.

### ۳- مصالحه‌ی براساس سکوت

مصالحه‌ی براساس سکوت آن است که شخصی ادعا کند که از دیگری طلبی دارد، و مدعی علیه نه آن را تأیید می‌کند و نه آن را تکذیب می‌نماید؛ جایز است که مدعی و مدعی علیه در مورد مبلغی برای حل و فصل نزاع به توافق برسند.

ربا

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۷۵﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۶﴾﴾

[البقرة: ۲۷۵-۲۷۶]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۲۷۸﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿۲۷۹﴾ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿۲۸۰﴾﴾ [البقرة: ۲۷۸-۲۸۰]



﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تُقْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۰]



**توضیح موضوع: «ربا»:** در لغت به معنای زیادی و افزایش است. و در شریعت اسلام به معنای زیاده گرفتن نقدی یا جنسی است که در اموالی به خصوص رباخوار از ربا دهنده می‌گیرد. مورد ربا، یا پول است یا جنس. گاهی پول را قرض می‌دهد و بیش از آنچه داده باز پس می‌گیرد که این ربای در وام است و گاهی جنسی را می‌دهد و مقدار بیشتری از همان جنس را تحویل می‌گیرد که این نیز در مواردی ربا می‌شود. ربا بر دو نوع است: «ربا الفضل» و «ربا النسبئة».

#### «ربا الفضل»

عبارت است از: مقدار جنسی که ربا در آن ممکن است با مقدار بیشتری از همان جنس معامله بشود. برای مثال: معامله‌ی صد کیلو گندم از یک نوع در مقابل یکصد و ده کیلو از همان نوع، معامله‌ای ربوی و حرام است. یا معامله‌ی ۱۰۰ گرم طلای ۱۸ عیار با ۱۱۰ گرم از همان طلای ۱۸ عیار ربا و نامشروع می‌باشد.

#### «ربا النسبئة»

آن است که کسی از دیگری طلبی دارد و زمانی که وقت بازپرداخت آن فرا می‌رسد، خطاب به بدهکار بگوید: یا بدهکاریت را پرداخت کن یا مبلغی را در مقابل تأخیر بازپرداخت به آن اضافه می‌نمایم. و این موضوع ممکن است بارها تکرار شود و مثلاً بدهکاری صد هزار تومانی به چند صد هزار تومان برسد. اینگونه ربا، ربایی بوده که در دوران جاهلیت پیش از اسلام، بیشتر مرسوم بود و قرآن خطاب به اهل ایمان می‌فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۖ﴾ [آل عمران: ۱۳۰]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را دو چندان و چند برابر مخورید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید».

نوعی دیگر از ربا آن است که کسی یا سیستمی مالی، مقداری پول را به مدتی کم یا زیاد به دیگری قرض بدهد و در مقابل مبلغی را بر آن اضافه نماید.

همچنین نوعی دیگر از «ربا النسيئة» آن است که نقود و کالاهایی که ربا در آن‌ها ممکن است مانند: طلا و نقره، گندم و جو و خرما و... یعنی کالاها و موادی که ربا در آن‌ها امکان‌پذیر است به گونه‌ای نامشروع معامله شوند. برای مثال: معامله‌ی یکصد کیلو گندم با یکصد کیلو برنج برای مدت دو ماه، یا ده مثقال طلا با یکصد و ده مثقال نقره برای یک مدت معینی، معامله ربوی است.

و آثار تخریبی ربا، و زیان‌های رباخواری را می‌توان در امور ذیل خلاصه کرد که عبارتند از:

۱. رباخواری تعادل اقتصادی را در جامعه‌ها به هم می‌زند و ثروت‌ها را در یک قطب اجتماع جمع می‌کند. زیرا جمعی بر اثر آن فقط سود می‌برند و زیان‌های اقتصادی همه متوجه جمعی دیگر می‌گردد. و اگر می‌شنویم که فاصله‌ی میان کشورهای ثروتمند و فقیر جهان روز به روز بیشتر می‌گردد یک عامل آن همین است و به دنبال آن بروز جنگ‌های خونین است.
۲. رباخواری یک نوع تبادل اقتصادی ناسالم است که عواطف و پیوندها را سست می‌کند و بذر کینه و دشمنی را در دل‌ها می‌پاشد. و در واقع رباخواری بر این اصل استوار است که رباخوار فقط سود پول خود را می‌بیند و هیچ توجهی به ضرر و زیان بدهکار ندارد. اینجا است که بدهکار چنین می‌فهمد که رباخوار پول را وسیله‌ی بیچاره ساختن او و دیگران قرار داده است.
۳. درست است که ربا دهنده در اثر احتیاج، تن به ربا می‌دهد، اما هرگز این بی‌عدالتی را فراموش نخواهد کرد و حتی کار به جایی می‌رسد که فشار پنجه‌ی رباخوار را هر چه تمام‌تر بر گلوی خود احساس می‌کند. این موقع است که سراسر وجود بدهکار بیچاره به رباخوار لعن و نفرین می‌فرستد، تشنه‌ی خون او می‌شود و با چشم خود می‌بیند که هستی و درآمدی که به قیمت جان‌ش تمام شده به جیب رباخوار ریخته می‌شود؛ در این شرایط بحرانی است که ده‌ها جنایت وحشتناک رخ می‌دهد؛ بدهکار گاهی دست به انتحار و خودکشی می‌زند و گاهی در اثر شدت ناراحتی طلبکار را با وضع فجیعی به قتل می‌رساند و گاه به صورت یک بحران اجتماعی و انفجار عمومی و انقلاب همگانی درمی‌آید.

این گسستگی پیوند تعاون و همکاری در میان ملت‌ها و کشورهای ربا‌دهنده و رباگیرنده نیز آشکارا به چشم می‌خورد؛ ملت‌هایی که می‌بینند ثروتشان به عنوان ربا به جیب ملت دیگری ریخته می‌شود، با بغض و کینه و نفرتی خاص به آن ملت می‌نگرند و در عین اینکه نیاز به قرض داشته‌اند، منتظرند روزی عکس‌العمل مناسبی از خود نشان دهند.

این است که می‌گوئیم رباخواری از نظر اخلاقی اثر فوق‌العاده بدی در روحیه‌ی وام‌گیرنده به جای می‌گذارد و کینه‌ی او را در دل خودش می‌یابد و پیوند تعاون و همکاری اجتماعی را بین افراد و ملت‌ها سُست می‌کند. [ر.ک: نمونه/ج ۲، صص ۳۸۰-۳۸۱]

۴. رباخواران، جامعه را از تعادل اقتصادی خارج می‌سازند و تعادل جامعه را نیز به هم زده و موجب تقسیم جامعه به دو قطب مستکبر و مستضعف می‌شود. با توجه به این آثار تخریبی، نه تنها در شریعت مقدس اسلام، بلکه در تمام ادیان آسمانی ربا تحریم شده است. اما برخی به بهانه‌هایی می‌خواهند ربا را توجیه کنند و به دنبال راه فرار هستند. کلاه شرعی ساختن، همانند حيله‌ی یهود برای گرفتن ماهی در روز شنبه، نوعی بازی بیش نیست و قرآن از این‌گونه بازی‌ها انتقاد کرده است. و ربا آثار تخریبی خود را دارد هر چند که جوامع انسانی آن را در سیستم اقتصادی خود پذیرفته باشند. و علت پیشرفت جوامع غربی، توجه آن‌ها به علم و صنعت است، نه اینکه رباخواری موجب ترقی و پیشرفت آن‌ها شده باشد.

به هر حال، حکمت و فلسفه‌ی حرام بودن ربا را می‌توان در دلایل زیر بیان کرد:

الف) محافظت از اموال و دارایی مردم در مقابل بیهوده از دست دادن آن.

ب) توجیه مردم مسلمان برای سرمایه‌گذاری در کارهای کشاورزی، صنعتی، تولیدی و تجارت مشروع که با حيله و خدعه آلوده نشوند.

ج) پیشگیری از عوامل و کارهایی که زمینه‌ساز کینه و دشمنی در میان مردم هستند.

د) پرهیز دادن مسلمانان از کارهایی که زمینه‌ساز گرفتار شدن در گرداب مصائب و مشکلات دنیا و عذاب آخرت باشند. زیرا رباخواری نوعی ستمکاری است و عاقبت ستمکاران چیزی به جز ذلّت و خواری و عذاب نیست.

ه) خداوند با تحریم «ربا» درهای خیر و نیکی و احسان را از طریق «قرض الحسنه» و تعاون و همکاری بر روی اهل ایمان باز نگه‌داشته و زمینه‌ی محبت و الفت را میان آن‌ها فراهم گردانیده است. برآستی که ربا نابودکننده‌ی مال، از بین برنده‌ی برکت، و

زائل کننده‌ی رحمت و سبب دشمنی و موجب هرج و مرج است که زندگی صاحبان ثروت را تهدید می‌کند.

و از آثار شوم رباخواری و استقراض در کشورهای اسلامی، امروزه آن است که بسیاری از زمین‌های وسیع و ساختمان‌های بلند به تملک بیگانگان درآمده است که بهره و سود آن به جیب آن‌ها و بدبختی و شقاوت آن گریبانگیر ما می‌شود که امروز اکثر کشورهای فقیر به صورت مستمرات اقتصادی درآمده‌اند که بدترین انواع استعمار است. به همین دلیل است که پیامبر ﷺ با از گناهان بسیار بزرگ دانسته و بر رباخوار و گیرنده و نویسنده و شاهد آن، لعنت فرستاده است. و در واقع رباخواری، ظلم به جوامع انسانی و خوردن مال دیگران از راه باطل و جنگ با خدا و رسول است و همچنان که قرآن فرموده است، موجب خلود در آتش می‌شود. و چگونه اینگونه نباشد در حالی که شخص رباخوار در هنگام گرانی، شدت فقر و نیاز مردم باید به مردم کمک کند، ببخشد، دست نیازمندان را بگیرد، اما در عوض فرصت را غنیمت می‌شمارد و بمانند زالو به مکیدن خون مردم مشغول می‌شود. یک تومان را به صد تومان می‌دهد، یا بیست درصد و غیره را می‌گیرد که در هنگام بازپرداخت وام، پول کلانی نصیب او می‌شود بدون اینکه زحمتی کشیده باشد و یا در مقابل به جای اینکه برادرش را سبکبار گرداند، کمرش را در زیر بار وام خم نموده و مالی را هم که در زندگی بدست آورده می‌برد!

### کیل و میزان

﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ [الأنعام: ۱۵۲]

﴿...قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ...﴾ [الأعراف: ۸۵]

﴿...وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَبُّكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ﴿۸۵﴾ وَيَقَوْمٌ أَوفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ...﴾ [هود: ۸۴-۸۵]

﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ ﴿۳۵﴾

[الإسراء: ۳۵]

﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿۱۸۱﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿۱۸۲﴾﴾

[الشعراء: ۱۸۱-۱۸۲]

﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿۷﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿۸﴾ وَأَقِيمُوا الزُّنْنَ بِالْقِسْطِ

وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿۹﴾﴾ [الرحمن: ۷-۹]

کم فروشی نکردن و حق پیمانه و وزن را به تمام و کمال و دادگرانه مراعات کردن  
(که نه کم و زیاد بدهند و نه کم و زیاد دریافت کنند)

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿۲﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ

وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿۳﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿۴﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۵﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ

لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۶﴾﴾ [المطففين: ۱-۶]

\*\*\*

توضیح موضوع: بر هر مسلمانی لازم است که در حد امکان در امر وزن و پیمانه عدالت را رعایت کند. هر چند عدالت واقعی امکان پذیر نیست، ولی خداوند کسی را ملزم به انجام کاری نمی نماید که خارج از توان و قدرت او باشد.

قرآن داستان قومی را که در معاملات خود به هم ظلم و ستم می کردند و رعایت عدالت را در وزن و پیمانه نمی نمودند و اجناس را به همدیگر کم می دادند، نقل می کند که خداوند پیغمبری را نزدشان فرستاد تا آنان را به راه راست و عدالت و اصلاح و یکتاپرستی برگرداند. این قوم، قوم حضرت شعیب علیه السلام بودند که با عصبانیت بر ایشان خروشید و آنان را از عاقبت رفتار بدشان بر حذر داشت و گفت:

﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿۱۸۱﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿۱۸۲﴾ وَلَا

تَبَخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۱۸۳﴾﴾ [الشعراء: ۱۸۱-۱۸۳]

«پیمانه را به تمام و کمال بپردازید، و از زمره‌ی کم دهندگان جنس به مردم و کاهندگان اموال ایشان نباشید. و با ترازوی درست، اشیاء و اجناس را بکشید. و اشیای مردم را نگاهید و حقوق ایشان را ضایع نکنید و در زمین تباهی نوزید.»

این معامله نمونه‌ای است که نشان می‌دهد یک مسلمان باید در تمام شئون زندگی و روابط اجتماعی و معاملات خود، صداقت و عدالت را رعایت نماید، و جایز نیست که مسلمان دارای دو نوع پیمانانه و دو نوع ترازو باشد، و یکی را به نفع خود و دیگری را به زیان مردم به کار گیرد. هر گاه چیزی از مردم بگیرد به وسیله‌ی ترازویی باشد که به نفع او است و اگر چیزی به مردم تحویل داد به وسیله‌ی دیگری باشد که کوچک و به زیان مردم است.

و نباید فراموش کرد که کم فروشی هر صنفی متناسب با خودش می‌باشد: معلم، کارگر، نویسنده، فروشنده، مهندس، دکتر و دیگر مشاغل و حرفه‌ها و صنعت‌ها، هر کدام در انجام وظیفه‌ی خود کوتاهی کنند، کم فروشند!

### اجاره

﴿...وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ [البقرة: ۲۳۳]

﴿...فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَأَقَامَهُ ۗ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾ [الكهف: ۷۷]

﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْثِي عَلَىٰ أُسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا...﴾ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حَبِجٍ ط فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ... ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ [القصص: ۲۵-۲۸]

﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ ﴿٣٢﴾ [الزخرف: ۳۲]

﴿...فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَنْتُمْ يُبَيِّنُكُمْ بِمَعْرُوفٍ...﴾ [الطلاق: ۶]



توضیح موضوع: اجاره در لغت یعنی دادن مزد و پاداش. و در اصطلاح شرعی: اجاره قراردادی است لازم الاجراء براساس بهره‌برداری مستأجر از مورد اجاره در مدتی مشخص و با قیمتی معین. براساس آیات بی‌شمار قرآنی (از قبیل: آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره، ۷۷ سوره‌ی کهف، ۲۵ تا ۲۸ سوره‌ی قصص، ۳۲ سوره‌ی زخرف و...) و سنت رسول خدا ﷺ قرارداد اجاره، عقدی صحیح و مشروع است.

البته اجاره دارای شرایطی است که باید مراعات شوند، و شرایط اجاره عبارتند از:

۱. معلوم بودن منفعت و مورد استفاده، مانند: سکونت در منزل، دوختن لباس و... زیرا اجاره نوعی معامله است و آشنایی با جنسی که قرار است مورد اجاره قرار گیرد، لازم است که معلوم و مشخص باشد.

۲. مباح بودن منفعتی که قرار است از مورد اجاره بدست آید. پس اجاره دادن یا اجاره نمودن منزلی برای فسق و فجور، یا مغازه‌ای برای تهیه‌ی شراب و... باطل است.

۳. مشخص بودن مبلغ اجاره. زیرا رسول خدا ﷺ از اجاره نمودن پیش از معلوم شدن مبلغ اجاره نهی فرموده است. [احمد]

۴. اجاره دادن چیزی جایز است که احتمال ماندگاری آن تا پایان مدت اجاره وجود داشته باشد.

و جایز است معلمی برای تعلیم و آموزش دانش یا حرفه‌ای، اجاره و استخدام شود. زیرا رسول خدا ﷺ برخی از اُسرای جنگ بدر را در مقابل سوادآموزی به کودکان مسلمان آزاد فرمود. و پس از عقد اجاره، اجاره بها حقی ثابت برای مستأجر است، و پس از استفاده از مورد اجاره یا تمام شدن کار توسط کارگر، باید حق الاجاره یا حق العمل به او پرداخت بشود. مگر آنکه در مورد پرداخت آن در زمان عقد قرارداد، توافق کرده باشند.

### رضایت دو طرف معامله در بیع

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...﴾ [النساء: ۲۹]



توضیح موضوع: بیع دارای پنج رکن است که بدون آن‌ها معامله نادرست است، و این پنج رکن عبارتند از:

۱. فروشنده: که باید مالک یا وکیل مالک چیزی باشد که به فروش می‌رساند و نیز رشید و عاقل باشد.
۲. خریدار: بایستی در حدی از بلوغ عقلی باشد که تصمیمات او مانع شرعی نداشته باشد، بدین معنی که سفیه و ندانم کار و دیوانه و خردسال نباشد - البته خردسالی که به او اجازه‌ی معامله داده شده باشد، خرید و فروش او جایز است.
۳. مورد معامله: شرط چیزی که مورد معامله قرار می‌گیرد آن است که مباح، پاک و کیفیت آن برای مشتری مشخص باشد، و فروشنده توانایی در اختیار گذاشتن آن را به مشتری داشته باشد.
۴. صیغه‌ی عقد: به عبارت دیگر ایجاب و قبول که خریدار از فروشنده تقاضای خرید فلان جنس را می‌کند، و فروشنده هم با کلام یا عمل آمادگی خود را برای فروش آن اعلام می‌نماید.
۵. رضایت: در هر معامله‌ای رضایت طرفین یا جمعی که دو طرف معامله را تشکیل می‌دهند، شرط معامله است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «خرید و فروش بدون رضایت معنی ندارد.» [ابن ماجه]

## وکالت

﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ﴾ [يوسف: ۵۵]  
 ﴿...فَاتَّبَعُوا أَحَدَكُمْ يَورِقُكُم مِّنْهُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۱۹]



**توضیح موضوع:** وکالت آن است که شخصی به نیابت از دیگری کاری را که نیابت در آن - مانند: خرید و فروش و... - جایز باشد، انجام بدهد.  
 و وکیل و مؤکل هر دو باید دارای شرایط دخل و تصرف باشند و برای انجام همه‌ی عقود و معاملات شخصی مانند: خرید و فروش، نکاح، برگردانیدن همسر، و فسخ گردانیدن عقود مانند: طلاق و خلع، وکیل نمودن دیگری جایز است. و در ارتباط با حقوق و مسئولیت‌های دینی که وکیل گرفتن در آنها (مانند: تقسیم زکات و ادای فریضه‌ی حج برای کسانی که توانایی آن را ندارند) نیز جایز است.



و در عبادت‌هایی که هدف از آن‌ها صرفاً کسب تقرب به خداوند است، مانند: نماز و روزه، وکیل گرفتن صحیح نیست. همچنین در مسائلی مانند: لعان،ظهار، سوگند و نذر و شهادت، دیگری را وکیل نمودن جایز نیست. به همان صورت برای قیام به کارهای حرام و نامشروع نیز وکیل گرفتن باطل است. و چنان‌چه وکیل در نگهداری مالی که وکالت آن را برعهده گرفته کوتاهی ننموده و تلف شده باشد، ضامن خسارت آن نیست، و چنان‌چه ثابت شود که کوتاهی کرده بایستی خسارت آن را پرداخت کند.

### عاریه

﴿...وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ...﴾ [المائدة: ۲]



**توضیح موضوع:** عاریه به وسیله‌ای گفته می‌شود که مالک آن را برای استفاده، مدتی در اختیار دیگری بدون عوض قرار می‌دهد، تا پس از سپری شدن زمان مذکور به او بازگردانیده شود. و به عبارتی دیگر، عاریه عبارت از این است که مالک، منافع ملکش را بدون دریافت عوض، در اختیار کسی قرار دهد تا از آن استفاده کند.

بنابر آیات قرآن و سنت رسول خدا ﷺ عاریه دادن مشروع است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ﴾ [المائدة: ۲]

و رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«خداوند بنده‌اش را کمک و یاری می‌کند تا آن وقت که بنده برادرش را کمک و

یاری کند» [ابن ماجه]

و نیز آن حضرت ﷺ هنگامی که لباس زره‌ای را از صفوان بن امیه گرفت، صفوان

گفت: ای رسول خدا ﷺ! می‌خواهید آن را برای خود بردارید؟ رسول خدا ﷺ فرمود:

«نه، آن را به عنوان عاریه و امانتی تضمین شده می‌برم». [نسایی و احمد]

و برگرداندن عاریه واجب است، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ [النساء: ۵۸]

«بی‌گمان خداوند به شما مؤمنان دستور می‌دهد که امانت‌ها را اعم از آنچه خدا شما را

در آن امین شمرده، و چه چیزهایی که مردم آن‌ها را به دست شما سپرده و شما را در آن‌ها

امین دانسته‌اند، به صاحبان امانت برسانید».

و تنها چیزهایی که استفاده از آن‌ها مباح است به عاریه داده می‌شوند. برای مثال، عاریه دادن یا عاریه گرفتن لباس ابریشم برای مردان، و اسلحه برای دزدی و قتل، حرام و نامشروع هستند. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: ۲]

«و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید».

و اگر به شرطی عاریه دهنده حاضر به دادن عاریه باشد که عاریه گیرنده آن را ضمانت کند، جایز است، و در صورت خسارت یا ضایع گردیدن، عاریه گیرنده باید خسارت آن را بپردازد. زیرا رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

«مسلمانان باید شرایط و قرارداد میان خود را مراعات نمایند». [ابوداود]

اما اگر شرطی برای ضمانت آن در کار نبود و بدون آنکه عاریه گیرنده در نگهداری در آن کوتاهی کند، یا بیش از حد معمول و خارج از عرف از آن استفاده ننماید و دچار زیان و خسارت بشود، ضامن آن نیست هر چند پرداخت خسارت مستحب است. اما اگر کوتاهی کند و بیش از حد از آن استفاده کند یا درست از آن بهره‌برداری ننماید و در نتیجه دچار خسارت بگردد، خسارت آن را باید ضمانت کند. و هزینه‌ی استفاده و بازگرداندن عاریه بر عهده‌ی عاریه گیرنده است.

## امانت

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهِنَّ مَقْبُوضَةً فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتَهُ، وَلِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ...﴾ [البقرة: ۲۸۳]

﴿وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِعِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ...﴾ [آل عمران: ۷۵]

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمْنَتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ [النساء: ۵۸]

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَحُونُوا أَمْنَتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۷﴾﴾

[الأنفال: ۲۷]

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿۸﴾﴾ [المؤمنون: ۸]

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿۳۲﴾﴾ [المعارج: ۳۲]



توضیح موضوع: امانت (یا ودیعه) آن است که کسی کالا یا پول نقدی را برای محافظت و نگهداری از آن نزد دیگری به امانت می‌سپارد تا هر گاه درخواست کرد آن را به او بازگرداند.

هر گاه کسی از برادرش خواست که چیزی را نزد خود به عنوان امانت نگهداری کند، در صورت توانایی حفظ آن، مستحب است که آن را قبول کند، چون این کار از باب تعاون و همکاری بر نیکی و تقوا است.

بر امانتدار (ودیعه نگه‌دارنده) واجب است که به هنگام طلب امانت، فوراً آن را به صاحبش برگرداند. چون خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ [النساء: ۵۸]

«بی‌گمان خداوند شما را دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان امانت برسانید».

و نیز می‌فرماید:

﴿فَلْيُؤَدِّ الَّذِينَ الَّذِينَ أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُمْ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُمْ﴾ [البقرة: ۲۸۳]

«و اگر برخی از شما به برخی دیگر اطمینان کرد، باید کسی که امین شمرده شده است،

امانت او را باز پس دهد».

و به دلیل فرموده‌ی پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «أَدِّ الْأَمَانَاتِ إِلَيَّ مِنْ أَيْمَانِكُمْ» [ابن ماجه،

ترمذی و ابوداود]، «امانت را به کسی که تو را امین قرار داده برگردان»

و شرط است که امانت دهنده و امانت گیرنده هر دو عاقل و مکلف و رشید و

فهمیده باشند و به هیچ وجه جایز نیست که امانت‌دار از جنس امانتی بدون اجازه‌ی

امانت‌دهنده، استفاده کند. و هر گاه امانت در نزد امانت‌دار - بدون کوتاهی و خیانت

- ضایع بشود یا به سرقت برود، ضامن آن نیست، زیرا رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بر

امانت‌دار ضمانت نیست» [دارقطنی]

### غصب

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَىٰ الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ

أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۸]

﴿أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْلُكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ

مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا﴾ [الكهف: ۷۹]



**توضیح موضوع:** تسلط ناروا و ستمکارانه بر اموال مردم را «غصب» می‌گویند. به تعبیری دیگر، غصب یعنی گرفتن حق دیگران به ناحق است. و بنابر آیات قرآن (از قبیل آیه‌ی ۱۸۸ سوره‌ی بقره، و آیه‌ی ۷۹ سوره‌ی کهف) و سنت رسول خدا ﷺ، «غصب» کاری ناروا و ستمکارانه و حرام و نامشروع است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«به راستی خون‌ها، اموال، و نوامیستان بر شما حرام است، مانند حرام بودن این روز، در این ماه و در این سرزمین». [ابن ماجه]

و نیز می‌فرماید:

«زناکار در حالی که زنا می‌کند و شراب‌خوار در حالی که شراب می‌نوشد و دزد در حالی که دزدی می‌کند و غارتگر (غاصب) در حالی که غارت (غصب) می‌کند و مردم به او نگاه می‌کنند، ایمان ندارد». [بخاری و مسلم]

و انسان غاصب لازم است که به وسیله‌ی زندان، شلاق، تبعید و... تنبیه و مجازات شود.

**غصب کننده باید چیزی را که غصب نموده بازگرداند**

﴿...فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ...﴾ [البقرة: ۱۹۴]



**توضیح موضوع:** غصب کننده باید عین چیزی را که غصب نموده بازگرداند، و چنانچه آن را تلف نموده باشد، همانند آن را برگرداند، و چنانچه مشابهتی نداشت، قیمت روز آن را باید به مالک بپردازد.

و چنانچه کسی چیزی را از دیگری غصب کند و آن را معیوب نماید، عیبی که ارزش و نوع استفاده از آن‌ها را کم کند، باید همانند آن را برای مالک خریداری و جنس معیوب را برای خود نگهدارد و چنانچه همانندی نداشت، عین آن را همراه با مبلغی که به خاطر عیب و نقص از ارزش آن کم شده به مالک بازگرداند. و غصب‌کننده، حاصل و نتیجه‌ی کالا و حیوان غصب شده را باید همراه با آن به مالک بازگرداند و اگر کسی زمینی را غصب کند و در آن درخت بکارد، یا ساختمانی را بسازد،

اگر زمین به وسیله‌ی آن کارها ضایع شده و مالک به همان صورت نخواهد آن را تحویل بگیرد، غاصب باید درخت‌ها را بریده و ساختمان را ویران و زمین را به صورت اول اصلاح نماید. و اگر غصب کننده با وسیله‌ای که غصب نموده کار و کاسبی کند، عین آن و همه‌ی درآمدی را که با آن بدست آورده باید به مالک بازگرداند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«هیچ کدام از شما کالای برادرش را نگیرد نه به شوخی و نه به جدی. و هر کس که عسای برادرش را برداشته است، باید آن را به او پس بدهد.» [ابوداود]  
و نیز می‌فرماید:

«هر کس به برادرش ظلم کرده - خواه از جهت ناموس یا غیر آن - همین امروز از او طلب بخشش کند قبل از آنکه روزی فرا رسد که دینار و درهم در آن روز پذیرفته نمی‌شوند؛ اگر عمل صالح داشته باشد، به اندازه‌ی ظلمی که کرده از آن برداشته می‌شود و اگر کار نیک و حسنه‌ای نداشته باشد، از گناهان شخص مظلوم برداشته می‌شود و بر گناهان او اضافه می‌شود». [بخاری و ترمذی]

### کفالت و ضمانت

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا...﴾ [آل عمران: ۳۷]  
﴿...وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرِيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾ [آل عمران: ۴۴]

﴿قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُو مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلاَّ أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ...﴾ [یوسف: ۶۶]

﴿...وَلَمَنْ جَاءَ بِهِ جَمَلٌ بَعِيرٌ وَأَنَا بِهِءَ زَعِيمٌ﴾ [یوسف: ۷۲]  
﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْفُضُوا الأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا...﴾ [النحل: ۹۱]

﴿إِذْ تَمْثِي أُوْحْتِكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ...﴾ [طه: ۴۰]  
﴿...فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ﴾

[الفصص: ۱۲]

﴿...فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ﴾ [ص: ۲۳]

﴿سَلِّمْهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ﴾ [القلم: ۴۰]



توضیح موضوع: کفالت آن است که انسانی عاقل و بالغ و جایز التصرف حقی را که بر دیگری ثابت شده کفالت کند. برای مثال: تعهد می‌کند که سر وعده او را در دادگاه حاضر نماید.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«در مورد اجرای حدود شرعی کفالت درست نیست». [بیهقی] و نیز می‌فرماید: «ضامن، کفیل و متعهد است».

و بنا بر دلایل قرآنی نیز کفالت کاری روا و مشروع است. خداوند می‌فرماید:

﴿قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ

بِكُمْ﴾ [یوسف: ۶۶]

«یعقوب گفت: من هرگز بنیامین را با شما نخواهم فرستاد تا این که عهد و پیمان مؤکد و استوار با سوگند با خدا، با من نبندید که او را سالم به من برمی‌گردانید، مگر که بر اثر مرگ و یا غلبه‌ی دشمن و یا عامل دیگر، قدرت از شما سلب گردد».

در قضیه‌ی کفالت، رضایت کفالت‌کننده ضروری است، و کفالت‌کننده باید کفالت شونده را - به ویژه در کفالت احضار در دادگاه - به خوبی بشناسد. و تنها در مورد حقوقی که نیابت از آن‌ها جایز است، کفالت صحیح است، اما برای اجرای حدود و قصاص کسی نمی‌تواند به جای دیگری حد یا قصاص بر او را بپذیرد.

و «ضمانت» به معنای قبول ادای حقی است که بر عهده‌ی دیگری می‌باشد. بدین صورت که شخصی بدهکار دیگری است و طلبکار از او می‌خواهد بدهکاری‌اش را پرداخت کند. در این میان شخص سومی پا در میانی نموده می‌گوید: به جای او من بدهکار شما می‌شوم و پرداخت آن را ضمانت می‌کنم. بدین ترتیب شخص سوم ضامن پرداخت طلب طلبکار می‌شود. اما به هر دلیل اگر ضامن نتوانست به وعده‌ی خود وفا کند، طلبکار برای رسیدن به حق خود به بدهکار اولی مراجعه می‌نماید.

و بنا بر دلایل قرآنی و سنت رسول خدا ﷺ، ضمانت نیز جایز و مشروع است. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَالُوا نَفَقِدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ﴾ [يوسف: ۷۲]  
 «هر کس پیمانهای شاه را برگرداند، بار شتری در برابر آن می‌گیرد. و من شخصاً این پاداش را ضمانت می‌کنم».

و رسول خدا ﷺ هنگامی که یک نفر فوت نموده و از وضع و حال او باخبر گردید که بدهکار است، فرمود: «بر او نماز نمی‌خوانم مگر آنکه یکی از شما ضمانت کند تا بدهکاری‌اش را بپردازد». [بخاری]

در مورد ضمانت، رضایت ضامن شرط است، اما رضایت ضمانت شده، ضرورت ندارد. و مانعی ندارد که چند نفر ضامن یک نفر بشوند، یا ضمانت کننده را کسی دیگر ضمانت کند.

### «جعالة»

﴿وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ﴾ [الأعراف: ۱۱۳-۱۱۴]  
 ﴿...وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ﴾ [يوسف: ۷۲]

﴿فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِن لَّنَا أَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ﴾ [الشعراء: ۴۱-۴۲]  
 ﴿وَأَنْتُمْ إِذَا لِمِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾ [الشعراء: ۴۱-۴۲]



توضیح موضوع: «جعالة» از نظر لغوی: حق العملی است که در مقابل انجام دادن کاری به کسی پرداخت می‌شود. و از نظر شرعی: جایزه‌ای مالی است که برای انجام دادن کاری بخصوص - که جزئیات آن ممکن است معلوم یا نامعلوم باشد - به انجام دهنده‌ی آن پرداخت می‌گردد. به عنوان مثال: اگر کسی بگوید: هر کسی این دیوار را برای من درست کند، بیست هزار تومان به او می‌دهم، در نتیجه هر کس که این دیوار را برای او بسازد، استحقاق آن مبلغ را دارد.

براساس آیات قرآن و احادیث رسول خدا ﷺ «جعالة» قراردادی مشروع است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَالُوا نَفَقِدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ﴾ [يوسف: ۷۲]

و به دلیل آنکه رسول خدا ﷺ خطاب به کسانی که برای معالجه‌ی مارگزیده‌ای قرار بود تعدادی گوسفند را به صورت جایزه دریافت کنند، فرمود: «آن‌ها را تحویل بگیرید و مرا هم با خود سهیم کنید». [بخاری]

### شرکت (یا مشارکت)

﴿... فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ...﴾ [النساء: ۱۲]

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا ۗ فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۳۶]

﴿وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِدُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُر حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنعام: ۱۳۹]

﴿... وَشَارَكُوهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ ۗ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [الإسراء: ۶۴]

﴿هَازُونَ أُنْحَىٰ ﴿۳۰﴾ أَشَدُّ بِهِ ۗ أَرْزَىٰ ﴿۳۱﴾ وَأَشْرَكُهُ فِي أَمْرِي ﴿۳۲﴾﴾ [طه: ۳۰-۳۲]

﴿قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ

عَلَىٰ بَعْضٍ...﴾ [ص: ۲۴]

﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ

مَثَلًا ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الزمر: ۲۹]

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ [القلم: ۴۱]



توضیح موضوع: مشارکت دو یا چندین نفر را در رابطه با بکارگیری سرمایه‌های مشخص هر یک از آن‌ها در کارهای تولیدی، تجاری، صنعتی، کشاورزی و... «شرکت» یا «مشارکت» می‌نامند. و به تعبیری دیگر، «شرکت» درآمیختنی است اختیاری که بین دو یا چند نفر برای کسب سود ایجاد می‌شود. و مشارکت، مشروعیت خود را از قرآن (از قبیل آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی نساء، ۱۳۶ و ۱۳۹ سوره‌ی انعام، ۶۴ سوره‌ی اسراء، ۳۰ سوره‌ی طه، ۲۴ سوره‌ی ص، ۲۹ سوره‌ی زمر و ۴۱ سوره‌ی قلم) و سنت‌های گهربار رسول خدا ﷺ می‌گیرد.



و پیامبر ﷺ می فرماید:

«خداوند متعال می فرماید: تا زمانی که یکی از دو طرف شرکت به هم خیانت نکنند، من سومین شریک آنان خواهم بود». [ابوداود]  
شرکت دارای انواع و صورت‌های مختلفی است که عبارتند از:

#### ۱- «شرکت عنان»

شرکت عنان آن است که دو یا چندین نفر که دارای اهلیت تصرف در اموال خود هستند، مقدار معینی از مال و سرمایه‌ی خود را روی هم بگذارند، یا دارای سهم‌های مشخصی باشند، و آن را با هم در کاری سودآور به کار گیرند. و براساس مقدار سرمایه و سهم هر یک درآمد حاصله را میان خود تقسیم کنند. همچنین زیان و خسارت وارده نیز براساس سرمایه هر یک برعهده‌ی آن‌ها محاسبه بشود. هر یک از افراد شریک براساس حق دخل و تصرف خود، یا براساس وکالت از طرف دیگران می‌تواند به معامله و خرید و فروش بپردازد، و طلبکاری را وصول و جنس خریداری شده‌ی معیوب را به صاحب آن بازگرداند. و در کل در راستای خیر و مصلحت شرکت می‌تواند هر گونه اقداماتی را انجام دهد.

#### ۲- «شرکت الابدان»

شرکت الابدان آن است که دو یا چندین نفر در کاری مانند: خیاطی، ساختمان‌سازی و... به کار بپردازند و درآمد حاصله را میان خود براساس هر نفر یک سهم با میزان مهارت و تخصص یا هر گونه که در مورد آن توافق می‌نمایند، تقسیم کنند.

#### ۳- «شرکت الوجوه»

شرکت الوجوه آن است که دو یا چندین نفر تنها با استفاده از موقعیت و اعتبار خود کالا و جنسی را خریداری و سپس به فروش برسانند و در سود آن شریک باشند. زیان چنین معامله‌ای نیز براساس سهم هر یک در سود محاسبه می‌شود.

#### ۴- «شرکت المفاوضة»

شرکت المفاوضة بسیار گسترده‌تر از «شرکت العنان»، «شرکت الابدان» و «شرکت الوجوه» است و همه‌ی آن‌ها را و همچنین «مضاربه» را شامل می‌شود. «شرکت المفاوضة» عبارت از آن است که به هر یک از شرکاء حق دخل و تصرف مالی، بدنی، در

همه‌ی انواع مشارکت‌ها داده شود. و هر یک بتوانند به خرید و فروش و مضاربه، و دیگری را وکیل نمودن، و رهن و هزینه نمودن از مال مشترک برای سفر تجارتي و... اقدام نمایند، و سود و زیان حاصله براساس توافق میان آن‌ها در مورد سهم هر یک تقسیم بشود.

### هبه و بخشش

﴿وَأَتُوا النَّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّن لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا

مَرِيئًا﴾ [النساء: ۴]

﴿...وَأَمْرًا مُّؤَمَّنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۰]



**توضیح موضوع:** بخشش مال حلال توسط انسان عاقل و رشید (که مالک آن مال باشد) را به دیگری، «هبه» می‌گویند. مانند: آنکه کسی مبلغی پول، یا مقداری لباس، منزل، زمین و... به شخصی بدون عوض به ملکیت کسی درآورد.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«برای ایجاد محبت، به یکدیگر هدیه بدهید، و برای رفع کدورت با هم مصافحه و سلام و احوال‌پرسی کنید». [ابن عساکر]

و نیز می‌فرماید:

«ای زنان مسلمان! هیچ همسایه‌ای همسایه‌اش را به خاطر کم‌اهمیتی هبه‌اش تحقیر نکند اگر چه هدیه‌اش سُم گوسفندی باشد». [بخاری و مسلم]

و اگر به فرزندی هدیه داده می‌شود، مستحب است که به بقیه‌ی اولاد هم به همان مقدار و میزان هدیه داده شود، زیرا رسول خدا ﷺ فرموده است:

«از خدا پروا کنید و میان فرزندان خود به دادگری رفتار ننمائید». [بخاری و مسلم]

و پس از دادن هدیه، پشیمان شدن و پس گرفتن آن درست نیست، و هدیه دادن به قصد آنکه در مقابل هدیه‌ای دریافت شود، کراهیت دارد.

## لقطه (اشیای گمشده)

﴿قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ

إِنْ كُنْتُمْ فَعَلِينَ﴾ [يوسف: ۱۰]

﴿فَالْتَقِطَهُ ءَالٌ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا...﴾ [القصص: ۸]



توضیح موضوع: «لقطه» یا «اشیای گمشده»: آن است که در زمینی که مالکی ندارد، چیزی مانند: پول نقد، لباس و وسایل دیگر و... پیدا بشود، و پیدا کننده نگران ضایع شدن آن باشد.

برداشتن اشیای گمشده به خاطر آنکه ضایع نشوند، جایز است. زیرا وقتی از رسول خدا ﷺ در مورد برداشتن اشیای گمشده سؤال شد، فرمود:

«آن را بردارید و ظرف و پوشش آن را خوب به خاطر بسپارید و اعلان کنید که چیزی را پیدا کرده‌اید. چنان چه پس از یک سال صاحب آن پیدا نشد، اختیار دارید هر گونه از آن استفاده نمائید». [بخاری و مسلم]

و برای کسی که به خود اطمینان دارد، برداشتن اشیای گمشده مستحب است. و چنان چه کسی به خود اطمینان نداشته باشد، برداشتن آن کراهت دارد، زیرا ممکن است به اموال مردم خیانت کند.

و چنان چه شیء گمشده ارزش چندانی نداشته باشد و معمولاً انسان‌هایی که ثروتمند نبوده و زیاد فقیر هم نباشند، دنبال آن به جستجو نمی‌پردازند، مانند: دستمالی معمولی، کفشی کهنه، تسبیحی ارزان قیمت و... پیدا کننده می‌تواند آن را بردارد، و لازم نیست در ملاء عام خبر پیدا کردن آن را پخش کند و از آن نگهداری نماید.

و اگر شیء گمشده به گونه‌ای باشد که انسان‌هایی که وضع مالی متوسطی دارند، معمولاً آن را جستجو می‌کنند، بر پیدا کننده‌ی آن واجب است که در میادین شهر یا از طریق روزنامه و رادیو پیدا شدن آن را اعلان کند، و در آن مدت چنان چه کسی نشانه‌ی دقیق ظرف و مقدار و کیفیت آن را داد، آن را به او بازگرداند.

اما در صورتی که پس از یک سال، مالک آن پیدا نگردید، پیدا کننده می‌تواند آن را در میان مستمندان تقسیم کند، اما باید قصد و نیت آن را داشته باشد که اگر صاحب آن روزی پیدا شود، همانند یا قیمتش را برای او فراهم کند.

خاطر نشان می‌شود که واژه‌ی «لقطه» برای اشیای گمشده، و واژه‌ی «لقیط» برای کودکِ رها شده، به کار می‌رود.

و «لقیط»: به کودکی گفته می‌شود که در جایی پیدا شده و پدر و مادر و اقوام او شناخته شده نبوده و کسی ادعای فرزندى او را نداشته باشد.

برداشتن و نگهداری و تربیت کودکِ رها شده، واجب کفایی است. زیرا انسانی است و جان انسان‌ها گرامی و ارزشمند هستند و باید از آن‌ها محافظت بشود.

و کسی که کودکِ رها شده‌ای را پیدا می‌کند، واجب است چند نفر را در مورد او و اشیای همراهش به عنوان شاهد فرا خواند. و اگر پول و شیء قیمتی همراه او بود، جایز است برای مخارج کودک از آن استفاده بشود، و اگر چیزی همراه نداشت، از بیت المال و یا کمک مردم هزینه‌ی زندگی او فراهم گردد، یا به مراکز پرورش کودکان سپرده شود.

### قرعه کشی

﴿...وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرِيْمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ

يَخْتَصِمُونَ﴾ [آل عمران: ۴۴]

﴿فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ﴾ [الصافات: ۱۴۱]

### اقرار و ادای شهادت

﴿...وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تَكْتُمُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُمُوهُ وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا

شَهِيدٌ...﴾ [البقرة: ۲۸۲]

﴿...فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ [النساء: ۶]  
 ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أُوّ  
 الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ...﴾ [النساء: ۱۳۵]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ  
 عَلَىٰ ءَلَا تَعْدِلُوا...﴾ [المائدة: ۸]

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي ءَادَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ  
 بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ [الأعراف: ۱۷۲]  
 ﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [الزخرف: ۸۶]

﴿فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ  
 عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ...﴾ [الطلاق: ۲]  
 ﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِم قَائِمُونَ﴾ [المعارج: ۳۳]



توضیح موضوع: «اقرار» آن است که کسی بر بودن حق دیگری بر عهده‌ی خود  
 اعتراف نماید. و از کسی اقرار پذیرفته می‌شود که عاقل و بالغ و مختار و با اراده باشد،  
 و اقرار بچه و دیوانه و مکره و اجبار شده پذیرفتنی نیستند. و حکم شرعی اقرار آن  
 است که براساس اعترافی که نموده ملزم به ادای حقوق دیگران می‌شود.  
 و «شهادت» آن است که کسی صادقانه دیده و شنیده‌های خود را بازگو نماید. و  
 ادای شهادت برای محافظت از حق و حقیقت واجب کفایی است. زیرا خداوند  
 می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكْفُرُوا بِاللَّهِ وَمَن يَكْفُرْ فَإِنَّهُٗ عَٰثِمٌ قَلْبُهُ﴾ [البقرة: ۲۸۳]  
 «و گواهی و شهادت را پنهان نکنید و هر کس آن را پنهان دارد، قلبش گنهکار و بزهکار  
 است.»

و شاهد و گواه بایستی مسلمان، عاقل، بالغ و عادل بوده و متهم به طرفداری از  
 یکی از دو طرف دعوا نباشد. برای مثال: پدر و مادر یا همسر و فرزند مدعی یا مدعی

علیه نباشند. همچنین شهادت کسی که شهادت او سبب جلب منافی برایش بشود قابل قبول نیست. و شهادت دشمن بر علیه دشمن خود پذیرفتنی نمی‌باشد.

و شهادت شاهد تنها براساس دیدن و شنیدن و علم یقین خود او قابل قبول است. زیرا رسول خدا ﷺ به یک نفر که قرار بود در ارتباط با موضوعی شهادت بدهد، فرمود: «آفتاب را می‌بینی؟» گفت: بله، می‌بینم. رسول خدا ﷺ فرمود: «به مانند آن گواهی بده یا از گواهی دادن پرهیز کن». [حاکم]

و چنانچه شاهد برای دادگاه و مردم ناشناخته و گمنام باشد، عدالت و پرهیزگاری او به وسیله‌ی دو شاهد عادل دیگر که برای دادگاه شناخته شده‌اند، باید تأیید بشود، و چنانچه ثابت شد که کسی شهادت دروغ و ناحق داده است، برای عبرت دیگران بایستی مجازات بشود.

خاطر نشان می‌شود که برای اثبات عمل زنا وجود چهار شاهد عادل پرهیزگار که عین عمل زنا را دیده باشند، لازم است. و در همه‌ی امور دیگر به جز زنا شهادت دو مرد عادل، یا یک مرد و دو زن کفایت می‌کند.

### کتمان حق و خیانت در شهادت، حرام است

﴿...وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَدَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾  
[البقرة: ۱۴۰]

﴿...وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾  
[البقرة: ۲۸۳]



توضیح موضوع: ادای شهادت برای محافظت از حق و حقیقت و برای دفاع از حقوق انسان‌ها، واجب کفایی است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا﴾ [البقرة: ۲۸۲]

«و چون گواهان را به گواهی خوانند، باید که از این کار خودداری نورزند».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ﴾ [البقرة: ۲۸۳]

«و گواهی و شهادت را پنهان نکنید و هر کس آن را پنهان دارد، قلبش گنهکار و بزهکار است».

و بر شاهد واجب است که حق را بگوید، هر چند به زیانش باشد. چنانچه به این واقعیت خداوند متعال در آیه‌ی ۱۳۵ سوره‌ی نساء اشاره کرده است.

### شهادت دروغ، مقارن و هم ردیف شرک به خدا است

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَةَ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ، عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿۳۰﴾ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ، وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿۳۱﴾﴾ [الحج: ۳۰-۳۱]

﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿۷۲﴾﴾ [الفرقان: ۷۲]



توضیح موضوع: شهادت دروغ و ناحق، یکی از دروغ‌های بسیار خطرناک است که جامعه‌ی اسلامی و انسانی را به فساد و تباهی می‌کشد و ضرر و زیان‌های فراوانی را متوجه عده‌ای می‌کند و عده‌ی دیگری را به ناحق بهره‌مند می‌سازد، به همین جهت است که اسلام زیان و ضرر و شر و فساد ناشی از شهادت دروغین را مقارن و هم‌ردیف شرک به خدا قرار داده و می‌فرماید:

﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿۳۰﴾﴾ [الحج: ۳۰]

«و از پرستش پلیدها، یعنی بت‌ها دوری کنید و از گفتن سخنان باطل و بی‌اساس و شهادت دروغ و افتراء بپرهیزید».

و خداوند متعال نیز دوستان مقرب بارگاهش را به راستگویی و ندادن گواهی و شهادت دروغین تعریف می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ...﴾ [الفرقان: ۷۲]

«و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که بر باطل گواهی نمی‌دهند، و شهادت باطل و گواهی دروغ نمی‌دهند».

و از دیدگاه پیامبر ﷺ نیز شهادت دروغ از بزرگترین گناهان کبیره است. ابوبکره رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ به ما فرمود: «الا انبئکم با کبر الکبائر؟» آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره باخبر نکنم؟ گفتم: بله‌ای رسول خدا! فرمود: «الا شرک بالله وعقوق الوالدین» شریک قرار دادن خدا و نافرمانی والدین.

و در حالی که تکیه داده بود، نشست و فرمود: «الا و قول الزور و شهادة الزور» آگاه باشید که سخن دروغ و شهادت به ناحق از بزرگترین گناهان کبیره هستند. پیامبر ﷺ پیوسته این جمله را تکرار می‌کرد، تا اینکه گفتیم: ای کاش دیگر این جمله را تکرار نکند. [بخاری و مسلم]

### شاهد گرفتن به هنگام وصیت

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهْدَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخِرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَبْتَكُمْ مَّصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أُرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهْدَةَ اللَّهِ إِنَّآ إِذَا لَّمِنَ الْاٰثِمِينَ ﴿١٠٦﴾ فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَءَاخِرَانِ يُقِيمَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِي نَاسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَدَتْنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَدَتِيهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّآ إِذَا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٧﴾ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهَهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَنُهُمْ بَعْدَ أَيْمَنِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠٨﴾﴾ [المائدة: ١٠٦-١٠٨]



توضیح موضوع: از مهمترین مسائلی که اسلام روی آن تکیه می‌کند، مسئله‌ی حفظ حقوق و اموال مردم و به طور کلی اجرای عدالت اجتماعی است. آیات ١٠٦ و ١٠٧ و ١٠٨ سوره‌ی مائده، گوشه‌ای از دستورات مربوط به این قسمت است و می‌فرماید: اگر به کسی نشانه‌های مرگ در رسد، باید وصیت کند، و دو تن شاهد عادل مسلمان را بر وصیت خود گواه بگیرد، و چنانچه در سفر بود و جز کافران کس دیگری در اطراف وی نبود و دو تن شاهد مسلمان نیافت، جایز است تا دو تن شاهد کافر را بر وصیت خویش گواه بگیرد. سپس اگر ورثه‌ی شخص وصیت کننده در گواهی آن دو تن شک کردند، باید آن دو کافر به «الله» ﷻ سوگند بخورند بر این که: «به حق شهادت داده و چیزی از شهادت را کتمان نکرده‌اند و در مال متروکه‌ی متوفی که به آن‌ها سپرده، خیانت ننموده‌اند». آنگاه اگر بعد از این سوگند، در عمل خلاف سوگندشان به اثبات رسید، یا تصور می‌رفت که چیزی از ترکه‌ی متوفی به وجهی از وجوه در ملکیت آن دو



تن درآمده است، در این هنگام، دو تن از مردان ورثه‌ی متوفی، علیه آن دو گواه کافر سوگند بخورند و بعد از آن به مفاد این سوگند عمل می‌شود.

### سوگندها

﴿وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [۲۲۴-۲۲۵] ﴿الْبَقَرَةُ: ۲۲۴-۲۲۵﴾ ﴿وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۴-۲۲۵]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۷۷]

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَرْتُمْ بِهِ إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفْرَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ...﴾ [المائدة: ۸۹]

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [النحل: ۹۱]

﴿وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوَاءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ عَظِيمٌ﴾ [النحل: ۹۴-۹۵]

﴿عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۹۴-۹۵]

﴿وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ، وَلَٰكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ...﴾ [الأحزاب: ۵]

﴿وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاصْرَبْ بِهِ، وَلَا تَخَنْتْ...﴾ [ص: ۴۴]

﴿وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ﴾ [الواقعة: ۴۶]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۴﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۵﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿۱۶﴾﴾ [المجادلة: ۱۴-۱۶]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۴﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۵﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿۱۶﴾﴾ [المجادلة: ۱۴-۱۶]

﴿قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿۲﴾﴾ [التحریم: ۲]



توضیح موضوع: قسم: به معنای سوگند یاد نمودن به ذات و نام‌ها و صفات خداوند است. به عنوان مثال: کسی می‌گوید: سوگند به خداوند! فلان کار را انجام می‌دهم. یا سوگند به آفریدگار انسان‌ها! فلان کار را انجام نمی‌دهم. و سوگند یاد نمودن به اسماء و صفات خداوند جایز است، اما سوگند یاد کردن به غیر اسماء و صفات خداوند جایز نیست. زیرا رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

«هر کس سوگند یاد می‌کند، تنها به خداوند سوگند بخورد، و الا از سوگند خودداری نماید». [بخاری و مسلم]

و نیز می‌فرماید:

«هر کس به غیر خداوند سوگند یاد کند، در واقع مرتکب کاری شرک‌آلود شده است» [احمد]

و سوگند یاد کردن سه نوع است که عبارتند از:

#### الف) «سوگند لغو» [سوگند بیهوده]

در نزد امام شافعی سوگندی است که بدون قصد و نیت از دهان انسان می‌پرد. گاهی برخی به هنگام سخن گفتن بارها، جمله‌های «والله» و «بالله» را تکرار می‌کنند. و در نزد جمهور (امام ابوحنیفه، مالک و احمد) سوگند بیهوده: سوگندی است که کسی بر اساس ظن و برداشت خود سوگند یاد می‌کند. به عنوان مثال: شخصی بر

چیزی سوگند می خورد به گمان این که آن چیز رخ داده است، پس در واقع امر، خلاف آن آشکار می شود، پس چنین سوگندی کفاره ندارد.

### ب) «سوگند غموس»

سوگند غموس آن است که کسی عمداً و به دروغ سوگند یاد کند. برای مثال بگوید: به خدا قسم! این جنس را به هزار تومان خریده ام؛ و در عین حال آن را کمتر از آن قیمت خریده باشد. اینگونه سوگند خوردن گناه است و موجب هلاکت و نابودی انسان می گردد.

رسول خدا ﷺ در فرموده‌ی زیر همین نوع سوگند را مورد نظر داشته اند که فرموده اند:

«هر کس به دروغ سوگند یاد کند، تا مال و پول بیشتری را از مردم بگیرد، در روز قیامت مورد خشم خداوند قرار خواهد گرفت». [بخاری و مسلم]

و کسی که به عمد و دروغ به اسماء و صفات خداوند سوگند یاد کند، به خاطر سنگینی بار گناهش، کفاره برای جبران آن کافی نیست و بایستی ضمن توبه و استغفار، حقی را که به وسیله‌ی قسم دروغ از مردم ضایع گردانیده، به آنان بازگرداند.

### ج) «سوگند منعده»

اگر کسی به خداوند سوگند یاد کند که فلان کار را انجام خواهد داد، یا فلان کار را انجام نخواهد داد، در صورت عمل نمودن به مورد سوگند خود، مورد مؤاخذه قرار می گیرد. و به این نوع سوگند، «سوگند منعده» می گویند.

و حکم کسی که به این گونه سوگندها وفا ننماید، این است که مرتکب گناه شده، و کفاره‌ی قسم بر او واجب می شود.

و کفاره‌ی سوگند منعده یکی از چهار مورد زیر است:

۱. تهیه‌ی یک وعده غذای مناسب و متوسط برای ده نفر مستمند.
۲. تهیه‌ی ده دست لباس که برای ادای نماز قابل استفاده باشد برای ده نفر مستمند و نیازمند.
۳. آزاد کردن برده‌ای مسلمان.
۴. سه روز روزه را پشت سر هم گرفتن.



## «خوراکی‌ها و مواد غذایی»<sup>۱</sup>

### خوراکی‌های حلال

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...﴾ [البقرة: ۲۹]

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا...﴾ [البقرة: ۱۶۸]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُّوْا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...﴾ [البقرة: ۱۷۲]

﴿...أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ  
إِنَّ اللَّهَ يُحْكُمُ مَا يُرِيدُ﴾ [المائدة: ۱]

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ  
تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ...﴾ [المائدة: ۴-۵]

﴿قُلْ مَن حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...﴾ [الأعراف: ۳۲]

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ الَّتِي الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ  
وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ  
الْحَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾ [الأعراف: ۱۵۷]



توضیح موضوع: وقتی اسلام آمد، مردم در مصرف خوراکی‌ها حالت افراط و تفریط داشتند. عده‌ای حتی گوشت مردار و خون حیوانات را هم می‌خوردند و عده‌ای به کلی از خوردن گوشت پرهیز می‌نمودند. قرآن کریم همه‌ی مردم را دعوت کرد و فرمود:

۱- مقصود از خوراکی و غذا، همه‌ی آن چیزهایی است که به عنوان مواد غذایی مورد مصرف انسان قرار می‌گیرد.

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ

لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۳۸﴾ [البقرة: ۱۶۸]

«ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است و خدا آن را تحریم نکرده و نفس انسان گوارا و خوشایندش می‌داند بخورید، و پا به پای اهریمن راه نیفتید و به دنبال شیطان روان نشوید. بی‌گمان او دشمن آشکار شما است.»

در این آیه، خداوند متعال آنان را به کلمه‌ی «ناس» یعنی «مردم» مورد خطاب قرار داده است - که شامل هر قوم و طایفه و نژادی می‌باشد - تا از نعمت‌های پاکیزه و بی‌زیان که بر روی سفره‌ی وسیع و گسترده‌ی زمین برای آنان چیده شده است بخورند و استفاده نمایند، از شیطان پیروی و تبعیت نکنند. چون او می‌خواهد با دسیسه و نقشه‌های شوم خود بعضی از اشخاص را فریب دهد تا چیزهایی را که خداوند آن‌ها را حلال کرده بر خود حرام نمایند و در نتیجه، این‌گونه اشخاص فریب خورده را از نعمت‌های پاکیزه محروم ساخته و در گمراهی قرار دهد.

در مورد مواد غذایی، اصل بر حلال بودن آن‌ها است. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ [البقرة: ۲۹]

«خداوند کسی است که همه‌ی آنچه را که در زمین قرار دارد، برای فایده و سود شما آفریده است.»

و نیز می‌فرماید:

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي

أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...﴾ [الأعراف: ۳۱-۳۲]

«و بخورید و بنوشید ولی اسراف و زیاده‌روی نکنید که خداوند مسرفان و زیاده‌روی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. ای محمد! زشتی کار افترای تحلیل و تحریم را بدیشان خاطر نشان ساز و به آنان بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده است و همچنین مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده است؟»

و هیچ طعامی حرام نیست مگر آنچه خداوند در کتابش یا بر زبان پیامبرش و یا براساس قیاس صحیح و درست، حرام کرده است. و حرام گرداندن آنچه خداوند حرام نکرده، دروغ و افتراء بر خداوند است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَلًا قُلْ أَلَا لِلَّهِ أَدْنُ لَكُمْ أُمَّ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ﴾ [یونس: ۵۹]

«بگو: به من بگوئید: آیا چیزهایی را که خدا برای شما آفریده و روزی شما کرده است و خودسرانه بخشی از آن‌ها را حرام و بخشی از آن‌ها را حلال نموده‌اید، بگو: آیا خدا به شما اجازه داده است که از پیش خود چنین کنید یا این که بر خدا دروغ می‌بندید و از زبان خدا چیزهایی می‌گویید و می‌کنید که خدا بدان‌ها دستور نداده است؟»  
و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتِكُمْ أَلْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لَتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾ [النحل: ۱۱۶]

«خداوند حلال و حرام را برایتان مشخص کرده است و به خاطر چیزی که تنها از مغز شما تراوش کرده و بر زبانتان می‌رود، به دروغ مگویید: این حلال است و آن حرام، و در نتیجه بر خدا دروغ بندید. کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌گردند.»  
پس هیچ یک از آنچه که قابل خوردن هستند به جز به دلیل قرآنی یا سنت رسول خدا ﷺ یا قیاس صحیح و درست، حرام و نامشروع نیستند.

**گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» هنگام ذبح حیوان، واجب است**

﴿فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ... ﴿[الأنعام: ۱۱۸-۱۱۹]



**توضیح موضوع:** شرط حلال بودن حیوان، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» هنگام ذبح آن است؛ لذا هر کس به طور عمد آن را ترک کند، ذبیحه‌اش حلال نیست.  
دکتر یوسف قرضاوی درباره‌ی «فلسفه‌ی ذکر نام خدا به هنگام ذبح حیوان» می‌گوید:  
«بردن نام خدا به هنگام ذبح، دارای فلسفه‌ی دقیق و ظریفی است که حتماً باید به آن توجه شود. از یک طرف ذکر اسم خدا، مبارزه و مخالفتی است با آنچه بت پرستان در زمان جاهلیت انجام می‌دادند که اسم خدایان ساختگی را موقع ذبح با صدای بلند

می‌گفتند. زمانی که مشرکان در چنین مواردی نام بت‌های خود را ذکر می‌نمایند، چگونه مسلمانان اسم خدا را ذکر نمی‌کنند!

از طرف دیگر در اینکه سایر حیوانات، مخلوق خدا و موجود زنده و دارای حق حیات می‌باشند و با انسان در این مورد شریک هستند شکی نیست، پس انسان نمی‌تواند بدون اجازه و امر خدا بر این حیوانات تسلط پیدا کند و حق گرفتن جان و قطع زندگی آن‌ها را به خود دهد. و این تنها خواست پروردگار عالم است که تمام آنچه را بر روی زمین قرار دارد، به خاطر استفاده‌ی انسان از آن‌ها به وجود آورده است. بنابراین بردن نام خدا به هنگام ذبح، همان اعلان کسب اجازه از جانب خدا می‌باشد. مثل این است که انسان بگوید: من این کار را خودسرانه و به عنوان تجاوز و ظلم به این حیوانات و سوء استفاده از کم‌قدرتی این مخلوقات خدا انجام نمی‌دهم بلکه به نام خدا و به اجازه‌ی او آن را سر می‌برم و به نام خدا آن را شکار می‌کنم و به نام او آن را می‌خورم». [حرام و حلال در اسلام، ص ۸۲]

### طعام دادن به مشرکان، جایز است

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ [الإنسان: ۸]

### خوراکی‌های حرام

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ...﴾ [المائدة: ۳]

﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ...﴾ [الأنعام: ۱۲۱]

﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأنعام: ۱۴۵]

﴿...وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾

[الأعراف: ۱۵۷]





توضیح موضوع: اسلام پاره‌ای از مواد غذایی را به خاطر زینتی که برای جسم یا عقل انسان دارند، حرام گردانیده است و انواع و اقسام غذاهایی که حرام گردیده است، عبارتند از:

الف) آنچه بنا بر دلایل قرآنی حرام‌اند:

۱. مواد غذایی که متعلق به دیگران است و راهی برای مباح بودن استفاده از آن وجود ندارد. زیرا خداوند متعال فرموده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ﴾ [البقرة: ۱۸۸] «اموال و دارایی یکدیگر را به ناحق نخورید».
۲. مصرف گوشت حیواناتی که به خاطر بیماری، خفه شدن، کتک خوردن، پرت شدن از بلندی، کشته شدن به وسیله‌ی حیوانات دیگر قبل از ذبح جان داده‌اند، حرام‌اند. همچنین استفاده از گوشت بازمانده‌ی شکار حیوانات درنده جایز نیست.
۳. خوردن خون جاری شده‌ی حیواناتی که ذبح می‌شوند، و همچنین خون حیوانات دیگر، جاری یا غیر جاری، کم یا زیاد حرام است.
۴. مصرف گوشت و خون و چربی خوک حرام و نامشروع است.
۵. استفاده از گوشت حیواناتی که به هنگام ذبح به جای «بسم الله الرحمن الرحیم» نام کسی و چیز دیگری برده شده باشد، حرام است.
۶. مصرف گوشت حیواناتی که با قصد نذر گنبد و بارگاه و کنیسه و کلیسا و بت خانه ذبح شده‌اند، حرام و خلاف شریعت است. [مائده/۳]

ب) آنچه رسول خدا ﷺ ممنوع فرموده است:

۱. الاغ اهلی، زیرا حضرت جابرؓ نقل می‌نماید که: «رسول خدا ﷺ در روز جنگ خیبر گوشت الاغ اهلی را حرام و گوشت اسب را اجازه فرمود» [بخاری و مسلم]
۲. قاطر اهلی نیز به قیاس به الاغ اهلی، مصرف گوشتش ممنوع است زیرا وضعیتی همچون الاغ اهلی دارد.
۳. مصرف گوشت همه‌ی حیوانات درنده‌ای مانند: شیر، پلنگ، خرس، ببر، فیل، گرگ، سگ، کفتار، سگ آبی، روباه و... که دارای ناب‌اند، حرام می‌باشد.
۴. همچنین خوردن گوشت پرندگان که دارای چنگال شکاری هستند، مانند: باز، شاهین، عقاب، قرقی (واشه)، جغد و... خوردن گوشتشان مباح نیست. زیرا پیامبر ﷺ از خوردن گوشت همه‌ی حیوانات دارای ناب و پرندگان دارای چنگال شکاری نهی فرموده است. [مسلم]

۵. حیوانات و پرندگانی که بیشتر از لجن و نجاسات تغذیه می‌کنند، قبل از ذبح باید چند روز در جایی حبس شده و علوفه و دانه‌ی مناسب به آن‌ها داده شود.
- (ج) مواد غذایی که به خاطر زیان آن‌ها، مصرفشان ممنوع است.
۱. مواد سمّی و مسموم.
  ۲. خوردن خاک و سنگ و گل و گچ ممنوع و زیان‌آور هستند.
  ۳. جانورانی که طبیعت سالم، آن‌ها را گوارا و پسند نمی‌شمارد. مانند: سوسک و مورچه و مار و... خوردنشان ممنوع و زیان‌آور است.
- (د) مواد غذایی آلوده و اشیای نجس:
۱. هر گونه مواد غذایی که به نجاسات آلوده شده باشد.
  ۲. خوردن چیزهایی که ذاتاً نجس هستند، مانند: سرگین و ادراک حیوانات و...
- حرام است. زیرا خداوند متعال فرموده است: ﴿وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾ [الأعراف: ۱۵۷] «و ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌سازد و فرومی‌اندازد».

### خوردنی‌های حرام در مواقع ضروری و اضطراری، مباح می‌گردند

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لِعِغْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۷۳]



توضیح موضوع: برای کسانی که در شرایط سخت و قحطی قرار می‌گیرند و هیچ‌گونه مواد غذایی مباح و مناسبی را نتوانند بدست بیاورند و در عین حال نگران مرگ از گرسنگی باشند، به جز مواد سمی و مسموم کننده و کشنده، خوردن چیزهای حرام به طور موقت و به اندازه‌ی ضروری مباح می‌شود.

### خوردن مواد سمّی و مسموم کننده و کشنده و زیان‌آور، حرام است

﴿...وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۵]

﴿...وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۹]

## شکار

﴿...وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا...﴾ [المائدة: ۲]

﴿...وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا

أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ...﴾ [المائدة: ۴]

﴿أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ

الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا...﴾ [المائدة: ۹۶]



توضیح موضوع: به حیوانات حلال گوشت شکار شده‌ی خشکی و دریایی، «صید» [شکار و نجسیر] می‌گویند. و شکار به دو گونه است: شکار دریایی (مانند شکار ماهی) و شکار خشکی (مانند شکار حیوانات حلال گوشت همچون آهو و...) مرگ و جان دادن حیوان دریایی به معنی ذبح آن است. اما اگر شکارچی در حالی به شکار خشکی برسد که هنوز جان نداده است، باید آن را ذبح کند و بدون ذبح مصرف گوشت آن جایز نیست. اما اگر در حالی به شکار رسید که جان داده بود، چنانچه شرایط زیر تحقق یافته باشد، استفاده از گوشت آن جایز است، و این شرایط عبارتند از:

۱. شکار کننده بایستی مسلمان و یا اهل کتاب و عاقل باشد.
  ۲. هنگام تیراندازی و فرستادن حیوان شکاری «بسم الله الرحمن الرحيم» گفته باشد.
  ۳. آلت شکار مانند تیر و گلوله، شکار را مجروح کند. چنانچه شکار به وسیله‌ی حیوانی شکاری مانند: سگ و باز و شاهین انجام گرفته، بایستی آموزش دیده باشند. و علامت آموزش دیدگی آن است که با بانگ زدن برگردند و با دیدن شکار به سوی آن بروند.
  ۴. سگ‌های غیرشکاری در گرفتن شکار، با سگ شکاری شرکت نداشته باشند. زیرا ممکن است معلوم نباشد که کدام یک از آن‌ها شکار را گرفته است.
  ۵. سگ شکاری چیزی را از شکار نخورده باشد.
- به هر حال، در شکار شرایطی است که باید مراعات شود؛ و این شرایط عبارتند از:

**الف) شرایط مربوط به شکارچی**

کسی که حیوانات خشکی را شکار می‌کند، لازم است که مسلمان یا اهل کتاب باشد. و از راهنمایی‌ها و تعلیمات اسلام به شکارچی آن است که نباید شکار کردن او بیهوده و از روی هوا و هوس باشد و قصد و هدف خوردن یا استفاده از شکار را نداشته باشد. چون کسی حق ندارد بدون نیّت خوردن و یا استفاده از آن، حیوانی را از حق زندگی محروم نماید.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«کسی که بدون هدف و بیهودگی، گنجشکی را بکشد، این گنجشک روز قیامت ناله‌کنان نزد خدا شکایت می‌کند و می‌گوید: فلان کس مرا بیهوده کشت و مرا بدون استفاده بی‌جان نمود».

و در روایتی دیگر می‌فرماید:

«هر انسانی که گنجشکی یا بالاتر از آن را بدون رعایت حقش بکشد، روز قیامت مورد سؤال خداوند واقع می‌گردد.»

گفتند: ای رسول خدا! حقش چیست که باید رعایت شود؟ فرمود:

«آن است که آن را ذبح کنند و بخورند، نه اینکه سرش را قطع کنند و دورش بیندازند». [نسایی و حاکم]

و دیگر اینکه شخص حاجی در حال احرام حق شکار کردن حیوانات را ندارد.

**ب) شرایط مربوط به حیواناتی که شکار می‌شوند**

از شرایط مربوط به حیواناتی که شکار می‌شوند این است که این حیوانات در دسترس انسان نباشند و ذبح آن از ناحیه‌ی گردن و سینه امکان پذیر نباشد، ولی مادام که برای انسان ممکن باشد که آن را از ناحیه‌ی گردن و سینه ذبح نماید، باید از این عمل کوتاهی نکند، و حتماً ذبح را از ناحیه‌ی گردن و سینه انجام دهد، چون ذبح اصلی آن است که از این طریق انجام شود.

**ج) شرایط مربوط به آلت و وسیله‌ی شکار**

آلت و وسیله‌ی شکار دو نوع است:

۱. شکار به وسیله‌ی آلت برنده‌ای مانند: تیر، شمشیر و نیزه. در چنین وسیله‌ای باید دو شرط رعایت شود: یکی اینکه لازم است که آلت برنده در بدن حیوان

شکار شده تا اندازه‌ای فرو رفته باشد که مرگ حیوان در اثر زخم حاصل از فرو رفتن آلت مزبور باشد، نه در اثر ضربه‌ی وارده و سنگینی آلت شکار. و دوّم اینکه لازم است به هنگام پرتاب وسیله‌ی شکار و یا به هنگام فرو آمدن آلت برنده بر روی حیوان شکاری، نام خدا ذکر شود.

۲. شکار به وسیله‌ی حیوانات درنده‌ای که تعلیم داده شده‌اند، مانند: سگ و پلنگ در بین چهارپایان و باز و شاهین از پرندگان.

هر گاه شکار به وسیله‌ی سگ یا باز و امثال آن‌ها انجام گیرد: اولاً: لازم است که آن سگ یا باز تعلیم دیده باشند.

ثانیاً: باید به هنگام تسلط بر حیوان (شکار)، آن را برای صاحبش نگهدارد، نه برای خوردن خودش.

ثالثاً: واجب است به هنگام رها ساختن سگ یا امثال آن به دنبال شکار، نام خدا ذکر شود.



## «کار و تلاش - کارگران و صنعتگران - کارخانه‌ها و کارگاه‌ها»

مشارکت فرستادگان و پیامبران الهی در کار و فعالیت و تولید و صنعت

حضرت آدم علیه السلام و همسرش (حواء)، لباسشان را وصله می‌کنند و پینه می‌زنند  
﴿فَدَلَّهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا  
مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ...﴾ [الأعراف: ۲۲]

﴿يَبْنِيْ عَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَرِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ  
خَيْرٌ...﴾ [الأعراف: ۲۶]

﴿فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ...﴾  
[طه: ۱۲۱]

حضرت نوح علیه السلام و ساختن کشتی

﴿وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ...﴾ [هود: ۳۸]

حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام و ساختن پایه‌های خانه‌ی کعبه

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۷]

حضرت موسی علیه السلام و بنده‌ی نیک خدا (خضر علیه السلام)، و تعمیر و بازسازی دیوار

﴿فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتِطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا  
جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقِضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾ [الكهف: ۷۷]

حضرت موسیٰ علیه السلام و اجیری و کارگری

﴿قَالَتْ إِحْدَهُمَا يَتَأَبَتِ أُسْتَعِجِرُهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَعَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿۲۶﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِكَ بِأَنَّكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حِجَابًا فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۲۷﴾﴾ [الفصص: ۲۶-۲۷]

حضرت داود علیه السلام و ساختن زره و ادوات جنگی

﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿۸۰﴾﴾ [الأنبياء: ۸۰]

﴿...وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ ﴿۱۰﴾ أَنْ أَعْمَلَ سَبِغَتٍ وَقَدِيرٍ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱﴾﴾ [سبأ: ۱۰-۱۱]

## حضرت سلیمان و به کار گرفتن و بهره‌برداری کردن از جنیان (و معادن)

﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَاحُها شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿۱۲﴾﴾

﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ أَعْمَلُوا عَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ ﴿۱۳﴾﴾ [سبأ: ۱۲-۱۳]

﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿۳۶﴾ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَعَوَّاصٍ ﴿۳۷﴾ وَعَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿۳۸﴾ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۹﴾﴾ [ص: ۳۶-۳۹]



توضیح موضوع: جنیان در شرایط خاصی به حکم خداوند متعال برای حضرت سلیمان (پیامبر بنی اسرائیل) قابل رؤیت بودند و قرآن با آیاتی فصیح و بلیغ این چنین از راز این موجودات پشت پرده‌ی حواس، پرده برمی‌دارد و ما را با حقایقی فراسوی آشنا می‌کند و از رفتار و کردارشان باخبر می‌سازد:



۱. سلیمان علیه السلام لشکریانی از جن و انس و پرنده در اختیار داشت و آن‌ها را به خدمت خویش می‌گرفت. خداوند می‌فرماید: ﴿وَحَشِيرَ لِسَلِيمَانَ جُنُودَهُ مِنْ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ [النمل: ۱۷].
۲. گروهی از جنیان برای سلیمان علیه السلام کار می‌کردند و او امر و فرامین او را انجام می‌دادند: ﴿وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۖ وَمَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ [سبأ: ۱۲].
۳. جنیان با هنر خاص خود و قدرت تفکر و توانایی‌های فراوان بدنی و فیزیکی خویش در امور ساختمانی و کارهای تزئینی و موارد دیگر در خدمت سلیمان علیه السلام بودند و برای او انجام وظیفه می‌کردند. [سبأ/۱۳، ص ۳۶-۳۷-۳۸-۳۹]

حضرت عیسی علیه السلام و ساختن پرنده از گل (به فرمان خدا)

﴿...وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي...﴾

[المائدة: ۱۱۰]

ذوالقرنین و ساختن سدّ بزرگ و محکم

﴿قَالُوا يَبْنَؤُا الْقَرْيَتَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا﴾ [۹۵] قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا [۹۵] ءَأَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ أَنْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَأَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا [۹۶] فَمَا اسْتَطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نَقْبًا [۹۷]﴾ [الكهف: ۹۴-۹۷]

تشویق به کار و تلاش و سازندگی و آبادسازی زمین

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۳۲]

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلْقَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ

فِي مَا آتَاكُمْ...﴾ [الأنعام: ۱۶۵]

﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَخَذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ ﴿٧٤﴾ [الأعراف: ٧٤]

﴿... قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ١٢٩]

﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ ﴿١٠٥﴾ [التوبة: ١٠٥]

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ ﴿١٤﴾ [يونس: ١٤]

﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ ﴿٧﴾ [الكهف: ٧]

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ ﴿١٥﴾ [الأنبياء: ١٠٥]

﴿أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ...﴾ [الروم: ٩]

﴿أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَعَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ﴾ ﴿٢١﴾ [غافر: ٢١]

﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ ﴿٣٣﴾ [الزخرف: ٣٢]

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوقِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ ﴿١٦﴾ [الأحقاف: ١٩]



توضیح موضوع: در حقیقت عمل و تلاش مطلوب، به معنای بکارگیری و بهره‌گیری آگاهانه همه‌ی استعدادها در جهت تحقق مقاصد و اهداف شریعت در ارتباط با انسان

در روی کره‌ی زمین است. و این مقاصد و اهداف - همچنان که قرآن به آن‌ها اشاره می‌نماید - در چهار چوب سه موضوع، معین گردیده که عبارتند از:

۱. عبادت: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

[الذاریات: ۵۶] «من پری‌ها و انسان‌ها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام».

۲. خلافت: در این رابطه خداوند می‌فرماید: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ [البقرة:

۳۰] «من در زمین جانشینی قرار می‌دهم تا به آبادانی زمین پردازد و آن زیبانگاری و نوآوری را که برای زمین معین داشته‌ام به اتمام برساند».

۳. عمارت و سازندگی و آبادسازی: همچنان که خداوند می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنشَأَكُم

مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ [هود: ۶۱] «خدا است که شما را از زمین آفریده است

و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است».

این سه موضوع و محور در ارتباط تنگاتنگ با هم قرار دارند و لازمه‌ی یکدیگرند. زیرا کار عمارت و آباد نمودن چنان‌چه همراه با قصد و نیت باشد، بخشی از عبادت به حساب می‌آید و بخشی از ادای مسئولیت خلافت به شمار می‌رود. و عبادت به معنای عام و فراگیرش شامل خلافت و عمارت نیز می‌گردد. زیرا بدون عبادت و عمارت، خلافتی تحقق پیدا نخواهد یافت. [ر.ک: دورنمای جامعه‌ی اسلامی، صص ۱۹۳-۱۹۲].

به هر حال، کار و تلاش اقتصادی (با توجه به همه‌ی بخش‌ها و زمین‌های گوناگونش) چنان‌چه با نیت نیکو و با روشی علمی و درست انجام پذیرد و حدود خداوند در آن‌ها مورد توجه قرار گیرد، از بهترین و زیباترین اسباب نزدیکی به خداوند به حساب می‌آید و مایه‌ی قربت خداوند خواهد شد. به ویژه کارهای تولیدی، مانند: کشاورزی و صنعت و معدن و...

پس کسانی که قدرت کار دارند، نباید بیکار بنشینند و هیچ مسلمانی حق ندارد به بهانه‌ی این که می‌خواهد عبادت نماید، و یا به خدا توکل دارد، از طلب روزی و کسب معاش کوتاهی کند و هیچ‌گاه برای کسی از آسمان زر و سیم فرستاده نمی‌شود.

کسانی که قدرت کسب و کار دارند و می‌توانند مایحتاج خود و خانواده‌شان را به دست آورند، نباید به امید صدقه و احسان دیگران از کار باز مانند. در این مورد پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِعَنِيٍّ وَلَا لِدِي مَرَّةٍ سَوِيٍّ» [ترمذی]

«صدقه برای افراد بی‌نیاز و افراد نیرومند و سالم، حلال نیست».

و یکی از کارهایی که پیامبر ﷺ به شدت با آن مبارزه کرده و آن را بر مسلمانان حرام نموده، گدایی و آبروریزی و محو شخصیت انسانی به وسیله‌ی توقع از دیگران است. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«کسی که گدایی می‌کند تا مال به دست آورد، این مال لکه‌ی ننگی است بر چهره‌ی او تا روز قیامت. و در آن روز به صورت سنگ سرخ شده در آتش دوزخ درمی‌آید که باید آن را بخورد. پس هر کسی آرزو دارد آن را کم کند و هر کسی هم می‌خواهد آن را بیشتر نماید». [ترمذی]

و پیامبر ﷺ با این طرز تفکر که بعضی‌ها کار کردن و اشتغال به بعضی مشاغل را عار و بی‌شخصیتی می‌دانند، مبارزه نموده و به اصحابش می‌فرماید: احترام و شخصیت کامل در کار کردن است، هر نوع کاری که باشد و عار و بی‌شخصیتی در تنبلی و سر بار دیگران بودن است. و چنین می‌فرماید:

«اگر یک نفر از شما طنابش را بردارد و با آن مقداری هیزم بیاورد و آن را بفروشد و خداوند آبرو و شخصیت او را به وسیله‌ی این کار محفوظ نماید، بهتر از آن است که از دیگری درخواست نماید، فرق نمی‌کند که چیزی به او بدهند یا ندهند». [بخاری و مسلم]

بنابراین اقدام به فن و صنعت و یادگیری آن از نظر اسلام نه تنها عملی پسندیده و مباح و قابل تحسین است، بلکه همان‌گونه که علماء و پیشوایان دین فرموده‌اند، «فرض کفایه» است به این معنی که واجب است در هر نقطه‌ای از نقاط مملکت اسلامی تعداد کافی از مسلمانان عالم و آگاه به فن و صنایع زمان وجود داشته باشند تا نیاز مسلمانان را برطرف نمایند، و مسلمانان باید خودشان کار خودشان را انجام دهند. هر گاه مسلمانان در رشته‌ای از علم و صنعت از دیگران عقب افتادند و در بین آن‌ها کسی نباشد این عقب‌افتادگی را جبران نماید، همه گناهکارند مخصوصاً رؤسا و مسئولین دولت که جرم بیشتری دارند.

قرآن نیز به اکثر صنایع اشاره فرموده و بر بشر ممت گذاشته که از روی تفضیل و احسان، این نعمت‌ها را به او بخشیده است. خداوند متعال در مورد حضرت داود و

ساختن زره و ادوات جنگی می‌فرماید: [سبأ/۱۰ و ۱۱، انبیاء ۸۰]

و در مورد سلیمان و به کار گرفتن و بهره‌برداری کردن از مس گداخته و معدن و

جنیان می‌فرماید: [سبأ/۱۲ و ۱۳]

درباره‌ی ذوالقرنین و سدّ بزرگ و محکم وی می‌فرماید: [کهف / ۹۵ تا ۹۷]  
 خداوند داستان کشتی سازی نوح را ذکر می‌کند و به کشتی‌های بزرگی که مانند  
 کوه در دریا به حرکت درمی‌آیند، اشاره می‌فرماید: [شوری/۳۲]  
 خداوند در اکثر سوره‌های قرآن به صنعت صیّادی و انواع آن از قبیل صید ماهی و  
 سایر حیوانات دریایی و صید حیوانات خشکی، و به صنعت غوّاصی به منظور استخراج  
 درّ و اشیای نفیس دریایی اشاره فرموده است.

قرآن به نحوی اهمّیت و ارزش آهن را بیان فرموده که تا حال هیچ کتاب دینی و  
 دنیوی نتوانسته است از او پیشی گیرد. و بعد از آنکه می‌فرماید، پیغمبران را برای  
 انسان فرستادیم و کتب را بر ایشان نازل کرده‌ایم، از اهمیت و ارزش آهن و صنعت  
 بحث به میان می‌آورد و می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ﴾ [الحديد: ۲۵]

و هر حرفه و صنعتی که مورد نیاز جامعه باشد یا به جامعه نفعی برساند، جزو عمل  
 صالح، محسوب می‌شود و صاحب آن اگر از روی اخلاص و دقت آن را انجام دهد،  
 مأجور خواهد بود.

اسلام برای بعضی از شغل‌ها که مردم با دیده‌ی تحقیر به آن‌ها می‌نگرند و آن‌ها را  
 کسر شأن خود به حساب می‌آورند، ارزش و احترام قائل شده است، مثلاً چوپانی که  
 اکثر مردم آن را دست کم می‌گیرند و با دیده‌ی احترام چوپان را نمی‌نگرند، اما  
 پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «ما بعث الله نبياً الا رعي الغنم»، «هیچ پیامبری از جانب خدا  
 نیامده است که گوسفند نچرانده باشد». پرسیدند: شما هم‌ای رسول خدا! فرمود: «نعم.  
 كنتُ ارعاهما علي قراريط لاهل مكة». بله من گوسفندان اهل مکه را با چند قیراط مزد  
 می‌چراندم. [بخاری]

از این حدیث دانسته می‌شود که حضرت رسول اکرم ﷺ گوسفندان دیگران را در  
 مقابل مقداری اجرت چرانیده است و این موضوع را هم برای پیروانش بازگو می‌کند تا  
 آن‌ها را آگاه نماید که احترام و شخصیت برای کارگران است، نه عیّاشان و تنبلان.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که گفت:

«حضرت داود عليه السلام زره‌ساز، آدم عليه السلام کشاورز، نوح عليه السلام نجّار، ادریس عليه السلام خیاط و

موسی عليه السلام چوپان بوده است». [حاکم]

بنابراین لازم است که مسلمانان به شغلی که دارند خوشحال باشند، چه هیچ یک از پیامبران بیکار و بی‌شغل نبوده‌اند. در حدیث آمده است که:

«هیچ کس هیچ وقت طعامی حلال‌تر از آنچه که به رنج بازویش به دست می‌آورد نخواهد خورد. پیامبر خدا داود علیه السلام از ثمره‌ی کار و نیروی بازوی خویش نان می‌خورد.» [بخاری]

به هر حال، بهترین طعام آن است که انسان با دسترنج خود فراهم آورده باشد. کسی که با عرق جبین و زحمت بازو، مالی را بدست می‌آورد، بهتر از کسانی است که بدون زحمتی دارای مال و متاعی شده‌اند. زیرا انسان، مالی را که با زحمت بدست می‌آورد نه تنها موجب نشاط و خوشحالی او می‌شود، بلکه سبب تندرستی، نیرومندی، فعالیت جسمانی و تقویت بنیه‌ی او می‌گردد و در ضمن در خوردن و استفاده از آن هر چه بیشتر لذت می‌برد و با فکر و وجدان آسوده‌ای از آن بهره می‌برد. و کسی که ریسمانی را برمی‌دارد و از کوه یا مزارع پشته‌ای هیزم یا گیاه را برداشته و به شهر می‌آورد و می‌فروشد و عزت و کرامت خود را حفظ می‌کند، بسیار بهتر و آبرومندتر و شریفتر از کسی است که شب و روز در خیابان‌ها مشغول پرسه زدن و مفت‌خواری است و چشم به راه دیگران است که چیزی را به او بدهند یا ندهند.

**آیاتی که درباره‌ی حرفه و صنعت، پیشه و کار، کاسبی و شغل، و تخصص و هنر وارد شده است**

**نجاری و کشتی‌سازی**

﴿وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَلِّبُنِي فِي الْذِّينِ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾  
وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ... ﴿٣٧-٣٨﴾ [هود: ٣٧-٣٨]  
﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا... ﴿٢٧﴾ [المؤمنون: ٢٧]

**سنگ تراشی و ساختمان سازی**

﴿...وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا... ﴿٧٤﴾ [الأعراف: ٧٤]

﴿وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ ﴿١٥٩﴾ [الشعراء: ١٤٩]

﴿قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾ [الصفات: ٩٥]

آهنگری و ساخت زره و ادوات جنگی

﴿...وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ رَبِّدْ مِثْلَهُ...﴾ [الرعد: ۱۷]  
 ﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ [الأنبياء: ۸۰]

﴿...وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ ﴿۱۰﴾ أَنْ أَعْمَلَ سَلِيْعَتٍ وَقَدِرٍ فِي السَّرِيَّةِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱﴾﴾ [سبا: ۱۰-۱۱]  
 ﴿...وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۲۵﴾﴾ [الحديد: ۲۵]

سدسازی

﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿۹۵﴾ ءَأَنْتُمْ يُرَبَّرُ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ أَنْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَأَنْتُمْ أْفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا ﴿۹۶﴾ فَمَا اسْتَطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿۹۷﴾﴾ [الكهف: ۹۵-۹۷]  
 ﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ ءَايَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَأَشْكُرُوا لَهُمْ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ ﴿۱۵﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ أُكُلٍ حَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَیْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿۱۶﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِيْ إِلَّا الْكُفُورَ ﴿۱۷﴾﴾ [سبا: ۱۵-۱۷]

خیاطی

﴿فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ...﴾ [الأعراف: ۲۲]  
 ﴿يَبْنِيْ ءَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسِ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿۲۶﴾﴾ [الأعراف: ۲۶]  
 ﴿فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ...﴾ [طه: ۱۲۱]

## بنائی

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

الْعَلِيمُ ﴿۳۷﴾ [البقرة: ۱۲۷]

﴿...وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا...﴾ [الأعراف: ۷۴]

﴿...فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ

أَجْرًا ﴿۷۷﴾ [الكهف: ۷۷]

﴿أَتَّبِعُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿۱۲۸﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿۱۲۹﴾

[الشعراء: ۱۲۸-۱۲۹]

## دریانوردی و کشتیرانی

﴿أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ

مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿۷۹﴾ [الكهف: ۷۹]

ساخت کوره‌های آجرپزی (تبدیل کردن خشت گلین به آجر پخته)

﴿...فَأَوْقَدُ لِي يَهْمَنَّ عَلَى الْظِّئِرِ فَأَجْعَلِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى...﴾

[القصاص: ۳۸]

## ساخت قطعات صاف شیشه (بلور)

﴿قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقِيهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ

مُمرَدٌّ مِّن قَوَارِيرٍ...﴾ [النمل: ۴۴]

## قصابی و گوشت فروشی

﴿...إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ...﴾ [المائدة: ۳]

## لباسشویی، پارچه سفید کنی و رنگبری

﴿وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ ءَامِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا ءَامَنَّا وَأَشْهَدُ بِأَنَّنَا

مُسْلِمُونَ ﴿۱۱۱﴾ [المائدة: ۱۱۱]



توضیح موضوع: آیه‌ی ۱۱۱ سوره‌ی مائده و آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی آل عمران، اشاره به لباسشویی، پارچه سفیدکنی و رنگبری دارد، چرا که «حواریون» جمع «حواری» از ماده‌ی «حَوْر» به معنی شستن و سفید کردن است. و «حوریان بهشتی» را نیز به این جهت «حور» می‌گویند که سفیدپوست هستند، یا سفیدی چشمانشان درخشنده و سیاهی آن کاملاً سیاه است.

و درباره‌ی علت نامگذاری شاگردان حضرت عیسی به «حواریون» مفسران گفته‌اند که آن‌ها علاوه از اینکه شغل لباسشویی داشته‌اند، دارای قلبی پاک و روحی باصفا بودند که در پاکیزه ساختن و روشن نمودن افکار دیگران و شستشوی مردم از آلودگی و گناه، کوشش و تلاش فراوان داشتند.

میرابی و آب دادن (پیشه‌ی کسی که به دیگران آب می‌دهد)

﴿أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ...﴾ [التوبة: ۱۹]

﴿فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿۱۲﴾﴾

[الفصص: ۲۴]

صنعت صیادی و شکار ماهی (و سایر حیوانات دریایی)

﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا...﴾ [النحل: ۱۴]

﴿...وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا...﴾ [فاطر: ۱۲]

صنعت غواصی در دریاها به منظور استخراج زیورآلات و اشیای نفیس دریایی (از قبیل: لؤلؤ و مرجان و درّ و گوهر)

﴿...وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا...﴾ [النحل: ۱۴]

﴿...وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا...﴾ [فاطر: ۱۲]

﴿وَالشَّيْطِينَ كُلِّ بَنَّاءٍ وَعَوَّاصٍ﴾ [ص: ۳۷]

## صنعت مسگری و فلزکاری

﴿...وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلَهُ...﴾ ﴿...وَأَسْلَمْنَا لَهُو عَيْنَ الْقِطْرِ...﴾ ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَحِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ...﴾ [سبا: ۱۲-۱۳]

## صنعت نساجی

﴿...كَمْثِلِ الْعَنْكَبُوتِ أُتِّخِذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [العنكبوت: ۴۱]

## ریسندگی و بافندگی (الغزل)

﴿...وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَثًا وَمتَلَعًا إِلَى حِينٍ﴾ [النحل: ۸۰]

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَلْنَا...﴾ [النحل: ۹۲]

## صنعت زرگری و ریخته‌گری (حرفه‌ی زرگری و طلاسازی)

﴿وَأَتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ...﴾ [الأعراف: ۱۴۸]

﴿...وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلَهُ...﴾ [الرعد: ۱۷]

## آشپزی و طبّاحی

﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَمًا قَالَ سَلَّمَ فَمَا لَبِتَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلِ حَنِيزٍ﴾ [هود: ۶۹]

## پیشه‌ی نانواپی

﴿...وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرْنِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ...﴾ [يوسف: ۳۶]

## «تجلیل و تکریم، و بزرگداشت انسان از ناحیهی خدا»

خداوند متعال انسان را (با اعطای عقل، اراده، اختیار، نیروی پندار و گفتار و نوشتار، قامت راست و غیره) گرامی داشت، و آنچه که در آسمان‌ها و آنچه که در زمین است، همه را از ناحیهی خود، مسخر او ساخته است

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۹]

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰]

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحج: ۶۵]

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَةَ وَبَاطِنَةً...﴾ [لقمان: ۲۰]

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الجاثية: ۱۳]

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ [التين: ۴]

بیان اوضاع و احوال، و اوصاف و ویژگی‌های بیشتر آدمیزادگان در پرتو آیات قرآن

﴿...وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ۲۸]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمْ ۗ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ [النساء: ۴۹]

﴿وَإِن تَطَّعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ [الأنعام: ۱۱۶]

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِيًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ ۗ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾﴾ [يونس: ١٢]

﴿وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِن بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿١١﴾﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٢٢﴾﴾ فَلَمَّا أَنْجَلَهُمْ إِذَا هُمْ يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ... ﴿﴾ [يونس: ٢١-٢٣]

﴿وَلَئِن أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكُوفُ كُفُورًا ۗ وَلَئِن أَذَقْتَهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي ۗ إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورًا ﴿١٠﴾﴾ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾﴾ [هود: ٩-١١]

﴿وَمَا أَكْثَرَ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾﴾ [يوسف: ١٠٣]

﴿وَكَأَيِّن مِّن آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٥﴾﴾ [يوسف: ١٠٥]

﴿...وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ الرِّبِّ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الرعد: ١]

﴿...وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾ [إبراهيم: ٣٤]

﴿وَمَا بِكُمْ مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْرُونَ ﴿٥٣﴾﴾ ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾﴾ [النحل: ٥٣-٥٤]

﴿...وَمِنْكُمْ مَّن يَرُدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾ [النحل: ٧٠]

﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ ۗ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾﴾ [الإسراء: ١١]

﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ ۗ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كُفُورًا ﴿٦٧﴾﴾ [الإسراء: ٦٧]

﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَا بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا﴾

[الإسراء: ۸۳]

﴿قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ

قَتُورًا﴾ [الإسراء: ۱۰۰]

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ

جَدَلًا﴾ [الكهف: ۵۴]

﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ﴾ [الأنبياء: ۳۷]

﴿...وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ

شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فِإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ

بِهَيْجٍ﴾ [الحج: ۵]

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ

فِتْنَةٌ اُنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ [الحج: ۱۱]

﴿وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ﴾ [الحج: ۶۶]

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۸]

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [النمل: ۷۳]

﴿فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ

يُشْرِكُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۵]

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [يونس: ۶]

﴿ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾ [يونس: ۷] أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ

بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ﴾ [الروم: ۶-۸]

﴿...لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

[الروم: ۳۰]

﴿وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾﴾ [الروم: ٣٣]

﴿وَإِذَا آذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾﴾ [الروم: ٣٦]

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً...﴾ [الروم: ٥٤]

﴿وَإِذَا عَشِيتُمْ مَوْجٌ كَالظَّلِيلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٦﴾﴾ [القمان: ٣٦]

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾﴾ [الأحزاب: ٧٢]

﴿وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾﴾ [يس: ٦٨]

﴿أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٧﴾﴾ [يس: ٧٧]

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نِسَىٰ مَا كَانَ يُدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلٍ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾﴾ [الزمر: ٨]

﴿فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا نَا ثُمَّ إِذَا حَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾﴾ [الزمر: ٤٩]

﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَٰكِنَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾﴾ [غافر: ٥٧]

﴿...إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [غافر: ٦١]

﴿لَا يَسْتَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَعُوْثُ قُنُوطًا ﴿٦٩﴾ وَلَٰكِنَ آذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لِيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَٰكِن رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ عَذَابٍ

غَلِيظٍ ﴿٥١﴾ وَإِذَا أُنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَىٰ بِجَانِبِهِ ۖ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ

عَرِيضٍ ﴿٥٢﴾ [فصلت: ۴۹-۵۱]

﴿...وَأِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَمَّا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ

فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ﴾ [الشورى: ۴۸]

﴿وَجَعَلُوا لَهُ مِن عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ﴾ [الزخرف: ۱۵]

﴿الَّذِينَ يَجْتَبُونَ كَبِيرَ الْأَيْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ

هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ﴾ [النجم: ۳۲]

﴿...هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا

تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ﴾ [النجم: ۳۲]

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿١٩﴾ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ﴿٢٠﴾ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿٢١﴾ إِلَّا

الْمُصَلِّينَ ﴿٢٢﴾ [المعارج: ۱۹-۲۲]

﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥٥﴾ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ﴿٥٦﴾﴾ [القيامة: ۵-۶]

﴿قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿٧٧﴾﴾ [عبس: ۱۷]

﴿كَلَّا لَمَّا يَقُضِ مَا أَمَرَهُ ﴿٢٣﴾﴾ [عبس: ۲۳]

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَأَمَّا إِذَا

مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْلَنِ ﴿١٦﴾﴾ [الفجر: ۱۵-۱۶]

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ ﴿٦﴾ أَن رَّأَاهُ اسْتَغْنَىٰ ﴿٧﴾﴾ [العلق: ۶-۷]

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ

لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾﴾ [العاديات: ۶-۸].





## «زن در اندیشه‌ی اسلامی»

### مساوات میان زن و مرد در ادای تکلیف و دینداری و عبادت

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٢٥﴾﴾ [آل عمران: ١٩٥]

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٦﴾﴾ [النساء: ١٢٤]

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾﴾ [النحل: ٩٧]

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِينَ وَالْقَنَاتِاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾﴾ [الأحزاب: ٣٥]

﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾﴾ [غافر: ٤٠]



توضیح موضوع: در حقیقت هیچ دین آسمانی یا زمینی و هیچ مکتب فلسفی - اعم از ایده‌آلیست و رئالیست - مانند اسلام در تکریم، بزرگداشت، رعایت عدل، و حمایت از زن پیدا نمی‌شود.

در واقع اسلام زن را به عنوان انسان، زن، دختر، همسر، مادر و عضوی از اعضای جامعه، مورد کرامت، بزرگداشت، تجلیل، تکریم، تعظیم، عدالت و حمایت خود قرار داده است. همچنین اسلام به زن از لحاظ اینکه مکلف است، مسئولیت کاملی همچون مرد بر عهده‌ی او نهاده و او را همانند مرد شایسته‌ی کشیدن این بار امانت دانسته است و همانند مرد در رابطه با ثواب و عقاب اعمال، به او پاداش داده می‌شود تا آنجا که اولین تکلیف الهی که برای انسان صادر شد، زن و مرد را یکسان مکلف می‌ساخت، آنجا که خداوند متعال خطاب به اولین انسان یعنی حضرت آدم و همسرش حضرت حواء می‌فرماید:

﴿أَسْكُنْ أَنتَ وَرَوْحُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۳۵]

براستی که یکی از ویژگی‌ها و پیام‌های اسلام، احترام به کرامت زنان و تأکید بر انسانیت و اهلیتشان برای ادای مسئولیت و اجر و پاداش و برخورداری از بهشت خداوند بود و آنان را به عنوان انسانی که دارای حرمت و کرامت بوده، و از همه‌ی حقوق و مزایای مردان برخوردارند، نگاه می‌نمود. زیرا هر دوی آنان شاخه‌هایی از یک درخت، و خواهر و برادر و فرزندان پدری به نام آدم و مادری به اسم «حواء» هستند که پا در عرصه‌ی گیتی نهاده‌اند و در اصل آفرینش و در ویژگی‌های کلی انسانی و در تکالیف و مسئولیت‌ها و پاداش و سرانجام با هم مساوی و برابرند. [نساء/۱]

از دیدگاه قرآن، میان زن و مرد در ادای تکلیف و دینداری و عبادت، هیچ‌گونه فرقی نیست و در این ارتباط با هم برابر و یکسان‌اند. [احزاب/۳۵]

و در تکالیف دینی و اجتماعی نیز میان زن و مرد مساوات برقرار است. [اعراف/۱۸۹] و در ماجرای آدم و حواء، خداوند متعال مسئولیت و تکلیف را پیش روی هر دوی آنان قرار می‌دهد. [بقره/۳۵]

و در رفتن به بهشت هیچ‌گونه تفاوتی میان زنان و مردان نیست. [آل عمران/۱۹۵]

قرآن به صراحت می‌گوید که اعمال انسان‌ها چه زن و چه مرد در پیشگاه خداوند تباه نخواهد شد و همه از یک سرشت و اصل آفریده شده و طبیعتی یکسان دارند. [نحل/۹۷، نساء/۱۲۴]

در مورد حقوق مالی زنان، اسلام بر همه‌ی قوانین و عادات بسیاری از ملت‌های عرب و غیرعرب که زنان را از مالکیت و میراث محروم نموده، یا حق آنان را در تصرف

اموال خود ضایع گردانیده، و ستم‌هایی که مردان در تصرف ناروا در اموال زنان خود روا می‌داشتند، مُهر باطل نهاده است و حق مالکیت و تصرف را در همه‌ی عرصه‌های مالی برای آنان مقرر نموده، و وصیت و ارث بردن را همچون مردان برایشان مقرر کرده و به آنان در مورد خرید و فروش، و اجاره و بخشش، و امانت دادن و وقف، و احسان و کفالت، و حواله و رهن و... حق و اختیار داده است.

و همچنان که حق دارند از نفس و کرامت و شخصیت خود دفاع نمایند، حق دفاع از اموال و دارایی خود را نیز براساس شریعت اسلام دارا می‌باشند.

و شریعت مقدس اسلام، زن و مرد را مُکَمَل یکدیگر قرار داده است به طوری که عیوب هم را می‌پوشانند و نواقص یکدیگر را برطرف می‌کنند. اگر مرد از نظر جسمی به طور نسبی برتر از زن است، زن نیز از نظر مهر و عطوفت که از بارزترین صفات الهی است، برتری نسبی به مرد دارد. پس شجاعت و تدبیر مرد با عطوفت و ایثار زن، و منطق و استدلال مرد با هنر و زیبادوستی زن، کامل می‌شود.

قرآن کریم در این مورد تعبیری بسیار لطیف و جامع دارد: ﴿هُنَّ لِيَأْسُ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَأْسِ لَهُنَّ﴾ [البقرة: ۱۸۷]. آری زن و مرد همچون لباس عیوب همدیگر را می‌پوشانند و یکدیگر را کامل و زیبا می‌کنند. و وجود زنانی بزرگوار چون مریم، آسیه، خدیجه، عایشه، فاطمه، سمیه و... و تجلیل قرآن و سنت از آنان، گواه بر مقام و جایگاه والای زن در اسلام است. و قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۳]

«بی‌گمان گرامی‌ترین شما مردان و زنان، در نزد خدا متقی‌ترین و پرهیزگارترین شما است.»

### تشویق به تعلیم و آموزش زنان

﴿وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا

حَبِيرًا ﴿۳۴﴾ [الأحزاب: ۳۴]



**توضیح موضوع:** در این مورد تردیدی وجود ندارد که با توجه به مسئولیت‌هایی که به زنان سپرده شده، زنان این حق را دارند - یا این مسئولیت را دارند - که برای قیام در حد توان به ادای آن مسئولیت‌ها، دانش و آگاهی لازم را کسب کنند، تا در جهت جلب خیر و مصلحت و دفع شر و مفسده آگاهانه‌تر و با چشم بازتر عمل نمایند.

بر همین اساس، اسلام - همچنان که بر مردان واجب گردانیده - بر زنان نیز آموزش و معرفت عقاید و عبادات و آگاهی از حلال و حرام در محدوده‌ی مسئولیت‌هایشان را بر آنان واجب گردانیده است.

و یکی از حقوق زنان بر مردان این است که ضروریات دین را به آن‌ها یاد دهند، یا به آن‌ها اجازه دهند تا در مجالس علم و دانش حضور یابند، چون نیاز زن به اصلاح دین و تزکیه‌ی روح کمتر از نیاز او به خوردن و آشامیدن نیست. چرا که ما می‌دانیم که زنان نصف جامعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهند اگر چه از حیث آمار نصف جامعه هستند، ولیکن از حیث تأثیر نصف مهم‌تر جامعه‌اند. چون به حقیقت تأثیر مثبت و منفی آنان روی شوهران، فرزندان، و سایر افراد خانواده غیرقابل انکار است و نقش بسیار اساسی را به عهده دارند.

الأم مدرسةٌ إذا عُدَّتْها اعددتْ شعباً طيب الاعراق

«مادر، مدرسه‌ای است که هر گاه آن را نیکوسازی، و مهیا نمایی، یک ملت پاک نهاد را ساخته‌ای». لذا عالمان، اندیشمندان، رهبران، مصلحان و مسئولان تربیتی جامعه، مسائل مربوط به زنان را بسیار مورد اهمیت و توجه قرار داده‌اند و جامعه را به کرامت، عدالت و رفع ستم نسبت به زنان فراخوانده‌اند، تا زنان بتوانند در مسائل آموزشی، تربیتی و مشاغل متناسب با طبیعت و سرشت و شخصیت اجتماعی و توان جسمی و روحی و تحمل مسئولیت‌های ویژه‌ی خویش و انتخاب همسر و تشکیل خانواده و کانون زندگی مشترک، منصفانه به حقوق مسلم و متناسب خویش دست یابند.

### تشکیل خانواده

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...﴾ [النساء: ۱]

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ...﴾ [النحل: ۷۲]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الروم: ۲۱]



**توضیح موضوع:** بدون تردید خانواده زیر بنا و مصالح تشکیل دهنده‌ی ساختمان جامعه و امت اسلامی است که از مجموعه‌ای از افراد مرتبط با هم شکل می‌گیرد. و از آنجا که خانواده زیر بنای جامعه‌ی اسلامی است، ازدواج پایه‌ی تشکیل خانواده است و از طریق آن خانواده شکل می‌گیرد و رشد و نمو می‌نماید. برخی از ادیان و فرهنگ‌های بشری، زن را به عنوان مخلوقی ناپاک و موجودی شیطانی نگاه می‌کردند که تنها راه نجات از گرفتار گردیدن به دام‌ها و زیان‌های آنان، گوشه‌گیری و رهبانیت و تن در ندادن به ازدواج است.

برخی دیگر، زن را به عنوان وسیله‌ای برای بهره‌گیری شوهر و پرداختن به آشپزی و خدمتکاری خانه نگاه می‌کردند.

اما اسلام بر روی فرهنگ رهبانیت و گوشه‌گیری خط قرمز کشید و زوجیت و همسری را یکی از آیات و نشانه‌های قدرت و حکمت خداوند می‌شمارد: [روم/۲۶]

و زمانی که عده‌ای از اصحاب پیامبر ﷺ به خاطر عبادت و روزه و نماز شب و دوری از زندگی خانوادگی قصد گوشه‌گیری داشتند، رسول خدا ﷺ کارشان را مردود شمرده و فرمود:

«من روزهایی را روزه، و روزهایی را هم روزه نمی‌نگیرم. گاهی نماز شب می‌خوانم و گاهی هم نماز شب را نمی‌خوانم و با همسر و خانواده‌ام معاشرت دارم، هر کس از راه و رسم من منحرف گردد، از ملت من نیست.» [بخاری]

و اسلام نیز پس از ایمان، بزرگترین نعمت دنیا را برای مرد، همسر پاک و باتقوا و پرهیزگار می‌داند، و او را وسیله‌ی خیر و خوشبختی به شمار می‌آورد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«پس از پرهیزگاری هیچ چیزی برای مؤمن مفیدتر از همسر پاک و باتقوا نیست. همسری که هر گاه شوهرش کاری را به او بسپارد، انجام می‌دهد، و وقتی نگاهش می‌نماید، شادمان می‌گردد، و هر گاه بر انجام کاری اصرار نماید، او را اطاعت نماید، هر گاه در منزل نباشد، مال و ناموس او را پاسداری می‌کند.» [ابن ماجه]

و نیز می‌فرماید:

«همه‌ی مظاهر دنیا مایه‌ی تمتّع و بهره‌مندی و بهترین متاع آن زن پاک و پرهیزگار است.» [مسلم]

و نیز می‌فرماید:

«یکی از نشانه‌های خوشبختی انسان، داشتن همسری پاک و پرهیزگار، محل سکونت و مرکبی مناسب است». [احمد]

### وجوب اجازه خواستن از زن قبل از ازدواج

﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ...﴾ [البقرة: ۲۳۰]  
 ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ الْبَسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا  
 بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ [البقرة: ۲۳۲]



**توضیح موضوع:** پدر حق ندارد دختر بالغ و عاقل خود را به نکاح کسی دریاورد که دختر او را نمی‌پسندد و دوست نمی‌دارد. بلکه لازم است پدر با دختر خود در مورد کسی که می‌خواهد همسر او بشود، مشورت نماید، اگر دختر از قبل شوهر نموده باشد (یعنی بیوه باشد)، باید به صراحت نظر خود را اعلام نماید و چنان‌چه برای اولین بار باشد که دختر ازدواج می‌نماید، سکوتش - چنان‌چه از روی نادانی و ترس و اشتباه نباشد - به معنی رضایت او تلقی می‌شود، و چنان‌چه نه می‌گوید، هیچ کس نمی‌تواند او را به نکاح کسی که دوست ندارد، دریاورد. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«بیوه تا از او دستور نگرفتند ازدواج داده نشود، و دوشیزه هم تا از او اجازه گرفته نشود، به ازدواج کسی داده نشود. گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! اجازه (رضایت) دوشیزه چگونه است؟ فرمود: این است که ساکت بماند». [ابن ماجه و مسلم]  
 از خنساء دختر خدام انصاری روایت شده است که:

«من بیوه زن بودم و بدون اجازه و رضایتم، پدرم مرا شوهر داد. خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم و موضوع را با او مطرح نمودم، ایشان آن عقد را باطل اعلام فرمودند.» [بخاری، ترمذی، نسائی، ابن ماجه و ابوداود]

و از ابن عباس رضی الله عنهما هم روایت شده که دختری خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و خدمت ایشان گفت: که پدرش بدون رضایتش او را شوهر داده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله اختیار قبول یا فسخ نکاح را به او سپرد». [احمد و ابوداود]

و حضرت عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «دختری به او مراجعه نمود و گفت: پدرم مرا به عقد برادرزاده‌اش درآورده تا خود را از فقر و ناداری برهاند. و من عمو زاده‌ام را دوست ندارم. عایشه رضی الله عنها گفت: بنشین تا رسول خدا صلی الله علیه و آله برگردد (و پس از آمدن ایشان) موضوع را با او در میان نهاد و رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را دنبال پدر دختر فرستاد و با او صحبت فرمود، و در نهایت به دختر حق انتخاب داد. دختر گفت: اینک به کاری که پدرم انجام داده رضایت می‌دهم؛ اما خواستم بدانم در اینگونه موارد زنان از حقی برخوردار هستند یا خیر؟» [نسائی]

از ظاهر این روایات و احادیث اینگونه فهمیده می‌شود که شرط صحت عقد نکاح، اجازه و رضایت دختر و بیوه‌زن است و چنانچه پدر یا ولی بدون اجازه آنان را به عقد نکاح کسی دربیاورند، آن نکاح درست نیست. و یکی از رهنمودهای زیبای اسلام در رابطه با دختران آن است که هنگام ازدواج دختر، با مادر او هم لازم است مشورت بشود، تا رضایت پدر و مادر هر دو جلب گردد. زیرا ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«در مورد دختران با مادرانشان مشورت نمائید».

وقتی که پدر حق ندارد دخترش را بدون رضایتش به عقد نکاح کسی دربیآورد، دختر هم براساس حدیث «بدون ولی عقد نکاح معنی ندارد» [ترمذی]، نباید خود را به نکاح کسی دربیآورد.

و بهتر آن است که ازدواج پس از موافقت پدر و مادر و دختر انجام پذیرد، تا زمین‌های برای اختلاف و مشاجره و کینه و خصومت فراهم نشود. زیرا خداوند به خاطر مودت و محبت میان مردم است که نکاح را مقرر فرموده است.

بدین صورت اسلام به پدران می‌آموزد که دختران آنان پیش از هر چیزی دیگر، انسان هستند، و انسانی همسان خود را می‌خواهند، و کالایی نیستند که اگر کسی حاضر بود مبلغ بیشتری را برای آن پرداخت نماید، با او وارد معامله بشوند. متأسفانه بسیاری از پدران در گذشته و در زمان معاصر با دختران خود چنین روشی را بکار برده و می‌برند.

به هر حال، شریعت مقدس اسلام از منزلت پدر و مادری محافظت می‌نماید، و در عین اینکه به دختران و زنان حق اظهار نظر و تصمیم‌گیری می‌دهد، آنان را به ادب و اخلاق و احترام به پدر و مادر دعوت می‌نماید.

بر همین اساس، ما استبداد و اجبار پدر را در مورد شوهر دادن دختر خود، بدون جلب رضایت خود او و مادرش صحیح نمی‌دانیم، و همچنین افسار گسیختگی و تصمیم‌گیری به ازدواج از طرف دختران بدون مشورت با پدر و مادر و جلب رضایت ایشان، راه صحیح و مشروع نمی‌شماریم. زیرا هر دو روش غالباً سبب ناهنجاریها و مشکلات دامنه‌داری می‌شوند. گاهی اوقات دخترانی که به اجبار تن به ازدواج داده‌اند، دست به خودکشی می‌زنند. یا حاضر به زندگی با شوهری که هیچ علاقه‌ای به او ندارند، نمی‌دهند و گاهی بر سر موضوع، میان پدر و مادر نزاع و اختلاف پدید می‌آید، و چندین خانواده آرامش و صمیمیت خود را از دست می‌دهند. از طرف دیگر پدر دختر، غالباً ازدواج خودسرانه‌ی او را تحمل نمی‌کند و برای محافظت از حیثیت و احترام خانوادگی خود دست به اقداماتی غالباً خشونت بار بر علیه دختر و یا مردی که اقدام به ایجاد ارتباط با دخترش نموده، می‌زند.

### مهریه‌ی زنان

﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا

مَرِيئًا ﴿۱۰﴾ [النساء: ۴]

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿۱۱﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿۱۲﴾﴾ [النساء: ۲۰-۲۱]



**توضیح موضوع:** شریعت اسلام در جهت محافظت از حرمت و کرامت و منزلت زن، و به منظور احترام و تکریم و تجلیل و تعظیم او، اعطای هدیه‌ای را بر مرد که بیانگر رغبت او به ازدواج با آنان خانم است، واجب گردانیده که از نظر شریعت «مهریه» نامیده می‌شود.

### تأمین مخارج زن و فرزندان

﴿...وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا...﴾

[البقرة: ۲۳۳]



﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَكَاتِبُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَرِّضُوعَ لَهُ أٰخْرٰى ﴿٦﴾ لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۗ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا ءَاتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا ءَاتَلَهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾﴾ [الطلاق: ٦-٧]

### حُسن معاشرت با زنان

﴿...وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾﴾ [النساء: ١٩]

### مردان بر زنان قوامت و سرپرستی دارند

﴿...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٢٨﴾﴾ [البقرة: ٢٢٨]

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۗ فَالَّذِينَ حَفِظْتُ لِالْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...﴾ [النساء: ٣٤]



توضیح موضوع: قبلاً نیز گفتیم که خداوند متعال به دو دلیل «قوامت» و «نظارت» را در اختیار مرد قرار داده است:

۱. به خاطر مسئولیت بیشتر و آینده‌نگری و بررسی دقیقتر و اندیشمندانه‌تر امور اقتصادی در مقایسه با خانم‌ها که آن‌ها هم از نظر عاطفی و احساسی به خاطر مسئولیت مادری بر مردان برتری دارند.
۲. مرد است که در ارتباط با دخل و درآمد برای اداره‌ی امور خانواده مسئولیت دارد و چنان‌چه مخارج منزل با درآمدی که با برنامه و کار مرد ارتباط مستقیم دارد، هماهنگی نداشته باشد، دچار نابسامانی و گرفتاری مالی خواهند گردید. زیرا مرد با توجه به کار و میزان درآمدش، قبل از هر تصمیمی، همه‌ی حساب‌ها را باید در نظر بگیرد.

مرد مکلف است که همسرش را به گونه‌ی شایسته و عادلانه نگاهدارد، یا به صورت  
خداپسندانه و بدور از ظلم و جور رها کند و طلاقش دهد

﴿...فَأَمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَنٍ...﴾ [البقرة: ۲۲۹]

﴿...وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا...﴾ [البقرة: ۲۳۱]

﴿فَإِذَا بَلَغَ الْأَجَلَ نَ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ...﴾ [الطلاق: ۲]

\*\*\*

توضیح موضوع: هر گاه مرد همسرش را دوست نداشته باشد و بنا به دلایلی از او ناراضی باشد، باید او را به طور شایسته، همانطور که خداوند متعال امر فرموده است، از خود جدا کند، و جایز نیست که او را حبس کند و در خانه نگه دارد که نه به عنوان یک همسر با او رفتار کند و نه به او اجازه‌ی ازدواج با دیگری را بدهد، و یا به او ضرر برساند، طوری که زن مجبور شود که با پرداخت مالی، خودش را نجات دهد.

به هر حال، هر گاه مرد زنش را یک طلاق داد و مدّت عدّه‌اش نزدیک به انقضای و پایان شد، بر مرد لازم است در این حالت، یکی از این دو امر را انتخاب نماید:

۱. یا زن را در حالت زوجیت باقی نگهدارد و با نیکی و اخلاق اسلامی با او رفتار کند و هدفش از رجعت دادن او، ادامه‌ی زندگی با نیت خیر و اصلاح باشد نه اینکه قصد سوء و حالت انتقام‌جویی داشته باشد.

۲. وقتی عدّه‌اش تمام شد، به نحو احسن از او جدا شود و اذیت، ضرر، توهین، بهتان و تزییع حقوق در بین نباشد و به هنگام جدایی، یکدیگر را حلال نمایند.

و مرد حق ندارد و برایش حلال هم نیست که به منظور اذیت و آزار همسرش قبل از انقضای عدّه، او را رجعت دهد و قصدش طولانی ساختن عدّه‌ی او باشد و با این کار او را از شوهر کردن باز دارد، همانطور که در زمان جاهلیت این کار را انجام می‌دادند.

اذیت و آزار و زیان رسانیدن به زن، حرام است

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا اللَّيْسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا

بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ...﴾ [النساء: ۱۹]

\*\*\*

توضیح موضوع: حلال نیست که شوهر زنش را اذیت کند و با او بدرفتاری نماید و او را مجبور کند که به منظور نجات از بدرفتاری شوهر، تمام یا قسمتی از آنچه از او گرفته است، پس بدهد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ﴾ [النساء: ۱۹]

«و زنان را تحت فشار قرار ندهید تا بدین وسیله ایشان را وادار به چشم پوشی از قسمتی از مهریه کنید و برخی از آنچه را که بدیشان داده‌اید فراجنگ آرید. مگر اینکه آنان با نشوز و سوء خُلق و فسق و فجور دچار گناه آشکاری شوند که در این صورت می‌توانید بر آنان سختگیری کنید، یا به هنگام طلاق قسمتی از مهریه را بازپس بگیرید.»

و هر گاه مرد زنش را دوست نداشت و به او راضی نبود و خواست او را طلاق دهد و زن دیگری بگیرد، بر او حرام است که چیزی را از زنش بگیرد و سپس طلاقش بدهد. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید:

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْبِدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَعَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَنًا وَإِنَّمَا مُبِينًا ﴿۲۰﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿۲۱﴾﴾ [النساء: ۲۰-۲۱]

«و اگر خواستید همسری را به جای همسری برگزینید، هر چند مال فراوانی هم مهریه‌ی یکی از آنان کرده باشید، برای شما درست نیست که چیزی از آن مال دریافت دارید. آیا با بهتان و گناه آشکار، آن را دریافت می‌دارید؟! و چگونه سزاوار شما است که آن را بازپس بگیرید؟ و حال آنکه با یکدیگر آمیزش داشته‌اید و هر یک بر عورت دیگری اطلاع پیدا کرده‌اید و گذشته از این، زنان پیمان محکمی هنگام ازدواج از شما گرفته‌اند و خداوند برابر آن، امر زناشویی را حلال نموده است.»

پس جایز نیست که مرد همسرش را حبس کند و یا به او ضرر برساند تا زن مجبور شود که با پرداخت مالی، خودش را نجات دهد و «خُلع» کند.

**ناهنجاری‌های خانوادگی (و اصلاح و ایجاد آشتی میان زن و مرد = شورای خانوادگی)**

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعُثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ ۖ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا ۖ إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿۳۵﴾﴾ [النساء: ۳۵]

## نشوز و تمرد زن از شوهرش و اعراض و بدرفتاری مرد با زنش

﴿...وَأَلَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكَمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ [النساء: ۳۴]

﴿وَإِنْ أُمْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ مُحْسِنًا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۸]



توضیح موضوع: هر گاه زنان از ادای مسئولیت همسری خودداری کنند و خواسته‌های مشروع شوهرانشان را برآورده ننمایند، شوهر او را دلسوزانه نصیحت کند و او را به ضرورت پایبندی به تعهدات و مسئولیت‌هایش یادآور شود. چنانچه در او مؤثر واقع نشد، به هر مدت که لازم بود، مرد می‌تواند هم بستری را با او ترک کند، اما بیش از سه شبانه روز سخن نگفتن با او حرام است.

چنانچه پس از مدتی به راه نیامد، مرد می‌تواند به غیر از چهره و قسمت‌های حساس بدن، او را نه به صورتی سخت و کشنده، تنبیه بنماید.

اگر آن هم کارگر نبود، از خانواده‌های هر دوی آن‌ها حکم و داورانی برای گفتگوی جداگانه و رو در رو با آنان برگزیده می‌شوند که آن داوران لازم است همه‌ی تلاش خود را برای ایجاد آشتی و مصالحه به کار بگیرند و در صورتی که نتوانستند آنان را آشتی بدهند، آنان را از یکدیگر جدا بکنند.

## علاج نافرمانی مرد

مراد از نافرمانی مرد، بدرفتاری مرد با زن است، بدین‌گونه که خود را بالاتر از او بداند یا این که در نفقه‌ی زن تقصیر و کوتاهی کند و یا از هم بستر شدن با زن بدون دلیل خودداری کند، و یا با او سخن گفتن را ترک کند و نسبت به زن بی‌اعتناء و بی‌توجه باشد.

و باید دانست به همان صورت که قرآن در ارتباط با حالاتی که زن سرکش و نافرمان می‌شود و راه طغیان و عدم احساس مسئولیت را در پیش می‌گیرد، در این مورد هم که مردان نیز گاهی به سرکشی و بی‌مسئولیتی دچار می‌شوند، نیز سخن گفته است:

﴿وَإِنْ أُمْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۸]

«هر گاه همسری دید که شوهرش خویشتن را بالاتر از او می‌گیرد و از انجام امور خانوادگی سر باز می‌زند و یا با او نمی‌سازد و از او رویگردان است، بر هیچ یک از آن دو گناهی نیست این که بکوشند به وسیله‌ی صرف نظر کردن زن از برخی از مخارج و همبستری با خود، میان خویشتن صلح و صفا راه بیندازند و صلح همیشه از جنگ و جدایی بهتر است. سرچشمه‌ی بسیاری از نزاع‌ها بخل است و انسان‌ها با بخل سرشته شده‌اند و مال دوستی خصلت ذاتی و دائمی بشر است و باید پیوسته با آن مبارزه و پیکار کرد و اگر نیکوکاری و نیک رفتاری کنید و با زنان بسازید و به بهترین وجه با آنان معامله کرده و با ترک ستمکاری و بدرفتاری با ایشان پرهیزگاری کنید، بی‌گمان خداوند از آنچه می‌کنید بس آگاه است و پاداش شما را چنان که باید می‌دهد».

و خانم‌هایی را که شوهرانشان به آنان ستم روا می‌دارند و به مسئولیت‌های خانوادگی خود عمل نمی‌کنند و آسایش و آرامش خانواده را بر هم می‌زنند، راهنمایی فرموده که از طریق روش‌ها و وسایل مشروع که با دین و اخلاق و کرامت او ناسازگار نباشد، برای جلب رضایت شوهران خود و جلوگیری از انحراف و بی‌مسئولیتی بیشتر ایشان تلاش کنند و از برخی از عادات زنان که در ارتباط با مسائل زناشویی پیشقدم نمی‌شوند و گاهی حیاء و گاهی هم غرور و خودخواهی اجازه‌ی چنین کاری را به ایشان نمی‌دهد، دست بردارند و از گسترش اختلاف و ناهنجاری بیشتر میان خود و شوهرشان جلوگیری کنند. زیرا در بسیاری از اوقات سخنی سنجیده و مهربانانه و یا لبخندی عاشقانه و یا کوتاه آمدن در مورد خواسته‌ای می‌توانند تأثیر بسیار زیادی را برای بازگشت صفا و صمیمیت و تجدید عشق و علاقه بر جای بگذارند.

### میراث (زنان)

﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ [النساء: ۷]

﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ

مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَوَرِثَهُ وَآبَوَاهُ فَلِأُمَّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۗ وَأَبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾ وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصَيْنَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۗ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۗ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾ [النساء: ۱۱-۱۲]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَلْحَشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٦﴾﴾ [النساء: ۱۹]

﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرٌ هَلْكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا أُثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا

وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾﴾ [النساء: ۱۷۶]

### \*\*\*

**توضیح موضوع:** برخی از مردم در مورد ارث زنان می‌پرسند: چنانچه اسلام به انسانیت و کرامت و مساوات زنان با مردان اعتراف می‌نماید، چرا در پاره‌ای از شرایط و احوال، مانند: موضوع میراث، مردان را بر زنان برتری داده است؟! و از نظر انسانی زنان در مقایسه با مردان در منزلت کمتری قرار گرفته‌اند و به همین خاطر است که مقدار ارثی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد، نصف مقدار ارثی است که به مردان داده می‌شود!

در جواب باید گفت: امتیازی که در موضوع ارث برای مردان مورد توجه قرار گرفته، هیچ‌گاه به معنی ارزش و برتری مرد بر زن نیست. زیرا در پیشگاه خداوند هیچ کس را بر دیگری به جز براساس معیار «تقوا و خداترسی» فضیلت و برتری نیست. این امتیاز و ویژگی نیز در واقع به فطرت و ساختار هر یک از زن و مرد برمی‌گردد. و در حقیقت مقدار ارثی که اسلام برای زنان در نظر گرفته به هیچ وجه با باور نادرست کمتر بودن انسانیت زنان از مردان ارتباطی ندارد، بلکه براساس قضیه‌ی دیگری است که با طبیعت و منزلت زنان در عرصه‌ی کار و درآمد اقتصادی و مسائل مربوط به آن، ارتباط پیدا می‌کند و لازمه‌اش آن است که مرد همه‌ی مخارج زندگی خانوادگی و مخارج زن و فرزندان و خویشاوندان مستمند را فراهم کند و مهریه‌ای را که به عنوان اثبات رغبت به ازدواج نسبت به همسرش متعهد می‌شود، در جهت تقویت روابط همسری به او بپردازد.

زن نیز به تدبیر و اداره‌ی امور مربوط به منزل بپردازد و بار مسئولیت بارداری و وضع حمل و برخورداری از فراغت لازم برای تربیت و نگهداری از فرزندان را بر دوش بگیرد.

در سایه‌ی این قاعده و تقسیم کار و مسئولیت، مشاهده می‌کنیم که از نظر اسلام، زنان از توجه و تسامح بیشتری برخوردارند. اسلام برای ایشان مهریه‌ای را که سقفی برای آن تعیین نشده، مقرر داشته است.

﴿وَأَتَيْتُمُ إِحْدَهُنَّ فِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا﴾ [النساء: ۲۰]

و نیز هر گاه طلاق داده شود، هزینه‌ی ایام عده - همچون زمانی که همسر مرد بود و در خانه‌ی شوهری می‌زیسته - و همچنین مقدار هزینه‌ای که شخصیت و کرامت آن خانم طلاق داده شده را حفظ کند - اضافه بر نفقه‌ی عده - بر مرد واجب گردانیده است:

﴿وَالْمُطَلَّقاتِ مَتَعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲۴۱]

اما همچنان که پیشتر نیز گفته شد، مردان بایستی مخارج زندگی خود و زن و فرزندان را فراهم کنند و آماده‌ی رویارویی با مشکلات مادی و معنوی زندگی باشند، و یاری به پدر و مادر و خویشاوندان مستمند را فراموش ننمایند.

در این صورت مردان چه امتیاز و برتری بر زنان دارند، در حالی که مرد در مقابل همه چیز مسئولیت دارد، اما محدوده‌ی مسئولیت زنان بسیار کمتر می‌باشد؟ در واقع زنان در مقایسه با مردان حال و روز بسیار بهتری دارند.

این اصلی است که اسلام در ارتباط با آن میراث زن را نصف میراث مرد قرار داده است، و بسیار بدیهی است که سهم میراث او هیچ ارتباطی با منزلت انسانی‌اش ندارد که با مردان در یک ردیف قرار دارد.

و در حقیقت تفاوت میان مرد و زن در میزان ارثی که به هر یک تعلق می‌گیرد، ظاهراً به میزان مسئولیت‌های مالی و تفاوت تکالیف اقتصادی هر یک از آن‌ها ارتباط پیدا می‌کند.

شما فرض کنید، پدری فوت نموده و پسر و دختری را از خود بر جای نهاده است. پسر باید مخارج ازدواج را فراهم کند و پس از ازدواج هزینه‌ی زندگی را تأمین نماید. از طرف دیگر دختر وقتی که شوهر می‌کند، مهریه و حقوقی به او تعلق می‌گیرد و پس از ازدواج تهیه‌ی مخارج معیشتش بر عهده‌ی شوهر اوست و چنانچه بسیار هم ثروتمند باشد خود او مسئول خرج حتی یک تومان هم نیست.

برای مثال اگر پدر مبلغی به میزان ۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان ثروت را برای پسر و دختر به جا نهاده باشد، ۱/۰۰۰/۰۰۰ تومان آن متعلق به پسر و ۵۰۰/۰۰۰ تومان باقیمانده به دختر تعلق می‌گیرد. چنانچه پسر ازدواج کند، مخارج مختلف عروسی او مثلاً اگر ۲۵۰/۰۰۰ تومان بشود، از مقدار ارثی که به او رسیده ۷۵۰/۰۰۰ تومان آن باقی می‌ماند. از طرف دیگر وقتی که خواهرش شوهر کند، فرض کنیم به مقدار ۲۵۰/۰۰۰ تومان مهریه و هدایا و جهیزیه دریافت کند که اگر به مقدار ارثی که به او تعلق گرفته اضافه گردد به ۷۵۰/۰۰۰ تومان، یعنی عین همان مبلغی که برای برادرش باقیمانده می‌رسد و در نتیجه میزان ارثشان مساوی می‌گردد.



## «اسلام و مسئله‌ی بردگی»

### اسلام و بردگی

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [الحجرات: ۱۳]



توضیح موضوع: برخی بر اسلام خرده می‌گیرند که چرا این آیین الهی با آن همه محتوا و ارزش‌های والای انسانی، مسئله‌ی بردگی را به کلی القاء نکرده، و طی یک حکم قطعی و عمومی آزادی همه‌ی بردگان را اعلام ننموده است؟ و چرا انسانی مملوک انسان دیگری باشد و آزادی را که بزرگترین نعمت و عطیة‌ی الهی است از دست دهد؟!

در یک جمله‌ی کوتاه باید گفت که اسلام برنامه‌ی دقیق و زمان‌بندی شده برای آزادی بردگان دارد که به تدریج و مرحله‌بندی شده، همه‌ی آن‌ها آزاد می‌شوند، بی‌آنکه این آزادی عکس‌العمل نامطلوبی در جامعه به وجود آورد.

آنچه غالباً مورد توجه قرار نمی‌گیرد این است که اگر نظام غلطی در بافت جامعه‌ای وارد شود، ریشه کن کردن آن احتیاج به زمان دارد، و هر حرکت حساب نشده، نتیجه‌ی معکوسی خواهد داشت، درست همانند انسانی که به یک بیماری خطرناک مبتلا شده و بیماری‌اش کاملاً پیشرفت نموده است و یا شخص معتادی که ده‌ها سال به اعتیاد زشت خود خو گرفته است. در اینگونه موارد حتماً باید از «برنامه‌های زمان‌بندی شده» استفاده کرد.

اگر اسلام طبق یک فرمان عمومی دستور می‌داد تا همه‌ی بردگان موجود در آن زمان را آزاد کنند، چه بسا بیشتر آن‌ها تلف می‌شدند. زیرا گاهی نیمی از جامعه را بردگان تشکیل می‌دادند. آن‌ها نه کسب و کار مستقلی داشتند و نه خانه و کاشانه و نه وسیله‌ای برای ادامه‌ی زندگی.

اگر در یک روز و یک ساعت معین، همه آزاد می‌شدند، یک جمعیت عظیم بیکار ظاهر می‌گشت که هم زندگی خودش با خطر مواجه بود و هم ممکن بود که نظم و نظام جامعه را مختل کند، و به هنگامی که محرومیت به او فشار می‌آورد به همه جا حمله ور شود و درگیری و خونریزی به راه افتد.

اینجاست که باید بردگان به تدریج آزاد شوند، و جذب جامعه گردند تا نه جان خودشان به خطر بیفتد و نه امنیت جامعه را به خطر اندازند. و اسلام درست این برنامه‌ی حساب شده را تعقیب و دنبال کرد.

در حقیقت بردگی در طول تاریخ اسباب فراوانی داشته که نه تنها اسیران جنگی و بدهکارانی که قدرت بر پرداخت بدهی خود نداشتند، به صورت برده در می‌آمدند که زور و زر و تزویر و غلبه نیز مجوز برده گرفتن و برده‌داری بود.

کشورهای قدرتمند و خودکامه و مستبد و دیکتاتور، افراد خود را با انواع سلاح‌ها به ممالک عقب افتاده‌ی آفریقایی و مانند آن می‌فرستادند و گروه گروه از آن‌ها را گرفته و اسیر کرده و با کشتی‌ها به بازارهای ممالک آسیا و اروپا می‌بردند.

اسلام جلو تمام این مسائل را گرفت، تنها در یک مورد اجازه‌ی برده‌گیری را داد و آن در مورد اسیران جنگی بود. و آن نیز جنبه‌ی الزامی نداشت و اجازه می‌داد طبق مصالح، اسیران را بی‌قید و شرط یا پس از پرداخت فدیة آزاد کنند.

در آن روز زندانهایی نبود که بتوان اسیران جنگی را تا روشن شدن وضعیتشان در زندان نگهداشت، و راهی جز تقسیم کردن آن‌ها در میان خانواده‌ها و نگهداری به صورت برده نداشت.

بدیهی است هنگامی که چنین شرایطی تغییر یابد، هیچ دلیلی ندارد که امام و پیشوای مسلمانان، حکم بردگی را درباره‌ی اسیران بپذیرد، بلکه می‌تواند آن‌ها را از طریق «مَنْ» (آزادی بی‌قید و شرط) و «فداء» (پرداخت فدیة) آزاد سازد. زیرا اسلام، پیشوای مسلمانان را در این امر مخیر ساخته تا با در نظر گرفتن مصالح اقدام کند، و به این ترتیب تقریباً سرچشمه‌های بردگی جدید در اسلام، بسته شده است.

### تشویق بر آزاد کردن برده

﴿فَلَا أُقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۝ فَكُ رَقَبَةً ۝﴾ [البند: ۱۱-۱۳]



توضیح موضوع: اسلام برنامه‌ی وسیعی برای آزاد شدن بردگان تنظیم کرده است که اگر مسلمانان آن را عمل می‌کردند در مدتی نه چندان زیاد، همه‌ی بردگان به تدریج آزاد و جذب جامعه‌ی انسانی و اسلامی می‌شدند. رؤوس برنامه‌های اسلام برای آزاد کردن بردگان چنین است:

۱- تشویق اسلام بر آزاد کردن بردگان:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَا أُفْتَحَمَ الْعُقَبَةُ ﴿۱۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ ﴿۱۲﴾ فَكُلُّ رَقَبَةٍ ﴿۱۳﴾...﴾ [البلد: ۱۱-۱۳].

«ما که دو راه خیر و شر را پیش پای انسان نهاده‌ایم، آن کس که ناسپاس است، او خویشتن را به گردن‌های رهایی از شقاوت و رسیدن به سعادت نمی‌زند و آن را پشت سر نمی‌گذارد. تو چه می‌دانی آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده و بنده است.»

و پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«أَيُّمَا رَجُلٍ اعْتَقَ امْرَأً مُسْلِمًا، اسْتَنْقَذَ اللَّهُ بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْهُ عَضْوًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ»

[بخاری و مسلم]

«هر کس برده‌ی مسلمانی را آزاد کند، به ازای هر عضوی که آزاد می‌کند، خداوند

عضوی از او را از آتش دوزخ نجات می‌دهد.»

و از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود:

«سه گروه هستند که به آنان دو بار اجر و پاداش داده می‌شود: اهل کتابی که به

پیامبرش ایمان آورده، سپس پیامبر اسلام ﷺ را دریافته و به او هم ایمان آورده و از او

پیروی و او را تصدیق کند، برای او دو اجر و پاداش است. و برده‌ای که هم حق خدا و

هم حق سیّدش را ادا کند، دو اجر دارد، و مردی که کنیزی داشته باشد، خوراک او را

به خوبی داده و او را به خوبی تربیت کرده، او را آموزش داده، سپس او را آزاد کرده و

به ازدواج خود درمی‌آورد، او هم دو اجر دارد.» [بخاری و مسلم]

از ابوذر رضی الله عنه روایت است که گفت: از پیامبر ﷺ سؤال کردم چه عملی برتر است؟

فرمود: ایمان به خدا و جهاد در راه او. گفتم: آزاد کردن چه برده‌ای بهتر است؟ فرمود:

برده‌ای که قیمت بیشتری دارد و نزد صاحبش از همه‌ی برده‌هایش باارزش‌تر باشد.»

[بخاری و مسلم]

۲- یکی از مصارف هشتگانه‌ی زکات در اسلام خریدن بردگان و آزاد کردن آنها

است: [توبه/۶۰] و به این ترتیب، یک بودجه‌ی دائمی و مستمر برای این امر در

بیت‌المال اسلامی در نظر گرفته شده که تا آزادی کامل بردگان ادامه خواهد داشت.

۳- آزاد کردن بردگان یکی از مهمترین عبادات و اعمال خیر در اسلام است و پیشوایان اسلام در این مسئله، پیشقدم و پیشتاز بودند.

۴- پیشوایان اسلام، بردگان را به کمترین بهانه‌ای آزاد می‌کردند تا سرمشق و الگویی برای دیگران باشد.

۵- در اسلام، بردگان به مناسبت‌های مختلف از قبیل: هنگام خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی، نماز استسقاء و... آزاد می‌شوند. از اسماء دختر حضرت ابوبکر رضی الله عنه روایت است که «پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی به آزاد نمودن برده دستور داده است». [بخاری]

۶- هر گاه کسی پدر یا مادر و یا اجداد و یا فرزندان یا عمو یا عمه، یا دایی یا خاله، یا برادر یا خواهر و یا برادرزاده و یا خواهرزاده‌ی خود را مالک شود، خود به خود آزاد می‌شود. از حضرت «سمره بن جندب» روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من ملك ذارحم محرم فهو حرّ» [ابن ماجه، ابوداود و ترمذی] «هر کس مالک خویشاوند محرمی شد، آن خویشاوند خود به خود آزاد است».

۷- کسی که برده‌ی مشترکی را نسبت به سهم خود آزاد کند مؤظف است بقیه را نیز بخرد و آزاد کند و هر گاه بخشی از برده‌ای را که مالک تمام آن است آزاد کند، این آزادی سرایت کرده و خود به خود همه‌ی آن آزاد خواهد شد. به تعبیر دیگر هر گاه قسمتی از برده آزاد شد، تمام آن آزاد می‌شود و اگر دو نفر در برده‌ای شریک باشند و یکی از آن‌ها سهم خود را آزاد کند، اگر آزاد کننده غنی باشد برده قیمت‌گذاری می‌شود و سهم شریکش را می‌دهد و به این ترتیب برده به صورت کامل آزاد می‌گردد. از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر کس سهم خود را از برده‌ی شراکتی آزاد کرد و به اندازه‌ی قیمت برده پول داشت باید برده عادلانه قیمت‌گذاری شود، سهم هر کدام از شرکایش را بدهد و به این ترتیب برده به نام او آزاد می‌شود، و اگر مالی نداشت که به قیمت برده برسد، برده به

اندازه‌ی سهم او آزاد شده است». [بخاری و مسلم]

- ۸- هر گاه مالک از کنیز خود صاحب فرزندی شود، فروختن آن کنیز جایز نیست و باید بعداً از سهم ارث فرزندش آزاد شود.
- این امر وسیله‌ی آزادی بسیاری از بردگان می‌شد. زیرا بسیاری از کنیزان به منزله‌ی همسر صاحب خود بودند و از آن‌ها فرزند داشتند. (اُم ولد)
- ۹- «تدبیر»: تدبیر عبارت است از تعلیق آزادی برده به مرگ سیّد. مثل اینکه سیّد به برده‌اش بگوید: هر گاه مُردم بعد از مرگ من آزادی. بنابراین هر گاه سیّد مُرد، اگر قیمت برده از یک سوم کل مالش بیشتر نبود، آزاد می‌شود.
- ۱۰- برای تکمیل آزادی بردگان، مقرّراتی در اسلام وضع شده که بردگان طبق قراردادی که با مالک خود می‌بندند، بتوانند از دست رنج خود آزاد شوند. [در فقه اسلامی فصلی در این زمینه تحت عنوان «مکاتبه» یا «کتابت» آمده است] «کتابت» عبارت است از تعلیق آزادی برده در برابر عوضی معین. هر گاه برده به سیدش بگوید: «مرا مکاتب کن». چنان‌چه سیّد می‌داند توانایی بدست آوردن پول را دارد واجب است تقاضای او را قبول کند. به دلیل فرموده‌ی خداوند متعال:
- ﴿وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا﴾  
[النور: ۳۳]
- «کسانی که از بردگانتان خواستار آزادی خود با عقد قرارداد شدند، با ایشان عقد قرارداد ببندید اگر خیر و صلاحیت بر پای خود ایستادن در زندگی آزاد و امانت در پرداخت اقساط باز خرید در ایشان سراغ دیدید، در راه آزادی کمکشان کنید».
- از موسی بن انس رضی الله عنه روایت است که گفت: سیرین از حضرت انس رضی الله عنه خواست که او را مکاتب کند - سیرین ثروت زیادی داشت - اما انس رضی الله عنه کتابت او را قبول نکرد، سیرین نزد حضرت عمر رضی الله عنه رفت. عمر رضی الله عنه گفت: او را مکاتب کن. انس رضی الله عنه باز هم سرباز زد. عمر رضی الله عنه در حالی که آیه‌ی ﴿فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا﴾ را تلاوت می‌کرد، شلاقی به او زد، و در نتیجه انس رضی الله عنه او را مکاتب کرد. [بخاری]
- ۱۱- کفاره‌ی بسیاری از تخلفات در اسلام، آزاد کردن بردگان قرار داده شده است. کفاره‌ی قتل خطأ، کفاره ترک عمدی روزه، کفاره‌یظهار، و کفاره‌ی قسم را به عنوان نمونه در اینجا می‌توان نام برد.

**(آزاد کردن بردگان در) کفاره‌یظهار**

﴿وَالَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ...﴾ [المجادلة: ۳]

**(آزاد کردن بردگان در) کفاره‌یقتل خطأ**

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا...﴾ [النساء: ۹۲]

**(آزاد کردن بردگان در) کفاره‌ی قسم**

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَرْتُمْ بِهِ إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ...﴾ [المائدة: ۸۹]

**ازدواج دادن غلامان و کنیزان (و تهیه‌ی نفقه و پرداخت مخارج و مهریه‌ی آنان)**

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ تُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أُعْجَبْتِكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أُعْجَبِكُمْ...﴾ [البقرة: ۲۲۱]

﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ...﴾ [النساء: ۲۵]

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾ [النور: ۳۲]

**قصاص بردگان**

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ أَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ...﴾ [البقرة: ۱۷۸]

﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ...﴾ [المائدة: ۴۵]

﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ [الشورى: ۴۰]



**توضیح موضوع:** آیه‌ی ۱۷۸ سوره‌ی بقره به پاره‌ای از جزئیات اشاره نموده و بیان می‌دارد که «در مقابل کشته شدن آزاد، شخص آزاد، و در برابر برده، برده و در مقابل زن، خود آن زن قاتل قصاص می‌شوند.»

این موضوع در واقع مَهر بطلانی است بر روش ناپسندی که در جامعه‌ی جاهلی وجود داشت و براساس آن برای گرفتن حق مقتول به کشتن قاتل اکتفاء نمی‌شد، و در برابر کشته شدن مردی به وسیله‌ی یک خانم به جای قصاص یک زن، چندین نفر از مردان طرف مقابل را به قتل می‌رسانیدند و در مقابل کشته شدن شخصی آزاد به وسیله برده‌ای اقدام به کشتن افراد بیگناهی از میان اشخاص آزاد می‌نمودند و به کشتن و قصاص قاتل اکتفاء نمی‌کردند. از این رو اگر برده‌ای از یک قوم قوی و نیرومند و قدرتمند، به وسیله‌ی برده‌ای منسوب به قومی فرو دست کشته می‌شد، آن قبیله‌ی قدرتمند، مغرورانه می‌گفتند: ما باید آزادی را در برابر آن به قتل برسانیم! و اگر زنی از آنان کشته می‌شد، می‌گفتند: باید مردی را در برابر آن بکشیم! همین‌گونه آنان فرادست را در مقابل فرودست نمی‌کشتند، اما در برابر قتل یک فرد اشرافی، چند تن از فرودستان را می‌کشتند.

قاضی بیضاوی می‌گوید: «گاهی در میان دو قبیله یا محله‌ی عرب عصر جاهلی جنگ و خونریزی می‌شد، اگر یکی از دیگری قدرتش بیشتر می‌بود، سوگند یاد می‌نمودند که در مقابل کشته شدن برده‌ای از خود، آزادی از آن‌ها و در برابر کشته شدن زنی، مردی را از ایشان به قتل برسانند. اما پس از آنکه اسلام آمد، در این مورد قضاوت را به رسول خدا ﷺ سپردند و آیه‌ی قصاص نازل گردید. به آنان دستور فرمود که از آن کار دست بردارند. این بدان معنا نیست که شخص آزاد اگر برده‌ای را بکشد و یا اگر مردی زنی را به قتل برساند، قصاص نمی‌شود!»

جمهور فقهاء بر این نظراند که آزاد مقابل برده قصاص نمی‌شود. اما امام ابوحنیفه بر آن است که آزاد در برابر برده قصاص می‌شود، به دلیل عام بودن آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی مائده. و از حضرت علی و ابن مسعود نیز همین رأی نقل شده است. امام بخاری نیز می‌گوید: مولی با کشتن برده‌ی خویش کشته می‌شود، به دلیل این حدیث شریف:

«هر کس برده‌اش را کشت؛ او را می‌کشیم و هر کس بینی‌اش را برید، بینی‌اش را می‌بریم و هر کس او را عقیم (جنسی) کرد، او را عقیم می‌کنیم».

**اربابان به هیچ یک از بردگان جز به اندازه‌ی توانایی شان تکلیف نکنند و هیچ‌گاه بالاتر از میزان قدرت آنان از ایشان وظایف و تکالیف نخواهند**

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا أُكْتَسَبَتْ...﴾ [البقرة: ۲۸۶]

﴿وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۲]

[المؤمنون: ۶۲]



## «مثال‌های قرآن»

### مثال‌های قرآن

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا﴾ [الإسراء: ۸۹]

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا﴾ [الكهف: ۵۴]

﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ [العنكبوت: ۴۳]

﴿وَلَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ حِجَّتْهُم بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ﴾ [الروم: ۵۸]

﴿وَلَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [الزمر: ۲۷]

﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الحشر: ۲۱]



توضیح موضوع: یکی از روش‌های استدلال در قرآن کریم که به واسطه‌ی آن قدرت خداوند متعال و راستی و درستی دین حق و قرآن ثابت می‌شود، استدلال در قالب «تشبیه و مثال» است و خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ما از طریق آوردن مثال، حقایق را بیان می‌کنیم».

هدف از مثال آوردن، توضیح حقایق والا و تشریح امر غائب و غیرمحسوس و معانی کلی از راه تشبیه به امر حسّی و مشاهده‌ی جزئیات می‌باشد.

نمونه‌ی این استدلال در سوره‌ی بقره آمده که هدف از آوردن مثال، بیان حقیقت است. خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ [البقرة: ۲۶]

خداوند در این آیه ثابت می‌کند که حقایق و واقعیات را با مثال و ذکر ویژگی‌های آن توضیح داده است، و به اثبات می‌رساند و مردم در برخورد با این روش دو گونه‌اند: برخی را که خداوند دلی تابناک عطا فرموده است، به حق گوش می‌دهند و تسلیم آن می‌شوند، و بعضی که دچار کینه‌توزی و عناد شده‌اند، هر چند دلیل، قوی و محکم باشد، جز بر لجبازی و غوطه‌ور شدن در گمراهی بیشتر، چیزی نصیبشان نمی‌شود، و همین معنای «يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا و يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا و مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» است.

در مثال زدن: تذکر، تفهیم، تعلیم، بیان و پرده‌برداری از حقایق نهفته است و در کتاب‌های آسمانی پیشین نیز (همانند تورات و انجیل) و در سخنان رسول اکرم ﷺ و صحابه‌ی کرام ﷺ فراوان دیده می‌شود. (در تورات نیز بخشی از آن به نام «امثال سلیمان» وجود دارد).

به هر حال، مثال‌های مناسب، نقش فوق‌العاده حساس و غیرقابل انکاری برای روشن ساختن حقایق و دلنشین کردن مطالب مختلف دارد؛ گاه می‌شود که ذکر یک مثال مناسب، آن‌چنان راه را نزدیک و میان‌بر می‌کند که زحمت استدلال‌ات فلسفی زیادی را از دوش‌گوینده و شنونده برمی‌دارد. و مهمتر اینکه برای تعمیم و گسترش مطالب پیچیده‌ی علمی در سطح عمومی، راهی جز استفاده از مثال‌های مناسب نیست.

نقش مثال را در خاموش کردن افراد لجوج و بهانه‌گیر نیز نمی‌توان انکار کرد. چرا که تشبیه «معقول» به «محسوس» یکی از طرق مؤثر تفهیم مسائل عقلی است. روی همین جهات در قرآن کریم به مثال‌های زیادی برخورد می‌کنیم که هر یک از دیگری جالبتر و شیرین‌تر و مؤثرتر است. چرا که قرآن، کتابی است برای همه‌ی انسان‌ها در هر سطح و هر پایه‌ای از تفکر و معلومات، کتابی است در نهایت فصاحت و بلاغت.

بنابراین می‌توان گفت که مثال در مباحث مختلف علمی، تربیتی، اجتماعی، اخلاقی و غیر آن، نقش‌های مؤثر زیر را دارد که عبارتند از:

۱. مثال، مسائل را حسی می‌کند و درک آن‌ها را دلچسب و شیرین و اطمینان‌بخش می‌سازد.
۲. مثال، راه درک و فهم را نزدیک می‌کند و تأثیر استدلال‌ها را افزایش می‌دهد و از ضرورت مطرح کردن استدلال‌های متعدد و فراوان می‌کاهد.
۳. مثال، مسائل را همگانی می‌سازد و توده‌ی مردم در هر حد و پایه‌ای از علم و دانش باشند، از آن بهره می‌گیرند. بنابراین مثال‌ها به عنوان یک وسیله‌ی تعمیم علم و فرهنگ، کاربرد غیرقابل انکاری دارند.
۴. مثال، درجه‌ی اطمینان به مسائل را بالا می‌برد، و به مسائل ذهنی عینیّت می‌بخشد؛ و کاربرد آن‌ها را در عالم خارج روشن می‌سازد. و به همین دلیل در میزان باور و پذیرش و اطمینان نسبت به یک مسئله اثر می‌گذارد.
۵. مثال، لجوجان و عنودان را خاموش می‌سازد و مجال بهانه‌گیری برای آن‌ها باقی نمی‌ماند.

و نباید فراموش کرد که مثال با این همه نقش‌های ارزنده و مؤثرش در صورتی می‌تواند نقش اساسی خود را ایفا کند که کاملاً موافق و هماهنگ با مطلبی باشد که مثال برای آن انتخاب شده است، و الا گمراه‌کننده و مخرب خواهد بود. یعنی به همان نسبت که یک مثال درست و هماهنگ مفید و مؤثر است، یک مثال انحرافی، مخرب و ویرانگر و گمراه‌کننده می‌باشد. و به همین دلیل منافقان و بداندیشان همیشه برای گمراه ساختن مردم و اغفال ساده‌دلان از مثال‌های انحرافی استفاده می‌کنند و برای دروغ خود از فروغ مثال کمک می‌گیرند و باید به دقت مراقب اینگونه مثال‌های انحرافی و سوء استفاده از مثال باشیم.

امثال قرآن کریم دو قسم هستند:

۱- امثالی که برای تفهیم و تعلیم و بیان آورده شده‌اند، مثل ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ

أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ﴾

[البقرة: ۲۶۱].

اینگونه از مثال‌ها، برای واضح نمودن و روشن ساختن حقایق و دلنشین کردن مطالب آورده می‌شوند.

۲- قسم دوم از مثال‌های قرآن کریم آن است که در فارسی به آن «ضرب المثل» می‌گویند. این قسم از مثال‌ها، به دو صورت در قرآن کریم آمده‌اند: بعضی از

آن‌ها پس از نزول قرآن «ضرب المثل» شدند، گویا خود قرآن سازنده‌ی آن‌ها است. مثل: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ﴾ [الرحمن: ۶۰] و ﴿أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ [البقرة: ۲۳۷].

قسم دوم: آن است که در آن‌ها صراحتاً ضرب المثلی مذکور نیست، اما از مفهوم آیه، ضرب‌المثل فهمیده می‌شود (گویا سرچشمه‌ی ضرب المثل مردم هستند، و آیه دلالت بر آن‌ها دارد). به چنین امثالی «امثال کامنه» می‌گویند.

مثال‌های بی‌شماری در قرآن کریم از این نوع است، به عنوان مثال ضرب المثل مشهور عربی است: «لیس الخبر کالعیان» [شنیدن کی بود مانند دیدن]. این ضرب المثل در آیه‌ی ذیل از قرآن وجود دارد، هنگامی که حضرت ابراهیم به خداوند عرض کرد: شما به من نشان دهید که چگونه مردگان را زنده می‌فرمائید؟ خداوند پرسید: آیا شما به این قضیه ایمان ندارید؟ حضرت ابراهیم گفت: ﴿بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لَّيُظْمِنَنَّ قَلْبِي﴾ [البقرة: ۲۶۰]. همچنین ضرب المثل مشهوری است: «لا یلدغ المؤمن من جحر مرتّین» [مسلمان از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود]. این ضرب المثل در آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی یوسف وجود دارد. هنگامی که برادران یوسف پس از به چاه افکندن او از حضرت یعقوب خواستند که بنیامین را همراه آن‌ها بفرستد، ایشان فرمودند ﴿هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ﴾ [یوسف: ۶۴]، «یعقوب به یاد گذشته‌ها افتاد و گفت: آیا من درباره‌ی بنیامین به شما اطمینان کنم همان‌گونه که درباره‌ی برادرش یوسف قبلاً به شما اطمینان کردم؟»

### مثال نور خداوند متعال

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۳۵]

### نهی از قرار دادن امثال و شبیه و نظیر برای خداوند متعال

﴿فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ ﴿٧٤﴾ [النحل: ٧٤]



توضیح موضوع: مشرکان خداوند متعال را همچون سلطان و شاه، و بت‌ها را وزیران او می‌پنداشتند و می‌گفتند: ما اگر به سراغ بت‌ها می‌رویم به خاطر این است که ما شایسته‌ی پرستش و عبادت خدا نیستیم و باید به سراغ بت‌ها برویم که آن‌ها مقرّبان درگاه او هستند! خداوند همانند یک پادشاه بزرگ است که وزراء و خاصّان او به سراغ او می‌روند، ولی توده‌ی مردم که دسترسی به او ندارند، به سراغ حواشی و خاصّان و مقرّبانش خواهند رفت.

اینگونه منطق‌های زشت و غلط که گاهی در لباس یک «مثل انحرافی» مجسّم می‌گردد، یکی از خطرناکترین منطق‌ها است.

قرآن کریم در پاسخ آن‌ها می‌گوید: «برای خداوند مثال زنید و با قیاس‌های بی‌پایه و تشبیهاتِ ناروا، پرستش بتان را توجیه نکنید.» یعنی مثالی که متناسب با افکار محدود و موجوداتِ ممکن، و مملو از نقائص است، برای خداوند زنید!

### مثال‌های قرآن با به تصویر کشیدن حیوانات

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفٰلسِقِينَ﴾ ﴿٢٦﴾ [البقرة: ٢٦]

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ﴾ ﴿٤٠﴾ [الأعراف: ٤٠]

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوْنَهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحَمَّلَ عَلَيْهِ يَلْهَثَ أَوْ تَتَرَّكُهُ يَلْهَثُ ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ ﴿٧٧﴾ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا

يُظْلِمُونَ ﴿٧٧﴾ [الأعراف: ١٧٦-١٧٧]

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ ضُرْبَ مَثَلٍ فَاَسْتَمِعُوا لَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْعًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ ﴿٧٣﴾﴾ [الحج: ٧٣]

﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾﴾ [العنكبوت: ٤١] ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾﴾ [الجمعة: ٥]

### مثال های قرآن با به تصویر کشیدن نباتات (گیاهان، درختان و گل ها)

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾﴾ [البقرة: ٢٦١]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءً لِلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٥﴾﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيُّودٌ أَحَدَكُمُ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضِعْفَاءُ فَاصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ﴿٢٦٦﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾﴾ [البقرة: ٢٦٤-٢٦٦]

﴿مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتَهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنِ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾﴾ [آل عمران: ١١٧]

﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ وَيَأْذِنُ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾﴾ [الأعراف: ٥٨]

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتْنَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾﴾ [يونس: ٢٤]

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾﴾ [ابراهيم: ٢٤-٢٧]

﴿وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿٢٢﴾ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا ﴿٢٣﴾ وَكَانَ لَهُوَ شِمْرٌ فَقَالَ لِيصْحَبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٢٤﴾ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٢٥﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٢٦﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ﴿٢٧﴾ لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٢٨﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٢٩﴾ فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنَّ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿٣٠﴾ أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَهَا غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُوَ طَلَبًا ﴿٣١﴾ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ بِيْلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٢﴾ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿٣٣﴾ هُنَالِكَ الْوَلِيُّ لِلَّهِ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ نَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٣٤﴾ وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ ﴿٣٥﴾﴾ [الكهف: ٣٢-٣٥]

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ

كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ [القمان: ٢٧]

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَكَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾ [الفتح: ٢٩]

﴿تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾ [القمر: ٢٠]

﴿فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءَ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾ [الرحمن: ٣٧]

﴿أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ ﴿٢٠﴾ [الحديد: ٢٠]

﴿إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿٧﴾ وَلَا يَسْتَشْنُونَ ﴿١٨﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿١٩﴾ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾ فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾ أَنْ أَعْدُوا عَلَى حَرِثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَرِمِينَ ﴿٢٢﴾ فَأَنْظَلُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ﴿٢٣﴾ أَنْ لَا يَدْخُلَتْهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ﴿٢٤﴾ وَعَدَّوْا عَلَى حَرْدٍ قَدِيرِينَ ﴿٢٥﴾ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ﴿٢٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ ﴿٣٠﴾ قَالُوا يَٰوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٣١﴾ عَسَىٰ رَبَّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا حَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ [القلم: ١٧-٣٣]

﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَنِيَةً أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ

أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾ [الحاقة: ٧]



## سائر مثال های قرآنی

﴿مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِينَ اسْتَوْقَدُوا نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُو دَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمْ بِكُمْ عُمِّي فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْدِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُخِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾﴾

[البقرة: ۱۷-۲۰]

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِينَ يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمْ بِكُمْ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾﴾ [البقرة: ۱۷۱]

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُو مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُو كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُن مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾﴾ [آل عمران: ۵۹-۶۰]

﴿مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾﴾ [هود: ۲۴]

﴿لَهُو دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبْسِطٍ كَفِيهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِو وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿١٤﴾﴾ [الرعد: ۱۴]

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُو بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُو كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقِّ وَالْبَاطِلَ فَمَا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَمَا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمُكِّثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ﴿٧﴾﴾ [الرعد: ۱۷]

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴿٣٥﴾﴾ [الرعد: ۳۵]

﴿مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الصَّلْوُ الْبَعِيدُ ﴿١٨﴾﴾ [ابراهيم: ۱۸]

﴿لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ ﴿٦٠﴾

[النحل: ٦٠]

﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَن رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ﴿٧٥﴾ وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ ﴿٧٦﴾ [النحل: ٧٥-٧٦]

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ ﴿١١٢﴾

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ ﴿٨١﴾ [الإسراء: ٨١]

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَقَّعَهُ حِسَابُهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ ﴿٣٣﴾ أَوْ كَظَلَمْتِ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَعْشُرُهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ طَلَمْتِ بَعْضَهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرِنَهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ﴾ ﴿٤٠﴾ [النور: ٣٩-٤٠]

﴿صَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِّنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ ﴿٢٨﴾ [الروم: ٢٨]

﴿وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ﴾ ﴿١١﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ﴾ ﴿١٢﴾ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ﴾ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُم لَمُرْسَلُونَ﴾ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ﴾ ﴿١٧﴾ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿١٨﴾ قَالُوا طَيَّرْنَاكُمْ مَعَكُمْ أَيْنَ دُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ﴾ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ﴾ ﴿٢٠﴾ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾ ﴿٢١﴾ وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ﴿٢٢﴾ ءَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً إِنْ يُرِدِنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا

يُنقِذُونَ ﴿١٣﴾ إِيَّيَّ إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٤﴾ إِيَّيَّ ءَامَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ ﴿١٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَلِيَّتْ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿١٧﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿١٨﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿١٩﴾ [يس: ١٣-٢٩]

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾﴾ [الزمر: ٢٩]

﴿كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٥﴾ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِيَّيَّ بَرِيءٌ مِّنكَ إِيَّيَّ أَخَافُ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾﴾ [الحشر: ١٥-١٦]

## «داستان‌های پیامبران و فرستادگان الهی با اقوامشان»

### داستان‌های پیامبران و فرستادگان الهی با اقوامشان

﴿حُنُّ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ ...﴾ [یوسف: ۳]



توضیح موضوع: قرآن مجید نه کتاب تاریخ است، نه بیان سرگذشت‌ها، نه کتاب علوم طبیعی و نه بیان اسرار زمین و آسمان‌ها، بلکه «کتاب هدایت بشر» است. ولی از آنجا که بهترین درس‌های عبرت در تاریخ پیشینیان و گذشتگان مخصوصاً تاریخ انبیای بزرگ و اقوام و ملت‌هایی که روزی بر بخش‌های عظیمی از زمین فرمانروایی داشتند و سپس منقرض شدند، نهفته است و عالیترین درس‌های توحید و شناخت خدا در اسرار آفرینش جهان دیده می‌شود، قرآن با روش خاصی به سراغ این امور می‌رود و سرمشق‌هایی تهیه می‌کند که مؤثرترین نقش را در هدایت انسان‌ها دارد. و جالب این که آهنگ آیات قرآن و روش آن در بیان این نکات، به گونه‌ای است که نه تنها تازگی خود را همواره حفظ کرده، بلکه با گذشت زمان، مفاهیم تازه‌تر و آموزنده‌تری را ارائه می‌کند، به گونه‌ای که پیر و جوان، و دانشمند و عامی، هر کدام به فراخور حال خود، از این خرم‌ن نور هدایت، خوشه می‌چینند. و با توجه به اینکه قسمت بسیار مهمی از قرآن به صورت سرگذشت اقوام پیشین و داستان‌های گذشتگان بیان شده است، این سؤال برای بعضی پیش می‌آید که چرا یک کتاب تربیتی و انسان‌ساز این همه تاریخ و داستان دارد؟! کتاب تربیتی و انسان‌ساز این همه تاریخ و داستان دارد؟! کتاب تربیتی و انسان‌ساز این همه تاریخ و داستان دارد!؟

اما توجه به چند نکته علت حقیقی این موضوع را روشن می‌سازد:

۱- تاریخ، آزمایشگاه مسائل گوناگون زندگی بشر است، و آنچه را که انسان در ذهن خود با دلائل عقلی ترسیم می‌کند، در صفحات تاریخ به صورت عینی باز می‌یابد، و با توجه به اینکه مطمئن‌ترین معلومات آن است که جنبه‌ی حسّی داشته باشد، نقش تاریخ را در نشان دادن واقعیات زندگی به خوبی می‌توان درک کرد.

انسان با چشم خود در صفحات تاریخ، شکست مرگباری که دامن یک قوم و ملت را بر اثر اختلاف و پراکندگی می‌گیرد می‌بیند، و همین‌گونه پیروزی درخشان قوم دیگر را در سایه‌ی اتحاد و همبستگی.

تاریخ با زبان بی‌زبانی‌اش، نتایج قطعی و غیرقابل انکار مکتب‌ها، روش‌ها، و برنامه‌های هر قوم و گروهی را بازگو می‌کند.

داستان‌های پیشینیان، مجموعه‌ای است از پر ارزشترین تجربیات آن‌ها، و می‌دانیم که محصول زندگی چیزی جز تجربه نیست.

تاریخ آینه‌ای است که تمام قامت جوامع انسانی را در خود منعکس می‌سازد: زشتی‌ها، زیبایی‌ها، کامیابی‌ها، ناکامی‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها و عوامل هر یک از این امور را.

به همین دلیل مطالعه‌ی تاریخ گذشتگان، عمر انسان را - درست به اندازه‌ی عمر آن‌ها - طولانی می‌کند. چرا که مجموعه‌ی تجربیات دوران عمر آن‌ها را در اختیار انسان می‌گذارد.

با این حال، چرا قرآن که یک کتاب عالی تربیتی و اصلاحی است، در فصول و فرازهای خود، تکیه بر تاریخ نکند و از داستان‌های پیشینیان، مثال و شاهد نیابد! ۲- از این گذشته، تاریخ و داستان، جاذبه‌ی مخصوصی دارند و انسان در تمام دوران‌های عمر خود از سن کودکی تا پیری، تحت تأثیر این جاذبه‌ی فوق‌العاده است.

و به همین جهت، قسمت مهمی از ادبیات جهان و بخش بزرگی از آثار نویسندگان را تاریخ و داستان تشکیل می‌دهد.

داستان چه به صورت نظم باشد یا نثر، اثری در خواننده و یا بیننده می‌گذارد که استدلالات عقلی هرگز قادر به چنان تأثیر نیست.

دلیل این موضوع شاید آن باشد که انسان قبل از آنکه عقلی باشد، حسّی است و بیش از آنچه به مسائل فکری می‌اندیشد در مسائل حسّی غوطه‌ور است.

مسائل مختلف زندگی هر اندازه از میدان حس دور می‌شوند و جنبه‌ی تجرّد عقلانی به خود می‌گیرند، سنگین‌تر و دیرفهم‌تر می‌شوند.

و از این رو می‌بینیم همیشه برای جا افتادن استدلالات عقلی از مثال‌های حسّی استمداد می‌شود، و گاهی ذکر یک مثال مناسب و به جا، تأثیر استدلال را چندین برابر

می‌کند. و لذا دانشمندانِ موفق، آن‌ها هستند که تسلط بیشتری بر انتخاب بهترین مثال‌ها دارند.

و چرا چنین نباشد در حالی که استدلال‌های عقلی بالاخره برداشت‌هایی از مسائل حسی و عینی و تجربی است.

۳- داستان و تاریخ برای همه کس قابل فهم و درک است. برخلاف استدلالات عقلی که همه در آن یکسان نیستند!

به همین دلیل کتابی که جنبه‌ی عمومی و همگانی دارد و از عرب بیابانی بی‌سواد نیمه وحشی گرفته و تا فیلسوف بزرگ و متفکر، همه باید از آن استفاده کنند، حتماً باید روی تاریخ و داستان‌ها و مثال‌ها تکیه نماید. مجموعه‌ی این جهات نشان می‌دهد که قرآن در بیان این همه تاریخ و داستان، بهترین راه را از نظر تعلیم و تربیت پیموده است.

مخصوصاً با توجه به این نکته که قرآن در هیچ مورد به ذکر وقایع تاریخی به طور برهنه و عریان نمی‌پردازد، بلکه در هر گام از آن نتیجه‌گیری کرده و بهره‌برداری تربیتی می‌کند.

به هر حال، خداوند متعال حقایق اسلام را در قصه‌های قرآن ذکر کرده است، و این قصه‌ها، تنها برای عبرت گرفتن و پند آموختن نیست، بلکه برای بیان حقایق اسلام، از قبیل: مسئله توحید، ترغیب به داد و ستد نیکو و پسندیده، عدالت و برابری، برادری و اخوت، اطاعت از اوامر و فرامین الهی و تعالیم و آموزه‌های پیامبران، بیان احکام و مسائل اسلامی و... است.

شبهه‌ای که عموماً در رابطه با داستان‌های بیان شده در قرآن کریم در اذهان پیدا می‌شود این است که چرا یک قصه، چندین بار در قرآن تکرار شده است، به عنوان مثال، قصه‌ی حضرت موسی علیه السلام در هفتاد و دو جا از قرآن ذکر شده است؟! در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت که حکمت‌های زیادی در تکرار قصه‌ها وجود دارد از جمله:

۱- قرآن کریم در یک مرتبه نازل نشد، بلکه به تدریج و مرحله به مرحله در مدت ۲۳ سال فرود آمده است. و بر امتی نازل شد که در دور ابتدایی خود گام به گام با آزمایش‌هایی جدید و مشکلاتی بی‌شمار، مواجه می‌شود. و بی‌جا نخواهد بود اگر گفته شود که تمام زندگی این امت در دور ترقی و رو به جلو

در جهاد و قتال، جنگ و پیکار، مشکلات و مصائب و ناهمواری‌ها و ناملایمات گذشته است، در چنین صورتی اگر آن‌ها بار بار تسلی داده نمی‌شدند، دل شکسته می‌شدند و از حرکت باز می‌ایستادند.

قرآن کریم واقعات پیامبران گذشته را در هر آن جایی که مسلمانان دچار مشکلات شدند تعریف کرد و بار بار به آن‌ها تذکر داد که شما در این آزمایش‌ها تنها نیستید، بلکه هر قافله‌ی دعوت حق از این وادی‌های صعب العبور گذر کرده است و همیشه فتح و پیروزی در انجام کار، نصیب آن‌ها شده است. به همین خاطر گاهی قصه‌ی کامل یک پیامبر در قرآن حکیم به طور یکجا ذکر نشده است، بلکه بخش‌های مختلف آن در جاهای متعدد قرآن مذکور هستند و هر جا ضرورت به قسمتی از قصه‌ی پیامبری شده است، همان اندازه در آن وقت، نازل کرده شده است.

۲- حکمت دوّم این است که تکرار قصه‌ها واضح می‌کند که قرآن کریم برای بیان جزئیات احکام بیان نشده است. قرآن حفظ اصول احکام را بیان می‌کند. هدف اساسی آن، اصلاح عقاید، تذکیر و تشویق به نیک کرداری است؛ اما جزئیات قانونی را به تعلیم و تشریح رسول خدا ﷺ (حدیث) وامی‌گذارد.

این شیوه‌ی قرآن کریم، دلیل واضحی برای «حجّیت حدیث» است. چرا که اگر در فقه و قانون فقط قرآن، حجّت و دلیل می‌بود و «حدیث» حجّت نمی‌بود، در قرآن کریم بار بار احکام بیان کرده می‌شد، نه قصه‌های مکرر. قصه‌ها به وسیله‌ی «وحي غير متلوّ» (حدیث) بیان کرده می‌شد.

بدیهی است که مقصود از بیان کردن قصه اینگونه هم به طور کامل حاصل می‌شد؛ اما خداوند با عکس این ترتیب گویا متنّبّه و آگاه می‌سازد که قرآن برای تربیت عقاید و اخلاق آمده است و فقط اصول احکام را بیان می‌فرماید.

۳- سومین حکمت در تکرار قصه‌ها این است که اعجاز قرآن را در تکرار داستان‌ها به تصویر کشیده است. اینطور که روان انسان از شنیدن مکرر یک مطلب یا یک داستان خسته و ملول می‌گردد و بعد از چند مرتبه از شنیدن یک قصه‌ی خیلی خوب هم، احساس لطف و سرور نمی‌کند. اما قرآن کریم اگر چه واقعه‌ای را بار بار ذکر می‌کند اما در هر بار لذّت و حلاوتی تازه، و لطف و سروری جدید محسوس می‌شود.

این مطلب، انسان را به این نتیجه می‌رساند که یقیناً این کلام زاییده‌ی دماغ بشری نیست. [ر.ک: علوم القرآن، محمد تقی عثمانی، صص ۲۵۹-۲۶۰]

به هر حال، قصه و داستان در تربیت انسان سهم بسزایی دارد. زیرا داستان، تجسم عینی زندگی یک امت و تجربه‌ی عملی یک ملت است.

تاریخ پیامبران گذشته، آینه‌ی ملت‌ها است و هر چه با تاریخ و سرگذشت پیشینیان آشنا باشیم، گویا به اندازه‌ی عمر آن مردم زندگی کرده‌ایم.

و شاید یکی از دلایل اثرگذاری قصه و داستان بر روی انسان، تمایل قلبی او به داستان باشد. معمولاً کتاب‌های تاریخی و آثار داستانی در طول تاریخ فرهنگ بشری، رونق خاصی داشته و قابل فهم و درک برای بیشتر مردم بوده است در حالی که مباحث استدلالی و عقلانی را گروه اندکی پیگیری می‌کرده‌اند.

و در حقیقت تفاوت داستان‌های قرآن با سایر داستان‌ها را می‌توان در این امور خلاصه کرد:

۱. در داستان‌های قرآن، قصه گو خداوند است. (و قصه‌گو و نویسنده‌ی آن، معتبر و مطمئن است)
  ۲. قصه‌های قرآن، هدفدار و با برنامه است.
  ۳. قصه‌های قرآن، حق است نه خیال.
  ۴. داستان‌های قرآن، براساس علم و یقین است، نه ظن و گمان و حدس و تخمین و شک و احتمال.
  ۵. داستان‌های قرآن، وسیله‌ی تفکر و تدبّر است، نه تخیل و تشکیک.
  ۶. داستان‌های قرآن، وسیله‌ی عبرت است، نه تفریح و سرگرمی.
- و در مجموع داستان‌های قرآن، قصه‌ی بیست و هفت نفر از پیامبران الهی آمده است که اسامی آن‌ها حسب ترتیب تاریخی از این قرار است:
- آدم عَلَيْهِ السَّلَام، نوح عَلَيْهِ السَّلَام، ادریس عَلَيْهِ السَّلَام، هود عَلَيْهِ السَّلَام، صالح عَلَيْهِ السَّلَام، ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام، اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام، اسحاق عَلَيْهِ السَّلَام، لوط عَلَيْهِ السَّلَام، یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام، یوسف عَلَيْهِ السَّلَام، شعیب عَلَيْهِ السَّلَام، موسی عَلَيْهِ السَّلَام، هارون عَلَيْهِ السَّلَام، یوشع عَلَيْهِ السَّلَام، حزقیل عَلَيْهِ السَّلَام، یونس عَلَيْهِ السَّلَام، الیاس عَلَيْهِ السَّلَام، الیسع عَلَيْهِ السَّلَام، شموئیل عَلَيْهِ السَّلَام، داود عَلَيْهِ السَّلَام، سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام، ذوالکفل عَلَيْهِ السَّلَام، عزیر عَلَيْهِ السَّلَام، زکریا عَلَيْهِ السَّلَام، یحیی عَلَيْهِ السَّلَام، عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
- و داستان‌های این افراد و اقوام نیز در قرآن ذکر شده‌اند:



اصحاب الجنة، اصحاب القرية، حضرت لقمان، اصحاب السبت، اصحاب الرس، ذوالقرنین، اصحاب كهف و الرقيم، قوم سبا، اصحاب الاخدود، اصحاب الفيل، ابولهب، يأجوج و ماجوج و...

داستان حضرت آدم عليه السلام

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣١﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٣﴾ قَالَ يَتَّبِعُ آدَمَ أَنْبِئُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٤﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٥﴾ وَقُلْنَا يَتَّعَدُمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٦﴾ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿٣٧﴾ فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٨﴾ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فِيمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٩﴾﴾ [البقرة: ٣٠-٣٨]

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٦﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿٣٧﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَّكِبَ فِيهَا فَأَخْرَجَ إِيَّاكَ مِنَ الصَّغِيرِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٩﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ أَخْرَجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾ وَيَتَّعَدُمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ

الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾ فَسَوَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿١٢﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿١٣﴾ فَدَلَّهُمَا بِعُرْوَةٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٤﴾ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَعْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ أَهبطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿١٦﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿١٧﴾ ﴿[الأعراف: ١١-٢٥]

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٨﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ يَا بَلِيسُ مَا لَكَ إِلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٣٣﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿٤٤﴾ ﴿[الحجر: ٢٨-٤٤]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَيْصِمَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَأَسْتَفْرِرُ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصُوتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾ ﴿[الإسراء: ٦١-٦٥]

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿۵۰﴾ مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ تُتَّخَذُونَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ﴿۵۱﴾﴾ [الكهف: ۵۰-۵۱]

﴿وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿۵۰﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿۵۱﴾ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿۵۲﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿۵۳﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى ﴿۵۴﴾ فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْيَأُ ﴿۵۵﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْءُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿۵۶﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَقَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿۵۷﴾ قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فِيمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿۵۸﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى ﴿۵۹﴾﴾ [طه: ۱۱۵-۱۲۴]

﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿۷۱﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿۷۲﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿۷۳﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۷۴﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿۷۵﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿۷۶﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿۷۷﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿۷۸﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۷۹﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿۸۰﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿۸۱﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۲﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿۸۳﴾ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿۸۴﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۵﴾﴾ [ص: ۷۱-۸۵]

داستان حضرت ادريس عليه السلام

﴿وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِتَاهُ وَكَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ﴿۵۱﴾ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾ [مريم: ۵۶-۵۷]

﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ ٨٥ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾ [الأنبياء: ٨٥-٨٦]

### داستان حضرت نوح عليه السلام با قومش

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّي غَيْرُهُ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ ٥٩ قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ ۖ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِّ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾ [الأعراف: ٥٩-٦٤]

﴿أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَنَمُودٍ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُم رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ ﴿٧٠﴾ [التوبة: ٧٠]

﴿وَأْتَلَّ عَلَيْهِمْ نَبَأُ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ ۖ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ﴿٧١﴾ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٧٢﴾ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلِّ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلْقًا وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ ﴿٧٣﴾﴾ [يونس: ٧١-٧٣]

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ إِن أَفْتَرَيْتُهُو فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُخْرِمُونَ﴾ ﴿٧٥﴾ وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدَّ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَسِ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٦﴾ وَأَصْنَعُ الْفُلَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ﴿٧٧﴾ وَبَصْنَعُ الْفُلَّكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٧٨﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ مُّجْزِيهِ وَيَجِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ

مُقِيمٌ ﴿۴۹﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ  
 إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿۵۰﴾ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ  
 اللَّهِ حَجْرِبَهَا وَمُرْسِلَهَا إِنَّ رَبِّي لَعَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۵۱﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى  
 نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿۵۲﴾ قَالَ سَعَاوِي إِلَىٰ  
 جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا  
 الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿۵۳﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَسْمَأْ أَفْلَحِي وَغِيضَ الْمَاءِ  
 وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَأَسْتَوَتْ عَلَى الْحُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۵۴﴾ وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ  
 فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿۵۵﴾ قَالَ يَا نُوحُ  
 إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلِنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي  
 أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿۵۶﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ  
 عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۵۷﴾ قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا  
 وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنَمَتُّهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۵۸﴾  
 تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا  
 فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۵۹﴾ [هود: ۳۵-۴۹]

﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا  
 يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ...﴾ [ابراهيم: ۹]

﴿ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾ [الإسراء: ۳]  
 ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا  
 بَصِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۷]

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ  
 ...﴾ [مریم: ۵۸]

﴿وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿۷۶﴾  
 وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۷۷﴾﴾  
 [الأنبياء: ۷۶-۷۷]

﴿وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ﴾ [الحج: ٤٢]  
 ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَّقُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [٣٢] فَقَالَ الْمَلَأُوا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَىٰ [٤١] إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فترَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ [٤٥] قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ [٦١] فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ [٦٧] فَإِذَا اسْتَوَيْتِ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ [٦٨] وَقُلْ رَبِّ انزِلْنِي مُنزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ [٦٩] إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ [٣٠] ﴿المؤمنون: ٢٣-٣٠﴾

﴿وَقَوْمُ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الفرقان: ٣٧]

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ [١٥] إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ [١٦] إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ [١٧] فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا [١٨] وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ [١٩] فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا [٢٠] قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَأَتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ [٢١] قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ [٢٢] إِنْ حَسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ [٢٣] وَمَا أَنَا بِظَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ [٢٤] إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ [٢٥] قَالُوا لَنْ لَمْ تَنْتَه يَنْوُحْ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ [٢٦] قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ [٢٧] فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ [٢٨] فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكَ الْمَشْحُونِ [٢٩] ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ [٣٠] إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ [٣١] وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ [٣٢] ﴿الشعراء: ١٠٥-١٢٢﴾

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ [العنكبوت: ١٤-١٥]

﴿وَلَقَدْ نَادَلْنَا نُوحًا فَلَنِعَمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَّمَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَلَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٨٢﴾﴾  
[الصافات: ۷۵-۸۲]

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾﴾ [ص: ۱۲]  
﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ ﴿٥﴾ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ... ﴿٥﴾﴾ [غافر: ۵]  
﴿مِثْلَ دَابِّ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾﴾  
[غافر: ۳۱]

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ﴿١٢﴾﴾ [ق: ۱۲]  
﴿وَقَوْمِ نُوحٍ مِنْ قَبْلِ إِيَّاهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٦٦﴾﴾ [الذاريات: ۴۶]  
﴿وَقَوْمِ نُوحٍ مِنْ قَبْلِ إِيَّاهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى ﴿٥٢﴾﴾ [النجم: ۵۲]  
﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَتَى مَعْلُوبٌ فَانْتَصَرَ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ ﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ فُدِرَ ﴿١٢﴾ وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوْجِ وَدُسِرَ ﴿١٣﴾ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ ﴿١٥﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي ﴿١٦﴾﴾ [القمر: ۹-۱۶]  
﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾﴾ [الحديد: ۲۶]

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١﴾ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَنْتَقُوهُ وَأَطِيعُوا عَمْرِي ﴿٣﴾ يَعْرِفْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنْ أَجَلَ اللَّهُ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿٥﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْدِعَهُمْ فِي عَادَاتِهِمْ وَأَسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا ﴿٧﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿٨﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٩﴾﴾

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿١١﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١٢﴾ وَيُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٣﴾ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٤﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٥﴾ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ﴿١٦﴾ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا ﴿١٧﴾ وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٨﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿٢٠﴾ لِيَتَسَلَّكُوا مِنْهَا سُبُلًا فَجَاجًا ﴿٢١﴾ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢٢﴾ وَمَكُرُوا مَكْرًا كَبِيرًا ﴿٢٣﴾ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٤﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٥﴾ مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٦﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٧﴾ إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٨﴾ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٩﴾ ﴿نوح: ١-٢٨﴾

داستان حضرت هود عليه السلام با قوم عاد

﴿وَالِىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ وَ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٥﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُّكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿١٦﴾ قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾ أَبَلِغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصُطَةً فَأَذْكُرُوا آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٩﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٠﴾ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَعَصْبٌ أَتُجَدِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٢١﴾ فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٢﴾﴾ ﴿الأعراف: ٦٥-٧٢﴾



﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنَ إِلَهِ غَيْرُهُ ۗ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿۵۰﴾ يَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنِ اجْتَبَيْتُمْ آلِيَّ عَلَىٰ الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۵۱﴾ وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴿۵۲﴾ قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَن قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۵۳﴾ إِن نَّقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿۵۴﴾ مِن دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ ﴿۵۵﴾ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ۗ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۵۶﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسَلْتُ بِهِ ۗ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ ۗ شَيْئًا إِن رَّبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿۵۷﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿۵۸﴾ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿۵۹﴾ وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بَعْدَ لَعَادٍ قَوْمٌ هُودٍ ﴿۶۰﴾

[هود: ۵۰-۶۰]

﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ...﴾ ﴿[ابراهيم: ۹]

﴿ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا ۗ آخِرِينَ ﴿۳۱﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنَ إِلَهِ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۲﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَآتَرَفْنَاهُمُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿۳۳﴾ وَلَئِن أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ ۖ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ ﴿۳۴﴾ أَعِدْكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظْمًا ۖ إِنَّكُمْ تُخْرَجُونَ ﴿۳۵﴾ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿۳۶﴾ إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿۳۷﴾ إِن هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۳۸﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿۳۹﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿۴۰﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۖ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبَعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۴۱﴾﴾ [المؤمنون: ۳۱-۴۱]

﴿كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣١﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٣٢﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٣٣﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٣٤﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣٥﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيحٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٣٦﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٣٧﴾ وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٣٩﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٤٠﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٤١﴾ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٤٣﴾ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أُوعِظُتْ أَمْ لَمْ تُكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿١٤٤﴾ إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوْلِينَ ﴿١٤٥﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿١٤٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٤٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٤٨﴾﴾ [الشعراء: ١٢٣-١٤٠]

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٤٩﴾ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ لَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿١٥٠﴾﴾ [ص: ١٢-١٣]

﴿وَأذْكَرَ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ الْتُدْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ۖ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥١﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٥٢﴾ قَالَ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِمَا أُرْسِلْتُ بِهِ ۖ وَلَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿١٥٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ ۖ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٥٤﴾ تَدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَكِنُهُمْ ۚ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٥٥﴾ وَلَقَدْ مَكَنْتَهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَنْتَكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَرًا وَأَفْئِدَةً ۖ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ ۚ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ ۖ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٥٦﴾﴾ [الأحقاف: ٢١-٢٦]

﴿وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴿١٥٧﴾ مَا تَدْرُ مِنْ شَيْءٍ ۚ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ

كَالرَّمِيمِ ﴿١٥٨﴾﴾ [الذاريات: ٤١-٤٢]

﴿كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَدَابِي وَنُذْرِي ﴿١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ  
نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ ﴿٢٠﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَدَابِي  
وَنُذْرِي ﴿٢١﴾﴾ [القمر: ۱۸-۲۱]

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلَهَا فِي  
الْبَلَدِ ﴿٨﴾﴾ [الفجر: ۶-۸]

### داستان حضرت صالح عليه السلام با قوم ثمود

﴿وَالِى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ  
جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا  
تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ ﴿٧٢﴾ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ  
وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا ءَالَآءَ  
اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ  
اسْتَضَعِفُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ  
مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٧٦﴾ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا  
عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصَلِّحْ أَخْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَأَخَذَتْهُمُ  
الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ ﴿٧٨﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا  
رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ ﴿٧٨﴾﴾ [الأعراف: ۷۳-۷۹]

﴿وَالِى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ  
أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعِفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ﴿١١﴾  
قَالُوا يُصَلِّحْ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّآ لَفِي  
شَاكٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿١٢﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَعَآئِنِي  
مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ﴿١٣﴾ وَيَقَوْمِ هَذِهِ  
نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ  
قَرِيبٍ ﴿١٤﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرٍ مَكْدُوبٍ ﴿١٥﴾﴾

جَاءَ أَمْرُنَا نَجِيًّا صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِن خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿٦٦﴾ وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَرِهِمْ جَثِيمِينَ ﴿٦٧﴾ كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا آلَا إِنَّ ثَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِثَمُودَ ﴿٦٨﴾ [هود: ٦١-٦٨]

﴿وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ ﴿٨٠﴾ وَعَاتَيْنَاهُمْ ءَايَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾ وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾﴾ [الحجر: ٨٠-٨٤]

﴿وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَعَاتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾﴾ [الإسراء: ٥٩]

﴿وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ﴿٤٢﴾﴾ [الحج: ٤٢]

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا ﴿١٤٤﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا ءَامِنِينَ ﴿١٤٦﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا ﴿١٥٠﴾ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ هَٰذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَدِيمِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾﴾ [الشعراء: ١٤١-١٥٩]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا أَظَلَمْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ ظَلِمْنَا عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكْرُوهًا مَكْرًا

وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾ فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٤﴾ فَبَلَغْتَ لِقَوْمِهِمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾ [النمل: ۴۵-۵۳]

﴿وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذْنَا مِنْهُمُ الصَّلِيعَةَ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾ فَمَا اسْتَعْطَعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾﴾ [الذاريات: ۴۳-۴۵]

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالتَّنْذِيرِ ﴿٤٣﴾ فَقَالُوا أَبَشْرًا مِثْنَا وَحِدًا تَتَّبِعُوهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿٤٤﴾ أءَلْقَىٰ الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ ﴿٤٥﴾ سَيَعْلَمُونَ عَذَابَ مَنِ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ ﴿٤٦﴾ إِنَّا مُرْسَلُونَ إِلَيْكُم مِّنْ رَبِّكُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٤٧﴾ وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ﴿٤٨﴾ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ﴿٤٩﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ﴿٥٠﴾﴾ [القمر: ۲۳-۳۱]

﴿وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾﴾ [الفجر: ۹]

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾﴾ [الشمس: ۱۱-۱۵]

داستان حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسماعیل علیه السلام و حضرت اسحاق علیه السلام

﴿وَإِذْ أَبْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ﴿٦١﴾ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ﴿٦٢﴾ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿٦٤﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٦٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنْ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٧﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لِّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ رَبَّنَا

وَأَبَعْتُ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٣٩﴾ وَمَنْ يَّرْغَبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٤٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٤١﴾ وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَبْنَئِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٤٢﴾ [البقرة: ١٢٤-١٣٢]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾﴾ [البقرة: ٢٥٨]

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّ لِيُظْمِنَنَّ قَلْبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾﴾ [البقرة: ٢٦٠]

﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾﴾ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾﴾ [آل عمران: ٦٧-٦٨]

﴿قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾﴾ إِنَّ أَوْلَىٰ بَيْتِ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَكَتْهُ مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ...﴾ [آل عمران: ٩٥-٩٧]

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾﴾ [النساء: ١٢٥]

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازِرَ اتَّخِذْ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي أُرِيدُ أَنْ جَارِي فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٧٤﴾﴾ وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ ﴿٧٦﴾﴾ فَلَمَّا رَأَىٰ الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ

الضَّالِّينَ ﴿٧٧﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَاقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٧٨﴾ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّى فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾ وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَدِّثُونَ فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٥﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٦﴾ [الأنعام: ٧٤-٨٦]

﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾ [التوبة: ١١٤]

﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَأَوَّجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾ وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِن وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبُ ﴿٧١﴾ قَالَتْ يَوَيْلَ لِيَ ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَن إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجْدِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ ﴿٧٥﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَن هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ مَّرْدُودٍ ﴿٧٦﴾﴾ [هود: ٦٩-٧٦]

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِ فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ

رَّحِيمٌ ﴿٣٦﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْعِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٧﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعٌ الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِي ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾ [إبراهيم: ٣٥-٤١]

﴿وَنَبِّئُهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ﴾ ﴿٥١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَمًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشْرْتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمِ تَبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا آءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنْجُوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ قَدَرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْعَاذِرِينَ ﴿٦٠﴾ [الحجر: ٥١-٦٠]

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ ﴿١٢٠﴾ شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٢١﴾ وَعَاتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّا فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٢﴾ [النحل: ١٢٠-١٢٢]

﴿وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا﴾ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿٥٢﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿٥٣﴾ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿٥٤﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٥٥﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ ءَالِ إِبْرَاهِيمَ لَمَّا تَنَّهُ لِأَرْجَمَنَّكَ وَأَهْجُرَنِي مَلِيًّا ﴿٥٦﴾ قَالَ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٥٧﴾ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿٥٨﴾ فَلَمَّا أَعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٥٩﴾ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ



لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥١﴾ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿٥٢﴾ وَنَدَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿٥٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ﴿٥٤﴾ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿٥٥﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿٥٦﴾ [مريم: ۴۱-۵۵]

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلَ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَعِبَادُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾ فَجَعَلَهُمْ جُذُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿٥٨﴾ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَٰذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾ قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ وَ إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾ قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَٰذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٤﴾ ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾ [الأنبياء: ۵۱-۷۲]

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٦٦﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٦٧﴾ [الحج: ۲۶-۲۷]

﴿وَأْتَلَّ عَلَيْهِمْ نَبَأُ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٦﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿٧١﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنْتُمْ  
وَعِبَادُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾  
وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾  
وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي  
بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾  
وَأَغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا  
بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾ [الشعراء: ٦٩-٨٩]

﴿وَابْتَهِمِمْ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾  
إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا  
يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۗ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾  
وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٨﴾ أَوْ لَمْ  
يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٩﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ  
فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾  
يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ ۗ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي  
السَّمَاءِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٢٢﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ  
وَلِقَائِهِ ۗ أُولَٰئِكَ يَسُؤُوا مِنْ رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٣﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ ۗ إِلَّا  
أَن قَالُوا أَاقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٤﴾ وَقَالَ  
إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ  
بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَالُكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٢٥﴾  
فَمَا مَن لَهُ لَوْطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ ۗ إِسْحَاقَ  
وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَعَاتَيْنَاهُ أُجْرَهُ ۗ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ

لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ [العنكبوت: ١٦-٢٧]

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّا أَهْلُهَا كَانُوا ظَالِمِينَ﴾<sup>(۳۱)</sup> قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ﴾<sup>(۳۲)</sup> [العنكبوت: ۳۱-۳۲]

﴿ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ﴾<sup>(۳۳)</sup> وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ﴾<sup>(۳۴)</sup> إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾<sup>(۳۵)</sup> إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ﴾<sup>(۳۶)</sup> أَيْفَكُمَا إِلَهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ﴾<sup>(۳۷)</sup> فَمَا ظَنَنْتُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>(۳۸)</sup> فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ﴾<sup>(۳۹)</sup> فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ﴾<sup>(۴۰)</sup> فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ﴾<sup>(۴۱)</sup> فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ﴾<sup>(۴۲)</sup> مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ﴾<sup>(۴۳)</sup> فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ﴾<sup>(۴۴)</sup> فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُونَ﴾<sup>(۴۵)</sup> قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ﴾<sup>(۴۶)</sup> وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾<sup>(۴۷)</sup> قَالُوا أَبْنَاؤُا لَهُ بُنِينًا فَأَلْقُوهُ فِي الْحَجِيمِ﴾<sup>(۴۸)</sup> فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ﴾<sup>(۴۹)</sup> وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾<sup>(۵۰)</sup> رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾<sup>(۵۱)</sup> فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾<sup>(۵۲)</sup> فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَئِي إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَتَأْتٍبِ أَفْعَلٌ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>(۵۳)</sup> فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ﴾<sup>(۵۴)</sup> وَنَدَيْنَاهُ أَنْ يَتَابِرْهُمُ﴾<sup>(۵۵)</sup> قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>(۵۶)</sup> إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾<sup>(۵۷)</sup> وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾<sup>(۵۸)</sup> وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْأَخْرِينَ﴾<sup>(۵۹)</sup> سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾<sup>(۶۰)</sup> كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>(۶۱)</sup> إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۶۲)</sup> وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ﴾<sup>(۶۳)</sup> وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ﴾<sup>(۶۴)</sup> [الصافات: ۸۲-۱۱۳]

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ﴾<sup>(۶۵)</sup> إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ﴾<sup>(۶۶)</sup> وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾<sup>(۶۷)</sup> [الزخرف: ۲۶-۲۸]

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ﴾<sup>(۶۸)</sup> إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَمًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾<sup>(۶۹)</sup> فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ﴾<sup>(۷۰)</sup> فَقَرَّبَهُوَ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ﴾<sup>(۷۱)</sup> فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ﴾<sup>(۷۲)</sup> فَأَقْبَلَتْ أُمَّرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ﴾<sup>(۷۳)</sup> قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ

﴿الْعَلِيمِ﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٣١﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ ﴿٣٣﴾ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٤﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾ [الذاريات: ٢٤-٣٧]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِئْتُهُمْ مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَسَقُونَ﴾ ﴿٣١﴾ [الحديد: ٢٦]

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ ﴿٤﴾ [المتحنة: ٤]

#### داستان حضرت لوط عليه السلام

﴿وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾ ﴿٨٠﴾ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨١﴾ وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾ فَأَجْنَيْنَاهُ وَآهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٤﴾ [الأعراف: ٨٠-٨٤]

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾ وَجَاءَهُمْ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَفْقَوْمَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ ﴿٧٨﴾ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمَا لَنَا فِي بَنَاتِكِ مِنْ حَقِّ وَنَأْتِكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾ قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا

عَلَيْهَا حِجَارَةٌ مِّنْ سَجِيلٍ مَّنْضُودٍ ﴿٨٣﴾ مُسَوَّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ  
بِبَعِيدٍ ﴿٨٣﴾ [هود: ۷۷-۸۳]

﴿وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضِيفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾ وَاتَّقُوا  
اللَّهَ وَلَا تَحْزُونِ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَوْ لَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ  
فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلْنَا  
عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سَجِيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾  
وَإِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾﴾ [الحجر: ۶۷-۷۷]

﴿وَلَوْطًا ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَاتِ إِنَّهُمْ  
كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَسَقِينَ ﴿٧٤﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾﴾ [الأنبياء: ۷۴-۷۵]  
﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١١٢﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١١٣﴾ إِنِّي لَكُمْ  
رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١١٤﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا ﴿١١٥﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى  
رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١١٦﴾ أَتَأْتُونَ الذَّكَرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١١٧﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ  
أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١١٨﴾ قَالُوا لَنْ نَمُوتَ نَحْنُ وَنِسَاءُنَا وَنَحْنُ نَعْمَلُ الْفَسَاءَ  
قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿١١٩﴾ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٠﴾ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ  
أَجْمَعِينَ ﴿١٢١﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٢٢﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٢٣﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ  
مَطَرُ الْمُنذِرِينَ ﴿١٢٤﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٢٥﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ  
الرَّحِيمُ ﴿١٢٦﴾﴾ [الشعراء: ۱۶۰-۱۷۵]

﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَلْحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَيْنَكُمُ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ  
شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٢﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا  
أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٥٣﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ  
قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٥٤﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ ﴿٥٥﴾﴾ [النمل: ۵۴-۵۸]  
﴿فَقَامَنَّ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦١﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ  
إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَعَآتَيْنَاهُ أُجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي

الْآخِرَةَ لِمَنِ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنِّي لَأَتُونَ الْفُلْحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ أَيْنَكُمْ لَأَتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَتَيْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِمَّنِ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٥﴾ [العنكبوت: ٢٦-٣٥]

﴿وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٤﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٣٥﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿٣٥﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخَرِينَ ﴿٣٦﴾ وَإِنكُمْ لَتَمُرُونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿٣٧﴾ وَبِالْبَيْتِ أَفْلًا تَعْقِلُونَ ﴿٣٨﴾﴾ [الصافات: ١٣٣-١٣٨]

﴿قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ﴿٣٦﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ ﴿٣٧﴾ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٨﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٩﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَلْتَدُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٤١﴾﴾ [الذاريات: ٣٢-٣٧]

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالَّذِينَ ﴿٣٦﴾ إِنَّا أُرْسِلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا عَالُ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ﴿٣٧﴾ نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿٣٨﴾ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالَّذِينَ ﴿٣٩﴾ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِيرٌ ﴿٤١﴾ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٤٢﴾﴾ [القم: ٣٣-٣٩]

#### داستان حضرت یعقوب عليه السلام و حضرت یوسف عليه السلام

﴿وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُو مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾﴾ [البقرة: ١٣٢-١٣٣]

﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿٤﴾ قَالَ يَبْنَئُ لَا تَقْضُ رُءْيَاكَ عَلَيَّ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ ءَايَاتٍ لِّلسَّالِفِينَ ﴿٧﴾ إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا أُمِينًا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ آبَاءَنَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨﴾ أَفْتُلُوهُ يُوسُفُ أَوْ اظْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿١٠﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَصِحُونَ ﴿١١﴾ أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿١٢﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنَّ تَذَهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الدَّبُّ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الدَّبُّ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذَا لَخَسِرُونَ ﴿١٤﴾ فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَجَاءَ أَبُوهُمْ عَشَاءً يَتُكُونُ ﴿١٦﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الدَّبُّ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ وَجَاءَهُ عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُ قَالَ يَبُشْرَىٰ هَذَا غُلْمٌ وَأَسْرُوهُ بَضْعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِأَمْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نُجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٢﴾ وَرَوَدَتْهُ الْمَتَىٰ هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنَّ رَجَا بُرْهَنَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ

السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦﴾ وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قَبْلِ فَصَدَقْتَ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿١٨﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبْتَ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٩﴾ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٠﴾ يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿٢١﴾ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتْلَهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرُّهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكِنًا وَعَاتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٢٣﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٢٥﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٧﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرْنِي آعْصُرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرْنِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرُوكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٨﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٢٩﴾ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكُمْ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٠﴾ يَصْصَحِي السِّجْنَ عَارِبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٣١﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَدِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾ يَصْصَحِي السِّجْنَ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي



رَبِّهِ وَحَمْرًا وَمَا الْأَخْرُ فَيُصَلَّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ ۖ فُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿٤١﴾ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ ۖ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ﴿٤٢﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَىٰ سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُثْبَلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءُوسِي إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّعْيَا تَعْبُرُونَ ﴿٤٣﴾ قَالُوا أَضْغَثٌ أَحْلَمٌ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَمِ بِعَلَمِينَ ﴿٤٤﴾ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ ۖ فَأَرْسَلُونَهُ ﴿٤٥﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُثْبَلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَّعَلَّيْ أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ ۖ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ ۗ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ أَرْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسَأَلَهُ مَا بَالُ النَّسِوَةِ الَّتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿٥٠﴾ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنِ نَفْسِهِ ۗ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ ۗ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْمَن حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ ۗ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصِّدِّيقِينَ ﴿٥١﴾ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٢﴾ وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي ۖ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ ۖ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ۗ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٣﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ ۗ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي ۗ فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۗ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوهُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۖ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَا أَجْرُ الْأَخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾ وَجَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ أَتُتُونِي بِأَخٍ لَّكُمْ مِّنْ أَبِيكُمْ ۗ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أَوْفِي الْكَيْلِ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾ فَإِنْ لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ ۖ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾ قَالُوا سَنُرَوِّدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾ وَقَالَ لِفَتَاتِيهِ أَجْعَلُوا بِضْعَتَهُمْ فِي

رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٢﴾ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَ نَكْتَلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿١٣﴾ قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا ءَامَنُتُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتْعَهُمْ وَجَدُوا بِضَلْعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَلْعَتِنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانًا وَزَدَادُ كَيْلٍ بَعِيرٌ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿١٥﴾ قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُتَوَّنَ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿١٦﴾ وَقَالَ يَبْنَئِي لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٧﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةٌ فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَلَهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَناَ أَخُوكَ فَلَا تَبَتِّسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رِجْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْهَا الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسَّرِفُونَ ﴿٢٠﴾ قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ ﴿٢١﴾ قَالُوا نَفَقْدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلَمَن جَاءَ بِهِ جَمَلٌ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٢٢﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿٢٣﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٢٤﴾ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٢٦﴾ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿٢٧﴾ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ وَإِنَّا نَرُوكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٨﴾ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَلَعْنَا عِنْدَهُ وَإِنَّا إِذَا لَطَلِمُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ

قَبْلُ مَا فَرَطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكَمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٢﴾ أَرْجِعُوا إِلَيَّ أَيُّكُمْ فَقُولُوا يَبَا بَانَا إِنَّ أَبْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ﴿٨٣﴾ وَسَأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٨٤﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٥﴾ وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا سَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبِصَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٨٦﴾ قَالُوا تَأَلَّفُوا تَلَفًا تَذَكَّرُوا يُونُسَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٧﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ يَبْنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّكَ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٩﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجَعْنَا بِيضَعةً مَرْجَلَةً فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴿٩٠﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ﴿٩١﴾ قَالُوا أَعْيُنُكَ لِأَنْتَ يُوسُفَ قَالَ أَنَا يُوسُفَ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٢﴾ قَالُوا تَأَلَّفُوا لَقَدْ ءَاتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَطِئِينَ ﴿٩٣﴾ قَالَ لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿٩٤﴾ أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٥﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعَيْرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ﴿٩٦﴾ قَالُوا تَأَلَّفُوا إِنَّكَ لِنَفِي ضَلَلِكِ الْقَدِيمِ ﴿٩٧﴾ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٨﴾ قَالُوا يَبَا بَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٩﴾ قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٠﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوِيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ ﴿١٠١﴾ وَرَفَعَ أَبَوِيهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلْنَا رُبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٢﴾ رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي

مَنْ الْمَلِكُ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٣١﴾ [يوسف: ٤-١٠١]

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَعَاتَيْنَاهُ أُجْرَهُ فِي  
الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾﴾ [العنكبوت: ٢٧]

﴿وَأَذْكَرَ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَرِ ﴿٤٦﴾﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ  
بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾﴾ [ص: ٤٥-٤٧]

﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ  
حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ  
مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾﴾ [غافر: ٣٤]

#### داستان حضرت شعیب علیه السلام با قومش

﴿وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ  
جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا  
تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَلَا تَقْعُدُوا  
بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأذْكَرُوا  
إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾ وَإِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِنْكُمْ  
ءَامَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَآئِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ  
الْحَاكِمِينَ ﴿٨٧﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِنُخْرِجَنَّكَ يٰشُعَيْبُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا  
مَعَكَ مِنْ قَرْيِنَا أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أُولُو كُنَّا كَرِهِينَ ﴿٨٨﴾ قَدْ أَفْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا  
إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّيْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ  
اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ  
وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٨٩﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَبِئْسَ أَتْبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ  
إِذَا لَخَسِرُونَ ﴿٩٠﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ ﴿٩١﴾ الَّذِينَ كَذَبُوا شُعَيْبًا  
كَأَن لَمْ يَعْنُوا فِيهَا الَّذِينَ كَذَبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٢﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يٰقَوْمِ

لَقَدْ أْبَلَّغْتُمْ رَسُولَ رَبِّي وَنَصَحْتُمْ لَكُمْ فَكَيْفَ ءَاسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٨٦﴾  
[الأعراف: ۸۵-۹۳]

﴿وَالِیٰ مَدَیْنٍ اَخَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ یَقَوْمِ اَعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَیْرُهٗ وَلَا تَنْفُسُوْا الْمِکْیَالَ وَالْمِیْزَانَ اِنِّیۡ اَرٰنُکُمْ بِخَیْرِ وَاِنِّیۡ اَخَافُ عَلَیْکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ مُّحِیْطٌ ﴿٨٦﴾ وَیَقَوْمِ اَوْفُوا بِالْمِکْیَالَ وَالْمِیْزَانَ بِالْفِیْضِ وَلَا تَبْخَسُوْا النَّاسَ اَشْیَآءَهُمْ وَلَا تَعْتَوْا فِی الْاَرْضِ مُفْسِدِیْنَ ﴿٨٧﴾ بَقِیَّتُ اللّٰهُ خَیْرٌ لَّکُمْ اِنْ کُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ وَمَا اَنَا عَلَیْکُمْ بِحَفِیْظٍ ﴿٨٦﴾ قَالُوْا یَشُعَیْبُ اَصْلُوْتُکَ تَاْمُرُکَ اَنْ نَّتْرُکَ مَا یَعْبُدُ اٰبَاؤُنَا اَوْ اَنْ نَّفْعَلَ فِیۡ اَمْوَالِنَا مَا نَشَآءُوْا اِنَّکَ لَآَنْتَ الْحَلِیْمُ الرَّشِیْدُ ﴿٨٧﴾ قَالَ یَقَوْمِ اَرَعِیْتُمْ اِنْ کُنْتُ عَلٰی بَیْنَتِیۡ مِّنْ رَبِّیۡ وَرَزَقْنِیۡ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا اُرِیْدُ اَنْ اُخَالِفْکُمْ اِلٰی مَا اَنْهَیْکُمْ عَنْهُ اِنْ اُرِیْدُ اِلَّا الْاِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِیْقِیۡ اِلَّا بِاللّٰهِ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَیْهِ اُنِیْبُ ﴿٨٨﴾ وَیَقَوْمِ لَا یَجْرِمَنَّکُمْ شِقَاقِیۡ اَنْ یُّصِیْبَکُمْ مِّثْلُ مَا اَصَابَ قَوْمَ نُوْحٍ اَوْ قَوْمَ هُوْدٍ اَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمٌ لُّوْطٍ مِّنْکُمْ بِبَعِیْدٍ ﴿٨٩﴾ وَاسْتَغْفِرُوْا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوْا اِلَیْهِ اِنَّ رَبِّیۡ رَحِیْمٌ وَّدُوْدٌ ﴿٩٠﴾ قَالُوْا یَشُعَیْبُ مَا نَفَقَهُ کَثِیْرًا مِّمَّا نَقُوْلُ وَاِنَّا لَلرَّکَّ اَفْیَا فِیۡنَا ضَعِیْفًا وَّلَوْ لَا رَهْطُکَ لَرَجَمْنَاکَ وَمَا اَنْتَ عَلَیْنَا بِعَزِیْزٍ ﴿٩١﴾ قَالَ یَقَوْمِ اَرْهَطِیۡ اَعَزُّ عَلَیْکُمْ مِّنْ اللّٰهِ وَاَتَّخِذُوْهُ وَّرَآءَکُمْ ظَهْرًا اِنَّ رَبِّیۡ بِمَا تَعْمَلُوْنَ مُحِیْطٌ ﴿٩٢﴾ وَیَقَوْمِ اَعْمَلُوْا عَلٰی مَکَانَتِکُمْ اِلٰی عَمَلٍ سَوِّفَ تَعْلَمُوْنَ مَنۢ یَّاتِیْهِ عَذَابٌ یُّخْزِیْهِ وَمَنْ هُوَ کَاذِبٌ وَّارْتَقِبُوْا اِلَیَّ مَعَكُمْ رَقِیْبٌ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجِیْنَا شُعَیْبًا وَّالَّذِیْنَ ءَامَنُوْا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَاَخَذَتِ الَّذِیْنَ ظَلَمُوْا الصَّیْحَةَ فَاَصْبَحُوْا فِیۡ دِیْرِهِمْ جَثِیْمِیْنَ ﴿٩٤﴾ کَانَ لَمْ یَعْتَوُوْا فِیْهَا اِلَّا بُعْدًا لِّمَدَیْنٍ کَمَا بَعَدَتْ ثَمُوْدُ ﴿٩٥﴾﴾ [هود: ۸۴-۹۵]

﴿وَالِیٰ مَدَیْنٍ اَخَاهُمْ شُعَیْبًا فَقَالَ یَقَوْمِ اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَاَرْجُوا الْاٰخِرَ وَلَا تَعْتَوْا فِی الْاَرْضِ مُفْسِدِیْنَ ﴿٣٦﴾ فَکَذَّبُوْهُ فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوْا فِیۡ دَارِهِمْ جَثِیْمِیْنَ ﴿٣٧﴾﴾  
[العنکبوت: ۳۶-۳۷]

## داستان حضرت «ذوالکفل» ﷺ

﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ (۸۵) وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ

الصَّالِحِينَ ﴿۸۶﴾ [الأنبياء: ۸۵-۸۶]

﴿وَأَذْكُرُ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ﴾ (۴۸) هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ

لِحُسْنِ مَكَابٍ ﴿۴۹﴾ [ص: ۴۸-۴۹]



توضیح موضوع: مشهور این است که «ذوالکفل» از پیامبران الهی بوده است، و ذکر نام او در ردیف نام پیا مبران بعد از نام «اسماعیل» و «ادریس» گواه بر این معنی است. [انبياء/۸۵]

برخی از مفسران معتقدند که «ذوالکفل» از پیامبران بنی اسرائیل است و وی را فرزند «ایوب» می دانند. که اسم اصلی اش «بشر» یا «بشیر» و یا «شرف» بوده است. و بعضی او را همان «حزقیل پیامبر» می دانند که «ذوالکفل» به عنوان لقب او انتخاب شده است.

در اینکه چرا او به «ذوالکفل» نامیده شده است، با توجه به اینکه «کفل» هم به معنای «نصیب» آمده و هم به معنای «کفالت و عهده داری»، احتمالات مختلفی داده اند: گاه گفته اند: چون خداوند نصیب وافر از ثواب و رحمتش به او مرحمت فرموده است به «ذوالکفل» یعنی «صاحب بهره‌ی وافی» نامیده شد.

و گاه گفته اند: چون تعهد کرده بود که شب‌ها را به عبادت برخیزد و روزها را روزه دارد و هنگام قضاوت هرگز خشم نگیرد، و بر سر این عهد و پیمان باقیمانده، این لقب را به او دادند.

و گاه گفته اند: چون گروهی از انبیای بنی اسرائیل را کفالت کرد و جان آن‌ها را در برابر پادشاه جبار و ستمگر آن زمان حفظ نمود، او را به این اسم نامیدند.

## داستان حضرت ایوب ﷺ

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَآتَى مَسِيئَ الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (۸۳) فَاسْتَجَبْنَا لَهُ

فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّهِ وَعَاتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمَثَلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى

لِلْعَابِدِينَ ﴿۸۴﴾ [الأنبياء: ۸۳-۸۴]

﴿وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَ أَى مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ أَرْكُضْ بِرَجْلِكَ هَذَا مَغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لِأُولَى الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾﴾ [ص: ۴۱-۴۴]

داستان حضرت موسیٰ عليه السلام و هارون عليه السلام با فرعون و فرعونیان

﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٣٦﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَافِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣٧﴾ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٨﴾ قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٣٩﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ﴿١٤٠﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٤١﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿١٤٣﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿١٤٤﴾ يَا ثُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١٤٥﴾ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١٤٦﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١٤٧﴾ قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمَلِيقِينَ ﴿١٤٨﴾ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ ﴿١٤٩﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١٥٠﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٥١﴾ فغَلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاحِرِينَ ﴿١٥٢﴾ وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سِلْجِدِينَ ﴿١٥٣﴾ قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٥٤﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٥٥﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ ءَادَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿١٥٦﴾ لِأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ثُمَّ لَأَضَلِّيَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٥٧﴾ قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿١٥٨﴾ وَمَا نَنقِمُ مِنْآ إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٥٩﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرْكُ وَعَالِهَتَكَ قَالَ سَنُقَاتِلُ أبنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٦٠﴾ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ

وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٧٨﴾ قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٨٠﴾ فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ ۗ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَّيَّرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨١﴾ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِنَسْحَرَنَّ بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٨٢﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ ۗ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿١٨٣﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَىٰ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ ۖ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لِيُنزِلَ عَلَيْنَا مَاءً طَيِّبًا ۗ قَالَ إِنَّمَا أَنزَلْتُ الْمَاءَ لَكُمْ لَتَشْرَبُوا ۗ وَالرِّجْزُ عَذَابٌ لَكُمْ لِمَنْ كَفَرَ ۗ وَأَنْتُمْ كَافِرُونَ ﴿١٨٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٨٥﴾ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمغربَهَا ۗ أَلَيْسَ فِيهَا وَبَرَكْنَا فِيهَا ۗ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا ۗ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿١٨٦﴾ [الأعراف: ١٠٣-١٣٧]

﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧٦﴾ قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ۗ آبَاءَنَا وَتَكُونُ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتَأْتُونِي بِكُلِّ سِحْرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَقُوا مَا آتَيْتُمْ مَلْفُونًا ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَقُوا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَابِقُ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ۗ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ ۗ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَقَوْمِ ۖ إِن كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا ۖ وَإِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾ فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ



الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَحْنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكَمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾ قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾ وَجَوُزْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْفُقُ قَالَ ءَأَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَأَمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾ ءَأَلْتَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِيَدِنَا لِيَتَّكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَن ءَايَاتِنَا لَغَافِلُونَ ﴿٩٢﴾ [يونس: ۷۵-۹۲]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ﴿٩٦﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِيهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾ وَأَتَّبَعُوا فِي هٰذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ بئسَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿٩٩﴾﴾ [هود: ۹۶-۹۹]

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ ءَايٰتٍ بَيِّنٰتٍ فَسَعَلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يٰمُوسَىٰ مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَمَا أَنْزَلَ هٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ بَصَآئِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يٰفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفْرِزَّهُم مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ جَمِيْعًا ﴿١٠٣﴾﴾ [الإسراء: ۱۰۱-۱۰۳]

﴿وَهَلْ أَتٰتِكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ﴿٩٤﴾ إِذْ رءَا نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي ءَاتِيكُمْ مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَىٰ النَّارِ هٰدِي ﴿٩٥﴾ فَلَمَّا أَتٰهَا نُودِيَ يٰمُوسَىٰ ﴿٩٦﴾ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿٩٧﴾ وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ﴿٩٨﴾ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿٩٩﴾ إِنَّ السَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِشِجْرٍ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ﴿١٠٠﴾ فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَن لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرَدَّىٰ ﴿١٠١﴾ وَمَا تَلَكُ بِيَمِينِكَ يٰمُوسَىٰ ﴿١٠٢﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَأَهْبُشُ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَعَارِبُ أُخْرَىٰ ﴿١٠٣﴾ قَالَ أَلْقَهَا يٰمُوسَىٰ ﴿١٠٤﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حِيَّةٌ تَسْعَىٰ ﴿١٠٥﴾﴾

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى ﴿١١﴾ وَأَضْمَمُ يَدَكَ إِلَيَّ جَنَاحَكَ تَخْرُجُ  
 بَيِّضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ءَايَةٌ أُخْرَى ﴿١٢﴾ لِئُرِيكَ مِنْ ءَايَاتِنَا الْكُبْرَى ﴿١٣﴾ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ  
 إِنَّهُ طَغَى ﴿١٤﴾ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿١٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿١٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّي لِسَانِي ﴿١٧﴾  
 يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿١٨﴾ وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿١٩﴾ هَرُونَ أَخِي ﴿٢٠﴾ أَشَدُّ بِهِ أَزْرَى ﴿٢١﴾ وَأَشْرِكُهُ  
 فِي أَمْرِي ﴿٢٢﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٢٣﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٢٤﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٢٥﴾ قَالَ قَدْ  
 أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَمُوسَى ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿٢٧﴾ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا  
 يُوحَىٰ ﴿٢٨﴾ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَآقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي  
 وَعَدُوٌّ لَهُ ﴿٢٩﴾ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي ﴿٣٠﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ  
 أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ﴿٣١﴾ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ﴿٣٢﴾ وَقَتَلْتَ نَفْسًا  
 فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ﴿٣٣﴾ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ  
 يَمُوسَىٰ ﴿٣٤﴾ وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٣٥﴾ أَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٣٦﴾  
 أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٣٧﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبَّنَا  
 إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ ﴿٣٩﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ ﴿٤٠﴾  
 فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن  
 رَبِّكَ ﴿٤١﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ﴿٤٢﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ  
 وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٣﴾ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَمُوسَىٰ ﴿٤٤﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ  
 هَدَىٰ ﴿٤٥﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ﴿٤٦﴾ قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا  
 يَنْسَىٰ ﴿٤٧﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
 فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ ﴿٤٨﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي  
 الْأَبْصَارِ ﴿٤٩﴾ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ  
 ءَايَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ﴿٥١﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَمُوسَىٰ ﴿٥٢﴾  
 فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ وَنَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا  
 سَوَىٰ ﴿٥٣﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُخَشِرَ النَّاسُ ضَحَىٰ ﴿٥٤﴾ فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ

كَيْدَهُ ثُمَّ أَنَّى ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ  
 وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ﴿٦٦﴾ فَتَنَزَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى ﴿٦٧﴾ قَالُوا إِنَّ هَذَانِ  
 لَسَاحِرِينَ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَى ﴿٦٨﴾  
 فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ آتُوا صَفًا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعَى ﴿٦٩﴾ قَالُوا يَمُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ  
 وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنِ الْقَى ﴿٧٠﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ  
 سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى ﴿٧١﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَى ﴿٧٢﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ  
 الْأَعْلَى ﴿٧٣﴾ وَأَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ  
 حَيْثُ أَتَى ﴿٧٤﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٥﴾ قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ  
 قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ  
 وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ وَلَاصْلَبَنَّاكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا  
 وَأَبْقَى ﴿٧٦﴾ قَالُوا لَنْ نُؤْتِيَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ  
 إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٧﴾ إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَلِينَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ  
 مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿٧٨﴾ إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا  
 وَلَا يَحْيَىٰ ﴿٧٩﴾ وَمَن يَأْتِهِ مُمُؤِنًا فَدَعِمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ﴿٨٠﴾  
 جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّىٰ ﴿٨١﴾ وَلَقَدْ  
 أُوحِيَآ إِلَىٰ مُوسَىٰ أَن أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا  
 تَخْشَىٰ ﴿٨٢﴾ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ اللَّيْمِ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٨٣﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ  
 وَمَا هَدَىٰ ﴿٨٤﴾ ﴿طه: ٩-٧٩﴾

﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٤٥﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ  
 فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ﴿٤٦﴾ فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عِبَدُونَ ﴿٤٧﴾  
 فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿٤٨﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾﴾  
 [المؤمنون: ٤٥-٤٩]

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ وَاعِزًّا هَارُونَ وَزِيرًا ﴿٣٥﴾ فَقُلْنَا أذْهَبَا إِلَى  
 الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٣٦﴾﴾ [الفرقان: ٣٥-٣٦]

﴿وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أُنْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾ قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۗ أَلَا يَتَّقُونَ ﴿١٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿١٣﴾ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْظِلُّ لِسَانِي فَأُرْسِلْ إِلَىٰ هَرُونَ ﴿١٤﴾ وَلَهُمْ عَلَىٰ ذُنُوبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿١٥﴾ قَالَ كَلَّا ۖ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ﴿١٦﴾ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾ أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٨﴾ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِيْنَا وَلِيدًا وَلَمِثْتَ فِيْنَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿١٩﴾ وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٠﴾ قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢١﴾ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٢﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٣﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ ۗ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٦﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٨﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٩﴾ قَالَ لَنْ أُنْخَذَ إِلَهًا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿٣٠﴾ قَالَ أَوْلَوْا جِثَّتْكَ بَشِيرٌ مِثْبِينٌ ﴿٣١﴾ قَالَ فَاتِّبِعْ بِهِ ۗ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ﴿٣٣﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ ﴿٣٤﴾ قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ ۗ إِنْ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ ۗ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٦﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأُبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٣٧﴾ يَا ثُوكَّ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ ﴿٣٨﴾ فَجَمَعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿٣٩﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٤٠﴾ لَعَلْنَا نَتَّبِعَ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ الْعَالَمِينَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَمَّا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْعَالَمِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٣﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالِمُونَ ﴿٤٥﴾ فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٦﴾ فَأَلْقَىٰ السَّحَرَةُ سَجَدِينَ ﴿٤٧﴾ قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٨﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَرُونَ ﴿٤٩﴾ قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ۗ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ نَعْلَمُونَ ۗ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِمَّنْ خَلْفٍ ۖ وَأَصْلَبَنَّاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٠﴾ قَالُوا لَا ضَيْرَ ۗ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿٥١﴾ إِنَّا نَنظُرُكَ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَتَنَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ

الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِيٰ إِنَّكُمْ مَتَّبِعُونَ ﴿٥٢﴾ فَأَرْسَلْنَا فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِبُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّن جَنَّتِ وَعُيُونِ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزِ وَمَقَامِ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾ فَاتَّبَعُوهُمْ مُّشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَّعَهُ ۖ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ ﴿الشعراء: ١٠-٦٨﴾

﴿إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ ۖ إِنِّي عَانِسْتُ نَارًا سَاءَتِيكُم مِّنْهَا بَخْرٍ ۖ أَوْ ءَاتِيكُم بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَن فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحٰنَ اللَّهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿٨﴾ يٰمُوسَىٰ إِنَّهُ ۗ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾ وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدَبِّرًا ۖ وَلَمْ يَعْقِبْ يٰمُوسَىٰ لَآ تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾ إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١﴾ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضًا مِّنْ غَيْرِ سُوءٍ ۗ فِي تِسْعِ ءَايٰتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَٰسِقِينَ ﴿١٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ ءَايٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾ وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾﴾ ﴿النمل: ٧-١٤﴾

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾ وَنُفَكِّحُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ إِذَا خِفتِ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۗ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِّنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾ فَالْتَقَطَهُ ءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۗ إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خٰطِئِينَ ﴿٨﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ

أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَوَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَرِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَصِصُونَ ﴿١٣﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٥﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاذَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٧﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَعَوِيُّ مُّبِينٌ ﴿١٩﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَمْوَسَىٰ أَتْرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿٢٠﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَمْوَسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِلَىٰ لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿٢٣﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٥﴾ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٧﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِإِحْدَىٰ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حِجَابًا وَإِنْ أُتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ

عِنْدِكَ ۞ وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُشْقِقَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٣٧﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلِينَ فَصَيْتُ فَلَا عُدُونَ عَلَيَّ ۗ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ ﴿٣٨﴾ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ ۚ ءَأَنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا ۗ قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٣٩﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَظِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَمُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٠﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يَمُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ۗ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿٤١﴾ أَسْلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخَرُّجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ ۗ فَذَلِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿٤٣﴾ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي ۗ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿٤٤﴾ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا ۗ فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيِّتِنَا ۗ إِنَّهُمَا وَنِيبًا لِّكُمَا الْغٰلِبُونَ ﴿٤٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي ءَابَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٤٦﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ ۚ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَقِبَةُ الدَّارِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٧﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلٰهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْلِمُنْ عَلَى الطِّينِ فَأَجْعَلْ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكٰذِبِينَ ﴿٤٨﴾ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ ۗ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَيمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۗ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿٥١﴾ وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً ۗ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِّنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتٰبَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَآئِرٍ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٣﴾ ﴿[القصص: ٤-٤٣]

﴿وَقُرُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهٰمَانَ ۗ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سٰبِقِينَ ﴿٣٩﴾ فَكَلَّمْنَا بَدْنِيَّةً ۗ فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حٰصِبًا وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذْتَهُ

الصَّيْحَةَ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾ [العنكبوت: ٣٩-٤٠]

﴿وَلَقَدْ مَتَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٥﴾ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَاكُونُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٦﴾ وَعَاتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْأَخْرَبِ ﴿١١٩﴾ سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾﴾ [الصافات: ١١٤-١٢٢]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَارُونَ فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَابٌ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ ۗ وَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ وَإِنْ يَكُ كَذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ ۗ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ ﴿٢٨﴾ يَقَوْمُ لَكُمْ الْمَلِكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَتَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَتَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُؤَلَّفُونَ مَدْرِبِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۗ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كَبْرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْمُنُ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَبَ



السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لِأَظُنُّهُ، كَذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ  
 وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَتَقَوْمِ آبَائِهِمْ  
 أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَتَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَّعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾  
 مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنفَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ  
 فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾ وَيَتَقَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ النَّجْوَةِ  
 وَتَدْعُونَنِي إِلَىٰ النَّارِ ﴿٤١﴾ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأَشْرِكَ بِهِ، مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا  
 أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي  
 الْآخِرَةِ وَأَنْ مَّرَدَّنَا إِلَىٰ اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٤٣﴾ فَسَتَذَكُرُونَ مَا أَقُولُ  
 لَكُمْ وَأَفِئْضُ أَمْرِي إِلَىٰ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾ فَوَقَّهَ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا  
 وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ  
 السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾ [غافر: ٢٣-٤٦]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ، فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾  
 فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ  
 أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السَّاحِرُ الدَّاحِ لَنَا رَبُّكَ بِمَا عَهِدَ  
 عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي  
 قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ  
 أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ  
 أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾ فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾  
 فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾  
 وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونَ ﴿٥٧﴾ [الزخرف: ٤٦-٥٧]

﴿أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيَّ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِلَيَّ آتِيكُمْ  
 بِسُلْطَنِ مُّبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عِدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي  
 فَأَعْتَرِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَوَّلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرَ بِعِبَادِي لِيَلَّا إِنَّكُمْ

مُتَّبِعُونَ ﴿٣٣﴾ وَأَتْرِكُ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرِفُونَ ﴿٣٤﴾ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٣٥﴾  
 وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٣٦﴾ وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَلَکِهِنَّ ﴿٣٧﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿٣٨﴾  
 فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٣٩﴾ [الدخان: ١٨-٢٩]

﴿وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ فَتَوَلَّىٰ بُرْكَانَهُ وَقَالَ سَلْجَرٌ أَوْ جَبْنُونَ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾﴾ [الذاريات: ٣٨-٤٠]

﴿وَلَقَدْ جَاءَ عَالِ فِرْعَوْنَ التُّذْرُ ﴿٤١﴾ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾﴾ [القمر: ٤١-٤٢]

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿٤٥﴾ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً ﴿٤٦﴾﴾ [المزمل: ١٥-١٦]

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ﴿٤٥﴾ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِاللَّوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿٤٦﴾ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٧﴾ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ ﴿٤٨﴾ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ ﴿٤٩﴾ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ ﴿٥٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ﴿٥١﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ ﴿٥٢﴾ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ﴿٥٣﴾ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ ﴿٥٤﴾ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ﴿٥٥﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ ﴿٥٦﴾﴾ [النازعات: ١٥-٢٦]

### داستان حضرت موسیٰ عليه السلام و هارون عليه السلام با بنی اسرائیل

﴿يَبْنَئِي إِسْرَائِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَآرْهُبُونِ ﴿٥٧﴾ وَعَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۗ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّيَ فَاتَّقُونِ ﴿٥٨﴾ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٥٩﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٦٠﴾ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾ وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٦٣﴾ يَبْنَئِي إِسْرَائِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَيُّ فَضَلَّتْكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٦٤﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا

يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصرون ﴿٤٨﴾ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ أَخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَفْقَهُمْ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ وَسَزَيْدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَىٰ الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾ وَإِذْ أَسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كُلُّوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْمُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصِلَهَا قَالَ أَدَّبْتُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَصُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَىٰ وَالصَّبِيئِينَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوعًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَلِكَ فافعلوا ما تؤمرون ﴿٦٨﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقْعُ لَوْنَهَا تَسْرُ النَّظِيرِينَ ﴿٦٩﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقْرَ تَشَبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْكَيْنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادْرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٢﴾ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فِيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾ أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾ أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾ وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنَّهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾ وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ؕ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾ بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ ؕ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۸۷﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ  
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا  
الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۸۸﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا  
مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ  
تَسْهَدُونَ ﴿۸۹﴾ ثُمَّ أَنْتُمْ هَتُولَاءٌ تُقْتَلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ  
تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسْرَىٰ تَفْدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ  
إِخْرَاجُهُمْ أَفْتُوْمُنُونَ بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ  
مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ  
عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۹۰﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۗ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ  
وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿۹۱﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ۗ وَآتَيْنَا  
عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ  
أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿۹۲﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۗ بَلْ لَعَنَهُمُ  
اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿۹۳﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ  
وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ ۗ فَلَعْنَهُ  
اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۹۴﴾ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ  
يُنزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ  
عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿۹۵﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا  
وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ ۗ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ ۗ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ  
إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۹۶﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ  
ظَالِمُونَ ﴿۹۷﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ  
وَأَسْمَعُوا ۗ قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ۗ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ  
بِهِ ۗ إِيْمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۹۸﴾ قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً  
مِّن دُونِ النَّاسِ فَتَمَتُّوا أَلْمُوتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۹۹﴾ وَلَنْ يَمَنُّوهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيَهُمْ ۗ

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِ وَمِمَّنْ أَلْزَمُوا يَدَهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَحِّزٍ لَهُ مِنْ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾ أَوْ كَلِمَاتٍ عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۗ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هُرُوتَ وَمَرُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۗ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِبِصَّارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۗ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَأَتَّقُوا لِمَثُوبَتِي مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٣﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَأَسْمِعُوا ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾ مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ۗ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مَلَكٌ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾ أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾ وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفْرًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۗ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ

إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۳﴾ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۴﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۱۵﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصْرَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۱۱۶﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا أَسْمُهُمْ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۱۷﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۱۸﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قٰنِثُونَ ﴿۱۱۹﴾ بَدِيعَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۱۲۰﴾ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَهتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۱۲۱﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿۱۲۲﴾ وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصْرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۲۳﴾ الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿۱۲۴﴾ يٰبَنِي إِسْرٰٓءِٓلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَآتُوا نِعْمَتِي عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۲۵﴾ وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿۱۲۶﴾ [البقرة: ۴۰-۱۲۳]

﴿سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا ءَاتَيْنَهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۱۲۷﴾﴾ [البقرة: ۲۱۱]

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَءَاتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٣﴾ فِيمَا نَقُضُوا مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ [المائدة: ١٢-١٣]

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ أذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَءَاتَاكُمْ مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾ يَقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالُوا يَمُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾ قَالُوا يَمُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتَلْنَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ [المائدة: ٢٠-٢٦]

﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾ [المائدة: ٣٢]

﴿لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧٠﴾ وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٧١﴾ [المائدة: ٧٠-٧١]

﴿لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾ [المائدة: ٧٨-٧٩]



﴿وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ شُهُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ﴾ [الأنعام: ۱۴۶]

﴿وَجَوْرَنَا بِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ ءَالِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ [۱۳۸] إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم فِيهِ وَبِطُلٌّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [۱۳۹] قَالَ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [۱۴۰] وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ فِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ [۱۴۱] وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلِفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾ [۱۴۲] وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرِنِي وَلَكِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ وَفَسَوْفَ تَرِنُنِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [۱۴۳] قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَأَمِي فَاخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [۱۴۴] وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخَذَهَا بِقُوَّةٍ وَأَمَرَ قَوْمَكَ بِأَخْذِهَا بِأَحْسَنِهَا سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ﴾ [۱۴۵] سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾ [۱۴۶] وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [۱۴۷] وَأَخَذَ قَوْمٌ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ﴾ [۱۴۸] وَلَمَّا سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرِحْنَا رَبَّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [۱۴۹] وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَابَ

وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا تَكُنْ مَعَ الْآعْدَاءِ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٦﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٨﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَعَمِنُوا إِنَّا رَبُّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٥٩﴾ وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى الْغَضَبَ أَخَذَ الْأَلْوَابِحَ وَفِي سُخْرِيهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٦٠﴾ وَأَخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذتَهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلِ وَإِيَّيَّ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيْنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٦١﴾ وَكُتِبَ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَن أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٦٢﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٦٣﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِن قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٦٥﴾ وَقَطَعْنَا لَهُمْ آثَنِي عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَلَهُ قَوْمُهُ أَنْ أَضْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ وَظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَمَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّانَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٦﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦٧﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا

غَيْرِ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٣٨﴾ وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٣٩﴾ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَسْتَفْهِنُونَ ﴿١٤٠﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٤١﴾ فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوُّا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٤٢﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ [الأعراف: ١٣٨-١٤٧]

﴿وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [يونس: ٩٣]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [٥] وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدْعُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾ [إبراهيم: ٥-٨]

﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ﴾ [النحل: ٦٢]

﴿إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [النحل: ١٢٤]

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلَنَ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ [٤] فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالِ

وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوُوا وَجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبَرَّوْا مَا عَلَوْا تَتَّبِرًا ﴿٧﴾ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُمْ عُدتْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴿٨﴾ [الإسراء: ٤-٨]

﴿وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اأَسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ

لَفِيْقًا﴾ [الإسراء: ١٠٤]

﴿وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥١﴾ وَنَدَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ

الْطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿٥٢﴾ وَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ﴿٥٣﴾﴾ [مريم: ٥١-٥٣]

﴿يَبْنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلْوَىٰ ﴿٨٠﴾ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ

عَلَيْكُمْ غَضَبِي ط وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَءَامَنَ

وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ﴿٨٢﴾ وَمَا أَعْجَلَك عَنْ قَوْمِكَ يَمُوسَىٰ ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمْ أَوْلَاءٌ عَلَىٰ أَثَرِي

وَعَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدَّا حَسَنًا أَفَطَالَ

عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ﴿٨٦﴾

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ

أَلْفَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ

فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ

هَارُونَ مِّن قَبْلِ يَقَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ ط وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿٩٠﴾

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾ قَالَ يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ

رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبْنَؤُمْ لَا تَأْخُذْ بِلِحِيَّتِي وَلَا بِرَأْسِي ط

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ

يَسْمِرِيُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ ط فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا

وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي ﴿٣١﴾ قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ نُخْلَفَهُ ۗ وَانْظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُْحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٣٢﴾ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٣٣﴾ [طه: ٨٠-٩٨]

﴿وَقَرُّوْا وَفِرْعَوْنَ وَهَمَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ﴿٣١﴾ فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَعْرَفْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٢﴾﴾ [العنكبوت: ٣٩-٤٠]

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ﴿٣٣﴾ هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٣٤﴾﴾ [غافر: ٥٣-٥٤]

﴿وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٣﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ أَخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٥﴾ وَعَاتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ﴿٣٦﴾﴾ [الدخان: ٣٠-٣٣]

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَعَاتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٣٧﴾﴾ [الجماعه: ١٦-١٧]

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يٰقَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥٥﴾﴾ [الصف: ٥]

داستان حضرت موسی علیه السلام با بندهای صالح و نیک خدا (حضرت خضر علیه السلام)

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥٥﴾﴾ [الصف: ٥]

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥٥﴾﴾ [الصف: ٥]

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥٥﴾﴾ [الصف: ٥]

قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَأَرْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٦﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا ءَاتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنَ لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٧﴾ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٨﴾ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٦٩﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٧٠﴾ قَالَ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أَحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٧٢﴾ فَاَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧٣﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٤﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٥﴾ فَاَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٦﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٧﴾ قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنَ لَدُنِّي عُذْرًا ﴿٧٨﴾ فَاَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿٧٩﴾ قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٠﴾ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿٨١﴾ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبُوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨٢﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨٣﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٤﴾ [الكهف: ٦٠-٨٢]

## داستان حضرت الیاس علیہ السلام

﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ ﴿٨٥﴾ [الأنعام: ٨٥]

﴿وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ ۖ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ ﴿١٢٥﴾ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿١٢٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٢٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ إِذْ كَانَ يَبْنِي الْبَيْتَ ﴿١٣٠﴾ وَإِنَّا لَكَاذِبُونَ ﴿١٣١﴾ نَجْرَى الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٢﴾ إِنَّهُ مِّنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٣﴾ [الصافات: ١٢٣-١٣٢]

داستان حضرت «الیسع» عليه السلام

﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۸۶]

﴿وَأَذْكَرَ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلًّا مِّنَ الْأَخْيَارِ﴾ [ص: ۴۸]



**توضیح موضوع:** قرآن مجید از «الیسع» فقط دو بار نام برده است: یکی در سوره‌ی انعام آیه‌ی ۸۶ و دیگر در سوره‌ی ص، آیه‌ی ۴۸.

برخی از مفسران او را همان «یوشع بن نون» (پیامبر معروف بنی اسرائیل و یار حضرت موسی عليه السلام) می‌دانند. و بعضی او را با حضرت خضر عليه السلام یکی دانسته‌اند. و برخی نیز او را همان «ذوالکفل» می‌دانند (اما این قول خلاف صریح آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی ص است، چرا که «ذوالکفل» را عطف بر «الیسع» کرده است و عطف متقاضی مغایرت است.)

و برخی دیگر نیز می‌گویند که او از اصحاب و یاران «الیاس» است و آن دو قبل از یحیی و عیسی می‌زیستند. به هر حال، تعبیر قرآن درباره‌ی «الیسع» نشان می‌دهد که وی از پیامبران بزرگ الهی بوده است و در زمره‌ی کسانی است که درباره‌ی آن‌ها خداوند متعال می‌فرماید: «هر یک از آن‌ها را بر جهانیان برتری دادیم». [انعام/۸۶]

داستان حضرت داود عليه السلام و حضرت سلیمان عليه السلام

﴿وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا...﴾ [البقرة: ۱۰۲]

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَعَائِينَ دَاوُدَ زُبُورًا﴾ [النساء: ۱۶۳]

﴿وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَعَائِينَ دَاوُدَ زُبُورًا﴾ [الإسراء: ۵۵]

﴿وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَخْتَصِمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ﴾ [۸۸]

﴿وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَخْتَصِمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ﴾ [۸۸]

﴿وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَخْتَصِمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ﴾ [۸۸]

يُسَبِّحَنَّ وَالظَّيْرَ وَكُنَّا فَعَلِينَ ﴿٧٨﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٧٩﴾ وَلِسَلِيمَانَ الريحَ عاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمِينَ ﴿٨٠﴾ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿٨١﴾ [الأنبياء: ٧٨-٨٢]

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْحَيِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ التَّمَلِّ قَالَتْ نَمَلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَتِي وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدْيَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَأَعَدِّبَنَّاهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَأَذِّبَنَّاهُ أَوْ لِيَأْتِيَنَّيَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحْطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾ إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾ أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أَتِيْتُكَ بِكِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٢٩﴾ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ ﴿٣٢﴾ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾ وَإِنِّي مُرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ



بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿۳۵﴾ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَنَ قَالَ أَشِدُّونَ بِمَالِ فَمَا آتَيْنَاهُ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَيْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿۳۶﴾ أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿۳۷﴾ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿۳۸﴾ قَالَ عِفْرِيْتُ مِنَ الْهِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿۳۹﴾ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿۴۰﴾ قَالَ نَكِرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿۴۱﴾ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿۴۲﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿۴۳﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۴﴾ [النمل: ۱۵-۴۴]

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَجِبَالٌ أُوبَىٰ مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدُ ﴿۱۰﴾ أَنْ أَعْمَلَ سَبْعَ نَجَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱﴾ وَاسْلُمْنَا رِيحَ عُدُوها شَهْرٌ وَرَوَّاحُها شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُم عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿۱۲﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرَبٍ وَنَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجُوابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ أَعْمَلُوا عَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِي الشُّكُورِ ﴿۱۳﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿۱۴﴾﴾ [سبا: ۱۰-۱۴]

﴿أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿۱۷﴾ إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُتْبِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿۱۸﴾ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ﴿۱۹﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَلَ الْخِطَابِ ﴿۲۰﴾ وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿۲۱﴾ إِذْ

دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصِمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَأَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٣٢﴾ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٣٣﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَى نِعَاجِهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَحَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿٣٤﴾ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ ۗ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَآبٍ ﴿٣٥﴾ يٰدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٣٦﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٣٧﴾ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٣٨﴾ كَتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا ءَايَاتِهِ ۖ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٣٩﴾ وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ ءَوَّابٌ ﴿٤٠﴾ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعِشِيِّ الصَّفِينَتِ الْجِيَادِ ﴿٤١﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٤٢﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿٤٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٤٤﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٤٥﴾ فَسَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٤٦﴾ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٤٧﴾ وَعَآخِرِينَ مُفْرِنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٤٨﴾ هٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٩﴾ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَآبٍ ﴿٥٠﴾ [ص: ١٧-٤٠]

### داستان حضرت یونس علیہ السلام

﴿فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَةً ءَامَنْتَ فَتَنْفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُّؤْتِسُّ لِمَآ ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ

عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٨٨﴾ [يونس: ٩٨]

﴿وَذَا الثُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾﴾ [الأنبياء: ٨٧-٨٨]

﴿وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ ﴿١٤٨﴾﴾ [الصافات: ١٣٩-١٤٨]

﴿فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَجَعَلَهُ مِنْ الصَّالِحِينَ ﴿٥٠﴾﴾ [القلم: ٤٨-٥٠]

#### داستان حضرت زکریاؑ و حضرت یحییٰؑ

﴿إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرِئُمَ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٣٩﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِي عُلْمٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿٤٠﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا وَادُّكُرَ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسِيحَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ ﴿٤١﴾ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ يَمْرِئُمَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ

وَطَهَّرَكَ وَأَصْطَفَكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾ يَمْرِيْمُ أَقْنِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَأَرْكِعِي مَعَ الرَّكِيعِينَ ﴿٤٤﴾ [آل عمران: ٣٥-٤٣]

﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الأنعام: ٨٥]

﴿ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ﴿٢١﴾ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ وَنِدَاءَ خَفِيًّا ﴿٢٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿٢٣﴾ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَٰ مِن رَّأْيِ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا ﴿٢٤﴾ يَرْتَفِي وَيَرِثُ مِنْ ءَالِ يَعْقُوبَ ۗ وَأَجْعَلُهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٢٥﴾ يَزَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِن قَبْلُ سَمِيًّا ﴿٢٦﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿٢٧﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْئٍ وَقَدْ خَلَقْنَاكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ﴿٢٨﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي ءَايَةً ۗ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿٢٩﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿٣٠﴾ يَلِيحِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَءَاتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿٣١﴾ وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً ۗ وَكَانَ تَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿٣٣﴾ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٤﴾ [مريم: ٢-١٥]

﴿وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿٨٩﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ وَرُزِقَهُ إِتْمَامًا مِّن رَّبِّهِ ۗ وَكَانَ تَقِيًّا ﴿٩٠﴾﴾ [الأنبياء: ٨٩-٩٠]

### داستان حضرت عیسیٰ علیه السلام و مسیحیان

﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾﴾ [البقرة: ١٣٦]

﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرِيْمُ إِنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكَ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾﴾ قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالرُّسُلَ وَالْإِنجِيلَ ﴿٤٨﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَتَّبِعُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا عَمَلِيَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّ مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾ رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٥٤﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ لِيَعِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾ ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾ إِنَّ مَثَلِ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَقْصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾ [آل عمران: ٤٥-٦٣]

﴿لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ

يَسْتَنْكِفَ عَنِ عِبَادَتِهِ ۖ وَسَتَكْبِرُ فَسَيْحِرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا ﴿٧٧﴾ [النساء: ١٧٢]

﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾﴾  
يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِم إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَأُمُّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصْرَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبُّوهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾﴾ [المائدة: ١٤-١٨]

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِثِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾﴾  
وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٧﴾﴾ [المائدة: ٤٦-٤٧]

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾﴾ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧٤﴾ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنِّي يُؤْفَكُونَ ﴿٧٥﴾﴾ [المائدة: ٧٣-٧٥]

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ لِيَعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي

وَتُبْرِئِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٠﴾ وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَىٰ الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَأَشْهَدُ بِأَنَّنا مُسْلِمُونَ ﴿١١١﴾ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ أَتَقْتُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُونَ عَلَیْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١٤﴾ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَنَنْتُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ عَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَّ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالِ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَالِمُ الْغُيُوبِ ﴿١١٦﴾ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مِمَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾ إِنْ نَعَدَّيْبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدَاكَ وَإِنْ تَعَفَّرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١١٨﴾

[المائدة: ۱۱۰-۱۱۸]

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّيُّرُ بْنُ أَبِي لَهَبٍ وَكَانَ الْيَهُودِيُّ وَقَالَ اللَّهُ وَقَالَتِ النَّصْرَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلْتَهُمُ اللَّهُ أَلَيْسَ يُوَفِّكُونَ ﴿٣١﴾ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمِمَّا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣٢﴾ يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٣٣﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٤﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْفُرُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٥﴾﴾ [التوبة: ۳۰-۳۴]

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٧﴾ فَأَتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٨﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا ﴿١٩﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لِكَ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿٢٠﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢١﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئٌ وَلِنَجْعَلَهُ وَآيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ﴿٢٢﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٣﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا ﴿٢٤﴾ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٥﴾ وَهَرَىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَافِطُ عَلَيْكَ رَطَبًا جَنِيًّا ﴿٢٦﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٧﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَمْرِيءٌ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٨﴾ يَتَأَخَذُ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا ﴿٢٩﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا ﴿٣٠﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣١﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣٢﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٣﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٤﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٥﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٧﴾ [مريم: ١٦-٣٦]

﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾﴾

[الأنبياء: ٩١]

﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَءَاوَيْنَهُمَا إِلَىٰ رُبُوعٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿٥٠﴾﴾ [المؤمنون: ٥٠]

﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوا ءَأَلَّهِنَّآ خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ ﴿٦٠﴾ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ



لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ  
فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿١٥﴾ [الزخرف: ٥٧-٦٤]

﴿ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِثِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي  
قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَنِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ  
اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِفُونَ ﴿١٧﴾  
[الحديد: ٢٧]

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ  
يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ  
قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿١٦﴾ [الصف: ٦]

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ  
أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طَافِقَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ  
وَكَفَرَتْ طَافِقَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ﴿١٤﴾ [الصف: ١٤]  
﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ  
بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنْ الْقَلْبَتِينَ ﴿١٣﴾ [التحریم: ١١٢]

اهل کتاب (یهود و نصاری که دارای کتاب مذهبی «تورات و انجیل» هستند)

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّبِيَّةَ مِنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ [البقرة: ٦٢]  
﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ  
لِلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٦٩﴾ أَوْ كَلَّمَا  
عَلَّهُدُوا عَهْدًا تَبَدُّهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ  
اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَأَى ظُهُورَهُمْ  
كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣١﴾ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانِ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ  
وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسُ السَّحَرُ وَمَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بَيِّنَاتٍ هُرُوتَ

وَمَرُوتٌ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾ [البقرة: ٩٨-١٠٢]

﴿مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾﴾ [البقرة: ١٠٥]

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١١٠﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٣﴾ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١٤﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١١٦﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصْرَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٦﴾﴾ [البقرة: ١٠٩-١١٣]

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصْرَىٰ حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾ الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١١٦﴾﴾ [البقرة: ١٢٠-١٢١]

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿١٢٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ

الْمَصِيرُ ﴿١٣٦﴾ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾ [البقرة: ۱۲۵-۱۲۷]

﴿أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَدَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾﴾ [البقرة: ۱۴۰]

﴿... وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾ وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ آتَيْتَهُمْ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٢﴾﴾ الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ ۗ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾﴾ [البقرة: ۱۴۴-۱۴۶]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾﴾ [البقرة: ۱۷۴]

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾﴾ [البقرة: ۱۷۶]

﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَمُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧٩﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِّي وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٠﴾﴾ [آل عمران: ۱۹-۲۰]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّوْا فَرِيقًا مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۗ وَعَرَّهَمُ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾﴾ [آل عمران: ۲۳-۲۴]

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٥﴾﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلَ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾﴾ [آل عمران: ٦٤-٦٥]

﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٦٦﴾﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَأَمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجَهِ التَّهَارِ وَكُفِرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾﴾ [آل عمران: ٦٩-٧٢]

﴿وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِعِنطَارٍ يُودِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُودِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾﴾ بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾﴾ وَإِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾﴾ [آل عمران: ٧٥-٧٨]

﴿قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أَوْفَىٰ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُو مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾﴾ [آل عمران: ٨٤]

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ غَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿١٠٠﴾﴾ [آل عمران: ٩٨-١٠٠]

﴿... وَلَوْ عَمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِمَّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۱۱۰﴾  
 لَنْ يَضُرُّكُمْ إِلَّا آذَىٰ ۖ وَإِنْ يَقْتُلُوكُمْ يُؤَلِّقُكُمْ يُلُوًّا كَمَا لَا يُنصِرُونَ ﴿۱۱۱﴾ ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةَ  
 أَيْنَ مَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَآءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ  
 الْمَسْكَنَةَ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكُمْ بِمَا  
 عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۱۱۲﴾ لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ عَاتَاءً  
 أَلِيلٍ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿۱۱۳﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ  
 الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۱۴﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ  
 يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿۱۱۵﴾﴾ [آل عمران: ۱۱۰-۱۱۵]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ  
 قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ ۖ إِنْ كُنْتُمْ  
 تَعْقِلُونَ ﴿۱۱۸﴾ هَاتِنْتُمْ أَوْلَاءَ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا  
 ءَامِنًا وَإِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعِظِ ۗ قُلْ مُؤْمِنُوا بِغَيْظِكُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ  
 بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۱۱۹﴾ إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسَوْهُمْ وَإِنْ تَضَبَّكُمْ سَيِّئَةً يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ  
 تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا ۖ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿۱۲۰﴾﴾ [آل عمران: ۱۱۸-۱۲۰]  
 ﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمْ  
 الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۱۲۱﴾ ذَلِكُمْ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ  
 لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿۱۲۲﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا آلَا نُؤْمِنُ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا  
 بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّى قُلْتُمْ فَلِمَ  
 قَتَلْتُمُوهُمْ ۖ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۲۳﴾﴾ [آل عمران: ۱۲۱-۱۲۳]

﴿لَتُبْلَوْنَ فِيْ أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ  
 وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَىٰ كَثِيرًا وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكُمْ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۱۲۴﴾ وَإِذْ  
 أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ ۗ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ  
 ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ تَمَنًّا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿۱۲۵﴾﴾ [آل عمران: ۱۲۴-۱۲۵]

﴿وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَلَّسِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [آل عمران: ١٩٩]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الصَّلَاةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ﴾ [٤٤] وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَابِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا﴾ [٤٥] مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [٤٦] يَأْتِيهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ [٤٧] إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا﴾ [٤٨] أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ [٤٩] أَنْظُرْ كَيْفَ يَقْفَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُبِينًا﴾ [٥٠] أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْحُبِّ وَالطَّلُوعِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا﴾ [٥١] أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا﴾ [النساء: ٤٤-٥٢]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّحَكُمُوا إِلَى الطَّلُوعِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ٦٠]

﴿لَيْسَ بِأَمَانِيَّتِكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [النساء: ١٢٣]

﴿يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ

مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَعَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿١٥٦﴾ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿١٥٧﴾ فِيمَا نَقَضُوا مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥٨﴾ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَنًا عَظِيمًا ﴿١٥٩﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِمَّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٦٠﴾ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦١﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا ﴿١٦٢﴾ فَيُظْلَمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيْبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦٣﴾ وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّوا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦٤﴾ لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٥﴾

[النساء: ۱۵۳-۱۶۲]

﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّلٌ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾﴾ [المائدة: ٥]

﴿يَأْهَلُ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾﴾ [المائدة: ١٥]

﴿يَأْهَلُ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦﴾﴾

[المائدة: ١٩]

﴿يَأْتِيهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَقْوَاهِمُمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوْتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾ سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصْرِوْكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٤٢﴾ وَكَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٣﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاحْشَوْنَ اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٤٤﴾ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٥﴾ وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ عَآشِرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾ وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٧﴾ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾﴾ [المائدة: ٤١-٤٨]

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصْرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَإِنَّهُ مِنَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾﴾ [المائدة: ٥١]



﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ ءَاثَرُوا  
الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ ءَوْلِيَآءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ كُنْتُمْ مَّؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ [المائدة: ٥٧]

﴿قُلْ يٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنِّي ءِلَّا أَن ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن  
قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَسِقُونَ ﴿٥٩﴾ قُلْ هَلْ أُنبِئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكَ مُتَوَبَّةً عِنْدَ اللَّهِ مَنِ لَّعَنَهُ  
اللَّهُ وَعَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْفِرْدَةَ ۖ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ ۖ ءُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَآتًا  
وَأَضَلُّ عَن سَوَآءِ السَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ وَإِذَا جَآءَوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ  
خَرَجُوا بِهِ ؕ وَاللَّهُ ءَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ﴿٦١﴾ وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي ءَلِئِمِّ  
وَالْعُدُونِ ۖ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٢﴾ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبِّيُّونَ وَءَلْءَحْبَارُ  
عَن قَوْلِهِمُ ءَلِئِمٌّ ۖ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾ وَقَالَتِ ءَلْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ  
مَعْلُومَةٌ ۖ غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وُلِعُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ وَلَيَزِيدَنَّ  
كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُعِينًا ۖ وَكُفْرًا ۖ وَءَلْقِينَا بَيْنَهُمُ الْعُدَاةَ وَءَلْبَعْضَآءَ إِلَىٰ  
يَوْمِ ءَلْقِيَمَةٍ ۖ كُلَّمَا ءُوقِدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي ءَلْأَرْضِ فَسَادًا ۖ وَءَللَّهُ لَا  
يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ  
وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ التَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَءَلْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِّن  
رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ ۖ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ ءُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ ۖ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَآءٌ مَا  
يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾ يَتَأْتِيهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۖ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَآلَتَهُ ۖ  
وَءَللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾ قُلْ يٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ  
لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَءَلْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ وَلَيَزِيدَنَّ  
كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُعِينًا ۖ وَكُفْرًا ۖ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ إِنَّ  
الَّذِينَ ءَامَنُوا وَءَلَّذِينَ هَادُوا وَءَلصَّٰلِبُونَ وَءَلنَّصْرِيُّ مَن ءَامَنَ بِاللَّهِ وَءَلْيَوْمِ ءَلْآخِرِ وَعَمِلَ  
صَٰلِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾ [المائدة: ٥٩-٦٩]

﴿قُلْ يٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ ءَلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا ءَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا  
مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَن سَوَآءِ السَّبِيلِ ﴿٧٧﴾ [المائدة: ٧٧]

﴿تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿٨٧﴾ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِيَّ ذَلِكَ بِأَنْ مِنْهُمْ قِسِيَّيْنِ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٨﴾ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَكُتِّبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٩﴾ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿٩٠﴾ فَأَثْبِتْهُمْ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩١﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٩٢﴾

[المائدة: ٨٠-٨٦]

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [الأنعام: ٢٠]

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مَوْسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا ءَابَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩١﴾﴾ [الأنعام: ٩١]

﴿أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٤﴾﴾ [الأنعام: ١١٤]

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾﴾ [الأعراف: ١٥٧]

﴿قَتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ [التوبة: ۲۹]

﴿قُلْ ءَامِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿۱۷﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿۱۸﴾ وَيَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿۱۹﴾﴾ [الإسراء: ۱۰۷-۱۰۹]

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۱۷﴾﴾ [الحج: ۱۷]

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ مِن قَبْلِهِ هُم بِهِ ءُؤْمِنُونَ ﴿۵۲﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَامَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ ءُؤْمِنِينَ ﴿۵۳﴾ أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۵۴﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلِّمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿۵۵﴾﴾ [القصص: ۵۲-۵۵]

﴿وَلَا تُجَدِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَالنُّهَىٰ وَالنُّهَىٰ وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۶۱﴾ وَكَذَٰلِكَ أُنزِلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِن هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿۶۲﴾﴾ [العنكبوت: ۴۶-۴۷]

﴿قُلْ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۶۱﴾﴾ [الجمعة: ۶]

﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿۱﴾﴾ [البينة: ۱]

﴿وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ﴿۱﴾ وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ﴿۲﴾﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿۳﴾﴾ [البينة: ۴-۶].



## «قصص و تاریخ»

### قصص و تاریخ

﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ ...﴾ [یوسف: ۳]

### داستان دو پسر حضرت آدم علیه السلام (قایل و هابیل)

﴿وَأْتَلَّ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿۲۷﴾ لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنَّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۸﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿۲۹﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الخَاسِرِينَ ﴿۳۰﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يُوَيْلَتَى أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوْرِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿۳۱﴾ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿۳۲﴾﴾ [المائدة: ۲۷-۳۲]



**توضیح موضوع:** مفسران گفته‌اند: حضرت حواء در هر دوران بارداری، یک پسر و یک دختر می‌زاید، و چنان مقرر بود که هر پسر با دختر همزاد دیگری ازدواج کند. وقتی حضرت آدم علیه السلام خواست خواهر قایل را به عقد هابیل درآورد و خواهر هابیل را به عقد قایل درآورد، هابیل رضایت داد ولی قایل راضی نشد؛ چون همزاد او زیباتر بود. حضرت آدم علیه السلام به آن‌ها گفت: هر کدام از شما قربانی کنید، قربانی هر کدام قبول شد، با او ازدواج کند. قایل کشاورز بود و نامرغوب‌ترین کشتش را قربانی کرد و هابیل

دامدار و دارای گله بود و بهترین قوچ را قربانی کرد. قربانی هابیل قبول واقع شد به این صورت که آتشی نزول کرد و آن را در کام خود فرو برد. حسادت و کینه‌ی قابیل افزون گشت و هابیل را به قتل تهدید کرد و در نتیجه او را به قتل رساند و موجبات بدبختی و شقاوت خویش را به دست خود فراهم کرد.

### داستان قارون

﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَعَاتَيْنَهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوتُوا بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿۷۶﴾ وَأَتْبَعَ فِيمَا ءَاتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿۷۷﴾ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ وَعَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَو لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿۷۸﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَلِيتْ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿۷۹﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ اللَّهُ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿۸۰﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ﴿۸۱﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَتَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَسْأَلُ اللَّهُ رَبَّكَ أَنْ يَبْسُطَ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرْ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَسْأَلُ أَنْ لَا يُفْلِحَ الْكَافِرُونَ ﴿۸۲﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۸۳﴾﴾ [القصص: ۷۶-۸۳]



**توضیح موضوع:** نام قارون چهار بار در قرآن کریم آمده است. در سه مورد فقط نامی از او برده شده و در سوره‌ی قصص از آیه‌ی ۷۶ تا آیه‌ی ۸۲ داستان مفصل قارون، به تصویر کشیده شده است.

برخی از مفسران گفته‌اند که قارون پسر خاله‌ی حضرت موسی (علیه السلام) بوده است. و برخی بر این باورند که قارون فرزند «یصهر فرزند قاهت فرزند لاوی فرزند یعقوب»

است. و حضرت موسیٰ علیه السلام نیز فرزند «عمران فرزند قاهت فرزند لاوی فرزند یعقوب» است. پس به این ترتیب آن دو، پسر عموی یکدیگر بودند.

به هر حال، قارون در ابتدا انسانی دانشمند بود و در خواندن تورات، مهارت بی نظیری داشت. او ابتدا از یاران حضرت موسیٰ علیه السلام و از جمله‌ی گروه هفتاد نفری ملازم آن حضرت علیه السلام برای اعزام به کوه طور و مناجات در آنجا بود؛ اما به واسطه‌ی بدست آوردن ثروت بی حساب، پرچم مخالفت با خدا و موسیٰ علیه السلام را برداشت و غرور ثروت او را به آغوش کفر و عناد و الحاد و بی بند و باری و نفاق و دورنگی کشید و به مبارزه با پیامبر خدا (حضرت موسیٰ علیه السلام) وادار نمود، و سرانجام مورد خشم و قهر الهی واقع گردید و به قعر زمین فرستاده شد و مرگ عبرت انگیزش درسی برای همگان شد. مفسران می گویند: حضرت موسیٰ علیه السلام در طول دوران مبارزه اش، با سه محور اصلی فساد و طغیان درگیر بود: یکی محور قدرت و زور که فرعون، سردمدار آن بود. دیگری اهرم ثروت و زر که قارون مظهر آن به شمار می رفت و سومی: عامل فریب و تزویر که سامری رهبری آن را به عهده داشت. به عبارت دیگر حضرت موسیٰ با مثلث شوم زر و زور و تزویر، دست به گریبان بود.

### داستان هامان (وزیر فرعون)

﴿وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ [القصص: ۶]

﴿... إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ﴾ [القصص: ۸]

﴿وَقُرُونٌ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ﴾ [العنكبوت: ۳۹]

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٣٣﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقُرُونٌ فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَّابٌ ﴿٣٤﴾﴾ [غافر: ۲۳-۲۴]

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْمُنُنْ أَبْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا ...﴾ [غافر: ۳۶-۳۷]

همسر نوح علیه السلام و همسر لوط علیه السلام دو نمونه‌ی کفر

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ ﴿۱۰﴾﴾ [التحریم: ۱۰]

## همسر فرعون، نمونه‌ی برتر ایمان

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۱۱﴾﴾ [التحریم: ۱۱]



توضیح موضوع: مفسران گفته‌اند: نام همسر فرعون «آسیه دختر مزاحم» بود. هنگامی که آسیه معجزه‌ی حضرت موسی علیه السلام را دید به او ایمان آورد و چون خبر ایمان آوردنش، به فرعون رسید، فرعون به کیفر این کار، دست و پایش را به زمین میخکوب کرد و او را زیر آفتاب سوزان قرار داد. هنگامی که آسیه آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذرانید، دعایش این بود:

﴿رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۱۱﴾﴾ [التحریم: ۱۱]

«پروردگارا! برای من در بهشت، نزد خودت خانه‌ای بنا کن، و مرا از فرعون و کارهایش رهایی بخش و از این مردمان ستمگر نجات بده».

به هر حال، قرابت آسیه با فرعون، یعنی کافرترین کافران برای او ضرری در بر نداشت، و وصلت زنان نوح و لوط - که پیامبران خدا بودند - برای آنان فایده‌ای به همراه نداشت.

## داستان طاعت و جالوت

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَيكُمْ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا



قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آءَالُ مُوسَىٰ وَعَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾ فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلْكُوا اللَّهَ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ [البقرة: ٢٤٦-٢٥١]



**توضیح موضوع:** نام طالوت و جالوت و قصه‌ی کشته شدن جالوت به دست حضرت داود علیه السلام در آیات ٢٤٧ تا ٢٥٢ سوره‌ی بقره مندرج است.

«طالوت» مردی بلند قامت و تنومند و خوش اندام و خوش استیل بود که از اعصابی محکم و نیرومند و قوای روحی بسیار بالا برخوردار بود، و در امور، بسیار زیرک و دانشمند و با تدبیر و با درایت بود. و بعضی از مفسران علت انتخاب نام «طالوت» را برای وی، همان طول قامت او می‌دانند. حضرت اشموئیل به بنی اسرائیل گفت: خداوند طالوت را به فرماندهی شما برگزیده و لازم است همگی از وی پیروی نمایید. بنابراین خود را برای جهاد به فرماندهی طالوت در برابر دشمن (جالوت ستمگر و جبّار) آماده سازید!

بنی اسرائیل که برای فرمانده و رئیس لشکر، امتیازاتی از نظر نسب و ثروت لازم می‌دانستند و هیچ کدام را در طالوت نمی‌دیدند، در برابر این انتصاب، سخت به حیرت

افتادند. زیرا به عقیده آن‌ها وی نه از خاندان «لاوی» بود که سابقه‌ی نبوت داشتند و نه از خاندان یوسف و یهودا که دارای سابقه‌ی حکومت بودند، بلکه از خاندان بنیامین گمنام بود و از نظر مالی نیز تهی دست بود. لذا به عنوان اعتراض گفتند: او چگونه می‌تواند بر ما حکومت کند و ما به فرماندهی و ریاست لشکر، از او سزاوارتریم!

اشموئیل که آنان را سخت در اشتباه می‌دید گفت: خداوند او را بر شما امیر قرار داده و شایستگی فرمانده و رهبر به نیروی جسمی و قدرت روحی است که هر دو به اندازه‌ی کافی در طالوت هست و از این نظر بر شما برتری دارد، ولی آن‌ها نشانه‌ای که دلیل بر این انتخاب از ناحیه‌ی خدا باشد، مطالبه کردند!

اشموئیل گفت: نشانه‌ی آن این است که تابوت (صندوق عهد) که از یادگارهای مهم انبیای بنی اسرائیل است و مایه‌ی دلگرمی و اطمینان شما در جنگ‌ها بوده، در حالی که جمعی از فرشتگان آن را حمل می‌نمایند، به سوی شما باز می‌گردد. و چیزی نگذشت که صندوق عهد بر آن‌ها ظاهر شد، آنان با دیدن این نشانه، فرماندهی طالوت را پذیرفتند، و بر دشمن خویش «جالوت» پیروزی یافتند.

**ملکه‌ی «سبا» و قومش، و هلاکت و نابودی قوم «سبا» به وسیله‌ی سیل خروشان و ویرانگر**

﴿فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحِطْ بِهِءَ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَأٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿۲۲﴾ اِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿۲۳﴾ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿۲۴﴾﴾ [النمل: ۲۲-۲۴]

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَأٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ ﴿۱۵﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ حَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿۱۶﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَزِي إِلَّا الْكَافِرِينَ ﴿۱۷﴾﴾ [سبأ: ۱۵-۱۷]

هاروت و ماروت (دو فرشته که به صورت انسان در شهر بابل در میان مردم قرار گرفتند تا روش ابطال و خنثی سازی سحر و جادو را به آنان بیاموزند)

﴿وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَرَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبَسَ مَا شَرَوْا بِهِ ۖ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾﴾ [البقرة: ۱۰۲]

لقمان؛ حکمتی که خداوند به او عنایت کرد، و گوشه‌ای از نصایح لقمان به پسرش

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ ۚ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿۱۲﴾﴾ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ ۖ وَهُوَ يَعِظُهُ ۖ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿۱۳﴾﴾ [لقمان: ۱۲-۱۳]

﴿يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿۱۲﴾﴾ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ ۖ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۖ وَأَصِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۱۷﴾ وَلَا تَصْعَقْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ ۖ وَلَا تَمْسِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۱۸﴾ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ ۖ وَأَغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿۱۹﴾﴾ [لقمان: ۱۶-۱۹]

### داستان اصحاب کهف

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿۹﴾﴾ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿۱۰﴾ فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿۱۱﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا ﴿۱۲﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ ۚ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ﴿۱۳﴾ وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَدْعُوهُ مِنْ دُونِهِ ۚ

إِلَهًا لَّقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا ﴿١٥﴾ هَوَّلَاءِ قَوْمًا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَّوَلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿١٥﴾ وَإِذِ اعْتَرَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا ﴿١٦﴾ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزْوُرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ﴿١٧﴾ وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمَلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ﴿١٨﴾ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَا لَهُمْ بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٢٠﴾ وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ﴿٢١﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَهْرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾

[الكهف: ٩-٢٢]

﴿وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا﴾ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصَرَ بِهِ وَأَسْمَعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ [الكهف: ٢٥-٢٦]

### ذوالقرنين

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا﴾ ﴿٨٣﴾ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿٨٤﴾ فَاتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَعْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا

تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَبْدَأُ الْقُرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٦﴾ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا ﴿٨٧﴾ وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءٌ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾ كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾ قَالُوا يَبْدَأُ الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾ ءَأَتُونِي زَبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَأَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾ فَمَا اسْطَعْمُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿٩٧﴾ قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿٩٨﴾ ﴿الكهف: ٨٣-٩٨﴾

### یاجوج و ماجوج

﴿وَحَرَّمَ عَلَىٰ قَرِيَّةٍ أَهْلُكُنَّهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَا جُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾ وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يُؤْيَلْنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾ ﴿الأنبياء: ٩٥-٩٧﴾

داستان حضرت عزیر علیه السلام: کسی که خداوند او را صد سال میراند و سپس زنده اش گرداند

﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرِيَّةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ﴿١٥٩﴾ ﴿البقرة: ٢٥٩﴾

## «اصحاب الجنة» (صاحبان باغ‌های سرسبز)

﴿إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾ وَلَا يَسْتَأْذِنُونَ ﴿١٨﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿١٩﴾ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾ فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾ أَنْ أَعْدُوا عَلَيَّ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَرِمِينَ ﴿٢٢﴾ فَأَنْظَلْنَاهُمْ وَهُمْ يَتَخَلَفُونَ ﴿٢٣﴾ أَنْ لَا يَدْخُلَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ﴿٢٤﴾ وَعَدَّوْا عَلَيَّ حَرِدٍ قَدِيرِينَ ﴿٢٥﴾ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَصَالُونَ ﴿٢٦﴾ بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٍ يَتَلَوَّمُونَ ﴿٣٠﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَافِينَ ﴿٣١﴾ عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا حَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾﴾

[القم: ۱۷-۳۲]



**توضیح موضوع:** مفسران گفته‌اند: در سرزمین «یمن» در دو فرسنگی «صنعا»، باغی بود از آن مردی که حق خداوند را از آن باغ می‌پرداخت و هر سال از میوه‌های باغش به فقراء و مستمندان و نیازمندان و تهی‌دستان انفاق می‌کرد. این مرد باغدار از دنیا رفت و چهره در نقاب خاک کشید و باغ به فرزندان و وارثانش رسید. وارثان تصمیم گرفتند تا فقرا را محروم نمایند، تنها یکی از وارثان مخالف بود ولی اکثر آنان بخل ورزیدند و برای محروم کردن فقرا تصمیم گرفتند که سحرگاهان به باغ روند و میوه‌ها را بچینند تا فقرا آگاه نشوند. به باغ رفتند، آن را یک تخته خاکستر دیدند. گفتند: ما راه را گم کرده‌ایم، این باغ ما نیست. اما دیگری گفت: ما از راه درست پدر، منحرف شدیم و تصمیم گرفتیم تا فقرا را از این باغ محروم کنیم، لذا خودمان محروم شدیم و دود آن به چشم خودمان رفت.

آن فرزندی که از روز اول با بخل و تنگ چشمی و حرص و آز و طمع مخالف بود، گفت: آیا به شما نگفتم این فکر غلط است؟

به هر حال، آنان قهر الهی را دیدند و متنبه شدند و یکدیگر را ملامت کردند و دانستند که حرص و بخل، سبب زیادت سرمایه و کامیابی نمی‌شود، و ثروتی که محرومان و فقرا از آن بهره‌مند نشوند، نبودنش بهتر است و طرح‌هایی که به محروم کردن فقرا و مستمندان بینجامد، ناکام و محکوم به شکست و ذلت و خواری و زبونی است.

داستان کسانی که از خانه‌های خویش، از ترس مرگ بیرون رفتند

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۲۴۳]

\*\*\*

توضیح موضوع: مفسران گفته‌اند: در یکی از شهرهای شام که حدود هفتاد هزار خانوار جمعیت داشت، بیماری طاعون پیدا شد و با سرعتی عجیب مردم را یکی پس از دیگری از بین می‌برد. در این میان عده‌ی زیادی از مردم که توانایی و امکانات کوچ داشتند، به امید اینکه از مرگ نجات پیدا کنند، از شهر خارج شدند، پروردگار آن‌ها را در همان بیابان به همان بیماری نابود ساخت.

و در حقیقت اصل بیماری طاعون در آن شهر، به عنوان مجازات بود، زیرا وقتی رهبر و پیشوای آنان از آن‌ها خواست که خود را برای مبارزه و جهاد با دشمنان آماده کرده و از شهر خارج شوند، آن‌ها به بهانه‌ی اینکه در منطقه‌ی جنگی مرض طاعون شایع است، از رفتن به میدان جنگ خودداری کردند و خداوند آن‌ها را به همان چیزی که بهانه‌ی فرار از جنگ قرار داده بودند، مبتلا ساخت.

در برخی از تفاسیر آمده است که وقتی «حزقیل پیامبر» (یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل) از آنجا عبور می‌کرد از خداوند درخواست کرد که آن‌ها را زنده کند. خداوند دعای او را اجابت کرد و آن‌ها را مجدداً زنده نمود و به زندگی بازگشتند. البته این داستان، هشدار و درس عبرتی برای آیندگان تاریخ است که انسان بفهمد و در راستای اوامر و فرامین الهی حرکت بکند.

«قوم تَبِعَ»

﴿أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ [الدخان: ۳۷]  
 ﴿وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ﴾ [ق: ۱۴]

\*\*\*

توضیح موضوع: «تَبِعَ»: یک لقب عمومی برای ملوک و شاهان یمن بود، مانند: «کسری» برای سلاطین ایران و «خاقان» برای شاهان ترک و «فرعون» برای سلاطین مصر و «قیصر» برای سلاطین روم.

و قوم تبع جمعیتی بودند با قدرت و نیروی فراوان و حکومت پهناور و گسترده. و «تبع» از این نظر بر پادشاهان یمن اطلاق می‌شد که مردم را به پیروی خود دعوت می‌کردند، یا پادشاهانی که یکی پس از دیگری روی کار آمدند. (یعنی یکی تابع دیگری بود)

قرطبی می‌گوید: «ظاهراً از آیات قرآن چنین برمی‌آید که این سخن خداوند متعال (در مورد «تبع») ناظر بر یکی از شاهان تبعه است که اعراب، بیشتر از دیگران او را به این اسم می‌شناختند، چنان‌که در حدیث شریف به روایت ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: تبع را دشنام ندهید زیرا او مسلمان شد.»

وی در ادامه می‌افزاید: «این تبع - و الله اعلم - همان «ابو کرب» جهانگشای یمن بود که قصد کعبه کرد تا آن را ویران کند، ولی در راه دچار بیماری سختی گردید که اطباء از درمان او عاجز شدند. در میان ملازمان او جمعی از دانشمندان بودند و رئیس آنان حکیمی به نام «شاملو» بود. او گفت: بیماری تو به خاطر قصد سوء درباره‌ی خانه‌ی کعبه است، و هر گاه از این فکر منصرف شوی و استغفار کنی، شفا خواهی یافت. تبع از تصمیم خود بازگشت و نذر کرد خانه‌ی کعبه را محترم دارد و هنگامی که بهبودی یافت پیراهنی از «بُرْدِ یمانی» بر کعبه بیوشاند.»

به هر حال، نباید فراموش کرد که اطلاعات زیادی از نظر تاریخی درباره‌ی شاهان تبعه‌ی یمن در دست نیست.

#### «اصحاب الاخدود» (صاحبان گودال شکنجه)

﴿قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۖ النَّارِ ذَاتِ الْوُؤُودِ ۗ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۗ﴾ [البروج: ۴-۷]



توضیح موضوع: «اصحاب اخدود» شکنجه گران کافر و بی‌رحمی بودند که در سرزمین یمن، گودال ژرف و درازی را کردند و در آن آتش زیادی را برافروختند و مؤمنان مسیحی را در آن گودال هولناک انداختند.

توضیح اینکه: به یکی از شاهان کفار یهودی به نام «زُرْعَةُ بن تَبَّانِ اسعد حمیری» معروف به «ذونواس» (آخرین پادشاه حمیر در سرزمین یمن) خبر رسید که در



سرزمین «نجران» (در شمال یمن) به دین نصرانیت ایمان آورده‌اند. هم مسلکان «ذونواس» او را وادار کردند که اهل نجران را مجبور به پذیرش آیین یهود کند. او به سوی نجران حرکت کرد و ساکنان آنجا را جمع کرد و آیین یهود را بر آن‌ها عرضه داشت و اصرار کرد آن را پذیرا شوند، ولی آن‌ها اباء کردند و حاضر به قبول شهادت شدند، اما حاضر به صرف نظر کردن از آیین خود نبودند.

هنگامی که با مقاومت آنان روبرو شدند، «ذونواس» دستور داد خندق و گودال ژرف و درازی را کنند و همیزم زیاد در آن ریختند و آتش زیادی را برافروختند و آنان را بدان گودال هولناک انداختند و خود در کنار آن ایستادند و از سوختن و بریان شدن مؤمنان شادی کردند و لذت بردند.

نقل است که دوازده، یا بیست، یا هفتاد هزار نفر از آن مؤمنان به قتل رسیدند.

### اصحاب فیل (فیلداران) و دسته‌های پرندگان

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾ تَرْمِيمِهِمْ بِجَارِقٍ مِّنْ سِجِّيلٍ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾﴾

[الفیل: ۱-۵]



توضیح موضوع: مفسران گفته‌اند: روایت است که در یمن حکمفرمایی بود به نام «ابرهه پسر صباح اشرم» که از سوی نجاشی پادشاه حبشه منصوب شده بود. آن حکمران، کلیسایی زیبا و بزرگ از سنگ مرمر به نام «قلیس» در صنعا یمن ساخت با این هدف که مردم را از حج کعبه به سوی آن کلیسا برگرداند، و توجه مردمان جزیره العرب را بدان جلب کند و آنجا را مرکز عبادت و تجارت نماید. اما یک نفر از بنی کنانه آمد و شب در آن ماند و به عنوان تحقیر و توهین، دیوارهایش را با نجاست آلوده کرد. این کار، سبب خشم ابرهه گردید و سوگند خورد که کعبه را ویران می‌کند، از این رو با لشکری انبوه سوار بر فیل به سوی مکه آمد تا به انتقام آن جسارت، کعبه را خراب کند. در پیشاپیش سپاه، فیلی بسیار بزرگ به نام «محمود» حرکت می‌کرد. وقتی به مکه نزدیک شدند، ساکنان مکه از ترس سربازان و ستم ابرهه به کوه‌ها فرار کردند. خداوند پرندگان سیاه رنگ را بر سر لشکریان سپاه ابرهه به پرواز درآورد. هر پرنده سه سنگ ریزه با خود حمل می‌کرد: یکی با منقار و دو سنگ را با پا حمل می‌کرد. پرندگان

سنگ‌ها را به طرف سپاه ابرهه پرتاب می‌کردند. سنگ بر سر سربازان می‌خورد و از مقعد آن‌ها بیرون می‌آمد و آن‌ها را مرده و بی‌جان بر زمین می‌انداخت. و خدا آنان را تا آخرین نفر نابود کرد و داستان آنان پند و عبرت برای تمام جهانیان شد. شایان ذکر است که این رویداد مهم تاریخی در سال تولد رسول اکرم ﷺ (۵۷۰ م) واقع شد.

و آن سال را «عام الفیل» نامیدند و این واقعه نیز در حقیقت از مقدمات نبوت آن حضرت ﷺ بود. خاطر نشان می‌شود که برخلاف آنچه در میان مردم مشهور شده است «ابابیل» نام پرنده‌ای خاص نیست، بلکه به معنای دسته دسته و گروه گروه است. «طیراً ابابیل» یعنی: پرندگانی که فوج فوج در دسته‌های پراکنده بر سر آن‌ها فرود آمدند.

### «اصحاب القرية»

﴿وَأَصْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾ قَالُوا طَيَّرْنَاكُمْ مَعَكُمْ أَيْنَ دُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾﴾ [یس: ۱۳-۱۹]

**توضیح موضوع:** مراد از اصحاب قریه، شهر «انطاکیه» یکی از شهرهای قدیم روم بوده که هم اکنون جزو خاک ترکیه و از شهرهای تجاری آن می‌باشد.

این شهر در زمان حضرت فاروق اعظم به دست حضرت «ابوعبیده جراح» فتح شد و از دست رومیان درآمد. مردم آن مسیحی بودند، پرداخت جزیه را پذیرفتند و بر آیین خود باقی ماندند.

«انطاکیه» برای مسیحیان مانند شهر «مدینه» برای مسلمانان، دومین شهر مذهبی محسوب می‌شود و شهر اول آن‌ها «بیت المقدس» است که حضرت مسیح دعوت خود را از آنجا آغاز کرد و بعد گروهی از مؤمنان به مسیح، به انطاکیه هجرت کردند و مردم را به آیین مسیح خواندند و از آنجا دین مسیح گسترش یافت.

بنا به قول عموم مفسران خداوند سه پیامبر به نام‌های «صادق»، «مصدق» و «شمعون» نزد آن‌ها فرستاد. و به پیامبر ﷺ دستور داد تا مردم مکه را از گرفتار شدن به سرنوشت اهل قریه که سه پیامبر از جانب خدا بر آنان مبعوث شد و آن‌ها را انکار کردند، برحذر بدارد. و بنا به قولی آن‌ها قاصدان و سفیران حضرت عیسیٰ ﷺ بودند.

**ابولهب (عموی پیامبر و سرسخت‌ترین دشمنان آن حضرت ﷺ) و همسرش (ام‌جمیل) که بدبخت و هیزم‌کش خواهد بود**

﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝۱ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ۝۲ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۝۳ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۝۴ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ۝۵﴾ [المسد: ۱-۵]



**توضیح موضوع:** نام ابولهب: «عبدالعزى بن عبدالمطلب» است. وی عموی پیامبر ﷺ بود و سرسخت‌ترین دشمنان آن حضرت ﷺ به شمار می‌آمد. زن ابولهب، فردی شاعر بود و نامش «ام‌جمیل» خواهر ابوسفیان بود. ابولهب و همسرش ام‌جمیل، دائماً بر ضد اسلام و برای اذیت و آزار مسلمانان در تلاش و تکاپو بودند.

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: بعد از اینکه آیهی ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ۝۱۱۱﴾ [الشعراء: ۲۱۴] نازل شد، پیامبر ﷺ به بالای کوه صفا رفت و ندا داد: ای بنی فهر! ای بنی عدی! چند تیره از قریش را فرا خواند. آن‌ها اجتماع کردند و هر کس که خود نمی‌توانست برود، یک نفر را می‌فرستاد تا ببیند چه خبر است. قریش جمع شدند و عموی ابولهب نیز آمد. گفتند: ای محمد! چه می‌خواهی؟ پیامبر ﷺ فرمود: اگر بگویم در پشت آن کوه لشکری مستقر است و می‌خواهد به شما حمله کند، آیا مرا تصدیق می‌کنید؟ گفتند: آری! هرگز از تو دروغ نشنیده‌ایم. آنگاه گفت: من شما را از غذایی بسیار نزدیک برحذر می‌دارم. ابولهب گفت: نابود بشوی! امروز ما را برای این جمع کرده‌ای؟ آنگاه خدا ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝۱﴾ [المسد: ۱] را نازل کرد.

از طارق محاربی نقل شده که گفت: روزی در بازار «ذی‌المجاز» بودم، جوانی را دیدم که می‌گفت: ای مردم! بگویند: «لا اله الا الله» تا رستگار شوید، و مردی را پشت سرش دیدم که او را می‌زد و ساق و قوزک پایش را خونین کرده بود و می‌گفت:

دروغگو است، او را تصدیق نکنید. گفتم: این کیست؟ گفتند: این محمد است که گمان می‌کند پیامبر است، و این هم عمویش «ابولهب» است که گمان می‌برد محمد ﷺ دروغگو می‌باشد!

ابولهب سه پسر به نام‌های «عتبه»، «معتب»، و «عتیبه» داشت و دو پسر اولش در روز فتح مکه مسلمان شدند و در غزوه‌ی حنین و طائف شرکت کردند، ولی «عتیبه» مسلمان نشد.

ام کلثوم دختر پیامبر اکرم ﷺ زن او و دیگر دخترش «رقیه» همسر برادرش «عتبه» بود. وقتی سوره‌ی مسد نازل شد، ابولهب به آن‌ها گفت: اگر دو دختر محمد ﷺ را طلاق ندهید، فرزند من نیستید!

پس آن‌ها را طلاق دادند. وقتی عتیبه با پدرش قصد سفر به شام را داشت گفت: نزد محمد می‌روم و او را آزار می‌دهم. نزد پیامبر آمد و گفت: محمد من به تو کافر م. آنگاه در مقابل پیامبر ﷺ آب دهان انداخت و دخترش ام کلثوم را طلاق داد. پیامبر ﷺ عصبانی شد و دعا کرد و گفت: بار خدایا! یکی از سگ‌هایت را بر او مسلط فرما. آنگاه شیر او را درید و نابود کرد. هفت روز بعد از غزوه‌ی بدر ابولهب به مرضی مُسری به نام «عدسه» مرد و سه روز ماند تا گندیده شد و بوی گندش همه جا را فرا گرفت. پس از ترس آبروریزی چاله‌ای حفر کردند و با چوب آن را به کنار چاله بردند و آن را در چاله انداختند و سنگ بر آن ریختند تا دفن شد، دقیقاً همان طور که قرآن خبرش را داده بود.

و چون همسر ابولهب، هیزم در مسیر راه پیامبر ﷺ می‌ریخت تا آن حضرت ﷺ را آزار دهد، لذا قرآن می‌فرماید: در قیامت نیز هیزم آتش دوزخ است و آن طناب‌هایی که برای جمع‌آوری هیزم استفاده می‌کرد به گردنش آویخته است.

و برخی از مفسران گفته‌اند: «حما لة الحطب» (هیزم کش)، کنایه از سخن چین است که با برافروختن آتش کینه‌توزی و دشمنانگی در میان مردم، خرمن محبت و مودت آنان را آتش می‌زند و رشته‌ی دولتی و رابطه‌ی خویشاوندی همگان را می‌گسلاند.

### پیروزی رومیان پس از شکستشان از ایرانیان

﴿عُلِبَتِ الرُّومُ ﴿۲﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيِّغُلُبُونَ ﴿۳﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ﴿۴﴾  
لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۵﴾﴾ [الروم: ۲-۴]



**توضیح موضوع:** مفسران گفته‌اند: در بین رومیان و ایرانیان جنگی دایر بود. ایرانیان بر رومیان غالب آمدند و خبر آن به پیامبر و یارانش رسید و این امر بر آنان گران آمد و مشرکان مکه از آن شاد شدند. زیرا مردم فارس «مجوس و آتش‌پرست» بوده و دارای کتاب نبودند، رومی‌ها مسیحی و اهل کتاب بودند. مشرکان به یاران پیامبر ﷺ می‌گفتند: شما و اهل روم دارای کتاب می‌باشید و ما ناخوانده کتاب هستیم. برادران ما در فارس بر برادران شما یعنی رومیان پیروز شده‌اند و ما نیز بر شما غالب می‌آئیم. بدین سان، این پیروزی را به رخ مسلمانان می‌کشیدند اما مسلمانان دوست داشتند که رومیان بر ایرانیان پیروز شوند چرا که آنان اهل کتاب آسمانی انجیل بودند. حضرت ابوبکر این موضوع را با رسول خدا ﷺ در میان گذاشت. رسول خدا ﷺ فرمودند: «بدان که رومیان به زودی بر ایرانیان پیروز می‌شوند.» آن‌گاه حضرت ابوبکر این خبر را به مشرکان داد. مشرکان به او گفتند: میان ما و خود میعاد بگذار پس اگر سخن ما در مورد پیروزی ایرانیان مسلم شد، این... و این... تعداد شتر به ما بدهید، و اگر سخن شما محقق شد و رومیان پیروز شدند، این... و این... تعداد شتر به شما می‌دهیم. چنین بود که با ابوبکر صدیق ﷺ شرط‌بندی کردند و ابوبکر صدیق پنج سال را میان خود و آنان شرط قرار داد. سپس به دستور رسول اکرم ﷺ این میعاد را تا نه سال افزایش داد و با گذشت این مدت بود که رومیان در این نوبت بر ایرانیان پیروز شدند و مسلمانان از این امر شاد و مسرور شدند.

و آیات اولیه‌ی سوره‌ی روم از جمله آیات درخشانی می‌باشند که بر صدق نبوت حضرت محمد ﷺ و این که قرآن از جانب خداوند ﷻ آمده است، گواه است. زیرا از غیبی خبر داده است که جز دانا و باخبر به غیب احدی از آن آگاه نیست، و جریان مطابق خبر اتفاق افتاد و این آیات از جمله دلایل صدق نبوت پیامبر ﷺ است، چون از غیب خبر داده است.



## منابع مترجم

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ «روح المعانی»؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ هـ. ق.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن؛ «صفة الصفوة»؛ قاهره؛ دارالحديث؛ ۱۴۲۱ ق.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ «تفسیر القرآن العظیم»؛ بیروت؛ المكتبة العصرية؛ ۱۴۲۲ هـ. ق.
۴. ابوزهره، محمد؛ «خاتم پیامبران»؛ ترجمه: حسین صابری؛ مشهد؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی؛ ۱۳۸۰ ش.
۵. ابوزهره، محمد؛ «معجزه‌ی بزرگ؛ پژوهشی در علوم قرآنی»؛ ترجمه: محمد ذبیحی؛ مشهد؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی؛ ۱۳۷۹ ش.
۶. احمدیان، عبدالله؛ «سیر تحلیلی کلام اهل سنت»؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۸۶ ش.
۷. احمدیان، عبدالله؛ «قرآن‌شناسی»؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۷۸ هـ. ش.
۸. بعلبکی، منیر؛ «فرهنگ المورد»؛ ترجمه‌ی محمد مقدس؛ تهران؛ امیر کبیر؛ ۱۳۸۵ هـ. ش.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر بن محمد؛ «انوار التنزیل و اسرار التأویل»؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیة؛ ۱۴۲۴ هـ. ق.
۱۰. تهانوی عثمانی، ظفر احمد؛ «احکام القرآن»؛ کراچی؛ اداره القرآن و العلوم الاسلامیة؛ ۱۴۱۸ ق.
۱۱. جزائری، ابوبکر؛ «ایسر التفاسیر»؛ بیروت، المكتبة العصرية؛ ۱۴۳۰ ق.
۱۲. جزائری، ابوبکر؛ «کلیات اسلام»؛ ترجمه: عبدالعزیز سلیمی؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۸۱ ش.
۱۳. حبنکه الميدانی، عبدالرحمن حسن؛ «قواعد التدبر الامثل لکتاب الله ﷻ»؛ دمشق؛ دارالقلم؛ ۱۴۲۵ ق.
۱۴. حبنکه الميدانی، عبدالرحمن حسن؛ «معارج التفکر و دقائق التدبر»؛ دمشق؛ دار القلم؛ ۱۴۲۰ ق.
۱۵. حسینی، سیدحسن؛ «قصه‌های قرآن»؛ تهران؛ دار الکتب الاسلامیة؛ ۱۳۸۳ ش.

۱۶. حوی، سعید؛ «الاساس في التفسير»؛ قاهره؛ دارالاسلام؛ چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. خالد، عمرو؛ «داستان پیامبران»؛ ترجمه: زاهد ویسی؛ خوف؛ حافظ ابرو؛ ۱۳۸۷ ش.
۱۸. خالدی، صلاح؛ «القصص القرآنی»؛ دمشق؛ دار القلم؛ ۱۴۲۸ ق.
۱۹. خرم دل، مصطفی؛ «تفسیر نور»؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۸۴ هـ.ش.
۲۰. خزائلی؛ محمد؛ «اعلام قرآن»؛ تهران؛ امیر کبیر؛ ۱۳۸۰ ش.
۲۱. دوسی، منیره محمد ناصر؛ «اسماء سور القرآن و فضائلها»؛ ریاض؛ دار ابن جوزی؛ ۱۴۲۶ ق.
۲۲. دیوبندی، محمود حسن؛ «تفسیر کابلی»؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۷۰ ش.
۲۳. ذهبی، محمد حسین؛ «التفسیر و المفسرون»؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۳۹۶ ق.
۲۴. رضا، محمد رشید؛ «تفسیر المنار»؛ قاهره؛ المكتبة التوفيقية؛ [بی تا]
۲۵. زحیلی، وهبه؛ «التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج»؛ دمشق؛ دار الفکر؛ ۱۴۱۸ هـ.ش.
۲۶. زحیلی، وهبه؛ «التفسیر الوسیط»؛ دمشق؛ سوریه، دار الفکر؛ ۱۴۲۲ ق.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر؛ «الکشاف»؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۲۴ هـ.ق.
۲۸. سائیس، محمد علی؛ «تفسیر آیات الاحکام»؛ دمشق؛ دار ابن کثیر؛ ۱۴۲۲ ق.
۲۹. سعدی، عبدالملک عبدالرحمن؛ «شرح عقاید اهل سنت و جماعت»؛ ترجمه‌ی امیر صادق تبریزی؛ سنج؛ کردستان؛ ۱۳۷۹ هـ.ش.
۳۰. سیدقطب؛ «تفسیر فی ظلال القرآن»؛ ترجمه: مصطفی خرم دل؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۸۶ ش.
۳۱. سیوطی، جلال الدین؛ «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۲۱ ق.
۳۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ «الاتقان فی علوم القرآن»؛ ترجمه‌ی مهدی حائری قزوینی، به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم؛ تهران؛ امیر کبیر؛ ۱۳۸۲ هـ.ش.
۳۳. شعراوی، محمد؛ «تفسیر الشعراوی»؛ اداره البحوث و التألیف و الترجمة؛ [بی تا]



۳۴. شلتوت، محمود؛ «اسلام، آیین زندگی»؛ ترجمه: عبدالعزیز سلیمی؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۸۲ش.
۳۵. شلتوت، محمود؛ «تفسیر قرآن کریم»؛ ترجمه: محمد رضا عطایی؛ مشهد؛ به نشر؛ ۱۳۸۲ش.
۳۶. شوکانی، محمد بن علی؛ «فتح القدیر»؛ بیروت؛ دار الکتب العلمیة؛ ۱۴۱۵ ق.
۳۷. صابونی، محمد علی؛ «تفسیر آیات الاحکام»؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۲۵ ق.
۳۸. صابونی، محمد علی؛ «صفوة التفاسیر»؛ بیروت؛ دار القلم؛ ۱۴۰۶ هـ.ق.
۳۹. صافی، محمود؛ «الجدول فی اعراب القرآن»؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۸۳ ش.
۴۰. صالح، بهجت عبدالواحد؛ «الاعراب المفصل لکتاب الله المرتل»؛ اردن؛ عمان؛ دار الفکر؛ ۱۹۹۸ م.
۴۱. صالح، صبحی؛ «مباحثی در علوم قرآن»؛ ترجمه: محمد علی لسانی فشارکی؛ تهران، احسان، ۱۳۷۹ ش.
۴۲. طبّاره، عقیف عبدالفتاح؛ «روح الدین الاسلامی»؛ ترجمه: ابوبکر حسن زاده؛ سقز؛ محمدی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۴۳. طبری، ابن جریر؛ «تفسیر طبری (جامع البیان عن تأویل القرآن)»؛ دمشق؛ دارالقلم؛ و بیروت، الدار الشامیة؛ ۱۴۱۸ ق.
۴۴. عبدالباقی، محمد فؤاد؛ «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم»؛ قم؛ ذوی القربی؛ ۱۳۸۴ هـ.ش.
۴۵. عثمانی، محمد تقی؛ «علوم القرآن»؛ ترجمه: محمد عمر عیدی دهنه؛ تربت جام؛ شیخ الاسلام احمد جام؛ ۱۳۸۳ ش.
۴۶. عثمانی، محمد شفیع؛ «معارف القرآن»؛ ترجمه: محمد یوسف حسین پور، تربت جام، شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۷۷ ش.
۴۷. عمادی حنفی، محمد بن محمد بن مصطفی؛ «تفسیر ابی السعود»؛ یا «ارشاد العقل السلیم الی مزايا الكتاب الکریم»؛ بیروت؛ دار الکتب العلمیة؛ ۱۴۱۹ ق.
۴۸. عمید، حسن؛ «فرهنگ عمید»؛ تهران؛ امیر کبیر؛ ۱۳۸۲ ش.
۴۹. غزالی مصری، محمد؛ «فقه السیرة»؛ ترجمه: محمد طاهر حسینی؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۷۸ ش.

۵۰. فخر رازی، محمد بن عمر؛ «مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)»؛ بیروت، دارالکتب العلمیة؛ ۱۴۲۵ ق.
۵۱. فشابه، هشام؛ «دلیل الموضوعات فی القرآن الکریم»؛ بیروت؛ مؤسسه الریان؛ ۱۴۲۲ ق.
۵۲. قاسمی، محمد جمال الدین؛ «محاسن التأویل (تفسیر قاسمی)»؛ قاهره؛ دارالحدیث؛ ۱۴۲۴ ق.
۵۳. قرائتی، محسن؛ «تفسیر نور»؛ تهران؛ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛ ۱۳۷۵ ش.
۵۴. قرضاوی، یوسف؛ «دورنمای جامعہ اسلامی»؛ ترجمه: عبدالعزیز سلیمی؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۷۸ ش.
۵۵. قرضاوی، یوسف؛ «دیدگاه‌های فقهی معاصر»؛ ترجمه: احمد نعمتی؛ تهران، احسان؛ ۱۳۸۴ ش.
۵۶. قرطبی، محمد بن احمد؛ «الجامع لاحکام القرآن»؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۲۲ ق.
۵۷. قرنی، عائض؛ «التفسیر المیسر»؛ ریاض؛ مکتبه العبیکان؛ ۱۴۲۸ ق.
۵۸. قیروانی، ابومحمد مکی بن ابی‌طالب؛ «مشکل اعراب القرآن»؛ دمشق؛ الیمامة؛ ۱۴۲۳ ق.
۵۹. مبارک فوری، صفی الرحمن؛ «خورشید نبوت»؛ ترجمه: محمد علی لسانی فشارکی؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۸۵ ش.
۶۰. محلّی، جلال الدین؛ و سیوطی، جلال الدین؛ «حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین»؛ قاهره؛ مکتبه الثقافة الدینیة؛ ۲۰۰۴ م.
۶۱. مخلص، عبدالرئوف؛ «انوار القرآن»؛ تربت جام؛ شیخ الاسلام احمد جام؛ ۱۳۸۰ ش.
۶۲. مراغی، احمد مصطفی؛ «تفسیر المراغی»؛ دمشق؛ دارالفکر؛ ۱۴۲۶ ق.
۶۳. مظهری، محمد ثناء الله عثمانی حنفی؛ «تفسیر المظهری»؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۲۵ ق.
۶۴. معلوف، لويس؛ «المنجد»؛ ترجمه: مصطفی رحیمی‌نیا؛ تهران؛ صباء؛ ۱۳۸۰ ش.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ «تفسیر نمونه»؛ تهران؛ دار الکتب الاسلامیة؛ ۱۳۸۵ ش.

۶۶. «الموسوعة القرآنية الميسرة»؛ جمعی از نویسندگان عرب؛ دمشق؛ دار الفكر؛ ۱۴۲۵ق.
۶۷. ميبدي، ابوالفضل رشيدالدين؛ «كشف الاسرار و عدّة الابرار»؛ تهران؛ امير كبير؛ ۱۳۸۲ش.
۶۸. ندوی، ابوالحسن؛ «نبی رحمت»؛ ترجمه: محمد قاسم قاسمی؛ تربت جام؛ شيخ الاسلام احمد جام؛ ۱۳۸۰ ش.
۶۹. نسفی، عبدالله بن احمد بن محمد؛ «تفسير النسفي»؛ به تحقيق: مجدی منصور؛ قاهره؛ المكتبة التوفيقية؛ [بی تا]
۷۰. نعمانی، شبلی؛ و ندوی، سیدسلیمان؛ «فروغ جاویدان»؛ زاهدان؛ فاروق اعظم؛ ۱۳۸۱ش.
۷۱. نیشابوری، ابوبکر عتیق؛ «تفسیر سورآبادی»؛ به تصحیح: سعیدی سیرجانی؛ تهران؛ فرهنگ نشر نو؛ ۱۳۸۰ ش.